۲

علم مفاهیم شناسی در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد دوم - حرف ب ----- ۷
مشخصات کتاب ----- ۷
مقدمه ----- ۷
بشر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۲۴
بصرت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۸۰
بصره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۱۴۹
بعث از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۱۵۱
بعثت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۱۵۷
بغض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۲۶۲
بغی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۲۷۶
بکارت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۲۸۲
بلا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۲۸۶
بلاغت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۲۹۹
بلایا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۳۰۳
بلعم باعورا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۳۱۸
بلوغ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۳۳۱
بندگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۳۳۷
بنی اسرائیل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۵۷۳
بنی قریظه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۱۵۴۹
بنیامین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۱۵۵۹
بهانه جوئی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۱۶۲۸
بهداشت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۱۶۸۹
بهشت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۱۶۹۱

بهشتیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۴۴۲
بی پناهان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۶۳۴
بی تقوایان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۶۵۰
بی عقلی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۶۹۲
بی گناهان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۷۱۲
بی لیاقتی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۷۱۶
بی نیازی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۷۲۸
بی همسران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۷۹۰
بیابان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۷۹۶
بیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۸۰۰
بیت المال از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۸۲۶
بیت المعمور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۸۲۹
بیت المقدس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۸۳۲
بیداری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۸۶۱
بیع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۸۷۳
بیعت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۸۷۷
بیگانگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۸۹۷
بیمار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۹۱۲
بینایی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۹۸۷
بینش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۰۰۸
درباره مرکز ---------- ۳۳۰۴

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد دوم – حرف ب

مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد دوم - حرف ب/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم – مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴آ۵

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د۵۷۷آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱–قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف،هدف، فایده،

پیش انگاره ها (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعد آن آشنا می سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می شود: ۱) مبانی تفسیر؛ ۲) قواعد تفسیر؛ ۳) منابع تفسیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲–اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شودمقدمه تفسیرخواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می باشد . زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که دردورهای مختلف شامل کلام های مقدس(کتابهای آسمانی) نیز شده است . زبان شناسی شامل: زبان شناسی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختاری ؛ سبک شناسی ؛ تجویز و توصیف ؛ کاربردشناسی ؛ زبانشناسی کاربردی ؛ اکتساب زبان ؛ زبان شناسی روان شناختی ؛ زبان شناسی جامعه شناختی ؛ زبان شناسی شناختی ؛ جامعه شناسی زبان ؛ زبان شناسی محاسباتی؛ زبان شناسی توصیفی ؛ زبان شناسی تاریخی ؛ زبان شناسی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک ومتودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی درمباحث شناخت قرآن داشته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسیرما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است . این مسئله برای هرکس که باتفسیرقرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضی آیات قرآن قرنها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیرکرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکارشدن این مدعی تفاسیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین زمینه مراکز

قرآنی وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابررایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن را درمنظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیرآمده است.

۹-البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیراکه بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته درضمن مطالب دیگربیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند وبسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی وقرآنی و بعد تمرکزبرروی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) وکشف آن در تفسیرشریف راهنما به این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

درکل قرآن فکرودل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد ؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کاروندداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردنند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بارقابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمائی می کند.کاری که ازعهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی برنمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰–ازخوبیهای علم دردوران جدید این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت . شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن و صدها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسیاری ازتفاسیر که دردوران قدیم نوشته شده است درمحدوده علم آموزی ودانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که دراختیارداشته و گرایش و هدفی که داشته است.درصورتیکه درزمان معاصرباید ازنوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیرخودداری کرد و زیرنظرمجموعه ای ازاساتید ، تفسیرهمه جانبه نوشت.وحوزهای پژوهشی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسیرازنکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه(صلوةَ) را به این شکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صلاةَ) بنویسیم. اگرما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسیم باید بااین ملاک واحد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳-اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم باید اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴-قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معیّن آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهانِ ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز ازهمین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هروقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند . و چهره کامل آن درزمان حکومت حضرت ولی عصر(عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَکُمْ وَلَا تَکُونُوا أَوَّلَ کَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآیَاتِی ثَمَناً قَلِیلًا وَإِیَّایَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداونـد می فرمایـد قرآن را ارزان نفروشـید قـدروقیمت وعظمت آن را دریابیـد و برای رسـیدن به آن بهای لازم را بپردازیـد. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

–

۱۶- دراین قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی دردنیای معاصرحضرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی(ره)- صفحه ۹۱ تا ۹۳- پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است ، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات وبینات است

و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم وزیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم ومعرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن رابرآورند و در ابعاد سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است ؛ از عرفان و فلسفه تاادب و سیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است . و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزید و قرآن کریم را ازشرجاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم . و شما ای فرزندان برومند اسلام ! حوزه ها ودانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیـدار کنیـد. تـدریس قرآن در هر رشـته ای از آن را محط نظر و مقصـد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسـته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نـازل گردیـده اسـت ، آن است که مسائـل مهم حیـاتی را چه در معنویـات و چه در نظـام ملکی زنـده نگه دارد و بفهمانـد که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سـخن اسـتفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارنـد که انسان نخست می اندیشـند سـپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بـدون اسـتعمال الفـاظ امکان پـذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سـخن فروبسـته و به انـدیشه فرورفته باشـد، بـاز در واقع بـا یک سلسـله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) — وجود لفظی

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی . از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف-وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تندخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجوید ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب-وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج-وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د-وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامل قرآن درعالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضرت امام ولی عصر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند دربخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد ووقتی درعرصه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷-ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبا استخراج کرده ایم ؛ باشد که انشا ء الله در آینده این علم(مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضی ازاستاندارهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را درمقدمه آن تفسیرشایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی ازکلمات مشترک لفظی و بعضی ازآنها مشترک معنوی می باشند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانیکه

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

بشر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بشر

آثار بشر بودن انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۸

۸- همسان بودن انبیا با سایر مردم ، مانع شناخت ارزش ها و توانایی های ویژه آنان

و ما منع الناس . .. إلّا أن قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

از اینکه مشرکان نبوت بشر را امری ناشدنی می دانستند، می تواند از این جهت باشد که آنان، پیامبران را افرادی چون خود تلقی می کردند و آنان را همچون خود، ضعیف و ناتوان می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۴

۴ - بشر بودن پیامبران ، بهانه و دستاویز کافران برای کفر و روی گردانی از تعالیم دین

فقالوا أبشر یهدوننا فکفروا و تولّوا

آثار بشر بودن صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۳

۳ - ویژگی های بشری صالح (ع) ، مانع از رسالت وی در دیدگاه ثمودیان

قالوا . .. ما أنت إلّا بشر مثلنا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۴ – ۱

۱ – بشر بودن صالح پيامبر (ع) ، بهانه قوم ثمود ، براى تكذيب رسالت آن حضرت

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا نتّبعه

اشراف قوم نوح و نبوت بشر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۷ – ۲

۲ سران كفرپيشه قوم

نوح ، بشر را شایسته رسالت نمی پنداشتند .

فقال الملأ . .. ما نریک إلّا بشرًا مثلنا

بشر بودن ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۷ - ۶

۶- حضرت ابراهیم (ع) از جهت فرایند جسمی و حالات روحی و نیز در روابط موجود میان انسان ها ، همانند سایر مردم بود .

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . .. قال إنا منکم وجلون ... مسّنی الکبر ... قال فما خطبکم

بشر بودن انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۶

۶ - بعثت پیامبران و انتخاب ایشان از میان خود مردم و از جنس آنان ، از نعمت های الهی است .

ربنا وابعث فیهم رسولا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۶

۶ - انتخاب پیامبران از میان مردم و از جنس خودشان ، از نعمت های الهی است .

کما أرسلنا فیکم رسولا منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۶

۶ مسیح (ع) نیز همانند دیگر پیامبران الهی ، انسانی فناپذیر

ما المسيح ابن مريم الا رسول قد خلت من قبله الرسل

یادآوری رحلت پیامبرانی در گذشته تاریخ پس از توصیف مسیح(ع) به رسالت، اشاره به امکان مرگ و رحلت برای مسیح(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱،۵

۱ خداوند بر فرض انتخاب فرشتگان برای پیامبری، آنان را به صورت بشر قرار می

داد.

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

۵ خداوند، جز از جنس بشر، پیامبری برای آدمیان قرار نخواهد داد.

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۴ – ۱۳

۱۳ از امام هادی (ع) روایت شده است : < . . . قالت الجهله : کیف لایبعث إلینا نبیاً من الملائکه ؟ . . . فأوحی اللّه عزوجل إلی نبیه (ص) : فاسئل الذین یقرؤن الکتاب من قبلک . . . هل یبعث اللّه رسولاـ قبلک إلاـ و هو یأکل الطعام و یمشی فی الأسواق و لک بهم أسوه ;

. .. جاهلان گفتند: چرا برای ما پیامبری از فرشتگان مبعوث نمی شود ...؟ پس خداوند به پیامبر خود وحی نمود: از کسانی که پیش از تو کتاب می خواندند، بپرس آیا چنین نیست که قبلا خداوند هیچ پیغمبری نفرستاد مگر اینکه او طعام می خورده و در بازارها راه می رفته؟ و آنان برای تو اسوه و مقتدا هستند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۱ – ۴

۴ فرشته بودن ، از شرایط احراز مقام نبوت و پیامبری نیست .

و لاأقول إنی ملک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۳ – ۸

۸ یوسف (ع) ، برخوردار از تمایل جنسی و توانا بر کام یابی از زنان

و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۴

۴ انبیا نیز همانند

دیگران دارای کشش های نفسانی هستند .

و ما أُبرّءُ نفسی إن النفس لأمّاره بالسوء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۹ – ۳،۵

۳ همه پیامبران از جنس بشر و از صنف مردان بودند .

و ما أرسلنا من قبلک إلاّ رجالاً

آیه شریفه در مقام دفع این توهّم است که پیامبران باید از فرشتگان باشند. از این رو مقصود از <رجال> مقابل فرشتگان است ، ولی انتخاب کلمه <رجالاً> به جای <إناساً> و مانند آن اشاره به این واقعیت دارد که: پیامبران از صنف زنان نبودند.

۵ گزینش پیامبران از میان خود انسانها ، از سنت های خداوند است .

و ما أرسلنا من قبلک إلاّ رجالاً . .. من أهل القری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۸ – ۴،۶،۷،۸

۴ پیامبران پیشین نیز همانند پیامبر اکرم (ص) دارای همسر و فرزند بودند .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلک و جعلنا لهم أزوجًا و ذریّه

۶ پیامبر بودن با داشتن زن و فرزند (زندگانی بشری و عادی) منافات ندارد .

و جعلنا لهم أزوجًا و ذریّه

۷ مردم عصر بعثت ، پیامبریِ فردی از افراد بشر را امری بعید می شمردند .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلک و جعلنا لهم أزوجًا و ذریّه

۸ قرآن با توجه دادن مردم به زندگانی بشری و عادی پیامبران پیشین ، طعن و ایراد مخالفان پیامبر (ص) را امری نابجا و ناموجه دانست .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلک و جعلنا لهم أزوجًا و ذریّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۹

۹ پیامبران نیز همانند دیگر انسان ها وفات می کنند .

أو نتوفینّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۱۷

۱۷- کافران اقوام پیشین به جای دادن جواب مساعد به دعوت منطقی انبیای خویش ، بشر بودن آنان را بهانه نپذیرفتن دعوتشان قرار دادند .

قالت رسلهم أفی الله شکّ فاطر السموت و الأرض . .. قالوا إن أنتم إلّا بشر مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱

۱- انبیا در مقابل اقوام کافر که بشر بودن را با مقام پیامبری منافی می دانستند ، بر بشر بودن خود تأکید می کردند و عدم تنافی آن را با مقام نبوت اعلام می داشتند .

قالوا إن أنتم إلّا بشر مثلنا . .. قالت لهم رسلهم إن نحن إلّا بشر مثلکم و لکنّ ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۷ - ۵

۵- پیامبران چون دیگر انسان ها در برابر ناملایمات ، متأثر می شدند .

و لقد نعلم أنک یضیق صدرک بما یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱

۱- تمامی انبیا و رسولان الهی ، از جنس بشر بوده اند .

و ما أرسلنا من قبلک إلّا رجالاً نوحی إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۲،۷،۱۰

۲- بشر بودن رسولان الهی ، تنها دستاویز عمده برای بهانه جویی های مخالفان کافر و مشرک جهت ایمان نیاوردن

به آنان

و قالوا لن نؤمن لک حتی . .. إلّا أن قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

۷- مشرکان معتقد به برتر بودن مقام رسالت از شأن بشر

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

۱۰- < عن أبی عبدالله (ع) : < قالوا أبعث الله بشراً رسولاً > قالوا : إن الجن کانوا فی الأرض قبلنا ، فبعث الله إلیهم ملکاً ، فلو أراد الله أن یبعث إلینا لبعث الله ملکاً من الملائکه ، و هو قول الله < و ما منع الناس أن یؤمنوا إذ جائهم الهـدی إلّا أن قالوا أبعث الله بشراً رسولاً > ;

از امام صادق(ع) روایت شـده است: <قالوا أبعث الله بشـراً رسولاً> آن ان (منکرین رسالت محمـد(ص)) گفتنـد: همانا جنیان قبل از ما در زمین بودنـد. پس خداونـد فرشـته ای را به سوی آنان مبعوث کرد. پس اگر خداونـد کسـی را اراده کرده است به سوی ما بفرسـتد، پس بایـد فرشـته ای از فرشـتگان را می فرسـتاد و این سـخن خداونـد است که می فرماید: و ما منع الناس أن یؤمنوا إذ جائهم الهدی إلّا أن قالوا أبعث الله بشراً رسولاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۲،۷

۲- سنت خداوند بر برانگیختن رسولانی از جنس خود انسان ها به سوی آنان

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً. قل لو کان ... لنزّلنا علیهم من السّماء ملکًا رسولا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که آیه در مقام پاسخ گویی به شبهه مشرکان باشد که تصور می کردند: بشر نمی تواند پیامبر باشد.

۷ استبعاد مشرکان از بشر بودن رسول ، ناشی از دم توجه آنان به

وساطت ملائکه میان خدا و پیامبران است . *

قل لو کان فی الأرض ملئکه یمشون مطمئنین لنزّلنا علیهم من السّماء ملکًا رسولاً

آیه فوق، می تواند در مقام پاسخ به مشرکان باشد. با این بیان که مشرکان، بعید می شمردند که فردی از بشر با خدای جهان ارتباط داشته باشد.آیه جواب می دهد که: پیامبران، بیواسطه وحی تلقی نمی کنند; بلکه اصولاً بین خدا و زمینیان، ملکی واسطه وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۹

۹- پیامبران ، در بُعد جسمی و زندگی مادّی ، دارای اوصافی مانند دیگران اند .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۷ - ۵

۵ - وجود حالات و روحیات انسان های عادی در پیامبران

فأوجس فی نفسه خیفه موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۴

۴ - وجود حالات انسان های عادی در پیامبران

غضبن أسفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۱،۳،۸،۹،۱۲

۱- تمامی رسولان الهی ، از نوع بشر و جنس مرد بودند .

و ما أرسلنا قبلک إلّا رجالاً

۳- مقام پیامبری با بشر بودن ناسازگار نیست ; بلکه بشر بودن پیامبران ، سنت الهی است .

هل هذا إلّابشر مثلکم . .. ما أرسلنا قبلك إلّا رجالاً

۸- دعوت خداوند از مشرکان مکه ، مبنی بر پرسش از آگاهان در زمینه بشر بودن پیامبران پیشین

فسلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

۹- بشر بودن پیامبران ، امری مسلّم نزد

عالمان دینی و آگاهان تاریخ انبیا در عصر بعثت

و ما أرسلنا . .. فسلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

مقصود از <أهـل الـذکر> عالمـان دینی است; زیرا اولاًـ عموم مردم از تاریـخ پیـامبران بی خبر بودنـد و این نوع اطلاعات در اختیار عالمان دینی بود و ثانیاً واژه <ذکر> در قرآن، بر کتاب های آسمانی و از جمله خودِ قرآن اطلاق گردیده است.

۱۲- تجاهل مشرکان مکه ، نسبت به بشر بودن پیامبران گذشته

فسلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

قیـد <إن کنتم لاـتعلمون> اشـاره به علم و آگـاهی مشـرکان دارد; زیرا اگر آنان واقعاً نمی دانسـتند، قیـد یاد شـده (اگر نمی دانید) لغو و زاید می شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸ – ۱،۲،۳

۱- بدن پیامبران همانند دیگر انسان ها ، نیازمند به تغذیه است .

و ما جعلنهم جسدًا لایأکلون الطعام

۲- پیامبران و مردم ، در ویژگی های جسمانی و نیاز های بشری همانند و همسان اند .

و ما جعلنهم جسدًا لایأکلون

۳- پیامبران مانند دیگر انسان ها ، از حیات جاوید در دنیا برخوردارنبودند .

و ما جعلنهم جسدًا . .. ما کانوا خلدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۱ – ۵

۵- پیامبران ، دارای ویژگی های انسانی (تألمات روحی و نیاز به دلجویی و تسلّی)

و لقد استهزئَ برسل من قبلک

دلجویی خداونـد از پیـامبر(ص) در برابر اسـتهزای کـافران، نشـانگر این واقعیت است که پیامبر(ص) نیز چون سایر انسان ها، از

تهاجم دشمنان متأثر شده و نیازمند تسلّی خاطر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۴

۴- پیامبران ، برخوردار از خصلت های بشری

إذ ذهب مغضبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۲ – ۲

۲ – سنت الهی ، بر فرستادن رسولانی از جنس بشر و برخاسته از میان همان مردم بود .

فأرسلنا فیهم رسولاً منهم

بلکه فردی بود برخاسته از میان همان مردم، تربیت شده در میان ایشان و شناخته شده برای همه آنان بود. هم چنین قید <منهم> بیانگر این معنا است که آن پیامبر، از جنس خود مردم بود، نه از غیر بشر.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۳ – ۹،۱۰

۹ – برخورداری پیامبر از اوصاف بشری ، دستاویز اشراف جامعه پس از نوح در انکار رسالت وی

ما هذا إلّا بشر مثلکم

۱۰ – بشر بودن و خوردن و آشامیدن همانند انسان ها ، مانع از رسالت در نظر اشراف و عناصر مرفه

ما هذا إلّا بشر مثلکم یأکل ممّا تأکلون منه و یشرب ممّا تشربون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۱ – ۱

۱ – پیامبران الهی ، دارای جنبه بشری و نیازمند تغذیه و بهره گیری از موهبت های طبیعی ، مانند دیگر مردمان

یأیّها الرسل کلوا من الطّیّبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۰ – ۱،۳

۱ همه پیامبران الهی در طول تاریخ ، همچون سایر مردمان ، نیازمند به تناول غذا و داد و ستد با مردم

و ما أرسلنا قبلك من المرسلين إلّا إنّهم ليأكلون الطعام

و یمشون فی الأسواق

۳ همانندی زندگی همه پیامبران با دیگر مردمان در نیازمندی ها و نیز در کفیت تأمین آنها ، از سنت های خداوند

و ما أرسلنا قبلك من المرسلین إلّاإنّهم لیأكلون الطعام و یمشون فی الأسواق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۸

۸ - در انبیا ، مانند دیگر انسان ها ، احساسات طبیعی وجود دارد .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا و قالوا لاتخف و لاتحزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۵ - ۱،۴

۱ - مردم انطاکیه ، پیامبران الهی را انسان هایی همانند خود می دانستند و هیچ برتری و امتیازی برای آنان قائل نبودند .

قالوا ما أنتم إلّا بشر مثلنا

تصریح مردم انطاکیه به مثل و مانند خود بودنِ پیامبران، بیانگر نکته یاد شده است.

۴ - پیامبران الهی ، بشری هم چون دیگر انسان های عصر خویش بودند .

قالوا ما أنتم إلّا بشر مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۳،۴،۵

۳ - انتخاب پیامبر برای هدایت انسان ها از میان خود آنان ، کاری عالمانه و حکیمانه و متناسب با ویژگی های انسان ها و نیاز های آنان است .

قالوا ربّنا یعلم إنّا إلیكم لمرسلون

بیشتر مفسران برآنند که به گواه گرفتن خدا و یاد علم و دانایی او، در پاسخ کسانی که به دلیل بشر بودن پیامبران منکر رسالت آنان بودند، می تواند برای بیان این نکته باشد که این انتخاب از سوی کسی است که

عالم و حکیم است و کار او نیز عالمانه و حکیمانه می باشد; مثل آیه شریفه: <اللّه أعلم حیث یجعل رسالته> (أنعام (۶) آیه ۱۲۴).

۴ - جهل و ناآگاهی مردم انطاکیه ، از فلسفه بعثت پیامبران و حکمت گزینش آنان از میان انسان ها

قالوا ربّنا یعلم إنّا إلیکم لمرسلون

یادآوری علم و دانایی خداوند، پس از تکذیب رسولان الهی به دلیل بشر بودن آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۵ - جهل و ناآگاهی مردم انطاکیه از فلسفه انتخاب رسولان از میان انسان ها ، سبب تکذیب کردن آنان شده بود .

قالوا ربّنا یعلم إنّا إلیکم لمرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۲

۲ - انتخاب شدن انسان به پیامبری ، امری شگفت آور در نظر کافران

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که مقصود از <منهم> از جنس انسان بودن پیامبر باشد; زیرا کافران و مشرکان صدراسلام، انسان را شایسته رسیدن به مقام پیامبری و ارتباط با خداوند نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۹ - ۷

۷ - گزینش رسولان و پیامبران از میان مردم ، جلوه ای از عزت و بخشندگی خداوند است .

أم عندهم خزائن رحمه ربّک العزیز الوهّاب

آمدن دو صفت <عزیز> و <وهّاب> برای خداوند، پس از طرح مسأله موهبت نبوت و رسالت، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۰ - ۶

۶ - گزینش پیامبر از میان انسان ها ، تنها

در توان خداوند حاکم بر جهان هستی است .

جاءهم منذر منهم . .. أءنزل علیه الذکر من بیننا ... أم لهم ملك السموت ... فلیرتق

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، می تواند پاسخی به اعتراض کافران باشد که چرا از میان توده های مردم، حضرت محمد(ص) به پیامبری مبعوث شده است؟ و یا چرا پیامبر از جنس بشر برگزیده شده است؟ (بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم . .. أءنزل علیه الذکر من بیننا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۰ - ۲

۲ - پیامبران ، از نظر خصوصیات و ویژگی های انسانی همانند دیگر انسان ها هستند .

إنّک میّت و إنّهم میّتون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که یادآوری رحلت پیامبر(ص)، می تواند به خاطر این باشد که برخی از مردم، عقیده داشتند که پیامبر(ص) نباید بمیرد و باید حیات جاودانه و یا عمر طولانی داشته باشد. بر این اساس آیه شریفه، پیام آور این حقیقت کلی و عام است که همه انسان ها حتی پیامبران از نظر خصوصیات انسانی مانند روبه رو شدن با مرگ یکسان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - پیامبران ، از جنس بشر بوده و از میان متن جامعه خویش برخاسته اند .

رسل منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۰ - ۳

۳ - پیامبران ، موجوداتی از سنخ انسان ها و نه فرشتگان

و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکه فی الأرض

برداشت یاد

شده بدین احتمال است که آیه شریفه پاسخی باشد به انتظار مشرکان مکه که توقع فرشته بودن پیامبر را داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۶

۶ - پیامبران الهی ، از نوع بشر و دارای خصوصیت بشری بودند .

أبشر یهدوننا

بشر بودن داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۲

۲ - داوود (ع) ، برخوردار از روحیات و خصوصیات بشری (مانند ترس و . . .) در برخورد ناگهانی با خطرات

إذ دخلوا علی داود ففزع منهم

بشر بودن شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۴

۴ - برخورداری شعیب (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز مردم < اَیکه > در رد رسالت وی

قالواإنّما أنت من المسحّرین

<مسحّر> می تواند مشتق از <سحر> باشد <مسحّر> مرادف <رئه> (شُش)است. بنابراین واژه <مسحّر> به معنای موجود دارای شُش که از خصوصیات بشری است می باشد. این تعبیر کنایه از همگونی شعیب(ع) با سایر مردم و امتیاز نداشتن وی می باشد. گفتنی است برپایه این احتمال، آیه بعد توضیح همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۲،۶

۲ - بشر بودن ، مانع رسالت و پیامبری در دید مردم اَیکه

و ما أنت إلّا بشر مثلنا

۶ - شعیب (ع) ، از نظر خصوصیات بشری هم چون دیگر مردمان بود .

و ما أنت إلّا بشر مثلنا

بشر بودن

صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۵

۵ - برخورداری صالح (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز ثمودیان در رد رسالت وی

قالواإنّما أنت من المسحّرين

<مسحّر> می تواند مشتق از <سحر> باشد. <سحر> نیز مرادف <رئه> (شُش) است. بنابراین واژه <مسحر> به معنای موجود دارای شُش است که از خصوصیات بشری می باشد. گفتنی است برپایه این معنا، آیه بعد، توضیح و تفسیر همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۲

۲ - حضرت صالح (ع) چونان دیگر مردمان ، دارای تمامی خصوصیات بشری

ما أنت إلّا بشر مثلنا

بشر بودن عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ عیسی (ع) ، فرزند مریم است . نه فرزند خدا

عیسی ابن مریم

تأکید خداوند بر اینکه او را فرزند مریم می خواند، برای ردّ پندار کسانی است که او را فرزند خدا می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۶ - ۲

۲ احتجاج بحق یهود با نصارا ، درباره عدم الوهیّت عیسی (ع) و پسر خدا نبودن وی

حاججتم فیما لکم به علم

احتجاج یهود در موردی که علم داشتند، عبارت بود از عدم الوهیّت حضرت عیسی (ع) و . .. که این احتجاج، بحق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۱۵،۲۲

۱۵ عیسی (

ع) و مادرش مریم ، انسانهایی همانند دیگر انسانها

ان یهلک المسیح ابن مریم و امه و من فی الأرض جمیعاً

آوردن <من فی الارض> با وجود اینکه استدلال، بدون آن نیز تمام است، می تواند اشاره به این نکته باشد که از جهت مملوکیت و ناتوانی در برابر خدا، بین مسیح(ع) و دیگران تفاوتی نیست.

۲۲ مالکیت خداوند بر هستی ، دلیل توانایی وی بر نابود ساختن مسیح (ع) ، مریم (ع) و تمامی اهل زمین و نفی هرگونه قدرت در برابر قدرت اوست .

فمن یملک من اللّه شیئاً ان اراد ان یهلک . .. و للّه ملک السموت و الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۴،۵،۶

۴ مسیح (ع) فرزند مریم نه خدا و نه زده او

المسیح ابن مریم

۵ اعتراف مسیحیان به فرزندی مسیح (ع) برای مریم

قالوا إنّ اللّه هو المسیح ابن مریم

۶ زاده شدن مسیح (ع) از مریم (ع) گواهی روشن بر خدا نبودن او

لقد کفر الذین قالوا إنّ اللّه هو المسیح ابن مریم

تصریح به فرزندی مسیح(ع) برای مریم، برای بیان این حقیقت است که فرزند بودن (مخلوق بودن) با الوهیت تنافی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱،۲،۴،۶

۱ مسیح (ع) فرزند مریم و فرستاده خداوند

ما المسیح ابن مریم الا رسول

۲ مسیح (ع) نه خداست و نه فرزند خدا .

ما المسيح ابن مريم الا رسول

حصر اضافی در جمله <ما المسیح .

..> ناظر به پندارهایی است که مسیحیان درباره حضرت مسیح(ع) اظهار می داشتند که در آیات قبل پاره ای از آنها ذکر شد.

۴ زاده شدن مسیح (ع) از مادر ، دلیل روشن بر خدا نبودن او

قالوا إنّ اللّه هو المسیح . .. ما المسیح ابن مریم

توصیف مسیح(ع) به فرزندی او برای مریم پس از بیان ادعای الوهیت مسیح(ع) رد پندار خدا بودن اوست.

۶ مسیح (ع) نیز همانند دیگر پیامبران الهی ، انسانی فناپذیر

ما المسیح ابن مریم الا رسول قد خلت من قبله الرسل

یادآوری رحلت پیامبرانی در گذشته تاریخ پس از توصیف مسیح(ع) به رسالت، اشاره به امکان مرگ و رحلت برای مسیح(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۸

۸- حضرت عیسی (ع) همانند دیگر انسان ها ، دارای تولد ، مرگ و رستاخیز و خود معترف به آن است .

یوم ولدت و یوم أموت و یوم أُبعث حیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۴ - ۷

۷- در باره ماهیت حضرت عیسی (ع) (بشربودن و تکوین یافتن او بدون پدر) در طول تاریخ تردیدهایی ناروا وجود داشته است .

ذلک عیسی ابن مریم . .. الذی فیه یمترون

<الذی> وصف است برای <عیسی> یا <قول الحقّ> و <إمتراء> (مصدر <یمترون>) به معنای شک و تردید کردن است. غایب ذکرشدن صیغه <یمترون> از آن حکایت دارد که کسانی غیر از مسلمانان در باره حضرت عیسی(ع) به عقایدی پای بند بودند که برپایه یقین استوار نبود.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۴

۴- آنان که عیسی (ع) را فرزند مریم (س) ، بنده خدا و پیامبر او نمی دانند ، کافراند .

فاختلف الأحزاب من بینهم فویل للذین کفروا

بشر بودن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۲

۲ - محمد (ص) ، رسولی برانگیخته شده از میان مردم و از جنس آنها

کما أرسلنا فیکم رسولا منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۲

۲ پیامبر (ص) از میان خود انسان ها و دارای خصلت های طبیعی یک انسان

رسول من أنفسکم

تعبیر <من أنفسکم> به جای <منکم> می تواند اشاره به این جهت باشد که نه تنها پیامبر(ص) از میان شماست ; بلکه او برخوردار از نفس و روح انسانی همانند دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۱۶،۱۸

۱۶ تکذیب پیامبر (ص) به خاطر بشر بودنش ، نشانه بی خردی و دلیل بی اطلاعی از تاریخ بشر ، پیامبران پیشین و سنّت الهی است .

و ما أرسلنا من قبلک إلاّ رجالاً نوحی إلیهم من أهل القری . .. أفلاتعقلون

لحن جمله <و ما أرسلنا . ..> گویای این است که آن جمله در پاسخ این توهّم ایراد شده که: فرستاده خدا نمی تواند فردی

از افراد بشر باشد ; بلکه باید از فرشتگان و مانند آنها باشد.

۱۸ آنان که نبوّت پیامبر (ص

) را به خاطر بشر بودنش انکار می کنند ، سزاوار ملامتند .

و ما أرسلنا من قبلک إلاّ رجالاً . .. أفلاتعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۸ – ۳،۴

۳ برخورداری پیامبر (ص) از همسر و فرزند (داشتن زندگانی عادی و بشری) مورد طعن و ایراد مخالفان آن حضرت بود .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلک و جعلنا لهم أزوجًا و ذریّه

لحن آیه شریفه گویای این است که حقایق مطرح شده در آن، پاسخ به اشکالها و ایرادهای مطرح شده از ناحیه مردم عصر بعثت است. جمله <و لقد أرسلنا ...> اشاره به این معنا دارد که مردم آن عصر، بعثت بشر را از ناحیه خدا پذیرا نبودند و جمله <جعلنا ...> گویای آن است که آنان زندگانی عادی و داشتن زن و فرزند را برای پیامبر(ص) نمی پسندیدند و جمله <ما کان ...> بیانگر پندار آنان درباره لزوم توانایی پیامبر(ص) بر ارائه هر نوع معجزه است.

۴ پیامبران پیشین نیز همانند پیامبر اکرم (ص) دارای همسر و فرزند بودند .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلک و جعلنا لهم أزوجًا و ذریّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۳ – ۱۴

۱۴– پیامبر (ص) ، انسانی همانند دیگر انسان ها و امتیاز و ویژگی او تنها به رسالت و پیامبری است .

قل سبحان ربّی هل کنت إلاّ بشرًا رسولاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۴ – ۳

۳– تنها دستاویز مشرکان مکه برای ایمان

نیاوردن به پیامبر اسلام (ص) ، بشر بودن آن حضرت بود .

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۱۰ – ۳

۳– حضرت محمد (ص) ، من های وحی و نبوت ، بشری عادی است .

إنّما أنا بشر مثلکم یوحی إلیّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳ – ۹،۱۱

۹– بشر بودن پیامبر (ص) محتوای نجوای توطئه آمیز مشرکان و دستاویز آنان علیه اسلام و قرآن

و أسرّوا النجوی الذین ظلموا هل هذا إلّابشر مثلکم

۱۱– پیامبر (ص) حضوری مستقیم و ملموس در میان مردم داشت و مانند آنان زندگی می کرد .

هل هذا إلّابشر مثلکم

<مثلکم> صفت برای <بشر> است. توصیف پیامبر(ص) به مثل شما بودن (علاوه بر بشر بودن) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷ – ۲

۲ پیامبر (ص) همچون دیگر انسان ها ، نیازمند به غذا و مناسبات اقتصادی با مردم

مالِ هذا الرسول یأکل الطعام و یمشی فی الأسواق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۲ – ۵

۵ - پیامبر (ص) ، حالت بشری داشت و در برابر اموری مانند خوشایندی ها ، تأثیرپذیر بود .

و لو أعجبك حسنهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۳،۵

۳ - انسان بودن پیامبر (ص) و برخاستن ایشان از میان توده

های مردم ، مانع ایمان آوردن کافران صدراسلام بود .

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم و قال الکفرون هذا سحر کذّاب

۵ - پیامبراسلام (ص) ، برخوردار از ویژگی های آدمی همچون دیگر انسان ها و برخاسته از میان توده های مردم

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۱

۱ - برگزیده شدن پیامبراسلام (ص) از میان توده های عرب برای پیامبری ، امری غیرمنطقی و ناممکن در نظر کافران و مشرکان

أءنزل علیه الذکر من بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۲،۳

۲ - پیامبر (ص) ، بشری همانند دیگران

قل إنّما أنا بشر مثلکم

۳ - ارتباط وحیانی با خداوند ، تنها فرق و امتیاز پیامبر (ص) با دیگران است .

قل إنّما أنا بشر مثلکم یوحی إلیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۵

۵- چشم پوشی کافران ، از عظمت خدشه ناپذیر قرآن و تمسک آنان به بشر بودن پیامبر (ص) ، برای انکار رسالت آن حضرت

و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم فقال الکفرون هذا شیء عجیب

از ارتباط این آیه با آیه قبل که سوگند به ارجمندی قرآن بود می توان استفاده کرد که خداوند قبل از هر چیز، عظمت خدشه

ناپذیر آیات قرآن را به کافران یادآور شده و ایشان را به سبب تمسک به مسائل بی ارزش، ملامت کرده است.

بشر بودن مریم(س)

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۷ – ۱۵

۱۵ عیسی (ع) و مادرش مریم ، انسانهایی همانند دیگر انسانها

ان یهلك المسیح ابن مریم و امه و من فی الأرض جمیعاً

آوردن <من فی الارض> با وجود اینکه استدلال، بدون آن نیز تمام است، می تواند اشاره به این نکته باشد که از جهت مملوکیت و ناتوانی در برابر خدا، بین مسیح(ع) و دیگران تفاوتی نیست.

بشر بودن موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۰ – ۵

۵ – موسی ، برخوردار از روحیات و خصوصیات بشری (مانند ترس و گریز) در برخورد ناگهانی با خطرات

فلمّا رءاها تهتزّ . .. ولّی مدبرًا و لم یعقّب

بشر بودن نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۱ – ۱

۱ نوح (ع) ، نه گنجینه های هستی را در اختیار داشت ، نه غیب می دانست و نه از فرشتگان بود .

لاأقول لکم عندی خزائن الله . .. و لاأقول إنی ملك

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۴ – ۶

۶ – < از جنس بشر بودن نوح (ع) > دستاویز اشراف کافر در انکار رسالت آن حضرت

فقال الملؤا . .. ما هذا إلاّ بشر مثلکم

تکذیب نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۴

۴ نزول قرآن گواه دیگری بر بطلان ادعای عدم نزول وحی بر بشر است.

ما أنزل

الله علی بشر . .. من أنزل الکتب الذی جاء به موسی ... و هذا کتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - یونس – ۱۰ – ۲ – ۲

۲ انکار وحی و رسالت انسان از جانب خدا ، نشانه بی خردی و کوته نظری

أكان للناس عجباً أن أوحينا إلى رجل منهم

استفهام در <أكان للناس عجباً> استفهام انکاری و برای اظهار شگفتی از موضع گیری انکارآمیز مردم مکه در برابر پدیده وحی و رسالت انسان از جانب خداست. اظهار شگفتی خداوند، نشان دهنده این حقیقت است که: مسأله وحی و نبوت مسأله ای بدیهی و ضروری و از مقتضیات ربوبیت خدا نسبت به انسان است و انکار آن به منزله انکار امور بدیهی و ضروری بوده و بیانگر بی خردی و کوته نظری منکران آن است.

تکذیب نزول وحی بر بشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ - انعام – ۶ – ۹۳ – ۳

۳ انکار نزول وحی بر بشر، افترا به خداوند است.

ما أنزل الله علی بشر من شیء . .. و من أظلم ممن افتری علی الله کذبا

تکذیب وحی به بشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - یونس – ۱۰ – ۲ – ۲

۲ انکار وحی و رسالت انسان از جانب خدا ، نشانه بی خردی و کوته نظری

أكان للناس عجباً أن أوحينا إلى رجل منهم

استفهام در <أكان للناس عجباً> استفهام انکاری و برای اظهار شگفتی از موضع گیری انکارآمیز مردم مکه در برابر پدیده وحی و رسالت انسان از جانب خداست. اظهار شگفتی خداوند، نشان دهنده این حقیقت

است که: مسأله وحی و نبوت مسأله ای بدیهی و ضروری و از مقتضیات ربوبیت خدا نسبت به انسان است و انکار آن به منزله انکار امور بدیهی و ضروری بوده و بیانگر بی خردی و کوته نظری منکران آن است.

دوران بی تمدنی بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۶

۶ - برای بشر دورانی ، سپری شده است که مردم ، به دور از تمدن و فرهنگ و اخلاق انسانی می زیسته اند .

الجهلیّه الأُولی

در این که مراد از <الجاهلیه الأُولی> چه زمانی است، میان مفسران، اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. آنچه مسلم است، این است که <الجاهلیه الأُولی> دورانی است که در آن زنان، زینت های بدن خود را در معرض دید مردان قرار می داده اند و چنین امری، حاکی از بی تمدنی و رعایت نکردن اخلاق انسانی است.

شک در بشر بودن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۲

۲۲ جمال بی مانند یوسف (ع) ، موجب اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد .

حش لله ما هذا بشرًا

شگفتی نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۱ - ۴

۴ رسالت مداری انسان از سوی خداوند ، امری شگفت آور و غیر قابل قبول از دیدگاه مشرکان

أهذا الذی بعث اللّه رسولاً

استفهام در <أهذا> انکاری و برای اظهار تعجب و شگفتی آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ -

۱ - برگزیده شدن پیامبراسلام (ص) از میان توده های عرب برای پیامبری ، امری غیرمنطقی و ناممکن در نظر کافران و مشرکان

أءنزل علیه الذکر من بیننا

عوامل تکذیب نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱،۲،۴

۱ کسانی که نزول وحی بر بشر و رسالت یافتن او را انکار می کنند، خداوند را، آن گونه که هست، نشناخته اند.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر

۲ انکار وحی و رسالت یافتن بشر، معلول نقصان معرفت آدمی به خداوند است.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر

۴ یهود به سبب انکار رسالت پیامبر(ص) منکر نزول هرگونه وحی بر افراد بشر شدند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

قوم ثمود و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۹

۱۹ قوم ثمود ، بر خلاف قوم نوح و هود ، منکر وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر نبودند .

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

نیامدن جمله ای همانند <أو عجبتم أن جاءکم . .. > در داستان صالح، به خلاف ذکر آن جمله در داستان نوح و هود (آیه ۶۳ و ۶۹) دلالت بر این دارد که قوم صالح، وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر را امری مستبعد نمی شمردند و آن را انکار نمی کردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۷ – ۶

قوم ثمود ، پیامبری و بعثت انسانهایی را از جانب خدا ناممکن نمی شمردند .

إن کنت من المرسلین

جمع آوردن کلمه <المرسلین>، اشاره به آن دارد که قوم ثمود پـذیرفته بودند که انسانهایی از جانب خدا به پیامبری مبعوث می شوند، ولی درباره رسالت حضرت صالح(ع) شک و تردید می کردند.

قوم عاد و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۱،۲

۱ بعثت فردی از بشر برای رسالت ، شگفت آور و نامعقول در دیدگاه قوم هود

أو عجبتم أن جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم

۲ قوم عاد به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر ، رسالت هود را انکار کردند .

إنا لنریک فی سفاهه . .. أو عجبتم أن جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۹

۱۹ قوم ثمود ، بر خلاف قوم نوح و هود ، منکر وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر نبودند .

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

نیامـدن جمله ای هماننـد <أو عجبتم أن جاءکم . .. > در داسـتان صالح، به خلاف ذکر آن جمله در داسـتان نوح و هود (آیه ۶۳ و ۶۹) دلالت بر این دارد که قوم صالح، وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر را امری مستبعد نمی شمردند و آن را انکار نمی کردند.

قوم نوح و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۹

۱۹ قوم ثمود ، بر خلاف

قوم نوح و هود ، منکر وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر نبودند .

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

نیامـدن جمله ای هماننـد <أو عجبتم أن جاءکم . .. > در داسـتان صالح، به خلاف ذکر آن جمله در داسـتان نوح و هود (آیه ۶۳ و ۶۹) دلالت بر این دارد که قوم صالح، وحی و رسالت و پیامبری فردی از بشر را امری مستبعد نمی شمردند و آن را انکار نمی کردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۷ – ۳

۳ بشر بودن نوح (ع) ، بهانه و دستاویز کفرپیشگان برای انکار پیامبری و رسالت آن حضرت

فقال الملأ . .. ما نریک إلّا بشرًا مثلنا

کافران مکه و نبوت بشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶ – ۵

۵- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر ، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بینش کافران مکه

قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون

کافران و نبوت بشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹ – ۴

۴ کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملکا

مردم صدر اسلام و نبوت بشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۸ – ۷

۷ مردم عصر بعثت ، پیامبریِ فردی از افراد بشر را امری بعید می شمردند .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك و

جعلنا لهم أزوجًا و ذريّه

مشركان مكه و نبوت بشر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۳ – ۵

۵- مشركان مكه ، نزول وحى به انسان را قبول نداشتند .

و ما أرسلنا من قبلك إلاّ رجالاً نوحى إليهم

آيه درصدد تعريض به مشركان و جواب گويى به آنان است كه طبق قرينه ها و آيات ديگر قرآن كريم (سوره يونس ، آيه ۲) آنها مبعوث شدن انسان را از جانب خداوند براى پيامبرى قبول نداشتند. فعل <نوحى> در آيه قرينه و نشانه اى است بر نكته فوق.

مكذبان نبوت بشر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۹۱ – ۱،۶،۲۳

۱ كسانى كه نزول وحى بر بشر و رسالت يافتن او را انكار مى كنند، خداوند را، آن گونه كه هست، نشناخته اند.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله على بشر

۶ گفتار يهود زمان پيامبر(ص) مبنى بر نازل نشدن وحى بر بشر، در تناقض با عقيده آنان در مورد نبوت موسى(ع) و نزول وحى بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شىء قل من أنزل الكتب الذى جاء به موسى

۲۳ نزول تورات دليلى بر امكان نزول وحى بر پيامبر(ص) و گواهى بر بطلان پندار منكران نزول وحى بر بشر است.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر . .. قل من أنزل الكتب ... قل الله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۷ – ۲

۲ سران کفرپیشه قوم نوح ، بشر را شایسته رسالت

نمی پنداشتند .

فقال الملأ . .. ما نريک إلاّ بشرًا مثلنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۸ – ۷

۷– مشرکان مکه ، مبعوث شدن انسان زوال پذیر را برای نبوت ، قبول نداشتند . *

و أقسموا بالله جهد أيمنهم لايبعث الله من يموت

به قرینه آیات قبل که درباره بعثت انبیا و مورد انکار قرار گرفتن آن از سوی مشرکان بود احتمال دارد مراد آیه نکته یاد شده باشد؛ یعنی، منظور از <یبعث> برانگیختن برای نبوت باشد نه حشر اخروی.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۴ – ۱

۱– مشرکان مکه ، برگزیده شدن نوع بشر برای پیامبری را منکر بودند و آن را امری امکان ناپذیر و ناشدنی تلقی می کردند .

و ما منع الناس . .. إلاّ أن قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

<ال> در <الناس> عهد است و با توجه به آیات سابق مراد از آن، مشرکان مکه هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳ – ۱۰

۱۰– ناسازگاری بشر بودن با دستیابی به مقام نبوت ، از دیدگاه مشرکان

هل هذا إلاّبشر مثلکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷ – ۲

۲– منافات داشتن پیامبری با بشر بودن ، پندار باطل مشرکان

هل هذا إلّابشر مثلكم . .. ما أرسلنا قبلك إلّارجالاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۷

۷ - اعتقاد اشراف قوم نوح ، به عدم صلاحیت بشر برای

رسالت الهی

فقال الملؤا . .. ما هذا إلّا بشر مثلکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۷ – ۱

۱ – فرعون و اشراف دربار او ، منکر صلاحیت بشر برای دستیابی به مقام رسالت الهی

فقالوا أنؤمن لبشرین مثلنا

همزه در <أنؤمن> برای استفهام انکاری است. <قوم> به معنای طایفه و <عباده> (مصدر <عابدون>) در این آیه، به معنای خدمت گذاری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷ – ۴

۴ در پندار مشرکان ، بشر بودن و همچون مردم عادی زیستن ، ناسازگار با رسیدن به مقام نبوت و دریافت وحی از جانب خداوند

مالِ هذا الرسول یأکل الطعام و یمشی فی الأسواق

برداشت فوق، از اسم استفهام <ما> که در این جا برای اظهار تعجب است استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۸۶ – ۲

۲ – بشر بودن ، مانع رسالت و پیامبری در دید مردم اَیکه

و ما أنت إلّا بشر مثلنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۵ – ۲،۳

۲ – مردم انطاکیه ، مسؤولیت پیامبری را در شأن انسان نمی دانستند و او را شایسته تلقی وحی از جانب خداوند نمی انگاشتند .

قالوا ما أنتم إلاّ بشر مثلنا

برداشت یـاد شـده از آن جـا است که آیه شـریفه، در مقام بیان علل و انگیزه های تکـذیب رسولان الهی از جانب مردم است; همان طور که به این نکته در ذیل آیه تصریح شده است: <ما أنزل الرحمان من

شیء إن أنتم إلّا تکذبون>.

۳ – انسان بودن ، دلیل رد رسالت رسولان و نادرستی ادعا های آنان ، در دیدگاه مردم انطاکیه

قالوا ما أنتم إلّا بشر مثلنا

مکذّبان نزول وحی بر بشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۳ – ۴

۴ یهودیان به سبب ادعای نازل نشدن وحی بر هیچیک از بشر ظالمترین مردم هستند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء . .. و من أظلم ممن افتری علی

منشأ نبوت بشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۰ – ۱۳

۱۳ انتخاب پیامبران از میان انسان ها و با ویژگی های انسانی ، برخاسته از بصیرت و بینایی همه جانبه خداوند بر احوال و نیاز های انسان ها

و ما أرسلنا قبلک من المرسلین إلّاإنّهم لیأکلون الطعام . .. و کان ربّک بصیرًا

نبوت بشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۶۳ – ۳،۴

۳ بعثت فردی از بشر برای رسالت ، شگفت آور و نامعقول در دیدگاه قوم نوح

أو عجبتم أن جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم

۴ اشراف قوم نوح به دلیل نامعقول شمردن پیامبری برای فردی از بشر ، رسالت وی را انکار کردند .

إنا لنريك فى ضلل مبين . .. أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۵

۵ بشر ، شايسته دستيابى به مقام رسالت و پيامبرى است .

و لاأقول إنى ملك

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۰ – ۱۸

۱۸– کافران معتقد بودند که آدمیان توان نیل به مقام رسالت را ندارند .

إن أنتم إلّا بشر مثلنا

کافران، در پاسخ دعوت انبیا به ایمان، می گفتند: <إن أنتم إلّا بشر مثلنا>، و این جواب، حاکی از آن است که آنان به این معتقد بودند که بشر، نمی تواند پیامبر شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۱ – ۱

۱– انبیا در مقابل اقوام کافر که بشر بودن را با مقام پیامبری منافی می دانستند ، بر بشر بودن خود تأکید می کردند و عدم تنافی آن را با مقام نبوت اعلام می داشتند .

قالوا إن أنتم إلّا بشر مثلنا . .. قالت لهم رسلهم إن نحن إلّا بشر مثلکم و لکنّ ا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۴ – ۱۱

۱۱ – بعثت رسولی از میان نسل بشر ، پدیده ای نو و بی سابقه در نظر قوم نوح

ما سمعنا بهذا فی ءابائنا الأوّلین

کلمه <هذا> به قرینه <و لوشاء اللّه لأنزل ملائکه> اشاره دارد به موضوع بعثت رسولی از میان نسل بشر.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۱ – ۷

۷ – طرح موضوع پیشینه داشتن خط رسالت و بی سابقه نبودن رسالت بشری ، از سوی موسی (ع) برای فرعون

و جعلنی من المرسلین

تعبیر <و جعلنی من المرسلین> (مرا از پیامبران قرارداد) به جای <جعلنی رسولاً> (مرا پیامبر قرار داد) می تواند اشاره به

مطلب یاد شده باشد.

نزول وحی بر بشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۴ – ۱۷

۱۷- تفکر در آیات قرآن ، عامل کشف حقانیت و روا بودن نزول وحی بر بشر

و ما أرسلنا من قبلك إلاّ رجالاً نوحی إلیهم . .. و أنزلنا إلیك الذکر لتبیّن للناس

احتمال دارد متعلق <یتفکّرون> شبهه ای باشد که از سوی مشرکان درباره عدم امکان نزول وحی بر بشر، القا و مطرح می شده است.

یهود و نبوت بشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۱ – ۴،۶

۴ یهود به سبب انکار رسالت پیامبر(ص) منکر نزول هرگونه وحی بر افراد بشر شدند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

۶ گفتار یهود زمان پیامبر(ص) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی(ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء قل من أنزل الکتب الذی جاء به موسی

یهود و نزول وحی بر بشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۳ – ۴

۴ یهودیان به سبب ادعای نازل نشدن وحی بر هیچیک از بشر ظالمترین مردم هستند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء . .. و من أظلم ممن افتری علی

بصرت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۲۲

۲۲ بصیرت (بینش صحیح) ، شرط پندگیری از حوادث تاریخ

قد کان لکم

ایه . .. انّ فی ذلک لعبره لاولی الابصار

آثار ایمان به بصیرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱۱،۲۰

۱۱ - ترس از خداوند ، بازدارنده انسان از سرکشی در برابر او است .

فأمّا من طغی . .. و أمّا من خاف مقام ربّه

تقابل طغیان گران و خداترسان در فرجام خویش، گویای ناسازگاری خداترسی با طغیان گری است.

۲۰ - < عن أبی عبدالله (ع) . . . قال : من علم أنّ اللّه یراه و یسمع مایقول و یعلم ما یعمله من خیر أو شرّ فیحجزه ذلک عن القبیح من الأعمال فذلک الذی < خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: . .. کسی که بداند خدا او را می بیند و آنچه را می گوید، می شنود و از آنچه عمل می کند خوب یا بد آگاه است و این دانستن مانع کارهای زشت او گردد; این شخص کسی است که از مقام پروردگارش ترسیده و نفس را از هوا بازداشته است>.

آثار بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۳

۱۳ بینش ها و شناخت های آدمی ، مؤثّر در شکل گیری خواسته های وی

و طائفه قد اهمّتهم انفسهم یظنّون باللّه غیر الحقّ ظنّ الجاهلیّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۵

۵ موفقیت مؤمنان در آزمونشان از طریق مال و فرزند در گرو تقواپیشگی و نیازمند به

بینشی الهی

و اعلموا أنما أمولکم و أولدکم فتنه . .. إن تتقوا اللّه یجعل لکم فرقانا

طرح بصیرت و ابزار شناخت ویژه به عنوان ثمره تقوا، پس از تأکید بر آزمون مؤمنان به وسیله مال و فرزند، می تواند اشاره به این باشد که تنها با تقواپیشگی و بصیرت خاص می توان رضایت الهی را در چگونه برخورد کردن با مال و فرزند تشخیص داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ آنان که از بصیرت الهی برخوردارند ، به قرآن ایمان می آورند .

أفمن کان علی بیّنه . .. أُولئک یؤمنون به

مراد از ضمیر در <به> به دلیل آیات گذشته (أم یقولون افتراه . ..) و نیز بخشهای بعدی آیه ، قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۴

۴ بینایی و شنوایی باطنی انسان (توانایی درک و فهم حقایق) گرایش دهنده او به توحید ، ایمان به قرآن و انجام اعمال صالح

مَثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۲

۲- بیداردلی و هوشمندی ، زمینه لازم برای فهم صحیح حقایق الهی و اثرپذیری از وحی و کتاب های آسمانی

ما یأتیهم . .. لاهیه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۴ - ۳

۳ - بصیرت و روشن دلی ، زمینه ساز پذیرش سخن حق و عبرت آموزی است .

إنّ فى ذلک لعبره لأوْلى الأبصر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۲ – ۱۴

۱۴ – باز کردن دیده دل بر روی حقایق جهان ، باعث ره یافتن انسان به توحید و خداشناسی است .

قل أرءیتم . .. قل أرءیتم ... أفلاتبصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲ – ۲۵

۲۵ – < عن الصادق (ع) قال : قال رسول اللّه (ص) . . . و لایصح الإعتبار إلاّ لأهل الصفاء و البصیره ، قال اللّه تعالی : < فاعتبروا یا أُولی الأبصار . . . > .

از امام صادق(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: . ..عبرت پذیری صحیح و مؤثر حاصل نمی شود; مگر برای کسانی که اهل صفا و بصیرت باشند. خدای تعالی فرموده است: فاعتبروا یا أولی الأبصار...>.

آثار بصیرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۶ – ۱۳

۱۳– خداوند به دلیل مالکیت انحصاری و بینایی و شنوایی ژرف تنها مرجع شایسته ، برای دریافت اطلاعات صحیح در باره حیات انسان های پیشین است .

قل اللّه أعلم بما لبثوا له غیب . .. أبصر به و أسمع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۰ – ۱۳،۱۴

۱۳ انتخاب پیامبران از میان انسان ها و با ویژگی های انسانی ، برخاسته از بصیرت و بینایی همه جانبه خداوند بر احوال و نیاز های انسان ها

و ما أرسلنا قبلک من المرسلین إلاّإنّهم لیأکلون الطعام . .. و کان ربّک بصیرًا

ساختن روحیه آنها ، به اقتضای ربوبیت خدا و ناشی از بصیرت و بینایی او به احوال آنان

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون و کان ربّک بصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۶

۶ - شنوایی و بینایی مطلق خداوند ، دلیل به حق بودن داوری او در میان بندگانش

و اللّه یقضی بالحقّ . .. إنّ اللّه هو السمیع البصیر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّ اللّه هو السمیع البصیر>، در مقام تعلیل برای جمله < واللّه یقضی بالحقّ> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ - بصیرت و آگاهی کامل خداوند براحوال بندگان ، مقتضی توکل و واگذاری کار ها به او است .

و أُفوّض أمری إلی اللّه إنّ اللّه بصیر بالعباد

برداشت یاد شده به این خاطر است که جمله <إنّ اللّه بصیر بالعباد> در مقام تعلیل برای جمله <اُفوّض أمری . ..> است; یعنی، کار خود را به خدا وامی گذارم; چون او بر احوال بندگان آگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۸ - ۴

۴ اعمال آدمی ، دارای وجوهی پیچیده و بازشناسی خلوص و ناخالصی آن ، نیازمند بصیرتی الهی است .

و اللّه بصیر بما تعملون

به کار رفتن واژه <بصیر> (شناخت عمیق) در مورد اعمال، بیانگر این نکته است که عمل ظاهری دارد و ژرفایی; که خداوند با بصیرت مخصوص خویش، لایه های پنهان عمل را از پوسته ظاهری آن متمایز می سازد.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۵ – ۲

۲ – بصیر بودن خداوند به ویژگی های منکران معاد ، دلیل لزوم محشور ساختن آنان و حسابرسی از آنها است .

ظنّ أن لن یحور . بلی إنّ ربّه کان به بصیرًا

آثار بصیرت رهبران جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۸ – ۷

۷ بصیرت امت ها در گرو بصیرت رهبران ایشان است .

علی بصیره أنا و من اتبعنی

نیاوردن <علی بصیره> در <من اتبعنی> علی رغم مقصود بودن آن ، اشاره به این دارد که بصیرت پیروان پیامبر (رهبر) در گرو بصیرت اوست.

آثار عقیده به بصیرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۰ – ۱۵

۱۵ توجه و اعتقاد به بصیرت و بینا بودن خداوند (به احوال بندگان) ، برانگیزنده آدمی به صبر و شکیبایی

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون و کان ربّک بصیرًا

جمله <و کان ربّک بصیراً> درصدد تحریک و تشویق مردم به صبر و شکیبایی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۴ – ۱۳

۱۳ – اعتقاد به بصیرت و آگاهی کامل خداوند بر احوال بندگان ، زمینه ساز پرهیز آدمی از گناه و حق ناپذیری است .

إنّ اللّه بصير بالعباد

یادآوری بصیرت و آگاهی خداوند بر احوال بندگان، برای کسانی که در گناه افراط کرده، حق را نمی پذیرند (أنّ المسرفین هم أصحاب النار)، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

ادراک اهل بصیرت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۷

۷ برخورداران از بصیرت الهی ، دلالت تورات بر حقانیت قرآن را ، به خوبی درمی یابند .

أفمن کان علی بیّنه من ربه. ..ومن قبله کتب موسی

ارزش اهل بصیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۰ – ۱۴

۱۴ نابرابری ناآگاهان و آگاهان به محدوده قدرت و وظایف پیامبران، مانند نابرابری کوران و بینایان

قل لا أقول لکم . .. إنی ملك ... قل هل یستوی الأعمی و البصیر أفلاتتفکرون

در اینکه مراد از <أعمی> و <بصیر> در آیه چیست، احتمالاتی وجود دارد; از آن جمله اینکه کسانی که پس از بیان محدوده قدرت و وظایف پیامبران این حقایق را دریافته و پذیرا می شوند، <بصیر> و آن کسانی که جاهلانه سخنهای واهی گفته و درخواستهای نابجا دارند <أعمی> (کور) هستند.

ارزش بصیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۲ – ۸

۸– سرمستی و غفلت امری بس زشت و مذموم ، و روشن بینی صفتی بس والا و ارزشمند برای انسانها

لعمرك إنهم لفی سکرتهم یعمهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۹ – ۲

۲ – علم و روشن بینی ، از فضایل و ارزش های انسانی و الهی

و ما یستوی الأعمی و البصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۵ – ۶

۶ – < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی > ، از ارزش ها و نعمت های الهی برای

انسان

إبرهيم و إسحق و يعقوب أُولى الأيدى و الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۲

۲ - علم و روشن بينى ، از فضايل و ارزش هاى انسانى و الهى

و ما يستوى الأعمى و البصير

ارزيابى اهل بصيرت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۸

۸ - انسان واقع بين ، خودشناس و بصير ، با انسان فاقد بصيرت و واقع نگرى ، از نظر سرنوشت و ارزشيابى برابر نيست .

أفمن زيّن له سوء عمله فرءاه حسنًا

<همزه> در <أفمن زيّن له. ..> استفهام انكارى و <من>، مبتدا است و خبر آن به قرينه مقام <فإنّ اللّه يضلّ من يشاء> جمله اى مقدر مانند <كمن ليس كذلك> يا <كمن هداه> مى باشد; يعنى، آيا كسى كه اعمالش براى وى زينت داده شود، مانند كسى است كه چنين نيست و راه هدايت را پيموده است؟

ارزيابى فاقدان بصيرت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۸

۸ - انسان واقع بين ، خودشناس و بصير ، با انسان فاقد بصيرت و واقع نگرى ، از نظر سرنوشت و ارزشيابى برابر نيست .

أفمن زيّن له سوء عمله فرءاه حسنًا

<همزه> در <أفمن زيّن له. ..> استفهام انكارى و <من>، مبتدا است و خبر آن به قرينه مقام <فإنّ اللّه يضلّ من يشاء> جمله اى مقدر مانند <كمن ليس كذلك> يا <كمن هداه> مى باشد; يعنى، آيا كسى كه اعمالش براى وى زينت داده

شود، مانند کسی است که

چنین نیست و راه هدایت را پیموده است؟

اعطای بصیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۹ – ۱۰،۱۱

۱۰ اعطای بصیرت ویژه به تقواپیشگان و بخشش گناه آنان ، تفضلی از جانب خداست ، نه پاداش استحقاقی آنان .

یجعل لکم فرقانا . .. و اللّه ذوالفضل العظیم

۱۱ خداوند ، مؤمنان تقواپیشه را علاوه بر اعطای بصیرت و بخشش گناهان ، از موهبت های دیگر نیز بهره مند خواهد کرد .

یجعل لکم فرقانا . .. و اللّه ذوالفضل العظیم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که جمله <و اللّه . .. > مستانفه باشد نه بیانگر تعلیل.

اقرار به بصیرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۳۵ – ۲

۲ – موسی (ع) در عین ارائه پیشنهاد در باره امور رسالت خویش ، در محضر خداوند ، به آگاهی کامل او اعتراف کرد و تصمیمات او را دقیق و صحیح دانست .

و أشرکه فی أمری . .. إنّک کنت بنا بصیرًا

اهل بصیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۰ – ۱۶،۱۷

۱۶ مؤمنان به پیامبر(ص)، بینا و راه یافته و تکذیب کنندگان او کور و گمراه هستند.

فمن ءامن . .. والذین کذبوا ... قل هل یستوی الأعمی و البصیر

چون موضوع آیات اثبات رسالت پیامبر(ص) است، می توان گفت مراد از <البصیر> مؤمنان به آن حضرت و مراد از <الأعمی> تکذیب کنندگان آن حضرت هستند.

۱۷ پیامبر(ص)، بینا و راه یافته، و مشرکان، کور و گمراه هستند. *

فمن

ءامن . .. والذین کذبوا ... قل هل یستوی الأعمی و البصیر

ظـاهراً مراد از <البصـیر>، پیامبر(ص)، مراد از <الأعمی>، مشـرکان هسـتند. و چون موضوع آیه، ایمان به پیامبر است، گویا آیه در صـدد بیـان فلسـفه لزوم ایمـان به آن حضـرت است. یعنی از آنجا که پیامبر(ص) بصـیر است، دیگران بایـد از او تبعیت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ پیامبر (ص) دارای بصیرتی الهی بر حقانیت قرآن و برخوردار از شاهدی ربانی بر الهی بودن آن و آگاه به حقایق تورات

أفمن کان علی بیّنه من ربه . .. و من قبله کتب موسی

برخی از مفسـران برآننـد که مصـداق بارز و مورد نظر برای <من کان علی بیّنه> پیامبر(ص) است. این گروه جمله <فلاتک ...> را مؤید این نظر شمرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۲

۲ حالت موحدان و مؤمنان به قرآن ، همانند انسان های بینا و شنواست .

مَثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ آنـان که ولایـت خـدا و ربوبیت او را بر هستی پـذیرفته انـد بیناینـد و کسانی که برای غیر خـدا ولایت و تـدبیری در جهان معتقدند ، کوردلانند .

قل هل یستوی الأعمی والبصیر أم هل تستوی الظلمت والنور

کلمـات <أعمی> (کور)، <بصـیر> (بینـا) و نیز <ظلمات> (تاریکیها) و <نور> (روشـنی) محتمل است مثالها و نظیرهایی برای مشرکان و موحدان باشد و محتمل است صفات و ویژگیهای معبودهای اهل شرک و

خداوند متعال باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۶

۶ آنان که الهی بودن قرآن و حقانیّت آن را پذیرفته اند ، عالم و بصیرند .

أفمن یعلم أنما أُنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۲

۲ رسول اکرم (ص) و سایر پیامبران ، از ناحیه خداوند به رسالت برانگیخته شدند .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۹

۹ - مؤمنان ، مردمی واقع بین ، خودشناس و بصیر و کافران ، مردمی خود ناشناس و فاقد بصیرت

الذین کفروا لهم عذاب شدید و الذین ءامنوا. .. أفمن زیّن له سوء عمله فرءاه حسنًا

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که آیه شریفه تصویر کننده چهره مؤمنان و کافران باشد که در آیه قبل از آنان سخن گفته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۳

۳ - کافران ، مردمی کوردل و تاریک بین و مؤمنان ، انسان هایی روشن ضمیر و اهل بصیرت

و ما یستوی الأعمی و البصیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان تمثیل برای وضعیت مؤمنان و کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۸

۸ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله

< أَولی الأیدی و الأبصار > یعنی أَولی القوّه فی العباده و البصر فیها ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <أُولی الأیدی و الأبصار> روایت شده که مراد صاحبان قوت و بصیرت در عبادت هستند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۵

۵ - مؤمنان نیک کردار ، گروهی روشن بین و اهل بصیرت و کافران بدکردار ، گروهی کوردل و غافل اند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

<الأعمی> و <البصیر> تمثیلی برای مؤمنان نیک کردار و کافران بد کرداراست.

اهل بصیرت و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۷

۷ - ساحران هماورد موسی (ع) ، فاقد روحیه تسلیم ناپذیری اشراف و درباریان فرعون و برخوردار از فطرت حق پذیری

فألقی عصاه . .. قال للملإ حوله إنّ هذا لسحر علیم... فألقی موسی عصاه ... فأُلقی

با این که فرعون و نزدیکان وی، نیز شاهد بلعیده شدن ابزار سحر ساحران توسط معجزه موسی بودند; اما تنها ساحران به سجده درافتادند و این حکایت از مطلب یاد شده دارد.

اهل بصیرت و تنوع رنگ موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۳ - ۵

۵- انسان های متوجه و بیدار ، از آفرینش موجودات زمینی و رنگارنگ بودن آنها ، به وحدانیت خداوند پی می برند .

و ما ذرأ لکم . .. لأیه لقوم یذّکّرون

چون متعلق <لأیه> محذوف است، می تواند <لتوحیده> در تقدیر باشد; یعنی، نشانه ای برای

وحدانیت خداوند.

اهل بصیرت و تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۷

۷ برخورداران از بصیرت الهی ، دلالت تورات بر حقانیت قرآن را ، به خوبی درمی یابند .

أفمن کان علی بیّنه من ربه. ..ومن قبله کتب موسی

اهل بصیرت و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۲،۳،۱

۱ گروهی از انسانها ، برخوردار از بصیرت الهی و دلیلی روشن بر حقانیت قرآن و الهی بودن آن

أفمن کان علی بیّنه من ربه

<بینه> به معنای دلیل روشن است و متعلق آن به دلیل آیات قبل و نیز جمله های بعد نظیر <إنه الحق من ربک> حقانیت و الهی بودن قرآن است. <مَن> در <أفمن کان> مبتدا و خبر آن شبه جمله ای همانند <کمن لیس کذلک> است. بنابراین <أفمن کان ...>; یعنی، پس آیا کسی که از بصیرتی الهی برخوردار است و دلیل روشنی بر حقانیت قرآن دارد، مانند کسی است که چنین نیست؟

۳ بهره مندان از بصیرت الهی ، دلالت و گواهی قرآن را بر حقانیت قرآن ، درمی یابند و بدان واقف می شوند .

أفمن کان علی بیّنه من ربه و یتلوه شاهد منه

روشن است که مساوی نبودن زمینه داران ایمان با فاقدان آن ، در ارتباط با شهادت قرآن (أفمن . .. یتلوه شاهد منه [کمن لیس کذلک]) مجرد وجود قرآن به عنوان شاهد نیست; بلکه درک و عدم درک آنان از گواهی قرآن ، موجب تمایز آن دو گروه است.

۱۲ آنان که از بصیرت الهی برخوردارند ، به قرآن

ایمان می آورند .

أفمن کان علی بیّنه . .. أُولئک یؤمنون به

مراد از ضمیر در <به> به دلیل آیات گذشته (أم یقولون افتراه . ..) و نیز بخشهای بعدی آیه ، قرآن است.

اهمیت بصیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۳ – ۱۸

۱۸ امداد های الهی در بدر و پیروزی مسلمانان ، عبرتی بزرگ برای صاحبان بصیرت

قد کان . .. انّ فی ذلک لعبره لاولی الابصار

از نکره آوردن <عبره>، بزرگی آن استفاده می شود. یعنی: عبرهً عظیمهً.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۳ – ۵

۵ هدایت پذیری از کتاب آسمانی ، مبتنی بر آگاهی همه جانبه نسبت به آن است .

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۶ – ۱۰

۱۰ ضرورت هشیاری آدمی ، در پرهیز از گرایش های حسرت آفرین

لا تکونوا کالّذین کفروا . .. لیجعل اللّه ذلک حسره فی قلوبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۹ – ۳

۳ انسان های بی تقوا ، محروم از دستیابی به بصیرت ویژه الهی برای تمییز حق و باطل و شناخت حقایق

إن تتقوا اللّه يجعل لكم فرقانا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۱۰۸ – ۸

۸ لزوم بهره مندی رهبران جامعه اسلامی و مبلغان دینی از بصیرت و بینایی و داشتن حجت روشن بر اتخاذ راه ها و روشها

قل هذه

سبیلی أدعوا إلی الله علی بصیره أنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۱۴

۱۴ - بصیرت و آگاهی کامل شخص ، شرط واگذاری کار ها به او است .

و أُفوّض أمری إلی اللّه إنّ اللّه بصیر بالعباد

از این که مؤمن آل فرعون، کارهایش را به دلیل بصیر بودن خداوند به او واگذار کرد، می توان برداشت یادشده را به دست آورد.

اهمیت درخواست بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ درخواست بصیرت از خداوند ، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه تورات ، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است .

أفمن کان علی بیّنه . .. فلاتک فی مریه منه

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله <فلاتک فی مریه منه> (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن شک می شود و آنها همان حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

ایمان اهل بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ آنان که از بصیرت الهی برخوردارند ، به قرآن ایمان می آورند .

أفمن کان علی بیّنه . .. أُولئک یؤمنون به

مراد از ضمیر در <به> به دلیل آیات گذشته (أم یقولون افتراه . ..) و نیز بخشهای بعدی آیه ، قرآن است.

ایمان به بصیرت

خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۳۵ – ۱

۱ – موسی (ع) با بیان آگاهی دقیق خداوند به خصوصیات او و خاندانش ، خود راپذیرای خواسته های خداوند و راضی به انتخاب های او خواند .

إنّک کنت بنا بصیرًا

مراد از <نا> موسی(ع) و اهل او از جمله هارون(ع) است، موسی(ع) پس از پیشنهاد وزارت برای هارون بیان می دارد که خداوندا! تو مرا و اعضای خاندانم را خوب می شناسی و ویژگی های برادرم هارون(ع) را نیز می دانی، این پیشنهاد من است، اما تصمیم تو هر چه باشد، تصمیمی آگاهانه و با بصیرت کامل است .

بصیرت ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۵ – ۸

۸ عن أبی جعفر(ع): <و کذلک نری أبراهیم ملکوت السماوات و الأرض> قال: اعطی بصره من القوه ما نفذ السموات فرأی ما فیها و رأی العرش و ما فوقه و رأی ما فی الأرض و ما تحتها.

امام باقر(ع) درباره <و کذلک نری . ..> فرمود: خداوند چنان قوتی به بینایی و بصیرت ابراهیم(ع) داد که آسمانها و آنچه در آنها بود، مشاهده کرد و عرش و مافوق آن و زمین و آنچه را زیر آن بود دید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۵ – ۴

۴ – ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، انسان های برخوردار از < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی >

إبرهیم و إسحق و یعقوب أُولی الأیدی و

الأبصر

<أُولی الأیدی> (صاحبان دست ها) کنایه از قدرت و توانایی است.

بصیرت اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۴ - ۱

۱ - بصیرت و بینایی کامل انسان به خویشتن خویش در قیامت

إلی ربّک یومئذ المستقرّ . .. بل الإنسن علی نفسه بصیره

بصیرت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۴

۴ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، انسان های برخوردار از < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی >

إبرهیم و إسحق و یعقوب أُولی الأیدی و الأبصر

<أُولی الأیدی> (صاحبان دست ها) کنایه از قدرت و توانایی است.

بصیرت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۴ - ۴

۴ - انسان ، موجودی خودآگاه و بصیر بر احوال خویش

بل الإنسن علی نفسه بصیره

بصیرت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۳ – ۳

۳ حرف شنوی و بصیرت ، از اوصاف بندگان خالص خدا

لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

بصیرت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۱ – ۱۴

۱۴ اصلاح بینش و بصیرت بنی اسرائیل پس از پذیرش توبه آنان

ثم تاب اللّه علیهم ثم عموا و صموا

کلمه <ثم> در جمله <ثم عموا و صموا> می رساند که بنی اسرائیل پس از شمول رحمت الهی بر آنان و توبه به درگاه خداوند بصیرت از دست رفته خویش

را بازیافتند، اگر چه در مرحله و زمان دیگر بصیرت خویش را از دست داده و به اعمال ناروا گرایش پیدا کردند.

بصیرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۰ – ۱۴

۱۴ – خداوند ، آگاه به اعمال و رفتار نیک آدمیان است .

إن اللّه بما تعملون بصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۲ – ۱۴

۱۴ خداوند ، اعمال انسان ها را می بیند و به همه آنها آگاهی دارد .

إنه بما تعملون بصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۶ – ۱۷

۱۷ خداوند ، حقیقتی بصیر و پرفروغ است و معبود های اهل شرک کور و تاریکند .

قل هل یستوی الأعمی والبصیر أم هل تستوی الظلمت والنور

برداشت فوق بر این مبناست که <أعمی> و <ظلمات> اوصاف معبودهای اهل شرک و <بصیر> و <نور> وصف خداوند باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۷ – ۱۱

۱۱– نابودی جوامع عصیانگر ، توسط خداوند ، عالمانه و بر اساس بصیرت است .

و کم أهلکنا . .. و کفی بربّک ... خبیرًا بصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۱

۱۱- خداوند نسبت به حقایق پنهان هستی ، تیزبین و بسیار شنوا است .

له غیب . .. أبصر به و أسمع

به قرینه <أبصربه>، پس از <أسمع> نیز <به> در تقدیر است و هر دو، صیغه تعجب اند; یعنی، خداوند، چه بسیار بینا و شنوا است!

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۵ - ۴،۵

۴ - خداوند ، به احوال بندگان خویش و شایستگی ها و نقاط ضعف آنها آگاه و بصیر است .

إنّک کنت بنا بصیرًا

۵ - دعا به درگاه خداوند و درخواست از او در عین آگاهی و بصیرت او بر حال بندگان ، مطلوب و پسندیده است .

و أشرکه فی أمری . .. إنّک کنت بنا بصیرًا

موسی(ع) در عین سخن از آگاهی خداوند بر احوال خود و هارون به درگاه او دعا کرده و خواسته های خود را مطرح کرده است. این رویه موسی(ع) نشان آن است که در عین آگاهی خداوند از همه چیز، دعا به درگاه او مطلوب و کارساز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۴

۴ - خدا ، فریاد مظلوم را می شنود و ظالم را می بیند .

و أنّ اللّه سمیع بصیر

متعلق <سمیع> و <بصیر> حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه پیش چنین است: <و أنّ اللّه سمیع دعاء من بغی علیه و بصیر ببغی الباغی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۶ - ۳

۳ - شنوایی ، بینایی ، دانایی و نیز در دست داشتن زمام همه امور ، نشانه هایی از نیرومندی ، عزّت و شکست ناپذیری خداوند است .

إنّ اللّه لقویّ عزیز . .. سمیع بصیر . یعلم ... و إلی اللّه ترجع الأُمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ -

۷ – خداوند ، به تمامی امور و احوال بندگانش ، آگاه و بینا است .

إنّ اللّه بعباده لخبیر بصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۵ – ۱۰

۱۰ – خداوند ، به امور بندگانش بصیر و بینا است .

فإنّ اللّه کان بعباده بصیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۴ – ۱۰

۱۰ – خداوند ، به تمامی امور بندگانش بصیرت و آگاهی کامل دارد .

إنّ اللّه بصیر بالعباد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۶ – ۱۳

۱۳ – شنوا و بینا بودن خداوند ، مقتضی پناه بردن بشر به او و استمداد از او ، در برابر بدی ها و دشمنی ها

فاستعذ باللّه إنّه هو السمیع البصیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <إنّه هو السمیع البصیر>، تعلیل برای <فاستعذ> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۷ – ۱۱

۱۱ – تقدیر و تنظیم روزی انسان ها ، برخاسته از آگاهی و بصیرت کامل خداوند به احوال آنان است .

و لو بسط اللّه الرزق . .. إنّه بعباده خبیر بصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۸ – ۲

۲ خداوند ، دارای بصیرت و بینایی عمیق نسبت به اعمال آدمیان

و اللّه بصیر بما تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۴ – ۱۳

۱۳ – خداوند ، به تمامی اعمال مردمان بینا

است .

و اللّه بما تعملون بصير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۷

۷ - خداوند ، نسبت به تمامى رفتار هاى آدمى ، بينا است .

و اللّه بما تعملون بصير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱۹ - ۶

۶ - خداوند ، نسبت به هر چيزى آگاه و بينا است .

إنّه بكلّ شىء بصير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۹

۹ - ربوبيت خداوند بر انسان ها ، مقتضى شناخت ذات و حالات آنان است .

إنّ ربّه كان به بصيرًا

بصيرت در رهبرى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۵

۵ - توانايى بر اداره جامعه و داشتن بصيرت و روشن بينى ، از شرايط رهبران جامعه دينى

إبرهيم وإسحق و يعقوب أُولى الأيدى و الأبصر

بصيرت در قضاوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۰ – ۷

۷ – حق شنوی ، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد داوری ، از شرایط داوری به حق

واللّه یقضی بالحقّ . .. إنّ اللّه هو السمیع البصیر

برخی از مفسران برآنند که یادآوری سمیع و بصیربودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

بصیرت رهبران جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۸ – ۸

۸ لزوم بهره مندی رهبران جامعه اسلامی و مبلغان دینی از بصیرت و بینایی و داشتن حجت

روشن بر اتخاذ راه ها و روشها

قل هذه سبیلی أدعوا إلی الله علی بصیره أنا

بصیرت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۵

۵ - مؤمنان نیک کردار ، گروهی روشن بین و اهل بصیرت و کافران بدکردار ، گروهی کوردل و غافل اند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

<الأعمی> و <البصیر> تمثیلی برای مؤمنان نیک کردار و کافران بد کرداراست.

بصیرت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ - قوم عاد و ثمود ، قبل از گمراه شدن ، مردمی آگاه و بصیر بودند .

و زیّن لهم الشیطن أعملهم . .. و کانوا مستبصرین

بصیرت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ - قوم عاد و ثمود ، قبل از گمراه شدن ، مردمی آگاه و بصیر بودند .

و زیّن لهم الشیطن أعملهم . .. و کانوا مستبصرین

بصیرت مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۸

۸ لزوم بهره مندی رهبران جامعه اسلامی و مبلغان دینی از بصیرت و بینایی و داشتن حجت روشن بر اتخاذ راه ها و روشها

قل هذه سبیلی أدعوا إلی الله علی بصیره أنا

بصیرت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ اعطای بصیرت ویژه به تقواپیشگان و بخشش گناه آنان ، تفضلی از جانب

خداست ، نه پاداش استحقاقی آنان .

یجعل لکم فرقانا . .. و اللّه ذوالفضل العظیم

بصیرت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۷

۱۷ پیامبر(ص)، بینا و راه یافته، و مشرکان، کور و گمراه هستند. *

فمن ءامن . .. والذین کذبوا ... قل هل یستوی الأعمی و البصیر

ظاهراً مراد از <البصیر>، پیامبر(ص)، مراد از <الأعمی>، مشرکان هستند. و چون موضوع آیه، ایمان به پیامبر است، گویا آیه در صدد بیان فلسفه لزوم ایمان به آن حضرت است. یعنی از آنجا که پیامبر(ص) بصیر است، دیگران باید از او تبعیت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ پیامبر (ص) دارای بصیرتی الهی بر حقانیت قرآن و برخوردار از شاهدی ربانی بر الهی بودن آن و آگاه به حقایق تورات

أفمن کان علی بیّنه من ربه . .. و من قبله کتب موسی

برخی از مفسران برآنند که مصداق بارز و مورد نظر برای <من کان علی بیّنه> پیامبر(ص) است. این گروه جمله <فلاتک ...> را مؤید این نظر شمرده اند.

بصیرت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۳

۳- حضرت موسی و هارون (ع) ، از قدرت تشخیص حق و باطل در پرتو لطف خدا برخوردار بودند .

و لقد ءاتینا موسی و هرون الفرقان

با توجه به معنای لغوی <فرقان> (شیء جدا کننده و متمایز ساز میان حق و باطل) برداشت یاد شده به دست می آید.

بصیرت مؤمنان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۰ - ۴

۴ لزوم هُشیار بودن اهل ایمان ، در برابر توطئه ها و تلاش های اغواکننده دشمنان اسلام

یا ایها الذین امنوا ان تطیعوا فریقاً . .. یردّوکم بعد ایمانکم کافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۶

۱۶ مؤمنان به پیامبر(ص)، بینا و راه یافته و تکذیب کنندگان او کور و گمراه هستند.

فمن ءامن . .. والذین کذبوا ... قل هل یستوی الأعمی و البصیر

چون موضوع آیات اثبات رسالت پیامبر(ص) است، می توان گفت مراد از <البصیر> مؤمنان به آن حضرت و مراد از <الأعمی> تکذیب کنندگان آن حضرت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۵،۶،۸

۵ مؤمن با نور الهی مسیر صحیح حرکت را در جامعه و بین مردم درمی یابد.

و جعلنا له نورا یمشی به فی الناس

۶ نور ایمان، روشنگر خطوط و افکار مختلف جامعه برای مؤمنان است.

و جعلنا له نورا یمشی به فی الناس

۸ مؤمن در جامعه، عنصری پویاست، نه بی تحرک و منزوی و فاقد تشخیص.

و جعلنا له نورا یمشی به فی الناس

بدیهی است که منظور از <مشی در میان مردم> راه رفتن در کوچه و بازار نیست، بلکه مراد حضور فعال در جامعه و تشخیص جریانهای حق و باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال – ۸ – ۲۹ – ۱۱

۱۱ خداوند ، مؤمنان تقواپیشه را علاوه بر اعطای بصیرت و بخشش گناهان ، از موهبت های

دیگر نیز بهره مند خواهد کرد .

یجعل لکم فرقانا . .. و اللّه ذوالفضل العظیم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که جمله <و اللّه . .. > مستانفه باشد نه بیانگر تعلیل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۹

۹ - مؤمنان ، مردمی واقع بین ، خودشناس و بصیر و کافران ، مردمی خود ناشناس و فاقد بصیرت

الذین کفروا لهم عذاب شدید و الذین ءامنوا. .. أفمن زیّن له سوء عمله فرءاه حسنًا

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که آیه شریفه تصویر کننده چهره مؤمنان و کافران باشد که در آیه قبل از آنان سخن گفته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۳

۳ - کافران ، مردمی کوردل و تاریک بین و مؤمنان ، انسان هایی روشن ضمیر و اهل بصیرت

و ما یستوی الأعمی و البصیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان تمثیل برای وضعیت مؤمنان و کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، انسان های زنده دل و برخوردار از حیات واقعی و معقول ، و کافران (چونان مردگان) محروم از آن

لینذر من کان حیًّا و یحقّ القول علی الکفرین

برداشت یاد شده از ارتباط میان صدر و ذیل آیه شریفه; یعنی، به قرینه مقابله میان انسان های زنده و کافران، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - مؤمنان نیک کردار ، گروهی روشن بین و اهل بصیرت و کافران بدکردار ، گروهی کوردل و غافل اند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

<الأعمی> و <البصیر> تمثیلی برای مؤمنان نیک کردار و کافران بد کرداراست.

بصیرت مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۶

۶ آنان که الهی بودن قرآن و حقانیّت آن را پذیرفته اند ، عالم و بصیرند .

أفمن یعلم أنما أُنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

بصیرت ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۹

۹ - کافران ، از سوی خداوند ، به خاطر بصیرت نیافتن از مشاهده آیات گسترده الهی در زمین ، سرزنش شده اند .

أوَلم یروا أنّا نسوق . .. فنخرج ... تأکل منه... أفلایبصرون

بصیرت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۳

۳- حضرت موسی و هارون (ع) ، از قدرت تشخیص حق و باطل در پرتو لطف خدا برخوردار بودند .

و لقد ءاتینا موسی و هرون الفرقان

با توجه به معنای لغوی <فرقان> (شیء جدا کننده و متمایز ساز میان حق و باطل) برداشت یاد شده به دست می آید.

بصیرت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۴

۴ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، انسان های برخوردار از < قدرت و

توانایی > و < بصیرت و روشن بینی >

إبرهیم و إسحق و یعقوب أُولی الأیدی و الأبصر

<أُولی الأیدی> (صاحبان دست ها) کنایه از قدرت و توانایی است.

تشویق به بصیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۴ – ۵

۵ – تشویق خداوند به بصیرت ، روشن دلی و عبرت آموزی ، از تحولات طبیعت

یقلّب اللّه الّیل و النهار إنّ فی ذلک لعبره لأُوْلی الأبصر

دعوت به بصیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۷ – ۱۰

۱۰ – دعوت خداوند به بصیرت و دقت نظر در تحولات طبیعی ، به منظور پی بردن به گرداننده و ایجادکننده آنها است .

أوَلم یروا أنّا نسوق الماء . .. فنخرج به زرعًا... أفلایبصرون

دلایل بصیرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۶ – ۱۲

۱۲– مالکیت یگانه خداوند بر هستی ، دلیل آگاهی ژرف او بر تمامی دیدنی ها و شنیدنی ها است .

له غیب السموت و الأرض أبصر به و أسمع

ذکر بصیرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۸ - ۶

۶ توجّه به علم و بصیرت الهی ، بازدارنده انسان از بی صداقتی در عقیده و ناخالصی در عمل

یمنّون علیک أن أسلموا . .. إنّ اللّه یعلم غیب ... و اللّه بصیر بما تعملون

تذکر به علم و بصیرت الهی، در پایان آیاتی که مدعیان ایمان را به سبب بی صداقتی ملامت کرده است، می تواند پیامدار معنای یاد شده باشد.

زمینه بصیرت

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۱ – ۱۴

۱۴ اصلاح بینش و بصیرت بنی اسرائیل پس از پذیرش توبه آنان

ثم تاب اللّه علیهم ثم عموا و صموا

کلمه <ثم> در جمله <ثم عموا و صموا> می رساند که بنی اسرائیل پس از شمول رحمت الهی بر آنان و توبه به درگاه خداوند بصیرت از دست رفته خویش را بازیافتند، اگر چه در مرحله و زمان دیگر بصیرت خویش را از دست داده و به اعمال ناروا گرایش پیدا کردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۷ – ۲۲

۲۲ ایمان به خدا و آخرت و اعراض از کفر حاکم بر جامعه ، زمینه ساز پدید آمدن علم و بصیرتی ویژه در آدمی

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم . .. هم کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۶ – ۹

۹ – بینایی واقعی آدمی در داشتن ضمیری آگاه و گوشی شنوا است .

فتکون لهم قلوب یعقلون بها أو أذان یسمعون بها . .. فی الصدور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۶ – ۸

۸ – آخرت اندیشی و دنیاگریزی ، موجب قدرت و توانایی و کمال بصیرت و روشن بینی است .

أُولی الأیدی و الأبصر . إنّا أخلصنهم بخالصه ذکری الدار

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <إنّا أخلصناهم. ..> تعلیل برای اوصافی باشد که برای پیامبران ذکر شده است (أُولی الأیدی و الأبصار).

سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۲ - ۲

۲ - وجود روزی زمینیان در بلندای آسمان ، از آیات الهی و مایه بینش

ءایت للموقنین . .. أفلاتبصرون . و فی السّماء رزقکم

زمینه بصیرت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۷

۷ بصیرت امت ها در گرو بصیرت رهبران ایشان است .

علی بصیره أنا و من اتبعنی

نیاوردن <علی بصیره> در <من اتبعنی> علی رغم مقصود بودن آن ، اشاره به این دارد که بصیرت پیروان پیامبر (رهبر) در گرو بصیرت اوست.

زمینه بصیرت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۱

۱ مظاهر وجود و عظمت آفریدگار در آسمان و زمین ، مایه بصیرت و تذکّر بندگان روی آورده به خداوند

أفلم ینظروا إلی السماء . .. و الأرض مددنها ... تبصره و ذکری لکلّ عبد منیب

<منیب>، به معنای بازگشت کننده و روی آورنده به خدا است.

زمینه بصیرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۹ - ۳

۳ قطره های برکت آفرین باران ، پیامدار بصیرت و بیداری برای حق جویان

تبصره و ذکری لکلّ عبد منیب . و نزّلنا من السماء ماء مبرکًا

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب بالا قابل برداشت است.

زمینه بصیرت منیبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۱

۱ مظاهر وجود و عظمت آفریدگار در آسمان و زمین ، مایه بصیرت و تذکّر بندگان روی آورده

به خداوند

أفلم ینظروا إلی السماء . .. و الأرض مددنها ... تبصره و ذکری لکلّ عبد منیب

<منیب>، به معنای بازگشت کننده و روی آورنده به خدا است.

سرنوشت اهل بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۸

۸ - انسان واقع بین ، خودشناس و بصیر ، با انسان فاقد بصیرت و واقع نگری ، از نظر سرنوشت و ارزشیابی برابر نیست .

أفمن زیّن له سوء عمله فرءاه حسنًا

<همزه> در <أفمن زیّن له. ..> استفهام انکاری و <من>، مبتدا است و خبر آن به قرینه مقام <فإنّ اللّه یضلّ من یشاء> جمله ای مقدر مانند <کمن لیس کذلک> یا <کمن هداه> می باشد; یعنی، آیا کسی که اعمالش برای وی زینت داده شود، مانند کسی است که چنین نیست و راه هدایت را پیموده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

سرنوشت فاقدان بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۸

۸ - انسان واقع بین ، خودشناس و بصیر ، با انسان فاقد بصیرت و واقع نگری ، از نظر سرنوشت و ارزشیابی برابر نیست .

أفمن زیّن له سوء عمله فرءاه حسنًا

<همزه> در <أفمن زيّن له. ..> استفهام انكارى و <من>،

مبتدا است و خبر آن به قرینه مقام <فإنّ اللّه یضلّ من یشاء> جمله ای مقدر مانند <کمن لیس کذلک> یا <کمن هداه> می باشد; یعنی، آیا کسی که اعمالش برای وی زینت داده شود، مانند کسی است که چنین نیست و راه هدایت را پیموده است؟

شخصیت اهل بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۱

۱ - انسان عالم و روشن بین با انسان جاهل و کوردل ، از نظر شخصیت و سرنوشت برابر و هم سان نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

شیطان و اهل بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ - انسان های بصیر و آگاه نیز در معرض اغوای شیطان اند .

و زیّن لهم الشیطن أعملهم . .. و کانوا مستبصرین

عبرت اهل بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۲۲،۲۳

۲۲ - غلبه اراده خدا بر استحکامات بنی نضیر ، درسی برای صاحبان فهم و بصیرت

مانعتهم حصونهم . .. فأتیهم اللّه من حیث لم یحتسبوا ... فاعتبروایأُولی الأبصر

۲۳ - اهل بینش و بصیرت ، قادر به بهره

مندی از درس ها و پند های الهی در تاریخ

فاعتبروا یأُولی الأبصر

عوامل بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۰ - ۳،۴،۵

۳ بیداری و بروز فطرت خداجو و توحیدی انسان به هنگام رویارویی با عذاب الهی

قل أرءیتکم إن أتیکم عذاب اللّه

۴ بیداری فطرت توحیدی انسان به هنگام روبرو شدن با مرگ

قل أرءیتکم إن أتیکم عذاب اللّه أو أتیکم الساعه أغیر اللّه تدعون

۵ بیداری فطرت توحیدی انسان در تنگناها و سختیها

قل أرءیتکم إن أتیکم عذاب اللّه . .. أغیر اللّه تدعون

گر چه در آیه دو مورد عذاب و مرگ ذکر گردیده، ولی روشن است که اینها نمونه هایی از شداید و سختیهاست که آدمی با آن روبرو می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۱

۱ خداوند آیات خویش را به شکلهای مختلف برای بصیرت دادن به انسانها ارائه می کند.

قد جاءکم بصائر . .. کذلک نصرف الأیت و لیقولوا

<لیقولوا> عطف به محذوف است که به قرینه آیه قبل، که سخن از بصائر بود، می تواند فعل <لتبصروا> و یا هر فعل دیگری که بیانگر این معنی است باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۵

۵ مؤمن با نور الهی مسیر صحیح حرکت را در جامعه و بین مردم درمی یابد.

و جعلنا له نورا یمشی به فی الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۲،۴

۲ رعایت تقوا و ترس از خداوند

، موجب بهره مند شدن از بصیرتی ویژه و خدادادی برای شناخت حق و باطل

يأيها الذين ءامنوا إن تتقوا اللّه يجعل لكم فرقانا

نکره آمـدن کلمه <فرقانـا> حکـایت از آن دارد که این بصـیرت خـدادادی بصـیرتی ویژه و غیر از عقل و فطرت وماننـد آن است که خداوند به عموم انسانها عطا فرموده است.

۴ تأثیر عملکرد انسان در بینش او

إن تتقوا اللّه يجعل لكم فرقانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۶

۱۶ پذیرش ولایت و ربوبیت غیر خدا ، فرو رفتن در تاریکیهاست و پذیرش ولایت و ربوبیت خدا ، راهیابی به نور است .

قل من رب السموت . .. أم هل تستوى الظلمت والنور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۵،۷

۵- نزول معجزات از جانب پروردگار هستی ، در جهت رشد و بصیرت یافتن آدمیان است .

ما أنزل هؤلاء إلاّ ربّ السموت و الأرض بصائر

۷- بصیرت بخشی و بینش دهی معجزه ، ملاک تمایز آن از سحر و جادوگری

إنى لأظنّك يموسى مسحورًا . قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلاّ ... بصائر

تأکید موسـی(ع) بر <بصائر> بودن معجزاتش در قبال اتهام سـحر به معجزات او از سوی فرعون، می تواند خود ردّی باشد بر اتهام فرعون با ارائه ملاک; یعنی، سحر هرگز بصیرت آفرین نیست در حالی که معجزه، بصیرت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۶

۶ - هدایت های الهی و یاد کردن همیشگی خداوند ، مایه بصیرت و بینش در

زندگی است .

و من أعرض عن ذکری . .. و نحشره یوم القیمه أعمی

کور محشور شـدن گمراهـان، نتیجه کوری آنان از دیـدن و دریافت هـدایت در دنیا است. از این عقوبت ویژه این نتیجه را می توان گرفت که هدایت، مایه بصیرت در مسیر زندگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۱

۱ - قرآن و دین ، مظهر بصیرت و بینش برای خلق

هذا بصائر للناس

<هـذا> اشـاره به قرآن و یـا اشاره به دین است که از <الأمر> در دو آیه قبل اسـتفاده می شود. اطلاق <بصائر> بر قرآن و دین از قبیل <زید عدل> مبالغه را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۰ - ۲

۲ قامت بلند نخل و شکوفه های انبوه خرما ، پیامدار بصیرت و مایه تذکر خلق

تبصره و ذکری . .. و النخل باسقت لها طلع نضید

عوامل بصیرت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۱۳

۱۳ - پیروی از هدایت الهی ، مایه بصیرت و بینایی در قیامت است .

فمن اتبع هدای . .. و من أعرض ... لم حشرتنی أعمی

عوامل عبرت اهل بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۴ – ۲

۲ – گردش و جابه جایی شب و روز و تحولات ناشی از آن ، درس عبرتی است برای صاحبان بصیرت و روشن دلی .

یقلّب اللّه الّیل و النهار إنّ فی ذلک لعبره لأُوْلی الأبصر

عوامل

محرومیت از بصیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۹ – ۳

۳ – لجاجت ، حق ناپذیری و دوری از ایمان ، موجب محرومیت از شناخت درست حقایق الهی و از دست دادن بصیرت و بینایی

فهم لایؤمنون . .. فأغشینهم فهم لایبصرون

فاقدان بصیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۸ – ۹

۹ – مؤمنان ، مردمی واقع بین ، خودشناس و بصیر و کافران ، مردمی خود ناشناس و فاقد بصیرت

الذین کفروا لهم عذاب شدید و الذین ءامنوا. .. أفمن زیّن له سوء عمله فرءاه حسنًا

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که آیه شریفه تصویر کننده چهره مؤمنان و کافران باشد که در آیه قبل از آنان سخن گفته شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۹ – ۲،۴

۲ – مشرکان و کافرانِ لجوج و حق ناپذیر ، محروم از شناخت صحیح حقایق الهی و فاقد بصیرت و بینایی

فأغشینهم فهم لایبصرون

<إغشاء> (مصدر <أغشینا>) به معنای قرار دادن پرده بر چیزی است که آن را بپوشاند. در جمله <فأغشیناهم> نیز مضافی در تقدیر است; یعنی، <فأغشینا أبصارهم>.

۴ – < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و جعلنا من بین أیدیهم سدّاً و من خلفهم سدّاً فأغشیناهم > یقول : فأعمیناهم < فهم لایبصرون > الهدی . . . ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <. ..فأغشیناهم> روایت شده: که خدا می فرماید: آنان را کور کردیم، پس نور هدایت را نمی بینند...>.

فضایل اهل بصیرت

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۶ – ۱۴

۱۴ هرگز موحدان بصیر با مشرکان کوردل برابر نیستند .

قل هل یستوی الأعمی والبصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۸ – ۸

۸ – انسان واقع بین ، خودشناس و بصیر ، با انسان فاقد بصیرت و واقع نگری ، از نظر سرنوشت و ارزشیابی برابر نیست .

أفمن زیّن له سوء عمله فرءاه حسنًا

<همزه> در <أفمن زیّن له. ..> استفهام انکاری و <من>، مبتدا است و خبر آن به قرینه مقام <فإنّ اللّه یضلّ من یشاء> جمله ای مقدر مانند <کمن لیس کذلک> یا <کمن هداه> می باشد; یعنی، آیا کسی که اعمالش برای وی زینت داده شود، مانند کسی است که چنین نیست و راه هدایت را پیموده است؟

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲ – ۲۳

۲۳ – اهل بینش و بصیرت ، قادر به بهره مندی از درس ها و پند های الهی در تاریخ

فاعتبروا یأُولی الأبصر

فضیلت بصیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۸ – ۲

۲ – علم و روشن بینی ، از فضایل و ارزش های انسانی و الهی

و ما یستوی الأعمی و البصیر

کثرت محرومان از بصیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۲۲

۲۲ بیشتر مردم از بصیرتی که آنان را به حقانیت قرآن رهنمون شود ، محرومند .

أفمن کان علی بیّنه من ربه . .. و لکنّ

أكثر الناس لايؤمنون

كمی اهل بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۶

۶ - هوشیاری و پندآموزی مردم ستیزه جو و کافر ، از مواعظ و آیات الهی ، بسیار اندک است .

إنّ الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. و ما یستوی الأعمی والبصیر ... قلیلاً ما تت

گمراهی محرومان از بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۳ - ۳

۳ هیچ کس حتی پیامبران بر هدایت کردن مردمی که بصیرت دل را از دست داده اند ، توانایی ندارد .

أفأنت تهدی العمی و لو كانوا لا یبصرون

لجاجت مكذبان بصیرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۳

۳ - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انكار كرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إنّ ربّه كان به بصیرًا . .. فما لهم لایؤمنون

متعلق <لایؤمنون>، ممكن است معارفی باشد كه در آیات پیشین بیان شد; از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و . .. .

محرومان از بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۳ - ۲

۲ مردمی که از نزدیک ، اعمال و رفتار پیامبر (ص) را نظاره کرده و از او تبعیت نمی کردند ، همانند آن نابینایی اند که از نعمت بصیرت دل نیز محروم است .

و منهم من

ينظر إليک أفأنت تهدی العمی و لو کانوا لا يبصرون

محرومیت از بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۳

۳ انسان های بی تقوا ، محروم از دستیابی به بصیرت ویژه الهی برای تمییز حق و باطل و شناخت حقایق

إن تتقوا اللّه يجعل لکم فرقانا

منشأ بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۲

۲ ارائه آگاهی به انسان، پرتوی از ربوبیت و لطف الهی است.

قد جاءکم بصائر من ربکم

تکرار ضمیر <کم> و اضافه رب به آن بیانگر لطف خداوند به بندگانش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۴

۴ بصیرت و روشن ضمیری انسان ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

أفمن کان علی بيّنه من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۷

۷ - اعطای بصیرت و بینایی و سلب آن ، از جلوه های ربوبیت خداوند است .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

موارد بصیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۴ – ۱۰

۱۰ ایمان به آیات الهی بینایی و کفر به آن کوری است.

قد جاءکم بصائر من ربکم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

موانع بصیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۴ – ۱

۱ توجه و علاقه به مادیّات ، زمینه محرومیّت از پندگیری و بینش صحیح

انّ فی ذلک لعبره لاولی

الابصار. زیّن للنّاس حبّ الشّهوات

برداشت فوق از ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل استفاده شده است; گویا <زیّن> بیان می کند که چرا همه انسانها اهل بصیرت نیستند.

موانع بصیرت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۸

۸ پندار مصونیت از امتحان و عذاب الهی ، از میان برنده حق شنوی و بصیرت دینی بنی اسرائیل

فعموا و صموا

نشانه های بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۴

۱۴ تصدیق پیامبران و رسالت های آنان ، نشانه بصیرت و اندیشه صحیح است .

کذبوا بایتنا إنهم کانوا قوماً عمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۳

۳ - حق گرایی و حق یابی ، نشان بینایی حقیقی در بینش الهی

و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

خداوند، به کسانی که چشم ظاهر دارند; ولی فاقد زمینه شناخت حق و گرایش به آن هستند، عنوان <نابینا> داده است و این بدان معنا است که بینایی در این بینش، به چشم ظاهر نیست; بلکه به حق یابی و حق گرایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۶

۶ – یکتاپرستی و پیروی از دعوت پیامبران ، نشانه هدایت و بینایی است .

فهدینهم فاستحبّوا العمی علی الهدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۰ – ۹

۹ – تسلیم نشدن در برابر القائات هواپرستان ، لازمه بصیرت دینی است .

و لاتتّبع أهواء

الذین . .. هذا بصائر للناس

نشانه های بصیرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۱۰

۱۰ - اخبار خداوند از عمل پنهانی < حاطب ابن ابی بلتعه > نمودی از بصیرت او بر اعمال خلق

تسرّون إلیهم بالمودّه . .. و اللّه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۹ - ۷

۷ - پرواز پرندگان بر فراز انسان ها ، جلوه آگاهی و بینایی مطلق خداوند

أولم یروا إلی الطیر . ..إنّه بکلّ شیء بصیر

نعمت بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۶

۶ - < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی > ، از ارزش ها و نعمت های الهی برای انسان

إبرهیم و إسحق و یعقوب أُولی الأیدی و الأبصر

بصره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بصره

عذاب اهل بصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۳ - ۵

۵ – < عن أبی بصیر عن أبی عبداللّه (ع) فی قول اللّه . . . < و المؤتفکه أهوی > قال : هم أهل البصره هی المؤتفکه . . . ;

ابی بصیر از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند . .. <و المؤتفکه أهوی> روایت نموده که مراد، اهل بصره هستند. آن جا شهر زیرورو شده است...>.

ویرانی شهر بصره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۵۳ – ۵

۵ – < عن أبی بصیر عن أبی عبداللّه (ع) فی

قول اللّه . . . < و المؤتفکه أهوی > قال : هم أهل البصره هی المؤتفکه . . . ;

ابی بصـیر از امام صادق(ع) درباره سـخن خداوند . .. <و المؤتفکه أهوی> روایت نموده که مراد، اهل بصـره هسـتند. آن جا شهر زیرورو شده است...>.

بعث از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بعث

آثار ذکر بعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۳

۳ - لحظه خروج مردگـان از قبر هـا در قیـامت ، وحشت انگیز و توجّه به آن ، بازدارنـده انسـان از کفران نعمت ، بخلورزی و دلبستگی شدید به ثروت است .

لکنود . .. أفلایعلم إذا بعثر ما فی القبور

بعث انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۱

۱ - رستاخیز و لحظه خروج آدمیان از خاک ، هنگام شنود فریاد آسمانی بهوسیله همگان

یوم یسمعون الصیحه بالحقّ ذلک یوم الخروج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز شکافتن زمین و خروج سریع آدمیان از دل خاک

یوم تشقّق الأرض عنهم سراعًا

مطلب بالا، بر این اساس است که <سراعاً> اشاره به خروج سریع داشته است.

بعث در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۱

۱ - در قیامت ، مردگان از قبر ها برانگیخته و پراکنده خواهند شد .

بعثر ما فی القبور

<بَعْثَرَ> (معلوم <بُعْثِرَ>)؛ یعنی، بیرون کشید؛ اجزا را زیر و رو کرد؛ متفرق ساخت؛ آشکار کرد و برانگیخت (صحاح اللغه). صاحب <مفردات> بعید نمی داند

که فعل <بُعْثِرَ>، مركّب از فعل های <بُعِثَ> و <اُثیرَ> باشد; زیرا معنای هر دو را دارد. مصداق بارز <ما فی القبور> به قرینه ضمیر جمع عاقل در جمله <إنّ ربّهم ...> (در آیات بعد) انسان ها هستند.

ترسناکی بعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۳

۳ - لحظه خروج مردگان از قبر ها در قیامت ، وحشت انگیز و توجّه به آن ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ، بخلورزی و دلبستگی شدید به ثروت است .

لکنود . .. أفلایعلم إذا بعثر ما فی القبور

تقدیر بعث انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۵ - ۲

۲ - روز قیامت و ویژگی های آن و وقوع حشر انسان ها در آن ، از پیش تعیین شده است .

مبعوثون . لیوم عظیم

<لام> در <لیوم>، لام توقیف است و معنایی نظیر <عند> دارد.

حتمیت بعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۱

۱۱- معاد و خروج مردگان از خاک ، وعده حق و تخلف ناپذیر الهی

أتعداننی أن أُخرج . .. إنّ وعد اللّه حقّ

حتمیت بعث انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۳

۳ - برانگیخته شدن انسان ها در قیامت ، امری قطعی است .

قل بلی و ربّی لتبعثنّ

سرعت بعث کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۱

۱ - کافران حق ستیز در

قیامت ، از گور های خود با سرعت بیرون آمده ، به نقطه ای مشخص خواهند رفت .

یوم یخرجون من الأجداث سراعًا کأنّهم إلی نصب یوفضون

<أجداث> (جمع <جدث>) به معنای قبرها است.

سرعت در بعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۳

۳ - خروج انسان ها از گور ها و زنده شدن آنان ، برای محاکمه با سرعت انجام می پذیرد .

یوم یخرجون من الأجداث سراعًا کأنّهم إلی نصب یوفضون

سهولت بعث اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۷

۷ - برانگیختن انسان ها و حسابرسی از آنان در قیامت ، کاری سهل و آسان برای خداوند

لتبعثنّ ثمّ لتنبّؤنّ بما عملتم و ذلک علی اللّه یسیر

فلسفه بعث انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۵ - ۳

۳ - احضار انسان ها در صحنه قیامت ، از اهداف محشور ساختن آنان است . *

مبعوثون . لیوم عظیم

لام در <لیوم> ممکن است بر تعلیل دلالت کند; یعنی، حشر انسان ها به جهت روز قیامت و حضور در صحنه های آن است.

نشانه های بعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۴

۴ - فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، دارای نقش در خروج آدمیان از خاک *

یسمعون الصیحه . .. ذلک یوم الخروج

بنابراین که تقدم لفظی <صیحه> بر <خروج>، بیانگر تأثیر صیحه در سر برآوردن آدمیان از خاک باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

ویژگیهای بعث

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۵

۵ - خروج جسم انسان ها از زمین در قیامت

ذلک یوم الخروج . .. یوم تشقّق الأرض عنهم

ویژگیهای بعث انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴ - ۴

۴ - برانگیخته شدن انسان ها در قیامت ، در قالب جسمی همانند جسم دنیایی آنان

قدرین علی أن نسوّی بنانه

تصریح به درست کردن انگشتان، می تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

ویژگیهای بعث کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۱

۱ - کافران حق ستیز در قیامت ، از گور های خود با سرعت بیرون آمده ، به نقطه ای مشخص خواهند رفت .

یوم یخرجون من الأجداث سراعًا کأنّهم إلی نصب یوفضون

<أجداث> (جمع <جدث>) به معنای قبرها است.

بعثت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بعثت

آثار بعثت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۸

۸ - رسیدن امت ها به مقام تسلیم در گرو بعثت پیامبران ; آموزش کتاب آسمانی و معارف و احکام دینی و پاک شدن از آلودگیهاست .

من ذریتنا أمه مسلمه لک . .. ربنا وابعث فیهم رسولا منهم یتلوا ... یزکّیهم

به نظر می رسد درخواست ابراهیم (ع) و اسماعیل(ع) برای بعثت پیامبری از میان ذریه آنها درپی درخواست تشکیل <امت مسلمه> بدین جهت باشد که: بعثت و هدفهای آن، از ضروریات بنیادی برای تشکیل <امت مسلمه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ -

۱۱- بعثت انبیا ، دلیلی روشن بر دروغ بودن ادعای مشرکان بر اینکه هدایت و گمراهی جبری است .

قال الذین أشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . .. و لقد بعثنا فی کلّ أُم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۸

۸- مبعوث شدن انبیا از سوی خداوند ، دلیل بطلان عقیده مشرکان ، در جبری انگاشتن اعتقاداتشان

و قال الذین أشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . .. و ما أرسلنا من قبلك

احتمال دارد که آیه در صدد جواب گویی به مشرکان باشد که می پنداشتند مشیت خداوند آنان را به شرک عبادی وا داشته است (لو شاء الله ما عبدنامن دونه) که خداوند به آنان پاسخ می دهد: سنت خداوند در هدایت مردم برانگیختن انسانهایی جهت هدایتگری است و جبری در کار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۵

۵- عذاب و کیفر امت ها ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان با فرستادن انبیا بود .

لقد جاءهم رسول منهم فکذّبوه فأخذهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۸

۸ - بعثت پیامبران ، نمود ربوبیت خدا

فیقولوا ربّنا لولا أرسلت إلینا رسولاً

آثار بعثت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۷

۷ اتمام دین، با بعثت پیامبر(ص) جلوه ای از ربوبیت خداوند است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۷ – ۶

۶- < عن موسی بن جعفر (ع) : . . . ان الجنّ کانوا یسترقون السمع قبل مبعثه فمنعت فی أوان رسالته بالرجوم . . . ;

از امام موسی بن جعفر روایت شده است: جنیان قبل از بعثت رسول خدا(ص) استراق سمع می کردند (اخبار آسمانها را گوش می دادند) و در اوایل رسالت آن حضرت، به وسیله پرتاب سنگهای ستارگان، از آن ممنوع شدند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۹ – ۱

۱ – بعثت پیامبراکرم (ص) و ظهور امت جدید و بالنده اسلام ، خط بطلانی بر پندار باطل اهل کتاب بود .

یأیها الذین ءامنوا . .. ءامنوا برسوله ... لئلّایعلم أهل الکتب ألّایقدرون علی شی

کلمه <لا> در <لئلّایعلم> زاید است; یعنی، تا اهل کتاب بدانند که هیچ بخشی از فضل خداوند در حوزه اختیار آنان قرار ندارد.

آثار بعثت موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۹ – ۲

۲ – خداوند با بعثت موسی (ع) ، بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان و شکنجه های سهمگین آنها ر ها ساخت .

و إذ نجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوءالعذاب

در جمله <أنعمت علیکم> و <أنی فضلتکم> نعمت دادن و برتری بخشیدن به خداوند نسبت داده شده; ولی در جمله <نجیناکم> (ما شما را نجات دادیم) نجات بخشی به ضمیر <نا> (ما) نسبت داده شده است. از این مقابله می توان فهمید که خداوند در نجات بخشی، نظر به سببهایی نیز دارد که

به قرینه آیات بعد می توان گفت: آن سبب بعثت حضرت موسی (ع) بوده است.

آگاهی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۶

۱۶- مردم عصر بعثت از کیفر هلاکت بار الهی نسبت به اقوام ستمگر پیشین آگاه بودند .

الذین ظلموا أنفسهم و تبیّن لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثال

اصحاب یمین بعد از بعثت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۰ - ۱

۱ - اصحاب الیمین ، متشکل از دسته ای از مردمان جوامع پس از بعثت

و ثلّه من الأخرین

اصرار بر کفر کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، با بیان پافشاری کافران عصر بعثت بر کفر و انکار معاد ، انتظار ایمان آوردن آنان را بی فایده خواند و توطئه گری آنها را به پیامبر (ص) گوشزد کرد .

إنّهم یکیدون کیدًا

افتراهای مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۲

۱۲- اعتقاد برخی از مردم عصر پیامبر (ص) به عدم وحیانیت قرآن و ساختگی بودن آن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. لایأتون بمثله

از اینکه قرآن با قاطعیت تمام اعلام تحدی می کند، می توان آن را پاسخ این شبهه که <قرآن وحی نیست> تلقی کرد.

افراط مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۱

۱

– افراط و زیاده روی مردم عصر بعثت در مخالفت با پیامبر (ص) ، مانع لطف خدا در فرستادن وحی نبود .

أفنضرب عنكم الذكر صفحًا أن كنتم قومًا مسرفين

با توجه به مقام آیه که مسأله وحی را مطرح می کند مراد از <اسراف>، افراط و زیاده روی در مخالفت با وحی خواهد بود.

افسانه های مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵ – ۳

۳ در عصر نزول قرآن ، داستان ها و افسانه های گوناگون مکتوب وجود داشت .

و قالوا أسطيرالأوّلين اكتتبها

امتحان با بعثت انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۰ – ۸

۸ – استمرار آزمایش الهی با بعثت پیامبران ، پس از نوح

إنّ فى ذلك لأيت و إن كنّا لمبتلين

عبارت <و إن كنّا لمبتلين>، بیان اجمالی سرگذشت اقوام پس از حضرت نوح(ع) است و فرازهای بعد، بیان تفصیلی آن می باشد.

انتظار بعثت انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۲ – ۶

۶ – اهل کتاب و مشرکان مکه و مدینه ، خود را منتظر فرستاده ویژه خداوند می دانستند و ترک مرام خویش را به آن مشروط ساخته بودند .

لم يكن . .. منفكّين حتّى تأتيهم البيّنه . رسول من اللّه

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال اراده <منفکّین عن الکفر> است که در برداشت های آیه پیشین توضیح داده شد.

اهل کتاب مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۵ -

۴ – موقعیت ممتاز و برجسته اهل کتاب در جامعه عرب عصر بعثت

و سئل من أرسلنا من قبلک من رسلنا

حَکَم قرار دادن اهل کتاب درباره شرک و توحید، نشانی از موقعیت برجسته آنان دارد.

اهمیت بعثت انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۶ – ۱۲

۱۲- گستره همه مناطق زمین که جوامع انسانی در آن جا ها وجود داشته شاهد اعزام پیامبران خدا به سوی خود .

و لقد بعثنا فی کلّ أُمّه رسولاً . .. فسیروا فی الأرض فانظروا

<فا> در <فسیروا> تفریع است. دعوت از مردم برای جهانگردی، پس از بیان بعثت انبیا در میان هر امتی، به این معناست که: گستره زمین شاهد وضعیت و عاقبت کسانی است که انبیای الهی را تکذیب کردند. در نتیجه می توان آثار آنان را پیدا کرد و مورد مطالعه قرار داد.

اهمیت بعثت محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۱ – ۵

۵ – نعمت های داده شده به انسان ها از ناحیه خدا بدون بعثت پیامبر (ص) ، نعمتی کامل نبود .

و لأتم نعمتی علیکم و لعلکم تهتدون. کما أرسلنا فیکم رسولا

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل، به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۲ – ۶

۶ – رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله ، دو نعمتی شایسته و بایسته شکرگزاری به درگاه خدا

فولوا وجوهكم شطره . .. كما أرسلنا فيكم رسولا ... واشكروا لى

شكر، در برابر نعمت است و مصداق

مورد نظر برای نعمت - به قرینه آیات قبل - نعمت رسالت و تغییر قبله می باشد.

بت پرستی در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۹

۹ رواج شرك و بت پرستی در بین مردم جزیره العرب مقارن ظهور اسلام

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

بت پرستی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۴

۴ مشرکان ، به هنگام طلوع خورشید اسلام ، به معبود های متعددی اعتقاد داشتند .

لیضلّنا عن ءالهتنا

<إله> مفرد <آلهه> به معنای معبود است و جمع آمدن آن حاکی است که مشرکان به چند معبود اعتقاد داشتند.

بشارت بعثت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۴،۶

۴ - تورات در بردارنده بشارت به بعثت محمد (ص)

و لما جاءهم رسول . .. نبذ فریق من الذین أوتوا الکتب کتب اللّه وراء ظهورهم

جمله <نبذ فریق> جواب شرط (لما جاءهم) است. ترتب دور افکندن تورات بر آمدن پیامبر(ص) اشاره به این حقیقت دارد که: این کتاب، بشارت به آمدن پیامبر(ص) داشته و ویژگیهای آن حضرت را بر شمرده است.

۶ - عالمان اهل کتاب ، پس از بعثت پیامبر (ص) بشارت های تورات را درباره پیامبر موعود ندیده انگاشته و بدان ها اعتنایی نکردند .

و لما جاءهم رسول . .. نبذ فريق من الذين أوتوا الكتب كتب اللّه وراء ظهورهم

به نظر می رسد مراد از <فریق> در جمله فوق،

عالمـان یهود باشـد; زیرا آنـان متصـدی بیـان معـارف و احکـام تورات بودنـد. جمله <کأنهم لایعلمون> (گویا]بـدانها [عالم نبودند) مؤید این معناست.

بعثت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، بر اساس مشیت خویش ، پیامبران را به پیامبری بر می گزیند و انتخاب می کند .

أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱۱

۱۱ - بعثت پیامبران ، پرتوی از عزت و حکمت خداوند است .

ربنا وابعث فیهم رسولا . .. إنک أنت العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۷،۸،۱۱،۲۷

۷ بعثت پیامبران از سوی خداوند ، به دنبال بروز اختلاف در جامعه نخستین

کان الناس امه واحده فبعث اللّه النبیّن . .. لیحکم ... فیما اختلفوا فیه

جمله <لیحکم . .. > بیـان می کنـد که انبیـا به هنگـام بروز اختلـاف در جوامع ابتـدایی مبعوث شدنـد; نه قبل از آن. بنابراین جمله <فاختلفوا> پس از <کان الناس ... > مقدّر است.

۸ بعثت پیامبران ، نقطه عطفی در تاریخ زندگی انسان های نخستین

کان الناس امه واحده فبعث اللّه النبیّن مبشّرین

۱۱ جامعه بشری ، نیازمند بعثت پیامبران برای حل اختلافات (هدایت جامعه)

فبعث اللّه النبیّن . .. لیحکم بین الناس فیما اخلتفوا فیه

۲۷ پیدایش اختلافات جدید (اختلافات دینی) در جوامع ، پس از بعثت انبیا و حل اختلافات اوّلیه

لیحکم . .. و ما اختلف فیه الا الذین

اوتوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۲،۴

۲ بهره جستن از نعمت بزرگ بعثت انبیا ، در گرو ایمان به آنهاست .

لقد منّ اللّه علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا

بعثت رسول اکرم (ص) نعمتی بزرگ برای همه انسانهاست ; بنابراین ذکر خصوص مؤمنان بدان جهت است که بهره گیری از آن نعمت بزرگ، مشروط به ایمان به اوست.

۴ پیامبران ، برانگیختگان الهی در میان انسان ها و از جنس ایشان

اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم

کلمه <من> می تواند برای تبعیض باشد، در این صورت <رسولاـ من انفسهم> به این معناست که پیامبر (ص)، فردی از افراد بشر و از جنس ایشان است ; نه فردی از ملائکه و یا جنس و نوعی دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۸

۸ بعثت رسولان متعدّد برای بنی اسرائیل ، همراه دلایل روشن (معجزات و براهین)

قد جاءکم رسل من قبلی بالبیّنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۵

۵ بعثت انبیا و رهبران الهی ، ناشی از فضل خداوند است .

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۳

۳ خداوند ، پیامبران بسیاری را پس از نوح (ع) مبعوث کرد و بدان ها وحی فرستاد .

کما أوحینا إلی نوح و النبین من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۱۰،۱۴

۱۰ بعثت پیامبران ، اتمام حجت خداوند بر مردم

ان تقولوا ما جاءنا من بشیر و لانذیر

اگر چه خطاب آیه متوجه اهل کتاب است، ولی قطعاً در اتمام حجت به سبب پیامبر(ص) بین اهل کتاب و سایر مردم تفاوتی نیست.

۱۴ بعثت پیامبران الهی ، پرتویی از قدرت مطلقه خداوند

قد جاءکم . .. و اللّه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۵،۶

۵ بعثت پیامبرانی در میان بنی اسرائیل ، از نعمت های بزرگ خداوند برای آنان

اذکروا نعمه اللّه علیکم اذ جعل فیکم انبیاء

۶ بعثت پیامبران در میان امت ها ، نعمتی بزرگ برای آنان

اذکروا نعمه اللّه علیکم اذ جعل فیکم انبیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۲

۲ خداوند در پی ارسال هر یک از پیامبران در شهر ها و آبادانی ها ، کفرپیشگان را به سختی تنگدستی و رنج و اندوه گرفتار ساخت .

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء

با توجه به دو آیه بعد (و لو أن أهل القری . ..) معلوم می شود گرفتار ساختن امتهای گذشته به بلاها و سختیها در صورتی بوده که آنان با تبلیغ و ارشاد پیامبران خویش ایمان نمی آوردند و همچنان بر کفرورزی پافشاری داشتند. در این مرحله آنها

را گرفتار می ساخت تا شاید متنبّه شوند. بنابراین جمله <أخذنا أهلها ... > مقید می شود به <إذا لم يؤمنوا و لم يتقوا>

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۳ – ۴

۴ تاریخ بشر ، شاهد بعثت پیامبران در پی گسترش ظلم و بی عدالتی

لما ظلموا و جاءتهم رسلهم بالبینت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴۷ – ۸

۸ بعثت پیامبران ، اتمام حجت خداوند بر مردم است .

فإذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۹ – ۱۱

۱۱– رسولان الهی با دلایل و براهین روشن در میان اقوام مختلف و از جمله قوم نوح ، عاد و ثمود ، مبعوث شدند .

جاءتهم رسلهم بالبیّنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۳ – ۱

۱– سوگند خداوند به خویش ، مبنی بر ارسال پیامبرانی به سوی امت های مختلف ، پیش از ظهور اسلام

تالله لقد أرسلنا إلی أُمم من قبلک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۷ – ۱۵

۱۵ – فرستادن رسولان الهی همراه با معجزات ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

إنّا رسولا ربّک . .. بَایه من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۲

۲ - سنت الهی ، بر فرستادن رسولانی از جنس بشر و برخاسته از میان همان مردم بود .

فأرسلنا فیهم رسولاً منهم

بلکه فردی بود برخاسته از میان همان مردم، تربیت شده در میان ایشان و شناخته شده برای همه آنان بود. هم چنین قید <منهم> بیانگر این معنا

است که آن پیامبر، از جنس خود مردم بود، نه از غیر بشر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۱

۱ - تاریخ ، شاهد بعثت پیاپی پیامبران ، پس از نابودی قوم ثمود

ثمّ أنشأنا من بعدهم قرونًا ءاخرين . .. ثمّ أرسلنا رسلنا تترا

<تترا> به معنای پیاپی آمدن است. گفتنی است که <تترا> در این آیه، مصدر به معنای فاعل است که در محل نصب و حال است برای <أرسلنا> می باشد. بنابراین تقدیر آن چنین است: <ثمّ أرسلنا جائين واحداً بعد واحد> (پس فرستادگان خود را یکی پس از دیگری، روانه کردیم).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۹

۹ - فرستاده شدن پیامبر از سوی خدا به سوی مردم ، دارای پیشینه ای بلند در تاریخ بشر

و لكنّا كنّا مرسلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۱،۵

۱ - اقدام خداوند به برانگیختن پیامبر در میان اقوام پیشین ، قبل از نابود ساختن آنان

و ما كان ربّك مهلك القرى حتّى يبعث فى أُمّها رسولاً

۵ - گزینش شهر های بزرگ و مرکزی از سوی خداوند برای بعثت فرستادگان خود

حتّى يبعث فى أُمّها رسولاً

<أُمّ القرى> به شهری گفته می شود که نسبت به شهرهای دیگر حالت مرکزیت داشته باشد و مردم آن شهرها برای رفع نیازمندی های خود و. .. به آن جا مراجعه کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۷ – ۴

۴ – قبل از پیامبر اسلام

، پیامبران دیگری از سوی خداوند ، برانگیخته شده اند .

و لقد أرسلنا من قبلک رسلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳ - ۵

۵ - تاریخ بشر ، شاهد بعثت پیامبرانی بسیار

لمن المرسلین

بعثت انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۳

۳ - خداوند پس از این که مردم انطاکیه دو پیامبر را تکذیب کردند ، پیامبر سومی را برای تقویت آن دو فرستاد .

فکذّبوهما فعزّزنا بثالث

<عزه> ریشه فعل <عزّزنا> به معنای <قوّه> است.

بعثت انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۱

۲۱ تمامی پیامبران مبعوث شده به سوی بنی اسرائیل ، دارای دلایل روشن (معجزه برهان) بر حقانیت رسالت خویش

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت

بعثت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۳

۳ بعثت پیامبرانی متعدد و بلند مرتبه از جانب خداوند برای بنی اسرائیل

و ارسلنا الیهم رسلا

تنوین در <رسلا> می تواند اشاره به عظمت و مرتبه والای آن رسولان داشته باشد.

بعثت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۹

۹ بعثت داود (ع) قبل از بعثت عیسی (ع)

علی لسان داود و عیسی ابن مریم

تقدیم ذکر داود بر عیسی حاکی از سبقت زمانی حضرت داود است.

بعثت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۳،۷ - ۴۶

۳ بقای نشانه ها و آیین پیامبران یهود تا زمان بعثت عیسی (ع)

و قفینا علی ءاثرهم بعیسی ابن مریم

<ءاثرهم> می رساند که شریعت و آثاری از پیامبران پیشین باقی بوده است.

۷ بعثت عیسی (ع) ، گواه و تأییدی بر حقانیت تورات

و قفینا . .. بعیسی ابن مریم مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

با در نظر گرفتن اینکه در تورات نوید بعثت عیسی(ع) داده شده بود، بعثت عیسی(ع) خود گواه راستی و درستی تورات خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۹

۹ بعثت داود (ع) قبل از بعثت عیسی (ع)

علی لسان داود و عیسی ابن مریم

تقدیم ذکر داود بر عیسی حاکی از سبقت زمانی حضرت داود است.

بعثت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ - یهودیان ، معترض به خداوند به خاطر گزینش رسول اکرم (ص) به پیامبری و نازل کردن وحی بر آن حضرت

بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

از اینکه قرآن در بیان ریشه حسادت یهود (أن ینزل . ..) به دو چیز اشاره کرده است (پیامبری رسول اکرم (ص) و اینکه خدا این مقام را به او عطا کرده) می توان چنین نتیجه گرفت که یهودیان علاوه بر حسادتشان بر رسول اکرم(ص) به خداوند نیز به سبب اعطای این مقام، معترض بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱،۵

۱ - محمد

(ص) ، رسولی مبعوث شده از جانب خداوند

و لما جاءهم رسول من عنداللّه

ظاهر این است که مراد از <رسول> پیامبر اسلام باشد. قابل ذکر است که برخی از مفسران بر آنند که مقصود حضرت عیسی(ع) است.

۵ - بعثت پیامبر (ص) ، دلیل و گواهی بر راستی و درستی تورات و آسمانی بودن آن

مصدق لما معهم

توضیح برداشت فوق در آیه ۴۱، ۹۱ و ۹۷ از همین سوره بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۵

۵ - بعثت پیامبر (ص) و تغییر قبله ، نمونه ای از توجه و یاد خدا از بندگان خویش *

و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره . .. کما أرسلنا فیکم رسولا ... فاذکرونی أذکرکم

برداشت فوق احتمال دیگری است که می توان از تفریع جمله <فاذکرونی . ..> بر بعثت پیامبر و تغییر قبله، استفاده کرد; یعنی: فاذکرونی أذکرکم کما ذکرتکم بارسال الرسول و تحویل القبله.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱،۳،۱۲،۱۵

۱ بعثت پیامبر (ص) ، نعمتی بزرگ برای مؤمنان

لقد منّ اللّه علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا

فعل <منّ> از مصدر <منّه> به معنای نعمت بزرگ است.

۳ رسیدن به مقام رضای الهی ، رهایی از دوزخ و نیل به درجات عالی ، در پرتو بعثت پیامبر (ص) و ایمان به اوست .

افمن اتّبع رضوان اللّه . .. هم درجات عند اللّه ... لقد منّ اللّه علی المؤمنین اذ

با توجّه به آیه قبل که سخن از نیل به

درجات و رضای الهی بود، گویا در این آیه راه وصول به آن را بیان می کند.

۱۲ گمراهی آشکار مردم ، پیش از بعثت پیامبر (ص)

و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

۱۵ یادآوری وضعیّت نابهنجار (گمراهی آشکار) مردم پیش از بعثت ، برانگیزنده توجّه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر (ص)

لقد منّ اللّه . .. و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

جمله <ان کانوا . .. > به منزله دلیل است برای بزرگی نعمتِ رسالت. یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (ص) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (ص) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۰ – ۲،۵،۱۶

۲ اهل کتاب قبل از بعثت پیامبر (ص) در انتظار رسالت آن حضرت

یأیها الناس قد جاءکم الرسول

<قد> در <قد جاءکم> که به معنای توقع است و نیز <ال> در <الرسول> که برای عهد ذهنی است، می رساند که مخاطبان در انتظار بعثت پیامبر(ص) بودند.

۵ بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن پرتویی از ربوبیت الهی

قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم

۱۶ بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن برخاسته از علم و حکمت خداوند

یأیها الناس قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم . .. و کان اللّه علیماً حکیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۴ – ۱،۲

۱ پیامبر (ص) فرستاده ای از جانب خداوند

برای تمامی انسانها

یأیها الناس قد جاءکم برهن من ربکم

۲ بعثت پیامبر (ص) پرتوی از ربوبیت خداوند نسبت به مردمان

یأیها الناس قد جاءکم برهن من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۲،۹

۲ اهل کتاب (یهود و نصارا) در انتظار بعثت پیامبر (ص) *

یاهل الکتب قد جاءکم رسولنا

کلمه <قد> می تواند بیانگر انتظار حصول فعلی باشد که بر سر آن آمده است. نظیر <قد قامت الصلوه>.

۹ بعثت پیامبر (ص) ، اتمام حجت خداوند بر اهل کتاب

ان تقولوا ما جاءنا من بشیر و لانذیر فقد جاءکم بشیر و نذیر

<ان تقولوا> به تقدیر <لام> تعلیل و <لا> نافیه است ; یعنی لئلا تقولوا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۷

۷ بعثت پیامبر (ص) از بشارت ها و اخبار غیبی تورات و انجیل

الرسول النبی الأمّی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التوریه و الإنجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱ - ۸

۸ - بعثت پیامبر خاتم (ص) ، نشانی از نزدیکی رخداد قیامت

اقتربت الساعه و انشقّ القمر

<شق القمر> از معجزات ویژه پیامبراکرم(ص) است. در حقیقت خداوند، معجزه آن حضـرت را که حاکی از حقانیت رسالت پیامبر(ص) و تحقق عصر خاتمیت است نشان نزدیکی قیامت معرفی کرده است.

بعثت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۳

۳ اعتقاد و اعتراف یهود به

پایان نیافتن پیامبری و رسالت ، پس از بعثت حضرت موسی (ع)

الّا نؤمن لرسول حتّی یاتینا بقربان

اگر یهود، مدعی خاتمیّت نبوت حضرت موسی(ع) بودند، باید به پیامبر (ص) می گفتند از ما تعهّد گرفته شده که به هیچ مدعی رسالتی ایمان نیاوریم، نه اینکه علامت پیامبر راستین را بیان کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۲

۲ خداوند با بعثت موسی ، بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان و شکنجه های سهمگین آنان ر ها ساخت .

و إذ أنجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

در جمله <هو فضلکم> (او شما را برتری بخشید)، برتری دادن تنها به خداوند نسبت داده شده است، ولی در جمله دوم <أنجیناکم> (ما شما را نجات دادیم) نسبت نجات بخشی به ضمیر <نا> (یعنی ما) داده شده است. از این مقابله می توان فهمید که خداوند در نجات بخشی نظر به اسباب نیز دارد که به مناسبت، سبب آن بعثت حضرت موسی است. بنابراین <أنجیناکم> یعنی ما با بعثت موسی شما را نجات دادیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۱۲

۱۲ سخن گفتن خدا با موسی (ع) و گزینش وی به پیامبری ، از نعمت های بزرگ خداوند به وی

اصطفیتک علی الناس برسلتی و بکلمی . .. و کن من الشکرین

بعثت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ < عن الصادق (ع) : لما حضرت نوحاً (ع) الوفاه

دعا الشیعه فقال لهم : إعلموا أنه ستکون من بعدی غیبه تظهر فیه الطواغیت و أن الله عزوجل یفرّج عنکم بالقائم من ولدی اسمه هود . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: هنگامی که وفات نوح فرارسید، پیروانش را فرا خواند و فرمود: بدانید همانا به زودی بعد از من غیبتی خواهد بود که در آن طاغوتها پدید می آیند و خدای عزوجل بهوسیله فردی قیام کننده از نسل من، که نام او هود است، برای شما گشایش پدید می آورد. ..>.

بی احترامی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۳

۳ - محروم ساختن یتیمان از اکرام و احترام و بها ندادن به شخصیت آنان ، فرهنگی حاکم بر مردم عصر بعثت

لاتکرمون الیتیم

بی سوادی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۲ - ۲

۲ - مردم عصر پیامبر (ص) ، بی بهره از سواد خواندن و نوشتن

هو الذی بعث فی الأُمّیّن رسولاً منهم

<اُمّی> (مفرد <اُمّیین>); یعنی، بی سواد، کسی که خواندن و نوشتن نمی داند.

بینش اعراب دوران بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ - بَردگان ، در دید اعراب عصر بعثت ، فاقد هرگونه هویت و ارزش بودند .

هل لکم . .. تخافونهم کخیفتکم أنفسکم

از این که مشـرکان، از ناحیه بردگان خویش، یا احساس نگرانی نداشـتند و یا چندان قابل توجه نبود، استفاده می شود که آنان را دارای قدر و منزلت نمی دانستند.

بینش

علمای دینی مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷ – ۹

۹- بشر بودن پیامبران ، امری مسلّم نزد عالمان دینی و آگاهان تاریخ انبیا در عصر بعثت

و ما أرسلنا . .. فسلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

مقصود از <أهل الذکر> عالمان دینی است; زیرا اولاً ـ عموم مردم از تاریخ پیامبران بی خبر بودند و این نوع اطلاعات در اختیار عالمان دینی بود و ثانیاً واژه <ذکر> در قرآن، بر کتاب های آسمانی و از جمله خودِ قرآن اطلاق گردیده است.

بینش مردم مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۵ – ۵

۵- مردم عصر بعثت ، معتقد به توانایی علمی پیامبر (ص) در پاسخ گویی به مسائل اسرارآمیز و ناشناخته ای چون روح

یسئلونک عن الروح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۲ – ۲،۳،۴

۲- نزول داستان اصحاب کهف در قرآن ، زمینه ساز اظهار نظرهایی گوناگون در میان مردم عصربعثت ، در باره تعداد آنان شد .

سیقولون . .. و یقولون ... و یقولون

حرف <سین> در <سیقولون> نشانه صدور آن گفته و گفته های بعدی در زمان آینده است و به قرینه <فلا تمار فیهم> این اقوال، در زمان حیات رسول اللّه(ص) پیدا شده بود.

۳- مردم عصربعثت ، با اظهار سه نظریه متفاوت ، اصحاب کهف را سه ، یا پنج و یا هفت نفر می پنداشتند .

سیقولون ثلثه رابعهم کلبهم و یقولون خمسه . .. و یقولون سبعه

۴- سگ اصحاب کهف ، چهارم یا ششم

و یا هشتمین عضو گروه اصحاب کهف در نظر مردم بود .

سیقولون ثلثه رابعهم کلبهم و یقولون خمسه سادسهم کلبهم . .. و یقولون سبعه و ثامنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۵ - ۴

۴ - لزوم حفظ درختان بارور ، در باور مردمان عصر بعثت

ما قطعتم من لینه . .. فبإذن اللّه

از توضیح خداوند نسبت به مشروعیت عمل مسلمانان در قطع درختان بنی نضیر، چنین استفاده می شود که عمل آنان، برای مردم مدینه چه بسا سؤال برانگیز بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۱

۱ - برخی از مردم عصر بعثت ، قرآن را کلامی القا شده از سوی شیطان می پنداشتند .

و ما هو بقول شیطن

بینش مشرکان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۱ - ۳

۳ - پندار مشرکان عصر بعثت ، خاموش شدن فروغ دین و آیین نبوی ، با رحلت پیامبر (ص)

فإمّا نذهبنّ بک فإنّا منهم منتقمون

آیه شریفه، گویا در پاسخ توهم مشرکان است که می پنداشتند با رحلت پیامبر(ص)، تمامی مسائل خاتمه خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۲

۱۲- ارج و منزلت تورات نزد مشرکان عصر بعثت ، به رغم عدم پیروی از آن

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه و هذا کتب مصدّق

این احتمال وجود دارد که تذکّر به وجود مشابهت قرآن و تورات، از آن جهت باشد که مشرکان مکه با

این که عملاً- پیرو تورات نبودند نوعی احترام و قداست برای آن قائل بوده و به تکذیب آن اقدام نمی کردند. بر این اساس خداوند فرموده است: شما چگونه قرآن را دروغ می پندارید، با این که شبیه تورات است که نزد شما قرب و منزلت دارد.

بینش مورخان مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷ – ۹

۹- بشر بودن پیامبران ، امری مسلّم نزد عالمان دینی و آگاهان تاریخ انبیا در عصر بعثت

و ما أرسلنا . .. فسلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

مقصود از <أهل الذکر> عالمان دینی است; زیرا اولاً- عموم مردم از تاریخ پیامبران بی خبر بودند و این نوع اطلاعات در اختیار عالمان دینی بود و ثانیاً واژه <ذکر> در قرآن، بر کتاب های آسمانی و از جمله خودِ قرآن اطلاق گردیده است.

پرسش مردم مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۵ – ۲

۲- حقیقت روح ، امری مبهم و سؤال برانگیز برای مردم عصر پیامبر (ص)

و یسئلونک عن الروح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۳ – ۱،۴

۱- مردم زمان پیامبر (ص) از آن حضرت ، درباره ذوالقرنین ، پرسش هایی را مطرح ساخته بودند .

و یسئلونک عن ذی القرنین

<قرن> به معنای <شاخ> است. گفته اند وجه تسمیه <ذوالقرنین> آن بوده که وی، دو رشته گیسوان بافته، همانند دو شاخ داشته و یا این که بر کلاه او دو شاخ قرار داشته است. البته <قرن> به معنای

مدّت زمانی متمادی که مردم در آن زیست می کنند نیز آمده و لذا برخی نیز وجه تسمیه را دوران طولانی حاکمیت ذوالقرنین دانسته اند.

۴- پرسشش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه نزول برخی آیات و تبیین مطالبی برای مردم بود .

و یسئلونک عن ذی القرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۲ – ۱

۱ – پرسش از زمان فرا رسیدن قیامت ، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الساعه أیّان مرسیها

کلمه <مرسی>، به صورت های مصدر میمی، اسم زمان، اسم مکان و اسم مفعول کاربرد دارد(مفردات راغب). این کلمه در آیه شریفه به قرینه <أیّان> که سؤال از زمان است مصدر میمی می باشد. در این صورت <مرسی> به معنای وقوع و استقرار خواهد بود. مکرر بودن سؤال، از فعل مضارع <یسئلونک> استفاده شده است.

پوچ انگاری بعثت انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۸ – ۹

۹- بازیچه انگاشتن نظام خلقت و بعثت پیامبران ، از سوی مشرکان عصر پیامبر

و ما خلقنا السماء. .. لعبین... و لکم الویل ممّا تصفون

مخاطب <لکم> و <تصفون> مشرکانند و به قرینه آیات پیشین، مقصود از توصیف عقیده نادرست مشرکان در باره آفرینش جهان و نسبت ناروای سرگرمی گرفتن آفرینش به خداوند است.

تأثیر قرآن در مردم مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۰ – ۳

۳ – قرآن ، دارای تأثیری شگرف در میان مردم عصر نزول

قالوا هذا سحر

این که مشرکان قرآن را سحر

می خواندند، نشانگر تأثیر عمیق آن است.

تاریخ بعثت موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۵ – ۱

۱ بعثت موسی و هارون (ع) پس از بعثت پیامبران بزرگ بعد از نوح (ع) بود .

و اتل علیهم نبأ نوح . .. ثم بعثنا من بعده رسلا ... ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون

تاریخ بعثت هارون(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۵ – ۱

۱ بعثت موسی و هارون (ع) پس از بعثت پیامبران بزرگ بعد از نوح (ع) بود .

و اتل علیهم نبأ نوح . .. ثم بعثنا من بعده رسلا ... ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون

تاریخ مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶ – ۴،۶

۴ – بعثت پیامبراسلام (ص) ، در عصری بود که مردمِ آن و پدرانشان هیچ پیامبری را درک نکرده و از وجود رسولان الهی محروم بودند .

لتنذر قومًا ما أُنذر ءاباؤهم

گفتنی است طبق آیات گوناگون از جمله آیه ۲۴ سوره فاطر (و إن من أُمّه إلّا خلا فیها نذیر) تمامی امت ها از انذارگران الهی برخوردار بودند. بنابراین مقصود از آیه شریفه، این نیست که مردم عصر رسالت، در تمامی اعصار گذشته از وجود پیامبران الهی محروم بودند; بلکه مقصود پدران نزدیک آنان است و یا مراد این است که هیچ پیامبری به صورت مباشر و از نزدیک به هدایت آنان نپرداخته است.

۶ - مردم در آغاز

بعثت و اجداد آنان در عصر جاهلیت ، در غفلت و بی خبری بسر می بردند .

ما أُنذر ءاباؤهم فهم غفلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که ضمیر <هم> به مجموع <قوم> و <آباء> بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۱۱

۱۱ - وجود مذاهب و ادیان گوناگون در جزیره العرب به هنگام بعثت پیامبر (ص)

لیظهره علی الدین کلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۲ - ۲،۹

۲ - مردم عصر پیامبر (ص) ، بی بهره از سواد خواندن و نوشتن

هو الذی بعث فی الأُمّیّن رسولاً منهم

<اُمّی> (مفرد <اُمّیین>)؛ یعنی، بی سواد، کسی که خواندن و نوشتن نمی داند.

۹ - مردم جزیره العرب پیش از بعثت پیامبراکرم (ص) ، در گمراهی آشکاری به سر می بردند .

و إن کانوا من قبل لفی ضلل مبین

<إن> در <و إن کانوا> مخفف از مثقله است؛ یعنی، <و إنّهم کانوا من قبل لفی ضلال مبین>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۵

۵ - ایمان به قرآن در میان مردم ، در نیمه نخست رسالت (مکّه) بسیار اندک بود .

قلیلاً ما تؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۴۲ – ۵

۵ – پندگیری و درس آموزی مردم از تعالیم قرآن ، در نیمه نخست رسالت بسیار ناچیز و اندک بود .

قليلاً ما تذكّرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات

- ۷۹ - ۲۶ - ۹

۹ - منکران معاد و فرعون صفتان عصر بعثت ، محروم از خشیت الهی و بی تفاوت در برابر عبرت های تاریخ

یقولون أءنّا . .. هل أتیک ... إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

تصریح به <من یخشی> برای اشاره به نبود خشیت در وجود منکران معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۴

۴ - کشاورزی و دامداری ، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

ماءها و مرعیها . .. متعًا لکم و لأنعمکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۳

۳ - آشنایی مردم عصر بعثت با سوابق پیامبر (ص) و معاشرت آن حضرت با آنان

و ما صاحبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۳

۳ - محروم ساختن یتیمان از اکرام و احترام و بها ندادن به شخصیت آنان ، فرهنگی حاکم بر مردم عصر بعثت

لاتکرمون الیتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۱

۱ - بی توجهی به مستمندان و ترغیب نکردن یکدیگر به تأمین غذای آنان ، فرهنگی حاکم بر عصر بعثت

و لاتحضّون علی طعام المسکین

<تحاضّ> (مصدر <تحاضّون>)، به معنای ترغیب کردن یکدیگر است (قاموس). گفتنی است که از عبارت <طعام المسکین>، <بذل طعام المسکین> اراده شده است. البته <طعام> می تواند به معنای <اطعام> باشد مانند <عطاء> به معنای <اعطاء> ولی تقدیر بهتر است. (البحرالمحیط)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲۰

شرح - ۹۴ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را در عصر بعثت ، نامدار و بلندآوازه ساخت و آن حضرت را در اوج شهرت قرار داد .

و رفعنا لک ذکرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۷ - ۴

۴ - پیامبر (ص) در آغاز بعثت ، مخالفانی متشکل و متحد با یکدیگر داشت .

فلیدع نادیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱۶

۱۶ گمراهی مردم ، پیش از اسلام

و ان کنتم من قبله لمن الضالین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۲

۲۲ جامعه جاهلی عصر بعثت ، هیچ حقی را برای زنان معتبر نمی شمرد .

و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

با توجّه به اینکه حقوق مردان بر زنان (علیهنّ) را مُسلّم گرفته و در صدد اثبات حقوق زنان بر مردان (لهنّ) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۱۳،۱۵،۲۲

۱۳ مسلمانان قبل از پذیرش اسلام ، گرفتار پراکندگی ، تفرقه ، جنگ و خصومت

اذ کنتم اعداءً فالّف بین قلوبکم

۱۵ اخوت و برادری مسلمانان در سایه اسلام ، پس از تاریخی آکنده از دشمنی و کینه ، برهان خداوند برای فرمان به اعتصام به ریسمان الهی

و اعتصموا بحبل اللّه . .. واذکروا نعمت اللّه علیکم اذ کنتم اعداءً فالّف بین قلوب

۲۲ جامعه جزیره العرب در عصر بعثت پیامبر (ص) ، به خاطر تفرقه و

نزاع ، در معرض نابودی و هلاکت

و کنتم علی شفا حفره من النار

بنابراینکه <النار>، استعاره از هلاکت و نابودی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۲،۱۳

۱۲ گمراهی آشکار مردم ، پیش از بعثت پیامبر (ص)

و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

۱۳ هواپرستی و رواج ضدارزش ها ، جهل و محرومیّت از تعالیم دین ، از جلوه های گمراهی مردم ، پیش از ظهور پیامبر (ص)

یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۸

۸ - مردم عصر بعثت ، مردمانی شرک پیشه بودند .

یوحی إلیّ أنّما إلهکم إله وحد . .. و ویل للمشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۳ - ۴

۴ - وجود نظام طبقاتی ، در جوامع عصر بعثت و پیش از آن

و کذلک ما أرسلنا من قبلک . .. إلاّ قال مترفوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۱ - ۱

۱- مشرکان عصر بعثت ، معبودهایی متعدد را به عنوان < الهه > می پرستیدند .

واتّخذوا من دون اللّه ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - صنعت شیشه و استفاده از آن برای روشنایی ، در عصر بعثت وجود داشت .

فی زجاجه الزجاجه کأنّها کوکب دریّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۷

۷ دعوت خدا و رسول او ، مورد تکذیب مردم در نیمه نخست بعثت پیامبراسلام (ص) قرار گرفت .

قل مایعبؤا بکم ربّی لولا دعاؤکم فقد کذّبتم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مکه نازل گردیده است که نیمه نخست رسالت پیامبراسلام(ص) در آن قرار داشت. بنابراین خطاب <کذّبتم> به مردم همین دوره از رسالت خواهد بود.

تداوم بعثت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۶

۶ وحی و بعثت پیامبران (ع) ، جریانی مداوم و پیوسته در تاریخ

إنّا أوحینا إلیک کما أوحینا إلی نوح و النبین من بعده . .. و ءاتینا داود زبوراً

تقویت روحیه مسلمانان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۱۰

۱۰ - توجّه به ماجرای اصحاب فیل ، دلگرم کننده و اطمینان بخش برای پیامبر (ص) و مؤمنان عصر بعثت

ألم تر کیف فعل ربّک بأصحب الفیل

تکذیبگری کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، با بیان پافشاری کافران عصر بعثت بر کفر و انکار معاد ، انتظار ایمان آوردن آنان را بی فایده خواند و توطئه گری آنها را به پیامبر (ص) گوشزد کرد .

إنّهم يكيدون كيدًا

تكذيبگرى مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۹ - ۳

- ۳

تکذیب قرآن ، از سوی گروهی از مردم در عصر نزول وحی

و إنّا لنعلم أنّ منکم مکذّبین

توطئه کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۵ - ۲

۲ - خداونـد ، بـا بیـان پافشاری کافران عصـر بعثت بر کفر و انکار معاد ، انتظار ایمان آوردن آنان را بی فایـده خوانـد و توطئه گری آنها را به پیامبر (ص) گوشزد کرد .

إنّهم یکیدون کیدًا

توطئه های کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۷

۷ - وجود شرایط مساعد برای اقدام سریع پیامبر (ص) به رویارویی با توطئه های کافران ، در عصر بعثت

فمهّل الکفرین

فرمان مهلت دادن، در صورتی به پیامبر(ص) داده می شود که شرایط برای انجام عملی شتابزده علیه کافران فراهم باشد.

تهدید اهل تکاثر مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۴

۴ - خداوند ، تهدیدکننده افزون نمایان عصر بعثت به کیفری گریزناپذیر

ألهیکم التکاثر . .. کلاّ سوف تعلمون

تهدید کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۶

۶ - خداوند ، کافران عصر بعثت را به عذابی نزدیک تهدید کرد .

فمهّل . .. رویدًا

دادن مهلت کوتاه به منزله تهدید به عذاب، پس از انقضای مهلت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۷

۷ - خداوند ، تهدیدکننده کافران عصر بعثت به سرنوشتی نظیر فرجام

قوم عاد

ألم تر كيف فعل ربّك بعاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۹ - ۶

۶ - خداوند ، تهديدكننده كافران عصر بعثت ، به فرجامى نظير هلاكت قوم ثمود

ألم تر كيف فعل ربّك . .. و ثمود الذين جابوا الصخر بالواد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند ، تهديدكننده كافران عصر بعثت ، به گرفتار ساختن آنان در عقوبتى نظير فرجام قوم فرعون

ألم تر . .. و فرعون ذى الأوتاد

تهمتهاى مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكوير - ۸۱ - ۲۲ - ۱

۱ - برخى از مردم عصر بعثت ، پيامبر (ص) را ديوانه شمرده و او را به تدوين قرآن براساس اختلالات عقلى ، متهم مى كردند .

و ما صاحبكم بمجنون

جادو در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۱۰

۱۰- وجود پديده سحر و جادو ، در جامعه عصر بعثت

هذا سحر مبين

جنيان در دوران مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲ – ۴

۴ – ایمان گروهی از جن به قرآن ، در مرحله آغازین نزول

إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا . یهدی إلی الرشد فامنّا به

حجاب زنان مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۱۶

۱۶ – استفاده از روسری ، بدون پوشاندن گلو و سینه ، از پوشش

های زنان جزیره العرب پیش از تشریع حکم حجاب از جانب اسلام

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

حقانیت بعث شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۵ – ۱۳

۱۳ شعیب برخوردار از بینه و دلیلی روشن بر حقانیت بعث و پیام های خویش

قد جاءتکم بینه من ربکم

خداشناسی مردم مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۸۸ – ۲

۲– شناخت مردم عصر بعثت از خداوند ، شناختی ضعیف و ناقص بود .

و قالوا اتّخذ الرحمن ولدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹۱ – ۳

۳– < رحمان > از اسامی و اوصاف خداوند ، و شناخته شده برای مردم عصر بعثت

أن دعوا للرحمن ولدًا

خداشناسی مشرکان مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۸۱ – ۳،۷

۳ – باور مشرکان عصر بعثت به رحمانیت خدای هستی

قل إن كان للرحمن ولد

۷ – شناخت مشركان عصر پيامبر نسبت به خداوند با نام < رحمان >

قل إن كان للرحمن

دامداری مردم مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳۳ – ۴

۴ – كشاورزی و دامداری ، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

ماءها و مرعيها . .. متعًا لكم و لأنعمكم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۲ – ۴

۴ – كشاورزی و دامداری ، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

متعًا لكم و لأنعمكم

دلايل بعثت انبيا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱

۱- خداوند ، تمامی انبیا و رسولان خود را با دلایل روشن (معجزات) و کتاب به سوی مردم گسیل داشته است .

و ما أرسلنا من قبلك إلاّ رجالاً . .. بالبيّنت و الزبر

<زبر> جمع <زبور> و به معنای کتابهاست.

دلایل بعثت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۳

۱۳ شعیب برخوردار از بینه و دلیلی روشن بر حقانیت بعثت و پیام های خویش

قد جاءتکم بینه من ربکم

ذوب فلز در دوران بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۶

۶ مردم عصر بعثت آشنا با گداختن و ذوب فلزات در کوره های آتش ، برای تهیه زیورآلات و اسباب زندگی

و مما یوقدون علیه فی النار ابتغاء حلیه أو متع

زمینه بعثت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - فسق و تبه کاری رهبران کارگزاران جامعه ، از زمینه های فرستادن رسولان و بعثت پیامبران برای آن جامعه از سوی خداوند

إلى فرعون و ملإيْه إنّهم كانوا قومًا فسقين

برداشت ياد شده از تعليليه بودن جمله <إنّهم كانوا قوماً فاسقين> استفاده مى شود; يعنى، چون فرعون و كارگزارانش مردمى تبه كاراند، پس با اين معجزه به سوى آنان روان شو.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۱۴ - ۴

۴ - تعداد رسولان الهى ، به ميزان نياز جبهه حق و

دین الهی و به مقدار تأثیرپذیری مردم هر جامعه ای بستگی داشت .

إذ أرسلنا إلیهم اثنین فکذّبوهما فعزّزنا بثالث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۵ - ۷

۷ - هدفداری خلقت انسان ، مستلزم بعثت رسولان و هدایت آدمیان به سوی اهداف بایسته

أم خلقوا من غیر شیء

چنانچه عبارت <من غیر شیء> به معنای <من غیر غایه> باشد; از ارتباط مسأله هدفداری خلقت انسان با آیات پیشین که درباره حقانیت رسالت پیامبر(ص) و قرآن بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۶ - ۷

۷ - ربوبیت الهی ، مقتضی فرستادن پیامبران است .

إذ نادیه ربّه

محتوای ندای خداوند به قرینه آیه بعد فرمان رسالت موسی(ع) بوده است.

سرزمین ارم در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۱

۱ - ساختمان های مرتفع سرزمین ارم ، بی نظیر در تمام سرزمین ها تا عصر بعثت

الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

شرک در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۹

۹ رواج شرک و بت پرستی در بین مردم جزیره العرب مقارن ظهور اسلام

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

شرک عبادی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۷ - ۵

۵ - شرک در عبادت و الوهیت ، بنیاد و اساس انحراف مردم عصر

بعثت

أنّما إلهكم إله وحد . .. و ويل للمشركين . الذين لايؤتون الزكوه

شرك مردم مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۶ – ۸

۸ – مردم عصر بعثت ، مردمانی شرك پيشه بودند .

يوحى إلىّ أنّما إلهكم إله وحد . .. و ويل للمشركين

عبرت مردم مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۴ – ۶

۶ – آثار بر جا مانده از تمدن ها و دستاورد های اقوام و ملت های نيرومند پيشين ، قابل بازديد و مطالعه و درس آموز برای مردم عصر بعثت

أوَلم يسيروا فى الأرض فينظروا . .. و كانوا أشدّ منهم قوّه

عصيان مشركان مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – بينه – ۹۸ – ۱ – ۶

۶ – اهل كتاب و مشركانی كه اسلام را نپذيرفتند ، كسانی بودند كه از پذيرش هر برهان روشنی سرباز می زدند .

لم يكن . .. منفكّين حتّى تأتيهم البيّنه

در برداشت ياد شده، <منفكّين> به معنای <منفكّين عن الكفر> دانسته شده است. <تأتيهم البيّنه> به تقدير <أن> مصدريه با <اتيان البيّنه> مرادف است و عبارت <حتّى اتيان البيّنه> را می توان به معنای <حتّى وقت اتيان البيّنه> يا <حتّى باتيان البيّنه> دانست. در اين صورت، تقدير كلام چنين می شود: <لم يكن ... منفكّين فى وقت من الأوقات حتّى

وقت اتیان البیّنه> یا <لم یکن ... منفکّین بأیّ طریق حتّی باتیان البیّنه>.

عقیده باطل مشرکان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف

- ۴۳ - ۸۱ - ۲

۲ - مشرکان عصر بعثت ، معتقد به وجود فرزند ، برای خدای رحمان

قل إن كان للرحمن ولد فأنا أوّل العبدين

عقیده مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۲

۱۲- اعتقاد برخی از مردم عصر پیامبر (ص) به عدم وحیانیت قرآن و ساختگی بودن آن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. لايأتون بمثله

از اینکه قرآن با قاطعیت تمام اعلام تحدی می کند، می توان آن را پاسخ این شبهه که <قرآن وحی نیست> تلقی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۴

۴ مشرکان ، به هنگام طلوع خورشید اسلام ، به معبود های متعددی اعتقاد داشتند .

ليضلّنا عن ءالهتنا

<إله> مفرد <آلهه> به معنای معبود است و جمع آمدن آن حاکی است که مشرکان به چند معبود اعتقاد داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۸ - ۳

۳ - وجود اعتقاد و باور به الوهیت عیسی (ع) در جامعه عصر بعثت

و قالوا ءألهتنا خير أم هو

عقیده مشرکان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۱ - ۳،۷

۳ - باور مشرکان عصر بعثت به رحمانیت خدای هستی

قل إن کان للرحمن ولد

۷ - شناخت مشرکان عصر پیامبر نسبت به خداوند با نام < رحمان >

قل إن کان للرحمن

علم مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۵

١ - آگاهی مردم کافر عصر بعثت ، از سرنوشت شوم اقوام کافر پیش از خود

ألم یأتکم نبؤا الذین کفروا من قبل

استفهام در <ألم یأتکم>، تقریری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - ملک - ٦٧ - ١٨ - ۴

۴ - آشنایی مردم عصر نزول قرآن ، به سرنوشت هلاکت بار اقوام و ملّت های تکذیب گر پیش از خود

فکیف کان نکیر

تعبیر <فکیف کان نکیر>(پس از انکار و کیفر من چگونه بود؟) می رساند که مخاطبان آیات قرآن، از چگونگی کیفر و عذاب اقوام پیش از خود، کم و بیش آشنا بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ - تکویر - ٨١ - ٢٢ - ٣

٣ - آشنایی مردم عصر بعثت با سوابق پیامبر (ص) و معاشرت آن حضرت با آنان

و ما صاحبکم

علمای مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١١ - انبیاء - ٢١ - ٧ - ١٠

١٠- وجود افرادی مطلع و آگاه به تاریخ انبیا در محیط جاهلی مشرکان عصر بعثت

فسلوا أهل الذکر

عوامل بعثت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۷ - ۵

۵ پیدایش اختلاف بین مردم ، عامل بعثت رسولان الهی بوده است .

فإذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط

جمله <قضی بینهم . ..> که دلالت بر وجود اختلاف بین مردم دارد; چون قضاوت در جایی است که اختلافی باشد ممکن است اشاره به اختلاف موجود پیش از آمدن رسول باشد و محتمل است اشاره به پیدایش اختلاف بعد از بعثت رسول باشد. برداشت فوق مبتنی

بر احتمال اول است.

غفلت مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶ - ۶،۷

۶ - مردم در آغاز بعثت و اجداد آنان در عصر جاهلیت ، در غفلت و بی خبری بسر می بردند .

ما أُنذر ءاباؤهم فهم غفلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که ضمیر <هم> به مجموع <قوم> و <آباء> بازگردد.

۷ - غفلت و بی خبری مردم در آغاز بعثت و اجداد آنان در جاهلیت ، ناشی از نبودن پیامبر و منذر الهی در میان آنها بوده است .

ما أُنذر ءاباؤهم فهم غفلون

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که <ما> در <ما أُنذر> نافیه و جمله <فهم غافلون> متفرع بر نفی انذار باشد; یعنی، انذار نشدنشان موجب غفلت آنان گردید.

فلسفه بعثت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۱

۱ بعثت رسولان الهی برای اطاعت مردم از آنان است .

و ما ارسلنا من رسول الّا لیطاع باذن اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۵ - ۵

۵ هدف از بعثت انبیا ، اتمام حجت خدا بر مردم است .

رسلا مبشرین و منذرین لئلا یکون للناس علی اللّه حجه بعد الرسل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۰ – ۶

۶ هدایت و تربیت تمامی انسان ها ، هدف از بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی

یأیها الناس قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۲۰،۲۴

۲۰ خداوند برانگیزنده پیامبرانی بسیار برای هدایت بنی اسرائیل

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت

۲۴ ایجاد صلح و امنیت و جلوگیری از فساد و ریختن خون بی گناهان ، از اهداف رسالت انبیا

من قتل نفساً بغیر نفس او فساد فی الارض . .. و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت

اشاره به رسالت انبیا با دلایل روشن پس از بیان عقوبت قتل و پاداش حفظ حیات انسانها، بیانگر جایگاه این تعالیم در رسالت انبیای الهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۱ – ۳

۳ اتمام حجت بر جوامع بشری از اهداف بعثت رسولان الهی است.

ألم یأتکم رسل منکم . .. ذلک أن لم یکن ربک مهلك القری بظلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۳ – ۴

۴ فرستادن پیامبران و استقرار نظام عمل و جزا، در عین بی نیازی خداوند، جلوه ای از رحمت گسترده اوست.

لکل درجت ما عملوا . .. و ربک الغنی ذو الرحمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۱۵

۱۵ رسالت فرستادگان الهی برای تربیت و رشد آدمیان است .

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق با توجه به کلمه <رب> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۱۴

۱۴ شمول رحمت خاص الهی بر بندگان ، از اهداف نزول دین و بعثت پیامبران

أن جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم . .. لعلکم ترحمون

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۴ – ۱،۷

۱ خداوند برای اقوام گذشته پیامبرانی را به منظور هدایت آنان و تسلیم شدنشان در برابر او ارسال داشت .

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا أهلها بالبأساء

۷ تضرع به درگاه خدا و خشوع در برابر او از ارزش های الهی و از اهداف رسالت انبیاست .

لعلهم یضرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۳ – ۳

۳ نجات ستمدیدگان از بیدادگری بیدادگران ، هدف خداوند از بعثت پیامبران در طول تاریخ

لما ظلموا و جاءتهم رسلهم بالبینت

ذکر جمله <جاءتهم رسلهم> بعد از <لما ظلموا> حکایت از این حقیقت دارد که بعثت پیامبران در پی گسترش ظلم و بیدادگری و به منظور رهایی مظلومان از شرّ ظالمان بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۹ – ۱۱

۱۱ بعثت پیامبران الهی ، در راستای نجات مظلومان از ستم بیدادگران

کذلک کذب الذین من قبلهم فانظر کیف کان عقبه الظلمین

رویارویی بیدادگران با رسولان الهی در طول تاریخ، بیانگر برداشت فوق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۸ – ۱۷

۱۷ بعثت پیامبران برای آموزش توحید و نفی شرک ، از تفضّلات الهی بر مردم است .

ما كان لنا أن نشرك . .. ذلك من فضل الله ... على الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۶ – ۴،۵

۴- سنت خداوند در بعثت انبیا ، برانگیختن و

اعزام آنان به سوی جوامع و امتهاست . *

و لقد بعثنا فی کلّ أُمّه رسولاً

از اینکه خداونـد در مقـام بیـان بعث انبیـا و مـورد تکـذیب واقع شـدنشان از سـوی تکـذیب کننـدگان، از <امت> به جـای <ناس> اسـتفاده کرده است و <امت> به گروهی اطلاق می شود که عاملی آنان را جمع کرده باشـد، می توان نکته فوق را به دست آورد.

۵- برانگیختن انبیا در میان همه امت ها برای دعوت به توحید عبادی ، دلیل بطلان عقیده مشرکان به جبری بودن شرکشان

و قال الذین أشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . .. و لقد بعثنا فی کلّ أ

آوردن عبـارت <قـد بعثنا. ..> پس از بیان کلام مشـرکان درباره جبری بودن شـرکشان، به منزله جواب برای آن است; با این بیان که اگر شـرکْ خواست خداونـد بود، نبایـد انبیا را مبعوث می کرد و حال آنکه آنان رابرای هدایت برانگیخته است و این حکایت از بطلان عقیده آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۷

۷- آشکار شدن حق در امور اختلافی و برطرف شدن اختلاف ها ، از جمله حکمت های بعثت انبیا

و لقد بعثنا فی کلّ أُمّه رسولاً . .. لیبیّن لهم الذی یختلفون فیه

برداشت یـاد شـده بر این اسـاس است که <لام> تعلیل در <لیبیّن> تعلیل آیه <و لقـد بعثنا فی کلّ أُمّه رسولاً> باشـد. فعل مضارع <یختلفون> که دلالت بر زمان حال می کند می تواند قرینه ای باشد بر اینکه تبیین در همین دنیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

- ۱۷ - ۱۵ - ۹

۹- اتمام حجت بر آدمیان ، از جمله اهداف بعثت انبیاست .

و ما کنّا معذّبین حتی نبعث رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۲

۲ - فرستادن رسولان ، اتمام حجت الهی بر کافران

و لولا أن تصیبهم مصیبه . .. و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱۳

۱۳ - ربوبیت خدا بر مردمان ، مقتضی بعثت پیامبران برای هدایت و راهنمایی آنان

قل ربّی أعلم من جاء بالهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶ - ۸

۸ - غفلت زدایی از مردمِ غافل و بیدار کردن آنان ، از اهداف رسالت و فلسفه بعثت رسولان الهی

لتنذر قومًا ما أُنذر ءاباؤهم فهم غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۴

۴ - جهل و ناآگاهی مردم انطاکیه ، از فلسفه بعثت پیامبران و حکمت گزینش آنان از میان انسان ها

قالوا ربّنا یعلم إنّا إلیکم لمرسلون

یادآوری علم و دانایی خداوند، پس از تکذیب رسولان الهی به دلیل بشر بودن آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۱،۱۰

۱۰ - هدف الهی از بعثت پیامبران ، ایجاد جوامع سالم ، رشید و بالنده است .

لقد أرسلنا رسلنا . .. لیقوم الناس

<قیام> (مصدر <یقوم>) به معنای ایستادن است. در این جا در معنای سلامت و صلاح به کار رفته

است.

۱۱ – هـدف رسـالت پیامبران ، در مرحله نخست تربیت انسان های عادل و ساختن جامعه عـدالت خواه بود ; نه اجرای اجباری عدالت در جامعه

و أنزلنا معهم الکتب و المیزان لیقوم الناس بالقسط

نسبت داده شـدن <اقامه> به مردم نه به پیامبران و نیز غایت قرار گرفتن خیزش خود مردم برای رعایت عـدل و انصاف (لقوم الناس بالقسط) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۶ – ۷

۷ – هدایت انسان ها ، فلسفه بعثت پیامبران

تأتیهم رسلهم بالبیّنت فقالوا أبشر یهدوننا

فلسفه بعثت محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۱ – ۴

۴ – دستیابی انسان ها به هدایت و کامل شدن نعمت الهی بر ایشان ، از اهداف بعثت پیامبر (ص) است .

فولوا وجوهکم شطره . .. و لعلکم تهتدون. کما أرسلنا فیکم رسولا

چنانچه <کما أرسـلنا . ..> بیانگر تشبیه مسأله تغییر قبله به رسالت پیامبر (ص) باشـد; <لأتم نعمتی علیکم و لعلکم تهتدون> گویای وجه شبه است; یعنی، همان گونه که بعثت پیامبر برای اتمام نعمت بر بندگان و دستیابی آنان به هدایت می باشد، تغییر قبله نیز دارای چنین هدفها و نتایجی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۴ – ۶

۶ تربیت تمامی انسان ها ، هدف از بعثت پیامبر (ص)

يأيها الناس قد جاءكم برهن من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۵

۵

- انذار مردم از هدف های اساسی بعثت پیامبر (ص)

لتنذر قومًا ما أتیهم من نذیر من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۱۰

۱۰ - بعثت پیامبراکرم (ص) ، اتمام حجت خدا با مشرکان

و ما کان ربّک مهلك القری حتّی یبعث فی أُمّها رسولاً

فلسفه بعثت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ دستیابی قوم نوح (ع) به رحمت های ویژه خداوند ، از اهداف بعثت آن حضرت بود .

جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم . .. لعلکم ترحمون

قانونمندی بعثت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۳۹

۳۹ - بعثت پیامبران ، دارای زمانی معین و برنامه ریزی شده از جانب خداوند

ثمّ جئت علی قدر یموسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۶ - ۳

۳- بعثت پیامبران و هلاکت جوامع ستمگر و دین ستیز ، براساس هدف داری نظام هستی است .

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه . .. و ما خلقنا السماء والأرض و ما بینهما لعبین

یادآوری هدفمندی جهان پس از ذکر هلاکت اقوام ستمگر می تواند بیانگر این نکته باشد که وقتی جهان هدفمند بود، هلاکت اقوام ستم پیشه نیز جزئی از هدف داری و بازیچه نبودن هستی خواهد بود.

کشاورزی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۴

۴ -

کشاورزی و دامداری ، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

ماءها و مرعيها . .. متعًا لكم و لأنعمكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۴

۴ - کشاورزی و دامداری ، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

متعًا لكم و لأنعمكم

کشتیرانی در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۲ - ۵

۵ - اهمیت کشتی رانی ، در زندگی اقتصادی جامعه عصر بعثت *

اللّه الذى سخّر لكم البحر لتجرى الفلك فيه بأمره

کفران مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۹

۹ اکثر مردم در نیمه نخست بعثت ، نعمت قرآن را قدر نشناخته و بدان بی اعتنایی کردند .

و لقد صرّفنه بينهم ليذّكّروا فأبى أكثر الناس إلاّ كفورًا

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است که نیمه نخست دوران بعثت در همین شهر سپری شد.

گمراهی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۲ - ۹

۹ - مردم جزیره العرب پیش از بعثت پیامبراکرم (ص) ، در گمراهی آشکاری به سر می بردند .

و إن کانوا من قبل لفی ضلل مبین

<إن> در <و إن کانوا> مخفف از مثقله است; یعنی، <و إنّهم کانوا من قبل لفی ضلال مبین>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - مردم ، پیش از بعثت پیامبراسلام (ص) ،

در انواع ظلمت ها به سر می برند .

ليخرج الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

محدوده علم مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۱۵،۱۶

۱۵- اطلاعات علمی مردم در عصر بعثت پیامبر (ص) درباره حقیقت روح ، بسیار کم و ناچیز بود .

قل الروح من أمر ربّى و ما أُوتيتم من العلم إلاّ قليلاً

بنابر اینکه مخاطبان آیه، مردم عصر بعثت باشند نه همه انسانها در تمامی عصرها برداشت فوق به دست می آید.

۱۶- اطلاعات علمی مردم در عصر بعثت پیامبر (ص) ، بسیار کم و ناچیز بود .

و ما أُوتيتم من العلم إلاّ قليلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مخاطبان <و ما أُوتيتم من العلم> مردم عصر پیامبر(ص) باشند. و مراد از <العلم> مطلق دانش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۴

۴ - مردم عصر بعثت ، اطلاعاتی مخدوش و نادرست از داستان موسی و فرعون داشتند .

نتلوا عليك من نبإِ موسى و فرعون بالحقّ

قید <بالحقّ> نشان می دهد که آنچه در میان مردم عصر پیامبر(ص) از ماجرای موسی(ع) و فرعون مطرح بود، با واقعیت انطباق نداشت.

محمد(ص) در آغاز بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۲ - ۴

۴ – ناشناخته ماندن رسالت پیامبر (ص) در آغاز بعثت ، مایه سیطره افکندن اندوهی سنگین بر آن حضرت

وزرک

مراد از <وزر> با توجّه به آیه <و رفعنا لک ذکرک> می

تواند نقطه مقابل <بلند آوازه بودن> باشد; یعنی، ناشناخته ماندن رسول اکرم(ص)، سبب شده بود که رسالت ها و تعالیم او مهجور مانده و غمی سنگین برای آن حضرت به وجود آید. تناسب دو فعل <وضعنا> (فرونهادیم) و <رفعنا> (بالابردیم)، مؤید این احتمال است.

محمد(ص) قبل از بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۷۸

۷ زندگی و شخصیت پیش از بعثت پیامبر (ص) ، دلیلی روشن برای رسالت و نبوت او

قل لو شاء اللّه ما تلوته علیکم . .. فقد لبثت فیکم عمراً من قبله

۸ زندگی پیش از بعثت حضرت محمد (ص) ، گواه روشن بر الهی و آسمانی بودن قرآن

قل لو شاء اللّه ما تلوته علیکم . .. فقد لبثت فیکم عمراً من قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۲

۲ - پیامبران الهی ، بی خبر از نبوت خویش پیش از مبعوث شدن .

و ما کنت ترجوا أن یلقی إلیک الکتب

جایی که پیامبراسلام(ص) پیش از بعثت خویش، از آن هیچ گونه اطلاعی نداشته باشد و حتی گمان آن نیز در ذهنش جوانه نزند; به طریق اولی پیامبران دیگر نیز چنین خواهند بود. بنابراین با القای خصوصیت از پیامبر(ص)، مطلب یاد شده را می توان درباره همه پیامبران تعمیم داد.

محمد(ص) و بعثت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۲

۲ - اطلاعات دقیق پیامبر (ص) از جریان بعثت موسی (ع) و سخن گفتن

خداوند با وی در طور با این که خود در آن جا حضور نداشت گواهی است روشن بر رسالت الهی آن حضرت .

و ما کنت بجانب الطور إذ نادینا

محمد(ص) و کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۷

۷ - وجود شرایط مساعد برای اقدام سریع پیامبر (ص) به رویارویی با توطئه های کافران ، در عصر بعثت

فمهّل الکفرین

فرمان مهلت دادن، در صورتی به پیامبر(ص) داده می شود که شرایط برای انجام عملی شتابزده علیه کافران فراهم باشد.

محمد(ص) و لعن کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور فرصت دادن به کافران عصر بعثت و پرهیز از نفرین و درخواست عذاب سریع برای آنان

فمهّل الکفرین أمهلهم رویدًا

<مَهِّل> و <أمهِل> به یک معنا است؛ گرچه برخی گفته اند: <مَهِّل> فرمان به مهلت لحظه به لحظه و تدریجی است و <أمهل> فرمان به یک مهلت. تکرار فرمان با دو لفظ متفاوت به گونه ای که دو فرمان مستقل به نظر آید تأکید بیشتری به همراه دارد. کلمه <رویداً> ممکن است، تصغیر <رَوْد> (مهلت دادن) باشد؛ یعنی، مهلت کوتاه و نیز می تواند اسم فعل و به معنای <أمهل> باشد که برای سومین بار فرمان مهلت را تکرار کرده است.

مخالفت مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۱

۱ - افراط و زیاده روی مردم عصر بعثت در

مخالفت با پیامبر (ص) ، مانع لطف خدا در فرستادن وحی نبود .

أفنضرب عنكم الذكر صفحًا أن كنتم قومًا مسرفين

با توجه به مقام آیه که مسأله وحی را مطرح می کند مراد از <اسراف>، افراط و زیاده روی در مخالفت با وحی خواهد بود.

مردم صدر اسلام و بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ - آگاهی مردم عصر بعثت ، به سابقه داشتن بعثت و نزول کتاب از سوی خداوند

أم جاءهم ما لم يأت ءاباءهم الأوّلين

مردم مقارن بعثت و اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۲،۱۶

۲- نزول داستان اصحاب کهف در قرآن ، زمینه ساز اظهار نظرهایی گوناگون در میان مردم عصربعثت ، در باره تعداد آنان شد .

سيقولون . .. و يقولون ... و يقولون

حرف <سین> در <سیقولون> نشانه صدور آن گفته و گفته های بعدی در زمان آینده است و به قرینه <فلا تمار فیهم> این اقوال، در زمان حیات رسول اللّه(ص) پیدا شده بود.

۱۶- تنها ، گروهی اندك از مردم عصر بعثت ، به شمارِ اصحاب کهف و زوایای سرگذشت آنان ، آگاهی داشتند .

مايعلمهم إلاّ قليل

با آن که سخن در باره تعداد اصحاب کهف بود، در جمله <مایعلمهم. ..> آگاهی بر خود اصحاب کهف، از اکثریت مردم نفی شده است. این مطلب، می رساند که دیگر زوایای ماجرای اصحاب کهف نیز مانند تعداد آنان، برای بیشتر مردم نامعلوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸

۱- مدّت درنگ اصحاب کهف در غار ، میان مردم عصر پیامبر (ص) مورد اختلاف بود .

قل اللّه أعلم

جمله <قل اللّه. ..> نشانه آن است که برخی از مردم، در باره مدّت بیان شده در آیه قبل، تشکیک کرده و نظری غیر آن را مطرح ساخته بودند. پیامبر(ص) در پاسخ آنان، با بیان علم برتر الهی به زمان بندی یاد شده، تأکید کرده و تردید در آن را مردود دانسته است.

مردم مقارن بعثت و اطعام مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۱

۱ - بی توجهی به مستمندان و ترغیب نکردن یکدیگر به تأمین غذای آنان ، فرهنگی حاکم بر عصر بعثت

و لاتحضّون علی طعام المسکین

<تحاضّ> (مصدر <تحاضّون>)، به معنای ترغیب کردن یکدیگر است (قاموس). گفتنی است که از عبارت <طعام المسکین>، <بذل طعام المسکین> اراده شده است. البته <طعام> می تواند به معنای <اطعام> باشد مانند <عطاء> به معنای <اعطاء> ولی تقدیر بهتر است. (البحرالمحیط)

مردم مقارن بعثت و ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۲

۲- < ذوالقرنین > ، شخصیتی تاریخی و شناخته شده در عصر پیامبر (ص) بوده است .

و یسئلونک عن ذی القرنین

مردم مقارن بعثت و روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۵ – ۱۵

۱۵– اطلاعات علمی مردم در عصر بعثت پیامبر (ص) درباره حقیقت روح ، بسیار کم و ناچیز بود .

قل الروح من أمر ربّی و ما

أَوتيتم من العلم إلاّ قليلاً

بنابر اینکه مخاطبان آیه، مردم عصر بعثت باشند نه همه انسانها در تمامی عصرها برداشت فوق به دست می آید.

مردم مقارن بعثت و قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۴

۴- اطلاعات مردم عصر بعثت از اصحاب کهف و سرگذشت آنان ، اطلاعات غیر واقعی و آمیخته با خرافات بود .

نحن نقصّ علیك نبأهم بالحقّ

قید <بالحقّ> تعریضی است که به ناقلان سرگذشت اصحاب کهف و بیان کننده این که نقل آنان، آمیخته به اموری غیر واقعی و خرافی است.

مردم مقارن بعثت و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۳

۳ - آشنایی مردم عصر بعثت با سوابق پیامبر (ص) و معاشرت آن حضرت با آنان

و ما صاحبکم

مردم مقارن بعثت و مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۱

۱ - بی توجهی به مستمندان و ترغیب نکردن یکدیگر به تأمین غذای آنان ، فرهنگی حاکم بر عصر بعثت

و لاتحضّون علی طعام المسکین

<تحاضّ> (مصدر <تحاضّون>)، به معنای ترغیب کردن یکدیگر است (قاموس). گفتنی است که از عبارت <طعام المسکین>، <بذل طعام المسکین> اراده شده است. البته <طعام> می تواند به معنای <اطعام> باشد مانند <عطاء> به

معنای <اعطاء> ولی تقدیر بهتر است. (البحرالمحیط)

مردم مقارن بعثت و یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۳

۳ - محروم ساختن یتیمان از اکرام و احترام

و بها ندادن به شخصیت آنان ، فرهنگی حاکم بر مردم عصر بعثت

لاتکرمون الیتیم

منابع کسب مردم مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۲ – ۴

۴ – کشاورزی و دامداری ، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

متعًا لکم و لأنعمکم

منشأ بعثت انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۹ – ۲

۲ خداوند ، مبعوث کننده پیامبران و فرستنده رسولان است .

و ما أرسلنا من قبلک إلّا رجالاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴ – ۱۵

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷ – ۴

۴– خداوند ، مبدأ وحی و ارسال پیامبران

و ما أرسلنا قبلک إلّا رجالاً نوحی إلیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۱ – ۱

۱ بعثت پیامبران و تعیین تعداد آنان برای هر منطقه و مردم ، بسته به مشیت خداوند است .

و لو شئنا لبعثنا فی کلّ قریه نذیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱۳

۱۳ - ربوبیت خدا بر مردمان ، مقتضی بعثت پیامبران برای هدایت و راهنمایی آنان

قل ربّی أعلم من جاء بالهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۶

۶ - بعثت پیامبران ، مقتضای ربوبیت خداوند بر خلق

و ما کنت ترجوا أن یلقی إلیک الکتب إلاّ رحمه من ربّک

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۶ – ۶

۶ – ربوبیت الهی ، مقتضی فرستادن پیامبران برای انسان ها

قالوا ربّنا یعلم إنّا إلیکم لمرسلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۹ – ۳،۷

۳ – گزینش پیامبران و رسولان ، تنها در اختیار خداوند است .

أم عندهم خزائن رحمه ربّک

۷ – گزینش رسولان و پیامبران از میان مردم ، جلوه ای از عزت و بخشندگی خداوند است .

أم عندهم خزائن رحمه ربّک العزیز الوهّاب

آمدن دو صفت <عزیز> و <وهّاب> برای خداوند، پس از طرح مسأله موهبت نبوت و رسالت، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۰ – ۳،۶

۳ – انتخاب و فرستادن رسولان برای بشر ، جلوه ای از فرمانروایی خداوند بر جهان هستی

أم عندهم خزائن رحمه ربّک . .. أم لهم ملك السموت و الأرض و ما بینهما

یادآوری فرمانروایی مطلق خداوند بر جهان، پس از مسأله رسالت و نبوت پیامبراسلام(ص)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۶ – گزینش پیامبر از میان انسان ها ، تنها در توان خداوند حاکم بر جهان هستی است .

جاءهم منذر منهم . .. أءنزل علیه الذکر من بیننا ... أم لهم ملك السموت ... فلیرتق

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، می تواند پاسخی به اعتراض کافران باشد که چرا از میان توده های مردم،

حضـرت محمـد(ص) به پیـامبری مبعوث شـده است؟ و یا چرا پیامبر از جنس بشـر برگزیـده شـده است؟ (بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم .

.. أءنزل عليه الذكر من بيننا).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۷

۷ - فرستادن رسول و هدايت خلق ، با بشارت و انذار و نه قواى قهرى طبيعت ، نمودى از حكمت خداوند است . *

و للّه جنود . .. و كان اللّه عزيزًا حكيمًا . إنّا أرسلنك شهدًا و مبشّرًا

از آيه قبل، استفاده شد كه خداوند مالك يگانه هستى و حاكم مطلق و شكست ناپذير است و مى تواند خلق را به اجبار به سوى اهداف بايسته وا دارد; اما در اين آيه، خداوند يادآورى كرده كه حكمت او، اقتضا مى كند كه اين هدايت، را از طريق فرستادن رسول و ارائه الگو و بشارت و انذار، انجام پذيرد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۰ - ۷

۷ - ربوبيت خداوند ، مقتضى بعثت پيامبران و عقوبت دشمنان ايشان است .

فعصوا رسول ربّهم فأخذهم أخذه رابيه

منشأ گمراهى مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۷ - ۵

۵ - شرك در عبادت و الوهيت ، بنياد و اساس انحراف مردم عصر بعثت

أنّما إلهكم إله وحد . .. و ويل للمشركين . الذين لايؤتون الزكوه

موانع بعثت انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۱۵ - ۹

۹ - فرستادن پيامبران ، همراه با پيامِ تكليف آفرين ، مخالف رحمانيت خداوند در ديدگاه مردم انطاكيه بود .

و ما أنزل الرحمن من شیء

برخی از مفسران برآنند که ذکر

رحمانیت خداوند از سوی مردم انطاکیه، می تواند به این جهت باشد که آنان، فرستادن پیامبر را ناسازگار با رحمانیت خدا می پنداشتند; زیرا آمدن پیامبران نوعاً همراه با تکلیف بوده و آنان این کار را با رحمانیت خدا ناسازگار می دانستند.

مورخان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۱۰

۱۰- وجود افرادی مطلع و آگاه به تاریخ انبیا در محیط جاهلی مشرکان عصر بعثت

فسلوا أهل الذکر

موقعیت فرهنگی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۳ - ۳

۳ - وضعیت فرهنگی و دینی مردم عصر پیامبراسلام ، شبیه و مانند وضعیت مردم انطاکیه هنگام آمدن رسولان به سوی آنان

و اضرب لهم مثلًا أصحب القریه إذ جاءها المرسلون

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <أصحاب القریه> مردم شهر <انطاکیه> است (که هم اکنون جزء خاک ترکیه و از شهرهای تجاری آن می باشد). گفتنی است <إذ> ظرف زمان و بدل اشتمال، برای <أصحاب القریه> است; یعنی، مثل بزن از مردم انطاکیه، آن گاه که رسولان الهی به سوی شان آمدند.

مهلت به کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور فرصت دادن به کافران عصر بعثت و پرهیز از نفرین و درخواست عذاب سریع برای آنان

فمهّل الکفرین أمهلهم رویدًا

<مَهِّل> و <أمهِل> به یک معنا است; گرچه برخی گفته اند: <مَهِّل> فرمان به مهلت لحظه به لحظه و تدریجی است و

<أمهل> فرمان به یك مهلت. تکرار

فرمان با دو لفظ متفاوت به گونه ای که دو فرمان مستقل به نظر آید تأکید بیشتری به همراه دارد. کلمه <رویداً> ممکن است، تصغیر <رَوْد> (مهلت دادن) باشد; یعنی، مهلت کوتاه و نیز می تواند اسم فعل و به معنای <أمهل> باشد که برای سومین بار فرمان مهلت را تکرار کرده است.

نظام طبقاتی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۳ - ۴

۴ - وجود نظام طبقاتی ، در جوامع عصر بعثت و پیش از آن

و کذلک ما أرسلنا من قبلک . .. إلاّ قال مترفوها

نعمت بعثت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۶

۶ - رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله ، دو نعمتی شایسته و بایسته شکرگزاری به درگاه خدا

فولوا وجوهکم شطره . .. کما أرسلنا فیکم رسولا ... واشکروا لی

شکر، در برابر نعمت است و مصداق مورد نظر برای نعمت - به قرینه آیات قبل - نعمت رسالت و تغییر قبله می باشد.

وقت بعثت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۱ - ۳

۳ - < قال الصادق (ع) : < أُقّتت > أی بعثت فی اوُقات مختلفه ;

امام صادق(ع) درباره <أُقّتت> فرمود: یعنی [آن گاه که رسولان] در اوقات مختلف مبعوث شوند>.

ویژگیهای بعثت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۱ – ۳

۳ با بعثت پیامبراسلام (ص) ، امر بعثت به

پایان رسیده و آن حضرت خاتم پیامبران است .

و لو شئنا لبعثنا فی کلّ قریه نذیرًا

از این که خداوند با وجود پیامبراسلام(ص) هیچ پیامبری را برای هیچ مردمی نفرستاده است، می توان به دو مطلب دست یافت: ۱ امر بعثت به پایان رسیده و پیامبراسلام(ص) خاتم پیامبران است. ۲- رسالت پیامبراسلام(ص)، رسالتی جهانی و اسلام دین جاودانه است. گفتنی است آیه نخست این سوره (تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیراً) مؤید دو مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶ - ۴

۴ - بعثت پیامبراسلام (ص) ، در عصری بود که مردمِ آن و پدرانشان هیچ پیامبری را درک نکرده و از وجود رسولان الهی محروم بودند .

لتنذر قومًا ما أُنذر ءاباؤهم

گفتنی است طبق آیات گوناگون از جمله آیه ۲۴ سوره فاطر (و إن من أُمّه إلاّ خلا فیها نذیر) تمامی امت ها از انذارگران الهی برخوردار بودند. بنابراین مقصود از آیه شریفه، این نیست که مردم عصر رسالت، در تمامی اعصار گذشته از وجود پیامبران الهی محروم بودند; بلکه مقصود پدران نزدیک آنان است و یا مراد این است که هیچ پیامبری به صورت مباشر و از نزدیک به هدایت آنان نپرداخته است.

ویژگیهای علم مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۵ - ۲

۲ - آگاهی مردم عصر بعثت ، از سرنوشت اقوام کافر پیش از خود ، از راه اخبار و اطلاعات واصله بود .

ألم یأتکم نبؤا الذین کفروا من قبل

مطلب یاد شده، از آمدن تعبیر

<نبأ> (خبر) به دست می آید.

یهود و بعثت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ - یهودیان ، آمدن پیامبر (ص) و نزول قرآن را از دیرباز و پیش از بعثت برای کافران تشریح می کردند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

<استفتاح> (مصدر یستفتحون) می تواند به معنای مطلع ساختن باشد، چنانچه در مفردات راغب آمده: <فتح علیه کذا; آن گاه گفته می شود که به او امری را اعلام کند و او را بر آن امر مطلع سازد>. قابل ذکر است که در این صورت بردن <یفتحون> به باب استفعال برای تأکید است و معنای طلب ندارد.

بغض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بغض

آثار بغض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۳۱

۳۱ خشم و کینه ، زمینه تجاوز و ستم به دیگران

و لایجرمنکم شنئان قوم . .. ان تعتدوا

بنابر اینکه <قوم> مفعول برای <شنئان> باشد و فاعل آن (کم) حذف شده باشد یعنی خشم و کینه شما نسبت به طائفه ای نباید باعث تجاوز و تعدی به آنان شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۴

۳۴ دشمنی و کینه توزی در جامعه ، مانع پیروزی و موفقیت

القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه کلما اوقدوا ناراً للحرب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۱ – ۳،۱۱،۱۵

۳ جامعه آلوده به دشمنی و کینه توزی ، جامعه ای شیطان زده و مطرود در

پیشگاه خداوند

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

۱۱ باز ماندن جامعه ایمانی از نماز و یاد خدا پیامد برانگیخته شدن دشمنی و کینه در بین آنها

ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء . .. و یصدکم عن ذکراللّه و عن الصلوه

نیاوردن کلمه <ان> در <یصدکم عن . ..> می تواند اشاره به این باشد که مضـمون این جمله پیامد تحقق مضمون معطوف علیه (یوقع بینکم ...) است.

۱۵ دشمنی و کینه توزی در بین جامعه ایمانی و غفلت از یاد خدا مانع رسیدن آن جامعه به فلاح و رستگاری

لعلکم تفلحون. انما یرید الشیطن ... و یصدکم عن ذکراللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۰ – ۴

۴ – تأثیر تمایلات و حبّ و بغض های انسان ها ، در شکل گیری اندیشه و باور های آنان

أیحسب الإنسن ألّن نجمع عظامه . .. کلّا بل تحبّون العاجله

اجتناب از بغض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۱ – ۴

۴ حراست از وحدت جامعه ایمانی و دور نگاهداشتن آن از کینه و دشمنی فلسفه تحریم شراب خواری و قماربازی

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

اعلام بغض خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۰ – ۱

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إنّ الذین کفروا ینادون لمقت اللّه أکبر من مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

بغض اخروی کافران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۲

۲ - بغض و دشمنی شدید کافران حق ناپذیر با خویشتن در قیامت

من مقتکم أنفسکم

بغض خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۹،۱۰،۱۱،۱۲

۹ حب و بغض خداوند ، تعیین کننده حرکت ها و عملکرد های پیامبر (ص)

و لاتجدل . .. إنّ اللّه لایحب من کان خواناً اثیماً

۱۰ حب و بغض خداوند ، باید تعیین کننده خط مشی مؤمنان باشد .

و لاتجدل . .. إنّ اللّه لایحب من کان خواناً اثیماً

چون جمله <ان اللّه . ..>، بیان علتی برای <لاتجادل> است و دلالت بر این دارد که دوستی و دشمنی خدا باید میزان حرکتها و توقفها قرار گیرد.

۱۱ حب و بغض خداوند ، معیار سنجش و ارزیابی عملکردها

و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم إنّ اللّه لایحب من کان خواناً اثیماً

۱۲ حرمت دفاع از کسانی که عملکردشان مبغوض خداوند است .

و لاتجدل . .. إنّ اللّه لایحب من کان خواناً اثیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۸ - ۷

۷ ناخشنودی خداوند از خیانت و نیرنگ ، حتی در مرحله پندار و گفتار

اذ یبیتون ما لایرضی من القول

<اذ یبیتون>، حاکی از اندیشه خیانت و گناه است. و جمله <ما لایرضی>، تصریح به ناخشنودی خداوند و نکوهش از چنین پندار و اندیشه ای دارد.

بغض در مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۸،۹،۱۰

۸ کینه و دشمنی دایمی

مسیحیان با یکدیگر تا روز قیامت

فاغرینا بینهم العداوه و البغضاء إلی یوم القیمه

<اغرینا> از <غراء> به معنای <چسب> گرفته شده است. یعنی تنها وسیله و مایه اتصال آنها با یکدیگر عداوت و دشمنی است.

۹ کینه و دشمنی دایمی مسیحیان با یکدیگر ، کیفر نقض پیمان و فراموشی تذکار های خداوند

و من الذین قالوا إنّا نصری اخذنا میثقهم فنسوا حظاً . .. فاغرینا بینهم العداوه

۱۰ کینه و دشمنی دایمی یهود و مسیحیان با یکدیگر تا روز قیامت

و لقد اخذ اللّه میثق بنی اسرءیل . .. العداوه و البغضاء إلی یوم القیمه

بنابر اینکه ضمیر در <بینهم> به یهود و نصارا برگردانده شود.

بغض علیه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۲،۳،۵

۲ - بغض و دشمنی شدید کافران حق ناپذیر با خویشتن در قیامت

من مقتکم أنفسکم

۳ - بغض و دشمنی خداوند با کافران حق ناپذیر ، بیشتر و شدیدتر از بغض و دشمنی کافران نسبت به خویشتن است .

لمقت اللّه أکبر من مقتکم أنفسکم

۵ - پشیمانی و بغض شدید کافران نسبت به خویشتن ، بر اثر رد دعوت به ایمان و کفرورزی آنان است .

مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکفرون

تردیدی نیست که بغض شدید کافران نسبت به خویشتن در قیامت، ناشی از رد ایمان و کفرشان است. این بغض نشانه پشیمانی شدید آنان از عمل خود می باشد.

بغض کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۰ – ۳

۳ – بغض و دشمنی خداوند با کافران حق ناپذیر ، بیشتر و شدیدتر از بغض و دشمنی

کافران نسبت به خویشتن است .

لمقت اللّه أکبر من مقتکم أنفسکم

بغض مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۲

۲ هشدار خداوند به پیامبر (ص) در مورد کینه توزی یهودیان و مشرکان نسبت به مؤمنان

لتجدن اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود و الذین اشرکوا

بغض یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ کینه و دشمنی دایمی یهود و مسیحیان با یکدیگر تا روز قیامت

و لقد اخذ اللّه میثق بنی اسرءیل . .. العداوه و البغضاء إلی یوم القیمه

بنابر اینکه ضمیر در <بینهم> به یهود و نصارا برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۹،۲۰،۲۱،۲۳

۱۹ یهودیان ، گرفتار کینه و دشمنی با یکدیگر تا روز قیامت

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

۲۰ خداوند ، ایجاد کننده دشمنی و کینه در بین یهود

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

۲۱ دشمنی و کینه یهود با یکدیگر ، کیفر و عقوبت دنیوی آنان

و القينا بينهم العدوه و البغضاء إلى يوم القيمه

۲۳ دشمنی و کینه توزی یهود با یکدیگر از پیامد های گرفتاری آنان به لعنت خدا و دوری از رحمت او

و لعنوا بما قالوا . .. و القينا بينهم العدوه و البغضاء إلى يوم القيمه

جمله <و القينا . ..> می تواند بیان پیامدی دیگر برای <لعنوا بما قالوا> باشد ; یعنی گرفتاری به لعنت الهی علاوه بر افزایش کفر و طغیان یهودیان، مایه گرفتاری آنان

به دشمنی و کینه توزی با یکدیگر نیز گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۲

۲ هشدار خداوند به پیامبر (ص) در مورد کینه توزی یهودیان و مشرکان نسبت به مؤمنان

لتجدن اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود و الذین اشرکوا

زمینه بغض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۴

۲۴ جوامع گرفتار به لعنت الهی ، همواره در خطر دشمنی و کینه توزی با یکدیگر

و لعنوا بما قالوا . .. و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ نافرمانی خدا و رسول دارای پیامدهایی شوم و شیطانی (دشمنی و کینه توزی و بازماندن از نماز و یاد خدا)

انما یرید الشیطن . .. فان تولیتم فاعلموا انما علی رسولنا البلغ المبین

مراد از رویگردانی در جمله <فان تولیتم> به قرینه آیه پیشین نادیده گرفتن حرمت خمر و قمار است یعنی اگر نهی خداوند از میگساری و قمار را نادیده گرفتید و شیطان شما را به کینه و عداوت با یکدیگر کشانید جز خود کسی را ملامت نکنید زیرا آن عواقب شوم بازتاب نافرمانیهای شماست و پیامبر(ص) در وظیفه خود کوتاهی نکرده است.

زمینه بغض در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۲

۲۲ کفر و طغیان یهود ، زمینه دشمنی و کینه توزی آنان با یکدیگر

و ليزيدن كثيراً منهم .

.. طغیناً و کفراً و القینا بینهم العدوه و البغضاء

شدت بغض خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۳

۳ - بغض و دشمنی خداوند با کافران حق ناپذیر ، بیشتر و شدیدتر از بغض و دشمنی کافران نسبت به خویشتن است .

لمقت اللّه أکبر من مقتکم أنفسکم

شدت بغض کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۵

۵ - پشیمانی و بغض شدید کافران نسبت به خویشتن ، بر اثر رد دعوت به ایمان و کفرورزی آنان است .

مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکفرون

تردیدی نیست که بغض شدید کافران نسبت به خویشتن در قیامت، ناشی از رد ایمان و کفرشان است. این بغض نشانه پشیمانی شدید آنان از عمل خود می باشد.

عوامل بغض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱،۲

۱ شیطان همواره در صدد ایجاد دشمنی و کینه توزی میان اهل ایمان

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

۲ شراب و قمار ، ابزار شیطان برای ایجاد کینه و عداوت

انما یرید الشیطن . .. فی الخمر و المیسر

عوامل بغض خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۴

۴ - نپذیرفتن دعوت به ایمان ، موجب بغض و دشمنی شدید خداوند

لمقت اللّه أکبر من مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکفرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <إذ> برای تعلیل و متعلق به <مقت> است.

عوامل رفع بغض

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۸

۸ رفع کینه و دشمنی اهل کتاب با یکدیگر در گرو پیروی از پیامبر (ص) و جلب رضوان الهی

فاغرینا بینهم العداوه و البغضاء . .. یهدی به اللّه من اتبع رضونه

فلسفه بغض در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۲

۳۲ ایجاد دشمنی و کینه توزی در بین یهود ، تدبیری الهی جهت خاموش نمودن جنگ افروزی آنان علیه مسلمانان *

و القینا بینهم العدوه و البغضاء . .. کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

بدان احتمال که جمله <کلما اوقدوا . ..> بیان نتیجه ای برای جمله <القینا بینهم...> باشد ; وصل آن دو جمله بدون حرف عطف که حکایت از شدت اتصال مضمون آنها دارد، تأییدی برای برداشت فوق است.

منشأ بغض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۰

۲۰ خداوند ، ایجاد کننده دشمنی و کینه در بین یهود

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

بغی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بغی

آثار بغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۳ – ۳۸

۳۸ حَسَد و سرکشی (بَغی) مانع پذیرش بیّنات و هدایت الهی

و ما اختلف فیه الاّ الذین اوتوه بغیاً

<بغیاً> (حَسَد و سرکشی)، مفعول لأجله برای <ما اختلف> است ; یعنی حسد و سرکشی، مانع پذیرش هدایت و حق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۹

- ۷،۱۰،۱۳

۷ اختلافات دینی ، نشأت یافته از ناحیه عالمان متجاوز و حسود

و ما اختلف . .. الّا من بعد ما جاءهم العلم بغیاً

کلمه <بغیاً>، به معنای تجاوز است و به معنای حسد نیز آمده است (مجمع البیان.)

۱۰ حسد و تجاوز از حد ، تهدیدکننده واقعنگری و روشن بینی عالمان دینی

و ما اختلف الذین اوتوا الکتاب . .. بغیاً بینهم

۱۳ بروز تضاد های فکری و اجتماعی و دینی ، معلول تجاوز از قوانین عادلانه ادیان الهی

و ما اختلف الذین . .. بغیاً بینهم

بغی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۷ - ۶

۶ شیطان ، موجودی سرکش و فاقد هرگونه خیر و فضیلت

و إن یدعون شیطناً مریداً

مرید از مصدر <مرود> به معنای سرکشی و خروج از طاعت است (مجمع البیان). مفردات راغب <مرید> را به معنای عاری از خیر دانسته است.

بغی علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۲۸،۲۹،۳۲

۲۸ سرکشی و ظلم (بَغی) عالمان دین ، مانع تحقق اهداف انبیا (اتحاد مردم بر اساس دین حقّ)

و ما اختلف فیه الا الذین اوتوه من بعد ما جاءتهم البیّنات بغیاً بینهم

۲۹ نکوهش شدید خداوند از کسانی که پس از روشن شدن حق ، از سر تجاوز گری و حسادت ، در آن اختلاف می کنند .

و ما اختلف فیه الاّ الذین اوتوه من بعد ما جاءتهم البیّنات بغیاً بینهم

<بغی> در لغت به معنای تجاوز و نیز حسد آمده است.

۳۲ حَسَد و خودخواهی (بَغیِ) عالمان

ناشایسته ، ریشه اختلافات دینی

و ما اختلف . .. بغیاً بینهم

زمینه بغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱۲

۱۲ انگیزه های مادّی و کسب غنیمت ، زمینه ای برای تعرض نابحق به دیگران

و لا تقولوا . .. لست مؤمنا تبتغون عرض الحیوه الدّنیا

موانع بغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۵

۵ تقوای الهی (ترس از خدا) ، مانع سرکشی و افساد

و اذا تولی سعی فی الأرض . .. و اذا قیل له اتق اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۱۵

۱۵ توجه به نقش تلاش و قابلیّت افراد در برتری یافتن آنان ، زمینه دوری جستن از تمنی نسبت به دارایی ها و امتیازات دیگران

و لا تتمنّوا ما فضّل اللّه . .. للرّجال نصیب ... و للنساء نصیب

خداوند پس از منع طمعورزی به نعمتهای دیگران، آن را نتیجه قابلیّت و تلاش افراد معرفی کرده تا زمینه آرزوهای منفی را قطع کند.

ناپسندی بغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۴ – ۲۰

۲۰ کشتار و تعرض نابجا به افراد به خاطر دستیابی به غنیمت ، از روش های ناپسند دوران جاهلیت

و لا تقولوا . .. لست مؤمناً تبتغون عرض الحیوه الدّنیا ... کذلک کنتم من قبل

ظاهراً <کذلک> اشاره است به جمله <تبتغون عرض . .. > بر این اساس، مقصود از <من قبل>، قبل از اسلام، یعنی دوران جاهلیت است

که به خاطر مال دنیا، بدون هیچ دلیلی دیگران را می کشتند.

بکارت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بکارت

ارزش بکارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۱۱

۱۱ - دوشیزگی در مقایسه با ارزش های والای زنان (همچون اسلام ، ایمان ، فرمانبری ، توبه و روزه داری زنان) دارای نقش درجه دوم در زندگی مشترک میان زنان و مردان

ثیبت و أبكارًا

یادآوری دو وصف <دوشیزگی> و <بیوه بودن زنان>، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد; زیرا مفاد آیه شریفه این است که زنان بهتری با چنین اوصافی، جایگزین شما خواهند شد; چه بیوه باشند و چه دوشیزه.

اهمیت بکارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۸

۸ - چشم پاکی و دوشیزگی ، از کمالات زن است .

فيهنّ قصرت الطرف لم يطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <قاصرات الطرف> اشاره به چشم پاکی زنان و <لم یطمثهنّ. ..> اشاره به دوشیزگی آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۲

۲ - دوشیزگی ، از اوصاف پسندیده و از کمالات زن

فجعلنهنّ أبكارًا

بکارت حورالعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۴ – ۱

۱ – حوریان بهشتی ، مصون از لمس هر بیگانه

لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۶ – ۱

۱ – حوران در بهشت اصحاب الیمین ، همواره باکره بوده و

تغییری در آنها پیدا به وجود نخواهد آمد .

فجعلنهنّ أبكارًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۷ – ۲

۲ – در بهشت اصحاب الیمین ، حوران همه در سن و سال برابراند (همگی دوشیزگانی جوان اند) .

أترابًا

<تِرْب> (مفرد <أتراب>) به زنی اطلاق می شود که در مقایسه با دیگری از نظر سنی برابر باشد. گفتنی است که برداشت یاد شده بر این اساس است که حوران بهشتی با یکدیگر مقایسه شده اند.

بکارت مریم(س)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۰ – ۵

۵- مریم (س) به هنگام مواجهه با جبرئیل ، دختری باکره و شوهر ندیده بود .

قالت أنّی یکون لی غلم و لم یمسسنی بشر

بکارت همسران بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۹ – ۳

۳ – تمیزی و دوشیزگی ، از اوصاف زنان بهشتی

کأنّهنّ بیض مکنون

تشبیه به پوشیده بودن تخم ها زیر پر شترمرغ، کنایه از تمیز بودن زنان بهشتی است و مصون بودن آنان که مفاد عبارت <مکنون> می باشد کنایه از محفوظ ماندن آنان از دستبرد دیگران و دوشیزگی ایشان است.

منشأ جاودانگی بکارت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۴

۴ - باقی ماندن حوران بهشت بر دوشیزگی ، معلول اراده الهی درباره آنان

فجعلنهنّ أبكارًا

از آن جایی که ممکن بود مسأله <همواره باکره ماندن> در ذهن مخاطبان صدراسلام غیر قابل باور جلوه کند، خداوند آن را به خواست خود

نسبت داده و فرموده است: این را ما اراده کرده ایم و اراده ما تخلف ناپذیر است.

بلا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بلا

آثار بلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۴ – ۴،۵

۴ شداید و سختی ها زمینه ساز توجه آدمی به وابستگی عوامل طبیعی به اراده و مشیت خداوند است .

أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء لعلهم یضرعون

۵ بلا ها و سختی ها (شرور) زمینه ساز بازگشت انسان ها به خداوند و تضرع به درگاه اوست .

أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء لعلهم یضرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۱ – ۹

۹ – بلا ها و تنگنا های زندگی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی و یاوری خواستن از او

و ما أصبکم . .. و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لانصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۲ – ۳

۳– نقش بلا ها ، در بیرون آمدن انسان ، از غفلت و بازگشت به سوی خداوند

ربّنا اکشف عنّا العذاب إنّا مؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۲۰ – ۲

۲ – نابود شدن تمامی محصولات بوستانِ باغداران یمنی ، بر اثر نزول بلا

فاصبحت کالصریم

آثار نزول بلا بر باغ سوخته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۲۰ – ۱

۱ – بوستان باغداران یمنی ، بر اثر نزول بلای الهی سوزانده شد و همچون شب سیاه گردید .

فأصبحت کالصریم

<صریم>، در معانی

شب و بریـده شده (فعیل به معنای مفعول) به کار می رود. با توجه به معنای نخست، مقصود از آن سوختن و سیاه شدن تمامی درختـان بـاغ، همچون سیاهی شب است. بر مبنای دوم، مراد از آن، نابود شـدن تمامی میوه های باغ است. گفتنی است مطلب یاد شده، با توجه به معنای نخست است.

آرزوی بلا بر محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۶

۶ برخی از بادیه نشینان ، در آرزوی رسیدن بلا و حوادث ناگوار به پیامبر (ص) و مسلمانان به منظور نجات یافتن از پرداخت مالیات (انفاق)

و من الأعراب من یتخذ ما ینفق مغرماً و یتربّص بکم الدوائر

آرزوی بلا بر مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۶

۶ برخی از بادیه نشینان ، در آرزوی رسیدن بلا و حوادث ناگوار به پیامبر (ص) و مسلمانان به منظور نجات یافتن از پرداخت مالیات (انفاق)

و من الأعراب من یتخذ ما ینفق مغرماً و یتربّص بکم الدوائر

زمینه بلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ - برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها به همراه غفلت از یاد خدا و ناشکری ، محنت زا و بلاآفرین است .

ثمّ إذا خوّلنه نعمه منّا قال إنّما أُوتیته علی علم بل هی فتنه

یکی از موارد کاربرد <فتنه>، محنت و بلا است و برداشت بالا مبتنی بر این معنا است. بر این اساس می توان

گفت: برخورداری از آسودگی و نعمت ها، به همراه این تصور که آنها ناشی از دانش بشری است نه لطف الهی، نه تنها برای بشر نعمت نیست; بلکه در دنیا و آخرت نقمت و بلا خواهد بود. گفتنی است آیه بعد که از روبه رو شدن مرفهان بی خبر از خدا با عذاب و بدبختی و کارساز نبودن برخورداری های آنان، سخن می گوید مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۰ - ۸،۹

۸ - مصائب و بلا های جوامع بشری ، تنها بازتاب و نتیجه بخشی از گناهان و خطا های مردم است .

و ما أصبکم . .. و یعفواْ عن کثیر

از یادکرد <یعفواْ عن کثیر> در پایان آیه، این مطلب به دست می آید که انسان گرفتار تمامی نتایج و آثار عملکرد خویش نیست; چه این که بسیاری از گناهان مورد عفو خداوند قرار می گیرد.

۹ - < هشام بن سالم عن أبی عبداللّه (ع) قال : أما انّه لیس من عرق یضرب و لا نکبه و لا صداع و لا مرض إلاّ بذنب و ذلک قول اللّه عزّوجلّ فی کتابه < و ماأصابکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم و یعفواْ عن کثیر > قال : ثمّ قال ما یعفو اللّه أکثر مما یؤاخذ به ;

هشام بن سالم از امام صادق(ع) روایت نموده که فرمود: هیچ رگی نمی زند و هیچ گرفتاری و سردرد و مرضی عارض نمی شود مگر این که اثر گناهی است که انجام گرفته، و این است سخن خدای عزّوجلّ در کتاب خودش <و

ما أصابکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم و یعفواْ عن کثیر> سپس امام فرمود: آنچه را خدا عفو می کند بیشتر از آن است که مورد مؤاخذه قرار می دهد>.

زمینه رفع بلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۵ - ۴

۴ دعا به درگاه خداوند ، مؤثر در جلب رحمت او و رفع دشواری ها و بلاها

فلما کشفنا عنهم الرجز

سخت ترین بلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۶ - ۸

۸ - از دست دادن نزدیک ترین و محبوب ترین خویشان (همچون فرزند نوجوان) در راه خدا ، سخت ترین محنت و بزرگ ترین آزمایش الهی

قال یبنیّ إنّی أری فی المنام أنّی أذبحک . .. إنّ هذا لهو البلؤا المبین

عوامل دفع بلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۲۷

۲۷ خداوند به برکت مسلمان صالح ، بلا را از خانه همسایگان او دفع می کند .

و لو لا دفع اللّه النّاس

رسول خدا (ص): . .. ان اللّه لیدفع بالمسلم الصالح نحو مأه الف بیت من جیرانه البلاء

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۴ ; الدر المنثور، ج ۱، ص ۷۶۴.

فلسفه بلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۳ – ۱۵

۱۵ بلا ها و مشکلات دنیوی (مالی و جانی) ، کفاره گناهان آدمی و از جمله عوامل نابود کننده اعمال زشت اوست .

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من یعمل

سوءاً یجز به

رسول خدا(ص) درباره < من یعمل سوءاً یجز به> در آیه فوق فرمود: اما تبتلون فی اموالکم و انفسکم و ذراریکم؟ قالوا: بلی قال: هذا مما . .. یمحو به السیئات.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۲۷۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۳، ح ۵۷۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۰ - ۳

۳ دست کشیدن از انحراف های عقیدتی ، پذیرش دعوت پیامبران و روی آوری به خدا ، فلسفه بلا ها و مشکلات

و لقد أخذنا . .. لعلهم یذّکّرون

با توجه به آیات قبل که سخن از ربوبیت خدا و رسالت موسی(ع) بود، معلوم می شود متعلق <یذکرون> همان توحید ربوبی و پیامبری موسی(ع) و رسالتهای اوست.

فلسفه نزول بلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۱ - ۴،۵

۴ هشدار های الهی با نزول بلا ها و مصیبت ها بر فرعونیان بی تأثیر در هدایت و تذکریابی آنان

و لقد أخذنا . .. قالوا لنا هذه و إن تصبهم سیئه یطیروا بموسی و من معه

۵ تحلیل غلط و جاهلانه فرعونیان از ریشه یابی رخداد های خوشایند و ناخوشایند ، موجب بی تأثیری بلا ها و مصیبت ها در هدایت شدن و تذکر یافتن آنان شد .

و لقد أخذنا . .. یطیروا بموسی و من معه

جمله <فإذا جاءتهم . .. > با توجه به ترتب آن بر آیه قبل، در حقیقت پاسخ به این سؤال است که چرا ایجاد زمینه های هدایت (لقد أخذنا ... لعلهم یذّکّرون) در فرعونیان تأثیر نداشت. آیه مورد بحث

در مقام پاسخ ، تحلیل غلط آنان را از موانع هدایت و تذکریابی، بیان می کند.

قاعده عقاب بلا بیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۲ – ۱۸

۱۸ خداوند بدون اتمام حجت، بندگان متخلف را توبیخ نخواهد کرد.

ألم أنهکما عن تلکما الشجره و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

کیفر با بلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۷

۷– کفر به خداوند ، موجب کیفر شدن به وسیله بلا های طبیعی

فیرسل علیکم قاصفًا من الریح فیغرقکم بما کفرتم

مصونیت از بلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۱ – ۱

۱– تقواپیشگان در آخرت ، برخوردار از امنیت کامل و ایمن از هرگونه سختی و بلا

إنّ المتّقین فی مقام أمین

منشأ بلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۸ – ۱۶

۱۶ خداوند ، منشأ تمام نعمت ها (مانند سلامتی ، امنیت و گشایش روزی) و تمام بلا ها (از قبیل بیماری ، ترس و گرسنگی

(

و ان تصبهم حسنهٌ يقولوا هذه من عند اللّه و ان تصبهم سيّئه يقولوا هذه من عندك قل

از ائمه معصومين (ع) در معناى حسنات و سيئات در آيه فوق روايت شده است: . .. الصحه و السلامه و الامن و السعه فى الرزق و قد سمّاها اللّه حسنات ... يعنى بالسيّئه هاهنا المرض و الخوف و الجوع ... .

تفسير قمى، ج ۱، ص ۱۴۴ ; نورالثقلين، ج ۱، ص

۵۱۹، ح ۴۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۹ - ۱

۱ - نزول بلای ویرانگر الهی ، بر بوستان باغداران یمنی

فطاف علیها طائف من ربّك

<طواف> (از ماده <طاف>) به معنای حرکت در اطراف و جوانب چیزی است (مانند طواف کعبه) مقصود از <طایف>، بلایی است که تمامی محدوده باغ را دور زده و آن راکاملاً سوزانده و نابود ساخته است.

منشأ نزول بلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۱ - ۶

۶ تنها اراده خداوند عامل نزول بلا ها و مصیبت های هشدار دهنده بر فرعونیان زمان موسی

ألا إنما طئرهم عند اللّه

موانع بلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۰ - ۷

۷ - عفو الهی نسبت به بسیاری از گناهان ، مانع بروز مصیبت های بیشتر و ویرانگر برای جامعه و مردم

و ما أصبکم . .. و یعفواْ عن کثیر

از ارتباط صدر و ذیل آیه شریفه، استفاده می شود که بخشودگی بسیاری از گناهان، موجب می شود که بازتاب آن دامنگیر انسان نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۲

۲ – تأثیر دعا ، در تغییر حوادث و مسائل اجتماعی

ربّنا لاتجعلنا فتنه

از این که کسی چون حضرت ابراهیم(ع) برای بر طرف شدن مشکل دعا کرده و خداوند عمل او را به عنوان عملی بایسته و الگو معرفی می نماید، نشانه تأثیر داشتن دعا در برداشته شدن مشکلات است.

موجبات بلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۱۲

۱۲ آرزوی بلا و بدبختی کردن برای مؤمنان و اسلام ، موجب مبتلا شدن خود فرد به آن است .

یتربّص بکم الدوائر علیهم داثره السوء

با الغای خصوصیت از مورد آیه، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۳ - ۱۰،۱۳

۱۰ - مبتلا شدن به فتنه و بلا و یا عذاب دردناک الهی ، پیامد سرپیچی از فرمان های رسول خدا است .

فلیحذر الذین یخالفون عن أمره أن تصیبهم فتنه أو یصیبهم عذاب ألیم

۱۳ - شانه خالی کردن از بار مسؤولیت اجتماعی و حل و فصل امور مسلمین ، پیامددار فتنه و بلا و یا عذاب دردناک الهی است .

و إذا کانوا معه علی أمر جامع لم یذهبوا . .. فلیحذر الذین یخالفون عن أمره أن تصیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۱۱

۱۱- بلا ها ، بازتاب عملکرد خود انسان

کذلک نجزی القوم المجرمین

وصف <مجرمین>، مشعر به علیت است.

نزول بلا بر باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۹ - ۱

۱ - نزول بلای ویرانگر الهی ، بر بوستان باغداران یمنی

فطاف علیها طائف من ربّک

<طواف> (از ماده <طاف>) به معنای حرکت در اطراف و جوانب چیزی است (مانند طواف کعبه) مقصود از <طایف>، بلایی است که تمامی محدوده باغ را دور زده و آن راکاملاً سوزانده و نابود ساخته است.

وقت نزول بلا بر باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۹ – ۲

۲ – در خواب بودن باغداران یمنی ، به هنگام نزول بلای ویرانگر بر بوستان آنان

فطاف . .. و هم نائمون

ویژگیهای نزول بلا بر باغ سوخته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۹ – ۳

۳ – بلای نازل شده بر بوستان باغداران یمنی ، ویژه آنان بود و به دیگر بوستان ها سرایت نکرد .

فطاف علیها طائف

هشدار با بلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۱ – ۱

۱ – وجود برخی بلا های حتمی دنیوی از سوی خداوند ، برای تنبیه و هشدار به فاسقان است .

و لنذیقنّهم من العذاب الأدنی دون العذاب الأکبر لعلّهم یرجعون

در این که مراد از <عـذاب الأدنی> چیست، اقوال گوناگونی گفته شـده است از جمله آنها این است که منظور، عـذاب های دنیوی، مانند بلاها و بیماری ها و. .. است.

بلاغت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بلاغت

آثار بلاغت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۸ – ۶

۶ – نقش تعیین کننده فصاحت و بلاغت و شفافیت بیان ، در هدایت و تربیت انسان ها

قرءانًا عربیًّا غیر ذی عوج

بلاغت تعالیم انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۷ – ۵

۵ – پیام ها و تعالیم پیامبران ، روشن ، رسا و قابل فهم برای انسان ها بود .

و ما علینا إلّا البلغ المبین

بلاغت در تبلیغ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۸ –

۴ – مبلغان دین باید به گونه ای سخن بگویند که مردم ، سخن آنان را فهمیده ودرک کنند .

یفقهوا قولی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۲۸ – ۸

۸ – استفاده از روش های ساده و همگانی در تبلیغ مفاهیم دین ، امری شایسته است .

ضرب لکم مثلاً من أنفسکم

بلاغت زبان عربی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۹۵ – ۲،۳

۲ – غنا و توانمندی زبان عربی برای بیان روشنِ مفاهیم بلند وحی

نزل . .. بلسان عربیّ مبین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <مبین> صفت توضیحی برای <لسان عربیّ> باشد. بر این اساس قید <مبین> ستایشی از جانب خدا نسبت به زبان عربی است; از آن جهت که این زبان می تواند محتوای بلند وحی را به روشنی برساند.

۳ – انتخاب گویاترین و روشن ترین واژه ها و شیوه های گویش عرب برای بیان وحی

بلسان عربیّ مبین

در برداشت یاد شده <مبین> به عنوان صفت احترازی اخذ شده است. براین اساس زبان عربی به دو دسته (مبین و غیرمبین) تقسیم می شود و خداوند قسم اول را برای بیان مفاهیم وحی برگزیده است.

بلاغت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۶ – ۵،۶

۵- قرآن ، حجتِ رسا و پیام بلیغ خدا برای بندگان است .

إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

۶- قرآن ، در بیان مقاصد و اهداف خویش بلیغ و رسا است .

إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۶

زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۴

۴ - قرآن ، بهترین ، گویاترین و شفاف ترین سخن برای پنددهی و درس آموزی

اللّه نزّل أحسن الحدیث . .. لعلّهم یتذکّرون . قرءانًا عربیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۴

۴ رسایی و بلاغت بیان ، از ابعاد عظمت قرآن

و الکتب المبین

از این که قرآن با وصف <کتاب مبین> مورد سوگند الهی قرار گرفته است، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۳

۳ - نزول قرآن ، با بیانی بلیغ و روشنگر برای همگان ، جلوه ای از عظمت الهی

و الکتب المبین . إنّا أنزلنه فی لیله مبرکه

از ارتباط دو آیه و نیز تکرار ضمیرهای متکلم مع الغیر که اشاره به عظمت الهی دارد می توان به مطلب بالا ره برد.

نقش بلاغت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۷ - ۴

۴ - گویابودن زبان و روان بودن سخن ، دارای نقشی مؤثر در ارشاد و تبلغ دین است .

واحلل عقده من لسانی

بلایا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بلایا

اهمیت دفع بلایا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۸

۸- تأمین نیاز ها و دفع بلیات ، از انگیزه های مهم در پرستش معبود ها است .

یأبت لِمَ تعبد ما . .. لایغنی عنک شیئًا

از جمله استدلال های ابراهیم(ع) علیه بت پرستی آزر این بوده که بت ها نمی توانند نیازی از تو برطرف سازند، پس چرا آنها

را می پرستی؟!. از این استدلال بر می آید که تأمین نیازها یکی از دلایل عمده پرستش ها است.

بلایای اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۸

۸- گرسنگی و ناامنی ، از بلا های مهم اجتماعی است .

قریه کانت ءامنه مطمئنّه . .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

بلایای طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۳

۳- با امکان فرو رفتن انسان در دل خاک و یا گرفتار طوفان های شن شدن ، احساس امنیت دایمی کردن بیجاست .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أفأمنتم أن یخسف بکم جانب البرّ أو یرسل علیکم

<خسف> مصدر فعل <یخسف> در لغت به معنای فرو بردن و <البرّ> به معنای بیابان و خشکی در مقابل <بحر> (دریا) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۹

۹ - سیلاب بنیان کن ، عامل درهم کوبیده شدن امکانات رفاهی و آسایش

فأرسلنا علیهم سیل العرم و بدلّنهم بجنّتیهم جنّتین ذواتی أُکل خمط و أثل

خطر بلایای طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۷

۷- انسان ها ، همواره در معرض خطرات ناشی از رخداد های طبیعی اند .

ضلّ من تدعون إلاّ إيّاه فلمّا نجّكم إلى البرّ . .. يخسف بكم جانب البرّ أو يرسل

خيريت بلايا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۱ – ۵

۵- برخی از بلا ها و رخداد های

ناگوار ، دربردارنده مصلحت و خیر مؤمن است .

و أمّا الغلم . .. فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه و أقرب رحمًا

فلسفه بلایا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۱ – ۵

۵- برخی از بلا ها و رخداد های ناگوار ، دربردارنده مصلحت و خیر مؤمن است .

و أمّا الغلم . .. فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه و أقرب رحمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۳ – ۷

۷- ابتلای اشخاص به انواع رنج ها ، گرفتاری ها و ناگواری ها ، دلیل بدی و فساد آنان نیست .

و أیّوب إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الضرّ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که پیامبری چون ایوب(ع) نیز با داشتن منزلتی والا نزد خداوند، به رنج و مصیبت مبتلا شده بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۱ – ۵

۵ – بلایا و شرور برای انسان ، سازندگی دارد .

و لنذیقنّهم من العذاب الأدنی . .. لعلّهم یرجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۲ – ۸

۸ – بلا های مقطعی دنیا ، آیات پروردگار در جهت تذکر به انسان ها است .

و لنذيقنّهم من العذاب الأدنى . .. لعلّهم يرجعون . و من أظلم ممّن ذكّر بأيت ربّه

به قرينه <ذكّر> احتمال دارد مراد از آيات الهى كه در اين آيه، يادآورى شده همان <العذاب الأدنى> باشد كه در آيه پيش ذكر شده است؛ چه اين كه

عذاب یاد شده در آن آیه، به منظور تنبّه مطرح شده بود و در این آیه هم منظور از آن، عبرت گرفتن، ذکر شده است.

منشأ بلایا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۹

۹ - فسادگری ، ریشه بلا ها و تباهی های جامعه فرعونی

فانظر کیف کان عقبه المفسدین

منشأ نجات از بلایای طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۸

۸- هیچ کس و هیچ ملجأیی جز خداوند ، توان نجات انسان ها را از مرگ حتمی در برابر حوادث طبیعی ندارد .

و إذا مسّکم الضرّ فی البحر ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم

از اینکه خداونـد در آیه قبل فرمود: <انسان به هنگام گرفتار شدن به خطر حتمی، تنها به یاد خدا و قدرت نجات بخش او می افتـد و پس از رهایی فراموش می کنـد> و نیز از اینکه در آیه بعـدی هشـدار داد که هیچ گاه نباید احساس ایمنی کنند، نشان می دهد که تنها اوست که می تواند انسان را از مرگ حتمی نجات بخشد.

نقش بلایای طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۶

۶- رخداد های طبیعی مرگ آفرین ، وسیله ای برای تنبه انسان ها و عاملی در جهت تربیت آنان

أفأمنتم أن یخسف بکم جانب البرّ أو یرسل علیکم حاصبًا

از اینکه خداونـد به کسانی که پس از رهیـدن از خطر، از خـدا اعراض می کننـد، هشـدار می دهـد که هیچ گاه نباید احساس ایمنی کنند، استفاده

می شود که توجه به آن رخدادها، می تواند عاملی باشد برای تنبه و تربیت انسانها.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۷

۷- کفر به خداوند ، موجب کیفر شدن به وسیله بلا های طبیعی

فیرسل علیکم قاصفًا من الریح فیغرقکم بما کفرتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۷ – ۴

۴ – کیفر های دنیوی خداوند ، ممکن است با ایجاد رخداد های طبیعی (همانند سیلی بنیان کن) تحقق پیدا کند .

فأرسلنا علیهم سیل العرم . .. ذلک جزینهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۶ – ۵

۵ – بلا های دنیوی جلوه ربوبیت خداوند

فما استکانوا لربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۷ – ۶۸

۶ – امکان دارد که زلزله و یا دیگر بلا های طبیعی عذاب و کیفر الهی باشد .

فأخذتهم الرجفه فأصبحوا فی دارهم جثمین

۸ – گاهی ، فرجام انسان ها را عوامل ویران گر طبیعی ، رقم می زند .

فأخذتهم الرجفه فأصبحوا فی دارهم جثمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۰ – ۱۲

۱۲ – گاهی عوامل ویران گر طبیعی ، فرجام انسان ها را رقم می زنند .

فکلًّا أخذنا بذنبه فمنهم من أرسلنا علیه حاصبًا و منهم من أخذته الصیحه و منهم من

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۱ – ۸،۱۱

۸ – ابتلائات و مصائب

فراوان ، تنها کیفرِ بخشی از گناهان انسان ها است .

ظهر الفساد . .. لیذیقهم بعض الذی عملوا

۱۱ - ابتلائات و مصائب ، در رویکرد انسان ها به خداوند ، نقش اساسی دارند .

لیذیقهم . .. لعلّهم یرجعون

بلایای اجتماعی

زمینه بلایای اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۰ - ۴

۴ - بلا ها و مصائب اجتماعی ، بازتاب گناهان جمعی مردمان است .

و ما أصبکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم

خطاب جمع <ما أصابکم>، می تواند ناظر به حیثیت جمعی انسان هاباشد.

بلایای طبیعی

آثار بلایای طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۲

۲ - بلا های دنیوی ، زداینده خوی استکبار و دمنده روح خضوع و فروتنی در انسان ها نسبت به پروردگار

و لقد أخذنهم بالعذاب فما استکانوا لربّهم

زمینه بلایای طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۵

۵ - عمل آدمی ، در پیدایش مصائب و بلایا ، دارای تأثیر است .

ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت أیدی الناس

مراد از فساد در دریا و خشکی، به تناسب موقعیت، ممکن است بلایای طبیعی و آسیب دیدن روند طبیعت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۴ - ۴

۴ - نقش و تأثیر عملکرد انسان در بروز حوادث طبیعی

أو یوبقهنّ بما کسبوا

از این که انسان هابه واسطه گناهان خود گرفتار طوفان گشته و غرق می شوند، مطلب بالا استفاده می شود.

عبرت از بلایای طبیعی

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۹

۹ - بهره برداری ازحوادث ناگوار طبیعی ، برای تنبّه انسان ها ، امری شایسته است .

ظهر الفساد . .. لیذیقهم ... لعلّهم یرجعون

فلسفه بلایای طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۱،۳

۱ - بلا ها و گرفتاری های دنیوی ، بر اساس مشیت خدا و در جهت تنبه و هدایت غافلان و منحرفان

و لقد أخذنهم بالعذاب فما استکانوا لربّهم

<أخذ> (مصدر <أخذنا>) به معنای گرفتن (گرفتار ساختن)است. <إستکانه> (مصدر <استکانوا>) به معنای فروتنی و <تضرع> (مصدر <یتضرعون>) به معنای نالیدن و زاری کردن است.

۳ - روی آوری به درگاه خداوند و تضرع و زاری در پیشگاه او ، از اهداف الهی در مبتلا کردن مردم به بلا ها و مصیبت ها

و لقد أخذنهم بالعذاب . .. و ما یتضرّعون

نقش بلایای طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۵

۵ - بلا های دنیوی جلوه ربوبیت خداوند

فما استکانوا لربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۷ - ۶،۸

۶ – امکان دارد که زلزله و یا دیگر بلا های طبیعی عذاب و کیفر الهی باشد .

فأخذتهم الرجفه فأصبحوا فی دارهم جثمین

۸ – گاهی ، فرجام انسان ها را عوامل ویران گر طبیعی ، رقم می زند .

فأخذتهم الرجفه فأصبحوا فی دارهم جثمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۰ – ۱۲

۱۲ – گاهی عوامل

ویران گر طبیعی ، فرجام انسان ها را رقم می زنند .

فکلاًّ أخذنا بذنبه فمنهم من أرسلنا علیه حاصبًا و منهم من أخذته الصیحه و منهم من

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۱ – ۸،۱۱

۸ – ابتلائات و مصائب فراوان ، تنها کیفرِ بخشی از گناهان انسان ها است .

ظهر الفساد . .. لیذیقهم بعض الذی عملوا

۱۱ – ابتلائات و مصائب ، در رویکرد انسان ها به خداوند ، نقش اساسی دارند .

لیذیقهم . .. لعلّهم یرجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۸ – ۶

۶- رخداد های طبیعی مرگ آفرین ، وسیله ای برای تنبه انسان ها و عاملی در جهت تربیت آنان

أفأمنتم أن یخسف بکم جانب البرّ أو یرسل علیکم حاصبًا

از اینکه خداوند به کسانی که پس از رهیدن از خطر، از خدا اعراض می کنند، هشدار می دهد که هیچ گاه نباید احساس ایمنی کنند، استفاده می شود که توجه به آن رخدادها، می تواند عاملی باشد برای تنبه و تربیت انسانها.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۷

۷- کفر به خداوند ، موجب کیفر شدن به وسیله بلا های طبیعی

فیرسل علیکم قاصفًا من الریح فیغرقکم بما کفرتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۷ – ۴

۴ – کیفر های دنیوی خداوند ، ممکن است با ایجاد رخداد های طبیعی (همانند سیلی بنیان کن) تحقق پیدا کند .

فأرسلنا علیهم سیل العرم . .. ذلک جزینهم

بلعم باعورا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بلعم باعورا

ارائه آیات به بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۲

۲ خداوند آیات و نشانه های خویش را به بلعم باعورا ارائه کرد و وی آنها را بخوبی دریافت .

الذی ءاتینه ءایتنا فانسلخ منها

<انسلاخ> به معنای بیرون شدن چیزی از پوست خود است. در آیه شریفه، آیات الهی به پوست و مانند آن که به شخص چسبیده و ملصق باشد تشبیه شده است. بنابراین <فانسلخ منها> می رساند که آیات الهی مانند پوست بر بلعم احاطه داشت و بر او چسبیده بود ; یعنی به خوبی آنها را لمس کرده و دریافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱

۱ آیات و معارف ارائه شده به بلعم باعورا می توانست وی را به مقامی والا در پیشگاه خدا برساند .

و لو شئنا لرفعنه بها

<با> در <بها> بای استعانت است و ضمیر آن به <آیاتنا> برمی گردد. بنابراین جمله <لرفعناه بها> حاکی از آن است که آیات الهی وسیله ای مناسب برای رفعت درجات بلعم باعورا بود.

ارتداد بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۴،۵

۴ بلعم باعورا معارف الهی را به دور افکند و آنها را نادیده انگاشت و مرتد شد .

ءاتینه ءایتنا فانسلخ منها

۵ شیطان در پی فاصله گرفتن بلعم باعورا از معارف الهی به تعقیب وی پرداخت .

فأتبعه الشیطن

<اتباع> (مصدر أتبع) به معنای دنبال کردن و تعقیب کردن است.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۶ – ۱۷

۱۷ بلعم باعورا پس از ایمان به آیات الهی آنها را تکذیب کرد .

فمثله کمثل الکلب . .. ذلک مثل القوم الذین کذبوا بایتنا

ایمان بلعم باعورا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۶ – ۱۷

۱۷ بلعم باعورا پس از ایمان به آیات الهی آنها را تکذیب کرد .

فمثله کمثل الکلب . .. ذلک مثل القوم الذین کذبوا بایتنا

بلعم باعورا و سگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۶ – ۱۴

۱۴ حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی ، زبان از کام بیرون آورَد و له له زند .

فمثله کمثل الکلب إن تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث

<تحمل> از <حَمْلَه> گرفته شده و <حَمْلَه> به معنای هجوم کردن است. <مَثَل> در آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

حالات بلعم باعورا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۶ – ۱۴

۱۴ حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی ، زبان

از کام بیرون آورَد و له له زند .

فمثله کمثل الکلب إن تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث

<تحمل> از <حَمْلَه> گرفته شده و <حَمْلَه> به معنای هجوم کردن است. <مَثَل> در آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

دنیاطلبی

بلعم باعورا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۶ – ۲،۳،۱۲،۱۴

۲ بلعم باعورا عالمی دنیاگرا و پیرو هوا و هوس خویش بود .

و لکنه أخلد إلی الأرض و اتبع هوه

<اخلاد>، مصدر <أخلد>، هنگامی که به <إلی> متعدی شود، به معنای تمایل پیدا کردن و اعتماد داشتن است. کلمه <الأرض> چون در مقابل رفعت و منزلت معنوی و تقرب به خدا قرار گرفته، مراد از آن امور پست و حقیر مادی و دنیوی است. بنابراین <أخلد إلی الأرض> یعنی او به امور پست مادی و لذتهای دنیوی تمایل پیدا کرد و به آنها دل خوش نمود.

۳ بلعم باعورا به خاطر دنیاگرایی و هواپرستی از نایل شدن به منزلت های والا و قرب الهی محروم شد .

و لو شئنا لرفعنه بها و لکنه أخلد إلی الأرض و اتبع هوه

۱۲ دنیاخواهی و هواپرستی بلعم باعورا موجب فاصله گرفتن او از آیات الهی و تکذیب آنها شد .

فانسلخ منها . .. و لکنه أخلد إلی الأرض

جمله <و لکنه أخلد . .. > می تواند بیانگر علت <فانسلخ منها> باشد. یعنی دنیاخواهی و هواپرستی بلعم باعورا باعث شد که از آیات الهی فاصله گیرد.

۱۴ حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی ، زبان از کام بیرون آورَد و له له زند .

فمثله کمثل الکلب إن تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث

<تحمل> از <حَمْلَه> گرفته شده و <حَمْلَه> به معنای هجوم کردن است. <مَثَل> در آیه شریفه به معنای حالت و صفت

است.

شیطان و بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۵،۶

۵ شیطان در پی فاصله گرفتن بلعم باعورا از معارف الهی به تعقیب وی پرداخت .

فأتبعه الشیطن

<اتباع> (مصدر أتبع) به معنای دنبال کردن و تعقیب کردن است.

۶ بلعم باعورا پس از دور شدن از معارف الهی به دام شیطان گرفتار و از گمراهان شد .

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

<غوایه>، مصدر <غاوین> به معنای گمراه شدن است.

علم بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۲

۲ بلعم باعورا عالمی دنیاگرا و پیرو هوا و هوس خویش بود .

و لکنه أخلد إلی الأرض و اتبع هوه

<اخلاد>، مصدر <أخلد>، هنگامی که به <إلی> متعدی شود، به معنای تمایل پیدا کردن و اعتماد داشتن است. کلمه <الأرض> چون در مقابل رفعت و منزلت معنوی و تقرب به خدا قرار گرفته، مراد از آن امور پست و حقیر مادی و دنیوی است. بنابراین <أخلد إلی الأرض> یعنی او به امور پست مادی و لذتهای دنیوی تمایل پیدا کرد و به آنها دل خوش نمود.

عوامل گمراهی بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۲

۱۲ دنیاخواهی و هواپرستی بلعم باعورا موجب فاصله گرفتن او از آیات الهی و تکذیب آنها شد .

فانسلخ منها . .. و لکنه أخلد إلی الأرض

جمله <و لکنه أخلد . .. > می تواند بیانگر علت <فانسلخ منها> باشد. یعنی دنیاخواهی و هواپرستی بلعم باعورا باعث شد که از آیات

الهی فاصله گیرد.

قصه بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ خداوند به پیامبر خویش فرمان داد تا داستان بلعم باعورا را برای مردم بیان کند .

و اتل علیهم نبأ الذی ءاتینه ءایتنا

بسیاری از مفسران بر این باورند که مقصود از <الذی ءاتینه . .. > بلعم، فرزند باعورا، است که در زمان حضرت موسی(ع) می زیسته.

۲ خداوند آیات و نشانه های خویش را به بلعم باعورا ارائه کرد و وی آنها را بخوبی دریافت .

الذی ءاتینه ءایتنا فانسلخ منها

<انسلاخ> به معنای بیرون شدن چیزی از پوست خود است. در آیه شریفه، آیات الهی به پوست و مانند آن که به شخص چسبیده و ملصق باشد تشبیه شده است. بنابراین <فانسلخ منها> می رساند که آیات الهی مانند پوست بر بلعم احاطه داشت و بر او چسبیده بود ; یعنی به خوبی آنها را لمس کرده و دریافته بود.

۳ داستان بلعم باعورا ، داستانی پرفایده و هشداردهنده به دینداران و عالمان دینی

و اتل علیهم نبأ الذی ءاتینه ءایتنا

<نبأ> به خبری گفته می شود که دارای فایده ای بزرگ باشد. (مفردات راغب). گویا هدف از نقل آن هشدار به دینداران و عالمان دینی است. یعنی کسانی که از آیات الهی بهره مند هستند.

۴ بلعم باعورا معارف الهی را به دور افکند و آنها را نادیده انگاشت و مرتد شد .

ءاتینه ءایتنا فانسلخ منها

۵ شیطان در پی فاصله گرفتن بلعم باعورا از معارف الهی به تعقیب وی پرداخت .

فأتبعه الشیطن

<اتباع> (مصدر أتبع) به معنای دنبال کردن و تعقیب

کردن است.

۶ بلعم باعورا پس از دور شدن از معارف الهی به دام شیطان گرفتار و از گمراهان شد .

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

<غوایه>، مصدر <غاوین> به معنای گمراه شدن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۶ – ۱۸،۱۷،۱۶،۱۴

۱۴ حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی ، زبان از کام بیرون آورَد و له له زند .

فمثله کمثل الکلب إن تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث

<تحمل> از <حَمْلَه> گرفته شده و <حَمْلَه> به معنای هجوم کردن است. <مَثَل> در آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

۱۶ پیامبر (ص) از جانب خداوند مأمور شد تا داستان بلعم باعورا را برای تکذیب کنندگان آیات الهی گزارش کند .

فاقصص القصص

<قصّ> (مصدر <اُقصص>) به معنای بیان کردن و بازگو کردن است. <قصص> به معنای خبر و داستان است و <ال> در آن عهد ذکری و اشاره به داستان بلعم باعورا است.

۱۷ بلعم باعورا پس از ایمان به آیات الهی آنها را تکذیب کرد .

فمثله کمثل الکلب . .. ذلک مثل القوم الذین کذبوا بایتنا

۱۸ توجه به داستان بلعم باعورا برانگیزاننده آدمی به تفکر در سرنوشت شوم تکذیب کنندگان و ایجادکننده زمینه های هدایت در وی است .

فاقصص القصص لعلهم یتفکرون

گمراهی بلعم باعورا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۵ – ۶

۶ بلعم باعورا پس از دور شدن از معارف الهی به دام شیطان گرفتار و

از گمراهان شد .

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

<غوایه>، مصدر <غاوین> به معنای گمراه شدن است.

محرومیت بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۳

۳ بلعم باعورا به خاطر دنیاگرایی و هواپرستی از نایل شدن به منزلت های والا و قرب الهی محروم شد .

و لو شئنا لرفعنه بها و لکنه أخلد إلی الأرض و اتبع هوه

هواپرستی بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۲،۳،۱۲

۲ بلعم باعورا عالمی دنیاگرا و پیرو هوا و هوس خویش بود .

و لکنه أخلد إلی الأرض و اتبع هوه

<اخلاد>، مصدر <أخلد>، هنگامی که به <إلی> متعدی شود، به معنای تمایل پیدا کردن و اعتماد داشتن است. کلمه <الأرض> چون در مقابل رفعت و منزلت معنوی و تقرب به خدا قرار گرفته، مراد از آن امور پست و حقیر مادی و دنیوی است. بنابراین <أخلد إلی الأرض> یعنی او به امور پست مادی و لذتهای دنیوی تمایل پیدا کرد و به آنها دل خوش نمود.

۳ بلعم باعورا به خاطر دنیاگرایی و هواپرستی از نایل شدن به منزلت های والا و قرب الهی محروم شد .

و لو شئنا لرفعنه بها و لکنه أخلد إلی الأرض و اتبع هوه

۱۲ دنیاخواهی و هواپرستی بلعم باعورا موجب فاصله گرفتن او از آیات الهی و تکذیب آنها شد .

فانسلخ منها . .. و لکنه أخلد إلی الأرض

جمله <و لکنه أخلد . .. > می تواند بیانگر علت <فانسلخ منها> باشد. یعنی دنیاخواهی و هواپرستی بلعم باعورا باعث شد

که از

آیات الهی فاصله گیرد.

بلوغ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بلوغ

آثار بلوغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۱

۱۱- یتیم ، از تصرف در مال خویش تا هنگام رسیدن به مراحل رشد و بلوغ کافی ، ممنوع است .

حتی یبلغ أشدّه

<حتی یبلغ أشدّه> غایت کفالت یتیم است; یعنی، شما ای متکفلان ایتام! از اموال آنها مراقبت کنید و در آنها دخل و تصرف بی جا نکنید تا زمانی که آنان به رشد کافی برسند و این حکایت از آن دارد که یتیم، قبل از رسیدن به رشد لازم، حق تصرف در اموال خود را ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۹ - ۱،۲

۱ - کودکان ، به مجرد رسیدن به سن بلوغ ، باید برای ورود به اتاق خلوت و خوابگاه پدر و مادرشان در همه اوقات ، اذن بگیرند .

لیستئذنکم . .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلث مرّت ... و إذا بلغ الأطفل منکم

۲ - کودکان ، به مجرد رسیدن به سن بلوغ ، باید برای ورود به اتاق و محل سکونت پدر و مادرشان از آنان اذن بگیرند .

و إذا بلغ الأطفل منکم الحلم فلیستئذنوا کما استئذن الذین من قبلهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مقصود از <الذین من قبلهم> افراد بالغی باشند که تکلیف آنان در آیه ۲۷ و ۲۸ ذکر شده است; یعنی، همان گونه که بزرگسالان باید برای ورود به اتاق و منزل مسکونی افراد اجازه بگیرند، اطفالی که به سن بلوغ رسیده اند نیز، باید اذن بطلبند; هر چند اهل خانه

و ساکنان منازل، پدر و مادر آنان باشند.

آثار بلوغ یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۲

۱۲- عدم جواز تصرف در مال یتیم برای دیگران ، پس از رسیدن وی به حد بلوغ و رشد اقتصادی

و لاتقربوا . .. حتی یبلغ أشدّه

با توجه به اینکه پیام آیه، در راستای حقظ منافع یتیم است و بدیهی است که صرف بلوغ جسمی و سنی بدون بلوغ فکری و اقتصادی وی تضمین کننده منافع و مصالح او نخواهد بود و <حتی یبلغ أشدّه> غایت برای تصرف مجاز از سوی سرپرستان امور ایتام است؛ بنابراین معنا چنین می شود: شما جز جایی که در جهت مصالح یتیمان باشد، تصرف نکنید تا زمانی که آنان به بلوغ کافی برسند و وقتی آنها به بلوغ رسیدند، حق تصرف ندارید.

احکام بلوغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۲۱

۲۱- < عن أبی عبدالله (ع) قال : إذا بلغ الغلام أشدّه ثلاث عشره سنه و دخل فی الأربع عشره سنه وجب علیه ما وجب علی المحتلمین احتلم أم لم یحتلم . . . جاز له کلّ شیء من ماله إلاّ أن یکون ضعیفاً أو سفیهاً ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: هر گاه پسر به رشد لازم رسد؛ یعنی، به سیزده سالگی رسیده و داخل چهاردهمین سال خود شود، بر او واجب می شود آنچه که بر محتلم شدگان واجب است؛ خواه محتلم شده باشد یا نه . .. جایز است برای او تصرف در تمام

اموالش مگر آنکه ضعیف یا سفیه باشد>.

بلوغ انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۸

۱۸- پایـان اوج مرحله جوانی (بلوغ الأشـد) ، نقطه آغـازین منحنی نزول است . و سـرانجام مرحله پیری (أرذل العمر) ، نقطه پایانی این منحنی در زندگی انسان می باشد .

فإنّا خلقنكم من تراب. .. ثمّ لتبلغوا أشدّكم... لكيلا يعلم من بعد علم شيئًا

بلوغ دختران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۶

۶ حضرت لوط (ع) ، دخترانی متعدد و آماده ازدواج داشت .

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لكم

بلوغ در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۲۲

۲۲ بلوغ ، شرط گواهان بر دین و مبادلات

و استشهدوا شهیدین من رجالكم

کلمه <رجل> (مرد) و <امرأه> (زن) ظهور در افراد بالغ دارد.

بلوغ موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۴ – ۳

۳ – موسی (ع) برخوردار از اعتدال جسمی همراه با قوت فکری در عنفوان جوانی

و لمّا بلغ أشدّه و استوی

ظاهر این است که جمله <بلغ أشدّه> اشاره به توان فکری موسی(ع) و عبارت <و استوی> اشاره به توان جسمی او باشد. گفتنی است که <أشدّه> معادل <قوّته> و <استوی> به معنای <إعتدل> می باشد.

بلوغ یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۴ – ۱۱،۲۰

۱۱– یتیم ، از تصرف در مال خویش تا هنگام

رسیدن به مراحل رشد و بلوغ کافی ، ممنوع است .

حتی یبلغ أشدّه

<حتی یبلغ أشدّه> غایت کفالت یتیم است; یعنی، شما ای متکفلاـن ایتام! از اموال آنها مراقبت کنید و در آنها دخل و تصرف بی جا نکنید تا زمانی که آنان به رشد کافی برسند و این حکایت از آن دارد که یتیم، قبل از رسیدن به رشد لازم، حق تصرف در اموال خود را ندارد.

۲۰- < عن عبدالله بن سنان عن أبی عبدالله (ع) قال : سأله أبی و أنا حاضر عن الیتیم حتی یجوز أمره ؟ قال : < حتی یبلغ أشدّه > قال : و ما < أشده > قال : الإحتلام ، . . . ;

عبدالله بن سنان گوید: من همراه پدرم بودم که او از حضرت امام صادق(ع) در باره یتیم سؤال کرد که چه موقع امر او نافذ است؟ حضرت فرمود: <حتی یبلغ أشدّه> پدرم پرسید مقصود از <أشدّه> [در سخن خدا]چیست؟ حضرت فرمود: محتلم شدن . ..>.

بلوغ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۳۲

۳۲ < عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما راهق یوسف راودته إمرأه الملك عن نفسه . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. چون حضرت یوسف در آستانه بلوغ جنسی قرار گرفت ، همسر پادشاه از او درخواست کرد که تا با او درآمیزد ...>.

سن بلوغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۲۱

۲۱- < عن أبی عبدالله (ع

) قال : إذا بلغ الغلام أشدّه ثلاث عشره سنه و دخل فی الأربع عشره سنه وجب علیه ما وجب علی المحتلمین احتلم أم لم یحتلم . . . جاز له کلّ شیء من ماله إلاّ أن یکون ضعیفاً أو سفیهاً ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: هر گاه پسر به رشد لازم رسد; یعنی، به سیزده سالگی رسیده و داخل چهاردهمین سال خود شود، بر او واجب می شود آنچه که بر محتلم شدگان واجب است; خواه محتلم شده باشد یا نه . .. جایز است برای او تصرف در تمام اموالش مگر آنکه ضعیف یا سفیه باشد>.

نشانه های بلوغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۹

۹ - احتلام (جُنُب شدن در خواب) ، نشانه بلوغ است .

و الذین لم یبلغوا الحلم منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۹ - ۳

۳ - احتلام (جُنُب شدن در خواب) ، پایان دوران کودکی و سر آغاز بلوغ است .

و إذا بلغ الأطفل منکم الحلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳۹

۳۹- < عبدالله بن سنان عن أبی عبدالله (ع) قال : سأله أبی و أنا حاضر عن قول الله عزّوجلّ حتّی إذا بلغ أشدّه > قال : الإحتلام ;

عبدالله بن سنان می گوید: پدرم از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزّوجلّ <حتّی إذا بلغ أشدّه> سؤال کرد. من نیز در آن جا حاضر بودم، امام فرمود: [مراد زمان

]احتلام است>.

بندگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بندگان

آثار تواضع بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار تواضع بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ برخورد کریمانه و بزرگوارانه بندگان خالص خدا در برابر گفتار جاهلانه افراد نادان ، برخاسته از روح فروتنی و نرم خویی آنان است .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

عطف جمله <و إذا خاطبهم الجهلون. ..> بر جمله قبل بدون تکرار شدن اسم موصول (الذین)، نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان این دو صفت است. از سوی دیگر تقدم بیان صفت تواضع بر صفت برخورد کریمانه با افراد جاهل، حاکی از آن است

که این صفت، سبب چنین برخورد پسندیده ای است.

آثار توبه بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار تهجد بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در

آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار حق پذیری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار حلم بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ،

در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار دشمنی با بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۸

۸ - خصومت با بندگان شایسته خداوند ، دشمنی با خدا است .

فکذّبوا عبدنا

آمدن وصف <عبدنا> به جای اسم نوح(ع)، اشاره به این است که موضع نوح(ع)، موضع عبودیت در برابر خدا بوده و <عبد> آنچه دارد از آنِ مالک او است. بنابراین دشمنان آن حضرت در حقیقت، خداوند را مورد دشمنی قرار داده بودند.

آثار دعای بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ،

پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار صبر بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۲،۳،۴

۲ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، عامل برخوردار شدن آنان از بنا ها و درجات عالی بهشت است .

أُولئک یجزون الغرفه بما صبروا

گفتنی است <با> در <بما> برای سببیت است.

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک

می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

۴ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترک محرمات الهی چون اسراف و یا تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا . .. و لایزنون ... و الذین لایشهدون الزور ... أُول

آثار عفو بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

اجابت دعای بندگان

خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۷۶ – ۷

۷ – دعای بندگان خالص خدا ، مورد استجابت الهی است .

إلّا عباد اللّه المخلصين . و لقد نادينا نوح فلنعم المجيبون . و نجّينه و أهله من

ادب بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۳ – ۹

۹ بندگان خالص خدا ، به هنگام روبه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل ، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعولٌ به مقدر باشد; یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

ارزش سلام بر بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۲۰ – ۴

۴ – سلام و تحیت بر بندگان خدا (چون پیامبران) ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم على موسى و هرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۰ – ۴

۴ – سلام و تحیت بر بندگان خدا (چون پیامبران) ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی إل یاسین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ –

۳ - ۱۸۱

۳ - سلام و تحیت بر بندگان خدا ، امری ارزشمند و پسندیده

و سلم علی المرسلین

استثمار بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۸ - ۳

۳- استثمار و برده ساختن بندگان خدا ، از مهم ترین انحراف ها و فساد های جامعه فرعونی

أن أدّوا إلیّ عباد اللّه

از این که خداونـد، قبـل از هر پیـام دیگر، درخواست آزادی بنی اسـرائیل را از زبـان موسـی(ع) مطرح کرده است، مطلب بـالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۹ - ۴

۴- بهره کشی ظالمانه از بندگان الهی ، برتری جویی و گردنکشی در برابر خداوند است .

أن أدّوا إلیّ عباد اللّه . .. و أن لاتعلوا علی اللّه

بنابراین که عطف <أن لاتعلوا. ..> بر <أن أدّوا> تفسیری باشد، برداشت بالا به دست می آید.

استعباد بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۸ - ۳

۳- استثمار و برده ساختن بندگان خدا ، از مهم ترین انحراف ها و فساد های جامعه فرعونی

أن أدّوا إلیّ عباد اللّه

از این که خداونـد، قبـل از هر پیـام دیگر، درخواست آزادی بنی اسـرائیل را از زبـان موسـی(ع) مطرح کرده است، مطلب بـالا استفاده می شود.

استغفار بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۳

۳ - اظهار ایمان و طلب آمرزش از درگاه پرودگار در دنیا ، ویژگی بندگان صادق خدا

إنّه کان فریق من عبادی یقولون ربّنا ءامنّا فاغفر لنا

اضطراب بندگان

خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۴

۴ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، موجب هراسناکی و اضطراب شدید بندگان خالص خدا از سرنوشت اخروی شان

إنّ عذابهاکان غرامًا

درخواست رهایی از عذاب و تعلیل آن به این که آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است، برداشت فوق را می رساند.

اعتدال بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۷ - ۱،۲

۱ بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان ، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند .

و عباد الرحمن . .. و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا

آنچه از ظاهر آیه شریفه و لغت به دست می آید، این است که واژه <انفاق> به معنای هزینه کردن و کاستن از اموال است; چه آن که این اموال برای زندگی شخصی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش شود. گفتنی است <اسراف> (مصدر <یسرفوا>) به معنای زیاده روی در مصرف اموال و <قتر> (مصدر <یقتروا>) به معنای سخت گیری در مصرف است.

۲ رعایت اعتدال و میانه روی در معیشت و زندگی اقتصادی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

<ذلک> اشاره است به آنچه که در آغاز آیه شریفه ذکر شد (یعنی، اسراف و اقتار) و <قوام> به معنای عدل و راه میانه و وسط است.

اغواناپذیری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱،۲ - ۴۰

۱- ابلیس ، بندگانی را که خداوند آنان را از هر ناخالصی پالوده است ، از قلمرو اضلال و گمراه کردن خود ، استثنا کرد .

لأغوینّهم أجمعین . إلاّ عبادک منهم المخلصین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <منهم> حال برای عباد باشد. <مخلص> به صیغه مفعولی، به کسی گفته می شود که از هرگونه ناخالصی پاک و پالوده شده باشد.

۲- بندگی خداوند و نداشتن هیچ گونه ناخالصی ، شرط رهایی از اغواگری ابلیس

إلاّ عبادک منهم المخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۱ - ۲

۲- توانایی ابلیس به اغوای اکثریت مردم و ناتوانی وی بر اغوای بندگان خالص خداوند ، قانون و سنت الهی

إلاّ عبادک منهم المخلصین . قال هذا صرط علیّ مستقیم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مشارالیه <هذا> امر اغواگری ابلیس نسبت به اکثریت مردم و اغوا ناپذیری بندگان خالص باشد. کلمه <علیّ> دربردارنده تضمین و عهده داری است و <مستقیم> چیزی است که انحراف در آن راه ندارد. بنابراین معنای <هذا صراط علیّ مستقیم> این خواهد بود: چنین امری از ناحیه خداوند، حکمی تغییرناپذیر است که اصطلاحاً آن را <سنت> می نامند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۲

۲- شگرد های مختلف شیطان در تسلّط بر بندگان واقعی خدا ، بی تأثیر است .

و استفزز . .. و أجلب علیهم ... و شارکهم ... و عدهم ... إن عبادی لیس لک علیهم سلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۳ -

۱،۲،۴

۱ - بندگان مخلَص (بندگان خالص شده و برگزیده خدا) ، از افتادن در دام اغواگری شیطان مصون و درامان اند .

لأغوینّهم أجمعین . إلاّ عبادک منهم المخلصین

بیشتر مفسران بر این باورانـد که مقصود و معنـای <مخلصین> (خـالص شـدگان) این است: <الـذین أخلصـهم اللّه لنفسه و ولایته; کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است>.

۲ - ابلیس ، ناتوان از گمراه کردن بندگان مخلَص خدا و معترف به آن

لأغوینهّم أجمعین . إلاّ عبادک منهم المخلصین

۴ - آگاهی ابلیس ، به تکثیر نسل آدم و نیز به اغواپذیری بیشتر آنان و تأثیرناپذیری بندگان خالص خدا ، از آغاز خلقت انسان

لأغوینّهم أجمعین . إلاّ عبادک منهم المخلصین

اقرار بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۵

۵ - بندگان شایسته خدا ، همواره معترف به ایمان و بیمناک از کاستی اعمال خویش

إنّه کان فریق من عبادی یقولون ربّنا ءامنّا فاغفر لنا و ارحمنا

الگوگیری از بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۳

۱۳ بندگان خالص خدا ، از خداوند می خواهند که خود و همسر و فرزندانشان ، الگو و مقتدای مردم تقواپیشه باشند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

الگوگیری از فرزندان بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۳

۱۳ بندگان خالص خدا ، از خداوند می خواهند که خود و همسر و فرزندانشان ، الگو و مقتدای مردم تقواپیشه باشند .

و اجعلنا

للمتّقین إمامًا

الگو گیری از همسر بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۴ – ۱۳

۱۳ بندگان خالص خدا ، از خداوند می خواهند که خود و همسر و فرزندانشان ، الگو و مقتدای مردم تقواپیشه باشند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

امتحان اخروی بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۹ – ۶

۶ – < عن مُعاذ بن جبل قال : سألت رسول اللّه (ص) ما هذه السرائر التی تبلی بها العباد فی الآخره ؟ فقال سرائرکم هی أعمالکم من الصلاه و الصیام و الزکاه و الوضوء و الغسل من الجنابه و کلّ مفروض لأنّ الأعمال کلّها سرائر خفیه ;

از معاذ بن جبل روایت شده که گفت: از رسول خدا(ص) سؤال کردم: مراد از <سرائر> که بندگان در آخرت با آن امتحان می شوند چیست؟ حضرت فرمود: سرائر شما، همان اعمال شما از نماز، روزه، زکات، وضو، غسل جنابت و تمام فرایض است; زیرا تمام اعمال باطن هایی ناپیدایند>.

انذار بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۷۴ – ۲

۲ – تنها بندگان مخلص خدا ، پذیرای دعوت رسولان الهی و برحذرکننده از اخطار های ایشان بودند .

إلّا عباد اللّه المخلصین

انقیاد بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۹ - ۱

۱ - ایمان به آیات الهی و تسلیم محض بودن در برابر خداوند ، دو ویژگی بارز بندگان خاص خداوند است .

یعباد . ..

الذين ءامنوا بايتنا و كانوا مسلمين

اهميت مصونيت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۲

۲ - حفظ دیانت بندگان خدا و صیانت آنان از گمراهی ، فلسفه نفرین و درخواست نوح (ع) از خداوند ، برای نابودی کامل قوم گمراه گر خود

لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا . إنّک إن تذرهم یضلّوا عبادک

ایمان بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۳،۵

۳ - اظهار ایمان و طلب آمرزش از درگاه پرودگار در دنیا ، ویژگی بندگان صادق خدا

إنّه کان فریق من عبادی یقولون ربّنا ءامنّا فاغفر لنا

۵ - بندگان شایسته خدا ، همواره معترف به ایمان و بیمناک از کاستی اعمال خویش

إنّه کان فریق من عبادی یقولون ربّنا ءامنّا فاغفر لنا و ارحمنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۲

۲ - تصدیق و باور داشتن قیامت و زنده شدن انسان ها ، از ویژگی های بهشتیان و بندگان مخلَص خدا در دنیا است .

یقول أءنّک لمن المصدّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۹ - ۱

۱ - ایمان به آیات الهی و تسلیم محض بودن در برابر خداوند ، دو ویژگی بارز بندگان خاص خداوند است .

یعباد . .. الذین ءامنوا بایتنا و کانوا مسلمین

بشارت به بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۹

۹ - پیامبر (ص) ،

مأمور ابلاغ بشارت خداوند به بندگان خالص او است .

فبشّر عباد

کلمه <عباد> به ضمیر متکلم اضافه شده است; ولی در کلام حذف گردیده و تقدیر آن <عبادی> است.

بصیرت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۳

۳ حرف شنوی و بصیرت ، از اوصاف بندگان خالص خدا

لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

بندگان خدا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱،۳،۱۰

۱ بنا های برافراشته و درجات عالی در بهشت ، پاداش بندگان خدا (عباد الرحمان) است .

و عباد الرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: ۱ <أُولئک> اشاره به <عبادالرحمان> است. ۲ <غرفه> به معنای بنای مرتفع و برافراشته است. در آیه شریفه نیز می تواند هم در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و هم می تواند منزلت و مقام رفیع مقصود باشد.

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می

کردنـد مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشـته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

۱۰ بندگان خالص خدا ، در بهشت با درود و سلام روبه رو خواهند شد .

و یلقّون فیها تحیّه و سلمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۱

۱ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش بندگان خالص خدا

و عبادالرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه ... خلدین فیها حسنت مستقرًّا و مقامًا

<مسـتقرّاً> تمیز برای ضـمیر در <حسـنت> و به معنـای محل اسـتقرار است و <مقام> اسم مکان و به معنای اقامت گاه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۳ - ۱

۱ - بندگان مخلَص خدا ، در بوستان های پرنعمت متنعم اند .

إلاّ عباد اللّه المخلصین . أُولئک ... مکرمون . فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۴ - ۱،۲،۴

۱ - بندگان مخلَص خدا ، بر تخت های بهشتی رویاروی هم تکیه خواهند زد .

علی سرر متقبلین

<سرر> (جمع <سریر>) به معنای تخت ها است.

۲ - بندگان مخلَص خدا ، بهره مند از بزم خوش و مجلس انس در بوستان های بهشتی

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین

رویاروی هم قرار داشتن بندگان خالص خدا، اشاره به انس و محبت متقابل و بزم خوش آنان دارد.

۴ - اُنس و محبت متقابل

و بزم خوش ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان انواع نعمت های الهی برای بندگان خالص خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۵ - ۱،۳،۴

۱ - گردش ظرف هایی از شراب ناب ، گرداگرد بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس

<کأس> به معنای ظرفی است که در آن شراب باشد. گفتنی است گاهی این واژه استعمال می شود، ولی مقصود از آن خود شراب است; نه ظرفی که در آن شراب باشد.

۳ - در دسترس بودن شراب و فراوانی و مستمر بودن آن ، برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

تعبیر دور دادن شراب بر سر بهشتیان، بیانگر در دسترس بودن آن است و آمدن <یطاف> به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار این عمل دارد.

۴ - شراب ناب ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۳

۳ - بندگان مخلَص خدا در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <طرف> می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد; یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران

(همسران) را به خود مشغول می دارند.

بندگان خدا در دوران موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۵ – ۵

۵- در عصر موسی

(ع) ، انسان های دیگری نیز مانند خضر (ع) به مقام بندگی خاص خداوند ، نائل شده بودند .

فوجدا عبدًا من عبادنا

با آن که اگر گفته می شد <بنده ای عالم و . .. را یافتند> معنا، تام بود، ولی عبارت <من عبادنا> نیز در کلام آمده است تا گویای این نکته باشد که تنها، حضرت حضرت خضر(ع) نبود که با مقام بندگی خداوند نائل شده بود، بلکه جز او نیز افرادی در عصر موسی می زیستند که بنده خاص خداوند بودند.

بندگان خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۱۱،۱۲

۱۱ - حضور گروهی از انسان های برتر در آخرت با عنوان صالحان و شایستگان

و إنه فی الأخره لمن الصلحین

۱۲ - بندگان خالص و برگزیده خدا در قیامت به گروه صالحان ملحق خواهند شد .

و لقد اصطفینه فی الدنیا و إنه فی الأخره لمن الصلحین

بندگان خدا و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۱

۱ بندگان خالص خدا به هنگام شنیدن و یادآور شدن آیات الهی ، مانند کران و کوران ، با بی اعتنایی و ناخرسندی از آنها نمی گذرند .

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

فعل <خرّ> در معنای <سقط> به کار می رود که به معنای فرود از بالا۔به پایین است (لسان العرب) و <صمّاً> و <عمیاناً> حال برای فاعل <یخرّوا> است. گفتنی است فعل <لم یخرّوا> در معنای کنایی به کار رفته است و

مقصود از آن آن ناخرسندی و امتناع کردن است; زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می دارد.

بندگان خدا و استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۱

۱ بندگان خالص خدا به هنگام شنیدن و یادآور شدن آیات الهی ، مانند کران و کوران ، با بی اعتنایی و ناخرسندی از آنها نمی گذرند .

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

فعل <خرّ> در معنای <سقط> به کار می رود که به معنای فرود از بالا ـ به پایین است (لسان العرب) و <صمّاً> و <عمیاناً> حال برای فاعل <یخرّوا> است. گفتنی است فعل <لم یخرّوا> در معنای کنایی به کار رفته است و مقصود از آن آن ناخرسندی و امتناع کردن است; زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می دارد.

بندگان خدا و زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۷

۷ بندگان خالص خدا ، هرگز به گناه زنا و روابط ناسالم جنس دست نمی آلایند .

و لایزنون

بندگان خدا و قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۳

۳ بندگان خالص خدا ، هیچ انسانی را به ناحق نمی کشند .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلاّ بالحقّ

بندگان خدا و گناه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۸ – ۷

۷ بندگان خالص خدا

، هرگز به گناه زنا و روابط ناسالم جنس دست نمی آلایند .

و لایزنون

پاداش اخروی بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۱

۱ بنا های برافراشته و درجات عالی در بهشت ، پاداش بندگان خدا (عباد الرحمان) است .

و عباد الرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: ۱ <أُولئک> اشاره به <عبادالرحمان> است. ۲ <غرفه> به معنای بنای مرتفع و برافراشته است. در آیه شریفه نیز می تواند هم در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و هم می تواند منزلت و مقام رفیع مقصود باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۱

۱ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش بندگان خالص خدا

و عبادالرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه ... خلدین فیها حسنت مستقرًّا و مقامًا

<مستقرّاً> تمیز برای ضمیر در <حسنت> و به معنای محل استقرار است و <مقام> اسم مکان و به معنای اقامت گاه می باشد.

پاداش بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۰ – ۲

۲ – بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از پاداشی فراتر از مقدار اعمال و رفتار خویش

و ما تجزون إلّا ما کنتم تعملون . إلّا عباد اللّه المخلصین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <إلا. ..> استثنای منقطع از ضمیر <تجزون> باشد. بر این اساس، پیام آیه شریفه چنین می شود: همگان مطابق کردار خود، جزا و پاداش

دارند; جز بندگان خالص خدا که فراتر و برتر از اعمال خود، پاداش دریافت خواهند داشت.

پذیرایی اخروی از بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۳

۳ - انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلَص خدا

إلاّ عباد اللّه المخلصین . .. فی جنّت النعیم ... و عندهم قصرت الطرف ... أذلک خ

<نزل> به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

پیروزی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۳

۳- وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی خود ، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جاجای کره زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون . إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضمون آیه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و بشارت الهی است.

تأمین نیاز بندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۵

۵ توانایی بر رفع نیاز بندگان و اجابت درخواست ها و دعا های آنان ، نشانه خدایی است .

له دعوه الحق والذین یدعون من دونه لایستجیبون لهم بشیء

تداوم تسبیح بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۸ – ۴،۶

۴

- فرشتگان و بندگان مخلص حق ، در شب و روز همواره تسبیح گوی خداوند هستند .

فالذین عند ربّک یسبّحون له بالّیل و النهار

تعبیر <بالّیل و النهار> کنایه از استمرار و تداوم است.

۶ - فرشتگان و بندگان مخلص خدا ، در تسبیح و عبادت او خستگی ناپذیراند .

فالذین عند ربّک یسبّحون له . .. و هم لایسئمون

<السّامه> (مصدر <لایسئمون>) به معنای خستگی و ملالت از ادامه کار است.

ترس بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۵

۵ - بندگان شایسته خدا ، همواره معترف به ایمان و بیمناک از کاستی اعمال خویش

إنّه کان فریق من عبادی یقولون ربّنا ءامنّا فاغفر لنا و ارحمنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۴

۴ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، موجب هراسناکی و اضطراب شدید بندگان خالص خدا از سرنوشت اخروی شان

إنّ عذابهاکان غرامًا

درخواست رهایی از عذاب و تعلیل آن به این که آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است، برداشت فوق را می رساند.

تضرع بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۴

۴ جمله < ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غراماً . إنّ ها ساءت مستقرّاً و مقاماً > ، متن دعا و تضرع بندگان خالص

خدا به درگاه الهی

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم . ..إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <إنّ عذابها تا مستقراًو مقاماً> نیز مانند جمله <ربّنا اصرف عنّا

عذاب جهنّم> جزء دعا و تضرع عبادالرحمان باشد.

تقرب بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۲

۲- بندگان راستین و مؤمن برخوردار از لطف و عنایت ویژه خداوند و دارای مقام و منزلتی خاص در پیشگاه او

قل لعبادی

برداشت فوق بر این اساس است که اضافه در <عبادی> تشریفیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، با دعوت از صاحبان دل آرام و خشنود ، آنان را به جمع بندگان خاص خود بار می دهد .

فادخلی فی عبدی

تقوای بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۴

۱۴ رسیدن به اوج مرتبه تقواپیشگی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

درخواست الگو و مقتدای تقواپیشگان شدن از سوی عباد الرحمان که خود از ایمان و تقوای بالایی برخوردارند حاکی از آن است که آنان خواستار بالاترین مرتبه تقواپیشگی اند، تا برای الگو و مقتدا شدن دیگر تقواپیشگان، شایسته باشند.

تکریم بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۲ – ۲

۲ – بندگان مخلص خدا ، مورد اکرام و گرامی داشت الهی اند .

و هم مکرمون

تواضع بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۳ – ۱،۱۴

۱ بندگان خالص خدا ، مظهر تواضع و فروتنی و به دور از تکبر و خود بزرگ بینی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی

الأرض هونًا

برداشت یاد شده با توجه به چند نکته است: ۱ <عباد> (جمع <عبد>) به معنای بندگان است و اوصافی که خداوند برای آنان در ضمن چند آیه بیان می فرماید، حاکی است که آنان از بندگان خالص او هستند. ۲ <هون> به دو معنا آمده است: الف) سکینه و وقار (قاموس المحیط)؛ که در در این صورت این واژه در آیه شریفه یا در همان معنای لغوی استعمال شده است و یا در معنای کنایی آن؛ یعنی، تواضع و فروتنی. برداشت فوق مبتنی بر همین معنای کنایی است. ب) رفق و لین (مدارا و نرمی)، در مقابل خشونت و درشتی (نهایه ابن اثیر). ۳ <هوناً> مصدر و صفت برای <مشی> بوده و آمدن مصدر به جای صفت، بیانگر مبالغه است.

۱۴ < فی مجمع البیان فی قوله تعالی : < الذین یمشون علی الأرض هوناً > . . . و قال أبوعبداللّه (ع) هو الرجال یمشی بسجیته التی جبل علیها لایتکلف و لایتبختر ؛

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <الذین یمشون علی الأرض هوناً>. .. آمده است که امام صادق(ع) فرمود: آن کسی است که بر خلق و خوی فطری خود که خدا او را به آن گونه آفریده است بدون تکلف و تکبر راه میرود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۶

۶ بندگان خالص خدا ، مردمی فروتن و خود کم بین در برابر خدا

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرامًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که بندگان خالص خدا، با آن که مردمی

شب زنده دار و عابداند، اما باز از عذاب دوزخ در هراس و اضطراب اند.

توکل بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۳ - ۱۱

۱۱ - در دست خدا بودن مقررات امور عالم ، مقتضی توکل بندگان به او است .

من یتوکّل علی اللّه فهو فحسبه . .. قد جعل اللّه لکلّ شیء قدرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که جمله <قد جعل اللّه. ..> در مقام بیان برای وجوب توکل بر خداوند (من یتوکّل علی اللّه فهو حسبه) است.

تهجد بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۱،۲

۱ بندگان خالص خدا ، مردمی شب زنده دار

و الذین یبیتون لربّهم

<بیتوته> (مصدر <یبیتون>) به معنای شب زنده داری است؛ چه این بیداری در تمام شب باشد و چه در بخشی از آن.

۲ نماز ، برنامه بندگان خالص خدا در وقت شب زنده داری

و الذین یبیتون لربّهم سجّدًا و قیمًا

از دیدگاه مفسران، مقصود از <سجده> و <قیام> در آیه شریفه، نماز است.

حسرت اخروی بندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۷

١٧ - < فی الخبر النبویّ (ص) أنّه یُفتَح للعبد یوم القیامه علی کلّ یوم من أیّام عمره أربعه و عشرون خزانهً . . . یُفتَح له خزانهٌ . . . فیراها فارغهً لیس فیها ما یسرّه و لا ما یسؤوه و هی الساعه التی نام فیها أو اشتغل فیها بشیء من مباحات الدنیا فیناله من الغبن و الأسف علی

فواتها . . . ما لایُوصَف و من هذا قوله تعالی : < ذلک یوم التغابن > ;

در روایتی از پیامبر(ص) آمـده که برای بنده در قیامت، برای هر روز از ایام عمرش ۲۴ خزانه باز می شود . .. خزانه ای برای او بـازمی گردد که آن را خالی می بینـد و چیزی که او را خوشـحال یا ناراحت کنـد در آن نیست. این همان ساعتی است که در آن خوابیده و یا مشغول کارهای مباح دنیا بوده است. پس غبن و تأسف بر از دست دادن آن ساعت، به او دست می دهد ... به اندازه ای که قابل توصیف نیست و در همین باره است سخن خدای تعالی: و ذلک یوم التغابن>.

حق شنوی بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۳ – ۳

۳ حرف شنوی و بصیرت ، از اوصاف بندگان خالص خدا

لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

حکومت جهانی بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۵ – ۱۱

۱۱– حکومت واحد جهانی به دست بندگان صالح خدا ، فرجام نهایی زندگی بشر در زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

حمایت از بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۵ – ۱۰

۱۰– ربوبیت خداوند ، مقتضی حمایت از بندگان خویش

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن و کفی بربّک وکیلًا

خداشناسی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۰ - ۱

۱ - تنها بندگان مخلَص خدا

، عارف به حق خدا و توصیف کننده شایسته او هستند .

سبحن اللّه عمّا یصفون . إلاّ عباد اللّه المخلصین

<إلاّ> استثنای منقطع و به معنای <لکن> است. مستثنی منه نیز در برداشت بالا، ضمیر فاعلی <یصفون> دانسته شده است. گفتنی است مقصود و معنای <مخلصین> این است: <الذین أخلصهم اللّه لنفسه و ولا-یته; کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است>.

خستگی ناپذیری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۸ - ۶

۶ - فرشتگان و بندگان مخلص خدا ، در تسبیح و عبادت او خستگی ناپذیراند .

فالذین عند ربّک یسبّحون له . .. و هم لایسئمون

<السّامه> (مصدر <لایسئمون>) به معنای خستگی و ملالت از ادامه کار است.

خشیت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- لزوم بیم و هراس بندگان از خداوند ، هر چند دارای مرتبه ای والا باشند .

بل عباد مکرمون . .. و هم من خشیته مشفقون

خواسته های بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ بندگان خالص خداوند ، به هنگام رو به رو شدن با گفتار جاهلانه و بدور از ادب و منطق جاهلان ، از آنان خواستار سلامت و امنیت و همزیستی مسالمت آمیز می شوند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <سـلاماً> مفعولٌ به برای فعل مقدر باشد; یعنی، <نتسلم منکم تسلیماً>. در این صورت <سلام> به

جای <تسلیم> نشسته است.

خوشرفتاری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۳

۳ بندگان خالص خدا ، مظهر مدارا و نرمی و منزه از روح خشونت و درشتی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

خیرخواهی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۲۱

۲۱ دعا برای صلاح و نیک شدن همسر و فرزندان و خیرخواهی برای ایشان ، از اوصاف بندگان خالص خدا و امری پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین و اجعلنا للمتّقین إم

دعای بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۱

۱ بندگان خالص خدا ، پیوسته از پروردگارشان خواستار رهایی از عذاب دوزخ اند .

و عباد الرحمن . .. و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم

فعل مضارع <یقولون> مفید استمرار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۴

۴ جمله < ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاكان غراماً . إنّ ها ساءت مستقرّاً و مقاماً > ، متن دعا و تضرع بندگان خالص خدا به درگاه الهی

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم . ..إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <إنّ عذابها تا مستقراًو مقاماً> نیز مانند جمله <ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم> جزء دعا و تضرع عبادالرحمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۴ – ۱،۴،۱۳،۱۶،۲۱،۲۲

۱ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوك آنان ، مایه چشم روشنی و سرفرازی آنان در زندگی باشد .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

درباره <من> در <من أزواجنا. ..> دو احتمال وجود دارد: ۱ <من> ابتدائیه باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد>. ۲ <من> بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: <به ما روشنی چشمان که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۴ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار سرور و روشنی چشمان در پرتو اعطای همسر و فرزند به آنان هستند .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

۱۳ بندگان خالص خدا ، از خداوند می خواهند که خود و همسر و فرزندانشان ، الگو و مقتدای مردم تقواپیشه باشند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

۱۶ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار در دست داشتن اداره جامعه متقین و مردم تقوا پیشه اند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که مقصود از <امام> امامت و پیشوایی سیاسی و اجتماعی باشد.

۲۱ دعا برای صلاح و نیك شدن همسر و فرزندان و خیرخواهی برای ایشان ، از اوصاف بندگان خالص خدا و امری پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا

و ذرّيّتنا قرّه أعين و اجعلنا للمتّقين إم

۲۲ جمله < و الـذين يقولون ربّنـا هب لنا من أزواجنا و ذرّيّتنا قرّه أعين و اجعلنا للمتّقين إماماً > متن دعاى هميشـگى بنـدگان خالص خدا

و الذين يقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّيّتنا قرّه أعين و اجعلنا للمتّقين إم

آمدن آيه شريفه در قالب جمله اسميه و نيز فعل مضارع <يقولون> حاكى از استمرار و هميشگى بودن آن دعا است.

دعوت از بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳- خداوند ، فراخوان مؤمنان و بندگان خالص خويش به انفاق اموال خود ، قبل از فرا رسيدن مرگ

قل لعبادى الذين ءامنوا . .. و ينفقوا ... من قبل أن يأتى يوم لابيع فيه و لاخلل

ذكر خدا از بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۵

۵ - بعثت پيامبر (ص) و تغيير قبله ، نمونه اى از توجه و ياد خدا از بندگان خويش *

و حيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره . .. كما أرسلنا فيكم رسولا ... فاذكرونى أذكركم

برداشت فـوق احتمـال ديگرى است كه مى تـوان از تفريـع جمله <فـاذكرونى . ..> بر بعثت پيـامبر و تغيير قبله، اسـتفاده كرد; يعنى: فاذكرونى أذكركم كما ذكرتكم بارسال الرسول و تحويل القبله.

راه رفتن بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۲،۱۴

۲ مشى و راه رفتن بندگان خالص خدا ، در كمال وقار و آرامى ، و به دور از سرعت

و شتابزدگی است .

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

۱۴ < فی مجمع البیان فی قوله تعالی : < الذین یمشون علی الأرض هوناً > . . . و قال أبوعبدالله (ع) هو الرجال یمشی بسجیته التی جبل علیها لایتکلف و لایتبختر ;

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <الذین یمشون علی الأرض هوناً>. .. آمده است که امام صادق(ع) فرمود: آن کسی است که بر خلق و خوی فطری خود که خدا او را به آن گونه آفریده است بدون تکلف و تکبر راه میرود.

رحمت بر بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۶

۶ بندگان خالص خدا ، مشمول رحمت ویژه خدا هستند .

و عباد الرحمن

آمدن صفت <رحمن> به جای دیگر اوصاف خداوند و اضافه شدن <عباد> به آن، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

روزی ممتاز بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۱ - ۱

۱ - بندگان مخلص خدا ، بهره مند از رزق و روزی ویژه و ممتاز الهی

إلاّ عباد الله المخلصین . أولئک لهم رزق معلوم

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <رزق معلوم>، روزی مخصوص و تعیین شده برای بندگان خالص است; مانند آیه <و ما منّا إلاّ له مقام معلوم>، (همین سوره، آیه ۱۶۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۲ – ۱

۱ – انواع میوه ها ، رزق و روزی مخصوص و ممتاز بندگان مخلَص خدا در بهشت

أُولئك لهم رزق معلوم

. فو که

<فواکه> (جمع <فاکهه>) بدل کل از <رزق معلوم> و یا خبر برای مبتدای محذوف است و تقدیر آن <ذلک الرزق فواکه> می باشد.

روش برخورد با بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ بندگان خالص خدا ، در بهشت با درود و سلام روبه رو خواهند شد .

و یلقّون فیها تحیّه و سلمًا

روش برخورد بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱۱،۱۰،۹

۹ بندگان خالص خدا ، به هنگام روبه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل ، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعولٌ به مقدر باشد; یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

۱۰ بندگان خالص خداوند ، به هنگام رو به رو شدن با گفتار جاهلانه و بدور از ادب و منطق جاهلان ، از آنان خواستار سلامت و امنیت و همزیستی مسالمت آمیز می شوند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <سلاماً> مفعولٌ به برای فعل مقدر باشد; یعنی، <نتسلم منکم تسلیماً>. در این صورت <سلام> به جای <تسلیم> نشسته است.

۱۱ برخورد

کریمانه و بزرگوارانه بندگان خالص خدا در برابر گفتار جاهلانه افراد نادان ، برخاسته از روح فروتنی و نرم خویی آنان است .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

عطف جمله <و إذا خاطبهم الجهلون. ..> بر جمله قبل بدون تکرار شدن اسم موصول (الذین)، نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان این دو صفت است. از سوی دیگر تقدم بیان صفت تواضع بر صفت برخورد کریمانه با افراد جاهل، حاکی از آن است که این صفت، سبب چنین برخورد پسندیده ای است.

روش زندگی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۷ - ۱،۲

۱ بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان ، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند .

و عباد الرحمن . .. و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا

آنچه از ظاهر آیه شریفه و لغت به دست می آید، این است که واژه <انفاق> به معنای هزینه کردن و کاستن از اموال است؛ چه آن که این اموال برای زندگی شخصی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش شود. گفتنی است <اسراف> (مصدر <یسرفوا>) به معنای زیاده روی در مصرف اموال و <قتر> (مصدر <یقتروا>) به معنای سخت گیری در مصرف است.

۲ رعایت اعتدال و میانه روی در معیشت و زندگی اقتصادی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

<ذلک> اشاره است به آنچه که در آغاز آیه شریفه ذکر شد (یعنی، اسراف و اقتار) و <قوام> به معنای عدل

و راه میانه و وسط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۹

۹ زندگی بر مبنای هدفی معقول و مفید ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین لایشهدون الزور و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

اجتناب کردن بندگان خالص خدا از مجالس باطل (لایشهدون الزور) و نیز پرهیز از لغو و بیهودگی، حاکی است که از آن است که آنان در زندگی، دارای هدفی معقول و مفیداند.

زمینه بصیرت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۱

۱ مظاهر وجود و عظمت آفریدگار در آسمان و زمین ، مایه بصیرت و تذکّر بندگان روی آورده به خداوند

أفلم ینظروا إلی السماء . .. و الأرض مددنها ... تبصره و ذکری لکلّ عبد منیب

<منیب>، به معنای بازگشت کننده و روی آورنده به خدا است.

زمینه تذکر به بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۱

۱ مظاهر وجود و عظمت آفریدگار در آسمان و زمین ، مایه بصیرت و تذکّر بندگان روی آورده به خداوند

أفلم ینظروا إلی السماء . .. و الأرض مددنها ... تبصره و ذکری لکلّ عبد منیب

<منیب>، به معنای بازگشت کننده و روی آورنده به خدا است.

زمینه گمراهی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۱،۳

۱ - تلاش مستمر قوم کافر و گمراه گر نوح ، برای گمراه کردن مؤمنان و بندگان خدا

إنّک إن تذرهم یضلّوا عبادک

۳ - تداوم حیات قوم کافر

و گمراه گر نوح ، موجب گمراهی بندگان خدا و مؤمنان می شد .

إنّک إن تذرهم یضلّوا عبادک

سرزنش بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۳

۳ - سرزنش شدن بندگان خالص خدا و باورداران به قیامت ، از سوی منکران آن

یقول أءنّک لمن المصدّقین

در برداشت یاد شده، استفهام <أءنّک> استفهام توبیخی دانسته شده است.

سعادت طلبی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱

۱ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوک آنان ، مایه چشم روشنی و سرفرازی آنان در زندگی باشد .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

درباره <من> در <من أزواجنا. ..> دو احتمال وجود دارد: ۱ <من> ابتدائیه باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد>. ۲ <من> بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: <به ما روشنی چشمان که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

سلام بر بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۹ - ۵

۵ - سلام و تحیت بر بندگان خدا چون پیامبران ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی نوح فی العلمین

سلام بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵

۱۰ بندگان خالص خدا ، در بهشت با درود و سلام روبه رو خواهند شد .

و يلقّون فيها تحيّه و سلمًا

شرح صدر بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۳ – ۹،۱۰

۹ بندگان خالص خدا ، به هنگام روبه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل ، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعولٌ به مقدر باشد; یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

۱۰ بندگان خالص خداوند ، به هنگام رو به رو شدن با گفتار جاهلانه و بدور از ادب و منطق جاهلان ، از آنان خواستار سلامت و امنیت و همزیستی مسالمت آمیز می شوند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <سلاماً> مفعولٌ به برای فعل مقدر باشد; یعنی، <نتسلم منکم تسلیماً>. در این صورت <سلام> به جای <تسلیم> نشسته است.

شکرگزاری بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۳ – ۴

۴ بندگان خالص خدای رحمان ، مردمی پندپذیر و سپاس گزار در برابر نعمت های الهی

لمن أراد أن يذكّر أو أراد شكورًا . و عباد الرحمن

الذین یمشون علی الأرض هونًا

برداشت فوق بر این اساس است که آیه شریفه مرتبط با آیه قبل و درصدد بیان اوصاف کسانی باشد که در جمله <لمن أراد أن یذکر أو أراد شکوراً> از آنان یاد شده است.

صفات بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱،۲،۳

۱ بندگان خالص خدا ، مظهر تواضع و فروتنی و به دور از تکبر و خود بزرگ بینی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

برداشت یاد شده با توجه به چند نکته است: ۱ <عباد> (جمع <عبد>) به معنای بندگان است و اوصافی که خداوند برای آنان در ضمن چند آیه بیان می فرماید، حاکی است که آنان از بندگان خالص او هستند. ۲ <هون> به دو معنا آمده است: الف) سکینه و وقار (قاموس المحیط)؛ که در در این صورت این واژه در آیه شریفه یا در همان معنای لغوی استعمال شده است و یا در معنای کنایی آن؛ یعنی، تواضع و فروتنی. برداشت فوق مبتنی بر همین معنای کنایی است. ب) رفق و لین (مدارا و نرمی)، در مقابل خشونت و درشتی (نهایه ابن اثیر). ۳ <هوناً> مصدر و صفت برای <مشی> بوده و آمدن مصدر به جای صفت، بیانگر مبالغه است.

۲ مشی و راه رفتن بندگان خالص خدا ، در کمال وقار و آرامی ، و به دور از سرعت و شتابزدگی است .

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

۳ بندگان خالص خدا ، مظهر مدارا و نرمی و منزه از روح خشونت و درشتی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض

هونًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۴ – ۱

۱ بندگان خالص خدا ، مردمی شب زنده دار

و الذین یبیتون لربّهم

<بیتوته> (مصدر <یبیتون>) به معنای شب زنده داری است; چه این بیداری در تمام شب باشد و چه در بخشی از آن.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۵ – ۶،۸

۶ بندگان خالص خدا ، مردمی فروتن و خود کم بین در برابر خدا

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرامًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که بندگان خالص خدا، با آن که مردمی شب زنده دار و عابداند، اما باز از عذاب دوزخ در هراس و اضطراب اند.

۸ بندگان خالص خدا ، بسیار نگران و هراسناك از لغزش خویش و نافرمانی خدا

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرامًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عذاب دوزخ برای کیفر دادن مجرمان است. بنابراین ترس عبادالرحمان از عذاب دوزخ، حاکی از آن است که آنان از جرم و خطایی که مرتکب شده اند هر چند ارتکاب جرم از ایشان بسیار کم اتفاق می افتد بسیار نگران و مضطرب اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۷ – ۱،۲

۱ بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان ، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند .

و عباد الرحمن . .. و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا

آنچه از ظاهر آیه شریفه و لغت

به دست می آید، این است که واژه <انفاق> به معنای هزینه کردن و کاستن از اموال است؛ چه آن که این اموال برای زندگی شخصی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش شود. گفتنی است <اسراف> (مصدر <یسرفوا>) به معنای زیاده روی در مصرف اموال و <قتر> (مصدر <یقتروا>) به معنای سخت گیری در مصرف است.

۲ رعایت اعتدال و میانه روی در معیشت و زندگی اقتصادی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

<ذلک> اشاره است به آنچه که در آغاز آیه شریفه ذکر شد (یعنی، اسراف و اقتار) و <قوام> به معنای عدل و راه میانه و وسط است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۸ – ۳،۷

۳ بندگان خالص خدا ، هیچ انسانی را به ناحق نمی کشند .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلاّ بالحقّ

۷ بندگان خالص خدا ، هرگز به گناه زنا و روابط ناسالم جنس دست نمی آلایند .

و لایزنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۲ – ۱،۳،۵،۷،۹

۱ بندگان خالص خدا ، در مجالسی که به باطل و دروغ پرداز می گذرد ، هرگز حضور نمی یابند .

و عباد الرحمن . .. و الذین لایشهدون الزور

فعل <شهد> گاهی در معنای <حضر> (حضور یافت) استعمال می شود و گاهی در معنای <أخبر عن الشیء و شهده> (خبر داد از چیزی و گواهی به آن داد) به کار می رود. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای

نخست است. <زور> نیز به معنای دروغ و باطل است.

۳ بندگان خالص خدا ، هرگز به باطل و دروغ ، شهادت و گواهی نمی دهند .

و الذین لایشهدون الزور

۵ بندگان خالص خدا ، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده ، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند .

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

۷ بندگان خالص خدا ، مردمی بزرگوار و متین

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

۹ زندگی بر مبنای هدفی معقول و مفید ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین لایشهدون الزور و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

اجتناب کردن بندگان خالص خدا از مجالس باطل (لایشهدون الزور) و نیز پرهیز از لغو و بیهودگی، حاکی است که از آن است که آنان در زندگی، دارای هدفی معقول و مفیداند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۳ – ۱،۲،۳

۱ بندگان خالص خدا به هنگام شنیدن و یادآور شدن آیات الهی ، مانند کران و کوران ، با بی اعتنایی و ناخرسندی از آنها نمی گذرند .

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

فعل <خرّ> در معنای <سقط> به کار می رود که به معنای فرود از بالاـ به پایین است (لسان العرب) و <صمّاً> و <عمیاناً> حال برای فاعل <یخرّوا> است. گفتنی است فعل <لم یخرّوا> در معنای کنایی به کار رفته است و مقصود از آن آن ناخرسندی و امتناع کردن است؛ زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می دارد.

۲ پندپذیری و درس

آموزی از آیات الهی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

۳ حرف شنوی و بصیرت ، از اوصاف بندگان خالص خدا

لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱،۴،۱۳،۱۴،۱۶

۱ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوک آنان ، مایه چشم روشنی و سرفرازی آنان در زندگی باشد .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

درباره <من> در <من أزواجنا. ..> دو احتمال وجود دارد: ۱ <من> ابتدائیه باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد>. ۲ <من> بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: <به ما روشنی چشمان که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۴ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار سرور و روشنی چشمان در پرتو اعطای همسر و فرزند به آنان هستند .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

۱۳ بندگان خالص خدا ، از خداوند می خواهند که خود و همسر و فرزندانشان ، الگو و مقتدای مردم تقواپیشه باشند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

۱۴ رسیدن به اوج مرتبه تقواپیشگی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

درخواست الگو و مقتدای تقواپیشگان شدن از سوی عباد الرحمان که خود از ایمان و تقوای

بالا ـیی برخوردارنـد حـاکی از آن است که آنـان خواسـتار بالا ـترین مرتبه تقواپیشـگی انـد، تـا برای الگو و مقتـدا شـدن دیگر تقواپیشگان، شایسته باشند.

۱۶ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار در دست داشتن اداره جامعه متقین و مردم تقوا پیشه اند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که مقصود از <امام> امامت و پیشوایی سیاسی و اجتماعی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۱،۴

۱ - پرهیز از عبادت و اطاعت طاغوت ها و سردمداران کفر و شرک ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خدا

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها

<طـاغوت> در اصل به هر متجاوز و رئیس گمراه گر گفته می شود. این کلمه در قرآن، هم به این معنا آمـده و هم در بت و صنم به کـار رفته است. چنـانچه این واژه در آیه شـریفه در معنـای نخست به کـار رفته باشـد، مقصود از عبادت (أن یعبـدوها) اطاعت خواهد بود. گفتنی است آیه شـریفه درصدد توصـیف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است (که از آیات بعد نیز قابل استفاده است).

۴ - توبه و بازگشت به خدا ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است .

و أنابوا إلی اللّه

<إنـابه> (مصـدر <أنـابوا>) به معنـای رجوع است و <أنابوا إلی اللّه>; یعنی، بازگشت به خـدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

صفوف بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۵ - ۴

۴ - به صف ایستادن در راه خدا ، از ویژگی های بندگان مخلَص خدا

إلاّ عباد اللّه المخلصین

. .. و إنّا لنحن الصافّون

عبرت پذيرى بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۴

۴ بندگان خالص خداى رحمان ، مردمى پندپذير و سپاس گزار در برابر نعمت هاى الهى

لمن أراد أن يذّكّر أو أراد شكورًا . و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هونًا

برداشت فوق بر اين اساس است كه آيه شريفه مرتبط با آيه قبل و درصدد بيان اوصاف كسانى باشد كه در جمله <لمن أراد أن يذكر أو أراد شكوراً> از آنان ياد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۲

۲ پندپذيرى و درس آموزى از آيات الهى ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذين إذا ذكّروا بأيت ربّهم لم يخرّوا عليها صمًّا و عميانًا

عقيده بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱،۲

۱ بندگان خالص خدا ، به جز < اللّه > ، چيزى را به خدايى نمى خوانند و معبودى را جز او نمى پرستند .

و عباد الرحمن . .. و الذين لايدعون مع اللّه إلهًا ءاخر

<إله> به معناى معبود است.

۲ اعتقاد به توحيد و يگانه پرستى و دورى از شرك و چندگانه پرستى ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذين لايدعون مع اللّه إلهًا ءاخر

علم بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۵ – ۷

۷ – اذعان داوود و سلیمان (ع) به وجود کسانی عالم تر و برتر از

ایشان در میان بندگان مؤمن خدا

و قالا الحمد للّه الذی فضّلنا علی کثیر من عباده المؤمنین

علم به اطاعت بندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۸

۸- خداوند ، به عبادت و اطاعت بندگان آگاه است و هرگزآن را فراموش نمی کند .

و ما کان ربّک نسیًّا . .. واصطبر لعبدته

علم به عبادت بندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۸

۸- خداوند ، به عبادت و اطاعت بندگان آگاه است و هرگزآن را فراموش نمی کند .

و ما کان ربّک نسیًّا . .. واصطبر لعبدته

عوامل ترس بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۲

۲ بد و ناگوار بودن جهنم برای انسان ، موجب هراسناکی و دست به دعا برداشتن بندگان خالص خدا به درگاه الهی برای رهایی از آن

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم . .. إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که جمله <إنّها ساءت. ..> تعلیل برای جمله <و الذین یقولون ربّنا اصرف...> است؛ یعنی، چون جهنم جایگاه بدی است، بندگان خدا برای نجات خود از آن، دست به دعا برمی دارند.

عوامل تضرع بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۳

۳ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، سبب دست به دعا برداشتن و تضرع بندگان خالص خدا برای رهایی از آن عذاب

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان

غرمًا

جمله <إنّ عـذابها. ..> در مقام تعلیل برای جمله قبل است; یعنی، به این سـبب بنـدگان خـدا از پروردگار خواسـتار رهایی از عذاب دوزخ اند که چون آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است.

عوامل دعای بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۲

۲ بـد و نـاگوار بودن جهنم برای انسـان ، موجب هراسـناکی و دست به دعا برداشـتن بنـدگان خالص خـدا به درگاه الهی برای رهایی از آن

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم . .. إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

برداشت فـوق، بـا تـوجه به این نکته است که جمله <إنّهـا سـاءت. ..> تعلیـل برای جمله <و الـذین یقولون ربّنـا اصـرف...> است; یعنی، چون جهنم جایگاه بدی است، بندگان خدا برای نجات خود از آن، دست به دعا برمی دارند.

عوامل ذکر خدا از بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۲،۱۱

۲ - به یاد خدا بودن ، مایه جلب رضایت و توجه خاص خداوند است .

فاذکرونی أذکرکم

فعل <أذکر> در جواب امر قرار گرفته و لـذا با حرف شـرطی مقـدر، مجزوم شده است. در نتیجه جمله با تقدیر آن چنین می شود: <فـاذکرونی ان تـذکرونی أذکرکم; به یاد من باشـید، اگر به یاد من باشید به یاد شـما خواهم بود.> یاد کردن خـدا از بندگان، به معنای عنایت و توجه خاص به آنهاست.

۱۱ - < و روی ان رسول اللّه (ص) خرج علی اصحابه فقال : . . . قال سبحانه : فاذکرونی أذکرکم ; یعنی ، اذکرونی بالطاعه و العباده اذکرکم

بالنعم و الاحسان و الرحمه و الرضوان ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند که فرموده <فاذکرونی أذکرکم> روایت شده که یعنی، مرا با اطاعت و عبادت خود یاد کنید تا شما را با نعمتها و احسان و رحمت و رضوان خود یاد نمایم>.

فضایل بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۲

۲ نماز ، برنامه بندگان خالص خدا در وقت شب زنده داری

و الذین یبیتون لربّهم سجّدًا و قیمًا

از دیدگاه مفسران، مقصود از <سجده> و <قیام> در آیه شریفه، نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۸

۸ - مغرور نشدن مردان الهی به علم و کمالات خود و احتمال وجود کسانی برتراز ایشان در میان بندگان مؤمن خدا

و قالا الحمد للّه الذی فضّلنا علی کثیر من عباده المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۱۲

۱۲ - بندگانی که همواره در صدد بازگشت به خدایند ، از آیات الهی بهره می برند .

إنّ فی ذلک لأیه لکلّ عبد منیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۰ - ۱،۲

۱ - بندگان مخلَص خدا (بندگان خالص و برگزیده خدا) ، از عذاب دردناک الهی به دوراند .

إنّكم لذائقوا العذاب الأليم . .. إلاّ عباد اللّه المخلصين

بیشتر مفسران برآننـد که مقصود و معنـای <مخلصـین> (خـالص شـدگان) این است: <الـذین أخلصـهم الله لنفسه و ولا-یته;
کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و

مطیع فرمان خویش ساخته است>. گفتنی است در برداشت یاد شده <إلا...> استثنای منقطع، از ضمیر <لذائقوا> گرفته شده است.

۲ - بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از پاداشی فراتر از مقدار اعمال و رفتار خویش

و ما تجزون إلاّ ما کنتم تعملون . إلاّ عباد اللّه المخلصین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <إلا. ..> استثنای منقطع از ضمیر <تجزون> باشد. بر این اساس، پیام آیه شریفه چنین می شود: همگان مطابق کردار خود، جزا و پاداش دارند; جز بندگان خالص خدا که فراتر و برتر از اعمال خود، پاداش دریافت خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۱ - ۱

۱ - بندگان مخلص خدا ، بهره مند از رزق و روزی ویژه و ممتاز الهی

إلاّ عباد اللّه المخلصین . أولئک لهم رزق معلوم

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <رزق معلوم>، روزی مخصوص و تعیین شده برای بندگان خالص است; مانند آیه <و ما منّا إلاّ له مقام معلوم>، (همین سوره، آیه ۱۶۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - انواع میوه ها ، رزق و روزی مخصوص و ممتاز بندگان مخلَص خدا در بهشت

أُولئک لهم رزق معلوم . فوکه

<فواکه> (جمع <فاکهه>) بدل کل از <رزق معلوم> و یا خبر برای مبتدای محذوف است و تقدیر آن <ذلک الرزق فواکه> می باشد.

۲ - بندگان مخلص خدا ، مورد اکرام و گرامی داشت الهی اند .

و هم مکرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۳ – ۱

۱

- بندگان مخلَص خدا ، در بوستان های پرنعمت متنعم اند .

إلاّ عباد اللّه المخلصين . أُولئك ... مكرمون . فى جنّت النعيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۳

۳ - انواع بوستان ها ، ميوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زيبا ، مجموعه پذيرايى خداوند از بهشتيان و بندگان مخلَص خدا

إلاّ عباد اللّه المخلصين . .. فى جنّت النعيم ... و عندهم قصرت الطرف ... أذلك خ

<نزل> به مجموعه اى گفته مى شود كه براى پذيرايى از مهمان آماده مى سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۷

۷ - دعاى بندگان خالص خدا ، مورد استجابت الهى است .

إلاّ عباد اللّه المخلصين . و لقد نادينا نوح فلنعم المجيبون . و نجّينه و أهله من

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۰ - ۱،۲

۱ - تنها بندگان مخلَص خدا ، عارف به حق خدا و توصيف كننده شايسته او هستند .

سبحن اللّه عمّا يصفون . إلاّ عباد اللّه المخلصين

<إلاّ> استثناى منقطع و به معناى <لكن> است. مستثنى منه نيز در برداشت بالا، ضمير فاعلى <يصفون> دانسته شده است. گفتنى است مقصود و معناى <مخلصين> اين است: <الذين أخلصهم اللّه لنفسه و ولايته; كسانى كه خداوند آنان را برگزيده و در اختيار خود گرفته و مطيع فرمان خويش ساخته است>.

۲ - تمامى انسان ها ، به جز بندگان مخلَص خدا ، از توصيف شايسته او ناتوان هستند .

سبحن اللّه عمّا

يصفون . إلاّ عباد اللّه المخلصين

فلسفه دعای بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۳

۳ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، سبب دست به دعا برداشتن و تضرع بندگان خالص خدا برای رهایی از آن عذاب

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرمًا

جمله <إنّ عـذابها. ..> در مقام تعلیل برای جمله قبل است; یعنی، به این سـبب بنـدگان خـدا از پروردگار خواسـتار رهایی از عذاب دوزخ اند که چون آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است.

کرامت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۵،۷

۵ بندگان خالص خدا ، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده ، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند .

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

۷ بندگان خالص خدا ، مردمی بزرگوار و متین

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

کمی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۰ - ۵

۵- بندگان خالص خداوند ، در اقلیتند .

إلاّ عبادک منهم المخلصین

از آن جایی که مستثنی بنابر قاعده کمتر از مستثنی منه است و گرنه استثنا مستهجن خواهد بود، نکته یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۳ - ۵

۵ - بندگان خالص و برگزیده خداوند ، در اقلیت قرار دارند .

لأغوینّهم أجمعین . إلاّ عبادك منهم المخلصین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که غالباً

مستثنی از مستثنی منه کمتر است و چون <مخلَصین> از مجموعه انسان ها استثنا شده است، به دست می آید که این بندگان مخلَص خدا، همواره در اقلیت قرار دارند.

گواهی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۳

۳ بندگان خالص خدا ، هرگز به باطل و دروغ ، شهادت و گواهی نمی دهند .

و الذین لایشهدون الزور

محبت اخروی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۴ - ۴

۴ - اُنس و محبت متقابل و بزم خوش ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان انواع نعمت های الهی برای بندگان خالص خداوند است.

مخالفان بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۹ - ۳

۳ - مشرکان ، در صف مخالف بندگان مخلَص خدا

لو أنّ عندنا ذکرًا من الأوّلین . لکنّا عباد اللّه المخلصین

مصونیت اخروی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۸ - ۱

۱ - از میان قوم الیاس ، تنها بنـدگان مخلَص خـدا (بندگان خالص و برگزیده خدا) ، از احضار و کیفر الهی در روز رستاخیز درامان خواهند بود .

فإنّهم لمحضرون . إلاّ عباد اللّه المخلصین

طبق نظر مفسران، مقصود و معنای <مخلصین> (خالص شدگان) این است: <الذین أخلصهم اللّه لنفسه و ولایته; کسانی که خداوند آنان

را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۰ - ۳

۳ - تنها بندگان مخلَص خدا ، معاف و آزاد از احضار شدن برای کیفر و مجازات

إنّهم لمحضرون . .. إلاّ عباد اللّه المخلصین

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <إلاّ عباد اللّه. ..> استثنا از ضمیر مفعولیِ <لمحضرون> باشد.

مصونیت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۲ - ۲

۲- ابلیس ، هیچ گونه سلطه ای بر بندگان خداوند ندارد و نمی تواند آنان را به اجبار به گمراهی بکشاند .

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

<سلطان> دست یافتن به چیزی از طریق قهر و اجبار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۱

۱- بندگان مقرب خدا ، مصون از سلطه شیطان هستند .

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۵

۵ - بندگان مخلص خدا ، در امان از عذاب الهی

فانظر کیف کان عقبه المنذرین . إلاّ عباد اللّه المخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۳ - ۱

۱ - بندگان مخلَص (بندگان خالص شده و برگزیده خدا) ، از افتادن در دام اغواگری شیطان مصون و درامان اند .

لأغوینّهم أجمعین . إلاّ عبادك منهم المخلصین

بیشتر مفسران بر این باوراند که مقصود و معنای <مخلصین> (خالص شدگان) این است: <الذین

أخلصهم اللّه لنفسه و ولايته; كسانى كه خداوند آنان را برگزيده و در اختيار خود گرفته و مطيع فرمان خويش ساخته است>.

مقامات اخروى بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ بندگان خالص خدا ، در بهشت با درود و سلام روبه رو خواهند شد .

و يلقّون فيها تحيّه و سلمًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۱

۱ بهشت جاودان و برخوردارى از قرارگاه و اقامت گاه نيكوى آن ، پاداش بندگان خالص خدا

و عبادالرحمن . .. أُولئك يجزون الغرفه ... خلدين فيها حسنت مستقرًّا و مقامًا

<مستقرّاً> تميز براى ضمير در <حسنت> و به معناى محل استقرار است و <مقام> اسم مكان و به معناى اقامت گاه مى باشد.

مقامات بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۹

۹ بندگان خالص خدا (عبادالرحمان) داراى منزلت و مقامى بس رفيع در پيشگاه خداوند

و عباد الرحمن . .. أُولئك يجزون الغرفه بما صبروا

<أُولئك> براى اشاره به بعيد به كار مى رود و در آيه شريفه براى بيان رفعت معنوى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۲۱

۲۱ – مقام بندگان صالح ، بالاترین جایگاه کمالی انسان

أن أشکر نعمتک . .. و أن أعمل صلحًا... و أدخلنی برحمتک فی عبادک الصلحین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که سلیمان(ع) مقام <عباد صالح> را به عنوان آخرین و عالی ترین

آرزوی خود مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۱ - ۲

۲ - بندگان مخلص خدا ، برخوردار از مقام و منزلتی بلند در پیشگاه خداوند

أولئک لهم رزق معلوم

اشاره کردن به بندگان خالص خدا با اسم اشاره بعید (اولئک) با آن که در آیه پیش از آنان سخن گفته شد گویای علو مرتبه و منزلت والای آنان در پیشگاه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۴ - ۴

۴ - هر یک از بندگان مخلَص خدا ، دارای مقام و منزلتی معین و معلوم در پیشگاه خداوند *

إلاّ عباد اللّه المخلصین . .. و ما منّا إلاّ له مقام معلوم

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ آیه شریفه چون پس از بحث از بندگان مخلَص خدا (عباد اللّه المخلصین) آمده است، می تواند در اوصاف اینان باشد. ۲ برخی از روایاتی که امامان معصوم و اوصیای الهی را مصداق آیه شریفه دانسته اند (نورالثقلین، ج ۴، ذیل آیه)، گویای همین مطلب است.

نجات بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۱

۱ - بندگان مخلَص خدا (بندگان خالص و برگزیده خدا) ، تنها گروه نجات یافته از میان اقوام عذاب شده پیشین

فانظر کیف کان عقبه المنذرین . إلاّ عباد اللّه المخلصین

طبق نظر بیشتر مفسران، مقصود و معنای <مخلَصین> (خالص شدگان) این است: <الذین أخلصهم اللّه لنفسه و ولایته; کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته

و مطیع فرمان خویش ساخته است>.

نشانه های بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۵

۵- اقامه نماز و انفاق در پنهان و آشکار ، از ویژگی ها و نشانه های بندگان راستین خداوند است .

قل لعبادی الذین ءامنوا یقیموا الصلوه و ینفقوا سرًّا و علانیه

نعمتهای اخروی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۴ - ۴

۴ - اُنس و محبت متقابل و بزم خوش ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان انواع نعمت های الهی برای بندگان خالص خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۵ - ۴

۴ - شراب ناب ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۱

۱ - بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهران خود ، چشم ندوخته و نظر نمی افکنند .

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <قاصرات الطرف> (چشم فروهشتگان)، زنانی اند که چشم از دیگران برگرفته و تنها به همسران خود می نگرند. گفتنی است که این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسران خود باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ -

۳ - ۶۲

۳ - انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلَص خدا

إلاّ عباد اللّه المخلصین . .. فی جنّت النعیم ... و عندهم قصرت الطرف ... أذلک خ

<نزل> به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

نعمتهای بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۳ - ۱

۱ - بندگان مخلَص خدا ، در بوستان های پرنعمت متنعم اند .

إلاّ عباد اللّه المخلصین . أُولئک ... مکرمون . فی جنّت النعیم

نگرانی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۸

۸ بندگان خالص خدا ، بسیار نگران و هراسناک از لغزش خویش و نافرمانی خدا

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرامًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عذاب دوزخ برای کیفر دادن مجرمان است. بنابراین ترس عبادالرحمان از عذاب دوزخ، حاکی از آن است که آنان از جرم و خطایی که مرتکب شده اند هر چند ارتکاب جرم از ایشان بسیار کم اتفاق می افتد بسیار نگران و مضطرب اند.

نماز بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۲

۲ نماز ، برنامه بندگان خالص خدا در وقت شب زنده داری

و الذین یبیتون لربّهم سجّدًا و قیمًا

از دیدگاه مفسران، مقصود از <سجده> و <قیام> در آیه شریفه، نماز است.

نیازهای معنوی بندگان خدا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۷

۷ - تمامی ره پویان مسیر هدایت ، حتی بندگان مقرب الهی ، نیازمند بشارت های پیوسته و مستمر خداهستند .

یبشّر اللّه عباده الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

برداشت یاد شده باتوجّه به دومطلب است: الف) بندگان مقرب الهی از <عباده الذین ءامنوا> استفاده می شود. ب) با توجه به واژه <یبشّر> که از باب تفعیل و مفید تکرار است این نکته بر می آید که مؤمنان صالح، نیازمند بشارت های مداوم خداوند هستند.

وراثت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۱

۱- بندگان تقواپیشه خداوند ، وارثان بهشت اند .

تلک الجنّه التی نورث من عبادنا من کان تقیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱،۷

۱- به ارث بردن زمین و تسلط بر منافع آن به وسیله بندگان صالح ، امری ثبت شده در کتاب تورات و زبور

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصلحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که: ۱ الف و لام <الزبور> برای عهد و مقصود از آن کتاب آسمانی داوود(ع) باشد; چنان که در آیه ۱۶۳، سوره <نساء> آمده است (و آتینا داوود زبوراً); ۲ مقصود از <الذکر> تورات باشد; چنان که این نام در قرآن بر تورات اطلاق شده است (انبیا، آیه ۴۸); ۳ <من بعد الذکر> متعلق به <کتبنا> باشد.

۷- بشارت خداوند به وراثت بهشت برای بندگان صالح خویش

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

برداشت یاد

شـده مبتنی بر این است که مقصود از <الأرض> بهشت باشد، چنان که در برخی از آیات به صـراحت چنین آمده است: <و أورثنا الأرض نتبؤأ من الجنّه حیث نشاء فنعم أجر العاملین> (سوره زمر (۳۹) آیه ۷۴).

وسعت حاکمیت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۳

۳- وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی خود ، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جاجای کره زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون . إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شـده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضـمون آیه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و بشارت الهی است.

وعده به بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۳

۳- وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی خود ، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جاجای کره زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون . إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شـده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضـمون آیه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و بشارت الهی است.

ویژگیهای بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۳،۵

۳ - اظهار ایمان و طلب آمرزش از درگاه پرودگار در دنیا ، ویژگی بندگان صادق

خدا

إنّه كان فريق من عبادی يقولون ربّنا ءامنّا فاغفر لنا

۵ - بندگان شايسته خدا ، همواره معترف به ايمان و بيمناک از کاستی اعمال خويش

إنّه كان فريق من عبادی يقولون ربّنا ءامنّا فاغفر لنا و ارحمنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۵ - ۴

۴ - به صف ايستادن در راه خدا ، از ويژگی های بندگان مخلَص خدا

إلّا عباد اللّه المخلصين . .. و إنّا لنحن الصافّون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۶ - ۲

۲ - تسبيح و تنزيه مستمر خداوند ، از اوصاف بندگان مخلَص خدا

إلّا عباد اللّه المخلصين . .. و إنّا لنحن المسبّحون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۹ - ۱

۱ - ايمان به آيات الهی و تسليم محض بودن در برابر خداوند ، دو ويژگی بارز بندگان خاص خداوند است .

يعباد . .. الذين ءامنوا بايتنا و كانوا مسلمين

هدايت پذيری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۲

۲ - تنها بندگان مخلص خدا ، پذيرای دعوت رسولان الهی و برحذرکننده از اخطار های ايشان بودند .

إلّا عباد اللّه المخلصين

هدفداری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۹

۹ زندگی بر مبنای هدفی معقول و مفید ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین لایشهدون الزور و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

اجتناب کردن بندگان خالص خدا از مجالس باطل (لایشهدون الزور) و

نیز پرهیز از لغو و بیهودگی، حاکی است که از آن است که آنان در زندگی، دارای هدفی معقول و مفیداند.

همسران بهشتی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۱،۳

۱ - بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهران خود ، چشم ندوخته و نظر نمی افکنند .

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <قاصرات الطرف> (چشم فروهشتگان)، زنانی اند که چشم از دیگران برگرفته و تنها به همسران خود می نگرند. گفتنی است که این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسران خود باشد.

۳ - بندگان مخلَص خدا در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <طرف> می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد; یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

بندگان خدا

{بندگان خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۸،۹

۸ - پیامبر (ص) از بندگان خدا ، و بهره مند از فضل و بخشش خاص او

أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

۹ - پیامبران ، از زمره بندگان خداوند هستند .

من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۹

۹ - ابراهیم (ع) از بندگان خالص خداوند

و لقد اصطفینه فی الدنیا

<اصطفاء> به معنای گزینش کردن صفوه (خالص و نیکوی) هر چیزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۵ - ۴

۴- تقواپیشگان ، بندگان خالص خدا و ر ها شده از وسوسه و سلطه ابلیس

إن المتقین فی جنّت و عیون

در آیه های قبل، مردم به دو گروه تقسیم شدند:B۱. پیروان گمراه ابلیس; ۲. بندگان خالص خدا و سپس جایگاه گروه اول در قیامت، روشن گردید و در این آیه به سرنوشت گروه دوم پرداخته است و از <مخلصین> به <المتقین> تعبیر کرده که بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۶

۶- پیامبراکرم (ص) ، بنده خدا و مفتخَر به عبودیت او است .

أنزل علی عبده الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۲،۳

۲- هدف موسی (ع) و همراه وی از سفر جستوجوگرانه خود ، یافتن بنده ای از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود .

فارتّدا . .. فوجدا عبدًا من عبادنا ... و علّمنه من لدنّا

واژه <وجدا> بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستوجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. <لدنا> دلالت می کند که علم حضرت <خضر(ع)> دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

۳- حضرت < خضر > (ع) بنده خاص خداوند و برخوردار از رحمت و عنایت ویژه الهی بود .

ءاتینه رحمه من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲ - ۱

۱- زکریا ، بنده شایسته خدا و برخوردار از رحمت خاص

او

ذکر رحمت ربّک عبده زکریّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۹

۹- مؤمنان دارای عمل صالح ، به مقام عبودیت خداوند نائل شده اند .

من . .. ءامن و عمل صلحًا فأُولئک یدخلون الجنّه ... جنّت عدن التی وعد الرحمن عباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۳ - ۱

۱- تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین ، بندگان خدا و مملوک اویند .

أن یتّخذ ولدًا . إن کلّ من فی السموت ... ءاتی الرحمن عبدًا

<آتی> اسم فاعل است و زمان در آن ملحوظ نیست و مراد از <اتیان> معنای مجازی آن است. مقصود آیه این است که موجودات هستی، دربرابر خداوند اظهار وجودی جز عبودیت ندارند; همگان مملوک اویند و از خود استقلالی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰- صالحان ، بندگان خاص خداوند

عبادی الصلحون

بنابراین که <الصالحون> قید توضیحی برای <عبادی> باشد برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۰ - ۲

۲ - خدا مالک انسان ها و همه آنان بندگان او

و أنّ اللّه ليس بظلّم للعبيد

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱ – ۹

۹ پيامبراكرم (ص) بنده خدا است .

على عبده

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۷ – ۴

۴ همه انسان ها ، بنده خدا هستند ولو

به آن معتقد و معترف نباشند .

أضللتم عبادی

برداشت یاد شـده، به خاطر این نکته است که خداونـد مشـرکانی را که معبودهای گوناگونی می پرسـتند بنـدگان خدا خوانده است (عبادی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۹ - ۷

۷ - پیامبران ، بندگان خدا و برگزیدگان از جانب او

و سلم علی عباده الذین اصطفی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۹

۹ - مردمان ، بندگان خدا و جیره خوار خوان نعمت اویند .

اللّه یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۲ - ۴

۴ - انسان ها ، بندگان خدایند .

اللّه یبسط الرزق . .. من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۹ - ۵

۵ - مردم ، بنده خداوند هستند .

یبسط الرزق لمن یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۰ - ۴

۴ - همه انسان ها ، عبد و بنده خدایند .

یحسره علی العباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۱

۱ - حضرت نوح ، از بندگان مؤمن خدا

إنّه من عبادنا المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۷

۷ - داوود (ع) ، بنده خالص و ارجمند خدا

عبدنا داود

از اضافه <عبد> به ضمیر <نا> (اللّه) که اضافه تشریفیه و مفید

تکریم است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۰ – ۳

۳ – سلیمان (ع) ، بنده شایسته خدا بود .

نعم العبد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۱ – ۴

۴ – ایوب (ع) ، بنده حقیقی و بلندمرتبه خداوند

واذکر عبدنا أیّوب

تصریح به عبد بودن ایوب(ع) با آن که همه انسان ها عبد خدا هستند و نیز اضافه آن به ضمیر جلاله (نا)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۴ – ۱۱

۱۱ – ایوب (ع) ، بنده شایسته خدا بود .

نعم العبد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۵ – ۳

۳ – ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، از بندگان حقیقی و بلندمرتبه خداوند

عبدنا إبرهیم و إسحق و یعقوب

تصریح به عبد بودن ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) با آن که همه انسان ها عبد هستند و نیز اضافه آن به ضمیر جلاله (نا)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۲

۲ - اهل ایمان و عمل صالح ، بندگان خاص و مقرب خداوند

یبشّر اللّه عباده الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

از اضافه <عباده> به ضمیر راجع به <اللّه> که اضافه تشریفیه است برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۴

۴ - فرشتگان ، بندگان خدا هستند ; نه فرزندان او .

و جعلوا له من عباده جزءًا

مراد از <عباد> به قرینه فرازهای بعد فرشتگان هستند که شرک پیشه گان عصر بعثت، آنان را فرزندان خدا می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۹ - ۱

۱ - عبودیت و بندگی خداوند ، بارزترین ویژگی حضرت عیسی (ع)

إن هو إلّا عبد أنعمنا علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۸ - ۱

۱ - تقواپیشگان ، بندگان خاص و راستین خداوند

إلّا المتّقین . یعباد لا خوف

از این که خداوند، متقین را بنده خود خوانده است (یا عباد)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۵

۵ - مقام عبودیت و بندگی خداوند ، از اوصاف عالی حضرت نوح (ع)

فکذّبوا عبدنا

وصف <عبدنا> در مقام یادکرد از تلاش های نوح(ع)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۳

۳ - پیامبراکرم (ص) ، عبد خدا و بنده او بود .

هو الذی ینزّل علی عبده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صلحین

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۹ – ۲

۲ – پیامبر (ص) ، بنده حقیقی و خالص خداوند

عبد اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۶ – ۷

۷ – حضرت علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع) ، از مظاهر عبودیت خدا و از مصادیق بارز بندگان خالص او می باشند .

عینًا یشرب بها عباد اللّه یفجّرونها تفجیرًا

مطابق روایات وارده در کتاب های شیعه و سنی، این آیه و قبل و بعد آن، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان)

آثار تواضع بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار تواضع بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ برخورد کریمانه و بزرگوارانه بندگان خالص خدا در برابر گفتار جاهلانه افراد نادان ، برخاسته از روح فروتنی و نرم خویی آنان است .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

عطف جمله <و إذا خاطبهم الجهلون. ..> بر جمله قبل بدون تکرار شدن اسم موصول (الذین)، نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان این دو صفت است. از سوی دیگر تقدم بیان صفت تواضع بر صفت برخورد کریمانه با افراد جاهل، حاکی از آن است که این صفت، سبب چنین برخورد پسندیده ای است.

آثار توبه بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در

برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار تهجد بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار حق پذیری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه

ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار حلم بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار دشمنی با بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۸

۸ - خصومت با بندگان شایسته خداوند ، دشمنی با خدا

است .

فکذّبوا عبدنا

آمدن وصف <عبدنا> به جای اسم نوح(ع)، اشاره به این است که موضع نوح(ع)، موضع عبودیت در برابر خدا بوده و <عبد> آنچه دارد از آنِ مالك او است. بنابراین دشمنان آن حضرت در حقیقت، خداوند را مورد دشمنی قرار داده بودند.

آثار دعای بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار صبر بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۲،۳،۴

۲ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، عامل برخوردار شدن آنان از بنا ها و درجات عالی بهشت است .

أُولئک یجزون الغرفه بما صبروا

گفتنی است <با> در <بما> برای سببیت است.

۳

صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

۴ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترک محرمات الهی چون اسراف و یا تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا . .. و لایزنون ... و الذین لایشهدون الزور ... أُول

آثار عفو بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها

و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

اجابت دعای بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۷

۷ - دعای بندگان خالص خدا ، مورد استجابت الهی است .

إلاّ عباد اللّه المخلصین . و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون . و نجّینه و أهله من

ادب بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۹

۹ بندگان خالص خدا ، به هنگام روبه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل ، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعولٌ به مقدر باشد; یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی

ادبی می باشد.

ارزش سلام بر بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۲۰ – ۴

۴ – سلام و تحیت بر بندگان خدا (چون پیامبران) ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی موسی و هرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۰ – ۴

۴ – سلام و تحیت بر بندگان خدا (چون پیامبران) ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی إل یاسین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۸۱ – ۳

۳ – سلام و تحیت بر بندگان خدا ، امری ارزشمند و پسندیده

و سلم علی المرسلین

استثمار بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۸ – ۳

۳– استثمار و برده ساختن بندگان خدا ، از مهم ترین انحراف ها و فساد های جامعه فرعونی

أن أدّوا إلیّ عباد اللّه

از این که خداوند، قبل از هر پیام دیگر، درخواست آزادی بنی اسرائیل را از زبان موسی(ع) مطرح کرده است، مطلب بالا

استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۹ - ۴

۴- بهره کشی ظالمانه از بندگان الهی ، برتری جویی و گردنکشی در برابر خداوند است .

أن أدّوا إلیّ عباد اللّه . .. و أن لاتعلوا علی اللّه

بنابراین که عطف <أن لاتعلوا. ..> بر <أن أدّوا> تفسیری باشد، برداشت بالا به دست می آید.

استعباد بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ -

۱۸ - ۳

۳- استثمار و برده ساختن بندگان خدا ، از مهم ترین انحراف ها و فساد های جامعه فرعونی

أن أدّوا إليّ عباد اللّه

از این که خداوند، قبل از هر پیام دیگر، درخواست آزادی بنی اسرائیل را از زبان موسی(ع) مطرح کرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

استغفار بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۳

۳ - اظهار ایمان و طلب آمرزش از درگاه پرودگار در دنیا ، ویژگی بندگان صادق خدا

إنّه كان فريق من عبادي يقولون ربّنا ءامنّا فاغفر لنا

اضطراب بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۴

۴ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، موجب هراسناکی و اضطراب شدید بندگان خالص خدا از سرنوشت اخروی شان

إنّ عذابها كان غرامًا

درخواست رهایی از عذاب و تعلیل آن به این که آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است، برداشت فوق را می رساند.

اعتدال بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۷ - ۱،۲

۱ بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان ، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند .

و عباد الرحمن . .. و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا

آنچه از ظاهر آیه شریفه و لغت به دست می آید، این است که واژه <انفاق> به معنای هزینه کردن و کاستن از اموال است; چه آن که این اموال برای زندگی شخصی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش شود. گفتنی

است <اسراف> (مصدر <یسرفوا>) به معنای زیاده روی در مصرف اموال و <قتر> (مصدر <یقتروا>) به معنای سخت گیری در مصرف است.

۲ رعایت اعتدال و میانه روی در معیشت و زندگی اقتصادی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

<ذلک> اشاره است به آنچه که در آغاز آیه شریفه ذکر شد (یعنی، اسراف و اقتار) و <قوام> به معنای عدل و راه میانه و وسط است.

اغواناپذیری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۰ - ۱،۲

۱- ابلیس ، بندگانی را که خداوند آنان را از هر ناخالصی پالوده است ، از قلمرو اضلال و گمراه کردن خود ، استثنا کرد .

لأغوینّهم أجمعین . إلاّ عبادک منهم المخلصین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <منهم> حال برای عباد باشد. <مخلص> به صیغه مفعولی، به کسی گفته می شود که از هرگونه ناخالصی پاک و پالوده شده باشد.

۲- بندگی خداوند و نداشتن هیچ گونه ناخالصی ، شرط رهایی از اغواگری ابلیس

إلاّ عبادک منهم المخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۱ - ۲

۲- توانایی ابلیس به اغوای اکثریت مردم و ناتوانی وی بر اغوای بندگان خالص خداوند ، قانون و سنت الهی

إلاّ عبادک منهم المخلصین . قال هذا صرط علیّ مستقیم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مشارالیه <هذا> امر اغواگری ابلیس نسبت به اکثریت مردم و اغوا ناپذیری بندگان خالص باشد. کلمه <علیّ> دربردارنده تضمین و عهده داری است و <مستقیم> چیزی است که انحراف

در آن راه ندارد. بنابراین معنای <هذا صراط علیّ مستقیم> این خواهد بود: چنین امری از ناحیه خداوند، حکمی تغییرناپذیر است که اصطلاحاً آن را <سنت> می نامند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۲

۲- شگرد های مختلف شیطان در تسلّط بر بندگان واقعی خدا ، بی تأثیر است .

و استفزز . .. و أجلب علیهم ... و شارکهم ... و عدهم ... إن عبادی لیس لک علیهم سلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۳ - ۱،۲،۴

۱ - بندگان مخلَص (بندگان خالص شده و برگزیده خدا) ، از افتادن در دام اغواگری شیطان مصون و درامان اند .

لأغوینّهم أجمعین . إلاّ عبادک منهم المخلصین

بیشتر مفسران بر این باورانـد که مقصود و معنـای <مخلصـین> (خـالص شـدگان) این است: <الـذین أخلصـهم اللّه لنفسه و ولایته; کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است>.

۲ - ابلیس ، ناتوان از گمراه کردن بندگان مخلَص خدا و معترف به آن

لأغوینهّم أجمعین . إلاّ عبادک منهم المخلصین

۴ - آگاهی ابلیس ، به تکثیر نسل آدم و نیز به اغواپذیری بیشتر آنان و تأثیرناپذیری بندگان خالص خدا ، از آغاز خلقت انسان

لأغوینّهم أجمعین . إلاّ عبادک منهم المخلصین

اقرار بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۵

۵ - بندگان شایسته خدا ، همواره معترف به ایمان و بیمناک از کاستی اعمال خویش

إنّه کان فریق من عبادی یقولون ربّنا ءامنّا فاغفر لنا

و ارحمنا

الگو گیری از بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۳

۱۳ بندگان خالص خدا ، از خداوند می خواهند که خود و همسر و فرزندانشان ، الگو و مقتدای مردم تقواپیشه باشند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

الگو گیری از فرزندان بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۳

۱۳ بندگان خالص خدا ، از خداوند می خواهند که خود و همسر و فرزندانشان ، الگو و مقتدای مردم تقواپیشه باشند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

الگو گیری از همسر بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۳

۱۳ بندگان خالص خدا ، از خداوند می خواهند که خود و همسر و فرزندانشان ، الگو و مقتدای مردم تقواپیشه باشند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

امتحان اخروی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۶

۶ - < عن مُعاذ بن جبل قال : سألت رسول اللّه (ص) ما هذه السرائر التی تبلی بها العباد فی الآخره ؟ فقال سرائرکم هی

أعمالكم من الصلاه و الصيام و الزكاه و الوضوء و الغسل من الجنابه و كلّ مفروض لأنّ الأعمال كلّها سرائر خفيه ;

از معاذ بن جبل روایت شده که گفت: از رسول خدا(ص) سؤال کردم: مراد از <سرائر> که بندگان در آخرت با آن امتحان می شوند چیست؟ حضرت فرمود: سرائر شما، همان اعمال شما از نماز، روزه، زکات، وضو، غسل

جنابت و تمام فرایض است; زیرا تمام اعمال باطن هایی ناپیدایند>.

انذار بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۲

۲ - تنها بندگان مخلص خدا ، پذیرای دعوت رسولان الهی و برحذرکننده از اخطار های ایشان بودند .

إلاّ عباد اللّه المخلصین

انقیاد بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۹ - ۱

۱ - ایمان به آیات الهی و تسلیم محض بودن در برابر خداوند ، دو ویژگی بارز بندگان خاص خداوند است .

یعباد . .. الذین ءامنوا بایتنا و کانوا مسلمین

اهمیت مصونیت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۲

۲ - حفظ دیانت بندگان خدا و صیانت آنان از گمراهی ، فلسفه نفرین و درخواست نوح (ع) از خداوند ، برای نابودی کامل قوم گمراه گر خود

لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا . إنّک إن تذرهم یضلّوا عبادک

ایمان بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۳،۵

۳ – اظهار ایمان و طلب آمرزش از درگاه پرودگار در دنیا ، ویژگی بندگان صادق خدا

إنّه کان فریق من عبادی یقولون ربّنا ءامنّا فاغفر لنا

۵ – بندگان شایسته خدا ، همواره معترف به ایمان و بیمناک از کاستی اعمال خویش

إنّه کان فریق من عبادی یقولون ربّنا ءامنّا فاغفر لنا و ارحمنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۲ – ۲

۲ – تصدیق و باور داشتن

قیامت و زنده شدن انسان ها ، از ویژگی های بهشتیان و بندگان مخلَص خدا در دنیا است .

یقول أءنّک لمن المصدّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۹ - ۱

۱ - ایمان به آیات الهی و تسلیم محض بودن در برابر خداوند ، دو ویژگی بارز بندگان خاص خداوند است .

یعباد . .. الذین ءامنوا بایتنا و کانوا مسلمین

بشارت به بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۹

۹ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ بشارت خداوند به بندگان خالص او است .

فبشّر عباد

کلمه <عباد> به ضمیر متکلم اضافه شده است; ولی در کلام حذف گردیده و تقدیر آن <عبادی> است.

بصیرت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۳

۳ حرف شنوی و بصیرت ، از اوصاف بندگان خالص خدا

لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

بندگان خدا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱،۳،۱۰

۱ بنا های برافراشته و درجات عالی در بهشت ، پاداش بندگان خدا (عباد الرحمان) است .

و عباد الرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: ۱ <أُولئك> اشاره به <عبادالرحمان> است. ۲ <غرفه> به معنای بنای مرتفع و برافراشته است. در آیه شریفه نیز می تواند هم در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و هم می تواند منزلت و مقام رفیع مقصود باشد.

۳ صبر

و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

۱۰ بندگان خالص خدا ، در بهشت با درود و سلام روبه رو خواهند شد .

و یلقّون فیها تحیّه و سلمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۱

۱ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش بندگان خالص خدا

و عبادالرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه ... خلدین فیها حسنت مستقرًّا و مقامًا

<مستقرّاً> تمیز برای ضمیر در <حسنت> و به معنای محل استقرار است و <مقام> اسم مکان و به معنای اقامت گاه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۳ - ۱

۱ - بندگان مخلَص خدا ، در بوستان های پرنعمت متنعم اند .

إلاّ عباد اللّه

المخلصين . أَولئك ... مكرمون . فى جنّت النعيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۴ - ۱،۲،۴

۱ - بندگان مخلَص خدا ، بر تخت هاى بهشتى رويارويى هم تكيه خواهند زد .

على سرر متقبلين

<سرر> (جمع <سرير>) به معناى تخت ها است.

۲ - بندگان مخلَص خدا ، بهره مند از بزم خوش و مجلس انس در بوستان هاى بهشتى

فى جنّت النعيم . على سرر متقبلين

رويارويى هم قرار داشتن بندگان خالص خدا، اشاره به انس و محبت متقابل و بزم خوش آنان دارد.

۴ - اُنس و محبت متقابل و بزم خوش ، از نعمت هاى الهى براى بندگان مخلَص خدا در بهشت

فى جنّت النعيم . على سرر متقبلين

برداشت ياد شده با توجه به اين نكته است كه آيه شريفه در مقام بيان انواع نعمت هاى الهى براى بندگان خالص خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۵ - ۱،۳،۴

۱ - گردش ظرف هايى از شراب ناب ، گرداگرد بندگان مخلَص خدا در بهشت

يطاف عليهم بكأس

<كأس> به معناى ظرفى است كه در آن شراب باشد. گفتنى است گاهى اين واژه استعمال مى شود، ولى مقصود از آن خود شراب است; نه ظرفى كه در آن شراب باشد.

۳ - در دسترس بودن شراب و فراوانى و مستمر بودن آن ، براى بندگان مخلَص خدا در بهشت

يطاف عليهم بكأس من معين

تعبیر دور دادن شراب بر سر بهشتیان، بیانگر در دسترس بودن آن است و آمدن <یطاف> به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار این عمل دارد.

۴ – شراب ناب ، از نعمت

های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۸ – ۳

۳ – بندگان مخلَص خدا در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <طرف> می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد; یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

بندگان خدا در دوران موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۵ – ۵

۵– در عصر موسی (ع) ، انسان های دیگری نیز مانند خضر (ع) به مقام بندگی خاص خداوند ، نائل شده بودند .

فوجدا عبدًا من عبادنا

با آن که اگر گفته می شد <بنده ای عالم و . .. را یافتند> معنا، تام بود، ولی عبارت <من عبادنا> نیز در کلام آمده است تا گویای این نکته باشد که تنها، حضرت حضرت خضر(ع) نبود که با مقام بندگی خداوند نائل شده بود، بلکه جز او نیز افرادی در عصر موسی می زیستند که بنده خاص خداوند بودند.

بندگان خدا در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۰ – ۱۱،۱۲

۱۱ – حضور گروهی از انسان های برتر در آخرت با عنوان صالحان و شایستگان

و إنه فی الأخره لمن الصلحین

۱۲ – بندگان خالص و برگزیده خدا در قیامت به گروه صالحان ملحق خواهند شد .

و لقد اصطفینه فی الدنیا و إنه فی الأخره لمن الصلحین

بندگان خدا و آیات خدا

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۳ – ۱

۱ بنـدگان خالص خـدا به هنگام شـنیدن و یادآور شدن آیات الهی ، مانند کران و کوران ، با بی اعتنایی و ناخرسـندی از آنها نمی گذرند .

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

فعـل <خرّ> در معنـای <سـقط> بـه کـار می رود کـه بـه معنـای فرود از بالاـ بـه پـایین اسـت (لسـان العرب) و <صـمّاً> و <عمیاناً> حال برای فاعل <یخرّوا> است. گفتنی است فعل <لم یخرّوا> در معنای کنایی به کار رفته است و مقصود از آن آن ناخرسندی و امتناع کردن است; زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می دارد.

بندگان خدا و استماع قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۳ – ۱

۱ بنـدگان خالص خـدا به هنگام شـنیدن و یادآور شدن آیات الهی ، مانند کران و کوران ، با بی اعتنایی و ناخرسـندی از آنها نمی گذرند .

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

فعـل <خرّ> در معنـای <سـقط> بـه کـار می رود کـه بـه معنـای فرود از بالاـ بـه پـایین اسـت (لسـان العرب) و <صـمّاً> و <عمیاناً> حال برای فاعل <یخرّوا> است. گفتنی است فعل <لم یخرّوا> در معنای کنایی به کار رفته است و مقصود از آن آن ناخرسندی و امتناع کردن است; زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می دارد.

بندگان خدا و زنا

جلد – نام سوره – سوره –

آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۷

۷ بندگان خالص خدا ، هرگز به گناه زنا و روابط ناسالم جنس دست نمی آلایند .

و لایزنون

بندگان خدا و قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۳

۳ بندگان خالص خدا ، هیچ انسانی را به ناحق نمی کشند .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلاّ بالحقّ

بندگان خدا و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۷

۷ بندگان خالص خدا ، هرگز به گناه زنا و روابط ناسالم جنس دست نمی آلایند .

و لایزنون

پاداش اخروی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱

۱ بنا های برافراشته و درجات عالی در بهشت ، پاداش بندگان خدا (عباد الرحمان) است .

و عباد الرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: ۱ <أُولئک> اشاره به <عبادالرحمان> است. ۲ <غرفه> به معنای بنای مرتفع و

برافراشته است. در آیه شریفه نیز می تواند هم در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و هم می تواند منزلت و مقام رفیع مقصود باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۱

۱ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش بندگان خالص خدا

و عبادالرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه ... خلدین فیها حسنت مستقرًّا و مقامًا

<مستقرّاً> تمیز برای ضمیر در <حسنت>

و به معنای محل استقرار است و <مقام> اسم مکان و به معنای اقامت گاه می باشد.

پاداش بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۰ - ۲

۲ - بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از پاداشی فراتر از مقدار اعمال و رفتار خویش

و ما تجزون إلاّ ما کنتم تعملون . إلاّ عباد اللّه المخلصین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <إلا. ..> استثنای منقطع از ضمیر <تجزون> باشد. بر این اساس، پیام آیه شریفه چنین می شود: همگان مطابق کردار خود، جزا و پاداش دارند; جز بندگان خالص خدا که فراتر و برتر از اعمال خود، پاداش دریافت خواهند داشت.

پذیرایی اخروی از بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۳

۳ - انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلَص خدا

إلاّ عباد اللّه المخلصین . .. فی جنّت النعیم ... و عندهم قصرت الطرف ... أذلک خ

<نزل> به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

پیروزی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۳

۳- وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی خود ، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جاجای کره زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون . إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضمون آیه

قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و بشارت الهی است.

تداوم تسبیح بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۸ – ۴،۶

۴ – فرشتگان و بندگان مخلص حق ، در شب و روز همواره تسبیح گوی خداوند هستند .

فالذین عند ربّک یسبّحون له بالّیل و النهار

تعبیر <بالّیل و النهار> کنایه از استمرار و تداوم است.

۶ – فرشتگان و بندگان مخلص خدا ، در تسبیح و عبادت او خستگی ناپذیراند .

فالذین عند ربّک یسبّحون له . .. و هم لایسئمون

<السّامه> (مصدر <لایسئمون>) به معنای خستگی و ملالت از ادامه کار است.

ترس بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۹ – ۵

۵ – بندگان شایسته خدا ، همواره معترف به ایمان و بیمناک از کاستی اعمال خویش

إنّه کان فریق من عبادی یقولون ربّنا ءامنّا فاغفر لنا و ارحمنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۵ – ۴

۴ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، موجب هراسناکی و اضطراب شدید بندگان خالص خدا از سرنوشت اخروی شان

إنّ عذابها کان غرامًا

درخواست رهایی از عذاب و تعلیل آن به این که آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است، برداشت فوق را می رساند.

تضرع بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۴

۴ جمله < ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غراماً . إنّ ها ساءت

مستقرّاً و مقاماً > ، متن دعا و تضرع بندگان خالص خدا به درگاه الهی

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم . ..إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <إنّ عذابها تا مستقراًو مقاماً> نیز مانند جمله <ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم> جزء دعا و تضرع عبادالرحمان باشد.

تقرب بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۲

۲- بندگان راستین و مؤمن برخوردار از لطف و عنایت ویژه خداوند و دارای مقام و منزلتی خاص در پیشگاه او

قل لعبادی

برداشت فوق بر این اساس است که اضافه در <عبادی> تشریفیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، با دعوت از صاحبان دل آرام و خشنود ، آنان را به جمع بندگان خاص خود بار می دهد .

فادخلی فی عبدی

تقوای بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۴

۱۴ رسیدن به اوج مرتبه تقواپیشگی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

درخواست الگو و مقتدای تقواپیشگان شدن از سوی عباد الرحمان که خود از ایمان و تقوای بالایی برخوردارند حاکی از آن است که آنان خواستار بالاترین مرتبه تقواپیشگی اند، تا برای الگو و مقتدا شدن دیگر تقواپیشگان، شایسته باشند.

تکریم بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۲ - ۲

۲ - بندگان مخلص خدا ، مورد اکرام و گرامی داشت

الهی اند .

و هم مکرمون

تواضع بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱،۱۴

۱ بندگان خالص خدا ، مظهر تواضع و فروتنی و به دور از تکبر و خود بزرگ بینی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

برداشت یاد شده با توجه به چند نکته است: ۱ <عباد> (جمع <عبد>) به معنای بندگان است و اوصافی که خداوند برای آنان در ضمن چند آیه بیان می فرماید، حاکی است که آنان از بندگان خالص او هستند. ۲ <هون> به دو معنا آمده است: الف) سکینه و وقار (قاموس المحیط)؛ که در در این صورت این واژه در آیه شریفه یا در همان معنای لغوی استعمال شده است و یا در معنای کنایی آن؛ یعنی، تواضع و فروتنی. برداشت فوق مبتنی بر همین معنای کنایی است. ب) رفق و لین (مدارا و نرمی)، در مقابل خشونت و درشتی (نهایه ابن اثیر). ۳ <هوناً> مصدر و صفت برای <مشی> بوده و آمدن مصدر به جای صفت، بیانگر مبالغه است.

۱۴ < فی مجمع البیان فی قوله تعالی : < الذین یمشون علی الأرض هوناً > . . . و قال أبوعبدالله (ع) هو الرجال یمشی بسجیته التی جبل علیها لایتکلف و لایتبختر ؛

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <الذین یمشون علی الأرض هوناً>. .. آمده است که امام صادق(ع) فرمود: آن کسی است که بر خلق و خوی فطری خود که خدا او را به آن گونه آفریده است بدون تکلف و تکبر راه میرود.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۶

۶ بندگان خالص خدا ، مردمی فروتن و خود کم بین در برابر خدا

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرامًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که بندگان خالص خدا، با آن که مردمی شب زنده دار و عابداند، اما باز از عذاب دوزخ در هراس و اضطراب اند.

توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱،۲

۱ بندگان خالص خدا ، به جز < اللّه > ، چیزی را به خدایی نمی خوانند و معبودی را جز او نمی پرستند .

و عباد الرحمن . .. و الذین لایدعون مع اللّه إلهًا ءاخر

<إله> به معنای معبود است.

۲ اعتقاد به توحید و یگانه پرستی و دوری از شرک و چندگانه پرستی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین لایدعون مع اللّه إلهًا ءاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۷

۷ - یکتاپرستی و تنها از خدا یاری جستن ، < صراط مستقیم > است .

إیاک نعبد و إیاک نستعین. إهدنا الصرط المستقیم

<ال> در <الصراط> می تواند عهد ذکری بوده و اشاره به حقایقی باشد که در آیات پیشین مطرح شده، و از آنهاست یکتاپرستی و تنها از خدا استعانت جستن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲،۱۷

۲ - پرستش خدای یگانه و پرهیز از پرستش غیر او ، از عهد ها و پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا

میثق بنی إسرءیل لاتعبدون إلا اللّه

۱۷ - یکتا پرستی و احسان به والدین ، خویشان ، یتیمان و درماندگان ، از مصادیق اعمال شایسته است .

و عملوا الصلحت . .. لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین إحساناً ... و المسکین

آیه مورد بحث در حقیقت تفسیری برای آیه پیشین و بیان مصادیقی از <الصالحات> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۶،۷،۹،۱۳،۱۵،۱۶

۶ - یعقوب (ع) در آستانه مرگ ، فرزندانش را به ملازمت توحید دعوت نمود و به یکتا پرستی وصیت کرد .

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

۷ - فرزندان یعقوب ، او را بر ملازمت به پرستش خدای بی همتا و تسلیم بودن در برابرش مطمئن ساختند .

قالوا نعبد . .. إلهاً وحداً

۹ - موحدان باید در آستانه مرگ ، بازماندگان خویش را به توحید و ملازمت بر عبادت خدا سفارش و وصیت کنند .

إذ حضر یعقوب الموت إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

۱۳ - پرستش خدای یکتا ، وظیفه ای بر عهده همگان

نعبد . .. إلهاً وحداً

۱۵ - اعتقاد به خدای یگانه باید با پرستش و اطاعت کامل از او همراه باشد .

نعبد . .. إلهاً وحداً و نحن له مسلمون

کلمه <تعبدون> (می پرستید) و <نعبد> (می پرستیم) گویای این است که: ایمان داشتن به خدای یکتا (توحید ذاتی) کافی نبوده; بلکه باید او را تنها معبود دانسته و پرستشش کرد. جمله <نحن له مسلمون> نیز بیانگر آن است که علاوه بر پرستش خدا، از فرمانهای او باید اطاعت کرد.

۱۶ - اعتقاد به یکتایی خدا و پرستش او ، مهمترین

اصل در ادیان الهی و زیر بنای دیگر اصول و احکام دین

ما تعبدون من بعدی قالوا نعبد . .. إلهاً وحداً

روشن است که یعقوب(ع) از میان تمامی اصول و احکام دین، تنها پرستش خداونـد را نجات بخش نمی دانست. بنابراین تنها از پرستش خدا یاد کردن (ماتعبدون) می تواند حاکی از آن باشد که: اولا، توحید عبادی از مهمترین اصلهاست و ثانیاً، انسان با پرستش خدا، به دیگر اصول و احکام دین گرایش پیدا کرده بدانها ملتزم خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۳ – ۱،۲

۱ – معبود حقیقی همه انسان ها ، معبودی است یگانه و یکتا

و إلهکم إله وحد

۲ – معبود به حقی جز خدا وجود ندارد .

لا إله إلا هو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۵ – ۱،۴

۱ تنها خداوند شایسته پرستش است .

اللّه لا اله الاّ هو

۴ حیات و قیومیّت مطلق ، ملاک معبودِ بر حق

اللّه لا اله الاّ هو الحیّ القیّوم

آوردن دو صفت <حی> و <قیوم>، اشاره به علّت حصر عبودیّت در خداوند است; یعنی تنها زنده قائم به ذات و مدبّر اشیا، می تواند معبود باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲ – ۱،۲

۱ معبودی جز خدای یگانه ، زنده و پاینده نیست .

اللّه لا اله الاّ هو الحیّ القیّوم

قیوم به کسی گفته می شود که همواره بوده و هست. (تفسیر روح المعانی، ج ۳، ص ۸)

۲ تنها خداوند باید عبادت شود .

اللّه لا اله الاّ

هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۸ - ۱

۱ گواهی خداوندِ برپادارنده قسط و عدل ، بر اینکه معبودی جز او نیست .

شهد اللّه انّه لا اله الاّ هو . .. قائماً بالقسط

<قائماً بالقسط>، حال است برای <اللّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۱ - ۱،۶

۱ عیسی (ع) ، بنی اسرائیل را به توحید ربوبی و پرستش خدا دعوت کرد .

انّ اللّه ربّی و ربّکم فاعبدوه

۶ پروردگار ، سزاوار پرستش است .

انّ اللّه ربّی و ربّکم فاعبدوه

جمله <ان اللّه ربی . .. >، (ربوبیّت همه جانبه خدا) دلیل لزوم پرستش گرفته شده و این استدلال، مبتنی بر یک اصل کلّی است که عبارت است از: هر کس ربّ باشد، شایسته پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۴ - ۱،۲،۳،۴،۶

۱ نفی پرستش غیر خدا ، نفی شرک و عدم پذیرش حاکمیت غیر خداوند ، وجه اشتراک ادیان الهی

یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الاّ اللّه و لا نشرک ب

۲ دعوت پیامبر (ص) از اهل کتاب به توحید در عبادت ، نفی شرک و عدم پذیرش حاکمیّت غیر خداوند

یا اهل الکتاب تعالوا . .. و لا یتّخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون اللّه

۳ توحید عبادی ، نفی شرک و ردّ حاکمیّت غیر خداوند ، گفتاری عادلانه و منصفانه

تعالوا الی کلمه سواء بیننا . .. و لا یتّخذ بعضنا بعضاً ارباباً

من دون اللّه

<سواء>، به معنی <عدل> است.

۴ توحید عبادی و ربوبی ، اساس و معیار وحدت

تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الّا نعبد الا الله . .. ارباباً من دون اللّه

۶ عبادت ، مخصوص خداوند است .

الّا نعبد الا اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۹ – ۳،۷،۹،۱۰

۳ نفی الوهیّت حضرت عیسی (ع) ازسوی خداوند

انّ مثل عیسی عند اللّه . .. (آیه ۵۹) ما کان لبشر ان یؤتیه اللّه الکتاب

از مصادیق مورد نظر برای آیه شریفه، حضرت مسیح است ; چون آیات قبل درباره اهل کتاب می باشد.

۷ پیامبران ، مردم را تنها به بندگی خدا دعوت می کردند .

ما کان لبشر . .. ثم یقول للناس کونوا عباداً لی من دون اللّه و لکن کونوا ربّانیّین

۹ ناسازگاری مقام نبوّت و دارا بودن کتاب و حکمت ، با دعوت مردم به پرستش خویش

ما کان لبشر . .. ثم یقول للناس کونوا عباداً لی من دون اللّه

۱۰ عبودیّت برای خداوند و نفی آن از غیر او محور اصلی دعوت انبیا

ما کان لبشر . .. ثم یقول للناس کونوا عباداً لی من دون اللّه و لکن کونوا ربّانیّین

ربانی کسی است که با ربّ ارتباط شدید داشته و او را بسیار عبادت کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۷ – ۱

۱ خداوند ، تنها معبود شایسته پرستش

اللّه لا اله الّا هو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۱ – ۲۹

۲۹

اللّه ، تنها خدای یگانه و معبود حقیقی انسانها

انما اللّه اله وحد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۲ – ۹

۹ دعوت مسیح (ع) از بنی اسرائیل به پرستش خدای یگانه و توحید ربوبی

و قال المسیح یبنی اسرءیل اعبدو اللّه ربی و ربکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۳ – ۶

۶ دعوت خداوند از مشرکان و قائلان به تثلیث جهت گرایش به توحید و یکتاپرستی

ما من اله الا اله وحد و إن لم ینتهوا عما یقولون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۶ – ۷،۸

۷ خداوند منزه از هرگونه شریک در الوهیت و فراتر از داشتن همتایی شایسته پرستش

قال سبحنک

۸ عیسی (ع) خود معتقد و معترف به تنزیه خداوند از داشتن هرگونه شریکی شایسته الوهیت و پرستش

قال سبحنک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱ – ۱،۲

۱ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد للّه الذی خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

۲ آفرینش آسمانها و زمین و پدیدآوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد للّه الذی خلق

<الذی خلق>، صفت <اللّه> و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم <الحمدللّه> بر وصف <الذی خلق> است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۷ – ۵

۵ تنها خدای قادر بر رساندن هر گونه ضرر و یا منفعت به آدمی، شایسته پرستش و ولایت می باشد.

أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. و إن یمسسک اللّه بضر ... فهو علی کل شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۶ – ۳

۳ پرستش هیچ چیزی، جز خداوند یگانه، روا و مجاز نیست.

قل إنی نهیت أن أعبد الذین تدعون من دون اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۴ – ۷

۷ توحید و یگانه پرستی، عالیترین جلوه شکرگزاری به درگاه خداوند است.

لئن أنجنا . ... لنکونن من الشکرین ... قل الله ینجیکم ... ثم أنتم تشرکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۱ – ۵،۲۱

۵ خداوند یگانه، توانا بر رساندن نفع و ضرر به آدمیان، شایسته پرستش است.

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

۲۱ توحید و یکتاپرستی هدایتی الهی است.

قل إن هدی الله هو الهدی

چون جمله <إن هـدی الله> در برابر جمله <له اصـحاب یـدعونه> عنوان گردیـده و محور بحث آیه توحیـد است، چنین می نماید که مراد از هدایت در جمله <إن هدی الله> توحید و یکتاپرستی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۲ – ۳،۷،۸،۹،۱۰

۳ معبودی جز خداوند، که مبدع هستی و خالق همه چیز و بدون همسر و فرزند باشد، وجود ندارد.

بدیع السموت . .. أنی یکون له

ولد و لم تكن له صحبه ... لا إله إلا هو خلق كل شیء

۷ آفریدگار همه هستی، تنها خدای شایسته پرستش است.

لا إله إلا هو خلق كل شیء فاعبدوه

۸ توجه به انحصار ربوبیت و خالقیت خداوند برانگیزنده آدمی به پرستش اوست.

ذلكم الله ربكم لا إله إلا هو خلق كل شیء فاعبدوه

۹ هر موجودی، جز خدا، مخلوق است و شایسته پرستش نیست.

لا إله إلا هو خلق كل شیء فاعبدوه

۱۰ توحید در عبادت مهمترین وظیفه انسان در برابر پروردگار و خالق هستی است.

ذلكم الله ربكم . .. خلق كل شیء فاعبدوه

چون پس از بیان انحصار الوهیت در خداوند و بیان یکتایی او در خالقیت، امر به عبادت شده، چنین برمی آید که مهمترین وظیفه بنده در برابر خداوند عبادت و پرستش اوست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۶۳ – ۲

۲ نبودن شریک برای خدا در ربوبیت، دلیل لزوم اخلاص در پرستش او

إن صلاتی و نسكی . .. لله رب العلمین. لا شريك له

توصیف <الله> به ربوبیتش بر هستی (رب العالمین) و نبودن شریک برای او (لا شریک له) تعلیل برای <إن صلاتی . .. لله> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳ – ۱

۱ لزوم تبعیت از قرآن و ترک پیروی از غیر خدا

اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم و لاتتبعوا من دونه أولياء

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <من دونه> به <ربکم> برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴

۵ توجه دادن مردم به نعمت های الهی و سرنوشت پیشینیان ، از روش های تبلیغی صالح (ع) برای گرایش دادن آنان به پرستش خدای یگانه

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء . .. فاذکروا ءالاء اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۲،۴

۲ هیچ کس و هیچ چیز جز خداوند شایسته پرستش و الوهیت نیست .

قال أغیر اللّه أبغیکم إلهاً

۴ موسی (ع) با بیان احسان و تفضل ویژه خداوند بر بنی اسرائیل ، تنها او را شایسته پرستش برای آنان معرفی کرد .

قال أغیر اللّه أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جمله <و هو فضلکم> حالیه و به منزله تعلیلی است برای جمله <أغیر اللّه . .. .> یعنی چگونه امکان دارد غیر خدا را برای پرستش شما بجویم در حالی که نعمتها، از جمله برتری شما بر دیگر اقوام و ملل، عطای اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۴

۴ خداوند گناه آن گروه از بنی اسرائیل را که پس از گوساله پرستی توبه کرده و با ایمان به یکتایی خدا به پرستش او بازگشتند ، آمرزید و آنان را مشمول رحمت خویش قرار داد .

و الذین عملوا السیئات ثم تابوا من بعدها و ءامنوا

مصداق مورد نظر برای <الذین عملوا السیئات>، به دلیل آیات پیشین، گوساله پرستان بنی اسرائیل است. این آیه در حقیقت استثنایی برای آیه پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۹،۱۰

هیچ موجودی ، بجز خدای یکتا ، شایسته و بایسته پرستش نیست .

لا إله إلا هو

۱۰ فرمانروای هستی ، تنها موجود شایسته پرستش

الذی له ملک السموت و الأرض لا إله إلا هو

بیان این حقیقت که تنها خداوند شایسته پرستش است، پس از بیان انحصار حاکمیت هستی به او، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۱ - ۵

۵ تنها خداوند شایسته پرستش و توانا بر تدبیر امور انسانهاست .

هو الذی خلقکم . .. أیشرکون ما لایخلق شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۵

۵ همه انسان ها ، مأمور به پرستش و اطاعت بی چون و چرای خدای یگانه و پرهیز از شریک گرفتن غیر ، برای اویند .

و ما أمروا إلا لیعبدوا إلها وحداً لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۱۹

۱۹ تنها خداوندِ خالقِ مدبر ، پروردگار انسان ها و شایسته پرستش است .

اللّه الذی خلق . .. ثم استوی ... یدبر الأمر ... ذلکم اللّه ربکم فاعبدوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۳

۳ توحید (اعتقاد به ربوبیت بی همتای خدا) آیینی حق و یکتاپرستی سلوک راه هدایت است .

فذلکم اللّه ربکم الحق فماذا بعد الحق إلا الضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۹

۹ تنها خداوند ، سزاوار

پرستش و معبودیت است .

قل اللّه یبدؤا الخلق ثم یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۵ - ۵

۵ تنها خدا ، سزاوار پرستش و پیروی است .

قل هل من شرکائکم من یهدی إلی الحق قل اللّه یهدی للحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۴ - ۸،۱۰

۸ عبادت ، تنها شایسته خداوندی است که مرگ انسان ها به دست او بوده و جان آنان پس از مرگ ، در اختیار او قرار می گیرد .

و لکن أعبد اللّه الذی یتوفیکم

۱۰ توحید در عبادت و اعتقاد به بقای انسان پس از مرگ ، دو پایه و اساس دین الهی است .

و لکن أعبد اللّه الذی یتوفیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۵ - ۳

۳ توحید در عبادت و یکتاپرستی ، دین حنیف و صراط مستقیم است .

و أن أقم وجهک للدین حنیفاً و لاتکونن من المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲ - ۲

۲ توحید و لزوم یکتاپرستی از تعالیم اساسی ، متقن و روشنِ قرآن است .

کتب أَحکمت ءایته ثم فصلت . .. ألّا تعبدوا إلّا الله

<ألّا> مرکب از <أن> تفسیریه و <لا> ی ناهیه است و جمله <لاتعبدوا . ..> تفسیر <کتاب أُحکمت آیاته ثم فصلت> می باشد; یعنی ، نهی از پرستش غیر خدا ، سخن متقن و روشن قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱

۵ - ۱۴ -

۵ هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست .

فاعلموا . .. أن لا إله إلّا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۱

۱۱ خداوند ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۳

۱۳ خداوند ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۴،۱۱

۴ یوسف (ع) ، با طرح سؤال و برانگیختن وجدان هم بندان خویش ، حقانیّت توحید و یکتاپرستی را برای آنان مطرح ساخت .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد القهار

۱۱ اعتقاد به وجود خدای یگانه و غالب و باور به شایستگی او برای پرستش ، اعتقاد و باوری خردمندانه است .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ توحید و یکتاپرستی ، آیینی بدون کمترین انحراف و کجی ، و شرک پنداری منحرف و نادرست است .

أمر ألّاتعبدوا إلّا إياه ذلک الدين القيم

<قيّم> به معنای مستقیم و بدون انحراف و کجی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸

- رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ تنها خداوند شایسته و بایسته پرستش است .

لا إله إلّا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۱

۱- تنها معبود واقعی انسان ها ، خدای یگانه است .

إلهکم إله وحد

با توجه به آیات سابق، که درباره صفات خداوند و نفی معبودهای مشرکان بود و از منحصر کردن اله و معبود در این آیه به یک فرد، روشن می شود که آن اله یگانه، همان خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۱ - ۲

۲- خداوند ، یگانه معبود و إله است .

إنما هو إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۳ - ۲

۲- خداوند ، تنها روزی دهنده آدمیان و یگانه معبود شایسته پرستش است .

أفبالبطل یؤمنون . .. و یعبدون من دون الله ما لایملك لهم رزقًا

از ارتباط میان این آیه و آیه قبل استفاده می شود که خداوند رازقیت را در انحصار خود دانسته و رزق دهنده واقعی را شایسته معبودیت معرفی کرده است و در این راستا هرگونه نقش بتها را در رازقیت، نفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۹

۹- تنها ، پروردگار انسان ها و جهان هستی ، صلاحیت پرستش را دارد .

ربّنا ربّ السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۷

۷- هیچ معبودی برای آدمیان ، جز خدای یگانه

وجود ندارد .

أنّما إلهكم إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۹

۹- پرستش خدای یگانه و اعتقاد به توحید ربوبی ، صراط مستقیم است .

و إنّ اللّه ربّی و ربّکم فاعبدوه هذا صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۱

۱ - هیچ معبودی جز خداوند ، شایسته پرستش نیست .

اللّه لا إله إلّا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۴

۴ - هیچ معبودی جز خداوند حقیقت نداشته و شایسته پرستش نیست .

إنّنی أنا اللّه لا إله إلّا أنا

<إله> به معنای معبود است و در آیه، مراد معبود حق است، زیرا وجود خارجی معبودان باطل، قابل انکار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۸ - ۴

۴ - معبود حقیقی انسان ها ، همان معبود یگانه در جهان هستی است .

إنّما إلهکم اللّه الذی لا إله الّاهو

وصف <الـذی. ..> برای تعلیل است; یعنی، چون <اللّه> کسی است که هیـچ معبود بر حقّی در جهان جز او وجود نـدارد،

پس <خدای شما> نیز هم او است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲۴ – ۲

۲- هیچ معبود و خدایی جز < اللّه > در جهان وجود ندارد .

أم اتّخذوا من دونه ءالهه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲۵ – ۳،۴

۳- شعار < لا إله إلاّ اللّه > ، پرستش

خدای یگانه و مبارزه با شرک و چندگانه پرستی ، محتوای وحی الهی به تمامی رسولان

من رسول إلّانوحی إلیه أنّه لا إله إلّاأنا فاعبدون

۴- توحید در عبادت ، لازمه توحید در الوهیت است .

لااله إلّاأنا فاعبدون

برداشت یاد شده از تفریع مسأله عبادت خدا (فاعبدون)، بر موضوع یگانگی خدا و توحید در الوهیت (لا إله إلّا أنا)، استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۷ - ۳

۳- تنها خداوند یکتا ، شایسته عبادت و پرستش است .

أُفّ لکم و لماتعبدون من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۲ - ۴،۶

۴- تنها خداوند ، پروردگار شایسته پرستش است .

أنا ربّکم فاعبدون

۶- بشر ، مأمور پرستش و عبودیت خداوند واحد است .

و أنا ربّکم فاعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۸ - ۳

۳- خدا و معبود حقیقی انسان ، تنها یکی است .

أنّما إلهکم إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۱

۱ - تنها خداوند ، حق و پروردگار شایسته پرستش است .

فإنّا خلقناکم . .. و تری الأرض هامده ... ذلک بأنّ اللّه هو الحقّ

<ذلک> در این جا به دو چیز اشاره دارد: ۱ به قدرت نمایی های خدا در آفرینش انسان از خاک بی جان و مراحل رشد او در رحم و خارج از آن (فإنّا خلقناکم من تراب. ..) ۲ به جلوه های قدرت خدا در رویش و رشد انواع گیاهان در زمین (و تری

الأرض هامده...). <باء> در <بأنّ الله> سببيه است. <ال> در <الحق> جنسيه و مفيد حصر مى باشد و روى سخن با مردمى است كه گرفتار پندارهاى شرك آميز بودند و گمان مى كردند كه غير از خدا، خدايان ديگرى نيز در سرنوشت آنها تأثير مى گذارند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۴ - ۵

۵ - پرستش خداى يگانه ، راه خداوند

و هدوا إلى صرط الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۶

۶ - هيچ كس به جز خدا ، شايسته پرستش نيست .

أن لاتشرك بى شيئًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ - خدا ، تنها معبود شايسته پرستش

فإلهكم إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۲ - ۲،۳

۲ - تنها خداوند ، معبود به حق و شايسته پرستش است .

ذلك بأنّ اللّه هو الحقّ

۳ - هر معبودى به جز خدا ، موهوم است و باطل .

و أنّ ما يدعون من دونه هو البطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۹

۹ - خدا ، تنها معبود سزاوار پرستش

ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۶

۶ - خدا ، تنها معبود سزاوار پرستش

ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ -

۱۰ - خدا ، تنها معبود به حق و شایسته الوهیت

أنّ اللّه هو الحقّ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۳ - ۴

۴ - خداوند ، یگانه معبود به حق و تنها پشتوانه انسان در قیامت

أین ما کنتم تعبدون . من دون اللّه هل ینصرونکم أو ینتصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۸

۸ - پرستش ، مخصوص پدیدآورنده ، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

أمّن یبدؤا الخلق ثمّ یعیده . .. أءله مع اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۱،۲

۱ - الوهیت و معبود بودن ، تنها شایسته ذات پاک خداوند

و هو اللّه

ضمیر <هو> در <هو اللّه> راجع به ذات پاک خداوند است و <ال> در <اللّه> برای تلمیح و اشاره به صفت الوهیت می باشد. بنابراین <هو اللّه> مرادف با <هو الاءله> است; یعنی، تنها آن ذات پاک و حقیقت محض است که سزاوار الوهیت است و نه غیر او. جمله بعد; یعنی، <و هو اللّه لا إله إلاّهو> تأکید برای همین معنا است.

۲ - معبودی جز ذات پاک خداوند نیست .

لا إله إلاّ هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۱ – ۷

۷ – خدا ، تنها معبود شایسته پرستش

من إله غیر اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۲ – ۶

۶ – خدا ، تنها معبود شایسته پرستش

من إله

غیر اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۴،۵

۴ - وجود معبودی جز خدا ، حقیقت ندارد .

لا إله إلّا هو

۵ - خدا ، تنها معبود شایسته پرستش است .

لا إله إلّا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۸

۸ - در جهان هستی معبودی جز اللّه ، حقیقتاً وجود ندارد .

لا إله إلّا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴ - ۱

۱ - سراسر جهان هستی ، تنها از یک معبود حقیقی برخوردار است .

إنّ إلهکم لوحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۵ - ۵

۵ - اللّه ، تنها معبود حقیقی است .

لا إله إلّا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۷ – ۳

۳ – تنها پروردگار جهان ، سزاوار عبودیت و پرستش است .

أئفکًا ءالهه دون اللّه تریدون . فما ظنّکم بربّ العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۲۵ – ۹

۹ – پرستش ، تنها شایسته نیکوترین آفریننده ها (خدا) است .

أتدعون بعلًا و تذرون أحسن الخلقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۲۶ – ۳

۳ – عبودیت و پرستش ، تنها شایسته پروردگار انسان ها است .

أتدعون بعلًا . .. اللّه ربّکم و ربّ ءابائکم الأوّلین

یادآوری ربوبیت خداوند نسبت به انسان ها، پس از محکوم کردن

پرستش بت ها، گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۵ - ۶

۶ - هیچ معبود حقیقی ، جز اللّه در عالم وجود ندارد .

ما من إله إلاّ اللّه الوحد القهّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۱

۱ - تنها خداوند ، شایسته عبادت خالصانه و اطاعت بی چون و چرا است .

ألا للّه الدین الخالص

<الدین> مبتدا و مسندالیه و <للّه> خبر و مسند است. تقدیم مسند بر مسندالیه، مفید حصر و اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۷

۱۷ - ناآگاهی بیشتر مردم از شایستگی انحصاری خداوند به عبادت و پرستش و ضرر و زیان شرک

ضرب اللّه مثلاً رجلاً . .. بل أكثرهم لایعلمون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که متعلق جهل، مسأله برابر نبودن دو مثل مربوط به مؤمن و مشرک و سرنوشت ایمان و شرک باشد; یعنی،<بل أكثرهم لایعلمون أنّهما لایستویان>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۴ - ۲

۲ - عبادت ، تنها شایسته خالق هستی و مدبر و صاحب اختیار جهان است .

قل أفغیر اللّه تأمرونّی أعبد

<فا> در <أفغیر اللّه> یا برای تفریع این آیه به آیات پیش است که از خالقیت و تدبیر خدا سخن گفته است و یا رابطه برای جواب شرط مقدر است که تقدیر آن چنین می باشد: <إن کان اللّه خالق کلّ شیء فکیف تأمروننی أن أعبد غیر اللّه>. در

هر صورت پیام آیه شریفه این است که با وجود خالق بودن خداوند، عبادت غیر او شایسته نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۶ - ۳

۳ - تنها خداوند شایسته پرستش است .

أفغیر اللّه تأمرونّی أعبد . .. بل اللّه فاعبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۲ - ۴

۴ - در جهان هستی معبودی جز اللّه ، حقیقتاً وجود ندارد .

لا إله إلّا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۳،۷

۳ - معبودی جز اللّه حقیقتاً وجود ندارد .

لا إله إلّا هو

<إله> به معنای معبود است.

۷ - دعا و عبادت ، تنها شایسته خداوند یکتا و دارنده حیات حقیقی است .

هو الحیّ لا إله إلّا هو فادعوه

<فا> در <فادعوه> عاطفه بوده و برای ربط میان سبب و مسبب است؛ یعنی، به سبب آن که خدا دارنده حیات حقیقی و یکتا است، پس او را باید عبادت کرد و از او حاجت خواست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۶

۶ – معبود شایسته پرستش ، معبودی یگانه و بی شریک است .

أنّما إلهکم إله وحد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۷ – ۸،۱۱

۸ – سجده و کرنش ، تنها در برابر آفریدگار هستی روا است .

واسجدوا للّه الذی خلقهنّ

۱۱ – عبادت و پرستش ، تنها شایسته آفریدگار جهان است ; و نه در شأن مخلوقات او .

و اسجدوا للّه

الذی خلقهنّ إن کنتم إیّاه تعبدون

تقدیم <إیّاه> بر <تعبدون> علاوه بر رعایت فاصله آیات، می تواند برای حصر نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۶ - ۳

۳ - خداوند یگانه ، تنها معبود و شایسته پرستش در جهان هستی

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء

بنابراین که مراد از ولی مفرد اولیاء معبود باشد از سخن تهدیدآمیز آیه مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۶

۶ - خداوند یگانه ، تنها معبود و شایسته پرستش در جهان هستی

فاللّه هو الولیّ

بنابراین که مراد از<الولیّ> معبود باشد مطلب فوق برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۵

۵ - تنها خداوندی که ربوبیت جهان هستی را عهده دار است ، شایسته عبادت و پرستش می باشد .

إنّ الله هو ربّی و ربّکم فاعبدوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۴

۴- تنها خداوند ، شایسته پرستش است .

فاعلم أنّه لا إله إلاّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۳ - ۲

۲ - خداوند ، یگانه معبود به حق هستی است .

أم لهم إله غیر اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۲ - ۲،۷

۲ - جز < اللّه > ، هیچ کس و هیچ چیز شایسته پرستش نیست .

هو اللّه الذی لا إله إلاّ هو

۷ -

هر موجودی جز خدای یگانه ، فاقد علم و رحمت گسترده و شایستگی برای پرستش

هو اللّه الذی لا إله إلاّ هو علم الغیب و الشهده هو الرحمن الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۲

۲ - یگانه مدبّر و فرمانروای جهان هستی ، شایسته مقام خداوندی و پرستش است .

هو اللّه الذی لا إله إلاّ هو الملک

وصف <الملک> برای جمله قبل، اشعار به علیت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۷

۷ - عبادت و پرستش ، تنها شایسته خداوند یگانه

إأنّا برءؤا. .. و ممّا تعبدون من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - هیچ معبود حقیقی ، جز < اللّه > در عالم وجود ندارد .

اللّه لا إله إلاّ هو

۲ - معبودی جز < اللّه > شایستگی عبادت ندارد .

اللّه لا إله إلاّ هو

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که نفی در <لا- إله إلاّ- هو> نفی شایستگی باشد، نه نفی وجود; زیرا در عالم معبودهای ادعایی بسیاری وجود دارد، ولی آنها شایستگی معبودیت را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۹ - ۳

۳ - هیچ معبود حقیقی در جهان هستی جز < اللّه > وجود ندارد و جز او کسی شایسته پرستش نیست .

لا إله إلّا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۱ - ۸،۱۷

۸ - خداوند ، تنها معبود

شایسته عبادت است .

اللّه أحد

برخی از اهل لغت اصل کلمه <اللّه> را <إله> می دانند. فعل <اَلَهَ; یعنی، عبادت کرد، در این صورت <إله>، به معنای معبود خواهد بود (مفردات راغب). کلمه <اللّه> با آن که علم است، می تواند ناظر به معنای لغوی <إله> نیز باشد. در این صورت مراد از <وحدت معبود>، این است که سایر معبودها، دروغین و پنداری اند و شایسته عبادت نیستند.

۱۷ - < قال الباقر (ع) معنی قوله < اللّه أحد > المعبود الذی یأله الخلق عن ادراکه و الإحاطه بکیفیته فرد بإلهیته متعال عن صفات خلقه ;

امام باقر(ع) فرمود: . .. معنای قول خدا <اللّه أحد>،[این است که او] معبودی است که مخلوقات از درک حقیقت او و احاطه بر چگونگی او حیران و سرگردان اند. او در اله بودن خود یکتا است و بالاتر از صفات مخلوقات خود است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۳ - ۲

۲ - مردم ، باید تنها خداوند را عبادت کرده و او را < إله > خود بدانند .

إله الناس

توکل بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۳ - ۱۱

۱۱ - در دست خدا بودن مقررات امور عالم ، مقتضی توکل بندگان به او است .

من یتوکّل علی اللّه فهو فحسبه . .. قد جعل اللّه لکلّ شیء قدرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که جمله <قد جعل اللّه. ..> در مقام بیان برای وجوب توکل بر خداوند (من یتوکّل علی اللّه فهو حسبه) است.

تهجد بندگان خدا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۱،۲

۱ بندگان خالص خدا ، مردمی شب زنده دار

و الذین یبیتون لربّهم

<بیتوته> (مصدر <یبیتون>) به معنای شب زنده داری است; چه این بیداری در تمام شب باشد و چه در بخشی از آن.

۲ نماز ، برنامه بندگان خالص خدا در وقت شب زنده داری

و الذین یبیتون لربّهم سجّدًا و قیمًا

از دیدگاه مفسران، مقصود از <سجده> و <قیام> در آیه شریفه، نماز است.

حق شنوی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۳

۳ حرف شنوی و بصیرت ، از اوصاف بندگان خالص خدا

لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

حکومت جهانی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱- حکومت واحد جهانی به دست بندگان صالح خدا ، فرجام نهایی زندگی بشر در زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

حمایت از بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۱۰

۱۰- ربوبیت خداوند ، مقتضی حمایت از بندگان خویش

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن و کفی بربّک وکیلاً

خداشناسی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۰ - ۱

۱ - تنها بندگان مخلَص خدا ، عارف به حق خدا و توصیف کننده شایسته او هستند .

سبحن اللّه عمّا یصفون . إلاّ عباد اللّه المخلصین

<إلاّ> استثنای منقطع و به معنای <لکن> است. مستثنی منه نیز در برداشت بالا، ضمیر فاعلی <یصفون>

دانسته شده است. گفتنی است مقصود و معنای <مخلصین> این است: <الذین أخلصهم اللّه لنفسه و ولایته; کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است>.

خستگی ناپذیری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۸ - ۶

۶ - فرشتگان و بندگان مخلص خدا ، در تسبیح و عبادت او خستگی ناپذیراند .

فالذین عند ربّک یسبّحون له . .. و هم لا یسئمون

<السّامه> (مصدر <لایسئمون>) به معنای خستگی و ملالت از ادامه کار است.

خشیت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- لزوم بیم و هراس بندگان از خداوند ، هر چند دارای مرتبه ای والا باشند .

بل عباد مکرمون . .. و هم من خشیته مشفقون

خواسته های بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ بندگان خالص خداوند ، به هنگام رو به رو شدن با گفتار جاهلانه و بدور از ادب و منطق جاهلان ، از آنان خواستار سلامت و امنیت و همزیستی مسالمت آمیز می شوند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <سلاماً> مفعولٌ به برای فعل مقدر باشد; یعنی، <نتسلم منکم تسلیماً>. در این صورت <سلام> به جای <تسلیم> نشسته است.

خوشرفتاری بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۳ – ۳

۳ بندگان خالص خدا ، مظهر مدارا و نرمی و منزه از

روح خشونت و درشتی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

خیرخواهی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۲۱

۲۱ دعا برای صلاح و نیک شدن همسر و فرزندان و خیرخواهی برای ایشان ، از اوصاف بندگان خالص خدا و امری پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین و اجعلنا للمتّقین إم

دعای بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۱

۱ بندگان خالص خدا ، پیوسته از پروردگارشان خواستار رهایی از عذاب دوزخ اند .

و عباد الرحمن . .. و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم

فعل مضارع <یقولون> مفید استمرار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۴

۴ جمله < ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غراماً . إنّ ها ساءت مستقرّاً و مقاماً > ، متن دعا و تضرع بندگان خالص خدا به درگاه الهی

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم . ..إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <إنّ عذابها تا مستقراًو مقاماً> نیز مانند جمله <ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم> جزء دعا و تضرع عبادالرحمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱،۴،۱۳،۱۶،۲۱،۲۲

۱ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوك آنان ، مایه چشم روشنی

و سرفرازی آنان در زندگی باشد .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

درباره <من> در <من أزواجنا. ..> دو احتمال وجود دارد: ۱ <من> ابتدائیه باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد>. ۲ <من> بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: <به ما روشنی چشمان که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۴ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار سرور و روشنی چشمان در پرتو اعطای همسر و فرزند به آنان هستند .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

۱۳ بندگان خالص خدا ، از خداوند می خواهند که خود و همسر و فرزندانشان ، الگو و مقتدای مردم تقواپیشه باشند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

۱۶ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار در دست داشتن اداره جامعه متقین و مردم تقوا پیشه اند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که مقصود از <امام> امامت و پیشوایی سیاسی و اجتماعی باشد.

۲۱ دعا برای صلاح و نیک شدن همسر و فرزندان و خیرخواهی برای ایشان ، از اوصاف بندگان خالص خدا و امری پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین و اجعلنا للمتّقین إم

۲۲ جمله < و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزواجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین و اجعلنا للمتّقین إماماً > متن دعای همیشگی بندگان خالص خدا

و الذین یقولون

ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّيّتنا قرّه أعين و اجعلنا للمتّقين إم

آمدن آيه شريفه در قالب جمله اسميه و نيز فعل مضارع <يقولون> حاكى از استمرار و هميشگى بودن آن دعا است.

دعوت از بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳- خداوند ، فراخوان مؤمنان و بندگان خالص خويش به انفاق اموال خود ، قبل از فرا رسيدن مرگ

قل لعبادى الذين ءامنوا . .. و ينفقوا ... من قبل أن يأتى يوم لابيع فيه و لاخلل

ذكر خدا از بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۵

۵ - بعثت پيامبر (ص) و تغيير قبله ، نمونه اى از توجه و ياد خدا از بندگان خويش *

و حيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره . .. كما أرسلنا فيكم رسولا ... فاذكرونى أذكركم

برداشت فوق احتمال ديگرى است كه مى توان از تفريع جمله <فاذكرونى . ..> بر بعثت پيامبر و تغيير قبله، استفاده كرد; يعنى: فاذكرونى أذكركم كما ذكرتكم بارسال الرسول و تحويل القبله.

راه رفتن بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۲،۱۴

۲ مشى و راه رفتن بندگان خالص خدا ، در كمال وقار و آرامى ، و به دور از سرعت و شتابزدگى است .

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هونًا

۱۴ < فى مجمع البيان فى قوله تعالى : < الذين يمشون على الأرض هوناً > . . . و قال أبوعبداللّه (ع)

هو الرجال یمشی بسجیته التی جبل علیها لایتکلف و لایتبختر ;

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <الذین یمشون علی الأرض هوناً>. .. آمده است که امام صادق(ع) فرمود: آن کسی است که بر خلق و خوی فطری خود که خدا او را به آن گونه آفریده است بدون تکلف و تکبر راه میرود.

رحمت بر بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۶

۶ بندگان خالص خدا ، مشمول رحمت ویژه خدا هستند .

و عباد الرحمن

آمدن صفت <رحمن> به جای دیگر اوصاف خداوند و اضافه شدن <عباد> به آن، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

روزی ممتاز بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۱ - ۱

۱ - بندگان مخلص خدا ، بهره مند از رزق و روزی ویژه و ممتاز الهی

إلّا عباد اللّه المخلصین . أولئک لهم رزق معلوم

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <رزق معلوم>، روزی مخصوص و تعیین شده برای بندگان خالص است; مانند آیه <و ما منّا إلّا له مقام معلوم>، (همین سوره، آیه ۱۶۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۲ - ۱

۱ - انواع میوه ها ، رزق و روزی مخصوص و ممتاز بندگان مخلَص خدا در بهشت

أُولئک لهم رزق معلوم . فوکه

<فواکه> (جمع <فاکهه>) بدل کل از <رزق معلوم> و یا خبر برای مبتدای محذوف است و تقدیر آن <ذلک الرزق فواکه> می باشد.

روش برخورد با بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۱۰

۱۰ بندگان خالص خدا ، در بهشت با درود و سلام روبه رو خواهند شد .

و یلقّون فیها تحیّه و سلمًا

روش برخورد بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۳ – ۱۱،۱۰،۹

۹ بندگان خالص خدا ، به هنگام روبه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل ، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعولٌ به مقدر باشد; یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

۱۰ بندگان خالص خداوند ، به هنگام رو به رو شدن با گفتار جاهلانه و بدور از ادب و منطق جاهلان ، از آنان خواستار سلامت و امنیت و همزیستی مسالمت آمیز می شوند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <سلاماً> مفعولٌ به برای فعل مقدر باشد; یعنی، <نتسلم منکم تسلیماً>. در این صورت <سلام> به جای <تسلیم> نشسته است.

۱۱ برخورد کریمانه و بزرگوارانه بندگان خالص خدا در برابر گفتار جاهلانه افراد نادان ، برخاسته از روح فروتنی و نرم خویی آنان است .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

عطف جمله <و إذا خاطبهم الجهلون. ..> بر جمله

قبل بـدون تکرار شـدن اسم موصول (الـذین)، نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان این دو صـفت است. از سوی دیگر تقـدم بیـان صـفت تواضـع بر صـفت برخورد کریمـانه بـا افراد جاهـل، حـاکی از آن است که این صـفت، سـبب چنین برخورد پسندیده ای است.

روش زندگی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۷ - ۱،۲

۱ بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان ، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند .

و عباد الرحمن . .. و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا

آنچه از ظاهر آیه شریفه و لغت به دست می آید، این است که واژه <انفاق> به معنای هزینه کردن و کاستن از اموال است; چه آن که این اموال برای زندگی شخصی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش شود. گفتنی است <اسراف> (مصدر <یسـرفوا>) به معنای زیاده روی در مصـرف اموال و <قتر> (مصدر <یقتروا>) به معنای سـخت گیری در مصـرف است.

۲ رعایت اعتدال و میانه روی در معیشت و زندگی اقتصادی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

<ذلک> اشاره است به آنچه که در آغاز آیه شریفه ذکر شـد (یعنی، اسـراف و اقتار) و <قوام> به معنای عدل و راه میانه و وسط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۹

۹ زندگی بر مبنای هدفی معقول و مفید ، از اوصاف بندگان خالص

خدا

و الذين لايشهدون الزور و إذا مرّوا باللغو مرّوا كرامًا

اجتناب کردن بندگان خالص خدا از مجالس باطل (لایشهدون الزور) و نیز پرهیز از لغو و بیهودگی، حاکی است که از آن است که آنان در زندگی، دارای هدفی معقول و مفیداند.

زمینه بصیرت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۱

۱ مظاهر وجود و عظمت آفریدگار در آسمان و زمین ، مایه بصیرت و تذکّر بندگان روی آورده به خداوند

أفلم ينظروا إلى السماء . .. و الأرض مددنها ... تبصره و ذكرى لكلّ عبد منيب

<منیب>، به معنای بازگشت کننده و روی آورنده به خدا است.

زمینه تذکر به بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۱

۱ مظاهر وجود و عظمت آفریدگار در آسمان و زمین ، مایه بصیرت و تذکّر بندگان روی آورده به خداوند

أفلم ينظروا إلى السماء . .. و الأرض مددنها ... تبصره و ذكرى لكلّ عبد منيب

<منیب>، به معنای بازگشت کننده و روی آورنده به خدا است.

زمینه گمراهی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۱،۳

۱ - تلاش مستمر قوم کافر و گمراه گر نوح ، برای گمراه کردن مؤمنان و بندگان خدا

إنّک إن تذرهم یضلّوا عبادک

۳ - تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح ، موجب گمراهی بندگان خدا و مؤمنان می شد .

إنّک إن تذرهم یضلّوا عبادک

سرزنش بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲

۳ -

۳ - سرزنش شدن بندگان خالص خدا و باورداران به قیامت ، از سوی منکران آن

یقول أءنّک لمن المصدّقین

در برداشت یاد شده، استفهام <أءنّک> استفهام توبیخی دانسته شده است.

سعادت طلبی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱

۱ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوک آنان ، مایه چشم روشنی و سرفرازی آنان در زندگی باشد .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

درباره <من> در <من أزواجنا. ..> دو احتمال وجود دارد: ۱ <من> ابتدائیه باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد>. ۲ <من> بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: <به ما روشنی چشمان که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

سلام بر بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۹ - ۵

۵ - سلام و تحیت بر بندگان خدا چون پیامبران ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی نوح فی العلمین

سلام بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۱۰

۱۰ بندگان خالص خدا ، در بهشت با درود و سلام روبه رو خواهند شد .

و یلقّون فیها تحیّه و سلمًا

شرح صدر بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲

- فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۹،۱۰

۹ بندگان خالص خدا ، به هنگام روبه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل ، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعولٌ به مقدر باشد; یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

۱۰ بندگان خالص خداوند ، به هنگام رو به رو شدن با گفتار جاهلانه و بدور از ادب و منطق جاهلان ، از آنان خواستار سلامت و امنیت و همزیستی مسالمت آمیز می شوند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <سلاماً> مفعولٌ به برای فعل مقدر باشد; یعنی، <نتسلم منکم تسلیماً>. در این صورت <سلام> به جای <تسلیم> نشسته است.

شکرگزاری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۴

۴ بندگان خالص خدای رحمان ، مردمی پندپذیر و سپاس گزار در برابر نعمت های الهی

لمن أراد أن يذكّر أو أراد شكورًا . و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هونًا

برداشت فوق بر این اساس است که آیه شریفه مرتبط با آیه قبل و درصدد بیان اوصاف کسانی باشد که در جمله <لمن أراد أن يذكر أو أراد شكوراً> از آنان یاد

شده است.

صفات بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱،۲،۳

۱ بندگان خالص خدا ، مظهر تواضع و فروتنی و به دور از تکبر و خود بزرگ بینی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

برداشت یاد شده با توجه به چند نکته است: ۱ <عباد> (جمع <عبد>) به معنای بندگان است و اوصافی که خداوند برای آنان در ضمن چند آیه بیان می فرماید، حاکی است که آنان از بندگان خالص او هستند. ۲ <هون> به دو معنا آمده است: الف) سکینه و وقار (قاموس المحیط)؛ که در در این صورت این واژه در آیه شریفه یا در همان معنای لغوی استعمال شده است و یا در معنای کنایی آن؛ یعنی، تواضع و فروتنی. برداشت فوق مبتنی بر همین معنای کنایی است. ب) رفق و لین (مدارا و نرمی)، در مقابل خشونت و درشتی (نهایه ابن اثیر). ۳ <هوناً> مصدر و صفت برای <مشی> بوده و آمدن مصدر به جای صفت، بیانگر مبالغه است.

۲ مشی و راه رفتن بندگان خالص خدا ، در کمال وقار و آرامی ، و به دور از سرعت و شتابزدگی است .

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

۳ بندگان خالص خدا ، مظهر مدارا و نرمی و منزه از روح خشونت و درشتی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۱

۱ بندگان خالص خدا ، مردمی شب زنده دار

و الذین یبیتون لربّهم

<بیتوته> (مصدر <یبیتون>) به معنای شب زنده

داری است; چه این بیداری در تمام شب باشد و چه در بخشی از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۶،۸

۶ بندگان خالص خدا ، مردمی فروتن و خود کم بین در برابر خدا

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرامًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که بندگان خالص خدا، با آن که مردمی شب زنده دار و عابدانند، اما باز از عذاب دوزخ در هراس و اضطراب اند.

۸ بندگان خالص خدا ، بسیار نگران و هراسناک از لغزش خویش و نافرمانی خدا

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرامًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عذاب دوزخ برای کیفر دادن مجرمان است. بنابراین ترس عبادالرحمان از عذاب دوزخ، حاکی از آن است که آنان از جرم و خطایی که مرتکب شده اند هر چند ارتکاب جرم از ایشان بسیار کم اتفاق می افتد بسیار نگران و مضطرب اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۷ - ۱،۲

۱ بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان ، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند .

و عباد الرحمن . .. و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا

آنچه از ظاهر آیه شریفه و لغت به دست می آید، این است که واژه <انفاق> به معنای هزینه کردن و کاستن از اموال است; چه آن که این اموال برای زندگی شخصی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش

شود. گفتنی است <اسراف> (مصدر <یسرفوا>) به معنای زیاده روی در مصرف اموال و <قتر> (مصدر <یقتروا>) به معنای سخت گیری در مصرف است.

۲ رعایت اعتدال و میانه روی در معیشت و زندگی اقتصادی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

<ذلک> اشاره است به آنچه که در آغاز آیه شریفه ذکر شد (یعنی، اسراف و اقتار) و <قوام> به معنای عدل و راه میانه و وسط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۳،۷

۳ بندگان خالص خدا ، هیچ انسانی را به ناحق نمی کشند .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلاّ بالحقّ

۷ بندگان خالص خدا ، هرگز به گناه زنا و روابط ناسالم جنس دست نمی آلایند .

و لایزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۱،۳،۵،۷،۹

۱ بندگان خالص خدا ، در مجالسی که به باطل و دروغ پرداز می گذرد ، هرگز حضور نمی یابند .

و عباد الرحمن . .. و الذین لایشهدون الزور

فعل <شهد> گاهی در معنای <حضر> (حضور یافت) استعمال می شود و گاهی در معنای <أخبر عن الشیء و شهده> (خبر داد از چیزی و گواهی به آن داد) به کار می رود. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است. <زور> نیز به معنای دروغ و باطل است.

۳ بندگان خالص خدا ، هرگز به باطل و دروغ ، شهادت و گواهی نمی دهند .

و الذین لایشهدون الزور

۵ بندگان خالص خدا ، به

وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده ، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند .

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

۷ بندگان خالص خدا ، مردمی بزرگوار و متین

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

۹ زندگی بر مبنای هدفی معقول و مفید ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین لایشهدون الزور و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

اجتناب کردن بندگان خالص خدا از مجالس باطل (لایشهدون الزور) و نیز پرهیز از لغو و بیهودگی، حاکی است که از آن است که آنان در زندگی، دارای هدفی معقول و مفیداند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۳ – ۱،۲،۳

۱ بندگان خالص خدا به هنگام شنیدن و یادآور شدن آیات الهی ، مانند کران و کوران ، با بی اعتنایی و ناخرسندی از آنها نمی گذرند .

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

فعل <خرّ> در معنای <سقط> به کار می رود که به معنای فرود از بالاـ به پایین است (لسان العرب) و <صمّاً> و <عمیاناً> حال برای فاعل <یخرّوا> است. گفتنی است فعل <لم یخرّوا> در معنای کنایی به کار رفته است و مقصود از آن ناخرسندی و امتناع کردن است; زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می دارد.

۲ پندپذیری و درس آموزی از آیات الهی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

۳ حرف شنوی و بصیرت ، از اوصاف بندگان خالص خدا

لم یخرّوا علیها صمًّا و

عمیانًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۴ – ۱۶،۱۴،۱۳،۴،۱

۱ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوک آنان ، مایه چشم روشنی و سرفرازی آنان در زندگی باشد .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

درباره <من> در <من أزواجنا. ..> دو احتمال وجود دارد: ۱ <من> ابتدائیه باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد>. ۲ <من> بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: <به ما روشنی چشمان که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۴ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار سرور و روشنی چشمان در پرتو اعطای همسر و فرزند به آنان هستند .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

۱۳ بندگان خالص خدا ، از خداوند می خواهند که خود و همسر و فرزندانشان ، الگو و مقتدای مردم تقواپیشه باشند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

۱۴ رسیدن به اوج مرتبه تقواپیشگی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

درخواست الگو و مقتدای تقواپیشگان شدن از سوی عباد الرحمان که خود از ایمان و تقوای بالایی برخوردارند حاکی از آن است که آنان خواستار بالاترین مرتبه تقواپیشگی اند، تا برای الگو و مقتدا شدن دیگر تقواپیشگان، شایسته باشند.

۱۶ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار در دست داشتن اداره

جامعه متقین و مردم تقوا پیشه اند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که مقصود از <امام> امامت و پیشوایی سیاسی و اجتماعی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۱،۴

۱ - پرهیز از عبادت و اطاعت طاغوت ها و سردمداران کفر و شرک ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خدا

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها

<طاغوت> در اصل به هر متجاوز و رئیس گمراه گر گفته می شود. این کلمه در قرآن، هم به این معنا آمده و هم در بت و صنم به کار رفته است. چنانچه این واژه در آیه شریفه در معنای نخست به کار رفته باشد، مقصود از عبادت (أن یعبدوها) اطاعت خواهد بود. گفتنی است آیه شریفه درصدد توصیف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است (که از آیات بعد نیز قابل استفاده است).

۴ - توبه و بازگشت به خدا ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است .

و أنابوا إلی اللّه

<إنابه> (مصدر <أنابوا>) به معنای رجوع است و <أنابوا إلی اللّه>; یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

صفوف بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۵ - ۴

۴ - به صف ایستادن در راه خدا ، از ویژگی های بندگان مخلَص خدا

إلّا عباد اللّه المخلصین . .. و إنّا لنحن الصافّون

عبرت پذیری بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۳ – ۴

۴ بندگان خالص خدای رحمان ، مردمی پندپذیر و

سپاس گزار در برابر نعمت های الهی

لمن أراد أن يذكّر أو أراد شكورًا . و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هونًا

برداشت فوق بر این اساس است که آیه شریفه مرتبط با آیه قبل و درصدد بیان اوصاف کسانی باشد که در جمله <لمن أراد أن یذکر أو أراد شکوراً> از آنان یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۲

۲ پندپذیری و درس آموزی از آیات الهی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذين إذا ذكّروا بأيت ربّهم لم يخرّوا عليها صمًّا و عميانًا

عقیده بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱،۲

۱ بندگان خالص خدا ، به جز < اللّه > ، چیزی را به خدایی نمی خوانند و معبودی را جز او نمی پرستند .

و عباد الرحمن . .. و الذين لايدعون مع اللّه إلهًا ءاخر

<إله> به معنای معبود است.

۲ اعتقاد به توحید و یگانه پرستی و دوری از شرک و چندگانه پرستی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذين لايدعون مع اللّه إلهًا ءاخر

علم بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۷

۷ - اذعان داوود و سلیمان (ع) به وجود کسانی عالم تر و برتر از ایشان در میان بندگان مؤمن خدا

و قالا الحمد للّه الذی فضّلنا علی کثیر من عباده المؤمنین

عوامل ترس بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ -

۲

۲ بـد و نـاگوار بودن جهنم برای انسـان ، موجب هراسـناکی و دست به دعا برداشـتن بنـدگان خالص خـدا به درگاه الهی برای رهایی از آن

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم . .. إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

برداشت فـوق، بـا تـوجه به این نکته است که جمله <إنّهـا سـاءت. ..> تعلیـل برای جمله <و الـذین یقولون ربّنـا اصـرف...> است; یعنی، چون جهنم جایگاه بدی است، بندگان خدا برای نجات خود از آن، دست به دعا برمی دارند.

عوامل تضرع بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۳

۳ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، سبب دست به دعا برداشتن و تضرع بندگان خالص خدا برای رهایی از آن عذاب

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرمًا

جمله <إنّ عـذابها. ..> در مقام تعلیل برای جمله قبل است; یعنی، به این سـبب بنـدگان خـدا از پروردگار خواسـتار رهایی از عذاب دوزخ اند که چون آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است.

عوامل دعای بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۲

۲ بـد و نـاگوار بودن جهنم برای انسـان ، موجب هراسـناکی و دست به دعا برداشـتن بنـدگان خالص خـدا به درگاه الهی برای رهایی از آن

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم . .. إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

برداشت فـوق، بـا تـوجه به این نکته است که جمله <إنّهـا سـاءت. ..> تعلیـل برای جمله <و الـذین یقولون ربّنـا اصـرف...> است; یعنی، چون جهنم جایگاه بدی است، بندگان خدا برای نجات خود از آن، دست

به دعا برمی دارند.

عوامل ذکر خدا از بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۲،۱۱

۲ - به یاد خدا بودن ، مایه جلب رضایت و توجه خاص خداوند است .

فاذکرونی أذکرکم

فعل <أذکر> در جواب امر قرار گرفته و لذا با حرف شرطی مقدر، مجزوم شده است. در نتیجه جمله با تقدیر آن چنین می شود: <فاذکرونی ان تذکرونی أذکرکم; به یاد من باشید، اگر به یاد من باشید به یاد شما خواهم بود.> یاد کردن خدا از بندگان، به معنای عنایت و توجه خاص به آنهاست.

۱۱ - < و روی ان رسول اللّه (ص) خرج علی اصحابه فقال : . . . قال سبحانه : فاذکرونی أذکرکم ; یعنی ، اذکرونی بالطاعه و العباده اذکرکم بالنعم و الاحسان و الرحمه و الرضوان ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند که فرموده <فاذکرونی أذکرکم> روایت شده که یعنی، مرا با اطاعت و عبادت خود یاد کنید تا شما را با نعمتها و احسان و رحمت و رضوان خود یاد نمایم>.

فضایل بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۲

۲ نماز ، برنامه بندگان خالص خدا در وقت شب زنده داری

و الذین یبیتون لربّهم سجّدًا و قیمًا

از دیدگاه مفسران، مقصود از <سجده> و <قیام> در آیه شریفه، نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۸

۸ – مغرور نشدن مردان الهی به علم و کمالات خود و احتمال وجود کسانی برتراز ایشان

در میان بندگان مؤمن خدا

و قالا الحمد للّه الذی فضّلنا علی کثیر من عباده المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۱۲

۱۲ - بندگانی که همواره در صدد بازگشت به خدایند ، از آیات الهی بهره می برند .

إنّ فی ذلک لأیه لکلّ عبد منیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۰ - ۱،۲

۱ - بندگان مخلَص خدا (بندگان خالص و برگزیده خدا) ، از عذاب دردناک الهی به دوراند .

إنّکم لذائقوا العذاب الألیم . .. إلاّ عباد اللّه المخلصین

بیشتر مفسران برآنند که مقصود و معنای <مخلصین> (خالص شدگان) این است: <الذین أخلصهم الله لنفسه و ولایته; کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است>. گفتنی است در برداشت یاد شده <إلا...> استثنای منقطع، از ضمیر <لذائقوا> گرفته شده است.

۲ - بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از پاداشی فراتر از مقدار اعمال و رفتار خویش

و ما تجزون إلاّ ما کنتم تعملون . إلاّ عباد اللّه المخلصین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <إلا. ..> استثنای منقطع از ضمیر <تجزون> باشد. بر این اساس، پیام آیه شریفه چنین می شود: همگان مطابق کردار خود، جزا و پاداش دارند; جز بندگان خالص خدا که فراتر و برتر از اعمال خود، پاداش دریافت خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۱ - ۱

۱ - بندگان مخلص خدا ، بهره مند از رزق و روزی ویژه و ممتاز الهی

إلاّ

عباد اللّه المخلصین . أولئک لهم رزق معلوم

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <رزق معلوم>، روزی مخصوص و تعیین شده برای بندگان خالص است; مانند آیه <و ما منّا إلاّ له مقام معلوم>، (همین سوره، آیه ۱۶۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - انواع میوه ها ، رزق و روزی مخصوص و ممتاز بندگان مخلَص خدا در بهشت

أُولئک لهم رزق معلوم . فوکه

<فواکه> (جمع <فاکهه>) بدل کل از <رزق معلوم> و یا خبر برای مبتدای محذوف است و تقدیر آن <ذلک الرزق فواکه> می باشد.

۲ - بندگان مخلص خدا ، مورد اکرام و گرامی داشت الهی اند .

و هم مکرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۳ - ۱

۱ - بندگان مخلَص خدا ، در بوستان های پرنعمت متنعم اند .

إلاّ عباد اللّه المخلصین . أُولئک ... مکرمون . فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۳

۳ - انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلَص خدا

إلاّ عباد اللّه المخلصین . .. فی جنّت النعیم ... و عندهم قصرت الطرف ... أذلک خ

<نزل> به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۷

۷ - دعای بندگان خالص خدا ، مورد استجابت الهی است

.

إلاّ عباد اللّه المخلصين . و لقد نادينا نوح فلنعم المجيبون . و نجّينه و أهله من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۰ - ۱،۲

۱ - تنها بندگان مخلَص خدا ، عارف به حق خدا و توصیف کننده شایسته او هستند .

سبحن اللّه عمّا یصفون . إلاّ عباد اللّه المخلصین

<إلاّ> استثنای منقطع و به معنای <لکن> است. مستثنی منه نیز در برداشت بالا، ضمیر فاعلی <یصفون> دانسته شده است. گفتنی است مقصود و معنای <مخلصین> این است: <الذین أخلصهم اللّه لنفسه و ولایته; کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است>.

۲ - تمامی انسان ها ، به جز بندگان مخلَص خدا ، از توصیف شایسته او ناتوان هستند .

سبحن اللّه عمّا یصفون . إلاّ عباد اللّه المخلصین

فلسفه دعای بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۳

۳ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، سبب دست به دعا برداشتن و تضرع بندگان خالص خدا برای رهایی از آن عذاب

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرمًا

جمله <إنّ عذابها. ..> در مقام تعلیل برای جمله قبل است; یعنی، به این سبب بندگان خدا از پروردگار خواستار رهایی از عذاب دوزخ اند که چون آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است.

کرامت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۵،۷

۵ بندگان خالص خدا ، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو

و بیهوده ، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند .

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

۷ بندگان خالص خدا ، مردمی بزرگوار و متین

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

کمی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۰ - ۵

۵- بندگان خالص خداوند ، در اقلیتند .

إلاّ عبادک منهم المخلصین

از آن جایی که مستثنی بنابر قاعده کمتر از مستثنی منه است و گرنه استثنا مستهجن خواهد بود، نکته یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۳ - ۵

۵ - بندگان خالص و برگزیده خداوند ، در اقلیت قرار دارند .

لأغوینّهم أجمعین . إلاّ عبادک منهم المخلصین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که غالباً مستثنی از مستثنی منه کمتر است و چون <مخلَصین> از مجموعه انسان ها استثنا شده است، به دست می آید که این بندگان مخلَص خدا، همواره در اقلیت قرار دارند.

گواهی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۳

۳ بندگان خالص خدا ، هرگز به باطل و دروغ ، شهادت و گواهی نمی دهند .

و الذین لایشهدون الزور

محبت اخروی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۴ - ۴

۴ - اُنس و محبت متقابل و بزم خوش ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه

شریفه در مقام بیان انواع نعمت های الهی برای بندگان خالص خداوند است.

مخالفان بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۹ - ۳

۳ - مشرکان ، در صف مخالف بندگان مخلَص خدا

لو أنّ عندنا ذکرًا من الأوّلین . لکنّا عباد اللّه المخلصین

مصونیت اخروی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۸ - ۱

۱ - از میان قوم الیاس ، تنها بندگان مخلَص خدا (بندگان خالص و برگزیده خدا) ، از احضار و کیفر الهی در روز رستاخیز درامان خواهند بود .

فإنّهم لمحضرون . إلاّ عباد اللّه المخلصین

طبق نظر مفسران، مقصود و معنای <مخلصین> (خالص شدگان) این است: <الذین أخلصهم اللّه لنفسه و ولایته; کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۰ - ۳

۳ - تنها بندگان مخلَص خدا ، معاف و آزاد از احضار شدن برای کیفر و مجازات

إنّهم لمحضرون . .. إلاّ عباد اللّه المخلصین

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <إلاّ عباد اللّه. ..> استثنا از ضمیر مفعولیِ <لمحضرون> باشد.

مصونیت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۲ – ۲

۲– ابلیس ، هیچ گونه سلطه ای بر بندگان خداوند ندارد و نمی تواند آنان را به اجبار به گمراهی بکشاند .

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

<سلطان> دست یافتن به چیزی از طریق قهر و اجبار

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۱

۱- بندگان مقرب خدا ، مصون از سلطه شیطان هستند .

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۵

۵ - بندگان مخلص خدا ، در امان از عذاب الهی

فانظر کیف کان عقبه المنذرین . إلاّ عباد اللّه المخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۳ - ۱

۱ - بندگان مخلَص (بندگان خالص شده و برگزیده خدا) ، از افتادن در دام اغواگری شیطان مصون و درامان اند .

لأغوینّهم أجمعین . إلاّ عبادک منهم المخلصین

بیشتر مفسران بر این باورانـد که مقصود و معنـای <مخلصـین> (خـالص شـدگان) این است: <الـذین أخلصـهم اللّه لنفسه و ولایته; کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است>.

مقامات اخروی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ بندگان خالص خدا ، در بهشت با درود و سلام روبه رو خواهند شد .

و یلقّون فیها تحیّه و سلمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۱

۱ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش بندگان خالص خدا

و عبادالرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه ... خلدین فیها حسنت مستقرًا و مقامًا

<مستقرّاً> تمیز برای ضمیر در <حسنت> و به معنای محل استقرار است و <مقام> اسم مکان

و به معنای اقامت گاه می باشد.

مقامات بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۹

۹ بندگان خالص خدا (عبادالرحمان) دارای منزلت و مقامی بس رفیع در پیشگاه خداوند

و عباد الرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه بما صبروا

<أُولئک> برای اشاره به بعید به کار می رود و در آیه شریفه برای بیان رفعت معنوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۲۱

۲۱ - مقام بندگان صالح ، بالاترین جایگاه کمالی انسان

أن أشکر نعمتک . .. و أن أعمل صلحًا... و أدخلنی برحمتک فی عبادک الصلحین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که سلیمان(ع) مقام <عباد صالح> را به عنوان آخرین و عالی ترین آرزوی خود مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۱ - ۲

۲ - بندگان مخلص خدا ، برخوردار از مقام و منزلتی بلند در پیشگاه خداوند

أولئک لهم رزق معلوم

اشاره کردن به بندگان خالص خدا با اسم اشاره بعید (اولئک) با آن که در آیه پیش از آنان سخن گفته شد گویای علو مرتبه و منزلت والای آنان در پیشگاه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۴ - ۴

۴ – هر یک از بندگان مخلَص خدا ، دارای مقام و منزلتی معین و معلوم در پیشگاه خداوند *

إلّا عباد اللّه المخلصین . .. و ما منّا إلّا له مقام معلوم

برداشت یاد شده با توجه به

دو نکته است: ۱ آیه شریفه چون پس از بحث از بندگان مخلَص خدا (عباد اللّه المخلصین) آمده است، می تواند در اوصاف اینان باشد. ۲ برخی از روایاتی که امامان معصوم و اوصیای الهی را مصداق آیه شریفه دانسته اند (نورالثقلین، ج ۴، ذیل آیه)، گویای همین مطلب است.

نجات بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۷۴ – ۱

۱ – بندگان مخلَص خدا (بندگان خالص و برگزیده خدا) ، تنها گروه نجات یافته از میان اقوام عذاب شده پیشین

فانظر کیف کان عقبه المنذرین . إلاّ عباد اللّه المخلصین

طبق نظر بیشتر مفسران، مقصود و معنای <مخلَصین> (خالص شدگان) این است: <الذین أخلصهم اللّه لنفسه و ولایته; کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است>.

نشانه های بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۱ – ۵

۵– اقامه نماز و انفاق در پنهان و آشکار ، از ویژگی ها و نشانه های بندگان راستین خداوند است .

قل لعبادی الذین ءامنوا یقیموا الصلوه و ینفقوا سرًّا و علانیه

نعمتهای اخروی بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۴ – ۴

۴ – اُنس و محبت متقابل و بزم خوش ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان انواع نعمت های الهی برای بندگان خالص خداوند

است.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۵ – ۴

۴ – شراب ناب ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۸ – ۱

۱ – بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهران خود ، چشم ندوخته و نظر نمی افکنند .

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <قاصرات الطرف> (چشم فروهشتگان)، زنانی اند که چشم از دیگران برگرفته و تنها به همسران خود می نگرند. گفتنی است که این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسران خود باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۲ – ۳

۳ – انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلَص خدا

إلاّ عباد اللّه المخلصین . .. فی جنّت النعیم ... و عندهم قصرت الطرف ... أذلک خ

<نزل> به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

نعمتهای بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۳ – ۱

۱ – بندگان مخلَص خدا ، در بوستان های پرنعمت متنعم اند .

إلاّ عباد اللّه المخلصین . أُولئک ... مکرمون . فی جنّت النعیم

نگرانی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۸

بندگان خالص خدا ، بسیار نگران و هراسناك از لغزش خویش و نافرمانی خدا

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاكان غرامًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عذاب دوزخ برای کیفر دادن مجرمان است. بنابراین ترس عبادالرحمان از عذاب دوزخ، حاکی از آن است که آنان از جرم و خطایی که مرتکب شده اند هر چند ارتکاب جرم از ایشان بسیار کم اتفاق می افتد بسیار نگران و مضطرب اند.

نماز بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۴ – ۲

۲ نماز ، برنامه بندگان خالص خدا در وقت شب زنده داری

و الذین یبیتون لربّهم سجّدًا و قیمًا

از دیدگاه مفسران، مقصود از <سجده> و <قیام> در آیه شریفه، نماز است.

نیازهای معنوی بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۳ – ۷

۷ – تمامی ره پویان مسیر هدایت ، حتی بندگان مقرب الهی ، نیازمند بشارت های پیوسته و مستمر خداهستند .

یبشّر اللّه عباده الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

برداشت یاد شده باتوجّه به دومطلب است: الف) بندگان مقرب الهی از <عباده الذین ءامنوا> استفاده می شود. ب) با توجه به واژه <یبشّر> که از باب تفعیل و مفید تکرار است این نکته بر می آید که مؤمنان صالح، نیازمند بشارت های مداوم خداوند هستند.

وراثت بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۳ – ۱

۱– بندگان تقواپیشه خداوند ، وارثان بهشت اند .

تلك الجنّه التی نورث من عبادنا من کان

تقیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۵ – ۱،۷

۱– به ارث بردن زمین و تسلط بر منافع آن به وسیله بندگان صالح ، امری ثبت شده در کتاب تورات و زبور

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصلحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که: ۱ الف و لام <الزبور> برای عهد و مقصود از آن کتاب آسمانی داوود(ع) باشد; چنان که در آیه ۱۶۳، سوره <نساء> آمده است (و آتینا داوود زبوراً); ۲ مقصود از <الذکر> تورات باشد; چنان که این نام در قرآن بر تورات اطلاق شده است (انبیا، آیه ۴۸); ۳ <من بعد الذکر> متعلق به <کتبنا> باشد.

۷– بشارت خداوند به وراثت بهشت برای بندگان صالح خویش

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <الأرض> بهشت باشد، چنان که در برخی از آیات به صراحت چنین آمده است: <و أورثنا الأرض نتبؤأ من الجنّه حیث نشاء فنعم أجر العاملین> (سوره زمر (۳۹) آیه ۷۴).

وسعت حاکمیت بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۶ – ۳

۳– وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی خود ، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جاجای کره زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون . إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضمون آیه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و

بشارت الهی است.

وعده به بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۳

۳- وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی خود ، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جاجای کره زمین

أنّ الأرض يرثها عبادى الصلحون . إنّ فى هذا لبلغًا لقوم عبدين

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضمون آیه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و بشارت الهی است.

ویژگیهای بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۳،۵

۳ - اظهار ایمان و طلب آمرزش از درگاه پرودگار در دنیا ، ویژگی بندگان صادق خدا

إنّه كان فريق من عبادى يقولون ربّنا ءامنّا فاغفر لنا

۵ - بندگان شایسته خدا ، همواره معترف به ایمان و بیمناک از کاستی اعمال خویش

إنّه كان فريق من عبادى يقولون ربّنا ءامنّا فاغفر لنا و ارحمنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۵ - ۴

۴ - به صف ایستادن در راه خدا ، از ویژگی های بندگان مخلَص خدا

إلاّ عباد اللّه المخلصين . .. و إنّا لنحن الصافّون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۶۶ – ۲

۲ – تسبیح و تنزیه مستمر خداوند ، از اوصاف بندگان مخلَص خدا

إلّا عباد اللّه المخلصين . .. و إنّا لنحن المسبّحون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف –

۱ - ۶۹ - ۴۳

۱ - ایمان به آیات الهی و تسلیم محض بودن در برابر خداوند ، دو ویژگی بارز بندگان خاص خداوند است .

یعباد . .. الذین ءامنوا بایتنا و کانوا مسلمین

هدایت پذیری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۲

۲ - تنها بندگان مخلص خدا ، پذیرای دعوت رسولان الهی و برحذرکننده از اخطار های ایشان بودند .

إلّا عباد اللّه المخلصین

هدفداری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۹

۹ زندگی بر مبنای هدفی معقول و مفید ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین لایشهدون الزور و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

اجتناب کردن بندگان خالص خدا از مجالس باطل (لایشهدون الزور) و نیز پرهیز از لغو و بیهودگی، حاکی است که از آن است که آنان در زندگی، دارای هدفی معقول و مفیداند.

همسران بهشتی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۱،۳

۱ - بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهران خود ، چشم ندوخته و نظر نمی افکنند .

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <قاصرات الطرف> (چشم فروهشتگان)، زنانی اند که چشم از دیگران برگرفته و تنها به همسران خود می نگرند. گفتنی است که این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسران خود باشد.

۳ - بندگان مخلَص خدا در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <طرف> می تواند نگاه همسران زنان

بهشتی باشد; یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

بنی اسرائیل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱،۲،۲۱،۲۳

۱ عیسی (ع) ، فرستاده و رسولی از جانب خداوند ، به سوی بنی اسرائیل

و رسولا الی بنی اسرائیل

۲ بنی اسرائیل ، مخاطبان اصلی رسالت عیسی (ع) *

و رسولا الی بنی اسرائیل

۲۱ مخاطبان عیسی (ع) (بنی اسرائیل) مدّعی ایمان به خدا

ان کنتم مؤمنین

برخی مفسّران برآنند که <ان کنتم مؤمنین> یعنی: اگر ایمان به خدا دارید این معجزات نشانه نبوّت من (عیسی) خواهد بود.

۲۳ خبر دادن غیبی حضرت عیسی (ع) ، از مأکولات و ذخایر بنی اسرائیل در خانه هایشان ، از سن هفت یا هشت سالگی

و انبّئکم بما تأکلون و ما تدّخرون فی بیوتکم

امام صادق (ع): . .. و مکث عیسی (ع) حتّی بلغ سبع سنین او ثمانیاً فجعل یخبرهم بما یأکلون و ما یدّخرون فی بیوتهم.

بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۵۱، ح ۴۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۸۴، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۱ - ۱

۱ عیسی (ع) ، بنی اسرائیل را به توحید ربوبی و پرستش خدا دعوت کرد .

انّ اللّه ربّی و ربّکم فاعبدوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹۳ – ۱۲،۱۰،۶

۶ بنی اسرائیل ، مدّعی حرمت برخی از خوردنی

ها و انتساب آن به تورات

کل الطّعام کان حلا لبنی اسرائیل . .. قل فأتوا بالتوریه فاتلوها

۱۰ نسبت های ناروا و دروغ بستن بنی اسرائیل ، به تورات

قل فأتوا بالتوریه فاتلوها ان کنتم صادقین

۱۲ تورات ، ناسخ حرمت برخی از خوردنی ها بر بنی اسرائیل

کل الطعام کان حلا لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزل التوری

بنابراینکه <من قبل> متعلق به <حرّم> باشد; یعنی حرمتهای وضع شده برای بنی اسرائیل توسط یعقوب (ع)، تا قبل از نزول تورات بوده است.

آبیاری در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۴

۴ - قوم موسی ، از گاو برای شخم زنی و آبیاری کشتزار ها استفاده می کردند .

لاذلول تثیر الأرض و لاتسقی الحرث

آثار آرامش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۵

۵- هشدار خداوند به بنی اسرائیل ، در غافل نشدن از آخرت پس از دستیابی به آرامش و حاکمیت

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الأخره جئنا بکم لفیفًا

آثار احسان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷ – ۲

۲– روی آوردن بنی اسرائیل به نیکوکاری و احسان ، زمینه ساز بازگشت قدرت و رفاه به آنان

ثمّ رددنا لکم الکرّه . .. إن أحسنتم أحسنتم لأنفسکم و إن أسأتم فلها

جمله <إن أحسنتم. ..> می تواند اشاره به این باشد که اگر شما راه صلاح و خیر در پیش گیرید، نتیجه آن که همان قدرت، رفاه و آسایش

است نصیب شما خواهد شد.

آثار اذیتهای بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۵ – ۹

۹ – بنی اسرائیل ، بر اثر پافشاری بر آزاررسانی به موسی (ع) ، از راه راست منحرف شدند .

لم تؤذوننی . .. فلمّا زاغوا

<زیغ> به معنای میل و انحراف است.

آثار استقامت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۰ – ۹

۹ نجات بنی اسرائیل از شر فرعون و اطرافیانش ، ثمره استقامت و پایداری آنان بود .

فاستقیما . .. و جوزنا ببنی إسرءیل البحر ... حتی إذا أدرکه الغرق

آثار افساد بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵ – ۱۸

۱– انتقام خداوند از بنی اسرائیل ، به وسیله نیروهایی توانمند و جنگاور ، در پی نخستین فسادانگیزی آنان

فإذا جاء وعد أُولهما بعثنا علیکم عبادًا لنا أُولی بأس شدید

<بأس> در لغت به معنای شدت در جنگ است و <أُولی بأس> توانمندی و جنگاوری را معنا می دهد.

۸– در امان نبودن بنی اسرائیل حتی در زوایای خانه های خود ، به دنبال فسادانگیزی و تعقیب قرار گرفتنشان از سوی مردانی جنگاور

فجاسوا خلل الدیار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷ – ۱۰،۹،۷

۷- فسادانگیزی و بدکرداری بنی اسرائیل ، زمینه ساز شکست و نابودی آنان

بعثنا علیکم عبادًا لنا . .. و إن أسأتم فلها فإذا جاء وعد الأخره لیسئوا وجوهکم

جمله <إن أسأتم> می تواند تبیین کننده علت شکست نخستین و

سرکوب شدن بعدی بنی اسرائیل باشد; یعنی، شکستهای آنان نمونه و مصداقی از نتیجه بدیهای آنهاست.

۹- مورد تاخت و تاز قرار گرفتن بنی اسرائیل به وسیله جنگاورانی قدرتمند ، با فرا رسیدن دومین مرحله فسادانگیزی آنان و هویدا شدن غبار غم و شکست در چهره آنها

فإذا جاء وعد الأخره لیسئوا وجوهکم

ضمیر فاعلی <هم> در <لیسئوا> به <عباداً> باز می گردد و لام در آن برای تعلیل است; یعنی، بندگان ما برای اندوهگین کردن شما (بنی اسرائیل) بیایند.

۱۰- فتح مسجدالاقصی ، توسط جنگاورانی نیرومند و ر ها شدن آن از دست بنی اسرائیل ، در پی فسادانگیزی مجدد آنان

و لیدخلوا المسجد کما دخلوه أوّل مرّه

نوع مفسّران برآنند که مقصود از <المسجد>، مسجدالأقصی است.

آثار انحراف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، دل های بنی اسرائیل را بر اثر انحراف آنان از حق ، منحرف کرد .

فلمّا زاغوا أزاغ اللّه قلوبهم

آثار ایمان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۳

۳- گواهی و ایمان بنی اسرائیل و یهود به حقانیت قرآن ، حجتی علیه کافران و مشرکان

إن کان من عند اللّه و کفرتم به و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله

خداونـد، ایمان فردی از یهود را که آگاه به تورات و مفاد آن بود گواهی بر حقانیت قرآن شـمرده است و به کافران تذکر داد و به آن احتجاج کرده است.

آثار ایمان زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر

- ۴۰ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - خطر آفرین نبودن ایمان دختران بنی اسرائیل به آیین موسی ، برای حکومت و اقتدار فرعونیان

و استحیوا نساءهم

فرمان زنده نگه داشتن دختران مؤمنان به موسی(ع) علی رغم فرمان عمومی کشتار فرزندان آنان می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

آثار تجاوزگری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۲

۳۲ - عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر کشتن پیامبران بود .

یکفرون بأیت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا> کفر به آیات خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذلک در <ذلک بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت <ذلت و ...> شمرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۳

۳ - خداوند ، اصحاب سبت (تجاوزکاران یهود در روز شنبه) را به بوزینه هایی مطرود تبدیل کرد .

فقلنا لهم کونوا قرده خسئین

<قِرْد> (مفرد قِرَدَة) به معنای میمون است. <خاسیء> به معنای مطرود و نیز به معنای حقیر و ذلیل می باشد و کلمه <خاسئین> خبر دوم برای <کونوا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۴

۴ - اختلاف بنی اسرائیل در مسائل دینی و اجتماعی ، اختلافی آگاهانه و معلول جاه طلبی و تجاوزگری آنان

فما اختلفوا إلاّ من بعد ما

جاءهم العلم بغيًا بينهم

<فاء> در <فما اختلفوا> اختلاف بنی اسرائیل را بر <آتینا بنی اسرائیل الکتاب و الحکم. ..> تفریع کرده است; یعنی، ما به بنی اسرائیل هم شریعت دادیم و هم اقتدار و حکومت اما آنان به اختلاف گراییدند. این اختلاف در آیه شریفه مطلق است که می تواند شامل مسائل دینی و اجتماعی (کتاب و حکومت) باشد.

آثار جاه طلبی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۴

۴ - اختلاف بنی اسرائیل در مسائل دینی و اجتماعی ، اختلافی آگاهانه و معلول جاه طلبی و تجاوزگری آنان

فما اختلفوا إلاّ من بعد ما جاءهم العلم بغيًا بينهم

<فاء> در <فما اختلفوا> اختلاف بنی اسرائیل را بر <آتینا بنی اسرائیل الکتاب و الحکم. ..> تفریع کرده است; یعنی، ما به بنی اسرائیل هم شریعت دادیم و هم اقتدار و حکومت اما آنان به اختلاف گراییدند. این اختلاف در آیه شریفه مطلق است که می تواند شامل مسائل دینی و اجتماعی (کتاب و حکومت) باشد.

آثار جهل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۸ - ۳

۳ - موسی (ع) ، جهالت مردم را پایه طغیان فرعون دانست .

یفقهوا قولی

تأکید موسی(ع) بر آگاه سازی اطرافیان فرعون در جهت مبارزه با طغیان گری او گویای این است که موسی(ع)، ریشه موفقیت فرعون را در ناآگاهی اطرافیانش می دانست.

آثار حاکمیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۵

۵- هشدار خداوند به بنی اسرائیل

، در غافل نشدن از آخرت پس از دستیابی به آرامش و حاکمیت

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الأخره جئنا بکم لفیفًا

آثار حکومت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - کتاب ، حکومت ، نبوت و اقتصادی شکوفا ، عوامل برتری بنی اسرائیل بر ملت های عصر خویش *

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل الکتب . .. و فضّلنهم علی العلمین

<فضّلناهم. ..>، ناظر به نتیجه موهبت هایی است که خداوند در گذشته به بنی اسرائیل عطا کرده بود.

آثار رشد اقتصادی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - کتاب ، حکومت ، نبوت و اقتصادی شکوفا ، عوامل برتری بنی اسرائیل بر ملت های عصر خویش *

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل الکتب . .. و فضّلنهم علی العلمین

<فضّلناهم. ..>، ناظر به نتیجه موهبت هایی است که خداوند در گذشته به بنی اسرائیل عطا کرده بود.

آثار رفاه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۷

۳۷ - شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش ، زمینه ساز عصیانگری ، تجاوز ، کشتن پیامبران و کفرشان بود .

لن نصبر علی طعام وحد . .. اهبطوا مصراً ... و ضربت علیهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه; یعنی، <و ضربت علیهم الذله . ..> با بخش اول آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۸

۸- فسادانگیزی مجدد بنی

اسرائیل ، پس از رسیدن به قدرت و رفاه

لتفسدنّ فی الأرض مرّتین . .. ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم ... فإذا جاء وعد الأخره

آثار شکست بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱۲

۱۲- روی کرد عمومی بنی اسرائیل به صلاح و شایستگی ، پس از تحمل مجازات افساد خویش و قبول شکست از مردانی جنگاور

لتفسدنّ فی الأرض . .. بعثنا علیکم عبادًا لنا أُولی بأس شدید ... ثمّ رددنا لکم ال

قرینه دو آیه بعد <إن عدتم عدنا> دلالت می کند بر اینکه بنی اسرائیل پس از شکست خود، متنبه شده اند و برای همین جهت، خداوند هم آنان را امداد کرده است.

آثار ظلم به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۴

۴- غرق شدن فرعون و تمامی همراهانش به اراده خداوند ، در پی تصمیم ظالمانه وی علیه موسی (ع) و بنی اسرائیل

فأراد . .. فأغرقنه و من معه جمیعًا

آثار عصیان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۲

۳۲ - عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر کشتن پیامبران بود .

یکفرون بأیت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا> کفر به آیات خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران،

ذلک در <ذلک بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و

تجاوز را نیز علت <ذلت و ...> شمرده اند.

آثار عهد شکنی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۶

۶ - بنی اسرائیل بر اثر شکستن پیمان الهی ، در آستانه زیانکاری و تباه کردن هستی خویش ، قرار گرفتند .

فلولا فضل اللّه علیکم و رحمته لکنتم من الخسرین

آثار قتلهای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۹

۲۹ - انکار آیات الهی و کشتن انبیا ، موجب خوار گشتن و درمانده شدن همیشگی بنی اسرائیل شد .

ذلک بأنهم کانوا یکفرون بأیت اللّه و یقتلون النبیین

<ذلک> اشاره به <ذله>، <مسکنه> و <غضب الهی> است و باء در <بأنهم> سببیه می باشد.

آثار قدرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۸

۸- فسادانگیزی مجدد بنی اسرائیل ، پس از رسیدن به قدرت و رفاه

لتفسدنّ فی الأرض مرّتین . .. ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم ... فإذا جاء وعد الأخره

آثار کفر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ – وجود ریشه های کفر در قوم موسی ، منشأ عشق ورزی آنان به پرستش گوساله شد .

و أشربوا فی قلوبهم العجل

آثار کیفر بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶ – ۱۲

۱۲– روی کرد عمومی بنی اسرائیل به صلاح و شایستگی ، پس از تحمل مجازات افساد خویش و قبول شکست از

مردانی جنگاور

لتفسدنّ فی الأرض . .. بعثنا علیکم عبادًا لنا أُولی بأس شدید ... ثمّ رددنا لکم ال

قرینه دو آیه بعد <إن عدتم عدنا> دلالت می کند بر اینکه بنی اسرائیل پس از شکست خود، متنبه شده اند و برای همین جهت، خداوند هم آنان را امداد کرده است.

آثار گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱

۱ - موسی (ع) در پی آگاه شدن از گمراهی بنی اسرائیل همراه با خشم و اندوهی شدید ، به نزد آنان بازگشت .

و أضلّهم السامریّ . فرجع موسی إلی قومه غضبن أسفًا

با توجه به آیات دیگر قرآن در این زمینه و نیز قرینه های موجود در همین آیات، چنین برمی آید که گمراه شدن بنی اسرائیل به دست سامری در میقات چهل روزه موسی(ع)، اتفاق افتاده بود و رجوع موسی(ع) به قوم خود نیز پس از پایان میقات بوده است. <غضبان> چنان که برخی از اهل لغت گفته اند به شخصی گفته می شود که غضب شدیدی داشته باشد و <أسف> به فرد خشمگینی گفته می شود که بر چیزی افسوس می خورد (لسان العرب).

آثار گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۶،۱۷

۱۶ - تمرد و سرپیچی قوم موسی از فرمان های تورات و دستورات موسی ، برخاسته از شوق آنان به گوساله پرستی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جمله <و أشربوا . ..> حال معلله است; یعنی، بیان می دارد که علت عصیان و

نافرمانی یهود، عشقشان به گوساله پرستی بوده است.

۱۷ – اشتیاق قوم موسی به گوساله پرستی ، تعیین کننده موضعگیری های آنان در برابر فرمان های الهی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۴ – ۱،۲

۱ – موسی (ع) با مشاهده گوساله پرستی بنی اسرائیل ، پس از بازگشت از میقات ، به شدت خشمگین شد .

یبنؤُمّ لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

گرفتن سر و ریش هارون، نشان شدت از ناراحتی موسی(ع) در مورد انحراف بنی اسرائیل دارد.

۲ – موسی (ع) با گرفتن سر و ریش هارون ، او را در باره گوساله پرست شدن بنی اسرائیل در غیاب خود مورد بازخواست قرار داد .

یهرون ما منعک . .. لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

آثار لجاجت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۵ – ۹

۹ – بنی اسرائیل ، بر اثر پافشاری بر آزاررسانی به موسی (ع) ، از راه راست منحرف شدند .

لم تؤذوننی . .. فلمّا زاغوا

<زیغ> به معنای میل و انحراف است.

آثار موفقیت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۰ – ۸

۸ - پیروزی بنی اسرائیل در آزمون الهی با تحمل رنج ها و سختی ها ، موجب تحقق نصرت الهی و نجاتشان شد .

یسومونکم سوء العذاب . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم. و إذ فرقنا بکم البحر

آیه قبل که بیانگر آزمون الهی از بنی اسرائیل و تحمل رنجها و

سختیها از سوی آنان بود، توضیح دهنده سببیت بنی اسرائیل در شکافته شدن دریاست; یعنی، چون بنی اسرائیل آن گونه عمل کردند شایستگی آن را پیدا کردند که خداوند با شکافتن دریا، آنان را نجات دهد و دشمنانشان را هلاک سازد.

آثار نبوت در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - کتاب ، حکومت ، نبوت و اقتصادی شکوفا ، عوامل برتری بنی اسرائیل بر ملت های عصر خویش *

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل الکتب . .. و فضّلنهم علی العلمین

<فضّلناهم. ..>، ناظر به نتیجه موهبت هایی است که خداوند در گذشته به بنی اسرائیل عطا کرده بود.

آثار هجرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۶

۶ - نجات بنی اسرائیل از ستم فرعونیان ، بدون کوچ دادن آنان از مصر و بیرون آوردنشان از جامعه فرعونی ممکن نبود .

فأرسل معنا بنی إسرءیل و لاتعذّبهم

عطف <لاتعذّبهم> بر <أرسل> گویای این نکته است که درخواست <ارسال> به منظور نجات از عذاب و شکنجه است بنابراین، بدون هجرت، امکان رهایی در کار نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۵ - ۴

۴ - گریز بنی اسرائیل از مصر ، تهدیدی علیه منافع فرعونیان

و إنّهم لنا لغائظون

چنانچه خشم فرعونیان به خاطر این باشد که با گریز بنی اسرائیل از مصر، نیروی کار عظیمی از دستشان خارج می شد و زیان بسیاری بر آنان وارد می گشت، برداشت یاد شده به دست می آید.

آزادی

اسیران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۹،۱۲

۹ - بنی اسرائیل برای آزادی اسیران همکیش خود ، هر چند که خود با آنان نبرد کرده و یا از دیارشان بیرون رانده بودند ، فدیه می دادند .

و إن یأتوکم أسری تفدوهم

ضمیر در <یأتوا> به <فریقاً> بر می گردد. <مفادات> (مصدر تفادوا) به معنای پرداخت فدیه برای آزادسازی اسیر و مانند آن است. بنابراین جمله <إن یأتوکم أساری ...> چنین معنا می شود: اگر همان طایفه - که از خانه هایشان بیرون راندید - اسیر دشمن می شدند با پرداخت فدیه آنان را آزاد می کردید.

۱۲ بنی اسرائیل ، پس از به اسارت درآمدن همکیشانشان ، برای آزاد کردنشان از آنان فدیه دریافت می کردند .

و إن یأتوکم أسری تفدوهم

برخی از اهل لغت <تفادوا> را به معنای <فدیه می گرفتید> نیز دانسته اند. بر این اساس جمله <و إن یأتوکم ...>; یعنی، و اگر همکیشان شما به عنوان اسیر در نزد شما می آمدند، برای آزاد کردنشان از آنان فدیه می گرفتید.

آشنایی بنی اسرائیل با تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۵

۵- بنی اسرائیل به سرگذشت قوم نوح ، عاد و ثمود آشنایی داشتند .

ألم یأتکم نبؤا الذین من قبلکم قوم نوح و عاد و ثمود و الذین من بعدهم

آگاهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ آگاهی های تاریخی ، می تواند دارای نقشی سازنده برای

آدمی باشد .

یبنی إسرائیل اذکروا نعمتی التی أنعمت علیکم

به یاد آوردن نعمتهای گذشته - که نوعی آگاهی تاریخی است - مورد سفارش و توصیه خداوند قرار گرفته است و از آنجا که سفارشهای خداوند همواره در راستای سازندگی انسان و هدایت اوست، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، آگاه به سرگذشت شوم اصحاب سبت و علل آن هستند .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خسئین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱،۲،۳

۱ بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای پرستش ، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند .

و لما سقط فی أیدیهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله <سقط فی أیدیهم> کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد ; به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

۲ بنی اسرائیل پس از آگاهی به گمراهی خویش ، از گوساله پرستی توبه کردند و به گناه خویش معترف شدند .

قالوا لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

۳ بنی اسرائیل پس از اذعان به گمراهی خویش ، به این حقیقت رسیدند که نجاتشان از فرجام شوم گوساله پرستی در گرو شمول رحمت خدا و مغفرت اوست .

قالوا لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

آل فرعون و بنی

اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱

۱ - بنی اسرائیل همواره تحت سیطره خاندان فرعون ، به شکنجه های سخت گرفتار بودند .

و إذ نجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوءالعذاب

<سَوْم> (مصدر یسومون) به معنای تحمیل کردن است. اضافه <سوء> به <العذاب> اضافه صفت به موصوف می باشد; یعنی: العذاب السوء.

آلودگی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۸

۸ آلودگی بنی اسرائیل به شرک و گوساله پرستی ، از میان برنده زمینه ابلاغ تورات و تعلیم پیام ها و موعظه های آن

و ألقی الألواح

گویا هدف از بیان این بخش از داستان که موسی(ع) با مشاهده گوساله پرستی تورات را بر زمین افکند، این نکته باشد که موسی(ع) جامعه نابخرد خویش را شایسته تورات ندانست و زمینه تعالیم آن را بر باد رفته دید و لذا آن را بر زمین نهاد.

آمادگی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۷

۷ - بنی اسرائیل ، دارای آمادگی لازم برای هجرت از مصر و رهایی از عذاب فرعون

أسر بعبادی

حرکت شبانه، گریختن از چنگ کسانی است که برای آن حرکت، مانع ایجاد می کنند. بنابراین ماندن بنی اسرائیل نزد فرعونیان، برخلاف میل آنان بوده است.

آمرزش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۴

۴ - خداوند ، گناه پیمان شکنی بنی اسرائیل را بخشود .

فلولا فضل اللّه علیکم و رحمته

شمول فضل و رحمت الهی

پس از بیان خطا و گناه، کنایه از عفو و گذشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۱ – ۹

۹ خداوند نوید بخش آمرزش گناهان بنی اسرائیل در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود و سکونتشان در بیت المقدس

اسکنوا . .. و ادخلوا الباب سجداً نغفر لکم خطیئتکم

ظاهر این است که <نغفر لکم> جواب برای همه اوامری است که در آیه مطرح شده. بنابراین تقدیر چنین است: <إن تسکنوا و تأکلوا و تقولوا و تدخلوا الباب سجداً نغفر لکم>.

آمرزش تائبان بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۳ – ۴

۴ خداوند گناه آن گروه از بنی اسرائیل را که پس از گوساله پرستی توبه کرده و با ایمان به یکتایی خدا به پرستش او بازگشتند ، آمرزید و آنان را مشمول رحمت خویش قرار داد .

و الذین عملوا السیئات ثم تابوا من بعدها و ءامنوا

مصداق مورد نظر برای <الذین عملوا السیئات>، به دلیل آیات پیشین، گوساله پرستان بنی اسرائیل است. این آیه در حقیقت استثنایی برای آیه پیشین است.

آمرزش گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۳ – ۱۱،۱۲

۱۱ آمرزش گناه گوساله پرستان بنی اسرائیل مؤثر در پیشبرد اهداف رسالت موسی (ع)

إن ربک من بعدها لغفور رحیم

مخاطب در جمله <إن ربک . .. > حضرت موسی(ع) است. در اینکه چرا خداوند در بیان آمرزش گناهان بنی اسرائیل، موسی(ع) را مورد خطاب قرار داده و کلمه <رب> را به

آن اضافه کرده، دو وجه می توان ذکر کرد: بخشش گناه بنی اسرائیل در راستای ربوبیت خدا بر موسی و طبعاً در راستای پیشبرد رسالت اوست. توصیه ای است به موسی(ع) که تو نیز از خطاها و لغزشهای قومت، در صورت توبه، درگذر و آنها را نادیده انگار. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۲ گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا ، توصیه خداوند به موسی (ع) *

إن ربک من بعدها لغفور رحیم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی(ع) ذکر شد. یعنی <ربک> اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها درگذر.

آمرزش محسنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۶

۱۶ خداوند نیکوکاران بنی اسرائیل را در صورت اطاعت از فرمان های الهی ، علاوه بر بخشایش گناهان ، به پاداش افزونتر نوید داد .

سنزید المحسنین

در برداشت فوق محسنان مقابل گناهکاران قرار داده نشده، بلکه به معنای لغوی آن (نیکوکاران) گرفته شده است. بر این مبنا آیه شریفه ناظر به تقسیم بنی اسرائیل به دو گروه گنهکار و پاکدامن نیست، بلکه آنان را به دو گروه محسنان و غیر محسنان تقسیم کرده است. جمله <نغفر لکم ... > می رساند که خدا گناه همگان چه محسن و چه غیر محسن را خواهد بخشید، ولی به نیکوکاران پاداشی افزونتر عنایت خواهد کرد.

آوارگی بنی اسرائیل

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۶ – ۱۶،۱۷

۱۶ اخراجِ از وطن و اسارت فرزندان بنی اسرائیلِ زمان طالوت ، محرک آنان به پیکار علیه متجاوزان

و قد اُخرجنا من دیارنا و ابنائنا

۱۷ تسلط ستمگرانی پس از موسی (ع) بر بنی اسرائیل و اخراج آنان از دیارشان و به اسارت گرفتن فرزندان آنان

و قد اُخرجنا من دیارنا و ابنائنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۱ – ۱۴

۱۴ ورود بنی اسرائیل به شام ، پس از توبه و رضایت خداوند از ایشان ، در پایان چهل سال سرگردانی

یقوم ادخلوا الارض المقدسه

از امام باقر(ع) روایت شده که بعد از تلاوت آیه فوق فرمود: . .. ثم دخلوها بعد اربعین سنه ... و ما کان خروجهم من مصر و دخولهم الشام الا من بعد توبتهم و رضاء اللّه عنهم ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۷۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۷، ح ۱۱۴.

آیات خدا در بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۰ – ۱

۱ – حضرت عیسی و مادرش مریم (ع) ، نشانه ای الهی برای امت پس از حضرت موسی (ع)

ثمّ أرسلنا موسی . .. و جعلنا ابن مریم و اُمّه ءایه

آینده بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۱

۱۱ بنی اسرائیل با انحراف های خویش ، آینده ناگوار و شومی را برای خود ترسیم نمودند

.

لبئس ما قدمت لهم انفسهم

ابتلای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند با گرفتار سازی بنی اسرائیل به عذاب های سهمگین فرعونی ، آنان را به آزمونی بزرگ مبتلا ساخت .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

کلمه <بلاء> در لغت به معنای آزمون و نیز به معنای نعمت آمده است. مشارالیه <ذلکم> یا <عذاب> است، یا رهایی از عذاب (نجیناکم). برداشت فوق مبتنی بر این است که <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به خود عذاب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ خداوند با گرفتار ساختن بنی اسرائیل به عذاب های سهمگین فرعونی ، آنان را آزمونی بزرگ مبتلا ساخت .

یسومونکم سوء العذاب . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

کلمه <بلاء> می تواند به معنای آزمون و نیز به معنای نعمت باشد. مشارالیه <ذلکم> یا عذاب است و یا رهایی از آن. در برداشت فوق <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به خود عذاب گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۶

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه . .. و أنزلنا علیهم المن و السلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۷

۱۷- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، آزمایش بزرگ الهی از آنان بود .

إذ

أنجكم من ءال فرعون . .. و فى ذلكم بلاء من ربّكم عظيم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> نجات بنی اسرائیل به وسیله خداوند از اعمال ظالمانه فرعونیان باشد.

ابتلای بنی اسرائیل به کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱

۱ - قوم موسی ، پس از نجات از سیطره فرعون و گذر از دریا ، در سرزمینی به دور از آب حرکت می کردند و کمبود شدید آب مبتلا بودند .

و إذاستسقی موسی لقومه

ابتلای بنی اسرائیل به گرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱

۱ - قوم موسی پس از نجات از سلطه فرعونیان و گذر از دریا ، در بیابان ها به گرمای سوزان خورشید گرفتار شدند .

و ظللنا علیکم الغمام

<تظلیل> مصدر <ظللنا> - که به معنای سایه قرار دادن می باشد - گویای این است که: قوم موسی پس از گذشتن از دریا، در جایی که سقف و دارای سایه بانی باشد سکونت نکردند و لذا کلمه <بیابانها> در برداشت آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۶،۱۷

۱۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به گرمای سوزان خورشید گرفتار شدند .

و ظلّلنا علیهم الغمم

۱۷ خداوند با سایه گستر ساختن ابر ها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

و ظلّلنا علیهم الغمم

>غمامه< به معنای ابر و جمع آن غمام است. (لسان العرب). برخی از اهل لغت برآنند که غمام به

معنای ابر سفید است. <تظلیل> (مصدر ظلّلنا) به معنای سایه قرار دادن است.

ابزار امتحان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۲

۲ - گوساله سامری ، وسیله فتنه و آزمون بنی اسرائیل بود .

إنّما فتنتم به

ابعاد دین بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۸

۸ - آیین بنی اسرائیل ، دارای ابعاد اعتقادی ، اجتماعی ، عبادی و اقتصادی

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین إحساناً . .. و ءاتوا الزکوه

اتکای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۵

۵ - اتکای قوم موسی به مشیت و خواست خدا ، در دستیابی به گاوی که باید ذبح می کردند .

و إنا إن شاء اللّه لمهتدون

اتمام حجت بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۳

۳ - پدید آمدن اختلاف در میان بنی اسرائیل ، در پی اتمام نعمت و حجت الهی بر آنان

و لقد ءاتينا بنى إسرءيل الكتب و الحكم . .. و ءاتينهم بيّنت من الأمر فما اختلف

اتمام نعمت بر بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جاثيه - ۴۵ - ۱۷ - ۳

۳ - پديد آمدن اختلاف در ميان بنى اسرائيل ، در پى اتمام نعمت و حجت الهى بر آنان

و لقد ءاتينا بنى إسرءيل الكتب و الحكم . .. و ءاتينهم بيّنت من الأمر فما اختلف

اثار شهر نشينى بنى اسرائيل

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۷

۳۷ - شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش ، زمینه ساز عصیانگری ، تجاوز ، کشتن پیامبران و کفرشان بود .

لن نصبر علی طعام وحد . .. اهبطوا مصراً ... و ضربت علیهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه; یعنی، <و ضربت علیهم الذله . ..> با بخش اول آیه است.

احیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۱،۳،۶

۱ - خداوند ، قوم موسی را پس از هلاکتشان با صاعقه ، حیاتی دوباره بخشید و آنان را زنده کرد .

ثم بعثنکم من بعد موتکم

۳ - زنده شدن قوم موسی پس از هلاکتشان با صاعقه ، از نعمت های خداوند به آنان

اذکروا نعمتی التی أنعمت . .. ثم بعثنکم من بعد موتکم

۶ - زنده شدن دوباره هلاک شدگان بنی اسرائیل ، زمینه ساز به وجود آمدن روحیه سپاسگزاری و رسیدن آنان به مقام شاکران بود .

ثم بعثنکم . .. لعلکم تشکرون

کلمه <لعل> در جمله <لعلکم تشکرون> (باشد که سپاسگزاری کنید) علاوه بر بیان هدف از زنده کردن صاعقه زدگان بنی اسرائیل، دلالت بر این معنا نیز دارد که: زنده شدن دوباره آنان موجب شکرگزاری نمی شد; بلکه زمینه شکرگزاری و روحیه سپاسگزاری را در آنان فراهم می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۵،۲۱

۵ - نزول < منّ > و < سلوی > بر بنی اسرائیل و نجاتشان از حرارت شدید خورشید با

ابر های سایه گستر ، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود .

ثم بعثنکم . .. و ظللنا علیکم الغمام

عطف جمله <ظللنا . ..> بر <بعثناکم ...> اقتضا می کند که گفته شود: داستان سایه گستر شدن ابرها و نزول <منّ> و <سلوی> پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

۲۱ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) . . . قد أخبر اللّه فی کتابه حیث یقول : < و ظللنا علیکم الغمام و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی > فهذا بعد الموت إذ بعثهم ;

از امیرالمؤمنین (ع) درباره <و ظللنا علیکم الغمام و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی> روایت شده که: این <نعمتها> بعد از آن بود که خدا آنان را پس از مرگشان زنده کرد>.

احیای توحید در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ - هارون (ع) ، دارای برنامه ای مشخص برای مقابله با گوساله پرستی و احیای توحید در بنی اسرائیل بود .

أطیعوا أمری

دعوت هارون(ع) از بنی اسرائیل به اطاعت فرمان های او، پس از فرمان <اتّبعونی>، حاکی از آن است که وی برای بنی اسرائیل در صورت پیروی آنان از او، دستور العمل هایی را تدارک دیده بود.

احیای مقتول بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۲،۴،۵،۱۱،۱۵

۲ - مقتول قوم موسی در پی زده شدن پاره ای از گاو ذبح شده بر وی ، زنده شد .

فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی اللّه الموتی

عبارت <کذلک یحی اللّه الموتی; خداوند بدین سان

مردگان را زنده می کند> پس از جمله <فقلنا . ..> دلالت بر زنده شدن آن مقتول دارد.

۴ - مقتول قوم موسی پس از زنده شدن ، قاتل خویش را معرفی کرد .

واللّه مخرج ما کنتم تکتمون. فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی اللّه الموتی

بیان زنده شدن مقتول بنی اسرائیل، پس از بیان وعده الهی به افشای هویت قاتل، دلالت بر جمله ای محذوف دارد؛ یعنی: فضربوه بها فصار حیاً و قال إن فلاناً قتلنی.

۵ - حیات بخشی به مقتول بنی اسرائیل ، کار خداوند بود .

فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی اللّه الموتی

از هدفهای بیان این حقیقت که <خداوند مردگان را زنده می کند> - پس از بیان زنده شدن مقتول بنی اسرائیل به وسیله زدن عضوی از گاو بر آن - رساندن این معناست که: حیات بخشی به آن مقتول فعل خداوند بود، نه اثری از عضو آن گاو ذبح شده.

۱۱ - داستان کشته شدن فردی از قوم موسی و احیای دوباره او ، معجزه و رخدادی سزاوار به خاطر سپردن و به یادداشتن

و إذ قتلتم نفساً . .. فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی اللّه الموتی

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> می باشد.

۱۵ - زنده شدن مقتول بنی اسرائیل و معرفی قاتل خویش ، از آیات خدا و از نشانه های اقتدار اوست .

فقلنا اضربوه ببعضها کذلک . .. یریکم ءایته لعلکم تعقلون

از مصداقهای <آیاته> - که آیه ناظر به آن است - زنده شدن مقتول بنی اسرائیل می باشد.

اختصاصات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ هیچیک از جهانیان از

نعمت های ویژه اعطا شده به قوم موسی (ع) برخوردار نبوده اند .

و ءاتیکم ما لم یؤت احداً من العلمین

اختفای ساخت گوساله بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۸ – ۲

۲ – ساخت گوساله زرین به دست سامری ، پنهان و به دور از چشم بنی اسرائیل صورت گرفت .

فأخرج لهم عجلًا جسدًا

<أخرج> تنها ناظر به مرحله عرضه گوساله بر بنی اسرائیل است و مسکوت ماندن مراحل قبل از آن، (ساخت گوساله) نشانگر مستور بودن آن مراحل از انظار عمومی است.

اختلاف اجتماعی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۷ – ۴

۴ – اختلاف بنی اسرائیل در مسائل دینی و اجتماعی ، اختلافی آگاهانه و معلول جاه طلبی و تجاوزگری آنان

فما اختلفوا إلّا من بعد ما جاءهم العلم بغیًا بینهم

<فاء> در <فما اختلفوا> اختلاف بنی اسرائیل را بر <آتینا بنی اسرائیل الکتاب و الحکم. ..> تفریع کرده است؛ یعنی، ما به بنی اسرائیل هم شریعت دادیم و هم اقتدار و حکومت اما آنان به اختلاف گراییدند. این اختلاف در آیه شریفه مطلق است که می تواند شامل مسائل دینی و اجتماعی (کتاب و حکومت) باشد.

اختلاف افکنی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۳ – ۵،۶،۸

۵ بنی اسرائیل در عین برخورداری از زندگی مناسب ، به جای اتحاد و حفظ حقوق یکدیگر ، آگاهانه به اختلافات داخلی

دامن زده و به حقوق یکدیگر تجاوز می کردند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل

مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

۶ بنی اسرائیل ، با وجود در اختیار داشتن تورات و برخورداری از زندگی مناسب ، کفران نعمت کرده و به اختلاف و تجاوز به حقوق یکدیگر پرداختند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <العلم> کتاب آسمانی تورات باشد.

۸ بنی اسرائیل در تفسیر معارف الهی و دستورات تورات ، آگاهانه به اختلاف پرداختند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که متعلق محذوف <اختلفوا>، تورات باشد ; یعنی، <فما اخلتفوا فی التورات حتی جائهم العلم به ; بنی اسرائیل با اینکه به محتوای تورات آگاه بودند در عین حال آن را تفسیرهای مختلف کردند>.

اختلاف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۳،۴

۳ قوم موسی در حقانیت تورات اختلاف کرده ; گروهی آن را پذیرفتند و گروهی آن را انکار کردند .

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

۴ اختلاف پیروان موسی درباره تورات اصلی و محتوای آن *

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۳

۳ - قوم موسی ، گرفتار اختلاف در پذیرش تورات و حقانیت آن

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۷ – ۷

۷ – داوری حتمی خداوند در قیامت ، نسبت به اختلاف های ناروا

و تجاوز گرانه بنی اسرائیل

إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القیمه

اختلاف بنی اسرائیل دوران عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - بنی اسرائیل ، گرفتار اختلافات جدید پس از ظهور عیسی (ع)

فاختلف الأحزاب من بینهم

از فاء تفریع استفاده می شود که پس از ظهور عیسی(ع)، اختلافات نوینی (غیر از اختلافات قبل) بروز کرد.

۲ - شخصیت عیسی (ع) ، مورد اختلاف بنی اسرائیل پس از بعثت آن حضرت *

و لمّا جاء عیسی . .. فاختلف الأحزاب من بینهم

برداشت یاشد شده بدین احتمال است که مورد اختلاف، شخصیت عیسی(ع) بوده است که عده ای درباره ایشان اندیشه های غلوآمیز پیدا کردند و گروهی وی را به بدترین اتهامات متهم کردند.

اختلاف در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۹

۹ اختلاف بنی اسرائیل ، پس از رهایی از حکومت فرعون و برخورداری از مسکن و روزی مناسب ، ناسپاسی نعمت های الهی بود .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

اختلاف دینی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۴ - ۲

۲ – تکیه فرعونیان بر عدم انسجام نیروی بنی اسرائیل ، به منظور آسان شمردن مقابله با آنان

إنّ هؤلاء لشرذمه قلیلون

<قلیلون> (جمع قلیل) به معنای چند دسته اندک است. آمدن تعبیر <قلیلون> به جای <قلیله> می تواند بیانگر این نکته باشد که: گر چه بنی اسرائیل یک طایفه اند، اما همین یک طایفه با هم

اتحاد ندارند; بلکه به چند دسته کوچک و غیر منسجم تقسیم شده اند. بنابراین مقابله با آنان کاری بسیار ساده و بدون زحمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۴،۷،۹

۴ - بنی اسرائیل ، گرفتار اختلافات فراوان در مبانی و معارف دینی ، به هنگام ظهور اسلام

إنّ هذا القرءان يقصّ على بنى إسرءيل أكثر الذى هم فيه يختلفون

پرداختن قرآن به حل مسائل مهم و مورد اختلاف بنی اسرائیل، نشان دهنده عمق اختلافات آنان در آن عصر است.

۷ - ناتوانی تورات و انجیل عصر پیامبر (ص) ، از رفع اختلافات فکری و عقیدتی بنی اسرائیل

إنّ هذا القرءان يقصّ على بنى إسرءيل أكثر الذى هم فيه يختلفون

اقدام قرآن به حل اختلافات بنی اسرائیل، نشان می دهد که آنچه به عنوان تورات و انجیل در دست آنان بوده، برای تبیین حقایق مورد اختلافشان کافی نبوده است.

۹ - برخی اختلافات دینی بنی اسرائیل ، فاقد ارزش تبیین و نقادی از نظر قرآن

إنّ هذا القرءان يقصّ على بنى إسرءيل أكثر الذى هم فيه يختلفون

این که قرآن به همه مسائل مورد اختلاف بنی اسرائیل نپرداخته است، می تواند از آن جهت باشد که قرآن به مسائل ضروری و مورد نیاز توجه داشته و اختلافات فاقد ارزش را مسکوت گذاشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۵ - ۴،۵

۴ - بنی اسراییل ، به رغم حضور هدایت کنندگانی در میان آنان ، باز هم اختلافات دینی داشتند .

و جعلنا منهم أئمّه يهدون . .. إنّ ربّك هو يفصل بينهم

احتمال دارد

که ربط میان این آیه و آیه پیش در این باشد که وقتی که خداوند، برگزیدگان از بنی اسراییل را برای هدایت مردم مطرح می کنـد، این پرسـش پیش می آیـد که <پس چرا اختلاف کردنـد؟>. در این آیه پاسخ داده می شود که خداوند میان دو گروه اختلاف کننده، داوری خواهد کرد.

۵ - اختلافات دینی بنی اسراییل ، اختلافاتی ادامه دار بود .

هدًی لبنی إسرءیل . .. فیما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۴

۴ - اختلاف بنی اسرائیل در مسائل دینی و اجتماعی ، اختلافی آگاهانه و معلول جاه طلبی و تجاوزگری آنان

فما اختلفوا إلّا من بعد ما جاءهم العلم بغیًا بینهم

<فاء> در <فما اختلفوا> اختلاف بنی اسرائیل را بر <آتینا بنی اسرائیل الکتاب و الحکم. ..> تفریع کرده است; یعنی، ما به بنی اسـرائیل هم شریعت دادیم و هم اقتدار و حکومت اما آنان به اختلاف گراییدند. این اختلاف در آیه شریفه مطلق است که می تواند شامل مسائل دینی و اجتماعی (کتاب و حکومت) باشد.

اختلافات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱

۱ - داوری حتمی خداوند میان بنی اسرائیل به خاطر اختلافات دینی دیرینشان

أکثر الذی هم فیه یختلفون . .. إنّ ربّک یقضی بینهم

ضمیر <بینهم> می توانـد به <بنی اسـرائیل> بازگردد. بنابراین آیه یاد شـده مربوط به قضـیه اختلافات عقیدتی و دینی آنان خواهد بود.

اذیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۲

فرعونیان ، پسران قوم موسی (بنی اسرائیل) را به طور گسترده سر می بریدند و زنان آنان را زنده نگه می داشتند .

و یذبّحون أبناءکم و یستحیون نساءکم

کاربرد فعل <یذبّحون> از باب تفعیل، که به معنای تکثیر هم آمده است، احتمالاً بیانگر منظور فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۲

۲ بنی اسرائیل در زمان بعثت موسی (ع) ، ساکن مصر و گرفتار ستم و آزار فرعونیان بودند .

فأرسل معنا بنی إسرءیل و لاتعذّبهم

نهی شدن فرعون از عذاب و شکنجه بنی اسرائیل، بیانگر رنج و سختی آنان در مصر آن زمان است.

اذیتهای اشراف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۵

۵ مؤمنان به موسی (ع) به جرم ایمان ، در معرض شکنجه و آزار فرعون و اشراف قوم خود قرار داشتند .

إلا ذریه من قومه علی خوف من فرعون و ملإیهم أن یفتنهم

اذیتهای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۹ - ۱

۱ - حضرت موسی (ع) ، مورد آزار و اذیت قوم خود بوده است .

لاتکونوا کالذین ءاذوا موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۱،۲،۵،۸،۱۵

۱ - داستان گفتوگوی موسی (ع) با قوم خویش و آزار های آنان نسبت به آن حضرت ، دربردارنده درس های سازنده و عبرت آموز

و إذ قال موسی لقومه یقوم لم تؤذوننی

فرمان الهی به

یاد کرد گفتوگوی موسی(ع) با قومش و. ..، نشانه مشتمل بودن آن بر درس های سازنده برای امت اسلام است. ضمناً باید توجه داشت که کلمه <إذ> در <إذ قال>، مفعول برای فعل محذوف (اُذکر) است.

۲ - موسی (ع) ، مورد اذیت و آزار مستمر قوم خویش

و إذ قال موسی . .. لم تؤذوننی

تعبیر <تؤذوننی> به صیعه مضارع به جای <آذیتمونی> بیانگر آن است که موسی(ع) از سوی قومش، به صورت مکرر مورد اذیت و آزار قرار می گرفت.

۵ - بنی اسرائیل ، به رغم آگاهی از رسالت الهی موسی (ع) ، آن حضرت را مورد آزار قرار می دادند .

لم تؤذوننی و قد تعلمون أنّی رسول اللّه إلیکم

۸ - بنی اسرائیل ، به رغم اندرز های موسی (ع) ، از اذیت و آزار آن حضرت دست برنداشتند .

یقوم لم تؤذوننی . .. فلمّا زاغوا

جمله <فلمّا زاغوا> بیانگر آن است که بنی اسرائیل، به جای پذیرش نصیحت های موسی(ع)، بر اذیت های خویش نسبت به آن حضرت پای فشردند.

۱۵ - آزار رسانان به موسی (ع) ، مردمانی فاسق بودند .

لم تؤذوننی . .. و اللّه لایهدی القوم الفسقین

ارائه آیات به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱

۱ - قلب های بنی اسرائیل - علی رغم دریافت آیات و معجزه های فراوان - به سختی گرایید و از درک معارف و آیات الهی ناتوان شد .

لعلکم تعقلون. ثم قست قلوبکم من بعد ذلک

<قساوه> (مصدر قست) به معنای غلظت پیدا کردن و سخت شدن

است. جمله <لعلکم تعقلون> بیـان می دارد که: سـخت شـدن دلهای بنی اسـرائیل در برابر فهم و درک آیات و معارف الهی است. <ذلک> اشاره به نعمتها و معجزاتی است که خداوند به بنی اسرائیل ارائه کرد و در آیات پیشین مطرح شد.

ارائه آیات خدا بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۶

۶- آیات و معجزات الهی برای بنی اسرائیل ، دارای اهداف گوناگون از جمله امتحان آنان *

و ءاتینهم من الأیت ما فیه بلؤا مبین

تعبیر <فیه بلاء>، این احتمال را مطرح می سازد که هر آیه ای صرفاً بُعد آزمایشی نداشته است.

ارتداد بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۴۸

۴ - آمرزش گناه ارتداد و گوساله پرستی بنی اسرائیل ، از نعمت های بزرگ خداوند بر آنان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

چون آیه هـای این بخش از سوره، در صـدد بیان نعمتهای الهی به بنی اسـرائیل است، مفاد جمله <عفونا عنکم> نیز به منظور بیـان نعمت ایراد شـده است و از آن جـا که این معنـا با حرف <ثم> به دیگر نعمتها عطف گردیـده، اشاره به رتبه برتر نعمت آمرزش نسبت به نعمتهای دیگر دارد.

۸ - ایجاد زمینه های سپاسگزاری در بنی اسرائیل ، از هدف های آمرزش گناه ارتداد ایشان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ - ارتداد قوم موسی و گرایش آنان به گوساله پرستی ، از جمله ستم

های آنان

ثم أتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ بنی اسرائیلِ زمان موسی بر اثر ارتداد و گرایش به گوساله پرستی از ستمکاران شدند .

اتخذوه و کانوا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۱۱

۱۱ - ارتداد بنی اسرائیل و پیدایش گوساله پرستی در میان آنان ، پس از عبورشان از دریا بود .

یبنی اسرءیل قد أنجینکم من عدوّکم . .. فتنّا قومک من بعدک

ارث بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۳ - ۴

۴ - کتاب آسمانی (تورات) ، میراث الهی برای بنی اسرائیل

و أورثنا بنی إسرءیل الکتب

ارزشگذاری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۵

۵ سرشناسی و از طبقه اشراف و بزرگان بودن و داشتن ثروت فراوان ، شرط زمامداری ، در پندار بزرگان بنی اسرائیل

و نحن احق بالملک منه و لم یؤت سعةً من المال

ظاهراً جمله <نحن احق . .. > سخن ملأاست; گویا آنان بدین جهت خود را برای زمامداری سزاوارتر می دانستند.

اسارت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۶،۱۷

۱۶ اخراجِ از وطن و اسارت فرزندان بنی اسرائیلِ زمان طالوت ، محرک آنان به پیکار علیه متجاوزان

و قد اُخرجنا من دیارنا و ابنائنا

۱۷ تسلط ستمگرانی پس از موسی (ع) بر بنی

اسرائیل و اخراج آنان از دیارشان و به اسارت گرفتن فرزندان آنان

و قد اُخرجنا من دیارنا و ابنائنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷ - ۴

۴ - بنی اسرائیل در چنگال فراعنه مصر و در اسارت آنان گرفتار بودند .

أن أرسل معنا بنی إسرءیل

اسباط بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱،۲،۴

۱ خداوند بنی اسرائیل را دوازده تیره و قبیله قرار داد .

و قطّعنهم اثنتی عشره أسباطا أمما

تمییز <اثنتی عشره> کلمه ای مونث و مفرد همانند <فرقه> است که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است. اسباط، جمع سبط (تیره و قبیله) بدل برای <اثنتی عشره> است.

۲ هر یک از دوازده تیره بنی اسرائیل خود امت و مجموعه ای مجزا از دیگر تیره ها

و قطّعنهم اثنتی عشره أسباطا أمما

<أمما> (جمع أمه) حال برای <أسباطا> است ; یعنی قبایلی که هر کدام امتی بودند.

۴ تقسیم بنی اسرائیل به دوازده گروه ، نعمتی الهی برای آنان و در راستای تنظیم امور اجتماعی ایشان

قطّعنهم اثنتی عشره أسباطا أمما . .. قد علم کل أناس مشربهم

با توجه به اینکه در قسمتهای بعد، نعمتهای ارزانی شده به بنی اسرائیل مطرح شده است، معلوم می شود تقسیم آنان به دوازده گروه نیز از نعمتهای الهی است. جمله <قد علم ... > که بیان ثمره نیکو برای این گروه بندی است می تواند مؤید نعمت بودن این تقسیم بندی باشد.

استثمار بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء -

۲۶ - ۲۲ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، تحت بردگی و استثمار شدید نظام فرعونی

أن عبّدتّ بنی إسرءیل

استثمار زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۸

۸ - استثمار زنان بنی اسرائیل ، هدف فرعونیان از زنده نگاه داشتن ایشان *

یسومونکم سوءالعذاب . .. و یستحیون نساءکم

استثمار زنان، توجیه دیگری است بر اینکه، چرا زنده گذاشتن زنان به عنوان یک عذاب مطرح شده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۹

۹ استثمار زنان بنی اسرائیل هدف فرعونیان از زنده نگاه داشتن ایشان *

یسومونکم سوء العذاب . .. یستحیون نساءکم

استثمار زنان، توجیه و احتمال دیگری است بر اینکه چرا زنده گذاشتن زنان به عنوان یک عذاب مطرح شده است.

استحیای دختران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۱

۱۱ - زنده نگه داشتن دختران بنی اسرائیل علی رغم کشتن پسران آنان ، اقدام بی رحمانه دیگر فرعون علیه آن قوم

یذبّح أبناءهم و یستحیی نساءهم

<نساء> مقابل <رجال> و به معنای زنان است و قرار گرفتن آن در مقابل <أبناء> (پسران)، نشان می دهد که مقصود از

آن در این جا <بنات> (دختران) است.

استحیای زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۴،۵،۸

۴ - فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را سر می بریدند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

<ذبح> به معنای سربریدن است و <تذبیح>

(مصـدر یـذبحون از باب تفعیل) از کثرت سـربریدن حکایت دارد. <إسـتحیاء> (مصدر یسـتحیون) به معنای باقی گذاردن بر حیات و زندگانی است.

۵ - کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

جمله <یـذبحون . .. > می توانـد تفسـیر جمله قبـل باشـد; یعنی، منظـور از <سوء العـذاب> همـان سـربریدن پسـران و بـاقی گذاشـتن زنان است و نیز می تواند بیان مصداق بارزی از آن باشد; یعنی، فرعونیان عذابهایی بر بنی اسرائیل تحمیل می کردند که از آن جمله سربریدن فرزندان و ... می باشد. بر این مبنا ذکر به خصوص عذاب یاد شده، به خاطر شدت آن بوده است.

۸ - استثمار زنان بنی اسرائیل ، هدف فرعونیان از زنده نگاه داشتن ایشان *

یسومونکم سوءالعذاب . .. و یستحیون نساءکم

استثمار زنان، توجیه دیگری است بر اینکه، چرا زنده گذاشتن زنان به عنوان یک عذاب مطرح شده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ فرعون با پذیرش پیشـنهاد اشـرافیان (سرکوبی موسی (ع) و قوم او) بر کشتار وسیع پسران بنی اسرائیل و زنده نگاه داشتن زنانشان مصمم شد .

قال سنقتّل أبناءهم و نستحی نساءهم

تقتیل (مصدر تقتّل) به معنای کشتار وسیع است. <استحیاء> از ماده <حیات> به معنای زنده نگاه داشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۶،۷،۹

۶ فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را می کشتند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یقتلون أبناءکم و یستحیون

نساءکم

<تقتیل> (مصدر یقتلون) به معنای کثرت کشتار است و <استحیاء> به معنای باقی گذاردن بر زندگانی است.

۷ کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم

جمله <یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم> می تواند تفسیر جمله قبل باشد ; یعنی منظور از <سوء العذاب> همان کشتار فرزندان و باقی گذاشتن زنان است. همچنین می تواند بیان مصداقی از آن باشد ; یعنی فرعونیان عذابهایی بر شما تحمیل کردند ; از جمله کشتار فرزندان و زنده گذاشتن زنان. بر این مبنا ذکر ویژه دو عذاب یاد شده، به سبب شدت بیشتر آن بوده است.

۹ استثمار زنان بنی اسرائیل هدف فرعونیان از زنده نگاه داشتن ایشان *

یسومونکم سوء العذاب . .. یستحیون نساءکم

استثمار زنان، توجیه و احتمال دیگری است بر اینکه چرا زنده گذاشتن زنان به عنوان یک عذاب مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۳،۱۴،۱۷

۱۳- سر بریدن پسران و زنده نگه داشتن زنان بنی اسرائیل ، بدترین نوع تحمیل شکنجه و آزار از سوی فرعونیان به آنان

یسومونکم سوء العذاب و یذبّحون أبناءکم و یستحیون نساءکم

آوردن <یذبّحون أبناءکم و یستحیون نساءکم> پس از <یسومونکم> می تواند جمله تفسیری برای آن باشد. در این صورت، این دو مورد، شرح شکنجه ها و رفتارهای ظالمانه آل فرعون است.

۱۴- فزونی چشمگیر زنان بر مردان در جامعه و بر هم خوردن اعتدال جمعیتی ، مایه پدید آمدن مشکلات اجتماعی آزار دهنده برای زنان

یستحیون نساءکم

اینکه خداوند برای شکنجه های آل فرعون، کشتن پسران و

زنـده نگه داشـتن زنان را برشـمرده است، امکان دارد بـدین علت باشـد که چنین عملی، تعادل جمعیت را بر هم می زنـد و در نتیجه جمعیت زنان افزونی پیدا می کند و این خود شکنجه ای آزار دهنده برای مردم است.

۱۷- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، آزمایش بزرگ الهی از آنان بود .

إذ أنجكم من ءال فرعون . .. و فی ذلكم بلاء من ربّكم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> نجات بنی اسرائیل به وسیله خداوند از اعمال ظالمانه فرعونیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۹

۹ - زنده گذاشتن دختران مؤمنان علی رغم کشتار پسران آنان اقدام بی رحمانه دیگر فرعون ، هامان و قارون علیه موسی (ع) و بنی اسرائیل بود .

و استحیوا نساءهم

استخلاف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۲،۳،۵

۲ خداوند با نابودسازی فرعونیان ، تمام سرزمین آنان را ، از شرق تا غرب ، در اختیار بنی اسرائیل قرار داد .

و أورثنا القوم الذین كانوا یستضعفون مشرق الأرض و مغربها

۳ سرزمینی که خداوند پس از هلاکت فرعونیان در اختیار بنی اسرائیل قرار داد ، سرزمینی پربرکت و بسیار حاصلخیز بود .

مشرق الأرض و مغربها التی بركنا فیها

۵ نوید های خداوند به قوم موسی با هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل به سرزمین آنان ، بی کم و کاست ، تحقق یافت .

و تمت كلمت ربك الحسنی علی بنی إسرءیل

<کلمه> به معنای

سخن است و مراد از آن به قرینه صدر آیه و نیز آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ نوید هلاک سازی فرعونیان و جانشینی بنی اسرائیل از آنان است. <تمت> یعنی به طور کامل و تمام تحقق یافت.

استضعاف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱

۱ بنی اسرائیل در مدت زمانی طولانی تحت سیطره فرعونیان به ضعف و ناتوانی کشانه شده بودند .

و أورثنا القوم الذین کانوا یستضعفون

استعمال فعل مضارع همراه <کان> و أمثال آن دلالت بر استمرار آن فعل در گذشته دارد. بنابراین <کانوا یستضعفون> می رساند که استضعاف بنی اسرائیل به دست فرعونیان دارای سابقه طولانی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۷

۷ - استضعاف و به زبونی کشاندن بنی اسرائیل ، نمودی دیگر از حاکمیت سلطه طلبانه فرعون است .

إنّ فرعون علا فی الأرض . .. یستضعف طائفه منهم

مراد از <طائفه منهم> به قرینه آیات بعد، قوم بنی اسرائیل است.

استقامت انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۳

۱۳ استقامت و پایداری انبیای بنی اسرائیل در انجام رسالت خویش ، تا مرز شهادت

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

استقلال بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۰ – ۱۰،۱۲

۱۰ استقلال قوم موسی (ع) و خارج شدنشان از بردگی فرعونیان ، از نعمت های بزرگ خداوند بر آنان

و جعلکم ملوکاً

چون همه قوم موسی نمی توانند ملك

(پادشاه) باشند، بنابراین مراد از ملك، با توجه به سابقه بردگی آنان برای فرعونیان، این است که آنها به استقلال رسیدند و سرنوشتشان به دست فرعونیان رقم نمی خورد.

۱۲ برانگیخته شدن پیامبران در بنی اسرائیل ، زمینه حاکمیت و استقلال آنان *

اذ جعل فیکم انبیاء و جعلکم ملوکاً

تقدیم جمله <جعل فیکم انبیاء> بر جمله <جعلکم ملوکا>، می تواند اشاره به این معنی باشد که وجود انبیا در میان بنی اسرائیل، سبب استقلال و فرمانروایی آنان شد.

استکبار بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۴

۴ پندار غلط بزرگان بنی اسرائیل بر سزاوار بودنشان از طالوت برای زمامداری

و نحن احقّ بالملك منه

استمداد از بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۳

۱۳ - موسی (ع) ، برای نابود ساختن گوساله سامری ، همکاری و هم یاری بنی اسرائیل را تدارک دیده و بر شرکت دادن آنان دراین اقدام مصمم بود .

لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه

ضمیرهای جمع در افعال <لنحرّقنّه> و <لننسفنّه> گویای نکته یاد شده است.

استمداد بنی اسرائیلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۷

۷ – استغاثه و یاری طلبی مرد بنی اسرائیلی ، از موسی (ع) علیه فرد قبطی

فاستغثه الذی من شیعته علی الذی من عدوّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۸ – ۴

۴ – برخورد مجدد موسی (ع) با فریاد کمک طلبی مرد اسرائیلی (همان

که روز پیش از وی یاری خواسته بود) در بامداد روز بعد

فأصبح فی المدینه . .. فإذا الذی استنصره بالأمس یستصرخه

<إستصراخ> (مصدر <یستصرخ>) به معنای سردادن فریاد کمک خواهی است.

استهزاهای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۴،۱۱

۴ - بازیچه قرار دادن و به مسخره گرفتن بنی اسرائیل ، پندار و تحلیل قوم موسی از دستور ذبح گاو

أتتخذنا هزواً

<هزواً> یعنی به بازی گرفتن و مسخره کردن. از آیه ۷۲، ۷۳ چنین بر می آید که فرمان مذکور در ارتباط با قتلی بوده که در میان بنی اسرائیل اتفاق افتاده و هر یک از طایفه ها طایفه دیگر را مسؤول می شناختند و از آن جا که قوم موسی میان دستور ذبح گاو و کشف معمای قتل ارتباطی نمی دیدند، آن دستور (ذبح گاو) را به تمسخر گرفتن خویش، تحلیل کردند.

۱۱ - موسی (ع) با جاهلانه خواندن استهزای مردم ، پندار قوم خویش را درباره خود ناروا دانست .

قال أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

اسراف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۵

۲۵ بسیاری از بنی اسرائیل ، علی رغم دعوت پیامبرانشان ، مردمی اسرافکار و قانونشکن بودند .

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

اسراف به معنای خروج از حد اعتدال است و کلمه <فی الارض> می رساند که منظور از اسراف، خروج از حد اعتدال در مسائل اجتماعی است که از آن به قانونشکنی تعبیر شده است.

اسکان بنی اسرائیل

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۱

۱- دستور خداوند به بنی اسرائیل ، پس از هلاک فرعونیان مبنی بر انتخاب سرزمین مورد نظرشان (شام یا مصر) برای سکنی گزیدن

و قلنا من بعده لبنی إسرءیل اسکنوا الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶ - ۱

۱ - تعلق اراده الهی بر اختصاص دادن نقطه ای از زمین (ارض مقدس) به بنی اسرائیل [زمان موسی و فرعون] در خارج از کشور مصر

و نمکّن لهم فی الأرض

<تمکین> از ریشه <مکان> و به معنای اسکان دادن است. بنابراین <نمکّن لهم فی الأرض>; یعنی، <نجعل لهم مکاناًیستقرون فیه>. گفتنی است <ارض مقدس> مکان و سرزمینی بود که خداوند برای بنی اسرائیل مقرر فرموده بود (ادخلوا الأرض المقدسه التی کتب اللّه لکم)، (مائده، آیه ۲۱).

اشتباه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۹ - ۳،۴،۶،۷

۳ - برداشت اشتباه مرد اسرائیلی از تصمیم موسی (ع)

قال یموسی أترید أن تقتلنی

۴ - اعتراض مرد اسرائیلی به موسی (ع) به توهم این که او بر کشتن وی تصمیم گرفته است .

قال یموسی أترید أن تقتلنی

۶ - متهم شدن موسی (ع) از سوی مرد اسرائیلی به داشتن انگیزه های جبارانه و روحیه ظلم و تجاوزگری

إن ترید إلاّ أن تکون جبّارًا فی الأرض

۷ – عاری بودن از انگیزه های اصلاح طلبانه ، اتهام دیگر مرد اسرائیلی به موسی (ع)

و ما ترید أن تکون من المصلحین

اشراف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۳،۴،۵،۷

۳ شگفتی سردمداران بنی اسرائیل ، از برگزیدگی طالوت به دلیل سرشناس نبودن و نداشتن ثروت

قالوا انی یکون له الملک . .. و لم یؤت سعه من المال

ظاهراً اعتراض کنندگان، همان پیشنهاددهندگان بودند که خداوند از قول آنان می فرماید: <قال الملأ. .. نحن احق>. بنابراین اعتراض آنان به دو جهت بوده است: یکی نبودن طالوت از طبقه ملأ و اشراف که می گفتند: <نحن احق>. و دوّم نداشتن مال و ثروت که با <و لم یؤت سعه من المال> به آن اشاره شده است.

۴ پندار غلط بزرگان بنی اسرائیل بر سزاوار بودنشان از طالوت برای زمامداری

و نحن احقّ بالملک منه

۵ سرشناسی و از طبقه اشراف و بزرگان بودن و داشتن ثروت فراوان ، شرط زمامداری ، در پندار بزرگان بنی اسرائیل

و نحن احق بالملک منه و لم یؤت سعهً من المال

ظاهراً جمله <نحن احق . .. > سخن ملأاست; گویا آنان بدین جهت خود را برای زمامداری سزاوارتر می دانستند.

۷ فقدان روحیه تسلیم در برابر دستورات الهی ، در میان بزرگان بنی اسرائیل

ان اللّه قد بعث . .. و نحن احقّ بالملک منه

اشراف فرعون و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۶ - ۲

۲- حضور نیرو های مقتدر سیاسی اقتصادی نظام فرعونی ، در میان تعقیب کنندگان بنی اسرائیل

کم ترکوا من جنّت و عیون . و زروع و مقام کریم

پشت سر نهادن مزارع بزرگ، نشان می دهد که

در میان فرعونیان حضور یافته در تعقیب موسی(ع)، ملاّکان و سرمایه داران شرکت داشته اند; چنان که <مقام کریم> می تواند اشاره به قصرهای باشکوه اطرافیان و سیاست گذاران جامعه فرعونی داشته باشد.

اشراف و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۵ - ۵

۵ بنی اسرائیل ، زیر سلطه و اقتدار فرعون و اشراف خود ، با ضعف و ذلت ، روز می گذراندند .

فقالوا علی اللّه توکلنا ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین

اصلاح بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ اصلاح بینش و بصیرت بنی اسرائیل پس از پذیرش توبه آنان

ثم تاب اللّه علیهم ثم عموا و صموا

کلمه <ثم> در جمله <ثم عموا و صموا> می رساند که بنی اسرائیل پس از شمول رحمت الهی بر آنان و توبه به درگاه خداوند بصیرت از دست رفته خویش را بازیافتند، اگر چه در مرحله و زمان دیگر بصیرت خویش را از دست داده و به اعمال ناروا گرایش پیدا کردند.

اضطراب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۲

۲- زندگی بدون آرامش بنی اسرائیل تا قبل از رهایی از حکومت فرعون *

فأراد أن یستفزّهم من الأرض . .. و قلنا من بعده لبنی إسرءیل اسکنوا الأرض

احتمال دارد که <اسکنوا الأرض> به معنای آرام گرفتن در زمین و بیرون آمدن از اضطرابی باشد که قبلاً گریبانگیر آنان

بود.

اطاعت محسنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۶

۱۶ خداوند نیکوکاران بنی اسرائیل را در صورت اطاعت از فرمان های الهی ، علاوه بر بخشایش گناهان ، به پاداش افزونتر نوید داد .

سنزید المحسنین

در برداشت فوق محسنان مقابل گناهکاران قرار داده نشده، بلکه به معنای لغوی آن (نیکوکاران) گرفته شده است. بر این مبنا آیه شریفه ناظر به تقسیم بنی اسرائیل به دو گروه گنهکار و پاکدامن نیست، بلکه آنان را به دو گروه محسنان و غیر محسنان تقسیم کرده است. جمله <نغفر لکم ... > می رساند که خدا گناه همگان چه محسن و چه غیر محسن را خواهد بخشید، ولی به نیکوکاران پاداشی افزونتر عنایت خواهد کرد.

اطمینان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۴ - ۳

۳- اطمینان بخشی خداوند به موسی (ع) و بنی اسرائیل ، در به سلامت عبور کردن آنان از دریا و غرق شدن فرعونیان

و اترک البحر رهوًا إنّهم جند مغرقون

هر چند عبارت <واترک . ..> معنای فرمان را در خود نهفته دارد؛ اما قرین شدن <رهوًا> می نمایاند که خداوند با بیان این صفت، در صدد اطمینان بخشی و ایجاد آرامش در روح موسی(ع) و اطرافیان آن حضرت بود.

اعتراض بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۹ - ۴

۴ - اعتراض مرد اسرائیلی به موسی (ع) به توهم این که او بر کشتن وی تصمیم گرفته است .

قال یموسی أترید أن تقتلنی

اعراض بنی اسرائیل از اسلام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۳

۳ - خداوند ، مسلمانان را از ایمان نیاوردن بنی اسرائیل و طایفه یهود آگاه ساخت .

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

همزه استفهام در <أفتطمعون> استفهام انکار توبیخی یا تعجبی است و در هر صورت دلالت بر این دارد که: جامعه یهود و بنی اسرائیل به اسلام و قرآن ایمان نخواهند آورد.

اعراض بنی اسرائیل از تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱،۵

۱ - بنی اسرائیل از دستورات تورات اعراض کرده و پیمان الهی را شکستند .

أخذنا میثقکم . .. ثم تولیتم من بعد ذلک

<تولی> (مصدر تولیتم) به معنای اعراض کردن است و متعلق آن - به قرینه آیه قبل - پیمان بنی اسرائیل بر پذیرش تورات و عمل به احکام آن می باشد.

۵ - خداوند ، بنی اسرائیل را - علی رغم پیمان شکنی و اعراضشان از فرامین تورات - مورد تفضل و رحمت خویش قرار داد .

فلولا فضل اللّه علیکم و رحمته لکنتم من الخسرین

اعراض بنی اسرائیل از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۰

۲۰ - اکثریت بنی اسرائیل با اعراض از تکالیف دینی ، عهد ها و پیمان های الهی را شکستند .

ثم تولیتم إلا قلیلا منکم و أنتم معرضون

<تولی> و <اعراض> به معنای رویگردانی و مراد از آن سرپیچی و تمرد است. جمله <و أنتم معرضون> چنانچه حال

برای فاعل <تولیتم> باشد - به دلیل هم معنا بودن <اعراض> و <تولی> - حال مؤکده است و

حکایت از شدت تمرد و سرپیچی بنی اسرائیل دارد.

اعطای تورات به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۴

۴ - تورات کتابی است از جانب خداوند و عطا شده به بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم

مراد از <ما>ی موصوله در <ما آتیناکم> تورات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۴

۴ - تورات ، کتابی از جانب خدا و عطا شده به بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم

مراد از <ما اتیناکم> (آنچه را به شما دادیم) تورات است.

افساد بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، بنی اسرائیل را از فسادگری در سراسر پهنه گیتی بر حذر داشت .

و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

<عثو> (مصدر لاتعثوا) به معنای فسادگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴ - ۱،۳،۱۰

۱- هشدار خداوند به بنی اسرائیل نسبت به دوبار فسادانگیزی قطعی آنان در آینده

و قضینا إلی بنی إسرءیل فی الکتب لتفسدنّ فی الأرض مرّتین

خداوند از آیات ۴ تا ۸ از دوبار فسادانگیزی بنی اسرائیل و سرکوبی آنان خبر داده است. در اینکه این دو بار تا کنون به وقوع پیوسته است یا خیر، میان مفسران بحث و گفتوگوی بسیار شده است و هیچ دلیل قاطع و قانع کننده هم در خود آیات و بیرون از آنها برای وقوع و عدم وقوع آن دو حادثه وجود ندارد. از این رو، برداشتهای آیات یاد شده به صورت پیشگویی و

به گونه ای نوشته شده است که با هر دو احتمال سازگار باشد. گفتنی است: <قضاء> به معنای فیصله دادن شیء است و متعدی شدن آن به <إلی> متضمن معنای <ایحاء> و <اعلام> است و چنان که از آیات بعدی برمی آید، آیه شریفه در مقام تهدید است.

۳- پیشگویی تورات درباره دوبار فساد انگیزی مهم بنی اسرائیل

و قضینا إلی بنی إسرءیل فی الکتب لتفسدنّ فی الأرض مرّتین

۱۰- < عن علی بن أبی طالب (ع) فی قوله < لتفسدنّ فی الأرض مرّتین > قال : الأولی قتل زکریا علیه الصلوه و السلام و الأخری قتل یحیی علیه السلام ;

از علی بن ابی طالب(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <لتفسدنّ فی الأرض مرّتین> فرمود: بار اول کشتن زکریا علیه الصلوه و السلام و بار دوم کشتن یحیی علیه السلام بوده است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵ – ۴،۹

۴- جنگاوری و توانمندی بنی اسرائیل ، در نخستین مرحله از فسادانگیزیشان

بعثنا علیکم عبادًا لنا أُولی بأس شدید

گسیل نیروهای بسیار پرتوان برای سرکوبی بنی اسرائیل، نشانگر توانمندی آنان در جنگ و مبارزه است.

۹- فسادانگیزی بنی اسرائیل و سرکوبی آنان توسط جنگاورانی قدرتمند ، وعده قطعی و تخلف ناپذیر خداوند

بعثنا علیکم . .. و کان وعدًا مفعولاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷ – ۱۳

۱۳- دومین هجوم نیرو های فاتح مسجدالاقصی بر بنی اسرائیل فسادگر و سرکش ، هجومی توفنده و ویرانگر

و لیتبروا ما علوًّا تتبیرًا

<تتبیر> به معنای اهلاک است و آوردن مفعول مطلق

(تتبیرا) که برای تأکید است إشعار به سختی هجوم دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸ – ۱

۱– ایجاد امیدواری به رحمت در بنی اسرائیل ، علی رغم دو بار فسادانگیزی و شکست تلخشان به وسیله خداوند

عسی ربّکم أن یرحمکم

مخاطبان آیه با توجه به آیات قبل، بنی اسرائیل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۴ – ۹

۹– وعده خداوند به بنی اسرائیل جهت گردآوری آنان در سرزمین فلسطین ، پس از فرا رسیدن دومین موعد فساد آنان در آن سرزمین

جئنا بکم لفیفًا

برداشت فوق بدان احتمال است که <وعد الأخره> اشاره ای باشد به آن دو موعدی که خداوند در آغاز این سوره (آیه ۴) برای بنی اسرائیل پیش بینی کرده و به آنان هشدار داده است.

افشاگری بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۹ – ۵

۵ – افشا شدن راز قتل مرد قبطی به وسیله مرد اسرائیلی

قال یموسی . .. کما قتلت نفسًا بالأمس

افشای بانی قتل در بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۲ – ۲

۲ – خداوند ، قوم موسی رابه معرفی قاتل نوید داد و قاتلان را به افشای هویتشان تهدید کرد .

و اللّه مخرج ما کنتم تکتمون

مراد از <ما کنتم تکتمون> (آنچه را کتمان می کردید)، به قرینه جمله قبل، معرفی نکردن قاتل علی رغم آگاهی به آن است. مراد از <إخراج> (مصدر مخرج)، به قرینه تکتمون، آشکار ساختن است.

اقرار

بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۵

۵ - بنی اسرائیل به عهدهایی که خداوند با آنان داشت معترف بوده ، بر آن گواهی می دهند .

و إذ أخذنا میثقکم . .. ثم أقررتم و أنتم تشهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱

۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، علی رغم اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی) ، همدیگر را می کشتند .

ثم اقررتم . .. ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم هؤلاء> (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابهای آیه نظیر خطابهای گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۲،۳

۲ بنی اسرائیل پس از آگاهی به گمراهی خویش ، از گوساله پرستی توبه کردند و به گناه خویش معترف شدند .

قالوا لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

۳ بنی اسرائیل پس از اذعان به گمراهی خویش ، به این حقیقت رسیدند که نجاتشان از فرجام شوم گوساله پرستی در گرو شمول رحمت خدا و مغفرت اوست .

قالوا لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۳

۳- پیامبر (ص)

، مأمور اقرار گرفتن از بنی اسرائیل نسبت به حق ناپذیری فرعون و پیروان او ، علی رغم اعطای معجزات فراوان به موسی (ع)

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیّنت فسئل بنی إسرءیل إذ جاءهم فقال له فرعون إنی لأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، به پیمان شکنی و تخلف از قول و قرار خود با موسی (ع) معترف بودند .

ما أخلفنا موعدک بملکنا

اقرار دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ - اعتراف آرزوکنندگان ثروت قارونی به لطف و رحمت خداوند در حق ایشان ، به خاطر گرفتار نساختن آنان به سرنوشت قارون (فرو نبردن آنان در زمین)

لولا أن منّ اللّه علینا لخسف بنا

اقلیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۱،۲۲،۲۳

۲۱ - تنها اندکی از بنی اسرائیل به پیمان های الهی وفادار ماندند و به تکالیف دینی عمل کردند .

ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین احساناً . .. ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

۲۳ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان ، با مردمان معاشرت نیکو نداشتند ، نماز را اقامه نکردند و از پرداخت زکات طفره

رفتند .

و قولوا للناس حسناً و أقيموا الصلوه و ءاتوا

الزکوه ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۴،۲۵

۲۴ تنها گروهی اندک از بنی اسرائیل ، وفادار به پیمان های الهی ، وارسته از تحریفگری و خیانت و پایبند به دستورات خداوند

فبما نقضهم میثقهم . .. و لاتزال تطلع علی خائنه منهم إلّا قلیلا

<الا قلیلا> استثناء از تمامی صفاتی است که درباره بنی اسرائیل بیان شد.

۲۵ وجود اقلیتی سالم و غیر خیانت پیشه ، در میان بنی اسرائیل

لاتزال تطلع علی خائنه . .. إلّا قلیلا منهم

بنابر اینکه استثناء در (الا قلیلا)، تنها از جمله <لاتزال . ..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۹

۲۹ گروهی از بنی اسرائیل پیرو انبیای خویش و متعهد به قوانین الهی

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۹ - ۱

۱ گروهی اندک از قوم موسی ، مردمی هدایتگر و عدالت پیشه بودند .

و من قوم موسی امه یهدون بالحق و به یعدلون

اکثریت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۰،۲۳

۲۰ - اکثریت بنی اسرائیل با اعراض از تکالیف دینی ، عهد ها و پیمان های الهی را شکستند .

ثم تولیتم إلا قلیلا منکم و أنتم معرضون

<تولی> و <اعراض> بـه معنـای رویگردانی و مراد از آن سـرپیچی و تمرد است. جمله <و أنتم معرضـون> چنـانچه حـال برای فاعل <تولیتم> باشد - به دلیل هم

معنا بودن <اعراض> و <تولی> - حال مؤکده است و حکایت از شدت تمرد و سرپیچی بنی اسرائیل دارد.

۲۳ – بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان ، با مردمان معاشرت نیکو نداشتند ، نماز را اقامه نکردند و از پرداخت زکات طفره رفتند .

و قولوا للناس حسناً و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۲۰

۲۰ خیانت پیشگی اکثریت بنی اسرائیل

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم إلاّ قلیلا منهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۲۶،۳۵

۲۶ بسیاری از بنی اسرائیل ، مردمی خونریز و آدمکش

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

مراد از اسراف، به قرینه فرازهای قبلی، می تواند خروج بنی اسرائیل از حد اعتدال در قتل نفس، یعنی آدمکشیهای نابحق و خونریزیهای مکرر، باشد.

۳۵ بسیاری از بنی اسرائیل مرتکب خونریزی شده و حرام های خدا را حلال می شمردند .

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

از امام باقر(ع) روایت شده: المسرفون هم الذین یستحلون المحارم و یسفکون الدماء.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۵۰۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۰، ح ۱۵۸.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۱ – ۱۷،۱۸

۱۷ بسیاری از بنی اسرائیل با شکستن توبه بینش بازیافته خویش را از دست داده و به اعمال ناروا گراییدند .

فعموا و صموا ثم تاب اللّه علیهم ثم عموا و صموا . .. و اللّه بصیر بماتعملون

۱۸ توبه شکنی

بسیاری از بنی اسرائیل

ثم تاب اللّه علیهم ثم عموا و صموا کثیر منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱،۹

۱ بسیاری از بنی اسرائیل به پیامبر (ص) و قرآن ایمان نیاوردند و اعتقاد راسخی به خداوند نداشتند .

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه

برداشت فوق بنابر این احتمال است که مراد از <النبی> پیامبر اسلام(ص) باشد، در این صورت <ما انزل الیه> قرآن خواهد بود قابل ذکر است که بر این مبنا عدم ایمان نسبت به خداوند ایمان واقعی و نسبت به پیامبر و قرآن ایمان واقعی و ظاهری است. زیرا بنی اسرائیل ایمان به خداوند را اظهار می داشتند.

۹ بسیاری از بنی اسرائیل در زمان پیامبر (ص) فاسق و شکننده حدود و حریم دین خویش بودند .

و لکن کثیراً منهم فسقون

الگوی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۹ - ۸

۸ - حضرت عیسی (ع) ، نمونه و الگوی الهی برای بنی اسرائیل

و جعلنه مثلاً لبنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۴

۴- کتاب آسمانی موسی (تورات) ، سرمشق زندگی و تبلور رحمت الهی برای بنی اسرائیل

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه

با توجه به این که کتاب موسی برای بنی اسرائیل و هدایت آنان نازل شده است، قید <إماماً و رحمه> نیز نظر به پیشوایی و

رحمت در مورد آنان دارد.

امتحان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱۰،۱۱

۱۰ - خداوند با گرفتار سازی بنی اسرائیل به عذاب های سهمگین فرعونی ، آنان را به آزمونی بزرگ مبتلا ساخت .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

کلمه <بلاء> در لغت به معنای آزمون و نیز به معنای نعمت آمده است. مشارالیه <ذلکم> یا <عذاب> است، یا رهایی از عذاب (نجیناکم). برداشت فوق مبتنی بر این است که <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به خود عذاب باشد.

۱۱ - خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل از شکنجه های سخت فرعونی ، آنان را مورد آزمون بزرگی قرار داد .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب - که از <نجیناکم> استفاده می شود - باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۸

۸ - پیروزی بنی اسرائیل در آزمون الهی با تحمل رنج ها و سختی ها ، موجب تحقق نصرت الهی و نجاتشان شد .

یسومونکم سوء العذاب . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم. و إذ فرقنا بکم البحر

آیه قبل که بیانگر آزمون الهی از بنی اسرائیل و تحمل رنجها و سختیها از سوی آنان بود، توضیح دهنده سببیت بنی اسرائیل در شکافته شدن دریاست; یعنی، چون بنی اسرائیل آن گونه عمل کردند شایستگی آن را پیدا کردند که خداوند با شکافتن دریا، آنان را نجات دهد و دشمنانشان را هلاک سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره -

۲ - ۲۴۹ - ۲،۴،۶،۱۱،۱۲،۱۴،۱۸

۲ اعلام قبلی طالوت به نیرو های بسیج شده در مورد آزمایش آنان با رودخانه ای خروشان

قال ان اللّه مبتلیکم بِنَهَر

۴ آزمایش فرمانبری از طالوت و نیروی اراده بنی اسرائیل از جانب خداوند به وسیله نهر *

ان اللّه مبتلیکم بنهر

در آیات سابق، تردید فرمانبری بنی اسرائیل را در رویارویی با دشمن مطرح کرد (هل عسیتم . ..) بنابراین آزمایش الهی، برای مشخص شدن فرمانبران و نیز میزان فرمانبری آنان بوده است.

۶ طالوت ، لشکریان بسیج شده را تا قبل از موفقیّت آنان در آزمایش ، به خود نسبت نمی داد .

فلمّا فصل طالوت بالجنود

آنگاه که طالوت، لشکریان را نیازموده بود، از آنان تعبیر به <الجنود> شد، نه <جنوده> یعنی نه آنان را به خود منتسب می دانست و نه از خود نفی می کرد. و آنگاه که سخن از آزمایش به میان آمد، نسبت به آنان که در آزمایش موفق می شوند، گفت: <فانّه منّی>.

۱۱ کسانی که فقط یک کف از آب نهر نوشیدند ، از لشکر طرد نشدند ; گر چه منسوب به طالوت نیز نبودند .

فمن شرب منه فلیس منّی و من لم یطعمه فانّه منّی ألاّ من اغترف غرفهً بیده

کلمه <الاّ> استثنای از <فمن شرب> است; بنابراین لشکر طالوت به سه گروه تقسیم می شوند: نوشندگان، آنانکه نچشیدند و کسانی که تنها مُشتی از آب برگرفتند. حکم گروه اوّل و دوّم روشن است ; ولی گروه سوّم چون آب را چشیده اند، <منّی> صدق نمی کند و به دلیل اینکه سیراب نشده اند، <لیس منی> نیز صدق نمی کند.

۱۲ طالوت با آزمایش

الهی ، برخی سپاهیان خود را تصفیه نمود و از لشکر طرد کرد .

فمن شرب منه فلیس منّی

۱۴ بیشتر لشکریان طالوت علی رغم منع وی ، از آب نهر نوشیدند و در امتحان الهی موفق نشدند .

فشربوا منه الاّ قلیلا

۱۸ تنها اقلیّتی که در آزمایش تشنگی موفّق شدند ، همراه طالوت از نهر گذشتند .

فشربوا منه الاّ قلیلا منهم فلمّا جاوزه هو و الذین امنوا معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۸

۸ پندار مصونیت از امتحان و عذاب الهی ، از میان برنده حق شنوی و بصیرت دینی بنی اسرائیل

فعموا و صموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۱۲،۱۳

۱۲ آزمایش بنی اسرائیل ، از اهداف امداد های الهی برای حاکمیت بخشیدن به آنان پس از پیروزی بر دشمنانشان

و یستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون

۱۳ آزمایش بنی اسرائیل از سوی خدا پس از دستیابی آنان به حکومت و قدرت ، هشدار موسی (ع) به آنان

فینظر کیف تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۱۰،۱۱

۱۰ خداوند با گرفتار ساختن بنی اسرائیل به عذاب های سهمگین فرعونی ، آنان را آزمونی بزرگ مبتلا ساخت .

یسومونکم سوء العذاب . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

کلمه <بلاء> می توانـد به معنای آزمون و نیز به معنای نعمت باشـد. مشارالیه <ذلکم> یا عذاب است و یا رهایی از آن. در برداشت فوق <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به

خود عذاب گرفته شده است.

۱۱ خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل عصر موسی از شکنجه های سخت فرعونی ، آنان را مورد آزمایشی سنگین قرار داد .

و إذ أنجینکم . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۱۴

۱۴ آزمون بنی اسرائیل از جانب خدا ، توجیه و برداشت موسی (ع) از مشیت الهی بر هلاک سازی همراهان او

إن هی إلا فتنتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۸

۱۸- آزمایش بندگان ، جلوه ربوبیت الهی نسبت به آنان است .

و فی ذلکم بلاء من ربّکم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۱،۲

۱ - بنی اسرائیل ، در غیبت موسی (ع) ، مورد آزمایش الهی قرار گرفتند .

فإنّا قد فتنّا قومک من بعدک

<من بعدک>; یعنی [ای موسی] بعد از آن که تو از قوم خویش جدا گشتی و از انظار آنان غایب شدی. گفتنی است که <فتنه> در اصل در مورد طلا و نقره ای کاربرد دارد که با آتش گداخته شده و خوب و بد آن جدا شده باشد (مصباح) و مراد از آن در آیه بالا، آزمایش است که مایه تشخیص انسان های خوب و بد است.

۲ - موسی (ع) در میقات و از طریق وحی ، بر امتحان شدن بنی اسرائیل

در غیاب او و گمراه شدن آنان آگاهی یافت .

و عجلت إلیک . .. فإنّا قد فتنّا قومک من بعدک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۱،۳،۵،۶

۱- ارائه آیات و معجزات از سوی خداوند به بنی اسرائیل ، دربردارنده آزمونی آشکار و انکارناپذیر برای ایشان

و ءاتینهم من الأیت ما فیه بلؤا مبین

۳- گزینش بنی اسرائیل از سوی خداوند ، گزینشی برای آزمایش

و لقد اخترنهم . ..و ءاتینهم ... ما فیه بلؤا

<و آتیناهم> تفسیر و تبیین حقیقت <اخترناهم> است; یعنی، گزینش بنی اسرائیل همین بود که خداوند، آنان را از نظر شرایط فکری و اجتماعی مستحق آزمایش دانست و زمینه آن را برای آنان فراهم ساخت.

۵- آزمون های الهی در مورد بنی اسرائیل ، روشن و خالی از ابهام

بلؤا مبین

۶- آیات و معجزات الهی برای بنی اسرائیل ، دارای اهداف گوناگون از جمله امتحان آنان *

و ءاتینهم من الأیت ما فیه بلؤا مبین

تعبیر <فیه بلاء>، این احتمال را مطرح می سازد که هر آیه ای صرفاً بُعد آزمایشی نداشته است.

امتنان بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۵

۵ خداوند تهیه خوراکی ها از هر ناحیه بیت المقدس را برای بنی اسرائیل حلال و مباح کرد .

و کلوا منها حیث شئتم

امداد به بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۰ – ۸

۸ – پیروزی بنی اسرائیل در آزمون الهی با تحمل رنج ها و سختی ها ، موجب تحقق نصرت الهی و نجاتشان

شد .

یسومونکم سوء العذاب . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم. و إذ فرقنا بکم البحر

آیه قبل که بیانگر آزمون الهی از بنی اسرائیل و تحمل رنجها و سختیها از سوی آنان بود، توضیح دهنده سببیت بنی اسرائیل در شکافته شدن دریاست; یعنی، چون بنی اسرائیل آن گونه عمل کردند شایستگی آن را پیدا کردند که خداوند با شکافتن دریا، آنان را نجات دهد و دشمنانشان را هلاك سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۴،۱۰

۴ وعده الهی به بنی اسرائیل بر نصرت آنان

اخذ اللّه میثق بنی اسرءیل . .. و قال اللّه انی معکم

در برداشت فوق مخاطب در <معکم>، بنی اسرائیل گرفته شده است، نه خصوص نقبای آنها.

۱۰ نصرت و یاری خدا به بنی اسرائیل ، مشروط به اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و انفاق در راه خدا

انی معکم لئن اقمتم الصلوه . .. و اقرضتم اللّه قرضاً حسناً

در برداشت فوق جمله <انی معکم> به منزله جواب شرط و قسم در <لئن اقمتم> گرفته شده است. یعنی در واقع، جمله <لئن اقمتم>، دارای دو جزء است: یکی <انی معکم> و دیگری <لاکفرن ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۵،۶

۵- تجدید توان اقتصادی و انسانی بنی اسرائیل با امداد الهی پس از اولین شکست

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم و أمددنکم بأمول و بنین

۶- سلطه مجدد بنی اسرائیل بر دشمنانشان پس از اولین شکست ، متکی بر توان اقتصادی و نیروی انسانی خدادادی است .

و أمددنکم بأمول

و بنین

امر به معروف در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۵

۵ - بیان کار های نیک برای مردم (امر به معروف ، ارشاد به نیکی ها و . . .) از عهد های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا میثق بنی إسرءیل . .. و قولوا للناس حسناً

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <حسناً> مفعولٌ به برای قولوا باشد. بنابراین <قولوا ...>; یعنی، نیکیها را برای مردم بگویید و بیان کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۳

۱۳ - رواج اخلاق خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر ، در میان مردم عصر موسی

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره و لاتنس نصیبک من الدنیا و أحسن

امیدواری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۸

۸ قوم موسی علی رغم پیشینه گوساله پرستی به رحمت و مغفرت الهی امیدوار بودند .

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱

۱- ایجاد امیدواری به رحمت در بنی اسرائیل ، علی رغم دو بار فسادانگیزی و شکست تلخشان به وسیله خداوند

عسی ربّکم أن یرحمکم

مخاطبان آیه با توجه به آیات قبل، بنی اسرائیل است.

انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ - عیسی (ع) ، پیامبری مبعوث

شده برای بنی اسرائیل *

و جعلنه مثلًا لبنی إسرءیل

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر <مثلاًـ لبنی اسرائیل> از این باب باشد که عیسی(ع) تنها برای بنی اسرائیل مبعوث شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۴

۴ - موسی (ع) ، پیامبری مبعوث شده برای بنی اسرائیل

و قد تعلمون أنّی رسول اللّه إلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۲

۲ - عیسی (ع) ، پیامبری مبعوث شده برای بنی اسرائیل

یبنی إسرءیل إنّی رسول اللّه إلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۶

۲۶ - بعثت پیامبرانی بسیار برای بنی اسرائیل

و یقتلون النبیین بغیر الحق

<ال> در <النبیین> برای استغراق است و مراد از آن در این جا کثرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۷ - ۳،۴

۳ - خداوند ، پس از درگذشت موسی (ع) ، رسولانی را پی در پی به سوی بنی اسرائیل فرستاد .

و قفینا من بعده بالرسل

<تقفیه> (مصدر قفینا) به معنای روانه کردن چیزی یا کسی در پی چیزی یا کسی دیگری است. بنابراین جمله <قفینا ...>; یعنی، پس از درگذشت موسی(ع)، پیامبران بسیاری را یکی پس از دیگری]به سوی بنی اسرائیل [فرستادیم.

۴ - بنی اسرائیل ، برخوردار از رسولانی بسیار

و قفینا من بعده بالرسل

<ال> در <الرسل> برای استغراق است و در این جا حکایت از کثرت دارد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۱ – ۱۹،۲۲

۱۹ – یهود ، پیامبران بسیاری از نژاد اسرائیل را به قتل رساندند .

فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

چون جمله <فلم تقتلون . ..> (پس چرا پیامبران خدا را می کشتید؟) در جواب ادعای یهود، مبنی بر ایمان آنان به پیامبران بنی اسرائیل، آمده است، معلوم می شود: مراد از <أنبیاء اللّه> پیامبران بنی اسرائیل است.

۲۲ – بنی اسرائیل ، برخوردار از پیامبران بسیار

فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۲ – ۱،۳

۱ – موسی (ع) پیامبری از نژاد اسرائیل و مبعوث شده برای بنی اسرائیل

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. و لقد جاء کم موسی بالبینت

۳ – موسی (ع) ، برجسته ترین و بارزترین چهره در میان انبیای بنی اسرائیل

و لقد جاء کم موسی بالبینت

ذکر نام موسی(ع)، از میان پیامبران بنی اسرائیل، برای ارائه نمونه ای از برخوردهای کفرآمیز یهود با پیامبران اسرائیلی; اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۶ – ۵،۱۰،۱۱،۱۵،۲۶،۲۸،۲۹

۵ پیامبر بنی اسرائیل در عصر طالوت پناهگاه مردم برای رویارویی با دشمنان

اذ قالوا لنبی لهم ابعث

۱۰ پایبندی بنی اسرائیل زمان طالوت به پیکار در راه خدا ، مورد تردید پیامبرشان (اشموئیل) بود .

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال الاّ تقاتلوا

۱۱ پیمان گرفتن بنی اسرائیلِ زمان طالوت (اشموئیل) از قوم خویش برای پیکار در راه خداوند

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال

جمله <هل عسیتم>

کنایه از پیمان گرفتن از آنان است.

۱۵ اطمینان بخشیدن بنی اسرائیلِ زمان طالوت به پیامبرشان ، بر پایداری در پیکار با دشمنان

و ما لنا الاّ نقاتل فی سبیل اللّه

۲۶ حضور حضرت موسی (ع) در میان بنی اسرائیل ، مانع تجاوز دشمنان

الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل من بعد موسی . .. و قد اُخرجنا من دیارنا

<من بعد موسی> می تواند اشاره باشد به اینکه تا آنگاه که موسی (ع) در میان بنی اسرائیل بود، آنان مورد تجاوز دشمنان قرار نگرفتند.

۲۸ برخی پیامبران بنی اسرائیل پس از موسی (ع) ، مقام زمامداری جامعه را بر عهده نداشتند . *

ابعث لنا ملکاً . .. و قد اُخرجنا من دیارنا

درخواست ملك (پادشاه و زمامدار)، حاکی از آن است که پیامبر آن عصر پادشاهی و زمامداری جامعه خویش را بر عهده نداشته است.

۲۹ نیرو های صادق و پایدار بنی اسرائیل در رکاب طالوت ، شصت هزار نفر بودند .

تولّوا الاّ قلیلا

امام باقر (ع) درباره <قلیل> در آیه فوق فرمود: کان القلیل ستّین الفاً

معانی الاخبار، ص ۱۵۱، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۹۷۱.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۸ – ۷

۷ اخبار غیبی پیامبر بنی اسرائیل ، به بازگشت صندوق عهد به سوی آنان

و قال لهم نبیّهم انّ ایه ملکه ان یاتیکم التّابوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱

۱ عیسی (ع) ، فرستاده و رسولی از جانب خداوند ، به سوی بنی

اسرائیل

و رسولا الی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۸،۹

۸ بعثت رسولان متعدّد برای بنی اسرائیل ، همراه دلایل روشن (معجزات و براهین)

قد جاءکم رسل من قبلی بالبیّنات

۹ سوخته شدن قربانی به آتشی از غیب ، معجزه برخی انبیا و رسولان بنی اسرائیل

قال انّ اللّه عهد الینا . .. قد جاءکم رسل ... و بالّذی قلتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ تعدد انبیا در میان بنی اسرائیل *

ءامنتم برسلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۴،۱۲

۴ بنی اسرائیل ، برخوردار از نعمت پیامبرانی متعدد پیش از موسی (ع)

اذ جعل فیکم انبیاء

۱۲ برانگیخته شدن پیامبران در بنی اسرائیل ، زمینه حاکمیت و استقلال آنان *

اذ جعل فیکم انبیاء و جعلکم ملوکاً

تقدیم جمله <جعل فیکم انبیاء> بر جمله <جعلکم ملوکا>، می تواند اشاره به این معنی باشد که وجود انبیا در میان بنی اسرائیل، سبب استقلال و فرمانروایی آنان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۰،۲۲،۲۳

۲۰ خداوند برانگیزنده پیامبرانی بسیار برای هدایت بنی اسرائیل

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت

۲۲ انبیای بنی اسرائیل ، دارای بیاناتی روشن و بدون ابهام در توجیه احکام و قوانین کیفری *

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت

<بینات>، به قرینه صدر آیه، می تواند اشاره به شرح و تبیین کیفرهای الهی در موارد قتل و جنایت باشد.

۲۳ اتمام

حجت خداوند بر بنی اسرائیل با فرستادن پیامبرانی به همراه دلایل روشن

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت

توبیخ بنی اسرائیل به جهت اسرافکاری و قانونشکنی پس از ارسال پیامبران، گویای این است که دعوت پیامبران کافی برای هدایت و رفع عذر بوده که از آن به اتمام حجت تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۳

۳ بعثت پیامبرانی متعدد و بلند مرتبه از جانب خداوند برای بنی اسرائیل

و ارسلنا الیهم رسلا

تنوین در <رسلا> می تواند اشاره به عظمت و مرتبه والای آن رسولان داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۸

۸ مسیح (ع) پیامبری فرستاده شده به سوی بنی اسرائیل

و قال المسیح یبنی اسرءیل اعبدو اللّه ربی و ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۸

۸ حضرت داود (ع) و عیسی (ع) از پیامبران بنی اسرائیل می باشند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۵

۵- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (زکریا ، یحیی ، عیسی ، موسی و هارون (ع)) از نسل اسرائیل (یعقوب) بودند .

من النبيّن . .. من ذرّيّه إبرهيم و إسرءيل

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۷ – ۳

۳ – موسى

و هارون ، از طایفه بنی اسرائیل بودند .

و قومهما لنا عبدون

انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۶

۲۶ - بعثت پیامبرانی بسیار برای بنی اسرائیل

و یقتلون النبیین بغیر الحق

<ال> در <النبیین> برای استغراق است و مراد از آن در این جا کثرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۷ - ۳،۴

۳ - خداوند ، پس از درگذشت موسی (ع) ، رسولانی را پی در پی به سوی بنی اسرائیل فرستاد .

و قفینا من بعده بالرسل

<تقفیه> (مصدر قفینا) به معنای روانه کردن چیزی یا کسی در پی چیزی یا کسی دیگری است. بنابراین جمله <قفینا ...>; یعنی، پس از درگذشت موسی(ع)، پیامبران بسیاری را یکی پس از دیگری]به سوی بنی اسرائیل [فرستادیم.

۴ - بنی اسرائیل ، برخوردار از رسولانی بسیار

و قفینا من بعده بالرسل

<ال> در <الرسل> برای استغراق است و در این جا حکایت از کثرت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۹،۲۲

۱۹ - یهود ، پیامبران بسیاری از نژاد اسرائیل را به قتل رساندند .

فلم تقتلون أنبياء اللّه من قبل

چون جمله <فلم تقتلون . ..> (پس چرا پیـامبران خـدا را می کشتیـد؟) در جواب ادعـای یهود، مبنی بر ایمان آنان به پیامبران بنی اسرائیل، آمده است، معلوم می شود: مراد از <أنبیاء اللّه> پیامبران بنی اسرائیل است.

۲۲ - بنی اسرائیل ، برخوردار از پیامبران بسیار

فلم تقتلون أنبياء اللّه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۲ – ۱،۳

۱ – موسی (ع) پیامبری از نژاد اسرائیل و مبعوث شده برای بنی اسرائیل

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. و لقد جاء کم موسی بالبینت

۳ – موسی (ع) ، برجسته ترین و بارزترین چهره در میان انبیای بنی اسرائیل

و لقد جاء کم موسی بالبینت

ذکر نام موسی(ع)، از میان پیامبران بنی اسرائیل، برای ارائه نمونه ای از برخوردهای کفرآمیز یهود با پیامبران اسرائیلی; اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۶ – ۵،۱۰،۱۱،۱۵،۲۶،۲۸،۲۹

۵ پیامبر بنی اسرائیل در عصر طالوت پناهگاه مردم برای رویارویی با دشمنان

اذ قالوا لنبی لهم ابعث

۱۰ پایبندی بنی اسرائیل زمان طالوت به پیکار در راه خدا ، مورد تردید پیامبرشان (اشموئیل) بود .

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال الاّ تقاتلوا

۱۱ پیمان گرفتن بنی اسرائیلِ زمان طالوت (اشموئیل) از قوم خویش برای پیکار در راه خداوند

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال

جمله <هل عسیتم> کنایه از پیمان گرفتن از آنان است.

۱۵ اطمینان بخشیدن بنی اسرائیلِ زمان طالوت به پیامبرشان ، بر پایداری در پیکار با دشمنان

و ما لنا الاّ نقاتل فی سبیل اللّه

۲۶ حضور حضرت موسی (ع) در میان بنی اسرائیل ، مانع تجاوز دشمنان

الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل من بعد موسی . .. و قد اُخرجنا من دیارنا

<من بعد موسی> می تواند اشاره باشد به اینکه تا آنگاه که موسی (ع) در میان بنی اسرائیل بود، آنان مورد تجاوز دشمنان قرار نگرفتند.

۲۸

برخی پیامبران بنی اسرائیل پس از موسی (ع) ، مقام زمامداری جامعه را بر عهده نداشتند . *

ابعث لنا ملکاً . .. و قد اُخرجنا من دیارنا

درخواست ملك (پادشاه و زمامـدار)، حاکی از آن است که پیامبر آن عصـر پادشاهی و زمامـداری جامعه خویش را بر عهـده نداشته است.

۲۹ نیرو های صادق و پایدار بنی اسرائیل در رکاب طالوت ، شصت هزار نفر بودند .

تولّوا الاّ قلیلا

امام باقر (ع) درباره <قلیل> در آیه فوق فرمود: کان القلیل ستّین الفاً

معانی الاخبار، ص ۱۵۱، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۹۷۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۷

۷ اخبار غیبی پیامبر بنی اسرائیل ، به بازگشت صندوق عهد به سوی آنان

و قال لهم نبیّهم انّ ایه ملکه ان یاتیکم التّابوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱

۱ عیسی (ع) ، فرستاده و رسولی از جانب خداوند ، به سوی بنی اسرائیل

و رسولا الی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۸،۹

۸ بعثت رسولان متعدّد برای بنی اسرائیل ، همراه دلایل روشن (معجزات و براهین)

قد جاءكم رسل من قبلی بالبیّنات

۹ سوخته شدن قربانی به آتشی از غیب ، معجزه برخی انبیا و رسولان بنی اسرائیل

قال انّ اللّه عهد الینا . .. قد جاءكم رسل ... و بالّذی قلتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵

- ۱۲ - ۱۴

۱۴ تعدد انبیا در میان بنی اسرائیل *

ءامنتم برسلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۴،۱۲

۴ بنی اسرائیل ، برخوردار از نعمت پیامبرانی متعدد پیش از موسی (ع)

اذ جعل فیکم انبیاء

۱۲ برانگیخته شدن پیامبران در بنی اسرائیل ، زمینه حاکمیت و استقلال آنان *

اذ جعل فیکم انبیاء و جعلکم ملوکاً

تقدیم جمله <جعل فیکم انبیاء> بر جمله <جعلکم ملوکا>، می تواند اشاره به این معنی باشد که وجود انبیا در میان بنی اسرائیل، سبب استقلال و فرمانروایی آنان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۰،۲۲،۲۳

۲۰ خداوند برانگیزنده پیامبرانی بسیار برای هدایت بنی اسرائیل

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت

۲۲ انبیای بنی اسرائیل ، دارای بیاناتی روشن و بدون ابهام در توجیه احکام و قوانین کیفری *

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت

<بینات>، به قرینه صدر آیه، می تواند اشاره به شرح و تبیین کیفرهای الهی در موارد قتل و جنایت باشد.

۲۳ اتمام حجت خداوند بر بنی اسرائیل با فرستادن پیامبرانی به همراه دلایل روشن

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت

توبیخ بنی اسرائیل به جهت اسرافکاری و قانونشکنی پس از ارسال پیامبران، گویای این است که دعوت پیامبران کافی برای هدایت و رفع عذر بوده که از آن به اتمام حجت تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۳

۳ بعثت پیامبرانی متعدد و بلند مرتبه از جانب خداوند برای بنی اسرائیل

و ارسلنا الیهم رسلا

تنوین در <رسلا> می تواند

اشاره به عظمت و مرتبه والای آن رسولان داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۲ – ۸

۸ مسیح (ع) پیامبری فرستاده شده به سوی بنی اسرائیل

و قال المسیح یبنی اسرءیل اعبدو اللّه ربی و ربکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۸ – ۸

۸ حضرت داود (ع) و عیسی (ع) از پیامبران بنی اسرائیل می باشند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۸ – ۵

۵- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (زکریا ، یحیی ، عیسی ، موسی و هارون (ع)) از نسل اسرائیل (یعقوب) بودند .

من النبیّن . .. من ذرّیّه إبرهیم و إسرءیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۷ – ۳

۳ – موسی و هارون ، از طایفه بنی اسرائیل بودند .

و قومهما لنا عبدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۵۹ – ۱۲

۱۲ - عیسی (ع) ، پیامبری مبعوث شده برای بنی اسرائیل *

و جعلنه مثلًا لبنی إسرءیل

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر <مثلاًـ لبنی اسرائیل> از این باب باشد که عیسی(ع) تنها برای بنی اسرائیل مبعوث شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۴

۴

- موسی (ع) ، پیامبری مبعوث شده برای بنی اسرائیل

و قد تعلمون أنّی رسول اللّه إلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۲

۲ - عیسی (ع) ، پیامبری مبعوث شده برای بنی اسرائیل

یبنی إسرءیل إنّی رسول اللّه إلیکم

انتظارات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۳

۳ رفع بیدادگری فرعون از بنی اسرائیل ، انتظار آنان از بعثت موسی (ع)

قالوا أوذینا من قبل أن تأتینا و من بعد ما جئتنا

انتقام از بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵ - ۱

۱- انتقام خداوند از بنی اسرائیل ، به وسیله نیروهایی توانمند و جنگاور ، در پی نخستین فسادانگیزی آنان

فإذا جاء وعد أُولهما بعثنا علیکم عبادًا لنا أُولی بأس شدید

<بأس> در لغت به معنای شدت در جنگ است و <أُولی بأس> توانمندی و جنگاوری را معنا می دهد.

انحراف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۷

۷ – وجود زمینه انحرافاتی ، همانند انحرافات بنی اسرائیل در بین مسلمانان

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم کما سئل موسی من قبل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۰ – ۱۱

۱۱ بنی اسرائیل با انحراف های خویش ، آینده ناگوار و شومی را برای خود ترسیم نمودند .

لبئس ما قدمت لهم انفسهم

اندوه بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۹

۹- مورد تاخت و تاز قرار گرفتن بنی اسرائیل به وسیله جنگاورانی قدرتمند ، با فرا رسیدن دومین مرحله فسادانگیزی آنان و هویدا شدن غبار غم و شکست در چهره آنها

فإذا جاء وعد الأخره لیسئوا وجوهکم

ضمیر فاعلی <هم> در <لیسئوا> به <عباداً> باز می گردد و لام در آن برای تعلیل است; یعنی، بندگان ما برای اندوهگین کردن شما (بنی اسرائیل) بیایند.

انذار بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴ - ۱،۴

۱- هشدار خداوند به بنی اسرائیل نسبت به دوبار فسادانگیزی قطعی آنان در آینده

و قضینا إلی بنی إسرءیل فی الکتب لتفسدنّ فی الأرض مرّتین

خداوند از آیات ۴ تا ۸ از دوبار فسادانگیزی بنی اسرائیل و سرکوبی آنان خبر داده است. در اینکه این دو بار تا کنون به وقوع پیوسته است یا خیر، میان مفسران بحث و گفتوگوی بسیار شده است و هیچ دلیل قاطع و قانع کننده هم در خود آیات و بیرون از آنها برای وقوع و عدم وقوع آن دو حادثه وجود ندارد. از این رو، برداشتهای آیات یاد شده به صورت پیشگویی و به گونه ای نوشته شده است که با هر دو احتمال سازگار باشد. گفتنی است: <قضاء> به معنای فیصله دادن شیء است و متعدی شدن آن به <إلی> متضمن معنای <ایحاء> و <اعلام> است و چنان که از آیات بعدی برمی آید، آیه شریفه در مقام تهدید است.

۴- هشدار خداوند به بنی اسرائیل به خاطر سرکشی و برتری طلبی بزرگ آنان

و قضینا إلی بنی إسرءیل . .. و

لتعلنّ علوًّا کبیرًا

مراد از <لتعلنّ> به قرینه <لتفسدنّ فی الأرض> و نیز به قرینه آیه بعد که در آن عکس العمل خداوند با این عمل بنی اسرائیل بیان شده است برتری طلبی است و نه برتری یافتن اجتماعی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۷

۷- تهدید شدن بنی اسرائیل به کیفر مجدد در صورت بازگشت به فتنه گری ، از سوی خداوند

و إن عدتم عدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۵

۵- هشدار خداوند به بنی اسرائیل ، در غافل نشدن از آخرت پس از دستیابی به آرامش و حاکمیت

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الأخره جئنا بکم لفیفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱

۱ - انحراف و گوساله پرستی بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع) ، علی رغم هشدار های هارون (ع) صورت گرفته بود .

و لقد قال لهم هرون من قبل

<من قبل>; یعنی، پیش از بازگشت موسی(ع) از میقات.

انذار گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱۴

۱۴ - موسی (ع) ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را مردمی عهدشکن توصیف کرده و آنها را به عذاب سخت الهی هشدار داد .

أم أردتّم أن يحلّ عليكم غضب من ربّكم

انفاق در بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۷

۷ نماز

، زکات ، ایمان به همه انبیا و حمایت از آنان و انفاق ، از تکالیف بنی اسرائیل

لئن اقمتم الصلوه و ءاتیتم الزکوه . .. و عزرتموهم و اقرضتم اللّه

اهانت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۴ – ۹

۹ اهانت قوم موسی ، نسبت به ساحت مقدس خداوند

فاذهب انت و ربک

گفتن <ربک> و نه <ربنا>، حاکی از جسارت قوم موسی به خداوند است.

اهمیت اتحاد بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۴ – ۱۲

۱۲ – حفظ وحدت و یک پارچگی و جلوگیری از تفرقه ، عذر هارون (ع) جهت اقدام نکردن به صورت عملی علیه گوساله پرستان بنی اسرائیل

إنّی خشیت أن تقول فرّقت بین بنی إسرءیل

اهمیت امنیت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۳ – ۳

۳- رعایت جوانب امنیتی و حفاظتی در گریز بنی اسرائیل از نظام فرعونی

فأسر . .. لیلاً

اهمیت سکونت بنی اسرائیل در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۷

۷ - حضور بنی اسرائیل در مصر ، برای فرعونیان اهمیت بسیاری داشت .

فأرسل معنا بنی إسرءیل

مطرح نمودن درخواست اجازه فرعون، برای خروج بنی اسرائیل از مصر، نشانه اهمیت حضور بنی اسرائیل در مصر و بیانگر نقش آنان در انجام امور فرعونیان است.

اهمیت نجات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷ - ۱

۱ - رهانیدن بنی

اسرائیل از سلطه و ستم فرعونی ، در رأس اهداف موسی (ع) و هارون (ع) قرار داشت .

أن ائت القوم الظلمین . .. فأتیا فرعون فقولا... أن أرسل معنا بنی إسرءیل

مقصود از <إرسال> (فرستادن) در این جا آزاد کردن و رها ساختن بنی اسرائیل است. بنابراین از آیه یاد شده استفاده می شود که اساسی ترین مأموریت موسی(ع) این بود که بنی اسرائیل را از سرزمین فرعونیان خارج کند و آنان را از بند اسارت و بردگی مصریان آزاد سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، مهم ترین و برجسته ترین نعمت و احسان خداوند به ایشان بود .

و لقد مننّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که نجات موسی و هارون(علیهماالسلام) از اندوه بزرگ بخشی از نعمت های الهی به ایشان بود; ولی در عین حال به طور جداگانه ذکر شده است.

اهمیت هدایت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۶

۶- موسی (ع) از جانب خداوند وظیفه داشت که قوم خود را در هدایت ، در اولویت قرار دهد .

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا أن أخرج قومک من الظلمت إلی النور

دستور خداوند به پیامبر(ص) این بود: <لتخرج الناس من الظلمات إلی النور> در حالی که به حضرت موسی(ع) فرموده است: <أخرج قومک من الظلمات>. از آن جایی که بی شک

رسالت موسی(ع) فراتر از قوم بنی اسرائیل بوده است، مراد از قید <قومک> احتمالاً در اولویت قرار دادن آنهاست.

ایجاد امیدواری در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۴

۴ موسی (ع) ، قوم خویش را به هلاکت فرعونیان و حاکمیت بنی اسرائیل بر سرزمین مصر امیدوار ساخت .

عسی ربکم أن یهلک عدوکم و یستخلفکم فی الأرض

ایمان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۲

۲ در پس تحقق معجزه موسی (ع) و شکست ساحران ، تنها گروه اندکی از بنی اسرائیل به وی گرویده و ایمان آوردند .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه

برداشت فوق بر اساس ارجاع ضمیر <من قومه> به <موسی> است ; ضمناً تنکیر <ذریه> دلالت بر تقلیل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۲۸

۲۸ - قوم موسی (بنی اسرائیل) ، برخوردار از ایمان و معرفت بالا نسبت به معارف الهی

إذ قال له قومه لاتفرح . .. و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره ... و أحسن ... و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن و استکبرتم

این احتمال در آیه وجود دارد که تذکر قرآن به ایمان

فردی از بنی اسرائیل; از آن جهت برای مشرکان عرب سرزنش بار باشد که بنی اسرائیل در اصل عرب نبودند و عوامل نژادی و زبانی، مقتضی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشوند. با این وصف برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند; در حالی که مشرکان عرب که قرآن به لغت آنان نازل شده از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

ایمان نیاکان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۲

۲- خداوند ، ایمان و شرافت نیاکان بنی اسرائیل را به آنان یادآور شد .

هدًی لبنی إسرءیل . .. ذرّیه من حملنا مع نوح

نصب <ذریه> یا به تقدیر حرف ندا و یا به تقدیر فعل <اخص> است. در هر صورت یادآوری عنوان <ذریه همراهان نوح> بیانگر حقیقت فوق است.

بازگشت بنی اسرائیل به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۸ - ۷

۷- بازگشت بنی اسرائیل به مصر و برخورداری آنان از ثروت و امکانات آن سرزمین ، پس از هلاکت فرعونیان *

کذلک و أورثنها قومًا ءاخرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <قوماً آخرین> تمام بنی اسرائیل باشد.

باغهای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، وارث سرزمینی آباد و برخوردار از باغ ها و چشمه سار ها ، پس از خارج شدن آنان از مصر

کذلک و أورثنها بنی إسرءیل

ضمیر <ها> در <أورثناها> به مطلق <جنّات> بازمی گردد; نه جنات مربوط به فرعونیان. بنابراین، آیه

یاد شده و آیه قبل، بیانگر این حقیقت است که خداوند، از سویی فرعونیان را از باغ ها و کاخ های شان بیرون کرد و همه آنان را به دریا ریخت و از سوی دیگر بنی اسرائیل را که در مصر فاقد هر گونه امکانات بودند، به جای دیگری منتقل کرد و سرزمینی آباد و پر برکت که عبارت است از ارض مقدس باشد در اختیارشان قرار داد و به آنان فرمود <ادخلوا الأرض المقدّسه التی کتب اللّه لکم>،(مائده(۵) آیه ۲۱).

بت پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۱

۱ موسی (ع) با انکار شایستگی غیر خدا برای پرستش ، از گرایش قومش به بت پرستی شگفت زده شد .

قال أغیر اللّه أبغیکم إلهاً

همزه در <أغیر اللّه> برای انکار و تعجب و <کم> به تقدیر لام است. <إلهاً> مفعول برای <أبغی> و <غیر اللّه> صفت و یا حال برای <إلهاً> است. یعنی: <أأبغی لکم إلهاً غیر اللّه>

بدرفتاری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۳

۲۳ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان ، با مردمان معاشرت نیکو نداشتند ، نماز را اقامه نکردند و از پرداخت زکات طفره رفتند .

و قولوا للناس حسناً و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

برتری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۷،۸،۹

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل را بر همه مردمان عصرشان برتری داد .

و

أنی فضلتكم علی العلمین

كلمه <عـالمین> گـاهی بر همه هستی و گـاهی به موجودات دارای عقل و شعور اطلاق می شود و احیاناً كاربرد آن، انسانها هستند. به نظر می رسد مراد از <العالمین> در آیه مورد بحث - به مناسبت حكم و موضوع - انسانها باشد.

۸ - برتری بنی اسرائیل بر همه مردم ، از نعمت های گران سنگ الهی بر آنان

و أنی فضلتكم علی العلمین

برداشت فوق مبتنی بر این است كه: عطف <أنی فضلتكم> بر <نعمتی> عطف خاص بر عام، یا عطف تفسیری باشد.

۹ - به خاطر داشتن نعمت برتری بنی اسرائیل بر همگان ، سفارش و توصیه خداوند به آنان

اذكروا نعمتی . .. أنی فضلتكم علی العلمین

عطف <أنی فضـلتكم> بر <نعمتی> اقتضا می كند كه: <أنی فضلتكم> نیز مفعول <اذكروا> باشد; یعنی: اذكروا . .. أنی فضلتكم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۲ - ۷،۸،۹

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل را در برهه ای از تاریخ ، بر همه مردمان برتری داد .

و أنّی فضلتكم علی العلمین

كلمه <عـالمین> بر همه هستی و گاهی به همه موجودات دارای عقل و شعور اطلاق می گردد و احیاناً كاربرد آن خصوص انسانهاست. به نظر می رسد مراد از آن در آیه شریفه - به مناسبت حكم و موضوع - انسانها باشد.

۸ - برتری بنی اسرائیل بر همه مردم ، از نعمت های گران سنگ الهی بر بنی اسرائیل

اذكروا نعمتی التی أنعمت علیكم و أنّی فضلتكم علی العلمین

برداشت فوق مبتنی بر این است كه عطف <أنّی فضلتكم> بر <نعمتی> عطف خاص بر عام و یا عطف تفسیری باشد.

۹

– بنی اسرائیل ، در صورت یادآوری نعمت های گران سنگ الهی و بررسی علت های فضیلتشان در اعصار گذشته ، زمینه های ایمان به پیامبر (ص) را در خویش ، شکوفا خواهند کرد .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون. یبنی إسرءیل اذکروا نعمتی

به نظر می رسد توصیه به یادآوری نعمتهای خدادادی، پس از بیان خطر کفرورزی به پیامبر(ص) و قرآن، ارائه رهنمودی باشد برای ایجاد زمینه ایمان.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۰ – ۳،۴

۳ خداوند ، بنی اسرائیل زمان موسی را بر همه اقوام و ملل عصرشان برتری بخشید .

و هو فضلکم علی العلمین

<ال> در <العالمین> برای عهد و اشاره به عالمین عصر موسی است.

۴ موسی (ع) با بیان احسان و تفضل ویژه خداوند بر بنی اسرائیل ، تنها او را شایسته پرستش برای آنان معرفی کرد .

قال أغیر اللّه أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جمله <و هو فضلکم> حالیه و به منزله تعلیلی است برای جمله <أغیر اللّه . .. .> یعنی چگونه امکان دارد غیر خدا را برای پرستش شما بجویم در حالی که نعمتها، از جمله برتری شما بر دیگر اقوام و ملل، عطای اوست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۶ – ۹

۹ – برتری یافتن بنی اسرائیل بر مردمان عصر خویش ، در پی رسالت موسی (ع)

و فضّلنهم علی العلمین

مراد از <العالمین> در برداشت یاد شده، مردمان عصر بنی اسرائیل دانسته شده است.

برخورد بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۹

۹ تکذیب پیامبران الهی و کشتن آنان ، شیوه بنی اسرائیل در برخورد با انبیا

کلما جاءهم رسول . .. فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

بردگی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۷ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، دربند اسارت و بردگی فرعون و اشراف حکومت او

و قومهما لنا عبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲ - ۱،۲

۱ - انتقاد صریح موسی (ع) از فرعون به خاطر به بردگی کشاندن بنی اسرائیل

و تلک نعمه . .. أن عبّدتّ بنی إسرءیل

جمله <و تلک نعمه. ..> استفهامی و به تقدیر <أوَتلک...> است. <أن عبّدتّ> می تواند عطف بیان برای اسم اشاره <تلک> و یا منصوب به نزع خافض (لام تعلیل) و به تقدیر <لأن عبّدتّ> باشد. <تعبید> (مصدر <عبّدتّ>) به معنای برده و بنده [خود] ساختن است؛ یعنی، آیا این که فرزندان اسرائیل را بنده خود ساخته ای، این نعمتی است که منّت آن را بر من می نهی.

۲ - بنی اسرائیل ، تحت بردگی و استثمار شدید نظام فرعونی

أن عبّدتّ بنی إسرءیل

بردگی در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۶

۶ < عن على بن موسى الرضا (ع) : كانت الحكومه فى بنى اسرائيل إذا سرق أحد شيئاً استرق به ، . . . فقال لهم يوسف : ما جزاء من وجد فى رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه

...;

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد . .. پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود]>.

برگزیدگان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲

۲ خداوند از میان بنی اسرائیل دوازده سرپرست بر آنان گماشت .

و بعثنا منهم اثنی عشر نقیباً

<نقیب> به کسی گفته می شود که از سوی والی و حاکم، بر گروه و طائفه ای ریاست و سرپرستی می کند.

برگزیدگی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، قومی برگزیده و مورد عنایات الهی در گذشته تاریخ

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل

برگزیدگی رهبران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۶

۶ - صبر و یقین برخی از پیروان موسی (ع) به آیات الهی ، زمینه ساز گزینش آنان از سوی خدا برای پیشوایی بنی اسراییل بود .

و جعلنا منهم أئمّه . .. لمّا صبروا و کانوا بأیتنا یوقنون

بنابراین احتمال که در <لمّا> معنای جزا باشد; یعنی، آنان به رهبری انتخاب شدند، به پاداش صبری که پیشه کردند و یقینی که به آیات الهی پیدا کردند.

بسیج بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۱،۵

۱ عذر خواستن موسی (ع) در پیشگاه پروردگار ، از ناتوانی خویش در بسیج بنی اسرائیل برای مبارزه با جباران

قال رب انی لااملک الا نفسی و اخی

۵ هارون ، همانند موسی (ع) ، مأمور بسیج بنی اسرائیل برای فتح سرزمین مقدس

قال رب انی لااملک الا نفسی و اخی

آیه بیست و سوم (و قال رجلان . ..) بیانگر آن است که آن دو مرد نیز همانند هارون مطیع موسی(ع) بودند و این حقیقت با تفسیر جمله <لااملک الاـ نفسی و اخی> به اینکه تنها اختیاردار خود و برادرم هستم و در میان بنی اسرائیل تنها هارون فرمانبردار من است، سازگار نیست. بنابراین باید گفت <اخی> مبتدایی است با حذف خبر (و اخی لایملک الانفسه) و نام بردن از خود و برادرش به این دلیل است که بسیج بنی اسرائیل بر عهده هارون نیز بوده است.

بشارت به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۹

۹ - خداوند به قوم موسی - در صورت ورود به بیت المقدس با رعایت آداب آن - نوید آمرزش گناهانشان را داد .

ادخلوا هذه القریه . .. و قولوا حطه نغفر لکم خطیکم

ظاهر این است که <نغفر لکم> جواب برای همه امرهایی است که در آیه شریفه مطرح شده بود. بنابراین تقدیر چنین است: <ان تدخلوا و تأکلوا و تدخلوا الباب سجداً و تقولوا حطه نغفر لکم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۳

۱۳ تضمین

پاداش عظیم در برابر حفظ جان هر انسان ، نویدی از جانب خداوند بر بنی اسرائیل

کتبنا علی بنی اسرءیل . .. من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

همسنگی حفظ حیات یک انسان با تمامی انسانها، می تواند کنایه از پاداش عظیم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۶

۶ موسی (ع) ، نابودی حکومت فرعونی و تسلط مردمش بر سرزمین مصر را به آنان بشارت داد .

قال موسی لقومه . .. إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

چون موسی(ع) در پی تهدیدهای فرعون با جمله <إن الأرض . .. > در صدد تسلی بخشیدن به بنی اسرائیل بود، این جمله متضمن إخبار به نابودی فرعونیان و جانشینی بنی اسرائیل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۵

۵ نوید های خداوند به قوم موسی با هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل به سرزمین آنان ، بی کم و کاست ، تحقق یافت .

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل

<کلمه> به معنای سخن است و مراد از آن به قرینه صدر آیه و نیز آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ نوید هلاک سازی فرعونیان و جانشینی بنی اسرائیل از آنان است. <تمت> یعنی به طور کامل و تمام تحقق یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۹،۱۴

۹ خداوند نوید بخش آمرزش گناهان بنی اسرائیل در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود و سکونتشان در بیت المقدس

اسکنوا . .. و ادخلوا

الباب سجداً نغفر لكم خطيئتكم

ظاهر این است که <نغفر لکم> جواب برای همه اوامری است که در آیه مطرح شده. بنابراین تقدیر چنین است: <إن تسکنوا و تأکلوا و تقولوا و تدخلوا الباب سجداً نغفر لکم>.

۱۴ خداوند محسنان بنی اسرائیل را در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس ، به پاداشی افزونتر از احسانشان نوید داد .

سنزید المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ خداوند به موسی (ع) فرمان داد تا رهایی بنی اسرائیل از چنگال فرعون را به آنان بشارت دهد .

و نجنا برحمتك من القوم الكفرين . .. و بشّر المؤمنين

بصیرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ اصلاح بینش و بصیرت بنی اسرائیل پس از پذیرش توبه آنان

ثم تاب اللّه علیهم ثم عموا و صموا

کلمه <ثم> در جمله <ثم عموا و صموا> می رساند که بنی اسرائیل پس از شمول رحمت الهی بر آنان و توبه به درگاه خداوند بصیرت از دست رفته خویش را بازیافتند، اگر چه در مرحله و زمان دیگر بصیرت خویش را از دست داده و به اعمال ناروا گرایش پیدا کردند.

بعثت انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۱

۲۱ تمامی پیامبران مبعوث شده به سوی بنی اسرائیل ، دارای دلایل روشن (معجزه برهان) بر حقانیت رسالت خویش

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت

بقای نسل بنی اسرائیل

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸ – ۲

۲- نابود و منقرض نشدن نسل بنی اسرائیل ، علی رغم هجوم سنگین نیرو های توانمند و دو بار شکست سخت آنان

عسی ربّکم أن یرحمکم

بنی اسرائیل در بیابان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۷ – ۳،۱۰

۳ – خداوند ، برای تغذیه قوم موسی – به هنگام عبورشان از صحرا – برای آنان < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) فرو فرستاد .

و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز به شربتی شیرین، همانند عسل معنا شده است و در معنای <سلوی> گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی نیز گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

۱۰ – دسترسی قوم موسی به غذا های طیب و غیر طیب (حلال و حرام) در پی عبورشان از دریا و دوران صحراگردی

کلوا من طیبت ما رزقنکم

آوردن کلمه <طیبات> و اضافه کردن آن به <ما رزقناکم> بیانگر برداشت فوق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۸ – ۲

۲ – فرمان تصرف بیت المقدس به بنی اسرائیل ، پس از زندگانی بیابانی آنان بود .

و ظللنا علیکم الغمام . .. و إذ قلنا ادخلوا هذه القریه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۰ – ۷

۷ – نزول < منّ و سلوی > بر بنی اسرائیل ، پس از نجات آنان از

چنگال فرعون و استقرار آنها در بیابان بوده است .

قد أنجینکم . .. وعدنکم ... و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

نزول <منّ و سلوی>، نشان عاری بودن منطقه از مواد غذایی متداول و بیابانی بودن محیط استقرار آنها است.

بنی اسرائیل در بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۹،۱۰،۵،۲،۱

۱ بنی اسرائیل فرمان یافتند تا پس از زندگانی بیابانی ، در آبادی بیت المقدس سکونت گزینند .

و إذ قیل لهم اسکنوا هذه القریه

<قریه> در لغت به معنای روستا و نیز شهر آمده و در قرآن نیز در هر دو معنا استعمال شده است. و چون قرینه ای یافت نشد که کدامین معنا مراد است، در برداشت فوق کلمه <آبادی> آورده شد. <ال> در <القریه> عهد حضوری و اشاره به دیاری خاص دارد. بسیاری از مفسران برآنند که مراد از آن بیت المقدس است.

۲ فرمان به سکونت گزیدن در آبادی بیت المقدس ، فرمانی بود از جانب خدا به بنی اسرائیل

و إذ قیل لهم اسکنوا هذه القریه

کلمه <قیل> به صورت مجهول آمده و فرمان دهنده ذکر نشده است، ولی از جمله <نغفر لکم . .. > به دست می آید که فرمان دهنده خداوند است.

۵ خداوند تهیه خوراکی ها از هر ناحیه بیت المقدس را برای بنی اسرائیل حلال و مباح کرد .

و کلوا منها حیث شئتم

۱۰ بنی اسرائیل پیش از ورود به بیت المقدس گناهان فراوانی داشتند .

نغفر لکم خطیئتکم

برداشت فوق با توجه به کلمه <خطیئات> که به صورت جمع آمده استفاده شده است.

۱۹ داستان ورود بنی اسرائیل

به بیت المقدس ، داستانی عبرت آموز و شایسته به یاد داشتن

و إذ قیل لهم اسکنوا . .. سنزید المحسنین

کلمه <إذ> متعلق به فعلی مانند <اذکروا> (به یاد داشته باشید)، است.

بنی اسرائیل در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۶ - ۲

۲ - تعقیب بنی اسرائیل از سوی فرعونیان در مسیر باز شده در دریا به وسیله موسی (ع)

و أنجینا موسی و من معه أجمعین . ثمّ أغرقنا الأخرین

بنی اسرائیل در دریای سرخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۲

۲ - خداوند ، دریای سرخ را برای عبور بنی اسرائیل شکافت .

و إذ فرقنا بکم البحر

<فرق> (مصدر فرقنا) به معنای فاصله انداختن و شکافتن است.

بنی اسرائیل در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۹ - ۳

۳ - بنی اسرائیل در حکومت فرعون ، زندگی سختی داشتند و جان پسران آنها در خطر بود .

أن اقذفیه فی التابوت فاقذفیه فی الیمّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳۰ – ۲

۲- زندگی بنی اسرائیل در نظام فرعونی ، همراه با ذلت و مشقت های فراوان

و لقد نجّینا بنی إسرءیل من العذاب المهین

بنی اسرائیل در ساحل دریا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۶۳ – ۱

۱ – قرار گرفتن بنی اسرائیل در میان سپاه فرعون و دریا

فلمّا ترءا الجمعان . .. فأوحینا إلی موسی أن اضرب بعصاک

البحر

از عبارت <أن اضرب بعصاك البحر> معلوم می شود که بنی اسرائیل به هنگام مشاهده سپاه فرعون، نه راه پیش داشتند و نه راه پس; زیرا در یک طرف آنان دریا قرار داشت و در سوی دیگر سپاه فرعون.

بنی اسرائیل در سرزمین شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۱،۴،۹

۱- دستور خداوند به بنی اسرائیل ، پس از هلاک فرعونیان مبنی بر انتخاب سرزمین مورد نظرشان (شام یا مصر) برای سکنی گزیدن

و قلنا من بعده لبنی إسرءیل اسکنوا الأرض

۴- تسلط و حاکمیت بنی اسرائیل با اذن الهی بر سرزمین مصر (یا شام) پس از هلاکت فرعون *

اسکنوا الأرض

برداشت فوق بدان احتمال است که مراد از <اسکنوا> استقرار و حاکمیت یافتن باشد که تا آن روز بنی اسرائیل فاقد آن بودند و مراد از <الأرض> سرزمین شام [و یا مصر]باشد.

۹- وعده خداوند به بنی اسرائیل جهت گردآوری آنان در سرزمین فلسطین ، پس از فرا رسیدن دومین موعد فساد آنان در آن سرزمین

جئنا بکم لفیفًا

برداشت فوق بدان احتمال است که <وعد الأخره> اشاره ای باشد به آن دو موعدی که خداوند در آغاز این سوره (آیه ۴) برای بنی اسرائیل پیش بینی کرده و به آنان هشدار داده است.

بنی اسرائیل در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۲

۲- حضور موسی (ع) و بنی اسرائیل در سرزمین مصر ، غیر قابل تحمل برای فرعون و موجب تصمیم وی به اخراج قهرآمیز

آنان

فأراد أن يستفزّهم من الأرض

بنابر

اینکه مراد از <الأرض> سرزمین مصر باشد که مقر حکومت فرعون بوده است نکته فوق قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۱،۴

۱- دستور خداوند به بنی اسرائیل ، پس از هلاك فرعونیان مبنی بر انتخاب سرزمین مورد نظرشان (شام یا مصر) برای سکنی گزیدن

و قلنا من بعده لبنی إسرءیل اسکنوا الأرض

۴- تسلط و حاکمیت بنی اسرائیل با اذن الهی بر سرزمین مصر (یا شام) پس از هلاکت فرعون *

اسکنوا الأرض

برداشت فوق بدان احتمال است که مراد از <اسکنوا> استقرار و حاکمیت یافتن باشد که تا آن روز بنی اسرائیل فاقد آن بودند و مراد از <الأرض> سرزمین شام [و یا مصر]باشد.

بنی اسرائیل در سرزمین مقدّس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۲،۳

۲ سکنی گزینی قوم موسی (ع) در سرزمین مقدس ، تقدیری از جانب خداوند

الارض المقدسه التی کتب اللّه لکم

۳ سکونت قوم موسی (ع) در سرزمین مقدس ، حقی برای ایشان از جانب خداوند

التی کتب اللّه لکم

بنی اسرائیل در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - قوم موسی در صحرای سینا از غذا های روییدنی زمین بی بهره بودند .

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض

بنی اسرائیل در غیاب موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۷

۷ - بنی اسرائیل ، در

غیاب موسی (ع) به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم اتخذتم العجل من بعده

<من بعده>; یعنی پس از غیاب موسی (ع) و دور شدنش از بنی اسرائیل. <اتخذتم> از افعال تصییر است. کلمه <العجل> مفعول اول آن و مفعول دومش <الهاً> است که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است; یعنی: <ثم جعلتم العجل الهاً لکم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۴

۴ - قوم موسی ، در غیاب او به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم أتخذتم العجل من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۱،۲،۴،۹

۱ - بنی اسرائیل ، در غیبت موسی (ع) ، مورد آزمایش الهی قرار گرفتند .

فإنّا قد فتنّا قومک من بعدک

<من بعدک>; یعنی [ای موسی] بعد از آن که تو از قوم خویش جدا گشتی و از انظار آنان غایب شدی. گفتنی است که <فتنه> در اصل در مورد طلا و نقره ای کاربرد دارد که با آتش گداخته شده و خوب و بد آن جدا شده باشد (مصباح) و مراد از آن در آیه بالا، آزمایش است که مایه تشخیص انسان های خوب و بد است.

۲ - موسی (ع) در میقات و از طریق وحی ، بر امتحان شدن بنی اسرائیل در غیاب او و گمراه شدن آنان آگاهی یافت .

و عجلت إلیک . .. فإنّا قد فتنّا قومک من بعدک

۴ - سامری ، موجب گمراهی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع) شد .

و أضلّهم السامریّ

<سامریّ> نام شخصی است که

از قوم بنی اسرائیل بود و موجب گمراهی آنان گردید.

۹ - اعتراض خداوند به موسی (ع) در مورد جدا شدن او از مردم و پیشی گرفتن بر آنان ، به جهت بروز انحراف در آنان ، در غیاب وی بوده است .

و ما أعجلك . .. فإنّا قد فتنّا قومك من بعدك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱

۱ - موسی (ع) در پی آگاه شدن از گمراهی بنی اسرائیل همراه با خشم و اندوهی شدید ، به نزد آنان بازگشت .

و أضلّهم السامریّ . فرجع موسی إلی قومه غضبن أسفًا

با توجه به آیات دیگر قرآن در این زمینه و نیز قرینه های موجود در همین آیات، چنین برمی آید که گمراه شدن بنی اسرائیل به دست سامری در میقات چهل روزه موسی(ع)، اتفاق افتاده بود و رجوع موسی(ع) به قوم خود نیز پس از پایان میقات بوده است. <غضبان> چنان که برخی از اهل لغت گفته اند به شخصی گفته می شود که غضب شدیدی داشته باشد و <أسف> به فرد خشمگینی گفته می شود که بر چیزی افسوس می خورد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۷

۷ - بنی اسرائیل ، در زمان غیبت موسی (ع) و رفتن او به میقات ، زیورآلات غنیمتی خود را دور انداختند .

حمّلنا أوزارًا من زینه القوم فقذفنها

<قذف> به معنای پرتاب کردن و دور انداختن است. با توجه به جمله <حمّلنا أوزاراً> به نظر می رسد، بنی

اسرائیل زیورآلات به غنیمت گرفته شده را به این خاطر که گناه و آلودگی است، به دور انداختند. و یا به جهت بی قدر و قیمت شدن آنها در شرایط صحرا و زندگی بیابانی، تصمیم به دور انداختن آنها گرفتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۰ – ۱۰

۱۰ – هارون ، وظیفه دار رهبری و ارشاد بنی اسرائیل در غیبت موسی (ع)

و لقد قال لهم هرون من قبل

بنی اسرائیل در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۳ – ۱۳

۱۳ خداوند ، در قیامت نسبت به اختلافات بنی اسرائیل ، داوری خواهد کرد .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل . .. إن ربک یقضی بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۴ – ۷۸

۷– احضار دسته جمعی بنی اسرائیل در قیامت ، برای بازجویی از آنان درباره نعمت های خدادادی

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الأخره جئنا بکم لفیفًا

برداشت فوق بدان احتمال است که احضار و حشر جمعی بنی اسرائیل در قیامت به قرینه فراز پیش (اسکنوا الأرض) از آن جهت باشد که آنان پاسخگوی نعمت بزرگ خدادادی (اسکنوا الأرض) باشند.

۸– احضار دسته جمعی بنی اسرائیل همراه با فرعونیان در قیامت برای مؤاخذه

جئنا بکم لفیفًا

بنابر اینکه مراد از <کم> بنی اسرائیل و نیز فرعونیان هلاک شده باشند، این برداشت به دست می آید.

بنی اسرائیل در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰

- ۸۷ - ۲،۴

۲ موسی و هارون (ع) مأموریت یافتند تا برای آن دسته از بنی اسرائیل که ساکن شهر مصر بودند ، اقدام به تهیه مسکن نمایند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً

برداشت فوق بر این اساس است که <بمصر> متعلق به عامل مقدر و حال یا صفت برای <قوم> باشد ; یعنی: تبوئاً لقومکما کائنین یا الکائنین بمصر.

۴ موسی و هارون (ع) ، از طرف خداوند مأموریت یافتند قوم خود را از مناطق مختلف ، گرد آورده و در شهر مصر متمرکز کنند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بمصر> متعلق به <تبوئاً> باشد. به این صورت که بنی اسرائیل چون در مناطق مختلف مصر پراکنده بودند و خارج کردن آنان از آن سرزمین در این حال برای موسی (ع) عادتاً ممکن نبود، خداوند با این دستور می خواست آنان در یک جا متمرکز شوند تا در خارج کردنشان از مصر مواجه با مشکل نشوند.

بنی اسرائیل در میقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۱،۲

۱ خداوند از موسی (ع) خواست تا گروهی از قومش را همراه خود به میعادگاه مناجات بیاورد .

و اختار موسی قومه سبعین رجلا لمیقتنا

۲ موسی (ع) از میان بنی اسرائیل هفتاد نفر را برای بردن به میعادگاه مناجات انتخاب کرد .

و اختار موسی قومه سبعین رجلا لمیقتنا

کلمه <سبعین> مفعول برای <اختار> می باشد و <قومه> به سبب حذف حرف جر،

منصوب شده است ; یعنی <من قومه>. البته برخی <قومه> را مفعول و <سبعین> را بدل از آن گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۴

۴ - سمت راست کوه طور ، میقات و وعده گاه شرفیابی بنی اسرائیل برای پاسخ گویی به دعوت خداوند بود .

و وعدنکم جانب الطور الأیمن

<أیمن> به معنای <یمین> (طرف راست) است و مراد از <جانب راست طور> دامنه و یا فضای سمت راست آن بوده است.

بنی اسرائیل دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ گروهی از بنی اسرائیل زمان داود و عیسی عصیان پیشه و تجاوزگر بودند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنی اسرائیل دوران عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ گروهی از بنی اسرائیل زمان داود و عیسی عصیان پیشه و تجاوزگر بودند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنی اسرائیل دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۲

۲ – بنی اسرائیل عصر موسی ، خواهان مشاهده خداوند شدند .

لن نؤمن لک حتی نری اللّه جهره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۰ – ۷

۷ – بنی اسرائیل عصر موسی متشکل از دوازده طایفه بودند .

فانفجرت منه اثنتا عشره عیناً قد علم کل أناس

مشربهم

<أناس> جمع إنس و مراد از آن طوایف بنی اسرائیل است که به قرینه <إثنتا عشره عیناً> معلوم می شود، آنها دوازده طایفه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۴

۱۴ - قلب ها و دل های یهودیان عصر موسی آکنده از عشق به گوساله پرستی بود .

و أشربوا فی قلوبهم العجل

اشراب <مصدر أشربوا> به معنای آمیختن و نفوذ دادن است. مراد از <عجل> (گوساله) به قرینه <فی قلوبهم> محبت و عشق گوساله است نه خود گوساله. آوردن <عجل> به جای <محبت عجل>، بیانگر این است که: محبت گوساله چنان با قلبهای آنان عجین شده بود که گویا خود گوساله در دلهای آنان جای داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۱۲

۱۲ بنی اسرائیلِ زمان موسی (ع) در سیطره نظام فاسد فرعونی

فأرسل معی بنی إسراءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۴

۴ بنی اسرائیل همگام موسی (ع) و پیرو او در مبارزه علیه فرعون

أتذر موسی و قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۱،۱۲

۱۱ بنی اسرائیلِ زمان موسی در دوران حکومت فرعون ، مردمی صبور و مقاوم در برابر دشمنان دین بودند .

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل بما صبروا

۱۲ صبر و مقاومت بنی اسرائیل زمان موسی در برابر ستمگری های فرعون ، موجب تحقق وعده الهی بر پیروزی آنان و نابودی دشمنانشان

و تمت کلمت

ربک الحسنی علی بنی إسرءیل بما صبروا

حرف <باء> در <بما صبروا> سببیه است و <ما>، مصدریه. یعنی: <تمت ... بسبب صبرهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۳

۳ خداوند ، بنی اسرائیل زمان موسی را بر همه اقوام و ملل عصرشان برتری بخشید .

و هو فضلکم علی العلمین

<ال> در <العالمین> برای عهد و اشاره به عالمین عصر موسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱۸

۱۸ جامعه بنی اسرائیل در عصر موسی حاوی گروهی مفسد و با اندیشه ها و روشهایی نابهنجار

و لا تتبع سبیل المفسدین

بنی اسرائیل صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۷

۷ - بنی اسرائیل زمان پیامبر (ص) آگاه به عهد و پیمانی که خداوند با آنان داشت .

أوفوا بعهدی أوف بعهدکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۶،۸

۶ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، حقانیت قرآن را به خوبی شناخته و به حرمت کتمان آن آگاه بودند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند فعلی متعدی لحاظ شود. بر این مبنا مفعول آن مطالبی است که در آیه مطرح شده است، از جمله حرمت کتمان حق و اینکه چه چیز حق است و چه چیز باطل. گفتنی است که از مصداقهای مورد نظر برای <الحق> - به قرینه آیه قبل - <حقانیت قرآن> است.

۸ - بنی اسرائیل عصر بعثت

، با تحریف در کتاب های آسمانی خویش ، در صدد کتمان بشارت ها و نشانه های حقانیت قرآن بودند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

برخی برآنند که مراد از <الباطل> تحریفهای لفظی و معنوی است که عالمان بنی اسرائیل در کتابهای آسمانی خویش ایجاد می کردند تا نشانه های حقانیت قرآن و اسلام از آن آشکار نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۷

۷ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، ویژگی ها و خصوصیات روحی اسلاف و گذشتگان خویش را دارا بودند .

إذ قلتم یموسی لن نصبر علی طعام وحد

نسبت دادن کردارها و گفتارهای گذشتگان بنی اسرائیل به بنی اسرائیل عصر بعثت و گفتن <إذ قلتم> به جای <إذ قالوا> گویای این است که: بنی اسرائیل عصرهای بعد در روحیات و رفتارهای اجتماعی، همسان گذشتگان خود بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، همسان با اسلاف گذشتگان خویش در برخورد با کتاب های آسمانی و احکام دین

ثم تولیتم

نسبت دادن رفتار پیشینیان بنی اسرائیل به موجودین عصر بعثت و عصرهای پس از آن (ثم تولیتم)، بیانگر اتحاد و اشتراک آنان در خصلتها و ویژگیهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱

۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، علی رغم اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی) ، همدیگر را می کشتند .

ثم اقررتم . .. ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم

هؤلاء> (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابهای آیه نظیر خطابهای گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ هشدار خداوند به بنی اسرائیلِ زمان پیامبر (ص) ، نسبت به تکرار رفتار پیشینیان خویش (نقض میثاق تکذیب و قتل انبیا)

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و اللّه بصیر بماتعملون

فعل مضارع <یعملون> علی رغم ماضی آوردن فعل های گذشته <حسبوا>، <عموا و صموا> ، می رساند که جمله <و اللّه بصیر . ..> ناظر بر بنی اسرائیل زمان پیامبر(ص) نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۱

۱۱ بنی اسرائیل با انحراف های خویش ، آینده ناگوار و شومی را برای خود ترسیم نمودند .

لبئس ما قدمت لهم انفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۲،۹،۱۲

۲ روابط ولایی و دوستانه بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) با کافران

ما اتخذوهم أولیاء

۹ بسیاری از بنی اسرائیل در زمان پیامبر (ص) فاسق و شکننده حدود و حریم دین خویش بودند .

و لکن کثیراً منهم فسقون

۱۲ تعهد گروهی از بنی اسرائیل زمان پیامبر (ص) به حدود الهی و قوانین دین

و لکن کثیراً منهم فسقون

بنی اسرائیل صدراسلام

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۳،۴،۷

۳ - بنی اسرائیل ، دارای موقعیت و نقشی بارز در جامعه عصر بعثت پیامبر (ص)

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

از این که خداوند بنی اسرائیل را اختصاص به ذکر کرده است، موقعیت و نقش آنان در جامعه عصر بعثت استفاده می شود.

۴ - بنی اسرائیل ، گرفتار اختلافات فراوان در مبانی و معارف دینی ، به هنگام ظهور اسلام

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

پرداختن قرآن به حل مسائل مهم و مورد اختلاف بنی اسرائیل، نشان دهنده عمق اختلافات آنان در آن عصر است.

۷ - ناتوانی تورات و انجیل عصر پیامبر (ص) ، از رفع اختلافات فکری و عقیدتی بنی اسرائیل

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

اقدام قرآن به حل اختلافات بنی اسرائیل، نشان می دهد که آنچه به عنوان تورات و انجیل در دست آنان بوده، برای تبیین حقایق مورد اختلافشان کافی نبوده است.

بنی اسرائیل گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۹

۱۹ - بنی اسرائیلیان گنهکار و دارای اعمال ناشایست ، مورد تهدید خداوند به کیفر و مجازات

و ما اللّه بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان آگاهی و توجه خداوند به اعمال گنهکاران، تهدید ایشان به کیفر است.

بنی اسرائیل و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۷ – ۱۱

۱۱ – ارائه نشانه های روشن درباره قرآن و اسلام و

پیامبراکرم (ص) ، از سوی خداوند به بنی اسرائیل

و ءاتینهم بیّنت من الأمر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <الأمر> اشاره به مسأله حقانیت دین اسلام و رسالت پیامبراکرم(ص) باشد; که آیات پیشین اساساً درباره آن بود و در آیات بعد نیز مورد توجه قرار گرفته است.

بنی اسرائیل و اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، آگاه به سرگذشت شوم اصحاب سبت و علل آن هستند .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خسئین

بنی اسرائیل و افشای راز انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۹

۳۹ - < عن أبی عبدالله (ع) - و تلا هذه الآیه - < ذلک بأنهم کانوا یکفرون بایات الله و یقتلون النبین بغیر الحق ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون > قال : و الله ما قتلوهم بأیدیهم و لاضربوهم باسیافهم و لکنهم سمعوا أحادیثهم فاذاعوها فاخذوا علیها فقتلوا فصار قتلا و اعتداء و معصیه ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که در پی تلاوت آیه فوق، فرمودند: به خدا سوگند! بنی اسرائیل، پیامبران خود را با دستان خود نکشتند و آنان را با شمشیرهای خود به قتل نرساندند و لکن احادیث آنان را شنیدند و اسرارشان را فاش کردند و در نتیجه پیامبران، دستگیر و کشته می شدند. از این جهت افشای سرّ، قتل و تجاوز و معصیت محسوب شده است>.

بنی اسرائیل و انبیا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۱۶

۱۶ - قوم موسی فاقد معرفت لازم نسبت به مقام شامخ پیامبران (ع)

أتتخذنا هزواً قال أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۸

۸ - قوم موسی ، نمونه ای بارز از اقوام بهانه جو در برخورد با پیامبران و دارای توقعات و خواسته های بی جا از آنان

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم کما سئل موسی من قبل

چون بعید به نظر می رسد که در میان امتهای گذشته، تنها قوم موسی پرسشها و درخواستهای نا به جا از پیامبرشان داشتند، می توان به این نتیجه رسید که: یاد کردن از قوم موسی، به خاطر رواج بیشتر این خصیصه در میان آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۴،۵

۴ ناسازگاری برنامه ها و اهداف پیامبران با تمایلات نفسانی بنی اسرائیل

کلما جاءهم رسول بما لاتهوی انفسهم

۵ انطباق و عدم انطباق رسالت انبیا با تمایلات نفسانی ، عامل تصدیق و تکذیب پیامبران از سوی بنی اسرائیل

کلما جاءهم رسول بما لاتهوی انفسهم فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

بنی اسرائیل و انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۸

۸ بنی اسرائیل با نقض پیمان های الهی و پیروی از هوا های نفسانی ، فاقد پایگاه مطمئن برای اقامه تورات ، انجیل و دیگر معارف الهی

لستم على شيء . .. لقد اخذنا ميثق بنى اسرءيل

بنابر اينكه جمله <لستم على

شیء . ..> به این معنا باشد که شما پایگاهی ندارید تا بتوانید تورات و انجیل را اقامه کنید، می توان گفت آیه مورد بحث آن پایگاه را تفسیر می کند ; یعنی آن پایگاه عبارت است از تعهد به میثاق الهی و پرهیز از هواپرستی.

بنی اسرائیل و اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۲،۱۷

۱۲ - قوم موسی ، علی رغم اظهار پذیرش تورات و پیشمانشان بر گوش سپاری به فرمان های خدا و موسی (ع) ، تمرد کرده و عصیانگر شدند .

قالوا سمعنا و عصینا

۱۷ - اشتیاق قوم موسی به گوساله پرستی ، تعیین کننده موضعگیری های آنان در برابر فرمان های الهی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

بنی اسرائیل و بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۴،۶،۹،۱۰

۴ بنی اسرائیل در پی عبور از دریا با مردمی بت پرست مواجه شدند .

فأتوا علی قوم یعکفون علی أصنام لهم

<أتوا> چون به <علی> متعدی شده، متضمن معنای مرور است، یعنی <اتوا قوما مارین علیهم>.

۶ بت پرستانی که قوم موسی بر آنان گذر کردند ، دارای بت های متعدد بودند .

علی أصنام لهم

<أصنام> (جمع <صنم>) به معنای بتهاست.

۹ بنی اسرائیل از موسی خواستند تا خدایی مانند خدایان بت پرستان برای آنان قرار دهد .

اجعل لنا إلهاً کما لهم ءالهه

۱۰ بنی اسرائیل با مشاهده بت پرستان و کرنش آنان در برابر معبودهایی محسوس ، خواستار معبودی ملموس و محسوس شدند .

فأتوا علی قوم یعکفون

على أصنام لهم قالوا يموسى اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه

بنی اسرائیل و برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۸

۸ خداوند ، بنی اسرائیل را به بر پا داشتن نماز مکلف فرمود .

و أقيموا الصلوه

بنی اسرائیل و تاریخ قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۵

۵- بنی اسرائیل به سرگذشت قوم نوح ، عاد و ثمود آشنایی داشتند .

ألم يأتكم نبؤا الذين من قبلكم قوم نوح و عاد و ثمود و الذين من بعدهم

بنی اسرائیل و تاریخ قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۵

۵- بنی اسرائیل به سرگذشت قوم نوح ، عاد و ثمود آشنایی داشتند .

ألم يأتكم نبؤا الذين من قبلكم قوم نوح و عاد و ثمود و الذين من بعدهم

بنی اسرائیل و تاریخ قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۵

۵- بنی اسرائیل به سرگذشت قوم نوح ، عاد و ثمود آشنایی داشتند .

ألم يأتكم نبؤا الذين من قبلكم قوم نوح و عاد و ثمود و الذين من بعدهم

بنی اسرائیل و تصدیق موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۳

۳ - بنی اسرائیل ، تصدیق رسالت موسی را منوط به آشکارا دیدن خداوند کردند .

لن نؤمن لك حتی نری اللّه جهره

بنی اسرائیل و تصرف بیت المقدس

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۸ – ۲،۳،۶،۷،۸،۱۰

۲ – فرمان تصرف بیت المقدس به بنی اسرائیل ، پس از زندگانی بیابانی آنان بود .

و ظللنا علیکم الغمام . .. و إذ قلنا ادخلوا هذه القریه

۳ – بنی اسرائیل به هنگام دریافت فرمان تصرف بیت المقدس ، در مکانی نزدیک به آن به سر می بردند .

و إذ قلنا ادخلوا هذه القریه

برداشت فوق با توجه به اسم اشاره <هذه> – که برای اشاره به نزدیک است – استفاده شده است.

۶ – دروازه بیت المقدس راه تعیین شده از جانب خداوند ، برای تصرف و نفوذ بنی اسرائیل به آن سرزمین

اخلوا هذه القریه . .. وادخلوا الباب

۷ – اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا – به هنگام تصرف بیت المقدس – از دستور های خداوند به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه <سجداً> جمع ساجد و حال برای فاعل <ادخلوا> می باشد. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک نهادن) سازگار نیست، می توان گفت: در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

۸ – استغفار از گناهان به هنگام تصرف بیت المقدس فرمانی از جانب خداوند به بنی اسرائیل

ادخلوا . .. و قولوا حطه

<حطه> خبر برای مبتدایی محذوف همانند <مسألتنا> است. این کلمه اسم مصدر و به معنای نهادن و فرو آوردن می باشد و مراد از آن به قرینه جمله بعد <نغفر لکم ...> برداشتن گناهان و آمرزش آنهاست. بنابراین <قولوا حطه> یعنی بگویید – خدایا – درخواست ما آمرزش گناهان است.

۱۰ – بنی اسرائیل ، پیش از ورودشان به

بيت المقدس ، بر دوش دارنده گناهانى بسيار

نغفر لكم خطيكم

برداشت فوق با توجه به جمع آوردن كلمه <خطاياكم> استفاده شده است.

بنى اسرائيل و تكذيب انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ بى اعتنايى بنى اسرائيل به پيمان خداوند ، با تكذيب رسولان الهى و كشتن آنان

لقد اخذنا ميثق بنى اسرءيل . .. فريقاً كذبوا و فريقاً يقتلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۹،۲۴

۹ تكذيب و قتل انبيا از سوى بنى اسرائيل مايه محروميت آنان از حق شناسى و بينش دينى

فريقاً كذبوا و فريقاً يقتلون . .. فعموا و صموا

جمله <عموا و صموا> علاوه بر اينكه متفرع بر جمله <حسبوا . ..> است مى تواند متفرع بر جمله <فريقاً كذبوا ...> نيز باشد.

۲۴ هشدار خداوند به بنى اسرائيلِ زمان پيامبر (ص) ، نسبت به تكرار رفتار پيشينيان خويش (نقض ميثاق تكذيب و قتل انبيا)

لقد اخذنا ميثق بنى اسرءيل . .. و اللّه بصير بماتعملون

فعل مضارع <يعملون> على رغم ماضى آوردن فعل هاى گذشته <حسبوا>، <عموا و صموا> ، مى رساند كه جمله <و اللّه بصير . ..> ناظر بر بنى اسرائيل زمان پيامبر(ص) نيز مى باشد.

بنى اسرائيل و تورات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱،۵،۶،۷

۱ - خداوند ، برای فراگیری تورات و عمل به دستورات آن از بنی اسرائیل پیمان گرفت .

و إذ أخذنا میثقکم . .. خذوا ما ءاتینکم

<میثاق> به معنای

پیمـان مؤکـد است و جمله <خـذوا . ..> بیـانگر مورد پیمـان می باشـد. گرفتن کتابهـای آسـمانی (خـذوا مـا آتیناکم) به این معناست که: پذیرفته شوند و به احکام آنها عمل گردد.

۵ - بنی اسرائیل برای پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن ، لجاجت کرده و سرسختی نشان می دادند .

رفعنا فوقکم الطور خذوا ما ءاتینکم

از اینکه خداونـد با تهدید و ارعاب از بنی اسـرائیل خواست تا تورات را بپذیرند و بر آن پیمان بسـپارند، برداشت فوق اسـتفاده می شود.

۶ - پذیرش تورات با جدیت تمام و استوارسازی رفتار و اندیشه ها بر اساس آن ، فرمان خداوند به بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم بقوّه

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل را به فراگیری احکام و معارف تورات و همواره به یادداشتن آن فراخواند .

و اذکروا ما فیه

<ذکر> به دانشـی گفته می شود که انسـان آن را به خـاطر داشـته و فراموش نکرده باشـد. بنـابراین <اذکروا مـا فیه>; یعنی، محتوای تورات را فرا گیرید و آن را همواره به خاطر داشته باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ - بنی اسرائیل پس از دریافت تورات و عمل به محتوای آن ، به قدرت و حکومت رسیدند . *

ثم تولیتم من بعد ذلک

از معـانی <تولی> ولاـیت پیـدا کردن و حکومت یافتن است. برداشت فوق ناظر به این احتمال می باشـد. گفتنی است بر این مبنا مراد از فضل خـدا و رحمت او، همان اعطای تورات و توفیق عمل به احکام آن می باشـد و مقصود از خسـران در <لکنتم من الخاسرین> قرار گرفتن در تحت سیطره

حکومتهای کفر و جور خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۵ – ۱۵

۱۵ – بنی اسرائیل ، به برخی از دستورات تورات عمل کرده و برخی را نادیده می گرفتند .

أفتؤمنون ببعض الکتب و تکفرون ببعض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۳ – ۱،۵،۶،۱۲،۱۳

۱ – خداوند ، برای پذیرش تورات و عمل به دستورات آن از بنی اسرائیل پیمان گرفت .

و إذ أخذنا میثقکم . .. خذوا ما ءاتینکم بقوه

میثاق به معنای پیمان مؤکد است و جمله <خذوا . ..> بیانگر مورد میثاق می باشد. گرفتن کتابهای آسمانی (خذوا ...) به این است که پذیرفته شود و به احکام آن عمل گردد.

۵ – بنی اسرائیل ، برای پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن لجاجت کرده و سرسختی نشان می دادند .

و رفعنا فوقکم الطور خذوا ما ءاتینکم

از اینکه خداوند با تهدید و ارعاب (قرار دادن کوه بر سر بنی اسرائیل) از قوم موسی خواست تا تورات را بپذیرند و برای عمل کردن به آن پیمان بسپارند. برداشت فوق به دست می آید.

۶ – پذیرش تورات با جدیت تمام و استوارسازی رفتار و اندیشه ها بر اساس آن ، فرمان خداوند به بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم بقوه

۱۲ – قوم موسی ، علی رغم اظهار پذیرش تورات و پیشمانشان بر گوش سپاری به فرمان های خدا و موسی (ع) ، تمرد کرده و عصیانگر شدند .

قالوا سمعنا و عصینا

۱۳ – قوم موسی ، آشکارا و علنی و بدون هیچ پرده پوشی ، از فرمان

های تورات و موسی (ع) سرپیچی کردند .

قالوا سمعنا و عصینا

بعید به نظر می رسد که قوم موسی در پاسخ به پیروی از فرمانهای خدا و موسی(ع) - خصوصاً با قرار گرفتن طور بر بالای سر ایشان - اظهار کنند که <ما نافرمانی می کنیم>. بنابراین <قالوا سمعنا و عصینا> بیان می دارد که اظهار اطاعت کردند و در عمل نافرمانی کردند، ولی از آن جا که نافرمانی اینان بسیار علنی و بدون پرده پوشی بوده، گویابه زبان آوردند که ما عصیان می کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۸

۸ بنی اسرائیل با نقض پیمان های الهی و پیروی از هوا های نفسانی ، فاقد پایگاه مطمئن برای اقامه تورات ، انجیل و دیگر معارف الهی

لستم علی شیء . .. لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل

بنابر اینکه جمله <لستم علی شیء . ..> به این معنا باشد که شما پایگاهی ندارید تا بتوانید تورات و انجیل را اقامه کنید، می توان گفت آیه مورد بحث آن پایگاه را تفسیر می کند ; یعنی آن پایگاه عبارت است از تعهد به میثاق الهی و پرهیز از هواپرستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۱۲

۱۲ توجه بنی اسرائیل به محتوای تورات، زمینه ساز ایمان آنان به قیامت و ملاقات خدا

ثم ءاتینا موسی الکتب . .. لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۴،۵،۶،۷

۴ خداوند با برافراشتن کوه طور بر

سر قوم موسی ، از آنان خواست تا با جدیت تمام تورات بپذیرند و رفتار و اندیشه های خویش را بر اساس آن استوار سازند .

خذوا ما ءاتینکم بقوه

<خذوا> یعنی بگیرید. <گرفتن> تورات و دیگر کتابهای آسمانی به این است که مورد پذیرش قرار گیرد و به احکام آن عمل شود.

۵ لجاجت و سرسختی بنی اسرائیل در پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم . .. خذوا ما ءاتینکم

۶ خداوند از بنی اسرائیل خواست تا احکام و معارف تورات را فراگیرند و آنها را همواره به خاطر بسپارند .

و اذکروا ما فیه

<ذکر> به دانشی گفته می شود که انسان آن را به خاطر داشته باشد و فراموش نکرده باشد. بنابراین <اذکروا ما فیه> یعنی محتوای تورات را فراگیرد و آن را همواره به خاطر داشته باشید.

۷ تحصیل تقوا و دوری از اعمال ناروا ، هدف دعوت خداوند از بنی اسرائیل به پذیرش تورات

خذوا ما ءاتینکم بقوه . .. لعلکم تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۸

۸ بنی اسرائیل در تفسیر معارف الهی و دستورات تورات ، آگاهانه به اختلاف پرداختند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که متعلق محذوف <اختلفوا>، تورات باشد ; یعنی، <فما اخلتفوا فی التورات حتی جائهم العلم به ; بنی اسرائیل با اینکه به محتوای تورات آگاه بودند در عین حال آن را تفسیرهای مختلف کردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۳ قوم موسی در حقانیت تورات اختلاف کرده ; گروهی آن را پذیرفتند و گروهی آن را انکار کردند .

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

۴ اختلاف پیروان موسی درباره تورات اصلی و محتوای آن *

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

بنی اسرائیل و حاکمان ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۲۰

۲۰ غضب خدا و عذاب همیشگی ، پیامد دوستی بسیاری از بنی اسرائیل با پادشاهان ستمگر و زیبا جلوه دادن هوا های نفسانی آنان ، به امید دستیابی به بهره های دنیایی آنان

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا . .. و فی العذاب هم خلدون

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: یتولون الملوک الجبارین و یزیّنون لهم اهوائهم لیصیبوا من دنیاهم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۱۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

بنی اسرائیل و حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین احساناً . .. ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

بنی اسرائیل و خانه سازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۷ – ۵

۵ خداوند ، فرمان داد تا بنی اسرائیل در بر پا کردن خانه های خود ، آنها را رو به روی هم بسازند .

و اجعلوا بیوتکم قبله

برداشت فوق مبتنی بر این است

که لفظ <قبله> مصدر نوعی به معنای اسم فاعل باشد ; یعنی: اجعلوا بیوتکم متقابله.

بنی اسرائیل و خوردنی سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۲

۱۲ - قوم موسی با بهره گیری حرام از < منّ > و < سلوی > مرتکب گناه شده ، بر خود ستم کردند . *

کلوا من طیبت ما رزقنکم و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جمله <و لکن کانوا . ..> دلالت بر آن دارد که قوم موسی مرتکب حرام خواری شدند. به نظر می رسد از مصداقهای حرام خواری آنان - به قرینه وقوع جمله مذکور پس از بیان نزول منّ و سلوی - بهره گیری حرام از منّ و سلوی، همانند تجاوز به سهم دیگران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱،۱۸،۱۹

۱ - بنی اسرائیل ، از بسنده کردن به < منّ > و < سلوی > ناخشنود بوده ، و از اکتفا کردن به آن اظهار ناشکیبایی می کردند .

لن نصبر علی طعام وحد

مراد از <طعام واحد> به قرینه آیه ۵۷ <من> و <سلوی> می باشد.

۱۸ - بنی اسرائیل ، در صورت دستیابی به خوراکی های دلخواه (سبزیجات و . . .) از < منّ > و < سلوی > محروم می شدند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

با وجود اینکه در سخنان بنی اسرائیل این معنا نبود که <منّ> و <سلوی> نمی خواهیم، ولی خداوند یا موسی(ع) در پاسخ آنان، جمله <أتستبدلون> (چرا معاوضه می کنید) را به

کار برد تا به این نکته اشاره کند که: دستیابی به خوراکیهای یاد شده، موجب محرومیت شما از <منّ> و <سلوی> خواهد شد.

۱۹ - بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی (منّ و سلوی)

لن نصبر علی طعام وحد . .. قال أتستبدلون الذی هو أدنی

بنی اسرائیل و خوردنی گیاهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - قوم موسی در صحرای سینا از غذا های روییدنی زمین بی بهره بودند .

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض

بنی اسرائیل و خوردنی منّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۲

۱۲ - قوم موسی با بهره گیری حرام از < منّ > و < سلوی > مرتکب گناه شده ، بر خود ستم کردند . *

کلوا من طیبت ما رزقنکم و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جمله <و لکن کانوا . ..> دلالت بر آن دارد که قوم موسی مرتکب حرام خواری شدند. به نظر می رسد از مصداقهای حرام خواری آنان - به قرینه وقوع جمله مذکور پس از بیان نزول منّ و سلوی - بهره گیری حرام از منّ و سلوی، همانند تجاوز به سهم دیگران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱،۱۸،۱۹

۱ - بنی اسرائیل ، از بسنده کردن به < منّ > و < سلوی > ناخشنود بوده ، و از اکتفا کردن به آن اظهار ناشکیبایی می کردند .

لن نصبر على طعام

وحد

مراد از <طعام واحد> به قرینه آیه ۵۷ <من> و <سلوی> می باشد.

۱۸ - بنی اسرائیل ، در صورت دستیابی به خوراکی های دلخواه (سبزیجات و . . .) از < منّ > و < سلوی > محروم می شدند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

با وجود اینکه در سخنان بنی اسرائیل این معنا نبود که <منّ> و <سلوی> نمی خواهیم، ولی خداوند یا موسی(ع) در پاسخ آنان، جمله <أتستبدلون> (چرا معاوضه می کنید) را به کار برد تا به این نکته اشاره کند که: دستیابی به خوراکیهای یاد شده، موجب محرومیت شما از <منّ> و <سلوی> خواهد شد.

۱۹ - بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی (منّ و سلوی)

لن نصبر علی طعام وحد . .. قال أتستبدلون الذی هو أدنی

بنی اسرائیل و در خواست سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - سبزیجات ، خیار ، گندم ، عدس و پیاز از خوراکیهایی که قوم موسی خواهان آن بودند .

یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و . .. بصلها

<فوم> به معنای گندم است. برخی از اهل لغت گفته اند که به معنای سیر نیز به کار می رود و نیز گفته شده که <فوم> به گندم و دیگر حبوباتی که با آن نان پخته شود اطلاق می گردد.

بنی اسرائیل و درخواست پیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - سبزیجات ، خیار ، گندم ، عدس و پیاز از

خوراکیهایی که قوم موسی خواهان آن بودند .

یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و . .. بصلها

<فوم> به معنای گندم است. برخی از اهل لغت گفته اند که به معنای سیر نیز به کار می رود و نیز گفته شده که <فوم> به گندم و دیگر حبوباتی که با آن نان پخته شود اطلاق می گردد.

بنی اسرائیل و درخواست عدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - سبزیجات ، خیار ، گندم ، عدس و پیاز از خوراکیهایی که قوم موسی خواهان آن بودند .

یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و . .. بصلها

<فوم> به معنای گندم است. برخی از اهل لغت گفته اند که به معنای سیر نیز به کار می رود و نیز گفته شده که <فوم> به گندم و دیگر حبوباتی که با آن نان پخته شود اطلاق می گردد.

بنی اسرائیل و درخواست گندم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - سبزیجات ، خیار ، گندم ، عدس و پیاز از خوراکیهایی که قوم موسی خواهان آن بودند .

یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و . .. بصلها

<فوم> به معنای گندم است. برخی از اهل لغت گفته اند که به معنای سیر نیز به کار می رود و نیز گفته شده که <فوم> به گندم و دیگر حبوباتی که با آن نان پخته شود اطلاق می گردد.

بنی اسرائیل و دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۵ - ۶۱

۵ - بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا برای رسیدن به خوراکی های گیاهی به درگاه خدا دعا کند .

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض

بنی اسرائیل و دعای موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۸

۸ - قوم موسی مطمئن به استجابت دعای موسی (ع) بودند .

فادع لنا ربک یخرج لنا

فعل <یخرج> مجزوم است و حکایت از شرطی مقدر دارد; یعنی: <ادع لنا ربک ان تدع یخرج . ..; دعا کن، اگر دعا کردی خداوند پدید خواهد آورد ...> این سخن دلالت بر اطمینان قوم موسی به استجابت دعای او دارد.

بنی اسرائیل و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، همسان با اسلاف گذشتگان خویش در برخورد با کتاب های آسمانی و احکام دین

ثم تولیتم

نسبت دادن رفتار پیشینیان بنی اسرائیل به موجودین عصر بعثت و عصرهای پس از آن (ثم تولیتم)، بیانگر اتحاد و اشتراک آنان در خصلتها و ویژگیهاست.

بنی اسرائیل و رسالت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۳۵

۳۵ بنی اسرائیل در قلمرو و مخاطب رسالت حضرت مسیح (ع)

و اذ کففت بنی اسرءیل عنک اذ جئتهم بالبینت

بنی اسرائیل و رؤیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۳،۵،۱۳،۱۴

۳ - بنی اسرائیل ، تصدیق رسالت موسی را منوط به آشکارا

دیدن خداوند کردند .

لن نؤمن لک حتی نری اللّه جهره

۵ - قوم موسی در پی کفر به او و تقاضای ناروایشان (دیدن خداوند) ، به هلاکت رسیدند .

لن نؤمن لک . .. فأخذتکم الصعقه

<اخذ> (مصدر اخذت) به معنای گرفتن است و به قرینه آیه بعد کنایه از کشتن می باشد.

۱۳ - قوم موسی ، در پی تقاضای رؤیت خدا ، شاهد فرود آمدن صاعقه بر خود بودند .

فأخذتکم الصعقه و أنتم تنظرون

مفعول <تنظرون> (نگاه می کردید) فرود آمدن صاعقه است.

۱۴ - داستان تقاضای رؤیت خدا و اظهار ناباوری بنی اسرائیل به سخنان موسی (ع) و فرود آمدن صاعقه بر آنان ، داستانی آموزنده و شایسته به خاطر داشتن

و إذ قلتم یموسی لن نؤمن لک . .. و أنتم تنظرون

<إذ قلتم> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <اذکروا إذ قلتم . ..>.

بنی اسرائیل و زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۳

۲۳ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان ، با مردمان معاشرت نیکو نداشتند ، نماز را اقامه نکردند و از پرداخت زکات طفره رفتند .

و قولوا للناس حسناً و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

بنی اسرائیل و شکافتن دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۷

۷ - بنی اسرائیل دارای نقشی بسزا در شکافته شدن دریا بر ایشان

و إذ فرقنا بکم البحر

برداشت فوق با توجه به سببیه بودن حرف باء در <بکم> استفاده شده است.

بنی اسرائیل و شکنجه های فرعون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۵ - ۲

۲ قوم موسی ، از همان آغاز گرایش به او ، خود را در معرض عذاب و شکنجه فرعونیان می دیدند .

ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین

بنی اسرائیل و شنیدن کلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۶

۶ - گروهی از بنی اسرائیل خود بدون واسطه پیامبر کلام خداوند را شنیدند . *

و قد کان فریق منهم یسمعون کلم اللّه

بر اساس نظر برخی از مفسران، مراد از <فریق منهم> در جمله فوق، آن هفتاد نفری است که موسی(ع) آنان را گزینش کرد تا خود کلام الهی را بشنوند. اینان همان سخنان را تحریف کردند.

بنی اسرائیل و عهد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ بی اعتنایی بنی اسرائیل به پیمان خداوند ، با تکذیب رسولان الهی و کشتن آنان

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

بنی اسرائیل و عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۳۲،۳۳،۳۴،۳۶

۳۲ بنی اسرائیل در صدد آسیب رسانی به حضرت مسیح (ع) ، پس از مشاهده معجزات و دلایل روشن آن حضرت بر رسالت خویش

و اذ كففت بنى اسرءيل عنك اذ جئتهم بالبينت

مراد از <بينات> به قرينه ذيل آيه (ان هذا الا سحر مبين> معجزات عيسى(ع) است.

۳۳ پيامبرى و رسالت عيسى (ع) برانگيزنده دشمنى بنى اسرائيل

با وی

و اذ كففت بنی اسرءيل عنک اذ جئتهم بالبينت

<اذ جئتهم بالبينت> رسای به این معناست که علت دشمنی بنی اسرائیل با عیسی(ع) بعثت او به پیامبری و دعوت آنان به ایمان بوده است.

۳۴ خداوند ، نگه دارنده عیسی (ع) از آسیب بنی اسرائیل

و اذ كففت بنی اسرءيل عنك

۳۶ ناکامی بنی اسرائیل در آسیب رسانی به مسیح (ع) ، از نعمت های خاص خداوند بر آن حضرت

اذكر نعمتی عليك . .. اذ كففت بنی اسرءيل عنك

بنی اسرائیل و فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۵ - ۵

۵ بنی اسرائیل ، زیر سلطه و اقتدار فرعون و اشراف خود ، با ضعف و ذلت ، روز می گذراندند .

فقالوا على اللّه توكلنا ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمين

بنی اسرائیل و قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۷،۲۸،۳۲،۳۷،۳۹

۲۷ - بنی اسرائیل ، پیامبران بسیاری را به قتل رساندند .

و يقتلون النبيين بغير الحق

۲۸ - بنی اسرائیل هیچ عذر و بهانه ای برای کشتن پیامبران الهی نداشتند .

و يقتلون النبيين بغير الحق

با توجه به این حقیقت که کشتن پیامبران هرگز حق نیست، قید توضیحی (بغیر الحق) آورده شده تا به این معنا اشاره کند که: بنی اسرائیل هیچ بهانه ای از قبیل جهل به پیامبری پیامبران و یا خطایی از سوی ایشان، سراغ نداشتند تا بتوانند کشتن آنان را حق جلوه دهند.

۳۲ - عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر

کشتن پیامبران بود .

یکفرون بأیت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا> کفر به آیات خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذلک در <ذلک بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت <ذلت و ...> شمرده اند.

۳۷ - شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش ، زمینه ساز عصیانگری ، تجاوز ، کشتن پیامبران و کفرشان بود .

لن نصبر علی طعام وحد . .. اهبطوا مصراً ... و ضربت علیهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه؛ یعنی، <و ضربت علیهم الذله . ..> با بخش اول آیه است.

۳۹ - < عن أبی عبداللّه (ع) - و تلا هذه الآیه - < ذلک بأنهم کانوا یکفرون بایات اللّه و یقتلون النبین بغیر الحق ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون > قال : و اللّه ما قتلوهم بأیدیهم و لاضربوهم باسیافهم و لکنهم سمعوا أحادیثهم فاذاعوها فاخذوا علیها فقتلوا فصار قتلا و اعتداء و معصیه ؛

از امام صادق (ع) روایت شده است که در پی تلاوت آیه فوق، فرمودند: به خدا سوگند! بنی اسرائیل، پیامبران خود را با دستان خود نکشتند و آنان را با شمشیرهای خود به قتل نرساندند و لکن احادیث آنان را شنیدند و اسرارشان را فاش کردند و در نتیجه پیامبران، دستگیر و کشته می شدند. از این جهت افشای سرّ، قتل و تجاوز و معصیت محسوب شده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ -

۲۱ – ۲۲،۲۰

۲۰ بنی اسرائیل ، قاتل پیامبران الهی و قاتل حامیان پیامبران

و یقتلون النّبیّن بغیر حق و یقتلون الّذین یأمرون بالقسط

رسول اللّه (ص): . .. قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیّاً ... فقام مأه رجل و اثنا عشر رجلا من عُبّاد بنی اسرائیل فَاَمَرُوا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جمیعاً ... .

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰ ; تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۲ وعده عذاب دردناک به بنی اسرائیل ، به جهت قتل چهل و سه پیامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهی از منکر

و یقتلون النّبیّن بغیر حقّ و یقتلون الّذین یأمرون بالقسط من النّاس فبشّرهم بعذاب

رسول اللّه (ص) به عنوان بیان مصداق برای آیه فوق فرمود: قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیّاً اول النّهار فی ساعه واحده فقام مائه رجل و اثنی عشر رجلا من عبّاد بنی اسرائیل فامروا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جمیعاً من آخر النّهار فی ذلک الیوم.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰ ; تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۴ – ۲

۲ مکر و تلاش کافران بنی اسرائیل ، برای کشتن عیسی (ع)

و مکروا . .. اذ قال اللّه یا عیسی انی متوفیک

با توجه به آیه بعد که سخن از عروج عیسی (ع) به میان آمده، معلوم می شود که مکرشان در جهت کشتن عیسی (ع) بوده است.

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۹،۱۰،۱۱،۱۶

۹ تکذیب پیامبران الهی و کشتن آنان ، شیوه بنی اسرائیل در برخورد با انبیا

کلما جاءهم رسول . .. فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

۱۰ بی اعتنایی بنی اسرائیل به پیمان خداوند ، با تکذیب رسولان الهی و کشتن آنان

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

۱۱ هواپرستی بنی اسرائیل ، زمینه ساز تکذیب انبیا و قتل آنان

رسول بما لاتهوی انفسهم فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

۱۶ هشدار خداوند به مسلمانان در مورد خطر گرفتاری آنان به لغزشهایی همانند لغزش های بنی اسرائیل : (نقض پیمان های الهی ، هواپرستی ، تکذیب و قتل انبیا)

إنّ الذین ءامنوا . .. لاتهوی انفسهم فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

از اهداف این بخش از آیات با توجه به ذکر مسلمانان در ابتداء کلام (ان الذین ءامنوا) و آنگاه بیان سرگذشت شوم بنی اسرائیل، این است که مسلمانان را از گرفتار شدن به چنین سرنوشتی پرهیز دهد و به آنان گوشزد کند که آنان نیز در خطر آلودگی به چنین اعمال ناروایی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۶،۷،۹،۲۴

۶ بی پروایی بنی اسرائیل در شکستن پیمان الهی ، تکذیب انبیا و کشتن آنان ، برخاسته از باور آنان به مصونیت از عذاب

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون. و حسبوا الا تکون فتنه

۷ پندار رهایی از مجازات نقض میثاق و تکذیب و کشتن انبیا ، از باور های بی اساس بنی اسرائیل

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و

حسبوا الا تکون فتنه

دربرداشت فوق <فتنه> به معنای عذاب گرفته شده است.

۹ تکذیب و قتل انبیا از سوی بنی اسرائیل مایه محرومیت آنان از حق شناسی و بینش دینی

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون . .. فعموا و صموا

جمله <عموا و صموا> علاوه بر اینکه متفرع بر جمله <حسبوا . ..> است می تواند متفرع بر جمله <فریقاً کذبوا ...> نیز باشد.

۲۴ هشدار خداوند به بنی اسرائیلِ زمان پیامبر (ص) ، نسبت به تکرار رفتار پیشینیان خویش (نقض میثاق تکذیب و قتل انبیا)

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و اللّه بصیر بماتعملون

فعل مضارع <یعملون> علی رغم ماضی آوردن فعل های گذشته <حسبوا>، <عموا و صموا> ، می رساند که جمله <و اللّه بصیر . ..> ناظر بر بنی اسرائیل زمان پیامبر(ص) نیز می باشد.

بنی اسرائیل و قتل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۴

۱۴ تلاش مستمر بنی اسرائیل برای کشتن پیامبر اسلام (ص)

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

فعل مضارع <یقتلون> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

بنی اسرائیل و قتل یکدیگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۷،۹،۱۴،۱۹،۲۱

۷ - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف <فاء> در <فاقتلوا> تفسیریه است; یعنی، بیانگر این است که جمله <أقتلوا أنفسکم> تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا . ..) می باشد. در معنای جمله <فاقتلوا أنفسکم> دو نظر ایراد شده است. ۱ فاقتلوا بعضکم بعضاً

(یکدیگر را بکشید)؛ ۲ هر کسی خود را بکشد.

۹ - حضرت موسی (ع) با زمینه سازی فکری و روانی برای مرتدان بنی اسرائیل ، آنان را برای پذیرش و اجرای امر خدا (کشتن یکدیگر) آماده کرد .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم

موسی(ع) از انتساب بنی اسرائیل به خویش با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) در صدد تفهیم این حقیقت است که: او از روی دلسوزی آنان را به توبه دعوت می کند و از آنان می خواهد که به حکم خدا گردن نهند. تصریح به اینکه بنی اسرائیل با گوساله پرستی به خود ستم کردند نیز در راستای این معناست.

۱۴ - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

۱۹ - مرتد شدگان بنی اسرائیل (گوساله پرستان) پس از فرمان موسی (ع) به کشتن یکدیگر پرداختند .

فاقتلوا أنفسکم . .. فتاب علیکم

جمله <تاب علیکم> عطف بر جمله ای مقدر است؛ یعنی: <ففعلتم ما أمرتم به فتاب علیکم> پس آنچه را بدان موظف شدید انجام دادید و خداوند توبه شما را پذیرفت>. قابل ذکر است که ضمیر در <تاب> به قرینه جمله بعد به <بارئکم> (خالق شما) بر می گردد.

۲۱ - داستان توبه مرتدان بنی اسرائیل و اجرای فرمان خدا مبنی بر کشتن یکدیگر ، داستانی آموزنده و درخور به خاطر داشتن

و إذ قال موسی . .. فتاب علیکم

<إذ قال . ..> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است؛ یعنی: <اذکروا إذ قال ...>.

بنی اسرائیل و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱،۳،۷،۹

۱ - خداوند ، فراخوان بنی اسرائیل به تصدیق قرآن و ایمان به آن

یبنی إسرائیل . .. و ءامنوا بما أنزلت

۳ - ایمان به قرآن و کافر نشدن به آن ، از عهد های خدا با بنی اسرائیل

أوفوا بعهدی . .. و ءامنوا بما أنزلت

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل (یهودیان و نصرانیان) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن ، بر حذر داشت .

و لاتکونوا أول کافر به

ضمیر در <به> می تواند به <ما أنزلت> و یا به <ما معکم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین جمله <و لاتکونوا ...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند; یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۶

۶ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، حقانیت قرآن را به خوبی شناخته و به حرمت کتمان آن آگاه بودند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند فعلی متعدی لحاظ شود. بر این مبنا مفعول آن مطالبی است که در آیه مطرح شده است، از جمله حرمت کتمان

حق و اینکه چه چیز حق است و چه چیز باطل. گفتنی است که از مصداقهای مورد نظر برای <الحق> - به قرینه آیه قبل - <حقانیت قرآن> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱

۱ بسیاری از بنی اسرائیل به پیامبر (ص) و قرآن ایمان نیاوردند و اعتقاد راسخی به خداوند نداشتند .

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه

برداشت فوق بنابر این احتمال است که مراد از <النبی> پیامبر اسلام(ص) باشد، در این صورت <ما انزل الیه> قرآن خواهد بود قابل ذکر است که بر این مبنا عدم ایمان نسبت به خداوند ایمان واقعی و نسبت به پیامبر و قرآن ایمان واقعی و ظاهری است. زیرا بنی اسرائیل ایمان به خداوند را اظهار می داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - ارائه نشانه های روشن درباره قرآن و اسلام و پیامبراکرم (ص) ، از سوی خداوند به بنی اسرائیل

و ءاتینهم بیّنت من الأمر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <الأمر> اشاره به مسأله حقانیت دین اسلام و رسالت پیامبراکرم(ص) باشد; که آیات پیشین اساساً درباره آن بود و در آیات بعد نیز مورد توجه قرار گرفته است.

بنی اسرائیل و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۹

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . .. تری کثیراً

منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۲،۳

۲ روابط ولایی و دوستانه بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) با کافران

ما اتخذوهم أولیاء

۳ بنی اسرائیل در صورت ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن خود را به ولایت و دوستی کافران آلوده نمی ساختند .

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۴

۴ بنی اسرائیل ، مایل نبودند در سرزمین کفر و در جوار کافران ، زندگی کنند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

بنی اسرائیل و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۹

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین جمله <و لاتکونوا ...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند; یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، همسان با اسلاف گذشتگان خویش در برخورد با کتاب های آسمانی و احکام دین

ثم تولیتم

نسبت دادن رفتار پیشینیان بنی اسرائیل به موجودین عصر بعثت و عصرهای پس از آن (ثم تولیتم)، بیانگر اتحاد و اشتراک آنان در خصلتها و ویژگیهاست.

بنی اسرائیل و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۶

۱۶ وجود افراد غیر مؤمن (لجوج و ناباور) ، در میان بنی اسرائیل ، علی رغم وجود نشانه روشن الهی بر زمامداری طالوت

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

تعبیر <ان کنتم مؤمنین> اشاره است به اینکه افرادی غیرمؤمن (ناباوران) در میان بنی اسرائیل وجود داشته اند.

بنی اسرائیل و کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۱،۲،۸

۱ خداوند کوه طور را به لرزه درآورد ، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد .

و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله

<نتق> (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکندن است. <ال> در <الجبل>، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. <ظله> به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

۲ قوم موسی هراسان از سقوط کوهِ برافراشته شده بر سر آنان

و ظنوا أنه واقع بهم

۸ قرار گرفتن

کوه بر فراز سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله

<إذ> متعلّق به فعل مقدّر <اذکروا> است.

بنی اسرائیل و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱

۱ بسیاری از بنی اسرائیل به پیامبر (ص) و قرآن ایمان نیاوردند و اعتقاد راسخی به خداوند نداشتند .

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه

برداشت فوق بنابر این احتمال است که مراد از <النبی> پیامبر اسلام(ص) باشد، در این صورت <ما انزل الیه> قرآن خواهد بود قابل ذکر است که بر این مبنا عدم ایمان نسبت به خداوند ایمان واقعی و نسبت به پیامبر و قرآن ایمان واقعی و ظاهری است. زیرا بنی اسرائیل ایمان به خداوند را اظهار می داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - ارائه نشانه های روشن درباره قرآن و اسلام و پیامبراکرم (ص) ، از سوی خداوند به بنی اسرائیل

و ءاتینهم بیّنت من الأمر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <الأمر> اشاره به مسأله حقانیت دین اسلام و رسالت پیامبراکرم(ص) باشد; که آیات پیشین اساساً درباره آن بود و در آیات بعد نیز مورد توجه قرار گرفته است.

بنی اسرائیل و مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع

ساختند .

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدين احساناً . .. ثم توليتم إلا قليلا منكم

بنی اسرائیل و مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۲،۳

۲ روابط دوستانه و ولایی بنی اسرائیل با کافران مشرک رابطه ای مداوم ، علنی و آشکار

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

کلمه <تری> می رساند که روابط دوستانه بنی اسرائیل با مشرکان علنی بوده و فعل مضارع <یتولون> حاکی از استمرار و تداوم آن روابط می باشد.

۳ گروهی از بنی اسرائیل پایبند به احکام الهی و بر حذر از ایجاد روابط ولایی و دوستی با کافران مشرک

تری کثیراً منهم یتولون

بنی اسرائیل و مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱

۱ بسیاری از بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) دارای روابط دوستانه با مشرکان مکه و پذیرای ولایت آنان بودند .

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

بنا به گفته برخی از مفسران مراد از <الذین کفروا> مشرکان مکه می باشد.

بنی اسرائیل و مشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۵

۵ – اتکای قوم موسی به مشیت و خواست خدا ، در دستیابی به گاوی که باید ذبح می کردند .

و إنا إن شاء اللّه لمهتدون

بنی اسرائیل و معبود راستین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۸ – ۱۴

۱۴ قوم موسی مردمی جاهل و ناآگاه به ویژگی ها و صفات معبود راستین و شایسته پرستش

قالوا یموسی

اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه قال إنكم قوم تجهلون

بنی اسرائیل و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۵

۱۵ بی توجهی قوم موسی به نعمت های خدا و گرایش آنان به پرستش غیر او ، برخاسته از جهالت دامنه دار آنان بود .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. قالوا یموسی ... قال إنکم قوم تجهلون

چنانچه از آیه استفاده می شود، گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا پس از عبورشان از دریا و تحقق این نعمت بزرگ الهی بوده است. بنابراین می توان گفت موسی این جهت را نیز در نظر داشته و آنان را جاهل خوانده است. یعنی این بی خردی است که انسان نعمتهای الهی را ببیند و در عین حال به غیر او گرایش پیدا کند. فعل مضارع <تجهلون> بر دامنه داری این بی خردی دلالت می کند.

بنی اسرائیل و معجزه عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۳۹،۴۰

۳۹ کافران بنی اسرائیل معجزات حضرت مسیح (ع) را سحر و جادویی روشن قلمداد کردند .

فقال الذین کفروا منهم ان هذا الا سحر مبین

۴۰ کافران بنی اسرائیل پس از مشاهده معجزات عیسی (ع) ، وی را ساحری زبردست معرفی کردند .

فقال الذین کفروا منهم ان هذا الا سحر مبین

در برداشت فوق <هذا> اشاره به مسیح(ع) گرفته شده است، بر این مبنا اطلاق سحر به آن حضرت از باب مبالغه و حاکی از این است که کافران وی را ساحری زبردست می پنداشتند

به گونه ای که گویا خود آن حضرت، سحر است.

بنی اسرائیل و موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا رفع یکنواختی طعامشان را از درگاه خدا مسألت کند و آنان را به غذا های متنوع برساند .

لن نصبر علی طعام وحد فادع لنا ربک

به قرینه <لن نصبر . ..> مورد دعا بر طرف شدن یکنواختی خوراکیهاست و به دلیل <یخرج لنا ...> مورد دعا دستیابی به خوراکیهای گیاهی نیز هست. بنابراین بنی اسرائیل دو تقاضا داشتند: ۱ بر طرف شدن یکنواختی غذا; ۲ دستیابی به خوراکیهای گیاهی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۷،۸،۱۲

۷ - قوم موسی وی را به دروغ گویی در ابلاغ حکم خدا (فرمان ذبح گاو) ، متهم کردند .

إن اللّه یأمرکم . .. قالوا أتتخذنا هزواً

با وجود اینکه موسی(ع) با جمله <إن اللّه. ..> تصریح می کند که خداوند چنین دستوری داده بنی اسرائیل با خطاب به موسی (ع) (أتتخذنا) او را صادر کننده آن فرمان می پنداشتند; یعنی، بر این گمان بودند که وی به گزاف آن حکم را به خداوند نسبت می دهد.

۸ - قوم موسی وی را به استهزا کردن بنی اسرائیل متهم کردند .

أتتخذنا هزواً

۱۲ - قوم موسی ، فاقد ایمان راسخ به موسی (ع)

أتتخذنا هزواً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۲

۲ - قوم موسی ، از وی تقاضا

کردند تا رنگ گاوی را که باید ذبح شود ، از خداوند سؤال کند و برای ایشان بیان دارد .

قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۸

۸ - قوم موسی ، مطمئن به استجابت دعا های موسی (ع) و اجابت خواسته های او از درگاه خداوند

قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی . .. ادع لنا ربک یبین لنا ما لونها ... ادع لنا

فعل <یبین> در آیه مورد بحث و آیات پیشین مجزوم به شرط مقدر است. کلام با تقدیر آن چنین می باشد: <ادع لنا ربک لیبین لنا ان تدع اللّه یبین; از خدا بخواه برای ما بیان کند. اگر تو از خدا بخواهی بیان خواهد کرد>. این معنا (اگر بخواهی بیان خواهد کرد) رسای به برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ - قوم موسی ، علی رغم اظهار پذیرش تورات و پیشمانشان بر گوش سپاری به فرمان های خدا و موسی (ع) ، تمرد کرده و عصیانگر شدند .

قالوا سمعنا و عصینا

۱۳ - قوم موسی ، آشکارا و علنی و بدون هیچ پرده پوشی ، از فرمان های تورات و موسی (ع) سرپیچی کردند .

قالوا سمعنا و عصینا

بعید به نظر می رسد که قوم موسی در پاسخ به پیروی از فرمانهای خدا و موسی(ع) - خصوصاً با قرار گرفتن طور بر بالای سر ایشان - اظهار کنند که <ما نافرمانی می کنیم>. بنابراین <قالوا سمعنا

و عصینا> بیان می دارد که اظهار اطاعت کردند و در عمل نافرمانی کردند، ولی از آن جا که نافرمانی اینان بسیار علنی و بدون پرده پوشی بوده، گویابه زبان آوردند که ما عصیان می کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ بنی اسرائیل ، قومی فاسق به خاطر لجاجت و تمردشان در برابر فرامین موسی (ع)

و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۳

۳ رفع بیدادگری فرعون از بنی اسرائیل ، انتظار آنان از بعثت موسی (ع)

قالوا أوذینا من قبل أن تأتینا و من بعد ما جئتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۹

۹ بنی اسرائیل از موسی خواستند تا خدایی مانند خدایان بت پرستان برای آنان قرار دهد .

اجعل لنا إلهاً کما لهم ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۷

۷ بنی اسرائیل با توسل به موسی (ع) خواستار برطرف شدن مشکل کمبود آب شدند .

إذ استسقه قومه

بنی اسرائیل و میقات موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۵،۶

۵ قوم موسی مدت زمان میعاد خدا با وی را کمتر از آنچه واقع شد (چهل شب) ، می پنداشتند .

أعجلتم أمر ربكم

عجله کردن به معنای طلب کردن امری است پیش از فرارسیدن زمان آن. مقصود از <أمر

ربکم> مواعده خدا با موسی(ع) است و استفهام در جمله <أعجلتم> استفهام توبیخی است. بنابراین جمله مذکور به این معنی است: آیا پیش از سپری شدن زمان مواعده خواهان انجام آن بودید؟

۶ توهم به سر آمدن زمان میعاد خدا با موسی (ع) و تأخیر وی در مراجعت ، زمینه ساز گرایش قوم موسی به گوساله پرستی شد .

بئسما خلفتمونی من بعدی أعجلتم أمر ربکم

جمله <أعجلتم . .. > اشاره به علتی دارد که بنی اسرائیل را به گوساله پرستی واداشت.

بنی اسرائیل و نجات از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۱

۱ درخواست مؤمنان قوم موسی از خداوند ، برای نجات از گروه کفرپیشه

ربنا لا تجعلنا فتنه . .. و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

بنی اسرائیل و نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۳

۲۳ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان ، با مردمان معاشرت نیکو نداشتند ، نماز را اقامه نکردند و از پرداخت زکات طفره رفتند .

و قولوا للناس حسناً و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

بنی اسرائیل و نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۸

۸ ترک نهی از منکر از اعمال زشت و ناپسند گروهی از بنی اسرائیل

كانوا لايتناهون . .. لبئس ما كانوا يفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۷

۷ بنی اسرائيل

همکیشان خود را از پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان نهی نمی کردند .

لایتناهون عن منکره فعلوه . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

آیه مورد بحث بیان مصداقی است از <منکر> که در آیه قبل مطرح شده بود.

بنی اسرائیل و هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۵

۵ - حضور نداشتن مردم به هنگام واقعه فرورفتن خانه قارون در دل زمین

فما کان له من فئه ینصرونه

چنان که از آیه بعد استفاده می شود واقعه <فرو رفتن قارون> هنگام شب رخ داد; یعنی، زمانی که مردم در خانه هایشان آرمیده بودند. بنابراین در آن لحظه کسانی نبودند که بتوانند به یاری قارون بشتابند و قارون در اوج بی کسی در کام زمین فرو رفت. جمله <ما کان له من فئه...> بیانگر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱

۱ - اطلاع یافتن مردم از فرو رفتن قارون با خانه اش در کام زمین در بامداد آن شب

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس

بنی اسرائیل و یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین احساناً . .. ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

بهانه جویی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴

۳ – قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً . .. ثم قست قلوبکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۸ – ۸

۸ – قوم موسی ، نمونه ای بارز از اقوام بهانه جو در برخورد با پیامبران و دارای توقعات و خواسته های بی جا از آنان

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم کما سئل موسی من قبل

چون بعید به نظر می رسد که در میان امتهای گذشته، تنها قوم موسی پرسشها و درخواستهای نا به جا از پیامبرشان داشتند، می توان به این نتیجه رسید که: یاد کردن از قوم موسی، به خاطر رواج بیشتر این خصیصه در میان آنان بوده است.

بهترین افراد بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۵ – ۳

۳ هفتاد مرد گزینش شده برای حضور در میعادگاه مناجات ، بهترین و لایقترین مردم بنی اسرائیل در دیدگاه موسی (ع)

و اختار موسی

<اختیار> به معنای انتخاب و گزینش خیر است. بنابراین <اختار موسی> یعنی موسی بهترینها را انتخاب کرد.

بی اعتقادی بنی اسرائیل به موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۷ – ۱۲

۱۲ – قوم موسی ، فاقد ایمان راسخ به موسی (ع)

أتتخذنا هزواً

بی ایمانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۸

۸ - بنی اسرائیل ، در عین مشاهده آیات بزرگ الهی ، فاقد

ایمان ژرف و راسخ بودند .

یبنی اسرءیل قد أنجینکم . .. أضلّهم السامریّ ... ألم یعدکم ربّکم

بـا توجه به این که گمراهی بنی اسـرائیل به دست سـامری، پس از نجـات آنـان از چنگال فرعون، عبور آنان از دریا و مشاهـده آیات متعـدد الهی در طول آن مدت بوده است; به نظر می رسد آنان از بینش و ایمان سـستی برخوردار بودند که این چنین با اغواگری سامری به صف گمراهان پیوستند.

بی تأثیری موعظه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱

۱ - تأثیرناپذیری قارون در برابر اندرز های قوم خویش

إذ قال له قومه لاتفرح . .. و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره ... قال إنّما أُ

بی صبری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱

۱ - بنی اسـرائیل ، از بسـنده کردن به < منّ > و < سـلوی > ناخشـنود بـوده ، و از اکتفـا کردن به آن اظهـار ناشـکیبایی می کردند .

لن نصبر علی طعام وحد

مراد از <طعام واحد> به قرینه آیه ۵۷ <من> و <سلوی> می باشد.

بی عقلی گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۵

۵ - گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مردمی جاهل و دور ازاندیشه و فکر

أفلايرون ألّايرجع إليهم قولاً

بی گناهان بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۱ – ۱۳

۱۳ وجود افرادی نیک کردار و پاکدامن از گناهان در

میان قوم موسی

سنزید المحسنین

کلمه <المحسنین> می تواند در مقابل گروهی از بنی اسرائیل باشد که از جمله <نغفر لکم خطیئتکم> به دست می آید. یعنی بنی اسرائیل دو گروه بودند: گروهی گنهکار که جمله <نغفر لکم خیطئتکم> اشاره به آنان دارد و پاکدامنان از گناه که <المحسنین> عهده دار تبیین آن گروه است.

بی منطقی گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۷،۱۰

۷ گرایش قوم موسی به پرستش مجسمه ای ناتوان از سخن گفتن و عاجز از هدایتگری ، امر نابخردانه و شگفت آور

ألم یروا أنه لا یکلمهم و لا یهدیهم سبیلا

۱۰ بنی اسرائیل هیچ بهانه و عذری در گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

اتخذوه و کانوا ظلمین

جمله حالیه <و کانوا ظلمین> می تواند اشاره به یکی از این دو معنا باشد: شرک ظلم است و قوم موسی با گرایش به گوساله پرستی از ظالمان شدند. گوساله پرستی بنی اسرائیل قرین ظلم بود، نه بیان این حقیقت که شرک خود ظلم است. یعنی این کردار آنان از سر ظلم بود و هیچ توجیهی که بتواند آن کار ناصواب را کاری شایسته جلوه دهد در دست نداشتند. برداشت فوق ناظر به معنای دوم است.

بی یاوری کافران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - پیروان عیسی (ع) ، مورد تأیید و حمایت الهی در قبال دشمنانشان (کافران بنی اسرائیل)

فأیّدنا الذین ءامنوا علی عدوّهم

بینش بنی اسرائیل

فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۰ – ۲

۲ – قوم موسی ، بر این باور بودند که گاو مورد نظر برای ذبح و حل معمای قتل ، باید ویژگی های منحصر به فرد داشته باشد .

إن البقر تشبه علینا

<تشابه> به معنای همانند بودن است و چون با <علی> متعدی شده، متضمن معنای التباس و اشتباه نیز هست. بنابراین <إن البقر ...>; یعنی، آن گاو توصیف شده به میانسالی و زرد رنگی، مصادیق زیادی دارد که همگی مشابه یکدیگرند و این موجب می شود که ندانیم کدامین را انتخاب کنیم. این جمله از قوم موسی، حکایت از آن دارد که: آنان گمان داشتند گاو مورد نظر برای ذبح باید به گونه ای توصیف شود که تنها یک فرد داشته باشد تا همانندی از بین برود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۱ – ۶

۶ – قوم موسی ، ویژگی های اولیه گاوی را که باید ذبح می شد ، نارسا پنداشته و موسی (ع) را به کوتاهی در بیان حقیقت متهم کردند .

قالوا الئن جئت بالحق

مفهوم کلام قوم موسی (الآن . ..; هم اکنون حق را به تمامی بیان کردی) این است که: وی قبل از ذکر اوصاف یاد شده در این آیه، حق را به طور کامل بیان نکرده بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۱ – ۵

۵ – موسی (ع) ، شخصیتی برجسته تر از هارون (ع) در دیدگاه بنی اسرائیل

و لقد قال لهم هرون . .. قالوا لن نبرح

علیه عکفین حتّی یرجع إلینا موسی

بی اعتنایی به گفته های هارون و مؤثر خواندن رجوع موسی(ع)، حاکی از تفاوت شخصیت آن دو در دیدگاه بنی اسرائیل است.

بینش دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۹،۱۲

۹ - از دید دنیاطلبان ، قارون در اوج لذت و خوشبختی قرار داشت .

فخرج علی قومه . .. قال الذین یریدون الحیوه الدنیا ... إنّه لذو حظّ عظیم

<حظّ> به معنای بهره و نصیب است; یعنی، او از سعادت و نیک بختی بهره بزرگی دارد.

۱۲ - قدرت و ثروت ، ملاک ارزش و معیار اصلی بهره مندی و خوشبختی در نگاه دنیاطلبان قوم قارون

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون إنّه لذو حظّ عظیم

بینش علمای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۷

۷ - ثروت افسانه ای قارون ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی در دیدگاه فرزانگان بنی اسرائیل

و قال الذین أُوتوا العلم ویلکم ثواب اللّه خیر

بینش غلط بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۲

۲- بنی اسرائیل می پنداشتند خداوند از ایمان و یا کفر آنان بهره مند می شود یا زیان می بیند .

و قال موسی إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعًا فإن الله لغنی حمید

پاداش بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۲۱ – ۳

۳ – نجات موسی و هارون (علیهماالسلام

) و قوم شان از اندوهی بزرگ ، اعطای کتاب آسمانی و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان ، از پاداش های خداوند به ایشان

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

پاداش محسنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۶

۱۶ خداوند نیکوکاران بنی اسرائیل را در صورت اطاعت از فرمان های الهی ، علاوه بر بخشایش گناهان ، به پاداش افزونتر نوید داد .

سنزید المحسنین

در برداشت فوق محسنان مقابل گناهکاران قرار داده نشده، بلکه به معنای لغوی آن (نیکوکاران) گرفته شده است. بر این مبنا آیه شریفه ناظر به تقسیم بنی اسرائیل به دو گروه گنهکار و پاکدامن نیست، بلکه آنان را به دو گروه محسنان و غیر محسنان تقسیم کرده است. جمله <نغفر لکم ... > می رساند که خدا گناه همگان چه محسن و چه غیر محسن را خواهد بخشید، ولی به نیکوکاران پاداشی افزونتر عنایت خواهد کرد.

پرسشهای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۷

۷ - موسی (ع) از مردم خواست تا با سؤال درباره گاوی که به ذبح آن مأمور شدند ، تکلیف را بر خود مشکل نسازند .

فافعلوا ما تؤمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۴

۴ - قوم موسی ، با آخرین پرسش درباره گاو ، به معین شدن گاو و رهایی از تحیر امیدوار بودند .

و إنا إن شاء اللّه لمهتدون

<مهتدون> اسم

فاعل از اهتداء و به معنای راه یافتگان است و متعلق آن همان گاوی است که باید ذبح می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۸

۸ - قوم موسی ، با سؤال و جستجوی بی مورد ، تکلیف (کشتن گاوی ماده برای حل معمای قتل) را بر خود دشوار کردند .

فذبحوها و ما کادوا یفعلون

جمله <ما کادوا یفعلون> (نزدیک بود انجام ندهند) می تواند اشاره به دشواری انجام تکلیف مذکور باشد، که به شهادت جمله <فافعلوا ما تؤمرون> (در آیه ۶۸) و قرینه های دیگر، قوم موسی خود با سؤالهای بی مورد این مشکل را آفریدند و تکلیف را بر خویش دشوار ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۶،۱۰

۶ - بنی اسرائیل ، پرسش ها و درخواستهایی نابه جا از موسی (ع) داشتند .

کما سئل موسی من قبل

۱۰ - درخواست ها و پرسش های نابه جای قوم موسی از وی ، آنان را به کفر ورزی کشانید و از ایمان به دور ساخت .

و من یتبدل الکفر بالأیمن

پشیمانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱

۱ بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای پرستش ، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند .

و لما سقط فی أیدیهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله <سقط فی أیدیهم> کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش

را بر دستانش قرار می دهد ; به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

پشیمانی دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۵

۵ - پشیمان شدن دنیاطلبان غافل از سخنان نسنجیده روز پیش خویش با دیدن فرجام شوم قارون

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس یقولون ویکأنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء من عباد

برخی از مفسران واژه <وَیْ> را کلمه <تندم> گرفته و گفته اند: این واژه در مقام اظهار پشیمانی به کار می رود.

پندارهای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۵

۵ - قوم موسی بر این گمان بودند که دستور ذبح گاو از ناحیه موسی (ع) است ، نه فرمانی از جانب خداوند

أتتخذنا هزواً

از اینکه بنی اسرائیل با جمله <أتتخذنا هزواً> (آیا ما را به مسخره می گیری) موسی(ع) را مورد خطاب قرار دادند، معلوم می شود که: آنان دستور ذبح گاو را دستوری از ناحیه خداوند نمی پنداشتند.

پیروزی بر فاسقان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ فراگیری معارف و عمل به احکام الهی ، شرط پیروزی قوم موسی بر فاسقان و آزادسازی سرزمین آنان

فخذها . .. یأخذوا بأحسنها سأوریکم دار الفسقین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <ساوریکم> جواب فعل امر <فخذها بقوه و أمر قولك یأخذوا> باشد ; یعنی: <إن تاخذها و یأخذوا سأوریکم دار الفسقین> قابل ذکر است که مجزوم نشدن <اوریکم>، علی رغم اینکه

جواب امر قرار گرفته، به سبب وجود <سین> است.

پیروزی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ پیروزی حتمی بنی اسرائیل بر جباران ، در صورت یورش بر آنان از دروازه سرزمین مقدس

ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۱۲

۱۲ آزمایش بنی اسرائیل ، از اهداف امداد های الهی برای حاکمیت بخشیدن به آنان پس از پیروزی بر دشمنانشان

و یستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۲

۱۲ صبر و مقاومت بنی اسرائیل زمان موسی در برابر ستمگری های فرعون ، موجب تحقق وعده الهی بر پیروزی آنان و نابودی دشمنانشان

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل بما صبروا

حرف <باء> در <بما صبروا> سببیه است و <ما>، مصدریه. یعنی: <تمت ... بسبب صبرهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۴

۴- وجود فاصله میان نخستین شکست بنی اسرائیل و پیروزی آنان

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم

<ثم> دلالت بر تراخی و فاصله زمانی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۳

۳ - نصرت خداوند به موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان و نیز پیروزی آنان بر فرعونیان در سایه این یاری ، از نعمت های بزرگ الهی بر ایشان بود .

و لقد مننّا علی موسی و هرون . و

نجّینهما... و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

پیروی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴ – ۴

۴ – مردم مصر از هر قشر و گروه ملزم به پیروی محض و اطاعت بی چون و چرا از فرعون بودند .

و جعل أهلها شیعًا

تنکیر در <شیعاً> به اصطلاح تنکیر تفخیم است. بنابراین <شیعاً>; یعنی، پیروانی محض و بدون کمترین آزادی و اختیار.

تأیید مؤمنان بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۴ – ۱۴

۱۴ – پیروان عیسی (ع) ، مورد تأیید و حمایت الهی در قبال دشمنانشان (کافران بنی اسرائیل)

فأیّدنا الذین ءامنوا علی عدوّهم

تابوت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۸ – ۳،۴،۵،۶،۷،۱۱،۱۲،۱۴،۱۷

۳ بازگشت صندوق (تابوت) به سوی بنی اسرائیل ، نشانه زمامداری طالوت

انّ ایه ملکه ان یاتیکم التابوت

الف و لام در <التابوت> برای عهد ذهنی است و بیانگر این معنا که آن صندوق زمانی نزد بنی اسرائیل بوده است. جمله <و فیه ... بقیه مما ترک ال موسی> مؤیّد این معناست ; لذا <اتیان> به بازگشتن معنا شد.

۴ صندوق معهود ، مایه تسکین خاطر بنی اسرائیل از سوی پروردگار

ان یاتیکم التابوت فیه سکینه من ربّکم

۵ صندوق بازگشته به سوی بنی اسرائیل ، صندوقی معهود ، میراث و یادگاری از خاندان موسی و هارون

فیه سکینه من ربّکم مما ترک ال موسی و ال هرون

۶ فرشتگان ، حاملانِ صندوق عهد به سوی بنی اسرائیل

ان یأتیکم التابوت .

.. تحمله الملئکه

۷ اخبار غیبی پیامبر بنی اسرائیل ، به بازگشت صندوق عهد به سوی آنان

و قال لهم نبیّهم انّ ایه ملکه ان یاتیکم التّابوت

۱۱ صندوق معهود ، یادآور و موجب برانگیختن بنی اسرائیل به پیروی از آیین موسی (پیکار در راه خدا و رهایی از اسارت متجاوزان) *

و بقیه ممّا ترک ال موسی و ال هرون

ذکر جمله <بقیّه ممّا ترک . .. > شاید از این جهت باشد که به بنی اسرائیل خاطرنشان سازد که پیوند مذهبی خود را با موسی (ع) قطع ننمایند.

۱۲ صندوق معهود دارای آثار ویژه و مورد توجّه و عنایت بنی اسرائیل

ان یأتیکم التابوت فیه سکینه من ربّکم و بقیّه ممّا ترک ال موسی و ال هرون

۱۴ مؤمنان بنی اسرائیل (اهل پذیرش حق) ، پذیرای صندوق معهود ، به عنوان نشانه ای بر حقانیّت طالوت در زمامداری

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

<ایمان> در آیه شریفه به معنای ایمان به خداوند و رسول و در مقابل کفر نیست; چون مخاطبین آیه از اهل ایمانند; بلکه به معنای لغوی آن است; یعنی آنانکه اهل باور و پذیرای حق هستند، مقابل کسانی که روحی لجوج و قلبی پیوسته ناباور دارند.

۱۷ در صندوق معهود ، نشانه حاکمیت طالوت و شکسته های الواح حضرت موسی بود که بر آن علوم آسمانی نگاشته شده بود .

ان یاتیکم التابوت

امام باقر (ع) درباره آیه <ان یاتیکم التابوت . .. > فرمود: رضاض الالواح فیها العلم و الحکمه، العلم جاء من السماء فکتب فی الالواح و جعل فی التابوت

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۳، ح ۴۴۰ ; نورالثقلین،

ج ۱، ص ۲۴۷، ح ۹۷۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۳

۳ آمادگی بنی اسرائیل برای پیکار با دشمنان ، پس از پذیرش زمامداری طالوت ، با مشاهده آن صندوق خاص

ان ایه مُلکه . .. فلمّا فَصَل طالوت بالجنود

بسیج لشکریانی از بنی اسرائیل، با وجود تردید سابق آنان نسبت به فرماندهی طالوت، دلالت بر جمله ای محذوف دارد; یعنی پس از آمدن تابوت، به فرماندهی طالوت گردن نهادند و آماده نبرد شدند و آنگاه طالوت آنان را بسیج کرد.

تاریخ بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۱،۴

۱ - خداوند ، بنی اسرائیل را از نعمت های گرانقدر بهره مند ساخت .

یبنی إسرائیل اذکروا نعمتی التی أنعمت علیکم

کلمه <أنعمت> به صورت مفرد آمده است. مراد از آن می تواند نعمتی خاص و ویژه، همانند بعثت موسی (ع) باشد و می تواند جنس نعمت باشد و شامل نعمتهای متعددی که در آیات ۴۷ به بعد یادآوری شده است، باشد. اضافه <نعمت> به <یاء> متکم برای رساندن عظمت و شرافت آن نعمت و یا نعمتهاست.

۴ - بنی اسرائیل ، جماعتی دارای ترکیب قومی و قبیله ای تا عصر نزول قرآن

یبنی إسرائیل اذکروا

اسرائیل - نام دیگر یعقوب - فرزند اسحاق و نوه ابراهیم (ع) است. از اینکه گروه و طایفه ای با عنوان بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) معروف و مشهور بودند و در عصر پیامبر(ص) به این نام شناخته می شدند، معلوم می شود: آنان از بدو پیدایش تا آن عصر، قومیت خویش را حفظ

کرده و به صورت قبیله ای زندگی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۶،۸

۶ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، حقانیت قرآن را به خوبی شناخته و به حرمت کتمان آن آگاه بودند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند فعلی متعدی لحاظ شود. بر این مبنا مفعول آن مطالبی است که در آیه مطرح شده است، از جمله حرمت کتمان حق و اینکه چه چیز حق است و چه چیز باطل. گفتنی است که از مصداقهای مورد نظر برای <الحق> - به قرینه آیه قبل - <حقانیت قرآن> است.

۸ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، با تحریف در کتاب های آسمانی خویش ، در صدد کتمان بشارت ها و نشانه های حقانیت قرآن بودند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

برخی برآنند که مراد از <الباطل> تحریفهای لفظی و معنوی است که عالمان بنی اسرائیل در کتابهای آسمانی خویش ایجاد می کردند تا نشانه های حقانیت قرآن و اسلام از آن آشکار نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۴،۷

۴ - بنی اسرائیل ، جماعتی دارای ترکیب قومی و قبیله ای تا عصر نزول قرآن

یبنی إسرائیل

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل را بر همه مردمان عصرشان برتری داد .

و أنی فضلتکم علی العلمین

کلمه <عالمین> گاهی بر همه هستی و گاهی به موجودات دارای عقل و شعور اطلاق می شود و احیاناً کاربرد آن، انسانها هستند. به نظر می رسد مراد از <العالمین> در آیه مورد بحث

- به مناسبت حکم و موضوع - انسانها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱۲،۱۱،۱۰،۹،۴،۱

۱ - بنی اسرائیل همواره تحت سیطره خاندان فرعون ، به شکنجه های سخت گرفتار بودند .

و إذ نجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوءالعذاب

<سَوْم> (مصدر یسومون) به معنای تحمیل کردن است. اضافه <سوء> به <العذاب> اضافه صفت به موصوف می باشد; یعنی: العذاب السوء.

۴ - فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را سر می بریدند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

<ذبح> به معنای سربریدن است و <تذبیح> (مصدر یذبحون از باب تفعیل) از کثرت سربریدن حکایت دارد. <إستحیاء> (مصدر یستحیون) به معنای باقی گذاردن بر حیات و زندگانی است.

۹ - در صورتی که خداوند بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان نجات نمی داد ، آنان همچنان به شکنجه و کشتار فرزندانشان ادامه می دادند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

برداشت فوق از فعلهای مضارع <یسومون> و <یذبحون> و <یستحیون> استفاده شده است.

۱۰ - خداوند با گرفتار سازی بنی اسرائیل به عذاب های سهمگین فرعونی ، آنان را به آزمونی بزرگ مبتلا ساخت .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

کلمه <بلاء> در لغت به معنای آزمون و نیز به معنای نعمت آمده است. مشارالیه <ذلکم> یا <عذاب> است، یا رهایی از عذاب (نجیناکم). برداشت فوق مبتنی بر این است که <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به خود عذاب باشد.

۱۱ - خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل از شکنجه های سخت فرعونی ، آنان را مورد آزمون بزرگی قرار داد .

و فی ذلکم بلاء من

ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب - که از <نجیناکم> استفاده می شود - باشد.

۱۲ - نجات از شکنجه فرعونیان ، از نعمت های بزرگ خداوند برای بنی اسرائیل

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

در برداشت فوق <بلاء> به معنای نعمت و <ذلکم> اشاره به رهاسازی از عذاب، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۱۳،۱۰،۳،۲،۱

۱ - بنی اسرائیل ، در محاصره فرعونیان در کناره دریای سرخ

و إذ فرقنا بکم البحر

ال در <البحر> عهد ذهنی است و اشاره به دریایی معهود دارد که بنا به گفته بسیاری از مفسران، مراد از آن دریای سرخ است. بیان نجات بنی اسرائیل و غرق شدن فرعونیان در پی شکافته شدن دریا، دلالت بر این دارد که: فرعونیان در کناره دریای سرخ در صدد هجوم به بنی اسرائیل بودند.

۲ - خداوند ، دریای سرخ را برای عبور بنی اسرائیل شکافت .

و إذ فرقنا بکم البحر

<فرق> (مصدر فرقنا) به معنای فاصله انداختن و شکافتن است.

۳ - بنی اسرائیل ، با عبور از دریا نجات یافتند و فرعونیان در آب دریا غرق شدند .

فأنجینکم و أغرقنا ءال فرعون

۱۰ - بنی اسرائیل ، نظاره گر غرق شدن و به هلاکت رسیدن فرعونیان بودند .

و أغرقنا ءال فرعون و أنتم تنظرون

<نظر> به معنای دیدن و تماشا کردن است. مفعول <تنظرون> به قرینه جمله قبل غرق شدن فرعونیان می باشد.

۱۳ – خاطره نجات بنی اسرائیل و هلاکت خاندان فرعون با شکافته شدن دریا ، خاطره ای عبرت آموز و

شایسته و بایسته به یاد داشتن

و إذ فرقنا بکم البحر . .. و أنتم تنظرون

<إذ فرقنا> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است. بنابراین <إذ فرقنا> نیز مفعول برای <أذکروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۷،۱۰،۱۲

۷ - بنی اسرائیل ، در غیاب موسی (ع) به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم اتخذتم العجل من بعده

<من بعده>; یعنی پس از غیاب موسی (ع) و دور شدنش از بنی اسرائیل. <اتخذتم> از افعال تصییر است. کلمه <العجل> مفعول اول آن و مفعول دومش <الهاً> است که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است; یعنی: <ثم جعلتم العجل الهاً لکم>.

۱۰ - گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی ، پس از عبورشان از دریا و نجات یافتن از سیطره فرعونیان بود .

و إذ فرقنا بکم البحر . .. و إذ وعدنا ... ثم اتخذتم العجل من بعده

۱۲ - بنی اسرائیل ، مردمی بسیار ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

فأنجینکم و أغرقنا ءال فرعون . .. ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

هدف از بیان گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا، پس از بیان نعمتهای بزرگ الهی به آنان، نشان دادن روحیه ناسپاسی در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۲،۷،۹،۱۹،۲۱

۲ - موسی (ع) با بیان ستمکاری قومش ، به آنان فرمان داد تا روی به درگاه خدا آورده ، توبه کنند .

و إذ قال موسی لقومه . .. فتوبوا إلی بارئکم

۷ - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده

ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف <فاء> در <فاقتلوا> تفسیریه است; یعنی، بیانگر این است که جمله <أقتلوا أنفسکم> تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا . ..) می باشد. در معنای جمله <فاقتلوا أنفسکم> دو نظر ایراد شده است. ۱ فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید); ۲ هر کسی خود را بکشد.

۹ - حضرت موسی (ع) با زمینه سازی فکری و روانی برای مرتدان بنی اسرائیل ، آنان را برای پذیرش و اجرای امر خدا (کشتن یکدیگر) آماده کرد .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم

موسی(ع) از انتساب بنی اسرائیل به خویش با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) در صدد تفهیم این حقیقت است که: او از روی دلسوزی آنان را به توبه دعوت می کند و از آنان می خواهد که به حکم خدا گردن نهند. تصریح به اینکه بنی اسرائیل با گوساله پرستی به خود ستم کردند نیز در راستای این معناست.

۱۹ - مرتد شدگان بنی اسرائیل (گوساله پرستان) پس از فرمان موسی (ع) به کشتن یکدیگر پرداختند .

فاقتلوا أنفسکم . .. فتاب علیکم

جمله <تاب علیکم> عطف بر جمله ای مقدر است; یعنی: <ففعلتم ما أمرتم به فتاب علیکم> پس آنچه را بدان موظف شدید انجام دادید و خداوند توبه شما را پذیرفت>. قابل ذکر است که ضمیر در <تاب> به قرینه جمله بعد به <بارئکم> (خالق شما) بر می گردد.

۲۱ - داستان توبه مرتدان بنی اسرائیل و اجرای فرمان خدا مبنی بر کشتن یکدیگر ، داستانی آموزنده و درخور به خاطر داشتن

و إذ قال موسی . .. فتاب علیکم

<إذ قال . ..>

عطف بر <نعمتى> در آيه ۴۷ است؛ يعنى: <اذكروا إذ قال ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱،۲،۵،۶،۱۳،۱۴

۱ - قوم موسى از تصديق رسالت او سرباز زدند و بر ايمان نداشتن به او تأكيد ورزيدند .

و إذ قلتم يموسى لن نؤمن لک

<لن نؤمن لک>؛ يعنى، تو را هرگز تصديق نمى كنيم. <آمن> چه با لام آورده شود (آمن له) و چه با حرف باء <آمن به> به يک معناست. (مجمع البيان)

۲ - بنى اسرائيل عصر موسى ، خواهان مشاهده خداوند شدند .

لن نؤمن لک حتى نرى اللّه جهره

۵ - قوم موسى در پى كفر به او و تقاضاى ناروايشان (ديدن خداوند) ، به هلاكت رسيدند .

لن نؤمن لک . .. فأخذتكم الصعقه

<اخذ> (مصدر اخذت) به معناى گرفتن است و به قرينه آيه بعد كنايه از كشتن مى باشد.

۶ - صاعقه آسمانى ، موجب به هلاكت رسيدن قوم موسى شد .

فأخذتكم الصعقه

صاعقه آتشى است از آسمان كه به هنگام رعد شديد پديد مى آيد.

۱۳ - قوم موسى ، در پى تقاضاى رؤيت خدا ، شاهد فرود آمدن صاعقه بر خود بودند .

فأخذتكم الصعقه و أنتم تنظرون

مفعول <تنظرون> (نگاه مى كرديد) فرود آمدن صاعقه است.

۱۴ - داستان تقاضاى رؤيت خدا و اظهار ناباورى بنى اسرائيل به سخنان موسى (ع) و فرود آمدن صاعقه بر آنان ، داستانى آموزنده و شايسته به خاطر داشتن

و إذ قلتم يموسى لن نؤمن لک . .. و أنتم تنظرون

<إذ قلتم> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <اذکروا إذ قلتم . ..>.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۱

۱ - خداوند ، قوم موسی را پس از هلاکتشان با صاعقه ، حیاتی دوباره بخشید و آنان را زنده کرد .

ثم بعثنکم من بعد موتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱،۲،۳،۵،۸،۱۰،۱۲

۱ - قوم موسی پس از نجات از سلطه فرعونیان و گذر از دریا ، در بیابان ها به گرمای سوزان خورشید گرفتار شدند .

و ظللنا علیکم الغمام

<تظلیل> مصدر <ظللنا> - که به معنای سایه قرار دادن می باشد - گویای این است که: قوم موسی پس از گذشتن از دریا، در جایی که سقف و دارای سایه بانی باشد سکونت نکردند و لذا کلمه <بیابانها> در برداشت آورده شد.

۲ - خداوند ، با سایه گستر ساختن ابر ها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

و ظللنا علیکم الغمام

غمامه به معنای ابر و جمع آن غمام است (لسان العرب). برخی از اهل لغت بر آنند که غمامه به معنای ابر سفید می باشد.

۳ - خداوند ، برای تغذیه قوم موسی - به هنگام عبورشان از صحرا - برای آنان < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) فرو فرستاد .

و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز به شربتی شیرین، همانند عسل معنا شده است و در معنای <سلوی> گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی نیز گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

۵ - نزول < منّ > و < سلوی

> بر بنی اسرائیل و نجاتشان از حرارت شدید خورشید با ابر های سایه گستر ، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود .

ثم بعثنكم . .. و ظللنا عليكم الغمام

عطف جمله <ظللنا . ..> بر <بعثناكم ...> اقتضا می كند كه گفته شود: داستان سایه گستر شدن ابرها و نزول <منّ> و <سلوی> پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

۸ - بهره گیری از < منّ > و < سلوی > و روزی های پاكیزه و حلال توصیه خداوند به بنی اسرائیل

كلوا من طيبت ما رزقنكم

برداشت فوق با توجه به فعل امر <كلوا> استفاده شده است.

۱۰ - دسترسی قوم موسی به غذا های طیب و غیر طیب (حلال و حرام) در پی عبورشان از دریا و دوران صحراگردی

كلوا من طيبت ما رزقنكم

آوردن كلمه <طیبات> و اضافه كردن آن به <ما رزقناكم> بیانگر برداشت فوق است.

۱۲ - قوم موسی با بهره گیری حرام از < منّ > و < سلوی > مرتكب گناه شده ، بر خود ستم كردند . *

كلوا من طيبت ما رزقنكم و ما ظلمونا و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جمله <و لكن كانوا . ..> دلالت بر آن دارد كه قوم موسی مرتكب حرام خواری شدند. به نظر می رسد از مصداقهای حرام خواری آنان - به قرینه وقوع جمله مذكور پس از بیان نزول منّ و سلوی - بهره گیری حرام از منّ و سلوی، همانند تجاوز به سهم دیگران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱،۲،۳،۶،۱۸

۱ - خداوند ، به بنی اسرائیل فرمان داد

تا به آبادی بیت المقدس وارد شوند .

و إذ قلنا ادخلوا هذه القریه

<قریه> در لغت به معنای روستا و نیز شهر آمده است و در قرآن نیز در هر دو معنا استعمال شده است; چون قرینه ای یافت نشد که کدامین معنا مراد است، در برداشت کلمه <آبادی> آورده شد. ال در <القریه> عهد حضوری است و اشاره به دیاری خاص دارد. بسیاری از مفسران برآنند که مراد از آن، بیت المقدس می باشد.

۲ - فرمان تصرف بیت المقدس به بنی اسرائیل ، پس از زندگانی بیابانی آنان بود .

و ظللنا علیکم الغمام . .. و إذ قلنا ادخلوا هذه القریه

۳ - بنی اسرائیل به هنگام دریافت فرمان تصرف بیت المقدس ، در مکانی نزدیک به آن به سر می بردند .

و إذ قلنا ادخلوا هذه القریه

برداشت فوق با توجه به اسم اشاره <هذه> - که برای اشاره به نزدیک است - استفاده شده است.

۶ - دروازه بیت المقدس راه تعیین شده از جانب خداوند ، برای تصرف و نفوذ بنی اسرائیل به آن سرزمین

اخلوا هذه القریه . .. وادخلوا الباب

۱۸ - داستان ورود بنی اسرائیل عصر موسی به بیت المقدس ، داستانی آموزنده و شایسته به یاد داشتن

إذ قلنا ادخلوا . .. و سنزید المحسنین

جمله <إذ قلنا . ..> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <أذکروا إذ قلنا ...; به یاد داشته باشید آن زمانی را که فرمان دادیم ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۲،۵

۲ - حرام خواران قوم موسی ، به جای طلب آمرزش از خدا و گفتن <

حطه > - در هنگام ورود به بیت المقدس - کلامی دیگر بر زبان جاری می ساختند .

فبدل الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم

به نظر می رسد مراد از <الذین ظلموا> در جمله فوق، کسانی باشند که خداوند در آیه ۵۷ آنان را به سبب ناسپاسی و استفاده از خوراکیهای غیر طیب، ستمکار شمرد.

۵ - متمردان و ستمکاران قوم موسی ، به عذاب آسمانی گرفتار شدند .

فأنزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱،۷،۹،۱۹

۱ - قوم موسی ، پس از نجات از سیطره فرعون و گذر از دریا ، در سرزمینی به دور از آب حرکت می کردند و کمبود شدید آب مبتلا بودند .

و إذاستسقی موسی لقومه

۷ - بنی اسرائیل عصر موسی متشکل از دوازده طایفه بودند .

فانفجرت منه اثنتا عشره عیناً قد علم کل أناس مشربهم

<أناس> جمع إنس و مراد از آن طوایف بنی اسرائیل است که به قرینه <إثنتا عشره عیناً> معلوم می شود، آنها دوازده طایفه بودند.

۹ - هر کدام از طایفه های بنی اسرائیل آگاه به چشمه مخصوص خویش

قد علم کل أناس مشربهم

۱۹ - خداوند ، هر طایفه از بنی اسرائیل را از تجاوز به خوراکی ها و نوشیدنی های مخصوص طایفه دیگر بر حذر داشت .

قد علم کل أناس مشربهم کلوا و اشربوا . .. و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

اختصاص دادن هر چشمه به طایفه ای از بنی اسرائیل و سپس نهی از فسادگری، اشاره به این دارد که: تجاوز هر طایفه به حقوق دیگری فسادگری است و می بایست بنی اسرائیل

از آن پرهیز می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱،۲،۴،۵،۱۰،۱۴،۱۶،۲۱،۲۳،۲۷،۳۸

۱ - بنی اسرائیل ، از بسنده کردن به < منّ > و < سلوی > ناخشنود بوده ، و از اکتفا کردن به آن اظهار ناشکیبایی می کردند .

لن نصبر علی طعام وحد

مراد از <طعام واحد> به قرینه آیه ۵۷ <من> و <سلوی> می باشد.

۲ - بنی اسرائیل ، از یکنواختی خوراک خویش (منّ و سلوی) به موسی (ع) شکایت کردند .

و إذ قلتم یموسی لن نصبر علی طعام وحد

۴ - بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا رفع یکنواختی طعامشان را از درگاه خدا مسألت کند و آنان را به غذا های متنوع برساند .

لن نصبر علی طعام وحد فادع لنا ربک

به قرینه <لن نصبر . ..> مورد دعا بر طرف شدن یکنواختی خوراکیهاست و به دلیل <یخرج لنا ...> مورد دعا دستیابی به خوراکیهای گیاهی نیز هست. بنابراین بنی اسرائیل دو تقاضا داشتند: ۱ بر طرف شدن یکنواختی غذا; ۲ دستیابی به خوراکیهای گیاهی.

۵ - بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا برای رسیدن به خوراکی های گیاهی به درگاه خدا دعا کند .

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض

۱۰ - قوم موسی در صحرای سینا از غذا های روییدنی زمین بی بهره بودند .

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض

۱۴ - سبزیجات ، خیار ، گندم ، عدس و پیاز از خوراکیهایی که قوم موسی خواهان آن بودند .

یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و . ..

بصلها

<فوم> به معنای گندم است. برخی از اهل لغت گفته اند که به معنای سیر نیز به کار می رود و نیز گفته شده که <فوم> به گندم و دیگر حبوباتی که با آن نان پخته شود اطلاق می گردد.

۱۶ - موسی (ع) مردمش را به خاطر تقاضای غذایی پست تر در مقابل از دست دادن غذایی بهتر ، سرزنش کرد .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

استفهام در <أتستبدلون> انکار توبیخی است. ضمیر در <قال> می تواند به <ربک> برگردد و می تواند به <موسی> ارجاع شود در برداشت فوق دومین احتمال لحاظ شده است.

۲۱ - موسی (ع) در پی تقاضای قومش (درخواست خوراکی های زمینی) از آنان خواست تا به یکی از شهر ها در آیند و شهرنشینی را انتخاب کنند .

قال أتستبدلون . .. اهبطوا مصراً فان لکم ما سألتم

چنانچه ضمیر در <قال> به <ربک> برگردد، جمله <اهبطوا . ..> سخن خداوند است و اگر به موسی (ع) ارجاع شود، آن جمله گفته موسی(ع) خواهد بود. برداشت فوق به لحاظ احتمال دوم است.

۲۳ - خواری ، فقر و درماندگی ، سرنوشت محتوم متجاوزان بنی اسرائیل است .

و ضربت علیهم الذله و المسکنه

<مسکنه> به معنای فقر و سستی است. <ذله> و <مسکنه> به قبّه و مانند آن تشبیه شده و لذا کلمه <ضربت> (زده شد) برای آن به کار رفته است; یعنی، خواری و درماندگی همچون قبه ای آنان را احاطه کرده و بر آنان خیمه زده است.

۲۷ - بنی اسرائیل ، پیامبران بسیاری را به قتل رساندند .

و یقتلون النبیین بغیر الحق

۳۸ - داستان ناسپاسی

بنی اسرائیل بر < منّ > و < سلوی > و انتخاب شهرنشینی و گرایش آنان به کفر و تجاوز ، داستانی آموزنده و شایسته به یاد آوردن است .

إذ قلتم یموسی لن نصبر . ... و ضربت علیهم الذله ... و کانوا یعتدون

<إذ قلتم . ..> مفعول برای <أذکروا> (به یاد آوردن) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۲،۵،۶،۹

۲ - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعنا فوقکم الطور

<الطور> نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی (ع) بر آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که طور به مطلق کوه نیز گفته می شود.

۵ - بنی اسرائیل برای پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن ، لجاجت کرده و سرسختی نشان می دادند .

رفعنا فوقکم الطور خذوا ما ءاتینکم

از اینکه خداوند با تهدید و ارعاب از بنی اسرائیل خواست تا تورات را بپذیرند و بر آن پیمان بسپارند، برداشت فوق استفاده می شود.

۶ - پذیرش تورات با جدیت تمام و استوارسازی رفتار و اندیشه ها بر اساس آن ، فرمان خداوند به بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم بقوّه

۹ - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل <اذکروا> در آیه ۴۷ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱،۱۱،۱۲

۱ - بنی اسرائیل از دستورات

تورات اعراض کرده و پیمان الهی را شکستند .

أخذنا میثقکم . .. ثم تولیتم من بعد ذلک

<تولی> (مصدر تولیتم) به معنای اعراض کردن است و متعلق آن - به قرینه آیه قبل - پیمان بنی اسرائیل بر پذیرش تورات و عمل به احکام آن می باشد.

۱۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، همسان با اسلاف گذشتگان خویش در برخورد با کتاب های آسمانی و احکام دین

ثم تولیتم

نسبت دادن رفتار پیشینیان بنی اسرائیل به موجودین عصر بعثت و عصرهای پس از آن (ثم تولیتم)، بیانگر اتحاد و اشتراک آنان در خصلتها و ویژگیهاست.

۱۲ - بنی اسرائیل پس از دریافت تورات و عمل به محتوای آن ، به قدرت و حکومت رسیدند . *

ثم تولیتم من بعد ذلک

از معانی <تولی> ولایت پیدا کردن و حکومت یافتن است. برداشت فوق ناظر به این احتمال می باشد. گفتنی است بر این مبنا مراد از فضل خدا و رحمت او، همان اعطای تورات و توفیق عمل به احکام آن می باشد و مقصود از خسران در <لکنتم من الخاسرین> قرار گرفتن در تحت سیطره حکومتهای کفر و جور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۲،۳،۶

۲ - گروهی از بنی اسرائیل حکم خداوند را پاس نداشتند و تعطیلی روز شنبه را شکستند .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

۳ - خداوند ، اصحاب سبت (تجاوزکاران یهود در روز شنبه) را به بوزینه هایی مطرود تبدیل کرد .

فقلنا لهم کونوا قرده خسئین

<قِرْد) (مفرد قِرَدَة) به معنای میمون است. <خاسیء> به معنای مطرود و نیز به معنای حقیر

و ذلیل می باشد و کلمه <خاسئین> خبر دوم برای <کونوا> است.

۶ - بوزینه شدگان بنی اسرائیل از زمره خاسران و زیانکاران

لکنتم من الخسرین. و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

آیه مورد بحث اشاره به نوع خسارت و زیانی دارد که در ذیل آیه قبل مطرح شد; یعنی، خسارتی که آدمی بر اثر گناه و تجاوز در خطر آن است، از قبیل خسارت اصحاب سبت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۱،۴،۵،۷،۸

۱ - خداوند ، قوم موسی را به ذبح گاوی ماده فرمان داد .

إن اللّه یأمرکم أن تذبحوا بقره

ماده بودن گاو از <بکر> در آیه بعد استفاده می شود.

۴ - بازیچه قرار دادن و به مسخره گرفتن بنی اسرائیل ، پندار و تحلیل قوم موسی از دستور ذبح گاو

أتتخذنا هزواً

<هزواً> یعنی به بازی گرفتن و مسخره کردن. از آیه ۷۲، ۷۳ چنین بر می آید که فرمان مذکور در ارتباط با قتلی بوده که در میان بنی اسرائیل اتفاق افتاده و هر یک از طایفه ها طایفه دیگر را مسؤول می شناختند و از آن جا که قوم موسی میان دستور ذبح گاو و کشف معمای قتل ارتباطی نمی دیدند، آن دستور (ذبح گاو) را به تمسخر گرفتن خویش، تحلیل کردند.

۵ - قوم موسی بر این گمان بودند که دستور ذبح گاو از ناحیه موسی (ع) است ، نه فرمانی از جانب خداوند

أتتخذنا هزواً

از اینکه بنی اسرائیل با جمله <أتتخذنا هزواً> (آیا ما را به مسخره می گیری) موسی(ع) را مورد خطاب قرار دادند، معلوم می شود که: آنان

دستور ذبح گاو را دستوری از ناحیه خداوند نمی پنداشتند.

۷ - قوم موسی وی را به دروغ گویی در ابلاغ حکم خدا (فرمان ذبح گاو) ، متهم کردند .

إن اللّه یأمرکم . .. قالوا أتتخذنا هزواً

با وجود اینکه موسی(ع) با جمله <إن اللّه. ..> تصریح می کند که خداوند چنین دستوری داده بنی اسرائیل با خطاب به موسی (ع) (أتتخذنا) او را صادر کننده آن فرمان می پنداشتند; یعنی، بر این گمان بودند که وی به گزاف آن حکم را به خداوند نسبت می دهد.

۸ - قوم موسی وی را به استهزا کردن بنی اسرائیل متهم کردند .

أتتخذنا هزواً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۱،۲،۳،۶

۱ - بنی اسرائیل ، پس از انکار اولیه ، به الهی بودن دستور ذبح گاو ماده مطمئن شدند .

قالو أتتخذنا هزواً . .. قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی

تقاضای تبیین ویژگیها و مشخصه های گاوی که باید ذبح شود، بیانگر این معناست که: قوم موسی در پی سخنان او (أعوذ باللّه . ..) باور کردند که دستور ذبح گاو، فرمانی از جانب خداوند است.

۲ - قوم موسی ، ناباور به کفایت ذبح هر گاوی برای حل معمای قتل

قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی

۳ - قوم موسی ، از وی خواستند تا مشخصه های گاوی را که باید ذبح شود از خداوند بخواهد و برای ایشان بیان کند .

قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی

۶ - میانسال بودن گاو - پیش از سؤال از مشخصه های دیگر - تنها ویژگی لازم برای گاو

ماده ای که بنی اسرائیل به ذبح آن مأمور شدند .

عوان بین ذلک فافعلوا ما تؤمرون

جمله <فافعلوا ما تؤمرون> (به آنچه مأمور شدید عمل کنید) بیانگر این است که: تکلیف قوم موسی و به اصطلاح <مأمورٌ به> آنان، ذبح گاوی میانسال بوده است بدون لحاظ شرطی دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۱،۲

۱ - قوم موسی ، میانسال بودن گاو را شرطی کافی برای مشخص شدن تکلیف و رسیدن به مقصود (حل معمای قتل) نمی دانستند .

فافعلوا ما تؤمرون. قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

علی رغم اینکه موسی(ع) با جمله <فافعلوا ما تؤمرون> به قوم خویش تفهیم کرد که تکلیف آنان بیش از این نیست که گاوی میانسال را ذبح کنند; ایشان با پرسش از رنگ و دیگر ویژگیها در صدد ابقای این معنا بودند که: ذبح چنین گاوی (تنها میانسال بودن) نمی تواند وسیله حل معمای قتل باشد.

۲ - قوم موسی ، از وی تقاضا کردند تا رنگ گاوی را که باید ذبح شود ، از خداوند سؤال کند و برای ایشان بیان دارد .

قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۱،۳،۴

۱ - قوم موسی ، بیان رنگ و سن گاو مورد نظر را مشخص کننده ندانسته و خواهان توضیح بیشتری درباره ویژگی های آن شدند .

قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

۳ - قوم موسی ، تحیر و سردرگمی خویش را در انتخاب گاوی که باید ذبح می شد ،

دلیل تکرار سؤال و تقاضای توضیح بیشتر عنوان کردند .

قال ادع لنا ربک . .. إن البقر تشبه علینا

قوم موسی، با جمله تعلیلیه <إن البقر . ..> - که تعلیل برای جمله قبل است - در صدد بیان این معنا بودند که: پرسشهای مکررشان بدین جهت است که امر بر آنان مشتبه شده و در پی رهایی از تحیر و سردرگمی هستند نه بهانه گیری و تلاش برای فرار از مسؤولیت.

۴ - قوم موسی ، با آخرین پرسش درباره گاو ، به معین شدن گاو و رهایی از تحیر امیدوار بودند .

و إنا إن شاء اللّه لمهتدون

<مهتدون> اسم فاعل از اهتداء و به معنای راه یافتگان است و متعلق آن همان گاوی است که باید ذبح می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸

۱ - گاوی که برای شخم زنی رام نشده و برای کشتزاران آبکشی نکرده ، از ویژگی های گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند .

قال إنه یقول بقره إنّها بقره لاذلول تثیر الأرض و لاتسقی الحرث

<ذلول> به معنای رام و مطیع است. <إثاره> (مصدر تثیر) به معنای زیر و رو کردن می باشد. مراد از زیر و رو کردن زمین به وسیله گاو، شخم زدن آن است.

۲ - گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند باید سالم ، بی نقص و پیراسته از هر نقطه و خطی در رنگ و پوستش می بود .

مسلّمه لاشیه فیها

<مسلّمه> یعنی دارای سلامت و سلامت به معنای: مبرا بودن از عیب و آفت است. <شیه> به هر رنگی گفته می

شود که مخالف رنگ عمومی چیزی باشد. بنابراین <لاشیه فیها> یعنی، در رنگ آن گاو، رنگ دیگری نباشد. گفتنی است که <شیه> از ماده <وشی> است و <هاء> آخر عوض واو محذوف می باشد.

۳ - قوم موسی ، آخرین علایم تعیین شده را (رام نشده برای شخم و . . .) نشانه هایی قاطع و برطرف کننده سردرگمی خویش دانستند .

قالوا الئن جئت بالحق

<حق> در جمله فوق به معنای ثابت و استوار در مقابل امری تردیدپذیر و نامشخص است. ال در <الحق> برای استغراق خصایص افراد است; یعنی، حق کامل و تمام.

۴ - قوم موسی ، از گاو برای شخم زنی و آبیاری کشتزار ها استفاده می کردند .

لاذلول تثیر الأرض و لاتسقی الحرث

۵ - قوم موسی ، گاوی را با تمام ویژگی های تعیین شده ، یافته آن را ذبح کردند .

فذبحوها

ضمیر <ها> در <ذبحوها> به <بقره>]توصیف شده [برمی گردد.

۶ - قوم موسی ، ویژگی های اولیه گاوی را که باید ذبح می شد ، نارسا پنداشته و موسی (ع) را به کوتاهی در بیان حقیقت متهم کردند .

قالوا الئن جئت بالحق

مفهوم کلام قوم موسی (الآن . ..; هم اکنون حق را به تمامی بیان کردی) این است که: وی قبل از ذکر اوصاف یاد شده در این آیه، حق را به طور کامل بیان نکرده بود.

۷ - قوم موسی ، پس از دستیابی به گاو مورد نظر ، تمایلی به کشتن آن نداشتند .

و ما کادوا یفعلون

<کاد> به معنای نزدیک بود، است. این فعل آن گاه که منفی باشد گاهی دلالت بر تأکید انجام نگرفتن فعل بعد دارد

و احیاناً حاکی از انجام گرفتن آن، از روی بی میلی، کندی یا سختی است. در جمله <ما کادوا یفعلون> به قرینه <فذبحوها> دومین معنا مراد است; یعنی، انجام دادند ولی با سختی و بی میلی.

۸ - قوم موسی ، با سؤال و جستجوی بی مورد ، تکلیف (کشتن گاوی ماده برای حل معمای قتل) را بر خود دشوار کردند .

فذبحوها و ما کادوا یفعلون

جمله <ما کادوا یفعلون> (نزدیک بود انجام ندهند) می تواند اشاره به دشواری انجام تکلیف مذکور باشد، که به شهادت جمله <فافعلوا ما تؤمرون> (در آیه ۶۸) و قرینه های دیگر، قوم موسی خود با سؤالهای بی مورد این مشکل را آفریدند و تکلیف را بر خویش دشوار ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۱،۳

۱ - شخصی از قوم موسی به قتل رسید و هر طایفه ، دیگری را متهم به کشتن او کرده بر سر آن به نزاع پرداختند .

و إذ قتلتم نفساً فادرءتم فیها

<ادارءتم> به معنای اختلاف و نزاع کردید، می باشد. این کلمه از باب تفاعل و در اصل <تدارءتم> بوده است. نزاع و اختلاف در مقتول (ادارءتم فیها) به معنای متهم کردن یکدیگر به قتل، و بر سر آن نزاع کردن است.

۳ - گروهی از قوم موسی قاتل را می شناختند و از افشای هویتش خودداری می کردند .

و اللّه مخرج ما کنتم تکتمون

هر چند کتمان کردن به همه قوم موسی نسبت داده شده است، ولی به قرینه <فادارءتم>، معلوم می شود برخی از آنها قاتل را می شناختند و از معرفی آن خودداری

می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱،۲،۴،۱۱،۱۷

۱ - خداوند ، به قوم موسی فرمان داد تا قطعه ای از گاو ذبح شده را بر پیکر مقتول بزنند .

فقلنا اضربوه ببعضها

ضمیر مفعولی در <إضربوه> به <نفساً> بر می گردد و ضمیر در <ببعضها> به <بقره> ارجاع می شود.

۲ - مقتول قوم موسی در پی زده شدن پاره ای از گاو ذبح شده بر وی ، زنده شد .

فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی اللّه الموتی

عبارت <کذلک یحی اللّه الموتی; خداوند بدین سان مردگان را زنده می کند> پس از جمله <فقلنا . ..> دلالت بر زنده شدن آن مقتول دارد.

۴ - مقتول قوم موسی پس از زنده شدن ، قاتل خویش را معرفی کرد .

واللّه مخرج ما کنتم تکتمون. فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی اللّه الموتی

بیان زنده شدن مقتول بنی اسرائیل، پس از بیان وعده الهی به افشای هویت قاتل، دلالت بر جمله ای محذوف دارد; یعنی: فضربوه بها فصار حیاً و قال إن فلاناً قتلنی.

۱۱ - داستان کشته شدن فردی از قوم موسی و احیای دوباره او ، معجزه و رخدادی سزاوار به خاطر سپردن و به یادداشتن

و إذ قتلتم نفساً . .. فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی اللّه الموتی

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> می باشد.

۱۷ - بزنطی از امام رضا (ع) روایت نموده که : < ان رجلا من بنی اسرائیل قتل قرابه له . . . فقالوا لموسی (ع) ان سبط آل فلان قتلوا فلاناً فاخبرنا من قتله ؟ قال ایتونی ببقره . . . فاشترو ها

و جاؤا بها فأمر بذبح ها ثم أمر ان يضرب الميت بذنب ها فلما فعلوا ذلك حیی المقتول و قال یا رسول اللّه ابن عمّی قتلنی دون من یدعی علیه قتلی فعلموا بذلک قاتله . . . ;

شخصی از بنی اسرائیل یکی از نزدیکان خود را کشت . .. بنی اسرائیل به موسی گفتند: فلان قبیله، فلانی را کشته است و تو قاتل را معرفی کن. موسی (ع) فرمود: گاوی را نزد من آورید ... آنان گاو را خریده و نزد موسی(ع) بردند و موسی امر به ذبح آن کرد. سپس امر نمود که دم آن گاو را به مقتول بزنند و چون این کار را کردند آن مرده زنده شد و گفت ای پیامبر خدا! پسر عمویم مرا کشته است نه آن کس که او را متهم به کشتن من کرده اند، پس با این عمل قاتل را شناسایی نمودند ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۵

۵ - گروهی از بنی اسرائیل کلام الهی (تورات) را پس از شنیدن و فهمیدن تحریف کردند .

و قد کان فریق منهم یسمعون کلم اللّه ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه

مراد از <کلام اللّه> در آیه شریفه، می تواند تورات و نیز می تواند <قرآن> باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۱،۲۳

۲۱ - تنها اندکی از بنی اسرائیل به پیمان های الهی وفادار ماندند و به تکالیف دینی عمل کردند .

ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

۲۳ - بنی

اسرائیل ، جز اندکی از آنان ، با مردمان معاشرت نیکو نداشتند ، نماز را اقامه نکردند و از پرداخت زکات طفره رفتند .

و قولوا للناس حسناً و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱،۲،۳،۴،۹،۱۲

۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، علی رغم اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی) ، همدیگر را می کشتند .

ثم اقررتم . .. ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم هؤلاء> (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابهای آیه نظیر خطابهای گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می داد.

۲ - بنی اسرائیل با بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از خانه و دیارشان ، پیمان الهی را نقض کردند .

ثم أنتم هؤلاء . .. تخرجون فریقاً منکم من دیرهم

آیه مورد بحث اشاره به جنگها و خونریزیهایی دارد که پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه بین طوایف یهود واقع می شد. یهودیان بنی النضیر با بنی قریظه درگیر می شدند; هر کدام غالب می شد دیگری را از خانه و کاشانه اش اخراج می کرد.

۳ - بنی اسرائیل در کشتن و آواره کردن گروهی از همکیشان خود ، یکدیگر را یاری و پشتیبانی کردند .

تظهرون علیهم

<تظاهر> (مصدر تظاهرون) به معنای یاری و پشتیبانی کردن یکدیگر است. <تظاهرون علیکم>; یعنی، طایفه ای از شما طایفه دیگر را علیه گروهی از خودتان

یاری می داد.

۴ - بنی اسرائیل ، مردمی گنهکار و متجاوز به خاطر یاری رسانی به یکدیگر در بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از دیارشان

تظهرون علیهم بالأثم و العدون

باء در <بالاثم> بای ملابست است و <بالاثم و العدوان> حال برای فاعل <تظاهرون> می باشد; یعنی، علیه آنان همدیگر را یاری می کردید و در آن هنگام گنهکار و متجاوز بودید.

۹ - بنی اسرائیل برای آزادی اسیران همکیش خود ، هر چند که خود با آنان نبرد کرده و یا از دیارشان بیرون رانده بودند ، فدیه می دادند .

و إن یأتوکم أسری تفدوهم

ضمیر در <یأتوا> به <فریقاً> بر می گردد. <مفادات> (مصدر تفادوا) به معنای پرداخت فدیه برای آزادسازی اسیر و مانند آن است. بنابراین جمله <إن یأتوکم أساری ...> چنین معنا می شود: اگر همان طایفه - که از خانه هایشان بیرون راندید - اسیر دشمن می شدند با پرداخت فدیه آنان را آزاد می کردید.

۱۲ بنی اسرائیل ، پس از به اسارت درآمدن همکیشانشان ، برای آزاد کردنشان از آنان فدیه دریافت می کردند .

و إن یأتوکم أسری تفدوهم

برخی از اهل لغت <تفادوا> را به معنای <فدیه می گرفتید> نیز دانسته اند. بر این اساس جمله <و إن یأتوکم ...>; یعنی، و اگر همکیشان شما به عنوان اسیر در نزد شما می آمدند، برای آزاد کردنشان از آنان فدیه می گرفتید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۴

۴ - قوم موسی ، در غیاب او به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم أتخذتم العجل من بعده

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۳ – ۲،۱۰،۱۳،۱۴،۱۵

۲ – خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعنا فوقکم الطور

<الطور> نام کوهی است (مفردات راغب). الطور – چنانچه از ابن عباس نقل شده – همان کوهی است که موسی(ع) در آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که <طور> به مطلق کوه نیز گفته می شود.

۱۰ – قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <أذکروا> می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

۱۳ – قوم موسی ، آشکارا و علنی و بدون هیچ پرده پوشی ، از فرمان های تورات و موسی (ع) سرپیچی کردند .

قالوا سمعنا و عصینا

بعید به نظر می رسد که قوم موسی در پاسخ به پیروی از فرمانهای خدا و موسی(ع) – خصوصاً با قرار گرفتن طور بر بالای سر ایشان – اظهار کنند که <ما نافرمانی می کنیم>. بنابراین <قالوا سمعنا و عصینا> بیان می دارد که اظهار اطاعت کردند و در عمل نافرمانی کردند، ولی از آن جا که نافرمانی اینان بسیار علنی و بدون پرده پوشی بوده، گویابه زبان آوردند که ما عصیان می کنیم.

۱۴ – قلب ها و دل های یهودیان عصر موسی آکنده از عشق به گوساله پرستی بود .

و أشربوا فی قلوبهم العجل

اشراب <مصدر أشربوا> به معنای آمیختن و نفوذ دادن است. مراد از <عجل> (گوساله) به قرینه <فی قلوبهم> محبت و عشق گوساله است نه خود گوساله. آوردن <عجل>

به جای <محبت عجل>، بیانگر این است که: محبت گوساله چنان با قلبهای آنان عجین شده بود که گویا خود گوساله در دلهای آنان جای داشت.

۱۵ - وجود ریشه های کفر در قوم موسی ، منشأ عشق ورزی آنان به پرستش گوساله شد .

و أشربوا فی قلوبهم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۱۰

۱۰ - درخواست ها و پرسش های نابه جای قوم موسی از وی ، آنان را به کفر ورزی کشانید و از ایمان به دور ساخت .

و من یتبدل الکفر بالأیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۲ - ۱،۴،۷

۱ - خداوند ، درگذشته بنی اسرائیل را از نعمت های گرانقدر بهره مند ساخته بود .

یبنی إسرءیل اذکروا نعمتی التی أنعمت علیکم

کلمه <نعمت> به صورت مفرد آمده است; مراد از آن می تواند نعمتی خاص همانند بعثت موسی(ع) باشد و می تواند مراد از آن جنس نعمت باشد که در این صورت شامل نعمتهای متعددی است که خداوند به بنی اسرائیل ارزانی داشته بود. نسبت دادن نعمت به خداوند با اضافه کلمه <نعمت> به <یاء> متکلم، حاکی از شرافت آن نعمت و یا نعمتهاست.

۴ - بنی اسرائیل ، جماعتی دارای ترکیب قومی و قبیله ای تا عصر نزول قرآن

یبنی إسرءیل

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل را در برهه ای از تاریخ ، بر همه مردمان برتری داد .

و أنّی فضلتکم علی العلمین

کلمه <عالمین> بر همه هستی و گاهی به همه موجودات دارای عقل و شعور اطلاق می گردد و احیاناً کاربرد آن خصوص

انسانهاست. به نظر می رسد مراد از آن در آیه شریفه - به مناسبت حکم و موضوع - انسانها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۲۹،۲۶،۲۰،۱۷،۱۶،۱۱،۱۰،۵،۳،۲،۱

۱ دعوت خداوند به رؤیت (دقّت کامل) در واقعه طالوت و بنی اسرائیل

الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل

۲ درخواست بزرگان بنی اسرائیل پس از موسی از پیامبر خویش ، برای تعیین فرماندهی در جنگ با دشمنان

الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل من بعد موسی اذ قالوا لنبی لهم ابعث لنا ملکاً

<ملأ>، کسانی هستند که نظرها را به خود جلب می کنند. (اشراف و بزرگان هر قوم)

۳ مسمانان موظّف به دقت کامل در تاریخ بنی اسرائیل و پندگیری از آن هستند .

الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل

۵ پیامبر بنی اسرائیل در عصر طالوت پناهگاه مردم برای رویارویی با دشمنان

اذ قالوا لنبی لهم ابعث

۱۰ پایبندی بنی اسرائیل زمان طالوت به پیکار در راه خدا ، مورد تردید پیامبرشان (اشموئیل) بود .

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال الاّ تقاتلوا

۱۱ پیمان گرفتن بنی اسرائیلِ زمان طالوت (اشموئیل) از قوم خویش برای پیکار در راه خداوند

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال

جمله <هل عسیتم> کنایه از پیمان گرفتن از آنان است.

۱۶ اخراجِ از وطن و اسارت فرزندان بنی اسرائیلِ زمان طالوت ، محرک آنان به پیکار علیه متجاوزان

و قد اُخرجنا من دیارنا و ابنائنا

۱۷ تسلط ستمگرانی پس از موسی (ع) بر بنی اسرائیل و اخراج آنان از دیارشان و به اسارت گرفتن فرزندان آنان

و

قد اُخرجنا من دیارنا و ابنائنا

۲۰ نافرمانی اکثر بنی اسرائیل زمان طالوت از دستور خداوند به پیکار در راه او ، علی رغم پیشنهاد و درخواست آنان برای پیکار

اذ قالوا لنبی . .. فلما کُتب علیهم القتال تولّوا

ظاهراً فاعل محذوف از جمله <کتب علیهم>، اللّه است که به جهت تعظیم حذف شده.

۲۶ حضور حضرت موسی (ع) در میان بنی اسرائیل ، مانع تجاوز دشمنان

الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل من بعد موسی . .. و قد اُخرجنا من دیارنا

<من بعد موسی> می تواند اشاره باشد به اینکه تا آنگاه که موسی (ع) در میان بنی اسرائیل بود، آنان مورد تجاوز دشمنان قرار نگرفتند.

۲۹ نیرو های صادق و پایدار بنی اسرائیل در رکاب طالوت ، شصت هزار نفر بودند .

تولّوا الاّ قلیلا

امام باقر (ع) درباره <قلیل> در آیه فوق فرمود: کان القلیل ستّین الفاً

معانی الاخبار، ص ۱۵۱، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۹۷۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۲۲

۱ برگزیدگی طالوت برای زمامداری بنی اسرائیل ، به نفع و سعادت آنان

ان اللّه قد بعث لکم طالوت ملکاً

<لام> در <لکم> تصریح است به اینکه فرماندهی و زمامداری طالوت در جهت نفع و سعادت آنان بوده است.

۲ طالوت ، برانگیخته خداوند برای زمامداری بنی اسرائیل

ان اللّه قد بعث لکم طالوت ملکاً

۳ شگفتی سردمداران بنی اسرائیل ، از برگزیدگی طالوت به دلیل سرشناس نبودن و نداشتن ثروت

قالوا انی یکون له الملک . .. و لم یؤت سعه من المال

ظاهراً اعتراض کنندگان، همان پیشنهاددهندگان بودند که

خداونـد از قول آنان می فرماید: <قال الملأ . .. نحن احق>. بنابراین اعتراض آنان به دو جهت بوده است: یکی نبودن طالوت از طبقه ملأـ و اشـراف که می گفتنـد: <نحن احق>. و دوّم نداشـتن مـال و ثروت که بـا <و لم یؤت سـعه من المـال> به آن اشاره شده است.

۴ پندار غلط بزرگان بنی اسرائیل بر سزاوار بودنشان از طالوت برای زمامداری

و نحن احقّ بالملک منه

۵ سرشناسی و از طبقه اشراف و بزرگان بودن و داشتن ثروت فراوان ، شرط زمامداری ، در پندار بزرگان بنی اسرائیل

و نحن احق بالملک منه و لم یؤت سعهً من المال

ظاهراً جمله <نحن احق . .. > سخن ملأاست; گویا آنان بدین جهت خود را برای زمامداری سزاوارتر می دانستند.

۶ سرشناسی و از اشراف بودن ، مهمترین ملاک برای زمامداری ، در دیدگاه ملأ بنی اسرائیل *

و نحن احقّ بالملک منه و لم یؤت سعه من المال

اشـراف بنی اسرائیل در مقام بیان ملاک زمامداری، در ابتدا مسأله سرشناسی و ملأ بودن را مطرح نمودند و سپس مسأله ثروت را.

۲۲ نبودن طالوت از خاندان نبوت و پادشاهی ، منشأ اعتراض بزرگان (ملأ) بنی اسرائیل به برگزیدگی وی از جانب خداوند

قالوا انی یکون له الملک علینا

امام باقر (ع) درباره آیه <انّ اللّه قد بعث . .. > فرمود: لم یکن من سبط النبوه و لا من سبط المملکه ...

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۲،۳،۵،۶،۷،۹،۱۱،۱۲،۱۷

۲ عدم اطمینان

بنی اسرائیل به مأموریت طالوت از جانب خداوند و درخواست نشانه و دلیلی از پیامبرشان بر زمامداری وی

قد بعث لکم طالوت . .. انّ ایه ملکه ان یاتیکم

جمله <ان ایه . .. > می نمایانـد که آنـان برای حقـانیّت زمامـداری طـالوت، درخواست نشانه و معجزه کرده بودنـد ; و نشانه خواستن، حاکی از تردید ایشان است.

۳ بازگشت صندوق (تابوت) به سوی بنی اسرائیل ، نشانه زمامداری طالوت

انّ ایه ملکه ان یاتیکم التابوت

الف و لام در <التابوت> برای عهد ذهنی است و بیانگر این معنا که آن صندوق زمانی نزد بنی اسرائیل بوده است. جمله <و فیه ... بقیه مما ترک ال موسی> مؤیّد این معناست ; لذا <اتیان> به بازگشتن معنا شد.

۵ صندوق بازگشته به سوی بنی اسرائیل ، صندوقی معهود ، میراث و یادگاری از خاندان موسی و هارون

فیه سکینه من ربّکم مما ترک ال موسی و ال هرون

۶ فرشتگان ، حاملانِ صندوق عهد به سوی بنی اسرائیل

ان یأتیکم التابوت . .. تحمله الملئکه

۷ اخبار غیبی پیامبر بنی اسرائیل ، به بازگشت صندوق عهد به سوی آنان

و قال لهم نبیّهم انّ ایه ملکه ان یاتیکم التّابوت

۹ فرستادن آرامش خاطر به سوی بنی اسرائیل از جانب خداوند ، به منظور استقامت و کاستن دلهره و اضطراب آنان در پیکار با دشمنان

ابعث لنا ملکاً نقاتل . .. ان یاتیکم التّابوت فیه سکینه

مراد از <سکینه> به مناسبت آیات قبل که درباره جهاد و نبرد با دشمنان بود، یا خصوص آرامش و رفع نگرانی و دلهره در رویارویی با متجاوزان است و یا مصداق بارز و مورد نظر از آرامش.

صندوق معهود ، یادآور و موجب برانگیختن بنی اسرائیل به پیروی از آیین موسی (پیکار در راه خدا و رهایی از اسارت متجاوزان) *

و بقیه ممّا ترک ال موسی و ال هرون

ذکر جمله <بقیّه ممّـا ترک . .. > شاید از این جهت باشد که به بنی اسرائیل خاطرنشان سازد که پیوند مذهبی خود را با موسی (ع) قطع ننمایند.

۱۲ صندوق معهود دارای آثار ویژه و مورد توجّه و عنایت بنی اسرائیل

ان یأتیکم التابوت فیه سکینه من ربّکم و بقیّه ممّا ترک ال موسی و ال هرون

۱۷ در صندوق معهود ، نشانه حاکمیت طالوت و شکسته های الواح حضرت موسی بود که بر آن علوم آسمانی نگاشته شده بود .

ان یاتیکم التابوت

امام باقر (ع) درباره آیه <ان یاتیکم التابوت . .. > فرمود: رضاض الالواح فیها العلم و الحکمه، العلم جاء من السماء فکتب فی الالواح و جعل فی التابوت

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۳، ح ۴۴۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۷، ح ۹۷۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۱،۲،۳،۴،۵،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۴،۱۷،۱۹،۳۲،۳۳،۳۴

۱ گُزیدن و بسیج افراد و گروه های سپاه ، از جانب طالوت و خروج آنان با فرماندهی وی ، به سوی دشمن

فلمّا فصل طالوت بالجنود

۲ اعلام قبلی طالوت به نیرو های بسیج شده در مورد آزمایش آنان با رودخانه ای خروشان

قال ان اللّه مبتلیکم بِنَهَر

۳ آمادگی بنی اسرائیل برای پیکار با دشمنان ، پس از پذیرش زمامداری طالوت ، با مشاهده آن صندوق خاص

ان ایه مُلکه . .. فلمّا فَصَل طالوت بالجنود

بسیج لشکریانی از بنی اسرائیل،

با وجود تردید سابق آنان نسبت به فرماندهی طالوت، دلالت بر جمله ای محذوف دارد; یعنی پس از آمدن تابوت، به فرماندهی طالوت گردن نهادند و آماده نبرد شدند و آنگاه طالوت آنان را بسیج کرد.

۴ آزمایش فرمانبری از طالوت و نیروی اراده بنی اسرائیل از جانب خداوند به وسیله نهر *

ان اللّه مبتلیکم بنهر

در آیات سابق، تردید فرمانبری بنی اسرائیل را در رویارویی با دشمن مطرح کرد (هل عسیتم . ..) بنابراین آزمایش الهی، برای مشخص شدن فرمانبران و نیز میزان فرمانبری آنان بوده است.

۵ همراهی جمعیّت انبوهی از بنی اسرائیل با طالوت ، در آغاز حرکت وی برای پیکار با متجاوزان

فلمّا فصل طالوت بالجنود

کلمه <جُند> به معنای جمعیّت انبوه و متراکم است. آوردن این کلمه به صورت جمع (جنود) دلالت بر کثرت لشکریانی دارد که با طالوت بسیج شدند.

۹ اعلام طالوت به لشکریان ، در مورد عدم انتساب آنان به وی و جدایی آنان از او ، در صورتی که از نهر بیاشامند .

فمن شرب منه فلیس منّی

۱۰ اعلام طالوت به لشکریان ، در مورد انتساب آنان به وی ، اگر از نوشیدن آب نهر چشم پوشند .

و من لم یطعمه فانّه منّی

۱۱ کسانی که فقط یک کف از آب نهر نوشیدند ، از لشکر طرد نشدند ; گر چه منسوب به طالوت نیز نبودند .

فمن شرب منه فلیس منّی و من لم یطعمه فانّه منّی ألاّ من اغترف غرفةً بیده

کلمه <الاّ> استثنای از <فمن شرب> است; بنابراین لشکر طالوت به سه گروه تقسیم می شوند: نوشندگان، آنانکه نچشیدند و کسانی که تنها مُشتی از آب برگرفتند.

حکم گروه اوّل و دوّم روشن است ; ولی گروه سوّم چون آب را چشیده اند، <منّی> صدق نمی کند و به دلیل اینکه سیراب نشده اند، <لیس منی> نیز صدق نمی کند.

۱۲ طالوت با آزمایش الهی ، برخی سپاهیان خود را تصفیه نمود و از لشکر طرد کرد .

فمن شرب منه فلیس منّی

۱۴ بیشتر لشکریان طالوت علی رغم منع وی ، از آب نهر نوشیدند و در امتحان الهی موفق نشدند .

فشربوا منه الاّ قلیلا

۱۷ اظهار عجز برخی همراهان طالوت از پیکار با دشمن ، پس از عبور از نهر و دیدن سپاه عظیم جالوت

فلمّا جاوزه هو و الّذین امنوا معه قالوا لا طاقه لنا الیوم بجالوت و جنوده

۱۹ جالوت ، زمامدار ستمگر عصر بنی اسرائیل پس از حضرت موسی (ع)

لا طاقه لنا الیوم بجالوت

۳۲ ناتوانان از همراهی با طالوت پس از گذشتن از نهر ، همانهایی بودند که یک کف ، آب نوشیدند .

الاّ من اغترف غرفه بیده . .. قالوا لا طاقه لنا

امام باقر (ع) درباره آیه مزبور فرمود: . .. قال الذین اغترفوا: <لا طاقه لنا الیوم بجالوت> ... .

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

۳۳ همراهان طالوت تا آخرین مرحله پیکار ، همانهایی بودند که حتّی یک کف از آب ننوشیدند .

فشربوا منه الاّ قلیلا . .. قال الذین یظنون

امام باقر (ع) درباره آیه مزبور فرمود: . .. قال الّذین لم یغترفوا: <کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره باذن اللّه>.

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

عده ای از یاران طالوت که از آب نهر ننوشیدند ، سیصد و سیزده نفر بودند .

فشربوا منه الاّ قلیلا

امام باقر (ع): . .. فشربوا منه الاّ ثلاثمأه و ثلاثه عشر رجلا ...

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۲۴،۲۶

۲۴ چیرگی سپاه طالوت بر جالوتیان ، پرتویی از تفضّلِ جهانشمولِ الهی

فهزموهم باذن اللّه . .. و لکنّ اللّه ذو فضل علی العالمین

۲۶ کشته شدن جالوت (سرکرده کفر و طغیان) به دست داود ، از عوامل اعطای مُلک و سلطنت الهی به وی

و قتل داوُد جالوت و اتیه اللّه الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۷

۷ درخواست عیسی (ع) از بنی اسرائیل ، برای یاری وی جهت حرکت به سوی خدا

قال من انصاری الی اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۷،۹

۷ حکومت و فرمانروایی بنی اسرائیل ، در برهه ای از تاریخ حیات خویش

و جعلکم ملوکاً

۹ سروری قوم موسی (ع) بر دیگر اقوام در گذشته تاریخ خویش

اذکروا نعمه اللّه علیکم اذ . .. جعلکم ملوکاً

<ملوک> در برداشت فوق، کنایه از سیادت و سروری گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۲۸،۹،۱۲،۱۳،۱۴

۲ سکنی گزینی قوم موسی (ع) در سرزمین مقدس ، تقدیری از جانب

خداوند

الارض المقدسه التى كتب اللّه لكم

۸ موسى (ع) بر حذر دارنده قوم خويش از فرار و عقب نشينى به هنگام رويارويى با ساكنان سرزمين مقدس

و لاترتدوا على ادباركم

۹ خطر بروز برخورد و جنگ با ساكنان سرزمين مقدس به هنگام ورود قوم موسى (ع) به آن

ادخلوا . .. و لاترتدوا على ادباركم

۱۲ تقدير الهى به سكنا گزينى قوم موسى (ع) در سرزمين مقدس ، مشروط به جهاد و مبارزه آنان بود .

التى كتب اللّه لكم . .. و لاترتدوا على ادباركم فتنقلبوا خسرين

از مصاديق خسران (فتنقلبوا خسرين)، محروميت قوم موسى(ع) از ورود به سرزمين مقدس است. بنابراين سكونت آنان در سرزمين مقدس در صورتى مقدر خواهد بود كه در برابر دشمن مقاومت كنند.

۱۳ بنى اسرائيل ، مأمور داخل شدن به سرزمين مقدس شام

ادخلوا الارض المقدسه

از امام باقر(ع) در توضيح آيه فوق روايت شده: يعنى الشام . .. .

تفسير عياشى، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۷۵; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۰۷، ح ۱۱۴.

۱۴ ورود بنى اسرائيل به شام ، پس از توبه و رضايت خداوند از ايشان ، در پايان چهل سال سرگردانى

يقوم ادخلوا الارض المقدسه

از امام باقر(ع) روايت شده كه بعد از تلاوت آيه فوق فرمود: . .. ثم دخلوها بعد اربعين سنه ... و ما كان خروجهم من مصر و دخولهم الشام الا من بعد توبتهم و رضاء اللّه عنهم ... .

تفسير عياشى، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۷۵; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۰۷، ح ۱۱۴.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۲ – ۱،۲،۳

تأکید بنی اسرائیل بر کناره گیری از نبرد با زورگویان سرزمین مقدس ، علی رغم فرمان موسی (ع)

قالوا یموسی ان فیها قوماً جبارین و إنّا لن ندخلها

۲ هراس قوم موسی (بنی اسرائیل) از برخورد و رویارویی با زورگویان قدرتمند حاکم بر سرزمین مقدس

قالوا یموسی ان فیها قوماً جبارین و إنّا لن ندخلها

۳ خروج جباران از سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی قوم موسی (ع) برای ورود به آن سرزمین

و إنّا لن ندخلها حتّی یخرجوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱،۱۰،۱۲،۲۴،۲۵

۱ یورش به سرزمین مقدس از دروازه آن ، پیشنهاد دو نفر از یاران موسی (ع)

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب

۱۰ قوم موسی (ع) ، مردمی گستاخ و بی پروا در برابر خداوند

قال رجلان من الذین یخافون

<من الذین یخافون> می تواند اشاره به این باشد که قوم موسی(ع) به جهت نترسیدن از خداوند، فرمان موسی(ع) را اطاعت نکردند.

۱۲ یوشع و کالب ، در عین ترس از دشمن ، مردم را برای یورش به سرزمین مقدس فرا خواندند .

قال رجلان من الذین یخافون

برداشت فوق مبنی بر این است که مفعول محذوف <یخافون>، <جبارین> باشد.

۲۴ تبلیغات یاوران خداترس موسی (ع) (یوشع و کالب) به هدف برانگیختن و بسیج بنی اسرائیل برای هجوم به سرزمین مقدس و نبرد با زورگویان

قال رجلان . .. ان کنتم مؤمنین

۲۵ دعوت یوشع بن نون و کالب بن یافنا (عموزاده های حضرت موسی (ع))

، از بنی اسرائیل برای ورود به سرزمین مقدس

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: احدهما یوشع بن نون و الاخر کالب بن یافنا قال: و هما ابنا عمه . .. .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۶۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۶، ح ۱۱۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۲،۴،۸،۱۳

۲ هراس قوم موسی (ع) (بنی اسرائیل) از برخورد و رویارویی با زورگویان قدرتمند حاکم بر سرزمین مقدس

قالوا یموسی إنّا لن ندخلها ابداً

۴ خروج جباران از سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی بنی اسرائیل برای ورود به آن سرزمین

إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

۸ بنی اسرائیل ، گستاخانه خواهان رهسپاری موسی (ع) و خدایش به نبرد با زورگویان سرزمین مقدس

قالوا . .. فاذهب انت و ربک فقتلا

۱۳ اصرار بنی اسرائیل بر کناره گیری از نبرد با جباران و جاخوش کردن در کاشانه خویش

إنّا ههنا قعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۳،۵

۳ شکایت موسی (ع) به پیشگاه پروردگار ، از تمرد بنی اسرائیل در مبارزه با جباران

قال رب انی لااملك الا نفسی و اخی

۵ هارون ، همانند موسی (ع) ، مأمور بسیج بنی اسرائیل برای فتح سرزمین مقدس

قال رب انی لااملك الا نفسی و اخی

آیه بیست و سوم (و قال رجلان . ..) بیانگر آن است که آن دو مرد نیز همانند هارون مطیع موسی(ع) بودند

و این حقیقت با تفسیر جمله <لااملك الا نفسی و اخی> به اینکه تنها اختیاردار خود و برادرم هستم و در میان بنی اسرائیل تنها هارون فرمانبردار من است، سازگار نیست. بنابراین باید گفت <اخی> مبتدایی است با حذف خبر (و اخی لایملك الانفسه) و نام بردن از خود و برادرش به این دلیل است که بسیج بنی اسرائیل بر عهده هارون نیز بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱،۳،۴،۵،۱۷،۱۸،۱۹

۱ قوم موسی (ع) ، محروم از تصرف سرزمین مقدس به مدت چهل سال

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه

مراد از <محرمه>، حرمت تکوینی است نه حرمت تشریحی.

۳ قوم موسی (ع) ، سرگردان در بیابان به مدت چهل سال

اربعین سنه یتیهون فی الارض

با توجه به اینکه جمله <یتیهون> حال برای ضمیر در <علیهم> است، معلوم می شود که زمان سرگردانی آنان نیز چهل سال بوده است.

۴ سرگردانی قوم موسی (ع) در بیابان ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آن از فرمان موسی (ع)

إنّا لن ندخلها . .. یتیهون فی الارض

۵ زمان سرپیچی قوم موسی (ع) از فرمان وی ، سرآغاز سرگردانی چهل ساله آنان و محرومیت از تسلط بر قدس

إنّا لن ندخلها . .. اربعین سنه یتیهون فی الارض

۱۷ سرگردانی قوم موسی در سرزمینی به مساحت چهار فرسخ در مدت چهل سال ، تاوان نافرمانی آنان در برابر موسی (ع)

ادخلوا الارض المقدسه . .. قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه یتیهون فی الارض

از امام باقر(ع) در توضیح

آیه فوق روایت شده: فلما ابوا ان یدخلوها حرمها اللّه علیهم فناهوا فی اربع فراسخ اربعین سنه . .. .

اختصاص منصوب به شیخ مفید، ص ۲۶۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱.

۱۸ سرگردانی بنی اسرائیل در پی سرپیچی از فرمان موسی (ع) با چرخیدن زمین به هنگام سفر شبانه آنان و بازگردانده شدن به محل سکونت اولیه خویش

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه یتیهون فی الارض

از امام صادق(ع) در بیان کیفیت سرگردانی بنی اسرائیل روایت شده: . .. اذا کان العشاء و اخذوا فی الرحیل ... اذا ارتحلوا و استوت بهم الارض قال اللّه للارض دیری بهم فلایزالوا کذلک ... فاذا اصبحوا اذا ابنیتهم و منازلهم التی کانوا فیها بالامس ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۷۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۸، ح ۱۱۶.

۱۹ سرزمین مصر ، جایگاه سرگردانی قوم موسی بمدت چهل سال

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه یتیهون فی الارض

از امام باقر(ع) در مورد سرگردانی قوم موسی روایت شده: . .. فتاهوا فی الارض اربعین سنه فی مصر و فیا فیها ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۷۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۷، ح ۱۱۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۶،۲۹

۲۶ بسیاری از بنی اسرائیل ، مردمی خونریز و آدمکش

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

مراد از اسراف، به قرینه فرازهای قبلی، می تواند خروج بنی اسرائیل از حد اعتدال در قتل نفس، یعنی آدمکشیهای نابحق و خونریزیهای مکرر، باشد.

۲۹ گروهی از بنی اسرائیل پیرو انبیای خویش و

متعهد به قوانین الهی

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۱۱،۱۲

۱۱ گرایش بنی اسرائیل در برهه ای از زمان به رفتار پسندیده و اندیشه صحیح دینی

ثم تاب اللّه علیهم

چون آیات قبل رفتار ناپسند و نیز اندیشه های ناصحیح دینی بنی اسرائیل را بیان کرده بود، معلوم می شود توبه آنان در هر دو جهت بوده است.

۱۲ توبه و بازگشت بنی اسرائیل به سوی خداوند در برهه ای تاریخ

ثم تاب اللّه علیهم

اهل لغت <توبه خدا بر بنده> را به توفیق بر توبه معنا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ گروهی از بنی اسرائیل زمان داود و عیسی عصیان پیشه و تجاوزگر بودند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۴

۴ بنی اسرائیل همگام موسی (ع) و پیرو او در مبارزه علیه فرعون

أتذر موسی و قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۹ – ۱۲

۱۲ آزمایش بنی اسرائیل ، از اهداف امداد های الهی برای حاکمیت بخشیدن به آنان پس از پیروزی بر دشمنانشان

و یستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۴ – ۱۰،۱۱

۱۰ فرعونیان با موسی (ع) پیمان بستند و سو گند

یاد کردند که در صورت برطرف ساختن عذاب شدید از آنان ، به وی ایمان آورند و بنی اسرائیل را آزاد سازند .

لئن کشفت عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی إسراءیل

۱۱ فرعونیان پس از وقوع هر یک از عـذاب های پنجگانه (طوفان . . .) با موسی پیمان بستند که در صورت برطرف ساختن آن ، به وی ایمان آورند و بنی اسرائیل را آزاد کنند .

لئن کشفت عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی إسراءیل

برداشت فوق بر این اساس است که <ال> در <الرجز> عهد ذکری باشد. در این صورت <الرجز> اشاره به عذابهای پنجگانه در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۵ - ۵

۵ خداوند پس از اجابت دعای موسی (ع) و رفع عذاب از فرعونیان ، به آنان فهماند که تا زمانی محدود به عذاب مبتلا نخواهند شد .

فلما کشفنا عنهم الرجز إلی أجل هم بلغوه

<إلی أجل> می رساند که خداوند عذاب را برای همیشه از فرعونیان برطرف نساخت و برای آن زمان تعیین کرد و اگر این حقیقت را به آنان ابلاغ نمی کرد، تعیین زمان اثر مطلوب نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۶ - ۱،۲،۳،۷

۱ خداوند پس از ارائه معجزات متعدد و اتمام حجت بر فرعونیان ، آنان را در دریا غرق کرد .

فانتقمنا منهم فأغرقنهم فی الیم

<الیم> در لغت به معنای دریا و رودخانه بزرگ است و <ال> در <الیم> برای عهد می باشد و چنانچه بسیاری از

مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. برخی دیگر از مفسران آن را اشاره به رودخانه نیل دانسته اند.

۲ خداوند با غرق کردن فرعونیان در دریا از آنان انتقام گرفت .

فانتقمنا منهم فأغرقنهم فی الیم

<فاء> در <فأغرقنا> تفسیریه است. یعنی <أغرقنا> بیان و تفسیر <انتقمنا> می باشد.

۳ فرعونیان به دلیل شکستن پیمانشان با موسی (ع) (ایمان به وی و آزادسازی بنی اسرائیل) سزاوار انتقام الهی و غرق شدن در دریا گشتند .

إذا هم ینکثون. فانتقمنا منهم

تفریع جمله <فانتقمنا> بر جمله <إذا هم ینکثون> به وسیله حرف <فاء> می رساند که پیمان شکنی فرعونیان در انتقام الهی از آنان دخیل بوده است.

۷ تکذیب آیات الهی و بی اعتنایی به آنها سبب هلاکت و غرق شدن فرعونیان در دریا شد .

فأغرقنهم فی الیم بأنهم کذبوا بایتنا و کانوا عنها غفلین

حرف <باء> در <بأنهم کذبوا> سببیه است و می رساند که تکذیب آیات و بی اعتنایی به آنها سبب انتقام الهی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۲،۱۱،۶،۵،۳،۲،۱

۱ بنی اسرائیل در مدت زمانی طولانی تحت سیطره فرعونیان به ضعف و ناتوانی کشانه شده بودند .

و أورثنا القوم الذین کانوا یستضعفون

استعمال فعل مضارع همراه <کان> و أمثال آن دلالت بر استمرار آن فعل در گذشته دارد. بنابراین <کانوا یستضعفون> می رساند که استضعاف بنی اسرائیل به دست فرعونیان دارای سابقه طولانی بوده است.

۲ خداوند با نابودسازی فرعونیان ، تمام سرزمین آنان را ، از شرق تا غرب ، در اختیار بنی اسرائیل قرار داد .

و أورثنا القوم الذین

كانوا يستضعفون مشرق الأرض و مغربها

۳ سرزمینی که خداوند پس از هلاکت فرعونیان در اختیار بنی اسرائیل قرار داد ، سرزمینی پربرکت و بسیار حاصلخیز بود .

مشرق الأرض و مغربها التی برکنا فیها

۵ نوید های خداوند به قوم موسی با هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل به سرزمین آنان ، بی کم و کاست ، تحقق یافت .

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل

<کلمه> به معنای سخن است و مراد از آن به قرینه صدر آیه و نیز آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ نوید هلاک سازی فرعونیان و جانشینی بنی اسرائیل از آنان است. <تمت> یعنی به طور کامل و تمام تحقق یافت.

۶ وعده هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل بر سرزمین آنان ، از وعده های نیکوی خداوند به قوم موسی

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل

کلمه <الحسنی> (زیباتر) صفت برای <کلمت> است.

۱۱ بنی اسرائیلِ زمان موسی در دوران حکومت فرعون ، مردمی صبور و مقاوم در برابر دشمنان دین بودند .

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل بما صبروا

۱۲ صبر و مقاومت بنی اسرائیل زمان موسی در برابر ستمگری های فرعون ، موجب تحقق وعده الهی بر پیروزی آنان و نابودی دشمنانشان

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل بما صبروا

حرف <باء> در <بما صبروا> سببیه است و <ما>، مصدریه. یعنی: <تمت ... بسبب صبرهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱،۲،۳،۴

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را از دریا عبور داد .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر

۲ عبور بنی اسرائیل (قوم موسی

) از همان دریایی بود که فرعونیان در آن غرق شدند .

و جوزنا ببنی إسرءيل البحر

<ال> در <البحر> عهد ذکری است و اشاره به <اليم> در آيه ۱۳۶ دارد. يعنی بنی اسرائيل را از همان دريا (دريايی که فرعونيان را درآن غرق کرديم) عبور داديم.

۳ زمان عبور قوم موسی از دريا ، مقارن با غرق شدن فرعونيان در آن دريا بود .

فأغرقنهم فی اليم . .. و جوزنا ببنی إسرءيل البحر

<جوزنا . .. > عطف است بر آيه ۱۳۶ (فانتقمنا منهم ... .)

۴ بنی اسرائيل در پی عبور از دريا با مردمی بت پرست مواجه شدند .

فأتوا علی قوم يعكفون علی أصنام لهم

<أتوا> چون به <علی> متعدی شده، متضمن معنای مرور است، يعنی <اتوا قوما مارين عليهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۹ - ۳

۳ موسی (ع) با تبيين فساد آيين بت پرستی ، بنی اسرائيل را که آرزومند آن آيين بودند ، بر جهلشان واقف ساخت .

قال إنكم قوم تجهلون. إن هؤلاء متبر ما هم فيه و بطل ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۱

۱ موسی (ع) با انکار شايستگی غير خدا برای پرستش ، از گرايش قومش به بت پرستی شگفت زده شد .

قال أغير اللّه أبغيكم إلهاً

همزه در <أغير اللّه> برای انکار و تعجب و <کم> به تقدير لام است. <إلهاً> مفعول برای <أبغی> و <غير اللّه> صفت و يا حال برای <إلهاً> است. يعنی: <أأبغی لکم إلهاً غير اللّه>

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸،۷،۶،۳،۲،۱

۱ بنی اسرائیل همواره تحت سیطره خاندان فرعون به شکنجه هایی سخت گرفتار بودند .

و إذ أنجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

<سَوْم> مصدر <یسومون> به معنای تحمیل کردن است. اضافه <سوء> به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است ; یعنی: العذاب السوء.

۲ خداوند با بعثت موسی ، بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان و شکنجه های سهمگین آنان ر ها ساخت .

و إذ أنجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

در جمله <هو فضلکم> (او شما را برتری بخشید)، برتری دادن تنها به خداوند نسبت داده شده است، ولی در جمله دوم <أنجیناکم> (ما شما را نجات دادیم) نسبت نجات بخشی به ضمیر <نا> (یعنی ما) داده شده است. از این مقابله می توان فهمید که خداوند در نجات بخشی نظر به اسباب نیز دارد که به مناسبت، سبب آن بعثت حضرت موسی است. بنابراین <أنجیناکم> یعنی ما با بعثت موسی شما را نجات دادیم.

۳ نجات از سیطره فرعونیان و عذاب های ایشان ، خاطره ای برای بنی اسرائیل و شایسته همواره به یاد داشتن

و إذ أنجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

<إذ> مفعولٌ به برای فعل مقدّر <اذکروا> است.

۶ فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را می کشتند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم

<تقتیل> (مصدر یقتلون) به معنای کثرت کشتار است و <استحیاء> به معنای باقی گذاردن بر زندگانی است.

۷ کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناءکم

و یستحیون نساءکم

جمله <یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم> می تواند تفسیر جمله قبل باشد ; یعنی منظور از <سوء العذاب> همان کشتار فرزندان و باقی گذاشتن زنان است. همچنین می تواند بیان مصداقی از آن باشد ; یعنی فرعونیان عذابهایی بر شما تحمیل کردند ; از جمله کشتار فرزندان و زنده گذاشتن زنان. بر این مبنا ذکر ویژه دو عذاب یاد شده، به سبب شدت بیشتر آن بوده است.

۸ زنان بنی اسرائیل به سبب کشتار وسیع فرزندانشان به دست فرعونیان ، لذت حیات و زنده ماندن از آنان سلب شده بود .

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم

<زنده گذاشتن زنان> به عنوان یک عذاب برای قوم بنی اسرائیل است که از جمله آن قوم، خود زنان هستند. و چون مجرد زنده گذاشتن عذاب تلقی نمی شود، با توجه به اینکه <یستحیون> پس از <یقتلون> آمده، می توان گفت کشتن فرزندان به گونه ای بوده که زنان، یعنی مادران جامعه، از زنده ماندن خودشان و دیدن قتل فجیع فرزندانشان در رنج و عذاب بودند. آوردن <نساء> در مقابل <أبناء> می تواند این احتمال را تأیید کند.

۹ استثمار زنان بنی اسرائیل هدف فرعونیان از زنده نگاه داشتن ایشان *

یسومونکم سوء العذاب . .. یستحیون نساءکم

استثمار زنان، توجیه و احتمال دیگری است بر اینکه چرا زنده گذاشتن زنان به عنوان یک عذاب مطرح شده است.

۱۰ خداوند با گرفتار ساختن بنی اسرائیل به عذاب های سهمگین فرعونی ، آنان را آزمونی بزرگ مبتلا ساخت .

یسومونکم سوء العذاب . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

کلمه <بلاء> می تواند به معنای آزمون و نیز به

معنای نعمت باشد. مشارالیه <ذلکم> یا عذاب است و یا رهایی از آن. در برداشت فوق <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به خود عذاب گرفته شده است.

۱۱ خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل عصر موسی از شکنجه های سخت فرعونی ، آنان را مورد آزمایشی سنگین قرار داد .

و إذ أنجینکم . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب باشد.

۱۲ نجات از شکنجه فرعونیان ، از نعمت های بزرگ خداوند برای بنی اسرائیل

و إذ أنجینکم . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

در برداشت فوق <بلاء> به معنای نعمت و <ذلکم> اشاره به رهاسازی از عذاب که از <أنجیناکم> استفاده می شود گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱،۱۵،۱۸

۱ خداوند ، موسی (ع) را پس از عبور بنی اسرائیل از دریا ، برای عبادت و مناجاتی خاص فراخواند .

و وعدنا موسی ثلثین لیله

به کارگیری کلمه <لیله> (شب)، با وجود اینکه معمولاً ـ در بیان شبانه روز و مانند آن از کلمه <یوم> استفاده می شود، اشاره به این دارد که مواعده خدا با موسی برای عبادت بوده است. و چون موسی در میان قومش نیز عبادت و مناجات داشته، معلوم می شود که این، عبادت و مناجاتی خاص بوده است.

۱۵ اصلاح امور جامعه بنی اسرائیل از دستورالعمل های موسی به برادر و خلیفه خود هارون

و أصلح

چون فرمان به اصلاح پس از انتخاب هارون به سرپرستی

بنی اسرائیل آمده است، معلوم می شود مراد، اصلاح امور اجتماعی، فرهنگی و . .. بنی اسرائیل است، نه درستکاری هارون در امور شخصی خودش.

۱۸ جامعه بنی اسرائیل در عصر موسی حاوی گروهی مفسد و با اندیشه ها و روشهایی نابهنجار

و لا تتبع سبیل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۳

۱۳ تصرف سرزمین فاسقان و دیدن مناظر آن ، وعده ای از جانب خداوند به امت موسی

سأوریکم دار الفسقین

در اینکه مراد از <الفسقین> چه کسانی هستند، سه احتمال وجود دارد: فرعونیان، ساکنان سرزمین قدس پیش از ورود قوم موسی به آنجا، متخلفان قوم موسی برداشت فوق ناظر به احتمال اول و دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۱،۲،۵،۹

۱ قوم موسی در غیاب وی (زمان حضورش در میعادگاه مناجات) به پرستش تندیس گوساله روی آوردند .

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسداً

۲ قوم موسی با زیورآلات خویش مجسمه گوساله نری را برای پرستش ساختند .

اتخذ . .. من حلیهم عجلا جسداً

اتخاذ (مصدر <اتخذ>) در اینجا به معنای ساختن است. <عجل> به معنای گوساله نر و <حُلیّ> (جمع حَلْی) به معنای زیورآلات است.

۵ برآمدن صدای گاو از مجسمه گوساله بنی اسرائیل ، زمینه ساز روی آوری قوم موسی به پرستش آن

له خوار

معمولاً یاد کردن از ویژگیهای یک شیء ناظر به علت احکامی است که بر آن مترتب شده است. بنابراین می توان گفت

خداوند با بیان این ویژگی از مجسمه گوساله (بروز دادن صدای

گاو) اشاره به یکی از علل گرایش آنان به پرستش آن گوساله دارد.

۹ وجود گرایش های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹، تأثیری در متقاضیان خدای محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی) به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱،۲،۶،۸

۱ بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای پرستش ، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند .

و لما سقط فی أیدیهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله <سقط فی أیدیهم> کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد ; به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

۲ بنی اسرائیل پس از آگاهی به گمراهی خویش ، از گوساله پرستی توبه کردند و به گناه خویش معترف شدند .

قالوا لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

۶ مرتدان بنی اسرائیل به خاطر دوران گوساله پرستی ، نگران آینده ای زیانبار برای خویش بودند .

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

۸ قوم موسی علی

رغم پیشینه گوساله پرستی به رحمت و مغفرت الهی امیدوار بودند .

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۶،۱۷،۱۸،۱۹

۶ توهم به سر آمدن زمان میعاد خدا با موسی (ع) و تأخیر وی در مراجعت ، زمینه ساز گرایش قوم موسی به گوساله پرستی شد .

بئسما خلفتمونی من بعدی أعجلتم أمر ربکم

جمله <أعجلتم . .. > اشاره به علتی دارد که بنی اسرائیل را به گوساله پرستی واداشت.

۱۷ هارون در غیاب موسی (ع) با شرکورزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

۱۸ هارون ، مقهور گوساله پرستان بنی اسرائیل و ناتوان از بازداری ایشان

إن القوم استضعفونی

<استضعاف> به معنای غلبه کردن و مقهور ساختن است.

۱۹ گوساله پرستان بنی اسرائیل مهیای کشتن هارون به خاطر مبارزه پی گیر وی با شرکورزی آنان

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۷

۷ قوم موسی با گرایش به گوساله پرستی بر خداوند افترا بستند .

و کذلک نجزی المفترین

مصداق مورد نظر برای <المفترین> مشرکان و گوساله پرستان بنی اسرائیل هستند. بنابراین شرکورزی آنان افترا بر خدا بود. <افتراء>، از <فریه>، به معنای دورغ بافتن است. و مراد از <مفترین>، به مناسبت مورد، کسانی هستند که بر خدا دروغ

می بندند ; یعنی به دروغ چیزی را به خدا نسبت می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف

- ۷ - ۱۵۳ - ۴

۴ خداونـد گنـاه آن گروه از بنی اسـرائیل را کـه پس از گوسـاله پرسـتی تـوبه کرده و بـا ایمـان به یکتـایی خـدا به پرسـتش او بازگشتند ، آمرزید و آنان را مشمول رحمت خویش قرار داد .

و الذین عملوا السیئات ثم تابوا من بعدها و ءامنوا

مصداق مورد نظر برای <الذین عملوا السیئات>، به دلیل آیات پیشـین، گوساله پرستان بنی اسرائیل است. این آیه در حقیقت استثنایی برای آیه پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۷

۷ فرونشسـتن فتنه گوسـاله پرستی در میـان قوم موسـی ، فراهم آورنـده زمینه ای منـاسب برای مطرح شـدن تورات از سوی آن حضرت

أخذ الألواح

بیـان این واقعیت که موسـی(ع) در پی فرونشسـتن فتنه گوسـاله پرسـتی، الواح را برگرفت، این حقیقت را روشن می سـازد، که زمینه از دست رفته برای تعالیم تورات بار دیگر در میان قوم موسـی ایجاد شـد. گفتنی است آیه <۱۴۹> می رساند که عموم بنی اسـرائیل از گوساله پرستی توبه کردند و آیه <۱۵۳> می رسانـد که خداوند توبه آنان را پذیرفت و در نتیجه فتنه گوساله پرستی فرونشست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۲،۳،۴،۵،۶،۸،۱۱

۲ موسی (ع) از میان بنی اسرائیل هفتاد نفر را برای بردن به میعادگاه مناجات انتخاب کرد .

و اختار موسی قومه سبعین رجلا لمیقتنا

کلمه <سـبعین> مفعـول برای <اختـار> می باشـد و <قومه> به سـبب حـذف حرف جر، منصوب شـده است ؛ یعنی <من قومه>. البته برخی <قومه> را مفعول و <سبعین>

را بدل از آن گرفته اند.

۳ هفتاد مرد گزینش شده برای حضور در میعادگاه مناجات ، بهترین و لایقترین مردم بنی اسرائیل در دیدگاه موسی (ع)

و اختار موسی

<اختیار> به معنای انتخاب و گزینش خیر است. بنابراین <اختار موسی> یعنی موسی بهترینها را انتخاب کرد.

۴ برگزیدگان موسی برای حضور در میعادگاه مناجات ، از میان مردان بنی اسرائیل بودند ; نه زنان ایشان

سبعین رجلا

۵ برگزیدگان بنی اسرائیل برای همراهی موسی (ع) در میعادگاه مناجات ، پس از حضور در آن مقام به لرزشی شدید و کشنده گرفتار شدند .

فلما أخذتهم الرجفه

۶ خداوند ، بجز موسی (ع) ، همه حاضران در میعادگاه مناجات را به هلاکت رسانید .

قال رب لو شئت أهلکتهم من قبل

۸ موسی (ع) اندوهناک از هلاکت برگزیدگانش در میعادگاه مناجات به دور از چشمان بنی اسرائیل

قال رب لو شئت أهلکتهم من قبل

جمله <لو شئت . .. > (اگر می خواستی من و ایشان را به هلاکت رسانی، پیش از حضور در میقات به هلاکت می رساندی) حکایت از تحسر و اندوه موسی(ع) بر از میان رفتن همراهانش دارد و قید <من قبل> می رساند که اندوه وی برخاسته از آن است که هلاکت آنان در میقات و به دور از چشمان بنی اسرائیل تحقق یافته است.

۱۱ کردار سفیهانه گروهی از همراهان موسی در میعادگاه مناجات ، عامل نزول عذاب الهی و به هلاکت رساندن همه آنان شد .

أتهلکنا بما فعل السفهاء منا

گفته شده مراد از کردار سفیهانه برخی از همراهان موسی، تقاضای رؤیت خدا با چشم بوده است.

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۹ – ۱،۲،۵

۱ گروهی اندک از قوم موسی ، مردمی هدایتگر و عدالت پیشه بودند .

و من قوم موسی امه یهدون بالحق و به یعدلون

۲ هدایتگران قوم موسی خود همواره ملازم حق و حقیقت بودند .

یهدون بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که <باء> در <بالحق> برای مصاحبت باشد در این صورت <بالحق> حال برای فاعل <یهدون> است ; یعنی: <یهدون مصاحبین الحق>.

۵ عدالت پیشگان قوم موسی همواره حق را میزان قضاوت های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کردند .

و به یعدلون

<به> متعلق به <یعدلون> و <باء> در آن برای استعانت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۰ – ۱،۲،۳،۶،۷،۱۲،۱۳،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹،۲۱،۲۶،۲۷،

۱ خداوند بنی اسرائیل را دوازده تیره و قبیله قرار داد .

و قطّعنهم اثنتی عشره أسباطا أمما

تمییز <اثنتی عشره> کلمه ای مونث و مفرد همانند <فرقه> است که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است. اسباط، جمع سبط (تیره و قبیله) بدل برای <اثنتی عشره> است.

۲ هر یک از دوازده تیره بنی اسرائیل خود امت و مجموعه ای مجزا از دیگر تیره ها

و قطّعنهم اثنتی عشره أسباطا أمما

<أمما> (جمع أمه) حال برای <أسباطا> است ; یعنی قبایلی که هر کدام امتی بودند.

۳ انتساب بنی اسرائیلیان به هر یک از فرزندان یعقوب ، اساس گروه بندی آنان

و قطّعنهم اثنتی عشره أسباطا أمما

<اسـباط> در لغت به معنـای نوادگـان است. به کارگیری این واژه برای تیره های دوازده گانه بنی اسـرائیل اشاره به این دارد که اساس

این قبایل که همگان نواده های یعقوب (اسرائیل) هستند دوازده فرزند او می باشند.

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه . .. و أنزلنا علیهم المن و السلوی

۷ بنی اسرائیل با توسل به موسی (ع) خواستار برطرف شدن مشکل کمبود آب شدند .

إذ استسقه قومه

۱۲ جوشش دوازده چشمه آب از سنگ در پی فرود آمدن عصای موسی بر آن

أن اضرب بعصاك الحجر فانبجست منه اثنتا عشره عینا

<انبجاس> مصدر <انبجست> به معنای جوشیدن و فوران زدن است.

۱۳ هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، مخصوص طایفه ای از دوازده طایفه بنی اسرائیل بود .

قد علم کل أناس مشربهم

<أناس> جمع إنس (مردم) است و مراد از آن طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل می باشد. <مشرب> به آب آشامیدنی و یا جایگاهی که از آن آب برمی دارند گفته می شود و مقصود از آن چشمه هایی است که از سنگ جوشید.

۱۵ هر کدام از طوایف بنی اسرائیل به چشمه مخصوص خویش آگاه بودند .

قد علم کل أناس مشربهم

۱۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به گرمای سوزان خورشید گرفتار شدند .

و ظلّلنا علیهم الغمم

۱۷ خداوند با سایه گستر ساختن ابر ها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

و ظلّلنا علیهم الغمم

<غمامه> به معنای ابر و جمع آن غمام است. (لسان العرب). برخی از اهل لغت برآنند که غمام به معنای ابر سفید است. <تظلیل> (مصدر ظلّلنا) به معنای سایه قرار دادن است.

۱۸ خداوند برای تغذیه قوم

موسی به هنگام عبورشان از صحرای سوزان ، بر آنان منّ و سلوا فرو فرستاد .

و أنزلنا علیهم المن و السلوی

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز شربتی شیرین همانند عسل معنا شده است و در معنای <سلوی> گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

۱۹ < منّ > و < سلوی > خوراکی پاکیزه و از روزی های عطا شده به بنی اسرائیل

و أنزلنا علیهم المن و السلوی کلوا من طیبت ما رزقنکم

۲۱ دسترسی قوم موسی به غذا های حلال و حرام در پی عبور از دریا

کلوا من طیبت ما رزقنکم

۲۶ ظهور معجزاتی متعدد (پدید آمدن آب ، سایه ، نزول منّ و سلوی) برای قوم موسی در پی عبورشان از دریا

فانبجست . .. ظلّلنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المن و السلوی

۲۷ قوم موسی با بهره گیری از خوراکی های ناپاک از دستور خداوند سرپیچی کردند .

کلوا من طیبت ما رزقنکم و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

چنانچه اطلاق ستمگری بر قوم موسی (کانوا أنفسهم یظلمون) در ارتباط با جمله <کلوا من طیبت . .. > بیان شده باشد، مراد از ستمگری آنان، استفاده از خوراکیهای حرام و ناپاک است ; ولی چنانچه جمله <و ما ظلمونا و لکن ... > در ارتباط با نعمتهای متعددی باشد که در آیه مطرح شده، مراد از ستمگری ایشان، ناسپاسی در برابر آن نعمتهاست. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱،۳،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۳،۱۹

بنی اسرائیل فرمان یافتند تا پس از زندگانی بیابانی ، در آبادی بیت المقدس سکونت گزینند .

و إذ قیل لهم اسکنوا هذه القریه

<قریه> در لغت به معنای روستا و نیز شهر آمده و در قرآن نیز در هر دو معنا استعمال شده است. و چون قرینه ای یافت نشد که کدامین معنا مراد است، در برداشت فوق کلمه <آبادی> آورده شد. <ال> در <القریه> عهد حضوری و اشاره به دیاری خاص دارد. بسیاری از مفسران برآنند که مراد از آن بیت المقدس است.

۳ بنی اسرائیل به هنگام دریافت فرمان تصرف بیت المقدس ، در مکانی نزدیک به آن آبادی بسر می بردند .

و إذ قیل لهم اسکنوا هذه القریه

برداشت فوق با توجه به اسم اشاره (هذه) استفاده شده است.

۵ خداوند تهیه خوراکی ها از هر ناحیه بیت المقدس را برای بنی اسرائیل حلال و مباح کرد .

و کلوا منها حیث شئتم

۶ استغفار از گناهان به هنگام تصرف بیت المقدس ، فرمان خدا به بنی اسرائیل

و قولوا حطه

<حطه> خبر برای مبتدایی محذوف مانند <مسألتنا> است. این کلمه اسم مصدر و به معنای نهادن و فرود آوردن می باشد و مراد از آن به قرینه جمله بعد (نغفر لکم) برداشتن وزر گناهان و آمرزش آنهاست. بنابراین <قولوا حطه> یعنی بگویید خدایا درخواست ما آمرزش گناهان است.

۷ اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا به هنگام تصرف بیت المقدس از دستورات خدا به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه <سجداً> جمع <ساجد> و حال برای فاعل <ادخلوا> است. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک ساییدن)

سازگار نیست، می توان گفت در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

۸ دروازه بیت المقدس طریق تعیین شده از جانب خدا برای نفوذ به آن سرزمین و تصرف آن دیار

و ادخلوا الباب

۱۰ بنی اسرائیل پیش از ورود به بیت المقدس گناهان فراوانی داشتند .

نغفر لکم خطیئتکم

برداشت فوق با توجه به کلمه <خطیئات> که به صورت جمع آمده استفاده شده است.

۱۳ وجود افرادی نیک کردار و پاکدامن از گناهان در میان قوم موسی

سنزید المحسنین

کلمه <المحسنین> می تواند در مقابل گروهی از بنی اسرائیل باشد که از جمله <نغفر لکم خطیئتکم> به دست می آید. یعنی بنی اسرائیل دو گروه بودند: گروهی گنهکار که جمله <نغفر لکم خیطئتکم> اشاره به آنان دارد و پاکدامنان از گناه که <المحسنین> عهده دار تبیین آن گروه است.

۱۹ داستان ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس ، داستانی عبرت آموز و شایسته به یاد داشتن

و إذ قیل لهم اسکنوا . .. سنزید المحسنین

کلمه <إذ> متعلق به فعلی مانند <اذکروا> (به یاد داشته باشید)، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۱،۲

۱ گروهی از قوم موسی دارای پیشینه ای آلوده به گناه و ستم ، پیش از ورودشان به بیت المقدس

فبدل الذین ظلموا . .. بما کانوا یظلمون

۲ حرام خواران قوم موسی به جای طلب آمرزش از خدا به هنگام ورود به بیت المقدس کلامی دیگر بر زبان جاری ساختند .

فبدل الذین ظلموا منهم قولا غیر الذی قیل لهم

می توان گفت مراد از <الذین ظلموا> به دلیل <و لکن کانوا أنفسهم

یظلمون> در آیه ۱۶۰ کسانی هستند که با استفاده از خوراکیهای غیر پاکیزه به حرامخواری دست یازیدند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۱ – ۱،۲،۴،۵،۸

۱ خداوند کوه طور را به لرزه درآورد ، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد .

و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله

<نتق> (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکندن است. <ال> در <الجبل>، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. <ظله> به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

۲ قوم موسی هراساان از سقوط کوهِ برافراشته شده بر سر آنان

و ظنوا أنه واقع بهم

۴ خداوند با برافراشتن کوه طور بر سر قوم موسی ، از آنان خواست تا با جدیت تمام تورات بپذیرند و رفتار و اندیشه های خویش را بر اساس آن استوار سازند .

خذوا ما ءاتینکم بقوه

<خذوا> یعنی بگیرید. <گرفتن> تورات و دیگر کتابهای آسمانی به این است که مورد پذیرش قرار گیرد و به احکام آن عمل شود.

۵ لجاجت و سرسختی بنی اسرائیل در پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم . .. خذوا ما ءاتینکم

۸ قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله

<إذ> متعلّق به فعل مقدّر <اذکروا> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ قوم فرعون ، علی رغم مشاهده معجزه بزرگ موسی (ع) و غلبه او بر ساحران ، بر ناباوری خود پای فشرده و کسی از آنان به او ایمان نیاورد .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <من قومه> راجع به <موسی> و مراد از <قوم موسی>، بنی اسرائیل باشد.

۲ در پس تحقق معجزه موسی (ع) و شکست ساحران ، تنها گروه اندکی از بنی اسرائیل به وی گرویده و ایمان آوردند .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه

برداشت فوق بر اساس ارجاع ضمیر <من قومه> به <موسی> است ; ضمناً تنکیر <ذریه> دلالت بر تقلیل می کند.

۳ مؤمنان و گرویدگان به موسی (ع) ، همگی از قشر جوان بنی اسرائیل بودند .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه

<ذریه> به معنای <ابناء و أولاد> به کار می رود، با توجه به جو وحشت و ارعاب که فرعون در میان بنی اسرائیل به وجود آورده بود و معمولا در چنین شرایطی پیران به حکم مصلحت اندیشی کنار می کشند، می توان گفت که مراد از <ذریه>، جوانان بنی اسرائیل است.

۴ مؤمنان به موسی (ع) ، از رؤسا و اشراف قوم خود و از اذیت و شکنجه های فرعون در وحشت شدیدی به سر می بردند .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه علی خوف من فرعون و ملإیهم أن یفتنهم

تنکیر <خوف> دلالت بر شدت آن می کند و از معانی فتنه عذاب و شکنجه است.

۵ مؤمنان به موسی (ع

) به جرم ایمان ، در معرض شکنجه و آزار فرعون و اشراف قوم خود قرار داشتند .

إلا ذریه من قومه علی خوف من فرعون و ملإیهم أن یفتنهم

۶ رؤسا و اشرافِ قوم موسی ، دشمنان او و وابسته به حکومت فرعون بودند .

علی خوف من فرعون و ملإیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۵ - ۲،۵

۲ قوم موسی ، از همان آغاز گرایش به او ، خود را در معرض عذاب و شکنجه فرعونیان می دیدند .

ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین

۵ بنی اسرائیل ، زیر سلطه و اقتدار فرعون و اشراف خود ، با ضعف و ذلت ، روز می گذراندند .

فقالوا علی اللّه توکلنا ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۴،۶،۷

۴ بنی اسرائیل ، مایل نبودند در سرزمین کفر و در جوار کافران ، زندگی کنند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

۶ بنی اسرائیل ، خواهان هجرت از سرزمین مصر به سرزمین دیگر بودند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

۷ بنی اسرائیل ، در دعای خویش از خداوند خواستند : زمینه هجرتشان از سرزمین مصر به سرزمینی دیگر را فراهم کند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

جمله <و نجنا برحمتک من القوم الکافرین> به معنای (ما را از کافران خلاص نما) است و مقصود از آن می تواند درخواست هجرت به سرزمین دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۶،۵،۲،۱

خداوند ، از طریق وحی به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) به تهیه مسکن برای قوم خود اقدام کنند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که اولاً <مصر> به معنای شهر مصر باشد ; چنان که به همین معنا در مفردات و لسان تصریح شده است. ثانیاً: جار و مجرور (بمصر) متعلق به <تبوءاً> باشد نه حال برای <قومکما>.

۲ موسی و هارون (ع) مأموریت یافتند تا برای آن دسته از بنی اسرائیل که ساکن شهر مصر بودند ، اقدام به تهیه مسکن نمایند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً

برداشت فوق بر این اساس است که <بمصر> متعلق به عامل مقدر و حال یا صفت برای <قوم> باشد ; یعنی: تبوئاً لقومکما کائنین یا الکائنین بمصر.

۵ خداوند ، فرمان داد تا بنی اسرائیل در بر پا کردن خانه های خود ، آنها را رو به روی هم بسازند .

و اجعلوا بیوتکم قبله

برداشت فوق مبتنی بر این است که لفظ <قبله> مصدر نوعی به معنای اسم فاعل باشد ; یعنی: اجعلوا بیوتکم متقابله.

۶ ضعف و ذلت بنی اسرائیل در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) تا درجه ای بود که حتی از داشتن خیمه یا کومه ای ، که آنان را از سرما و گرما حفظ کند ، محروم بودند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس -

۱۰ - ۹۰ - ۱،۲،۳،۵،۹

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را در حالی که در معرض هجوم فرعون و سپاهیانش قرار داشتند ، از دریا عبور داد .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً

۲ فرعون و سپاهیانش ، با خارج شدن بنی اسرائیل از دریا ، با کبر و نخوت و با سرعت به سوی آن گذرگاه تاختند .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً

جمله <فأتبعهم . .. > عطف بر جمله <جاوزنا> است و <فای عاطفه> برای ترتیب بدون تراخی است. عرب به کسی که راه رفتنش همراه با کبر و نخوت باشد می گوید: <بغی فی مشیته> و <عدو> نیز به معنای دویدن است.

۳ فرعون و سپاهیانش ، از سرِ ستم و کینه توزی ، بنی اسرائیل را تعقیب کردند .

فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً

۵ فرعون تا لحظه ای که دریا به هم نیامد و در آستانه غرق شدن قرار نگرفت ، در پی بنی اسرائیل می تاخت

فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً حتی إذا أدرکه الغرق

۹ نجات بنی اسرائیل از شر فرعون و اطرافیانش ، ثمره استقامت و پایداری آنان بود .

فاستقیما . .. و جوزنا ببنی إسرءیل البحر ... حتی إذا أدرکه الغرق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۲ - ۱

۱ عبور بنی اسرائیل از دریا و غرق شدن فرعون و سپاهیانش ، هنگام روز بوده است .

و جوزنا ببنی إسرءیل . .. حتی إذا أدرکه الغرق ... فالیوم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱،۲،۳

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را پس از نابودی فرعون ، در سرزمینی خوش آب و هوا و واجد همه شرایط مناسب زندگی ، اسکان داد .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق

۲ بنی اسرائیل ، پس از نابودی فرعون ، در سرزمینی با اراضی حاصل خیز که در آن ، از انواع نعمت ها و روزی های پاکیزه و مناسب طبع برخوردار بودند ، روزگار خوشی می گذراندند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق و رزقنهم من الطیبت

۳ وضعیت مسکن و معیشت بنی اسرائیل در دوران حکومت فرعون ، وضعیتی نابسامان و نامناسب بود .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق و رزقنهم من الطیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۳،۴

۳ قوم موسی در حقانیت تورات اختلاف کرده ; گروهی آن را پذیرفتند و گروهی آن را انکار کردند .

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

۴ اختلاف پیروان موسی درباره تورات اصلی و محتوای آن *

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۶

۶ < عن علی بن موسی الرضا (ع) : کانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت

بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد . .. پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۳،۱۴،۱۷،۱۸

۱۳- سر بریدن پسران و زنده نگه داشتن زنان بنی اسرائیل ، بدترین نوع تحمیل شکنجه و آزار از سوی فرعونیان به آنان

یسومونکم سوء العذاب و یذبّحون أبناءکم و یستحیون نساءکم

آوردن <یذبّحون أبناءکم و یستحیون نساءکم> پس از <یسومونکم> می تواند جمله تفسیری برای آن باشد. در این صورت، این دو مورد، شرح شکنجه ها و رفتارهای ظالمانه آل فرعون است.

۱۴- فزونی چشمگیر زنان بر مردان در جامعه و بر هم خوردن اعتدال جمعیتی ، مایه پدید آمدن مشکلات اجتماعی آزار دهنده برای زنان

یستحیون نساءکم

اینکه خداوند برای شکنجه های آل فرعون، کشتن پسران و زنده نگه داشتن زنان را برشمرده است، امکان دارد بدین علت باشد که چنین عملی، تعادل جمعیت را بر هم می زند و در نتیجه جمعیت زنان افزونی پیدا می کند و این خود شکنجه ای آزار دهنده برای مردم است.

۱۷- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، آزمایش بزرگ الهی از آنان بود .

إذ أنجکم من ءال فرعون . .. و فی ذلکم بلاء من ربّکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> نجات بنی اسرائیل به وسیله خداوند از اعمال ظالمانه فرعونیان باشد.

۱۸- آزمایش بندگان ، جلوه ربوبیت الهی

نسبت به آنان است .

و فی ذلکم بلاء من ربّکم عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴ – ۸،۱۰

۸- دو بار فسادانگیزی بنی اسرائیل در زمین ، از برجسته ترین حوادث و تحولات تاریخی آنان است .

لتفسدنّ فی الأرض مرّتین و لتعلنّ علوًّا کبیرًا

۱۰- < عن علی بن أبی طالب (ع) فی قوله < لتفسدنّ فی الأرض مرّتین > قال : الأولی قتل زکریا علیه الصلوه و السلام و الأخری قتل یحیی علیه السلام ;

از علی بن ابی طالب(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <لتفسدنّ فی الأرض مرّتین> فرمود: بار اول کشتن زکریا علیه الصلوه و السلام و بار دوم کشتن یحیی علیه السلام بوده است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵ – ۱،۳،۴،۷،۸

۱- انتقام خداوند از بنی اسرائیل ، به وسیله نیروهایی توانمند و جنگاور ، در پی نخستین فسادانگیزی آنان

فإذا جاء وعد أُولهما بعثنا علیکم عبادًا لنا أُولی بأس شدید

<بأس> در لغت به معنای شدت در جنگ است و <أُولی بأس> توانمندی و جنگاوری را معنا می دهد.

۳- سرکوب کنندگان اولین فساد بنی اسرائیل ، مردانی بس توانمند و جنگاور

بعثنا علیکم عبادًا لنا أولی بأس شدید

۴- جنگاوری و توانمندی بنی اسرائیل ، در نخستین مرحله از فسادانگیزیشان

بعثنا علیکم عبادًا لنا أُولی بأس شدید

گسیل نیروهای بسیار پرتوان برای سرکوبی بنی اسرائیل، نشانگر توانمندی آنان در جنگ و مبارزه است.

۷- جست و جوی خانه به خانه جنگاوران توانمند پس از ورود به سرزمین بنی اسرائیل به منظور سرکوبی آنان

بعثنا

. .. فجاسوا خلل الديار

<الجوس> (مصدر جاسوا) به معنای تردد و رفت و آمد است (لسان العرب)، و نوعاً برای کسب اطلاع و اخبار به کار می رود.

۸- در امان نبودن بنی اسرائیل حتی در زوایای خانه های خود ، به دنبال فسادانگیزی و تعقیب قرار گرفتنشان از سوی مردانی جنگاور

فجاسوا خلل الديار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱،۲،۴،۵،۸،۹،۱۲

۱- بازگشت قدرت و توان بنی اسرائیل با اراده خداوند پس از نخستین شکست آنان

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم

<کرّه> در لغت به معنای بازگشت و دولت و نیز به معنای تجدید خلق پس از نابودی است. در هر حال، بازگشت قدرت و توان، از آن قابل استفاده است.

۲- پیروزی بنی اسرائیل بر دشمنان جنگجوی خویش با اراده خداوند پس از نخستین شکست

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم

۴- وجود فاصله میان نخستین شکست بنی اسرائیل و پیروزی آنان

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم

<ثم> دلالت بر تراخی و فاصله زمانی دارد.

۵- تجدید توان اقتصادی و انسانی بنی اسرائیل با امداد الهی پس از اولین شکست

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم و أمددنکم بأمول و بنین

۸- تاریخ بنی اسرائیل ، دارای فراز و نشیب های شدید است .

بعثنا علیکم عبادًا لنا أُولی بأس شدید . .. ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم و أمددنکم

۹- فزونی داشتن نیروی انسانی و نفرات رزمی بنی اسرائیل بر نفرات دشمن ، پس از نخستین شکست

و جعلنکم أکثر نفیرًا

۱۲- روی کرد عمومی بنی اسرائیل به صلاح و شایستگی ، پس از تحمل مجازات افساد خویش و قبول شکست از مردانی جنگاور

لتفسدنّ فی الأرض . .. بعثنا علیکم عبادًا

لنا أَولی بأس شدید ... ثمّ رددنا لکم ال

قرینه دو آیه بعد <إن عدتم عدنا> دلالت می کند بر اینکه بنی اسرائیل پس از شکست خود، متنبه شده اند و برای همین جهت، خداوند هم آنان را امداد کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۷،۸،۹،۱۰،۱۳،۱۴

۷- فسادانگیزی و بدکرداری بنی اسرائیل ، زمینه ساز شکست و نابودی آنان

بعثنا علیکم عبادًا لنا . .. و إن أسأتم فلها فإذا جاء وعد الأخره لیسئوا وجوهکم

جمله <إن أسأتم> می تواند تبیین کننده علت شکست نخستین و سرکوب شدن بعدی بنی اسرائیل باشد; یعنی، شکستهای آنان نمونه و مصداقی از نتیجه بدیهای آنهاست.

۸- فسادانگیزی مجدد بنی اسرائیل ، پس از رسیدن به قدرت و رفاه

لتفسدنّ فی الأرض مرّتین . .. ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم ... فإذا جاء وعد الأخره

۹- مورد تاخت و تاز قرار گرفتن بنی اسرائیل به وسیله جنگاورانی قدرتمند ، با فرا رسیدن دومین مرحله فسادانگیزی آنان و هویدا شدن غبار غم و شکست در چهره آنها

فإذا جاء وعد الأخره لیسئوا وجوهکم

ضمیر فاعلی <هم> در <لیسئوا> به <عباداً> باز می گردد و لام در آن برای تعلیل است; یعنی، بندگان ما برای اندوهگین کردن شما (بنی اسرائیل) بیایند.

۱۰- فتح مسجدالاقصی ، توسط جنگاورانی نیرومند و ر ها شدن آن از دست بنی اسرائیل ، در پی فسادانگیزی مجدد آنان

و لیدخلوا المسجد کما دخلوه أوّل مرّه

نوع مفسّران برآنند که مقصود از <المسجد>، مسجدالأقصی است.

۱۳- دومین هجوم نیرو های فاتح مسجدالاقصی بر بنی اسرائیل فسادگر و سرکش ، هجومی توفنده و ویرانگر

و لیتبروا ما علوًّا تتبیرًا

<تتبير> به

معنای اهلاک است و آوردن مفعول مطلق (تتبیرا) که برای تأکید است إشعار به سختی هجوم دارد.

۱۴- نابودی و تخریب کامل آثار و تمدن بنی اسرائیل ، با دومین هجوم نیرو های توانمند و جنگاور

و لیتبّروا ما علوًّا تتبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱،۲

۱- ایجاد امیدواری به رحمت در بنی اسرائیل ، علی رغم دو بار فسادانگیزی و شکست تلخشان به وسیله خداوند

عسی ربّکم أن یرحمکم

مخاطبان آیه با توجه به آیات قبل، بنی اسرائیل است.

۲- نابود و منقرض نشدن نسل بنی اسرائیل ، علی رغم هجوم سنگین نیرو های توانمند و دو بار شکست سخت آنان

عسی ربّکم أن یرحمکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۱،۳

۱- تصمیم فرعون به محو موسی (ع) و بنی اسرائیل از صحنه زمین ، به دنبال احساس ناتوانی از مقابله با معجزات او

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت . .. فأراد أن یستفزّهم من الأرض

برداشت فوق بنابراین نکته است که مراد از <الأرض> کره زمین باشد. در این صورت لازمه <استفزاز> (برکندن)، قتل و نابود کردن است.

۳- روی آوردن فرعون به اعمال قهرآمیز علیه موسی (ع) در پی ناتوانی از رودررویی منطقی و فرهنگی با او

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیّنت . .. فقال له فرعون إنی لأظنّک یموسی مسحورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۱،۲

۱- دستور خداوند به بنی اسرائیل ، پس از هلاک فرعونیان مبنی بر انتخاب سرزمین

مورد نظرشان (شام یا مصر) برای سکنی گزیدن

و قلنا من بعده لبنی إسرءیل اسکنوا الأرض

۲- زندگی بدون آرامش بنی اسرائیل تا قبل از رهایی از حکومت فرعون *

فأراد أن یستفزّهم من الأرض . .. و قلنا من بعده لبنی إسرءیل اسکنوا الأرض

احتمال دارد که <اسکنوا الأرض> به معنای آرام گرفتن در زمین و بیرون آمدن از اضطرابی باشد که قبلاً گریبانگیر آنان بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۳۹ – ۳

۳ – بنی اسرائیل در حکومت فرعون ، زندگی سختی داشتند و جان پسران آنها در خطر بود .

أن اقذفیه فی التابوت فاقذفیه فی الیمّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۷ – ۲،۶،۸،۹

۲ بنی اسرائیل در زمان بعثت موسی (ع) ، ساکن مصر و گرفتار ستم و آزار فرعونیان بودند .

فأرسل معنا بنی إسرءیل و لاتعذّبهم

نهی شدن فرعون از عذاب و شکنجه بنی اسرائیل، بیانگر رنج و سختی آنان در مصر آن زمان است.

۶ – نجات بنی اسرائیل از ستم فرعونیان ، بدون کوچ دادن آنان از مصر و بیرون آوردنشان از جامعه فرعونی ممکن نبود .

فأرسل معنا بنی إسرءیل و لاتعذّبهم

عطف <لاتعذّبهم> بر <أرسل> گویای این نکته است که درخواست <ارسال> به منظور نجات از عذاب و شکنجه است بنابراین، بدون هجرت، امکان رهایی در کار نبوده است.

۸ – فرعون ، از خروج بنی اسرائیل و هجرت آنان از مصر به دیار دیگر مانع می شد .

فأرسل معنا بنی إسرءیل

اگر خروج بنی اسرائیل به طور عادی از مصر ممکن بود، مطرح

ساختن آن با فرعون بی معنا بود پس هر چند که بنی اسرائیل، خود خواستار رهایی و هجرت بودند; ولی فرعون و دستگاه حکومت او مانع این کار می شدند.

۹ - بنی اسرائیل ، دارای آماد گی برای هجرت از مصر به رهبری موسی و هارون (ع)

فأرسل معنا بنی إسرءیل و لاتعذّبهم

مطرح شدن این درخواست نزد فرعون، بر وجود آماد گی روحی و فکری در بنی اسرائیل برای هجرت از مصر دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۱،۲،۵،۷،۸،۱۱

۱ - موسی (ع) ، مأمور به حرکت در آوردن شبانه بنی اسرائیل ، جهت خروج و هجرت از مصر

و لقد أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

<إسراء> به معنای سیر شبانه و حرف <باء> برای تعدیه است، <أسر بعبادی>; یعنی، بند گان مرا شبانه حرکت بده [و از مصر خارج کن].

۲ - هجرت بنی اسرائیل از مصر ، حرکتی سازماندهی شده و پنهان از چشم فرعونیان *

و لقد أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

فرمان یافتن موسی(ع) به کوچ دادن شبانه بنی اسرائیل و تعقیب آنان از سوی فرعون، این احتمال را تقویت می کند که انتخاب شب به جهت استتار و پنهان ماندن از چشم مأموران فرعون بوده است.

۵ - بنی اسرائیل ، مورد عنایت و لطف الهی ، در عصر ستم دید گی و شکنجه شدن از سوی فرعونیان

أسر بعبادی

اضافه <عباد> به ضمیر متکلم، به جهت تکریم بنی اسرائیل و اظهار لطف به آنان است. این امر، زمانی صورت گرفته که آنان در بند حکومت فرعون و شکنجه های او بودند. خداوند با تعبیر <عبادی>

بر رفتار فرعونیان که بنی اسرائیل را به بندگی گرفته بودند خط بطلان کشیده و آنان را تنها بنده خود معرفی کرده است.

۷ - بنی اسرائیل ، دارای آمادگی لازم برای هجرت از مصر و رهایی از عذاب فرعون

أسر بعبادی

حرکت شبانه، گریختن از چنگ کسانی است که برای آن حرکت، مانع ایجاد می کنند. بنابراین ماندن بنی اسرائیل نزد فرعونیان، برخلاف میل آنان بوده است.

۸ - ایجاد راهی خشک در عمق دریای سرخ برای عبور بنی اسرائیل ، از مأموریت های موسی (ع)

فاضرب لهم طریقًا فی البحر یبسًا

<اضرب لهم. ..>، یعنی برای آنان راهی را ایجاد کن. <یَبَس> به معنای خشک است. <ال> در <البحر> عهد ذهنی و اشاره به دریای مشخصی است که در مسیر هجرت قرار داشت. گروهی از مفسران آن را دریای سرخ و برخی رود نیل دانسته اند.

۱۱ - تمام بنی اسرائیل از یک راه در دریا عبور داده شدند . *

فاضرب لهم طریقًا فی البحر

چنانچه مراد از <طریقاً> جنس نباشد، بر وحدت راه دلالت خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - موسی (ع) به فرمان خداوند ، بنی اسرائیل را شبانه از مصر کوچ داد و از دریا گذراند .

أسر بعبادی . .. فأتبعهم

حرف <فاء> در <فأتبعهم> فصیحه است؛ یعنی، از یک سری جملات محذوف قبل از خود حکایت می کند. حاصل آن جملات این است که موسی(ع) بنی اسرائیل را از مصر کوچ داد و فرعونیان نیز از حرکت آنان آگاه شدند.

۲ - فرعون و لشکریانش ، در پی کوچ

بنی اسرائیل از مصر ، به تعقیب آنان پرداختند .

فأتبعهم فرعون بجنوده

۳ – در تعقیب بنی اسرائیل ، فرعون خود رهبری سپاهیانش را به عهده داشت .

فأتبعهم فرعون بجنوده

۴ – ماندن بنی اسرائیل در مصر و جدا نشدن آنان از دیگران ، امری حیاتی برای فرعون و فرعونیان

أسر بعبادی . .. فأتبعهم فرعون بجنوده

تعقیب بنی اسرائیل و تلاش برای جلوگیری از هجرت آنان، نشانگر این نکته است که جداشدن بنی اسرائیل از جامعه مصر، خسارت و عواقب سنگینی برای آنان به همراه داشت.

۵ – فرعونیان ، در تعقیب بنی اسرائیل ، به راه خشک شده دریا ، وارد شدند .

طریقًا فی البحر یبسًا . .. فأتبعهم فرعون بجنوده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۰ – ۲،۶،۷،۱۰

۲ – خداوند ، بنی اسرائیل را از خطر فرعون رهانید و آنان را از اسارت او نجات داد .

فأتبعهم فرعون . .. یبنی اسرءیل قد أنجینکم من عدوّکم

۶ – خداوند ، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع) ، خوردنی های < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) نازل کرد .

و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

<منّ> قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. <سلوی>، پرنده ای است شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان

بلدرچین می دانند.

۷ - نزول < منّ و سلوی > بر بنی اسرائیل ، پس از نجات آنان از چنگال فرعون و استقرار آنها در بیابان بوده است .

قد أنجینکم . .. وعدنکم ... و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

نزول <منّ و سلوی>، نشان عاری بودن منطقه از مواد غذایی متداول و بیابانی بودن محیط استقرار آنها است.

۱۰ - بنی اسرائیل در عصر موسی (ع) دارای سر فصل های تاریخی برجسته و بسیار قابل تأمّل

أنجینکم . .. وعدنکم ... و نزّلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ - منزل گاه بنی اسرائیل پس از عبور از دریا فاقد امکانات تغذیه سالم و دارای مواد غذایی بد خوراک و مغایر با طبع انسان بود .

کلوا من طیّبت ما رزقنکم و لاتطغوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۱،۲،۴،۱۱

۱ - بنی اسرائیل ، در غیبت موسی (ع) ، مورد آزمایش الهی قرار گرفتند .

فإنّا قد فتنّا قومک من بعدک

<من بعدک>; یعنی [ای موسی] بعد از آن که تو از قوم خویش جدا گشتی و از انظار آنان غایب شدی. گفتنی است که <فتنه> در اصل در مورد طلا و نقره ای کاربرد دارد که با آتش گداخته شده و خوب و بد آن جدا شده باشد (مصباح) و مراد از آن در آیه بالا، آزمایش است که مایه تشخیص انسان های خوب و بد است.

۲ - موسی (ع) در میقات و از طریق وحی ، بر امتحان شدن

بنی اسرائیل در غیاب او و گمراه شدن آنان آگاهی یافت .

و عجلت إلیک . .. فإنّا قد فتنّا قومک من بعدک

۴ - سامری ، موجب گمراهی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع) شد .

و أضلّهم السامریّ

<سامریّ> نام شخصی است که از قوم بنی اسرائیل بود و موجب گمراهی آنان گردید.

۱۱ - ارتداد بنی اسرائیل و پیدایش گوساله پرستی در میان آنان ، پس از عبورشان از دریا بود .

یبنی اسرءیل قد أنجینکم من عدوّکم . .. فتنّا قومک من بعدک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱،۵،۷،۹،۱۱،۱۴

۱ - موسی (ع) در پی آگاه شدن از گمراهی بنی اسرائیل همراه با خشم و اندوهی شدید ، به نزد آنان بازگشت .

و أضلّهم السامریّ . فرجع موسی إلی قومه غضبن أسفًا

با توجه به آیات دیگر قرآن در این زمینه و نیز قرینه های موجود در همین آیات، چنین برمی آید که گمراه شدن بنی اسرائیل به دست سامری در میقات چهل روزه موسی(ع)، اتفاق افتاده بود و رجوع موسی(ع) به قوم خود نیز پس از پایان میقات بوده است. <غضبان> چنان که برخی از اهل لغت گفته اند به شخصی گفته می شود که غضب شدیدی داشته باشد و <أسف> به فرد خشمگینی گفته می شود که بر چیزی افسوس می خورد (لسان العرب).

۵ - بنی اسرائیل ، پیش از رفتن موسی (ع) به میقات ، وعده خوبی (نزول تورات) از ناحیه خداوند دریافت کرده بودند .

ألم یعدکم ربّکم وعدًا حسنًا

استفهام تقریری یا انکاری موسی(ع) از

بنی اسرائیل، نشان از داده شدن وعده ای به آنان پیش از رفتن موسی(ع) به میقات دارد. محتوای این وعده را، برخی نزول تورات دانسته اند.

۷ - بنی اسرائیل ، بدون این که در تحقق وعده خداوند (اعطای تورات) به آنان تأخیری شده باشد ، به گمراهی تن در دادند .

ألم یعدکم ربّکم . .. أفطال علیکم العهد

استفهام در <أفطال> انکاری است. و <عهد> به معنای زمان است. (قاموس) و مراد زمان تحقق وعده ای است که <ألم یعدکم> بر آن دلالت داشت، و ممکن است مراد از <عهد> زمان دوری موسی(ع) باشد.

۹ - پیروی بنی اسرائیل از سامری و بی توجهی آنان به وعده الهی ، زمینه سازگرفتاری آنان به غضب خداوند بود .

و أضلّهم السامریّ . .. أم أردتم أن یحلّ علیکم غضب من ربّکم

<أم> در این آیه منقطعه است و مفاد عبارت <أم أردتم> این است که دلیل گوساله پرستی شما، تأخیر وعده نبود; بلکه شما به گونه ای عمل کردید که علاقه مندان به غضب الهی عمل می کنند. بنابراین، جمله <أردتم...> استعاره است و نمای کار آنان را نشان می دهد.

۱۱ - موسی (ع) قبل از عزیمت به میقات ، توصیه های لازم را به بنی اسرائیل ارائه کرده و قول و قرار های لازم را برای حفظ ایمان ، با آنان گذاشته بود .

فأخلفتم موعدی

<موعد> در این آیه مصدر و به معنای <وعده> است. از این رو <فأخلفتم موعدی>; یعنی، شما از وعده و عهد خود با من تخلف کردید. از این جمله برمی آید که موسی(ع) قبل از رفتن به میقات، پیش بینی های

لازم را کرده بود و از این نظر حجت را بر بنی اسرائیل تمام نموده بود.

۱۴ - موسی (ع) ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را مردمی عهدشکن توصیف کرده و آنها را به عذاب سخت الهی هشدار داد .

أم أردتّم أن یحلّ علیکم غضب من ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۱۱،۱۰،۹،۸،۷،۶،۵،۴،۲،۱

۱ - بنی اسرائیل در برابر بازخواست و توبیخ خود از جانب موسی (ع) ، سعی در بی تقصیر نشان دادن خود در ماجرای گوساله پرستی داشتند .

ألم یعدکم . .. أفطال ... أم أردتّم ... قالوا ما أخلفنا موعدک بملکنا

جمله <ما أخلفنا> و نیز <حمّلنا>، جملگی توجیهات بنی اسرائیل برای پذیرش گوساله پرستی از سوی آنان است.

۲ - بنی اسرائیل ، به پیمان شکنی و تخلف از قول و قرار خود با موسی (ع) معترف بودند .

ما أخلفنا موعدک بملکنا

۴ - بنی اسرائیل بخشِ قابل توجهی از زیور آلات فرعونیان را با خود به همراه آورده بودند .

و لکنّا حمّلنا أوزارًا من زینه القوم

مراد از <القوم> بر حسب ظاهر فرعونیان هستند. و <وزر> به معنای <ثقل> است. از همین رو به گناه نیز <وزر و ثقل> اطلاق می گردد; چرا که بر دوش گنه کار سنگینی می کند. استعمال این واژه احتمالاً ـ اشاره به آن است که بنی اسرائیل، همراه داشتن زیور آلات فرعونیان را بر خود جایز نمی شمردند.

۵ - بنی اسرائیل در به همراه آوردن زینت آلات فرعونیان نیز خود را بی اختیار قلمداد می کردند .

و لکنّا حمّلنا أوزارًا من زینه القوم

آمدن <حُمّلنا>

به صیغه مجهول، در ادامه توجیه بنی اسرائیل از عملکرد خویش است; یعنی، ما در حمل زینت های فرعونیان نیز ناخواسته آن را انجام دادیم و به ما تحمیل شد.

۶ – اقدام بنی اسرائیل در به همراه آوردن زینت آلات فرعونیان و مصادره آنها ، بدون صدور دستوری از جانب موسی (ع) صورت گرفته بود .

و لکنّا حمّلنا أوزارًا من زینه القوم

تعبیر <حمّلنا> و کلمه <وزر>، حکایت از آن دارد که موسی(ع) در این زمینه دستوری صادر نکرده بوده، و بنی اسرائیل، خودسرانه این کار را انجام داده بودند.

۷ – بنی اسرائیل ، در زمان غیبت موسی (ع) و رفتن او به میقات ، زیورآلات غنیمتی خود را دور انداختند .

حمّلنا أوزارًا من زینه القوم فقذفنها

<قذف> به معنای پرتاب کردن و دور انداختن است. با توجه به جمله <حمّلنا أوزاراً> به نظر می رسد، بنی اسرائیل زیورآلات به غنیمت گرفته شده را به این خاطر که گناه و آلودگی است، به دور انداختند. و یا به جهت بی قدر و قیمت شدن آنها در شرایط صحرا و زندگی بیابانی، تصمیم به دور انداختن آنها گرفتند.

۸ – سامری ، سردمدار جریان به دورافکندن زیورآلات به وسیله بنی اسرائیل

فقذفنها فکذلک ألقی السامریّ

مشخص کردن سامری در بین مجموعه ای که زیورآلات را به دور افکندند، نشان دهنده جلودار بودن او در این قضیه است.

۹ – بنی اسرائیل ، شاهد دست زدن سامری به اقدامی مشابه با حرکت عمومی بنی اسرائیل در به دور افکندن غنیمت های به جا مانده از فرعونیان

فقذفنها فکذلک ألقی السامریّ

<کذلک>; یعنی، مانند آنچه ما انجام دادیم. این توصیف گویای آن

است که سامری در حضور بنی اسرائیل و همانند آنان، عمل کرده و چیزهایی را دور انداخته بود.

۱۰ - اقدام سامری در دور افکندن اشیای خویش ، پس از آن بود که بنی اسرائیل غنیمت های همراه خویش را دور ریخته بودند .

فکذلک ألقی السامریّ

۱۱ - بنی اسرائیل ، غنیمت های به جا مانده از فرعونیان را ، تأمین کننده هزینه ساخت گوساله خوانده و خود را از هرگونه کمک مالی به آن تبرئه کردند .

ما أخلفنا موعدک بملکنا و لکنّا حمّلنا أوزارًا

یکی از معانی ذکر شده برای <ملک>، <مملوک> است (قاموس). مفاد آیه با توجه به این معنا چنین می شود: ما به وسیله اموال خودمان، خود را در این انحراف سهیم نساختیم; بلکه سامری از اموالی که ما به دور ریخته بودیم، این فتنه را به بار آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۳،۱۰،۹،۸،۷،۶،۲،۱

۱ - سامری ، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل ، تندیسی به شکل گوساله نر ساخت و آن ارائه کرد .

فأخرج لهم عجلًا جسدًا

<عجل>; یعنی، گوساله نر. توصیف <عجلًا> به <جسداً> بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود; نه این که گوساله واقعی باشد. جمله <فأخرج لهم...> ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان به قرینه گفتن <لهم> نه <لنا> تبرئه خود از پرستش گوساله است.

۲ - ساخت گوساله زرین به دست سامری ، پنهان و به دور از چشم بنی اسرائیل صورت گرفت .

فأخرج لهم عجلًا جسدًا

<أخرج> تنها

ناظر به مرحله عرضه گوساله بر بنی اسرائیل است و مسکوت ماندن مراحل قبل از آن، (ساخت گوساله) نشانگر مستور بودن آن مراحل از انظار عمومی است.

۶ – سامری ، تندیس گوساله زرین را به عنوان < اله > بنی اسرائیل و موسی (ع) معرفی کرد .

فأخرج . .. فقالوا هذا إلهکم و إله موسی

۷ – گروهی از بنی اسرائیل در معرفی کردن گوساله زرین به عنوان معبود ، با سامری همراهی و هم کاری داشتند .

عجلاً . .. فقالوا هذا إلهکم و إله موسی

فعل جمع <قالوا> می رساند که عده ای در اطراف سامری مجتمع گشته و مرام او را ترویج می کردند. یا این که از گذشته با او هم کاری و هم فکری داشتند و در زمان نمایش دادن گوساله، به ترویج عقیده باطل خود پرداختند.

۸ – بنی اسرائیل ، دارای زمینه مساعد فکری برای پذیرش گوساله طلایی به عنوان معبود بودند .

فقالوا هذا إلهکم و إله موسی

انتخاب شکل گوساله برای القای بت پرستی و نیز ارتداد سریع بنی اسرائیل، به خصوص پس از مشاهده معجزات موسی(ع)، گویای برداشت یاد شده است.

۹ – سامری و پیروان او ، به دروغ مدعی فراموش شدن معرفی گوساله به عنوان معبود ، از جانب موسی (ع) شدند .

هذا إلهکم و إله موسی فنسی

در باره مرجع ضمیر فاعلی <نسی> دو احتمال وجود دارد: ۱ مرجع موسی(ع) باشد. ۲ مرجع سامری باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

۱۰ – سامری و طرفداران و مبلغان او ، پرستش گوساله را از جمله عقاید موسی (ع) وانمود کردند .

فقالوا هذا إلهکم و

إله موسى فنسى

۱۳ - موسى (ع) در ديدگاه و تبلغات سامريان ، رهبرى فراموش كار حتى در اصولى ترين مسائل اعتقادى

فقالوا هذا إلهكم و إله موسى فنسى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱،۳،۵،۱۰،۱۱،۱۴،۱۵

۱ - انحراف و گوساله پرستى بنى اسرائيل در زمان غيبت موسى (ع) ، على رغم هشدار هاى هارون (ع) صورت گرفته بود .

و لقد قال لهم هرون من قبل

<من قبل>; يعنى، پيش از بازگشت موسى(ع) از ميقات.

۳ - فتنه و امتحان بودن گوساله زرين سامرى ، از جمله هشدارهايى كه هارون به بنى اسرائيل داده بود .

و لقد قال لهم هرون . .. إنّما فتنتم به

۵ - هارون ، با يادآورى رحمت گسترده خداوند به بنى اسرائيل ، باز بودن راه بازگشت از شرك و ارتداد را به آنان يادآورى كرد .

إنّما فتنتم به و إنّ ربّكم الرحمن

توصيف خداوند در كلام هارون(ع)، با عنوان <الرحمان> و با توجه به گوساله پرستى و عصيان بنى اسرائيل، متضمن وعده رحمت الهى به آنان، در صورت توبه و بازگشت از شرك است.

۱۰ - هارون ، وظيفه دار رهبرى و ارشاد بنى اسرائيل در غيبت موسى (ع)

و لقد قال لهم هرون من قبل

۱۱ - سخنان هارون به گوساله پرستان بنى اسرائيل ، گفتارى محبت آميز و همراه با توجيه و ارشاد بود .

يقوم إنّما فتنتم به

انتساب بنى اسرائيل به خود، با گفتن <اى قوم من> ابراز محبت است و ريشه يابى ماجراى سامرى با فتنه خواندن آن، روشن گرى و ارشاد است.

۱۴ – هارون ، دارای حق

ولایت و اطاعت بر بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع) بود .

و لقد قال لهم هرون . .. فاتّبعونی و أطیعوا أمری

فرمان هارون(ع) به پیروی و اطاعت مردم از او، حاکی از ثبوت حق ولایت و اطاعت او، بر عهده بنی اسرائیل است.

۱۵ - هارون در غیاب موسی (ع) ، بنی اسرائیل را به ترک تبعیت سامری ، و پیروی و اطاعت از خود فرا خواند .

لقد قال لهم هرون من قبل . .. فاتّبعونی و أطیعوا أمری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۱،۲،۳

۱ - بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی ، سرباز زدند .

فاتّبعونی و أطیعوا أمری . .. قالوا لن نبرح علیه عکفین

<لن نبرح>; یعنی، <لانزال> (پایدار می مانیم) و <عاکف> به کسی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

۲ - تصمیم گوساله پرستان بنی اسرائیل بر عبادت گوساله سامری ، تا زمان بازگشتن موسی (ع) از میقات و تعیین تکلیف

لن نبرح علیه عکفین حتّی یرجع إلینا موسی

۳ - بنی اسرائیل ، محل استقرار گوساله سامری را عبادت گاه خود قرار داده و ساعات فراوانی را به عبادت آن اختصاص دادند .

لن نبرح علیه عکفین

ملازمت و مداومت، از لغت <عاکفین> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۱،۲،۳،۶

۱ - موسی (ع) ، پس از بازگشت از میقات ، هارون را در باره عکس

العمل وی در مقابل گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مورد بازخواست و توبیخ قرار داد .

یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

۲ - جلوگیری از انحراف و گمراهی بنی اسرائیل ، از وظایف هارون در غیاب موسی (ع)

یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

۳ - موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی ، مقصر دانست .

قال یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

<ما منعک. ..> استفهام انکاری است و گویای اعتراض موسی(ع) به هارون است.

۶ - جلوگیری از انحراف و گمراهی بنی اسرائیل ، از وظایف هارون در غیاب موسی (ع)

یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۳ - ۲،۳،۴

۲ - هارون در غیاب موسی (ع) ، وظیفه رهبری و هدایت بنی اسرائیل را به عهده داشت .

یهرون ما منعک . .. ألاّتتّبعن

۳ - موسی (ع) ، وظایف و مسؤولیت های هارون را در زمان غیبت خود ، برای وی معین کرده بود .

ما منعک . .. ألاّتتّبعن أفعصیت أمری

<لا> در <ألاّتتّبعن> برای تأکید نفی مستفاد از <منعک> است و در اصل مراد چنین بوده است: <ما منعک أن تتّبعن>. برخی گفته اند: <لا> زاید نیست; بلکه مراد این است که: <ما الذی صدّک و حملک علی ألاّتتّبعن>; یعنی، چه چیز تو را بازداشت و بر پیروی نکردن من وادار ساخت (مفردات راغب).

۴ - هارون (ع) ، متهم به مخالفت با فرمان های موسی (ع) با سکوت و بی تفاوتی در برابر

انحراف بنی اسرائیل

ما منعک . .. أفعصیت أمری

<أفعصیت. ..> خطاب موسی(ع) به هارون(ع) است. ظاهر آیه چنین دلالت دارد که عصیان هارون از دستورات موسی(ع)، لااقل به عنوان اتهام از جانب موسی(ع) مطرح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱،۲،۳،۱۲،۱۷

۱ - موسی (ع) با مشاهده گوساله پرستی بنی اسرائیل ، پس از بازگشت از میقات ، به شدت خشمگین شد .

یبنؤُمّ لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

گرفتن سر و ریش هارون، نشان شدت از ناراحتی موسی(ع) در مورد انحراف بنی اسرائیل دارد.

۲ - موسی (ع) با گرفتن سر و ریش هارون ، او را در باره گوساله پرست شدن بنی اسرائیل در غیاب خود مورد بازخواست قرار داد .

یهرون ما منعک . .. لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

۳ - هارون (ع) ، دارای مسؤولیت در قبال گمراه شدن بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنان ، از دیدگاه موسی (ع)

یهرون ما منعک . .. لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

۱۲ - حفظ وحدت و یک پارچگی و جلوگیری از تفرقه ، عذر هارون (ع) جهت اقدام نکردن به صورت عملی علیه گوساله پرستان بنی اسرائیل

إنّی خشیت أن تقول فرّقت بین بنی إسرءیل

۱۷ - گوساله پرستان ، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

إنّی خشیت أن تقول فرّقت بین بنی إسرءیل

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل، در فاصله ارتداد آنان، گویای حاکمیت مرتدان و گوساله پرستان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱،۲

۱ - موسی (ع) ، پس از توبیخ بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبک یسمریّ

۲ - پرسش از انگیزه و هدف سامری در ساختن گوساله زرّین و گمراه ساختن مردم ، از موارد بازخواست موسی (ع) از سامری

فما خطبک یسمریّ

<خطب> نزد برخی لغت دانان به معنای <سبب الأمر> است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای <طلب> دانسته است. در نتیجه <ماخطبک>; یعنی، سبب کار تو یا مطلوب و خواسته تو چه بوده است؟ معانی <شأن> و <أمر> نیز از جمله معانی ذکر شده برای این کلمه است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۴،۶،۷،۸

۴ - سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی ، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان ، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

فنبذتها

<نبذ> در <نبذتها>، ممکن است در معنای حقیقی آن; یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

۶ - ارتداد سامری ، سبب انحراف بنی اسرائیل بود .

فنبذتها

۷ - خطاکاری و تسویل نفس (تزیین داده شدن عمل از سوی نفس) ، از جمله اعترافات سامری در هنگام محاکمه

قال

بصرت . .. و کذلک سوّلت لی نفسی

<تسویل> به معنای نیکو و زیبا جلوه دادن و محبوب ساختن چیزی در دیدگاه دیگری است، تا او وادار به گفتن سخنی مخصوص و یا انجام کاری خاص شود (لسان العرب). برخی نیز آن را از <سول> به معنای استرخا (نرمی و آسانی) مشتق دانسته و به معنای آسان ساختن گرفته اند.

۸ - فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی ، وادار کننده سامری به ایجاد انحراف گوساله پرستی در بنی اسرائیل بود .

و کذلک سوّلت لی نفسی

<کذلک> در این موارد برای تشبیه چیزی به خود آن است. بنابراین مراد سامری از این تشبیه، این است که برای تسویلات نفسانی من، مثالی بهتر از همین تسویل که دعوت مردم به گوساله پرستی است وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱،۳،۱۳،۱۴،۱۵

۱ - موسی (ع) درپی محاکمه سامری ، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد .

قال فاذهب فإنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

فا در <فاذهب> علاوه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. <مساس> مصدر باب مفاعله است و <لامساس> به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است؛ یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خبر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

۳ - ابتلای سامری به مردم گریزی و گریز مردم از وی ، پی آمد نفرین

موسی (ع) در حق او بود .

إنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

محتمل است <فإنّ لک فی الحیاه. ..> نفرین موسی(ع) در حق سامری باشد; یعنی، آن که سامری به بیماری روحی و یا جسمی خاصی مبتلا گردد، که از مردم بگریزد و مردم نیز از او گریز داشته باشند.

۱۳ - موسی (ع) ، برای نابود ساختن گوساله سامری ، همکاری و هم یاری بنی اسرائیل را تدارک دیده و بر شرکت دادن آنان دراین اقدام مصمم بود .

لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه

ضمیرهای جمع در افعال <لنحرّقنّه> و <لننسفنّه> گویای نکته یاد شده است.

۱۴ - تراشیدن و تبدیل گوساله سامری به براده ها و خرده فلزهایی بی مصرف و پراکنده ساختن آن در آب دریا ، برنامه موسی (ع) در ریشه کن ساختن انحراف گوساله پرستی بنی اسرائیل

لنحرّقنّه

از معانی ذکر شده برای <حرق> و <تحریق>، سوهان کاری کردن و ساییدن است و <تحریق> بر متوالی بودن و شدت بیشتر آن دلالت دارد (لسان العرب). برداشت یاد شده بر مبنای این معنا استفاده شده است.

۱۵ - مبارزه با زمینه های فکری و عینی شرک و نابود کردن آنها ، شیوه موسی (ع) در ستیز با گوساله پرستی بنی اسرائیل

إلهک الذی . .. لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه

سوزاندن گوساله سامری از چند جهت قابل تأمل است: ۱ از جهت نابود کردن و محو ساختن آن از دیدگان مردم تا مبادا دوباره به آن گرایش یابند. ۲ اثبات <اله> نبودن آن برای ظاهر بینان، با سوزاندن و خردکردن تندیس زرّین گوسال. جهت اول، جهتی عینی و جهت دوم، جهت فکری است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۷ - ۵،۶

۵ - بنی اسرائیل ، دربند اسارت و بردگی فرعون و اشراف حکومت او

و قومهما لنا عبدون

۶ - فرعون و اشراف دربار او ، مورد پرستش بردگان تحت سلطه آنان

و قومهما لنا عبدون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <عباده> (مصدر <عابدون>)، در جمله فوق، به معنای پرستیدن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۹ - ۵

۵ - بنی اسرائیل در عصر فرعون ، گرفتار انحراف در عقیده و عمل و نیازمند هدایت از سوی خدا

و لقد ءاتینا موسی الکتب لعلّهم یهتدون

<هم> در <لعلّهم> کنایه از بنی اسرائیل است و ارجاع آن به فرعون و طایفه او، درست نیست; زیرا نزول تورات، بعد از هلاکت آنها بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷ - ۳،۴

۳ - ممانعت فرعون از هجرت بنی اسرائیل و خارج شدن آنان از مصر

أن أرسل معنا بنی إسرءیل

۴ - بنی اسرائیل در چنگال فراعنه مصر و در اسارت آنان گرفتار بودند .

أن أرسل معنا بنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲ – ۲

۲ – بنی اسرائیل ، تحت بردگی و استثمار شدید نظام فرعونی

أن عبّدتّ بنی إسرءیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۲ – ۱،۴،۵،۶،۷،۸

۱ – وحی خداوند به موسی (ع) در خارج ساختن شبانه بنی اسرائیل از سرزمین مصر

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

۴ – بنی

اسرائیل گرفتار در نظام فرعونی ، مورد حمایت و لطف الهی

أن أسر بعبادی

اضافه <عباد> به ضمیر متکلم، بیانگر برداشت یاد شده است.

۵ - ممانعت جدی حکومت فرعون از مهاجرت بنی اسرائیل و ترک سرزمین مصر

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی إنّکم متّبعون

فرمان الهی مبنی بر خروج مخفیانه و حرکت شبانه بنی اسرائیل و نیز تعبیر <إنّکم متّبعون> نشانگر ممانعت شدید حکومت فرعون نسبت به خروج بنی اسرائیل از مصر است.

۶ - خبردادن خداوند به موسی (ع) مبنی بر تعقیب بنی اسرائیل از سوی فرعونیان در صورت خروج از مصر

أسر بعبادی إنّکم متّبعون

۷ - وجود بنی اسرائیل در مصر ، در بردارنده منافعی مهم برای فرعونیان

أن أسر بعبادی إنّکم متّبعون

اصرار فرعونیان بر نگه داشتن بنی اسرائیل در مصر، نشانگر مطلب یاد شده است.

۸ - موسی (ع) ، رهبری پذیرفته شده و مورد اطاعت بنی اسرائیل ، حتی پیش از ترک مصر

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی إنّکم متّبعون

فرمان الهی به کوچاندن شبانه بنی اسرائیل، در صورتی عملی بود که مجموعه بنی اسرائیل مطیع موسی(ع) بودند و این حرکت مخاطره آمیز را به خاطر اطاعت از وی به جان می خریدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۳ - ۱،۲،۳،۴

۱ - تلاش فرعون برای جلوگیری از مهاجرت بنی اسرائیل ، پس از اطلاع یافتن از گریز شبانه آنان

فأرسل فرعون فی المدائن حشرین

۲ - اقدام فرعون به اعزام مأموران ، جهت گردآوری نیرو از شهر های مختلف برای تعقیب بنی اسرائیل

فأرسل فرعون فی المدائن حشرین

کلمه <حاشرین> (گردآورندگان) مفعول برای <أرسل> می باشد; یعنی، فرعون

مأموران گردآورنده نیرو را به شهرها فرستاد.

۳ - بنی اسرائیل ، مجموعه ای نیرومند بودند و فرعون برای مقابله با آنان نیازمند قوایی گسترده بود .

فأرسل فرعون فی المدائن حشرین

۴ - نیاز فرعون به استفاده از نیروی مردمی قبطیان ، برای سرکوب بنی اسرائیل

فأرسل فرعون فی المدائن حشرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از این آیه، گردآوری مردم از شهرها باشد و نه سربازان مستقر در آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۴ - ۲

۲ - تکیه فرعونیان بر عدم انسجام نیروی بنی اسرائیل ، به منظور آسان شمردن مقابله با آنان

إنّ هؤلاء لشرذمه قلیلون

<قلیلون> (جمع قلیل) به معنای چند دسته اندک است. آمدن تعبیر <قلیلون> به جای <قلیله> می تواند بیانگر این نکته باشد که: گر چه بنی اسرائیل یک طایفه اند، اما همین یک طایفه با هم اتحاد ندارند; بلکه به چند دسته کوچک و غیر منسجم تقسیم شده اند. بنابراین مقابله با آنان کاری بسیار ساده و بدون زحمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۵ - ۱،۲،۳

۱ - خشم فرعونیان از گریز شبانه بنی اسرائیل به منظور ترک دیار مصر

و إنّهم لنا لغائظون

۲ - اعمال و رفتار بنی اسرائیل ، همیشه مایه خشم و نگرانی فرعونیان

و إنّهم لنا لغائظون

تعبیر<غائظون> (به صیغه وصف) می تواند بیانگر این مطلب باشد که خشم فرعونیان، تنها به علت حرکت اخیر بنی اسرائیل نبود; بلکه معمولاً حرکات بنی اسرائیل مایه خشم و غضب آنان می شده است.

۳ - ترسیدن و حساب بردن مردم عصر فرعون از

خشم و غضب او و تحریک شدنشان علیه کسانی که باعث خشم او می شدند .

فأرسل فرعون فی المدائن حشرین . .. و إنّهم لنا لغائظون

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّهم لنا لغائظون> در مقام تعلیل برای تعقیب بنی اسرائیل است; یعنی، چون آنان ما را به خشم آوردند، پس سزاوار است که شما آنان را تعقیب کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۶ - ۱

۱ - آماده باش کامل سپاه فرعون پیش از پیوستن مردم شهر ها به آنان برای تعقیب بنی اسرائیل

و إنّا لجمیع حذرون

<حِذْر> در قرآن به معنای ابزار جنگ (شمشیر، زره و. ..) آمده است; مانند<خذوا حذرکم>. بنابراین <حاذرون> به کسانی گفته می شود که دارای سلاح کافی و در حال آماده باش کامل باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷ - ۱

۱ - خارج شدن فرعون و فرعونیان از شهر برای تعقیب بنی اسرائیل

فأخرجنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، وارث سرزمینی آباد و برخوردار از باغ ها و چشمه سار ها ، پس از خارج شدن آنان از مصر

کذلک و أورثنها بنی إسرءیل

ضمیر <ها> در <أورثناها> به مطلق <جنّات> بازمی گردد; نه جنات مربوط به فرعونیان. بنابراین، آیه یاد شده و آیه قبل، بیانگر این حقیقت است که خداوند، از سویی فرعونیان را از باغ ها و کاخ های شان بیرون کرد و همه آنان را به دریا ریخت و از

سوی دیگر بنی اسرائیل را که در مصر فاقد هر گونه امکانات بودند، به جای دیگری منتقل کرد و سرزمینی آباد و پر برکت که عبارت است از ارض مقدس باشد در اختیارشان قرار داد و به آنان فرمود <ادخلوا الأرض المقدّسه التی کتب اللّه لکم>، (مائده(۵) آیه ۲۱).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۰ - ۱،۲

۱ - نزدیک شدن سپاه فرعون به بنی اسرائیل ، به هنگام طلوع آفتاب

فأتبعوهم مشرقین

واژه <مشرقین> از مصدر <اشراق> (داخل شدن در وقت طلوع خورشید) مشتق شده است و حال از ضمیر فاعل <أتبعوهم> می باشد؛ یعنی، <فلحقوا بهم حالکونهم داخلین فی وقت طلوع الشمس>. گفتنی است که <إتباع> (مصدر <أتبعوا>) در این جا به معنای ملحق شدن است.

۲ - خط سیر بنی اسرائیل ، از مصر به سمت مشرق بود . *

فأتبعوهم مشرقین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <مشرقین> چنان که برخی از مفسران گفته اند به معنای <قاصدین جهه الشرق> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۱ - ۱،۲،۴

۱ - نزدیک شدن سپاه فرعون به بنی اسرائیل تا حدّ مشاهده یکدیگر

فلمّا تراءا الجمعان

<ترائی> (مصدر <تراءا>) به معنای همدیگر را دیدن و <جمع> (مفرد <جمعان>) به معنای گروه است. بنابراین <لمّا تراءا الجمعان>؛ یعنی، چون دو گروه همدیگر را دیدند.

۲ - اظهار نگرانی و وحشت همراهان موسی از گرفتار آمدن در کمند سپاه فرعون

قال أصحب موسی إنّا لمدرکون

<ادراك> (مصدر مجهول <مدرکون>) به معنای گرفتار شدن است <إنّا لمدرکون>; یعنی، ما قطعاً گرفتار خواهیم شد.

۴ - ناتوانی مشهود بنی

اسرائیل از مقابله با سپاه فرعون

قال أصحب موسی إنّا لمدرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۲ - ۱

۱ - اقدام قاطع موسی (ع) برای زدودن وحشت همراهان خویش و (ترس آنان از گرفتار شدن در کمند سپاه فرعون)

قال أصحب موسی إنّا لمدرکون . قال کلاّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۱،۳

۱ - قرار گرفتن بنی اسرائیل در میان سپاه فرعون و دریا

فلمّا ترءا الجمعان . .. فأوحینا إلی موسی أن اضرب بعصاک البحر

از عبارت <أن اضرب بعصاک البحر> معلوم می شود که بنی اسرائیل به هنگام مشاهده سپاه فرعون، نه راه پیش داشتند و نه راه پس; زیرا در یک طرف آنان دریا قرار داشت و در سوی دیگر سپاه فرعون.

۳ - شکافته شدن دریا با ضربت عصای موسی و باز شدن راه نجات برای بنی اسرائیل

أن اضرب بعصاک البحر فانفلق

<انفلاق> (مصدر <انفلق>) به معنای شکافته شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۴ - ۱

۱ - اقدام فرعون و سپاهیانش ، مبنی بر تعقیب بنی اسرائیل در بستر دریا

و أزلفنا ثَمّ الأخرین

<ازلاف> (مصدر <أزلفنا>); یعنی، به پیشروی وادار کردن و <ثَمّ> ظرف مکان و معادل <آن جا> و <الأخرین> مفعول برای <أزلفنا> است; یعنی، دیگران (فرعونیان) را وادار کردیم تا به آن جا پیشروی کنند. گفتنی است که <ثَمّ>

اشاره به بستر دریا دارد که بنی اسرائیل از آن عبور کردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۳

شعراء - ۲۶ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - نجات یافتن موسی (ع) و همراهان وی (بنی اسرائیل) از شرّ فرعونیان ، با عبور از دریا به اراده الهی بود .

و أنجینا موسی و من معه أجمعین

۲ - موفق شدن همه همراهان موسی به عبور از دریا

و أنجینا موسی و من معه أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۶ - ۲

۲ - تعقیب بنی اسرائیل از سوی فرعونیان در مسیر باز شده در دریا به وسیله موسی (ع)

و أنجینا موسی و من معه أجمعین . ثمّ أغرقنا الأخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۳،۴،۷،۹

۳ - بنی اسرائیل ، دارای موقعیت و نقشی بارز در جامعه عصر بعثت پیامبر (ص)

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

از این که خداوند بنی اسرائیل را اختصاص به ذکر کرده است، موقعیت و نقش آنان در جامعه عصر بعثت استفاده می شود.

۴ - بنی اسرائیل ، گرفتار اختلافات فراوان در مبانی و معارف دینی ، به هنگام ظهور اسلام

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

پرداختن قرآن به حل مسائل مهم و مورد اختلاف بنی اسرائیل، نشان دهنده عمق اختلافات آنان در آن عصر است.

۷ - ناتوانی تورات و انجیل عصر پیامبر (ص) ، از رفع اختلافات فکری و عقیدتی بنی اسرائیل

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

اقدام قرآن به حل اختلافات بنی اسرائیل، نشان می دهد

که آنچه به عنوان تورات و انجیل در دست آنان بوده، برای تبیین حقایق مورد اختلافشان کافی نبوده است.

۹ - برخی اختلافات دینی بنی اسرائیل ، فاقد ارزش تبیین و نقادی از نظر قرآن

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

این که قرآن به همه مسائل مورد اختلاف بنی اسرائیل نپرداخته است، می تواند از آن جهت باشد که قرآن به مسائل ضروری و مورد نیاز توجه داشته و اختلافات فاقد ارزش را مسکوت گذاشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۶،۱۱،۱۰،۹،۸،۷،۴

۴ - مردم مصر از هر قشر و گروه ملزم به پیروی محض و اطاعت بی چون و چرا از فرعون بودند .

و جعل أهلها شیعًا

تنکیر در <شیعاً> به اصطلاح تنکیر تفخیم است. بنابراین <شیعاً>; یعنی، پیروانی محض و بدون کمترین آزادی و اختیار.

۷ - استضعاف و به زبونی کشاندن بنی اسرائیل ، نمودی دیگر از حاکمیت سلطه طلبانه فرعون است .

إنّ فرعون علا فی الأرض . .. یستضعف طائفه منهم

مراد از <طائفه منهم> به قرینه آیات بعد، قوم بنی اسرائیل است.

۸ - تلاش زبون سازانه فرعون ، تنها متوجه قوم بنی اسرائیل بود .

یستضعف طائفه منهم

۹ - اقدام فرعون به کشتار وسیع و بی رحمانه پسران بنی اسرائیل

یستضعف طائفه منهم یذبّح أبناءهم

به کارگیری فعل مضارع باب تفعیل (یذبّح)، بیانگر وسعت و گستردگی کشتار است.

۱۰ - خطرآفرینی افزایش جمعیت قوم بنی اسرائیل و جوانان آن ، برای حکومت فرعون

یذبّح أبناءهم

۱۱ – زنده نگه داشتن دختران بنی اسرائیل علی رغم کشتن پسران آنان ، اقدام بی رحمانه دیگر

فرعون علیه آن قوم

یذبّح أبناءهم و یستحیی نساءهم

<نساء> مقابل <رجال> و به معنای زنان است و قرار گرفتن آن در مقابل <أبناء> (پسران)، نشان می دهد که مقصود از آن در این جا <بنات> (دختران) است.

۱۶ - حکومت فرعون ها در مصر ، آمیخته با فساد ، تباهی و بدبختی مردم آن سرزمین بود .

إنّه کان من المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵ - ۳،۵

۳ - نجات از حکومت بسیار خشن و بی رحم فرعون ، امتنانی بزرگ و نعمتی گران سنگ از سوی خدا به بنی اسرائیل بود .

و نرید أن نمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض

<نمنّ> از ریشه <منّه> مشتق شده است و <منّه> به نعمت سنگین گفته می شود (مفردات راغب).

۵ - تعلق اراده الهی بر تداوم یافتن امامت و پیشوایی خلق ، در نسل بنی اسرائیل

و نجعلهم الورثین

ظاهراً <وراثت> در این آیه، مربوط به امامت و پیشوایی است; یعنی، <الوارثین للإمامه>. بنابراین ضمیر <هم> در <نجلهم> از باب استخدام بوده و به نسل بنی اسرائیل باز می گردد; یعنی، <و نجعل نسلهم الوارثین للإمامه>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶ - ۱،۴

۱ - تعلق اراده الهی بر اختصاص دادن نقطه ای از زمین (ارض مقدس) به بنی اسرائیل [زمان موسی و فرعون] در خارج از کشور مصر

و نمکّن لهم فی الأرض

<تمکین> از ریشه <مکان> و به معنای اسکان دادن است. بنابراین <نمکّن لهم فی الأرض>; یعنی، <نجعل لهم

مکاناًیستقرون فیه>. گفتنی است <ارض مقدس> مکان و سرزمینی بود

که خداوند برای بنی اسرائیل مقرر فرموده بود (ادخلوا الأرض المقدسه التی کتب اللّه لکم)، (مائده، آیه ۲۱).

۴ – فرعون ، هامان و سپاهیانش همواره از خطر بنی اسرائیل ، در هراس بودند .

و نری فرعون و همن . .. ما کانوا یحذرون

جمله <کانوا یحذرون> ماضی استمراری و بیانگر ترس دائمی فرعونیان از بنی اسرائیل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۵ – ۵،۶

۵ – پایبند ماندن بنی اسرائیل بر آیین توحیدی پدران خویش (ابراهیم ، اسحاق و یعقوب)

هذا من شیعته

۶ – دشمنی قبطیان با بنی اسرئیل در مصر

هذا من شیعته و هذا من عدوّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۶ – ۱۲

۱۲ – اقدام قوم قارون (بنی اسرائیل) به نصیحت کردن و برحذر داشتن وی از شادمانی و غرور بی جا

إذ قال له قومه لاتفرح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۷ – ۱۳،۲۸

۱۳ – رواج اخلاق خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر ، در میان مردم عصر موسی

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره و لاتنس نصیبک من الدنیا و أحسن

۲۸ – قوم موسی (بنی اسرائیل) ، برخوردار از ایمان و معرفت بالا نسبت به معارف الهی

إذ قال له قومه لاتفرح . .. و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره ... و أحسن ... و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱

۱ - تأثیرناپذیری قارون در برابر اندرز

های قوم خویش

إذ قال له قومه لاتفرح . .. و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره ... قال إنّما أُ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۰ – ۱

۱ – موضع گیری تند و عتاب آمیز فرزانگان بنی اسرائیل در برابر آرزومندان ثروت قارونی .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون . .. و قال الذین أُوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۲ – ۱،۷

۱ – اطلاع یافتن مردم از فرو رفتن قارون با خانه اش در کام زمین در بامداد آن شب

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس

۷ – پیدایش روحیه تسلیم و رضا (تسلیم در برابر اراده خدا و رضا به داده او) در آرزومندان ثروت قارونی ، با مشاهده هلاکت غافلگیرانه وی

و أصبح الذین . .. ویکأنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر

تعبیر <اللّه یبسط الرزق. ..> نشانگر این حقیقت است که روزیِ انسان ها در دست خداوند است. بنابراین ما به هر چه او مصلحت بداند (هر چند فقر و تنگدستی) راضی و تسلیم هستیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۴ – ۱

۱ – پیشوایانی ، از میان بنی اسراییل ، برای هدایت مردم ، برخاستند .

لبنی إسرءیل . و جعلنا منهم أئمّه یهدون بأمرنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۵ – ۴،۵،۶

۴ - بنی اسراییل ، به رغم حضور هدایت کنندگانی در میان آنان ، باز هم

اختلافات دینی داشتند .

و جعلنا منهم أئمّه یهدون . .. إنّ ربّک هو یفصل بینهم

احتمال دارد که ربط میان این آیه و آیه پیش در این باشد که وقتی که خداوند، برگزیدگان از بنی اسراییل را برای هدایت مردم مطرح می کند، این پرسش پیش می آید که <پس چرا اختلاف کردند؟>. در این آیه پاسخ داده می شود که خداوند میان دو گروه اختلاف کننده، داوری خواهد کرد.

۵ - اختلافات دینی بنی اسراییل ، اختلافاتی ادامه دار بود .

هدًی لبنی إسرءیل . .. فیما کانوا فیه یختلفون

۶ - گروه هایی از بنی اسراییل هدایت نپذیرفتند و در برابر پیشوایان الهی ، تسلیم نشدند .

إنّ ربّک هو یفصل بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

بنابراین که مرجع ضمیر در <بینهم> بنی اسراییل باشد و <کانوا فیه یختلفون> اشاره به اختلافات دیرینه آنان داشته باشد که حتی با آمدن پیشوایان الهی، خاتمه نیافته است نکته یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۱،۳

۱ - موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

۳ - موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، گرفتار غم بزرگ و مشکلات اندوه بار از سوی فرعونیان

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

اندوهی که موسی و هارون(علیهماالسلام) و قوم شان به آن گرفتار بودند، ناشی از مسائل و مشکلات شخصی نبود; بلکه بر اثر تبلیغ رسالت شان در میان فرعونیان به وجود آمده بود.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۶ – ۲

۲ – غلبه و پیروزی موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان بر فرعونیان ، نتیجه نصرت الهی بود .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۵ – ۹،۱۰،۱۴

۹ – زنده گذاشتن دختران مؤمنان علی رغم کشتار پسران آنان اقدام بی رحمانه دیگر فرعون ، هامان و قارون علیه موسی (ع) و بنی اسرائیل بود .

و استحیوا نساءهم

۱۰ – خطر آفرین نبودن ایمان دختران بنی اسرائیل به آیین موسی ، برای حکومت و اقتدار فرعونیان

و استحیوا نساءهم

فرمان زنده نگه داشتن دختران مؤمنان به موسی(ع) علی رغم فرمان عمومی کشتار فرزندان آنان می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

۱۴ – توطئه مشترک فرعون ، هامان و قارون برای کشتار فرزندان ذکور مؤمنان در عصر موسی (ع) نافرجام ماند .

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه . .. و ما کید الکفرین إلّا فی ضلل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۵ – ۳،۳،۱۲،۱۳

۳ – قوم موسی ، گرفتار اختلاف در پذیرش تورات و حقانیت آن

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

۳ – قوم موسی ، گرفتار اختلاف در پذیرش تورات و حقانیت آن

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

۱۲ - مبتلا نشدن قوم موسی به عذاب استیصال

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که ضمیر <هم> در <بینهم> مربوط به قوم موسی باشد.

۱۳ - سنت امهال الهی

، موجب دچار نشدن قوم موسی به عذاب دنیوی

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۵

۵ - ساحران ، دارای موقعیت و احترام در میان جامعه فرعونی *

و قالوا یأیّه الساحر

برداشت یاد شده بدین احتمال است که خطاب <یأیّه الساحر>، استهزایی نباشد; بلکه برای احترام ادا شده باشد. و مؤید آن، ذیل آیه شریفه است که فرعونیان از موسی(ع) تقاضای رفع عذاب کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۵

۵ - قوم و نژاد بنی اسرائیل ، مردمی حقیر در نظر فرعونیان

من هذا الذی هو مهین

تعبیر به <مهین>، ممکن است ناظر به شخصیت ظاهری موسی(ع) و فاصله داشتن او از طبقات اشراف و ثروتمندان باشد و نیز ممکن است اشاره به نژاد موسی(ع) باشد که از بنی اسرائیل بوده و فرعونیان خود را سرور ایشان می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۸ - ۲

۲- بنی اسرائیل ، گرفتار سلطه فرعونیان و ناتوان از ر ها ساختن خویش

أن أدّوا إلیّ عباد اللّه

مصداق مورد نظر از <عباداللّه> ممکن است بنی اسرائیل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۳ - ۲،۷،۹،۱۰

۲- موسی (ع) ، مأمور خارج ساختن شبانه و مخفیانه بنی اسرائیل از مصر

فأسر بعبادی لیلاً

<إسراء> (مصدر <أسر>) به معنای رفتن در شب است و <لیلاً> تأکید آن می باشد.

۷- ممانعت فرعونیان ، از مهاجرت بنی اسرائیل و خروج آنان

از سرزمین مصر

فأسر . .. إنّكم متّبعون

۹- گریز علنی بنی اسرائیل از قلمرو فرعونیان ، امری غیرقابل تحمل برای نظام فرعونی

إنّكم متّبعون

۱۰- مهاجرت علنی بنی اسرائیل از سرزمین مصر ، امری غیرممکن برای آنان

فأسر بعبادی ليلاً إنّكم متّبعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۴ - ۱،۲،۶،۷

۱- دستور خداوند به موسی (ع) و بنی اسرائیل ، در عبور از نیل و وانهادن رود آرام و فروهشته به حال خویش

و اترك البحر رهوًا

<رهو>، به معنای حالت آرام و یا گودی و شکافتگی شیء است.

۲- عبور بنی اسرائیل از رود نیل ، در شرایط آرامش و حرکت رهوار آب *

و اترك البحر رهوًا

احتمال دارد که تعبیر <رهوًا> اشاره به حرکت آرام رود داشته باشد که عبور را آسان می سازد. بر خلاف حرکت سیل آسا و پرخروشِ جریان رود در شرایط خاص جوی که عبور را مشکل می سازد.

۶- لشگر فرعون ، در تعقیب بنی اسرائیل پس از عبور آنان از نیل

و اترك البحر رهوًا إنّهم جند مغرقون

تعقیب، از واژه <جند> استفاده شده است.

۷- ورود گسترده لشگر فرعون به رود نیل ، به منظور تعقیب بنی اسرائیل

إنّهم جند مغرقون

از این که غرق شدن به لشگر نسبت داده شده است، فراوان بودن تعداد کشته شدگان استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۶ – ۲

۲- حضور نیرو های مقتدر سیاسی اقتصادی نظام فرعونی ، در میان تعقیب کنندگان بنی اسرائیل

کم ترکوا من جنّت و عیون . و زروع و مقام کریم

پشت سر نهادن مزارع بزرگ، نشان می

دهـد که در میـان فرعونیـان حضور یـافته در تعقیب موسـی(ع)، ملّاکـان و سـرمایه داران شـرکت داشـته انـد; چنان که <مقام کریم> می تواند اشاره به قصرهای باشکوه اطرافیان و سیاست گذاران جامعه فرعونی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۸ - ۷

۷- بازگشت بنی اسرائیل به مصر و برخورداری آنان از ثروت و امکانات آن سرزمین ، پس از هلاکت فرعونیان *

کذلك و أورثنها قومًا ءاخرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <قوماً آخرین> تمام بنی اسرائیل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۰ - ۲،۴

۲- زندگی بنی اسرائیل در نظام فرعونی ، همراه با ذلت و مشقت های فراوان

و لقد نجّینا بنی إسرءیل من العذاب المهین

۴- پایه های اقتدار و شکوفایی نظام فرعونی ، متکی بر شانه های رنج کشیده بنی اسرائیل *

کم ترکوا من جنّت و عیون . .. من العذاب المهین

از ارتبـاط میـان این آیه با آیاتی که سـخن از امکانات گسترده اقتصادی فرعونیان به میان آورده، به دست می آیـد که احتمالاً بنی اسرائیل در استخدام باغداری و کشاورزی نظام فرعونی بوده و از این بابت مشقت ها و بردگی ها را تحمل می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۱ - ۱

۱- فرعون ، عامل اصلی گرفتاری های بنی اسرائیل در جامعه مصر

من العذاب المهین . من فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۷

۷- بیان هلاکت فرعونیان و نجات

بنی اسرائیل از سوی خداوند ، پیامدار تهدید برای مشرکان و نویدی برای پیامبر (ص) و مؤمنان

و لقد نجّینا بنی إسرءیل . .. بلؤا مبین

با توجه به این که آیات گذشته، در زمینه رویارویی مشرکان و مؤمنان بود; طرح سرگذشت فرعونیان و بنی اسرائیل، پیامدار مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۲۸،۹،۱۰

۲ - بنی اسرائیل ، قومی برگزیده و مورد عنایات الهی در گذشته تاریخ

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل

۸ - بهره مندی بنی اسرائیل ، از نعمت های مادی و روزی های پاکیزه در پی رسالت موسی (ع)

و رزقنهم من الطیّبت

۹ - برتری یافتن بنی اسرائیل بر مردمان عصر خویش ، در پی رسالت موسی (ع)

و فضّلنهم علی العلمین

مراد از <العالمین> در برداشت یاد شده، مردمان عصر بنی اسرائیل دانسته شده است.

۱۰ - کتاب ، حکومت ، نبوت و اقتصادی شکوفا ، عوامل برتری بنی اسرائیل بر ملت های عصر خویش *

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل الکتب . .. و فضّلنهم علی العلمین

<فضّلناهم. ..>، ناظر به نتیجه موهبت هایی است که خداوند در گذشته به بنی اسرائیل عطا کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۴

۴ - اختلاف بنی اسرائیل در مسائل دینی و اجتماعی ، اختلافی آگاهانه و معلول جاه طلبی و تجاوزگری آنان

فما اختلفوا إلاّ من بعد ما جاءهم العلم بغیًا بینهم

<فاء> در <فما اختلفوا> اختلاف بنی اسرائیل را بر <آتینا بنی اسرائیل الکتاب و الحکم. ..> تفریع کرده است; یعنی، ما

به بنی اسرائیل هم شریعت دادیم و هم اقتدار و حکومت اما آنان به اختلاف گراییدند. این اختلاف در آیه شریفه مطلق است که می تواند شامل مسائل دینی و اجتماعی (کتاب و حکومت) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۲،۴،۵،۸

۲ - موسی (ع) ، مورد اذیت و آزار مستمر قوم خویش

و إذ قال موسی . .. لم تؤذوننی

تعبیر <تؤذوننی> به صیغه مضارع به جای <آذیتمونی> بیانگر آن است که موسی(ع) از سوی قومش، به صورت مکرر مورد اذیت و آزار قرار می گرفت.

۴ - موسی (ع) ، پیامبری مبعوث شده برای بنی اسرائیل

و قد تعلمون أنّی رسول اللّه إلیکم

۵ - بنی اسرائیل ، به رغم آگاهی از رسالت الهی موسی (ع) ، آن حضرت را مورد آزار قرار می دادند .

لم تؤذوننی و قد تعلمون أنّی رسول اللّه إلیکم

۸ - بنی اسرائیل ، به رغم اندرز های موسی (ع) ، از اذیت و آزار آن حضرت دست برنداشتند .

یقوم لم تؤذوننی . .. فلمّا زاغوا

جمله <فلمّا زاغوا> بیانگر آن است که بنی اسرائیل، به جای پذیرش نصیحت های موسی(ع)، بر اذیت های خویش نسبت به آن حضرت پای فشردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۹

۹ - بنی اسرائیل ، به رغم روشن بودن معجزات و دلایل حقانیت رسالت عیسی (ع) ، آنها را نپذیرفتند .

فلمّا جاءهم بالبیّنت قالوا هذا سحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۱،۱۵

۱۱ - بنی اسرائیل ، در پذیرش رسالت عیسی (ع) و پیروی از آن حضرت ، دو دسته شدند : دسته ای مؤمن و گروهی کافر .

فامنت طائفه من بنی إسرءیل و کفرت طائفه

۱۵ - غلبه یافتن پیروان حضرت عیسی (ع) بر کافران بنی اسرائیل ، در نتیجه تأییدات و امداد های الهی

فأیّدنا الذین ءامنوا . .. فأصبحوا ظهرین

تبعید بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۲

۲- حضور موسی (ع) و بنی اسرائیل در سرزمین مصر ، غیر قابل تحمل برای فرعون و موجب تصمیم وی به اخراج قهرآمیز آنان

فأراد أن یستفزّهم من الأرض

بنابر اینکه مراد از <الأرض> سرزمین مصر باشد که مقر حکومت فرعون بوده است نکته فوق قابل استفاده است.

تبعید در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲،۳،۴

۲ - بنی اسرائیل با بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از خانه و دیارشان ، پیمان الهی را نقض کردند .

ثم أنتم هؤلاء . .. تخرجون فریقاً منکم من دیرهم

آیه مورد بحث اشاره به جنگها و خونریزیهایی دارد که پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه بین طوایف یهود واقع می شد. یهودیان بنی النضیر با بنی قریظه درگیر می شدند; هر کدام غالب می شد دیگری را از خانه و کاشانه اش اخراج می کرد.

۳ - بنی اسرائیل در کشتن و آواره کردن گروهی از همکیشان خود ، یکدیگر را یاری و پشتیبانی کردند .

تظهرون علیهم

<تظاهر>

(مصدر تظاهرون) به معنای یاری و پشتیبانی کردن یکدیگر است. <تظاهرون علیکم>; یعنی، طایفه ای از شما طایفه دیگر را علیه گروهی از خودتان یاری می داد.

۴ - بنی اسرائیل ، مردمی گنهکار و متجاوز به خاطر یاری رسانی به یکدیگر در بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از دیارشان

تظهرون علیهم بالأثم و العدون

باء در <بالاثم> بای ملابست است و <بالاثم و العدوان> حال برای فاعل <تظاهرون> می باشد; یعنی، علیه آنان همدیگر را یاری می کردید و در آن هنگام گنهکار و متجاوز بودید.

تبعیدیان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲

۲ - بنی اسرائیل با بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از خانه و دیارشان ، پیمان الهی را نقض کردند .

ثم أنتم هؤلاء . .. تخرجون فریقاً منکم من دیرهم

آیه مورد بحث اشاره به جنگها و خونریزیهایی دارد که پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه بین طوایف یهود واقع می شد. یهودیان بنی النضیر با بنی قریظه درگیر می شدند; هر کدام غالب می شد دیگری را از خانه و کاشانه اش اخراج می کرد.

تبلیغ علمای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۱،۲،۳

۱ - عالمان بنی اسرائیل ، مردمان رابه کار های نیک دعوت می کردند .

أتأمرون الناس بالبر

چون مخاطبان <أتأمرون> باید غیر از <الناس> باشند، می توان گفت: مراد از مخاطبان - به قرینه <و أنتم تتلون الکتاب> - عالمان دینی و مقصود از <الناس> توده های مردم است.

۲ - عالمان بنی اسرائیل ، خود به

آنچه مردمان رابه آن فرا می خواندند ، عمل نمی کردند .

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسكم

۳ – عالمان بنی اسرائیل ، مورد نکوهش و سرزنش خداوند به خاطر عمل نکردن به محتوای دعوت های خویش

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسكم

استفهام در <أتأمرون . ..> استفهام انکار توبیخی است.

تبیین اختلاف بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۶ – ۱،۲،۸

۱ – قرآن ، بیانگر حقیقیت بسیاری از مسائل مورد اختلاف بنی اسرائیل ، برای آنان

إنّ هذا القرءان يقصّ على بنى إسرءيل أكثر الذى هم فيه يختلفون

۲ – تشریح سخن حق در قرآن در زمینه موضوعات مورد اختلاف بنی اسرائیل ، نمود حقانیت آن و رسالت پیامبر (ص)

إنّ هذا القرءان يقصّ على بنى إسرءيل أكثر الذى هم فيه يختلفون

از مضمون آیه استفاده می شود که بیان حق، نشانگر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است. علاوه بر این که سیر آیات گذشته به این صورت است که از مسأله توحید آغاز شده و سپس به حقانیت معاد و اکنون به حقانیت قرآن پرداخته شده است. گفتنی است که حقانیت قرآن مستلزم حقانیت رسالت پیامبر(ص) نیز هست.

۸ – پرداختن خداوند به تبیین حق در زمینه های معرفتی مورد اختلاف بنی اسرائیل ، نمودی از علم گسترده او

و إنّ ربّك ليعلم . .. إنّ هذا القرءان يقصّ على بنى إسرءيل

برداشت یاد شده، توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که در زمینه علم گسترده خداوند است به دست می آید.

تبیین گمراهی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ –

طه - ۲۰ - ۹۴ - ۸

۸ - هارون (ع) ، برای ادای توضیح در باره علل نحوه برخورد خود با گوساله پرستان ، از موسی (ع) تقاضای فرصت کرد .

لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی إنّی خشیت

تجاوز بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۴

۴ ترک نهی از منکر ، نمونه ای بارز از تجاوزگری بنی اسرائیل

و کانوا یعتدون. کانوا لایتناهون

جمله <کانوا لایتناهون> تفسیر جمله <کانوا یعتدون> و یا بیان مصداقی بارز از آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۶

۱۶ جاودانگی عذاب بنی اسرائیل به خاطر عصیان گری ، تجاوزپیشگی ، ترک نهی از منکر ، و پذیرش ولایت کافران

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لایتناهون ... و فی العذاب هم خلدون

تجاوز به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۳

۳ - رفتار ظالمانه و تجاوزکارانه قارون علیه بنی اسرائیل ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

إنّ قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم

تجاوز به حقوق در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۵،۶

۵ بنی اسـرائیل در عین برخورداری از زنـدگی منـاسب ، به جـای اتحـاد و حفظ حقوق یکـدیگر ، آگاهانه به اختلافات داخلی دامن زده و به حقوق یکدیگر تجاوز می کردند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم

العلم

۶ بنی اسرائیل ، با وجود در اختیار داشتن تورات و برخورداری از زندگی مناسب ، کفران نعمت کرده و به اختلاف و تجاوز به حقوق یکدیگر پرداختند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <العلم> کتاب آسمانی تورات باشد.

تجاوزگران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۱،۱۰

۱۰ گروهی از بنی اسرائیل زمان داود و عیسی عصیان پیشه و تجاوزگر بودند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

۱۱ گرفتاری کافران بنی اسرائیل به لعنت داود و عیسی (ع) ، برخاسته از عصیان پیشگی و تجاوزگری آنان

لعن الذین کفروا . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> اشاره به <لعنت> گرفته شده است.

تجاوزگری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۸،۳۱

۳۱ - بنی اسرائیل ، گنهکار و همواره تجاوزگر بوده اند .

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

۳۸ - داستان ناسپاسی بنی اسرائیل بر < منّ > و < سلوی > و انتخاب شهرنشینی و گرایش آنان به کفر و تجاوز ، داستانی آموزنده و شایسته به یاد آوردن است .

إذ قلتم یموسی لن نصبر . ... و ضربت علیهم الذله ... و کانوا یعتدون

<إذ قلتم . ..> مفعول برای <أذكروا> (به یاد آوردن) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۴

۴

- بنی اسرائیل ، مردمی گنهکار و متجاوز به خاطر یاری رسانی به یکدیگر در بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از دیارشان

تظهرون علیهم بالأثم و العدون

باء در <بالاثم> بای ملابست است و <بالاثم و العدوان> حال برای فاعل <تظاهرون> می باشد; یعنی، علیه آنان همدیگر را یاری می کردید و در آن هنگام گنهکار و متجاوز بودید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۷

۷ - داوری حتمی خداوند در قیامت ، نسبت به اختلاف های ناروا و تجاوزگرانه بنی اسرائیل

إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القیمه

تجدید قوای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۵

۵- تجدید توان اقتصادی و انسانی بنی اسرائیل با امداد الهی پس از اولین شکست

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم و أمددنکم بأمول و بنین

تحریفگران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۵

۵ - گروهی از بنی اسرائیل کلام الهی (تورات) را پس از شنیدن و فهمیدن تحریف کردند .

و قد کان فریق منهم یسمعون کلم اللّه ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه

مراد از <کلام اللّه> در آیه شریفه، می تواند تورات و نیز می تواند <قرآن> باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

تحریفگری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۸

۸ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، با تحریف در کتاب های آسمانی خویش ، در صدد کتمان بشارت ها و نشانه

های حقانیت قرآن بودند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

برخی برآنند که مراد از <الباطل> تحریفهای لفظی و معنوی است که عالمان بنی اسرائیل در کتابهای آسمانی خویش ایجاد می کردند تا نشانه های حقانیت قرآن و اسلام از آن آشکار نشود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۹ – ۷

۷ – عذاب آسمانی نازل شده بر گنهکاران بنی اسرائیل ، سزای فسق دیرینه آنان و گناه تغییر و تبدیل فرمان خدا بوده است .

فأنزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء بما کانوا یفسقون

<با>ی سببیه در <بما کانوا یفسقون> می رساند که: نزول عذاب آسمانی به سبب فسق دیرینه بنی اسرائیل بوده و توصیف آنان به ستمکاری (الذین ظلموا) دلالت می کند که عذاب به خاطر ظلم آنان، یعنی تبدیل فرمان خدا بوده است. بنابراین باید گفت: ستمکاری بنی اسرائیل به ضمیمه فسق دیرینه آنان، موجب عذاب شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۱ – ۶

۶ بنی اسرائیل ، مصداق بارز تفرقه افکنان و تحریفگران دین خداوند و مشمول عذاب شدید الهی

ادخلوا فی السِلم کافه . .. فان زللتم من بعد ما ... سَلْ بنی اسرائیل کم اتیناهم م

پس از امر به دخول در <سلم> (تسلیم در برابر خداوند و اتّحاد جامعه ایمانی)، و عدم تبعیّت از شیطان، بنی اسرائیل را به عنوان نمونه ذکر می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۱۰،۱۱،۲۴

۱۰ تفسیر غلط کتب آسمانی ، توسط بنی اسرائیل

یحرفون الکلم عن

مواضعه

تحریف به معنی تغییر است و همان گونه که شامل جابجایی کلمات، کاستن و افزودن می شود، تأویل و تفسیر ناروا را نیز فرا می گیرد.

۱۱ تحریف تورات ، توسط بنی اسرائیل (یهود)

یحرفون الکلم عن مواضعه

<کلم> جمع <کلمه> به معنای سخن است و مصداق بارز و مورد نظر آن، تورات می باشد. گفتنی است که مراد از بنی اسرائیل، به قرینه آیه بعد، یهودیان هستند.

۲۴ تنها گروهی اندک از بنی اسرائیل ، وفادار به پیمان های الهی ، وارسته از تحریفگری و خیانت و پایبند به دستورات خداوند

فبما نقضهم میثقهم . .. و لاتزال تطلع علی خائنه منهم إلاّ قلیلا

<الا قلیلا> استثناء از تمامی صفاتی است که درباره بنی اسرائیل بیان شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۳۵

۳۵ بسیاری از بنی اسرائیل مرتکب خونریزی شده و حرام های خدا را حلال می شمردند .

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

از امام باقر(ع) روایت شده: المسرفون هم الذین یستحلون المحارم و یسفکون الدماء.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۵۰۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۰، ح ۱۵۸.

تحقیر بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۵۲ – ۵

۵ – قوم و نژاد بنی اسرائیل ، مردمی حقیر در نظر فرعونیان

من هذا الذی هو مهین

تعبیر به <مهین>، ممکن است ناظر به شخصیت ظاهری موسی(ع) و فاصله داشتن او از طبقات اشراف و ثروتمندان باشد و نیز ممکن است اشاره به نژاد موسی(ع) باشد که از بنی اسرائیل بوده و فرعونیان خود را

سرور ایشان می پنداشتند.

تحیر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۳،۴

۳ - قوم موسی ، تحیر و سردرگمی خویش را در انتخاب گاوی که باید ذبح می شد ، دلیل تکرار سؤال و تقاضای توضیح بیشتر عنوان کردند .

قال ادع لنا ربک . .. إن البقر تشبه علینا

قوم موسی، با جمله تعلیلیه <إن البقر . ..> - که تعلیل برای جمله قبل است - در صدد بیان این معنا بودند که: پرسشهای مکررشان بدین جهت است که امر بر آنان مشتبه شده و در پی رهایی از تحیر و سردرگمی هستند نه بهانه گیری و تلاش برای فرار از مسؤولیت.

۴ - قوم موسی ، با آخرین پرسش درباره گاو ، به معین شدن گاو و رهایی از تحیر امیدوار بودند .

و إنا إن شاء اللّه لمهتدون

<مهتدون> اسم فاعل از اهتداء و به معنای راه یافتگان است و متعلق آن همان گاوی است که باید ذبح می شد.

تذکر به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۴

۴- حضرت موسی (ع) سرگذشت قوم نوح ، عاد و ثمود و اقوام پس از آنان را به مردم خویش یادآوری کرد .

ألم یأتکم نبؤا الذین من قبلکم قوم نوح و عاد و ثمود و الذین من بعدهم

برداشت مزبور بر اساس این احتمال است که جمله <ألم یأتکم . ..> ادامه کلام موسی(ع) باشد که فرمود: <و قال موسی إن تکفروا ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ – اسراء

- ۱۷ - ۳ - ۲

۲- خداوند ، ایمان و شرافت نیاکان بنی اسرائیل را به آنان یادآور شد .

هدًى لبنى إسرءيل . .. ذرّيه من حملنا مع نوح

نصب <ذریه> یا به تقدیر حرف ندا و یا به تقدیر فعل <اخص> است. در هر صورت یادآوری عنوان <ذریه همراهان نوح> بیانگر حقیقت فوق است.

تذکر تاریخ بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، موظف به یادآوری سرگذشت موسی (ع) و قومش و به خاطر سپردن آن

و إذ قال موسى لقومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که فعل <اذکر> قبل از <إذ> مقدر باشد. بنابراین، آیه خطاب به پیامبر(ص) و بیان وظیفهء آن حضرت است.

ترجیح قبطی بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۲۱

۲۱ - در دیدگاه فرعونیان ، نژاد قبطی ، بر نسل بنی اسرائیل حتی بر جوان دست پرورده و محبوب خویش ترجیح داشت .

فنجّینك من الغم

ترس از بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶ - ۴

۴ - فرعون ، هامان و سپاهیانش همواره از خطر بنی اسرائیل ، در هراس بودند .

و نری فرعون و همن . .. ما کانوا یحذرون

جمله <کانوا یحذرون> ماضی استمراری و بیانگر ترس دائمی فرعونیان از بنی اسرائیل است.

ترس از شکنجه های اشراف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۴

۴

مؤمنان به موسی (ع) ، از رؤسا و اشراف قوم خود و از اذیت و شکنجه های فرعون در وحشت شدیدی به سر می برند .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه علی خوف من فرعون و ملإیهم أن یفتنهم

تنکیر <خوف> دلالت بر شدت آن می کند و از معانی فتنه عذاب و شکنجه است.

ترس بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۲ - ۲

۲ هراس قوم موسی (بنی اسرائیل) از برخورد و رویارویی با زورگویان قدرتمند حاکم بر سرزمین مقدس

قالوا یموسی ان فیها قوماً جبارین و إنّا لن ندخلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۲

۲ هراس قوم موسی (ع) (بنی اسرائیل) از برخورد و رویارویی با زورگویان قدرتمند حاکم بر سرزمین مقدس

قالوا یموسی إنّا لن ندخلها ابداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۲

۲ قوم موسی هراساان از سقوط کوهِ برافراشته شده بر سر آنان

و ظنوا أنه واقع بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۱ - ۲

۲ - اظهار نگرانی و وحشت همراهان موسی از گرفتار آمدن در کمند سپاه فرعون

قال أصحب موسی إنّا لمدرکون

<ادراك> (مصدر مجهول <مدركون>) به معنای گرفتار شدن است <إنّا لمدركون>; یعنی، ما قطعاً گرفتار خواهیم شد.

ترس مؤمنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۴

۴

مؤمنان به موسی (ع) ، از رؤسا و اشراف قوم خود و از اذیت و شکنجه های فرعون در وحشت شدیدی به سر می بردند .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه علی خوف من فرعون و ملإیهم أن یفتنهم

تنکیر <خوف> دلالت بر شدت آن می کند و از معانی فتنه عذاب و شکنجه است.

تشویقهای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۵

۵ - قوم قارون ، وی را بر حسن استفاده از ثروت خدادادی خویش و به کار گرفتن آن در راه آبادسازی سرای آخرت ترغیب کردند .

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره

تعالیم انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۲

۲ عیسی (ع) ، همکیش پیامبران یهود و پیگیر رسالت و تعالیم آنان در دوران رسالت خویش

و قفینا علی ءاثرهم بعیسی ابن مریم

<اثر> به معنای چیزی است که از چیز دیگر حاصل می شود و دلالت بر وجود آن چیز دارد، همانند جای پا که دلالت بر رونده دارد. بنابراین مراد از جمله <قفینا> این است که عیسی(ع) همان راهی را طی کرده که موسی(ع) و دیگر پیامبران یهود رفتند.

تعالیم کتب آسمانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ - تلاش برای آزاد سازی اسیران بنی اسرائیل ، از فرمان های کتب آسمانی آنان

و إن يأتوكم أسرى تفدوهم . .. فتؤمنون ببعض الكتب

جمله <أفتؤمنون ببعض الكتاب> دلالت بر اين

معنا دارد که: انگیزه یهودیان در آزاد سازی اسیران یهودی، عمل کردن به تورات بوده است.

تعجب بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۵ – ۵

۵ – عصای موسی با بلعیدن ابزار جادویی ساحران ، صحنه ای شگفت و به دور از انتظار همگان به وجود آورد .

فإذا هی تلقف ما یأفکون

برداشت یاد شده از آن جا است که <إذا> برای مفاجات است و نشانگر آن است که جمله پس از آن، در یک حالت غیر منتظره واقع شده است.

تعجب دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۲ – ۴

۴ – آرزوکنندگان ثروت قارونی ، با مشاهده فرورفتن وی و خانه اش در زمین شگفت زده شدند .

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس یقولون ویکأنّ

واژه <وَیْ> وقتی به کار می رود که شخص بخواهد شگفتی خود را از موضوعی بیان کند.

تعدد افساد بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴ – ۸

۸– دو بار فسادانگیزی بنی اسرائیل در زمین ، از برجسته ترین حوادث و تحولات تاریخی آنان است .

لتفسدنّ فی الأرض مرّتین و لتعلنّ علوًّا کبیرًا

تعطیلی در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۱،۳

۱ - کار و فعالیت در روز شنبه برای بنی اسرائیل حرام بود .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

<سبت> به معنای قطع عمل، سکون و استراحت است که از آن به تعطیلی تعبیر می کنیم.

<اعتداء> (مصدر اعتدوا) به معنای تجاوز و تخلف می باشد.

۳ - خداوند ، اصحاب سبت (تجاوزکاران یهود در روز شنبه) را به بوزینه هایی مطرود تبدیل کرد .

فقلنا لهم کونوا قرده خسئین

<قِرْد> (مفرد قِرَدَة) به معنای میمون است. <خاسیء> به معنای مطرود و نیز به معنای حقیر و ذلیل می باشد و کلمه <خاسئین> خبر دوم برای <کونوا> است.

تعقیب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵ - ۸

۸- در امان نبودن بنی اسرائیل حتی در زوایای خانه های خود ، به دنبال فسادانگیزی و تعقیب قرار گرفتنشان از سوی مردانی جنگاور

فجاسوا خلل الدیار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۲،۳،۵

۲ - فرعون و لشکریانش ، در پی کوچ بنی اسرائیل از مصر ، به تعقیب آنان پرداختند .

فأتبعهم فرعون بجنوده

۳ - در تعقیب بنی اسرائیل ، فرعون خود رهبری سپاهیانش را به عهده داشت .

فأتبعهم فرعون بجنوده

۵ - فرعونیان ، در تعقیب بنی اسرائیل ، به راه خشک شده دریا ، وارد شدند .

طریقًا فی البحر یبسًا . .. فأتبعهم فرعون بجنوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۶

۶ – خبردادن خداوند به موسی (ع) مبنی بر تعقیب بنی اسرائیل از سوی فرعونیان در صورت خروج از مصر

أسر بعبادی إنّکم متّبعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۳ – ۲

۲ – اقدام فرعون به اعزام مأموران ، جهت گردآوری نیرو از شهر

های مختلف برای تعقیب بنی اسرائیل

فأرسل فرعون فی المدائن حشرین

کلمه <حاشرین> (گردآورندگان) مفعول برای <أرسل> می باشد; یعنی، فرعون مأموران گردآورنده نیرو را به شهرها فرستاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۶ - ۱

۱ - آماده باش کامل سپاه فرعون پیش از پیوستن مردم شهر ها به آنان برای تعقیب بنی اسرائیل

و إنّا لجمیع حذرون

<حِذْر> در قرآن به معنای ابزار جنگ (شمشیر، زره و. ..) آمده است; مانند<خذوا حذرکم>. بنابراین <حاذرون> به کسانی گفته می شود که دارای سلاح کافی و در حال آماده باش کامل باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - خارج شدن فرعون و فرعونیان از شهر برای تعقیب بنی اسرائیل

فأخرجنهم

۲ - حرکت فرعونیان در پی بنی اسرائیل ، تدبیر الهی برای جدا شدن آنان از نعمت های سرزمین مصر بود .

فأخرجنهم من جنّت و عیون

اسناد فعل <إخراج> به ضمیر <نا> بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۰ - ۱

۱ - نزدیک شدن سپاه فرعون به بنی اسرائیل ، به هنگام طلوع آفتاب

فأتبعوهم مشرقین

واژه <مشرقین> از مصدر <اشراق> (داخل شدن در وقت طلوع خورشید) مشتق شده است و حال از ضمیر فاعل <أتبعوهم> می باشد; یعنی، <فلحقوا بهم حالکونهم داخلین فی وقت طلوع الشمس>. گفتنی است که <إتباع> (مصدر <أتبعوا>) در این جا به معنای ملحق شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۱ - ۱

۱ - نزدیک شدن

سپاه فرعون به بنی اسرائیل تا حدّ مشاهده یکدیگر

فلمّا ترءا الجمعان

<ترائی> (مصدر <ترءا>) به معنای همدیگر را دیدن و <جمع> (مفرد <جمعان>) به معنای گروه است. بنابراین <لمّا ترءا الجمعان>; یعنی، چون دو گروه همدیگر را دیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۱

۱ - قرار گرفتن بنی اسرائیل در میان سپاه فرعون و دریا

فلمّا ترءا الجمعان . .. فأوحینا إلی موسی أن اضرب بعصاك البحر

از عبارت <أن اضرب بعصاك البحر> معلوم می شود که بنی اسرائیل به هنگام مشاهده سپاه فرعون، نه راه پیش داشتند و نه راه پس; زیرا در یک طرف آنان دریا قرار داشت و در سوی دیگر سپاه فرعون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۴ - ۱

۱ - اقدام فرعون و سپاهیانش ، مبنی بر تعقیب بنی اسرائیل در بستر دریا

و أزلفنا ثَمّ الأخرین

<ازلاف> (مصدر <أزلفنا>); یعنی، به پیشروی وادار کردن و <ثَمّ> ظرف مکان و معادل <آن جا> و <الأخرین> مفعول برای <أزلفنا> است; یعنی، دیگران (فرعونیان) را وادار کردیم تا به آن جا پیشروی کنند. گفتنی است که <ثَمّ> اشاره به بستر دریا دارد که بنی اسرائیل از آن عبور کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۶ - ۲

۲ - تعقیب بنی اسرائیل از سوی فرعونیان در مسیر باز شده در دریا به وسیله موسی (ع)

و أنجینا موسی و من معه أجمعین . ثمّ أغرقنا الأخرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان –

۸ - ۲۳ - ۴۴

۸- هشدار خداوند به موسی (ع) ، در غافل نبودن از تعقیب فرعونیان نسبت به بنی اسرائیل

فأسر . .. إنّکم متّبعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۴ - ۶،۷

۶- لشگر فرعون ، در تعقیب بنی اسرائیل پس از عبور آنان از نیل

و اترک البحر رهوًا إنّهم جند مغرقون

تعقیب، از واژه <جند> استفاده شده است.

۷- ورود گسترده لشگر فرعون به رود نیل ، به منظور تعقیب بنی اسرائیل

إنّهم جند مغرقون

از این که غرق شدن به لشگر نسبت داده شده است، فراوان بودن تعداد کشته شدگان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۶ - ۲

۲- حضور نیرو های مقتدر سیاسی اقتصادی نظام فرعونی ، در میان تعقیب کنندگان بنی اسرائیل

کم ترکوا من جنّت و عیون . و زروع و مقام کریم

پشت سر نهادن مزارع بزرگ، نشان می دهد که در میان فرعونیان حضور یافته در تعقیب موسی(ع)، ملاّکان و سرمایه داران شرکت داشته اند; چنان که <مقام کریم> می تواند اشاره به قصرهای باشکوه اطرافیان و سیاست گذاران جامعه فرعونی داشته باشد.

تغذیه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۸

۱۸ خداوند برای تغذیه قوم موسی به هنگام عبورشان از صحرای سوزان ، بر آنان منّ و سلوا فرو فرستاد .

و أنزلنا علیهم المن و السلوی

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز شربتی شیرین همانند عسل معنا شده است و در معنای <سلوی> گفته شده که پرنده

ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

تفضل خدا بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۵،۷

۵ - خداوند ، بنی اسرائیل را - علی رغم پیمان شکنی و اعراضشان از فرامین تورات - مورد تفضل و رحمت خویش قرار داد .

فلولا فضل اللّه علیکم و رحمته لکنتم من الخسرین

۷ - فضل و رحمت الهی بر بنی اسرائیل ، نجات دهنده آنان از زیان و خسران شد .

فلولا فضل اللّه علیکم و رحمته لکنتم من الخسرین

تکالیف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۳ - ۱،۲

۱ - خداوند ، بنی اسرائیل را به اقامه نماز و پرداخت زکات دعوت کرد .

یبنی إسرائیل اذکروا . .. و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

۲ - اقامه نماز به جماعت و به همراه مسلمانان توصیه خداوند به بنی اسرائیل

و ارکعوا مع الرکعین

مراد از رکوع کردن، اقامه نماز است و مقصود از <راکعین> نمازگزاران مسلمان می باشد; زیرا پس از دعوت اهل کتاب به ایمان و اسلام، این احتمال وجهی ندارد که گفته شود مراد از نماز، نماز شریعت خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۶،۷

۶ - گفتار نیک و معاشرت نیکو با سایر اقوام و ملت ها ، میثاق خدا با بنی اسرائیل

و قولوا للناس حسناً

مراد از <الناس> می تواند همان اسرائیلیان باشد و می تواند اقوام و ملتهای دیگر هم باشد. برداشت فوق مبتنی بر دومین

احتمال است.

۷ - بر پا داشتن نماز و پرداختن زکات ، از عهد ها و پیمان های خدا با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا میثق بنی إسرءیل . .. و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۸

۸ خداوند ، بنی اسرائیل را به بر پا داشتن نماز مکلف فرمود .

و أقیموا الصلوه

تکبر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۵

۵ بنی اسرائیل ، مردمی مغرور به نژاد و دین خویش

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و حسبوا الا تکون فتنه

بسیاری از مفسران برآنند که ریشه اعتقاد بنی اسرائیل (رهایی از آزمون و مجازات الهی) این بوده که آنان از نسل اسرائیل هستند و به یهودیت و یا نصرانیت منتسب می باشند. آیه ۶۹ که مجرد انتساب به دین را کارساز در سعادت نمی دانست، می تواند اشاره به این نظریه داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴ - ۵

۵- پیشگویی تورات درباره سرکشی بزرگ و برتری جویی حتمی بنی اسرائیل در زمین

و قضینا إلی بنی إسرءیل فی الکتب . .. و لتعلنّ علوًّا کبیرًا

تکذیبگری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۶ – ۹،۱۳

۹ – بنی اسرائیل ، به رغم روشن بودن معجزات و دلایل حقانیت رسالت عیسی (ع) ، آنها را نپذیرفتند .

فلمّا جاءهم بالبیّنت قالوا هذا سحر

۱۳ – بنی اسرائیل ، به

رغم در دست داشتن بشارت عیسی (ع) ، در برابر رسول اکرم (ص) موضع گیری کرده و رسالت آن حضرت را نپذیرفتند .

و مبشّرًا برسول یأتی من بعدی اسمه . .. فلمّا جاءهم بالبیّنت قالوا هذا سحر مبین

تکفیر گناه بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۲۱

۲۱ تکفیر (نادیده گرفتن) گناهان بنی اسرائیل و دخول آنان به بهشت در گرو اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و یاری آنان و انفاق در راه خدا

لئن اقمتم الصلوه . .. و لادخلنکم جنت

تکلیف بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۳ – ۶

۶ – پذیرش تورات با جدیت تمام و استوارسازی رفتار و اندیشه ها بر اساس آن ، فرمان خداوند به بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم بقوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۷

۷ نماز ، زکات ، ایمان به همه انبیا و حمایت از آنان و انفاق ، از تکالیف بنی اسرائیل

لئن اقمتم الصلوه و ءاتیتم الزکوه . .. و عزرتموهم و اقرضتم اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۱ – ۱۳

۱۳ بنی اسرائیل ، مأمور داخل شدن به سرزمین مقدس شام

ادخلوا الارض المقدسه

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: یعنی الشام . .. .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۷۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۷، ح ۱۱۴.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۵۹ – ۹

۹ – بنی اسرائیل ، موظف به پیروی از عیسی (ع) در عصر رسالت آن حضرت

و جعلنه مثلاً لبنی إسرءیل

این که عیسی(ع) الگو و مثلی برای بنی اسرائیل قرار داده شده، نشانگر این حقیقت است که آنان موظف به پیروی از آن حضرت بوده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۴ – ۱

۱– دستور خداوند به موسی (ع) و بنی اسرائیل ، در عبور از نیل و وانهادن رود آرام و فروهشته به حال خویش

و اترک البحر رهوًا

<رهو>، به معنای حالت آرام و یا گودی و شکافتگی شیء است.

تمایلات بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۰ – ۴،۵

۴ ناسازگاری برنامه ها و اهداف پیامبران با تمایلات نفسانی بنی اسرائیل

کلما جاءهم رسول بما لاتهوی انفسهم

۵ انطباق و عدم انطباق رسالت انبیا با تمایلات نفسانی ، عامل تصدیق و تکذیب پیامبران از سوی بنی اسرائیل

کلما جاءهم رسول بما لاتهوی انفسهم فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

تنبه دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۲ – ۶،۱۲،۱۴

۶ – فرورفتن شبانه قارون با خانه اش در کام زمین ، رخدادی سخت تکان دهنده ، بیدارگر و درس آموز برای کسانی که روز پیش آرزوی ثروتی چونان ثروت وی را داشتند .

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس یقولون ویکأنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء من عباد

کلمه <مکانه>، منصوب به نزع

خافض و صفت برای اسم محذوف <مکاناً> است; یعنی، <الذین تمنّوا مکاناً مثل مکانه; آنان که دیروز منزلتی هم چون منزلت قارون را آرزو کرده بودند. ..>.

۱۲ - آگاهی دل باختگان دنیا به عاقبت شوم دنیاطلبی ، پس از مشاهده نگون بختی قارون

لولا أن منّ اللّه علینا لخسف بنا

۱۴ - آگاهی یافتن آرزومندان مال و ثروت به پی آمد شوم ناسپاسی در برابرنعمت های الهی ، با مشاهده نگون بختی قارون

ویکأنّه لایفلح الکفرون

<کفر> (مصدر <کافرون>) در این جا مقابل <شکر> و به معنای ناسپاسی است. جمله <و یکأنّه لایفلح الکافرون> اعتراف دنیاطلبان به ناسپاسی خود در مقابل خدا است و اشاره به علت هلاکت قارون دارد.

تنوع طلبی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲،۴

۲ - بنی اسرائیل ، از یکنواختی خوراک خویش (منّ و سلوی) به موسی (ع) شکایت کردند .

و إذ قلتم یموسی لن نصبر علی طعام وحد

۴ - بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا رفع یکنواختی طعامشان را از درگاه خدا مسألت کند و آنان را به غذا های متنوع برساند .

لن نصبر علی طعام وحد فادع لنا ربک

به قرینه <لن نصبر . ..> مورد دعا بر طرف شدن یکنواختی خوراکیهاست و به دلیل <یخرج لنا ...> مورد دعا دستیابی به خوراکیهای گیاهی نیز هست. بنابراین بنی اسرائیل دو تقاضا داشتند: ۱ بر طرف شدن یکنواختی غذا; ۲ دستیابی به خوراکیهای گیاهی.

توبه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۲،۷،۱۴

- موسی (ع) با بیان ستمکاری قومش ، به آنان فرمان داد تا روی به درگاه خدا آورده ، توبه کنند .

و إذ قال موسی لقومه . .. فتوبوا إلی بارئکم

۷ - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف <فاء> در <فاقتلوا> تفسیریه است; یعنی، بیانگر این است که جمله <أقتلوا أنفسکم> تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا . ..) می باشد. در معنای جمله <فاقتلوا أنفسکم> دو نظر ایراد شده است. ۱ فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید); ۲ هر کسی خود را بکشد.

۱۴ - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ ورود بنی اسرائیل به شام ، پس از توبه و رضایت خداوند از ایشان ، در پایان چهل سال سرگردانی

یقوم ادخلوا الارض المقدسه

از امام باقر(ع) روایت شده که بعد از تلاوت آیه فوق فرمود: . .. ثم دخلوها بعد اربعین سنه ... و ما کان خروجهم من مصر و دخولهم الشام الا من بعد توبتهم و رضاء اللّه عنهم ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۷۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۷، ح ۱۱۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۱۲،۱۳،۱۴

۱۲ توبه و بازگشت بنی اسرائیل به سوی خداوند در برهه ای تاریخ

ثم تاب اللّه علیهم

اهل لغت <توبه خدا بر بنده> را به توفیق بر

توبه معنا کرده اند.

۱۳ خداوند پذیرای توبه بنی اسرائیل پس از پشیمانی آنان از رفتار ناپسند و واگذاشتن اندیشه های ناصحیح دینی

ثم تاب اللّه علیهم

موفق ساختن بندگان بر توبه، مستلزم قبول توبه آنان است.

۱۴ اصلاح بینش و بصیرت بنی اسرائیل پس از پذیرش توبه آنان

ثم تاب اللّه علیهم ثم عموا و صموا

کلمه <ثم> در جمله <ثم عموا و صموا> می رساند که بنی اسرائیل پس از شمول رحمت الهی بر آنان و توبه به درگاه خداوند بصیرت از دست رفته خویش را بازیافتند، اگر چه در مرحله و زمان دیگر بصیرت خویش را از دست داده و به اعمال ناروا گرایش پیدا کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۲

۲ بنی اسرائیل پس از آگاهی به گمراهی خویش ، از گوساله پرستی توبه کردند و به گناه خویش معترف شدند .

قالوا لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

توبه شکنی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۱۷،۱۸

۱۷ بسیاری از بنی اسرائیل با شکستن توبه بینش بازیافته خویش را از دست داده و به اعمال ناروا گراییدند .

فعموا و صموا ثم تاب اللّه علیهم ثم عموا و صموا . .. و اللّه بصیر بماتعملون

۱۸ توبه شکنی بسیاری از بنی اسرائیل

ثم تاب اللّه علیهم ثم عموا و صموا کثیر منهم

توبه گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۷،۲۰

۷ - کشتن یکدیگر

، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف <فاء> در <فاقتلوا> تفسیریه است; یعنی، بیانگر این است که جمله <أقتلوا أنفسکم> تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا . ..) می باشد. در معنای جمله <فاقتلوا أنفسکم> دو نظر ایراد شده است. ۱ فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید); ۲ هر کسی خود را بکشد.

۲۰ - پذیرش توبه گوساله پرستان بنی اسرائیل ، از نعمت های خداوند به آنان

و إذ قال موسی . .. فتاب علیکم

آیه های این بخش از سوره چنانچه از مطلع آن (یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی . ..) به دست می آید، در صدد بیان نعمتهایی است که خداوند به بنی اسرائیل ارزانی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۱۲

۱۲ گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا ، توصیه خداوند به موسی (ع) *

إن ربک من بعدها لغفور رحیم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی(ع) ذکر شد. یعنی <ربک> اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها درگذر.

توجیه گری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۱،۳

۱ - بنی اسرائیل در برابر بازخواست و توبیخ خود از جانب موسی (ع) ، سعی در بی تقصیر نشان دادن خود در ماجرای گوساله پرستی داشتند .

ألم یعدکم

. .. أفطال ... أم أردتّم ... قالوا ما أخلفنا موعدك بملكنا

جمله <ما أخلفنا> و نیز <حمّلنا>، جملگی توجیهات بنی اسرائیل برای پذیرش گوساله پرستی از سوی آنان است.

۳ - بی اختیار قلمداد کردن خود ، از بهانه های بنی اسرائیل برای توجیه پیمان شکنی با موسی (ع) و پذیرش گوساله پرستی در میان خود

ما أخلفنا موعدك بملكنا

<موعد> مصدر و به معنای <وعد> است. <ملك> نیز مصدر است و مراد بنی اسرائیل، نفی مالك بودن امور خویش است. از همین رو معنای <ما أخلفنا...> چنین می شود: ما از پیمان و وعده تو، به اختیار خود تخلف نکردیم.

توحید بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۵ - ۱

۱ قوم موسی ، پس از توصیه و دعوت او ، اعلام داشتند : ما تنها بر خدا توکل کرده و جز او بر احدی اتکال نخواهیم کرد .

و قال موسی یقوم . .. فعلیه توکلوا ... فقالوا علی اللّه توکلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۵

۵ - پایبند ماندن بنی اسرائیل بر آیین توحیدی پدران خویش (ابراهیم ، اسحاق و یعقوب)

هذا من شیعته

تورات در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۸

۸ وجود اعتقاد به خداوند و تورات و احکام آن ، در میان بنی اسرائیل ، در عصر حضرت عیسی (ع)

و لاحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم

تورات و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۱۲،۱۰،۶

۶ بنی اسرائیل ، مدّعی حرمت برخی از خوردنی ها و انتساب آن به تورات

کل الطّعام کان حلا لبنی اسرائیل . .. قل فأتوا بالتوریه فاتلوها

۱۰ نسبت های ناروا و دروغ بستن بنی اسرائیل ، به تورات

قل فأتوا بالتوریه فاتلوها ان کنتم صادقین

۱۲ تورات ، ناسخ حرمت برخی از خوردنی ها بر بنی اسرائیل

کل الطعام کان حلا لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزل التوری

بنابراینکه <من قبل> متعلق به <حرّم> باشد; یعنی حرمتهای وضع شده برای بنی اسرائیل توسط یعقوب (ع)، تا قبل از نزول تورات بوده است.

توسل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۸

۸ بنی اسرائیل ، در دعای خود به صفت رحمت خداوند متوسل شدند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

توصیه به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱۶

۱۶ - خوردن و آشامیدن از روزی های خدادادی ، توصیه و سفارش خداوند به قوم موسی

کلوا و اشربوا من رزق الّله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۵ - ۱

۱ قوم موسی ، پس از توصیه و دعوت او ، اعلام داشتند : ما تنها بر خدا توکل کرده و جز او بر احدی اتکال نخواهیم کرد .

و قال موسی یقوم . .. فعلیه توکلوا ... فقالوا علی اللّه توکلنا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۷ – ۲

۲- موسی (ع) از قوم خود خواست تا به یاد فرمان و توصیه خداوند باشند که هر کس شکرگزاری نماید خداوند نعمتش را افزون می کند و هر کس کفران نماید دچار عذاب شدید خواهد شد .

اذکروا نعمه الله علیکم . .. و إذ تأذّن ربّکم لئن شکرتم لأزیدنّکم و لئن کفرتم إن

این برداشت مبتنی بر این نکته است که <إذ تأذّن> مقول قول موسی(ع) و عطف به <اذکروا نعمه الله> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۱ – ۲،۱۲

۲ – بهره گیری از رزق های گوارا و پاکیزه ، توصیه خداوند به بنی اسرائیل

کلوا من طیّبت ما رزقنکم

۱۲ – تجاوز نکردن از مرز تعادل و مقررات الهی در استفاده از نعمت ها ، توصیه خداوند به بنی اسرائیل

کلوا من طیّبت . .. و لاتطغوا فیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۶ – ۱۱

۱۱ – موسی (ع) قبل از عزیمت به میقات ، توصیه های لازم را به بنی اسرائیل ارائه کرده و قول و قرار های لازم را برای حفظ ایمان ، با آنان گذاشته بود .

فأخلفتم موعدی

<موعد> در این آیه مصدر و به معنای <وعده> است. از این رو <فأخلفتم موعدی>; یعنی، شما از وعده و عهد خود با من تخلف کردید. از این جمله برمی آید که موسی(ع) قبل از رفتن به میقات، پیش بینی های لازم را کرده بود و از این نظر حجت را بر بنی اسرائیل تمام

نموده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۵

۵ - هارون ، با یادآوری رحمت گسترده خداوند به بنی اسرائیل ، باز بودن راه بازگشت از شرک و ارتداد را به آنان یادآوری کرد .

إنّما فتنتم به و إنّ ربّكم الرحمن

توصیف خداوند در کلام هارون(ع)، با عنوان <الرحمان> و با توجه به گوساله پرستی و عصیان بنی اسرائیل، متضمن وعده رحمت الهی به آنان، در صورت توبه و بازگشت از شرک است.

توصیه های بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ - دستگیری از مردم و نیکی کردن به آنان ، توصیه دیگر قوم قارون به وی

و أحسن

توطئه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۱،۲

۱ مکر بنی اسرائیل علیه عیسی (ع)

فلمّا احس عیسی منهم الکفر . .. و مکروا

۲ مکر و تلاش کافران بنی اسرائیل ، برای کشتن عیسی (ع)

و مکروا . .. اذ قال اللّه یا عیسی انی متوفیک

با توجه به آیه بعد که سخن از عروج عیسی (ع) به میان آمده، معلوم می شود که مکرشان در جهت کشتن عیسی (ع) بوده

است.

توطئه گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۹

۱۹ گوساله پرستان بنی اسرائیل مهیای کشتن هارون به خاطر مبارزه پی گیر وی با شرکورزی آنان

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

توطئه مفسدان بنی اسرائیل

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱۹

۱۹ موسی (ع) نگران توطئه مفسدان بنی اسرائیل در غیاب خویش

و لا تتبع سبیل المفسدین

توقعات بیجا بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۸

۸ - تقاضای رؤیت خدا ، خواسته ای نارواست .

حتی نری اللّه جهره فأخذتکم الصعقه

توکل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۵ - ۱،۳

۱ قوم موسی ، پس از توصیه و دعوت او ، اعلام داشتند : ما تنها بر خدا توکل کرده و جز او بر احدی اتکال نخواهیم کرد .

و قال موسی یقوم . .. فعلیه توکلوا ... فقالوا علی اللّه توکلنا

۳ قوم موسی پس از اتکال بر خدا ، دست به نیایش برداشته و از درگاه او خواستند تا ضعف و ناتوانی را که تشویق کننده ظالمان به ستمگری است از میان آنان بردارد .

فقالوا علی اللّه توکلنا ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین

همان گونه که مال، اولاد و دنیا به خاطر داشتن جاذبه فتنه است و آدمیان را مفتون خود می کند، ضعف و ناتوانی مردم نیز برای زورگویان فتنه است و آنان را بر تجاوز به آنان، ترغیب می کند.

تهاجم به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷ – ۹،۱۳،۱۴

۹- مورد تاخت و تاز قرار گرفتن بنی اسرائیل به وسیله جنگاورانی قدرتمند ، با فرا رسیدن دومین مرحله

فسادانگیزی آنان و هویدا شدن غبار غم و شکست در چهره آنها

فإذا جاء وعد الأخره لیسئوا وجوهکم

ضمیر فاعلی <هم> در <لیسئوا> به <عباداً> باز می گردد و لام در آن برای تعلیل است; یعنی، بندگان ما برای اندوهگین کردن شما (بنی اسرائیل) بیایند.

۱۳- دومین هجوم نیرو های فاتح مسجدالاقصی بر بنی اسرائیل فسادگر و سرکش ، هجومی توفنده و ویرانگر

و لیتبروا ما علوًّا تتبیرًا

<تتبیر> به معنای اهلاک است و آوردن مفعول مطلق (تتبیرا) که برای تأکید است إشعار به سختی هجوم دارد.

۱۴- نابودی و تخریب کامل آثار و تمدن بنی اسرائیل ، با دومین هجوم نیرو های توانمند و جنگاور

و لیتبروا ما علوًّا تتبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۲

۲- نابود و منقرض نشدن نسل بنی اسرائیل ، علی رغم هجوم سنگین نیرو های توانمند و دو بار شکست سخت آنان

عسی ربّکم أن یرحمکم

تهدید بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۲

۲ - خداوند ، قوم موسی رابه معرفی قاتل نوید داد و قاتلان را به افشای هویتشان تهدید کرد .

و اللّه مخرج ما کنتم تکتمون

مراد از <ما کنتم تکتمون> (آنچه را کتمان می کردید)، به قرینه جمله قبل، معرفی نکردن قاتل علی رغم آگاهی به آن است. مراد از <إخراج> (مصدر مخرج)، به قرینه تکتمون، آشکار ساختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۴ – ۱۹

۱۹ – بنی اسرائیلیان گنهکار و دارای اعمال ناشایست ، مورد تهدید خداوند به کیفر

و مجازات

و ما اللّه بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان آگاهی و توجه خداوند به اعمال گنهکاران، تهدید ایشان به کیفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ تهدید الهی نسبت به تبهکاران بنی اسرائیل

ثم عموا و صموا کثیر منهم و اللّه بصیر بماتعملون

از اهداف بیان آگاهی خداوند به رفتار و اعمال تبهکاران، تهدید آنان به عذاب و مانند آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۲

۱۲ خداوند ، بنی اسرائیل را به خاطر ناسپاسی ها و ایجاد اختلاف ، سرزنش کرده و به کیفر اخروی تهدید فرمود .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم إن ربک یقضی ب

تهدید فاسقان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۵،۱۶

۱۵ خداوند قوم موسی را از مخالفت با رسالت های وی بر حذر داشت و متخلفان را مردمی فاسق خواند .

سأوریکم دار الفسقین

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الفاسقین> متمردان خود بنی اسرائیل باشد. بر این مبنا جمله <ساوریکم>، که پس از فرمان به فراگیری تورات و به کار بستن تعالیم آن واقع شده، اشاره به این معنا دارد که اگر گروهی این فرمان را اطاعت نکنند، فاسقند. گفتنی است در این صورت مقصود از <دار> جایگاه شوم و فرجام نامیمون آن گروه است.

۱۶ خداوند ، فاسقان بنی اسرائیل را به گرفتار آمدن به فرجامی شوم تهدید کرد .

سأوريكم دار

الفسقين

تهديد گوساله پرستان بنی اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۱،۲

۱ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائيل را به غضبی شديد و قريب الوقوع تهيد كرد .

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم غضب من ربهم و ذله فی الحيوه الدنيا

<فی الحيوه الدنيا> علاوه بر اينكه قيد برای <ذله> است، می تواند <قيد> برای غضب نيز باشد. در اين صورت مراد از غضب الهی گرفتار ساختن به عذابهای دنيوی است. نكرده آوردن <غضب> دلالت بر شدت غضب و عظمت آن دارد.

۲ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائيل را به پديد آوردن ذلتی شديد در زندگی دنيوی آنان تهديد كرد .

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم . .. ذله فی الحيوه الدنيا

تهمتهای بنی اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۹ - ۲،۵

۲ - خداوند ، از اتهامی كه قوم موسی به آن حضرت وارد كردند ، دفاع كرد و او را از آن مبرّا دانست .

لاتكونوا كالذين ءاذوا موسی فبرّأه اللّه ممّا قالوا

<برّأه اللّه ممّا قالوا> قرينه است بر اين كه مراد از اذيت به موسی(ع)، تهمت و افترا بوده است.

۵ - تهمت به موسی (ع) ، موجب آزردگی و اذيت آن حضرت بود .

لاتكونوا كالذين ءاذوا موسی فبرّأه اللّه ممّا قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۱۰،۱۴،۱۵

۱۰ - بنی اسرائیل ، معجزات و دلایل روشن عیسی (ع) را سحری آشکار خواندند .

فلمّا جاءهم بالبیّنت قالوا هذا سحر مبین

۱۴ -

بنی اسرائیل ، معجزات و دلایل روشن رسول اکرم (ص) را سحری آشکار خواندند .

فلمّا جاءهم بالبیّنت قالوا هذا سحر مبین

۱۵ - متهم کردن رسول اکرم (ص) به سحر و ساحری ، از حربه های تبلیغاتی بنی اسرائیل علیه آن حضرت

فلمّا جاءهم بالبیّنت قالوا هذا سحر مبین

جادو در دوران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۳

۳ - آشنایی مردم عصر موسی (ع) ، با مقوله سحر و آثار شگفت آن

و قالوا یأیّه الساحر

متهم کردن موسی(ع)، به سحر پس از مشاهده آیات شگفت الهی، نشان می دهد که فرعونیان مشابه آن کارها را در توان ساحران می دیدند.

جبرگرایی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۳،۵

۳ - بی اختیار قلمداد کردن خود ، از بهانه های بنی اسرائیل برای توجیه پیمان شکنی با موسی (ع) و پذیرش گوساله پرستی در میان خود

ما أخلفنا موعدک بملکنا

<موعد> مصدر و به معنای <وعد> است. <ملک> نیز مصدر است و مراد بنی اسرائیل، نفی مالک بودن امور خویش است. از همین رو معنای <ما أخلفنا...> چنین می شود: ما از پیمان و وعده تو، به اختیار خود تخلف نکردیم.

۵ - بنی اسرائیل در به همراه آوردن زینت آلات فرعونیان نیز خود را بی اختیار قلمداد می کردند .

و لکنّا حمّلنا أوزارًا من زینه القوم

آمدن <حُمّلنا> به صیغه مجهول، در ادامه توجیه بنی اسرائیل از عملکرد خویش است; یعنی، ما در حمل زینت های فرعونیان نیز ناخواسته آن

را انجام دادیم و به ما تحمیل شد.

جرایم بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۱ – ۲۷

۲۷ – بنی اسرائیل ، پیامبران بسیاری را به قتل رساندند .

و یقتلون النبیین بغیر الحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۵ – ۱،۲،۳،۴

۱ – بنی اسرائیل عصر بعثت ، علی رغم اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی) ، همدیگر را می کشتند .

ثم اقررتم . .. ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم هؤلاء> (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابهای آیه نظیر خطابهای گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می داد.

۲ – بنی اسرائیل با بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از خانه و دیارشان ، پیمان الهی را نقض کردند .

ثم أنتم هؤلاء . .. تخرجون فریقاً منکم من دیرهم

آیه مورد بحث اشاره به جنگها و خونریزیهایی دارد که پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه بین طوایف یهود واقع می شد. یهودیان بنی النضیر با بنی قریظه درگیر می شدند; هر کدام غالب می شد دیگری را از خانه و کاشانه اش اخراج می کرد.

۳ – بنی اسرائیل در کشتن و آواره کردن گروهی از همکیشان خود ، یکدیگر را یاری و پشتیبانی کردند .

تظهرون علیهم

<تظاهر> (مصدر تظاهرون) به معنای یاری و پشتیبانی کردن یکدیگر است. <تظاهرون علیکم>; یعنی، طایفه ای از شما طایفه دیگر

را علیه گروهی از خودتان یاری می داد.

۴ - بنی اسرائیل ، مردمی گنهکار و متجاوز به خاطر یاری رسانی به یکدیگر در بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از دیارشان

تظهرون علیهم بالأثم و العدون

باء در <بالاثم> بای ملابست است و <بالاثم و العدوان> حال برای فاعل <تظاهرون> می باشد; یعنی، علیه آنان همدیگر را یاری می کردید و در آن هنگام گنهکار و متجاوز بودید.

جوانان مؤمن بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۳

۳ مؤمنان و گرویدگان به موسی (ع) ، همگی از قشر جوان بنی اسرائیل بودند .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه

<ذریه> به معنای <ابناء و أولاد> به کار می رود، با توجه به جو وحشت و ارعاب که فرعون در میان بنی اسرائیل به وجود آورده بود و معمولا در چنین شرایطی پیران به حکم مصلحت اندیشی کنار می کشند، می توان گفت که مراد از <ذریه>، جوانان بنی اسرائیل است.

جهاد بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۱

۱۱ پیمان گرفتن بنی اسرائیلِ زمان طالوت (اشموئیل) از قوم خویش برای پیکار در راه خداوند

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال

جمله <هل عسیتم> کنایه از پیمان گرفتن از آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۵،۱۲

۵ جهاد در راه خدا برای تصرف سرزمین مقدس ، سپاسگزاری قوم موسی (ع) در برابر نعمت های خداوند

اذکروا نعمه اللّه .

.. یقوم ادخلوا الارض المقدسه

فرمان موسی(ع) به بنی اسرائیل (ادخلوا الارض) پس از بیان نعمتهای الهی بر آنان، بیانگر آن است که اجرای آن فرمان، سپاس نعمتهای یاد شده است.

۱۲ تقدیر الهی به سکنا گزینی قوم موسی (ع) در سرزمین مقدس ، مشروط به جهاد و مبارزه آنان بود .

التی کتب اللّه لکم . .. و لاترتدوا علی ادبارکم فتنقلبوا خسرین

از مصادیق خسران (فتنقلبوا خسرین)، محرومیت قوم موسی(ع) از ورود به سرزمین مقدس است. بنابراین سکونت آنان در سرزمین مقدس در صورتی مقدر خواهد بود که در برابر دشمن مقاومت کنند.

جهل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۷

۱۷ - قوم موسی به مصلحت خویش در انتخاب غذا ناآگاه بودند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۱۱،۱۶

۱۱ - موسی (ع) با جاهلانه خواندن استهزای مردم ، پندار قوم خویش را درباره خود ناروا دانست .

قال أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

۱۶ - قوم موسی فاقد معرفت لازم نسبت به مقام شامخ پیامبران (ع)

أتتخذنا هزواً قال أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۱۹

۱۹ بینش محدود بنی اسرائیل نسبت به ملاک های حقیقی گزینش ، منشأ اعتراض آنان به برگزیدن طالوت

قالوا انی یکون له الملک علینا . .. و اللّه واسع علیم

جمله <و اللّه واسع علیم> تعریضی به بنی اسرائیل است که بینش

شما محدود و در نتیجه مُعترض به گزینش طالوت شده اید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۸ – ۱۴،۱۵،۱۷

۱۴ قوم موسی مردمی جاهل و ناآگاه به ویژگی ها و صفات معبود راستین و شایسته پرستش

قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً کما لهم ءالهه قال إنکم قوم تجهلون

۱۵ بی توجهی قوم موسی به نعمت های خدا و گرایش آنان به پرستش غیر او ، برخاسته از جهالت دامنه دار آنان بود .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. قالوا یموسی ... قال إنکم قوم تجهلون

چنانچه از آیه استفاده می شود، گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا پس از عبورشان از دریا و تحقق این نعمت بزرگ الهی بوده است. بنابراین می توان گفت موسی این جهت را نیز در نظر داشته و آنان را جاهل خوانده است. یعنی این بی خردی است که انسان نعمتهای الهی را ببیند و در عین حال به غیر او گرایش پیدا کند. فعل مضارع <تجهلون> بر دامنه داری این بی خردی دلالت می کند.

۱۷ باور به توانمندی بنده ای از بندگان (موسی) بر ساختن و تدارک دیدن معبود ، نشانه جهل و بی خردی بنی اسرائیل

اجعل لنا إلهاً . .. قال إنکم قوم تجهلون

جمله <اجعل لنا إلهاً> دلالت می کند که بنی اسرائیل از موسی که خود فردی از بشر است می خواستند برای آنان خدا و معبود تدارک ببیند. موسی نیز بدین جهت آنان را جاهل شمرد. یعنی این بسیار جاهلانه است که گمان کنید بنده ای از بندگان خدا می تواند معبودی

شایسته پرستش بسازد و تدارک ببیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۹ - ۳

۳ موسی (ع) با تبیین فساد آیین بت پرستی ، بنی اسرائیل را که آرزومند آن آیین بودند ، بر جهلشان واقف ساخت .

قال إنكم قوم تجهلون. إن هؤلاء متبر ما هم فيه و بطل ما كانوا يعملون

جهل گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۵

۵ - گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مردمی جاهل و دور ازاندیشه و فکر

أفلايرون ألّايرجع إليهم قولاً

چشمه های اسباط بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳ هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، مخصوص طایفه ای از دوازده طایفه بنی اسرائیل بود .

قد علم كل أناس مشربهم

<أناس> جمع إنس (مردم) است و مراد از آن طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل می باشد. <مشرب> به آب آشامیدنی و یا جایگاهی که از آن آب برمی دارند گفته می شود و مقصود از آن چشمه هایی است که از سنگ جوشید.

۱۴ هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، دارای علامتی مشخص کننده اختصاص آن به طایفه ای از بنی اسرائیل بود .

قد علم كل أناس مشربهم

۱۵ هر کدام از طوایف بنی اسرائیل به چشمه مخصوص خویش آگاه بودند .

قد علم كل أناس مشربهم

چشمه های بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۰ –

۶،۸،۹،۱۰،۱۳،۱۵

۶ - در پی فرود آمدن عصای موسی بر سنگ ، دوازده چشمه آب از آن جوشش کرد .

فانفجرت منه اثنتا عشره عیناً

۸ - هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، مخصوص طایفه ای از طوایف بنی اسرائیل بود .

قد علم کل أناس مشربهم

<مشرب> به آب آشامیدنی و نیز به جایگاهی که از آن آب بر می دارند گفته می شود و مقصود از آن در آیه، چشمه های جوشیده از سنگ است.

۹ - هر کدام از طایفه های بنی اسرائیل آگاه به چشمه مخصوص خویش

قد علم کل أناس مشربهم

۱۰ - هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، خود دارای علامتی مشخص کننده اختصاص آن به طایفه ای از بنی اسرائیل

قد علم کل أناس مشربهم

چنانچه خود چشمه ها علامت نداشت و پس از جوشیدن علامت گذاری می شد تا اختصاص هر چشمه به طایفه ها معلوم شود، شایسته آن بود که به جای <قد علم کل أناس مشربهم> (هر طایفه ای چشمه خود را می شناخت) گفته شود: <علّم . ..> (تعلیم داده شد ...).

۱۳ - جوشش چشمه های متعدد از سنگ و ویژگی های مخصوص آنها ، از معجزات ارائه شده به قوم موسی

فانفجرت منه اثنتا عشره عیناً قد علم کل أناس مشربهم

۱۵ - داستان استسقای موسی (ع) و جوشیدن چشمه های آب از سنگ ، داستانی آموزنده و خاطره ای شایسته و بایسته به یاد داشتن

و إذاستسقی موسی لقومه . .. قد علم کل أناس مشربهم

عبارت <إذاستسقی> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <أذکروا إذاستسقی موسی لقومه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۹ – ۲

۲ – بنی اسرائیل ، وارث سرزمینی آباد و برخوردار از باغ ها و چشمه سار ها ، پس از خارج شدن آنان از مصر

کذلک و أورثنها بنی إسرءیل

ضمیر <ها> در <أورثناها> به مطلق <جنّات> بازمی گردد; نه جنات مربوط به فرعونیان. بنابراین، آیه یاد شده و آیه قبل، بیانگر این حقیقت است که خداوند، از سویی فرعونیان را از باغ ها و کاخ های شان بیرون کرد و همه آنان را به دریا ریخت و از سوی دیگر بنی اسرائیل را که در مصر فاقد هر گونه امکانات بودند، به جای دیگری منتقل کرد و سرزمینی آباد و پر برکت که عبارت است از ارض مقدس باشد در اختیارشان قرار داد و به آنان فرمود <ادخلوا الأرض المقدّسه التی کتب اللّه لکم>، (مائده(۵) آیه ۲۱).

حاکمیت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۹ – ۵،۸،۱۲،۱۳

۵ موسی (ع) در عین امیدواری به هلاکت فرعون و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل ، نگران عدم ایجاد شرایط آن از سوی قوم خویش بوده است .

عسی ربکم أن یهلک عدوکم و یستخلفکم فی الأرض

کلمه <عسی> حکایت از آن دارد که موسی(ع) یقین به هلاکت فرعون و حاکمیت یافتن قومش نداشته است و شاید دغدغه خاطر او بدان جهت بود که وی اطمینان نداشت مردمش شرایطی را که برای پیروزی مطرح ساخته بود (استعینوا باللّه . ..) رعایت کنند.

۸ نابودی فرعونیان و به حاکمیت رسیدن بنی اسرائیل ، پرتوی از ربوبیت خداوند نسبت به آنان

عسی ربکم أن یهلک

عدوكم و يستخلفكم فى الأرض

۱۲ آزمايش بنى اسرائيل ، از اهداف امداد هاى الهى براى حاكميت بخشيدن به آنان پس از پيروزى بر دشمنانشان

و يستخلفكم فى الأرض فينظر كيف تعملون

۱۳ آزمايش بنى اسرائيل از سوى خدا پس از دستيابى آنان به حكومت و قدرت ، هشدار موسى (ع) به آنان

فينظر كيف تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۵،۶

۵ نويد هاى خداوند به قوم موسى با هلاكت فرعونيان و حاكميت يافتن بنى اسرائيل به سرزمين آنان ، بى كم و كاست ، تحقق يافت .

و تمت كلمت ربك الحسنى على بنى إسرءيل

<كلمه> به معناى سخن است و مراد از آن به قرينه صدر آيه و نيز آيات ۱۲۸ و ۱۲۹ نويد هلاك سازى فرعونيان و جانشينى بنى اسرائيل از آنان است. <تمت> يعنى به طور كامل و تمام تحقق يافت.

۶ وعده هلاكت فرعونيان و حاكميت يافتن بنى اسرائيل بر سرزمين آنان ، از وعده هاى نيكوى خداوند به قوم موسى

و تمت كلمت ربك الحسنى على بنى إسرءيل

كلمه <الحسنى> (زيباتر) صفت براى <كلمت> است.

حاكميت بنى اسرائيل بر مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۴

۴ موسى (ع) ، قوم خويش را به هلاكت فرعونيان و حاكميت بنى اسرائيل بر سرزمين مصر اميدوار ساخت .

عسى ربكم أن يهلك عدوكم و يستخلفكم فى الأرض

حاكميت گوساله پرستان بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱۷

۱۷ - گوساله

پرستان ، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

إنّی خشیت أن تقول فرّقت بین بنی إسرءیل

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل، در فاصله ارتداد آنان، گویای حاکمیت مرتدان و گوساله پرستان است.

حالات بنی اسرائیل در میقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۵

۵ برگزیدگان بنی اسرائیل برای همراهی موسی (ع) در میعادگاه مناجات ، پس از حضور در آن مقام به لرزشی شدید و کشنده گرفتار شدند .

فلما أخذتهم الرجفه

حامی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۴

۴ - بنی اسرائیل گرفتار در نظام فرعونی ، مورد حمایت و لطف الهی

أن أسر بعبادی

اضافه <عباد> به ضمیر متکلم، بیانگر برداشت یاد شده است.

حامی مؤمنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - پیروان عیسی (ع) ، مورد تأیید و حمایت الهی در قبال دشمنانشان (کافران بنی اسرائیل)

فأیّدنا الذین ءامنوا علی عدوّهم

حرامخواران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۲

۲ - حرام خواران قوم موسی ، به جای طلب آمرزش از خدا و گفتن < حطه > - در هنگام ورود به بیت المقدس - کلامی دیگر بر زبان جاری می ساختند .

فبدل الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم

به نظر می رسد مراد از <الذین ظلموا> در جمله فوق، کسانی باشند که خداوند در

آیه ۵۷ آنان را به سبب ناسپاسی و استفاده از خوراکیهای غیر طیب، ستمکار شمرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۲ – ۲

۲ حرام خواران قوم موسی به جای طلب آمرزش از خدا به هنگام ورود به بیت المقدس کلامی دیگر بر زبان جاری ساختند .

فبدل الذین ظلموا منهم قولا غیر الذی قیل لهم

می توان گفت مراد از <الذین ظلموا> به دلیل <و لکن کانوا أنفسهم یظلمون> در آیه ۱۶۰ کسانی هستند که با استفاده از خوراکیهای غیر پاکیزه به حرامخواری دست یازیدند.

حرامخواری بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۷ – ۱۱،۱۲

۱۱ – قوم موسی با بهره گیری از خوراکی های حرام و غیر طیب ، از دستور خدا سرپیچی کردند .

کلوا من طیبت ما رزقنکم و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

ستمکار خواندن قوم موسی می تواند در ارتباط با جمله <کلوا من طیبات . ..> لحاظ شود. در این صورت مراد از ستمکاری آنان، استفاده از خوراکیهای حرام و غیر طیب است و نیز می تواند در ارتباط با نعمتهای متعددی که در این آیه و آیات قبل مطرح شده است، لحاظ شود. بر این اساس مراد از ستمگری آنان، ناسپاسی در برابر نعمتهای الهی است. برداشت فوق ناظر به وجه اول است.

۱۲ – قوم موسی با بهره گیری حرام از < منّ > و < سلوی > مرتکب گناه شده ، بر خود ستم کردند . *

کلوا من طیبت ما رزقنکم و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جمله <و

لکن کـانوا . ..> دلالـت بر آن دارد که قوم موسـی مرتکب حرام خواری شدنـد. به نظر می رسـد از مصـداقهای حرام خواری آنـان - به قرینه وقوع جمله مـذکور پس از بیـان نزول منّ و سـلوی - بهره گیری حرام از منّ و سـلوی، هماننـد تجاوز به سـهم دیگران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۷

۲۷ قوم موسی با بهره گیری از خوراکی های ناپاک از دستور خداوند سرپیچی کردند .

کلوا من طیبت ما رزقنکم و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

چنانچه اطلاق سـتمگری بر قوم موسی (کانوا أنفسهم یظلمون) در ارتباط با جمله <کلوا من طیبت . .. > بیان شده باشد، مراد از سـتمگری آنـان، اسـتفاده از خوراکیهـای حرام و ناپـاک است ; ولی چنـانچه جمله <و مـا ظلمونا و لکن ... > در ارتباط با نعمتهای متعددی باشد که در آیه مطرح شده، مراد از ستمگری ایشان، ناسپاسی در برابر آن نعمتهاست. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

حس گرایی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، دارای روحیه حس گرایی بودند .

حتی نری اللّه جهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۰

۱۰ بنی اسرائیل با مشاهده بت پرستان و کرنش آنان در برابر معبودهایی محسوس ، خواستار معبودی ملموس و محسوس شدند .

فأتوا علی قوم یعکفون علی أصنام لهم قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً کما لهم ءالهه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۹

۹ وجود گرایش های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹، تأثیری در متقاضیان خدای محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی) به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

حشر اخروی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۷۸

۷- احضار دسته جمعی بنی اسرائیل در قیامت ، برای بازجویی از آنان درباره نعمت های خدادادی

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الأخره جئنا بکم لفیفًا

برداشت فوق بدان احتمال است که احضار و حشر جمعی بنی اسرائیل در قیامت به قرینه فراز پیش (اسکنوا الأرض) از آن جهت باشد که آنان پاسخگوی نعمت بزرگ خدادادی (اسکنوا الأرض) باشند.

۸- احضار دسته جمعی بنی اسرائیل همراه با فرعونیان در قیامت برای مؤاخذه

جئنا بکم لفیفًا

بنابر اینکه مراد از <کم> بنی اسرائیل و نیز فرعونیان هلاک شده باشند، این برداشت به دست می آید.

حق ناپذیری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، مردمی شخصیت پرست بودند ; نه حقیقت طلب .

لن نبرح .

.. حتّی یرجع إلینا موسی

گوساله پرستان بنی اسرائیل، به جای اندیشه در گفته های هارون(ع) و شناخت حقیقت، تنها پاسخی که به او دادند، آن بود که بازگشت موسی(ع) از میقات را، شرط تجدید نظر در عقاید خود دانستند. حال آن که معقول آن بود که در باره کار خویش و گفته های هارون(ع)، درست بیندیشند.

حقّانیت انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۱

۲۱ تمامی پیامبران مبعوث شده به سوی بنی اسرائیل ، دارای دلایل روشن (معجزه برهان) بر حقانیت رسالت خویش

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت

حقوق بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۳

۳ سکونت قوم موسی (ع) در سرزمین مقدس ، حقی برای ایشان از جانب خداوند

التی کتب اللّه لکم

حکومت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ - بنی اسرائیل پس از دریافت تورات و عمل به محتوای آن ، به قدرت و حکومت رسیدند . *

ثم تولیتم من بعد ذلک

از معانی <تولی> ولایت پیدا کردن و حکومت یافتن است. برداشت فوق ناظر به این احتمال می باشد. گفتنی است بر این مبنا مراد از فضل خدا و رحمت او، همان اعطای تورات و توفیق عمل به احکام آن می باشد و مقصود از خسران در <لکنتم

من الخاسرین> قرار گرفتن در تحت سیطره حکومتهای کفر و جور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴

- مائده - ۵ - ۲۰ - ۷،۸،۹،۱۲

۷ حکومت و فرمانروایی بنی اسرائیل ، در برهه ای از تاریخ حیات خویش

و جعلکم ملوکاً

۸ حکومت و فرمانروایی بنی اسرائیل ، نعمتی الهی بر آنان

اذکروا نعمه اللّه علیکم . .. و جعلکم ملوکاً

۹ سروری قوم موسی (ع) بر دیگر اقوام در گذشته تاریخ خویش

اذکروا نعمه اللّه علیکم اذ . .. جعلکم ملوکاً

<ملوک> در برداشت فوق، کنایه از سیادت و سروری گرفته شده است.

۱۲ برانگیخته شدن پیامبران در بنی اسرائیل ، زمینه حاکمیت و استقلال آنان *

اذ جعل فیکم انبیاء و جعلکم ملوکاً

تقدیم جمله <جعل فیکم انبیاء> بر جمله <جعلکم ملوکا>، می تواند اشاره به این معنی باشد که وجود انبیا در میان بنی اسرائیل، سبب استقلال و فرمانروایی آنان شد.

حمایت از بنی اسرائیلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۷

۷ - استغاثه و یاری طلبی مرد بنی اسرائیلی ، از موسی (ع) علیه فرد قبطی

فاستغثه الذی من شیعته علی الذی من عدوّه

ختم قلب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۳

۳ خداوند ، پیمان شکنان بنی اسرائیل را از رحمت خویش دور ساخت و دل های آنان را از پذیرش حق بازداشت .

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

خدا در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ خداوند ، در دیدگاه ناصواب قوم موسی ، موجودی جسمانی و دارای حجم

*

فاذهب انت و ربک فقتلا

نسبت رفتن و جنگیدن به خداوند با یک تعبیر از او و موسی(ع)، دلالت می کند که آنها خداوند را موجودی همانند موسی(ع) می پنداشتند.

خطر اختلاف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل در خطر تشتت و تفرقه ، در صورت اقدام عملی و جدی هارون (ع) برای مقابله با گوساله پرستان

إنّی خشیت أن تقول فرّقت بین بنی إسرءیل

خطر ازدیاد جمعیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۰

۱۰ - خطرآفرینی افزایش جمعیت قوم بنی اسرائیل و جوانان آن ، برای حکومت فرعون

یذبّح أبناءهم

خواسته های بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۲،۳،۵،۱۳

۲ - بنی اسرائیل عصر موسی ، خواهان مشاهده خداوند شدند .

لن نؤمن لک حتی نری اللّه جهره

۳ - بنی اسرائیل ، تصدیق رسالت موسی را منوط به آشکارا دیدن خداوند کردند .

لن نؤمن لک حتی نری اللّه جهره

۵ - قوم موسی در پی کفر به او و تقاضای ناروایشان (دیدن خداوند) ، به هلاکت رسیدند .

لن نؤمن لک . .. فأخذتکم الصعقه

<اخذ> (مصدر اخذت) به معنای گرفتن است و به قرینه آیه بعد کنایه از کشتن می باشد.

۱۳ - قوم موسی ، در پی تقاضای رؤیت خدا ، شاهد فرود آمدن صاعقه بر خود بودند .

فأخذتکم الصعقه و أنتم تنظرون

مفعول <تنظرون> (نگاه می کردید) فرود آمدن صاعقه است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۱ – ۴،۵،۶،۱۴،۱۵،۲۱

۴ – بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا رفع یکنواختی طعامشان را از درگاه خدا مسألت کند و آنان را به غذا های متنوع برساند .

لن نصبر علی طعام وحد فادع لنا ربک

به قرینه <لن نصبر . ..> مورد دعا بر طرف شدن یکنواختی خوراکیهاست و به دلیل <یخرج لنا ...> مورد دعا دستیابی به خوراکیهای گیاهی نیز هست. بنابراین بنی اسرائیل دو تقاضا داشتند: ۱ بر طرف شدن یکنواختی غذا؛ ۲ دستیابی به خوراکیهای گیاهی.

۵ – بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا برای رسیدن به خوراکی های گیاهی به درگاه خدا دعا کند .

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض

۶ – قوم موسی ، خواهان خوراکی های گیاهی و روییده شده از زمین بودند .

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و . .. بصلها

عبارت <مما تنبت الأرض> (آنچه از زمین برویاندش) دلالت بر این دارد که: قوم موسی، خوراکیهایی را طلب می کردند که گیاهی بوده و محصول زمین باشد. اضافه شدن کلمات <بقل> و <بصل> به ضمیر <ها> - که به <الأرض> بر می گردد - (سبزیجات زمین و ... پیاز زمین)، بیانگر تأکید آنان بر زمینی بودن خوراکیهای درخواستی است.

۱۴ – سبزیجات ، خیار ، گندم ، عدس و پیاز از خوراکیهایی که قوم موسی خواهان آن بودند .

یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و . .. بصلها

<فوم> به معنای گندم است. برخی از اهل لغت گفته اند که به معنای سیر نیز به کار می رود و

نیز گفته شده که <فوم> به گندم و دیگر حبوباتی که با آن نان پخته شود اطلاق می گردد.

۱۵ - < منّ > و < سلوی > خوراکی بهتر در مقابل آنچه که قوم موسی در پی دستیابی به آن بودند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

<أدنی> از <دنو> و به معنای نزدیکتر است که به قرینه <خیر> مراد از آن پست تر می باشد. قابل ذکر است که برخی <أدنی> را از <دنائه> (پست) دانسته اند. بر این مبنا معنای حقیقی <أدنی> پست تر خواهد بود.

۲۱ - موسی (ع) در پی تقاضای قومش (درخواست خوراکی های زمینی) از آنان خواست تا به یکی از شهر ها در آیند و شهرنشینی را انتخاب کنند .

قال أتستبدلون . .. اهبطوا مصراً فان لکم ما سألتم

چنانچه ضمیر در <قال> به <ربک> برگردد، جمله <اهبطوا . ..> سخن خداوند است و اگر به موسی (ع) ارجاع شود، آن جمله گفته موسی(ع) خواهد بود. برداشت فوق به لحاظ احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۳

۳ - قوم موسی ، از وی خواستند تا مشخصه های گاوی را که باید ذبح شود از خداوند بخواهد و برای ایشان بیان کند .

قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۲

۲ - قوم موسی ، از وی تقاضا کردند تا رنگ گاوی را که باید ذبح شود ، از خداوند سؤال کند و برای ایشان بیان دارد

.

قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۱

۱ - قوم موسی ، بیان رنگ و سن گاو مورد نظر را مشخص کننده ندانسته و خواهان توضیح بیشتری درباره ویژگی های آن شدند .

قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۶،۸،۱۰

۶ - بنی اسرائیل ، پرسش ها و درخواستهایی نابه جا از موسی (ع) داشتند .

کما سئل موسی من قبل

۸ - قوم موسی ، نمونه ای بارز از اقوام بهانه جو در برخورد با پیامبران و دارای توقعات و خواسته های بی جا از آنان

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم کما سئل موسی من قبل

چون بعید به نظر می رسد که در میان امتهای گذشته، تنها قوم موسی پرسشها و درخواستهای نا به جا از پیامبرشان داشتند، می توان به این نتیجه رسید که: یاد کردن از قوم موسی، به خاطر رواج بیشتر این خصیصه در میان آنان بوده است.

۱۰ - درخواست ها و پرسش های نابه جای قوم موسی از وی ، آنان را به کفر ورزی کشانید و از ایمان به دور ساخت .

و من یتبدل الکفر بالأیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۲ - ۳،۵

۳ خروج جباران از سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی قوم موسی (ع) برای ورود به آن سرزمین

و إنّا لن ندخلها حتّی یخرجوا منها

۵ فتح سرزمین مقدس بدون مبارزه

و درگیری ، انتظار نابجای قوم موسی (ع)

إنّا لن ندخلها حتّی یخرجوا منها فان یخرجوا منها فانا دخلون

آیه و سیاق آن، حکایت از تخطئه اندیشه قوم موسی(ع) (فتح سرزمین قدس بدون مبارزه) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۴،۵،۸،۱۱

۴ خروج جباران از سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی بنی اسرائیل برای ورود به آن سرزمین

إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

۵ فتح سرزمین مقدس بدون مبارزه ، انتظار نابجای قوم موسی (ع)

إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

۸ بنی اسرائیل ، گستاخانه خواهان رهسپاری موسی (ع) و خدایش به نبرد با زورگویان سرزمین مقدس

قالوا . .. فاذهب انت و ربک فقتلا

۱۱ بنی اسرائیل ، با اعلام کناره گیری از نبرد ، خواستار معجزه موسی (ع) و امداد خاص الهی برای فتح سرزمین مقدس

فاذهب انت و ربک فقتلا

امدادهای الهی و معجزات موسی(ع) برای نابودی فرعونیان در حضور بنی اسرائیل، می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از <اذهب . ..>، توقع و درخواست امداد خداوند و معجزه موسی(ع) برای نابودی جباران است، به گونه ای که نیاز به جهاد و مبارزه نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۹،۱۰

۹ بنی اسرائیل از موسی خواستند تا خدایی مانند خدایان بت پرستان برای آنان قرار دهد .

اجعل لنا إلهاً کما لهم ءالهه

۱۰ بنی اسرائیل با مشاهده بت پرستان و کرنش آنان در برابر معبودهایی محسوس ، خواستار معبودی ملموس و

محسوس شدند .

فأتوا علی قوم یعکفون علی أصنام لهم قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً کما لهم ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۷

۷ بنی اسرائیل با توسل به موسی (ع) خواستار برطرف شدن مشکل کمبود آب شدند .

إذ استسقه قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۶،۷

۶ بنی اسرائیل ، خواهان هجرت از سرزمین مصر به سرزمین دیگر بودند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

۷ بنی اسرائیل ، در دعای خویش از خداوند خواستند : زمینه هجرتشان از سرزمین مصر به سرزمینی دیگر را فراهم کند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

جمله <و نجنا برحمتک من القوم الکافرین> به معنای (ما را از کافران خلاص نما) است و مقصود از آن می تواند درخواست هجرت به سرزمین دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ - قوم خیرخواه قارون ، خواهان بسنده کردن وی به سهم خویش و صرف کردن مازاد آن در راه خدا

و لاتنس نصیبک من الدنیا

خودکشی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۷،۹،۱۴،۱۹،۲۱

۷ - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف <فاء> در <فاقتلوا> تفسیریه است; یعنی، بیانگر این است که جمله <أقتلوا أنفسکم> تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا . ..) می باشد. در معنای جمله <فاقتلوا أنفسکم> دو نظر ایراد شده

است. ۱ فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید)؛ ۲ هر کسی خود را بکشد.

۹ - حضرت موسی (ع) با زمینه سازی فکری و روانی برای مرتدان بنی اسرائیل ، آنان را برای پذیرش و اجرای امر خدا (کشتن یکدیگر) آماده کرد .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم

موسی(ع) از انتساب بنی اسرائیل به خویش با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) در صدد تفهیم این حقیقت است که: او از روی دلسوزی آنان را به توبه دعوت می کند و از آنان می خواهد که به حکم خدا گردن نهند. تصریح به اینکه بنی اسرائیل با گوساله پرستی به خود ستم کردند نیز در راستای این معناست.

۱۴ - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

۱۹ - مرتد شدگان بنی اسرائیل (گوساله پرستان) پس از فرمان موسی (ع) به کشتن یکدیگر پرداختند .

فاقتلوا أنفسکم . .. فتاب علیکم

جمله <تاب علیکم> عطف بر جمله ای مقدر است؛ یعنی: <ففعلتم ما أمرتم به فتاب علیکم> پس آنچه را بدان موظف شدید انجام دادید و خداوند توبه شما را پذیرفت>. قابل ذکر است که ضمیر در <تاب> به قرینه جمله بعد به <بارئکم> (خالق شما) بر می گردد.

۲۱ - داستان توبه مرتدان بنی اسرائیل و اجرای فرمان خدا مبنی بر کشتن یکدیگر ، داستانی آموزنده و درخور به خاطر داشتن

و إذ قال موسی . .. فتاب علیکم

<إذ قال . ..> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است؛ یعنی: <اذکروا إذ قال ...>.

خوردنی گیاهی بنی اسرائیل

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - سبزیجات ، خیار ، گندم ، عدس و پیاز از خوراکیهایی که قوم موسی خواهان آن بودند .

یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و . .. بصلها

<فوم> به معنای گندم است. برخی از اهل لغت گفته اند که به معنای سیر نیز به کار می رود و نیز گفته شده که <فوم> به گندم و دیگر حبوباتی که با آن نان پخته شود اطلاق می گردد.

خوردنیهای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۳

۳ - خداوند ، برای تغذیه قوم موسی - به هنگام عبورشان از صحرا - برای آنان < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) فرو فرستاد .

و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز به شربتی شیرین، همانند عسل معنا شده است و در معنای <سلوی> گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی نیز گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۵

۵ - تهیه خوراکی ها از هر ناحیه بیت المقدس ، برای بنی اسرائیل حلال و مباح بود .

فکلوا منها حیث شئتم رغداً

<حیث شئتم> (هر کجا خواستید) دلالت بر آن دارد که محدوده مکانی برای بهره برداری از نعمتهای بیت المقدس تعیین نشده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱۹

۱۹

- خداوند ، هر طایفه از بنی اسرائیل را از تجاوز به خوراکی ها و نوشیدنی های مخصوص طایفه دیگر بر حذر داشت .

قد علم کل أناس مشربهم کلوا و اشربوا . .. و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

اختصاص دادن هر چشمه به طایفه ای از بنی اسرائیل و سپس نهی از فسادگری، اشاره به این دارد که: تجاوز هر طایفه به حقوق دیگری فسادگری است و می بایست بنی اسرائیل از آن پرهیز می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲،۴،۱۵،۱۷

۲ - بنی اسرائیل ، از یکنواختی خوراک خویش (منّ و سلوی) به موسی (ع) شکایت کردند .

و إذ قلتم یموسی لن نصبر علی طعام وحد

۴ - بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا رفع یکنواختی طعامشان را از درگاه خدا مسألت کند و آنان را به غذا های متنوع برساند .

لن نصبر علی طعام وحد فادع لنا ربک

به قرینه <لن نصبر . ..> مورد دعا بر طرف شدن یکنواختی خوراکیهاست و به دلیل <یخرج لنا ...> مورد دعا دستیابی به خوراکیهای گیاهی نیز هست. بنابراین بنی اسرائیل دو تقاضا داشتند: ۱ بر طرف شدن یکنواختی غذا; ۲ دستیابی به خوراکیهای گیاهی.

۱۵ - < منّ > و < سلوی > خوراکی بهتر در مقابل آنچه که قوم موسی در پی دستیابی به آن بودند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

<أدنی> از <دنو> و به معنای نزدیکتر است که به قرینه <خیر> مراد از آن پست تر می باشد. قابل ذکر است که برخی <أدنی> را

از <دنائه> (پست) دانسته اند. بر این مبنا معنای حقیقی <أدنی> پست تر خواهد بود.

۱۷ – قوم موسی به مصلحت خویش در انتخاب غذا ناآگاه بودند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹۳ – ۱،۱۱،۱۴

۱ حلّیت همه خوردنی ها بر بنی اسرائیل ، قبل از نزول تورات

کُلُّ الطعام کان حلا لبنی اسرائیل . .. من قبل ان تنزّل التوریه

<من قبل>، متعلق است به <کان حلا> و استثنای در <الا ما حرم . .. > منقطع می باشد.

۱۱ آنچه از خوردنی ها که یعقوب (ع) بر خویش حرام کرده بود ، بر بنی اسرائیل نیز حرام بود .

کل الطعام کان حلا لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه

بنابراینکه استثنای در <الا ما حرم . .. > استثنای متصل باشد.

۱۴ حلیت همه خوردنی ها بر بنی اسرائیل ، جز گوشت شتر که اسرائیل (ع) (یعقوب) قبل از نزول تورات بر خود حرام کرده بود .

کل الطعام کان حلا لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه

امام صادق (ع): . .. ان اسرائیل کان اذا اکل من لحم الابل هیّج علیه وجع الخاصره فحرّم علی نفسه لحم الابل و ذلک قبل ان تنزّل التوراه.

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹ ; بحارالانوار، ج ۹، ص ۱۹۱، ح ۳۱.

خیانت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۲۰

۲۰ خیانت پیشگی اکثریت بنی اسرائیل

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم إلاّ قلیلا

منهم

خیرخواهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۳

۱۳ - رواج اخلاق خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر ، در میان مردم عصر موسی

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره و لاتنس نصیبک من الدنیا و أحسن

درخواست نجات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۳

۳ - آزادی بنی اسرائیل و گسیل داشتن آنان با موسی و هارون (ع) ، نخستین خواسته آن دو از فرعون بود .

فقولا . .. فأرسل معنا بنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸ - ۵

۵ - ادعای رسالت الهی و درخواست آزاد گذاشتن بنی اسرائیل برای خروج از سرزمین مصر از سوی موسی (ع) ، دور از انتظار فرعون و عملی جسورانه در نظر وی بود .

فقولا إنّا رسول ربّ العلمین . أن أرسل معنا بنی إسرءیل . قال ألم نربّک ... و لبث

برداشت یاد شده از به رخ کشیدن دوران کودکی و بخشی از عمر موسی(ع) پس از اظهاراتش درباره رسالت الهی و آزاد سازی بنی اسرائیل، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۸ - ۱،۵،۶

۱- رهایی بنی اسرائیل از نظام فرعونی ، یکی از مهم ترین خواسته های موسی (ع) از فرعونیان

أن أدّوا إليّ عباد اللّه

چنانچه مراد از <عباداللّه> بنی اسرائیل باشد از این که خداوند در رأس همه سخنان موسی درخواست

آزادی بنی اسرائیل را مطرح ساخته اهمیت آن استفاده می شود.

۵- تذکر موسی (ع) به فرعونیان ، نسبت به خیراندیشی خود در پیشنهاد رهایی بنی اسرائیل

أن أدّوا . .. إنّی لکم رسول أمین

لام در <لکم> برای منفعت و <رسول أمین> تأکیدی بر رعایت امانت در نصیحت است؛ یعنی، بنی اسرائیل را رها کنید و بدانید که در این پیشنهاد، منفعت واقعی شما نهفته است و من در این سخن صداقت دارم.

۶- درخواست رهایی بنی اسرائیل از سوی موسی (ع) ، نشأت یافته از رسالت آن حضرت و نه انگیزه های قومی و طبقاتی

أن أدّوا . .. إنّی لکم رسول أمین

از تأکید موسی(ع) بر <إنّی لکم رسول أمین> استفاده می شود که آنچه آن حضرت به فرعونیان پیشنهاد کرده، نه از آن جهت است که با بنی اسرائیل پیوند نژادی و طبقاتی دارد؛ بلکه صرفاً در این سخن، پیامداری امین از جانب خداوند است.

درخواستهای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۲

۲ درخواست بزرگان بنی اسرائیل پس از موسی از پیامبر خویش ، برای تعیین فرماندهی در جنگ با دشمنان

الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل من بعد موسی اذ قالوا لنبی لهم ابعث لنا ملکاً

<ملأ>، کسانی هستند که نظرها را به خود جلب می کنند. (اشراف و بزرگان هر قوم)

دستور استغفار به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۲

۲ - حرام خواران قوم موسی ، به جای طلب آمرزش از خدا و گفتن < حطه

> – در هنگام ورود به بیت المقدس – کلامی دیگر بر زبان جاری می ساختند .

فبدل الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم

به نظر می رسد مراد از <الذین ظلموا> در جمله فوق، کسانی باشند که خداوند در آیه ۵۷ آنان را به سبب ناسپاسی و استفاده از خوراکیهای غیر طیب، ستمکار شمرد.

دشمنان بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۹ – ۹

۹ فرعون و اشراف دربار او ، دشمنان قوم موسی

عسی ربکم أن یهلک عدوکم

کلمه <عدو> هم می تواند به معنای دشمن باشد که در این صورت مراد از آن فرعون است و هم می تواند به معنای دشمنان باشد که در این صورت مراد از آن فرعون و اشراف دربار او خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۰ – ۳

۳ فرعون و سپاهیانش ، از سرِ ستم و کینه توزی ، بنی اسرائیل را تعقیب کردند .

فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۳ – ۱،۲

۱– تصمیم فرعون به محو موسی (ع) و بنی اسرائیل از صحنه زمین ، به دنبال احساس ناتوانی از مقابله با معجزات او

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت . .. فأراد أن یستفزّهم من الأرض

برداشت فوق بنابراین نکته است که مراد از <الأرض> کره زمین باشد. در این صورت لازمه <استفزاز> (برکندن)، قتل و نابود کردن است.

۲- حضور موسی (ع) و بنی اسرائیل در سرزمین مصر ،

غیر قابل تحمل برای فرعون و موجب تصمیم وی به اخراج قهرآمیز آنان

فأراد أن یستفزّهم من الأرض

بنابر اینکه مراد از <الأرض> سرزمین مصر باشد که مقر حکومت فرعون بوده است نکته فوق قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۱

۱ - فرعون ، دشمن بنی اسرائیل و در صدد تباهی آنان بود .

فأتبعهم فرعون . .. یبنی اسرءیل قد أنجینکم من عدوّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۶

۶ - دشمنی قبطیان با بنی اسرئیل در مصر

هذا من شیعته و هذا من عدوّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۹ - ۲

۲ - مرد قبطی ، دشمن مشترک موسی (ع) و مرد اسرائیلی بود .

أن یبطش بالذی هو عدوٌّ لهما

دشمنان مؤمنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ - رویارویی و دشمنی کافران بنی اسرائیل با پیروان حضرت عیسی (ع)

فأیّدنا الذین ءامنوا علی عدوّهم

دشمنی اشراف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۶

۶ رؤسا و اشرافِ قوم موسی ، دشمنان او و وابسته به حکومت فرعون بودند .

علی خوف من فرعون و ملإیهم

دشمنی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۳۲،۳۳

۳۲ بنی اسرائیل در صدد آسیب رسانی به حضرت مسیح

(ع) ، پس از مشاهده معجزات و دلایل روشن آن حضرت بر رسالت خویش

و اذ كففت بنى اسرءيل عنك اذ جئتهم بالبينت

مراد از <بينات> به قرينه ذيل آيه (ان هذا الا سحر مبين> معجزات عيسى(ع) است.

۳۳ پيامبرى و رسالت عيسى (ع) برانگيزنده دشمنى بنى اسرائيل با وى

و اذ كففت بنى اسرءيل عنك اذ جئتهم بالبينت

<اذ جئتهم بالبينت> رساى به اين معناست كه علت دشمنى بنى اسرائيل با عيسى(ع) بعثت او و به پيامبرى و دعوت آنان به ايمان بوده است.

دشمنى كافران بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ - رويارويى و دشمنى كافران بنى اسرائيل با پيروان حضرت عيسى (ع)

فأيّدنا الذين ءامنوا على عدوّهم

دعاى بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۸۵ - ۳

۳ قوم موسى پس از اتكال بر خدا ، دست به نيايش برداشته و از درگاه او خواستند تا ضعف و ناتوانى را كه تشويق كننده ظالمان به ستمگرى است از ميان آنان بردارد .

فقالوا على اللّه توكلنا ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمين

همان گونه كه مال، اولاد و دنيا به خاطر داشتن جاذبه فتنه است و آدميان را مفتون خود مى كند، ضعف و ناتوانى مردم نيز براى زورگويان فتنه است و آنان را بر تجاوز به آنان، ترغيب مى كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۱،۷،۸

۱ درخواست مؤمنان قوم موسی از خداوند

، برای نجات از گروه کفرپیشه

ربنا لا تجعلنا فتنه . .. و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

۷ بنی اسرائیل ، در دعای خویش از خداوند خواستند : زمینه هجرتشان از سرزمین مصر به سرزمینی دیگر را فراهم کند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

جمله <و نجنا برحمتک من القوم الکافرین> به معنای (ما را از کافران خلاص نما) است و مقصود از آن می تواند درخواست هجرت به سرزمین دیگر باشد.

۸ بنی اسرائیل ، در دعای خود به صفت رحمت خداوند متوسل شدند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

دعوت از بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۳ – ۱

۱ – خداوند ، بنی اسرائیل را به اقامه نماز و پرداخت زکات دعوت کرد .

یبنی إسرائیل اذکروا . .. و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۵ – ۸

۸ خداوند از موسی خواست تا قومش را به فراگیری معارف نوشته شده بر الواح و احکام یاد شده در آن فرمان دهد .

و أمر قومک یأخذوا بأحسنها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲ – ۲

۲– بنی اسرائیل ، مخاطبان اصلی دعوت موسی (ع) و هدایت آنان ، مهم ترین هدف و وظیفه آن حضرت

و ءاتينا موسى الكتب و جعلنه هدًى لبنى إسرءيل

از مجموع آیات مربوط به حضرت موسی(ع) برمی آید که دعوت ایشان، دعوتی فراگیر بوده است و ذکر بنی اسرائیل در این آیه، می تواند برای این باشد

که آنان مخاطبان اصلی دعوت بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۵

۱۵ - هارون در غیاب موسی (ع) ، بنی اسرائیل را به ترک تبعیت سامری ، و پیروی و اطاعت از خود فرا خواند .

لقد قال لهم هرون من قبل . .. فاتّبعونی و أطیعوا أمری

دعوت انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۵

۲۵ بسیاری از بنی اسرائیل ، علی رغم دعوت پیامبرانشان ، مردمی اسرافکار و قانونشکن بودند .

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

اسراف به معنای خروج از حد اعتدال است و کلمه <فی الارض> می رساند که منظور از اسراف، خروج از حد اعتدال در مسائل اجتماعی است که از آن به قانونشکنی تعبیر شده است.

دعوت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۲۴

۲۴ تبلیغات یاوران خداترس موسی (ع) (یوشع و کالب) به هدف برانگیختن و بسیج بنی اسرائیل برای هجوم به سرزمین مقدس و نبرد با زورگویان

قال رجلان . .. ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های

خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

یبنی اسرءیل قد أنجینکم

. .. و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

دلایل استثمار بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲ – ۴

۴ – راه یافتن موسی (ع) به دستگاه فرعون حلقه ای از زنجیر بردگی بنی اسرائیل

قال ألم نربّک فینا ولیدًا . .. و تلک نعمه تمنّها علیّ أن عبّدتّ بنی إسرءیل

مقصود موسی(ع) از بیان مطلب یاد شده این بود که اگر ظلم تو بر بنی اسرائیل (کشتن نوزادان) نبود، هرگز مادرم مرا به نیل رها نمی کرد تا اسیر تو شوم و امروز تو بر من منّت نهی.

دلایل اعراض بنی اسرائیل از اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۵ – ۱۰

۱۰ – تبیین علل ایمان نیاوردن جامعه یهود و بنی اسرائیل به اسلام ، از اهداف تشریع سرگذشت آنان در قرآن

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

آیه مورد بحث نتیجه است برای حقایق تاریخی مربوطه به بنی اسرائیل و خصوصاً یهود; یعنی، آنان پس از مشاهده معجزه های فراوان و برخوردار شدن از نعمتهای الهی کفر ورزیدند; به گوساله پرستی گرایش پیدا کردند و نسبت جهل و استهزا به موسی(ع) دادند. بنابراین انتظار ایمان آوردن به قرآن از آنان انتظاری نا به جاست.

دلایل بردگی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲ – ۴

۴ – راه یافتن موسی (ع) به دستگاه فرعون حلقه ای از زنجیر بردگی بنی اسرائیل

قال ألم نربّک فینا ولیدًا . .. و تلک نعمه تمنّها علیّ أن عبّدتّ بنی إسرءیل

مقصود موسی(ع) از بیان

مطلب یاد شده این بود که اگر ظلم تو بر بنی اسرائیل (کشتن نوزادان) نبود، هرگز مادرم مرا به نیل رها نمی کرد تا اسیر تو شوم و امروز تو بر من منّت نهی.

دنیاطلبی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۵،۶،۲۲

۵ سرشناسی و از طبقه اشراف و بزرگان بودن و داشتن ثروت فراوان ، شرط زمامداری ، در پندار بزرگان بنی اسرائیل

و نحن احق بالملک منه و لم یؤت سعةً من المال

ظاهراً جمله <نحن احق . .. > سخن ملأاست; گویا آنان بدین جهت خود را برای زمامداری سزاوارتر می دانستند.

۶ سرشناسی و از اشراف بودن ، مهمترین ملاک برای زمامداری ، در دیدگاه ملأ بنی اسرائیل *

و نحن احقّ بالملک منه و لم یؤت سعه من المال

اشراف بنی اسرائیل در مقام بیان ملاک زمامداری، در ابتدا مسأله سرشناسی و ملأ بودن را مطرح نمودند و سپس مسأله ثروت را.

۲۲ نبودن طالوت از خاندان نبوت و پادشاهی ، منشأ اعتراض بزرگان (ملأ) بنی اسرائیل به برگزیدگی وی از جانب خداوند

قالوا انی یکون له الملک علینا

امام باقر (ع) درباره آیه <انّ اللّه قد بعث . .. > فرمود: لم یکن من سبط النبوه و لا من سبط المملکه ...

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

دنیاگرایی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۷

۷ محرومیّت بنی اسرائیل از مقام برّ ، پیامد ترک انفاق از اشیای مورد

علاقه خود و دلبستگی آنان به دنیا *

لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا ممّا تحبّون

با توجه به آیات قبل و بعد می توان گفت: بنی اسرائیل از جمله مخاطبان آیه می باشند.

دوازده چشمه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۲،۱۳،۱۴

۱۲ جوشش دوازده چشمه آب از سنگ در پی فرود آمدن عصای موسی بر آن

أن اضرب بعصاک الحجر فانبجست منه اثنتا عشره عینا

<انبجاس> مصدر <انبجست> به معنای جوشیدن و فوران زدن است.

۱۳ هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، مخصوص طایفه ای از دوازده طایفه بنی اسرائیل بود .

قد علم کل أناس مشربهم

<أناس> جمع إنس (مردم) است و مراد از آن طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل می باشد. <مشرب> به آب آشامیدنی و یا جایگاهی که از آن آب برمی دارند گفته می شود و مقصود از آن چشمه هایی است که از سنگ جوشید.

۱۴ هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، دارای علامتی مشخص کننده اختصاص آن به طایفه ای از بنی اسرائیل بود .

قد علم کل أناس مشربهم

دوراندازی زیورآلات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۷،۸،۹،۱۰

۷ - بنی اسرائیل ، در زمان غیبت موسی (ع) و رفتن او به میقات ، زیورآلات غنیمتی خود را دور انداختند .

حمّلنا أوزارًا من زینه القوم فقذفنها

<قذف> به معنای پرتاب کردن و دور انداختن است. با توجه به جمله <حمّلنا أوزاراً> به نظر می رسد، بنی اسرائیل زیورآلات به غنیمت گرفته شده را به

این خاطر که گناه و آلودگی است، به دور انداختند. و یا به جهت بی قدر و قیمت شدن آنها در شرایط صحرا و زندگی بیابانی، تصمیم به دور انداختن آنها گرفتند.

۸ - سامری ، سردمدار جریان به دورافکندن زیورآلات به وسیله بنی اسرائیل

فقذفنها فکذلک ألقی السامریّ

مشخص کردن سامری در بین مجموعه ای که زیورآلات را به دور افکندند، نشان دهنده جلودار بودن او در این قضیه است.

۹ - بنی اسرائیل ، شاهد دست زدن سامری به اقدامی مشابه با حرکت عمومی بنی اسرائیل در به دور افکندن غنیمت های به جا مانده از فرعونیان

فقذفنها فکذلک ألقی السامریّ

<کذلک>; یعنی، مانند آنچه ما انجام دادیم. این توصیف گویای آن است که سامری در حضور بنی اسرائیل و همانند آنان، عمل کرده و چیزهایی را دور انداخته بود.

۱۰ - اقدام سامری در دور افکندن اشیای خویش ، پس از آن بود که بنی اسرائیل غنیمت های همراه خویش را دور ریخته بودند .

فکذلک ألقی السامریّ

دین بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۵

۱۵ کردار ناروای بنی اسرائیل علی رغم انتساب آنان به دین یهود ، دلیل کارساز نبودن انتساب ظاهری به ادیان الهی در سعادت انسان

إنّ الذین ءامنو و الذین هادوا . .. فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

در آیه قبل بیان شد که <ان الذین . ..> اشاره دارد به این که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نمی باشد و این آیه به منزله برهانی بر آن حقیقت است، یعنی انتساب یهود و نصارا به یهودیت و نصرانیت چگونه می

تواند مایه سعادت آنان باشد با اینکه پیامبران راتکذیب کردند و گروهی از آنان را کشتند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۵

۵ بنی اسرائیل ، مردمی مغرور به نژاد و دین خویش

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و حسبوا الا تکون فتنه

بسیاری از مفسران برآنند که ریشه اعتقاد بنی اسرائیل (رهایی از آزمون و مجازات الهی) این بوده که آنان از نسل اسرائیل هستند و به یهودیت و یا نصرانیت منتسب می باشند. آیه ۶۹ که مجرد انتساب به دین را کارساز در سعادت نمی دانست، می تواند اشاره به این نظریه داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۵

۵ - پایبند ماندن بنی اسرائیل بر آیین توحیدی پدران خویش (ابراهیم ، اسحاق و یعقوب)

هذا من شیعته

ذبح گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۱،۳،۵

۱ - خداوند ، قوم موسی را به ذبح گاوی ماده فرمان داد .

إن اللّه یأمرکم أن تذبحوا بقره

ماده بودن گاو از <بکر> در آیه بعد استفاده می شود.

۳ - تأکید موسی (ع) بر اینکه دستور ذبح گاو ، از ناحیه خداست نه صلاحدید وی .

إذ قال موسی لقومه إن اللّه یأمرکم

۵ - قوم موسی بر این گمان بودند که دستور ذبح گاو از ناحیه موسی (ع) است ، نه فرمانی از جانب خداوند

أتتخذنا هزواً

از اینکه بنی اسرائیل با جمله <أتتخذنا هزواً> (آیا ما را به مسخره می

گیری) موسی(ع) را مورد خطاب قرار دادند، معلوم می شود که: آنان دستور ذبح گاو را دستوری از ناحیه خداوند نمی پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۱،۲،۵،۶

۱ - بنی اسرائیل ، پس از انکار اولیه ، به الهی بودن دستور ذبح گاو ماده مطمئن شدند .

قالو أتتخذنا هزواً . .. قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی

تقاضای تبیین ویژگیها و مشخصه های گاوی که باید ذبح شود، بیانگر این معناست که: قوم موسی در پی سخنان او (أعوذ باللّه . ..) باور کردند که دستور ذبح گاو، فرمانی از جانب خداوند است.

۲ - قوم موسی ، ناباور به کفایت ذبح هر گاوی برای حل معمای قتل

قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی

۵ - موسی (ع) مردم خویش را به انجام مأموریتشان (ذبح گاو میانسال) فرمان داد .

إنها بقره لافارض و لابکر عوان بین ذلک فافعلوا ما تؤمرون

۶ - میانسال بودن گاو - پیش از سؤال از مشخصه های دیگر - تنها ویژگی لازم برای گاو ماده ای که بنی اسرائیل به ذبح آن مأمور شدند .

عوان بین ذلک فافعلوا ما تؤمرون

جمله <فافعلوا ما تؤمرون> (به آنچه مأمور شدید عمل کنید) بیانگر این است که: تکلیف قوم موسی و به اصطلاح <مأمورٌ به> آنان، ذبح گاوی میانسال بوده است بدون لحاظ شرطی دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۲،۵،۷،۸

۲ - گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند باید سالم ، بی نقص و پیراسته از

هر نقطه و خطی در رنگ و پوستش می بود .

مسلّمه لاشیه فیها

<مسلّمه> یعنی دارای سلامت و سلامت به معنای: مبرا بودن از عیب و آفت است. <شیه> به هر رنگی گفته می شود که مخالف رنگ عمومی چیزی باشد. بنابراین <لاشیه فیها> یعنی، در رنگ آن گاو، رنگ دیگری نباشد. گفتنی است که <شیه> از ماده <وشی> است و <هاء> آخر عوض واو محذوف می باشد.

۵ - قوم موسی ، گاوی را با تمام ویژگی های تعیین شده ، یافته آن را ذبح کردند .

فذبحوها

ضمیر <ها> در <ذبحوها> به <بقره>]توصیف شده [برمی گردد.

۷ - قوم موسی ، پس از دستیابی به گاو مورد نظر ، تمایلی به کشتن آن نداشتند .

و ما کادوا یفعلون

<کاد> به معنای نزدیک بود، است. این فعل آن گاه که منفی باشد گاهی دلالت بر تأکید انجام نگرفتن فعل بعد دارد و احیاناً حاکی از انجام گرفتن آن، از روی بی میلی، کندی یا سختی است. در جمله <ما کادوا یفعلون> به قرینه <فذبحوها> دومین معنا مراد است; یعنی، انجام دادند ولی با سختی و بی میلی.

۸ - قوم موسی ، با سؤال و جستجوی بی مورد ، تکلیف (کشتن گاوی ماده برای حل معمای قتل) را بر خود دشوار کردند .

فذبحوها و ما کادوا یفعلون

جمله <ما کادوا یفعلون> (نزدیک بود انجام ندهند) می تواند اشاره به دشواری انجام تکلیف مذکور باشد، که به شهادت جمله <فافعلوا ما تؤمرون> (در آیه ۶۸) و قرینه های دیگر، قوم موسی خود با سؤالهای بی مورد این مشکل را آفریدند و تکلیف را بر خویش دشوار ساختند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۷

۱۷ - بزنطی از امام رضا (ع) روایت نموده که : < ان رجلا من بنی اسرائیل قتل قرابه له . . . فقالوا لموسی (ع) ان سبط آل فلان قتلوا فلاناً فاخبرنا من قتله ؟ قال ایتونی ببقره . . . فاشترو ها و جاؤا بها فأمر بذبح ها ثم أمر ان یضرب المیت بذنب ها فلما فعلوا ذلک حیی المقتول و قال یا رسول اللّه ابن عمّی قتلنی دون من یدعی علیه قتلی فعلموا بذلک قاتله . . . ;

شخصی از بنی اسرائیل یکی از نزدیکان خود را کشت . .. بنی اسرائیل به موسی گفتند: فلان قبیله، فلانی را کشته است و تو قاتل را معرفی کن. موسی (ع) فرمود: گاوی را نزد من آورید ... آنان گاو را خریده و نزد موسی(ع) بردند و موسی امر به ذبح آن کرد. سپس امر نمود که دم آن گاو را به مقتول بزنند و چون این کار را کردند آن مرده زنده شد و گفت ای پیامبر خدا! پسر عمویم مرا کشته است نه آن کس که او را متهم به کشتن من کرده اند، پس با این عمل قاتل را شناسایی نمودند ...>.

ذکر تاریخ بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱،۲

۱- پیامبر (ص) ، موظف به یادآوری سرگذشت موسی (ع) و قومش و به خاطر سپردن آن

و إذ قال موسی لقومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که فعل

<اذکر> قبل از <إذ> مقدر باشد. بنابراین، آیه خطاب به پیامبر(ص) و بیان وظیفهء آن حضرت است.

۲- سرگذشت موسی (ع) و قومش ، درس آموز و شایسته به خاطر سپردن

و إذ قال موسی لقومه

اینکه خداوند پیامبر(ص) را موظف به یادآوری سرگذشت حضرت موسی(ع) کرده است، حکایت از اهمیت و سودمندی آن دارد و شایسته است انسانها آن را به خاطر بسپارند.

ذکر مواعظ بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۳

۱۳ - رفتار ناصحانه قوم قارون با وی ، امری شایان توجه و یادآوری است .

إذ قال له قومه لاتفرح

<إذ> در محل نصب و مفعول برای فعل محذوف است; یعنی، <اذکروا إذ قال له قومه. ..>.

ذکر نجات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۳

۳ - نجات از چنگال فرعونیان و عذاب های ایشان ، خاطره ای برای بنی اسرائیل ، که شایسته به خاطر سپردن و همواره به یاد داشتن است . *

و إذ نجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوءالعذاب

<إذ نجیناکم> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است و در حقیقت مفعول برای <اذکروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۶

۶- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، نعمت چشمگیر و به یاد ماندنی خداوند بر آنان بود .

إذ قال موسى لقومه اذكروا نعمه الله عليكم إذ أنجكم من ءال فرعون

ذلت بنى اسرائيل

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره

- ۲ - ۶۱ - ۲۳،۲۹

۲۳ - خواری ، فقر و درماندگی ، سرنوشت محتوم متجاوزان بنی اسرائیل است .

و ضربت علیهم الذله و المسکنه

<مسکنه> به معنای فقر و سستی است. <ذله> و <مسکنه> به قبّه و مانند آن تشبیه شده و لذا کلمه <ضربت> (زده شد) برای آن به کار رفته است; یعنی، خواری و درماندگی همچون قبه ای آنان را احاطه کرده و بر آنان خیمه زده است.

۲۹ - انکار آیات الهی و کشتن انبیا ، موجب خوار گشتن و درمانده شدن همیشگی بنی اسرائیل شد .

ذلک بأنهم کانوا یکفرون بأیت اللّه و یقتلون النبیین

<ذلک> اشاره به <ذله>، <مسکنه> و <غضب الهی> است و باء در <بأنهم> سببیه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۵

۵ - بنی اسرائیل در خطر گرفتار آمدن به عذاب های دنیوی (ذلیل گشتن ، مطرود شدن و . . .) در صورت ایمان نیاوردن به قرآن و انجام ندادن اعمال صالح

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خسئین

در آیات گذشته (از ۴۱ تا ۴۵ و نیز آیه ۶۲) خداوند بنی اسرائیل را به ایمان و تصدیق قرآن و انجام اعمال صالح دعوت کرد و در آیه مورد بحث سرگذشت شوم اصحاب سبت را یادآور شد تا هشداری باشد به آنها که مبادا با سرپیچی از دعوت خدا و فرمانهای او، به سرنوشتی همانند اصحاب سبت گرفتار آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۵ - ۵

۵ بنی اسرائیل ، زیر

سلطه و اقتدار فرعون و اشراف خود ، با ضعف و ذلت ، روز می گذراندند .

فقالوا علی اللّه توکلنا ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۷۸

۷ - استضعاف و به زبونی کشاندن بنی اسرائیل ، نمودی دیگر از حاکمیت سلطه طلبانه فرعون است .

إنّ فرعون علا فی الأرض . .. یستضعف طائفه منهم

مراد از <طائفه منهم> به قرینه آیات بعد، قوم بنی اسرائیل است.

۸ - تلاش زبون سازانه فرعون ، تنها متوجه قوم بنی اسرائیل بود .

یستضعف طائفه منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۰ - ۲

۲- زندگی بنی اسرائیل در نظام فرعونی ، همراه با ذلت و مشقت های فراوان

و لقد نجّینا بنی إسرءیل من العذاب المهین

ذلّت بنی اسرائیل در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۶

۶ ضعف و ذلت بنی اسرائیل در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) تا درجه ای بود که حتی از داشتن خیمه یا کومه ای ، که آنان را از سرما و گرما حفظ کند ، محروم بودند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً

ذلت گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۲

۲ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم . .. ذله

فی الحیوه الدنیا

رحمت بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۴

۴- کتاب آسمانی موسی (تورات) ، سرمشق زندگی و تبلور رحمت الهی برای بنی اسرائیل

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه

با توجه به این که کتاب موسی برای بنی اسرائیل و هدایت آنان نازل شده است، قید <إماماً و رحمه> نیز نظر به پیشوایی و رحمت در مورد آنان دارد.

رسوم بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۷

۷ < عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله تعالی] : < جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه > : یعنون السنّه التی تجری فیهم أن یحبسه . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که فرموده: <جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه> روایت شده است: مقصود آنان ، سنت جاری بین آنان بوده که او را حبس کند . ..>.

رضایت دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۷

۷ - پیدایش روحیه تسلیم و رضا (تسلیم در برابر اراده خدا و رضا به داده او) در آرزومندان ثروت قارونی ، با مشاهده هلاکت غافلگیرانه وی

و أصبح الذین . .. ویکأنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر

تعبیر <اللّه یبسط الرزق. ..> نشـانگر این حقیقت است که روزیِ انسـان هـا در دست خداونـد است. بنـابراین مـا به هر چه او مصلحت بداند (هر چند فقر و تنگدستی) راضی

و تسلیم هستیم.

رفتار بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۱ – ۳،۱۱

۳ اعتماد بنی اسرائیل بر حدس و گمان در بینش ها و اندیشه های دینی

و حسبوا الا تکون فتنه

۱۱ گرایش بنی اسرائیل در برهه ای از زمان به رفتار پسندیده و اندیشه صحیح دینی

ثم تاب اللّه علیهم

چون آیات قبل رفتار ناپسند و نیز اندیشه های ناصحیح دینی بنی اسرائیل را بیان کرده بود، معلوم می شود توبه آنان در هر دو جهت بوده است.

رفع اندوه بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۵ – ۱

۱ – موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۲۱ – ۳

۳ – نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان از اندوهی بزرگ ، اعطای کتاب آسمانی و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان ، از پاداش های خداوند به ایشان

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

رفع تحیر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۳

۳ - قوم موسی ، آخرین علایم تعیین شده را (رام نشده برای شخم و . . .) نشانه هایی قاطع و برطرف کننده سردرگمی خویش دانستند .

قالوا الئن جئت بالحق

<حق> در جمله فوق به معنای

ثابت و استوار در مقابل امری تردیدپذیر و نامشخص است. ال در <الحق> برای استغراق خصایص افراد است; یعنی، حق کامل و تمام.

رفع ترس از بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۲ - ۱

۱ - اقدام قاطع موسی (ع) برای زدودن وحشت همراهان خویش و (ترس آنان از گرفتار شدن در کمند سپاه فرعون)

قال أصحب موسی إنّا لمدرکون . قال کلاّ

رنج از استثمار بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲ - ۷

۷ - دلبستگی عمیق موسی (ع) به بنی اسرائیل و رنج شدید وی از بردگی و استثمار آنان توسط فرعون

و تلك نعمه تمنّها علیّ أن عبّدتّ بنی إسرءیل

رنج از بردگی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲ - ۷

۷ - دلبستگی عمیق موسی (ع) به بنی اسرائیل و رنج شدید وی از بردگی و استثمار آنان توسط فرعون

و تلك نعمه تمنّها علیّ أن عبّدتّ بنی إسرءیل

رنج زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۸

۸ زنان بنی اسرائیل به سبب کشتار وسیع فرزندانشان به دست فرعونیان ، لذت حیات و زنده ماندن از آنان سلب شده بود .

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم

<زنده گذاشتن زنان> به عنوان یک عذاب برای قوم بنی اسرائیل است که از جمله آن قوم، خود زنان هستند. و چون مجرد زنده گذاشتن عذاب

تلقی نمی شود، با توجه به اینکه <یستحیون> پس از <یقتلون> آمده، می توان گفت کشتن فرزندان به گونه ای بوده که زنان، یعنی مادران جامعه، از زنده ماندن خودشان و دیدن قتل فجیع فرزندانشان در رنج و عذاب بودند. آوردن <نساء> در مقابل <أبناء> می تواند این احتمال را تأیید کند.

رنجهای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۶،۱۷

۱۶ اخراجِ از وطن و اسارت فرزندان بنی اسرائیلِ زمان طالوت ، محرک آنان به پیکار علیه متجاوزان

و قد اُخرجنا من دیارنا و ابنائنا

۱۷ تسلط ستمگرانی پس از موسی (ع) بر بنی اسرائیل و اخراج آنان از دیارشان و به اسارت گرفتن فرزندان آنان

و قد اُخرجنا من دیارنا و ابنائنا

رنگ گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۲،۳

۲ - قوم موسی ، از وی تقاضا کردند تا رنگ گاوی را که باید ذبح شود ، از خداوند سؤال کند و برای ایشان بیان دارد .

قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

۳ - گاوی که قوم موسی مأمور به ذبح آن شدند ، باید دارای رنگ زرد خالص بوده و مسرّت بخش باشد .

إنها بقره صفراء فاقع لونها تسرّ النظرین

<فاقع> به معنای خالص و روشن است. ضمیر در <تسرّ> (مسرّت بخش باشد) به <بقره> بر می گردد; یعنی، آن گاو باید به گونه ای باشد که مایه مسرّت بینندگان شود. البته از فراز قبل (صفراء ...) این معنا استفاده می شود که رنگ آن نیز دخیل در

مسرّت بخشی بوده است; یعنی: تسرّ بلونها الناظرین. بنابراین باید هم گاو زیبا می بود و هم رنگ آن.

روابط اجتماعی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۱

۱۱ - تناقض رفتار اجتماعی بنی اسرائیل در رابطه با همکیشان خود

و إن یأتوکم أسری تفدوهم و هو محرم علیکم إخراجهم

<هو> در جمله فوق ضمیر شأن است. <إخراجهم> مبتدا و <محرم علیکم> خبر آن می باشد; یعنی، برای آزادی کسانی که خود آنها را بیرون رانده بودید، فدیه می پرداختید در حالی که بیرون راندن آنها بر شما حرام بود.

روز مبارزه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۱۵

۱۵ - متهم کردن رسول اکرم (ص) به سحر و ساحری ، از حربه های تبلیغاتی بنی اسرائیل علیه آن حضرت

فلمّا جاءهم بالبیّنت قالوا هذا سحر مبین

روزی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۷

۷ - < منّ > و < سلوی > دو خوراکی پاکیزه و از روزی های عطا شده به قوم موسی

و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی کلوا من طیبت ما رزقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۹

۱۹ < منّ > و < سلوی > خوراکی پاکیزه و از روزی های عطا شده به بنی اسرائیل

و أنزلنا علیهم المن و السلوی کلوا من طیبت ما رزقنکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه

- ۲۰ - ۸۱ - ۱،۲

۱ - < منّ و سلوی > ، عطیه الهی به بنی اسرائیل و از روزی های پاکیزه و گوارا

و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی . کلوا من طیّبت ما رزقنکم

طیب، چیزی است که قوای حسی و نفس آدمی از آن لذت ببرد (مفردات راغب). <طاب>; یعنی، لذیذ و پاکیزه شد (قاموس). البته یکی از معانی <طیّب>، <حلال> است، ولی چون همه رزق های الهی حلال می باشد، معنایی که مفهوم آن تقسیم رزق به حلال و حرام است، معنای مناسبی نخواهد بود.

۲ - بهره گیری از رزق های گوارا و پاکیزه ، توصیه خداوند به بنی اسرائیل

کلوا من طیّبت ما رزقنکم

روزی پاکیزه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۲

۲ بنی اسرائیل ، پس از نابودی فرعون ، در سرزمینی با اراضی حاصل خیز که در آن ، از انواع نعمت ها و روزی های پاکیزه و مناسب طبع برخوردار بودند ، روزگار خوشی می گذراندند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق و رزقنهم من الطیبت

روش برخورد با گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۱

۱۱ - سخنان هارون به گوساله پرستان بنی اسرائیل ، گفتاری محبت آمیز و همراه با توجیه و ارشاد بود .

یقوم إنّما فتنتم به

انتساب بنی اسرائیل به خود، با گفتن <ای قوم من> ابراز محبت است و ریشه یابی ماجرای سامری با فتنه خواندن آن، روشن گری و ارشاد است.

– فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۴ – ۸

۸ – هارون (ع) ، برای ادای توضیح در باره علل نحوه برخورد خود با گوساله پرستان ، از موسی (ع) تقاضای فرصت کرد .

لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی إنّی خشیت

روش برخورد علمای بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۰ – ۳

۳ – ستایش خداوند از فرزانگان بنی اسرائیل ، به خاطر برخورد سخت آنان با دل باختگان دنیا

و قال الذین أُوتوا العلم ویلکم

تعبیر <الذین أُوتوا العلم> تعبیری ستایشگرانه است که خداوند درباره عالمان و فرزانگان بنی اسرائیل به کار برده است.

روش مبارزه باگوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۷ – ۱۴،۱۵

۱۴ – تراشیدن و تبدیل گوساله سامری به براده ها و خرده فلزهایی بی مصرف و پراکنده ساختن آن در آب دریا ، برنامه موسی (ع) در ریشه کن ساختن انحراف گوساله پرستی بنی اسرائیل

لنحرّقنّه

از معانی ذکر شده برای <حرق> و <تحریق>، سوهان کاری کردن و ساییدن است و <تحریق> بر متوالی بودن و شدت بیشتر آن دلالت دارد (لسان العرب). برداشت یاد شده بر مبنای این معنا استفاده شده است.

۱۵ – مبارزه با زمینه های فکری و عینی شرک و نابود کردن آنها ، شیوه موسی (ع) در ستیز با گوساله پرستی بنی اسرائیل

إلهک الذی . .. لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه

سوزاندن گوساله سامری از چند جهت قابل تأمل است: ۱ از جهت نابود کردن و محو ساختن آن از دیدگان مردم تا مبادا

دوباره

به آن گرایش یابند. ۲ اثبات <اله> نبودن آن برای ظاهر بینان، با سوزاندن و خردکردن تندیس زرّین گوسال. جهت اول، جهتی عینی و جهت دوم، جهت فکری است.

رهبر بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۲ – ۸

۸ – موسی (ع) ، رهبری پذیرفته شده و مورد اطاعت بنی اسرائیل ، حتی پیش از ترک مصر

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی إنّکم متّبعون

فرمان الهی به کوچاندن شبانه بنی اسرائیل، در صورتی عملی بود که مجموعه بنی اسرائیل مطیع موسی(ع) بودند و این حرکت مخاطره آمیز را به خاطر اطاعت از وی به جان می خریدند.

رهبران بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۰۵ – ۱۱

۱۱ موسی (ع) علاوه بر رسالت رهبری بنی اسرائیل را نیز از جانب خداوند عهده دار بود .

إنی رسول من رب العلمین . .. فأرسل معی بنی إسراءیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۲ – ۱۲

۱۲ موسی (ع) ، علاوه بر مقام نبوت ، منصب امامت و رهبری سیاسی بنی اسرائیل را نیز عهده دار بود .

و قال موسی لأخیه هرون اخلفنی فی قومی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۷ – ۵

۵ – موسی و هارون (ع) به فرمان خداوند ، وظیفه دار رهبری بنی اسرائیل پس از موافقت فرعون با خروج آنان

فأرسل معنا بنی إسرءيل

رهبران دینی بنی اسرائیل

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۱،۲،۳،۵

۱ - پیشوایانی ، از میان بنی اسراییل ، برای هدایت مردم ، برخاستند .

لبنی إسرءیل . و جعلنا منهم أئمّه یهدون بأمرنا

۲ - پیشوایان دینیِ برخاسته از قوم بنی اسراییل ، هدایت کننده مردم ، براساس و چهارچوب تعالیم الهی بودند .

لبنی إسرءیل . و جعلنا منهم أئمّه یهدون بأمرنا

۳ - پیشوایان بنی اسراییل ، مردم را به توفیق خداوند ، هدایت و راهنمایی می کردند .

و جعلنا منهم أئمّه یهدون بأمرنا

برداشت بالا، بنابراین است که <أمر> در آیه، به معنای <شأن و فعل> باشد. در این صورت هدایت به امر خدا، معنای توفیق می دهد.

۵ - در میان بنی اسراییل ، پیشوایان متعددی وجود داشتند که بر اساس تعالیم دینی ، مردم را هدایت می کردند .

و جعلنا منهم أئمّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۵ - ۶

۶ - گروه هایی از بنی اسراییل هدایت نپذیرفتند و در برابر پیشوایان الهی ، تسلیم نشدند .

إنّ ربّک هو یفصل بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

بنابراین که مرجع ضمیر در <بینهم> بنی اسراییل باشد و <کانوا فیه یختلفون> اشاره به اختلافات دیرینه آنان داشته باشد که حتی با آمدن پیشوایان الهی، خاتمه نیافته است نکته یاد شده به دست می آید.

رهبری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵ - ۴

۴ – قرار دادن بنی اسرائیل در مسند امامت و پیشوایی خلق ، نمود دیگر از امتنان الهی

بر آنان

أن نمنّ على الذين استضعفوا فى الأرض و نجعلهم أئمه

رهبری در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۱،۲

۱ برگزیدگی طالوت برای زمامداری بنی اسرائیل ، به نفع و سعادت آنان

ان اللّه قد بعث لکم طالوت ملکاً

<لام> در <لکم> تصریح است به اینکه فرماندهی و زمامداری طالوت در جهت نفع و سعادت آنان بوده است.

۲ طالوت ، برانگیخته خداوند برای زمامداری بنی اسرائیل

ان اللّه قد بعث لکم طالوت ملکاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۵

۱۵ داود ، حاکم الهی بنی اسرائیل ، پس از طالوت

انّ اللّه قد بعث لکم طالوت ملکاً . .. و قتل داود جالوت و اتیه اللّه الملک

کاربرد <واو> عاطفه به جای <فاء>، با وجود اینکه اعطای ملک به <داود> مترتب بر کشته شدن جالوت است، می تواند اشاره به فاصله این دو امر باشد، و این فاصله ظاهراً مدّت زمان زمامداری طالوت است.

زکات در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۷

۷ نماز ، زکات ، ایمان به همه انبیا و حمایت از آنان و انفاق ، از تکالیف بنی اسرائیل

لئن اقمتم الصلوه و ءاتيتم الزكوه . .. و عزرتموهم و اقرضتم اللّه

زمان عبور بنى اسرائيل از دريا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۹۲ - ۱

۱ عبور بنى اسرائيل از دريا و غرق شدن فرعون و سپاهيانش ، هنگام روز

بوده است .

و جوزنا ببنی إسرءیل . .. حتی إذا أدرکه الغرق ... فالیوم

زمینه اختلاف بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۷ – ۳

۳ – پدید آمدن اختلاف در میان بنی اسرائیل ، در پی اتمام نعمت و حجت الهی بر آنان

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل الکتب و الحکم . .. و ءاتینهم بیّنت من الأمر فما اختلف

زمینه اسلام بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۲ – ۹

۹ – بنی اسرائیل ، در صورت یادآوری نعمت های گران سنگ الهی و بررسی علت های فضیلتشان در اعصار گذشته ، زمینه های ایمان به پیامبر (ص) را در خویش ، شکوفا خواهند کرد .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون. یبنی إسرءیل اذکروا نعمتی

به نظر می رسد توصیه به یادآوری نعمتهای خدادادی، پس از بیان خطر کفرورزی به پیامبر(ص) و قرآن، ارائه رهنمودی باشد برای ایجاد زمینه ایمان.

زمینه اضلال بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۵ – ۱۷

۱۷ موسی (ع) هلاکت همراهان خویش را زمینه ساز تحقق مشیت الهی در گمراه سازی گروهی از بنی اسرائیل و به هدایت رساندن گروهی دیگر از آنان دانست .

إن هی إلا فتنتک تضل بها من تشاء و تهدی من تشاء

زمینه افساد بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷ – ۸

۸- فسادانگیزی مجدد بنی اسرائیل ، پس از رسیدن به قدرت

و رفاه

لتفسدنّ فی الأرض مرّتین . .. ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم ... فإذا جاء وعد الأخره

زمینه ایمان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۱۲

۱۲ توجه بنی اسرائیل به محتوای تورات، زمینه ساز ایمان آنان به قیامت و ملاقات خدا

ثم ءاتینا موسی الکتب . .. لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون

زمینه تجاوزگری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۷

۳۷ - شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش ، زمینه ساز عصیانگری ، تجاوز ، کشتن پیامبران و کفرشان بود .

لن نصبر علی طعام وحد . .. اهبطوا مصراً ... و ضربت علیهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه; یعنی، <و ضربت علیهم الذله . ..> با بخش اول آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴ - ۶

۶- بنی اسرائیل ، دارای زمینه هایی برای برتری طلبی و تجاوزگری

و قضینا إلی بنی إسرءیل فی الکتب لتفسدنّ فی الأرض مرّتین و لتعلنّ علوًّا کبیرًا

هشدار خداوند به بنی اسرائیل در رابطه با فتنه گری و برتری طلبی آنان و سرانجام گرفتار آمدنشان به سزای اعمال خود; دلیل وجود زمینه تجاوزگری در میان آنان است.

زمینه تکبر بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴ – ۶

۶- بنی اسرائیل ، دارای زمینه هایی برای برتری طلبی و تجاوزگری

و قضینا إلی بنی إسرءیل فی الکتب لتفسدنّ فی الأرض مرّتین و لتعلنّ علوًّا کبیرًا

هشدار

خداوند به بنی اسرائیل در رابطه با فتنه گری و برتری طلبی آنان و سرانجام گرفتار آمدنشان به سزای اعمال خود; دلیل وجود زمینه تجاوزگری در میان آنان است.

زمینه رفاه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۲

۲- روی آوردن بنی اسرائیل به نیکوکاری و احسان ، زمینه ساز بازگشت قدرت و رفاه به آنان

ثمّ رددنا لکم الکرّه . .. إن أحسنتم أحسنتم لأنفسکم و إن أسأتم فلها

جمله <إن أحسنتم. ..> می تواند اشاره به این باشد که اگر شما راه صلاح و خیر در پیش گیرید، نتیجه آن که همان قدرت، رفاه و آسایش است نصیب شما خواهد شد.

زمینه شکر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۸

۸ - ایجاد زمینه های سپاسگزاری در بنی اسرائیل ، از هدف های آمرزش گناه ارتداد ایشان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۶

۶ - زنده شدن دوباره هلاک شدگان بنی اسرائیل ، زمینه ساز به وجود آمدن روحیه سپاسگزاری و رسیدن آنان به مقام شاکران بود .

ثم بعثنکم . .. لعلکم تشکرون

کلمه <لعل> در جمله <لعلکم تشکرون> (باشد که سپاسگزاری کنید) علاوه بر بیان هدف از زنده کردن صاعقه زدگان بنی اسرائیل، دلالت بر این معنا نیز دارد که: زنده شدن دوباره آنان موجب شکرگزاری نمی شد; بلکه زمینه شکرگزاری و روحیه سپاسگزاری را در آنان فراهم می کرد.

زمینه شکست بنی اسرائیل

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۷

۷- فسادانگیزی و بدکرداری بنی اسرائیل ، زمینه ساز شکست و نابودی آنان

بعثنا علیکم عبادًا لنا . .. و إن أسأتم فلها فإذا جاء وعد الأخره لیسئوا وجوهکم

جمله <إن أسأتم> می تواند تبیین کننده علت شکست نخستین و سرکوب شدن بعدی بنی اسرائیل باشد; یعنی، شکستهای آنان نمونه و مصداقی از نتیجه بدیهای آنهاست.

زمینه عصیان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۷

۳۷ - شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش ، زمینه ساز عصیانگری ، تجاوز ، کشتن پیامبران و کفرشان بود .

لن نصبر علی طعام وحد . .. اهبطوا مصراً ... و ضربت علیهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه; یعنی، <و ضربت علیهم الذله . ..> با بخش اول آیه است.

زمینه عنایت به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۴

۴- انتساب بنی اسرائیل به همراهان نوح (ع) ، موجب شایستگی آنان به عنایت خدا برای هدایتشان گردید .

و ءاتینا موسی . .. ذرّیه من حملنا مع نوح

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که نصب <ذریه> به تقدیر فعل <اخص> و مجموع جمله <ذرّیه من حملنا. ..> در مقام تعلیل برای آیه قبل (و آتینا موسی...) باشد; یعنی، ما با نزول تورات، خواستار هدایت بنی اسرائیل بودیم; چون آنان از فرزندان همراهان حضرت نوح(ع) بودند.

زمینه غفلت بنی اسرائیل

– فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۴ – ۵

۵– هشدار خداوند به بنی اسرائیل ، در غافل نشدن از آخرت پس از دستیابی به آرامش و حاکمیت

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الأخره جئنا بکم لفیفًا

زمینه قدرت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷ – ۲

۲– روی آوردن بنی اسرائیل به نیکوکاری و احسان ، زمینه ساز بازگشت قدرت و رفاه به آنان

ثمّ رددنا لکم الکرّه . .. إن أحسنتم أحسنتم لأنفسکم و إن أسأتم فلها

جمله <إن أحسنتم. ..> می تواند اشاره به این باشد که اگر شما راه صلاح و خیر در پیش گیرید، نتیجه آن که همان قدرت، رفاه و آسایش است نصیب شما خواهد شد.

زمینه کفر بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۱ – ۳۷

۳۷ – شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش ، زمینه ساز عصیانگری ، تجاوز ، کشتن پیامبران و کفرشان بود .

لن نصبر علی طعام وحد . .. اهبطوا مصراً ... و ضربت علیهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه; یعنی، <و ضربت علیهم الذله . ..> با بخش اول آیه است.

زمینه گمراهی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۵ – ۹

۹ - اعتراض خداونـد به موسـی (ع) در مورد جـدا شدن او از مردم و پیشـی گرفتن بر آنان ، به جهت بروز انحراف در آنان ، در غیاب وی بوده است .

و ما أعجلك . ..

فإنّا قد فتنّا قومک من بعدک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۶ – ۶

۶ – بنی اسرائیل با بی توجهی به وعده خداوند (اعطای تورات) ، زمینه گمراهی خویش را فراهم آوردند .

و أضلّهم السامریّ . .. ألم یعدکم ربّکم وعدًا حسنًا

زمینه گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۸ – ۵،۹

۵ برآمدن صدای گاو از مجسمه گوساله بنی اسرائیل ، زمینه ساز روی آوری قوم موسی به پرستش آن

له خوار

معمولاـ یاد کردن از ویژگیهای یک شیء ناظر به علت احکامی است که بر آن مترتب شده است. بنابراین می توان گفت خداوند با بیان این ویژگی از مجسمه گوساله (بروز دادن صدای گاو) اشاره به یکی از علل گرایش آنان به پرستش آن گوساله دارد.

۹ وجود گرایش های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹، تأثیری در متقاضیان خدای محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی) به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۰ – ۶

۶ توهم به سر آمدن

زمان میعاد خدا با موسی (ع) و تأخیر وی در مراجعت ، زمینه ساز گرایش قوم موسی به گوساله پرستی شد .

بئسما خلفتمونی من بعدی أعجلتم أمر ربکم

جمله <أعجلتم . .. > اشاره به علتی دارد که بنی اسرائیل را به گوساله پرستی واداشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۸ – ۸

۸ – بنی اسرائیل ، دارای زمینه مساعد فکری برای پذیرش گوساله طلایی به عنوان معبود بودند .

فقالوا هذا إلهکم و إله موسی

انتخاب شکل گوساله برای القای بت پرستی و نیز ارتداد سریع بنی اسرائیل، به خصوص پس از مشاهده معجزات موسی(ع)، گویای برداشت یاد شده است.

زمینه نجات بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۷ – ۹

۹ ایمان و اقامه نماز ، زمینه ساز نجات بنی اسرائیل از سلطه فرعون بود .

ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین. و نجنا برحمتک ... و أقیموا الصلوه و بشّر المؤ

زمینه هدایت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۳ – ۷

۷ – نایل شدن بنی اسرائیل به هدایت ، هدف از نزول تورات

و إذ ءاتینا موسی الکتب و الفرقان لعلکم تهتدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۵ – ۱۷

۱۷ موسی (ع) هلاکت همراهان خویش را زمینه ساز تحقق مشیت الهی در گمراه سازی گروهی از بنی اسرائیل و به هدایت رساندن گروهی دیگر از آنان دانست .

إن هی إلا فتنتک تضل بها

من تشاء و تهدی من تشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۴،۶

۴- انتساب بنی اسرائیل به همراهان نوح (ع) ، موجب شایستگی آنان به عنایت خدا برای هدایتشان گردید .

و ءاتینا موسی . .. ذرّیه من حملنا مع نوح

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که نصب <ذریه> به تقدیر فعل <اخص> و مجموع جمله <ذرّیه من حملنا. ..> در مقام تعلیل برای آیه قبل (و آتینا موسی...) باشد; یعنی، ما با نزول تورات، خواستار هدایت بنی اسرائیل بودیم; چون آنان از فرزندان همراهان حضرت نوح(ع) بودند.

۶- استفاده < تورات > از گرایش ها و عواطف خویشاوندی بنی اسرائیل ، جهت هدایت و گرایش آنان به توحید

و ءاتینا موسی . .. ذرّیه من حملنا مع نوح

این برداشت با توجه به دو نکته است ذیل است: ۱ بنابراین که نصب <ذرّیه> به حرف ندای محذوف و ادامه کلام تورات در آیه قبل باشد (و آتینا موسی الکتاب . ..ألاّتتخذوا ... یا ذرّیه من حملنا مع نوح). ۲- آیه در پی دعوت از بنی اسرائیل به توحید، به آنان یادآوری می کند که آنها از فرزندان همراهان نجات یافته نوح هستند، تا به این وسیله ایشان را به قبول دعوت برانگیزاند.

زمینه هلاکت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۷

۷- فسادانگیزی و بدکرداری بنی اسرائیل ، زمینه ساز شکست و نابودی آنان

بعثنا علیکم عبادًا لنا . .. و إن أسأتم فلها فإذا جاء وعد الأخره لیسئوا وجوهکم

جمله <إن أسأتم> می تواند تبیین

کننده علت شکست نخستین و سرکوب شدن بعدی بنی اسرائیل باشد; یعنی، شکستهای آنان نمونه و مصداقی از نتیجه بدیهای آنهاست.

زندگی اجتماعی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۵

۵ زندگانی قبیله ای ، شیوه زندگی بنی اسرائیل در عصر موسی

و قطّعنهم اثنتی عشره أسباطا أمما

زندگی بنی اسرائیل بعد از فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۲

۲ بنی اسرائیل ، پس از نابودی فرعون ، در سرزمینی با اراضی حاصل خیز که در آن ، از انواع نعمت ها و روزی های پاکیزه و مناسب طبع برخوردار بودند ، روزگار خوشی می گذراندند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق و رزقنهم من الطیبت

زندگی بنی اسرائیل در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۳

۳ وضعیت مسکن و معیشت بنی اسرائیل در دوران حکومت فرعون ، وضعیتی نابسامان و نامناسب بود .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق و رزقنهم من الطیبت

زندگی بنی اسرائیل دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۵

۵ زندگانی قبیله ای ، شیوه زندگی بنی اسرائیل در عصر موسی

و قطّعنهم اثنتی عشره أسباطا أمما

زهد علمای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۴،۷

۴ - بی اعتنایی فرزانگان بنی اسرائیل به کوکبه قارون و جلوه نداشتن ثروت افسانه

ای وی در چشم و دل ایشان

فخرج علی قومه فی زینته . .. و قال الذین أُوتوا العلم ویلکم ثواب اللّه خیر

۷ - ثروت افسانه ای قارون ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی در دیدگاه فرزانگان بنی اسرائیل

و قال الذین أُوتوا العلم ویلکم ثواب اللّه خیر

زیانکاران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۶

۶ - بوزینه شدگان بنی اسرائیل از زمره خاسران و زیانکاران

لکنتم من الخسرین. و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

آیه مورد بحث اشاره به نوع خسارت و زیانی دارد که در ذیل آیه قبل مطرح شد; یعنی، خسارتی که آدمی بر اثر گناه و تجاوز در خطر آن است، از قبیل خسارت اصحاب سبت می باشد.

زیانکاری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۶،۷

۶ - بنی اسرائیل بر اثر شکستن پیمان الهی ، در آستانه زیانکاری و تباه کردن هستی خویش ، قرار گرفتند .

فلولا فضل اللّه علیکم و رحمته لکنتم من الخسرین

۷ - فضل و رحمت الهی بر بنی اسرائیل ، نجات دهنده آنان از زیان و خسران شد .

فلولا فضل اللّه علیکم و رحمته لکنتم من الخسرین

زیورآلات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۷ – ۴،۵،۶

۴ – بنی اسرائیل بخشِ قابل توجهی از زیور آلات فرعونیان را با خود به همراه آورده بودند .

و لکنّا حمّلنا أوزارًا من زینه القوم

مراد از <القوم> بر حسب ظاهر فرعونیان هستند. و <وزر> به معنای

<ثقل> است. از همین رو به گناه نیز <وزر و ثقل> اطلاق می گردد; چرا که بر دوش گنه کار سنگینی می کند. استعمال این واژه احتمالاً اشاره به آن است که بنی اسرائیل، همراه داشتن زیور آلات فرعونیان را بر خود جایز نمی شمردند.

۵ - بنی اسرائیل در به همراه آوردن زینت آلات فرعونیان نیز خود را بی اختیار قلمداد می کردند .

و لکنّا حمّلنا أوزارًا من زینه القوم

آمدن <حُمّلنا> به صیغه مجهول، در ادامه توجیه بنی اسرائیل از عملکرد خویش است; یعنی، ما در حمل زینت های فرعونیان نیز ناخواسته آن را انجام دادیم و به ما تحمیل شد.

۶ - اقدام بنی اسرائیل در به همراه آوردن زینت آلات فرعونیان و مصادره آنها ، بدون صدور دستوری از جانب موسی (ع) صورت گرفته بود .

و لکنّا حمّلنا أوزارًا من زینه القوم

تعبیر <حمّلنا> و کلمه <وزر>، حکایت از آن دارد که موسی(ع) در این زمینه دستوری صادر نکرده بوده، و بنی اسرائیل، خودسرانه این کار را انجام داده بودند.

ساختار اجتماعی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، جماعتی دارای ترکیب قومی و قبیله ای تا عصر نزول قرآن

یبنی إسرائیل اذکروا

اسرائیل - نام دیگر یعقوب - فرزند اسحاق و نوه ابراهیم (ع) است. از اینکه گروه و طایفه ای با عنوان بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) معروف و مشهور بودند و در عصر پیامبر(ص) به این نام شناخته می شدند، معلوم می شود: آنان از بدو پیدایش تا آن عصر، قومیت خویش را حفظ کرده و به

صورت قبیله ای زندگی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، جماعتی دارای ترکیب قومی و قبیله ای تا عصر نزول قرآن

یبنی إسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۲ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، جماعتی دارای ترکیب قومی و قبیله ای تا عصر نزول قرآن

یبنی إسرءیل

سایه ابر بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۷،۲۰،۲۶

۱۷ خداوند با سایه گستر ساختن ابر ها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

و ظلّلنا علیهم الغمم

<غمامه> به معنای ابر و جمع آن غمام است. (لسان العرب). برخی از اهل لغت برآنند که غمام به معنای ابر سفید است. <تظلیل> (مصدر ظلّلنا) به معنای سایه قرار دادن است.

۲۰ پدیدار شدن ابر بر فراز قوم موسی ، زمینه فرود آمدن منّ و سلوی برای آنان *

و ظلّلنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المن و السلوی

عطف شدن <أنزلنا . .. > بر جمله <ظلّلنا ... > می تواند حاکی از ارتباط میان آمدن ابر با نزول منّ و سلوی باشد.

۲۶ ظهور معجزاتی متعدد (پدید آمدن آب ، سایه ، نزول منّ و سلوی) برای قوم موسی در پی عبورشان از دریا

فانبجست . .. ظلّلنا عليهم الغمم و أنزلنا عليهم المن و السلوی

سایه بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۲،۵،۶

۲

- خداوند ، با سایه گستر ساختن ابر ها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

و ظللنا علیکم الغمام

غمامه به معنای ابر و جمع آن غمام است (لسان العرب). برخی از اهل لغت بر آنند که غمامه به معنای ابر سفید می باشد.

۵ - نزول < منّ > و < سلوی > بر بنی اسرائیل و نجاتشان از حرارت شدید خورشید با ابر های سایه گستر ، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود .

ثم بعثنکم . .. و ظللنا علیکم الغمام

عطف جمله <ظللنا . ..> بر <بعثناکم ...> اقتضا می کند که گفته شود: داستان سایه گستر شدن ابرها و نزول <منّ> و <سلوی> پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

۶ - قرار دادن ابر های سایه گستر و نازل کردن < منّ > و < سلوی > از معجزات ارائه شده به قوم موسی

و ظللنا علیکم الغمام و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

سرزمین فاسقان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۳،۱۴

۱۳ تصرف سرزمین فاسقان و دیدن مناظر آن ، وعده ای از جانب خداوند به امت موسی

سأوریکم دار الفسقین

در اینکه مراد از <الفسقین> چه کسانی هستند، سه احتمال وجود دارد: فرعونیان، ساکنان سرزمین قدس پیش از ورود قوم موسی به آنجا، متخلفان قوم موسی برداشت فوق ناظر به احتمال اول و دوم است.

۱۴ فراگیری معارف و عمل به احکام الهی ، شرط پیروزی قوم موسی بر فاسقان و آزادسازی سرزمین آنان

فخذها . .. یأخذوا بأحسنها سأوریکم دار الفسقین

برداشت فوق بر

اساس این احتمال است که <ساوریکم> جواب فعل امر <فخذها بقوه و أمر قولک یأخذوا> باشد ; یعنی: <إن تاخذها و یأخذوا سأوریکم دار الفسقین> قابل ذکر است که مجزوم نشدن <اوریکم>، علی رغم اینکه جواب امر قرار گرفته، به سبب وجود <سین> است.

سرزنش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۸

۸ - بنی اسرائیل در صورت کفر به قرآن ، نکوهیده ترین و ناشایسته ترین کافران در پیشگاه خداوند خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق مبتنی بر دو مقدمه روشن است: ۱ <أول> بودن در جمله <و لاـتکونوا . ..> به اعتبار رتبه و منزلت است، نه به لحاظ زمان; ۲ <أول> بودن قید توضیحی است، نه احترازی. بر این اساس جمله <و لاـتکونوا ...>; یعنی، و به قرآن کافر نشوید که در این صورت اولین رتبه کفر از آن شما خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۶

۱۶ - موسی (ع) مردمش را به خاطر تقاضای غذایی پست تر در مقابل از دست دادن غذایی بهتر ، سرزنش کرد .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

استفهام در <أتستبدلون> انکار توبیخی است. ضمیر در <قال> می تواند به <ربک> برگردد و می تواند به <موسی> ارجاع شود در برداشت فوق دومین احتمال لحاظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۴

۱۴ - بنی اسرائیل مورد توبیخ و سرزنش خدا ، به خاطر تبعیض

در برخورد و عمل به دین (عمل کردن به برخی از دستورات تورات و وانهادن برخی دیگر)

أفتؤمنون ببعض الکتب و تکفرون ببعض

مراد از ایمان و کفر در <أفتؤمنون> و <تکفرون> عمل کردن و وانهادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۴

۴ موسی (ع) پس از حضور در میان قوم منحرف خویش ، با نکوهیده خواندن شیوه آنان در غیاب وی ، ایشان را بشدّت توبیخ کرد .

قال بئسما خلفتمونی من بعدی أعجلتم أمر ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۲

۱۲ خداوند ، بنی اسرائیل را به خاطر ناسپاسی ها و ایجاد اختلاف ، سرزنش کرده و به کیفر اخروی تهدید فرمود .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم إن ربک یقضی ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۶

۶- موسی (ع) قوم خود را به دلیل عبرت نگرفتن از سرگذشت پیشینیان ، سرزنش کرد .

ألم یأتکم نبؤا الذین من قبلکم قوم نوح و عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۱

۱ - بنی اسرائیل در برابر بازخواست و توبیخ خود از جانب موسی (ع) ، سعی در بی تقصیر نشان دادن خود در ماجرای گوساله پرستی داشتند .

ألم یعدکم . .. أفطال ... أم أردتّم ... قالوا ما أخلفنا موعدک بملکنا

جمله <ما أخلفنا> و

نیز <حمّلنا>، جملگی توجیهات بنی اسرائیل برای پذیرش گوساله پرستی از سوی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۳

۳ - توبیخ و سرزنش بنی اسرائیل از سوی خداوند ، به جهت عقیده کور و نسنجیده آنان به معبود بودن گوساله سامری

أفلایرون ألّایرجع إلیهم قولاً

استفهام در <أفلایرون> برای انکار توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۱

۱ - موسی (ع) ، پس از توبیخ بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبک یسمریّ

سرزنش دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱

۱ - موضع گیری تند و عتاب آمیز فرزانگان بنی اسرائیل در برابر آرزومندان ثروت قارونی .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون . .. و قال الذین أُوت

سرزنش علمای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۳

۳ - عالمان بنی اسرائیل ، مورد نکوهش و سرزنش خداوند به خاطر عمل نکردن به محتوای دعوت های خویش

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسكم

استفهام در <أتأمرون . ..> استفهام انكار توبيخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱

۱ - موضع گیری تند و عتاب آمیز فرزانگان بنی اسرائیل در برابر آرزومندان

ثروت قارونی .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون . .. و قال الذین أُوت

سرکوبی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۸ – ۱

۱ موسی (ع) پس از تصمیم فرعون به سرکوبی بنی اسرائیل ، مردمش را به استعانت از خدا و صبر و مقاومت در برابر آزار های فرعونیان فراخواند .

قال موسی لقومه استعینوا باللّه و اصبروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵ – ۷،۹

۷– جست و جوی خانه به خانه جنگاوران توانمند پس از ورود به سرزمین بنی اسرائیل به منظور سرکوبی آنان

بعثنا . .. فجاسوا خلل الدیار

<الجوس> (مصدر جاسوا) به معنای تردد و رفت و آمد است (لسان العرب)، و نوعاً برای کسب اطلاع و اخبار به کار می رود.

۹– فسادانگیزی بنی اسرائیل و سرکوبی آنان توسط جنگاورانی قدرتمند ، وعده قطعی و تخلف ناپذیر خداوند

بعثنا علیکم . .. و کان وعدًا مفعولاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷ – ۱۳

۱۳– دومین هجوم نیرو های فاتح مسجدالاقصی بر بنی اسرائیل فسادگر و سرکش ، هجومی توفنده و ویرانگر

و لیتبّروا ما علوًّا تتبیرًا

<تتبیر> به معنای اهلاک است و آوردن مفعول مطلق (تتبیرا) که برای تأکید است إشعار به سختی هجوم دارد.

سر گردانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۹

۱۹ - < عن الباقر (ع) قال فی قوله تعالی < و ادخلوا

الباب سجداً > ان ذلك حين فصل موسى من أرض التّيه فدخلوا العمران . . . ;

از امـام باقر(ع) درباره <و ادخلوا الباب سـجداً> روایت شـده که این دسـتور هنگامی بود که موسـی (ع) از سـرزمین <تیه> رهایی یافته و به سرزمین آبادی وارد گشته بودند . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۳،۴،۵،۶،۱۷،۱۸،۱۹

۳ قوم موسی (ع) ، سرگردان در بیابان به مدت چهل سال

اربعين سنه يتيهون فى الارض

با توجه به اینکه جمله <یتیهون> حال برای ضمیر در <علیهم> است، معلوم می شود که زمان سرگردانی آنان نیز چهل سال بوده است.

۴ سرگردانی قوم موسی (ع) در بیابان ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آن از فرمان موسی (ع)

إنّا لن ندخلها . .. يتيهون فى الارض

۵ زمان سرپیچی قوم موسی (ع) از فرمان وی ، سرآغاز سرگردانی چهل ساله آنان و محرومیت از تسلط بر قدس

إنّا لن ندخلها . .. اربعين سنه يتيهون فى الارض

۶ ترک جهاد از سوی نیرو های کارآمد بنی اسـرائیل ، موجب گرفتاری همه مردم آن قوم به سـرگردانی و محرومیت از تسـلط بر سرزمین مقدس

قال فانها محرمه عليهم اربعين سنه

برداشت فوق مبتنی بر امری مسـلم و طبیعی در داستان تیه می باشد و آن اینکه همه قوم موسی ; حتی زنان و کودکان و پیران، به سـرگردانی گرفتار آمـده و از ورود به سـرزمین مقدس محروم شدند، با اینکه این گروه مأمور به مبارزه و جهاد نبودند تا بر اثر تخلف، عقوبت شوند.

۱۷ سرگردانی قوم

موسی در سرزمینی به مساحت چهار فرسخ در مدت چهل سال ، تاوان نافرمانی آنان در برابر موسی (ع)

ادخلوا الارض المقدسه . .. قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه یتیهون فی الارض

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: فلما ابوا ان یدخلوها حرمها اللّه علیهم فناهوا فی اربع فراسخ اربعین سنه . .. .

اختصاص منصوب به شیخ مفید، ص ۲۶۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱.

۱۸ سرگردانی بنی اسرائیل در پی سرپیچی از فرمان موسی (ع) با چرخیدن زمین به هنگام سفر شبانه آنان و بازگردانده شدن به محل سکونت اولیه خویش

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه یتیهون فی الارض

از امام صادق(ع) در بیان کیفیت سرگردانی بنی اسرائیل روایت شده: . .. اذا کان العشاء و اخذوا فی الرحیل ... اذا ارتحلوا و استوت بهم الارض قال اللّه للارض دیری بهم فلایزالوا کذلک ... فاذا اصبحوا اذا ابنیتهم و منازلهم التی کانوا فیها بالامس ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۷۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۸، ح ۱۱۶.

۱۹ سرزمین مصر ، جایگاه سرگردانی قوم موسی بمدت چهل سال

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه یتیهون فی الارض

از امام باقر(ع) در مورد سرگردانی قوم موسی روایت شده: . .. فتاهوا فی الارض اربعین سنه فی مصر و فیا فیها ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۷۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۷، ح ۱۱۴.

سکوت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۱

۱ بی اعتنایی گروهی از بنی اسرائیل به وظیفه الهی

نهی از منکر و بی تفاوتی آنان در برابر فساد جامعه خویش

کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه

<لایتناهون> یعنی همدیگر را باز نمی داشتند و نهی نمی کردند.

سکونت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱،۲،۹

۱ بنی اسرائیل فرمان یافتند تا پس از زندگانی بیابانی ، در آبادی بیت المقدس سکونت گزینند .

و إذ قیل لهم اسکنوا هذه القریه

<قریه> در لغت به معنای روستا و نیز شهر آمده و در قرآن نیز در هر دو معنا استعمال شده است. و چون قرینه ای یافت نشد که کدامین معنا مراد است، در برداشت فوق کلمه <آبادی> آورده شد. <ال> در <القریه> عهد حضوری و اشاره به دیاری خاص دارد. بسیاری از مفسران برآنند که مراد از آن بیت المقدس است.

۲ فرمان به سکونت گزیدن در آبادی بیت المقدس ، فرمانی بود از جانب خدا به بنی اسرائیل

و إذ قیل لهم اسکنوا هذه القریه

کلمه <قیل> به صورت مجهول آمده و فرمان دهنده ذکر نشده است، ولی از جمله <نغفر لکم . .. > به دست می آید که فرمان دهنده خداوند است.

۹ خداوند نوید بخش آمرزش گناهان بنی اسرائیل در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود و سکونتشان در بیت المقدس

اسکنوا . .. و ادخلوا الباب سجداً نغفر لکم خطیئتکم

ظاهر این است که <نغفر لکم> جواب برای همه اوامری است که در آیه مطرح شده. بنابراین تقدیر چنین است: <إن تسکنوا و تأکلوا و تقولوا و تدخلوا الباب سجداً نغفر لکم>.

سیره بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- مائده - ۵ - ۷۱ - ۶

۶ بی پروایی بنی اسرائیل در شکستن پیمان الهی ، تکذیب انبیا و کشتن آنان ، برخاسته از باور آنان به مصونیت از عذاب

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون. و حسبوا الا تکون فتنه

شخصیت پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، مردمی شخصیت پرست بودند ; نه حقیقت طلب .

لن نبرح . .. حتّی یرجع إلینا موسی

گوساله پرستان بنی اسرائیل، به جای اندیشه در گفته های هارون(ع) و شناخت حقیقت، تنها پاسخی که به او دادند، آن بود که بازگشت موسی(ع) از میقات را، شرط تجدید نظر در عقاید خود دانستند. حال آن که معقول آن بود که در باره کار خویش و گفته های هارون(ع)، درست بیندیشند.

شرایط آمرزش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۹

۹ - خداوند به قوم موسی - در صورت ورود به بیت المقدس با رعایت آداب آن - نوید آمرزش گناهانشان را داد .

ادخلوا هذه القریه . .. و قولوا حطه نغفر لکم خطیکم

ظاهر این است که <نغفر لکم> جواب برای همه امرهایی است که در آیه شریفه مطرح شده بود. بنابراین تقدیر چنین است: <ان تدخلوا و تأکلوا و تدخلوا الباب سجداً و تقولوا حطه نغفر لکم>.

شرایط پیروزی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ فراگیری معارف و عمل به احکام الهی ، شرط پیروزی قوم موسی

بر فاسقان و آزادسازی سرزمین آنان

فخذها . .. يأخذوا بأحسنها سأوريكم دار الفسقين

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <ساوريكم> جواب فعل امر <فخذها بقوه و أمر قولك يأخدوا> باشد ; یعنی: <إن تاخذها و يأخذوا سأوريكم دار الفسقين> قابل ذکر است که مجزوم نشدن <اوريكم>، علی رغم اینکه جواب امر قرار گرفته، به سبب وجود <سين> است.

شرایط سعادت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسكم ذلكم خير لكم عند بارئكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱۵

۱۵ خداوند نویدبخش موسی (ع) به استجابت دعایش برای سعادت بنی اسرائیل در دنیا و آخرت ، به شرط رعایت تقوا ، پرداخت زکات و ایمان به همه آیات الهی

فسأكتبها للذين يتقون و يؤتون الزكوه و الذين هم بايتنا يؤمنون

شرک اکثریت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدين احساناً . .. ثم توليتم إلا قليلا منكم

شرک بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۰ – ۸،۱۱،۲۶

۸ آلودگی بنی اسرائیل به شرک و گوساله پرستی ، از میان برنده

زمینه ابلاغ تورات و تعلیم پیام ها و موعظه های آن

و ألقی الألواح

گویا هـدف از بیان این بخش از داسـتان که موسـی(ع) با مشاهـده گوساله پرستی تورات را بر زمین افکنـد، این نکته باشد که موسی(ع) جامعه نابخرد خویش را شایسته تورات ندانست و زمینه تعالیم آن را بر باد رفته دید و لذا آن را بر زمین نهاد.

۱۱ بازداری بنی اسرائیل از گرایش به شرک و گوساله پرستی ، مسؤولیت هارون از دیدگاه موسی (ع)

و أخذ برأس أخیه یجره إلیه

۲۶ هارون با بیان مبارزه خویش علیه شـرکورزی بنی اسـرائیل ، از موسـی (ع) خواست تا وی را همسـنگ سـتمکاران شـرک پیشه قرار ندهد .

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی . .. و لاتجعلنی مع القوم الظلمین

روشن است که موسـی(ع) هرگز گمـان نمی کرد که هـارون از سـتمکاران باشـد. بنابراین <مع> در جمله <لا تجعلنی مع> معیت حکمی است ; یعنی مرا در حکم ستمکاران قرار مده.

شرک عبادی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۷ - ۶

۶ - فرعون و اشراف دربار او ، مورد پرستش بردگان تحت سلطه آنان

و قومهما لنا عبدون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <عباده> (مصدر <عابدون>)، در جمله فوق، به معنای پرستیدن باشد.

شک بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۲

۲ - قوم موسی ، ناباور به کفایت ذبح هر گاوی برای حل معمای قتل

قالوا ادع لنا ربک يبين لنا ما هی

شکست بنی اسرائيل

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۵

۵ شکست مکر بنی اسرائیل علیه عیسی (ع)

و مکروا و مکر اللّه و اللّه خیر الماکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۳۶

۳۶ ناکامی بنی اسرائیل در آسیب رسانی به مسیح (ع) ، از نعمت های خاص خداوند بر آن حضرت

اذکر نعمتی علیك . .. اذ کففت بنی اسرءیل عنك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱،۴

۱- بازگشت قدرت و توان بنی اسرائیل با اراده خداوند پس از نخستین شکست آنان

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم

<کرّه> در لغت به معنای بازگشت و دولت و نیز به معنای تجدید خلق پس از نابودی است. در هر حال، بازگشت قدرت و توان، از آن قابل استفاده است.

۴- وجود فاصله میان نخستین شکست بنی اسرائیل و پیروزی آنان

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم

<ثم> دلالت بر تراخی و فاصله زمانی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۹

۹- مورد تاخت و تاز قرار گرفتن بنی اسرائیل به وسیله جنگاورانی قدرتمند ، با فرا رسیدن دومین مرحله فسادانگیزی آنان و هویدا شدن غبار غم و شکست در چهره آنها

فإذا جاء وعد الأخره ليسئوا وجوهكم

ضمير فاعلی <هم> در <ليسئوا> به <عباداً> باز می گردد و لام در آن برای تعليل است; يعنی، بندگان ما برای اندوهگين كردن شما (بنی اسرائيل) بيايند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷

- ۸ - ۱،۲

۱- ایجاد امیدواری به رحمت در بنی اسرائیل ، علی رغم دو بار فسادانگیزی و شکست تلخشان به وسیله خداوند

عسی ربّکم أن یرحمکم

مخاطبان آیه با توجه به آیات قبل، بنی اسرائیل است.

۲- نابود و منقرض نشدن نسل بنی اسرائیل ، علی رغم هجوم سنگین نیرو های توانمند و دو بار شکست سخت آنان

عسی ربّکم أن یرحمکم

شکنجه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱۱،۱۰،۹،۵،۱

۱ - بنی اسرائیل همواره تحت سیطره خاندان فرعون ، به شکنجه های سخت گرفتار بودند .

و إذ نجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوءالعذاب

<سَوْم> (مصدر یسومون) به معنای تحمیل کردن است. اضافه <سوء> به <العذاب> اضافه صفت به موصوف می باشد؛ یعنی: العذاب السوء.

۵ - کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

جمله <یذبحون . .. > می تواند تفسیر جمله قبل باشد؛ یعنی، منظور از <سوء العذاب> همان سربریدن پسران و باقی گذاشتن زنان است و نیز می تواند بیان مصداق بارزی از آن باشد؛ یعنی، فرعونیان عذابهایی بر بنی اسرائیل تحمیل می کردند که از آن جمله سربریدن فرزندان و ... می باشد. بر این مبنا ذکر به خصوص عذاب یاد شده، به خاطر شدت آن بوده است.

۹ - در صورتی که خداوند بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان نجات نمی داد ، آنان همچنان به شکنجه و کشتار فرزندانشان ادامه می دادند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

برداشت فوق از فعلهای مضارع <يسومون> و <يذبحون> و <يستحيون> استفاده شده

است.

۱۰ – خداوند با گرفتار سازی بنی اسرائیل به عذاب های سهمگین فرعونی ، آنان را به آزمونی بزرگ مبتلا ساخت .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

کلمه <بلاء> در لغت به معنای آزمون و نیز به معنای نعمت آمده است. مشارالیه <ذلکم> یا <عذاب> است، یا رهایی از عذاب (نجیناکم). برداشت فوق مبتنی بر این است که <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به خود عذاب باشد.

۱۱ – خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل از شکنجه های سخت فرعونی ، آنان را مورد آزمون بزرگی قرار داد .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب – که از <نجیناکم> استفاده می شود – باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۱ – ۱۱،۱۰،۷،۴،۲،۱

۱ بنی اسرائیل همواره تحت سیطره خاندان فرعون به شکنجه هایی سخت گرفتار بودند .

و إذ أنجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

<سَوْم> مصدر <یسومون> به معنای تحمیل کردن است. اضافه <سوء> به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است ; یعنی: العذاب السوء.

۲ خداوند با بعثت موسی ، بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان و شکنجه های سهمگین آنان ر ها ساخت .

و إذ أنجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

در جمله <هو فضلکم> (او شما را برتری بخشید)، برتری دادن تنها به خداوند نسبت داده شده است، ولی در جمله دوم <أنجیناکم> (ما شما را نجات دادیم) نسبت نجات بخشی به ضمیر <نا> (یعنی ما) داده شده است. از این مقابله می توان فهمید که

خداوند در نجات بخشی نظر به اسباب نیز دارد که به مناسبت، سبب آن بعثت حضرت موسی است. بنابراین <أنجیناکم> یعنی ما با بعثت موسی شما را نجات دادیم.

۴ موسی (ع) با تکیه بر لطف خداوند به بنی اسرائیل در نجات بخشی آنان از شکنجه فرعونیان ، لزوم پرستش خدای یگانه و پرهیز از گرایش به شرک را به آنان گوشزد کرد .

قال أغیر اللّه أبغیکم إلهاً . .. و إذ أنجینکم من ءال فرعون

برداشت فوق بر این اساس است که مفاهیم ذکر شده در آیه مورد بحث برگرفته از سخنان موسی باشد و مخاطبان اصلی آن همان مردمی باشند که پس از عبور از دریا به بت پرستی گرایش پیدا کردند.

۷ کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم

جمله <یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم> می تواند تفسیر جمله قبل باشد ; یعنی منظور از <سوء العذاب> همان کشتار فرزندان و باقی گذاشتن زنان است. همچنین می تواند بیان مصداقی از آن باشد ; یعنی فرعونیان عذابهایی بر شما تحمیل کردند ; از جمله کشتار فرزندان و زنده گذاشتن زنان. بر این مبنا ذکر ویژه دو عذاب یاد شده، به سبب شدت بیشتر آن بوده است.

۱۰ خداوند با گرفتار ساختن بنی اسرائیل به عذاب های سهمگین فرعونی ، آنان را آزمونی بزرگ مبتلا ساخت .

یسومونکم سوء العذاب . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

کلمه <بلاء> می تواند به معنای آزمون و نیز به معنای نعمت باشد. مشارالیه <ذلکم> یا عذاب است و یا

رهایی از آن. در برداشت فوق <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به خود عذاب گرفته شده است.

۱۱ خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل عصر موسی از شکنجه های سخت فرعونی ، آنان را مورد آزمایشی سنگین قرار داد .

و إذ أنجینکم . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۶ – ۱۲،۱۴

۱۲– فرعونیان ، پسران قوم موسی (بنی اسرائیل) را به طور گسترده سر می بریدند و زنان آنان را زنده نگه می داشتند .

و یذبّحون أبناءکم و یستحیون نساءکم

کاربرد فعل <یذبّحون> از باب تفعیل، که به معنای تکثیر هم آمده است، احتمالاً بیانگر منظور فوق است.

۱۴– فزونی چشمگیر زنان بر مردان در جامعه و بر هم خوردن اعتدال جمعیتی ، مایه پدید آمدن مشکلات اجتماعی آزار دهنده برای زنان

یستحیون نساءکم

اینکه خداوند برای شکنجه های آل فرعون، کشتن پسران و زنده نگه داشتن زنان را برشمرده است، امکان دارد بدین علت باشد که چنین عملی، تعادل جمعیت را بر هم می زند و در نتیجه جمعیت زنان افزونی پیدا می کند و این خود شکنجه ای آزار دهنده برای مردم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۷ – ۵

۵ – بنی اسرائیل ، مورد عنایت و لطف الهی ، در عصر ستم دیدگی و شکنجه شدن از سوی فرعونیان

أسر بعبادی

اضافه <عباد> به ضمیر متکلم، به جهت تکریم بنی اسرائیل

و اظهار لطف به آنان است. این امر، زمانی صورت گرفته که آنان در بند حکومت فرعون و شکنجه های او بودند. خداوند با تعبیر <عبادی> بر رفتار فرعونیان که بنی اسرائیل را به بندگی گرفته بودند خط بطلان کشیده و آنان را تنها بنده خود معرفی کرده است.

شکنجه زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۶،۷

۶ - زنان بنی اسرائیل در نهایت سختی و شکنجه و هم آغوش مرگ ، در سیطره فرعونیان

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

۷ - زنان بنی اسرائیل به خاطر کشتار وسیع فرزندانشان به دست فرعونیان ، لذت حیات از آنان سلب شده بود و از زنده ماندن خود در عذاب بودند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

زنده گذاشتن زنان، به عنوان یک عذاب برای بنی اسرائیل مطرح شده است; در حالی که مجرد نکشتن، عذاب و شکنجه تلقی نمی شود. بنابراین با توجه به اینکه جمله <یستحیون نساءکم> پس از <یذبحون ابناءکم> آمده، می توان گفت: همان کشتن فرزندان موجب می شده که زنان از زنده ماندن خویش و دیدن قتل فجیع فرزندانشان، در رنج و عذاب باشند. آوردن زنان و نه دختران در مقابل پسران این معنا را تأیید می کند.

شکنجه مؤمنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۵

۵ مؤمنان به موسی (ع) به جرم ایمان ، در معرض شکنجه و آزار فرعون و اشراف قوم خود قرار داشتند .

إلا ذریه من قومه علی خوف

من فرعون و ملإيهم أن يفتنهم

شکوه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، از یکنواختی خوراک خویش (منّ و سلوی) به موسی (ع) شکایت کردند .

و إذ قلتم یموسی لن نصبر علی طعام وحد

شنبه در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۱،۳

۱ - کار و فعالیت در روز شنبه برای بنی اسرائیل حرام بود .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

<سبت> به معنای قطع عمل، سکون و استراحت است که از آن به تعطیلی تعبیر می کنیم. <اعتداء> (مصدر اعتدوا) به معنای تجاوز و تخلف می باشد.

۳ - خداوند ، اصحاب سبت (تجاوزکاران یهود در روز شنبه) را به بوزینه هایی مطرود تبدیل کرد .

فقلنا لهم کونوا قرده خسئین

<قِرْد> (مفرد قِرَدَة) به معنای میمون است. <خاسیء> به معنای مطرود و نیز به معنای حقیر و ذلیل می باشد و کلمه <خاسئین> خبر دوم برای <کونوا> است.

شهرنشینی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۱،۳۸

۲۱ - موسی (ع) در پی تقاضای قومش (درخواست خوراکی های زمینی) از آنان خواست تا به یکی از شهر ها در آیند و

شهرنشینی را انتخاب کنند .

قال أتستبدلون . .. اهبطوا مصراً فان لکم ما سألتم

چنانچه ضمیر در <قال> به <ربك> برگردد، جمله <اهبطوا . ..> سخن خداوند است و اگر به موسی (ع) ارجاع شود، آن

جمله گفته موسی(ع) خواهد بود. برداشت فوق به لحاظ احتمال دوم است.

۳۸ – داستان ناسپاسی بنی اسرائیل بر < منّ > و < سلوی > و انتخاب شهرنشینی و گرایش آنان به کفر و تجاوز ، داستانی آموزنده و شایسته به یاد آوردن است .

إذ قلتم یموسی لن نصبر . ... و ضربت علیهم الذله ... و کانوا یعتدون

<إذ قلتم . ..> مفعول برای <أذکروا> (به یاد آوردن) می باشد.

صاعقه زدگی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۷ – ۵

۵ – نزول < منّ > و < سلوی > بر بنی اسرائیل و نجاتشان از حرارت شدید خورشید با ابر های سایه گستر ، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود .

ثم بعثنکم . .. و ظللنا علیکم الغمام

عطف جمله <ظللنا . ..> بر <بعثناکم ...> اقتضا می کند که گفته شود: داستان سایه گستر شدن ابرها و نزول <منّ> و <سلوی> پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

صالحان بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۱ – ۲۰

۲۰ برخورداری گروهی از بنی اسرائیل بر اثر پایبندی به توبه خویش ، از بینش ها و نعمت های صحیح دینی

ثم عموا و صموا کثیر منهم

صبر بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۷ – ۱۱

۱۱ بنی اسرائیلِ زمان موسی در دوران حکومت فرعون ، مردمی صبور و مقاوم در برابر دشمنان دین بودند .

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی

إسرءيل بما صبروا

صدای گوساله بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۳،۵

۳ مجسمه گوساله دست ساز بنی اسرائیل ، بانگی مانند بانگ گاو داشت .

له خوار

<خوار> به صدای گاو گفته می شود و در صدای شتر نیز به صورت استعاره کاربرد دارد. (مفردات راغب).

۵ برآمدن صدای گاو از مجسمه گوساله بنی اسرائیل ، زمینه ساز روی آوری قوم موسی به پرستش آن

له خوار

معمولا- یاد کردن از ویژگیهای یک شیء ناظر به علت احکامی است که بر آن مترتب شده است. بنابراین می توان گفت خداوند با بیان این ویژگی از مجسمه گوساله (بروز دادن صدای گاو) اشاره به یکی از علل گرایش آنان به پرستش آن گوساله دارد.

صفات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۷

۷ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، ویژگی ها و خصوصیات روحی اسلاف و گذشتگان خویش را دارا بودند .

إذ قلتم یموسی لن نصبر علی طعام وحد

نسبت دادن کردارها و گفتارهای گذشتگان بنی اسرائیل به بنی اسرائیل عصر بعثت و گفتن <إذ قلتم> به جای <إذ قالوا> گویای این است که: بنی اسرائیل عصرهای بعد در روحیات و رفتارهای اجتماعی، همسان گذشتگان خود بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۴

۲۴ – شکستن پیمان های الهی و تمرد از فرمان های خدا ، عادت روزمره بنی اسرائیل است .

و أنتم معرضون

برخی از مفسران برآنند که جمله <و أنتم معرضون> (شما]از عهدها و پیمانها

[رویگردان هستید) جمله معترضه است و اشاره به این معنا دارد که: بنی اسرائیل نه تنها پیمانهای یاد شده را شکستند بلکه رویه و عادت آنها چنین است که به عهدها و پیمانها پایبند نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۸

۸ - قوم موسی ، نمونه ای بارز از اقوام بهانه جو در برخورد با پیامبران و دارای توقعات و خواسته های بی جا از آنان

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم کما سئل موسی من قبل

چون بعید به نظر می رسد که در میان امتهای گذشته، تنها قوم موسی پرسشها و درخواستهای نا به جا از پیامبرشان داشتند، می توان به این نتیجه رسید که: یاد کردن از قوم موسی، به خاطر رواج بیشتر این خصیصه در میان آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۰،۱۱

۱۰ قوم موسی (ع) ، مردمی گستاخ و بی پروا در برابر خداوند

قال رجلان من الذین یخافون

<من الذین یخافون> می تواند اشاره به این باشد که قوم موسی(ع) به جهت نترسیدن از خداوند، فرمان موسی(ع) را اطاعت نکردند.

۱۱ گستاخی و بی پروایی قوم موسی (ع) در برابر خداوند ، زمینه سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع) (ورود به سرزمین مقدس و مبارزه با جباران)

إنّا لن ندخلها . .. قال رجلان من الذین یخافون انعم اللّه علیهما ادخلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۷

۷ قوم موسی (

ع) ، مردمی لجوج ، نصیحت ناپذیر و ناسپاس در برابر نعمت های الهی

اذکروا نعمه اللّه علیکم . .. قالوا یموسی إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۰ – ۷

۷ بنی اسرائیل ، مردمی پیمان شکن و هواپرست

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. کلما جاءهم رسول بما لاتهوی انفسهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۶ – ۸

۸ – بنی اسرائیل ، در عین مشاهده آیات بزرگ الهی ، فاقد ایمان ژرف و راسخ بودند .

یبنی اسرءیل قد أنجینکم . .. أضلّهم السامریّ ... ألم یعدکم ربّکم

با توجه به این که گمراهی بنی اسرائیل به دست سامری، پس از نجات آنان از چنگال فرعون، عبور آنان از دریا و مشاهده آیات متعدد الهی در طول آن مدت بوده است؛ به نظر می رسد آنان از بینش و ایمان سستی برخوردار بودند که این چنین با اغواگری سامری به صف گمراهان پیوستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۱ – ۴

۴ – بنی اسرائیل ، مردمی شخصیت پرست بودند ; نه حقیقت طلب .

لن نبرح . .. حتّی یرجع إلینا موسی

گوساله پرستان بنی اسرائیل، به جای اندیشه در گفته های هارون(ع) و شناخت حقیقت، تنها پاسخی که به او دادند، آن بود که بازگشت موسی(ع) از میقات را، شرط تجدید نظر در عقاید خود دانستند. حال آن که معقول آن بود که در باره کار خویش و گفته های هارون(ع)، درست بیندیشند.

صفات گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۳،۴،۶،۸

۳ - قوم موسی ، از وی خواستند تا مشخصه های گاوی را که باید ذبح شود از خداوند بخواهد و برای ایشان بیان کند .

قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی

۴ - میانسال بودن - نه گوساله جوان و نه گاوی پیر - از مشخصه های تعیین شده برای گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند .

إنها بقره لافارض و لابکر عوان بین ذلک

<فارض> به معنای پیر و بزرگ سال است. <بقره بکر> یعنی، ماده گاوی جوان که هنوز باردار نشده است (لسان العرب). <عوان> هم به معنای میانسال است.

۶ - میانسال بودن گاو - پیش از سؤال از مشخصه های دیگر - تنها ویژگی لازم برای گاو ماده ای که بنی اسرائیل به ذبح آن مأمور شدند .

عوان بین ذلک فافعلوا ما تؤمرون

جمله <فافعلوا ما تؤمرون> (به آنچه مأمور شدید عمل کنید) بیانگر این است که: تکلیف قوم موسی و به اصطلاح <مأمورٌ به> آنان، ذبح گاوی میانسال بوده است بدون لحاظ شرطی دیگر.

۸ - از امام صادق (ع) درباره آیه < قال إنه یقول إن ها بقره لافارض و لابکر > روایت شده که فرموده اند : و < الفارض > التی قد ضرب ها الفحل و لم تحمل و < البکر > التی لم یضرب ها الفحل . . . ;

<فارض> گاو ماده ای است که جفت گیری کرده ولی باردار نشده است و <بکر> گاو ماده ای است که جفت گیری نکرده است . ..>.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۱،۴

۱ - قوم موسی ، میانسال بودن گاو را شرطی کافی برای مشخص شدن تکلیف و رسیدن به مقصود (حل معمای قتل) نمی دانستند .

فافعلوا ما تؤمرون. قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

علی رغم اینکه موسی(ع) با جمله <فافعلوا ما تؤمرون> به قوم خویش تفهیم کرد که تکلیف آنان بیش از این نیست که گاوی میانسال را ذبح کنند; ایشان با پرسش از رنگ و دیگر ویژگیها در صدد ابقای این معنا بودند که: ذبح چنین گاوی (تنها میانسال بودن) نمی تواند وسیله حل معمای قتل باشد.

۴ - تأکید موسی (ع) بر اینکه ، صفات بیان شده برای گاوی که باید ذبح شود ، صفاتی تعیین شده از جانب خداوندست نه از ناحیه خود او

قالوا إنه یقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۱،۲،۹

۱ - قوم موسی ، بیان رنگ و سن گاو مورد نظر را مشخص کننده ندانسته و خواهان توضیح بیشتری درباره ویژگی های آن شدند .

قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

۲ - قوم موسی ، بر این باور بودند که گاو مورد نظر برای ذبح و حل معمای قتل ، باید ویژگی های منحصر به فرد داشته باشد .

إن البقر تشبه علینا

<تشابه> به معنای همانند بودن است و چون با <علی> متعدی شده، متضمن معنای التباس و اشتباه نیز هست. بنابراین <إن البقر ...>; یعنی، آن گاو توصیف شده به میانسالی و زرد رنگی، مصادیق زیادی دارد که

همگی مشابه یکدیگرند و این موجب می شود که ندانیم کدامین را انتخاب کنیم. این جمله از قوم موسی، حکایت از آن دارد که: آنان گمان داشتند گاو مورد نظر برای ذبح باید به گونه ای توصیف شود که تنها یک فرد داشته باشد تا همانندی از بین برود.

۹ - از رسول خدا (ص) روایت شده که : < أنهم أمروا بأدنی بقره و لکنهم لما شدوا علی أنفسهم شدد اللّه علیهم و ایّم اللّه لو لم یستثنوا ما بینت لهم ، إلی آخر الأبد . . . ;

بنی اسرائیل مأمور به ذبح کم ارزش ترین گاو بودند; لکن چون بر خویشتن سخت گرفتند خداوند نیز بر آنان سخت گرفت و سوگند به خدا اگر آنان <إن شاء اللّه> نمی گفتند هرگز علامتهای گاوی که می بایست ذبح نمایند برای آنان بیان نمی شد . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۱،۲،۳،۶

۱ - گاوی که برای شخم زنی رام نشده و برای کشتزاران آبکشی نکرده ، از ویژگی های گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند .

قال إنه یقول بقره إنّها بقره لاذلول تثیر الأرض و لاتسقی الحرث

<ذلول> به معنای رام و مطیع است. <إثاره> (مصدر تثیر) به معنای زیر و رو کردن می باشد. مراد از زیر و رو کردن زمین به وسیله گاو، شخم زدن آن است.

۲ - گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند باید سالم ، بی نقص و پیراسته از هر نقطه و خطی در رنگ و پوستش می بود .

مسلّمه لاشیه فیها

<مسلّمه>

یعنی دارای سلامت و سلامت به معنای: مبرا بودن از عیب و آفت است. <شیه> به هر رنگی گفته می شود که مخالف رنگ عمومی چیزی باشد. بنابراین <لاشیه فیها> یعنی، در رنگ آن گاو، رنگ دیگری نباشد. گفتنی است که <شیه> از ماده <وشی> است و <هاء> آخر عوض واو محذوف می باشد.

۳ - قوم موسی ، آخرین علایم تعیین شده را (رام نشده برای شخم و . . .) نشانه هایی قاطع و برطرف کننده سردرگمی خویش دانستند .

قالوا الئن جئت بالحق

<حق> در جمله فوق به معنای ثابت و استوار در مقابل امری تردیدپذیر و نامشخص است. ال در <الحق> برای استغراق خصایص افراد است; یعنی، حق کامل و تمام.

۶ - قوم موسی ، ویژگی های اولیه گاوی را که باید ذبح می شد ، نارسا پنداشته و موسی (ع) را به کوتاهی در بیان حقیقت متهم کردند .

قالوا الئن جئت بالحق

مفهوم کلام قوم موسی (الآن . ..; هم اکنون حق را به تمامی بیان کردی) این است که: وی قبل از ذکر اوصاف یاد شده در این آیه، حق را به طور کامل بیان نکرده بود.

ضعف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۱۷،۳۲

۱۷ اظهار عجز برخی همراهان طالوت از پیکار با دشمن ، پس از عبور از نهر و دیدن سپاه عظیم جالوت

فلمّا جاوزه هو و الّذین امنوا معه قالوا لا طاقه لنا الیوم بجالوت و جنوده

۳۲ ناتوانان از همراهی با طالوت پس از گذشتن از نهر ، همانهایی بودند که یک کف

، آب نوشیدند .

الّا من اغترف غرفه بیده . .. قالوا لا طاقه لنا

امام باقر (ع) درباره آیه مزبور فرمود: . .. قال الذین اغترفوا: <لا طاقه لنا الیوم بجالوت> ... .

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۶

۶ ضعف و ذلت بنی اسرائیل در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) تا درجه ای بود که حتی از داشتن خیمه یا کومه ای ، که آنان را از سرما و گرما حفظ کند ، محروم بودند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۴

۴ - سامری ، فردی ماهر در فن مجسمه سازی و آشنا به نقاط ضعف فکری بنی اسرائیل بود .

فأخرج لهم عجلًا جسدًا له خوار

تعبیر <گوساله ای درآورد> حاکی از شدت شباهت مجسمه گوساله، به شکل حقیقی آن است.

طرد بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۵

۵ - بنی اسرائیل در خطر گرفتار آمدن به عذاب های دنیوی (ذلیل گشتن ، مطرود شدن و . . .) در صورت ایمان نیاوردن به قرآن و انجام ندادن اعمال صالح

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خسئین

در آیات گذشته (از ۴۱ تا ۴۵ و نیز آیه ۶۲) خداوند بنی اسرائیل را به ایمان و تصدیق قرآن و انجام اعمال صالح

دعوت کرد و در آیه مورد بحث سرگذشت شوم اسحاب سبت را یادآور شد تا هشداری باشد به آنها که مبادا با سرپیچی از دعوت خدا و فرمانهای او، به سرنوشتی همانند اصحاب سبت گرفتار آیند.

طعام بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ - دسترسی قوم موسی به غذا های طیب و غیر طیب (حلال و حرام) در پی عبورشان از دریا و دوران صحراگردی

کلوا من طیبت ما رزقنکم

آوردن کلمه <طیبات> و اضافه کردن آن به <ما رزقناکم> بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۱

۲۱ دسترسی قوم موسی به غذا های حلال و حرام در پی عبور از دریا

کلوا من طیبت ما رزقنکم

طوایف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۷،۸،۹،۱۰،۱۹

۷ - بنی اسرائیل عصر موسی متشکل از دوازده طایفه بودند .

فانفجرت منه اثنتا عشره عیناً قد علم کل أناس مشربهم

<أناس> جمع إنس و مراد از آن طوایف بنی اسرائیل است که به قرینه <إثنتا عشره عیناً> معلوم می شود، آنها دوازده طایفه بودند.

۸ - هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، مخصوص طایفه ای از طوایف بنی اسرائیل بود .

قد علم کل أناس مشربهم

<مشرب> به آب آشامیدنی و نیز به جایگاهی که از آن آب بر می دارند گفته می شود و مقصود از آن در آیه، چشمه های جوشیده از سنگ است.

۹ – هر کدام از طایفه های بنی

اسرائیل آگاه به چشمه مخصوص خویش

قد علم کل أناس مشربهم

۱۰ - هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، خود دارای علامتی مشخص کننده اختصاص آن به طایفه ای از بنی اسرائیل

قد علم کل أناس مشربهم

چنانچه خود چشمه ها علامت نداشت و پس از جوشیدن علامت گذاری می شد تا اختصاص هر چشمه به طایفه ها معلوم شود، شایسته آن بود که به جای <قد علم کل أناس مشربهم> (هر طایفه ای چشمه خود را می شناخت) گفته شود: <علّم . ..> (تعلیم داده شد ...).

۱۹ - خداوند ، هر طایفه از بنی اسرائیل را از تجاوز به خوراکی ها و نوشیدنی های مخصوص طایفه دیگر بر حذر داشت .

قد علم کل أناس مشربهم کلوا و اشربوا . .. و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

اختصاص دادن هر چشمه به طایفه ای از بنی اسرائیل و سپس نهی از فسادگری، اشاره به این دارد که: تجاوز هر طایفه به حقوق دیگری فسادگری است و می بایست بنی اسرائیل از آن پرهیز می کردند.

طیبات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱

۱ - < منّ و سلوی > ، عطیه الهی به بنی اسرائیل و از روزی های پاکیزه و گوارا

و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی . کلوا من طیّبت ما رزقنکم

طیب، چیزی است که قوای حسی و نفس آدمی از آن لذت ببرد (مفردات راغب). <طاب>; یعنی، لذیذ و پاکیزه شد (قاموس). البته یکی از معانی <طیّب>، <حلال> است، ولی چون همه رزق های الهی حلال می باشد، معنایی که مفهوم آن تقسیم رزق به

حلال و حرام است، معنای مناسبی نخواهد بود.

ظالمان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۱،۱۲

۱ - گروهی از قوم موسی پیش از ورودشان به بیت المقدس ، ستمکار و آلوده به گناه بودند .

فبدل الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم

۱۲ - از امام باقر (ع) روایت شده : < . . . < و اما الذین ظلموا > فزعموا حنطه حمراء فبدلوا . . . ;

. .. اما کسانی که ستم کردند لفظ <حطه> را از روی غرض به <حنطه حمراء> (گندم قرمز) تبدیل کردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۵

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۱

۱ گروهی از قوم موسی دارای پیشینه ای آلوده به گناه و ستم ، پیش از ورودشان به بیت المقدس

فبدل الذین ظلموا . .. بما کانوا یظلمون

ظلم بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۳

۳ فرعون و سپاهیانش ، از سرِ ستم و کینه توزی ، بنی اسرائیل را تعقیب کردند .

فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً

ظلم بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۱۴،۱۵

۱۴ - ستمکاری ، عادت و رویه بنی اسرائیل

و أنتم ظلمون

برداشت فوق، بر این اساس است که: جمله <و أنتم ظالمون> جمله ای معترضه باشد نه حالیه; یعنی، شما

مردمی ستم پیشه هستید و گوساله پرستی نمودی از آن می باشد.

۱۵ - گوساله پرستی بنی اسرائیل از جمله ستمکاری های آنان بود .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱،۲

۱ - قوم موسی با گوساله پرستی ، بر خویشتن ستم کرده و مستحق کیفر شدند .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

۲ - موسی (ع) با بیان ستمکاری قومش ، به آنان فرمان داد تا روی به درگاه خدا آورده ، توبه کنند .

و إذ قال موسی لقومه . .. فتوبوا إلی بارئکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۲،۱۷

۱۲ - قوم موسی با بهره گیری حرام از < منّ > و < سلوی > مرتکب گناه شده ، بر خود ستم کردند . *

کلوا من طیبت ما رزقنکم و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جمله <و لکن کانوا . ..> دلالت بر آن دارد که قوم موسی مرتکب حرام خواری شدند. به نظر می رسد از مصداقهای حرام خواری آنان - به قرینه وقوع جمله مذکور پس از بیان نزول منّ و سلوی - بهره گیری حرام از منّ و سلوی، همانند تجاوز به سهم دیگران باشد.

۱۷ - ناسپاسی قوم موسی و تمردشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خودشان روا داشتند .

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ - ارتداد قوم

موسی و گرایش آنان به گوساله پرستی ، از جمله ستم های آنان

ثم أتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۱۳

۱۳ گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم طیبت أحلت لهم

امام صادق(ع) درباره <طیبت> در آیه فوق فرمود: . .. یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم ... .

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۲، ح ۶۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ بنی اسرائیلِ زمان موسی بر اثر ارتداد و گرایش به گوساله پرستی از ستمکاران شدند .

اتخذوه و کانوا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۳۰

۳۰ ناسپاسی قوم موسی و تمرد ایشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند .

و قطّعنهم . .. و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

ظلم به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱

۱ بنی اسرائیل در مدت زمانی طولانی تحت سیطره فرعونیان به ضعف و ناتوانی کشانه شده بودند .

و أورثنا القوم الذین کانوا یستضعفون

استعمال فعل مضارع همراه <کان> و أمثال آن دلالت بر استمرار آن فعل در گذشته دارد. بنابراین <کانوا یستضعفون> می رساند که استضعاف بنی اسرائیل به دست فرعونیان دارای سابقه

طولانی بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۷ – ۲

۲ بنی اسرائیل در زمان بعثت موسی (ع) ، ساکن مصر و گرفتار ستم و آزار فرعونیان بودند .

فأرسل معنا بنی إسرءیل و لاتعذّبهم

نهی شدن فرعون از عذاب و شکنجه بنی اسرائیل، بیانگر رنج و سختی آنان در مصر آن زمان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲ – ۱

۱ – انتقاد صریح موسی (ع) از فرعون به خاطر به بردگی کشاندن بنی اسرائیل

و تلک نعمه . .. أن عبّدتّ بنی إسرءیل

جمله <و تلک نعمه. ..> استفهامی و به تقدیر <أوَتلک...> است. <أن عبّدتّ> می تواند عطف بیان برای اسم اشاره <تلک> و یا منصوب به نزع خافض (لام تعلیل) و به تقدیر <لأن عبّدتّ> باشد. <تعبید> (مصدر <عبّدتّ>) به معنای برده و بنده [خود] ساختن است؛ یعنی، آیا این که فرزندان اسرائیل را بنده خود ساخته ای، این نعمتی است که منّت آن را بر من می نهی.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۶ – ۳

۳ – رفتار ظالمانه و تجاوزکارانه قارون علیه بنی اسرائیل ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

إنّ قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم

ظن در بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۱ – ۳

۳ اعتماد بنی اسرائیل بر حدس و گمان در بینش ها و اندیشه های دینی

و حسبوا الا تکون فتنه

عادلان بنی

اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۹ - ۱

۱ گروهی اندک از قوم موسی ، مردمی هدایتگر و عدالت پیشه بودند .

و من قوم موسی امه یهدون بالحق و به یعدلون

عبادتگاه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۳

۳ - بنی اسرائیل ، محل استقرار گوساله سامری را عبادت گاه خود قرار داده و ساعات فراوانی را به عبادت آن اختصاص دادند .

لن نبرح علیه عکفین

ملازمت و مداومت، از لغت <عاکفین> به دست می آید.

عبرت دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۶

۶ - فرورفتن شبانه قارون با خانه اش در کام زمین ، رخدادی سخت تکان دهنده ، بیدارگر و درس آموز برای کسانی که روز پیش آرزوی ثروتی چونان ثروت وی را داشتند .

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس یقولون ویکأنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء من عباد

کلمه <مکانه>، منصوب به نزع خافض و صفت برای اسم محذوف <مکاناً> است; یعنی، <الذین تمنّوا مکاناً مثل مکانه; آنان که دیروز منزلتی هم چون منزلت قارون را آرزو کرده بودند. ..>.

عبرت ناپذیری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۶

۶- موسی (ع) قوم خود را به دلیل عبرت نگرفتن از سرگذشت پیشینیان ، سرزنش کرد .

ألم یأتکم نبؤا الذین من قبلکم قوم نوح و عاد و ثمود

عبور بنی اسرائیل از دریا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۳

۳ - بنی اسرائیل ، با عبور از دریا نجات یافتند و فرعونیان در آب دریا غرق شدند .

فأنجینکم و أغرقنا ءال فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی ، پس از عبورشان از دریا و نجات یافتن از سیطره فرعونیان بود .

و إذ فرقنا بکم البحر . .. و إذ وعدنا ... ثم اتخذتم العجل من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱،۲،۳،۴

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را از دریا عبور داد .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر

۲ عبور بنی اسرائیل (قوم موسی) از همان دریایی بود که فرعونیان در آن غرق شدند .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر

<ال> در <البحر> عهد ذکری است و اشاره به <الیم> در آیه ۱۳۶ دارد. یعنی بنی اسرائیل را از همان دریا (دریایی که فرعونیان را درآن غرق کردیم) عبور دادیم.

۳ زمان عبور قوم موسی از دریا ، مقارن با غرق شدن فرعونیان در آن دریا بود .

فأغرقنهم فی الیم . .. و جوزنا ببنی إسرءیل البحر

<جوزنا . .. > عطف است بر آیه ۱۳۶ (فانتقمنا منهم ... .)

۴ بنی اسرائیل در پی عبور از دریا با مردمی بت پرست مواجه شدند .

فأتوا على قوم يعكفون على أصنام لهم

<أتوا> چون به <على> متعدى شده، متضمن معناى مرور است، يعنى <اتوا قوما مارين عليهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶

- اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱

۱ خداوند ، موسی (ع) را پس از عبور بنی اسرائیل از دریا ، برای عبادت و مناجاتی خاص فراخواند .

و وعدنا موسی ثلثین لیله

به کارگیری کلمه <لیله> (شب)، با وجود اینکه معمولاً در بیان شبانه روز و مانند آن از کلمه <یوم> استفاده می شود، اشاره به این دارد که مواعده خدا با موسی برای عبادت بوده است. و چون موسی در میان قومش نیز عبادت و مناجات داشته، معلوم می شود که این، عبادت و مناجاتی خاص بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۶،۱۶،۲۱،۲۶

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه . .. و أنزلنا علیهم المن و السلوی

۱۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به گرمای سوزان خورشید گرفتار شدند .

و ظلّلنا علیهم الغمم

۲۱ دسترسی قوم موسی به غذا های حلال و حرام در پی عبور از دریا

کلوا من طیبت ما رزقنکم

۲۶ ظهور معجزاتی متعدد (پدید آمدن آب ، سایه ، نزول منّ و سلوی) برای قوم موسی در پی عبورشان از دریا

فانبجست . .. ظلّلنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المن و السلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۱،۱۲

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را در حالی که در معرض هجوم فرعون و سپاهیانش قرار داشتند ، از دریا عبور داد .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً

و عدواً

۱۲ < عن ابی جعفر (ع) فی قوله : < و جاوزنا ببنی اسرائیل . . . > . . . فخرج موسی ببنی اسرائیل و أتبعهم فرعون . . . فدعا موسی ربه فأوحی اللّه إلیه : أن اضرب بعصاك البحر فضربه فانفلق البحر فمضی موسی و أصحابه حتی قطعوا البحر . . . فلما توسط فرعون و من معه أمر اللّه البحر فانطبق علیهم فغرقهم أجمعین . . . ;

از امام باقر (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: <بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم . .. > روایت شده است: موسی (ع) بنی اسرائیل را بیرون برد و فرعون آنان را تعقیب کرد ... پس موسی (ع) پروردگار خود را خواند. خداوند به او وحی کرد که عصای خود را به دریا بزن. موسی (ع) عصا را به دریا زد ; آن گاه دریا شکافته شد و موسی (ع) و اصحابش از دریا گذشتند ... در آن هنگام فرعون و همراهانش به وسط دریا رسیده بودند که خداوند فرمان داد تا امواج آب آنان را در کام خود فرو برد و [بدین ترتیب] همه آنان را غرق کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ - تمام بنی اسرائیل از یک راه در دریا عبور داده شدند . *

فاضرب لهم طریقًا فی البحر

چنانچه مراد از <طریقاً> جنس نباشد، بر وحدت راه دلالت خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۱

۱ - موسی (ع) به

فرمان خداوند ، بنی اسرائیل را شبانه از مصر کوچ داد و از دریا گذراند .

أسر بعبادی . .. فأتبعهم

حرف <فاء> در <فأتبعهم> فصیحه است; یعنی، از یک سری جملات محذوف قبل از خود حکایت می کند. حاصل آن جملات این است که موسی(ع) بنی اسرائیل را از مصر کوچ داد و فرعونیان نیز از حرکت آنان آگاه شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - نجات یافتن موسی (ع) و همراهان وی (بنی اسرائیل) از شرّ فرعونیان ، با عبور از دریا به اراده الهی بود .

و أنجینا موسی و من معه أجمعین

۲ - موفق شدن همه همراهان موسی به عبور از دریا

و أنجینا موسی و من معه أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۶ - ۱

۱ - غرق شدن فرعون و سپاهیانش ، پس از عبور کامل بنی اسرائیل از دریا

و أنجینا موسی و من معه أجمعین . ثمّ أغرقنا الأخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۴ - ۳

۳- اطمینان بخشی خداوند به موسی (ع) و بنی اسرائیل ، در به سلامت عبور کردن آنان از دریا و غرق شدن فرعونیان

و اترک البحر رهوًا إنّهم جند مغرقون

هر چند عبارت <واترک . ..> معنای فرمان را در خود نهفته دارد; اما قرین شدن <رهوًا> می نمایاند که خداوند با بیان این صفت، در صدد اطمینان بخشی و ایجاد آرامش در روح موسی(ع) و اطرافیان آن حضرت بود.

عبور بنی

اسرائیل از دریای سرخ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۷ – ۸

۸ – ایجاد راهی خشک در عمق دریای سرخ برای عبور بنی اسرائیل ، از مأموریت های موسی (ع)

فاضرب لهم طریقًا فی البحر یبسًا

<اضرب لهم. ..>، یعنی برای آنان راهی را ایجاد کن. <یَبَس> به معنای خشک است. <ال> در <البحر> عهد ذهنی و اشاره به دریای مشخصی است که در مسیر هجرت قرار داشت. گروهی از مفسران آن را دریای سرخ و برخی رود نیل دانسته اند.

عبور بنی اسرائیل از رود نیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۷ – ۸

۸ – ایجاد راهی خشک در عمق دریای سرخ برای عبور بنی اسرائیل ، از مأموریت های موسی (ع)

فاضرب لهم طریقًا فی البحر یبسًا

<اضرب لهم. ..>، یعنی برای آنان راهی را ایجاد کن. <یَبَس> به معنای خشک است. <ال> در <البحر> عهد ذهنی و اشاره به دریای مشخصی است که در مسیر هجرت قرار داشت. گروهی از مفسران آن را دریای سرخ و برخی رود نیل دانسته اند.

عبور بنی اسرائیلاز رود نیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۴ – ۱،۲،۶

۱– دستور خداوند به موسی (ع) و بنی اسرائیل ، در عبور از نیل و وانهادن رود آرام و فروهشته به حال خویش

و اترک البحر رهوًا

<رهو>، به معنای حالت آرام و یا گودی و شکافتگی شیء است.

۲- عبور بنی اسرائیل از رود نیل ، در شرایط آرامش و حرکت رهوار

آب *

و اترک البحر رهوًا

احتمال دارد که تعبیر <رهوًا> اشاره به حرکت آرام رود داشته باشد که عبور را آسان می سازد. بر خلاف حرکت سیل آسا و پرخروشِ جریان رود در شرایط خاص جوی که عبور را مشکل می سازد.

۶- لشگر فرعون ، در تعقیب بنی اسرائیل پس از عبور آنان از نیل

و اترک البحر رهوًا إنّهم جند مغرقون

تعقیب، از واژه <جند> استفاده شده است.

عُجب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴ - ۴

۴- هشدار خداوند به بنی اسرائیل به خاطر سرکشی و برتری طلبی بزرگ آنان

و قضینا إلی بنی إسرءیل . .. و لتعلنّ علوًّا کبیرًا

مراد از <لتعلنّ> به قرینه <لتفسدنّ فی الأرض> و نیز به قرینه آیه بعد که در آن عکس العمل خداوند با این عمل بنی اسرائیل بیان شده است برتری طلبی است و نه برتری یافتن اجتماعی.

عجز بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۱ - ۴

۴ - ناتوانی مشهود بنی اسرائیل از مقابله با سپاه فرعون

قال أصحب موسی إنّا لمدرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۸ - ۲

۲- بنی اسرائیل ، گرفتار سلطه فرعونیان و ناتوان از ر ها ساختن خویش

أن أدّوا إلىّ عباد اللّه

مصداق مورد نظر از <عباداللّه> ممکن است بنی اسرائیل باشد.

عذاب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۴

۱۴ - داستان تقاضای رؤیت خدا و اظهار ناباوری بنی اسرائیل به سخنان

موسی (ع) و فرود آمدن صاعقه بر آنان ، داستانی آموزنده و شایسته به خاطر داشتن

و إذ قلتم یموسی لن نؤمن لک . .. و أنتم تنظرون

<إذ قلتم> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <اذکروا إذ قلتم . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۶

۱۶ جاودانگی عذاب بنی اسرائیل به خاطر عصیان گری ، تجاوزپیشگی ، ترک نهی از منکر ، و پذیرش ولایت کافران

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لایتناهون ... و فی العذاب هم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۸،۹

۸ موسی (ع) ، نگران شمول عذاب الهی بر همه قوم خویش *

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره . .. قال عذابی أصیب به من أشاء

به نظر می رسد تقاضای موسی(ع) با جمله <و اکتب لنا . .. > و تعلیل آن با جمله <إنا هدنا إلیک>، ناشی از واقعه ای است که در آیه قبل بیان شد و آن عبارت بود از هلاکت همه همراهان به سبب سفاهت گروهی از ایشان. گویا موسی(ع) از آن واقعه چنین برداشت کرد که با گناه گروهی از بنی اسرائیل همه آنان در خطر نابودی خواهند بود و لذا نگران شد و از خدا چنین تقاضایی کرد.

۹ خداوند با بیان عدم تقدیر عذاب بر همگان و جریان آن بر اساس مشیت خویش ، موسی (ع) را از نگرانی شمول عذاب بر همه بنی اسرائیل ر ها ساخت .

قال

عذابی أصیب به من أشاء و رحمتی وسعت کل شیء

جمله <عذابی أصیب به من أشاء> در مقابل <و رحمتی وسعت کل شیء>، بیانگر این است که خداوند خواهان عذاب همگان نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۴

۴ خداوند گروهی از بنی اسرائیل را به دلیل تمردشان (طلب آمرزش نکردن و به جان آن سخنی دیگر گفتن) به عذاب آسمانی گرفتار ساخت .

فأرسلنا علیهم رجزاً من السماء بما کانوا یظلمون

عذاب دنیوی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۳

۱۳ - قوم موسی ، در پی تقاضای رؤیت خدا ، شاهد فرود آمدن صاعقه بر خود بودند .

فأخذتکم الصعقه و أنتم تنظرون

مفعول <تنظرون> (نگاه می کردید) فرود آمدن صاعقه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۵

۵ - بنی اسرائیل در خطر گرفتار آمدن به عذاب های دنیوی (ذلیل گشتن ، مطرود شدن و . . .) در صورت ایمان نیاوردن به قرآن و انجام ندادن اعمال صالح

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خسئین

در آیات گذشته (از ۴۱ تا ۴۵ و نیز آیه ۶۲) خداوند بنی اسرائیل را به ایمان و تصدیق قرآن و انجام اعمال صالح دعوت کرد و در آیه مورد بحث سرگذشت شوم اسحاب سبت را یادآور شد تا هشداری باشد به آنها که مبادا با سرپیچی از دعوت خدا و فرمانهای او، به سرنوشتی همانند اصحاب سبت گرفتار

آیند.

عذاب عصیانگران بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۲ – ۴،۵

۴ خداونـد گروهی از بنی اسـرائیل را بـه دلیـل تمردشـان (طلب آمرزش نکردن و به جـان آن سـخنی دیگر گفتن) به عـذاب آسمانی گرفتار ساخت .

فأرسلنا علیهم رجزاً من السماء بما کانوا یظلمون

۵ عـذاب نازل شـده بر متمردان بنی اسـرائیل ، سـزای گناهان پیشـین آنان و گناه رعایت نکردن آداب مقرر شده برای ورود به بیت المقدس

فبدل الذین ظلموا منهم . .. فأرسلنا علیهم رجزاً من السماء بما کانوا یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ظلم و گنـاه در <بمـا کانوا یظلمون> غیر از گناهی باشـد که جمله <فبـدل . .. > بیانگر آن است. بنابراین تفریع <فأرسلنا ... > بر <فبدل ... > می رساند که عذاب به خاطر تبدیل فرمان الهی بوده و <باء> سببیه در <بما کانوا... > می رساند که عذاب به سبب ظلم و گناه سابق بنی اسـرائیل بوده است. یعنی گناهِ تبدیل، به ضـمیمه گناهان سابق باعث ارسال عذاب بر آنان شد.

عصیان بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۵ – ۲

۲ – گروهی از بنی اسرائیل حکم خداوند را پاس نداشتند و تعطیلی روز شنبه را شکستند .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۴ – ۳

۳ – قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود

.

قالوا أتتخذنا هزواً . .. ثم قست قلوبكم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۸۳ – ۲۴

۲۴ – شكستن پيمان هاى الهى و تمرد از فرمان هاى خدا ، عادت روزمره بنى اسرائيل است .

و أنتم معرضون

برخى از مفسران برآنند كه جمله <و أنتم معرضون> (شما]از عهدها و پيمانها [رويگردان هستيد) جمله معترضه است و اشاره به اين معنا دارد كه: بنى اسرائيل نه تنها پيمانهاى ياد شده را شكستند بلكه رويه و عادت آنها چنين است كه به عهدها و پيمانها پايبند نيستند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۹۳ – ۱۲،۱۳

۱۲ – قوم موسى ، على رغم اظهار پذيرش تورات و پيشمانشان بر گوش سپارى به فرمان هاى خدا و موسى (ع) ، تمرد كرده و عصيانگر شدند .

قالوا سمعنا و عصينا

۱۳ – قوم موسى ، آشكارا و علنى و بدون هيچ پرده پوشى ، از فرمان هاى تورات و موسى (ع) سرپيچى كردند .

قالوا سمعنا و عصينا

بعيد به نظر مى رسد كه قوم موسى در پاسخ به پيروى از فرمانهاى خدا و موسى(ع) – خصوصاً با قرار گرفتن طور بر بالاى سر ايشان – اظهار كنند كه <ما نافرمانى مى كنيم>. بنابراين <قالوا سمعنا و عصينا> بيان مى دارد كه اظهار اطاعت كردند و در عمل نافرمانى كردند، ولى از آن جا كه نافرمانى اينان بسيار علنى و بدون پرده پوشى بوده، گويابه زبان آوردند كه ما عصيان مى كنيم.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – بقره

۱ تخلّف و انحراف بنی اسرائیل ، علی رغم ارائه آیات روشن و معجزات الهی به آنان

کم اتیناهم من ایه بیّنه و من یبدل نعمه اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۱۱،۱۴،۱۵،۳۲

۱۱ کسانی که فقط یک کف از آب نهر نوشیدند ، از لشکر طرد نشدند ; گر چه منسوب به طالوت نیز نبودند .

فمن شرب منه فلیس منّی و من لم یطعمه فانّه منّی ألاّ من اغترف غرفهً بیده

کلمه <الاّ> استثنای از <فمن شرب> است; بنابراین لشکر طالوت به سه گروه تقسیم می شوند: نوشندگان، آنانکه نچشیدند و کسانی که تنها مُشتی از آب برگرفتند. حکم گروه اوّل و دوّم روشن است ; ولی گروه سوّم چون آب را چشیده اند، <منّی> صدق نمی کند و به دلیل اینکه سیراب نشده اند، <لیس منی> نیز صدق نمی کند.

۱۴ بیشتر لشکریان طالوت علی رغم منع وی ، از آب نهر نوشیدند و در امتحان الهی موفق نشدند .

فشربوا منه الاّ قلیلا

۱۵ عدم تغییر عزم طالوت در پیکار با متجاوزان ، علی رغم نافرمانی بیشتر لشکریان و طرد آنان از سوی وی

فشربوا منه الاّ قلیلا منهم فلمّا جاوَزَه

۳۲ ناتوانان از همراهی با طالوت پس از گذشتن از نهر ، همانهایی بودند که یک کف ، آب نوشیدند .

الاّ من اغترف غرفه بیده . .. قالوا لا طاقه لنا

امام باقر (ع) درباره آیه مزبور فرمود: . .. قال الذین اغترفوا: <لا طاقه لنا الیوم بجالوت> ... .

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸; نورالثقلین، ج ۱،

ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۱۵

۱۵ بنی اسرائیل بخش مهمی از دستورات الهی را کنار گذاشته و بدان عمل نکردند .

و نسوا حظاً مما ذکروا به

بسیاری از مفسران بر آنند که نسیان در این آیه به معنای نادیده گرفتن است، چنانچه در <لسان العرب> آمده: <النسیان: الترك>. و مؤید این معنا مذمت خداوند از نسیان کنندگان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۲ – ۱

۱ تأکید بنی اسرائیل بر کناره گیری از نبرد با زورگویان سرزمین مقدس ، علی رغم فرمان موسی (ع)

قالوا یموسی ان فیها قوماً جبارین و إنّا لن ندخلها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۳ – ۱۰،۱۱

۱۰ قوم موسی (ع) ، مردمی گستاخ و بی پروا در برابر خداوند

قال رجلان من الذین یخافون

<من الذین یخافون> می تواند اشاره به این باشد که قوم موسی(ع) به جهت نترسیدن از خداوند، فرمان موسی(ع) را اطاعت نکردند.

۱۱ گستاخی و بی پروایی قوم موسی (ع) در برابر خداوند ، زمینه سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع) (ورود به سرزمین مقدس و مبارزه با جباران)

إنّا لن ندخلها . .. قال رجلان من الذین یخافون انعم اللّه علیهما ادخلوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۴ – ۱،۳،۱۱

۱ اصرار و تأکید بنی اسرائیل بر کناره گیری از پیکار با زورگویان سرزمین مقدس

، علی رغم فرمان موسی (ع)

قالوا یموسی إنّا لن ندخلها ابداً

۳ بی اعتنایی قوم موسی (ع) به فراخوانی یوشع و کالب برای یاری موسی (ع) در مبارزه با جباران

ادخلوا علیهم الباب . .. قالوا یموسی إنّا لن ندخلها

بنی اسرائیل پس از شنیدن سخنان یوشع و کالب، حضرت موسی(ع) را مخاطب قرار دادند تا بی اعتنایی و بی توجهی خود را به دعوت آن دو نفر اعلام کرده باشند.

۱۱ بنی اسرائیل ، با اعلام کناره گیری از نبرد ، خواستار معجزه موسی (ع) و امداد خاص الهی برای فتح سرزمین مقدس

فاذهب انت و ربک فقتلا

امدادهای الهی و معجزات موسی(ع) برای نابودی فرعونیان در حضور بنی اسرائیل، می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از <اذهب . ..>، توقع و درخواست امداد خداوند و معجزه موسی(ع) برای نابودی جباران است، به گونه ای که نیاز به جهاد و مبارزه نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۳،۱۰،۱۲

۳ شکایت موسی (ع) به پیشگاه پروردگار ، از تمرد بنی اسرائیل در مبارزه با جباران

قال رب انی لااملك الا نفسی و اخی

۱۰ بنی اسرائیل ، قومی فاسق به خاطر لجاجت و تمردشان در برابر فرامین موسی (ع)

و بین القوم الفسقین

۱۲ تمرد و گناه بنی اسرائیل ، موجب نفرین موسی (ع) بر آنان

فافرق بیننا و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۴،۵،۱۲،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸

۴ سرگردانی قوم موسی (ع

) در بیابان ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آن از فرمان موسی (ع)

إنّا لن ندخلها . .. یتیهون فی الارض

۵ زمان سرپیچی قوم موسی (ع) از فرمان وی ، سرآغاز سرگردانی چهل ساله آنان و محرومیت از تسلط بر قدس

إنّا لن ندخلها . .. اربعین سنه یتیهون فی الارض

۱۲ پرهیز از تأسف و اندوه بر گناهکاران بنی اسرائیل ، فرمان خداوند به موسی (ع)

فلاتأس علی القوم الفسقین

۱۴ قوم موسی ، مردمانی فاسق و نافرمان

إنّا لن ندخلها . .. فلاتأس علی القوم الفسقین

۱۵ لجاجت قوم موسی در برابر فرمان های وی ، نشانه فسق آنان

إنّا لن ندخلها . .. فلاتأس علی القوم الفسقین

۱۶ رأفت و مهربانی موسی (ع) نسبت به قوم خود ، علی رغم نافرمانی و گناه آنان

فلاتأس علی القوم الفسقین

<فلاتأس> از ماده <اسی> به معنای حزن و اندوه است. بر حذر داشتن موسی(ع) از تأسف بر بنی اسرائیل، دلالت بر وقوع تأسف و یا انتظار وقوع آن دارد و در هر حال، نشانه عطوفت موسی(ع) نسبت به آنان است.

۱۷ سرگردانی قوم موسی در سرزمینی به مساحت چهار فرسخ در مدت چهل سال ، تاوان نافرمانی آنان در برابر موسی (ع)

ادخلوا الارض المقدسه . .. قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه یتیهون فی الارض

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: فلما ابوا ان یدخلوها حرمها اللّه علیهم فناهوا فی اربع فراسخ اربعین سنه . .. .

اختصاص منصوب به شیخ مفید، ص ۲۶۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱.

۱۸ سرگردانی بنی اسرائیل در

پی سرپیچی از فرمان موسی (ع) با چرخیدن زمین به هنگام سفر شبانه آنان و بازگردانده شدن به محل سکونت اولیه خویش

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه یتیهون فی الارض

از امام صادق(ع) در بیان کیفیت سرگردانی بنی اسرائیل روایت شده: . .. اذا کان العشاء و اخذوا فی الرحیل ... اذا ارتحلوا و استوت بهم الارض قال اللّه للارض دیری بهم فلایزالوا کذلک ... فاذا اصبحوا اذا ابنیتهم و منازلهم التی کانوا فیها بالامس ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۷۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۸، ح ۱۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۳

۱۳ مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل) ، مورد لعن حضرت داود ، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فی سبتهم . .. .

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۷

۷ بنی اسرائیل مردمانی آلوده به منکرات و گستاخ در برابر منهیات و محرمات دین

کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه

بدان احتمال که <لایتناهون> به معنای <لاینتهون> باشد یعنی بنی اسرائیل دست از کار زشت بر نمی داشتند و به نهیبها و هشدارها ترتیب اثر نمی دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۶

اسرائیل به خاطر عصیان گری ، تجاوزپیشگی ، ترک نهی از منکر ، و پذیرش ولایت کافران

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لایتناهون ... و فی العذاب هم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۷،۲۹،۳۰

۲۷ قوم موسی با بهره گیری از خوراکی های ناپاک از دستور خداوند سرپیچی کردند .

کلوا من طیبت ما رزقنکم و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

چنانچه اطلاق ستمگری بر قوم موسی (کانوا أنفسهم یظلمون) در ارتباط با جمله <کلوا من طیبت . .. > بیان شده باشد، مراد از ستمگری آنان، استفاده از خوراکیهای حرام و ناپاک است ; ولی چنانچه جمله <و ما ظلمونا و لکن ... > در ارتباط با نعمتهای متعددی باشد که در آیه مطرح شده، مراد از ستمگری ایشان، ناسپاسی در برابر آن نعمتهاست. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۲۹ قوم موسی با ناسپاسی و تخلف از دستورات خداوند هیچ زیانی را متوجه ساحت قدس او نکردند .

و ما ظلمونا

۳۰ ناسپاسی قوم موسی و تمرد ایشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند .

و قطّعنهم . .. و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴ - ۴،۵

۴- هشدار خداوند به بنی اسرائیل به خاطر سرکشی و برتری طلبی بزرگ آنان

و قضینا إلی بنی إسرءیل . .. و لتعلنّ علوًّا کبیرًا

مراد از <لتعلنّ> به قرینه <لتفسدنّ فی الأرض> و نیز به قرینه آیه بعد که در آن

عکس العمل خداوند با این عمل بنی اسرائیل بیان شده است برتری طلبی است و نه برتری یافتن اجتماعی.

۵- پیشگویی تورات درباره سرکشی بزرگ و برتری جویی حتمی بنی اسرائیل در زمین

و قضینا إلی بنی إسرءیل فی الکتب . .. و لتعلنّ علوًّا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۱۳

۱۳- دومین هجوم نیرو های فاتح مسجدالاقصی بر بنی اسرائیل فسادگر و سرکش ، هجومی توفنده و ویرانگر

و لیتبروا ما علوًّا تتبیرًا

<تتبیر> به معنای اهلاک است و آوردن مفعول مطلق (تتبیرا) که برای تأکید است إشعار به سختی هجوم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۱

۱ - بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی ، سرباز زدند .

فاتّبعونی و أطیعوا أمری . .. قالوا لن نبرح علیه عکفین

<لن نبرح>; یعنی، <لانزال> (پایدار می مانیم) و <عاکف> به کسی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

عصیانگران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ گروهی از بنی اسرائیل زمان داود و عیسی عصیان پیشه و تجاوزگر بودند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

۱۱ گرفتاری کافران بنی اسرائیل به لعنت داود و عیسی (ع) ، برخاسته از عصیان پیشگی و تجاوزگری آنان

لعن الذين کفروا . .. ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

در برداشت

فوق <ذلک> اشاره به <لعنت> گرفته شده است.

عطایای خدا به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۱

۱ - اعطای کتاب آسمانی ، حکومت و نبوت به بنی اسرائیل از سوی خداوند

ءاتینا بنی إسرءیل الکتب و الحکم و النبوّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱

۱ - اعطای دلایل آشکار از سوی خداوند به بنی اسرائیل ، درباره شریعت موسی

و ءاتینهم بیّنت من الأمر

<من> در <من الأمر> می تواند به معنای <فی> باشد و کلمه <الأمر> اشاره به کتاب و شریعت موسی(ع) داشته باشد.

عفو از بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۱،۴،۵

۱ - خداوند ، گناه گوساله پرستی بنی اسرائیل را مورد عفو خویش قرار داد .

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

۴ - آمرزش گناه ارتداد و گوساله پرستی بنی اسرائیل ، از نعمت های بزرگ خداوند بر آنان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

چون آیه های این بخش از سوره، در صدد بیان نعمتهای الهی به بنی اسرائیل است، مفاد جمله <عفونا عنکم> نیز به منظور بیان نعمت ایراد شده است و از آن جا که این معنا با حرف <ثم> به دیگر نعمتها عطف گردیده، اشاره به رتبه برتر نعمت آمرزش نسبت به نعمتهای دیگر دارد.

۵ - امتنان خدا بر بنی اسرائیل به خاطر آمرزش گناه گوساله پرستی ایشان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

روشن است که عفو از گناه پس از ارتکاب آن است. بنابراین <من بعد ذلک> بیانگر

زمان آمرزش نخواهد بود; بلکه اشاره به این معنا دارد که: بنی اسرائیل استحقاق آمرزش را نداشت، ولی مع ذلک خداوند بر آنان تفضل کرده و گناهشان را بخشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۷،۲۸،۲۹

۲۷ پیامبر (ص) مأمور به عفو و گذشت از خطا های بنی اسرائیل و ترک هرگونه تعرض نسبت به آنان

فاعف عنهم و اصفح

بنابر اینکه ضمیر <عنهم> به همه بنی اسرائیل برگردد.

۲۸ وجود گروهی متعهد در میان بنی اسرائیل ، دلیل امر الهی به عفو و مدارای پیامبر (ص) با همه آنان

إلاّ قلیلا منهم فاعف عنهم و اصفح

تفریع عفو با کلمه <فاء> بر جمله <و لاتزال . .. الاقلیلا منهم>، اشاره به برداشت فوق دارد.

۲۹ پیامبر (ص) مأمور عفو و گذشت از غیر خائنان بنی اسرائیل

فاعف عنهم و اصفح

بنابر اینکه مراد از ضمیر در <عنهم>، تنها گروه غیر خائن باشد.

عقاید بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۸

۸ وجود اعتقاد به خداوند و تورات و احکام آن ، در میان بنی اسرائیل ، در عصر حضرت عیسی (ع)

و لاحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۶

۶ بنی اسرائیل ، مدّعی حرمت برخی از خوردنی ها و انتساب آن به تورات

کل الطّعام کان حلا لبنی اسرائیل . .. قل فأْتوا بالتوریه فاتلوها

عقیده باطل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۳

۳ - توبیخ و سرزنش بنی اسرائیل از سوی خداوند ، به جهت عقیده کور و نسنجیده آنان به معبود بودن گوساله سامری

أفلایرون ألّایرجع إلیهم قولاً

استفهام در <أفلایرون> برای انکار توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۴

۴ - وجود باور های افراطی و غلوآمیز درباره عیسی (ع) ، در عصر خود آن حضرت *

إنّ اللّه هو ربّی و ربّکم

تأکید بر تعبیر <ربّی>، می تواند در راستای تخطئه گرایش ها و باورهای غلوآمیز مردم آن زمان باشد.

عقیده بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۱۱،۱۲

۱۱ - توهم وجود یارانی که آدمی را از عذاب قیامت نجات دهند و یا گناه او را بر عهده بگیرند ، از پندار های باطل بنی اسرائیل

واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً . .. و لاهم ینصرون

۱۲ - گناه کردن به خیال پذیرش شفاعت و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های باطل بنی اسرائیل

واتقوا یوماً . .. ولا یقبل منها شفعه و لایؤخذ منها عدل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۳

۱۳ - قوم موسی معتقد به ربوبیت و حاکمیت خداوند بر طبیعت

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۵،۷،۸

۵ - اتکای قوم موسی به مشیت

و خواست خدا ، در دستیابی به گاوی که باید ذبح می کردند .

و إنا إن شاء اللّه لمهتدون

۷ - قوم موسی ، به وابستگی هدایت آدمی به مشیت و خواست خداوند ، باور داشتند .

و إنا إن شاء اللّه لمهتدون

۸ - قوم موسی ، مطمئن به استجابت دعا های موسی (ع) و اجابت خواسته های او از درگاه خداوند

قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی . .. ادع لنا ربک یبین لنا ما لونها ... ادع لنا

فعل <یبین> در آیه مورد بحث و آیات پیشین مجزوم به شرط مقدر است. کلام با تقدیر آن چنین می باشد: <ادع لنا ربک لیبین لنا ان تدع اللّه یبین; از خدا بخواه برای ما بیان کند. اگر تو از خدا بخواهی بیان خواهد کرد>. این معنا (اگر بخواهی بیان خواهد کرد) رسای به برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۹،۱۰

۹ - توهم سودبخشی شفاعت از گنهکاران و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های بنی اسرائیل است .

یبنی إسرءیل . .. و لایقبل منها عدل و لاتنفعها شفعه

فعل <اتقوا> به قرینه آیات پیشین، خطاب به بنی اسرئیل است. این خطاب خود قرینه وجود چنین افکاری در بین آنان است.

۱۰ - توهم وجود مدافعانی در قیامت که آدمی را از عذاب نجات دهند یا گناه او را بر عهده بگیرند ، از پندار های بنی اسرائیل است .

یبنی إسرءیل . .. و اتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً ... و لاهم ینصرون

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۷ – ۴،۵،۶

۴ پندار غلط بزرگان بنی اسرائیل بر سزاوار بودنشان از طالوت برای زمامداری

و نحن احقّ بالملک منه

۵ سرشناسی و از طبقه اشراف و بزرگان بودن و داشتن ثروت فراوان ، شرط زمامداری ، در پندار بزرگان بنی اسرائیل

و نحن احق بالملک منه و لم یؤت سعهً من المال

ظاهراً جمله <نحن احق . .. > سخن ملأاست; گویا آنان بدین جهت خود را برای زمامداری سزاوارتر می دانستند.

۶ سرشناسی و از اشراف بودن ، مهمترین ملاک برای زمامداری ، در دیدگاه ملأ بنی اسرائیل *

و نحن احقّ بالملک منه و لم یؤت سعه من المال

اشراف بنی اسرائیل در مقام بیان ملاک زمامداری، در ابتدا مسأله سرشناسی و ملأ بودن را مطرح نمودند و سپس مسأله ثروت را.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۴ – ۱۰،۱۲

۱۰ خداوند ، در دیدگاه ناصواب قوم موسی ، موجودی جسمانی و دارای حجم *

فاذهب انت و ربک فقتلا

نسبت رفتن و جنگیدن به خداوند با یک تعبیر از او و موسی(ع)، دلالت می کند که آنها خداوند را موجودی همانند موسی(ع) می پنداشتند.

۱۲ برداشت نادرست قوم موسی از امداد های الهی و شرایط و زمینه های آن *

فاذهب انت و ربک فقتلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۱ – ۱،۳،۶،۷

۱ مواجه نشدن با آزمایشات الهی ، پندار باطل بنی اسرائیل

و حسبوا الا تکون فتنه

<فتنه> می تواند به معنای آزمون و نیز به معنای

عذاب باشد، برداشت فوق بر اساس معنی اول است.

۳ اعتماد بنی اسرائیل بر حدس و گمان در بینش ها و اندیشه های دینی

و حسبوا الا تکون فتنه

۶ بی پروایی بنی اسرائیل در شکستن پیمان الهی ، تکذیب انبیا و کشتن آنان ، برخاسته از باور آنان به مصونیت از عذاب

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون. و حسبوا الا تکون فتنه

۷ پندار رهایی از مجازات نقض میثاق و تکذیب و کشتن انبیا ، از باور های بی اساس بنی اسرائیل

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و حسبوا الا تکون فتنه

دربرداشت فوق <فتنه> به معنای عذاب گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۷

۱۷ باور به توانمندی بنده ای از بندگان (موسی) بر ساختن و تدارک دیدن معبود ، نشانه جهل و بی خردی بنی اسرائیل

اجعل لنا إلهاً . .. قال إنکم قوم تجهلون

جمله <اجعل لنا إلهاً> دلالت می کند که بنی اسرائیل از موسی که خود فردی از بشر است می خواستند برای آنان خدا و معبود تدارک ببیند. موسی نیز بدین جهت آنان را جاهل شمرد. یعنی این بسیار جاهلانه است که گمان کنید بنده ای از بندگان خدا می تواند معبودی شایسته پرستش بسازد و تدارک ببیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۷

۷ - گروهی از بنی اسرائیل در معرفی کردن گوساله زرین به عنوان معبود ، با سامری همراهی و هم کاری داشتند .

عجلاً . .. فقالوا هذا إلهکم و إله موسی

فعل

جمع <قالوا> می رساند که عده ای در اطراف سامری مجتمع گشته و مرام او را ترویج می کردند. یا این که از گذشته با او هم کاری و هم فکری داشتند و در زمان نمایش دادن گوساله، به ترویج عقیده باطل خود پرداختند.

عقیده بنی اسرائیل درباره خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۷ – ۱۱

۱۱ – موسی (ع) با جاهلانه خواندن استهزای مردم ، پندار قوم خویش را درباره خود ناروا دانست .

قال أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

علاقه به بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲ – ۷

۷ – دلبستگی عمیق موسی (ع) به بنی اسرائیل و رنج شدید وی از بردگی و استثمار آنان توسط فرعون

و تلک نعمه تمنّها علیّ أن عبّدتّ بنی إسرءیل

علم بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۷ – ۲۸

۲۸ – قوم موسی (بنی اسرائیل) ، برخوردار از ایمان و معرفت بالا نسبت به معارف الهی

إذ قال له قومه لاتفرح . .. و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره ... و أحسن ... و

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۵ – ۳،۵

۳ – بنی اسرائیل ، به حقانیت موسی (ع) معرفت و آگاهی داشتند .

و قد تعلمون أنّی رسول اللّه

۵ - بنی اسرائیل ، به رغم آگاهی از رسالت الهی موسی (ع) ، آن حضرت را مورد آزار

قرار می دادند .

لم تؤذوننی و قد تعلمون أنّی رسول اللّه إلیکم

علمای بنی اسرائیل و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۱

۱ - آگاهی و اطلاع عالمان بنی اسرائیل از آمدن قرآن ، خود دلیل حقانیت آن و صدق پیامبر (ص) است .

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

استفهام در این آیه توبیخی است. ضمیر <هم> در <لهم> به مشرکان مکه بازمی گردد و <آیه> خبر <لم یکن> و به معنای دلیل روشن می باشد. <أن یعلمه...> نیز اسم <لم یکن> و ضمیر در آن به خبر <قرآن> یا <خبر نزول آن بر پیامبر> بازمی گردد; یعنی، <أوَلم یکن علم علماء بنی اسرائیل بخبر القرآن أو خبر نزوله علیک علی سبیل البشاره فی کتب الأنبیاء الماضین آیه للمشرکین علی صحّه نبوّتک>.

علمای بنی اسرائیل و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۱

۱ - آگاهی و اطلاع عالمان بنی اسرائیل از آمدن قرآن ، خود دلیل حقانیت آن و صدق پیامبر (ص) است .

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

استفهام در این آیه توبیخی است. ضمیر <هم> در <لهم> به مشرکان مکه بازمی گردد و <آیه> خبر <لم یکن> و به معنای دلیل روشن می باشد. <أن یعلمه...> نیز اسم <لم یکن> و ضمیر در آن به خبر <قرآن> یا <خبر نزول آن بر پیامبر> بازمی گردد; یعنی، <أوَلم یکن علم علماء بنی اسرائیل بخبر القرآن أو خبر نزوله علیک علی سبیل البشاره فی کتب

الأنبياء الماضين آيه للمشركين على صحّه نبوّتك>.

عمل بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۲۱

۲۱ نظارت همه جانبه خداوند بر اعمال و رفتار بنى اسرائيل

و اللّه بصير بماتعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۵ - ۲

۲ - اعمال و رفتار بنى اسرائيل ، هميشه مايه خشم و نگرانى فرعونيان

و إنّهم لنا لغائظون

تعبير<غائظون> (به صيغه وصف) مى تواند بيانگر اين مطلب باشد كه خشم فرعونيان، تنها به علت حركت اخير بنى اسرائيل نبود; بلكه معمولاً حركات بنى اسرائيل مايه خشم و غضب آنان مى شده است.

عمل به تكليف بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۴

۱۴ - بنى اسرائيل مورد توبيخ و سرزنش خدا ، به خاطر تبعيض در برخورد و عمل به دين (عمل كردن به برخى از دستورات تورات و وانهادن برخى ديگر)

أفتؤمنون ببعض الكتب و تكفرون ببعض

مراد از ايمان و كفر در <أفتؤمنون> و <تكفرون> عمل كردن و وانهادن است.

عمل صالح بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۳

۳ اعمال نیک بنی اسرائیل در صورت تکذیب تورات و باور نداشتن قیامت برای آنان سودبخش نخواهد بود .

و الذین کذبوا . .. حبطت أعملهم

مصداق مورد نظر برای <الذین کذبوا . .. > با توجه به آیات پیشین، بنی اسرائیل است.

عمل علمای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

- ۲ - ۴۴ - ۲،۳

۲ - عالمان بنی اسرائیل ، خود به آنچه مردمان رابه آن فرا می خواندند ، عمل نمی کردند .

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسکم

۳ - عالمان بنی اسرائیل ، مورد نکوهش و سرزنش خداوند به خاطر عمل نکردن به محتوای دعوت های خویش

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسکم

استفهام در <أتأمرون . ..> استفهام انکار توبیخی است.

عمل ناپسند بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۵

۱۵ کردار ناروای بنی اسرائیل علی رغم انتساب آنان به دین یهود ، دلیل کارساز نبودن انتساب ظاهری به ادیان الهی در سعادت انسان

إنّ الذین ءامنو و الذین هادوا . .. فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

در آیه قبل بیان شد که <ان الذین . ..> اشاره دارد به این که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نمی باشد و این آیه به منزله برهانی بر آن حقیقت است، یعنی انتساب یهود و نصارا به یهودیت و نصرانیت چگونه می تواند مایه سعادت آنان باشد با اینکه پیامبران راتکذیب کردند و گروهی از آنان را کشتند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۱۷

۱۷ بسیاری از بنی اسرائیل با شکستن توبه بینش بازیافته خویش را از دست داده و به اعمال ناروا گراییدند .

فعموا و صموا ثم تاب اللّه علیهم ثم عموا و صموا . .. و اللّه بصیر بماتعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۸

۸ ترك نهی

از منکر از اعمال زشت و ناپسند گروهی از بنی اسرائیل

کانوا لایتناهون . .. لبئس ما کانوا یفعلون

عوامل اختلاف بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۷ – ۴

۴ – اختلاف بنی اسرائیل در مسائل دینی و اجتماعی ، اختلافی آگاهانه و معلول جاه طلبی و تجاوزگری آنان

فما اختلفوا إلاّ من بعد ما جاءهم العلم بغیًا بینهم

<فاء> در <فما اختلفوا> اختلاف بنی اسرائیل را بر <آتینا بنی اسرائیل الکتاب و الحکم. ..> تفریع کرده است; یعنی، ما به بنی اسرائیل هم شریعت دادیم و هم اقتدار و حکومت اما آنان به اختلاف گراییدند. این اختلاف در آیه شریفه مطلق است که می تواند شامل مسائل دینی و اجتماعی (کتاب و حکومت) باشد.

عوامل اذیت مؤمنان بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۳ – ۱۰،۱۲

۱۰ خودکامگی ، سلطه مداری و خوی اسراف گرانه فرعون ، عامل رویارویی وی با موسی (ع) و آزار و اذیت پیروانش بود .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه علی خوف من فرعون و ملإیهم أن یفتنهم و إن فرعون ل

۱۲ خودکامگی و سلطه مداری فرعون ، عامل ایجاد اختناق و خفقان در سرزمین مصر بود .

فما ءامن . .. إلا ذریه ... علی خوف من فرعون و ملإیهم أن یفتنهم و إن فرعون لعال ف

عوامل استثمار بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳۱ – ۶

۶– روحیه استکباری و اسرافگری فرعون ، عامل استثمار و تحقیر

بنی اسرائیل

من العذاب المهین . من فرعون إنّه كان عالیًا من المسرفین

جمله <إنّه. ..> می تواند در مقام تعلیل باشد.

عوامل اصلاح بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱۲

۱۲- روی کرد عمومی بنی اسرائیل به صلاح و شایستگی ، پس از تحمل مجازات افساد خویش و قبول شکست از مردانی جنگاور

لتفسدنّ فی الأرض . .. بعثنا علیكم عبادًا لنا أُولی بأس شدید ... ثمّ رددنا لكم ال

قرینه دو آیه بعد <إن عدتم عدنا> دلالت می کند بر اینکه بنی اسرائیل پس از شکست خود، متنبه شده اند و برای همین جهت، خداوند هم آنان را امداد کرده است.

عوامل اندوه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۳

۳ - موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، گرفتار غم بزرگ و مشکلات اندوه بار از سوی فرعونیان

و نجّینهما و قومهما من الكرب العظیم

اندوهی که موسی و هارون(علیهماالسلام) و قوم شان به آن گرفتار بودند، ناشی از مسائل و مشکلات شخصی نبود; بلکه بر اثر تبلیغ رسالت شان در میان فرعونیان به وجود آمده بود.

عوامل برتری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - کتاب ، حکومت ، نبوت و اقتصادی شکوفا ، عوامل برتری بنی اسرائیل بر ملت های عصر خویش *

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل الکتب . .. و فضّلنهم علی العلمین

<فضّلناهم. ..>، ناظر به نتیجه موهبت هایی است که خداوند در گذشته به بنی اسرائیل

عطا کرده بود.

عوامل تحقیر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۱ - ۶

۶- روحیه استکباری و اسرافگری فرعون ، عامل استثمار و تحقیر بنی اسرائیل

من العذاب المهین . من فرعون إنّه کان عالیًا من المسرفین

جمله <إنّه. ..> می تواند در مقام تعلیل باشد.

عوامل ذلت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۶

۱۶ - حکومت فرعون ها در مصر ، آمیخته با فساد ، تباهی و بدبختی مردم آن سرزمین بود .

إنّه کان من المفسدین

عوامل عبرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۴ - ۱

۱ - تورات ، مایه هدایت و وسیله پندآموزی و بیداری صاحبان عقل سلیم و خرد ناب از قوم بنی اسرائیل

و أورثنا بنی إسرءیل الکتب . هدًی و ذکری لأُولی الألبب

<لب> (مفرد <الباب>) به معنای عقل خالص و خرد ناب است.

عوامل عصیان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۶

۱۶ - تمرد و سرپیچی قوم موسی از فرمان های تورات و دستورات موسی ، برخاسته از شوق آنان به گوساله پرستی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جمله <و أشربوا . ..> حال معلله است; یعنی، بیان می دارد که علت عصیان و نافرمانی یهود، عشقشان به گوساله پرستی بوده است.

عوامل فساد اجتماعی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۶

۱۶ - حکومت

فرعون ها در مصر ، آمیخته با فساد ، تباهی و بدبختی مردم آن سرزمین بود .

إنّه کان من المفسدین

عوامل فساد بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۲۲

۲۲ - زراندوزی قارون و خودداری وی از پرداختن حقوق مالی ، باعث پیدایش فساد و تباهی در میان بنی اسرائیل بود .

و لاتبغ الفساد فی الأرض

عوامل گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۴

۴ - سامری ، موجب گمراهی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع) شد .

و أضلّهم السامریّ

<سامریّ> نام شخصی است که از قوم بنی اسرائیل بود و موجب گمراهی آنان گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۵

۵ - شنیده شدن صدای گوساله از تندیسِ دست ساز سامری ، مایه فریفتگی بنی اسرائیل و باور به معبود بودن آن شد .

له خوار

ذکر هر یک از اوصاف گوساله، نشانگر دخالت آن در گرایش بنی اسرائیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۳

۳ - موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی ، مقصر دانست .

قال یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

<ما منعك. ..> استفهام انکاری است و گویای اعتراض موسی(ع) به هارون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۳ - ۴

۴ - هارون (ع) ، متهم

به مخالفت با فرمان های موسی (ع) با سکوت و بی تفاوتی در برابر انحراف بنی اسرائیل

ما منعک . .. أفعصیت أمری

<أفعصیت. ..> خطاب موسی(ع) به هارون(ع) است. ظاهر آیه چنین دلالت دارد که عصیان هارون از دستورات موسی(ع)، لااقل به عنوان اتهام از جانب موسی(ع) مطرح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۳

۳ - هارون (ع) ، دارای مسؤولیت در قبال گمراه شدن بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنان ، از دیدگاه موسی (ع)

یهرون ما منعک . .. لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۲

۲ - پرسش از انگیزه و هدف سامری در ساختن گوساله زرّین و گمراه ساختن مردم ، از موارد بازخواست موسی (ع) از سامری

فما خطبک یسمریّ

<خطب> نزد برخی لغت دانان به معنای <سبب الأمر> است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای <طلب> دانسته است. در نتیجه <ماخطبک>; یعنی، سبب کار تو یا مطلوب و خواسته تو چه بوده است؟ معانی <شأن> و <أمر> نیز از جمله معانی ذکر شده برای این کلمه است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۶

۶ - ارتداد سامری ، سبب انحراف بنی اسرائیل بود .

فنبذتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۵

۵ - نقش جدی درباریان و اطرافیان فرعون ، در انحراف و گمراهی مردمان

و لقد أرسلنا

موسی بایتنا إلی فرعون و ملإیه

از این که <ملأ> در برنامه تبلیغی موسی(ع) هم طراز فرعون قرار گرفته اند، نقش اساسی آنان در انحراف مردم به دست می آید.

عوامل گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۳

۳ - موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی ، مقصر دانست .

قال یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

<ما منعک. ..> استفهام انکاری است و گویای اعتراض موسی(ع) به هارون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۳

۳ - هارون (ع) ، دارای مسؤولیت در قبال گمراه شدن بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنان ، از دیدگاه موسی (ع)

یهرون ما منعک . .. لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۱

۱ - موسی (ع) ، پس از توبیخ بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبک یسمریّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۸

۸ - فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی ، وادار کننده سامری به ایجاد انحراف گوساله پرستی در بنی اسرائیل

بود .

و كذلك سوّلت لی نفسی

<كذلك> در این موارد برای تشبیه چیزی به خود آن است. بنابراین

مراد سامری از این تشبیه، این است که برای تسویلات نفسانی من، مثالی بهتر از همین تسویل که دعوت مردم به گوساله پرستی است وجود ندارد.

عوامل مصونیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ - سنت امهال الهی ، موجب دچار نشدن قوم موسی به عذاب دنیوی

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

عوامل مغضوبیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۰

۳۰ - بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلک بأنهم کانوا یکفرون بأیت اللّه و یقتلون النبیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۹

۹ - پیروی بنی اسرائیل از سامری و بی توجهی آنان به وعده الهی ، زمینه سازگرفتاری آنان به غضب خداوند بود .

و أضلّهم السامریّ . .. أم أردتم أن یحلّ علیکم غضب من ربّکم

<أم> در این آیه منقطعه است و مفاد عبارت <أم أردتم> این است که دلیل گوساله پرستی شما، تأخیر وعده نبود; بلکه شما به گونه ای عمل کردید که علاقه مندان به غضب الهی عمل می کنند. بنابراین، جمله <أردتم...> استعاره است و نمای کار آنان را نشان می دهد.

عوامل ناخشنودی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۸ – ۹

۹ – کافران بنی اسرائیل ، ناخرسند از گسترش اسلام و در تلاش برای نابودی آن

یریدون لیطفؤا

نور اللّه . .. و لو کره الکفرون

با توجه به آيات پيشين، به دست می آيد که از مصاديق مورد نظر در <و لو کره الکافرون>، بنی اسرائيل می باشد.

عوامل نجات بنی اسرائيل

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۵۰ – ۸

۸ – پيروزی بنی اسرائيل در آزمون الهی با تحمل رنج ها و سختی ها ، موجب تحقق نصرت الهی و نجاتشان شد .

يسومونکم سوء العذاب . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظيم. و إذ فرقنا بکم البحر

آيه قبل که بيانگر آزمون الهی از بنی اسرائيل و تحمل رنجها و سختيها از سوی آنان بود، توضيح دهنده سببيت بنی اسرائيل در شکافته شدن درياست; يعنی، چون بنی اسرائيل آن گونه عمل کردند شايستگی آن را پيدا کردند که خداوند با شکافتن دريا، آنان را نجات دهد و دشمنانشان را هلاک سازد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۶۴ – ۷

۷ – فضل و رحمت الهی بر بنی اسرائيل ، نجات دهنده آنان از زيان و خسران شد .

فلولا فضل اللّه عليکم و رحمته لکنتم من الخسرين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۹۰ – ۹

۹ نجات بنی اسرائيل از شر فرعون و اطرافيانش ، ثمره استقامت و پايداری آنان بود .

فاستقيما . .. و جوزنا ببنی إسرءيل البحر ... حتی إذا أدرکه الغرق

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – ابراهيم – ۱۴ – ۶ – ۶

۶- نجات بنی اسرائيل از شکنجه و

کشتار فرعونیان ، نعمت چشمگیر و به یاد ماندنی خداوند بر آنان بود .

إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم إذ أنجکم من ءال فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۶

۶ - نجات بنی اسرائیل از ستم فرعونیان ، بدون کوچ دادن آنان از مصر و بیرون آوردنشان از جامعه فرعونی ممکن نبود .

فأرسل معنا بنی إسرءیل و لاتعذّبهم

عطف <لاتعذّبهم> بر <أرسل> گویای این نکته است که درخواست <ارسال> به منظور نجات از عذاب و شکنجه است بنابراین، بدون هجرت، امکان رهایی در کار نبوده است.

عوامل هدایت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲ - ۱

۱- خداوند به < موسی (ع) > کتاب آسمانی (تورات) اعطا کرد تا بنی اسرائیل به وسیله آن هدایت شوند .

و ءاتینا موسی الکتب و جعلنه هدًی لبنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۴ - ۱

۱ - تورات ، مایه هدایت و وسیله پندآموزی و بیداری صاحبان عقل سلیم و خرد ناب از قوم بنی اسرائیل

و أورثنا بنی إسرءیل الکتب . هدًی و ذکری لأُولی الألبب

<لب> (مفرد <الباب>) به معنای عقل خالص و خرد ناب است.

عهد با بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۱۸،۱۳

۱ میثاق خداوند از بنی اسرائیل بر اطاعت کامل از فرامین او

و لقد اخذ اللّه میثق بنی اسرءیل

به مقتضای ارتباط این آیه با آیه هفتم، معلوم

می شود که خداوند از بنی اسرائیل نیز بر اطاعت کامل پیمان گرفته بود.

۸ پیمان الهی از بنی اسرائیل بر اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و انفاق در راه خدا

و لقد اخذ اللّه میثق بنی اسرءیل . .. و اقرضتم اللّه قرضاً حسناً

به نظر می رسد از جمله موارد میثاق و پیمان الهی با بنی اسرائیل، مسائلی است که جمله <لئن اقمتم . ..> آن را بیان می کند.

۱۳ ایمان به پیامبرانی که بعد از موسی (ع) مبعوث خواهند شد ، از مواد پیمان نامه خداوند با بنی اسرائیل

لئن اقمتم الصلوه و ءاتیتم الزکوه و ءامنتم برسلی

تأخیر ذکری ایمان به پیامبران و یاری آنان از الزام به اقامه نماز و زکات، بیانگر این معناست که مراد از رسل، پیامبرانی هستند که پس از موسی(ع) مبعوث می شوند. زیرا در واقع، ایمان به آنها و یاری ایشان پس از این است که وجوب نماز و زکات به وسیله موسی(ع) به آنها ابلاغ شده است.

عهد بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۴

۲۴ تنها گروهی اندک از بنی اسرائیل ، وفادار به پیمان های الهی ، وارسته از تحریفگری و خیانت و پایبند به دستورات خداوند

فبما نقضهم میثقهم . .. و لاتزال تطلع علی خائنه منهم إلّا قلیلا

<الا قلیلا> استثناء از تمامی صفاتی است که درباره بنی اسرائیل بیان شد.

عهد بنی اسرائیل با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۵۸

۵ - وجود پیمان و

عهدی متقابل میان خداوند و بنی اسرائیل

أوفوا بعهدی أوف بعهدکم

<عهدی>; یعنی، پیمان و التزامی که خداوند بر عهده مردمان نهاده است و مراد از <عهدکم> وعده هایی است که خداوند به بندگان خویش داده و خود را به انجام آنها ملتزم دانسته است.

۸ - وفای خدا به عهد خویش با بنی اسرائیل ، مشروط به پایبندی آنان به عهد های الهی است .

أوفوا بعهدی أوف بعهدکم

عهد خدا با بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۵،۷،۸

۵ - وجود پیمان و عهدی متقابل میان خداوند و بنی اسرائیل

أوفوا بعهدی أوف بعهدکم

<عهدی>; یعنی، پیمان و التزامی که خداوند بر عهده مردمان نهاده است و مراد از <عهدکم> وعده هایی است که خداوند به بندگان خویش داده و خود را به انجام آنها ملتزم دانسته است.

۷ - بنی اسرائیل زمان پیامبر (ص) آگاه به عهد و پیمانی که خداوند با آنان داشت .

أوفوا بعهدی أوف بعهدکم

۸ - وفای خدا به عهد خویش با بنی اسرائیل ، مشروط به پایبندی آنان به عهد های الهی است .

أوفوا بعهدی أوف بعهدکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۳

۳ - ایمان به قرآن و کافر نشدن به آن ، از عهد های خدا با بنی اسرائیل

أوفوا بعهدی . .. و ءامنوا بما أنزلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۱

۱ - خداوند از بنی اسرائیل خواست تا حق و باطل را به هم نیامیخته و با ارائه

باطل ها ، حق را بر مردم مشتبه نکنند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل

<لبس> (مصدر لاتلبسوا) به معنای: آمیختن و نیز مشتبه کردن است. بر اساس معنای اول <باء> در <بالباطل> برای تعدیه و بر اساس معنای دوم <با>ی استعانت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱،۳

۱ - خداوند ، برای فراگیری تورات و عمل به دستورات آن از بنی اسرائیل پیمان گرفت .

و إذ أخذنا میثقکم . .. خذوا ما ءاتینکم

<میثاق> به معنای پیمان مؤکد است و جمله <خذوا . ..> بیانگر مورد پیمان می باشد. گرفتن کتابهای آسمانی (خذوا ما آتیناکم) به این معناست که: پذیرفته شوند و به احکام آنها عمل گردد.

۳ - هدف از برافراشتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل ، پذیرش میثاق الهی بود .

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۶

۶ - بنی اسرائیل بر اثر شکستن پیمان الهی ، در آستانه زیانکاری و تباه کردن هستی خویش ، قرار گرفتند .

فلولا فضل اللّه علیکم و رحمته لکنتم من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۲۱

۱ - بنی اسرائیل ، از ناحیه خداوند عهد ها و پیمانهایی را بر عهده داشتند .

و إذ أخذنا میثق بنی إسرءیل

۲ - پرستش خدای یگانه و پرهیز از پرستش غیر او ، از عهد ها و پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا ميثق بنى إسرءيل لاتعبدون إلا اللّه

۳ - احسان به

پدر و مادر ، خویشان ، یتیمان و درماندگان ، از جمله پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا میثق بنی إسرءیل لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین إحساناً و ذی القربی و ا

<إحساناً> مفعول مطلق برای فعل محذوف <تحسنون> یا <احسنوا> می باشد. کلمات <ذی القربی و ...> عطف بر <الوالدین> است.

۴ - با مردمان به نیکی سخن گفتن و معاشرت نیکو داشتن ، از عهد ها و پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و قولوا للناس حسناً

<حسناً> مصدر است به معنای وصف (حَسَناً = نیکو) این کلمه می تواند صفت برای مفعول مطلق و جانشین آن باشد; یعنی: <قولوا للناس قولا حسناً; با مردم سخن نیکو بگویید>. در المیزان آمده که جمله مذکور کنایه از معاشرت نیک است.

۵ - بیان کار های نیک برای مردم (امر به معروف ، ارشاد به نیکی ها و . . .) از عهد های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا میثق بنی إسرءیل . .. و قولوا للناس حسناً

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <حسناً> مفعولٌ به برای قولوا باشد. بنابراین <قولوا ...>; یعنی، نیکیها را برای مردم بگویید و بیان کنید.

۶ - گفتار نیک و معاشرت نیکو با سایر اقوام و ملت ها ، میثاق خدا با بنی اسرائیل

و قولوا للناس حسناً

مراد از <الناس> می تواند همان اسرائیلیان باشد و می تواند اقوام و ملتهای دیگر هم باشد. برداشت فوق مبتنی بر دومین احتمال است.

۷ - بر پا داشتن نماز و پرداختن زکات ، از عهد ها و پیمان های خدا با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا میثق بنی إسرءیل . .. و أقیموا

الصلوه و ءاتوا الزکوه

۸ - آیین بنی اسرائیل ، دارای ابعاد اعتقادی ، اجتماعی ، عبادی و اقتصادی

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین إحساناً . .. و ءاتوا الزکوه

۹ - داستان پیمان گرفتن خداوند از بنی اسرائیل ، داستانی شایسته و بایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثق بنی إسرءیل

<إذ> مفعول برای فعل <أذکر> (یاد کن) است. فرمان خداوند به یادآوری، نشانه اهمیت خاص موضوعی است که باید متذکر آن بود.

۲۱ - تنها اندکی از بنی اسرائیل به پیمان های الهی وفادار ماندند و به تکالیف دینی عمل کردند .

ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۱،۲،۳،۵

۱ - بنی اسرائیل ، از ناحیه خداوند عهد ها و پیمانهایی را بر عهده داشتند .

و إذ أخذنا میثقکم

۲ - پرهیز از کشتن و ریختن خون یکدیگر ، از عهد ها و پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا میثقکم لاتسفکون دماءکم

جمله <لاتسفکون دماءکم> (خون]همکیشان[خود را نریزید) جمله ای خبری است و مراد از آن انشا می باشد; یعنی، خونریزی نکنید.

۳ - آواره نساختن و بیرون نکردن دیگران از دیار و کاشانه ، از پیمان های خدا با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا میثقکم . .. لاتخرجون أنفسکم من دیرکم

<دار> به معنای خانه است. به شهر و محله نیز <دار> گفته می شود. بنابراین دیار (جمع دار) به معنای خانه ها، شهرها و محله هاست.

۵ - بنی اسرائیل به عهدهایی که خداوند با آنان داشت معترف بوده ، بر آن گواهی می دهند .

و إذ أخذنا میثقکم . .. ثم أقررتم و أنتم تشهدون

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۵ – ۱

۱ – بنی اسرائیل عصر بعثت ، علی رغم اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی) ، همدیگر را می کشتند .

ثم اقررتم . .. ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم هؤلاء> (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابهای آیه نظیر خطابهای گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می داد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۳ – ۱،۳،۱۱

۱ – خداوند ، برای پذیرش تورات و عمل به دستورات آن از بنی اسرائیل پیمان گرفت .

و إذ أخذنا میثقکم . .. خذوا ما ءاتینکم بقوه

میثاق به معنای پیمان مؤکد است و جمله <خذوا . ..> بیانگر مورد میثاق می باشد. گرفتن کتابهای آسمانی (خذوا ...) به این است که پذیرفته شود و به احکام آن عمل گردد.

۳ – پذیرش میثاق الهی ، هدف از بر افراشتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل بود .

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

وقوع جمله <رفعنا . ..> در میان جمله های <أخذنا میثاقکم> و <خذوا ما اتیناکم> و بیان نکردن هدف و غایتی برای برافراشتن کوه می نمایاند که: همان پذیرش میثاق و اطاعت از فرمان الهی (خذوا ...) هدف و غایت بر افراشتن کوه باشد. (اقتباس از المیزان)

۱۱ – فهمیدن فرمان های خدا و موسی (ع) و به کار

بستن آن فرمان ها ، از پیمان های خدا با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا میثقکم . .. واسمعوا

چون جمله <سمعنا و عصینا> (گوش سپردیم و سرپیچی کردیم) در جواب <اسمعوا> (گوش بسپارید) قرار گرفته است، معلوم می شود مراد از گوش سپاری (اسمعوا) فهمیدن و اطاعت کردن است. متعلق <اسمعوا> به قرینه مقام، فرمانهای خدا و دستورات موسی(ع) می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۰ – ۱،۲

۱ تصدیق رسولان الهی و پیروی از آنان ، میثاق خداوند از بنی اسرائیل

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل و ارسلنا الیهم رسلا

جمله <و ارسلنا الیهم رسلا> می رساند که مورد میثاق تصدیق رسولان الهی است.

۲ ایمان به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح ، پیمان خداوند با بنی اسرائیل

من ءامن باللّه و الیوم الاخر و عمل صلحاً . .. لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل

به مقتضای این آیه با آیه قبل می توان گفت مورد میثاق ایمان به خدا و قیامت و انجام عمل صالح است.

عهد شکنی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۴ – ۱،۲،۴،۵

۱ – بنی اسرائیل از دستورات تورات اعراض کرده و پیمان الهی را شکستند .

أخذنا میثقکم . .. ثم تولیتم من بعد ذلک

<تولی> (مصدر تولیتم) به معنای اعراض کردن است و متعلق آن – به قرینه آیه قبل – پیمان بنی اسرائیل بر پذیرش تورات و عمل به احکام آن می باشد.

۲ – پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه ، امری سنگین ،

شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور . .. ثم تولیتم من بعد ذلک

<ثم> در جمله <ثم تولیتم> حاکی از ترتیب رتبی است; زیرا <من بعد ذلک> رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که <ثم> برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و . .. مضمون جمله بعد دارد.

۴ - خداوند ، گناه پیمان شکنی بنی اسرائیل را بخشود .

فلولا فضل اللّه علیکم و رحمته

شمول فضل و رحمت الهی پس از بیان خطا و گناه، کنایه از عفو و گذشت است.

۵ - خداوند ، بنی اسرائیل را - علی رغم پیمان شکنی و اعراضشان از فرامین تورات - مورد تفضل و رحمت خویش قرار داد .

فلولا فضل اللّه علیکم و رحمته لکنتم من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۰،۲۴

۲۰ - اکثریت بنی اسرائیل با اعراض از تکالیف دینی ، عهد ها و پیمان های الهی را شکستند .

ثم تولیتم إلا قلیلا منکم و أنتم معرضون

<تولی> و <اعراض> به معنای رویگردانی و مراد از آن سرپیچی و تمرد است. جمله <و أنتم معرضون> چنانچه حال برای فاعل <تولیتم> باشد - به دلیل هم معنا بودن <اعراض> و <تولی> - حال مؤکده است و حکایت از شدت تمرد و سرپیچی بنی اسرائیل دارد.

۲۴ - شکستن پیمان های الهی و تمرد از فرمان های خدا ، عادت روزمره بنی اسرائیل است .

و أنتم معرضون

برخی از مفسران برآنند که جمله <و أنتم معرضون> (شما]از عهدها و پیمانها [رویگردان هستید) جمله معترضه است و اشاره به این معنا دارد

که: بنی اسرائیل نه تنها پیمانهای یاد شده را شکستند بلکه رویه و عادت آنها چنین است که به عهدها و پیمانها پایبند نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱،۲

۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، علی رغم اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی) ، همدیگر را می کشتند .

ثم اقررتم . .. ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم هؤلاء> (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابهای آیه نظیر خطابهای گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می داد.

۲ - بنی اسرائیل با بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از خانه و دیارشان ، پیمان الهی را نقض کردند .

ثم أنتم هؤلاء . .. تخرجون فریقاً منکم من دیرهم

آیه مورد بحث اشاره به جنگها و خونریزیهایی دارد که پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه بین طوایف یهود واقع می شد. یهودیان بنی النضیر با بنی قریظه درگیر می شدند; هر کدام غالب می شد دیگری را از خانه و کاشانه اش اخراج می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۲

۱۲ - قوم موسی ، علی رغم اظهار پذیرش تورات و پیشمانشان بر گوش سپاری به فرمان های خدا و موسی (ع) ، تمرد کرده و عصیانگر شدند .

قالوا سمعنا و عصینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲

- بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۰،۲۰

۱۰ پایبندی بنی اسرائیل زمان طالوت به پیکار در راه خدا ، مورد تردید پیامبرشان (اشموئیل) بود .

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال الاّ تقاتلوا

۲۰ نافرمانی اکثر بنی اسرائیل زمان طالوت از دستور خداوند به پیکار در راه او ، علی رغم پیشنهاد و درخواست آنان برای پیکار

اذ قالوا لنبی . .. فلما کُتب علیهم القتال تولّوا

ظاهراً فاعل محذوف از جمله <کتب علیهم>، اللّه است که به جهت تعظیم حذف شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۶

۶ تهدید خداوند به بنی اسرائیل در مورد شکستن پیمان الهی و ترغیب آنان به وفاداری و تعهد

لقد اخذ اللّه میثق بنی اسرءیل . .. و قال اللّه انی معکم

بنابر اینکه معیت در آیه مورد بحث، کنایه از علم و قدرت باشد. یعنی خداوند به شما و اعمالتان کاملا آگاه است ; اگر به میثاق پایبند بودید به شما پاداش می دهد واگر تخلف کردید مجازات می شوید و در هر حال مقهور خداوند هستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱،۴،۱۶

۱ شکستن میثاق الهی از سوی بنی اسرائیل پس از مدتی کوتاه

و لقد اخذ اللّه میثق بنی اسرءیل . .. فبما نقضهم میثقهم

کلمه <فاء> در <فبما نقضهم> دلالت می کند به اینکه بین گرفتن پیمان و شکستن آن، زمانی زیادی فاصله نشده است.

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا

قلوبهم قسیه

۱۶ شکستن پیمان الهی از سوی بنی اسرائیل ، زمینه تحریفگری و فراموشی بخشی از تذکار های خداوند

فبما نقضهم . .. نسوا حظاً مما ذکروا به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۰ – ۷،۸

۷ بنی اسرائیل ، مردمی پیمان شکن و هواپرست

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. کلما جاءهم رسول بما لاتهوی انفسهم

۸ بنی اسرائیل با نقض پیمان های الهی و پیروی از هوا های نفسانی ، فاقد پایگاه مطمئن برای اقامه تورات ، انجیل و دیگر معارف الهی

لستم علی شیء . .. لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل

بنابر اینکه جمله <لستم علی شیء . ..> به این معنا باشد که شما پایگاهی ندارید تا بتوانید تورات و انجیل را اقامه کنید، می توان گفت آیه مورد بحث آن پایگاه را تفسیر می کند ; یعنی آن پایگاه عبارت است از تعهد به میثاق الهی و پرهیز از هواپرستی.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۱ – ۶،۲۴

۶ بی پروایی بنی اسرائیل در شکستن پیمان الهی ، تکذیب انبیا و کشتن آنان ، برخاسته از باور آنان به مصونیت از عذاب

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون. و حسبوا الا تکون فتنه

۲۴ هشدار خداوند به بنی اسرائیلِ زمان پیامبر (ص) ، نسبت به تکرار رفتار پیشینیان خویش (نقض میثاق تکذیب و قتل انبیا)

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و اللّه بصیر بماتعملون

فعل مضارع <یعملون> علی رغم ماضی آوردن فعل های گذشته <حسبوا>، <عموا و صموا> ، می

رساند که جمله <و اللّه بصیر . ..> ناظر بر بنی اسرائیل زمان پیامبر(ص) نیز می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۶ – ۱۴

۱۴ – موسی (ع) ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را مردمی عهدشکن توصیف کرده و آنها را به عذاب سخت الهی هشدار داد .

أم أردتّم أن یحلّ علیکم غضب من ربّکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۷ – ۲،۳

۲ – بنی اسرائیل ، به پیمان شکنی و تخلف از قول و قرار خود با موسی (ع) معترف بودند .

ما أخلفنا موعدک بملکنا

۳ – بی اختیار قلمداد کردن خود ، از بهانه های بنی اسرائیل برای توجیه پیمان شکنی با موسی (ع) و پذیرش گوساله پرستی در میان خود

ما أخلفنا موعدک بملکنا

<موعد> مصدر و به معنای <وعد> است. <ملك> نیز مصدر است و مراد بنی اسرائیل، نفی مالك بودن امور خویش است. از همین رو معنای <ما أخلفنا...> چنین می شود: ما از پیمان و وعده تو، به اختیار خود تخلف نکردیم.

عهد موسی(ع) با بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۶ – ۱۱

۱۱ – موسی (ع) قبل از عزیمت به میقات ، توصیه های لازم را به بنی اسرائیل ارائه کرده و قول و قرار های لازم را برای حفظ ایمان ، با آنان گذاشته بود .

فأخلفتم موعدی

<موعد> در این آیه مصدر و به معنای <وعده> است. از این رو <فأخلفتم موعدی>; یعنی، شما از

وعـده و عهـد خود بـا من تخلف کردیـد. از این جمله برمی آیـد که موسـی(ع) قبـل از رفتن به میقات، پیش بینی های لازم را کرده بود و از این نظر حجت را بر بنی اسرائیل تمام نموده بود.

عهدشکنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۳

۳ خداوند ، پیمان شکنان بنی اسرائیل را از رحمت خویش دور ساخت و دل های آنان را از پذیرش حق بازداشت .

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

عیسی(ع) در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ حضرت مسیح (ع) در حضور بنی اسرائیل ، خود و تمامی انسان ها را مملوک خدا ، بنده او و تحت تدبیر وی دانست .

یبنی اسرءیل اعبدو اللّه ربی و ربکم

عیسی(ع) و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱،۲،۲۱،۲۳

۱ عیسی (ع) ، فرستاده و رسولی از جانب خداوند ، به سوی بنی اسرائیل

و رسولا الی بنی اسرائیل

۲ بنی اسرائیل ، مخاطبان اصلی رسالت عیسی (ع) *

و رسولا الی بنی اسرائیل

۲۱ مخاطبان عیسی (ع) (بنی اسرائیل) مدّعی ایمان به خدا

ان کنتم مؤمنین

برخی مفسّران برآنند که <ان کنتم مؤمنین> یعنی: اگر ایمان به خدا دارید این معجزات نشانه نبوّت من (عیسی) خواهد بود.

۲۳ خبر دادن غیبی حضرت عیسی (ع) ، از مأکولات و ذخایر بنی اسرائیل

در خانه هایشان ، از سن هفت یا هشت سالگی

و انبّئکم بما تأکلون و ما تدّخرون فی بیوتکم

امام صادق (ع): . .. و مکث عیسی (ع) حتّی بلغ سبع سنین او ثمانیاً فجعل یخبرهم بما یأکلون و ما یدّخرون فی بیوتهم.

بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۵۱، ح ۴۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۸۴، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۵،۱۱

۵ وعده عیسی (ع) به بنی اسرائیل ، دربرداشتن حرمت برخی از محرمات شریعت موسی (ع)

و لاحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم

۱۱ عیسی (ع) پس از ارائه معجزات ، بنی اسرائیل را از مخالفت با خدا بر حذر داشت و به اطاعت خویش دعوت کرد .

و جئتکم بایه من ربّکم فاتقوا اللّه و اطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۱ - ۱

۱ عیسی (ع) ، بنی اسرائیل را به توحید ربوبی و پرستش خدا دعوت کرد .

انّ اللّه ربّی و ربّکم فاعبدوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۲۶

۱ کفر و انکار بنی اسرائیل به رسالت عیسی (ع) ، علی رغم مشاهده معجزات او

انّی قد جئتکم بایه من ربّکم . .. فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر

۲ یقین عیسی (ع) به ایمان نیاوردن بنی اسرائیل و اصرار آنان بر کفر

فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر

با وجود اینکه کفر، امری قلبی است و قابل حسّ نیست،

کلمه احساس به کار برده شده تا اشاره به شدت کفر آنان باشد. یعنی گویا می توان کفرشان را احساس کرد; لذا در برداشت فوق از احساس، تعبیر به یقین شده است.

۳ کفر آشکار بنی اسرائیل به رسالت عیسی (ع)

فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر

۴ عیسی (ع) با مشاهده کفر بنی اسرائیل ، در صدد اتمام حجّت و متمایز کردن جبهه حق از جبهه کفر شد .

فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر قال من انصاری الی اللّه

۶ عدم رعایت تقوای الهی ، ترک اطاعت انبیا و بندگی خداوند ، کفر است .

فاتقوا اللّه و اطیعون . .. فاعبدوه ... فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر

آیات قبل نشان دهنده مصادیق کفر بنی اسرائیل است.

۷ درخواست عیسی (ع) از بنی اسرائیل ، برای یاری وی جهت حرکت به سوی خدا

قال من انصاری الی اللّه

۲۶ شنیدن و دیدن حضرت عیسی (ع) سخنان و اعمال کفرآمیز از بنی اسرائیل

فلمّا احسّ منهم الکفر

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: ای لما سمع و رأی انّهم یکفرون.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۳ ; بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۷۲، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۱،۲،۵

۱ مکر بنی اسرائیل علیه عیسی (ع)

فلمّا احس عیسی منهم الکفر . .. و مکروا

۲ مکر و تلاش کافران بنی اسرائیل ، برای کشتن عیسی (ع)

و مکروا . .. اذ قال اللّه یا عیسی انی متوفیک

با توجه به آیه بعد که سخن از عروج عیسی (ع) به

میان آمده، معلوم می شود که مکرشان در جهت کشتن عیسی (ع) بوده است.

۵ شکست مکر بنی اسرائیل علیه عیسی (ع)

و مکروا و مکر اللّه و اللّه خیر الماکرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۲ – ۸،۹

۸ مسیح (ع) پیامبری فرستاده شده به سوی بنی اسرائیل

و قال المسیح یبنی اسرءیل اعبدو اللّه ربی و ربکم

۹ دعوت مسیح (ع) از بنی اسرائیل به پرستش خدای یگانه و توحید ربوبی

و قال المسیح یبنی اسرءیل اعبدو اللّه ربی و ربکم

غضب بر بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۸ – ۸

۸ – پرخاش کردن موسی (ع) نسبت به مرد اسرائیلی

قال له موسی إنّک لغویّ مبین

غیبت موسی(ع) از میان بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۱ – ۳

۳ – مدت زمان عبادت و مناجات ویژه موسی (ع) ، چهل شب تعیین شد .

و إذ وعدنا موسی أربعین لیله

فاسقان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۱۱

۱۱ - گروهی از قوم موسی ، از دیرباز مردمی فاسق و تبهکار بودند .

بما کانوا یفسقون

<باء> در <بما کانوا . ..> سببیه و <ما> مصدریه است. فعل مضارع آن گاه که همراه <کان> و مانند آن آورده شود، دلالت بر استمرار در زمان گذشته دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱

۱۵ - آزار رسانان به موسی (ع) ، مردمانی فاسق بودند .

لم تؤذوننی . .. و اللّه لایهدی القوم الفسقین

فتنه گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۷

۷ فرونشستن فتنه گوساله پرستی در میان قوم موسی ، فراهم آورنده زمینه ای مناسب برای مطرح شدن تورات از سوی آن حضرت

أخذ الألواح

بیان این واقعیت که موسی(ع) در پی فرونشستن فتنه گوساله پرستی، الواح را برگرفت، این حقیقت را روشن می سازد، که زمینه از دست رفته برای تعالیم تورات بار دیگر در میان قوم موسی ایجاد شد. گفتنی است آیه <۱۴۹> می رساند که عموم بنی اسرائیل از گوساله پرستی توبه کردند و آیه <۱۵۳> می رساند که خداوند توبه آنان را پذیرفت و در نتیجه فتنه گوساله پرستی فرونشست.

فدیه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۲

۱۲ بنی اسرائیل ، پس از به اسارت درآمدن همکیشانشان ، برای آزاد کردنشان از آنان فدیه دریافت می کردند .

و إن یأتوکم أسری تفدوهم

برخی از اهل لغت <تفادوا> را به معنای <فدیه می گرفتید> نیز دانسته اند. بر این اساس جمله <و إن یأتوکم ...>; یعنی، و اگر همکیشان شما به عنوان اسیر در نزد شما می آمدند، برای آزاد کردنشان از آنان فدیه می گرفتید.

فراموشی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۱۴

۱۴ بنی اسرائیل بخش مهم از تذکار ها و

معارف الهی را به فراموشی سپردند .

و نسوا حظاً مما ذکروا به

<حظ> به معنای نصیب و قسمت است و نکره آوردن آن برای اشاره به اهمیت آن قسمت فراموش شده است.

فرجام بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۲

۲ سرنوشت بنی اسرائیل ، باید مایه عبرتی برای مسلمانان باشد .

یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافه . .. سَلْ بنی اسرائیل

به نظر می رسد پندگیری از سرنوشت بنی اسرائیل، هدف از امر الهی نسبت به تحقیق درباره آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۳

۱۳ گرفتاری به غضب الهی سرنوشت شوم بنی اسرائیل

لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط اللّه علیهم

<ان سخط اللّه علیهم> به اصطلاح اهل ادب، مخصوص به ذم است یعنی گرفتاری بنی اسرائیل به غضب و سخط الهی، دستاورد شومی است که برای آخرت خویش فرستاده اند.

فرجام فاسقان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۶

۱۶ خداوند ، فاسقان بنی اسرائیل را به گرفتار آمدن به فرجامی شوم تهدید کرد .

سأوریکم دار الفسقین

فرجام متجاوزان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۳

۲۳ - خواری ، فقر و درماندگی ، سرنوشت محتوم متجاوزان بنی اسرائیل است .

و ضربت علیهم الذله و المسکنه

<مسکنه> به معنای فقر و سستی است. <ذله> و <مسکنه> به قبّه و مانند آن تشبیه شده و لذا کلمه <ضربت> (زده

شد) برای آن به کار رفته است; یعنی، خواری و درماندگی همچون قبه ای آنان را احاطه کرده و بر آنان خیمه زده است.

فرعون و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۸

۸ - فرعون ، از خروج بنی اسرائیل و هجرت آنان از مصر به دیار دیگر مانع می شد .

فأرسل معنا بنی إسرءیل

اگر خروج بنی اسرائیل به طور عادی از مصر ممکن بود، مطرح ساختن آن با فرعون بی معنا بود پس هر چند که بنی اسرائیل، خود خواستار رهایی و هجرت بودند; ولی فرعون و دستگاه حکومت او مانع این کار می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۲

۲ - فرعون و لشکریانش ، در پی کوچ بنی اسرائیل از مصر ، به تعقیب آنان پرداختند .

فأتبعهم فرعون بجنوده

فرعون و تعقیب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۲،۳،۵

۲ فرعون و سپاهیانش ، با خارج شدن بنی اسرائیل از دریا ، با کبر و نخوت و با سرعت به سوی آن گذرگاه تاختند .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً

جمله <فأتبعهم . .. > عطف بر جمله <جاوزنا> است و <فای عاطفه> برای ترتیب بدون تراخی است. عرب به کسی که راه رفتنش همراه با کبر و نخوت باشد می گوید: <بغی فی مشیته> و <عدو> نیز به معنای دویدن است.

۳ فرعون و سپاهیانش ، از سرِ ستم و کینه

توزی ، بنی اسرائیل را تعقیب کردند .

فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً

۵ فرعون تا لحظه ای که دریا به هم نیامد و در آستانه غرق شدن قرار نگرفت ، در پی بنی اسرائیل می تاخت

فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً حتی إذا أدرکه الغرق

فرعون و هجرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷ - ۳

۳ - ممانعت فرعون از هجرت بنی اسرائیل و خارج شدن آنان از مصر

أن أرسل معنا بنی إسرءیل

فرعونیان و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۲،۴،۵،۹

۲ - خداوند با بعثت موسی (ع) ، بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان و شکنجه های سهمگین آنها ر ها ساخت .

و إذ نجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوءالعذاب

در جمله <أنعمت علیکم> و <أنی فضلتکم> نعمت دادن و برتری بخشیدن به خداوند نسبت داده شده; ولی در جمله <نجیناکم> (ما شما را نجات دادیم) نجات بخشی به ضمیر <نا> (ما) نسبت داده شده است. از این مقابله می توان فهمید که خداوند در نجات بخشی، نظر به سببهایی نیز دارد که به قرینه آیات بعد می توان گفت: آن سبب بعثت حضرت موسی (ع) بوده است.

۴ - فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را سر می بریدند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

<ذبح> به معنای سربریدن است و <تذبیح> (مصدر یذبحون از باب تفعیل) از کثرت سربریدن حکایت دارد. <إستحیاء>

(مصدر یستحیون) به معنای باقی گذاردن بر حیات و زندگانی

است.

۵ - کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

جمله <یذبحون . .. > می تواند تفسیر جمله قبل باشد; یعنی، منظور از <سوء العذاب> همان سربریدن پسران و باقی گذاشتن زنان است و نیز می تواند بیان مصداق بارزی از آن باشد; یعنی، فرعونیان عذابهایی بر بنی اسرائیل تحمیل می کردند که از آن جمله سربریدن فرزندان و ... می باشد. بر این مبنا ذکر به خصوص عذاب یاد شده، به خاطر شدت آن بوده است.

۹ - در صورتی که خداوند بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان نجات نمی داد ، آنان همچنان به شکنجه و کشتار فرزندانشان ادامه می دادند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

برداشت فوق از فعلهای مضارع <یسومون> و <یذبحون> و <یستحیون> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۱

۱ - بنی اسرائیل ، در محاصره فرعونیان در کناره دریای سرخ

و إذ فرقنا بکم البحر

ال در <البحر> عهد ذهنی است و اشاره به دریایی معهود دارد که بنا به گفته بسیاری از مفسران، مراد از آن دریای سرخ است. بیان نجات بنی اسرائیل و غرق شدن فرعونیان در پی شکافته شدن دریا، دلالت بر این دارد که: فرعونیان در کناره دریای سرخ در صدد هجوم به بنی اسرائیل بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۹

۹ فرعون و اشراف دربار او ، دشمنان قوم موسی

عسی ربکم أن یهلك عدوکم

کلمه <عدو> هم می

تواند به معنای دشمن باشد که در این صورت مراد از آن فرعون است و هم می تواند به معنای دشمنان باشد که در این صورت مراد از آن فرعون و اشراف دربار او خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱

۱ بنی اسرائیل در مدت زمانی طولانی تحت سیطره فرعونیان به ضعف و ناتوانی کشانه شده بودند .

و أورثنا القوم الذین كانوا یستضعفون

استعمال فعل مضارع همراه <کان> و أمثال آن دلالت بر استمرار آن فعل در گذشته دارد. بنابراین <کانوا یستضعفون> می رساند که استضعاف بنی اسرائیل به دست فرعونیان دارای سابقه طولانی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۱

۱ بنی اسرائیل همواره تحت سیطره خاندان فرعون به شکنجه هایی سخت گرفتار بودند .

و إذ أنجینكم من ءال فرعون یسومونكم سوء العذاب

<سَوْم> مصدر <یسومون> به معنای تحمیل کردن است. اضافه <سوء> به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است ; یعنی: العذاب السوء.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۷

۷ - حضور بنی اسرائیل در مصر ، برای فرعونیان اهمیت بسیاری داشت .

فأرسل معنا بنی إسرءیل

مطرح نمودن درخواست اجازه فرعون، برای خروج بنی اسرائیل از مصر، نشانه اهمیت حضور بنی اسرائیل در مصر و بیانگر نقش آنان در انجام امور فرعونیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۸ – ۲

۲ – فرعون و لشکریانش ، در پی کوچ بنی اسرائیل از

مصر ، به تعقیب آنان پرداختند .

فأتبعهم فرعون بجنوده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۲ – ۶

۶ – خبردادن خداوند به موسی (ع) مبنی بر تعقیب بنی اسرائیل از سوی فرعونیان در صورت خروج از مصر

أسر بعبادی إنّکم متّبعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۳ – ۷،۸،۹

۷– ممانعت فرعونیان ، از مهاجرت بنی اسرائیل و خروج آنان از سرزمین مصر

فأسر . .. إنّکم متّبعون

۸– هشدار خداوند به موسی (ع) ، در غافل نبودن از تعقیب فرعونیان نسبت به بنی اسرائیل

فأسر . .. إنّکم متّبعون

۹– گریز علنی بنی اسرائیل از قلمرو فرعونیان ، امری غیرقابل تحمل برای نظام فرعونی

إنّکم متّبعون

فرعونیان و تعقیب بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۰ – ۲،۳

۲ فرعون و سپاهیانش ، با خارج شدن بنی اسرائیل از دریا ، با کبر و نخوت و با سرعت به سوی آن گذرگاه تاختند .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً

جمله <فأتبعهم . .. > عطف بر جمله <جاوزنا> است و <فای عاطفه> برای ترتیب بدون تراخی است. عرب به کسی که

راه رفتنش همراه با کبر و نخوت باشد می گوید: <بغی فی مشیته> و <عدو> نیز به معنای دویدن است.

۳ فرعون و سپاهیانش ، از سرِ ستم و کینه توزی ، بنی اسرائیل را تعقیب کردند .

فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً

فرعونیان و زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۶

۶ - زنان بنی اسرائیل در نهایت سختی و شکنجه و هم آغوش مرگ ، در سیطره فرعونیان

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

فرعونیان و هجرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۵

۵ - ممانعت جدی حکومت فرعون از مهاجرت بنی اسرائیل و ترک سرزمین مصر

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی إنّکم متّبعون

فرمان الهی مبنی بر خروج مخفیانه و حرکت شبانه بنی اسرائیل و نیز تعبیر <إنّکم متّبعون> نشانگر ممانعت شدید حکومت فرعون نسبت به خروج بنی اسرائیل از مصر است.

فساد در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۱،۲

۱ بی اعتنایی گروهی از بنی اسرائیل به وظیفه الهی نهی از منکر و بی تفاوتی آنان در برابر فساد جامعه خویش

کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه

<لایتناهون> یعنی همدیگر را باز نمی داشتند و نهی نمی کردند.

۲ رواج فساد و منکرات در بین بنی اسرائیل

کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه

استمرار ترک نهی از منکر که از جمله <کانوا لایتناهون> به دست می آید، حکایت از استمرار و رواج کارهای ناشایست در بین بنی اسرائیل دارد.

فسق بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۷،۱۱

۷ - عذاب آسمانی نازل شده بر گنهکاران بنی اسرائیل ، سزای فسق دیرینه آنان و گناه تغییر و تبدیل فرمان خدا بوده است .

فأنزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء بما کانوا یفسقون

<با>ی سببیه

در <بما کانوا یفسقون> می رساند که: نزول عذاب آسمانی به سبب فسق دیرینه بنی اسرائیل بوده و توصیف آنان به ستمکاری (الذین ظلموا) دلالت می کند که عذاب به خاطر ظلم آنان، یعنی تبدیل فرمان خدا بوده است. بنابراین باید گفت: ستمکاری بنی اسرائیل به ضمیمه فسق دیرینه آنان، موجب عذاب شده است.

۱۱ - گروهی از قوم موسی ، از دیرباز مردمی فاسق و تبهکار بودند .

بما کانوا یفسقون

<باء> در <بما کانوا . ..> سببیه و <ما> مصدریه است. فعل مضارع آن گاه که همراه <کان> و مانند آن آورده شود، دلالت بر استمرار در زمان گذشته دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ بنی اسرائیل ، قومی فاسق به خاطر لجاجت و تمردشان در برابر فرامین موسی (ع)

و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۴،۱۵

۱۴ قوم موسی ، مردمانی فاسق و نافرمان

إنّا لن ندخلها . .. فلاتأس علی القوم الفسقین

۱۵ لجاجت قوم موسی در برابر فرمان های وی ، نشانه فسق آنان

إنّا لن ندخلها . .. فلاتأس علی القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۹،۱۰

۹ بسیاری از بنی اسرائیل در زمان پیامبر (ص) فاسق و شکننده حدود و حریم دین خویش بودند .

و لکن کثیراً منهم فسقون

۱۰ فسق بنی اسرائیل عامل ایمان نیاوردن به خدا ، پیامبر (ص) و وحی الهی

و لو کانوا یؤمنون . ..

و لکن کثیراً منهم فسقون

جمله <و لکن . ..> بیانگر علت عدم ایمان بنی اسرائیل است.

فضایل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۷،۸،۹

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل را بر همه مردمان عصرشان برتری داد .

و أنی فضلتکم علی العلمین

کلمه <عالمین> گاهی بر همه هستی و گاهی به موجودات دارای عقل و شعور اطلاق می شود و احیاناً کاربرد آن، انسانها هستند. به نظر می رسد مراد از <العالمین> در آیه مورد بحث - به مناسبت حکم و موضوع - انسانها باشد.

۸ - برتری بنی اسرائیل بر همه مردم ، از نعمت های گران سنگ الهی بر آنان

و أنی فضلتکم علی العلمین

برداشت فوق مبتنی بر این است که: عطف <أنی فضلتکم> بر <نعمتی> عطف خاص بر عام، یا عطف تفسیری باشد.

۹ - به خاطر داشتن نعمت برتری بنی اسرائیل بر همگان ، سفارش و توصیه خداوند به آنان

اذکروا نعمتی . .. أنی فضلتکم علی العلمین

عطف <أنی فضلتکم> بر <نعمتی> اقتضا می کند که: <أنی فضلتکم> نیز مفعول <اذکروا> باشد; یعنی: اذکروا . .. أنی فضلتکم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۹

۹ سروری قوم موسی (ع) بر دیگر اقوام در گذشته تاریخ خویش

اذکروا نعمه اللّه علیکم اذ . .. جعلکم ملوکاً

<ملوک> در برداشت فوق، کنایه از سیادت و سروری گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۰ – ۴

۴ موسی (ع) با بیان احسان و تفضل

ویژه خداوند بر بنی اسرائیل ، تنها او را شایسته پرستش برای آنان معرفی کرد .

قال أغیر اللّه أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جمله <و هو فضلکم> حالیه و به منزله تعلیلی است برای جمله <أغیر اللّه . .. .> یعنی چگونه امکان دارد غیر خدا را برای پرستش شما بجویم در حالی که نعمتها، از جمله برتری شما بر دیگر اقوام و ملل، عطای اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۳ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند

و أورثنا بنی إسرءیل الکتب

برداشت یاد شده از تعبیر ارث درباره اعطای کتاب به دست می آید; زیرا میراث چیزی است که انسان برای آن معمولاً زحمتی نکشیده و تلاشی نکرده است تا مستحق آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۳ - ۵

۵- بنی اسرائیلِ گرفتار در چنگال فرعونیان ، مورد عنایت و عطوفت پروردگار

فأسر بعبادی

به کار رفتن تعبیر <عبادی> در حق بنی اسرائیل، بیانگر مطلب یادشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۲ - ۲

۲- بنی اسرائیل ، برخوردار از امتیازاتی خاص در مقایسه با سایر امت ها ، در طول تاریخ

و لقد اخترنهم . .. علی العلمین

می توان گفت: مراد از <العالمین> تمام مردم است و مقصود از برگزیدن بنی اسرائیل، اعطای امتیازاتی همچون مبعوث ساختن انبیای متعدد از میان آنها و فرو فرستادن خوراکی های گوناگون در زمان حیرت و سرگردانیشان در <تیه> و اموری

نظیر آن می باشد.

فضایل عالم

بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۸

۸- گواهی دهنده بر حقانیت قرآن از میان بنی اسرائیل ، فردی دانا و متشخص بود .

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن

تکیه قرآن بر شهادت فردی از بنی اسرائیل و استفاده از گواهی وی در گرایش دادن مردم به ایمان، نشانگر این معنا است که وی، فردی متشخص و صاحب نظر و معتبر بوده است.

فضایل مؤمنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - پیروان عیسی (ع) ، مورد تأیید و حمایت الهی در قبال دشمنانشان (کافران بنی اسرائیل)

فأیّدنا الذین ءامنوا علی عدوّهم

فضایل نیاکان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۲

۲- خداوند ، ایمان و شرافت نیاکان بنی اسرائیل را به آنان یادآور شد .

هدًی لبنی إسرءیل . .. ذرّیه من حملنا مع نوح

نصب <ذریه> یا به تقدیر حرف ندا و یا به تقدیر فعل <اخص> است. در هر صورت یادآوری عنوان <ذریه همراهان نوح> بیانگر حقیقت فوق است.

فقر متجاوزان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۳

۲۳ - خواری ، فقر و درماندگی ، سرنوشت محتوم متجاوزان بنی اسرائیل است .

و ضربت علیهم الذله و المسکنه

<مسکنه> به معنای فقر و سستی است. <ذله> و <مسکنه> به قبّه و مانند آن تشبیه شده و لذا کلمه <ضربت> (زده شد) برای آن به

کار رفته است; یعنی، خواری و درماندگی همچون قبه ای آنان را احاطه کرده و بر آنان خیمه زده است.

فلسفه برگزیدگی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۲،۳

۲- انتخاب بنی اسرائیل از میان ملت های عصر خویش ، برای دریافت آیات الهی و زمینه آزمون بود .

و لقد اخترنهم . ..و ءاتینهم من الأیت

از ارتباط <و آتیناهم> با <اخترناهم>، می توان استفاده کرد که <آتیناهم> تفسیر و توضیح و تبیین <اخترناهم> است; یعنی، این اختیار و انتخاب، ریشه نژادی و نسلی ندارد; بلکه فلسفه فرهنگی و علمی دارد.

۳- گزینش بنی اسرائیل از سوی خداوند ، گزینشی برای آزمایش

و لقد اخترنهم . ..و ءاتینهم ... ما فیه بلؤا

<و آتیناهم> تفسیر و تبیین حقیقت <اخترناهم> است; یعنی، گزینش بنی اسرائیل همین بود که خداوند، آنان را از نظر شرایط فکری و اجتماعی مستحق آزمایش دانست و زمینه آن را برای آنان فراهم ساخت.

فلسفه پرسشهای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۳

۳ - قوم موسی ، تحیر و سردرگمی خویش را در انتخاب گاوی که باید ذبح می شد ، دلیل تکرار سؤال و تقاضای توضیح بیشتر عنوان کردند .

قال ادع لنا ربک . .. إن البقر تشبه علینا

قوم موسی، با جمله تعلیلیه <إن البقر . ..> - که تعلیل برای جمله قبل است - در صدد بیان این معنا بودند که: پرسشهای مکررشان بدین جهت است که امر بر آنان مشتبه شده و در پی رهایی از تحیر و سردرگمی هستند

نه بهانه گیری و تلاش برای فرار از مسؤولیت.

فلسفه تبیین تاریخ بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ - تبیین علل ایمان نیاوردن جامعه یهود و بنی اسرائیل به اسلام ، از اهداف تشریع سرگذشت آنان در قرآن

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

آیه مورد بحث نتیجه است برای حقایق تاریخی مربوطه به بنی اسرائیل و خصوصاً یهود; یعنی، آنان پس از مشاهده معجزه های فراوان و برخوردار شدن از نعمتهای الهی کفر ورزیدند; به گوساله پرستی گرایش پیدا کردند و نسبت جهل و استهزا به موسی(ع) دادند. بنابراین انتظار ایمان آوردن به قرآن از آنان انتظاری نا به جاست.

فلسفه عفو از بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۸

۸ - ایجاد زمینه های سپاسگزاری در بنی اسرائیل ، از هدف های آمرزش گناه ارتداد ایشان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک لعلکم تشکرون

فلسفه قتل پسران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۴

۴ - کشتار فرزندان ذکور مؤمنان از سوی فرعونیان ، برای جلوگیری از گسترش دعوت موسی (ع) کافی و کارساز نبود .

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه . .. و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

تصمیم شخص فرعون مبنی بر کشتن موسی(ع)، پس از اقدام او و درباریانش به کشتن مؤمنان طرفدار موسی(ع)، گویای حقیقت یاد شده است.

فلسفه هجرت شبانه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷

۳ - فرمان خداوند به حرکت شبانه بنی اسرائیل ، طرحی برای بیرون کشاندن فرعونیان از سرزمینشان

أن أسر بعبادی . .. فأخرجنهم من جنّت و عیون

قارون از بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱

۱ - قارون ، از قوم موسی (از تبار بنی اسرائیل) بود .

إنّ قرون کان من قوم موسی

قانون شکنی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۵

۲۵ بسیاری از بنی اسرائیل ، علی رغم دعوت پیامبرانشان ، مردمی اسرافکار و قانونشکن بودند .

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

اسراف به معنای خروج از حد اعتدال است و کلمه <فی الارض> می رساند که منظور از اسراف، خروج از حد اعتدال در مسائل اجتماعی است که از آن به قانونشکنی تعبیر شده است.

قبله بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱۳

۱۳ از امام کاظم (ع) روایت شده است : < لما خافت بنو اسرائیل جبابرت ها أوحی اللّه إلی موسی و هارون (ع) : < أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً و اجعلوا بیوتکم قبله > قال : امروا أن یصلوا فی بیوتهم ;

هنگامی که بنی اسرائیل از حکام ستمگر زمان خود بیمناک شدند، خداوند به موسی و هارون (ع) وحی فرستاد که برای قوم

خود در مصر خانه هایی مهیّا سازید و خانه هایتان را قبله قرار دهید. امام فرمود:

آنان مأمور شدند که در خانه هایشان نماز بخوانند>.

قبول توبه بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۴ – ۲۰

۲۰ – پذیرش توبه گوساله پرستان بنی اسرائیل ، از نعمت های خداوند به آنان

و إذ قال موسی . .. فتاب علیکم

آیه هـای این بخش از سوره چنـانچه از مطلع آن (یا بنی اسـرائیل اذکروا نعمتی . ..) به دست می آیـد، در صـدد بیان نعمتهایی است که خداوند به بنی اسرائیل ارزانی داشته است.

قبولی بنی اسرائیل در امتحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۰ – ۸

۸ – پیروزی بنی اسرائیل در آزمون الهی با تحمل رنج ها و سختی ها ، موجب تحقق نصرت الهی و نجاتشان شد .

یسومونکم سوء العذاب . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم. و إذ فرقنا بکم البحر

آیه قبل که بیانگر آزمون الهی از بنی اسرائیل و تحمل رنجها و سختیها از سوی آنان بود، توضیح دهنده سببیت بنی اسرائیل در شکافته شدن دریاست; یعنی، چون بنی اسرائیل آن گونه عمل کردند شایستگی آن را پیدا کردند که خداوند با شکافتن دریا، آنان را نجات دهد و دشمنانشان را هلاک سازد.

قتل انبیای بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۱ – ۲۱

۲۱ – کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علینا . .. قل فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

قتل بنی اسرائیل

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۱

۱- تصمیم فرعون به محو موسی (ع) و بنی اسرائیل از صحنه زمین ، به دنبال احساس ناتوانی از مقابله با معجزات او

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت . .. فأراد أن یستفزّهم من الأرض

برداشت فوق بنابراین نکته است که مراد از <الأرض> کره زمین باشد. در این صورت لازمه <استفزاز> (برکندن)، قتل و نابود کردن است.

قتل پسران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۴،۵،۷،۹،۱۶

۴ - فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را سر می بریدند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

<ذبح> به معنای سربریدن است و <تذبیح> (مصدر یذبحون از باب تفعیل) از کثرت سربریدن حکایت دارد. <إستحیاء> (مصدر یستحیون) به معنای باقی گذاردن بر حیات و زندگانی است.

۵ - کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

جمله <یذبحون . .. > می تواند تفسیر جمله قبل باشد; یعنی، منظور از <سوء العذاب> همان سربریدن پسران و باقی گذاشتن زنان است و نیز می تواند بیان مصداق بارزی از آن باشد; یعنی، فرعونیان عذابهایی بر بنی اسرائیل تحمیل می کردند که از آن جمله سربریدن فرزندان و ... می باشد. بر این مبنا ذکر به خصوص عذاب یاد شده، به خاطر شدت آن بوده است.

۷ - زنان بنی اسرائیل به خاطر کشتار وسیع فرزندانشان به دست فرعونیان ، لذت حیات از آنان سلب شده بود

و از زنده ماندن خود در عذاب بودند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

زنـده گذاشـتن زنان، به عنوان یک عـذاب برای بنی اسـرائیل مطرح شـده است؛ در حالی که مجرد نکشـتن، عذاب و شـکنجه تلقی نمی شود. بنابراین با توجه به اینکه جمله <یستحیون نساءکم> پس از <یذبحون ابناءکم> آمده، می توان گفت: همان کشـتن فرزندان موجب می شده که زنان از زنده ماندن خویش و دیدن قتل فجیع فرزندانشان، در رنج و عذاب باشـند. آوردن زنان و نه دختران در مقابل پسران این معنا را تأیید می کند.

۹ - در صورتی که خداوند بنی اسـرائیل را از سـیطره فرعونیان نجات نمی داد ، آنان همچنان به شـکنجه و کشـتار فرزندانشان ادامه می دادند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

برداشت فوق از فعلهای مضارع <یسومون> و <یذبحون> و <یستحیون> استفاده شده است.

۱۶ - از امام صادق (ع) روایت شـده : < . . . اما مولد موسـی (ع) فان فرعون لما وقف علی ان زوال ملکه علی یده . . . فلم یزل یأمر أصحابه به بشق بطون من الحوامل نساء بنی اسرائیل حتی قتل فی طلبه نیف و عشرون ألف مولود . . .

امـا قصه تولـد حضـرت موسـی (ع) پس چون فرعون فهمیـد که انقراض پادشـاهی او به دست موسـی (ع) است؛ پس مـدام به اطرافیانش دسـتور می داد که شـکم زنان حامله بنی اسـرائیل رابشـکافند تا اینکه بیش از بیست هزار کودک را - در جستجوی موسی (ع) - به قتل رساندند . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷

۱۱ فرعون با پذیرش پیشنهاد اشرافیان (سرکوبی موسی (ع) و قوم او) بر کشتار وسیع پسران بنی اسرائیل و زنده نگاه داشتن زنانشان مصمم شد .

قال سنقتّل أبناءهم و نستحی نساءهم

تقتیل (مصدر تقتّل) به معنای کشتار وسیع است. <استحیاء> از ماده <حیات> به معنای زنده نگاه داشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۶،۷،۸

۶ فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را می کشتند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم

<تقتیل> (مصدر یقتلون) به معنای کثرت کشتار است و <استحیاء> به معنای باقی گذاردن بر زندگانی است.

۷ کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم

جمله <یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم> می تواند تفسیر جمله قبل باشد ; یعنی منظور از <سوء العذاب> همان کشتار فرزندان و باقی گذاشتن زنان است. همچنین می تواند بیان مصداقی از آن باشد ; یعنی فرعونیان عذابهایی بر شما تحمیل کردند ; از جمله کشتار فرزندان و زنده گذاشتن زنان. بر این مبنا ذکر ویژه دو عذاب یاد شده، به سبب شدت بیشتر آن بوده است.

۸ زنان بنی اسرائیل به سبب کشتار وسیع فرزندانشان به دست فرعونیان ، لذت حیات و زنده ماندن از آنان سلب شده بود .

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم

<زنده گذاشتن زنان> به عنوان یک عذاب برای قوم بنی اسرائیل است که از جمله آن قوم، خود زنان هستند. و چون مجرد زنده گذاشتن

عذاب تلقی نمی شود، با توجه به اینکه <یستحیون> پس از <یقتلون> آمده، می توان گفت کشتن فرزندان به گونه ای بوده که زنان، یعنی مادران جامعه، از زنده ماندن خودشان و دیدن قتل فجیع فرزندانشان در رنج و عذاب بودند. آوردن <نساء> در مقابل <أبناء> می تواند این احتمال را تأیید کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۳،۱۴،۱۷

۱۳- سر بریدن پسران و زنده نگه داشتن زنان بنی اسرائیل ، بدترین نوع تحمیل شکنجه و آزار از سوی فرعونیان به آنان

یسومونکم سوء العذاب و یذبّحون أبناءکم و یستحیون نساءکم

آوردن <یذبّحون أبناءکم و یستحیون نساءکم> پس از <یسومونکم> می تواند جمله تفسیری برای آن باشد. در این صورت، این دو مورد، شرح شکنجه ها و رفتارهای ظالمانه آل فرعون است.

۱۴- فزونی چشمگیر زنان بر مردان در جامعه و بر هم خوردن اعتدال جمعیتی ، مایه پدید آمدن مشکلات اجتماعی آزار دهنده برای زنان

یستحیون نساءکم

اینکه خداوند برای شکنجه های آل فرعون، کشتن پسران و زنده نگه داشتن زنان را برشمرده است، امکان دارد بدین علت باشد که چنین عملی، تعادل جمعیت را بر هم می زند و در نتیجه جمعیت زنان افزونی پیدا می کند و این خود شکنجه ای آزار دهنده برای مردم است.

۱۷- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، آزمایش بزرگ الهی از آنان بود .

إذ أنجکم من ءال فرعون . .. و فی ذلکم بلاء من ربّکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> نجات بنی اسرائیل به وسیله خداوند از اعمال ظالمانه فرعونیان باشد.

جلد - نام سوره

– سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴ – ۹،۱۱

۹ – اقدام فرعون به کشتار وسیع و بی رحمانه پسران بنی اسرائیل

یستضعف طائفه منهم یذبّح أبناءهم

به کارگیری فعل مضارع باب تفعیل (یذبّح)، بیانگر وسعت و گستردگی کشتار است.

۱۱ – زنده نگه داشتن دختران بنی اسرائیل علی رغم کشتن پسران آنان ، اقدام بی رحمانه دیگر فرعون علیه آن قوم

یذبّح أبناءهم و یستحیی نساءهم

<نساء> مقابل <رجال> و به معنای زنان است و قرار گرفتن آن در مقابل <أبناء> (پسران)، نشان می دهد که مقصود از آن در این جا <بنات> (دختران) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸ – ۷

۷ – کشتن پسران بنی اسرائیل از سویی و برگرفتن موسی (ع) از آب از سوی دیگر ، نمود خطاپیشگی و نابخردی فرعونیان

یذبّح أبناءهم . .. فالتقطه ءال فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۵ – ۵،۷،۹،۱۴

۵ – فرمان فرعون ، هامان و قارون ، بر کشتن فرزندان ذکور مؤمنان همراه موسی (ع)

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

۷ – کشتار فرزندان ذکور مؤمنان ، تنها راه پیشگیری از رواج آیین موسی ، در نگاه فرعون ، هامان و قارون

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که نخستین واکنش فرعون و. .. در برابر ایمان آورندگان به موسی(ع)، قتل پسران آنان بود.

۹ – زنده گذاشتن دختران مؤمنان علی رغم کشتار پسران آنان اقدام بی رحمانه دیگر فرعون ، هامان و قارون علیه موسی (

ع) و بنی اسرائیل بود .

و استحیوا نساءهم

۱۴ – توطئه مشترک فرعون ، هامان و قارون برای کشتار فرزندان ذکور مؤمنان در عصر موسی (ع) نافرجام ماند .

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه . .. و ما کید الکفرین إلاّ فی ضلل

قتل در بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۴،۵،۲۶،۳۵

۴ وجود زمینه های فراوان قتل و خونریزی نابحق در بنی اسرائیل

و من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل

نـام بردن بنی اسـرائیل با اینکه حکم یاد شـده اختصاص به آنان نـدارد، حاکی از این است که بنی اسـرائیل بیش از دیگران در خطر ارتکاب قتل و جنایت بوده اند.

۵ جنایت و برادرکشی قابیل ، موجب سختگیری خداوند در مجازات قتل بر بنی اسرائیل

فقتله . .. من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل نفساً بغیر نفس

<ذلک> اشاره است به داستان هابیل و قابیل.

۲۶ بسیاری از بنی اسرائیل ، مردمی خونریز و آدمکش

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

مراد از اسـراف، به قرینه فرازهای قبلی، می توانـد خروج بنی اسـرائیل از حـد اعتـدال در قتل نفس، یعنی آدمکشـیهای نابحق و خونریزیهای مکرر، باشد.

۳۵ بسیاری از بنی اسرائیل مرتکب خونریزی شده و حرام های خدا را حلال می شمردند .

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

از امام باقر(ع) روایت شده: المسرفون هم الذین یستحلون المحارم و یسفکون الدماء.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۵۰۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۰، ح ۱۵۸.

قحطی در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۰ – ۶

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه . .. و أنزلنا علیهم المن و السلوی

قدرت اقتصادی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶ – ۵،۶

۵- تجدید توان اقتصادی و انسانی بنی اسرائیل با امداد الهی پس از اولین شکست

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم و أمددنکم بأمول و بنین

۶- سلطه مجدد بنی اسرائیل بر دشمنانشان پس از اولین شکست ، متکی بر توان اقتصادی و نیروی انسانی خدادادی است .

و أمددنکم بأمول و بنین

قدرت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۴ – ۱۲

۱۲ – بنی اسرائیل پس از دریافت تورات و عمل به محتوای آن ، به قدرت و حکومت رسیدند . *

ثم تولیتم من بعد ذلك

از معانی <تولی> ولایت پیدا کردن و حکومت یافتن است. برداشت فوق ناظر به این احتمال می باشد. گفتنی است بر این مبنا مراد از فضل خدا و رحمت او، همان اعطای تورات و توفیق عمل به احکام آن می باشد و مقصود از خسران در <لکنتم من الخاسرین> قرار گرفتن در تحت سیطره حکومتهای کفر و جور خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۰ – ۳

۳ فرعونیان ، هراسان از قدرت یابی موسی (ع) و بنی اسرائیل و از دست دادن حکومت و سرزمین خویش

یرید أن یخرجکم من أرضکم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵ – ۴

۴- جنگاوری و توانمندی بنی اسرائیل ، در نخستین مرحله از فسادانگیزیشان

بعثنا علیکم عبادًا لنا أُولی بأس شدید

گسیل نیروهای بسیار پرتوان برای سرکوبی بنی اسرائیل، نشانگر توانمندی آنان در جنگ و مبارزه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶ – ۹

۹- فزونی داشتن نیروی انسانی و نفرات رزمی بنی اسرائیل بر نفرات دشمن ، پس از نخستین شکست

و جعلنکم أکثر نفیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۳ – ۳

۳ – بنی اسرائیل ، مجموعه ای نیرومند بودند و فرعون برای مقابله با آنان نیازمند قوایی گسترده بود .

فأرسل فرعون فی المدائن حشرین

قدرت سرکوب کنندگان بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵ – ۳

۳- سرکوب کنندگان اولین فساد بنی اسرائیل ، مردانی بس توانمند و جنگاور

بعثنا علیکم عبادًا لنا أولی بأس شدید

قرآن و بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۳

۳ - بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی إسرائیل اذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۵

۵ - بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی إسرائیل اذکروا

قربانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۸

۲۸ آتش گرفتن قربانی بنی اسرائیل ،

علامت قبولی آن در پیشگاه خداوند

حتّی یاتینا بقربان تاکله النار

امام صادق (ع) فرمود: کانت بنواسرائیل اذا قربت القربان تخرج نار تأکل قربان مَنْ قُبلَ منه . .. .

کافی، ج ۴، ص ۳۳۵، ح ۱۶ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۷، ح ۴۶۲.

قساوت قلب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

۱ - قلب های بنی اسرائیل - علی رغم دریافت آیات و معجزه های فراوان - به سختی گرایید و از درک معارف و آیات الهی ناتوان شد .

لعلکم تعقلون. ثم قست قلوبکم من بعد ذلک

<قساوه> (مصدر قست) به معنای غلظت پیدا کردن و سخت شدن است. جمله <لعلکم تعقلون> بیان می دارد که: سخت شدن دلهای بنی اسرائیل در برابر فهم و درک آیات و معارف الهی است. <ذلک> اشاره به نعمتها و معجزاتی است که خداوند به بنی اسرائیل ارائه کرد و در آیات پیشین مطرح شد.

۲ - قلب ها و دل های بنی اسرائیل در سختی و نفوذناپذیری همانند سنگ و از آن سخت تر شد .

فهی کالحجاره أو أشد قسوه

<حجاره> جمع حجر و به معنای سنگها و صخره هاست.

۳ - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً . .. ثم قست قلوبکم

۴ - قلب های بنی اسرائیل با سخت شدن ، از تراوش کمترین معرفتی ناتوان شد .

ثم قست قلوبکم . .. فهی کالحجاره أو أشد قسوه و إن من الحجاره

به مقتضای ارتباط <ثم قست . ..> با جمله <یریکم آیاته لعلکم تعقلون> سختی دل به

نپـذیرفتن معارف القاشـده به آن، تفسـیر شد و به مقتضای جمله <إن من الحجاره ...> سـختی دل به تراوش نکردن معارف و حقایق تفسیر می شود; یعنی، قلب قسی نه از خارج متأثر می شود و نه از درون تراوشی دارد.

۵ - بیرون زدن و جاری شدن نهر های آب از برخی صخره ها ، شاهدی بر سختی قلب های سخت تر از سنگ بنی اسرائیل

أو أشد قسوه و إن من الحجاره لما یتفجر منه الأنهر

<تفجّر> (مصـدر یتفجر) به معنـای بیرون آمـدن و جـاری شـدن است (اقتبـاس از مجمع البیان). جمله <إن من الحجاره> به منزله دلیل برای <أشد قسوه> می باشد. <لما> مرکب از لام تأکید و <ما>ی موصوله است و مراد از آن، سنگ می باشد. بنابراین <إن من الحجاره لما ...>; یعنی، برخی از سنگها همانا سنگی است که ... .

۶ - شکاف برداشتن برخی سنگ ها و بیرون آمدن آب از آن ، نشانه سخت تر بودن قلب های بنی اسرائیل از سنگها

و إن منها لما یشقق فیخرج منه الماء

<تَشَقُّق> (مصدر یشقق = یتشقق) به معنای شکاف برداشتن است. برخی از اهل لغت برآنند که <شق> به شکاف ریز که به روشنی معلوم نباشد، گفته می شود.

۷ - سقوط سنگ ها بر اثر هراس و خشیت از خدا ، نشانه افزونتر بودن سختی دل های بنی اسرائیل از پاره سنگهاست .

و إن منها لما یهبط من خشیه اللّه

<من> در <من خشـیه اللّه> تعلیلیه است. <هبوط> (مصـدر یهبـط) به معنـای افتـادن و سـقوط کردن است. بنـابراین جمله <إن منها ...>; یعنی، برخی سنگها همانا سنگی است که به علت ترس از خدا

سقوط می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴ - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود ، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم . .. أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفتطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد; یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴،۱۲

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

۱۲ سنگدلی بنی اسرائیل ، منشأ تحریف تورات

و جعلنا قلوبهم قسیه یحرفون الکلم عن مواضعه

جمله <یحرفون> جمله مفسره و بیانگر آثار قساوت قلب است.

قصاص در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ حکم قصاص نفس و قانون اعدام مفسدان ، از احکام الهی در آیین بنی اسرائیل

انه من قتل نفساً بغیر نفس او فساد فی الارض

قصه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < بل یرید کلّ امرىء منهم أن یؤتی صحفاً منشّره > و ذلک أنّهم قالوا : یا محمد قد بلغنا أنّ الرجل من بنی اسرائیل

كان يـذنب الذنب فيصـبح و ذنبه مكتوب عند رأسه و كفّارته ، فنزل جبرئيل على النبىّ (ص) و قال : يسألك قومك سنّه بنى إسرائيل فى الذنوب فإن شاؤوا فعلنا ذلك بهم و أخذناهم بما كنّا نأخذ به بنى إسرائيل . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سـخن خداوند <بل يريد كلّ امرىء منهم أن يؤتى صـحفاً منشّـره> روايت شده كه آنان [به رسول خدا]گفتنـد: اى محمـد! به ما خبر رسـيده كه مردى از بنى اسـرائيل، گناهى مرتكب مى شد و از خواب برمى خاست، در حالى كه گناهش در بالاى سـرش همراه با كفّاره آن نوشـته شـده بود. سـپس جبرئيل بر رسول خـدا(ص) نازل شد و فرمود: قومت از تو مى خواهنـد، همـان سـنّت بنى اسـرائيل در مورد گناهـان دربـاره آنان جارى شود، اگر آنان بخواهنـد ما درباره آنان انجام مى دهيم و آنان را گرفتار مى كنيم; به همان عذابى كه بنى اسرائيل را گرفتار مى كرديم...>.

قصه قتل در بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۲، ۳۰، ۲۷

۲۷ - بنى اسرائيل ، پيامبران بسيارى را به قتل رساندند .

و يقتلون النبيين بغير الحق

۳۰ - بنى اسرائيل ، به خاطر كفرشان به آيات الهى و كشتن پيامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلک بأنهم كانوا يكفرون بأيت اللّه و يقتلون النبيين

۳۲ - عصيان و تجاوز گرى بنى اسرائيل ، ريشه گرايش آنان به كفر و جرئتشان بر كشتن پيامبران بود .

يكفرون بأيت اللّه . .. ذلک بما عصوا و كانوا يعتدون

مشاراليه <ذلک> در <ذلک بما عصوا> كفر به آيات

خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذلک در <ذلک بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت <ذلت و ...> شمرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۱

۱ - شخصی از قوم موسی به قتل رسید و هر طایفه ، دیگری را متهم به کشتن او کرده بر سر آن به نزاع پرداختند .

و إذ قتلتم نفساً فادرءتم فیها

<ادارءتم> به معنای اختلاف و نزاع کردید، می باشد. این کلمه از باب تفاعل و در اصل <تدارءتم> بوده است. نزاع و اختلاف در مقتول (ادارءتم فیها) به معنای متهم کردن یکدیگر به قتل، و بر سر آن نزاع کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - داستان کشته شدن فردی از قوم موسی و احیای دوباره او ، معجزه و رخدادی سزاوار به خاطر سپردن و به یادداشتن

و إذ قتلتم نفساً . .. فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی اللّه الموتی

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱،۳

۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، علی رغم اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی) ، همدیگر را می کشتند .

ثم اقررتم . .. ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم هؤلاء> (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می

خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابهای آیه نظیر خطابهای گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می داد.

۳ - بنی اسرائیل در کشتن و آواره کردن گروهی از همکیشان خود ، یکدیگر را یاری و پشتیبانی کردند .

تظهرون علیهم

<تظاهر> (مصدر تظاهرون) به معنای یاری و پشتیبانی کردن یکدیگر است. <تظاهرون علیکم>; یعنی، طایفه ای از شما طایفه دیگر را علیه گروهی از خودتان یاری می داد.

قصه گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۲۵

۲۵ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده اند : < ان رجلا من خیار بنی اسرائیل و علمائهم خطب إمراه منهم فانعمت له و خطب ها ابن عمّ لذلک الرجل و کان فاسقاً ردیاً فلم ینعموا له فحسد ابن عمّه الذی انعموا له فقعد له فقتله غیله ثم حمله إلی موسی فقال یا نبی اللّه هذا إبن عمّی قد قتل قال موسی من قتله قال لاادری . . . فعظم ذلک علی موسی فاجتمع إلیه بنو اسرائیل فقالوا ماتری یا نبی اللّه . . . قال لهم موسی < ان اللّه یأمرکم ان تذبحوا بقره > . . . ;

مردی از علما و برگزیدگان بنی اسرائیل از قوم خود زنی را خواستگاری کرد و او پذیرفت; و همان زن را پسر عموی آن عالم - که مردی فاسق و پست بود - خواستگاری کرد و آنان به او جواب رد دادند و این پسر عموی فاسق به آن عالم حسد برد و در کمین

او نشست و غافلگیرانه او را کشت و جنازه او را به سوی موسی(ع) برده و گفت: ای پیامبر خدا! این پسر عموی من است که او را کشته اند. موسی(ع) فرمود: چه کسی او را کشته است؟ گفت: نمی دانم ... این واقعه بر موسی(ع) گران آمد و بنی اسرائیل در اطراف موسی(ع) جمع شدند و گفتند نظر و حکم شما ای پیامبر خدا چیست؟ ... موسی(ع) فرمود: خداوند به شما امر می کند که گاوی را ذبح کنید ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۰ – ۹

۹ – از رسول خدا (ص) روایت شده که : < أنهم أمروا بأدنی بقره و لکنهم لما شدوا علی أنفسهم شدد اللّه علیهم و ایّم اللّه لو لم یستثنوا ما بینت لهم ، إلی آخر الأبد . . . ;

بنی اسرائیل مأمور به ذبح کم ارزش ترین گاو بودند; لکن چون بر خویشتن سخت گرفتند خداوند نیز بر آنان سخت گرفت و سوگند به خدا اگر آنان <إن شاء اللّه> نمی گفتند هرگز علامتهای گاوی که می بایست ذبح نمایند برای آنان بیان نمی شد . . .>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۱ – ۱۱،۱۲،۱۳

۱۱ – امام صادق (ع) فرموده اند : < . . . و کان فی بنی اسرائیل رجل له بقره و کان له ابن بارّ و کان عند ابنه سلعه فجاء قوم یطلبون سلعته و کان مفتاح بیته تحت رأس أبیه و کان نائماً . . . فلما انتبه أبوه

قـال له يـا بنى ما صـنعت فى سـلعتك قال هى قائمه لم ابع ها لان المفتاح كان تحت رأسك فكرهت ان انّبهک و انغّص عليك نومك قال له ابوه قـد جعلت هـذه البقره عوضاً عما فاتک من ربح سـلعتك و شـكر اللّه لابنه ما فعل بابيه و امر بنى اسـرائيل أن يذبحوا تلك البقره . . . قال لهم موسى ان اللّه يأمركم أن تذبحوا بقره . . . هى بقره فلان فذهبوا ليشتروا فقال : لاابيع ها الا بملء جلد ها ذهباً فرجعوا إلى موسى فأخبروه فقال لهم موسى لابد لكم من ذبح ها بعين ها بملء جلد ها ذهباً فذبحو ها . . . ;

. .. در بين بنى اسرائيل مردى بود كه گاوى داشت و اين مرد را پسر نيكوكارى بود و نزد اين پسر كالايى بود كه عده اى براى خريد آن آمدند و كليد خانه اش زير سر پدرش بود و او نيز در خواب بود ... پدر چون از خواب بيدار شد پرسيد كه با كالاى خود چه كردى؟ پسر گفت: كالا در جاى خود باقى است و آن را نفروختم; چون كليد زير سر شما بود و دوست نداشتم كه شما را بيدار كرده و خواب را برايتان ناگوار نمايم. پدر به او گفت: اين گاو را در مقابل سودى كه از دست دادى به تو بخشيدم. و خدا خوشرفتارى اين پسر را با پدر خويش پاس داشت و به بنى اسرائيل دستور داد آن گاو را ذبح كنند ... موسى به آنان گفت: خداوند به شما دستور داده كه گاوى را بكشيد ... اين همان گاو شخص

نیکوکار بود. پس برای خرید آن رفتند و آن شخص گفت: گاو خود را نمی فروشم مگر اینکه پوست آن را پر از طلا نمایید. پس بنی اسرائیل به سوی موسی(ع) آمدند و آن حضرت به آنان گفت: باید همین گاو را بکشید و لو اینکه پوست آن را پر از طلا نمایید و بنی اسرائیل ناچار به ذبح آن گاو شدند ...>.

۱۲ از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود : < . . . ان الذین أمروا قوم موسی بعباده العجل ، کانوا خمسه أنفس ، و کانوا أهل بیت یأکلون علی خوان واحد . . . و هم الذین ذبحوا البقره التی أمر اللّه عز و جل بذبح ها ;

. .. کسانی که قوم موسی (ع) را به پرستش گوساله دعوت کردند، پنج نفر بودند که همگی از یک خانواده و سر یک سفره می نشستند ... و آنان همان کسانی بودند که مأمور گشته بودند گاوی را که خداوند عز و جل دستور داده بود زبح کنند>.

۱۳ یونس بن یعقوب می گوید : < قلت لابی عبداللّه (ع) : ان أهل مکه یذبحون البقره فی اللبب فما تری فی أکل لحومها ؟ قال : فسکت هنیهه ثم قال : قال اللّه : < فذبحو ها و ما کادوا یفعلون لاتأکل الا ما ذبحوا من مذبحه ;

به امام صادق(ع) عرض کردم: اهل مکه گاو را (مثل شتر) می کشند (نحر می کنند) پس گوشت آن چه حکمی دارد؟ امام لحظه ای ساکت شد، سپس فرمود: خداوند فرموده: آن گاو را ذبح نمودند و نزدیک بود آن

مأموریت را انجام ندهند. بنابراین هیچ گوشتی را نخور مگر اینکه از راه (شرعی) خودش ذبح شده باشد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۷

۱۷ - بزنطی از امام رضا (ع) روایت نموده که : < ان رجلا من بنی اسرائیل قتل قرابه له . . . فقالوا لموسی (ع) ان سبط آل فلان قتلوا فلاناً فاخبرنا من قتله ؟ قال ایتونی ببقره . . . فاشترو ها و جاؤا بها فأمر بذبح ها ثم أمر ان یضرب المیت بذنب ها فلما فعلوا ذلک حیی المقتول و قال یا رسول اللّه ابن عمّی قتلنی دون من یدعی علیه قتلی فعلموا بذلک قاتله . . . ;

شخصی از بنی اسرائیل یکی از نزدیکان خود را کشت . .. بنی اسرائیل به موسی گفتند: فلان قبیله، فلانی را کشته است و تو قاتل را معرفی کن. موسی (ع) فرمود: گاوی را نزد من آورید ... آنان گاو را خریده و نزد موسی(ع) بردند و موسی امر به ذبح آن کرد. سپس امر نمود که دم آن گاو را به مقتول بزنند و چون این کار را کردند آن مرده زنده شد و گفت ای پیامبر خدا! پسر عمویم مرا کشته است نه آن کس که او را متهم به کشتن من کرده اند، پس با این عمل قاتل را شناسایی نمودند ...>.

قضاوت عادلان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۹ - ۵

۵ عدالت پیشگان قوم موسی همواره حق را میزان قضاوت

های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کردند .

و به یعدلون

<به> متعلق به <یعدلون> و <باء> در آن برای استعانت است.

قوانین کیفری در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۷

۷ < عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله تعالی] : < جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه > : یعنون السنّه التی تجری فیهم أن یحبسه . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که فرموده: <جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه> روایت شده است: مقصود آنان ، سنت جاری بین آنان بوده که او را حبس کند . ..>.

قوم بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، جماعتی دارای ترکیب قومی و قبیله ای تا عصر نزول قرآن

یبنی إسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۲ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، جماعتی دارای ترکیب قومی و قبیله ای تا عصر نزول قرآن

یبنی إسرءیل

کافران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۵ – ۸

۸ آلودگی کافران بنی اسرائیل و منکران عیسی و جامعه آنان

و مطهّرک من الذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۸ – ۱،۲،۱۱،۱۴

۱ کافران بنی اسرائیل با نفرین داود (ع) و عیسی (ع) به لعنت و دوری از رحمت

خداوند گرفتار شدند .

لعن الذين كفروا من بنى اسرءيل على لسان داود و عيسى

فاعل محذوف از <لعن> داود(ع) و عيسى(ع) مى باشد. بنابراين جمله <لعن ... على لسان داود و عيسى> به اين معناست كه كافران بنى اسرائيل مورد لعنت داود(ع) و عيسى(ع) قرار گرفتند گفتنى است، آنگاه كه لعنت بر زبان انسان جارى شود به معناى درخواست انقطاع از رحمت الهى از لعنت شونده است.

۲ داود و عيسى (ع) ، پيام آوران لعن و نفرين الهى بر كافران بنى اسرائيل *

لعن الذين كفروا من بنى اسرءيل على لسان داود و عيسى ابن مريم

بدان احتمال كه فاعل محذوف <لعن>، اللّه باشد. گفتنى است كه لعنت خداوند نسبت به كافران بنى اسرائيل بر لسان داود(ع) و عيسى(ع) به معناى ابلاغ لعنت خداوند به واسطه آن پيامبران است.

۱۱ گرفتارى كافران بنى اسرائيل به لعنت داود و عيسى (ع) ، برخاسته از عصيان پيشگى و تجاوزگرى آنان

لعن الذين كفروا . .. ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

در برداشت فوق <ذلك> اشاره به <لعنت> گرفته شده است.

۱۴ مورد لعن قرار گرفتن گروهى از بنى اسرائيل از سوى حضرت عيسى (ع) ، به دليل كفر آنان پس از نزول مائده آسمانى

لعن الذين كفروا من بنى اسرءيل . .. عيسى ابن مريم

از امام باقر(ع) در توضيح آيه فوق روايت شده: . .. و اما عيسى فلعن الذين انزلت عليهم المائده ثم كفروا بعد ذلك.

تفسير تبيان، ج ۳، ص ۶۰۹; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ -

۳۹ کافران بنی اسرائیل معجزات حضرت مسیح (ع) را سحر و جادویی روشن قلمداد کردند .

فقال الذین کفروا منهم ان هذا الا سحر مبین

۴۰ کافران بنی اسرائیل پس از مشاهده معجزات عیسی (ع) ، وی را ساحری زبردست معرفی کردند .

فقال الذین کفروا منهم ان هذا الا سحر مبین

در برداشت فوق <هذا> اشاره به مسیح(ع) گرفته شده است، بر این مبنا اطلاق سحر به آن حضرت از باب مبالغه و حاکی از این است که کافران وی را ساحری زبردست می پنداشتند به گونه ای که گویا خود آن حضرت، سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۱۶

۱۶ گروهی از مردم عصر موسی آیات خدا را دروغ پنداشتند و به آنها بی اعتنا بودند .

ذلک بأنهم کذبوا بایتنا و کانوا عنها غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل ، در پذیرش رسالت عیسی (ع) و پیروی از آن حضرت ، دو دسته شدند : دسته ای مؤمن و گروهی کافر .

فامنت طائفه من بنی إسرءیل و کفرت طائفه

کتاب آسمانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۳

۳ تورات ، کتابی از جانب خدا برای بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم

مراد از <ما ءاتینکم> تورات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۱،۱۰

۱ - اعطای کتاب آسمانی ، حکومت و نبوت

به بنی اسرائیل از سوی خداوند

ءاتینا بنی إسرءیل الکتب و الحکم و النبوّه

۱۰ - کتاب ، حکومت ، نبوت و اقتصادی شکوفا ، عوامل برتری بنی اسرائیل بر ملت های عصر خویش *

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل الکتب . .. و فضّلنهم علی العلمین

<فضّلناهم. ..>، ناظر به نتیجه موهبت هایی است که خداوند در گذشته به بنی اسرائیل عطا کرده بود.

کتب آسمانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۷

۷ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، حاوی بشارت به نزول قرآن و نشانه های حقانیت آن است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۶

۶ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، توبیخ کننده مبلغان و ارشادگران بی عمل

أتأمرون الناس . .. و أنتم تتلون الکتب

چون جمله حالیه <و أنتم تتلون الکتاب> (در حالی که شما کتاب]تورات یا انجیل [را تلاوت می کنید) به عنوان دلیل نکوهش و مذمت ارشاد کنندگان بی عمل مطرح شده، معلوم می شود: در کتابهای آسمانی بنی اسرائیل بر ناروایی چنین کرداری تأکید شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۴

۴ - تورات کتابی است از جانب خداوند و عطا شده به بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم

مراد از <ما>ی موصوله در <ما آتیناکم> تورات است.

کتمان بانی قتل در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۳

۳ - گروهی

از قوم موسی قاتل را می شناختند و از افشای هویتش خودداری می کردند .

و اللّه مخرج ما کنتم تکتمون

هر چند کتمان کردن به همه قوم موسی نسبت داده شده است، ولی به قرینه <فادارءتم>، معلوم می شود برخی از آنها قاتل را می شناختند و از معرفی آن خودداری می کردند.

کثرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۹

۹- فزونی داشتن نیروی انسانی و نفرات رزمی بنی اسرائیل بر نفرات دشمن ، پس از نخستین شکست

و جعلنکم أکثر نفیرًا

کری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۸

۸ پندار مصونیت از امتحان و عذاب الهی ، از میان برنده حق شنوی و بصیرت دینی بنی اسرائیل

فعموا و صموا

کشاورزی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۴

۴ - قوم موسی ، از گاو برای شخم زنی و آبیاری کشتزار ها استفاده می کردند .

لاذلول تثیر الأرض و لاتسقی الحرث

کفر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۹

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین جمله <و لاتکونوا ...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از

نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند; یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱،۵

۱ - قوم موسی از تصدیق رسالت او سرباز زدند و بر ایمان نداشتن به او تأکید ورزیدند .

و إذ قلتم یموسی لن نؤمن لک

<لن نؤمن لک>; یعنی، تو را هرگز تصدیق نمی کنیم. <آمن> چه با لام آورده شود (آمن له) و چه با حرف باء <آمن به> به یک معناست. (مجمع البیان)

۵ - قوم موسی در پی کفر به او و تقاضای ناروایشان (دیدن خداوند) ، به هلاکت رسیدند .

لن نؤمن لک . .. فأخذتکم الصعقه

<اخذ> (مصدر اخذت) به معنای گرفتن است و به قرینه آیه بعد کنایه از کشتن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۸،۳۰،۲۵

۲۵ - بنی اسرائیل ، آیات خدا را انکار کردند و به آنها کفر ورزیدند .

کانوا یکفرون بأیت اللّه

۳۰ - بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلک بأنهم کانوا یکفرون بأیت اللّه و یقتلون النبیین

۳۸ - داستان ناسپاسی بنی اسرائیل بر < منّ > و < سلوی > و انتخاب شهرنشینی و گرایش آنان به کفر و تجاوز ، داستانی آموزنده و شایسته به یاد آوردن است .

إذ قلتم یموسی لن نصبر . ... و ضربت علیهم الذله ... و کانوا یعتدون

<إذ قلتم . ..> مفعول برای <أذکروا> (به یاد آوردن) می

باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۸ – ۱۰

۱۰ – درخواست ها و پرسش های نابه جای قوم موسی از وی ، آنان را به کفر ورزی کشانید و از ایمان به دور ساخت .

و من یتبدل الکفر بالأیمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۲ – ۱،۲،۳،۴،۲۶

۱ کفر و انکار بنی اسرائیل به رسالت عیسی (ع) ، علی رغم مشاهده معجزات او

انّی قد جئتکم بایه من ربّکم . .. فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر

۲ یقین عیسی (ع) به ایمان نیاوردن بنی اسرائیل و اصرار آنان بر کفر

فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر

با وجود اینکه کفر، امری قلبی است و قابل حسّ نیست، کلمه احساس به کار برده شده تا اشاره به شدت کفر آنان باشد. یعنی گویا می توان کفرشان را احساس کرد; لذا در برداشت فوق از احساس، تعبیر به یقین شده است.

۳ کفر آشکار بنی اسرائیل به رسالت عیسی (ع)

فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر

۴ عیسی (ع) با مشاهده کفر بنی اسرائیل ، در صدد اتمام حجّت و متمایز کردن جبهه حق از جبهه کفر شد .

فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر قال من انصاری الی اللّه

۲۶ شنیدن و دیدن حضرت عیسی (ع) سخنان و اعمال کفرآمیز از بنی اسرائیل

فلمّا احسّ منهم الکفر

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: ای لما سمع و رأی انّهم یکفرون.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۳ ; بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۷۲، ح ۱.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۲

۲ کفر و گمراهی بنی اسرائیل به علت نقض پیمان های الهی

فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل . .. فبما نقضهم میثقهم لعنهم

به مقتضای آیه قبل (و لقد اخذ اللّه . .. فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل)، نقض میثاق الهی، کفر و گمراهی است. و آیه مورد بحث، بنی اسرائیل را نقض کننده پیمان الهی معرفی می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۸ – ۶

۶ کفر گروهی از بنی اسرائیل پیامد غلو آنان در دین

لاتغلوا فی دینکم . .. لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل

بیان گرایش گروهی از بنی اسرائیل به کفر پس از اشاره به غلو و گزافه گویی اهل کتاب در دین، می تواند بیانگر این باشد که کفرورزی آنان پیامد غلوشان بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۰ – ۹

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۱ – ۱

۱ بسیاری از بنی اسرائیل به پیامبر (ص) و قرآن ایمان نیاوردند

و اعتقاد راسخی به خداوند نداشتند .

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه

برداشت فوق بنابر این احتمال است که مراد از <النبی> پیامبر اسلام(ص) باشد، در این صورت <ما انزل الیه> قرآن خواهد بود قابل ذکر است که بر این مبنا عدم ایمان نسبت به خداوند ایمان واقعی و نسبت به پیامبر و قرآن ایمان واقعی و ظاهری است. زیرا بنی اسرائیل ایمان به خداوند را اظهار می داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۳۷

۳۷ گروهی از بنی اسرائیل عصر عیسی (ع) ، رسالت وی را منکر و در زمره کافران بودند .

فقال الذین کفروا منهم ان هذا الا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۱

۱- موسی (ع) در راستای رسالت خویش به بنی اسرائیل اعلام کرد که کفر آنان و تمامی ساکنان زمین$ زیانی به خداوند نمی رساند .

و قال موسی إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعًا فإن الله لغنی حمید

<إن> در <إن تکفروا> شرطیه است و جواب آن <لم یتضرر هو> می باشد که محذوف است و <فإن الله لغنی> تعلیل جزای شرط محذوف می باشد.

کفر بنی اسرائیل به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۱۳

۱۳ ناباوری بنی اسرائیل به قیامت و ملاقات خدا پیش از نزول تورات

ثم ءاتینا موسی الکتب . .. لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون

کفر بنی اسرائیل به لقاء الله

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۱۳

۱۳ ناباوری بنی اسرائیل به قیامت و ملاقات خدا پیش از نزول تورات

ثم ءاتینا موسی الکتب . .. لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون

کفران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ - بنی اسرائیل ، مردمی بسیار ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

فأنجینکم و أغرقنا ءال فرعون . .. ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

هدف از بیان گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا، پس از بیان نعمتهای بزرگ الهی به آنان، نشان دادن روحیه ناسپاسی در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۷

۷ - بنی اسرائیل مردمی ناسپاس بودند .

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، مردمانی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۳،۱۶،۱۷

۱۳ - قوم موسی در برابر نعمت های الهی ، مردمی ناسپاس بودند .

ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما ظلمونا و لکن . ..> در ارتباط با فرازهایی که بیانگر نعمتهای الهی است، لحاظ شود.

۱۶ - ناسپاسی قوم موسی و تمردشان از دستورات خداوند ، هیچ زیانی را متوجه ساحت قدس خدا نکرد .

و ما ظلمونا

۱۷ - ناسپاسی قوم موسی و تمردشان از فرمان

های خدا ، ستمی بود که آنان بر خودشان روا داشتند .

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۹،۳۸

۱۹ - بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی (منّ و سلوی)

لن نصبر علی طعام وحد . .. قال أتستبدلون الذی هو أدنی

۳۸ - داستان ناسپاسی بنی اسرائیل بر < منّ > و < سلوی > و انتخاب شهرنشینی و گرایش آنان به کفر و تجاوز ، داستانی آموزنده و شایسته به یاد آوردن است .

إذ قلتم یموسی لن نصبر . ... و ضربت علیهم الذله ... و کانوا یعتدون

<إذ قلتم . ..> مفعول برای <أذکروا> (به یاد آوردن) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۷

۷ قوم موسی (ع) ، مردمی لجوج ، نصیحت ناپذیر و ناسپاس در برابر نعمت های الهی

اذکروا نعمه اللّه علیکم . .. قالوا یموسی إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۲،۱۵

۱۲ بنی اسرائیل مردمی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً

بیان این حقیقت که گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا فاصله چندانی با نجات آنان از دست فرعونیان و عبور معجزه آسای ایشان در دریای سرخ نداشت، اشاره به این دارد که بنی اسرائیل مردمی ناسپاس بودند.

۱۵ بی توجهی قوم موسی به نعمت های

خدا و گرایش آنان به پرستش غیر او ، برخاسته از جهالت دامنه دار آنان بود .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. قالوا یموسی ... قال إنکم قوم تجهلون

چنانچه از آیه استفاده می شود، گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا پس از عبورشان از دریا و تحقق این نعمت بزرگ الهی بوده است. بنابراین می توان گفت موسی این جهت را نیز در نظر داشته و آنان را جاهل خوانده است. یعنی این بی خردی است که انسان نعمتهای الهی را ببیند و در عین حال به غیر او گرایش پیدا کند. فعل مضارع <تجهلون> بر دامنه داری این بی خردی دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۸،۲۹،۳۰

۲۸ قوم موسی ناسپاس در برابر نعمت های عطا شده به آنان (جوشیدن چشمه های آب برای آنان و . . .)

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و ما ظلمونا و لکن . .. > در ارتباط با تمامی قسمتهایی که بیانگر نعمتهای الهی است، ایراد شده باشد.

۲۹ قوم موسی با ناسپاسی و تخلف از دستورات خداوند هیچ زیانی را متوجه ساحت قدس او نکردند .

و ما ظلمونا

۳۰ ناسپاسی قوم موسی و تمرد ایشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند .

و قطّعنهم . .. و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۵،۶،۹،۱۲

۵ بنی اسرائیل

در عین برخورداری از زندگی مناسب ، به جای اتحاد و حفظ حقوق یکدیگر ، آگاهانه به اختلافات داخلی دامن زده و به حقوق یکدیگر تجاوز می کردند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

۶ بنی اسرائیل ، با وجود در اختیار داشتن تورات و برخورداری از زندگی مناسب ، کفران نعمت کرده و به اختلاف و تجاوز به حقوق یکدیگر پرداختند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <العلم> کتاب آسمانی تورات باشد.

۹ اختلاف بنی اسرائیل ، پس از رهایی از حکومت فرعون و برخورداری از مسکن و روزی مناسب ، ناسپاسی نعمت های الهی بود .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

۱۲ خداوند ، بنی اسرائیل را به خاطر ناسپاسی ها و ایجاد اختلاف ، سرزنش کرده و به کیفر اخروی تهدید فرمود .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم إن ربک یقضی ب

کمبود آب در بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۰ – ۱

۱ – قوم موسی ، پس از نجات از سیطره فرعون و گذر از دریا ، در سرزمینی به دور از آب حرکت می کردند و کمبود شدید آب مبتلا بودند .

و إذاستسقی موسی لقومه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۰ – ۶،۷،۹

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به

کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه . .. و أنزلنا علیهم المن و السلوی

۷ بنی اسرائیل با توسل به موسی (ع) خواستار برطرف شدن مشکل کمبود آب شدند .

إذ استسقه قومه

۹ موسی (ع) از جانب خداوند فرمان یافت تا برای دستیابی به آب عصای خویش را به سنگ زند .

و أوحینا إلی موسی . .. أن اضرب بعصاك الحجر

<ال> در <الحجر> هم می تواند تعریف جنس باشد، که در این صورت مراد از <الحجر>، سنگ در مقابل اشیای دیگر است، و هم می تواند <ال> برای عهد حضوری و یا ذهنی باشد، که در این صورت مراد از <الحجر> سنگی مخصوص بوده است.

کمبود غذا در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۶

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه . .. و أنزلنا علیهم المن و السلوی

کمی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۴ - ۱

۱ - دستور فرعون به مأموران جمع آوری سپاه ، مبنی بر اندك جلوه دادن نیروی بنی اسرائیل به منظور تقویت روحیه مردم و تشویق آنان به پیوستن به سپاه وی

إنّ هؤلاء لشرذمه قلیلون

جمله <إنّ هؤلاء. ..> دستور فرعون به مأموران خویش است که به مردم بگویند: گریزندگان، تعدادی اندك و ضعیف اند.

گفتنی است که کلمه <شرذمه> به عده ای از مردم گفته می شود و <قلیلون> صفت <شرذمه> است; یعنی، عده ای اندک.

کوری

بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۱ – ۸

۸ پندار مصونیت از امتحان و عذاب الهی ، از میان برنده حق شنوی و بصیرت دینی بنی اسرائیل

فعموا و صموا

کوه طور و بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۳ – ۲،۱۰

۲ – خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعنا فوقکم الطور

<الطور> نام کوهی است (مفردات راغب). الطور – چنانچه از ابن عباس نقل شده – همان کوهی است که موسی(ع) در آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که <طور> به مطلق کوه نیز گفته می شود.

۱۰ – قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <أذکروا> می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

کیفر افساد بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸ – ۷

۷– تهدید شدن بنی اسرائیل به کیفر مجدد در صورت بازگشت به فتنه گری ، از سوی خداوند

و إن عدتم عدنا

کیفر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱

۱ - قوم موسی با گوساله پرستی ، بر خویشتن ستم کرده و مستحق کیفر شدند .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ -

۷ - عذاب آسمانی نازل شده بر گنهکاران بنی اسرائیل ، سزای فسق دیرینه آنان و گناه تغییر و تبدیل فرمان خدا بوده است .

فأنزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء بما کانوا یفسقون

<با>ی سببیه در <بما کانوا یفسقون> می رساند که: نزول عذاب آسمانی به سبب فسق دیرینه بنی اسرائیل بوده و توصیف آنان به ستمکاری (الذین ظلموا) دلالت می کند که عذاب به خاطر ظلم آنان، یعنی تبدیل فرمان خدا بوده است. بنابراین باید گفت: ستمکاری بنی اسرائیل به ضمیمه فسق دیرینه آنان، موجب عذاب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۶

۶ بنی اسرائیل ، مصداق بارز تفرقه افکنان و تحریفگران دین خداوند و مشمول عذاب شدید الهی

ادخلوا فی السِلم کافه . .. فان زللتم من بعد ما ... سَلْ بنی اسرائیل کم اتیناهم م

پس از امر به دخول در <سلم> (تسلیم در برابر خداوند و اتّحاد جامعه ایمانی)، و عدم تبعیّت از شیطان، بنی اسرائیل را به عنوان نمونه ذکر می کند.

کیفر دزدی در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۶،۷

۶ < عن علی بن موسی الرضا (ع) : کانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل

آن به بردگی گرفته می شد . .. پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود]>.

۷ < عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله تعالی] : < جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه > : یعنون السّنه التی تجری فیهم أن یحبسه . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که فرموده: <جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه> روایت شده است: مقصود آنان ، سنت جاری بین آنان بوده که او را حبس کند . ..>.

کیفر دنیوی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۲

۲ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم . .. ذله فی الحیوه الدنیا

کیفر عصیانگران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۵

۵ - متمردان و ستمکاران قوم موسی ، به عذاب آسمانی گرفتار شدند .

فأنزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء

کیفر گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۵

۱۵ - موسی (ع) با توجه دادن مرتدان به خالقیت خدا ، کیفر قتل را برای آنان امری سازنده دانست .

ذلکم خیر لکم عند بارئکم

انتخاب <بارء> در بیان ضرورت اجرای حکم قتل، به این معنا اشاره دارد که:

هر چند کشته شدن به ظاهر از میان رفتن و نابود شدن است، ولی در حقیقت زندگی یافتن و دوباره آفریده شدن است. گفتنی است که تکرار <بارئکم> در دو جمله <توبوا إلی بارئکم> و <ذلکم خیر لکم عند بارئکم> رسای به این است که هر کدام به هدفی خاص آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۱

۱ موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آمرزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست .

و لما سکت عن موسی الغضب

وقوع جمله <و لما سکت . .. >، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی(ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۴،۶،۷

۴ - بازیچه قرار دادن و به مسخره گرفتن بنی اسرائیل ، پندار و تحلیل قوم موسی از دستور ذبح گاو

أتتخذنا هزواً

<هزواً> یعنی به بازی گرفتن و مسخره کردن. از آیه ۷۲، ۷۳ چنین بر می آید که فرمان مذکور در ارتباط با قتلی بوده که در میان بنی اسرائیل اتفاق افتاده و هر یک از طایفه ها طایفه دیگر را مسؤول می شناختند و از آن جا که قوم موسی میان دستور ذبح گاو و کشف معمای قتل ارتباطی نمی دیدند، آن دستور (ذبح گاو) را به تمسخر گرفتن خویش، تحلیل کردند.

۶ - موسی (

ع) مخالفت و موضع گیری قومش را درباره دستور ذبح گاو ، پیش بینی کرد .

إن اللّه یأمرکم أن تذبحوا بقره

موسی(ع) فرمان الهی (لزوم ذبح گاو) را با جمله اسمیه <إن اللّه . ..> - که قرین به حرف تأکید <إنّ> است - بیان داشت و معمولاً بیان معنا با کلامی مؤکّد، حاکی از آن است که مخاطب پذیرای مضمون کلام نیست و یا آن را مورد تردید قرار خواهد داد.

۷ - قوم موسی وی را به دروغ گویی در ابلاغ حکم خدا (فرمان ذبح گاو) ، متهم کردند .

إن اللّه یأمرکم . .. قالوا أتتخذنا هزواً

با وجود اینکه موسی(ع) با جمله <إن اللّه. ..> تصریح می کند که خداوند چنین دستوری داده بنی اسرائیل با خطاب به موسی (ع) (أتتخذنا) او را صادر کننده آن فرمان می پنداشتند; یعنی، بر این گمان بودند که وی به گزاف آن حکم را به خداوند نسبت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۳،۴،۵

۳ - قوم موسی ، تحیر و سردرگمی خویش را در انتخاب گاوی که باید ذبح می شد ، دلیل تکرار سؤال و تقاضای توضیح بیشتر عنوان کردند .

قال ادع لنا ربک . .. إن البقر تشبه علینا

قوم موسی، با جمله تعلیلیه <إن البقر . ..> - که تعلیل برای جمله قبل است - در صدد بیان این معنا بودند که: پرسشهای مکررشان بدین جهت است که امر بر آنان مشتبه شده و در پی رهایی از تحیر و سردرگمی هستند نه بهانه گیری و تلاش برای فرار از مسؤولیت.

- قوم موسی ، با آخرین پرسش درباره گاو ، به معین شدن گاو و رهایی از تحیر امیدوار بودند .

و إنا إن شاء اللّه لمهتدون

<مهتدون> اسم فاعل از اهتداء و به معنای راه یافتگان است و متعلق آن همان گاوی است که باید ذبح می شد.

۵ - اتکای قوم موسی به مشیت و خواست خدا ، در دستیابی به گاوی که باید ذبح می کردند .

و إنا إن شاء اللّه لمهتدون

گرایش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۱۱،۱۷

۱۱ گرایش بنی اسرائیل در برهه ای از زمان به رفتار پسندیده و اندیشه صحیح دینی

ثم تاب اللّه علیهم

چون آیات قبل رفتار ناپسند و نیز اندیشه های ناصحیح دینی بنی اسرائیل را بیان کرده بود، معلوم می شود توبه آنان در هر دو جهت بوده است.

۱۷ بسیاری از بنی اسرائیل با شکستن توبه بینش بازیافته خویش را از دست داده و به اعمال ناروا گراییدند .

فعموا و صموا ثم تاب اللّه علیهم ثم عموا و صموا . .. و اللّه بصیر بماتعملون

گرایشهای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۶،۱۷

۱۶ - تمرد و سرپیچی قوم موسی از فرمان های تورات و دستورات موسی ، برخاسته از شوق آنان به گوساله پرستی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جمله <و أشربوا . ..> حال معلله است؛ یعنی، بیان می دارد که علت عصیان و نافرمانی یهود، عشقشان به گوساله پرستی بوده است.

۱۷ – اشتیاق قوم موسی به گوساله پرستی ،

تعیین کننده موضعگیری های آنان در برابر فرمان های الهی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۵

۱۵ بی توجهی قوم موسی به نعمت های خدا و گرایش آنان به پرستش غیر او ، برخاسته از جهالت دامنه دار آنان بود .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. قالوا یموسی ... قال إنکم قوم تجهلون

چنانچه از آیه استفاده می شود، گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا پس از عبورشان از دریا و تحقق این نعمت بزرگ الهی بوده است. بنابراین می توان گفت موسی این جهت را نیز در نظر داشته و آنان را جاهل خوانده است. یعنی این بی خردی است که انسان نعمتهای الهی را ببیند و در عین حال به غیر او گرایش پیدا کند. فعل مضارع <تجهلون> بر دامنه داری این بی خردی دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۱،۵

۱ موسی (ع) با انکار شایستگی غیر خدا برای پرستش ، از گرایش قومش به بت پرستی شگفت زده شد .

قال أغیر اللّه أبغیکم إلهاً

همزه در <أغیر اللّه> برای انکار و تعجب و <کم> به تقدیر لام است. <إلهاً> مفعول برای <أبغی> و <غیر اللّه> صفت و یا حال برای <إلهاً> است. یعنی: <أأبغی لکم إلهاً غیر اللّه>

۵ موسی (ع) تمایل قوم خویش را به بت پرستی ، ناسپاسی به نعمت های خداوند دانست .

أغیر اللّه أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

گرایشهای

ناپسند بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۹

۹ وجود گرایش های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹، تأثیری در متقاضیان خدای محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی) به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

گروههای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۳

۳ انتساب بنی اسرائیلیان به هر یک از فرزندان یعقوب ، اساس گروه بندی آنان

و قطّعنهم اثنتی عشره أسباطا أمما

<اسباط> در لغت به معنای نوادگان است. به کارگیری این واژه برای تیره های دوازده گانه بنی اسرائیل اشاره به این دارد که اساس این قبایل که همگان نواده های یعقوب (اسرائیل) هستند دوازده فرزند او می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل ، در پذیرش رسالت عیسی (ع) و پیروی از آن حضرت ، دو دسته شدند : دسته ای مؤمن و گروهی کافر .

فامنت طائفه من بنی إسرءیل و کفرت طائفه

گستاخی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۳ – ۱۰

۱۰ قوم موسی (ع) ، مردمی گستاخ و بی پروا در برابر خداوند

قال رجلان من الذین یخافون

<من الذین یخافون> می تواند اشاره به این باشد که قوم موسی(ع) به جهت نترسیدن از خداوند، فرمان موسی(ع) را اطاعت نکردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۴ – ۸

۸ بنی اسرائیل ، گستاخانه خواهان رهسپاری موسی (ع) و خدایش به نبرد با زورگویان سرزمین مقدس

قالوا . .. فاذهب انت و ربک فقتلا

گفتگوی خدا با بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۰ – ۳،۴

۳ – خداوند ، پس از عبور بنی اسرائیل از دریا ، با آنان قرار گفت وگو نهاد و وعده ارتباط نزدیک داد .

و وعدنکم جانب الطور الأیمن

متعلق <واعدناکم> به قرینه <و ما أعجلك عن قومك یا موسی> (در آیات بعد) وعده مناجات و گفت وگو با موسی(ع) بوده است. این مواعده گرچه با همه بنی اسرائیل نبود; اما بازگشت منافع آن (از قبیل نزول تورات) به عموم آنان، سبب شد که از آن به عنوان نعمتی بر همه بنی اسرائیل یاد شود.

۴ – سمت راست کوه طور ، میقات و وعده گاه شرفیابی بنی اسرائیل برای پاسخ گویی به دعوت خداوند بود .

و وعدنکم جانب الطور الأیمن

<أیمن> به معنای <یمین> (طرف راست) است و مراد از <جانب راست طور> دامنه و یا فضای سمت راست آن بوده

است.

گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲

بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۱

۱ تخلّف و انحراف بنی اسرائیل ، علی رغم ارائه آیات روشن و معجزات الهی به آنان

کم اتیناهم من ایه بیّنه و من یبدل نعمه اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲

۲ کفر و گمراهی بنی اسرائیل به علت نقض پیمان های الهی

فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل . .. فبما نقضهم میثقهم لعنهم

به مقتضای آیه قبل (و لقد اخذ اللّه . .. فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل)، نقض میثاق الهی، کفر و گمراهی است. و آیه مورد بحث، بنی اسرائیل را نقض کننده پیمان الهی معرفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۲

۲ بنی اسرائیل پس از آگاهی به گمراهی خویش ، از گوساله پرستی توبه کردند و به گناه خویش معترف شدند .

قالوا لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۴

۴- قوم موسی در انواع ظلمت ها گرفتار بودند .

أن أخرج قومک من الظلمت إلی النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۲

۲ - موسی (ع) در میقات و از طریق وحی ، بر امتحان شدن بنی اسرائیل در غیاب او و گمراه شدن آنان آگاهی یافت .

و عجلت إليك . .. فإنّا قد فتنّا قومك من بعدك

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۷

۷ - بنی اسرائیل ، بدون این که در تحقق وعده خداوند (اعطای تورات) به آنان تأخیری شده باشد ، به گمراهی تن در دادند .

ألم یعدکم ربّکم . .. أفطال علیکم العهد

استفهام در <أفطال> انکاری است. و <عهد> به معنای زمان است. (قاموس) و مراد زمان تحقق وعده ای است که <ألم یعدکم> بر آن دلالت داشت، و ممکن است مراد از <عهد> زمان دوری موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱

۱ - انحراف و گوساله پرستی بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع) ، علی رغم هشدار های هارون (ع) صورت گرفته بود .

و لقد قال لهم هرون من قبل

<من قبل>؛ یعنی، پیش از بازگشت موسی(ع) از میقات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۹ - ۵

۵ - بنی اسرائیل در عصر فرعون ، گرفتار انحراف در عقیده و عمل و نیازمند هدایت از سوی خدا

و لقد ءاتینا موسی الکتب لعلّهم یهتدون

<هم> در <لعلّهم> کنایه از بنی اسرائیل است و ارجاع آن به فرعون و طایفه او، درست نیست؛ زیرا نزول تورات، بعد از هلاکت آنها بود.

گناه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ – بنی اسرائیل ، پیش از ورودشان به بیت المقدس ، بر دوش دارنده گناهانی بسیار

نغفر لکم خطیکم

برداشت فوق با توجه به جمع آوردن کلمه <خطایاکم> استفاده شده است.

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۱

۳۱ - بنی اسرائیل ، گنهکار و همواره تجاوزگر بوده اند .

ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، مردمی گنهکار و متجاوز به خاطر یاری رسانی به یکدیگر در بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از دیارشان

تظهرون عليهم بالأثم و العدون

باء در <بالاثم> بای ملابست است و <بالاثم و العدوان> حال برای فاعل <تظاهرون> می باشد; یعنی، علیه آنان همدیگر را یاری می کردید و در آن هنگام گنهکار و متجاوز بودید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ تمرد و گناه بنی اسرائیل ، موجب نفرین موسی (ع) بر آنان

فافرق بيننا و بين القوم الفسقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۰

۱۰ بنی اسرائیل پیش از ورود به بیت المقدس گناهان فراوانی داشتند .

نغفر لكم خطيئتكم

برداشت فوق با توجه به کلمه <خطیئات> که به صورت جمع آمده استفاده شده است.

گناهکاران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۱،۷

۱ - گروهی از قوم موسی پیش از ورودشان به بیت المقدس ، ستمکار و آلوده به گناه بودند .

فبدل الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم

۷ - عذاب آسمانی نازل شده بر گنهکاران بنی اسرائیل ، سزای فسق دیرینه آنان و گناه تغییر و

تبدیل فرمان خدا بوده است .

فأنزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء بما کانوا یفسقون

<با>ی سببیه در <بما کانوا یفسقون> می رساند که: نزول عذاب آسمانی به سبب فسق دیرینه بنی اسرائیل بوده و توصیف آنان به ستمکاری (الذین ظلموا) دلالت می کند که عذاب به خاطر ظلم آنان، یعنی تبدیل فرمان خدا بوده است. بنابراین باید گفت: ستمکاری بنی اسرائیل به ضمیمه فسق دیرینه آنان، موجب عذاب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۱

۱ گروهی از قوم موسی دارای پیشینه ای آلوده به گناه و ستم ، پیش از ورودشان به بیت المقدس

فبدل الذین ظلموا . .. بما کانوا یظلمون

گواهی انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۹

۹ گواهی تمامی پیامبران یهود بر حقانیت تورات

و قفینا علی ءاثرهم بعیسی ابن مریم مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

توصیف عیسی(ع) به تصدیق کننده تورات، پس از بیان پیروی آن حضرت از پیامبران یهود، بیانگر آن است که آنان نیز مصدق تورات بوده اند.

گواهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۵

۵ - بنی اسرائیل به عهدهایی که خداوند با آنان داشت معترف بوده ، بر آن گواهی می دهند .

و إذ أخذنا میثقکم . .. ثم أقررتم و أنتم تشهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۳

۳- گواهی و ایمان بنی اسرائیل و یهود به حقانیت قرآن

، حجتی علیه کافران و مشرکان

إن کان من عند اللّه و کفرتم به و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله

خداونـد، ایمان فردی از یهود را که آگاه به تورات و مفاد آن بود گواهی بر حقانیت قرآن شـمرده است و به کافران تذکر داد و به آن احتجاج کرده است.

گواهی عالم بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۸

۸- گواهی دهنده بر حقانیت قرآن از میان بنی اسرائیل ، فردی دانا و متشخص بود .

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن

تکیه قرآن بر شـهادت فردی از بنی اسـرائیل و استفاده از گواهی وی در گرایش دادن مردم به ایمان، نشانگر این معنا است که وی، فردی متشخص و صاحب نظر و معتبر بوده است.

گوساله بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۶،۷

۶ معبود دست ساز بنی اسرائیل (مجسمه گوساله) نه با آنان سخن می گفت و نه ایشان را به راهی رهنمون می ساخت .

ألم یروا أنه لا یکلمهم و لا یهدیهم سبیلا

استفهام در <ألم یروا> برای انکـار و تعجب است ; یعنی گوسـاله پرسـتان بـا اینکه می دیدنـد معبود دست سازشـان بـا آنان سخن نمی گوید و راهی را به آنان نشان نمی دهد، آن را <إله> می پنداشتند و این امری است که به خاطر نابخردانه بودنش هر خردمندی را شگفت زده می کند.

۷ گرایش قوم موسی به پرستش مجسمه ای ناتوان از سخن گفتن و عاجز از هدایتگری ،

امر نابخردانه و شگفت آور

ألم یروا أنه لا یکلمهم و لا یهدیهم سبیلا

گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۹

۱۹ - مرتد شدگان بنی اسرائیل (گوساله پرستان) پس از فرمان موسی (ع) به کشتن یکدیگر پرداختند .

فاقتلوا أنفسکم . .. فتاب علیکم

جمله <تاب علیکم> عطف بر جمله ای مقدر است; یعنی: <ففعلتم ما أمرتم به فتاب علیکم> پس آنچه را بدان موظف شدید انجام دادید و خداوند توبه شما را پذیرفت>. قابل ذکر است که ضمیر در <تاب> به قرینه جمله بعد به <بارئکم> (خالق شما) بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۷

۷ - گروهی از بنی اسرائیل در معرفی کردن گوساله زرین به عنوان معبود ، با سامری همراهی و هم کاری داشتند .

عجلاً . .. فقالوا هذا إلهکم و إله موسی

فعل جمع <قالوا> می رساند که عده ای در اطراف سامری مجتمع گشته و مرام او را ترویج می کردند. یا این که از گذشته با او هم کاری و هم فکری داشتند و در زمان نمایش دادن گوساله، به ترویج عقیده باطل خود پرداختند.

گوساله پرستان بنی اسرائیل در غیاب موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱۷

۱۷ - گوساله پرستان ، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

إنّی خشیت أن تقول فرّقت بین بنی إسرءیل

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل، در فاصله ارتداد

آنان، گویای حاکمیت مرتدان و گوساله پرستان است.

گوساله پرستان بنی اسرائیل و هارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۸

۱۸ هارون ، مقهور گوساله پرستان بنی اسرائیل و ناتوان از بازداری ایشان

إن القوم استضعفونی

<استضعاف> به معنای غلبه کردن و مقهور ساختن است.

گوساله پرستان تائب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۱۲

۱۲ گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا ، توصیه خداوند به موسی (ع) *

إن ربک من بعدها لغفور رحیم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی(ع) ذکر شد. یعنی <ربک> اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها درگذر.

گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۷،۱۰،۱۱،۱۳،۱۵

۷ - بنی اسرائیل ، در غیاب موسی (ع) به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم اتخذتم العجل من بعده

<من بعده>؛ یعنی پس از غیاب موسی (ع) و دور شدنش از بنی اسرائیل. <اتخذتم> از افعال تصییر است. کلمه <العجل>

مفعـول اول آن و مفعول دومش <الهـاً> است که به خـاطر وضوحش در کلاـم آورده نشـده است; یعنی: <ثم جعلتم العجل الهاً لکم>.

۱۰ - گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی ، پس از عبورشان از دریا و نجات یافتن از سیطره فرعونیان بود .

و إذ

فرقنا بکم البحر . .. و إذ وعدنا ... ثم اتخذتم العجل من بعده

۱۱ - بنی اسرائیل ، هیچ بهانه و عذری برای گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جمله حالیه <أنتم ظالمون> (در حالی که ظالم بودید) ظهور در این معنا دارد که: ظالم بودن حالتی بوده مقارن گوساله پرستی; یعنی، گرایش بنی اسرائیل به شرک از سر ظلم بود و هیچ توجیهی هر چند واهی از قبیل جهل و مانند آن - که بتواند بهانه و عذری برای آنان باشد - در میان نبوده است.

۱۳ - داستان غیبت موسی (ع) از میان قوم خویش و گرایش آن قوم به گوساله پرستی ، داستانی عبرت آموز و شایسته یاد آوردن

و إذ وعدنا موسی أربعین لیله ثم اتخذتم العجل من بعده

۱۵ - گوساله پرستی بنی اسرائیل از جمله ستمکاری های آنان بود .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۱،۴،۵

۱ - خداوند ، گناه گوساله پرستی بنی اسرائیل را مورد عفو خویش قرار داد .

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

۴ - آمرزش گناه ارتداد و گوساله پرستی بنی اسرائیل ، از نعمت های بزرگ خداوند بر آنان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

چون آیه های این بخش از سوره، در صدد بیان نعمتهای الهی به بنی اسرائیل است، مفاد جمله <عفونا عنکم> نیز به منظور بیان نعمت ایراد شده است و از آن جا که این معنا با حرف <ثم> به دیگر نعمتها عطف گردیده، اشاره به رتبه برتر نعمت آمرزش

نسبت به نعمتهای دیگر دارد.

۵ - امتنان خدا بر بنی اسرائیل به خاطر آمرزش گناه گوساله پرستی ایشان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلك

روشن است که عفو از گناه پس از ارتکاب آن است. بنابراین <من بعد ذلك> بیانگر زمان آمرزش نخواهد بود; بلکه اشاره به این معنا دارد که: بنی اسرائیل استحقاق آمرزش را نداشت، ولی مع ذلك خداوند بر آنان تفضل کرده و گناهشان را بخشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱،۷

۱ - قوم موسی با گوساله پرستی ، بر خویشتن ستم کرده و مستحق کیفر شدند .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

۷ - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف <فاء> در <فاقتلوا> تفسیریه است; یعنی، بیانگر این است که جمله <أقتلوا أنفسکم> تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا . ..) می باشد. در معنای جمله <فاقتلوا أنفسکم> دو نظر ایراد شده است. ۱ فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید); ۲ هر کسی خود را بکشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود : < . . . ان الذین أمروا قوم موسی بعباده العجل ، کانوا خمسه أنفس ، و کانوا أهل بیت یأکلون علی خوان واحد . . . و هم الذین ذبحوا البقره التی أمر اللّه عز و جل بذبح ها ;

. .. کسانی که قوم موسی (ع) را به پرستش گوساله دعوت کردند، پنج نفر بودند که همگی

از یک خانواده و سر یک سفره می نشستند ... و آنان همان کسانی بودند که مأمور گشته بودند گاوی را که خداوند عز و جل دستور داده بود زبح کنند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۲ – ۴،۸،۱۰

۴ – قوم موسی ، در غیاب او به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم أتخذتم العجل من بعده

۸ – قوم موسی ، هیچ عذر و بهانه ای برای گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

ثم أتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جمله حالیه <و أنتم ظالمون> ظهور در این معنا دارد که: ظالم بودن، حالتی مقارن گوساله پرستی بوده است; یعنی، گوساله پرستی بنی اسرائیل از سر ظلم بوده و هیچ توجیهی از قبیل جهل که بتواند بهانه و عذری برای آن باشد در میان نبوده است.

۱۰ – ارتداد قوم موسی و گرایش آنان به گوساله پرستی ، از جمله ستم های آنان

ثم أتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۳ – ۱۴،۲۲

۱۴ – قلب ها و دل های یهودیان عصر موسی آکنده از عشق به گوساله پرستی بود .

و أشربوا فی قلوبهم العجل

اشراب <مصدر أشربوا> به معنای آمیختن و نفوذ دادن است. مراد از <عجل> (گوساله) به قرینه <فی قلوبهم> محبت و عشق گوساله است نه خود گوساله. آوردن <عجل> به جای <محبت عجل>، بیانگر این است که: محبت گوساله چنان با قلبهای آنان عجین شده بود که گویا خود گوساله در دلهای آنان جای داشت.

۲۲ – از امام باقر (ع) درباره

سخن خداوند که فرموده : < و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم > روایت شده که فرموده است : < فعمد موسی (ع) فبرد العجل من أنفه الی طرف ذنبه ثم احرقه بالنار فذرّه فی الیمّ قال : فکانت احدهم لیقع فی الماء و ما به إلیه من حاجه فیتعرض بذالک للرماد فیشربه و هو قول اللّه : و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم ;

موسی(ع) قصد]نابودی[گوساله]سامری[را نمود; پس او را با سوهان از بینی تا دم برید. سپس او را در آتش سوزاند و خاکسترش را به دریا ریخت. در این هنگام بعضی از گوساله پرستان وارد آب شده در حالی که نیازی به آب هم نداشتند و قصد آنان خاکستر گوساله بود. پس خاکستر]مخلوط با آب را [می نوشیدند و این سخن خداست که می فرماید: و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۱،۲،۱۱

۱ قوم موسی در غیاب وی (زمان حضورش در میعادگاه مناجات) به پرستش تندیس گوساله روی آوردند .

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسداً

۲ قوم موسی با زیورآلات خویش مجسمه گوساله نری را برای پرستش ساختند .

اتخذ . .. من حلیهم عجلا جسداً

اتخاذ (مصدر <اتخذ>) در اینجا به معنای ساختن است. <عجل> به معنای گوساله نر و <حُلیّ> (جمع حَلْی) به معنای زیورآلات است.

۱۱ بنی اسرائیلِ زمان موسی بر اثر ارتداد و گرایش به گوساله پرستی از ستمکاران شدند .

اتخذوه و کانوا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱،۲،۸

۱ بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای پرستش ، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند .

و لما سقط فی أیدیهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله <سقط فی أیدیهم> کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد ; به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

۲ بنی اسرائیل پس از آگاهی به گمراهی خویش ، از گوساله پرستی توبه کردند و به گناه خویش معترف شدند .

قالوا لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

۸ قوم موسی علی رغم پیشینه گوساله پرستی به رحمت و مغفرت الهی امیدوار بودند .

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۷،۸،۹،۱۱

۷ موسی (ع) بر اثر شدّت غضب به خاطر گوساله پرستی قومش ، لوحه های تورات را بر زمین افکند .

لما رجع موسی إلی قومه غضبن أسفاً . .. و ألقی الألواح

۸ آلودگی بنی اسرائیل به شرک و گوساله پرستی ، از میان برنده زمینه ابلاغ تورات و تعلیم پیام ها و موعظه های آن

و ألقی الألواح

گویا هدف از بیان این بخش از داستان که موسی(ع) با مشاهده گوساله پرستی تورات را بر زمین افکند، این نکته باشد که موسی(ع) جامعه نابخرد خویش را شایسته تورات ندانست و زمینه تعالیم آن را بر باد رفته دید و لذا آن را بر زمین نهاد.

موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی مقصر شناخت .

و أخذ برأس أخيه يجره إليه

۱۱ بازداری بنی اسرائیل از گرایش به شرک و گوساله پرستی ، مسؤولیت هارون از دیدگاه موسی (ع)

و أخذ برأس أخيه يجره إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۷

۷ قوم موسی با گرایش به گوساله پرستی بر خداوند افترا بستند .

و كذلك نجزى المفترين

مصداق مورد نظر برای <المفترين> مشرکان و گوساله پرستان بنی اسرائیل هستند. بنابراین شرکورزی آنان افترا بر خدا بود. <افتراء>، از <فریه>، به معنای دورغ بافتن است. و مراد از <مفترین>، به مناسبت مورد، کسانی هستند که بر خدا دروغ می بندند ; یعنی به دروغ چیزی را به خدا نسبت می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۱۱

۱۱ - ارتداد بنی اسرائیل و پیدایش گوساله پرستی در میان آنان ، پس از عبورشان از دریا بود .

يبنى اسرءيل قد أنجينكم من عدوّكم . .. فتنّا قومك من بعدك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۱،۳

۱ - بنی اسرائیل در برابر بازخواست و توبیخ خود از جانب موسی (ع) ، سعی در بی تقصیر نشان دادن خود در ماجرای گوساله پرستی داشتند .

ألم يعدكم . .. أفطال ... أم أردتّم ... قالوا ما أخلفنا موعدك بملكنا

جمله <ما أخلفنا> و نیز <حمّلنا>، جملگی توجیهات بنی اسرائیل برای پذیرش گوساله

پرستی از سوی آنان است.

۳ - بی اختیار قلمداد کردن خود ، از بهانه های بنی اسرائیل برای توجیه پیمان شکنی با موسی (ع) و پذیرش گوساله پرستی در میان خود

ما أخلفنا موعدک بملکنا

<موعد> مصدر و به معنای <وعد> است. <ملک> نیز مصدر است و مراد بنی اسرائیل، نفی مالک بودن امور خویش است. از همین رو معنای <ما أخلفنا...> چنین می شود: ما از پیمان و وعده تو، به اختیار خود تخلف نکردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۳

۳ - توبیخ و سرزنش بنی اسرائیل از سوی خداوند ، به جهت عقیده کور و نسنجیده آنان به معبود بودن گوساله سامری

أفلایرون ألّایرجع إلیهم قولاً

استفهام در <أفلایرون> برای انکار توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱

۱ - انحراف و گوساله پرستی بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع) ، علی رغم هشدار های هارون (ع) صورت گرفته بود .

و لقد قال لهم هرون من قبل

<من قبل>; یعنی، پیش از بازگشت موسی(ع) از میقات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۱

۱ - بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی ، سرباز زدند .

فاتّبعونی و أطیعوا أمری . .. قالوا لن نبرح علیه عکفین

<لن نبرح>; یعنی، <لانزال> (پایدار می مانیم) و <عاکف> به کسی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به

تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۱

۱ - موسی (ع) ، پس از بازگشت از میقات ، هارون را در باره عکس العمل وی در مقابل گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مورد بازخواست و توبیخ قرار داد .

یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

لجاجت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۵

۵ - بنی اسرائیل برای پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن ، لجاجت کرده و سرسختی نشان می دادند .

رفعنا فوقکم الطور خذوا ما ءاتینکم

از اینکه خداوند با تهدید و ارعاب از بنی اسرائیل خواست تا تورات را بپذیرند و بر آن پیمان بسپارند، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۲

۲ - پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور . .. ثم تولیتم من بعد ذلک

<ثم> در جمله <ثم تولیتم> حاکی از ترتیب رتبی است; زیرا <من بعد ذلک> رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که <ثم> برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و . .. مضمون جمله بعد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۳

۳ - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً

. .. ثم قست قلوبکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۳ – ۵

۵ – بنی اسرائیل ، برای پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن لجاجت کرده و سرسختی نشان می دادند .

و رفعنا فوقکم الطور خذوا ما ءاتینکم

از اینکه خداوند با تهدید و ارعاب (قرار دادن کوه بر سر بنی اسرائیل) از قوم موسی خواست تا تورات را بپذیرند و برای عمل کردن به آن پیمان بسپارند. برداشت فوق به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۸ – ۱۶

۱۶ وجود افراد غیر مؤمن (لجوج و ناباور) ، در میان بنی اسرائیل ، علی رغم وجود نشانه روشن الهی بر زمامداری طالوت

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

تعبیر <ان کنتم مؤمنین> اشاره است به اینکه افرادی غیرمؤمن (ناباوران) در میان بنی اسرائیل وجود داشته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۳ – ۱۱

۱۱ گستاخی و بی پروایی قوم موسی (ع) در برابر خداوند ، زمینه سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع) (ورود به سرزمین مقدس و مبارزه با جباران)

إنّا لن ندخلها . .. قال رجلان من الذین یخافون انعم اللّه علیهما ادخلوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۴ – ۷

۷ قوم موسی (ع) ، مردمی لجوج ، نصیحت ناپذیر و ناسپاس در برابر نعمت های الهی

اذکروا نعمه اللّه علیکم . .. قالوا

یموسی إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ بنی اسرائیل ، قومی فاسق به خاطر لجاجت و تمردشان در برابر فرامین موسی (ع)

و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ لجاجت قوم موسی در برابر فرمان های وی ، نشانه فسق آنان

إنّا لن ندخلها . .. فلاتأس علی القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۵

۵ لجاجت و سرسختی بنی اسرائیل در پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم . .. خذوا ما ءاتینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۸

۸ - بنی اسرائیل ، در عین مشاهده آیات بزرگ الهی ، فاقد ایمان ژرف و راسخ بودند .

یبنی اسرءیل قد أنجینکم . .. أضلّهم السامریّ ... ألم یعدکم ربّکم

با توجه به این که گمراهی بنی اسرائیل به دست سامری، پس از نجات آنان از چنگال فرعون، عبور آنان از دریا و مشاهده آیات متعدد الهی در طول آن مدت بوده است; به نظر می رسد آنان از بینش و ایمان سستی برخوردار بودند که این چنین با اغواگری سامری به صف گمراهان پیوستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۱ – ۱،۲

۱ – بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی

، سرباز زدند .

فاتّبعونی و أطیعوا أمری . .. قالوا لن نبرح علیه عکفین

<لن نبرح>; یعنی، <لانزال> (پایـدار می مانیم) و <عاکف> به کسـی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

۲ - تصمیم گوساله پرستان بنی اسرائیل بر عبادت گوساله سامری ، تا زمان بازگشتن موسی (ع) از میقات و تعیین تکلیف

لن نبرح علیه عکفین حتّی یرجع إلینا موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۵۸

۵ - بنی اسرائیل ، به رغم آگاهی از رسالت الهی موسی (ع) ، آن حضرت را مورد آزار قرار می دادند .

لم تؤذوننی و قد تعلمون أنّی رسول اللّه إلیکم

۸ - بنی اسرائیل ، به رغم اندرز های موسی (ع) ، از اذیت و آزار آن حضرت دست برنداشتند .

یقوم لم تؤذوننی . .. فلمّا زاغوا

جمله <فلمّا زاغوا> بیانگر آن است که بنی اسـرائیل، به جای پذیرش نصـیحت های موسی(ع)، بر اذیت های خویش نسبت به آن حضرت پای فشردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۱۳

۱۳ - بنی اسـرائیل ، به رغم در دست داشتن بشارت عیسی (ع) ، در برابر رسول اکرم (ص) موضع گیری کرده و رسالت آن حضرت را نپذیرفتند .

و مبشّرًا برسول یأتی من بعدی اسمه . .. فلمّا جاءهم بالبیّنت قالوا هذا سحر مبین

لرزش بنی اسرائیل در میقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – ۱۵۵ –

۵ برگزیدگان بنی اسرائیل برای همراهی موسی (ع) در میعادگاه مناجات ، پس از حضور در آن مقام به لرزشی شدید و کشنده گرفتار شدند .

فلما أخذتهم الرجفه

لطف به بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۷ – ۵

۵ – بنی اسرائیل ، مورد عنایت و لطف الهی ، در عصر ستم دیدگی و شکنجه شدن از سوی فرعونیان

أسر بعبادی

اضافه <عباد> به ضمیر متکلم، به جهت تکریم بنی اسرائیل و اظهار لطف به آنان است. این امر، زمانی صورت گرفته که آنان در بند حکومت فرعون و شکنجه های او بودند. خداوند با تعبیر <عبادی> بر رفتار فرعونیان که بنی اسرائیل را به بندگی گرفته بودند خط بطلان کشیده و آنان را تنها بنده خود معرفی کرده است.

لعن بر بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۴

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۸ – ۱۳،۱۴

۱۳ مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل) ، مورد لعن حضرت داود ، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فی سبتهم . .. .

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹; نورالثقلین، ج ۱،

ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

۱۴ مورد لعن قرار گرفتن گروهی از بنی اسرائیل از سوی حضرت عیسی (ع) ، به دلیل کفر آنان پس از نزول مائده آسمانی

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل . .. عیسی ابن مریم

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و اما عیسی فلعن الذین انزلت علیهم المائده ثم کفروا بعد ذلک.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ لعن شدن گروهی از بنی اسرائیل به سبب تأثیرناپذیری آنان در برابر نهی از منکر و نیز گروه ناهی از منکر به سبب همنشینی با گنهکاران

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل . .. کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه

از حضرت علی(ع) روایت شده: . .. و لما وقع التقصیر فی بنی اسرائیل جعل الرجل منهم یری اخاه علی الذنب فینهاه فلاینهی فلایمنعه ذلک من ان یکون اکیله و جلیسه و شربیه حتی ضرب اللّه عزوجل قلوب بعضهم ببعض و نزل فیهم القرآن حیث یقول عزوجل <لعن الذین کفروا من بنی اسرئیل ... کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه ... .>

ثواب الاعمال مترجم، ص ۵۹۷، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۲.

لغزش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۶

۱۶ هشدار خداوند به مسلمانان در مورد خطر گرفتاری آنان به لغزشهایی همانند لغزش های بنی اسرائیل : (نقض پیمان های الهی ، هواپرستی ، تکذیب و قتل انبیا)

إنّ الذين

ءامنوا . .. لاتهوى انفسهم فريقاً كذبوا و فريقاً يقتلون

از اهداف اين بخش از آيات با توجه به ذكر مسلمانان در ابتداء كلام (ان الذين ءامنوا) و آنگاه بيان سرگذشت شوم بنى اسرائيل، اين است كه مسلمانان را از گرفتار شدن به چنين سرنوشتى پرهيز دهد و به آنان گوشزد كند كه آنان نيز در خطر آلودگى به چنين اعمال ناروايى هستند.

ماجراجويى بنى اسرائيلى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - مرد اسرائيلى ، عنصرى ماجراجو و مصلحت نينديش در نگاه موسى (ع)

قال له موسى إنّك لغوىّ مبين

مبارزه با بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۳ - ۴

۴ - نياز فرعون به استفاده از نيروى مردمى قبطيان ، براى سركوب بنى اسرائيل

فأرسل فرعون فى المدائن حشرين

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه مراد از اين آيه، گردآورى مردم از شهرها باشد و نه سربازان مستقر در آنها.

مبارزه با گوساله پرستان بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۰

۲۰ هارون با بيان مبارزه خويش با گوساله پرستان و ناتوانيش از بازدارى آنان ، در تلاش جهت اثبات بى گناهى خويش براى موسى (ع)

إن القوم استضعفونى و كادوا يقتلوننى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل در خطر تشتت و تفرقه ، در صورت اقدام عملی و جدی هارون (ع) برای مقابله

با گوساله پرستان

إنّی خشیت أن تقول فرّقت بین بنی إسرءیل

مبارزه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۴

۴ بنی اسرائیل همگام موسی (ع) و پیرو او در مبارزه علیه فرعون

أتذر موسی و قومه

متعهدان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۸

۲۸ وجود گروهی متعهد در میان بنی اسرائیل ، دلیل امر الهی به عفو و مدارای پیامبر (ص) با همه آنان

إلّا قلیلا منهم فاعف عنهم و اصفح

تفریع عفو با کلمه <فاء> بر جمله <و لاتزال . .. الاقلیلا منهم>، اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۹

۲۹ گروهی از بنی اسرائیل پیرو انبیای خویش و متعهد به قوانین الهی

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ تعهد گروهی از بنی اسرائیل زمان پیامبر (ص) به حدود الهی و قوانین دین

و لکن کثیراً منهم فسقون

مجسمه سازی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۱،۲،۴

۱ قوم موسی در غیاب وی (زمان حضورش در میعادگاه مناجات) به پرستش تندیس گوساله روی آوردند .

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسداً

۲ قوم موسی با زیورآلات خویش مجسمه گوساله نری را برای پرستش ساختند .

اتخذ .

.. من حلیهم عجلا جسداً

اتخاذ (مصدر <اتخذ>) در اینجا به معنای ساختن است. <عجل> به معنای گوساله نر و <حُلیّ> (جمع حَلْی) به معنای زیورآلات است.

۴ سازنده مجسمه گوساله بنی اسرائیل ، ماهر در فن مجسمه سازی ، صنعتکار و هنرمند بود .

عجلا جسداً له خوار

اطلاق گوساله بر مجسمه آن که بیانگر این نکته است که مجسمه ساخته شده کاملاً شبیه گوساله بوده و نیز ساختن آن به گونه ای که صدای گاو از آن برآید، بیانگر این است که سازنده آن مجسمه هنرمند بوده و در صنعت مجسمه سازی مهارت کامل داشته است.

محاصره بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۱

۱ - بنی اسرائیل ، در محاصره فرعونیان در کناره دریای سرخ

و إذ فرقنا بکم البحر

ال در <البحر> عهد ذهنی است و اشاره به دریایی معهود دارد که بنا به گفته بسیاری از مفسران، مراد از آن دریای سرخ است. بیان نجات بنی اسرائیل و غرق شدن فرعونیان در پی شکافته شدن دریا، دلالت بر این دارد که: فرعونیان در کناره دریای سرخ در صدد هجوم به بنی اسرائیل بودند.

محرمات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۱

۱ - کار و فعالیت در روز شنبه برای بنی اسرائیل حرام بود .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

<سبت> به معنای قطع عمل، سکون و استراحت است که از آن به تعطیلی تعبیر می کنیم. <اعتداء> (مصدر اعتدوا) به

معنای تجاوز و تخلف می باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۴،۶،۱۱،۱۲،۱۴

۴ تحریم برخی از خوردنی ها بر بنی اسرائیل ، پس از نزول تورات

کل الطّعام کان حلا لبنی اسرائیل . .. من قبل ان تنزل التوریه

بنابراینکه استثنای در <الا ما حرّم . .. > استثنای منقطع باشد.

۶ بنی اسرائیل ، مدّعی حرمت برخی از خوردنی ها و انتساب آن به تورات

کل الطّعام کان حلا لبنی اسرائیل . .. قل فأْتوا بالتوریه فاتلوها

۱۱ آنچه از خوردنی ها که یعقوب (ع) بر خویش حرام کرده بود ، بر بنی اسرائیل نیز حرام بود .

کل الطعام کان حلا لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه

بنابراینکه استثنای در <الا ما حرم . .. > استثنای متصل باشد.

۱۲ تورات ، ناسخ حرمت برخی از خوردنی ها بر بنی اسرائیل

کل الطعام کان حلا لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزل التوری

بنابراینکه <من قبل> متعلق به <حرّم> باشد; یعنی حرمتهای وضع شده برای بنی اسرائیل توسط یعقوب (ع)، تا قبل از نزول تورات بوده است.

۱۴ حلیت همه خوردنی ها بر بنی اسرائیل ، جز گوشت شتر که اسرائیل (ع) (یعقوب) قبل از نزول تورات بر خود حرام کرده بود .

کل الطعام کان حلا لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه

امام صادق (ع): . .. ان اسرائیل کان اذا اکل من لحم الابل هیّج علیه وجع الخاصره فحرّم علی نفسه لحم الابل و ذلک قبل ان تنزّل التوراه.

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹ ; بحارالانوار، ج ۹، ص ۱۹۱، ح

.۳۱

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۰ – ۱۳

۱۳ گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم طیبت أحلت لهم

امام صادق(ع) درباره <طیبت> در آیه فوق فرمود: . .. یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم ... .

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۲، ح ۶۶۵.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۳

۳ حرمت کشتن نابحق بر بنی اسرائیل

کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل نفساً بغیر نفس . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

محرومیت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۳

۳ خداوند ، پیمان شکنان بنی اسرائیل را از رحمت خویش دور ساخت و دل های آنان را از پذیرش حق بازداشت .

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۶ – ۲،۶

۲ محرومیت قوم موسی (ع) از تسلط بر سرزمین مقدس و سکونت در آن ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آنان از فرمان موسی

(ع)

إنّا لن ندخل ابداً . .. فانها محرمه عليهم

جمله <فانها محرمه . ..>، تفريع بر نافرمانى آنان از دستور موسى(ع) است، نه اينكه متفرع بر نفرين او (فافرق بيننا ...) باشد.

۶ ترک جهاد از سوى نيرو هاى كارآمد بنى اسرائيل ، موجب

گرفتاری همه مردم آن قوم به سرگردانی و محرومیت از تسلط بر سرزمین مقدس

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه

برداشت فوق مبتنی بر امری مسلم و طبیعی در داستان تیه می باشد و آن اینکه همه قوم موسی ; حتی زنان و کودکان و پیران، به سرگردانی گرفتار آمده و از ورود به سرزمین مقدس محروم شدند، با اینکه این گروه مأمور به مبارزه و جهاد نبودند تا بر اثر تخلف، عقوبت شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۹

۹ تکذیب و قتل انبیا از سوی بنی اسرائیل مایه محرومیت آنان از حق شناسی و بینش دینی

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون . .. فعموا و صموا

جمله <عموا و صموا> علاوه بر اینکه متفرع بر جمله <حسبوا . ..> است می تواند متفرع بر جمله <فریقاً کذبوا ...> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۶

۶ ضعف و ذلت بنی اسرائیل در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) تا درجه ای بود که حتی از داشتن خیمه یا کومه ای ، که آنان را از سرما و گرما حفظ کند ، محروم بودند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً

محسنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۵،۱۶

۱۵ - وجود افرادی نیک کردار و پاکدامن ، در میان قوم موسی

و سنزید المحسنین

کلمه <المحسنین> (نیکوکاران) می تواند در مقابل گروهی از بنی اسرائیل باشد که از جمله <نغفر

لکم خطایاکم> به دست می آید; یعنی، بنی اسرائیل دو گروه بودند: گروهی گنهکار که جمله <نغفر لکم خطایاکم> به آنان اشاره دارد و گروهی پاکدامن که <المحسنین> آنها را بیان می کند.

۱۶ - خداوند ، محسنان و پاکدامنان بنی اسرائیل را - در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس - به پاداشی افزونتر از دیگران نوید داد .

قولوا حطه نغفر لکم خطیکم و سنزید المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۵

۵ تورات، نعمتی کامل برای نیکوکاران قوم موسی

تماما علی الذی أحسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۳،۱۴

۱۳ وجود افرادی نیک کردار و پاکدامن از گناهان در میان قوم موسی

سنزید المحسنین

کلمه <المحسنین> می تواند در مقابل گروهی از بنی اسرائیل باشد که از جمله <نغفر لکم خطیئتکم> به دست می آید. یعنی بنی اسرائیل دو گروه بودند: گروهی گنهکار که جمله <نغفر لکم خیطئتکم> اشاره به آنان دارد و پاکدامنان از گناه که <المحسنین> عهده دار تبیین آن گروه است.

۱۴ خداوند محسنان بنی اسرائیل را در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس ، به پاداشی افزونتر از احسانشان نوید داد .

سنزید المحسنین

محمد(ص) و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۷،۲۸،۲۹

۲۷ پیامبر (ص) مأمور به عفو و گذشت از خطا های بنی اسرائیل و ترک هرگونه تعرض نسبت به آنان

فاعف عنهم و اصفح

بنابر اینکه ضمیر <عنهم> به

همه بنی اسرائیل برگردد.

۲۸ وجود گروهی متعهد در میان بنی اسرائیل ، دلیل امر الهی به عفو و مدارای پیامبر (ص) با همه آنان

إلاّ قلیلا منهم فاعف عنهم و اصفح

تفریع عفو با کلمه <فاء> بر جمله <و لاتزال . .. الاقلیلا منهم>، اشاره به برداشت فوق دارد.

۲۹ پیامبر (ص) مأمور عفو و گذشت از غیر خائنان بنی اسرائیل

فاعف عنهم و اصفح

بنابر اینکه مراد از ضمیر در <عنهم>، تنها گروه غیر خائن باشد.

محمد(ص) و تاریخ بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، موظف به یادآوری سرگذشت موسی (ع) و قومش و به خاطر سپردن آن

و إذ قال موسی لقومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که فعل <اذکر> قبل از <إذ> مقدر باشد. بنابراین، آیه خطاب به پیامبر(ص) و بیان وظیفهء آن حضرت است.

مدت گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۲

۲ - تصمیم گوساله پرستان بنی اسرائیل بر عبادت گوساله سامری ، تا زمان بازگشتن موسی (ع) از میقات و تعیین تکلیف

لن نبرح علیه عکفین حتّی یرجع إلینا موسی

مدح علمای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۳

۳ - ستایش خداوند از فرزانگان بنی اسرائیل ، به خاطر برخورد سخت آنان با دل باختگان دنیا

و قال الذین أُوتوا العلم ویلکم

تعبیر <الذین أُوتوا العلم> تعبیری ستایشگرانه است که خداوند درباره عالمان و فرزانگان

بنی اسرائیل به کار برده است.

مذکر بودن مقتول بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۶

۶ - مقتول قوم موسی از جنس ذکور بود .

فقلنا اضربوه ببعضها

برداشت فوق از آوردن ضمیر مذکر <ه> در <إضربوه> - که به <نفساً> بر می گردد - استفاده شده است.

مرتدان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۹،۱۹،۲۱

۹ - حضرت موسی (ع) با زمینه سازی فکری و روانی برای مرتدان بنی اسرائیل ، آنان را برای پذیرش و اجرای امر خدا (کشتن یکدیگر) آماده کرد .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم

موسی(ع) از انتساب بنی اسرائیل به خویش با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) در صدد تفهیم این حقیقت است که: او از روی دلسوزی آنان را به توبه دعوت می کند و از آنان می خواهد که به حکم خدا گردن نهند. تصریح به اینکه بنی اسرائیل با گوساله پرستی به خود ستم کردند نیز در راستای این معناست.

۱۹ - مرتد شدگان بنی اسرائیل (گوساله پرستان) پس از فرمان موسی (ع) به کشتن یکدیگر پرداختند .

فاقتلوا أنفسکم . .. فتاب علیکم

جمله <تاب علیکم> عطف بر جمله ای مقدر است; یعنی: <ففعلتم ما أمرتم به فتاب علیکم> پس آنچه را بدان موظف شدید انجام دادید و خداوند توبه شما را پذیرفت>. قابل ذکر است که ضمیر در <تاب> به قرینه جمله بعد به <بارئکم> (خالق شما) بر می گردد.

۲۱ - داستان توبه مرتدان بنی اسرائیل و اجرای فرمان خدا

مبنی بر کشتن یکدیگر ، داستانی آموزنده و درخور به خاطر داشتن

و إذ قال موسی . .. فتاب علیکم

<إذ قال . ..> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <اذکروا إذ قال ...>.

مردان بنی اسرائیل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۳

۳ هفتاد مرد گزینش شده برای حضور در میعادگاه مناجات ، بهترین و لایقترین مردم بنی اسرائیل در دیدگاه موسی (ع)

و اختار موسی

<اختیار> به معنای انتخاب و گزینش خیر است. بنابراین <اختار موسی> یعنی موسی بهترینها را انتخاب کرد.

مسخ بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ - از امام سجاد (ع) روایت شده است : < . . . أما القرده فکانوا قوماً من بنی اسرائیل . . . اعتدوا فی السبت فصادوا الحیتان فمسخهم اللّه قرده . . . ;

. .. اما بوزینه ها گروهی از بنی اسرائیل بودند ... که در روز شنبه از دستور الهی سرپیچی کرده به صید ماهی پرداختند و خداوند آنان را به صورت بوزینه مسخ کرد>.

مسخ در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۵

۱۵ مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک ، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون ، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی

لسان داود(ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

کافی، ج ۸، ص ۲۰۰، ح ۲۴۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۱.

مسخ شدگان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۶

۶ - بوزینه شدگان بنی اسرائیل از زمره خاسران و زیانکاران

لکنتم من الخسرین. و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

آیه مورد بحث اشاره به نوع خسارت و زیانی دارد که در ذیل آیه قبل مطرح شد; یعنی، خسارتی که آدمی بر اثر گناه و تجاوز در خطر آن است، از قبیل خسارت اصحاب سبت می باشد.

مسکن بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۳

۳ وضعیت مسکن و معیشت بنی اسرائیل در دوران حکومت فرعون ، وضعیتی نابسامان و نامناسب بود .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق و رزقنهم من الطیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ - منزل گاه بنی اسرائیل پس از عبور از دریا فاقد امکانات تغذیه سالم و دارای مواد غذایی بد خوراک و مغایر با طبع انسان بود .

کلوا من طیّبت ما رزقنکم و لاتطغوا فیه

مسلمانان صدر اسلام و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۲

۲ - مسلمانان صدر اسلام ، به ایمان آوردن بنی اسرائیل دل بسته و بدان امیدوار بودند .

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

برداشت فوق لازمه معنای <أن یؤمنوا لکم> است; زیرا تأیید و تصدیق پیروان

یک مکتب به معنای تصدیق حقانیت آن مکتب و در نتیجه ایمان آوردن به آن است.

مسؤولیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۲،۳،۶،۹

۲ - خداوند از بنی اسرائیل خواست تا نعمت های او را همواره به خاطر داشته باشند .

یبنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی أنعمت علیکم

۳ - بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی إسرائیل اذکروا

۶ - وفا کردن به عهد های الهی ، از فرامین و سفارش های خداوند به بنی اسرائیل

و أوفوا بعهدی

۹ - ترسیدن از خدا و نهراسیدن از غیر او ، توصیه و سفارش خداوند به بنی اسرائیل

و إیی فارهبون

<رهبه> به معنای ترسیدن است. <ارهبون> مرکب از فعل امر <ارهبوا> و نون وقایه مکسور است که حکایت از حذف <یای> متکلم دارد; یعنی: <و ایای فارهبونی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱،۷،۱۵

۱ - خداوند ، فراخوان بنی اسرائیل به تصدیق قرآن و ایمان به آن

یبنی إسرائیل . .. و ءامنوا بما أنزلت

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل (یهودیان و نصرانیان) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن ، بر حذر داشت .

و لاتکونوا أول کافر به

ضمير در <به> مى تواند به <ما أنزلت> و يا به <ما معكم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۵ - نهراسيدن از پيامد هاى التزام به حقايق تورات و انجيل و ايمان به قرآن ، از توصيه هاى خداوند به بنى اسرائيل

و لاتشتروا بأيتى . .. و إيّى فاتقون

حصر در جمله <اياى

فاتقون> - پس از بیان لزوم ایمان و پرهیز از دین فروشی - به این اشاره دارد که: ایمان به قرآن و التزام به حقایق تورات و انجیل، ممکن است برای شما یهودیان و نصرانیان مشکلاتی را به همراه داشته باشد - که نباید از آنها در هراس باشید - و فقط از عذابهای الهی بترسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - خداوند از بنی اسرائیل خواست تا حق و باطل را به هم نیامیخته و با ارائه باطل ها ، حق را بر مردم مشتبه نکنند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل

<لبس> (مصدر لاتلبسوا) به معنای: آمیختن و نیز مشتبه کردن است. بر اساس معنای اول <باء> در <بالباطل> برای تعدیه و بر اساس معنای دوم <با>ی استعانت خواهد بود.

۲ - کتمان نکردن حقایق ، توصیه و سفارش خداوند به بنی اسرائیل

و لاتلبسوا . .. و تکتموا الحق

کتمان (مصدر تکتموا) به معنای مخفی کردن است. فعل <تکتموا> عطف بر <تلبسوا> می باشد; یعنی: <و لاتکتموا>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۳،۵،۹

۳ - خداوند از بنی اسرائیل خواست تا نعمت های او را یاد کنند و همواره آنها را به خاطر داشته باشند .

یبنی إسرائیل اذکروا نعمتی

۵ - بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی إسرائیل اذکروا

۹ - به خاطر داشتن نعمت برتری بنی اسرائیل بر همگان ، سفارش و توصیه خداوند به آنان

اذکروا نعمتی . .. أنی فضلتکم علی العلمین

عطف <أنی فضلتکم> بر <نعمتی> اقتضا می کند که: <أنی

فضلتکم> نیز مفعول <اذکروا> باشد; یعنی: اذکروا . .. أنی فضلتکم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۷،۸

۷ - اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا - به هنگام تصرف بیت المقدس - از دستور های خداوند به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه <سجداً> جمع ساجد و حال برای فاعل <ادخلوا> می باشد. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک نهادن) سازگار نیست، می توان گفت: در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

۸ - استغفار از گناهان به هنگام تصرف بیت المقدس فرمانی از جانب خداوند به بنی اسرائیل

ادخلوا . .. و قولوا حطه

<حطه> خبر برای مبتدایی محذوف همانند <مسألتنا> است. این کلمه اسم مصدر و به معنای نهادن و فرو آوردن می باشد و مراد از آن به قرینه جمله بعد <نغفر لکم ...> برداشتن گناهان و آمرزش آنهاست. بنابراین <قولوا حطه> یعنی بگویید - خدایا - درخواست ما آمرزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۶،۷

۶ - پذیرش تورات با جدیت تمام و استوارسازی رفتار و اندیشه ها بر اساس آن ، فرمان خداوند به بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم بقوّه

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل را به فراگیری احکام و معارف تورات و همواره به یادداشتن آن فراخواند .

و اذکروا ما فیه

<ذکر> به دانشی گفته می شود که انسان آن را به خاطر داشته و فراموش نکرده باشد. بنابراین <اذکروا ما فیه>; یعنی، محتوای تورات را فرا گیرید و

آن را همواره به خاطر داشته باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۵،۶

۵ - موسی (ع) مردم خویش را به انجام مأموریتشان (ذبح گاو میانسال) فرمان داد .

إنها بقره لافارض و لابکر عوان بین ذلک فافعلوا ما تؤمرون

۶ - میانسال بودن گاو - پیش از سؤال از مشخصه های دیگر - تنها ویژگی لازم برای گاو ماده ای که بنی اسرائیل به ذبح آن مأمور شدند .

عوان بین ذلک فافعلوا ما تؤمرون

جمله <فافعلوا ما تؤمرون> (به آنچه مأمور شدید عمل کنید) بیانگر این است که: تکلیف قوم موسی و به اصطلاح <مأمورٌ به> آنان، ذبح گاوی میانسال بوده است بدون لحاظ شرطی دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۲ - ۳،۵

۳ - خداوند ، از بنی اسرائیل خواست تا نعمت های او را یاد کرده و همواره آنها را به خاطر داشته باشند .

یبنی إسرءیل اذکروا نعمتی التی أنعمت علیکم

۵ - بنی اسرائیل ، از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی إسرءیل اذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۹

۹ قوم موسی (ع) موظف به فراگیری معارف ثبت شده در الواح ، به بهترین وجه ، و به کار بستن احکام آن به نیکوترین صورت .

و أمر قومک یأخذوا بأحسنها

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <احسنها> به <قوه> برگردد. بر این مبنا مفعول <یأخذوا> ضمیری است محذوف که به <الألواح> برمی گردد. یعنی:

<یأخذوا الألواح باحسن القوه>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۱ – ۷

۷ اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا به هنگام تصرف بیت المقدس از دستورات خدا به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه <سجداً> جمع <ساجد> و حال برای فاعل <ادخلوا> است. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک ساییدن) سازگار نیست، می توان گفت در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۱ – ۶

۶ خداوند از بنی اسرائیل خواست تا احکام و معارف تورات را فراگیرند و آنها را همواره به خاطر بسپارند .

و اذکروا ما فیه

<ذکر> به دانشی گفته می شود که انسان آن را به خاطر داشته باشد و فراموش نکرده باشد. بنابراین <اذکروا ما فیه> یعنی محتوای تورات را فراگیرد و آن را همواره به خاطر داشته باشید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۷ – ۵

۵ خداوند ، فرمان داد تا بنی اسرائیل در بر پا کردن خانه های خود ، آنها را رو به روی هم بسازند .

و اجعلوا بیوتکم قبله

برداشت فوق مبتنی بر این است که لفظ <قبله> مصدر نوعی به معنای اسم فاعل باشد ; یعنی: اجعلوا بیوتکم متقابله.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳۳ – ۲

۲– انتخاب بنی اسرائیل از میان ملت های عصر خویش ، برای دریافت آیات الهی و

زمینه آزمون بود .

و لقد اخترنهم . ..و ءاتینهم من الأیت

از ارتباط <و آتیناهم> با <اخترناهم>، می توان استفاده کرد که <آتیناهم> تفسیر و توضیح و تبیین <اخترناهم> است; یعنی، این اختیار و انتخاب، ریشه نژادی و نسلی ندارد; بلکه فلسفه فرهنگی و علمی دارد.

مسیر هجرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۳،۸،۱۱

۳ - مسیر هجرت بنی اسرائیل از مصر ، از طریق وحی به موسی (ع) مشخص شده بود .

و لقد أوحینا إلی موسی . .. فاضرب لهم طریقًا فی البحر

فرمان به کوچ دادن شبانه بنی اسرائیل و بیان برخورد آنان در مسیر خود با دریا، دال براین است که مسیر حرکت نیز از طریق وحی مشخص شده بود.

۸ - ایجاد راهی خشک در عمق دریای سرخ برای عبور بنی اسرائیل ، از مأموریت های موسی (ع)

فاضرب لهم طریقًا فی البحر یبسًا

<اضرب لهم. ..>، یعنی برای آنان راهی را ایجاد کن. <یَبَس> به معنای خشک است. <ال> در <البحر> عهد ذهنی و اشاره به دریای مشخصی است که در مسیر هجرت قرار داشت. گروهی از مفسران آن را دریای سرخ و برخی رود نیل دانسته اند.

۱۱ - تمام بنی اسرائیل از یک راه در دریا عبور داده شدند . *

فاضرب لهم طریقًا فی البحر

چنانچه مراد از <طریقاً> جنس نباشد، بر وحدت راه دلالت خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۱

۱ – موسی (ع) به فرمان خداوند ، بنی اسرائیل را شبانه از مصر

کوچ داد و از دریا گذراند .

أسر بعبادی . .. فأتبعهم

حرف <فاء> در <فأتبعهم> فصیحه است; یعنی، از یک سری جملات محذوف قبل از خود حکایت می کند. حاصل آن جملات این است که موسی(ع) بنی اسرائیل را از مصر کوچ داد و فرعونیان نیز از حرکت آنان آگاه شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۰ - ۲

۲ - خط سیر بنی اسرائیل ، از مصر به سمت مشرق بود . *

فأتبعوهم مشرقین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <مشرقین> چنان که برخی از مفسران گفته اند به معنای <قاصدین جهه الشرق> باشد.

مشرکان بنی اسرائیل و هارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۸

۱۸ هارون ، مقهور گوساله پرستان بنی اسرائیل و ناتوان از بازداری ایشان

إن القوم استضعفونی

<استضعاف> به معنای غلبه کردن و مقهور ساختن است.

مشکلات اجتماعی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۹ - ۳

۳ - بنی اسرائیل در حکومت فرعون ، زندگی سختی داشتند و جان پسران آنها در خطر بود .

أن اقذفیه فی التابوت فاقذفیه فی الیمّ

مشکلات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، در صورت ایمان به قرآن و قبول شریعت جدید ، با تنگنا ها و مشکلاتی شدید مواجه می شدند .

یبنی إسرائیل اذکروا . .. و ءامنوا ... و استعینوا بالصبر و الصلوه

سفارش خداوند به بنی اسرائیل (پیشه

کردن صبر و برپایی نماز) پس از دعوت آنان به ایمان، بیانگر این است که: آنان به خاطر پذیرش اسلام و ترک شریعت پیشین، با مشکلات فراوانی مواجه می شدند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۰ – ۶،۷،۱۶

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه . .. و أنزلنا علیهم المن و السلوی

۷ بنی اسرائیل با توسل به موسی (ع) خواستار برطرف شدن مشکل کمبود آب شدند .

إذ استسقه قومه

۱۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به گرمای سوزان خورشید گرفتار شدند .

و ظلّلنا علیهم الغمم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۵ – ۵

۵ بنی اسرائیل ، زیر سلطه و اقتدار فرعون و اشراف خود ، با ضعف و ذلت ، روز می گذراندند .

فقالوا علی اللّه توکلنا ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۳ – ۳

۳ وضعیت مسکن و معیشت بنی اسرائیل در دوران حکومت فرعون ، وضعیتی نابسامان و نامناسب بود .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق و رزقنهم من الطیبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳۰ – ۲

۲- زندگی بنی اسرائیل در نظام فرعونی ، همراه با ذلت و مشقت های فراوان

و لقد نجّینا بنی إسرءیل من العذاب المهین

مشکلات بنی اسرائیل در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۶

۶ ضعف و ذلت بنی اسرائیل در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) تا درجه ای بود که حتی از داشتن خیمه یا کومه ای ، که آنان را از سرما و گرما حفظ کند ، محروم بودند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً

مصالح بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۷

۱۷ - قوم موسی به مصلحت خویش در انتخاب غذا ناآگاه بودند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۸ - ۹

۹ - برخورد و درگیری با فرعونیان ، راهی نادرست و برخلاف مصالح اسرائیلیان در دیدگاه موسی (ع)

قال له موسی إنّک لغویّ مبین

<غوی> به کسی گفته می شود که از راه درست و صواب منحرف شده باشد.

مصونیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ - مبتلا نشدن قوم موسی به عذاب استیصال

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که ضمیر <هم> در <بینهم> مربوط به قوم موسی باشد.

معبود بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۸ – ۶،۹

۶ – سامری ، تندیس گوساله زرین را به عنوان < اله > بنی اسرائیل و موسی (ع) معرفی کرد .

فأخرج . .. فقالوا هذا إلهکم و إله موسی

۹ – سامری

و پیروان او ، به دروغ مدعی فراموش شدن معرفی گوساله به عنوان معبود ، از جانب موسی (ع) شدند .

هذا إلهکم و إله موسی فنسی

در باره مرجع ضمیر فاعلی <نسی> دو احتمال وجود دارد: ۱ مرجع موسی(ع) باشد. ۲ مرجع سامری باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

معبودان باطل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۶

۶ معبود دست ساز بنی اسرائیل (مجسمه گوساله) نه با آنان سخن می گفت و نه ایشان را به راهی رهنمون می ساخت .

ألم یروا أنه لا یکلمهم و لا یهدیهم سبیلا

استفهام در <ألم یروا> برای انکار و تعجب است ; یعنی گوساله پرستان با اینکه می دیدند معبود دست سازشان با آنان سخن نمی گوید و راهی را به آنان نشان نمی دهد، آن را <إله> می پنداشتند و این امری است که به خاطر نابخردانه بودنش هر خردمندی را شگفت زده می کند.

معجزه انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۱

۲۱ تمامی پیامبران مبعوث شده به سوی بنی اسرائیل ، دارای دلایل روشن (معجزه برهان) بر حقانیت رسالت خویش

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت

معجزه در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۱،۴

۱ تخلّف و انحراف بنی اسرائیل ، علی رغم ارائه آیات روشن و معجزات الهی به آنان

كم اتيناهم من ايه بيّنه و من يبدل نعمه اللّه

۴

خداوند ، آیات روشن و معجزه های فراوانی برای بنی اسرائیل فرستاد .

کم اتیناهم من ایه بیّنه

مغضوبیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۴

۲۴ - بنی اسرائیل ، به غضب و خشم خداوند گرفتار شدند .

و باءو بغضب من اللّه

<باءو> به معنای بازگشتند، است. <باء> در <بغضب> برای ملابست و مصاحبت می باشد; یعنی، بازگشتند در حالی که غضب و خشم خدا را به دوش می کشیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۳،۱۴

۱۳ گرفتاری به غضب الهی سرنوشت شوم بنی اسرائیل

لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط اللّه علیهم

<ان سخط اللّه علیهم> به اصطلاح اهل ادب، مخصوص به ذم است یعنی گرفتاری بنی اسرائیل به غضب و سخط الهی، دستاورد شومی است که برای آخرت خویش فرستاده اند.

۱۴ پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان ، موجب غضب خداوند بر بنی اسرائیل

تری کثیراً منهم یتولون . .. لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط اللّه علیهم

مغضوبیت گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۱

۱ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به غضبی شدید و قریب الوقوع تهدید کرد .

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم و ذله فی الحیوه الدنیا

<فی الحیوه الدنیا> علاوه بر اینکه قید برای <ذله> است، می تواند <قید> برای غضب نیز باشد. در این صورت مراد از غضب الهی گرفتار ساختن به عذابهای دنیوی است. نکرده آوردن <غضب>

دلالت بر شدت غضب و عظمت آن دارد.

مکان عبور بنی اسرائیل از رود نیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۴ - ۵

۵- محل عبور موسی (ع) و بنی اسرائیل از رود نیل ، گذرگاهی وسیع و گسترده دامن

و اترک البحر رهوًا

برداشت یادشده بنابر این نکته است که <رهوًا> به معنای راه وسیع باشد; همان گونه که راغب در <مفردات> آن را پذیرفته است.

مکان گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۳

۳ - بنی اسرائیل ، محل استقرار گوساله سامری را عبادت گاه خود قرار داده و ساعات فراوانی را به عبادت آن اختصاص دادند .

لن نبرح علیه عکفین

ملازمت و مداومت، از لغت <عاکفین> به دست می آید.

ملاقات فرعونیان با بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۱ - ۱

۱ - نزدیک شدن سپاه فرعون به بنی اسرائیل تا حدّ مشاهده یکدیگر

فلمّا ترءا الجمعان

<ترائی> (مصدر <ترءا>) به معنای همدیگر را دیدن و <جمع> (مفرد <جمعان>) به معنای گروه است. بنابراین <لمّا

ترءا الجمعان>; یعنی، چون دو گروه همدیگر را دیدند.

ملاک گروهبندی در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۲۰

۲۰ - < عن مجمع البیان . . . الشعوب من العجم و القبائل من العرب و الاسباط من بنی اسرائیل . . . روی ذالك عن الصادق (ع) ;

از امام صادق(ع) روایت شده که <شعوب> از

عجم، <قبائل> از عرب و <أسباط> از بنی اسرائیل است>.

ممانعت از شهرنشینی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۲

۲۲ - موسی (ع) با دور نگه داشتن قومش از سکونت در شهر ها ، اهداف بلندی را برای آنان در نظر داشت و آن را تعقیب می کرد .

اهبطوا مصراً فان لکم ما سألتم

جمله <اهبطوا مصراً . ..> (به یکی از شهرها در آیید، آنچه می خواستید در آن وجود دارد) بیانگر این است که: انتقال قوم موسی از بیابانها به شهر کاری سهل و آسان بوده است. و ناگزیر از بیابان گردی نبودند. بنابراین موسی(ع) بیابان گردی را برای قومش انتخاب کرده بود و این معنا بدیهی است که اگر پیامبران امری را برای قوم خویش انتخاب کنند - خصوصاً اگر مشکلاتی را هم به دنبال داشته باشد - در پی رساندن آنان به اهداف بلندی هستند.

ممانعت از گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۲،۶

۲ - جلوگیری از انحراف و گمراهی بنی اسرائیل ، از وظایف هارون در غیاب موسی (ع)

یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

۶ - جلوگیری از انحراف و گمراهی بنی اسرائیل ، از وظایف هارون در غیاب موسی (ع)

یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

ممانعت از هجرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۸

۸ – فرعون ، از خروج بنی اسرائیل و هجرت آنان از مصر به

دیار دیگر مانع می شد .

فأرسل معنا بنی إسرءیل

اگر خروج بنی اسرائیل به طور عادی از مصر ممکن بود، مطرح ساختن آن با فرعون بی معنا بود پس هر چند که بنی اسرائیل، خود خواستار رهایی و هجرت بودند; ولی فرعون و دستگاه حکومت او مانع این کار می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۵

۵ - ممانعت جدی حکومت فرعون از مهاجرت بنی اسرائیل و ترک سرزمین مصر

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی إنّکم متّبعون

فرمان الهی مبنی بر خروج مخفیانه و حرکت شبانه بنی اسرائیل و نیز تعبیر <إنّکم متّبعون> نشانگر ممانعت شدید حکومت فرعون نسبت به خروج بنی اسرائیل از مصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۳ - ۱

۱ - تلاش فرعون برای جلوگیری از مهاجرت بنی اسرائیل ، پس از اطلاع یافتن از گریز شبانه آنان

فأرسل فرعون فی المدائن حشرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۳ - ۷

۷- ممانعت فرعونیان ، از مهاجرت بنی اسرائیل و خروج آنان از سرزمین مصر

فأسر . .. إنّکم متّبعون

منت بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۵

۵ – امتنان خدا بر بنی اسرائیل به خاطر آمرزش گناه گوساله پرستی ایشان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلك

روشن است که عفو از گناه پس از ارتکاب آن است. بنابراین <من بعد ذلك> بیانگر زمان آمرزش نخواهد بود; بلکه اشاره به این معنا دارد که: بنی

اسرائیل استحقاق آمرزش را نداشت، ولی مع ذلك خداوند بر آنان تفضل کرده و گناهشان را بخشود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵ – ۳،۴

۳ – نجات از حکومت بسیار خشن و بی رحم فرعون ، امتنانی بزرگ و نعمتی گران سنگ از سوی خدا به بنی اسرائیل بود .

و نرید أن نمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض

<نمنّ> از ریشه <منّه> مشتق شده است و <منّه> به نعمت سنگین گفته می شود (مفردات راغب).

۴ – قرار دادن بنی اسرائیل در مسند امامت و پیشوایی خلق ، نمود دیگر از امتنان الهی بر آنان

أن نمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶ – ۲

۲ – بیرون آوردن بنی اسرائیل از محرومیت و فقر و قرار دادن امکانات دنیوی (سرزمین مستقل ، قدرت و مکنت) در اختیار آنان ، نمودی دیگر از امتنان الهی بر آنها

و نرید أن نمنّ . .. و نمکّن لهم فی الأرض

منشأ امکانات دنیوی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶ – ۲

۲ – بیرون آوردن بنی اسرائیل از محرومیت و فقر و قرار دادن امکانات دنیوی (سرزمین مستقل ، قدرت و مکنت) در اختیار آنان ، نمودی دیگر از امتنان الهی بر آنها

و نرید أن نمنّ . .. و نمکّن لهم فی الأرض

منشأ انحراف بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

- ۹،۱۱

۹ - بنی اسرائیل ، بر اثر پافشاری بر آزاررسانی به موسی (ع) ، از راه راست منحرف شدند .

لم تؤذوننی . .. فلمّا زاغوا

<زیغ> به معنای میل و انحراف است.

۱۱ - خداوند ، دل های بنی اسرائیل را بر اثر انحراف آنان از حق ، منحرف کرد .

فلمّا زاغوا أزاغ اللّه قلوبهم

منشأ برتری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۲ - ۱

۱- برتری یافتن بنی اسرائیل بر مردمان عصر خویش ، به اراده الهی

و لقد اخترنهم . .. علی العلمین

مراد از <عالمین> ممکن است مردم عصر بنی اسرائیل باشد.

منشأ برگزیدگی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۲ - ۳

۳- انتخاب بنی اسرائیل و بعثت موسی (ع) در میان آنان ، انتخابی عالمانه و آگاهانه از سوی خداوند

و لقد اخترنهم علی علم

متعلق <علم>، استحقاق و شایستگی بنی اسرائیل برای برگزیدن است.

منشأ پیروزی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۲

۲- پیروزی بنی اسرائیل بر دشمنان جنگجوی خویش با اراده خداوند پس از نخستین شکست

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۲

۲ - غلبه و پیروزی موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان بر فرعونیان ، نتیجه نصرت الهی بود .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

منشأ پیروزی مؤمنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف

- ۶۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - غلبه یافتن پیروان حضرت عیسی (ع) بر کافران بنی اسرائیل ، در نتیجه تأییدات و امداد های الهی

فأیّدنا الذین ءامنوا . .. فأصبحوا ظهرین

منشأ تداوم رهبری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵ - ۵

۵ - تعلق اراده الهی بر تداوم یافتن امامت و پیشوایی خلق ، در نسل بنی اسرائیل

و نجعلهم الورثین

ظاهراً <وراثت> در این آیه، مربوط به امامت و پیشوایی است; یعنی، <الوارثین للإمامه>. بنابراین ضمیر <هم> در <نجلهم> از باب استخدام بوده و به نسل بنی اسرائیل باز می گردد; یعنی، <و نجعل نسلهم الوارثین للإمامه>

منشأ حاکمیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۴

۴- تسلط و حاکمیت بنی اسرائیل با اذن الهی بر سرزمین مصر (یا شام) پس از هلاکت فرعون *

اسکنوا الأرض

برداشت فوق بدان احتمال است که مراد از <اسکنوا> استقرار و حاکمیت یافتن باشد که تا آن روز بنی اسرائیل فاقد آن بودند و مراد از <الأرض> سرزمین شام [و یا مصر]باشد.

منشأ حکومت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۱

۱ - اعطای کتاب آسمانی ، حکومت و نبوت به بنی اسرائیل از سوی خداوند

ءاتينا بنی إسرءيل الكتب و الحكم و النبوّه

منشأ حمایت از بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۲ - ۴

۴- قرار گرفتن بنی اسرائیل ، تحت حمایت ویژه

خداوند در عصر موسی ، براساس ملاک هایی متکی به علم الهی

و لقد اخترنهم علی علم

برگزیدن بنی اسرائیل ممکن است به رهایی یافتن آنان از ستم فرعونیان و وراثت آنان نظر داشته باشد; یعنی، ملت های زیادی تحت ستم بوده اند، ولی از آن میان، بنی اسرائیل از این حمایت الهی برخوردار شدند.

منشأ سلطه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۶

۶- سلطه مجدد بنی اسرائیل بر دشمنانشان پس از اولین شکست ، متکی بر توان اقتصادی و نیروی انسانی خدادادی است .

و أمددنکم بأمول و بنین

منشأ شکست کافران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - غلبه یافتن پیروان حضرت عیسی (ع) بر کافران بنی اسرائیل ، در نتیجه تأییدات و امداد های الهی

فأیّدنا الذین ءامنوا . .. فأصبحوا ظهرین

منشأ قدرت اقتصادی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۵

۵- تجدید توان اقتصادی و انسانی بنی اسرائیل با امداد الهی پس از اولین شکست

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم و أمددنکم بأمول و بنین

منشأ قدرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱

۱- بازگشت قدرت و توان بنی اسرائیل با اراده خداوند پس از نخستین شکست آنان

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم

<کرّه> در لغت به معنای بازگشت و دولت و نیز به معنای تجدید خلق پس از نابودی است. در هر حال، بازگشت قدرت و

توان، از آن قابل استفاده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶ – ۲

۲ – بیرون آوردن بنی اسرائیل از محرومیت و فقر و قرار دادن امکانات دنیوی (سرزمین مستقل ، قدرت و مکنت) در اختیار آنان ، نمودی دیگر از امتنان الهی بر آنها

و نرید أن نمنّ . .. و نمکّن لهم فی الأرض

منشأ کفر بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۱ – ۳۲

۳۲ – عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر کشتن پیامبران بود .

یکفرون بأیت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا> کفر به آیات خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذلک در <ذلک بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت <ذلت و ...> شمرده اند.

منشأ گرفتاری بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳۱ – ۱

۱– فرعون ، عامل اصلی گرفتاری های بنی اسرائیل در جامعه مصر

من العذاب المهین . من فرعون

منشأ گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - وجود ریشه های کفر در قوم موسی ، منشأ عشق ورزی آنان به پرستش گوساله شد .

و أشربوا فی قلوبهم العجل

منشأ نجات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۱ – ۲

۲ خداوند با بعثت موسی ، بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان و شکنجه های سهمگین آنان ر ها ساخت .

و إذ أنجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

در جمله <هو فضلکم> (او شما را برتری بخشید)، برتری دادن تنها به خداوند نسبت داده شده است، ولی در جمله دوم <أنجیناکم> (ما شما را نجات دادیم) نسبت نجات بخشی به ضمیر <نا> (یعنی ما) داده شده است. از این مقابله می توان فهمید که خداوند در نجات بخشی نظر به اسباب نیز دارد که به مناسبت، سبب آن بعثت حضرت موسی است. بنابراین <أنجیناکم> یعنی ما با بعثت موسی شما را نجات دادیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۶۵ – ۱

۱ – نجات یافتن موسی (ع) و همراهان وی (بنی اسرائیل) از شرّ فرعونیان ، با عبور از دریا به اراده الهی بود .

و أنجینا موسی و من معه أجمعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵ – ۲،۳

۲ – تعلق اراده الهی بر تغییر تحولات مصر به نفع بنی اسرائیل و رهانیدن آنان از استضعاف فرعون

و نرید أن نمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض

۳ – نجات از حکومت بسیار خشن و بی رحم فرعون ، امتنانی بزرگ و نعمتی گران سنگ از سوی خدا به بنی اسرائیل بود .

و نرید أن نمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض

<نمنّ> از ریشه <منّه> مشتق شده است و <منّه> به نعمت سنگین گفته می شود (مفردات

راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶ – ۱

۱ – تعلق اراده الهی بر اختصاص دادن نقطه ای از زمین (ارض مقدس) به بنی اسرائیل [زمان موسی و فرعون] در خارج از کشور مصر

و نمکّن لهم فی الأرض

<تمکین> از ریشه <مکان> و به معنای اسکان دادن است. بنابراین <نمکّن لهم فی الأرض>; یعنی، <نجعل لهم مکاناًیستقرون فیه>. گفتنی است <ارض مقدس> مکان و سرزمینی بود که خداوند برای بنی اسرائیل مقرر فرموده بود (ادخلوا الأرض المقدسه التی کتب اللّه لکم)، (مائده، آیه ۲۱).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳۰ – ۱

۱– نجات بنی اسرائیل از زندگی سخت و خفّت بار به اراده الهی

و لقد نجّینا بنی إسرءیل من العذاب المهین

منشأ نعمتهای بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶ – ۲

۲ – بیرون آوردن بنی اسرائیل از محرومیت و فقر و قرار دادن امکانات دنیوی (سرزمین مستقل ، قدرت و مکنت) در اختیار آنان ، نمودی دیگر از امتنان الهی بر آنها

و نرید أن نمنّ . .. و نمکّن لهم فی الأرض

منکرات در بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۹ – ۲،۷

۲ رواج فساد و منکرات در بین بنی اسرائیل

کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه

استمرار ترک نهی از منکر که از جمله <کانوا لایتناهون> به دست می آید، حکایت از استمرار و رواج کارهای ناشایست در بین بنی اسرائیل دارد.

۷

بنی اسرائیل مردمانی آلوده به منکرات و گستاخ در برابر منهیات و محرمات دین

کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه

بـدان احتمال که <لایتناهون> به معنای <لاینتهون> باشد یعنی بنی اسـرائیل دست از کار زشت بر نمی داشـتند و به نهیبها و هشدارها ترتیب اثر نمی دادند.

مواخذه اخروی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۷۸

۷- احضار دسته جمعی بنی اسرائیل در قیامت ، برای بازجویی از آنان درباره نعمت های خدادادی

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الأخره جئنا بکم لفیفًا

برداشت فوق بـدان احتمـال است که احضـار و حشـر جمعی بنی اسـرائیل در قیـامت به قرینه فراز پیش (اسـکنوا الأرض) از آن جهت باشد که آنان پاسخگوی نعمت بزرگ خدادادی (اسکنوا الأرض) باشند.

۸- احضار دسته جمعی بنی اسرائیل همراه با فرعونیان در قیامت برای مؤاخذه

جئنا بکم لفیفًا

بنابر اینکه مراد از <کم> بنی اسرائیل و نیز فرعونیان هلاک شده باشند، این برداشت به دست می آید.

موانع آزادی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۴

۴ - حاکمیت سرکوبگر فرعون ، مانع از آزادی مردم و روی آوردن موسی به هدایت آنان ، در مرحله نخست

ثمّ أرسلنا موسی . .. إلی فرعون و ملإیه

با توجه به این که در آیات پیشـین، وقتی سـخن از <انبیا> به میان می آمد، رسالت آنان به سوی توده های مردم مد نظر بود; ولی در مورد موسـی(ع) سـخن از رسالت او به سوی فرعون به میان آمده است، می توان گفت که حرکت حضـرت موسـی به

سوی فرعون،

بدان جهت بود که نظام فرعونی، مانع از آزادی مردم و گرایش آنان به موسی و به عبارت دیگر سدی میان او و مردم بوده است.

موسی(ع) از بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۷ - ۳

۳ - موسی و هارون ، از طایفه بنی اسرائیل بودند .

و قومهما لنا عبدون

موسی(ع) در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۲۶

۲۶ حضور حضرت موسی (ع) در میان بنی اسرائیل ، مانع تجاوز دشمنان

الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل من بعد موسی . .. و قد اُخرجنا من دیارنا

<من بعد موسی> می تواند اشاره باشد به اینکه تا آنگاه که موسی (ع) در میان بنی اسرائیل بود، آنان مورد تجاوز دشمنان قرار نگرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۱

۱۱ موسی (ع) در میان قومش از نفوذی فراوان برخوردار بود .

و أمر قومک یأخذوا

فعل <یأخذوا> چون در جواب امر واقع شده، به <إن> شرطیه مقدر مجزوم شده است. تقدیر جمله چنین است: <و أمر قومك إن تامرهم یأخذوا ... .> یعنی قومت را به فراگیری الواح فرمان ده که اگر فرمان دادی انجام خواهند داد. این معنا که <اگر فرمان دادی انجام خواهند داد>، نشان از نفوذ فراوان موسی دارد.

موسی(ع) و ارتداد بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۳

۳ موسی (ع

) در زمان مناجات با خدا و پیش از حضور در میان بنی اسرائیل ، از ارتداد و گوساله پرستی آنان آگاه شد .

و لما رجع موسی إلی قومه غضبن أسفاً

موسی(ع) و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۶،۲۱،۲۲

۱۶ - موسی (ع) مردمش را به خاطر تقاضای غذایی پست تر در مقابل از دست دادن غذایی بهتر ، سرزنش کرد .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

استفهام در <أتستبدلون> انکار توبیخی است. ضمیر در <قال> می تواند به <ربک> برگردد و می تواند به <موسی> ارجاع شود در برداشت فوق دومین احتمال لحاظ شده است.

۲۱ - موسی (ع) در پی تقاضای قومش (درخواست خوراکی های زمینی) از آنان خواست تا به یکی از شهر ها در آیند و شهرنشینی را انتخاب کنند .

قال أتستبدلون . .. اهبطوا مصراً فان لکم ما سألتم

چنانچه ضمیر در <قال> به <ربک> برگردد، جمله <اهبطوا . ..> سخن خداوند است و اگر به موسی (ع) ارجاع شود، آن جمله گفته موسی(ع) خواهد بود. برداشت فوق به لحاظ احتمال دوم است.

۲۲ - موسی (ع) با دور نگه داشتن قومش از سکونت در شهر ها ، اهداف بلندی را برای آنان در نظر داشت و آن را تعقیب می کرد .

اهبطوا مصراً فان لکم ما سألتم

جمله <اهبطوا مصراً . ..> (به یکی از شهرها در آیید، آنچه می خواستید در آن وجود دارد) بیانگر این است که: انتقال قوم موسی از بیابانها به شهر کاری سهل و آسان بوده است.

و نـاگزیر از بیابان گردی نبودنـد. بنابراین موسـی(ع) بیابان گردی را برای قومش انتخاب کرده بود و این معنا بـدیهی است که اگر پیامبران امری را برای قوم خویش انتخاب کنند - خصوصاً اگر مشکلاتی را هم به دنبال داشته باشد - در پی رساندن آنان به اهداف بلندی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۵

۵ - موسی (ع) مردم خویش را به انجام مأموریتشان (ذبح گاو میانسال) فرمان داد .

إنها بقره لافارض و لابکر عوان بین ذلک فافعلوا ما تؤمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۲

۲ دعوت بنی اسرائیل از سوی موسی (ع) به یادآوری نعمت های الهی بر آنان

و اذ قال موسی لقومه یقوم اذکروا نعمه اللّه علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۱،۸

۱ ورود به سرزمین مقدس و تصرف آن ، فرمان موسی (ع) به قوم خویش

یقوم ادخلوا الارض المقدسه

۸ موسی (ع) بر حذر دارنده قوم خویش از فرار و عقب نشینی به هنگام رویارویی با ساکنان سرزمین مقدس

و لاترتدوا علی ادبارکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۲،۷،۹،۱۲

۲ ناامیدی موسی (ع) از حرکت بنی اسرائیل و مبارزه با جباران برای ورود به سرزمین مقدس

قال رب انی لااملک الا نفسی و اخی

۷ جدایی موسی (ع) و برادرش هارون از بنی

اسرائیل ، درخواست و دعای موسی (ع) به پیشگاه پروردگار

فافرق بیننا و بین القوم الفسقین

۹ نفرین موسی (ع) بر قوم خویش با درخواست محروم شدن آنان از فیض وجود او و برادرش هارون

فافرق بیننا و بین القوم الفسقین

۱۲ تمرد و گناه بنی اسرائیل ، موجب نفرین موسی (ع) بر آنان

فافرق بیننا و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۲،۱۶

۱۲ پرهیز از تأسف و اندوه بر گناهکاران بنی اسرائیل ، فرمان خداوند به موسی (ع)

فلاتأس علی القوم الفسقین

۱۶ رأفت و مهربانی موسی (ع) نسبت به قوم خود ، علی رغم نافرمانی و گناه آنان

فلاتأس علی القوم الفسقین

<فلاتأس> از ماده <اسی> به معنای حزن و اندوه است. بر حذر داشتن موسی(ع) از تأسف بر بنی اسرائیل، دلالت بر وقوع تأسف و یا انتظار وقوع آن دارد و در هر حال، نشانه عطوفت موسی(ع) نسبت به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۵

۵ موسی (ع) در تعالیم خویش به بنی اسرائیل ، پندار مالکیت فرعون را بر زمین ، پنداری باطل و حاکمیت او را مقهور اراده خداوند خواند .

قال موسی لقومه . .. إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۵

۵ موسی (ع) در عین امیدواری به هلاکت فرعون و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل ،

نگران عدم ایجاد شرایط آن از سوی قوم خویش بوده است .

عسی ربکم أن یهلک عدوکم و یستخلفکم فی الأرض

کلمه <عسی> حکایت از آن دارد که موسی(ع) یقین به هلاکت فرعون و حاکمیت یافتن قومش نداشته است و شاید دغدغه خاطر او بدان جهت بود که وی اطمینان نداشت مردمش شرایطی را که برای پیروزی مطرح ساخته بود (استعینوا باللّه . ..) رعایت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۲ - ۴

۴ فرعونیان نیز همچون بنی اسرائیل در دایره رسالت موسی بودند .

مهما تأتنا به من ءایه لتسحرنا بها فما نحن لک بمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۹ - ۳

۳ موسی (ع) با تبیین فساد آیین بت پرستی ، بنی اسرائیل را که آرزومند آن آیین بودند ، بر جهلشان واقف ساخت .

قال إنکم قوم تجهلون. إن هؤلاء متبر ما هم فیه و بطل ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۵

۵ موسی (ع) تمایل قوم خویش را به بت پرستی ، ناسپاسی به نعمت های خداوند دانست .

أغیر اللّه أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۴

۴ موسی (ع) با تکیه بر لطف خداوند به بنی اسرائیل در نجات بخشی آنان از شکنجه فرعونیان ، لزوم پرستش خدای یگانه و پرهیز از گرایش به شرک را

به آنان گوشزد کرد .

قال أغير اللّه أبغيكم إلهاً . .. و إذ أنجينكم من ءال فرعون

برداشت فوق بر این اساس است که مفاهیم ذکر شده در آیه مورد بحث برگرفته از سخنان موسی باشد و مخاطبان اصلی آن همان مردمی باشند که پس از عبور از دریا به بت پرستی گرایش پیدا کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۱،۲،۸

۱ خداوند از موسی (ع) خواست تا گروهی از قومش را همراه خود به میعادگاه مناجات بیاورد .

و اختار موسی قومه سبعین رجلا لمیقتنا

۲ موسی (ع) از میان بنی اسرائیل هفتاد نفر را برای بردن به میعادگاه مناجات انتخاب کرد .

و اختار موسی قومه سبعین رجلا لمیقتنا

کلمه <سبعین> مفعول برای <اختار> می باشد و <قومه> به سبب حذف حرف جر، منصوب شده است ; یعنی <من قومه>. البته برخی <قومه> را مفعول و <سبعین> را بدل از آن گرفته اند.

۸ موسی (ع) اندوهناك از هلاکت برگزیدگانش در میعادگاه مناجات به دور از چشمان بنی اسرائیل

قال رب لو شئت أهلكتهم من قبل

جمله <لو شئت . .. > (اگر می خواستی من و ایشان را به هلاکت رسانی، پیش از حضور در میقات به هلاکت می رساندی) حکایت از تحسر و اندوه موسی(ع) بر از میان رفتن همراهانش دارد و قید <من قبل> می رساند که اندوه وی برخاسته از آن است که هلاکت آنان در میقات و به دور از چشمان بنی اسرائیل تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس

۱ - ۸۴ - ۱۰ -

۱ موسی (ع) ، نسبت به قوم خود ، رهبری مهربان و راهنمایی دلسوز بود .

و قال موسی یقوم

برداشت فوق از اضافه <قوم> به یای متکلم به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۶

۶- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، نعمت چشمگیر و به یاد ماندنی خداوند بر آنان بود .

إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم إذ أنجکم من ءال فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۷ - ۷

۷ - رسالت موسی (ع) ، فراتر از هدایت و رهبری بنی اسرائیل بود .

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

موسی(ع) و گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲

۲ موسی (ع) به هنگان بازگشت به سوی بنی اسرائیل از گمراه شدن قومش خشمگین و بسیار اندوهناک بود .

و لما رجع موسی إلی قومه غضبن أسفاً

<أسِف> به کسی گفته می شود که بسیار اندوهناک باشد. (برگرفته از لسان العرب).

موسی(ع) و مسکن بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱،۲

۱ خداوند ، از طریق وحی به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) به تهیه مسکن برای قوم خود اقدام کنند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً

برداشت فوق مبتنی

بر این است که اولاً <مصر> به معنای شهر مصر باشد ; چنان که به همین معنا در مفردات و لسان تصریح شده است. ثانیاً: جار و مجرور (بمصر) متعلق به <تبوءاً> باشد نه حال برای <قومکما>.

۲ موسی و هارون (ع) مأموریت یافتند تا برای آن دسته از بنی اسرائیل که ساکن شهر مصر بودند ، اقدام به تهیه مسکن نمایند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً

برداشت فوق بر این اساس است که <بمصر> متعلق به عامل مقدر و حال یا صفت برای <قوم> باشد ; یعنی: تبوئاً لقومکما کائنین یا الکائنین بمصر.

موعظه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ - اقدام قوم قارون (بنی اسرائیل) به نصیحت کردن و برحذر داشتن وی از شادمانی و غرور بی جا

إذ قال له قومه لاتفرح

موعظه ناپذیری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۸

۸ - بنی اسرائیل ، به رغم اندرز های موسی (ع) ، از اذیت و آزار آن حضرت دست برنداشتند .

یقوم لم تؤذوننی . .. فلمّا زاغوا

جمله <فلمّا زاغوا> بیانگر آن است که بنی اسرائیل، به جای پذیرش نصیحت های موسی(ع)، بر اذیت های خویش نسبت به آن حضرت پای فشردند.

موقعیت اجتماعی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۳

۳ - بنی اسرائیل ، دارای موقعیت و نقشی بارز در جامعه عصر بعثت پیامبر (

ص)

إنّ هذا القرءان يقصّ على بنى إسرءيل أكثر الذى هم فيه يختلفون

از اين كه خداوند بنى اسرائيل را اختصاص به ذكر كرده است، موقعيت و نقش آنان در جامعه عصر بعثت استفاده مى شود.

مؤمنان بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۴

۱۴ مؤمنان بنى اسرائيل (اهل پذيرش حق) ، پذيراى صندوق معهود ، به عنوان نشانه اى بر حقانيّت طالوت در زمامدارى

انّ فى ذلك لايه لكم ان كنتم مؤمنين

<ايمان> در آيه شريفه به معناى ايمان به خداوند و رسول و در مقابل كفر نيست; چون مخاطبين آيه از اهل ايمانند; بلكه به معناى لغوى آن است; يعنى آنانكه اهل باور و پذيراى حق هستند، مقابل كسانى كه روحى لجوج و قلبى پيوسته ناباور دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۲

۲ وجود يارانى خداترس و داراى حس مسؤوليت در ميان قوم موسى (ع)

قال رجلان من الذين يخافون . .. ادخلوا عليهم الباب

برداشت فوق بر اين اساس است كه مفعول محذوف <يخافون>، <اللّه> باشد، يعنى <يخافون اللّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۳

۳ گروهى از بنى اسرائيل پايبند به احكام الهى و بر حذر از ايجاد روابط ولايى و دوستى با كافران مشرك

ترى كثيراً منهم يتولون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۳

۳ مؤمنان و گرویدگان به موسی (ع) ، همگی از

قشر جوان بنی اسرائیل بودند .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه

<ذریه> به معنـای <ابناء و أولاد> به کار می رود، با توجه به جو وحشت و ارعاب که فرعون در میان بنی اسـرائیل به وجود آورده بود و معمولا در چنین شـرایطی پیران به حکم مصـلحت اندیشـی کنار می کشـند، می توان گفت که مراد از <ذریه>، جوانان بنی اسرائیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل ، در پذیرش رسالت عیسی (ع) و پیروی از آن حضرت ، دو دسته شدند : دسته ای مؤمن و گروهی کافر .

فامنت طائفه من بنی إسرءیل و کفرت طائفه

مهمترین نعمت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، مهم ترین و برجسته ترین نعمت و احسان خداوند به ایشان بود .

و لقد مننّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که نجات موسـی و هارون(علیهماالسلام) از اندوه بزرگ بخشی از نعمت های الهی به ایشان بود; ولی در عین حال به طور جداگانه ذکر شده است.

ناامنی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵ - ۸

۸- در امـان نبودن بنی اسـرائیل حتی در زوایـای خانه های خود ، به دنبال فسادانگیزی و تعقیب قرار گرفتنشان از سوی مردانی جنگاور

فجاسوا خلل الدیار

نابودی آثار باستانی

بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۱۴

۱۴- نابودی و تخریب کامل آثار و تمدن بنی اسرائیل ، با دومین هجوم نیرو های توانمند و جنگاور

و لیتبّروا ما علوًّا تتبیرًا

نابودی تمدن بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۱۴

۱۴- نابودی و تخریب کامل آثار و تمدن بنی اسرائیل ، با دومین هجوم نیرو های توانمند و جنگاور

و لیتبّروا ما علوًّا تتبیرًا

ناخشنودی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱

۱ - بنی اسرائیل ، از بسنده کردن به < منّ > و < سلوی > ناخشنود بوده ، و از اکتفا کردن به آن اظهار ناشکیبایی می کردند .

لن نصبر علی طعام وحد

مراد از <طعام واحد> به قرینه آیه ۵۷ <من> و <سلوی> می باشد.

نافرمانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۲۰

۲۰ نافرمانی اکثر بنی اسرائیل زمان طالوت از دستور خداوند به پیکار در راه او ، علی رغم پیشنهاد و درخواست آنان برای پیکار

اذ قالوا لنبی . .. فلما کُتب علیهم القتال تولّوا

ظاهراً فاعل محذوف از جمله <کتب علیهم>، اللّه است که به جهت تعظیم حذف شده.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۷ – ۷،۲۲

۷ فقدان روحیه تسلیم در برابر دستورات الهی ، در میان بزرگان بنی اسرائیل

ان اللّه قد بعث . .. و نحن احقّ

بالملك منه

۲۲ نبودن طالوت از خاندان نبوت و پادشاهی ، منشأ اعتراض بزرگان (ملأ) بنی اسرائیل به برگزیدگی وی از جانب خداوند

قالوا انی یکون له الملك علینا

امام باقر (ع) درباره آیه <انّ اللّه قد بعث . .. > فرمود: لم یکن من سبط النبوه و لا من سبط المملکه ...

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

نبوت در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۱

۱ - اعطای کتاب آسمانی ، حکومت و نبوت به بنی اسرائیل از سوی خداوند

ءاتینا بنی إسرءیل الکتب و الحکم و النبوّه

نجات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۲،۹،۱۱،۱۲

۲ - خداوند با بعثت موسی (ع) ، بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان و شکنجه های سهمگین آنها ر ها ساخت .

و إذ نجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوءالعذاب

در جمله <أنعمت علیکم> و <أنی فضلتکم> نعمت دادن و برتری بخشیدن به خداوند نسبت داده شده; ولی در جمله <نجیناکم> (ما شما را نجات دادیم) نجات بخشی به ضمیر <نا> (ما) نسبت داده شده است. از این مقابله می توان فهمید که خداوند در نجات بخشی، نظر به سببهایی نیز دارد که به قرینه آیات بعد می توان گفت: آن سبب بعثت حضرت موسی (ع) بوده است.

۹ - در صورتی که خداوند بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان نجات نمی داد ، آنان همچنان به شکنجه و کشتار فرزندانشان

ادامه می دادند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون

ابناءکم و یستحیون نساءکم

برداشت فوق از فعلهای مضارع <یسومون> و <یذبحون> و <یستحیون> استفاده شده است.

۱۱ - خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل از شکنجه های سخت فرعونی ، آنان را مورد آزمون بزرگی قرار داد .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب - که از <نجیناکم> استفاده می شود - باشد.

۱۲ - نجات از شکنجه فرعونیان ، از نعمت های بزرگ خداوند برای بنی اسرائیل

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

در برداشت فوق <بلاء> به معنای نعمت و <ذلکم> اشاره به رهاسازی از عذاب، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۳،۴،۱۳

۳ - بنی اسرائیل ، با عبور از دریا نجات یافتند و فرعونیان در آب دریا غرق شدند .

فأنجینکم و أغرقنا ءال فرعون

۴ - خداوند ، نجات بخش بنی اسرائیل و هلاک کننده فرعونیان

فأنجینکم و أغرقنا ءال فرعون

۱۳ - خاطره نجات بنی اسرائیل و هلاکت خاندان فرعون با شکافته شدن دریا ، خاطره ای عبرت آموز و شایسته و بایسته به یاد داشتن

و إذ فرقنا بکم البحر . .. و أنتم تنظرون

<إذ فرقنا> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است. بنابراین <إذ فرقنا> نیز مفعول برای <أذکروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۱،۱۰

۱ - خداوند ، پس از نجات بنی اسرائیل از سیطره فرعونیان ، موسی (ع) را برای عبادت و مناجاتی خاص فرا خواند .

و إذ وعدنا موسی أربعین

ليله

به کارگیری کلمه <ليله> (شب) - با وجود اينکه معمولا در بيان شبانه روز و مانند آن، از کلمه <يوم> (روز) استفاده می شود - اشاره به اين معنا دارد که: وعده خدا با موسی (ع) برای عبادت و مناجات بوده است. از آن جا که موسی (ع) در ميان بنی اسرائيل نيز اعمال عبادی داشته، معلوم می شود آن دعوت برای عبادت و مناجاتی خاص بوده است.

۱۰ - گرايش بنی اسرائيل به گوساله پرستی ، پس از عبورشان از دريا و نجات يافتن از سيطره فرعونيان بود .

و إذ فرقنا بکم البحر . .. و إذ وعدنا ... ثم اتخذتم العجل من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱،۲،۵

۱ - قوم موسی پس از نجات از سلطه فرعونيان و گذر از دريا ، در بيابان ها به گرمای سوزان خورشيد گرفتار شدند .

و ظللنا عليکم الغمام

<تظليل> مصدر <ظللنا> - که به معنای سايه قرار دادن می باشد - گويای اين است که: قوم موسی پس از گذشتن از دريا، در جايی که سقف و دارای سايه بانی باشد سکونت نکردند و لذا کلمه <بيابانها> در برداشت آورده شد.

۲ - خداوند ، با سايه گستر ساختن ابر ها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشيد رهايی بخشيد .

و ظللنا عليکم الغمام

غمامه به معنای ابر و جمع آن غمام است (لسان العرب). برخی از اهل لغت بر آنند که غمامه به معنای ابر سفيد می باشد.

۵ - نزول < منّ > و < سلوی > بر بنی اسرائيل و نجاتشان از حرارت شديد

خورشید با ابر های سایه گستر ، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود .

ثم بعثنکم . .. و ظللنا علیکم الغمام

عطف جمله <ظللنا . ..> بر <بعثناکم ...> اقتضا می کند که گفته شود: داستان سایه گستر شدن ابرها و نزول <منّ> و <سلوی> پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱

۱ - قوم موسی ، پس از نجات از سیطره فرعون و گذر از دریا ، در سرزمینی به دور از آب حرکت می کردند و کمبود شدید آب مبتلا بودند .

و إذاستسقی موسی لقومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۹،۱۰

۹ موسی (ع) در راستای رهاسازی بنی اسرائیل از فرعون خواست تا از مهاجرت آنان با وی جلوگیری نکند .

فأرسل معی بنی إسراءیل

۱۰ رهاسازی بنی اسرائیل از نظام فاسد فرعونی ، از وظایف الهی موسی (ع)

فأرسل معی بنی إسراءیل

تفریع جمله <فأرسل . .. > بر <إنی رسول ... > حکایت از آن دارد که رهایی بنی اسرائیل از رسالتهای الهی موسی بوده است. یعنی به امر خداوند موظف به انجام این کار بود، نه به تصمیم شخصی خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۱

۱ به قدرت رساندن بنی اسرائیل برای برچیدن نظام فرعونی ، تحلیل اشراف دربار از پیشنهاد موسی (رهاسازی بنی اسرائیل)

فأرسل معی بنی إسراءیل . .. یرید أن یخرجکم من أرضکم

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ فرعونیان با موسی (ع) پیمان بستند و سوگند یاد کردند که در صورت برطرف ساختن عذاب شدید از آنان ، به وی ایمان آورند و بنی اسرائیل را آزاد سازند .

لئن کشفت عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی إسراءیل

۱۱ فرعونیان پس از وقوع هر یک از عذاب های پنجگانه (طوفان . . .) با موسی پیمان بستند که در صورت برطرف ساختن آن ، به وی ایمان آورند و بنی اسرائیل را آزاد کنند .

لئن کشفت عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی إسراءیل

برداشت فوق بر این اساس است که <ال> در <الرجز> عهد ذکری باشد. در این صورت <الرجز> اشاره به عذابهای پنجگانه در آیه قبل است.

۱۲ ایمان به رسالت موسی و آزادی بنی اسرائیل ، از مهمترین خواسته های موسی (ع) از فرعونیان

لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی إسراءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۵ - ۸

۸ فرعونیان ، علی رغم پیمان مؤکدشان با موسی (ع) (تصدیق رسالت او و آزادسازی بنی اسرائیل پس از برطرف شدن عذاب) ، حتی لحظه ای به وی ایمان نیاوردند و بنی اسرائیل را آزاد نکردند .

فلما کشفنا عنهم الرجز . .. إذا هم ینکثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۶ - ۳

۳ فرعونیان به دلیل شکستن پیمانشان با موسی (ع) (

ایمان به وی و آزادسازی بنی اسرائیل) سزاوار انتقام الهی و غرق شدن در دریا گشتند .

إذا هم ینکثون. فانتقمنا منهم

تفریع جمله <فانتقمنا> بر جمله <إذا هم ینکثون> به وسیله حرف <فاء> می رساند که پیمان شکنی فرعونیان در انتقام الهی از آنان دخیل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۳،۴،۱۱،۱۲

۳ نجات از سیطره فرعونیان و عذاب های ایشان ، خاطره ای برای بنی اسرائیل و شایسته همواره به یاد داشتن

و إذ أنجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

<إذ> مفعولٌ به برای فعل مقدّر <اذکروا> است.

۴ موسی (ع) با تکیه بر لطف خداوند به بنی اسرائیل در نجات بخشی آنان از شکنجه فرعونیان ، لزوم پرستش خدای یگانه و پرهیز از گرایش به شرک را به آنان گوشزد کرد .

قال أغیر اللّه أبغیکم إلهاً . .. و إذ أنجینکم من ءال فرعون

برداشت فوق بر این اساس است که مفاهیم ذکر شده در آیه مورد بحث برگرفته از سخنان موسی باشد و مخاطبان اصلی آن همان مردمی باشند که پس از عبور از دریا به بت پرستی گرایش پیدا کردند.

۱۱ خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل عصر موسی از شکنجه های سخت فرعونی ، آنان را مورد آزمایشی سنگین قرار داد .

و إذ أنجینکم . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب باشد.

۱۲ نجات از شکنجه فرعونیان ، از نعمت های بزرگ خداوند برای بنی اسرائیل

و إذ أنجینکم . ..

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

در برداشت فوق <بلاء> به معنای نعمت و <ذلکم> اشاره به رهاسازی از عذاب که از <أنجیناکم> استفاده می شود گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ خداوند به موسی (ع) فرمان داد تا رهایی بنی اسرائیل از چنگال فرعون را به آنان بشارت دهد .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین . .. و بشّر المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۱

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را در حالی که در معرض هجوم فرعون و سپاهیانش قرار داشتند ، از دریا عبور داد .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر فأتبعهم فرعون و جنوده بغیاً و عدواً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۵،۷،۹،۱۸

۵- موسی (ع) از قومش درخواست کرد که همواره به خاطر داشته باشند که خداوند عامل رهایی آنان از شکنجه و کشتار فرعونیان بود .

إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم إذ أنجکم من ءال فرعون

۷- نجات از نظام اجتماعی ظالمانه ، نعمتی الهی و شایسته به خاطر سپردن است .

اذکروا نعمه الله علیکم إذ أنجکم من ءال فرعون یسومونکم

۹- اطرافیان و خاندان فرعون ، مردمی ظالم و شکنجه گر بودند .

إذ أنجکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

۱۸- آزمایش بندگان ، جلوه ربوبیت الهی نسبت به آنان است .

و فی ذلکم بلاء من ربّکم عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹

- ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۷

۷- رهایی بنی اسرائیل از ظلم و ستم فرعونیان ، نعمتی بزرگ برای آنان و شایسته شکرگزاری

إذ أنجکم من ءال فرعون . .. و إذ تأذّن ربّکم لئن شکرتم لأزیدنّکم

عبارت <إذ تـأذّن ربکم> ادامه کلام موسـی(ع) است که نجات بنی اسـرائیل از چنگال فرعونیان را به آنان یادآوری کرد. با این کلام، موسی(ع) به طور تلویحی به بنی اسرائیل متذکر شده که نجات آنان، نعمت خدادادی و مستلزم شکرگزاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۴

۴ - نجات بنی اسـرائیل از شـکنجه و آزار فرعونیان و بیرون آوردن آنان از محـدوده حکومت فرعون ، از اهـداف مهم رسالت موسی و هارون (ع) بود .

فقولا إنّا رسولا ربّک فأرسل معنا بنی إسرءیل و لاتعذّبهم

<فا> در <فأرسل> تفریع بر <إنّا رسولا ربّک> است و می رساند که کوچ دادن بنی اسـرائیل، از رسالت های الهی موسی و هارون(ع) بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۲،۷،۹

۲ - خداوند ، بنی اسرائیل را از خطر فرعون رهانید و آنان را از اسارت او نجات داد .

فأتبعهم فرعون . .. یبنی اسرءیل قد أنجینکم من عدوّکم

۷ - نزول < منّ و سلوی > بر بنی اسرائیل ، پس از نجات آنان از چنگال فرعون و استقرار آنها در بیابان بوده است .

قد أنجینکم . .. وعدنکم ... و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

نزول <منّ و سلوی>، نشان عاری بودن منطقه از مواد غذایی متداول و بیابانی بودن محیط استقرار آنها

است.

۹ – نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

یبنی اسرءیل قد أنجینکم . .. و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۷ – ۲

۲ – موسی و هارون (ع) ، مأمور هجرت از سرزمین مصر به همراه بنی اسرائیل

أن أرسل معنا بنی إسرءیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۶۳ – ۳

۳ – شکافته شدن دریا با ضربت عصای موسی و باز شدن راه نجات برای بنی اسرائیل

أن اضرب بعصاک البحر فانفلق

<انفلاق> (مصدر <انفلق>) به معنای شکافته شدن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶ – ۲

۲ – بیرون آوردن بنی اسرائیل از محرومیت و فقر و قرار دادن امکانات دنیوی (سرزمین مستقل ، قدرت و مکنت) در اختیار آنان ، نمودی دیگر از امتنان الهی بر آنها

و نرید أن نمنّ . .. و نمکّن لهم فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۵ – ۱

۱ – موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۸ – ۴

۴- آزادسازی بنی اسرائیل و ترک بهره

کشی ظالمانه از آنان ، یکی از محور های آزمایش الهی برای فرعونیان

و لقد فتنّا قبلهم قوم فرعون . .. أن أدّوا إلیّ عباد اللّه

از ارتباط <أن أدّوا> با <و لقد فتنّا>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۴ - ۳

۳- اطمینان بخشی خداوند به موسی (ع) و بنی اسرائیل ، در به سلامت عبور کردن آنان از دریا و غرق شدن فرعونیان

و اترک البحر رهوًا إنّهم جند مغرقون

هر چند عبارت <واترک . ..> معنای فرمان را در خود نهفته دارد; اما قرین شدن <رهوًا> می نمایاند که خداوند با بیان این صفت، در صدد اطمینان بخشی و ایجاد آرامش در روح موسی(ع) و اطرافیان آن حضرت بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۷

۷- بیان هلاکت فرعونیان و نجات بنی اسرائیل از سوی خداوند ، پیامدار تهدید برای مشرکان و نویدی برای پیامبر (ص) و مؤمنان

و لقد نجّینا بنی إسرءیل . .. بلؤا مبین

با توجه به این که آیات گذشته، در زمینه رویارویی مشرکان و مؤمنان بود; طرح سرگذشت فرعونیان و بنی اسرائیل، پیامدار مطلب یاد شده است.

نجات بنی اسرائیل از گرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۷

۱۷ خداوند با سایه گستر ساختن ابر ها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

و ظلّلنا علیهم الغمم

<غمامه> به معنای ابر و جمع آن غمام است. (لسان العرب). برخی از اهل لغت

برآنند که غمام به معنای ابر سفید است. <تظليل> (مصدر ظلّلنا) به معنای سایه قرار دادن است.

نزاع بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۱

۱ - شخصی از قوم موسی به قتل رسید و هر طایفه ، دیگری را متهم به کشتن او کرده بر سر آن به نزاع پرداختند .

و إذ قتلتم نفساً فادرءتم فيها

<ادارءتم> به معنای اختلاف و نزاع کردید، می باشد. این کلمه از باب تفاعل و در اصل <تدارءتم> بوده است. نزاع و اختلاف در مقتول (ادارءتم فيها) به معنای متهم کردن یکدیگر به قتل، و بر سر آن نزاع کردن است.

نزول بلدرچین بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۳

۳ - خداوند ، برای تغذیه قوم موسی - به هنگام عبورشان از صحرا - برای آنان < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) فرو فرستاد .

و أنزلنا عليكم المنّ و السلوى

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز به شربتی شیرین، همانند عسل معنا شده است و در معنای <سلوی> گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی نیز گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۶

۶ - خداوند ، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع) ، خوردنی های < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) نازل کرد .

و نزّلنا عليكم المنّ

والسلوی

<منّ> قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. <سلوی>، پرنده ای است شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

نزول ترنجبین بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۳

۳ - خداوند ، برای تغذیه قوم موسی - به هنگام عبورشان از صحرا - برای آنان < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) فرو فرستاد .

و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز به شربتی شیرین، همانند عسل معنا شده است و در معنای <سلوی> گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی نیز گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۶

۶ - خداوند ، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع) ، خوردنی های < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) نازل کرد .

و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

<منّ> قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران

آن را ترنجبین معنا کرده انـد. <سـلوی>، پرنده ای است شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سـریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

نزول سلوی بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۳،۵،۶

۳ - خداونـد ، برای تغـذیه قـوم موسـی - بـه هنگـام عبورشـان از صـحرا - برای آنـان < منّ > (ترنجـبین) و < سـلوی > (بلدرچین) فرو فرستاد .

و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز به شـربتی شـیرین، هماننـد عسل معنا شـده است و در معنای <سـلوی> گفته شـده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی نیز گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

۵ - نزول < منّ > و < سـلوی > بر بنی اسـرائیل و نجاتشان از حرارت شدید خورشـید با ابر های سایه گستر ، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود .

ثم بعثنکم . .. و ظللنا علیکم الغمام

عطف جمله <ظللنـا . ..> بر <بعثنـاکم ...> اقتضـا می کنـد که گفته شود: داسـتان سایه گستر شـدن ابرها و نزول <منّ> و <سلوی> پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

۶ - قرار دادن ابر های سایه گستر و نازل کردن < منّ > و < سلوی > از معجزات ارائه شده به قوم موسی

و ظللنا علیکم الغمام و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۶،۷،۸

- خداوند ، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع) ، خوردنی های < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) نازل کرد .

و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

<منّ> قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. <سلوی>، پرنده ای است شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

۷ - نزول < منّ و سلوی > بر بنی اسرائیل ، پس از نجات آنان از چنگال فرعون و استقرار آنها در بیابان بوده است .

قد أنجینکم . .. وعدنکم ... و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

نزول <منّ و سلوی>، نشان عاری بودن منطقه از مواد غذایی متداول و بیابانی بودن محیط استقرار آنها است.

۸ - نزول < منّ و سلوی > ، از معجزات ارائه شده به قوم موسی (ع)

و نزّلنا

اختصاص یافتن <منّ و سلوی> از بین خوراکی ها و یادآوری نزول آن بر بنی اسرائیل، نشان از غیر عادی بودن نزول آن دو دارد.

نزول منّ بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۳،۵،۶،۲۲

۳ - خداوند ، برای تغذیه قوم موسی - به هنگام عبورشان از صحرا - برای آنان < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) فرو فرستاد

.

و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز به شربتی شیرین، همانند عسل معنا شده است و در معنای <سلوی> گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی نیز گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

۵ - نزول < منّ > و < سلوی > بر بنی اسرائیل و نجاتشان از حرارت شدید خورشید با ابر های سایه گستر ، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود .

ثم بعثنکم . .. و ظللنا علیکم الغمام

عطف جمله <ظللنا . ..> بر <بعثناکم ...> اقتضا می کند که گفته شود: داستان سایه گستر شدن ابرها و نزول <منّ> و <سلوی> پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

۶ - قرار دادن ابر های سایه گستر و نازل کردن < منّ > و < سلوی > از معجزات ارائه شده به قوم موسی

و ظللنا علیکم الغمام و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

۲۲ - از امام صادق (ع) روایت شده که : < کان ینزل المنّ علی بنی اسرائیل من بعد الفجر إلی طلوع الشمس . . . ;

<منّ> بر بنی اسرائیل بعد از سپیده صبح تا طلوع خورشید نازل می شد . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۶،۷،۸

۶ - خداوند ، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع) ، خوردنی های < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) نازل کرد .

و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

<منّ> قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می

نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. <سلوی>، پرنده ای است شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

۷ - نزول < منّ و سلوی > بر بنی اسرائیل ، پس از نجات آنان از چنگال فرعون و استقرار آنها در بیابان بوده است .

قد أنجینکم . .. وعدنکم ... و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

نزول <منّ و سلوی>، نشان عاری بودن منطقه از مواد غذایی متداول و بیابانی بودن محیط استقرار آنها است.

۸ - نزول < منّ و سلوی > ، از معجزات ارائه شده به قوم موسی (ع)

و نزّلنا

اختصاص یافتن <منّ و سلوی> از بین خوراکی ها و یادآوری نزول آن بر بنی اسرائیل، نشان از غیر عادی بودن نزول آن دو دارد.

نژاد بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۳

۳ انتساب بنی اسرائیلیان به هر یک از فرزندان یعقوب ، اساس گروه بندی آنان

و قطّعنهم اثنتی عشره أسباطا أمما

<اسباط> در لغت به معنای نوادگان است. به کارگیری این واژه برای تیره های دوازده گانه بنی اسرائیل اشاره به این دارد که اساس این قبایل که همگان نواده های یعقوب (اسرائیل) هستند دوازده فرزند او می باشند.

نژادپرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۵

۵

بنی اسرائیل ، مردمی مغرور به نژاد و دین خویش

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و حسبوا الا تکون فتنه

بسیاری از مفسران برآنند که ریشه اعتقاد بنی اسرائیل (رهایی از آزمون و مجازات الهی) این بوده که آنان از نسل اسرائیل هستند و به یهودیت و یا نصرانیت منتسب می باشند. آیه ۶۹ که مجرد انتساب به دین را کارساز در سعادت نمی دانست، می تواند اشاره به این نظریه داشته باشد.

نصرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ناصر و یاور موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان در مبارزه با فرعونیان

و نصرنهم

نظام جزایی در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۶

۶ < عن علی بن موسی الرضا (ع) : کانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد . .. پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود]>.

نعمتهای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۱،۲ - ۴۰

۱ - خداوند ، بنی اسرائیل را از نعمت های گرانقدر بهره مند ساخت .

یبنی إسرائیل اذکروا نعمتی التی أنعمت علیکم

کلمه <أنعمت> به صورت مفرد آمده است. مراد از آن می تواند نعمتی خاص و ویژه، همانند بعثت موسی (ع) باشد و می تواند جنس نعمت باشد و شامل نعمتهای متعددی که در آیات ۴۷ به بعد یادآوری شده است، باشد. اضافه <نعمت> به <یاء> متکم برای رساندن عظمت و شرافت آن نعمت و یا نعمتهاست.

۲ - خداوند از بنی اسرائیل خواست تا نعمت های او را همواره به خاطر داشته باشند .

یبنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی أنعمت علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۱،۳،۹

۱ - بنی اسرائیل از نعمت هایِ گرانقدری برخوردار بودند .

یبنی إسرائیل اذکروا نعمتی

۳ - خداوند از بنی اسرائیل خواست تا نعمت های او را یاد کنند و همواره آنها را به خاطر داشته باشند .

یبنی إسرائیل اذکروا نعمتی

۹ - به خاطر داشتن نعمت برتری بنی اسرائیل بر همگان ، سفارش و توصیه خداوند به آنان

اذکروا نعمتی . .. أنی فضلتکم علی العلمین

عطف <أنی فضلتکم> بر <نعمتی> اقتضا می کند که: <أنی فضلتکم> نیز مفعول <اذکروا> باشد; یعنی: اذکروا . .. أنی فضلتکم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱۲

۱۲ - نجات از شکنجه فرعونیان ، از نعمت های بزرگ خداوند برای بنی اسرائیل

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

در برداشت فوق <بلاء> به معنای نعمت و <ذلکم> اشاره به رهاسازی از عذاب، گرفته شده است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۱۱

۱۱ - تماشای نابودی فرعونیان از نعمت های خداوند به بنی اسرائیل

و إذ فرقنا بکم البحر . .. و أغرقنا ءال فرعون و أنتم تنظرون

چون آیات مورد بحث در صدد بیان نعمتهایی است که خداوند به بنی اسرائیل ارزانی داشته بود، می توان گفت: مفاد جمله <و أنتم تنظرون> نیز به منظور بیان نعمت، آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۴

۴ - آمرزش گناه ارتداد و گوساله پرستی بنی اسرائیل ، از نعمت های بزرگ خداوند بر آنان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

چون آیه های این بخش از سوره، در صدد بیان نعمتهای الهی به بنی اسرائیل است، مفاد جمله <عفونا عنکم> نیز به منظور بیان نعمت ایراد شده است و از آن جا که این معنا با حرف <ثم> به دیگر نعمتها عطف گردیده، اشاره به رتبه برتر نعمت آمرزش نسبت به نعمتهای دیگر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۵

۵ - تورات عطا شده به موسی (ع) از نعمت های خداوند به بنی اسرائیل

و إذ ءاتینا موسی الکتب و الفرقان

با توجه به آیه ۴۷ معلوم می شود: این بخش از آیات در صدد بیان نعمتهای گرانقدری است که خداوند به بنی اسرائیل عطا فرموده است. بنابراین عطای تورات و فرقان نیز در آیه مورد بحث، به عنوان یک نعمت بزرگ مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ -

بقره - ۲ - ۵۴ - ۲۰

۲۰ - پذیرش توبه گوساله پرستان بنی اسرائیل ، از نعمت های خداوند به آنان

و إذ قال موسی . .. فتاب علیکم

آیه های این بخش از سوره چنانچه از مطلع آن (یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی . ..) به دست می آید، در صدد بیان نعمتهایی است که خداوند به بنی اسرائیل ارزانی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۳

۳ - زنده شدن قوم موسی پس از هلاکتشان با صاعقه ، از نعمت های خداوند به آنان

اذکروا نعمتی التی أنعمت . .. ثم بعثنکم من بعد موتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۳،۱۰،۲۱،۲۲

۳ - خداوند ، برای تغذیه قوم موسی - به هنگام عبورشان از صحرا - برای آنان < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) فرو فرستاد .

و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز به شربتی شیرین، همانند عسل معنا شده است و در معنای <سلوی> گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی نیز گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

۱۰ - دسترسی قوم موسی به غذا های طیب و غیر طیب (حلال و حرام) در پی عبورشان از دریا و دوران صحراگردی

کلوا من طیبت ما رزقنکم

آوردن کلمه <طیبات> و اضافه کردن آن به <ما رزقناکم> بیانگر برداشت فوق است.

۲۱ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) . . . قد أخبر اللّه فی کتابه حیث یقول

: < و ظللنا عليكم الغمام و أنزلنا عليكم المنّ و السلوى > فهذا بعد الموت إذ بعثهم ;

از اميرالمؤمنين (ع) درباره <و ظللنا عليكم الغمام و أنزلنا عليكم المنّ و السلوى> روايت شده كه: اين <نعمتها> بعد از آن بود كه خدا آنان را پس از مرگشان زنده كرد>.

۲۲ - از امام صادق (ع) روايت شده كه : < كان ينزل المنّ على بنى اسرائيل من بعد الفجر إلى طلوع الشمس . . . ;

<منّ> بر بنى اسرائيل بعد از سپيده صبح تا طلوع خورشيد نازل مى شد . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۵

۵ - تهيه خوراكى ها از هر ناحيه بيت المقدس ، براى بنى اسرائيل حلال و مباح بود .

فكلوا منها حيث شئتم رغداً

<حيث شئتم> (هر كجا خواستيد) دلالت بر آن دارد كه محدوده مكانى براى بهره بردارى از نعمتهاى بيت المقدس تعيين نشده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۲ - ۱،۸،۹

۱ - خداوند ، درگذشته بنى اسرائيل را از نعمت هاى گرانقدر بهره مند ساخته بود .

يبنى إسرءيل اذكروا نعمتى التى أنعمت عليكم

كلمه <نعمت> به صورت مفرد آمده است; مراد از آن مى تواند نعمتى خاص همانند بعثت موسى(ع) باشد و مى تواند مراد از آن جنس نعمت باشد كه در اين صورت شامل نعمتهاى متعددى است كه خداوند به بنى اسرائيل ارزانى داشته بود. نسبت دادن نعمت به خداوند با اضافه كلمه <نعمت> به <ياء> متكلم، حاكى از شرافت آن نعمت و يا نعمتهاست.

۸ -

برتری بنی اسرائیل بر همه مردم ، از نعمت های گران سنگ الهی بر بنی اسرائیل

اذکروا نعمتی التی أنعمت علیکم و أنّی فضلتکم علی العلمین

برداشت فوق مبتنی بر این است که عطف <أنّی فضلتکم> بر <نعمتی> عطف خاص بر عام و یا عطف تفسیری باشد.

۹ - بنی اسرائیل ، در صورت یادآوری نعمت های گران سنگ الهی و بررسی علت های فضیلتشان در اعصار گذشته ، زمینه های ایمان به پیامبر (ص) را در خویش ، شکوفا خواهند کرد .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون. یبنی إسرءیل اذکروا نعمتی

به نظر می رسد توصیه به یادآوری نعمتهای خدادادی، پس از بیان خطر کفرورزی به پیامبر(ص) و قرآن، ارائه رهنمودی باشد برای ایجاد زمینه ایمان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۱

۱ حلّیت همه خوردنی ها بر بنی اسرائیل ، قبل از نزول تورات

کُلُّ الطعام کان حلا لبنی اسرائیل . .. من قبل ان تنزّل التوریه

<من قبل>، متعلق است به <کان حلا> و استثنای در <الا ما حرم . .. > منقطع می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۴،۵،۸،۱۰،۱۳،۱۴،۱۵

۴ بنی اسرائیل ، برخوردار از نعمت پیامبرانی متعدد پیش از موسی (ع)

اذ جعل فیکم انبیاء

۵ بعثت پیامبرانی در میان بنی اسرائیل ، از نعمت های بزرگ خداوند برای آنان

اذکروا نعمه اللّه علیکم اذ جعل فیکم انبیاء

۸ حکومت و فرمانروایی بنی اسرائیل ، نعمتی الهی بر آنان

اذکروا نعمه اللّه علیکم . .. و جعلکم ملوکاً

قوم موسی (ع) و خارج شدنشان از بردگی فرعونیان ، از نعمت های بزرگ خداوند بر آنان

و جعلکم ملوکاً

چون همه قوم موسی نمی توانند ملک (پادشاه) باشند، بنابراین مراد از ملک، با توجه به سابقه بردگی آنان برای فرعونیان، این است که آنها به استقلال رسیدند و سرنوشتشان به دست فرعونیان رقم نمی خورد.

۱۳ اختصاص بنی اسرائیل به برخورداری از برخی نعمت های ویژه الهی

و ءاتیکم ما لم یؤت احداً من العلمین

۱۴ هیچیک از جهانیان از نعمت های ویژه اعطا شده به قوم موسی (ع) برخوردار نبوده اند .

و ءاتیکم ما لم یؤت احداً من العلمین

۱۵ داشتن همسر ، خادم و مسکن ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل

و جعلکم ملوکاً

از رسوا خدا(ص) در توضیح < جعلکم ملوکاَ> در آیه فوق روایت شده: زوجه و مسکن و خادم. حدیث فوق در صدد بیان معنای تنزیلی برای <ملک> می باشد، چنانکه در عرف عامه نیز مرسوم است که می گویند هر کس همسر، خادم و مسکن داشته باشد، پادشاه است.

الدر المنثور، ج ۳، ص ۴۷، سطر ۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۵

۵ تورات، نعمتی کامل برای نیکوکاران قوم موسی

تماما علی الذی أحسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۲،۱۵

۱۲ بنی اسرائیل مردمی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً

بیان این حقیقت که گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا فاصله چندانی با نجات آنان

از دست فرعونیان و عبور معجزه آسای ایشان در دریای سرخ نداشت، اشاره به این دارد که بنی اسرائیل مردمی ناسپاس بودند.

۱۵ بی توجهی قوم موسی به نعمت های خدا و گرایش آنان به پرستش غیر او ، برخاسته از جهالت دامنه دار آنان بود .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. قالوا یموسی ... قال إنکم قوم تجهلون

چنانچه از آیه استفاده می شود، گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا پس از عبورشان از دریا و تحقق این نعمت بزرگ الهی بوده است. بنابراین می توان گفت موسی این جهت را نیز در نظر داشته و آنان را جاهل خوانده است. یعنی این بی خردی است که انسان نعمتهای الهی را ببیند و در عین حال به غیر او گرایش پیدا کند. فعل مضارع <تجهلون> بر دامنه داری این بی خردی دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۱۲

۱۲ نجات از شکنجه فرعونیان ، از نعمت های بزرگ خداوند برای بنی اسرائیل

و إذ أنجینکم . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

در برداشت فوق <بلاء> به معنای نعمت و <ذلکم> اشاره به رهاسازی از عذاب که از <أنجیناکم> استفاده می شود گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۴،۱۸،۱۹،۲۰،۲۱،۲۶،۲۸

۴ تقسیم بنی اسرائیل به دوازده گروه ، نعمتی الهی برای آنان و در راستای تنظیم امور اجتماعی ایشان

قطّعنهم اثنتی عشره أسباطا أمما . .. قد علم کل أناس مشربهم

با توجه به اینکه در قسمتهای بعد،

نعمتهای ارزانی شـده به بنی اسـرائیل مطرح شـده است، معلوم می شود تقسـیم آنان به دوازده گروه نیز از نعمتهای الهی است. جمله <قد علم ... > که بیان ثمره نیکو برای این گروه بندی است می تواند مؤید نعمت بودن این تقسیم بندی باشد.

۱۸ خداوند برای تغذیه قوم موسی به هنگام عبورشان از صحرای سوزان ، بر آنان منّ و سلوا فرو فرستاد .

و أنزلنا علیهم المن و السلوی

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز شـربتی شیرین همانند عسل معنا شده است و در معنای <سلوی> گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

۱۹ < منّ > و < سلوی > خوراکی پاکیزه و از روزی های عطا شده به بنی اسرائیل

و أنزلنا علیهم المن و السلوی کلوا من طیبت ما رزقنکم

۲۰ پدیدار شدن ابر بر فراز قوم موسی ، زمینه فرود آمدن منّ و سلوی برای آنان *

و ظلّلنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المن و السلوی

عطف شدن <أنزلنا . .. > بر جمله <ظلّلنا ... > می تواند حاکی از ارتباط میان آمدن ابر با نزول منّ و سلوی باشد.

۲۱ دسترسی قوم موسی به غذا های حلال و حرام در پی عبور از دریا

کلوا من طیبت ما رزقنکم

۲۶ ظهور معجزاتی متعدد (پدید آمدن آب ، سایه ، نزول منّ و سلوی) برای قوم موسی در پی عبورشان از دریا

فانبجست . .. ظلّلنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المن و السلوی

۲۸ قوم موسی ناسپاس در برابر نعمت های عطا شده به آنان

(جوشیدن چشمه های آب برای آنان و . . .)

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و ما ظلمونا و لکن . .. > در ارتباط با تمامی قسمتهایی که بیانگر نعمتهای الهی است، ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۵

۵ خداوند تهیه خوراکی ها از هر ناحیه بیت المقدس را برای بنی اسرائیل حلال و مباح کرد .

و کلوا منها حیث شئتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۲

۲ بنی اسرائیل ، پس از نابودی فرعون ، در سرزمینی با اراضی حاصل خیز که در آن ، از انواع نعمت ها و روزی های پاکیزه و مناسب طبع برخوردار بودند ، روزگار خوشی می گذراندند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق و رزقنهم من الطیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۳،۴،۷

۳- موسی (ع) از قوم خویش خواستار آن شد تا یادآور نعمت های اعطایی خداوند بر خود باشند .

و إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم

۴- بنی اسرائیل از نعمتی عظیم برخوردار بودند .

و إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم

مراد از <نعمه الله> به قرینه امر به یادآوری نعمتی است مهم و قابل توجه.

۷- نجات از نظام اجتماعی ظالمانه ، نعمتی الهی و شایسته به خاطر سپردن است .

اذكروا نمعه الله عليكم إذ أنجكم من ءال فرعون يسومونكم

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۷ – ۷

۷- رهایی بنی اسرائیل از ظلم و ستم فرعونیان ، نعمتی بزرگ برای آنان و شایسته شکرگزاری

إذ أنجکم من ءال فرعون . .. و إذ تأذّن ربّکم لئن شکرتم لأزیدنّکم

عبارت <إذ تأذّن ربکم> ادامه کلام موسی(ع) است که نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان را به آنان یادآوری کرد. با این کلام، موسی(ع) به طور تلویحی به بنی اسرائیل متذکر شده که نجات آنان، نعمت خدادادی و مستلزم شکرگزاری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۴ – ۷

۷- احضار دسته جمعی بنی اسرائیل در قیامت ، برای بازجویی از آنان درباره نعمت های خدادادی

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الأخره جئنا بکم لفیفًا

برداشت فوق بدان احتمال است که احضار و حشر جمعی بنی اسرائیل در قیامت به قرینه فراز پیش (اسکنوا الأرض) از آن جهت باشد که آنان پاسخگوی نعمت بزرگ خدادادی (اسکنوا الأرض) باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۰ – ۷،۹

۷ – نزول < منّ و سلوی > بر بنی اسرائیل ، پس از نجات آنان از چنگال فرعون و استقرار آنها در بیابان بوده است .

قد أنجینکم . .. وعدنکم ... و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

نزول <منّ و سلوی>، نشان عاری بودن منطقه از مواد غذایی متداول و بیابانی بودن محیط استقرار آنها است.

۹ – نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت

های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

یبنی اسرءیل قد أنجینکم . .. و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱

۱ - < منّ و سلوی > ، عطیه الهی به بنی اسرائیل و از روزی های پاکیزه و گوارا

و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی . کلوا من طیّبت ما رزقنکم

طیب، چیزی است که قوای حسی و نفس آدمی از آن لذت ببرد (مفردات راغب). <طاب>; یعنی، لذیذ و پاکیزه شد (قاموس). البته یکی از معانی <طیّب>، <حلال> است، ولی چون همه رزق های الهی حلال می باشد، معنایی که مفهوم آن تقسیم رزق به حلال و حرام است، معنای مناسبی نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، وارث سرزمینی آباد و برخوردار از باغ ها و چشمه سار ها ، پس از خارج شدن آنان از مصر

کذلك و أورثنها بنی إسرءیل

ضمیر <ها> در <أورثناها> به مطلق <جنّات> بازمی گردد; نه جنات مربوط به فرعونیان. بنابراین، آیه یاد شده و آیه قبل، بیانگر این حقیقت است که خداوند، از سویی فرعونیان را از باغ ها و کاخ های شان بیرون کرد و همه آنان را به دریا ریخت و از سوی دیگر بنی اسرائیل را که در مصر فاقد هر گونه امکانات بودند، به جای دیگری منتقل کرد و سرزمینی آباد و پر برکت که عبارت است از ارض مقدس باشد در اختیارشان قرار داد و به آنان فرمود <ادخلوا الأرض المقدّسه التی

کتب اللّه لکم>،(مائده(۵) آیه ۲۱).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵ – ۳

۳ – نجات از حکومت بسیار خشن و بی رحم فرعون ، امتنانی بزرگ و نعمتی گران سنگ از سوی خدا به بنی اسرائیل بود .

و نرید أن نمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض

<نمنّ> از ریشه <منّه> مشتق شده است و <منّه> به نعمت سنگین گفته می شود (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۵ – ۴

۴ – نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان از شر حکومت فرعونیان ، از احسان ها و نعمت های بزرگ الهی به آنان

و لقد مننّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۶ – ۳

۳ – نصرت خداوند به موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان و نیز پیروزی آنان بر فرعونیان در سایه این یاری ، از نعمت های بزرگ الهی بر ایشان بود .

و لقد مننّا علی موسی و هرون . و نجّینهما... و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۶ – ۸

۸ – بهره مندی بنی اسرائیل ، از نعمت های مادی و روزی های پاکیزه در پی رسالت موسی (ع)

و رزقنهم من الطیّبت

نفرین بر بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۵ – ۹،۱۲

۹

نفرین موسی (ع) بر قوم خویش با درخواست محروم شدن آنان از فیض وجود او و برادرش هارون

فافرق بیننا و بین القوم الفسقین

۱۲ تمرد و گناه بنی اسرائیل ، موجب نفرین موسی (ع) بر آنان

فافرق بیننا و بین القوم الفسقین

نقش اجتماعی زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ - زنان بنی اسرائیل ، فاقد هر گونه قدرت در جامعه فرعونی و نقش تأثیرگذار در سرنوشت سیاسی و اجتماعی

و استحیوا نساءهم

از این که فرعونیان دستور قتل دختران ایمان آورندگان به موسی(ع) را صادر نکردند، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد; زیرا اگر زنان برای آنان خطرآفرین بودند و خود آنان و یا ایمان آوردنشان، نقشی در جامعه می داشت; قهراً در مجازات قتل با مردان شریک می شدند.

نقش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۶

۶ - بنی اسرائیل با بی توجهی به وعده خداوند (اعطای تورات) ، زمینه گمراهی خویش را فراهم آوردند .

و أضلّهم السامریّ . .. ألم یعدکم ربّکم وعدًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۳

۱۳ - موسی (ع) ، برای نابود ساختن گوساله سامری ، همکاری و هم یاری بنی اسرائیل را تدارک دیده و بر شرکت دادن آنان دراین اقدام مصمم بود .

لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه

ضمیرهای جمع در افعال <لنحرّقنّه> و <لننسفنّه> گویای نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶ – ۳

۳ – آگاهی قبلی فرعون از خطرساز بودن بنی اسرائیل برای حکومت و نظام سرکوبگر وی

و نری فرعون و همن و جنودهما منهم ما کانوا یحذرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳۰ – ۴

۴- پایه های اقتدار و شکوفایی نظام فرعونی ، متکی بر شانه های رنج کشیده بنی اسرائیل *

کم ترکوا من جنّت و عیون . .. من العذاب المهین

از ارتباط میان این آیه با آیاتی که سخن از امکانات گسترده اقتصادی فرعونیان به میان آورده، به دست می آید که احتمالاً بنی اسرائیل در استخدام باغداری و کشاورزی نظام فرعونی بوده و از این بابت مشقت ها و بردگی ها را تحمل می کردند.

نقش بنی اسرائیل در مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۲ – ۷

۷ – وجود بنی اسرائیل در مصر ، در بردارنده منافعی مهم برای فرعونیان

أن أسر بعبادی إنّکم متّبعون

اصرار فرعونیان بر نگه داشتن بنی اسرائیل در مصر، نشانگر مطلب یاد شده است.

نقش سکونت بنی اسرائیل در مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۸ – ۴

۴ – ماندن بنی اسرائیل در مصر و جدا نشدن آنان از دیگران ، امری حیاتی برای فرعون و فرعونیان

أسر بعبادی . .. فأتبعهم فرعون بجنوده

تعقیب بنی اسرائیل و تلاش برای جلوگیری از هجرت آنان، نشانگر این نکته است که جداشدن بنی اسرائیل از جامعه مصر، خسارت و عواقب سنگینی برای آنان به همراه داشت.

نقش عواطف خویشاوندی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳ – ۶

۶- استفاده < تورات > از گرایش ها و عواطف خویشاوندی بنی اسرائیل ، جهت هدایت و گرایش آنان به توحید

و ءاتینا موسی . .. ذرّیه من حملنا مع نوح

این برداشت با توجه به دو نکته است ذیل است: ۱ بنابراین که نصب <ذرّیه> به حرف ندای محذوف و ادامه کلام تورات در آیه قبل باشد (و آتینا موسی الکتاب . ..ألاّتتخذوا ... یا ذرّیه من حملنا مع نوح). ۲- آیه در پی دعوت از بنی اسرائیل به توحید، به آنان یادآوری می کند که آنها از فرزندان همراهان نجات یافته نوح هستند، تا به این وسیله ایشان را به قبول دعوت برانگیزاند.

نقش گرایشهای بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳ – ۶

۶- استفاده < تورات > از گرایش ها و عواطف خویشاوندی بنی اسرائیل ، جهت هدایت و گرایش آنان به توحید

و ءاتینا موسی . .. ذرّیه من حملنا مع نوح

این برداشت با توجه به دو نکته است ذیل است: ۱ بنابراین که نصب <ذرّیه> به حرف ندای محذوف و ادامه کلام تورات در آیه قبل باشد (و آتینا موسی الکتاب . ..ألاّتتخذوا ... یا ذرّیه من حملنا مع نوح). ۲- آیه در پی دعوت از بنی اسرائیل به توحید، به آنان یادآوری می کند که آنها از فرزندان همراهان نجات یافته نوح هستند، تا به این وسیله ایشان را به قبول دعوت برانگیزاند.

نگرانی از گمراهی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۳

۳ - موسی (ع) از القای شبهه و احتمال گمراهی مردم به واسطه سِحر ساحران نگران بود .

قلنا لاتخف إنّک أنت الاعلی

جمله <إنّک أنت الاعلی> تعلیل برای <لاتخف> است و دلالت می کند که موسی(ع) از این نگران بود که معجزه او با سحر ساحران مشتبه گردد و مردم به حقانیت او پی نبرند. خداوند با بیان برتری قطعی او، زمینه هراسش را از بین برد.

نگرانی مرتدان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۶

۶ مرتدان بنی اسرائیل به خاطر دوران گوساله پرستی ، نگران آینده ای زیانبار برای خویش بودند .

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

نماز در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۷

۷ نماز ، زکات ، ایمان به همه انبیا و حمایت از آنان و انفاق ، از تکالیف بنی اسرائیل

لئن اقمتم الصلوه و ءاتیتم الزکوه . .. و عزرتموهم و اقرضتم اللّه

نمایندگان بنی اسرائیل در میقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۳ - ۱،۲

۱ - خداوند با موسی (ع) و قوم او ، قرار گفت وگو در کنار کوه طور نهاده بود .

وعدنكم جانب الطور الأيمن . .. و ما أعجلك عن قومك

در آیه ۸۰این سوره از مواعده خداوند با بنی اسرائیل (در کوه طور) سخن به میان آمده بود. ظاهر این

است که <ما أعجلك> که حاکی از شتاب موسی(ع) در آمدن به میقات است مربوط به همان مواعده باشد.

۲ - موسی (ع) ، وظیفه دار همراهی با قوم خود در مسیر وصول به میقات بود .

و ما أعجلك عن قومك یموسی

پرسش خداوند از موسی(ع) به قرینه پاسخ او در آیه بعد سؤالی توبیخی و در مقام ملامت است. از این سرزنش، برمی آید که موسی(ع) در رها ساختن قوم خود و جدا شدن از آنان، ترک اولی کرده است و می بایست همراه قوم خویش حرکت می کرد و بر آنان پیشی نمی گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۱،۲،۳

۱ - موسی (ع) ، سبقت گرفتن خود بر قومش در آمدن به میقات را ، به جهت اطمینان به قومش در پیروی از او و طی مسیر تا میقات دانست .

قال هم أُوْلاء علی أثری

<أُوْلا> اسم اشاره به بعید است و <أثر> به معنای علامت باقی مانده از هر چیزی است. از همین رو به جای پا نیز <اثر> گفته می شود. <أثر> به معنای اتباع و دنباله روی نیز آمده است. (مقاییس اللغه). مفاد آیه بالا- این است که آنان همان جماعت اند که بر نشانه پای من به سوی میقات روان اند و یا این که به دنبال من در حال آمدن به میقات هستند.

۲ - ورود موسی (ع) به میقات ، اندکی پیش از ورود قومش به آن مکان بود .

و ما أعجلك . .. قال هم أُوْلاء علی أثری

مورد اشاره قرارگرفتن همراهان

موسی از سوی آن حضرت، نشان می دهد که آنان در چشم انداز موسی(ع) بودند و برای رسیدن به میقات، زمان زیادی لازم نداشتند. بنابراین بین ورود موسی(ع) به میقات و ورود قوم او، چندان فاصله ای نبوده است.

۳ - قوم موسی ، با فاصله زمانی کوتاهی ، به دنبال موسی (ع) و رد پای او به سوی میقات روانه شدند .

و ما أعجلك . .. قال هم أُوْلاء علی أثری

نهی از منکر در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۱

۱ بی اعتنایی گروهی از بنی اسرائیل به وظیفه الهی نهی از منکر و بی تفاوتی آنان در برابر فساد جامعه خویش

کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه

<لایتناهون> یعنی همدیگر را باز نمی داشتند و نهی نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۳

۱۳ - رواج اخلاق خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر ، در میان مردم عصر موسی

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره و لاتنس نصیبک من الدنیا و أحسن

نهی به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۴

۴- موسی (ع) ، بنی اسرائیل را از کفران نعمت های الهی برحذر داشت .

و إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم . .. و قال موسی إن تکفروا أنتم و من ف

نیازهای معنوی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۹

۵ - بنی اسرائیل در عصر فرعون ، گرفتار انحراف در عقیده و عمل و نیازمند هدایت از سوی خدا

و لقد ءاتینا موسی الکتب لعلّهم یهتدون

<هم> در <لعلّهم> کنایه از بنی اسرائیل است و ارجاع آن به فرعون و طایفه او، درست نیست; زیرا نزول تورات، بعد از هلاکت آنها بود.

نیاکان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۱،۴

۱- بنی اسرائیل ، از ذریه و نسل همراهان نوح (ع) در کشتی بودند .

هدًی لبنی إسرءیل . .. ذرّیه من حملنا مع نوح

۴- انتساب بنی اسرائیل به همراهان نوح (ع) ، موجب شایستگی آنان به عنایت خدا برای هدایتشان گردید .

و ءاتینا موسی . .. ذرّیه من حملنا مع نوح

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که نصب <ذریه> به تقدیر فعل <اخص> و مجموع جمله <ذرّیه من حملنا. ..> در مقام تعلیل برای آیه قبل (و آتینا موسی...) باشد; یعنی، ما با نزول تورات، خواستار هدایت بنی اسرائیل بودیم; چون آنان از فرزندان همراهان حضرت نوح(ع) بودند.

وراثت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، وارث سرزمینی آباد و برخوردار از باغ ها و چشمه سار ها ، پس از خارج شدن آنان از مصر

کذلک و أورثنها بنی إسرءیل

ضمیر <ها> در <أورثناها> به مطلق <جنّات> بازمی گردد; نه جنات مربوط به فرعونیان. بنابراین، آیه یاد شده و آیه قبل،

بیانگر این حقیقت است که خداوند، از سویی فرعونیان را از باغ ها

و کـاخ های شان بیرون کرد و همه آنان را به دریا ریخت و از سوی دیگر بنی اسـرائیل را که در مصـر فاقـد هر گونه امکانات بودنـد، به جای دیگری منتقل کرد و سـرزمینی آباد و پر برکت که عبارت است از ارض مقدس باشد در اختیارشان قرار داد و به آنان فرمود <ادخلوا الأرض المقدّسه التی کتب اللّه لکم>،(مائده(۵) آیه ۲۱).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۸ - ۳،۷

۳- قرار گرفتن امکانات فرعونیان ، در اختیار گروهی دیگر از مردم (بنی اسرائیل)

کذلك و أورثنها قومًا ءاخرین

برداشـت بالاـ بنـابراین نکتـه اسـت کـه مراد از <قومـاً آخریـن> گروهی از بنی اســرائیل باشـد; چنـان کـه در آیـه ۵۹ سوره <شعراء> آمده است. این گروه ممکن است بخشی از بنی اسرائیل بودند که در خروج از مصر با موسی(ع) همسفر نبودند.

۷- بازگشت بنی اسرائیل به مصر و برخورداری آنان از ثروت و امکانات آن سرزمین ، پس از هلاکت فرعونیان *

کذلك و أورثنها قومًا ءاخرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <قوماً آخرین> تمام بنی اسرائیل باشد.

ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱،۹،۱۶،۱۸

۱ - خداوند ، به بنی اسرائیل فرمان داد تا به آبادی بیت المقدس وارد شوند .

و إذ قلنا ادخلوا هذه القریه

<قریه> در لغت به معنای روسـتا و نیز شـهر آمده است و در قرآن نیز در هر دو معنا اسـتعمال شده است; چون قرینه ای یافت نشد که کدامین معنا مراد است، در برداشت

کلمه <آبادی> آورده شد. ال در <القریه> عهد حضوری است و اشاره به دیاری خاص دارد. بسیاری از مفسران برآنند که مراد از آن، بیت المقدس می باشد.

۹ - خداوند به قوم موسی - در صورت ورود به بیت المقدس با رعایت آداب آن - نوید آمرزش گناهانشان را داد .

ادخلوا هذه القریه . .. و قولوا حطه نغفر لکم خطیکم

ظاهر این است که <نغفر لکم> جواب برای همه امرهایی است که در آیه شریفه مطرح شده بود. بنابراین تقدیر چنین است: <ان تدخلوا و تأکلوا و تدخلوا الباب سجداً و تقولوا حطه نغفر لکم>.

۱۶ - خداوند ، محسنان و پاکدامنان بنی اسرائیل را - در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس - به پاداشی افزونتر از دیگران نوید داد .

قولوا حطه نغفر لکم خطیکم و سنزید المحسنین

۱۸ - داستان ورود بنی اسرائیل عصر موسی به بیت المقدس ، داستانی آموزنده و شایسته به یاد داشتن

إذ قلنا ادخلوا . .. و سنزید المحسنین

جمله <إذ قلنا . ..> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <أذکروا إذ قلنا ...; به یاد داشته باشید آن زمانی را که فرمان دادیم ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۲

۲ - حرام خواران قوم موسی ، به جای طلب آمرزش از خدا و گفتن < حطه > - در هنگام ورود به بیت المقدس - کلامی دیگر بر زبان جاری می ساختند .

فبدل الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم

به نظر می رسد مراد از <الذین ظلموا> در جمله فوق، کسانی باشند که خداوند

در آیه ۵۷ آنان را به سبب ناسپاسی و استفاده از خوراکیهای غیر طیب، ستمکار شمرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۱ – ۳،۶،۷،۸،۱۴،۱۹

۳ بنی اسرائیل به هنگام دریافت فرمان تصرف بیت المقدس ، در مکانی نزدیک به آن آبادی بسر می بردند .

و إذ قیل لهم اسکنوا هذه القریه

برداشت فوق با توجه به اسم اشاره (هذه) استفاده شده است.

۶ استغفار از گناهان به هنگام تصرف بیت المقدس ، فرمان خدا به بنی اسرائیل

و قولوا حطه

<حطه> خبر برای مبتدایی محذوف مانند <مسألتنا> است. این کلمه اسم مصدر و به معنای نهادن و فرود آوردن می باشد و مراد از آن به قرینه جمله بعد (نغفر لکم) برداشتن وزر گناهان و آمرزش آنهاست. بنابراین <قولوا حطه> یعنی بگویید خدایا درخواست ما آمرزش گناهان است.

۷ اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا به هنگام تصرف بیت المقدس از دستورات خدا به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه <سجداً> جمع <ساجد> و حال برای فاعل <ادخلوا> است. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک ساییدن) سازگار نیست، می توان گفت در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

۸ دروازه بیت المقدس طریق تعیین شده از جانب خدا برای نفوذ به آن سرزمین و تصرف آن دیار

و ادخلوا الباب

۱۴ خداوند محسنان بنی اسرائیل را در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس ، به پاداشی افزونتر از احسانشان نوید داد .

سنزید المحسنین

۱۹ داستان ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس ، داستانی

عبرت آموز و شایسته به یاد داشتن

و إذ قیل لهم اسکنوا . .. سنزید المحسنین

کلمه <إذ> متعلق به فعلی مانند <اذکروا> (به یاد داشته باشید)، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۲

۲ حرام خواران قوم موسی به جای طلب آمرزش از خدا به هنگام ورود به بیت المقدس کلامی دیگر بر زبان جاری ساختند .

فبدل الذین ظلموا منهم قولا غیر الذی قیل لهم

می توان گفت مراد از <الذین ظلموا> به دلیل <و لکن کانوا أنفسهم یظلمون> در آیه ۱۶۰ کسانی هستند که با استفاده از خوراکیهای غیر پاکیزه به حرامخواری دست یازیدند.

وسعت افساد بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴ - ۷

۷- فساد بنی اسرائیل ، فسادی عالمگیر و گسترده است .

لتفسدنّ فی الأرض مرّتین

برداشت فوق بدان احتمال است که مراد از <الأرض> همه زمین و کنایه از گستردگی فساد آنان باشد.

وعده به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۶

۶ وعده هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل بر سرزمین آنان ، از وعده های نیکوی خداوند به قوم موسی

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل

کلمه <الحسنی> (زیباتر) صفت برای <کلمت> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۵ – ۱۳

۱۳ تصرف سرزمین فاسقان و دیدن مناظر آن ، وعده ای از جانب خداوند به امت موسی

سأوریکم دار الفسقین

در اینکه مراد از <الفسقین> چه کسانی هستند، سه احتمال

وجـود دارد: فرعونیـان، ساکنـان سـرزمین قـدس پیش از ورود قوم موسـی به آنجـا، متخلفـان قوم موسـی برداشت فوق نـاظر به احتمال اول و دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۹

۹- وعده خداوند به بنی اسـرائیل جهت گردآوری آنان در سرزمین فلسطین ، پس از فرا رسیدن دومین موعد فساد آنان در آن سرزمین

جئنا بکم لفیفًا

برداشت فوق بـدان احتمال است که <وعـد الأخره> اشاره ای باشـد به آن دو موعدی که خداوند در آغاز این سوره (آیه ۴) برای بنی اسرائیل پیش بینی کرده و به آنان هشدار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۳

۳ - خداوند ، پس از عبور بنی اسرائیل از دریا ، با آنان قرار گفت وگو نهاد و وعده ارتباط نزدیک داد .

و وعدنکم جانب الطور الأیمن

متعلق <واعـدناکم> به قرینه <و ما أعجلك عن قومك یا موسـی> (در آیات بعد) وعده مناجات و گفت وگو با موسـی(ع) بوده است. این مواعـده گرچه با همه بنی اسـرائیل نبود; اما بازگشت منافع آن (از قبیل نزول تورات) به عموم آنان، سـبب شـد که از آن به عنوان نعمتی بر همه بنی اسرائیل یاد شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۵،۷

۵ - بنی اسرائیل ، پیش از رفتن موسی (ع) به میقات ، وعده خوبی (نزول تورات) از ناحیه خداوند دریافت کرده بودند .

ألم یعدکم ربّکم وعدًا حسنًا

استفهام تقریری یا انکاری موسی(ع) از بنی اسرائیل،

نشان از داده شدن وعده ای به آنان پیش از رفتن موسی(ع) به میقات دارد. محتوای این وعده را، برخی نزول تورات دانسته اند.

۷ - بنی اسرائیل ، بدون این که در تحقق وعده خداوند (اعطای تورات) به آنان تأخیری شده باشد ، به گمراهی تن در دادند .

ألم یعدکم ربّکم . .. أفطال علیکم العهد

استفهام در <أفطال> انکاری است. و <عهد> به معنای زمان است. (قاموس) و مراد زمان تحقق وعده ای است که <ألم یعدکم> بر آن دلالت داشت، و ممکن است مراد از <عهد> زمان دوری موسی(ع) باشد.

وفای به عهد بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۱

۲۱ - تنها اندکی از بنی اسرائیل به پیمان های الهی وفادار ماندند و به تکالیف دینی عمل کردند .

ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

وقت برخورد سپاه فرعون با بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۰ - ۱

۱ - نزدیک شدن سپاه فرعون به بنی اسرائیل ، به هنگام طلوع آفتاب

فأتبعوهم مشرقین

واژه <مشرقین> از مصدر <اشراق> (داخل شدن در وقت طلوع خورشید) مشتق شده است و حال از ضمیر فاعل <أتبعوهم> می باشد; یعنی، <فلحقوا بهم حالکونهم داخلین فی وقت طلوع الشمس>. گفتنی است که <إتباع> (مصدر <أتبعوا>) در این جا به معنای ملحق شدن است.

ولایت بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۰ – ۱۴

۱۴ – هارون ، دارای حق ولایت و اطاعت بر بنی اسرائیل در زمان غیبت

موسی (ع) بود .

و لقد قال لهم هرون . .. فاتّبعونی و أطیعوا أمری

فرمان هارون(ع) به پیروی و اطاعت مردم از او، حاکی از ثبوت حق ولایت و اطاعت او، بر عهده بنی اسرائیل است.

ویژگیهای سرزمین بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۳ – ۱،۲

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را پس از نابودی فرعون ، در سرزمینی خوش آب و هوا و واجد همه شرایط مناسب زندگی ، اسکان داد .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق

۲ بنی اسرائیل ، پس از نابودی فرعون ، در سرزمینی با اراضی حاصل خیز که در آن ، از انواع نعمت ها و روزی های پاکیزه و مناسب طبع برخوردار بودند ، روزگار خوشی می گذراندند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق و رزقنهم من الطیبت

ویژگیهای هجرت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۷ – ۲

۲ – هجرت بنی اسرائیل از مصر ، حرکتی سازماندهی شده و پنهان از چشم فرعونیان *

و لقد أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

فرمان یافتن موسی(ع) به کوچ دادن شبانه بنی اسرائیل و تعقیب آنان از سوی فرعون، این احتمال را تقویت می کند که انتخاب شب به جهت استتار و پنهان ماندن از چشم مأموران فرعون بوده است.

هارون(ع) از بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۷ – ۳

۳ – موسی و هارون ، از طایفه بنی اسرائیل

بودند .

و قومهما لنا عبدون

هارون(ع) و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۷،۹

۷ جدایی موسی (ع) و برادرش هارون از بنی اسرائیل ، درخواست و دعای موسی (ع) به پیشگاه پروردگار

فافرق بیننا و بین القوم الفسقین

۹ نفرین موسی (ع) بر قوم خویش با درخواست محروم شدن آنان از فیض وجود او و برادرش هارون

فافرق بیننا و بین القوم الفسقین

هارون(ع) و گمراهان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۲

۲۲ هارون با بیان موضع خویش در برابر منحرفان بنی اسرائیل از موسی (ع) خواست تا با مؤاخذه وی دشمنان دین را شاد نسازد .

و کادوا یقتلوننی فلا تشمت بی الأعداء

<ال> در <الأعداء> برای جنس است و مراد از آن، به قرینه <القوم الظلمین>، دشمنان دین و توحید، یعنی همان گوساله پرستان، است. <اشمات> (مصدر <لا تشمت>) به معنای خشنود ساختن و <باء> در <بی> سببیه است. بنابراین <لا تشمت بی الأعداء> یعنی دشمنان دین را با مؤاخذه من شاد نکن.

هارون(ع) و گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۴،۱۰،۹

۹ موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی مقصر شناخت .

و أخذ برأس أخیه یجره إلیه

۱۰ موسی (ع) به خاطر مقصر شناختن هارون در انحراف بنی اسرائیل ، با گرفتن مو های سر او

و کشیدنش به سوی خود ، در صدد مؤاخذه وی برآمد .

أخذ برأس أخيه يجره إليه

مفسـران در معنای جمله <أخذ برأس أخيه> گفته اند که موسی موهای هارون را گرفت. گویا تفسیر <راس> به موهای سر به دلیل جمله بعـد (يجره إليه، او را به سوی خود می کشـید) باشـد. زیرا اگر موسـی سـر هارون را گرفته بود، طبعاً هارون با او فاصله ای نداشت تا او را به سوی خود بکشد.

۱۴ هـارون بـا تحریـک عواطف موسـی (ع) در صـدد تسـکین غضب او و مطمئن ساختنش بر انجام وظایف و مسؤولیت های خویش در برابر منحرفان بنی اسرائیل برآمد .

قال ابن أم إن القوم استضعفونى و كادوا يقتلوننى

به نظر می رسـد هارون با انتخاب <ای فرزنـد مادرم> در خطاب به موسـی، در صدد تحریک عواطف وی به سوی خود بوده است.

هارون(ع) و گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۷

۱۷ هارون در غیاب موسی (ع) با شرکورزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أم إن القوم استضعفونى و كادوا يقتلوننى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۱ - ۵

۵ موسـی (ع) در عین قانع شـدن به بی تقصـیری هارون در گرایش بنی اسـرائیل به گوساله پرستی ، وی را کاملا دور از خطا ندانست . *

قال رب اغفر لى و لأخى

طلب مغفرت برای هارون می تواند گویای برداشت فوق باشد.

هارون(ع) و مسکن بنی اسرائیل

سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱،۲

۱ خداوند ، از طریق وحی به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) به تهیه مسکن برای قوم خود اقدام کنند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که اولاً <مصر> به معنای شهر مصر باشد ; چنان که به همین معنا در مفردات و لسان تصریح شده است. ثانیاً: جار و مجرور (بمصر) متعلق به <تبوءاً> باشد نه حال برای <قومکما>.

۲ موسی و هارون (ع) مأموریت یافتند تا برای آن دسته از بنی اسرائیل که ساکن شهر مصر بودند ، اقدام به تهیه مسکن نمایند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً

برداشت فوق بر این اساس است که <بمصر> متعلق به عامل مقدر و حال یا صفت برای <قوم> باشد ; یعنی: تبوئاً لقومکما کائنین یا الکائنین بمصر.

هجرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۹

۹ موسی (ع) در راستای رهاسازی بنی اسرائیل از فرعون خواست تا از مهاجرت آنان با وی جلوگیری نکند .

فأرسل معی بنی إسراءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۹

۹ - بنی اسرائیل ، دارای آمادگی برای هجرت از مصر به رهبری موسی و هارون (ع)

فأرسل معنا بنی إسرءیل و لاتعذّبهم

مطرح شدن این درخواست نزد فرعون، بر وجود آمادگی روحی و فکری

در بنی اسرائیل برای هجرت از مصر دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۷،۱۳

۷ - بنی اسرائیل ، دارای آمادگی لازم برای هجرت از مصر و رهایی از عذاب فرعون

أسر بعبادی

حرکت شبانه، گریختن از چنگ کسانی است که برای آن حرکت، مانع ایجاد می کنند. بنابراین ماندن بنی اسرائیل نزد فرعونیان، برخلاف میل آنان بوده است.

۱۳ - خداوند به موسی (ع) اطمینان داد که در مسیر هجرت از مصر نه با نیرو های دشمن درگیر خواهد شد و نه مشگل جدی دیگری برای آنان بروز خواهد کرد .

أسر بعبادی . .. لاتخف درکًا و لاتخشی

حذف متعلق <لاتخشی> بیانگر منتفی بودن هر چیزی است که مایه دلهره و خشیت باشد; از قبیل: احتمال غرق شدن در دریا و یا خطرهای غیر قابل پیش بینی دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۳ - ۳

۳- رعایت جوانب امنیتی و حفاظتی در گریز بنی اسرائیل از نظام فرعونی

فأسر . .. لیلاً

هجرت شبانه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۱

۱ - موسی (ع) ، مأمور به حرکت در آوردن شبانه بنی اسرائیل ، جهت خروج و هجرت از مصر

و لقد أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

<إسراء> به معنای سیر شبانه و حرف <باء> برای تعدیه است، <أسر بعبادی>; یعنی، بندگان مرا شبانه حرکت بده [و از مصر خارج کن].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰

۱ – موسی (ع) به فرمان خداوند ، بنی اسرائیل را شبانه از مصر کوچ داد و از دریا گذراند .

أسر بعبادی . .. فأتبعهم

حرف <فاء> در <فأتبعهم> فصیحه است؛ یعنی، از یک سری جملات محذوف قبل از خود حکایت می کند. حاصل آن جملات این است که موسی(ع) بنی اسرائیل را از مصر کوچ داد و فرعونیان نیز از حرکت آنان آگاه شدند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۲ – ۱،۵

۱ – وحی خداوند به موسی (ع) در خارج ساختن شبانه بنی اسرائیل از سرزمین مصر

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

۵ – ممانعت جدی حکومت فرعون از مهاجرت بنی اسرائیل و ترک سرزمین مصر

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی إنّکم متّبعون

فرمان الهی مبنی بر خروج مخفیانه و حرکت شبانه بنی اسرائیل و نیز تعبیر <إنّکم متّبعون> نشانگر ممانعت شدید حکومت فرعون نسبت به خروج بنی اسرائیل از مصر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۵ – ۱

۱ – خشم فرعونیان از گریز شبانه بنی اسرائیل به منظور ترک دیار مصر

و إنّهم لنا لغائظون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۳ – ۲

۲– موسی (ع) ، مأمور خارج ساختن شبانه و مخفیانه بنی اسرائیل از مصر

فأسر بعبادی لیلاً

<إسراء> (مصدر <أسر>) به معنای رفتن در شب است و <ليلاً> تأكيد آن می باشد.

هجرت علنی بنی اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٧ - دخان -

۴۴ - ۲۳ - ۹،۱۰

۹- گریز علنی بنی اسرائیل از قلمرو فرعونیان ، امری غیرقابل تحمل برای نظام فرعونی

إنّکم متّبعون

۱۰- مهاجرت علنی بنی اسرائیل از سرزمین مصر ، امری غیرممکن برای آنان

فأسر بعبادی لیلاً إنّکم متّبعون

هدایت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۳

۳- موسی (ع) ، وظیفه دار هدایت مردم خویش به سوی نور و خارج کردن آنان از ظلمت ها ، با آیات و معجزات الهی .

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا أن أخرج قومک من الظلمت إلی النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲ - ۲

۲- بنی اسرائیل ، مخاطبان اصلی دعوت موسی (ع) و هدایت آنان ، مهم ترین هدف و وظیفه آن حضرت

و ءاتینا موسی الکتب و جعلنه هدًی لبنی إسرءیل

از مجموع آیات مربوط به حضرت موسی(ع) برمی آید که دعوت ایشان، دعوتی فراگیر بوده است و ذکر بنی اسرائیل در این آیه، می تواند برای این باشد که آنان مخاطبان اصلی دعوت بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۰،۱۱

۱۰ - هارون ، وظیفه دار رهبری و ارشاد بنی اسرائیل در غیبت موسی (ع)

و لقد قال لهم هرون من قبل

۱۱ – سخنان هارون به گوساله پرستان بنی اسرائیل ، گفتاری محبت آمیز و همراه با توجیه و ارشاد بود .

یقوم إنّما فتنتم به

انتساب بنی اسرائیل به خود، با گفتن <ای قوم من> ابراز محبت است و ریشه یابی ماجرای سامری با فتنه خواندن

آن، روشن گری و ارشاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۳ - ۲

۲ - هارون در غیاب موسی (ع) ، وظیفه رهبری و هدایت بنی اسرائیل را به عهده داشت .

یهرون ما منعک . .. ألّاتتّبعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۲ - ۵

۵ - موسی (ع) ، دارای مقامی ویژه در نزد خدا و واسطه وصول رحمت و هدایت الهی به بنی اسرائیل

إنّ معی ربّی سیهدین

آمدن تعبیر <إنّ معی ربّی> (پروردگار من با من است) به جای <إنّ معنا ربّنا> (پروردگار ما با ما است) نشان دهنده برخورداری شخص موسی(ع) از امداد خاصه الهی است؛ که در پرتو آن امداد، بنی اسرائیل نیز نجات می یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۳ - ۸،۹،۱۰

۸ - کتاب آسمانی موسی ، هدایت کننده قوم بنی اسرائیل بود .

و جعلنه هدًی لبنی إسرءیل

۹ - هدایت بنی اسراییل ، هدف رسالت موسی (ع) بوده است .

و لقد ءاتینا موسی الکتب . .. و جعلنه هدًی لبنی إسرءیل

۱۰ - موسی (ع) ، از سوی خداوند مأمور هدایت بنی اسراییل بود .

و جعلنه هدًی لبنی إسرءیل

بنابراین احتمال که مرجع ضمیر مفعولی <جعلناه> حضرت موسی(ع) باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - تلاش حواریون به همراه عیسی (ع) ، برای هدایت بنی اسرائیل

فامنت طائفه

من بنی اسرءیل و کفرت طائفه

هدایت ناپذیران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۵ - ۶

۶ - گروه هایی از بنی اسراییل هدایت نپذیرفتند و در برابر پیشوایان الهی ، تسلیم نشدند .

إنّ ربّک هو یفصل بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

بنابراین که مرجع ضمیر در <بینهم> بنی اسراییل باشد و <کانوا فیه یختلفون> اشاره به اختلافات دیرینه آنان داشته باشد که حتی با آمدن پیشوایان الهی، خاتمه نیافته است نکته یاد شده به دست می آید.

هدایتگران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۹ - ۱،۲،۳

۱ گروهی اندک از قوم موسی ، مردمی هدایتگر و عدالت پیشه بودند .

و من قوم موسی امه یهدون بالحق و به یعدلون

۲ هدایتگران قوم موسی خود همواره ملازم حق و حقیقت بودند .

یهدون بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که <باء> در <بالحق> برای مصاحبت باشد در این صورت <بالحق> حال برای فاعل <یهدون> است ; یعنی: <یهدون مصاحبین الحق>.

۳ هدایتگران قوم موسی با روش ها و موازین حق ، نه اسباب باطل ، مردم را هدایت می کردند .

یهدون بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <باء> در <بالحق> برای استعانت باشد.

هشدار به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، بنی اسرائیل را از فسادگری در سراسر پهنه گیتی بر حذر داشت .

و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

<عثو> (مصدر لاتعثوا) به معنای فسادگری است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۵ – ۵

۵ – بنی اسرائیل در خطر گرفتار آمدن به عذاب های دنیوی (ذلیل گشتن ، مطرود شدن و . . .) در صورت ایمان نیاوردن به قرآن و انجام ندادن اعمال صالح

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خسئین

در آیات گذشته (از ۴۱ تا ۴۵ و نیز آیه ۶۲) خداوند بنی اسرائیل را به ایمان و تصدیق قرآن و انجام اعمال صالح دعوت کرد و در آیه مورد بحث سرگذشت شوم اسحاب سبت را یادآور شد تا هشداری باشد به آنها که مبادا با سرپیچی از دعوت خدا و فرمانهای او، به سرنوشتی همانند اصحاب سبت گرفتار آیند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۶

۶ تهدید خداوند به بنی اسرائیل در مورد شکستن پیمان الهی و ترغیب آنان به وفاداری و تعهد

لقد اخذ اللّه میثق بنی اسرءیل . .. و قال اللّه انی معکم

بنابر اینکه معیت در آیه مورد بحث، کنایه از علم و قدرت باشد. یعنی خداوند به شما و اعمالتان کاملا آگاه است ; اگر به میثاق پایبند بودید به شما پاداش می دهد واگر تخلف کردید مجازات می شوید و در هر حال مقهور خداوند هستید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۱ – ۲۴

۲۴ هشدار خداوند به بنی اسرائیلِ زمان پیامبر (ص) ، نسبت به تکرار رفتار پیشینیان خویش (نقض میثاق تکذیب و قتل انبیا

)

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و اللّه بصیر بماتعملون

فعل مضارع <یعملون> علی رغم ماضـی آوردن فعل های گذشـته <حسـبوا>، <عموا و صموا> ، می رساند که جمله <و اللّه بصیر . ..> ناظر بر بنی اسرائیل زمان پیامبر(ص) نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۸

۱۸ هشدار مسیح (ع) به بنی اسرائیل در مورد فرجام نامیمون شرک

قال المسیح . .. انه من یشرک باللّه فقد حرم اللّه علیه الجنه

ظاهراً جمله <انه من یشرک . ..> گفتار حضرت مسیح(ع) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۱۳

۱۳ آزمایش بنی اسرائیل از سوی خدا پس از دستیابی آنان به حکومت و قدرت ، هشدار موسی (ع) به آنان

فینظر کیف تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۱۸

۱۸ خداوند به قوم موسی هشدار داد که در صورت ادامه مخالفت با راه رشد و تعالی و پیمودن راه ضلالت ، ایشان را از درک معارف تورات محروم خواهد ساخت .

و أمر قومک یأخذوا بأحسنها . .. إن یروا کل ءایه لایؤمنوا بها ... سبیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۳

۳ - فتنه و امتحان بودن گوساله زرین سامری ، از جمله هشدارهایی که هارون به بنی اسرائیل داده بود .

و لقد قال لهم هرون . .. إنّما فتنتم به

هشدار به متكبران بنی اسرائیل

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۶ – ۱۷

۱۷ خداوند به قوم موسی هشدار داد که متکبران و ناباروان ایشان را از درک تورات و معارف آن باز خواهد داشت .

و أمر قومک یأخذوا بأحسنها . .. سأصرف عن ءایتی الذین یتکبرون فی الأرض

مصداق مورد نظر برای آیه مورد بحث، با توجه به آیات پیشین، متکبران و متمردان قوم موسی هستند.

هلاکت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۵ – ۵،۶

۵ – قوم موسی در پی کفر به او و تقاضای ناروایشان (دیدن خداوند) ، به هلاکت رسیدند .

لن نؤمن لک . .. فأخذتکم الصعقه

<اخذ> (مصدر اخذت) به معنای گرفتن است و به قرینه آیه بعد کنایه از کشتن می باشد.

۶ – صاعقه آسمانی ، موجب به هلاکت رسیدن قوم موسی شد .

فأخذتکم الصعقه

صاعقه آتشی است از آسمان که به هنگام رعد شدید پدید می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۶ – ۱،۳

۱ – خداوند ، قوم موسی را پس از هلاکتشان با صاعقه ، حیاتی دوباره بخشید و آنان را زنده کرد .

ثم بعثنکم من بعد موتکم

۳ – زنده شدن قوم موسی پس از هلاکتشان با صاعقه ، از نعمت های خداوند به آنان

اذکروا نعمتی التی أنعمت . .. ثم بعثنکم من بعد موتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۶

۶ بنی اسرائیل در پی تقاضای آشکارا دیدن خداوند ، با صاعقه به

هلاکت رسیدند .

فأخذتهم الصعقه بظلمهم

هواپرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۷،۸،۱۱،۱۶

۷ بنی اسرائیل ، مردمی پیمان شکن و هواپرست

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. کلما جاءهم رسول بما لاتهوی انفسهم

۸ بنی اسرائیل با نقض پیمان های الهی و پیروی از هوا های نفسانی ، فاقد پایگاه مطمئن برای اقامه تورات ، انجیل و دیگر معارف الهی

لستم علی شیء . .. لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل

بنابر اینکه جمله <لستم علی شیء . ..> به این معنا باشد که شما پایگاهی ندارید تا بتوانید تورات و انجیل را اقامه کنید، می توان گفت آیه مورد بحث آن پایگاه را تفسیر می کند ; یعنی آن پایگاه عبارت است از تعهد به میثاق الهی و پرهیز از هواپرستی.

۱۱ هواپرستی بنی اسرائیل ، زمینه ساز تکذیب انبیا و قتل آنان

رسول بما لاتهوی انفسهم فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

۱۶ هشدار خداوند به مسلمانان در مورد خطر گرفتاری آنان به لغزشهایی همانند لغزش های بنی اسرائیل : (نقض پیمان های الهی ، هواپرستی ، تکذیب و قتل انبیا)

إنّ الذین ءامنوا . .. لاتهوی انفسهم فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

از اهداف این بخش از آیات با توجه به ذکر مسلمانان در ابتداء کلام (ان الذین ءامنوا) و آنگاه بیان سرگذشت شوم بنی اسرائیل، این است که مسلمانان را از گرفتار شدن به چنین سرنوشتی پرهیز دهد و به آنان گوشزد کند که آنان نیز در خطر آلودگی به چنین اعمال ناروایی هستند.

یوشع بن نون و بنی اسرائیل

- سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۹

۱۹ یوشع و کالب برای مقابله با زورگویان و پیروزی بر آنان ، قوم موسی (ع) را به تلاش همراه با توکل بر خدا فرا خواندند .

ادخلوا علیهم الباب . .. فانکم غلبون و علی اللّه فتوکلوا

یهود و انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۱

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علینا . .. قل فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و . . .) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما . ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علینا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

یهود و انبیای غیر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۱

۱۱ - یهودیان ، به هر پیامبری که از نژاد اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و يكفرون

بما وراءه

بنی قریظه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بنی قریظه

اخراج یهود بنی قریظه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۶ – ۱،۲،۷

۱ – خداوند ، یهود بنی قریظه را از قلعه های مستحکم خود بیرون کشید تا در دسترس مسلمانان مدینه قرار گیرند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب من صیاصیهم . ..فریقًا تقتلون

<صیاصی> جمع <صیصیه> است و <صیصیه> به دژ و قلعه و هر آنچه را که بتوان در پناه آن خود را حفظ کرد، گفته می شود (مفردات راغب).

۲ – توان مندی و شکست ناپذیری خداوند ، یهودیان را از قلعه های مستحکم خویش ، فرود آورد .

و کان اللّه قویًّا عزیزًا . و أنزل الذین ظهروا من أهل الکتب من صیاصیهم

۷ – چیره شدن ترس بر یهود بنی قریظه ، موجب شد که آنان ، بدون هیچ گونه زحمتی از قلعه های مستحکم خارج شوند . *

و أنزل الذین ظهروهم . .. و قذف فی قلوبهم الرعب

ممکن است چنان چه در کتاب های سیره و تاریخ آمده است واقعیت امر، چنین باشد که بر یهودیان، ترس چیره شد و باعث گردید که آنها، از قلعه های مستحکم خود بیرون بیایند و به راحتی در دست رس سپاه مسلمانان قرار بگیرند. بنابراین، ذکر <أنزل> پیش از <قذف> ممکن است به خاطر اهمیت خارجی آن باشد.

اسارت یهود بنی قریظه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۶ – ۱۱

۱۱ – گروهی از یهود بنی قریظه ، به اسارت سپاه مسلمانان در آمدند .

و تأسرون فريقًا

ترس يهود بنى قريظه

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۳،۶،۷،۱۲

۳ - دل های یهودیان بنی قریظه ، آکنده از ترس و وحشت از مسلمانان مدینه شده بود .

و قذف فی قلوبهم الرعب

<رعب> در لغت، بریدن و لاعلاج شدن ناشی از ترسی است که همه جان را فراگرفته است (مفردات راغب).

۶ - خداوند ، بر دل های یهود بنی قریظه ، ترس و وحشت افکند .

و قذف فی قلوبهم الرعب

۷ - چیره شدن ترس بر یهود بنی قریظه ، موجب شد که آنان ، بدون هیچ گونه زحمتی از قلعه های مستحکم خارج شوند . *

و أنزل الذین ظهروهم . .. و قذف فی قلوبهم الرعب

ممکن است چنان چه در کتاب های سیره و تاریخ آمده است واقعیت امر، چنین باشد که بر یهودیان، ترس چیره شد و باعث گردید که آنها، از قلعه های مستحکم خود بیرون بیایند و به راحتی در دست رس سپاه مسلمانان قرار بگیرند. بنابراین، ذکر <أنزل> پیش از <قذف> ممکن است به خاطر اهمیت خارجی آن باشد.

۱۲ - چیره شدن ترس بر سپاه یهود بنی قریظه ، باعث از بین رفتن توان رزمی آنان شد و به راحتی ، به دست مسلمانان مدینه ، شکست خوردند .

و قذف فی قلوبهم الرعب فریقًا تقتلون و تأسرون فریقًا

تملک اموال یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۱،۲،۹

۱ - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثکم

أرضهم و ديرهم و أمولهم

۲ – خداوند فراهم آورنده زمینه تملّک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۹ – قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشـی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بو د .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب . .. و أورثکم أرضهم ... و کان اللّه علی کلّ ش

تملک خانه های یهود بنی قریظه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۷ – ۱،۲،۹

۱ – سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۲ – خداوند فراهم آورنده زمینه تملّک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۹ – قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشـی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بو د .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب . .. و أورثکم أرضهم ... و کان اللّه علی کلّ ش

تملک سرزمین یهود بنی قریظه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۷ – ۱،۲،۳،۹

۱ – سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۲ – خداوند فراهم آورنده زمینه تملّک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی

قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۳ - وعده خداوند به مسلمانان مدینه برای تصاحب سرزمین هایی علاوه بر سرزمین یهود بنی قریظه که هیچ گاه برای تملّک آنها ، اقدامی صورت نمی دادند .

و أورثکم . .. و أرضًا لم تطئوها

<وطئ> به معنای <گرفتن به شدت و زور> است. مراد از <و أرضاً لم تطئوها> به رغم ماضی بودن <لم تطئوها> سرزمینی است که در آینده به دست مسلمانان می افتاد. آوردن فعل ماضی، یا برای قطعی بودن آن است و یا به دلیل عطف به فعل محذوفی مانند <یورثکم> می باشد.

۹ - قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب . .. و أورثکم أرضهم ... و کان اللّه علی کلّ ش

شکست یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - چیره شدن ترس بر سپاه یهود بنی قریظه ، باعث از بین رفتن توان رزمی آنان شد و به راحتی ، به دست مسلمانان مدینه ، شکست خوردند .

و قذف فی قلوبهم الرعب فریقًا تقتلون و تأسرون فریقًا

عوامل شکست یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۸،۹

۸ - قدرت مطلق خداوند ، عامل شکست یهود بنی قریظه و پیروزی مسلمانان مدینه بود .

أنزل الذین ظهروهم . .. فریقًا تقتلون ... وکان اللّه علی کلّ شیء قدیرًا

۹ – قدرت

مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب . .. و أورثکم أرضهم ... و کان اللّه علی کلّ ش

قتل یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - گروهی از یهود بنی قریظه ، به دست مسلمانان ، به قتل رسیدند .

فریقًا تقتلون

قلعه های یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱،۵،۷

۱ - خداوند ، یهود بنی قریظه را از قلعه های مستحکم خود بیرون کشید تا در دسترس مسلمانان مدینه قرار گیرند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب من صیاصیهم . ..فریقًا تقتلون

<صیاصی> جمع <صیصیه> است و <صیصیه> به دژ و قلعه و هر آنچه را که بتوان در پناه آن خود را حفظ کرد، گفته می شود (مفردات راغب).

۵ - یهود بنی قریظه ، دژ های مستحکمی داشتند .

أهل الکتب من صیاصیهم

۷ - چیره شدن ترس بر یهود بنی قریظه ، موجب شد که آنان ، بدون هیچ گونه زحمتی از قلعه های مستحکم خارج شوند . *

و أنزل الذین ظهروهم . .. و قذف فی قلوبهم الرعب

ممکن است چنان چه در کتاب های سیره و تاریخ آمده است واقعیت امر، چنین باشد که بر یهودیان، ترس چیره شد و باعث گردید که آنها، از قلعه های مستحکم خود بیرون بیایند و به راحتی در دست رس سپاه مسلمانان قرار بگیرند.

بنابراین، ذکر <أنزل> پیش از <قذف> ممکن است به خاطر اهمیت خارجی آن باشد.

معاهده یهود بنی قریظه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۶ – ۴

۴ – یهود بنی قریظه ، در غزوه احزاب ، همْ پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب

مراد از <الذین ظاهروا> یهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر <هم>، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان مدینه را بر عهده داشتند.

یهود بنی قریظه در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۰ – ۴

۴ – یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۶ – ۴

۴ – یهود بنی قریظه ، در غزوه احزاب ، همْ پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب

مراد از <الذین ظاهروا> یهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر <هم>، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان

مدینه را بر عهده داشتند.

یهود

بنی قریظه و مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۶ – ۳

۳ – دل های یهودیان بنی قریظه ، آکنده از ترس و وحشت از مسلمانان مدینه شده بود .

و قذف فی قلوبهم الرعب

<رعب> در لغت، بریدن و لاعلاج شدن ناشی از ترسی است که همه جان را فراگرفته است (مفردات راغب).

بنیامین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بنیامین

آثار اتهام دزدی به بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۱ – ۶

۶ اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنک سرق

لحن جمله <إن ابنك سرق> (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

آثار محبت یعقوب(ع) به بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸ – ۷

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف (ع)

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

چنـان چه یوسف(ع) رؤیـای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شـده بود ، سـخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

آثار ملاقات یوسف(ع) با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ توفیق ملاقات یوسف (ع) در مقام عزیزی مصر با برادرش بنیامین ، از میان برنده تلخ کامی ها و زایل

کننده ناراحتی آن دو از بد رفتاری های گذشته برادران

إنی أنا أخوک فلاتبتئس بما کانوا یعملون

تفریع <فلاتبتئس . ..> به وسیله حرف <فاء> بر <إنی أنا أخوک> بیانگر دلیل یوسف(ع) برای جا نداشتن حزن و اندوه بر رفتار ناپسند برادرانش است ; یعنی، یوسف(ع) با این تفریع بیان می دارد که هر چند بر اثر رفتار آنان مشکلاتی را متحمل شدم ; ولی همانها زمینه شد که به این مقام نایل شوم. بنابراین نه تو و نه من نباید از عملکرد برادرانمان محزون باشیم.

اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱،۲،۷،۸

۱ برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند .

قالوا إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

۲ برادران یوسف در حضور او ، بنیامین را به داشتن روحیه سرقت متهم کردند .

قالوا إن یسرق

چون از نظر ظاهر بنیامین سارق شناخته شد، اقتضای مقام آن بود که برادران یوسف از فعل ماضی (سرق) استفاده می کردند. آنان با آوردن فعل مضارع (یسرق) که دلالت بر استمرار و تجدد دارد به جای فعل ماضی درصدد بیان این معنا بودند که بنیامین دارای روحیه سرقت است.

۷ فرزندان یعقوب گرایش بنیامین به دزدی را از ناحیه مادر وی دانسته و او را منشأ پیدایش ناهنجاری فرزندانش شمردند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

جواب شرط (إن یسرق) جمله ای محذوف است و جمله <فقد سرق . ..> - از باب آمدن سبب به جای مسبب - جانشین جواب

می باشد. بنابراین جمله <إن یسرق ...> چنین معنا می شود: اگر او دزدی کرد خلاف انتظار نیست; زیرا برادر مادری اش نیز دزدی کرده بود پس دزدی آنان ریشه مادری دارد.

۸ فرزندان یعقوب با این تحلیل که دزدی بنیامین ریشه مادری دارد ، درصدد پیراستن خویش از عار و ننگ دزدی او بودند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

برادران یوسف با توصیف بنیامین به دارا بودن روحیه دزدی (إن یسرق) و اثبات آن با مطرح ساختن دزدی برادر مادری اش، درصدد بیان این معنا بودند که مادر آن دو در پیدایش روحیه دزدی نقش داشته ; ولی سایر برادرانش چون از مادرانی دیگرند، از این ناهنجاری پیراسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۸

۸ دزدی مخفیانه بنیامین و ناتوانی برادران از مراقبت وی در نهان ، اعتذار آنان نزد یعقوب (ع) از باز نگرداندن او

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا . .. و ما کنا للغیب حفظین

جمله <و ما کنا . ..> در حقیقت پاسخ به پرسشی است که لاوی انتظار آن را از یعقوب(ع) داشت و آن اینکه: گیرم بنیامین دزدی کرد ، چرا او را از دزدی کردن باز نداشتید تا کار به آنچه می گویید بینجامد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۶

۶ لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

و إنا لصدقون

احترام بنیامین به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۹ - ۶۳

۹ بنیامین بدون رخصت پدرش یعقوب (ع) به مسافرت اقدام نمی کرد .

ا$ز اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواست

ز اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواستند که وی را به همراه ایشان بفرستد (فأرسل معنا أخانا) معلوم می شود که بنیامین بدون اجازه پدرش به مسافرت نمی رفت.

احساسات خطر برای بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۸

۸ احساس خطر برای بنیامین ، دلیل یعقوب (ع) بر عدم موافقتش با مسافرت وی

جلوگیری می کرد. جمله <إنا له لحافظون> می رساند که از دلایل این امر ، احساس خطر ب

اذیت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۲،۳،۸

۲ بنیامین ، برادر پدری و مادری یوسف (ع) ، همچون یوسف (ع) ، مورد آزار و اذیت برادرانش بود .

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

۳ بنیامین برخورد های نامناسب و آزار های برادرانش را برای یوسف (ع) شرح داده بود .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> گویای این است که فرزندان یعقوب بنیامین را نیز آزار داده بودند و یوسف(ع) از آن مطلع بود و ظاهر این است که او از طریق بنیامین با خبر شده بود.

۸ برادران یوسف پس از سپری کردن برهه ای از عمرشان از آزار و اذیت بنیامین دست کشیدند

*.

هل علمتم ما فعلتم بيوسف و أخيه إذ أنتم جهلون

چون <إذ أنتم جاهلون> ظرف برای <فعلتم> است، زمان آن فعل را مقید به زمان جهل و نادانی برادران یوسف می کند و این مفهوم را القا می کند که پس از آن زمان، برخوردشان با بنیامین برخورد نامناسبی نبوده است. تناسب حکم و موضوع و طبیعت حال، این احتمال را به ذهن می آورد که بگوییم آن زمان، زمان جدایی ایشان بوده است.

اندوه بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۹ – ۶

۶ تأسّف و اندوه بنیامین از رفتار گذشته برادرانش در ماجرای ناپدید شدن یوسف (ع)

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

اهتمام لاوی به بازگشت بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۰ – ۷

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا من الله

لاوی با تفریع جمله <فلن أبرح . ..> بر <ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا> بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

بازداشت بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۸ – ۱

۱ یوسف (ع) بنیامین را بازداشت کرد و از رفتن او به همراه برادرانش جلوگیری کرد .

فهو جزؤه .

.. قالوا يأيها العزيز إن له أبًا شيخًا كبيرًا

الدرالمنثور، ج۴، ص۵۶۴.

بازرسی مال التجاره بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۲،۳

۲ یوسف (ع) پیش از بازرسی اثاثیه بنیامین ، به تفتیش دقیق بار و اثاثیه دیگر فرزندان یعقوب پرداخت .

فبدأ بأوعیتهم قبل وعاء أخیه ثم استخرجها من وعاء أخیه

کلمه <ثم> دلالت می کند که مدتی طول کشید تا نوبت بازرسی بار بنیامین فرا رسید. و این حکایت از آن دارد که بازرسی اثاثیه دیگر برادران به دقت انجام می گرفته که کار به درازا کشیده شده بود.

۳ یوسف (ع) در بازرسی بار بنیامین ، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد .

ثم استخرجها من وعاء أخیه

ضمیر مفعولی در <استخرجها> به <صواع> و یا <سقایه> باز می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل <استخرج> (بیرون آورد) به جای <وجد> (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

برادران یوسف و استرداد بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ دریافت آذوقه در نزد فرزندان یعقوب ، دارای اهمیت بیشتر از یافتن و جست و جو کردن یوسف (ع) و استرداد بنیامین *

یأیها العزیز مسّنا و أهلنا الضر . .. فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

فرزندان یعقوب به فرمان وی به مصر آمدند تا از یوسف(ع) خبر بگیرند و بنیامین را باز ستانند ، ولی پیش از آن سخن از فقر و تنگدستی و مطالبه آذوقه دارند. این معنا می تواند

اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

برادران یوسف و بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۶،۷

۶ همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

ضمیر در <قالوا> به <إخوته> در آیه قبل برمی گردد ; یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف (ع)

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

چنان چه یوسف(ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۵

۵ برادران یوسف در صورت نبود او ، بنیامین را رقیب خویش در جلب محبت یعقوب (ع) نمی دیدند .

لیوسف و أخوه أحب . .. اقتلوا یوسف ... یخل لکم وجه أبیکم

برادران یوسف از محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) و نیز بنیامین در رنج بودند ; ولی با از میان بردن یوسف(ع) مشکل را حل شده می دانستند. بنابراین چنین می پنداشتند که بنیامین ، نمی تواند مانع توجه کامل یعقوب(ع) به آنان باشد.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۱ – ۴،۵

۴ فرزندان یعقوب برای آوردن بنیامین به مصر ، راهی جز جلب رضایت یعقوب (ع) نداشتند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

۵ برادران یوسف ، با او عهد کردند که بنیامین را در نوبت بعد به حضور وی بیاورند .

سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۴ – ۱۶

۱۶ تعریض یعقوب (ع) به فرزندانش مبنی بر دلسوز نبودن آنان و ترحم نداشتنشان بر یوسف (ع) و بنیامین

هل ءامنکم علیه إلّا کما أمنتکم علی أخیه من قبل فالله خیر حفظًا و هو أرحم الرحمی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۶ – ۱۳

۱۳ فرزندان یعقوب سوگند یاد کردند و با خدا پیمان بستند که در حد استطاعت ، از بنیامین مراقبت کنند و او را به نزد پدر باز گردانند .

حتی تؤتون موثقًا . .. فلما ءاتوه موثقهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۸ – ۸

۸ برادران بنیامین می دانستند که وی در نزد پدرشان یعقوب ، از محبوبیت افزون تری برخوردار است .

فخذ أحدنا مکانه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۳

۳ فرزندان یعقوب بر باز گرداندن بنیامین از سفر مصر ، با پدرشان یعقوب پیمان بسته و سوگند یاد کرده بودند .

أن أباكم قد أخذ عليكم موثقًا من الله

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۹ – ۲،۸

۲ بنیامین ، برادر پدری و مادری یوسف (ع) ، همچون یوسف (ع) ، مورد آزار و اذیت برادرانش بود .

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

۸ برادران یوسف پس از سپری کردن برهه ای از عمرشان از آزار و اذیت بنیامین دست کشیدند . *

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

چون <إذ أنتم جاهلون> ظرف برای <فعلتم> است، زمان آن فعل را مقید به زمان جهل و نادانی برادران یوسف می کند و این مفهوم را القا می کند که پس از آن زمان، برخوردشان با بنیامین برخورد نامناسبی نبوده است. تناسب حکم و موضوع و طبیعت حال، این احتمال را به ذهن می آورد که بگوییم آن زمان، زمان جدایی ایشان بوده است.

برادران یوسف و دزدی بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۱ – ۳،۴،۵،۹

۳ لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

إن ابنک سرق و ما شهدنا إلّا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در <ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنک سرق). بر این اساس مفاد جمله <ما شهدنا ...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوییم (إن ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش

کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا . .. ما شهدنا إلاّ بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

۵ لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه ، به پدر بیان کنند .

یأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را با جمله <یأبانا> مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سخن بگویید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

۹ فرزندان یعقوب در صورت آگاهی به وجود جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، کیفر سارق در آیین خویش را بیان نمی کردند .

ما شهدنا إلاّ بما علمنا و ما کنا للغیب حفظین

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که مراد از شهادت در <ما شهدنا> بیان حکم سارق که آیه ۷۵ (جزاؤه من وجد فی رحله) رساننده آن است باشد. بر این اساس مفاد <ما شهدنا إلاّ بما علمنا و ما کنا للغیب حافظین> چنین می شود: ما به آنچه می دانستیم (کیفر سارق بردگی است) شهادت دادیم ; ولی نمی دانستیم که جام شاهی نزد بنیامین است تا از بیان آن حکم خودداری کنیم. قابل ذکر است که بر این مبنا <حافظین> به معنای <عالمین> خواهد بود.

برادران یوسف و مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۲،۳،۴،۵

۲ ممنوع شدن فرزندان یعقوب از دریافت سهمیه خوار و بار بدون همراهی بنیامین ، از گزارش های آنان به پدرشان

یعقوب بود .

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم . .. فلما رجعوا إلی أبیهم قالوا یأبانا منع منا الکی

۳ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به بنیامین از پدرشان خواستند او را به همراه آنان روانه مصر کند .

فأرسل معنا أخانا

هدف فرزندان یعقوب از نام نبردن بنیامین و یاد کردن از او به عنوان <أخانا> (برادرمان) اظهار محبت به اوست.

۴ فرزندان یعقوب بر حفاظت از بنیامین ، در طول سفرشان به مصر متعهّد شدند و بر آن تأکید کردند .

فأرسل معنا أخانا نکتل و إنا له لحفظون

۵ گزارش تحریم سهمیه آذوقه بدون همراهی بنیامین ، خبر و گزارشی مهم در دیدگاه فرزندان یعقوب

یأبانا منع منا الکیل

فرزندان یعقوب پیش از باز کردن بارها و محموله ها که معمولاً اولین اقدام مسافران و کاروانهاست خبر تحریم سهمیه آذوقه را برای پدرشان بیان کردند. این تعجیل نشان دهنده اهمیت این خبر در نظر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۷،۱۰،۱۱،۱۲

۷ فرزندان یعقوب با مشاهده سرمایه بازگردانده شده ، تلاش مجددی را برای جلب توافق پدر با مسافرت کردن بنیامین آغاز کردند .

قال هل ءامنکم . .. یأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا و نمیر أهلنا و نحفظ أ

سخنان فرزندان یعقوب (ما نبغی هذه بضاعتنا. ..) به قرینه مخاطب قرار دادن یعقوب (یا أبانا)، در راستای جلب موافقت وی برای سفر بنیامین بود.

۱۰ ضرورت تهیه طعام ، دغدغه خاطر نداشتن برای بهای آذوقه و لطف و عنایت خاص دربار مصر به فرزندان یعقوب ، دلیل های آنان برای لزوم سفر به مصر و اصرارشان بر

جلب موافقت پدر با مسافرت بنیامین

ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا و نمیر أهلنا

سخنان فرزندان یعقوب (یا أبانا هذه . ..) در راستای جلب رضایت وی برای سفر بنیامین است و هر جمله آن اشاره به دلیلی بر لزوم این مسافرت دارد. فرزندان یعقوب با جمله <ما نبغی ...> بیان می دارند که مورد توجه خاص عزیز مصر قرار گرفته اند و سزاوار نیست درخواست او (آوردن بنیامین) را برآورده نسازند. آنان با عطف جمله <نمیر أهلنا> بر جمله ای مقدر نظیر <نستظهر بها> (از این بضاعت باز گردانده شده برای تهیه آذوقه کمک می گیریم) بیان می کنند که مشکل نداشتن بهای آذوقه را ندارند و با جمله <نحفظ أخانا> می رسانند که به خاطر پاسخ مثبت به عزیز مصر و دریافت آذوقه، ملزم به حفظ برادرشان هستند و با جمله <ذلک کیل یسیر> بیان می کنند که سخت نیازمند تهیه طعام هستند.

۱۱ تعهد مجدد و محبت آمیز فرزندان یعقوب برای حفاظت از برادرشان بنیامین در سفر به مصر

نمیر أهلنا و نحفظ أخانا

۱۲ لغو تحریم آذوقه و اضافه شدن یک بار شتر غلّه با آمدن بنیامین به مصر ، از دلیل های ارائه شده به یعقوب (ع) برای جلب موافقت آن حضرت به روانه ساختن بنیامین

و نزداد کیل بعیر ذلک کیل یسیر

<ازدیاد> (مصدر <نزداد> از باب افتعال) به معنای درخواست زیاده و اضافه است. <کیل بعیر> ; یعنی، بار و محموله ای که معمولاً بر یک شتر حمل می کنند. گفتنی است جمله های <فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم ...> و <منع منا الکیل> دلالت می کند بر اینکه یوسف(ع) اعطای

سهمیه به فرزنـدان یعقوب را بـدون همراهی بنیامین ممنوع و تحریم کرد. بنابراین مراد از <نزداد کیل بعیر> این است که اگر بنیامین را به همراه ببریم علاوه بر لغو تحریم، یک بار اضافه نیز مطالبه می کنیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۶ – ۱

۱ یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندانش ، موافقت نمود .

قال لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا

برادران یوسف و نجات بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۸ – ۲،۳،۶،۷،۱۱

۲ فرزندان یعقوب با تحریک عواطف یوسف (ع) درصدد جلب رضایت او و برای آزادسازی بنیامین برآمدند .

قالوا یأیها العزیز إن له أبًا شیخًا کبیرًا

۳ اقتدار یوسف (ع) بر انجام خواسته های خویش ، نیکوکار بودن وی و سزاواری یعقوب (ع) برای ترحم ، دلیل های ارائه شده از سوی فرزندان یعقوب به یوسف (ع) برای آزادسازی بنیامین

قالوا یأیها العزیز إن له أبًا شیخًا کبیرًا . .. إنا نریک من المحسنین

هدف برادران یوسف از مخاطب ساختن یوسف(ع) با عنوان <عزیز> بیان اقتدار او بر انجام خواسته هایش است، و توصیف یعقوب به <پیرمردی سالخورده> بیان سزاواری او برای ترحم است و مدح یوسف(ع) به نیکوکاری به منظور ترغیب او به احسان و گذشت می باشد.

۶ بازداشت یکی از برادران بنیامین در مقابل آزاد کردن او ، پیشنهاد برادران به یوسف

فخذ أحدنا مکانه

۷ فداکاری و گذشت برادران بنیامین ، برای باز گرداندن او به پدرشان یعقوب

فخذ أحدنا مکانه

۱۱ مشاهده نیکوکار

بودن یوسف ، مایه تشجیع فرزندان یعقوب به تقاضای آزادی بنیامین و بازداشت یکی از آنان به جای وی

فخذ أحدنا مکانه إنا نریک من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱

۱ یوسف (ع) پیشنهاد فرزندان یعقوب (بازداشت یکی از آنان به جای بنیامین) را نپذیرفت .

فخذ أحدنا مکانه . .. قال معاذ الله أن نأخذ إلاّ من وجدنا

<معاذ> مصدر میمی و مفعول مطلق برای فعل محذوف است (نعوذ بالله معاذاً). عبارت <أن نأخذ> به تقدیر <من> و متعلق به <معاذ الله> می باشد. بنابراین جمله <معاذ الله أن نأخذ ...> ; یعنی، به خدا پناه می بریم پناه آوردنی از اینکه بگیریم (بازداشت کنیم) مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافتیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب به جلب رضایت یوسف موفق نشدند و از آزاد شدن بنیامین کاملاً ناامید گشتند .

فلما استیئسوا منه

<یأس> <و استیئاس> به معنای ناامید شدن است، با این تفاوت که <استیئاس> حاکی از مبالغه و شدت ناامیدی می باشد. مراد از ضمیر در <منه> یوسف و یا بنیامین است. بنابراین <فلما استیئسوا منه ...> ; یعنی، پس آن گاه که فرزندان یعقوب از [جلب رضایت]یوسف و یا [آزادی] بنیامین کاملاً ناامید شدند ... .

۲ فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین ، در کناری به دور از یوسف و کارگزارانش برای چاره اندیشی درباره مشکل پیش آمده به مشورت و گفت و گوی محرمانه پرداختند .

فلما

استیئسوا منه خلصوا نجیًّا

از معانی <خلوص> اعتزال و کناره گیری کردن است. <نجیّ> به فرد و یا افرادی اطلاق می گردد که در نهان با او گفت و گو شود. این کلمه در آیه شریفه حال برای فاعل <خلصوا> می باشد. بنابراین <خلصوا نجیّاً> ; یعنی، برادران یوسف از دیگران جدا شدند و با یکدیگر به نجوا و گفت و گوی سرّی پرداختند.

بنیامین از متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۷

۷ یوسف (ع) و بنیامین از تقواپیشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

بنیامین از محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۷

۷ یوسف (ع) و بنیامین از تقواپیشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

بنیامین در فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۴

۴ فراق یوسف (ع) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر ، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

<ما> در عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

بنیامین و اندوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۹ – ۷

۷ یوسف (ع) از برادرش بنیامین

خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلاتبتئس بما كانوا يعملون

بنیامین و برخورد برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۶

۶ تأسّف و اندوه بنیامین از رفتار گذشته برادرانش در ماجرای ناپدید شدن یوسف (ع)

فلاتبتئس بما كانوا يعملون

بنیامین و رضایت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۹

۹ بنیامین بدون رخصت پدرش یعقوب (ع) به مسافرت اقدام نمی کرد .

ا$ز اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواست

ز اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواستند که وی را به همراه ایشان بفرستد (فأرسل معنا أخانا) معلوم می شود که بنیامین بدون اجازه پدرش به مسافرت نمی رفت.

بنیامین و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۶

۶ تأسّف و اندوه بنیامین از رفتار گذشته برادرانش در ماجرای ناپدید شدن یوسف (ع)

فلاتبتئس بما كانوا يعملون

بنیامین و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱

۱ از میان برادران یوسف ، بنیامین برادر پدری و مادری یوسف (ع) و سایرین ، برادران پدری او بودند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه

فرزندان یعقوب، بنیامین را برادر یوسف می خواندند، با اینکه وی نیز فرزند یعقوب(ع) و با آنان برادر بود

(لیوسف و أخوه). این تعبیر می رساند که ارتباط اخوّت میان یوسف(ع) و بنیامین قوی تر از ارتباط اخوّت وی با دیگر فرزندان یعقوب می باشد ; یعنی، بنیامین برادر پدر و مادری یوسف(ع) و با سایر برادران، برادر پدری بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۴

۴ بنیامین به اینکه عزیز مصر ، برادر ناپدید شده وی (یوسف (ع)) باشد ، ناباور بود .

إنی أنا أخوك

تأکید حکم در جمله <إنی أنا أخوك> با اسمیه آوردن جمله به همراه حرف تأکید <إنّ> و ضمیر فصل (أنا) گویای تردید و شک بنیامین در برادری عزیز مصر با اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۶

۶ بنیامین و یوسف (ع) دو فرزند یعقوب (ع) از یک مادر

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۳

۳ بنیامین برخورد های نامناسب و آزار های برادرانش را برای یوسف (ع) شرح داده بود .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> گویای این است که فرزندان یعقوب بنیامین را نیز آزار داده بودند و یوسف(ع) از آن مطلع بود و ظاهر این است که او از طریق بنیامین با خبر شده بود.

تأثیر بازداشت بنیامین در یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۲

۲ ماجرای بنیامین ،

خاطره یوسف (ع) را برای یعقوب (ع) تجدید کرد و موجب اظهار تأسف شدید او بر فراق یوسف (ع) شد .

و قال یأسفی علی یوسف

حرف <الف> در آخر <اسفی> منقلب از یای متکلم است. بنابراین <یأسفی> ، یعنی ای دریغ من.

تشویق به آوردن بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۹

۹ یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان ، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

ائتونی بأخ لکم من أبیکم ألا ترون أنی أُوفی الکیل و أنا خیر المنزلین

جمله <ألا ترون . ..> (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از <ائتونی بأخ لکم> بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

تهمت به مادر بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۷

۷ فرزندان یعقوب گرایش بنیامین به دزدی را از ناحیه مادر وی دانسته و او را منشأ پیدایش ناهنجاری فرزندانش شمردند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

جواب شرط (إن یسرق) جمله ای محذوف است و جمله <فقد سرق . ..> - از باب آمدن سبب به جای مسبب - جانشین جواب می باشد. بنابراین جمله <إن یسرق ...> چنین معنا می شود: اگر او دزدی کرد خلاف انتظار نیست؛ زیرا برادر مادری اش نیز دزدی کرده بود پس دزدی آنان ریشه مادری دارد.

جستجوی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۷ – ۲،۴،۶

۲ یعقوب (ع) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها بپردازند .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

۴ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لاتأیئسوا من روح الله

۶ یعقوب (ع) مطمئن به یاری و رحمت خداوند در یافتن یوسف و بنیامین

فتحسسوا من یوسف و أخیه و لاتأیئسوا من روح الله

جلوه و نمود رحمت خداوند در آیه شریفه ، یاری و کمک او در یافتن یوسف و دستیابی به بنیامین است.

حکمت در فراق بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۲۵

۲۵ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

درخواست استرداد بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۸ – ۱۲

۱۲ فرزندان یعقوب از یوسف (ع) تقاضا کردند برادرشان بنیامین را به آنان باز گرداند .

و تصدق علينا

در اینکه مقصود فرزنـدان یعقوب از عطیه درخواسـتی چیست سه نظر ایراد شـده است: ۱منظور بنیـامین است که به ظاهر ملک یوسف(ع) می باشد. ۲ مقصود آنان مقداری بیش از سهمیه و

جیره ایشان است. ۳مراد همان سهمیه است بدون دریافت همه بهای آن. برداشت فوق، ناظر به اولین احتمال است.

درخواست تفحص از دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۴

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصر و نیز از همسفران ایشان ، داستان سرقت بنیامین را جویا شود .

فقولوا یأبانا . .. وسئل القریه ... والعیر التی أقبلنا فیها

<اقبال> (مصدر أقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن <إلیک> و مانند آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده و <فیها> حال برای ضمیر <أقبلنا> می باشد. بنابراین <وسئل ... العیر التی ...> ; یعنی، از کاروانی بپرس که ما در میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است که آیه مورد بحث نیز مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

دشمنان بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۶

۶ اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنک سرق

لحن جمله <إن ابنک سرق> (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

دعوت از بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۲

۲ یوسف (ع) در پی ملاقات با برادرانش ، بنیامین را فراخواند و او را در کنار خویش جای داد .

و لما دخلوا . .. ءاوى إليه أخاه

دلايل عدم همراهی بنيامين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸

- یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۳

۳ علاقه شدید یعقوب (ع) به بنیامین ، دلیل برادران یوسف برای همراه نبودن بنیامین با آنان

قالوا سنرود عنه أباه

<با پدرمان گفت و گو می کنیم و تلاش می نماییم که رضایت او را برای سفر بنیامین جلب کنیم> که مفاد <سنرود عنه أباه> می باشد اشاره ای است از سوی برادران یوسف به او که علت همراه نبودن بنیامین ، ممانعت پدرشان می باشد.

رازداری بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۸

۸ یوسف (ع) به رازداری بنیامین ، اطمینان داشت .

إنی أنا أخوك

رضایت به مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۲

۲ یعقوب (ع) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را ، منوط به آن دانست که فرزندانش وثیقه ای الهی بسپارند (با خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند) .

لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا من الله

<موثق> به معنای عهد و پیمان است که به دلیل <لام> قسم در <لتأتنّنی> عهد و پیمانی است همراه با سوگند. <من الله> بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثقًا) ; یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

رنجهای بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۴

۴ فراق یوسف (ع) و بنیامین و جدایی آنان از

یکدیگر ، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

<ما> در عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

شک بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۴

۴ بنیامین به اینکه عزیز مصر ، برادر ناپدید شده وی (یوسف (ع)) باشد ، ناباور بود .

إنی أنا أخوك

تأکید حکم در جمله <إنی أنا أخوك> با اسمیه آوردن جمله به همراه حرف تأکید <إنّ> و ضمیر فصل (أنا) گویای تردید و شک بنیامین در برادری عزیز مصر با اوست.

شیوع دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۱،۲

۱ خبر دزدی بنیامین در آبادی محل سکونت یوسف (مصر) ، شایع شده بود .

وسئل القریه التی کنا فیها

<قریه> به محل سکونت و اجتماع انسانها (شهر و روستا) گفته می شود. از این رو در برداشت از آن به <آبادی> تعبیر شد. پرسش از آبادی با اینکه مقصود پرسش از اهل آبادی است، برای رساندن این معناست که: خبر سرقت بنیامین در شهر شایع شده و همگان از آن مطلع بودند.

۲ کاروانیان همراه فرزندان یعقوب به ماجرای دزدی بنیامین آگاه بودند .

وسئل . .. العیر التی أقبلنا فیها

صبر بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۷

۷ یوسف (ع) و بنیامین از تقواپیشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علینا

إنه من يتّق و يصبر فإن الله لايضيع أجر المحسنين

ظلم به بنيامين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۹ – ۵

۵ یوسف (ع) جهل و نادانی برادرانش را منشأ ستم آنان به وی و بنیامین دانست .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

عزت بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۹

۹ حفظ عزت بنیامین و درمانده و خوار نگشتن او به مانند دیگر برادرانش ، نشانه ضایع نشدن پاداش تقواپیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

علاقه یعقوب(ع) به بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۴ – ۴

۴ تعلق قلبی یعقوب (ع) به یوسف (ع) ، بسی افزون تر از تمایل او به بنیامین و دیگر برادرانش بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا . .. و قال یأسفی علی یوسف

علاقه یوسف(ع) به بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۰ – ۸

۸ اشتیاق وافر یوسف (ع) به بنیامین و دیدار او

ائتونی بأخ لکم . .. فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم عندی و لاتقربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۸

۸ یوسف (ع) به آمدن برادرش بنیامین به مصر علاقه ای وافر داشت و بدان امید بسته بود .

اجعلوا بضعتهم فی

رحالهم . .. لعلهم يرجعون

عوامل رفع اندوه بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ توفیق ملاقات یوسف (ع) در مقام عزیزی مصر با برادرش بنیامین ، از میان برنده تلخ کامی ها و زایل کننده ناراحتی آن دو از بد رفتاری های گذشته برادران

إنی أنا أخوك فلاتبتئس بما كانوا یعملون

تفریع <فلاتبتئس . ..> به وسیله حرف <فاء> بر <إنی أنا أخوك> بیانگر دلیل یوسف(ع) برای جا نداشتن حزن و اندوه بر رفتار ناپسند برادرانش است ; یعنی، یوسف(ع) با این تفریع بیان می دارد که هر چند بر اثر رفتار آنان مشکلاتی را متحمل شدم ; ولی همانها زمینه شد که به این مقام نایل شوم. بنابراین نه تو و نه من نباید از عملکرد برادرانمان محزون باشیم.

غیرقانونی بودن بازداشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۷

۷ نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت ، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر ، برای یوسف (ع) مجاز نبود .

ما كان لیأخذ أخاه فی دین الملك

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به <ملك> قوانین و مقررات حاكم بر مصر می باشد. قابل ذكر است كه به قرینه <فما جزاؤه ...> در آیه ۷۴، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاكم مصر می توانست بر آن اساس حكم كند.

فضایل بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱۲ - ۹۰ - ۷

۷ یوسف (ع) و بنیامین از تقواپیشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

فلسفه تهمت به مادر بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۸

۸ فرزندان یعقوب با این تحلیل که دزدی بنیامین ریشه مادری دارد ، درصدد پیراستن خویش از عار و ننگ دزدی او بودند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

برادران یوسف با توصیف بنیامین به دارا بودن روحیه دزدی (إن یسرق) و اثبات آن با مطرح ساختن دزدی برادر مادری اش، درصدد بیان این معنا بودند که مادر آن دو در پیدایش روحیه دزدی نقش داشته ; ولی سایر برادرانش چون از مادرانی دیگرند، از این ناهنجاری پیراسته اند.

فلسفه نگهداری بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۶

۶ حضور بنیامین نزد یوسف (ع) ، به سود و منفعت یوسف (ع) بود .

کذلک کدنا لیوسف

لام در <لیوسف> لام منفعت است. بنابراین نقشه طرح شده و هدف از آن (نگه داشتن بنیامین) در جهت منافع یوسف(ع) بوده است.

کاروان تجاری و دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۲

۲ کاروانیان همراه فرزندان یعقوب به ماجرای دزدی بنیامین آگاه بودند .

وسئل . .. العیر التی أقبلنا فیها

کیفر بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۶ – ۴

۴ طرح

و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

کذلک کدنا لیوسف

گواهان دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۶

۶ اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنک سرق

لحن جمله <إن ابنک سرق> (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

گواهی بر دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۲،۳،۴

۲ شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید ، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنک سرق

۳ لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

إن ابنک سرق و ما شهدنا إلّا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در <ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنک سرق). بر این اساس مفاد جمله <ما شهدنا ...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوییم (إن ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا . .. ما شهدنا إلّا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای

برداشت فوق است.

گواهی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۵

۵ عزیز مصر برادرش بنیامین را شاهدی بر صدق دعوای خویش (من یوسفم) دانست .

قال أنا یوسف و هذا أخی

جمله <هذا أخی> می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای <قد منّ الله> باشد به عنوان شاهدی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوّت ما را درخواهید یافت.

لاوی و اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۷

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما کنا للغیب حفظین

در معنای جمله <و ما کنا . ..> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنک سرق> گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم ; یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

لاوی و دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۱

۱ لاوی ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به کنعان ، نحوه گزارش سرقت بنیامین را به آنان تعلیم داد .

قال كبيرهم . ..

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا يأبانا إن ابنک سرق

لاوی و نجات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۶

۶ ناراحتی و شرمساری فرزند ارشد یعقوب از توفیق نیافتن در عمل به عهد و پیمان خویش (بازگرداندن بنیامین)

قال کبیرهم . .. قد أخذ علیکم موثقًا ... فلن أبرح الأرض

مجازات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۴

۴ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

کذلک کدنا لیوسف

محافظت از بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۴

۴ فرزندان یعقوب بر حفاظت از بنیامین ، در طول سفرشان به مصر متعهّد شدند و بر آن تأکید کردند .

فأرسل معنا أخانا نکتل و إنا له لحفظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۳

۳ بی تعهدی برادران یوسف در حفاظت از او ، دلیل یعقوب (ع) برای اطمینان نکردن بر تعهد آنان به حفاظت از بنیامین

هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) اعتماد و اطمینان به فرزندانش درباره بنیامین را، به اعتماد و اطمینانش به آنان درباره یوسف(ع) تشبیه کرد. وجه شبه در این تشبیه بی ثمری و نتیجه بخش نبودن است. بنابراین مفاد <هل ءامنکم علیه إلاّ ـ...> چنین می شود: اعتماد من به شما [اگراعتماد کنم]در بی نتیجه ماندن و ثمر نداشتن

نیست مگر همانند اعتمادم به شما درباره یوسف(ع).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ تعهد مجدد و محبت آمیز فرزندان یعقوب برای حفاظت از برادرشان بنیامین در سفر به مصر

نمیر أهلنا و نحفظ أخانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۳،۵،۶،۱۳

۳ یعقوب در توصیه بر حفاظت از بنیامین به فرزندانش تأکید کرد که هیچ عذری جز مغلوب شدن و ناتوان گشتن را از آنان نخواهد پذیرفت .

حتی تؤتون موثقًا من الله لتأتنّنی به إلاّ أن یحاط بکم

۵ یعقوب (ع) از فرزندانش انتظار نداشت با به خطر انداختن خویش در حفظ بنیامین و باز$ گرداندن او تلاش کنند .

إلاّ أن یحاط بکم

احاطه که ظاهراً مصدر <یحاط> است به معنای گرفتن پیرامون چیزی از همه جوانب آن است و در آیه شریفه کنایه از مغلوب شدن و بسته شدن همه راهها و چاره هاست.

۶ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست صورت ناتوانی و عذر را ، در سوگندشان بر محافظت از بنیامین و باز گرداندن او استثنا کنند .

لتأتنّنی به إلاّ أن یحاط بکم

ظاهر این است که عبارت <إلاّ أن یحاط بکم> استثنا از قسم که مفاد <لتأتنّنی به> است می باشد. بر این اساس یعقوب(ع) به فرزندانش توصیه کرد که در اجرای صیغه سوگند مورد عذر و ناتوانی را استثنا کنند و چنین بگویند: <والله لنأتینک به إلاّ أن یحاط بنا> (به خدا سوگند بنیامین را به تو باز می گردانیم مگر مغلوب شویم و همه راهها و چاره ها

بر ما بسته شود).

۱۳ فرزندان یعقوب سوگند یاد کردند و با خدا پیمان بستند که در حد استطاعت ، از بنیامین مراقبت کنند و او را به نزد پدر باز گردانند .

حتی تؤتون موثقًا . .. فلما ءاتوه موثقهم

محبت به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۳

۳ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به بنیامین از پدرشان خواستند او را به همراه آنان روانه مصر کند .

فأرسل معنا أخانا

هدف فرزندان یعقوب از نام نبردن بنیامین و یاد کردن از او به عنوان <أخانا> (برادرمان) اظهار محبت به اوست.

محبت یعقوب(ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۳،۴،۶،۹،۱۳

۳ یوسف (ع) و بنیامین محبوب تر از دیگر فرزندان یعقوب در نزد آن حضرت

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا

مراد از <أخوه> چنانچه مفسران گفته اند بنیامین است.

۴ یوسف (ع) محبوب تر از بنیامین در نزد یعقوب (ع)

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا

برداشت فوق ، از تقدیم <یوسف> بر برادرش <بنیامین> استفاده شده است.

۶ همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا منا

ضمير در <قالوا> به <إخوته> در آيه قبل برمى گردد ; يعنى ، همه آنان چنين گفتند و بر اين نظر اتفاق داشتند.

۹ لطف و محبت افزون تر يعقوب (ع) به يوسف (ع) و بنيامين و

شایسته نبودن آن دو برای آن لطف و محبت ، از سخنان و پیش درآمد های جلسه مشورتی برادران یوسف علیه وی

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا و نحن عصبه إن أبانا لفی ضلل مبین

۱۳ محبت فراوان یعقوب (ع) به یوسف (ع) و بنیامین ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه دیگر فرزندان او

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب . .. إن أبانا لفی ضلل مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۱ – ۱،۲،۳

۱ یعقوب (ع) به فرزندش بنیامین علاقه ای ویژه داشت .

قالوا سنرود عنه أباه

۲ یعقوب (ع) ، همواره از مسافرت کردن بنیامین به همراه برادرانش ، جلوگیری می کرد .

قالوا سنرود عنه أباه

۳ علاقه شدید یعقوب (ع) به بنیامین ، دلیل برادران یوسف برای همراه نبودن بنیامین با آنان

قالوا سنرود عنه أباه

<با پدرمان گفت و گو می کنیم و تلاش می نماییم که رضایت او را برای سفر بنیامین جلب کنیم> که مفاد <سنرود عنه أباه> می باشد اشاره ای است از سوی برادران یوسف به او که علت همراه نبودن بنیامین ، ممانعت پدرشان می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۶ – ۴

۴ یعقوب (ع) ، علاقه ای وافر به بنیامین و سلامتی او داشت و جدایی و فراق او برایش رنج آور بود .

لتأتنّنی به

جمله های <إنا له لحافظون> و <فالله خیر حافظاً> در آیات پیشین دلالت بر آن داشت که یعقوب(ع) خواهان نرسیدن

گزند و آسیب به بنیامین بود و جمله <لتأتّننی به> (او را نزد من آورید) حاکی است که دوری او نیز بر آن حضرت مشکل بود و خواهان حضور وی نزد خویش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۸

۸ برادران بنیامین می دانستند که وی در نزد پدرشان یعقوب ، از محبوبیت افزون تری برخوردار است .

فخذ أحدنا مکانه

مسافرت بنیامین به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۵

۵ برادران یوسف به دستور وی موظف شدند بنیامین را در سفر آینده به همراه خویش بیاورند .

قال ائتونی بأخ لکم من أبیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۴،۵،۶،۷

۴ فرزندان یعقوب برای آوردن بنیامین به مصر ، راهی جز جلب رضایت یعقوب (ع) نداشتند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

۵ برادران یوسف ، با او عهد کردند که بنیامین را در نوبت بعد به حضور وی بیاورند .

سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

۶ برادران یوسف ، با او عهد کردند که پدرشان یعقوب (ع) را برای روانه ساختن بنیامین متقاعد کنند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

<مراوده> (مصدرنراود) به معنای درخواست با لطف و مداراست و <عنه> دلالت به مورد درخواست دارد. و مفاد <سنرود ...> چنین است، همانا با ملاطفت و مدارا از پدرش (پدر بنیامین) خواهیم خواست که وی را در سفر آینده با ما همراه سازد.

۷ تأکید برادران یوسف بر توانایی خویش برای جلب رضایت

پدر و آوردن بنیامین به نزد یوسف (ع)

إنا لفعلون

جمله <سنرود عنه أباه> این احتمال را برای یوسف(ع) ایجاد می کند که شاید پدرتان راضی نشد. برادران وی با جمله <إنا لفاعلون> به وی اطمینان می دهند که بدون هیچ تردید ، رضایت پدر را جلب خواهند کرد و بنیامین را خواهند آورد.

معرفی یوسف(ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۳

۳ یوسف (ع) در نشستی با بنیامین و به دور از حضور دیگر برادرانش ، خود را به وی شناساند .

قال إنی أنا أخوک

از آیات قبل و آیات بعد معلوم می شود که یوسف(ع) از اینکه برادرانش وی را بشناسند، امتناع داشت. بنابراین انجام معرفی خود به بنیامین در خفای از برادران بوده است. فصل جمله <قال ...> از ما قبل می تواند اشاره به این داشته باشد که سخن یوسف(ع) با برادرش در مقامی غیر از مقام ورود برادرانش بر وی انجام گرفته است.

ملاقات بنیامین با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱،۳،۵

۱ فرزندان یعقوب به همراه بنیامین به جایگاه یوسف (ع) درآمدند و به حضور وی رسیدند .

و لما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أخاه

۳ یوسف (ع) در نشستی با بنیامین و به دور از حضور دیگر برادرانش ، خود را به وی شناساند .

قال إنی أنا أخوک

از آیات قبل و آیات بعد معلوم می شود که یوسف(ع) از اینکه برادرانش وی را بشناسند، امتناع داشت. بنابراین انجام معرفی خود به

بنیامین در خفای از برادران بوده است. فصل جمله <قال ...> از ما قبل می تواند اشاره به این داشته باشد که سخن یوسف(ع) با برادرش در مقامی غیر از مقام ورود برادرانش بر وی انجام گرفته است.

۵ یوسف (ع) شرح ماجرای خود و برادرانش (داستان قرار دادن او در چاه کنعان و . . .) را برای بنیامین باز گفت .

قال إنی أنا أخوك فلاتبتئس بما كانوا یعملون

مراد از ضمیر در <كانوا> و <یعملون> برادران یوسف است. آوردن جمله <لا ـتبتئس> (اندوهگین نشو و تأسّف نخور) پس از <إنی أنا أخوك> می رساند كه یوسف(ع) پس از معرفی خویش، ماجرای چاه كنعان و مسائل پیرامون آن را برای بنیامین باز گفته بود و گرنه مجرد معرفی خودش، زمینه ای برای ناراحتی و اندوه بنیامین نداشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۴،۱۱

۴ بنیامین در سومین جلسه ملاقات فرزندان یعقوب با عزیز مصر ، حضور داشت .

و هذا أخی

۱۱ دیدار یوسف (ع) و بنیامین و پایان یافتن فراق آن دو ، از نعمت های بزرگ خداوند به ایشان

قال أنا یوسف و هذا أخی قد منّ الله علینا

ملاقات یوسف(ع) با بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۱۱

۱۱ دیدار یوسف (ع) و بنیامین و پایان یافتن فراق آن دو ، از نعمت های بزرگ خداوند به ایشان

قال أنا یوسف و هذا أخی قد منّ الله علینا

منشأ بازداشت بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸

- یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۵،۶

۵ یعقوب (ع) ، ماجرای گرفتاری بنیامین را نتیجه توطئه ای برخاسته از جلوه پرداز های نفس فرزندان خویش دانست .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

جمله <سوّلت لکم . ..> ; یعنی ، نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت. این جمله حاکی از اطمینان یعقوب به توطئه فرزندانش است.

۶ آگاهی یعقوب به اینکه بازداشت بنیامین بر اساس کید و نقشه ای از طرف فرزندانش (یوسف ، بنیامین یا برادران دیگر) بوده است . *

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

در اینکه چرا یعقوب(ع) گزارش فرزندانش را باور نکرد و آنان را علی رغم داشتن شهود عینی که جای شک باقی نمی گذاشت به تسویل کردن متهم ساخت، پاسخهایی ذکر کرده اند. آنچه به نظر روشن تر می رسد این است که: ۱ یعقوب(ع) به فراست خاص خویش و اطمینانش به درست کاری بنیامین دریافته بود که گزارش یاد شده واقعیت ندارد. ۲ کید و نقشه ای برای گرفتار شدن بنیامین در کار بوده و به اصطلاح کاسه ای زیر نیم کاسه بوده است. ۳ این کید و نقشه از ناحیه فرزندانش اجرا شده است. اینها واقعیتهایی بود که یعقوب(ع) به فراست دریافت ; ولی نکته ای که برای او پس از آنکه فهمیده بود نقشه گرفتاری بنیامین از ناحیه فرزندانش است مجهول و مبهم مانده بود، این بود که متوجه نشد خود بنیامین و یوسف طرّاح و مجری آن نقشه بودند.

نعمتهای بنیامین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۶،۱۱

۶ خداوند یوسف (ع) و بنیامین را از نعمتی بزرگ بهره مند ساخت .

قد منّ الله علینا

<منّ> به معنای احسان کردن و نعمت بخشیدن است. در <مفردات راغب> آمده که <منّه> به معنای نعمت گران سنگ است. مراد از ضمیر در <علینا> به قرینه جمله بعد (إنه من یتق ...) که تعلیل برای <قد منّ الله علینا> است یوسف(ع) و بنیامین می باشد نه همه برادران.

۱۱ دیدار یوسف (ع) و بنیامین و پایان یافتن فراق آن دو ، از نعمت های بزرگ خداوند به ایشان

قال أنا یوسف و هذا أخی قد منّ الله علینا

نگرانی از سرنوشت بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۴ – ۴

۴ احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت یوسف (ع) ، مایه نگرانی یعقوب (ع) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) با نام نبردن از یوسف(ع) و یاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوّت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

نگهداری بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۰ – ۱

۱ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگاهداشتن بنیامین نزد خویش

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقایه فی رحل أخیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۶ – ۴،۵،۱۴،۱۵،۲۱

۴ طرح

و نقشه يوسف (ع) براى نگه داشتن بنيامين ، كيفر و طرحى از ناحيه خداوند و به وحى او بود .

كذلك كدنا ليوسف

۵ گذاشـتن جـام شاهى در اثاثيه بنيامين ، جويا$ شـدن از مجازات سارق در آيين فرزنـدان يعقوب و تفتيش بار بنيامين پس از ساير برادران ، از الهامات خدا به يوسف (ع) براى نگه داشتن بنيامين نزد خود بود .

كذلك كدنا ليوسف

<كذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه اى دارد كه آيات ۷۰ تا ۷۵ بيانگر آن بود.

۱۴ مشيّت الهى ، زمينه ساز باقى ماندن بنيامين نزد يوسف (ع)

ما كان . .. إلّا أن يشاء الله

۱۵ يوسف (ع) جز به مشيت خدا و امداد او با هيچ سبب و مستمسكى ، نمى توانست بنيامين را نزد خويش نگه دارد .

ما كان ليأخذ أخاه فى دين الملك إلّا أن يشاء الله

۲۱ موفقيت يوسف (ع) در طرح و اجراى نقشه براى نگه داشـتن بنيامين ، جلوه اى از برترى او بر برادران خويش و نمودى از دانش افزون تر وى

كذلك كدنا ليوسف . .. نرفع درجت من نشاء و فوق كل ذى علم عليم

مصداق مورد نظر براى <من نشاء> يوسف(ع) است.

يعقوب(ع) در فراق بنيامين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۸

۸ يعقـوب (ع) بر آن بـود كه در فراق فرزنـدانش (يوسف (ع) ، بنيـامين و لاـوى) صـبرى نيكو و بـدور از هر گونه جزع و شكايت پيشه كند .

فصبر جميل

صبر جميل ، صبرى است كه در آن جزع

نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود(مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۶

۶ افول بینایی یعقوب (ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا . .. وابیضت عیناه من الحزن

یعقوب(ع) و اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲،۱۴

۲ یعقوب (ع) داستان سرقت بنیامین را داستانی ساختگی یافت و گفته های فرزندانش را باور نکرد .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه <بل> دلالت می کند که یعقوب(ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت.

۱۴ یعقوب (ع) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

یعقوب(ع) و بازداشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۳،۶

۳ یعقوب (ع) ، فرزندانش را در گرفتاری بنیامین و باز نگشتن وی مقصر دانست .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

۶ آگاهی یعقوب به اینکه بازداشت بنیامین بر اساس کید و نقشه ای از طرف فرزندانش (یوسف ، بنیامین یا برادران دیگر) بوده است . *

قال بل سوّلت لكم أنفسكم أمرًا

در اینکه چرا یعقوب(ع) گزارش فرزنـدانش را بـاور نکرد و آنـان را علی رغم داشـتن شـهود عینی که جـای شـک بـاقی نمی گذاشت به تسویل کردن متهم ساخت، پاسخهایی ذکر کرده اند. آنچه

به نظر روشن تر می رسد این است که: ۱ یعقوب(ع) به فراست خاص خویش و اطمینانش به درست کاری بنیامین دریافته بود که گزارش یاد شـده واقعیت ندارد. ۲ کیـد و نقشه ای برای گرفتـار شـدن بنیامین در کار بوده و به اصـطلاح کاسه ای زیر نیم کاسه بوده است. ۳ این کید و نقشه از ناحیه فرزندانش اجرا شده است. اینها واقعیتهایی بود که یعقوب(ع) به فراست دریافت ; ولی نکته ای که برای او پس از آنکه فهمیده بود نقشه گرفتاری بنیامین از ناحیه فرزندانش است مجهول و مبهم مانده بود، این بود که متوجه نشد خود بنیامین و یوسف طرّاح و مجری آن نقشه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱

۱ یعقوب (ع) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندانش ، بر آنان خشم گرفت و از ایشان روی برتافت .

و تولی عنهم

<تولی> به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب(ع) از فرزنـدانش به قرینه <فهو کظیم> از سر خشم و غضب بر آنان بوده است.

یعقوب(ع) و بازگشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

یعقوب(ع) و بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۴

۴ احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت یوسف (

ع) ، مایه نگرانی یعقوب (ع) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إلّا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) بـا نـام نبردن از یوسف(ع) و یـاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوّت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

یعقوب(ع) و حیات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱

۱ یعقوب (ع) بر این باور بود که یوسف (ع) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن ، پیدا خواهند شد .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

یعقوب(ع) و فراق بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۴

۴ یعقوب (ع) ، علاقه ای وافر به بنیامین و سلامتی او داشت و جدایی و فراق او برایش رنج آور بود .

لتأتنّنی به

جمله های <إنا له لحافظون> و <فالله خیر حافظاً> در آیات پیشین دلالت بر آن داشت که یعقوب(ع) خواهان نرسیدن گزند و آسیب به بنیامین بود و جمله <لتأتنّنی به> (او را نزد من آورید) حاکی است که دوری او نیز بر

آن حضرت مشکل بود و خواهان حضور وی نزد خویش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ بسنده کردن یعقوب (ع) به اعراض از فرزندان ، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف (ع) و بنیامین ، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <هو کظیم> به وسیله حرف <فاء> بر <تولّی عنهم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۳

۳ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق بنیامین را نشانه پایان یافتن اندوه های خویش دانست و به یافتن یوسف (ع) و بنیامین امیدوار شد .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه و لاتأْیئسوا من روح الله

از آن جا که یعقوب(ع) پس از داستان بنیامین، جستوجو از یوسف را مطرح می سازد و فرزندانش را مأمور تفحص از وی می کند، چنین برمی آید که وی قضیه بنیامین را نشانه ای به نزول فرج الهی دانسته و به یافتن یوسف(ع) امیدوار شده بود. اقدام نکردن وی برای یافتن یوسف پیش از داستان بنیامین، دلیل این حقیقت است و این معنا توجیه کننده برنامه یوسف(ع) در بازداشت بنیامین می باشد.

یعقوب(ع) و مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۲

۲ یعقوب (ع) ، همواره از مسافرت کردن بنیامین به همراه برادرانش ، جلوگیری می

کرد .

قالوا سنرود عنه أباه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۸

۸ احساس خطر برای بنیامین ، دلیل یعقوب (ع) بر عدم موافقتش با مسافرت وی

جلوگیری می کرد. جمله <إنا له لحافظون> می رساند که از دلایل این امر ، احساس خطر ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱

۱ یعقوب (ع) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و با روانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد .

قال هل ءامنکم علیه إلّا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱،۲

۱ یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندانش ، موافقت نمود .

قال لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا

۲ یعقوب (ع) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را ، منوط به آن دانست که فرزندانش وثیقه ای الهی بسپارند (با خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند) .

لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا من الله

<موثق> به معنای عهد و پیمان است که به دلیل <لام> قسم در <لتأتّننی> عهد و پیمانی است همراه با سوگند. <من الله> بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثقًا) ; یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ – يوسف – ١٢ – ٦٧ – ٦

٦ يعقوب

(ع) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

از اینکه یعقوب(ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

یعقوب(ع) و ملاقات با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

یوسف(ع) در فراق بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۴

۴ فراق یوسف (ع) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر ، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

<ما> در عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

یوسف(ع) و اتهام به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۵

۵ اجتناب یوسف (ع) از نسبت دادن دزدی به بنیامین

أن نأخذ إلاّ من وجدنا متعنا عنده

آوردن عبارت <إلاّ من وجدنا متعنا عنده> (مگر کسی که متاع خویش را نزد او یافتیم)

به جای <إلاّ من سرق متعنا> (مگر کسی که متاع ما را سرقت کرده باشد) گویای اجتناب یوسف از نسبت دادن سرقت به بنیامین است.

یوسف(ع) و بازداشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۷

۷ نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت ، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر ، برای یوسف (ع) مجاز نبود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملك

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به <ملك> قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد. قابل ذکر است که به قرینه <فما جزاؤه ...> در آیه ۷۴، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

یوسف(ع) و بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۸

۸ اشتیاق وافر یوسف (ع) به بنیامین و دیدار او

ائتونی بأخ لکم . .. فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم عندی و لاتقربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۲،۷

۲ یوسف (ع) در پی ملاقات با برادرانش ، بنیامین را فراخواند و او را در کنار خویش جای داد .

و لما دخلوا . .. ءاوی إلیه أخاه

۷ یوسف (ع) از برادرش بنیامین خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱

۱ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگاهداشتن بنیامین نزد خویش

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقایه فی رحل أخیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۴،۵،۲۱

۴ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

کذلک کدنا لیوسف

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

کذلک کدنا لیوسف

<کذلک> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

۲۱ موفقیت یوسف (ع) در طرح و اجرای نقشه برای نگه داشتن بنیامین ، جلوه ای از برتری او بر برادران خویش و نمودی از دانش افزون تر وی

کذلک کدنا لیوسف . .. نرفع درجت من نشاء و فوق کل ذی علم علیم

مصداق مورد نظر برای <من نشاء> یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۱

۱ یوسف (ع) بنیامین را بازداشت کرد و از رفتن او به همراه برادرانش جلوگیری کرد .

فهو جزؤه . .. قالوا یأیها العزیز إن له أبًا شیخًا کبیرًا

الدرالمنثور، ج۴، ص۵۶۴.

یوسف(ع) و مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۷،۸،۹

۷

یوسف (ع) علی رغم ترغیب و تهدید برادران و نیز آماده سازی همه زمینه های مراجعت آنـان ، اطمینـان به بازگشت آنان نداشت و عدم موافقت یعقوب را با سفر بنیامین محتمل می دانست .

لعلهم یرجعون

۸ یوسف (ع) به آمدن برادرش بنیامین به مصر علاقه ای وافر داشت و بدان امید بسته بود .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم . .. لعلهم یرجعون

۹ طرح و نقشه یوسف (ع) برای مسافرت بنیامین از کنعان به مصر

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم . .. اجعلوا بضعتهم فی رحالهم ... لعلهم یرجعون

یوسف(ع) و ملاقات با بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۹ – ۹،۱۲

۹ یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به عـدالت خویش در معامله و پـذیرایی نیکویش از مهمانان ، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

ائتونی بأخ لکم من أبیکم ألا ترون أنی أُوفی الکیل و أنا خیر المنزلین

جمله <ألاـ ترون . ..> (آیا ملاحظه نمی کنیـد که...) پس از <ائتونی بأخ لکم> بیانگر هـدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

۱۲ یوسف (ع) به برادرانش وعـده داد که اگر در سـفر بعـد ، بنیـامین را به همراه بیاورنـد ، باز هم از آنان به خوبی پـذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون . .. أنا خیر المنزلین

بهانه جوئی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بهانه جویان

اعراض از بهانه جویان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۶ – ۶

۶- لزوم فیصله دادن به بحث و گفتوگو با

بهانه جویان و حق ناپذیران

قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

هدایت ناپذیری بهانه جویان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۱ – ۳

۱۳اگر امور غیبی برای بهانه جویان و منکران آیات الهی محسوس شود، ایمان نمی آورند.

و لو أننا نزّلنا إلیهم الملئکه و کلمهم الموتی و حشرنا علیهم کل شیء قبلا ما کانوا

ملائکه، سخن گفتن مردگان، شهادت موجودات جملگی از امور غیبی هستند که حتی در فرض محسوس شدن آنها، گروهی ایمان نخواهند آورد.

هشدار به بهانه جویان در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۱۵

۱۵ سوزنده تر بودن آتش دوزخ از گرمی هوای دنیا ، هشداری شدید به تخلف کنندگان از جهاد به بهانه گرمی هوا

قل نار جهنم أشد حراً

بهانه جویی

آثار بهانه جویی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۴ – ۳

۳ – قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً . .. ثم قست قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۱

۱۱ نگرش مـادی در مورد خداونـد و بهـانه جویی در مقابـل پیـامبران ، از مصادیق بارز ظلم و موجب گرفتاری به عـذاب الهی است .

یسئلک أهل الکتب . .. فأخذتهم الصعقه بظلمهم

آثار بهانه جویی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهیِ گریز

ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إن هذا إلّا إفک. .. و قالوا مالِ هذا الرسول ... إن تتّبعون إلّا رجلًا مسحورًا

<فاء> در <فضلّوا> برای سببیت و در <فلایستطیعون> تفسیریه است; یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

آثار بهانه جویی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهیِ گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إن هذا إلّا إفک. .. و قالوا مالِ هذا الرسول ... إن تتّبعون إلّا رجلًا مسحورًا

<فاء> در <فضلّوا> برای سببیت و در <فلایستطیعون> تفسیریه است; یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

بهانه جویی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۱

۱ - مجرمان در روز قیامت ، بهانه جویی می کنند .

یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون . .. فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم

مراد از <الذین ظلموا> می تواند <المجرمون> باشد که در آیه پنجاه و پنج گذشت.

بهانه جویی اشراف قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۹

۹ - برخورداری پیامبر از اوصاف بشری ، دستاویز اشراف جامعه پس از نوح در انکار

رسالت وی

ما هذا إلاّ بشر مثلكم

بهانه جویی اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۹

۹ - برخورداری پیامبر از اوصاف بشری ، دستاویز اشراف جامعه پس از نوح در انکار رسالت وی

ما هذا إلاّ بشر مثلكم

بهانه جویی اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۷

۷ انحصار پیروان نوح به قشر مستضعف و تهی دست ، بهانه و دستاویز اشراف برای ایمان نیاوردن به او و انکار رسالت های وی

فقال الملأ . .. ما نریک اتبعک إلاّ الذین هم أراذلنا بادی الرّأی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۶

۶ - < از جنس بشر بودن نوح (ع) > دستاویز اشراف کافر در انکار رسالت آن حضرت

فقال الملؤا . .. ما هذا إلاّ بشر مثلكم

بهانه جویی اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱

۱ مجرمان سردمدار مکه از ایمان به رسالت پیامبر(ص) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

أکبر مجرمیها . .. قالوا لن نؤمن

بهانه جویی اصحاب ایکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۸۵ – ۴

۴ – برخورداری شعیب (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز مردم < اَیکه > در رد رسالت وی

قالواإنّما أنت من المسحّرین

<مسحّر> می تواند مشتق از <سحر> باشد <مسحّر> مرادف <رئه> (شُش)است. بنابراین واژه <مسحّر>

به معنـای موجود دارای شُـش که از خصوصـیات بشـری است می باشـد. این تعبیر کنایه از همگونی شـعیب(ع) با سایر مردم و امتیاز نداشتن وی می باشد. گفتنی است برپایه این احتمال، آیه بعد توضیح همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۳

۳ - عدم برخورداری شعیب (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی ، مانع پذیرش رسالت او از سوی مردم اَیکه

و ما أنت إلاّ بشر مثلنا

تعبیر <مثلنا> می تواند به معنای همانندی در بشر بودن نباشد; بلکه مراد، مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی باشد.

بهانه جویی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۱۷

۱۷- کـافران اقـوام پیشـین به جـای دادن جـواب مساعـد به دعـوت منطقی انبیـای خـویش ، بشـر بودن آنـان را بهـانه نپـذیرفتن دعوتشان قرار دادند .

قالت رسلهم أفی الله شکّ فاطر السموت و الأرض . .. قالوا إن أنتم إلاّ بشر مثلنا

بهانه جویی امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۸

۸- تکـذیب معجزات درخواستی از سوی امت های پیشین ، دلیل بهانه جویی و بی صـداقتی تقاضا کننـدگان معجزات متعـدد است .

و ما منعنا أن نرسل بالأیت إلاّ أن کذّب بها الأوّلون

از اینکه تکـذیب معجزات درخواستی (اقتراحی) از سوی پیشـینیان، دلیـل امتنـاع خداونـد از ارائه معجزات برای امتهـای بعـدی مطرح شده است می تواند نشان از بی صداقتی و بهانه جویی این امتها باشد و خداوند به همین دلیل

به معجزات درخواستی اینها، پاسخ منفی داده است.

بهانه جویی اهل کتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۳ – ۳،۲۱

۳ عناد ، لجاجت و بهانه جویی ، ریشه درخواست های بی جای اهل کتاب از حضرت محمد (ص) و موسی (ع)

فقد سألوا موسی أکبر من ذلک . .. فأخذتهم الصعقه بظلمهم

لحن مـذمت آمیز آیه در بیـان خواسـتهای اهـل کتـاب، می رسانـد که آنـان نه به خـاطر حق جویی بلکه از سـر بهـانه جویی و عنادورزی چنین تقاضاهایی را مطرح می کرده اند.

۲۱ دلجویی و حمایت خداوند از پیامبر اسلام (ص) ، در برابر بهانه جویی ها و گزافگویی های اهل کتاب

یسئلک أهل الکتب أن تنزل علیهم . .. و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً

بیان گرفتاری یهودیان بهانه جو برای پیامبر(ص)، به منظور دلجویی و وعده حمایت از آن حضرت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۱ – ۱۲

۱۲ – ادعای نبودن برهانی روشن بر حقانیت اسلام ، بهانه اهل کتاب و مشرکان ، در امتناع از پذیرش آن

لم یکن الذین کفروا. .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

بهانه جویی بادیه نشینان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۰ – ۳

۳ عذرتراشی برخی از بادیه نشینان برای شرکت نکردن در جنگ

و جاء المعذّرون من الأعراب

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <معذّرون> اسم فاعل از باب تفعیل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ -

۱۱ - ۱۳

۱۳ - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیات درونی آنان

سیقول . .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالاـ بـا توجه به این نکته است که تعبیر <یقولون. ..> در رابطه با <شـغلتنا أموالنا و أهلونا> باشـد; یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند; دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

بهانه جویی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۳

۳ - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً . .. ثم قست قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۸

۸ - قوم موسی ، نمونه ای بارز از اقوام بهانه جو در برخورد با پیامبران و دارای توقعات و خواسته های بی جا از آنان

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم کما سئل موسی من قبل

چون بعید به نظر می رسد که در میان امتهای گذشته، تنها قوم موسی پرسشها و درخواستهای نا به جا از پیامبرشان داشتتند، می توان به این نتیجه رسید که: یاد کردن از قوم موسی، به خاطر رواج بیشتر این خصیصه در میان آنان بوده است.

بهانه جویی بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۸،۱۱

۸ - برخی از منافقان و بیماردلان مدینه ، از پیامبر (ص) برای ترک جهاد در غزوه

احزاب ، به بهانهناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرّانه اجازه می خواستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره

مراد از <عوره> در آیـه، مسـتحکم نبـودن خـانه و قابـل ورود بـودن آن برای هر کس است که بخواهـد وارد شـود(مفردات راغب).

۱۱ - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیماردل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره إن یریدون إلاّ فر

بهانه جویی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۳

۳ - کفرپیشگان حق ستیز ، منکر آسمانی بودن قرآن به بهانه عدم نزول دفعی آن

قالوا لولا أُوتی مثل ما أُوتی موسی

مقصود از <ما أُوتی موسی> تورات است که یکباره نازل شده بود; یعنی، چرا قرآن مانند تورات، یکباره نازل نشده است؟

بهانه جویی در تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۸

۸ جبرگرایی بهانه ای برای فرار از مسؤولیت است.

سیقول الذین أشرکوا لو شاء الله ما أشرکنا

بهانه جویی در عمل به تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۴

۴ مشروط نمودن انجام فرایض و صالح شدن ، به برخورداری از مال و ثروت ، خصلتی است منافقانه .

و منهم من عهد اللّه . .. لنکوننّ من الصلحین

بهانه جویی دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۱

۱

تدریجی نازل شدن قرآن ، بهانه و دستاویز کافران برای مخالفت با آن

و قال الذین کفروا لولا نزّل علیه القرءان جمله وحده

مجموعه اشیای به هم پیوسته و بدون فاصله از هم را <جمله> گویند. بنابراین <جمله> در آیه شریفه، به معنای <مجتمعاً> (باهم و دسته جمعی) می باشد (مفردات راغب).

بهانه جویی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۳

۳ - سران شرک و کفر ، نوپیدایی و بی سابقه بودن پیام توحیدی پیامبراسلام را در تاریخ ادیان گذشته ، بهانه ای بر مخالفت خود قرار داده بودند .

ما سمعنا بهذا فی الملّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۳

۳ - سران کفر و شرک ، برگزیده شدن پیامبر (ص) را به رسالت بدون برخوردار بودن آن حضرت از امتیاز و شایستگی های لازم ، دلیل نپذیرفتن دعوت او اعلام کردند .

أءنزل علیه الذکر من بیننا

قید <من بیننا> در حقیقت در مقام بیان تعلیل برای انکار رسالت است; یعنی، پیامبراسلام از میان ما انتخاب شده است و مانند ما هیچ امتیاز و برتری و شایستگی برای دریافت وحی ندارد; پس نمی توان ادعای او را تصدیق کرد.

بهانه جویی رهبران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱۲

۱۲ القای شبهات و بهانه جویی در برابر آیات الهی و رسالت رسولان او، از مکرهای سردمداران مجرم بوده است.

أكبر مجرميها ليمكروا . .. لن نؤمن حتی نؤتی ... بما کانوا يمکرون

یادآور شدن اشکال

تراشیهای سردمداران کفر، پس از ذکر مکر و فریبکاری آنان، می تواند بیان مصداقی بارز برای مکر و فریب آنان باشد.

بهانه جویی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۳

۳ - سران شرک و کفر ، نوپیدایی و بی سابقه بودن پیام توحیدی پیامبراسلام را در تاریخ ادیان گذشته ، بهانه ای بر مخالفت خود قرار داده بودند .

ما سمعنا بهذا فی الملّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۳

۳ - سران کفر و شرک ، برگزیده شدن پیامبر (ص) را به رسالت بدون برخوردار بودن آن حضرت از امتیاز و شایستگی های لازم ، دلیل نپذیرفتن دعوت او اعلام کردند .

أءنزل علیه الذکر من بیننا

قید <من بیننا> در حقیقت در مقام بیان تعلیل برای انکار رسالت است; یعنی، پیامبراسلام از میان ما انتخاب شده است و مانند ما هیچ امتیاز و برتری و شایستگی برای دریافت وحی ندارد; پس نمی توان ادعای او را تصدیق کرد.

بهانه جویی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۹

۹ - تنها ستم پیشگان پس از تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، دست از بهانه جویی برنداشته و به دشمنی خویش علیه مسلمانان ادامه می دادند .

لئلا یکون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا منهم

بهانه جویی فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۶ – ۹

۹ – حفظ آیین مردم (قبطیان) ، بهانه

فرعون برای کشتن موسی (ع)

أقتل موسی . .. إنّی أخاف أن یبدّل دینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۳ - ۶

۶ - همراه نبودن فرشتگان با موسی (ع) ، دستاویزی برای فرعون در انکار رسالت او

فلولا . .. أو جاء معه الملئکه مقترنین

<مقترنین> حال برای ملائکه و تأکیدکننده معنای <معه> است.

بهانه جویی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۶ - ۷

۷ - دیرینه نداشتن موضوع نبوت در تاریخ گذشته مصر ، دستاویز فرعونیان برای انکار رسالت موسی (ع)

و ما سمعنا بهذا فی ءابائنا الأوّلین

بهانه جویی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۵

۵ - برخورداری صالح (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز ثمودیان در رد رسالت وی

قالواإنّما أنت من المسحّرین

<مسحّر> می تواند مشتق از <سحر> باشد. <سحر> نیز مرادف <رئه> (شُش) است. بنابراین واژه <مسحر> به معنای موجود دارای شُش است که از خصوصیات بشری می باشد. گفتنی است برپایه این معنا، آیه بعد، توضیح و تفسیر همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۴

۴ - برخوردار نبودن صالح (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی ، مانع از پذیرش رسالت وی از سوی ثمودیان

قالوا . .. ما أنت إلّا بشر مثلنا

تعبیر <مثلنا> می تواند به معنای مثلیت در بشر بودن نباشد; بلکه مراد مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی

و طبقاتی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۷ – ۴

۴ – معجزه خواهی ثمودیان ، پیشنهادی بهانه جویانه بود ; نه درخواستی صادقانه .

فأت بئایه إن کنت من الصدقین . .. فعقروها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۴ – ۱

۱ – بشر بودن صالح پیامبر (ع) ، بهانه قوم ثمود ، برای تکذیب رسالت آن حضرت

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا نتّبعه

بهانه جویی قوم نوح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۷ – ۳

۳ بشر بودن نوح (ع) ، بهانه و دستاویز کفرپیشگان برای انکار پیامبری و رسالت آن حضرت

فقال الملأ . .. ما نریک إلّا بشرًا مثلنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۱۱ – ۱

۱ – امتناع قوم نوح از ایمان آوردن به وی ، به بهانه وجود گروهی محروم ، بی اعتبار و فاقد پایگاه اجتماعی اقتصادی در کنار او

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأرذلون

<أرذلون> جمع <أرذل> است و آن تفضیل <رذل> (حقیر، پست و فرومایه) می باشد. بنابراین <أرذلون>; یعنی، پست ترین فرومایگان و فرومایه ترین مردمان. گفتنی است که اشراف قوم نوح، این نسبت ناروا را از آن جهت به پیروان آن

حضرت می دادند که آنان از طبقات محروم جامعه بودند و از اعتبارات اجتماعی و اقتصادی بهره ای نداشتند.

بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۱،۲

۱

مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر(ص)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل علیه ملک و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر

۲ گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر(ص)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر ثم لا ینظرون

حرف <لو> غالباً در مواردی به کار گرفته می شود که شرط، امری غیر عملی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۲،۳،۱۰

۲ درخواست نزول فرشته به عنوان پیامبر، از بهانه های کفرپیشگان

و لو جعلنه ملکا

جمله <و لو جعلناه ملکا . .. >، می تواند منقطع از آیه قبل بوده و جواب از درخواست دیگر کفار، که فرستادن فرشته به عنوان پیامبر است، باشد.

۳ گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر(ص)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

۱۰ بقای مغالطه کاری و بهانه جوییهای کافران، حتی در صورت انتخاب پیامبر از میان فرشتگان

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا و للبسنا علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۵

۵ بهانه جویی و اتهام کافران نباید سبب نگرانی و تزلزل مؤمنان گردد.

و لیقولوا درست . .. اتبع ما أوحی الیک

فرمان به اتباع از وحی، پس از اشاره به شبهات کافران، تأکیدی بر لزوم استقامت مؤمنان در برابر شبهات کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۲

۲- بشر بودن رسولان الهی ، تنها دستاویز عمده برای بهانه جویی های مخالفان کافر و مشرک جهت ایمان نیاوردن

به آنان

و قالوا لن نؤمن لک حتی . .. إلّا أن قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۷

۷ - تاریخ گذشتگان و تحلیل آن ، دست آویز کافران و ناباوران به معارف الهی ، برای رد و انکار ایمان و توحید

قال فما بال القرون الأُولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۱

۱ تدریجی نازل شدن قرآن ، بهانه و دستاویز کافران برای مخالفت با آن

و قال الذین کفروا لولا نزّل علیه القرءان جمله وحده

مجموعه اشیای به هم پیوسته و بدون فاصله از هم را <جمله> گویند. بنابراین <جمله> در آیه شریفه، به معنای <مجتمعاً> (باهم و دسته جمعی) می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۷

۷ خداوند ، همواره حامی پیامبر (ص) در برابر بهانه تراشی ها و سخنان شبهه آلود و باطل کفار و دشمنان

و لایأتونک بمثل إلّا جئنک بالحقّ و أحسن تفسیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۵

۵ - تحقق نیافتن قیامت پس از گذشت زمان ها و اعصار طولانی ، دستاویز کافران برای انکار آن

إن هذا إلّا أسطیر الأوّلین

طرح پیشینه طولانی عقیده به معاد، ظاهراً تلاشی است از سوی کافران برای بیان این که اگر واقعاً وعده رستاخیز حق بود، باید تاکنون محقق می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ -

۳،۵،۸ - ۴۸

۳ - کفرپیشگان حق ستیز ، منکر آسمانی بودن قرآن به بهانه عدم نزول دفعی آن

قالوا لولا أُوتی مثل ما أُوتی موسی

مقصود از <ما أُوتی موسی> تورات است که یکباره نازل شده بود; یعنی، چرا قرآن مانند تورات، یکباره نازل نشده است؟

۵ - نزول دفعی قرآن همانند تورات ، شرط پیشنهادی کافران برای قبول رسالت پیامبر (ص)

فلمّا جاءهم الحقّ من عندنا

۸ - انکار پیشین تورات از سوی کافران ، نشانه بهانه جویی و عدم صداقت آنان در پیشنهاد خویش

أوَلم یکفروا بما أُوتی موسی من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۸

۸ - کافران ، در قیامت بهانه می آورند که در دنیا ، فرصت لازم را برای ایمان آوردن نداشته اند . *

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مکانی که کافران مجرم، از آن سخن می گویند، دنیا باشد و مرادشان از بیان چنین نکته ای، با ذکر قسم، به قرینه آیه پنجاه و هفت <فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم> عذرخواهی و یا بهانه تراشی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - پیامبر (ص) ، موظف به بیان فواید و آثار قرآن ، در پاسخ به بهانه جویی های کافران

و لو جعلنه . .. ءاْعجمیّ و عربیّ قل هو للذین ءامنوا هدًی و شفاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۴

۴ – بشر بودن پیامبران ، بهانه

و دستاویز کافران برای کفر و روی گردانی از تعالیم دین

فقالوا أبشر يهدوننا فكفروا و تولّوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۲،۷

۲ - روشن نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران برای انکار آن

و يقولون متى هذا الوعد

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لجّوا فى عتوّ و نفور . .. و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۱

۱ - مشروط دانستن ایمان به رسالت پیامبر (ص) ، به نازل شدن نامه های سرگشاده از سوی خداوند در تأییدِ آن ، بهانه ای از سوی کافران بود .

بل يريد كلّ امرىء منهم . .. كلاّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۵ - ۱

۱ - انکار و زیر سؤال بردن برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انجام هرگونه فسق و فجور

أيحسب الإنسن ألّن نجمع عظامه . .. بل يريد الإنسن ليفجر أمامه

<فجور> (مصدر <یفجر>) به معنای فسق (صحاح اللغه) و لام در <لیفجر> برای تعلیل است. <أمام> اسم مکان و در این آیه مجازاً در زمان مستقبل که مفید استمرار است استعمال شده است. بنابراین مفاد آیه چنین می شود: <بلکه انسان می خواهد تا راه فسق و فجور، برای همیشه به روی او باز باشد و آن را ادامه دهد و همین سبب انکار معاد از

جانب او است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۴۰ – ۴

۴ – استبعاد و تردید در توانایی خداوند ، مشکل و بهانه کافران در پذیرش مسأله معاد و احیای مردگان

أليس ذلك بقدر على أن يحيى الموتى

طرح مسأله توانایی خداوند بر احیای مردگان به صورت سؤال، نشان دهنده حقیقت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۴ – ۳

۳ – روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطير الأوّلين . كلاّ بل ران على قلوبهم

بهانه جویی کافران صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۰ – ۳

۳ کفرپیشگان عصر بعثت علی رغم نزول پی در پی آیات و سوره های قرآن خواستار نزول معجزه ای دیگر بودند .

و يقولون لو لا أنزل عليه ءايه من ربه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۳۲ – ۲

۲ دسته جمعی و به یکباره نازل نشدن آیات قرآن بر پیامبر (ص) ، دلیل وحی نبودن آن در دیدگاه کافران صدراسلام

و قال الذين كفروا لولا نزّل عليه القرءان جمله وحده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۴۷ – ۲

۲ – روزی رسان بودن خداوند برای بشر ، بهانه و دستاویز کافرانِ صدراسلام برای خودداری از انفاق به مستمندان و گرسنگان

و إذا قیل

لهم أنفقوا ممّا رزقكم اللّه قال الذين كفروا للذين ءامنوا أنطعم من لو ی

استفهام در <أنطعم> استفهام انکاری است; یعنی، <لانطعم من لو شاء اللّه لأطعمهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۳

۳ - مشخص نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران صدراسلام برای انکار آن

و یقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۳

۳ - انسان بودن پیامبر (ص) و برخاستن ایشان از میان توده های مردم ، مانع ایمان آوردن کافران صدراسلام بود .

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم و قال الکفرون هذا سحر کذّاب

بهانه جویی کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۴

۴ ایمان مستضعفان قوم ثمود بهانه ای برای کفرورزی و استکبار اشراف کفرپیشه آن قوم

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

مجادله کافران با مستضعفان اقتضا می کرد که کفرپیشگان در پاسخ مؤمنان بگویند: <إنا به کفرون> و یا <إنا بما ارسل به کفرون>، ولی در پاسخ گفتند ما به آنچه شماها بدان ایمان آورده اید کافر هستیم. و این تعبیر نشان می دهد که از ریشه های استکبار آنان در برابر حق، ایمان مستضعفان بوده است. تقدیم <بالذی> بر <کفرون>، که افاده حصر می کند، این معنا را تأیید می کند.

بهانه جویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸ – ۴

۴- درخواست نزول ملائکه ، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر

(ص) از سوی کافران مکه ، بهانه ای بیش نبود .

لو ما تأتینا بالملئکه . .. ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ

قیـد <إلاّبالحق> می تواند احترازی باشد؛ یعنی، نزول فرشـتگان تنها در صورت وجود مصـلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حـالی که در تقاضـای کفـار چنین مصـلحتی نیست. مضافاً به اینکه <إذاً منظرین> نیز دلالت می کنـد بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر(ص) را نمی پذیرفتند.

بهانه جویی متخلفان از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۹ – ۷

۷ متخلفان از جنگ ، به بهانه مصون ماندن از فتنه و گناه ، خود در منجلاب فتنه و گناه بودند .

ائذن لی و لاتفتنی ألا فی الفتنه سقطوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۰ – ۲

۲ بهانه جویان متخلف از جنگ ، آرزومند عدم موفقیت سپاه اسلام و نگران از پیروزی آنان .

إن تصبک حسنه تسؤهم

بهانه جویی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۱ – ۶،۱۳

۶ – ادعای سر گرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلّف اعراب از همراهی باپیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب شغلتنا أمولنا و أهلونا

۱۳ – عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیات درونی آنان

سیقول . .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا با توجه به این نکته است که تعبیر <یقولون. ..> در رابطه با

<شغلتنا أموالنا و أهلونا> باشد; یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند; دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

بهانه جویی مخالفان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۲

۲- بشر بودن رسولان الهی ، تنها دستاویز عمده برای بهانه جویی های مخالفان کافر و مشرک جهت ایمان نیاوردن به آنان

و قالوا لن نؤمن لک حتی . .. إلّا أن قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

بهانه جویی مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۶

۱۶ ارائه کلمه تامه پروردگار (قرآن) با در نظر گرفتن همه شبهات و بهانه های مخالفان انجام پذیرفته است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا . .. و هو السمیع العلیم

از وجوه محتمل در بیان تناسب <السمیع> با مضمون آیه آن است که ذکر این وصف برای اشاره به شبهات و القائاتی است که درباره قرآن مطرح می شود. یعنی کلام خداوند تمام است و او شبهات را نیز در نظر داشته و با عنایت به آنها قرآن را نازل فرموده است.

بهانه جویی مخالفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۳ - ۳

۳ - مخالفان نوح ، بهانه جویانی فاقد خرد و توان کافی ، برای فهم رسالت تبلیغی او

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأرذلون . .. إن حسابهم إلّا علی ربّی لو تشعرون

بهانه جویی مرفهان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف -

۱۸ - ۲۸ - ۴

۴- توانگران ، با اظهار آمادگی برای کمک های مادّی ، حضور مؤمنان تهیدست را در پیرامون پیامبر (ص) ، مانع نشست با آن حضرت می شمردند .

و اصبر نفسک . .. و لاتعد عیناک عنهم ترید زینه الحیوه الدنیا

بهانه جویی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۲

۱۲ - تسلی دلداری خداوند به پیامبر (ص) در برابر بهانه های نا به جای مشرکان

لولا یکلمنا اللّه أو تأتینا ءایه کذلک قال الذین من قبلهم

از هدفهای بیان کفرورزی امتهای گذشته و یادآوری بهانه جوییهای آنان، دلداری و تسلی دادن به پیامبر (ص) است؛ یعنی، ای پیامبر! اگر مشرکان ایمان نمی آورند و بهانه جویی می کنند، مپندار که کوتاهی کرده ای؛ زیرا مردمان گذشته نیز در برابر پیامبران همین گونه عمل می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۷ - ۲

۲ نازل نشدن معجزه ویژه و دلخواه مشرکان، بهانه کفرورزی آنان به رسالت پیامبر(ص)

و قالوا لو لا نزل علیه ءایه من ربه

درخواست معجزه از پیامبر(ص)، علی رغم ارائه معجزات از سوی آن حضرت، حاکی است که آنان خواهان معجزه ویژه و دلخواه خود بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۳

۱۳ پیامبر اکرم(ص) و مؤمنان در اینکه معجزه طلبی مشرکان از سر حقجویی نیست، نباید به خود تردید راه دهند.

فلا تکونن من الممترین

متعلق <ممترین> باید چیزی متناسب با مضمون آیه باشد. پیام اصلی آیه آن

است که معجزه طلبی کافران و مخالفتهای اهل کتاب با پیامبر(ص) از سر حقجویی نیست. بنابراین <لا تکونن من الممترین> یعنی تردیدی در این مسأله نداشته باش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۸ - ۳

۳ نامشخص بودن زمان وقوع عذاب استیصال ، دستاویز مشرکان برای به استهزا گرفتن تهدید آن بود .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

پاسخ به این پرسش که در آیه بعد آمده مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۲

۲- نسخ و تغییر برخی از پیام های الهی ، دستاویزی برای مشرکان در مبارزه با پیامبر (ص) و متهم کردن او به دروغ گویی

و إذا بدّلنا ءایه مکان ءایه . .. قالوا إنما أنت مفتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۲

۲- بشر بودن رسولان الهی ، تنها دستاویز عمده برای بهانه جویی های مخالفان کافر و مشرک جهت ایمان نیاوردن به آنان

و قالوا لن نؤمن لک حتی . .. إلاّ أن قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۷

۷- دلداری خداوند به پیامبر (ص) در قبال بهانه جویی های مشرکان

قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

آیه فوق، همان گونه که می تواند تهدیدی علیه مشرکان حق ستیز باشد، می تواند نوعی تسلی و دلداری از پیامبر(ص) نیز باشد.

فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳ – ۱۵

۱۵– سحر بودن قرآن و ساحر بودن پیامبر (ص) ، دلیل واهی و بهانه دیگر مشرکان ستم پیشه برای ایمان نیاوردنشان

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

مشرکان برای ردّ ادعای نبوت پیامبر(ص)، دو دلیل واهی و بهانه جویانه می آوردند: ۱ بشر بودن آن حضرت (هل هذا إلاّ بشر مثلکم)، ۲ ساحر بودن ایشان (أفتأتون السحر).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۷ – ۱،۲،۳

۱ – اقدام مشرکان به طرح یکی دیگر از بهانه های خویش در ردّ دعوت پیامبر (ص)

و قالوا إن نتّبع الهدی معک نتخطّف من أرضنا

در آیات پیشین یکی از بهانه جویی های مشرکان مطرح شد (چرا قرآن همانند تورات یکباره نازل نشده است). در این آیه نیز به یکی دیگر از بهانه تراشی های آنان اشاره شده است.

۲ – ترس ربوده شدن از سرزمین مکه به وسیله مشرکان عرب (کوچ اجباری و از دست دادن ملك و خانه و اموال) ، بهانه شرك پیشگان مکه در نپذیرفتن دعوت پیامبر (ص)

و قالوا إن نتّبع الهدی معک نتخطّف من أرضنا

۳ – رد دعوت پیامبر (ص) از سوی مشرکان ، علی رغم اعتقاد آنان به هدایت بخش بودن آیین آن حضرت

و قالوا إن نتّبع الهدی معک نتخطّف من أرضنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۳ – ۴

۴ – مشرکان ، به بهانه حفظ سنت های دینی به یادگار مانده از پدرانشان ، در مقابل آیات روشن الهی موضع گیری کردند .

إذا

تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قالوا ما هذا إلّا رجل یرید أن یصدّکم عمّا کان یعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶ - ۲

۲ - مشرکان ، دلیل نپذیرفتن دعوت پیامبراسلام را ، مجنون و شاعر بودن آن حضرت معرفی می کردند .

و یقولون أئنّا لتارکوا ءالهتنا لشاعر مجنون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لام در <لشاعر> برای تعلیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۸ - ۱

۱ - مشرکان ، منکر وجود کتاب آسمانی جدید از سنخ کتاب های رسولان پیشین

لو أنّ عندنا ذکرًا من الأوّلین

<لو> شرطیه بوده و جواب آن، جمله <لکنّا عباد اللّه. ..> (در آیه بعد) است. مقصود از <ذکر>، کتاب های آسمانی و مراد از <الأوّلین> رسولان پیشین است. بر این اساس پیام آیه چنین می شود: اگر پیش ما کتابی مانند کتاب های آسمانی رسولان پیشین بود، ما از بندگان خالص بودیم; ولی چون چنین کتابی در دست ما نیست، پس به آیین توحیدی جدید ایمان نخواهیم آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۹ - ۱

۱ - مشرکان ، مدعی پذیرش آیین توحیدی و بندگی خالصانه خدای یکتا ، در صورت برخوردار بودن از کتاب آسمانی

لو أنّ عندنا ذکرًا من الأوّلین . لکنّا عباد اللّه المخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۱

۱ - تأکید پیامبر (ص) ، بر نقش پیام آوری خویش در مقابل مخالفت ها

و بهانه جویی های مشرکان

و قالوا قلوبنا فی أکنّه . .. قل إنّما أنا بشر مثلکم یوحی إلیّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۵ – ۴

۴ – بهانه جویی مشرکان ، در قبال دلایل روشن وحی بر معاد

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت ما کان حجّتهم إلاّ أن قالوا ائتوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۱ – ۱۲

۱۲ – ادعای نبودن برهانی روشن بر حقانیت اسلام ، بهانه اهل کتاب و مشرکان ، در امتناع از پذیرش آن

لم یکن الذین کفروا. .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

بهانه جویی مشرکان صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۰ – ۵

۵ کفر اهل کتاب به پیامبر(ص) و اسلام، بهانه مشرکان صدر اسلام برای گریز از ایمان

لتشهدون أن مع اللّه ءالهه أخری . .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه

روی اصلی سخن در این آیه با مشرکان و علل ایمان نیاوردن آنان است. مطرح کردن اهل کتاب می تواند برای پاسخگویی به سؤالی باشد که برای مشرکان مطرح بوده و آن اینکه اگر پیامبر(ص) حق است، چرا اهل کتاب که آنان نیز دین آسمانی دارند به او ایمان نیاورده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۰ – ۲،۷،۸

۲ شرک پیشگان عصر بعثت ، مردمانی بهانه جو

و یقولون لو لا أنزل علیه ءایه من ربه

درخواست نزول معجزه از سوی مشرکان علی رغم نزول مستمر آیات قرآن در واقع نوعی

بهانه جویی برای فرار از پذیرش رسالت پیامبر(ص) است.

۷ وعده نزول معجزه از سوی خدا به شرک پیشگان بهانه جوی عصر بعثت

و یقولون لو لا أنزل علیه ءایه من ربه فقل إنما الغیب للّه فانتظروا

۸ پیامبر اکرم (ص) در پی بهانه جویی های مشرکان و پرسش های مکرر آنان از علت عدم نزول معجزه ، در انتظار پاسخ و رهنمودی از سوی خداوند بود .

و یقولون لو لا أنزل علیه ءایه من ربه . .. إنی معکم من المنتظرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۵ – ۹،۱۰

۹- درخواست معجزه ، همانند معجزات پیامبران پیشین ، از بهانه های مشرکان برای نپذیرفتن رسالت پیامبر (ص) بود .

و أسرّواالنجوی الذین ظلموا . .. فلیأتنا بایه کما أُرسل الأوّلون

۱۰- مشرکان ستم پیشه صدراسلام ، مردمی لجوج ، حق ناپذیر و بهانه جو بودند .

بل قالوا . .. فلیأتنا بایه کما أُرسل الأوّلون

بهانه جویی مشرکان مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۰ – ۳

۳- مشرکان مکه ، با درخواست معجزه ، درصدد بهانه جویی و دستیابی به منافع خویش بودند نه کشف حقانیت پیامبر (ص)

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل فأبی أکثر الناس إلاّ کفورًا . و قا

از اینکه مشرکان برای شناخت حقانیت پیامبر(ص) راههای گوناگون موجود را رها کرده و ایمان خود را منحصر به برآوردن پیشنهادهای محدودی، کردند که بیشتر منافع مادی اشان را تأمین می کرد، مطلب فوق قابل استفاده است.

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۴ – ۳

۳- تنها دستاویز مشرکان مکه برای ایمان نیاوردن به پیامبر اسلام (ص) ، بشر بودن آن حضرت بود .

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶ – ۸

۸- درخواست معجزه از سوی مشرکان ستم پیشه مکه ، در جهت بهانه جویی بود ; نه حقیقت طلبی .

فلیأتنا. .. أفهم یؤمنون

خداوند، درخواست معجزه از طرف مشـرکان را به این دلیل ردّ فرمود که آنان مانند مشرکان اقوام گذشته، قصد ایمان آوردن نداشتند. بنابراین چنین درخواستی بهانه و دست آویزی بیش نبود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۷ – ۸،۲۲

۸ – رد شدن ادعای مشرکان مکه (ربوده شدن آنان در صورت گرویدن به آیین پیامبر (ص)) از سوی خداوند

و قالوا . .. نتخطّف من أرضنا أوَلم نمکّن لهم حرمًا ءامنًا

۲۲ – < عن زین العابدین (ع) إنّه اجتمعت قریش إلی أبی طالب و رسول اللّه عنده . . . و قالت و اللّه لو سـمعت بهذا فارس و الروم لأختطفتنا من أرضنا و لقلعت الکعبه حجراً حجراً ، فنزل < و قالوا إن نتّبع الهدی معک > . . . ;

از امام سـجاد(ع) روایت شـده: همانا قریش نزد ابی طالب جمع شدند، در حالی که رسول خدا(ص) نزد وی بود. .. و گفتند به خدا سوگند اگر این پیروی از محمد(ص) را اهل فارس و روم بشنوند، ما را از سرزمینمان می ربایند و کعبه را

سنگ به سنگ از جا خواهند کند پس این آیه نازل شد: <و قالوا إن نتّبع الهدی معک نتخطّف من أرضنا>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۲

۲ - مشرکان مکه ، مردمی عناد پیشه و بهانه جو بودند .

و لو جعلنه قرءانًا أعجميًّا لقالوا لولا فصّلت ءايته ءاْعجميّ و عربيّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۲۳

۲۳ - ادعای تازگی و پیشینه نداشتن معارف اسلام ، از بهانه های مشرکان مکه

شرع لکم . .. کبر علی المشرکین ما تدعوهم إليه

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مشرکان بوده است، ذکر سابقه معارف توحیدی در شرایعت های پیشین; می تواند ناظر به این نکته باشد که مشرکان مکه به بهانه تازگی معارف اسلامی تلاش در انکار آن داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۵

۵ - بهانه جویی های پیاپی و گوناگون مشرکان مکه ، در برابر پیامبر (ص) و قرآن

قالوا هذا سحر . .. و قالوا لولا نزّل هذا القرءان

از این که مشرکان مکه گاهی قرآن را به سحر متهم می کردند و گاهی فقر و تنگدستی پیامبر(ص) را بهانه قرار می دادند، مطلب بالا استفاده می شود.

بهانه جویی معرضان از عبادت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۴

۱۴ - تلاش برای ایجاد امنیت ، پیش از تبلیغ خداپرستی ، کاری الهی و از بین برنده بهانه مشرکان

در ترک عبادت است .

فلیعبدوا . .. و ءامنهم من خوف

بهانه جویی مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۵ - ۶

۶ - فروماندن ظالمان تکذیب کننده آیات خدا ، از عذرآوری و بهانه تراشی در محکمه الهی ، پس از قطعی شدن عذاب بر آنان

وقع القول علیهم . .. فهم لاینطقون

در برداشت یاد شده قید <پس از قطعی شدن. ..>، بر این اساس است که <وقع القول...> به معنای <حقّ القول...> باشد.

بهانه جویی مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۹

۹- درخواست معجزه ، همانند معجزات پیامبران پیشین ، از بهانه های مشرکان برای نپذیرفتن رسالت پیامبر (ص) بود .

و أسرّواالنجوی الذین ظلموا . .. فلیأتنا بایه کما أُرسل الأوّلون

بهانه جویی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۸

۱۸- منکران معاد پس از دریافت دلیل های قاطع و غیر قابل انکار قرآن بر حقانیت معاد به طرح مسائلی بی ثمر و بی تأثیر در اصل مسأله معاد ، روی آوردند .

و یقولون متی هو

منکران معاد علی رغم پرسشهای به ظاهر استدلالی نخستین، به پرسشهایی روی آوردند که نه ثمری برای آنان داشت و نه

حقانیت معاد بر دانستن آنها متکی بود چه اینکه قیامت واقعیتی است حتمی الوقوع و دانستن و ندانستن زمان آن، در آن واقعیت تأثیری ندارد.

بهانه جویی مکذّبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۴ - ۱۰۹

۴ انکار معجزه بودن معجزات ارائه شده از جانب پیامبر(ص)، از بهانه های منکران رسالت

لئن جاءتهم ءایه لیؤمننّ بها

تردیـدی نیست که پیامبر(ص) معجزاتی را به مردم ارائه می کرد، ولی مشـرکان با درخواست نزول آیات گویا در صـدد انکار آن معجزات بودند.

بهانه جویی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۹،۱۱

۹ بهانه جویی منافقان برای سرباز زدن از حضور در میدان احد ، با این ادّعا که در آن میدان ، پیکاری رخ نخواهد داد .

قاتلوا لو نعلم قتالا لاتّبعناکم

برخی از مفسّـِران گفته انـد مراد از جمله <لو نعلم . .. > نفی برخورد نظـامی است ; یعنی ما می دانیم که جنگی رخ نخواهد داد و لذا با شما نمی آییم.

۱۱ اظهار عدم آشنایی با دانش و مهارت های جنگی ، بهانه منافقان برای سرباز زدن از حضور در پیکار احد *

لو نعلم قتالاً لاتّبعناکم

برداشت فوق احتمال سوّمی است که در بیان جمله <لو نعلم . .. > گفته شـده است. یعنی اگر پیکار می دانستیم، شـرکت می کردیم، ولی ما با فنون جنگ و مبارزه آشنایی نداریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۹

۹ اشـکال تراشـی و اخلال گری ، از ترفند های منافقان پس از روی نمودن مشکلات و سختی ها به جامعه ایمانی برای تحکیم موقعیّت خویش

لو اطاعونا ما قتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۱

۱ اذن طلبی برخی منافقان

برای نرفتن به جنگ تبوک ، به بهانه گرفتار شدن به فتنه و گناه

و منهم من یقول ائذن لی و لاتفتنی

در شأن نزول آیه آورده اند که: یکی از منافقان به پیامبر اکرم (ص) گفت: <یا رسول اللّه ائذن لی و لاتفتنی ببنات الأصغر فإنی أخاف أن أفتتن بهن>; یعنی، ای رسول خدا! به من اذن بده تا در جنگ شرکت نکنم . .. چون، می ترسم مفتون دخترکان رومی گردم و به گناه بیفتم. (مجمع البیان، ذیل آیه)

بهانه جویی منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۲

۲ اجازه گرفتن بهانه جویان (منافقان) از پیامبر (ص) ، برای شرکت نکردن در جنگ تبوک با اظهار دروغین عجز و ناتوانی خود

لم أذنت لهم حتی یتبین لک

مقصود از <اذن> در آیه فوق به قرینه آیه قبل (لو استطعنا . ..) و شأن نزولها اذن دادن به کسانی است که از شرکت در جهاد، خود را معذور می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ گرمی هوا ، بهانه منافقان صدر اسلام برای تخلف از جنگ و دستاویزی برای تبلیغ و بازداشتن از شرکت دیگران در جهاد

و قالوا لاتنفروا فی الحر

بهانه جویی منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۸،۱۱،۲۰

۸ - برخی از منافقان و بیماردلان مدینه ، از پیامبر (ص) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانهناامن بودن

خانه و کاشانه شان ، مصرّانه اجازه می خواستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره

مراد از <عوره> در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود(مفردات راغب).

۱۱ - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیماردل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره إن یریدون إلاّ فر

۲۰ - < عن عبداللّه الحلبی عنه (ع) : إنّهم قالوا < إنّ بیوتنا عوره . . . > فأکذبهم اللّه قال : < و ما هی بعوره . . . > و هی رفیعه السمک حصینه ;

از عبداللّه حلبی، از امام(ع) نقل شده که منافقان گفتند: خانه های ما بی حفاظ است. خداوند آنان را تکذیب کرد و فرمود: <و ما هی بعوره...> و آن خانه ها، دارای دیوارهای بلند و محکم بود.>

بهانه جویی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۱،۲۴

۲۱ بهانه جویی یهود برای گریز از ایمان به پیامبر (ص)

الّذین قالوا . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جمله <فلم قتلتموهم . .. >، می رساند که پیشنهاد آنان برای ایمان آوردن، بهانه ای بیش نبوده است.

۲۴ سرزنش یهود از سوی خداوند به جهت بهانه جویی و ادعا های واهی

الّذین قالوا انّ اللّه . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۸

۸ غیر علمی

شمردن تعالیم انبیا ، بهانه بی اساس یهود ، برای نپذیرفتن آنها

و قولهم قلوبنا غلف

مقصود یهودیان از اینکه می گفتند قلبهایمان آکنده از علم است، می تواند این باشد که تعالیم انبیا اگر دارای مبنایی علمی بود، قلبهای ما آن را درک می کرد و در خود جای می داد و چنین نتیجه می گرفتند که تعالیم انبیا به دلیل نافذ نبودنش در قلبها علمی نیست.

بی اعتنایی به بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۷

۷ - بی اعتنایی خداوند به بهانه تراشی ها و عذرخواهی های کافران ، برای رهایی از عذاب دوزخ

فالیوم لایخرجون منها و لا هم یستعتبون

چنانچه از <استعتاب> (طلب عذرخواهی)، لازمه آن (قبول عذر) اراده شده باشد، برداشت بالا به دست می آید.

تداوم بهانه جویی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۷ - ۱

۱ - مشرکان ، سخنانی بهانه جویانه علیه اسلام و به دفاع از مواضع عقیدتی خود پیوسته ، تکرار می کردند .

و إن کانوا لیقولون

<إنْ> مخفف <إنّ> است. آمدن فعل <کانوا> دلالت می کند که خبر آن (لیقولون)، امری ثابت در گذشته و دارای پیشینه است و آمدن خبر به صورت فعل مضارع بیانگر تکرار مضمون آن است. بنابراین مقصود از آیه شریفه با توجه به آیات بعد سخنان بهانه جویانه مشرکان است که پیوسته آن را تکرار می کردند.

رد بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۶ – ۴

۴

– با ارائه شـدن وحی و پیام های الهی ، هیچ عذر و بهانه ای برای کافران و انسان های متخلّف ، در پیشـگاه خداوند قابل قبول نیست .

فالملقیت ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

رد بهانه جویی گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۶ – ۴

۴ – بـا ارائه شـدن وحی و پیـام های الهی ، هیـچ عـذر و بهانه ای برای کافران و انسان های متخلّف ، در پیشـگاه خداونـد قابل قبول نیست .

فالملقیت ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

رد بهانه جویی مکذبان انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۹ – ۶

۶ – بستن راه توجیه منکران ، حکمت برانگیخته شدن پیامبران از میان مردم محیط خویش

أم لم یعرفوا رسولهم فهم له منکرون

قرآن، ضـمن ردّ موجه بودن انکار کافران، به این نکته اشاره می کند که: اگر شخصیت پیامبر(ص) برای شما ناشناخته بود و او در میان شـما رشد نکرده بود، راهی برای تردید در حقانیت او وجود داشت; اما حتی چنین مجالی نیز، در اختیار شـما گذاشته نشده است.

زمینه اجتناب از بهانه جویی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۶ – ۱۰

۱۰- توجه به احاطه علمی خدا بر بندگان ، زمینه ساز پرهیز آنان از حق ناپذیری و بهانه جویی است .

قل کفی بالله شهیدًا . .. إنه کان بعباده خبیرًا بصیرًا

اینکه خداوند بر مشرکان حق ناپذیر اتمام

حجت کرده و آنگاه فرموده است: <او بر حال بندگان آگاه و بیناست> می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

زمینه بهانه جویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۵

۵ - اجرت خواهی و مزد طلبی در راه تبلیغ دین و هدایت مردم ، دارای تأثیر منفی بوده و بهانه دادن به دست بهانه جویان است .

أم تسئلهم خرجًا

زمینه بهانه جویی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۳

۳- گرایش محرومان به قرآن ، بهانه مستکبران برای تردید در حقانیت آن

و قال الذین کفروا . .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

تعبیر <لو کان خیراً ..>، بیان دلیل است و از محتوای آیه استفاده می شود که کافران، از طایفه اشراف مستکبر و مؤمنان از طبقه محروم بودند. بدین جهت مستکبران، ابراز می داشتند اگر قرآن خیری در برداشت، تهی دستان بی هویت بدان روی نمی آوردند.

عوامل بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۵

۵ آیات گوناگون قرآن مایه تقویت بینش آگاهان و منجر به بهانه جویی کافران خواهد شد.

و لیقولوا درست و لنبینه لقوم یعلمون

منشأ بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۲

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

یسئل أیّان یوم القیمه

منشأ بهانه جویی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص

- ۲۸ - ۵۸ - ۵

۵ - غرور و سرمستی ، ریشه بهانه جویی های مشرکان عصر بعثت

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره بهانه جویی های مشرکان مکه است برداشت یاد شده استفاده می شود.

موانع بهانه جویی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۴

۱۴ - تلاش برای ایجاد امنیت ، پیش از تبلیغ خداپرستی ، کاری الهی و از بین برنده بهانه مشرکان در ترک عبادت است .

فلیعبدوا . .. و ءامنهم من خوف

موانع بهانه جویی معرضان از عبادت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۷

۷ - تأمین غذای مردم ، قبل از الزام آنان به بندگی خداوند ، کاری است الهی و از میان برنده بهانه مخالفان در ترک عبادت

فلیعبدوا . .. الذی أطعمهم من جوع

نشانه های بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۱

۱ - درخواست نزول نامه سرگشاده از سوی خداوند ، در تأیید رسالت پیامبر (ص) و بر درستی قرآن ، درخواستی نابجا و نشانه بهانه جویی کافران

بل یرید کلّ امریء منهم أن یوتی صحفًا منشّره . .. کلاّ إنّه تذکره

کلمه <کلاّ>، تأکید مطلبی است که در آیه پیش (کلاّ بل لایخافون. ..) بیان شده است; یعنی، قرآن کریم تذکره است و اگر بنا بود که کافران به سبب آن متذکر شوند، نزول قرآن به همین صورت برای پندآموزی

آنان کافی بود. پس درخواست کافران مبنی بر نامه اختصاصی از جانبِ خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

بهداشت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بهداشت

اهمیت بهداشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۲ – ۱۰

۱۰ لزوم رعایت بهداشت در آمیزش جنسی

و لا تقربوهنّ حتی یطهرن فاذا تطهّرن فأتوهنّ

با توجّه به اینکه جواز آمیزش جنسی، وابسته به قطع خون و تحصیل طهارت شده است.

اهمیت بهداشت تغذیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۸ – ۵

۵ – ضرورت رعایت بهداشت در بهره وری از خوراکی های زمین

کلوا مما فی الأرض حللا طیباً

اهمیت بهداشت در تغذیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۲ – ۶

۶ – توجه اسلام به بهداشت در تغذیه

کلوا من طیبت ما رزقنکم

بهداشت تغذیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱۵

۱۵ توجه اسلام به نظام تغذیه و سالم سازی آن

حرمت علیکم المیته . .. و ما اکل السبع الا ما ذکیتم

تفصیل و تبیین موارد خوردنیهای حلال و حرام، نشانه توجه اسلام به نظام تغذیه می باشد.

بهداشت در آمیزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۱۰

۱۰ لزوم رعایت بهداشت در آمیزش جنسی

و لا تقربوهنّ حتی یطهرن فاذا تطهّرن فأتوهنّ

با توجّه به اینکه جواز آمیزش جنسی، وابسته به قطع خون و تحصیل طهارت شده است.

بهداشت در یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه

- ۲۰ - ۸۱ - ۳

۳ - توجه به بهداشت و تغذیه سالم در آیین موسی (ع)

کلوا من طیّبت ما رزقنکم

زمینه بهداشت روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۸ - ۷

۷ ایمان به انبیا، همراه با شایسته ساختن عمل، زمینه سلامت، تعادل و بهداشت روانی

فمن ءامن و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

اندوه و ترس از ویژگیهای افرادی است که از سلامت و بهداشت روانی برخوردار نیستند. چون خداوند زمینه دور ماندن از اندوه را در این آیات بیان فرموده است، مطلب فوق را می توان برداشت کرد.

بهشت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۱ - ۶

۶ حسنه در دنیا ، وسعت روزی و اخلاق نیک و در آخرت ، رضوان الهی و بهشت است .

ربّنا اتنا فی الدنیا حسنه

امام صادق (ع) درباره آیه <ربّنا اتنا . ..>، فرمود: رضوان اللّه و الجنه فی الاخره و السعه فی الرزق و المعاش و حسن الخلق فی الدنیا

معانی الاخبار، ص ۱۷۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۹، ح ۷۲۵ و ۷۲۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۵،۶،۷،۸،۹،۱۲،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷

۵ آمرزش الهی و بهشت تقواپیشگان ، مقصود بایسته ای برای اهل ایمان

و سارعوا الی مغفره من ربّکم . .. اعدّت للمتّقین

۶ نیل به آمرزش الهی و بهشت تقواپیشگان ، برانگیزنده اهل ایمان به اطاعت از خدا و رسول (ص)

یا ایّها الّذین امنوا . .. و اطیعوا اللّه و

الرّسول ... سارعوا الی مغفره من ربّک

جمله <سارعوا الی . .. >، بعـد از امر به اطاعت از خـدا و رسول(ص)، برای ایجاد انگیزه و نیز تشویق مؤمنان به پیروی از خدا و پیامبرش است.

۷ امید نیل به آمرزش الهی و بهشت ، برانگیزنده اهل ایمان برای شرکت در نبرد با دشمنان

یا ایّها الّذین امنوا . .. و اطیعوا اللّه و الرّسول ... سارعوا الی مغفره من ربّک

چون آیات پیشین درباره نبرد و رویارویی با کافران بود، گویا آیات مورد بحث به منظور دستورالعملی است برای اینکه جامعه ایمـانی را به گونه ای تربیت کنـد که دیگر همچون نبرد اُحُـد، دلبسـته به دنیـا نباشـد و دچـار دلهره و ترس نگردد تا همیشه بر دشمنان دین غالب شود.

۸ ورود به بهشتِ تقواپیشگان ، در گرو آمرزش گناهان

و سارعوا الی مغفره من ربّکم و جنّه عرضها السّموات و الارض اعدّت للمتّقین

تقـدیم ذکری آمرزش الهی بر بهشت پهنـاور، بیانگر تقـدّم خارجی آن است; یعنی نخست بایـد آمرزش حاصل شود، و آنگاه ورود به بهشت متّقین.

۹ بهشتِ تقواپیشگان ، منزلگاه پاکان

و سارعوا الی مغفره من ربّکم و جنّه عرضها السّموات و الارض اعدّت للمتّقین

چون درآمـدن به بهشتِ مهیّا شـده برای تقواپیشـگان در گرو آمرزش گناهـان است، آن بهشت، جایگاه پاکان از گناه خواهد بو د.

۱۲ بهشت موعود اهل تقوا ، دارای وسعتی به پهنه آسمان ها و زمین

و جنّه عرضها السّموات و الأرض اعدّت للمتّقین

بنابر اینکه مراد از <عرض>، وسعت باشد، نه عرض مقابلِ طول.

۱۴ بهشت ، در انتظار تقواپیشگان است و برای آنان مهیا شده .

و جنّه عرضها السّموات و الارض اعدّت للمتّقین

اطاعت خدا و رسول (ص) ، جلب رحمت الهی و آمرزش گناهان ، مراحلی در طول هم برای ورود به بهشت متّقین

و اطیعوا اللّه و الرّسول لعلّکم ترحمون. و سارعوا الی مغفره من ربّکم و جنّه عرضها

۱۶ بهشتِ تقواپیشگان ، اکنون حاضر و آماده است .

اعدّت للمتّقین

کلمه <اعدّت> (مهیّا شده)، به صیغه ماضی، دلالت بر وجود بالفعل بهشت دارد.

۱۷ بهشت ، در اصل ، برای تقواپیشگان آفریده و مهیّا شده است .

و جنّه . .. اعدّت للمتّقین

بنابر اینکه توصیف <جنّه> به صفت <اعدّت للمتّقین>، وصف توضیحی باشد و نه احترازی; یعنی بهشت، جایگاهی برای تقواپیشگان است و اگر دیگران وارد شوند، به تَبَع خواهد بود، نه بالاصاله.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۵ – ۱۱،۱۲،۱۳

۱۱ بهشت ، پاداش کامل برای اعمال نیک انسانها

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه فمن زحزح عن النّار و ادخل الجنّه فقد فاز

۱۲ سعادتمندی رهایی یافتگان از آتش و ره یافتگان به بهشت

فمن زحزح عن النّار و ادخل الجنّه فقد فاز

<زحزح>، از مصدر <زحزحه>، به معنی دور شدن و کنایه از نجات یافتن است.

۱۳ بهشت ، جایگاه سعادتمندان

فمن زحزح . .. و ادخل الجنّه فقد فاز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۲ – ۱۵

۱۵ زندگی دنیا دارای عاقبت و فرجامی نیک (بهشت) می باشد .

أُولئك لهم عقبی الدار

<ال> در <الدار> عهد حضوری است و لذا مراد از <الدار> حیات دنیاست. مقصود از فرجام نیک آن (عقبی الدار) به قرینه آیه بعد بهشت می

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۱

۱ بهشت ، سرانجام و فرجام حیات دنیاست .

أُولئك لهم عقبى الدار. جنّت عدن

<جنات عدن> عطف بیان و یا بدل برای <عقبى الدار> در آیه قبل است.

آبریزهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۸ - ۳

۳ - جام ، آبریز و پیاله ، ظروف باده بهشت

بأكواب و أباريق و كأس

<كوب> (مفرد <أكواب>) به ظرفی كه نه خرطوم دارد و نه دسته گفته می شود. بهترین معادل فارسی آن ظاهراً جام است. <أبريق> (مفرد <أباريق> و به معنای آبریز) ظرفی است كه هم دسته و هم خرطوم دارد و <كأس> پیاله ای است كه از شراب پر شده باشد.

آبهای جاری بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۱ - ۱

۱ - بهشت اصحاب الیمین ، دارای آبی همواره جاری

و ماء مسكوب

<ماء مسكوب>; یعنی، آبی كه همواره ریزان است.

آثار جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۹ - ۲

۲ - سرور و شادمانى بهشتيان ، از نمردن و جاودانه زيستنن و نيز رهايى از عذاب الهى در آخرت

إلّا موتتنا الأُولى و ما نحن بمعذّبين

آثار جاودانگى نعمتهاى بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۷

۷ - آسايش خاطر بهشتيان ، در پرتو اطمينان از زوال ناپذيرى نعمت ها

ادخلوها بسلم ذلك يوم الخلود

برداشت بالا بنابراين نكته است كه <ذلك يوم. ..>

در مقام تعلیل برای <ادخلوها بسلام> باشد; یعنی، چون در بهشت جاودانه اید، دیگر مجال هیچ اندوه ندارید و خاطرتان آسوده باد.

آثار ذکر جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۴ - ۷

۷- توجه یکتاپرستان استوار بر ایمان به جاودانگی در بهشت ، زداینده هر گونه بیم و اندوه از ایشان

فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون . أُولئك أصحب الجنّه خلدین فیها

با توجه به ارتباط این آیه با <فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون> در آیه قبل، توجه به وعده خداوند به بهشتی بودن موحدان نیك کردار، می تواند زداینده ترس و اندوه آنان باشد.

آثار علاقه به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۵

۵ - اشتیاق به نعمت های موعود خداوند و ارزش های بهشت ، مستلزم پرهیز از هرگونه کفر و تکذیب

متّکین علی رفرف خضر . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند با برشمردن نعمت های بهشت، شوق دستیابی به آن را در خلق فزونی می بخشد و در پی آن هشدار می دهد که کفر و تکذیب، مانع ره یابی به آن نعمت ها است; زیرا تکذیب کنندگان، منفور خدا و شایسته توبیخ اند; نه احسان.

آثار ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۵

۵ وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

- آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۷ - ۴

۴- سعادت واقعی ، تنها در پرتو رهایی از دوزخ و ره یابی به بهشت میسّر است .

و وقهم عذاب الجحیم . .. ذلک هو الفوز العظیم

آخرت طلبان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۰ - ۱

۱ - انسان های کوشا و آخرت طلب ، از بین مناطق گوناگون بهشت ، بوستانی ارجمند و عالی رتبه ، در اختیار خواهند داشت .

لسعیها راضیه . فی جنّه عالیه

<عالیه>، ممکن است وصف توضیحی بوده و بهشت موعود را به علوّ رتبه توصیف کرده باشد. هم چنین می تواند وصف احترازی باشد; حاکی از این که برخی از بوستان های بهشت، در مقایسه با دیگر بوستان های آن، رتبه برتری دارند. برداشت یاد شده، نظر به احتمال دوم دارد.

آخرین قطرات شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۶ - ۲

۲ - صُراح باده بهشتی نیکوکاران ، با مشک لاک و مهر شده است .

ختمه مسک

برخی از اهل لغت، <ختام> را به معنای وسیله ختم و علامت گذاشتن می دانند و می گویند: تنگ شراب را در آخرت، با مشک ممهور می کنند; نه این که مانند صُراح (تنگ شراب) دنیا، آن را با گل و امثال آن سربسته سازند. راغب این معنا را با آیه شریفه مناسب نمی داند.

آدم(ع) در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۵ – ۳

۳ – حوا ، قبل از سکونت آدم

(ع) در بهشت ، آفریده شده بود .

اسکن أنت و زوجک الجنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۹ – ۱،۲

۱ خداوند به آدم(ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت گزینند.

و یأدم أسکن أنت و زوجک الجنه

۲ خداوند تمام خوردنیهای بهشت را برای آدم و همسرش مباح کرد.

فکلا من حیث شئتما

آرامش در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۷ – ۲

۲ بهشت، خانه ای دارای امنیت و آرامش کامل است.

لهم دارالسلم

چنانکه مفسران گفته اند مراد از دارالسلام می تواند بهشت باشد که از ویژگیهای آن سلامت و امنیت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۵ – ۱

۱ بهشت ، سرایی است سراسر سلامت ، امنیت و آرامش .

و اللّه یدعوا إلی دارالسلم

آرزوی بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۵ – ۲

۲ – چشمداشت به پاداش الهی ، آرزوی بهشت و درخواست نعمت های آن از خداوند ، امری شایسته و بایسته برای اهل ایمان

و اجعلنی من ورثه جنّه النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۷ – ۸

۸ – عزّت اخروی و بهشت پر نعمت ، والاترین آرزو و درخواست ابراهیم (ع) از خداوند

و اجعلنی من ورثه جنّه النعیم . .. و لاتخزنی یوم یبعثون

از این که دو مسأله یاد شده، به عنوان آخرین آرزو و درخواست ابراهیم(ع) بوده است،

می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۵

۵ - بهشت ، هدف اصلی و آرزوی نهایی مؤمنان مجاهد

قیل ادخل الجنّه

برخی از مفسران برآنند که حذف <مقول له> (کسی که سخن درباره او است; یعنی، مؤمن انطاکیه) و ذکر <مقولِ> تنها (آنچه که درباره آن سخن به میان آمده است; یعنی، بهشت) برای بیان این حقیقت است که آنچه اهمیت دارد و باید غرض اصلی و هدف نهایی باشد، بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۴

۴ - بهشت و بودن در جوار لطف خداوند ، نهایت آرزو و آرمان معنوی همسر فرعون (آسیه)

إذ قالت ربّ ابن لی عندک بیتًا فی الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۹ - ۱

۱ - ورود کافران به بهشت ، امری ناممکن و آرزویی بی جا

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّه نعیم . کلاّ

آزادی متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۶ - ۲

۲- تقواپیشگان ، مجاز به ورود به هر قسمتی از باغ های بهشتند . *

ادخلوها بسلم ءامنین

ذکر جمله <ادخلوها>، پس از آنکه گفته شد <متقین در بهشت قرار خواهند داشت>، ممکن است از این جهت باشد که آنان، در آزاد بودن در بخشهای مختلف تردید داشته باشند که به آنها گفته می شود: <با سلامت و امنیت وارد هر بخشی می توانند بشوند>.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۷

۷ - تقواپیشگان ، در انتخاب جایگاه و منزل خود در بهشت آزاد خواهند بود .

و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه حیث نشاء

<تَبَوّأ> (مصدر <نتبوّأ>) به معنای سکنی و منزل گرفتن است.

آسایش در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۹

۹- بهشت ، مکانی بس آسایش آفرین ، و نعمت های آن ، پاداشی بس نیک برای مؤمنان است .

نعم الثّواب و حسنت مرتفقًا

<مرتفق> اسم مکان به معنای <متکا> (تکیگاه) است و چون هنگام استراحت، نوعاً، مرفق خود را روی زمین می گذارند، به محل استراحت و لمیدن <مرتفق> گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالی ترین نعمت ها و آرمانی ترین ارزش و آسایش برای مؤمنان در بهشت برین ، وجود دارد .

لایبغون عنها حولاً

درخواست تغییر، نوعاً، در پی تصوّر چیزی بهتر و بالاتر پدید می آید. این که بهشتیان، خواهان تغییری در وضع خود نیستند، می تواند بدین جهت باشد که چیزی فوق آنچه آنان در بهشت برخوردارند، به ذهن شان نمی رسد تا آن را آرزو کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۲

۲- بهشت ، جایگاه ماندن و استقرار و سرشار از امنیت و آسایش

جنّت عدن

برخی <عدن> را مصدر و به معنای اقامت کردن می دانند و برخی دیگر آن را علَم برای زمین بهشت دانسته و گفته اند: این نام بدان جهت

بر بهشت نهاده شده که جایگاه اقامت و استقرار است (کشاف، ج ۳). در هر صورت این کلمه بر این که بهشت محل استقرار است، دلالت دارد. لازم به ذکر است محل استقرار در مقام تمجید به جایی گفته می شود که همه شرایط اقامت را دارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۱

۱ - بهشت ، جایگاهی سرشار از امن و آسایش و از هر جهت آماده برای ماندن و استقرار بهشتیان است .

جنّت عدن

در باره این که مراد از <عدن> چیست، نظریاتی از سوی مفسران ابراز گردیده است. برخی آن را نام یکی از بهشت های هشت گانه دانسته اند، و برخی دیگر معنای لغوی آن را لحاظ نموده و آن را به <اقامت کردن> معنا کرده اند. در این صورت <عدن> قیدی توضیحی برای <جنّات> خواهد بود نه قید احترازی. گروهی دیگر <عدن> را اسم خاص برای زمین بهشت می دانند و می گویند جایگاه اقامت بودن بهشت، باعث این نام گذاری است. گفتنی است که <محل اقامت> در مقام تمجید به جایی گفته می شود که همه شرایط آسایش در آن فراهم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۵ - ۳

۳ - بهشت ، سرای آسودگی و به دور از رنج و افسردگی

لایمسّنا فیها نصب و لایمسّنا فیها لغوب

<نصب> به معنای تعب و رنج و <لغوب> به معنای عجز و ناتوانی است که غالباً به سبب تعب و مشقت به وجود می آید. گفتنی است که در برداشت یاد

شده از آن به افسردگی تعبیر شده است.

آسایش در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۵

۵ - بهشت مسکونی آدم و حوا ، جایگاهی آماده برای آسایش و راحتی و به دور از هرگونه مشقت و سختی

فلایخرجنّکما من الجنّه فتشقی

آستر پشتی های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۲

۲ - ارزشمندترین پارچه های دنیا ، به کار رفته در لایه های زیرین پشتی های اهل بهشت

متّکین علی فرش بطائنها من إستبرق

واژه <بطائن> ممکن است نظر به این داشته باشد که آنچه در دنیا بهترین به حساب می آید، آن جا کمترین جلوه را دارد; تا حدی که به عنوان آستر و یا مواد درونی پشتی ها مورد استفاده قرار می گیرد.

آشامیدنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۵ - ۱،۲،۳،۴

۱ - گردش ظرف هایی از شراب ناب ، گرداگرد بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس

<کأس> به معنای ظرفی است که در آن شراب باشد. گفتنی است گاهی این واژه استعمال می شود، ولی مقصود از آن خود شراب است; نه ظرفی که در آن شراب باشد.

۲ - جاری بودن چشمه هایی از شراب ناب در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

<معین> به آبی زلال گفته می شود که بر روی زمین جاری باشد (چون نهر). این واژه به منزله صفت برای <کأس> است; بنابراین بهشت بندگان خالص خدا دارای نهرهایی از شراب ناب است که جام هایی از آنها به

بهشتیان عرضه می شود.

۳ - در دسترس بودن شراب و فراوانی و مستمر بودن آن ، برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

تعبیر دور دادن شراب بر سر بهشتیان، بیانگر در دسترس بودن آن است و آمدن <یطاف> به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار این عمل دارد.

۴ - شراب ناب ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - سپید و درخشان بودن شراب ، برای بندگان مخلص خدا در بهشت

بیضاء

<بیضاء> به اعتبار مظروف (شراب) صفت برای <کأس> (ظرف شراب) است; نه به اعتبار ظرف. توصیف دیگر آن در آیه بعد به این که مایه دردسر و مستی نمی شود، مؤید همین مطلب است.

۲ - لذت بخش و گوارا بودن شراب بهشتی برای نوشندگان آن

لذّه للشربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱،۴

۱ - پذیرایی خادمان بهشتی از پرهیزگاران ، با نوشیدنی هایی در جام های زرین

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

<صِحاف> (از ماده <صحف>) به معنای گستردن و در این جا به معنای ظرف های بزرگ و وسیع است. <أکواب> نیز به معنای ظرف های آب است که دسته ندارند (منظور همان <جام> یا <قدح> است). گفتنی است که در آیه شریفه

حذفی صورت گرفته است; بدین صورت: <یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب من ذهب...>.

۴ - دسترسی بهشتیان به طعام و نوشیدنی بدون هیچ گونه رنج و تلاش

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و

أكواب

از مجهول آمدن <يُطاف> استفاده می شود که ظرف های غذا و جام های نوشیدنی، بدون تلاش بهشتیان در اختیار آنان قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۴ - ۱

۱ - مؤمنان بهشتی ، برخوردار از خوردنی ها و نوشیدنی ها

کلوا و اشربوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۵ - ۱،۳

۱ - میِ آمیخته با کافور ، نوشیدنی ابرار در بهشت

إنّ الأبرار يشربون من كأس كان مزاجها كافورًا

<برّ> و <بارّ> (مفرد <أبرار>)، به کسی گفته می شود که احسان و خیر او، بسیار است (قاموس المحیط) و <كأس> در معنای می و نیز جام می به کار می رود (لسان العرب). <كافور> به گیاه و ماده عطری و خوشبو گفته می شود. (قاموس المحیط)

۳ - احسان و نیکوکاری ، موجب بهره مندی از نعمت های بهشتی ، همچون نوشیدنی های گوارا و معطر

إنّ الأبرار يشربون من كأس كان مزاجها كافورًا

توصیف بهشتیان به ابرار، نشانگر این حقیقت است که آنچه موجب بهشتی شدن آنان می شود، برّ و نیکوکاری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۷

۷ - بهشتیان ، از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هر گونه آثار ناگوار ، خواهند نوشید .

و سقيهم ربّهم شرابًا طهورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۳ – ۱

۱ – پذیرایی شدن تقواپیشگان در بهشت ، از خوردنی ها و نوشیدنی ها

کلوا و اشربوا

آشنایی شهیدان با

بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۶ - ۲

۲- آشنایی شهیدان با بهشت ، قبل از ورود به آن

عرّفها لهم

$ماضی بودن "عرّفها" و مضارع آمدن "یدخلهم"، مطلب بالا را افاده می کند.

آفتاب در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۳

۳ - وجود نوعی سایه دلپذیر و نور خورشیدمانند در بهشت

هم و أزوجهم فی ظلل

وجود سایه ها (ظلال) در بهشت، دلیل وجود نوعی نور است.

آفرینش بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۱۶،۱۷

۱۶ بهشتِ تقواپیشگان ، اکنون حاضر و آماده است .

اعدّت للمتّقین

کلمه <اعدّت> (مهیّا شده)، به صیغه ماضی، دلالت بر وجود بالفعل بهشت دارد.

۱۷ بهشت ، در اصل ، برای تقواپیشگان آفریده و مهیّا شده است .

و جنّه . .. اعدّت للمتّقین

بنابر اینکه توصیف <جنّه> به صفت <اعدّت للمتّقین>، وصف توضیحی باشد و نه احترازی; یعنی بهشت، جایگاهی برای تقواپیشگان است و اگر دیگران وارد شوند، به تَبَع خواهد بود، نه بالاصاله.

آمادگی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۱۰،۱۱

۱۰ - بهشت موعود ، هم اکنون موجود و آماده است . *

أُعدّت للذین ءامنوا

به کار رفتن تعبیر <أُعدّت> (آماده شده است) به صورت فعل ماضی، بیانگر مطلب یاد شده است.

۱۱ - بهشت ، برای کسانی آماده شده است که به خداوند و پیامبران او ایمان دارند .

أُعدّت للذین ءامنوا باللّه و رسله

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۳ – ۴

۴ – آماده سازی بهشت و جهنم برای ورود اهل آن ، هم زمان با برپایی قیامت

و إذا الجحیم سعّرت . و إذا الجنّه أُزلفت

آمادگی خدمتکاران بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۷ – ۳

۳ – وجود خدمت کارانی آماده پذیرایی ، برای ابرار در بهشت

و یسقون فیها کأسًا کان مزاجها زنجبیلًا

آمیختگی شراب بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۲۷ – ۱

۱ – باده های بهشتی نیکوکاران ، با شربتی از چشمه < تسنیم > آمیخته است .

و مزاجه من تسنیم

به هر یک از عناصر مخلوط شده با چیز دیگر، <مزاج> گفته می شود. <تسنیم> نام چشمه ای است که مقرّبان در بهشت از آن می نوشند. ممکن است این نام، از ماده <سنم> که به معنای علوّ و ارتفاع است مشتق باشد و بر ارزش والای آن چشمه دلالت کند.

ابرار در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۳ – ۱،۲،۳

۱ – ابرار در بهشت ، بر تخت های مزین تکیه می زنند .

متّکئین فیها علی الأرائک

<أریکه> (مفرد <أرائک>) به معنای تخت مزین است.

۲ - ابرار در بهشت ، برخوردار از آرامش و آسایش کامل

متّکئین فیها علی الأرائک

تکیه زدن ابرار بر تخت های مزیّن، نشانه آرامش و آسایش کامل آنان است; زیرا فرد مضطرب و دغدغه دار، این گونه بر جایگاهی قرار نمی گیرد.

۳ - ابرار در بهشت ، آسوده از گرما و سرمای

آزاردهنده و برخوردار از هوای مطبوع و معتدل در بهشت

لایرون فیها شمسًا و لازمهریرًا

<زمهریر>به معنای سرمای شدید است. مقصود از ندیدن خورشید و سرما، روبه رو نشدن با گرما و سرمای آزاردهنده و برخورداری از هوای مطبوع و معتدل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۴ – ۱

۱ – ابرار در بهشت ، از سایه های دل انگیز و دامن کشیده بر فراز آنان برخوردار بوده و در کمال آسایش به سر می برند .

و دانیه علیهم ظللها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۵ – ۱

۱ – گردش پیوسته جام های نقره ای و کوزه ها و قدح های بلورین ، جهت پذیرایی از ابرار در بهشت

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرَا

<انـاء> (مفرد <ءانیه>) به معنای ظرف است و <کوب> (مفرد <أکواب>) در معنای کوزه بی دسته و قدح بی دسته استعمال می شود. <قاروره> (مفرد <قواریر>) نیز به معنای ظرف شیشه ای و بلورین است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۶ – ۱،۲

۱ – ابرار در بهشت ، از کوزه ها و قدح های بلورینی استفاده می کنند که از جنس نقره است .

قواریرَا من فضّه

۲ – قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در صفا و شفافیت ، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی ، همچون نقره است .

کانت قواریرَا . قواریرَا من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه

بلیغ دانسته اند; نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و در عین حال نقره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۷ - ۳

۳ - وجود خدمت کارانی آماده پذیرایی ، برای ابرار در بهشت

و یسقون فیها کأسًا کان مزاجها زنجبیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۹ - ۴

۴ - خدمت گزاران ابرار در بهشت ، جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

و یطوف علیهم ولدن مخلّدون

برخی احتمال داده اند که <مخلّدون>، مشتق از <خُلُد> به معنای گوشواره باشد. بنابراین <ولدان مخلّدون>; یعنی، جوانانی که گوشواره، بر گوششان آویخته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۰ - ۲

۲ - ابرار در بهشت ، از هر نوع امکانات و نعمت های مادی و معنوی به مقدار گسترده برخوردار خواهند بود .

وإذا رأیت ثَمّ رأیت نعیمًا و ملکًا کبیرًا

مطلب یاد شده، از توصیف <ملکاً> به <کبیراً> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۱،۶

۱ - ابرار در بهشت ، برخوردار از بالاپوش های سبز رنگ از حریر نازک و ریزباف و حریر ستبر و درشت باف

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

<سندس>، در لغت به معنای پارچه ابریشمی نازك و <استبرق> به معنای پارچه ضخیم است. برخی نیز آن را معرب و برگرفته از کلمه فارسی <استبر> یا <ستبر> دانسته اند (تاج العروس). از تعبیر <عالیهم> (بالای ایشان) می توان استفاده کرد که مقصود،

لباس رویی و بالاپوش است.

۶ – ابرار در بهشت ، برخوردار از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هرگونه آثار ناگوار (بیهوشی ، غفلت و عقل زدایی)

و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا

<طهور>، صیعه مبالغه و صفت برای <شراباً> است; یعنی، شراب ابرار در نهایت پاگیزگی و خالص از هر گونه آثار ناگوار شراب های دنیا (همچون بیهوشی، غفلت و کم شدن عقل) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۲ – ۲

۲ – تخت های مزیّن در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متّکئین فیها علی الأرائك . .. و ذلّلت قطوفها... یسقون فیها کأسًا ... یطوف علیهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در <لکم>، می تواند برای اختصاص باشد.

ابعاد بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۵ – ۱۵

۱۵ – بهشت دارای بعد مکانی و زمانی *

أن لهم جنت تجری من تحتها الأنهر کلما رزقوا منها

<کلما> به معنای هرگاه، بر وجود بعد زمانی دلالت دارد و کلمه <تحتها> از بعد مکانی حکایت می کند.

اجابت کنندگان خدا در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۸ – ۵

۵ بهشت ، جایگاه اجابت کنندگان دعوت خداوند است .

للذین استجابوا لربهم الحسنی

اختفای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۱

۱۱- خداوند

، بهشت موعود را ار دیدگان مردم پنهان داشته است .

یدخلون الجنّه . .. التی وعد الرحمن عباده بالغیب

<بالغیب> در برداشت بالا حال برای ضمیر محذوف در <وعد الرحمن> است که به <التی> برمی گردد.

اخراج آدم(ع) از بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۶ – ۳،۴،۲۲

۳ – شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما کانا فیه

۴ – خداوند ، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت ، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد .

و قلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول <اهبطوا> به دلیل جمله بعد، <الأرض> می باشد.

۲۲ از امام رضا (ع) روایت شده : < . . . فتسلط علیه (آدم (ع)) الشیطان . . . و تسلط علی حوا . . . فأخرجهما اللّه عز و جل عن جنته فاهبطهما عن جواره إلی الأرض . . . ;

. .. پس شیطان بر آدم (ع) ... و حوا مسلط گشت ... پس خدا آنان را از بهشت خود بیرون راند و از جوار خود به زمین فرو فرستاد ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۸ – ۱،۴

۱ – خداوند ، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا ، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند .

قلنا اهبطوا منها

درباره دلیل تکرار جمله <قلنا اهبطوا> (آمدنش در این

آیه و آیه ۳۶) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: <قلنا اهبطوا> در آیه فوق، تأکید جمله <قلنا اهبطوا> در آیه ۳۶ است.

۴ - خداوند ، به هنگام خروج آدم (ع) و حوا از بهشت ، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت ها و رهنمودهایی از جانب خودش ، بشارت داد .

فإما یأتینکم منی هدًی

<إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زایده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با <ما>ی زایده و نون تأکید در <یأتینّ> از سوی دیگر، اقتضا می کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد ... .

اخراج حوا از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۳،۴،۲۲

۳ - شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما کانا فیه

۴ - خداوند ، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت ، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد .

و قلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول <اهبطوا> به دلیل جمله بعد، <الأرض> می باشد.

۲۲ از امام رضا (ع) روایت شده : < . . . فتسلط علیه (آدم (ع)) الشیطان . . . و تسلط علی حوا . . . فأخرجهما اللّه عز و جل عن

جنته فاهبطهما عن جواره إلی الأرض . . . ;

. .. پس شیطان بر آدم (ع) ... و حوا مسلط گشت ... پس خدا آنان را از بهشت خود بیرون راند و از جوار خود به زمین فرو فرستاد ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۸ – ۱،۴

۱ – خداوند ، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا ، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند .

قلنا اهبطوا منها

درباره دلیل تکرار جمله <قلنا اهبطوا> (آمدنش در این آیه و آیه ۳۶) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: <قلنا اهبطوا> در آیه فوق، تأکید جمله <قلنا اهبطوا> در آیه ۳۶ است.

۴ – خداوند ، به هنگام خروج آدم (ع) و حوا از بهشت ، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت ها و رهنمودهایی از جانب خودش ، بشارت داد .

فإما یأتینکم منی هدًی

<إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زایده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با <ما>ی زایده و نون تأکید در <یأتینّ> از سوی دیگر، اقتضا می کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد . ...

اخراج شیطان از بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۶ – ۸

۸ – خداوند به شیطان فرمان داد تا از بهشت خارج شود و به زمین فرود آید .

و قلنا اهبطوا

<اهبطوا> – به

صورت صیغه جمع - می نمایاند که: خطاب در آن، علاوه بر آدم(ع) و حوا متوجه شخص و یا اشخاص دیگری نیز هست. برخی بر این نظر هستند که شیطان نیز مخاطب آن امر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۳

۳ - خداوند ، شیطان را نیز از بهشت خارج کرد . *

قلنا اهبطوا منها جمیعاً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: خطاب در <اهبطوا> علاوه بر آدم(ع) و حوا، شامل شیطان نیز باشد.

ارزش باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۱ - ۶

۶ برخورداری مؤمنان مهاجر ومجاهد از رحمت ویژه خدا و مقام رضوان ، نعمتی است بسیار ارجمندتر از دستیابی آنان به باغ ها و بوستان های بهشت .

هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّه . .. یبشرهم ربهم برحمه منه و رضون و جنت

تقدیم <رحمه> و <رضوان> بر <جنات> رساننده برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۲

۲ - باغ های بهشت ، دارای مراتب و ارزش متفاوت

و من دونهما جنّتان

برداشت بالا بر این اساس است که <دون> در <من دونهما> بیانگر مرتبه پایین تر باشد.

ارزش بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۴

۴ بهشت ، مظهر رحمت الهی

فسیدخلهم فی رحمه منه

بنابر اینکه پاداشهای ذکر شده، پاداشهای اخروی باشد ; بر این مبنا <رحمت>، به قرینه واژه <دخول> و <فی> بهشت خواهد بود.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۹ – ۱۲

۱۲ جلب رضایت خداوند و خشنودی انسان از وی ، برتر از بهره مندی از بهشت جاویدان

رضی اللّه عنهم و رضوا عنه ذلک الفوز العظیم

برداشت فوق بر این مبناست که ذلک تنها اشاره به جمله <رضی اللّه عنهم و رضوا عنه> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۱۷

۱۷ بهشت ، جایگاهی بس والا و ارجمند در پیشگاه خداوند

أن تلکم الجنه

به کارگیری کلمه <تلکم>، علی رغم نزدیک بودن مشارالیه آن (بهشت)، بیانگر عظمت و ارجمندی بهشت است.

ارزش فرشهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۶ – ۱

۱ – بهشت برین ، تزیین یافته با فرش های مخمل باف و گران قدر که همواره گسترده است .

و زرابیّ مبثوثه

<زرابیّ> جمع <زُرْب> (بر وزن قُفْل) یا <زربیّه> (به فتح، ضم یا کسر حرف اول) است و به فرش هایی گفته می شود که دارای، پرزهای لطیف باشد (نهایه ابن اثیر). اصل معنای آن، لباس هایی با خطوط زیبا است که به یکی از مناطق انتساب دارد (مفردات راغب) برخی از مفسران، <زربیّه> را تخفیف یافته <آذربیّه> می دانند که در انتساب به آذربایجان گفته می شود. (التحریروالتنویر)

ارزش نعمتهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۶ – ۴

۴ – حقارت و ناچیزی زخارف دنیا ، در مقایسه با موهبت های بهشتی

کلوا و تمتّعوا قلیلاً

ناچیز شمرده شدن بهره های دنیوی کافران

در این آیه، با مواهب بی پایان و گسترده بهشت سنجیده شده است.

ارضای تمایلات در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۲ – ۳،۴

۳ – وجود تمایلات مادی ، برای انسان ، در قیامت و ارضای کامل آنها در بهشت

و فوکه ممّا یشتهون

۴ – بهشت ، محل ارضای تمامی تمایلات و خواسته های بشر

و فوکه ممّا یشتهون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <من> در <ممّا یشتهون>برای تبعیض باشد، بر این اساس معنای آیه چنین می شود: بهشتیان از میوه هایی که بخشی از خواسته ها و تمایلات آنان را تشکیل می دهد، بهره مند خواهند شد.

ازدواج در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۴ – ۲

۲– وجود ازدواج و همسری در بهشت

کذلك و زوّجنهم

استحاله ورود کافران به بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۸ – ۱

۱ – ورود کافران به بهشت ، امری ناممکن و آرزویی بی جا

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّه نعیم

استفهام در <أیطمع> انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۹ - ۱

۱ - ورود کافران به بهشت ، امری ناممکن و آرزویی بی جا

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّه نعیم . کلّا

استفاده از شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۴ - ۴

۴ - آرمیدن متقین در سایه بوستان ها و می گساری آنان ، در برابر

محرومیت جهنمیان از خنکی و نوشیدنی ، انعکاسی از تقابل آثار طغیان گری و تقوا است .

لایذوقون فیها بردًا و لا شرابًا . .. حدائق و أعنبًا ... و کأسًا دهاقًا

استفاده از میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - بهشتیان در بهره گیری از میوه ها و روزی های بهشت ، کمترین رنج و محنت را نخواهند برد .

کلما رزقوا منها . .. وأتوا به متشبها

مجهول آوردن کلمه <رزقوا> و <أتوا> اشاره به این دارد که: خدمتکارانی در بهشت روزیها و میوه ها را در اختیار بهشتیان قرار می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۳ - ۱،۲

۱ - بهرهوری متقین در بهشت ، از میوه های فراوان آماده شده برای ایشان

لکم فیها فکهه

۲ - میوه های بهشت ، چندان فراوان اند که تقواپیشگان تنها از بخشی از آن بهره می برند .

لکم فیها فکهه کثیره منها تأکلون

از <منها> که برای تبعیض است استفاده می شود که مؤمنان تنها از گوشه ای از نعمت های بهشت استفاده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۲ - ۳

۳ - برخورداری تقواپیشگان از باغ ها و میوه جات بهشت و موهبت های مادی جهان آخرت نمونه ای از سعادتمندی آنها است .

مفازًا . حدائق و أعنبًا

استفاده از نعمتهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۵ – ۱۲

۱۲ – بهشتیان در بهره گیری

از میوه ها و روزی های بهشت ، کمترین رنج و محنت را نخواهند برد .

کلما رزقوا منها . .. وأتوا به متشبها

مجهول آوردن کلمه <رزقوا> و <أتوا> اشاره به این دارد که: خدمتکارانی در بهشت روزیها و میوه ها را در اختیار بهشتیان قرار می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۹ - ۱

۱ - تقواپیشگان ، مورد تکریم و دعوت الهی برای بهرهوری آزاد از نعمت های بهشتی

کلوا و اشربوا

استفاده ازباغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۲ - ۳

۳ - برخورداری تقواپیشگان از باغ ها و میوه جات بهشت و موهبت های مادی جهان آخرت نمونه ای از سعادتمندی آنها است .

مفازًا . حدائق و أعنبًا

استهزاگران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۶

۶- < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < أفرأیت الذی کفر بآیاتنا و قال لأُوتینّ مالاً و ولداً > : . . . کان لخبّاب بن الأرَتّ علی العاص بن وائل حقّ فأتاه یتقاضاه ، فقال له العاص : ألستم تزعمون أنّ فی الجنّه الذهب والفضه و الحریر قال : بلی قال : فموعد ما بینی و بینک الجنّه فو اللّه لأُوتینّ فی ها خیراً ممّا أوتیت فی الدنیا ;

از امام باقر(ع) در مورد سخن خداوند <أفرأیت الذی کفر بأیاتنا و قال لأُوتینّ مالاً و ولداً> روایت شده که فرمود: خبّاب بن ارتّ از عاص بن وائل طلبی داشت نزد او آمد و حق خویش را

طلب کرد. پس عاص به او گفت: مگر شما نمی گویید که در بهشت طلا و نقره و حریر هست. خبّاب جواب داد: بلی، عاص از روی تمسخر گفت: پس بهشت وعده گاه بین من و تو باشد. قسم به خداوند بهتر از آنچه در دنیا به من داده شده در آن جا به من داده خواهد شد>.

استهزای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۸ - ۲

۲ - ادعای استهزاآمیز کافران ، به بهشتی بودن خود بر فرض برپایی قیامت

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّه نعیم

مفسران اظهار داشته اند: که کافران به هنگام شنیدن سخنان پیامبر(ص)، به استهزا می گفتند: اگر آنچه پیامبر می گوید درست باشد; ما زودتر از آنان به بهشت خواهیم رفت و از آنان سزاوارتریم.

اشتیاق به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۵

۵ - شوق دیدار بهشت ، باعث حرکت شتابان مؤمنان در قیامت و دویدن آنان در مسیر منتهی به آن

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین أیدیهم

حرکت سریع و دوان دوان مؤمنان به سوی بهشت، حکایت از اشتیاق شدید آنان به دیدار آن و رساندن هر چه زودتر خود به آن جایگاه همیشگی دارد.

اشتیاق خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۴ - ۴

۴ - خدمت نوجوانان زیباروی بهشتی ، برای تقواپیشگان از سرشوق و پروانهوار

و یطوف علیهم غلمان لهم

تعبیر <یطوف>، حرکت پروانهوار و مشتقانه را افاده می کند.

اصحاب یمین در بهشت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۸ - ۱،۳

۱ - عالی ترین نوع درختان سدر ، موجود در بهشت اصحاب الیمین

و أصحب الیمین . .. فی سدر مخضود

توصیف درخت سدر به <مخضود> (بدون تیغ)، ظاهراً اشاره به نوع عالی آن دارد.

۳ - استراحت اصحاب الیمین ، در سایه درختان سدر در بهشت

فی سدر مخضود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۹ - ۱،۴

۱ - وجود درختان موز ، در بهشت اصحاب الیمین

و طلح منضود

درباره واژه <طلح> چند معنا ذکر کرده اند که یکی از آنها <موز> است.

۴ - بهشت اصحاب الیمین ، معطر با عطر گل های درختان اقاقیا

و طلح منضود

برخی از مفسران <طلح> را به <ام غیلان> (درخت اقاقیا) تفسیر کرده اند. درخت اقاقیا دارای گلی بسیار خوشبو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۰ - ۱،۲

۱ - بهشت اصحاب الیمین ، دارای سایه ای پایدار و زایل نشدنی

و ظلّ ممدود

<ممدود>; یعنی، کشیده شده. مفسران عبارت <ظلّ ممدود> را به سایه دائم و همیشگی تفسیر کرده اند.

۲ - اصحاب الیمین ، همواره در هوای مطبوع بهشت قرار داشته و از گزند گرمای خورشید در امان خواهند بود .

و ظلّ ممدود

<ظلّ> عطف بر <سدر> و خبر برای مبتدای محذوف است. تقدیر آن <و هم فی ظلّ ممدود> می باشد. گفتنی است که تعبیر بالا، کنایه از مطبوع بودن هوای بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۱ - ۱،۳

۱ - بهشت

اصحاب الیمین ، دارای آبی همواره جاری

و ماء مسکوب

<ماء مسکوب>; یعنی، آبی که همواره ریزان است.

۳ - اصحاب الیمین ، شاد و سرخوش در کنار چشمه های همواره ریزان بهشت

و ماء مسکوب

عبارت <و ماء مسکوب> به تقدیر <هم فی ماء مسکوب> است; یعنی، ایشان در کنار آب های همیشه ریزان به سر می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۲ - ۱،۲

۱ - بهشت اصحاب الیمین ، دارای میوه های فراوان

و فکهه کثیره

۲ - تنوع و فراوانی میوه ها در بهشت اصحاب الیمین

و فکهه کثیره

<کثرت> در آیه شریفه هم شامل کثرت در مقدار و هم شامل کثرت در نوع میوه می شود، برداشت یاد شده ناظر به معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۳ - ۱،۲

۱ - وجود میوه های فراوان در بهشت اصحاب الیمین ، همیشگی است ; نه فصلی و مقطعی

و فکهه کثیره . لامقطوعه

۲ - در بهشت اصحاب الیمین ، هرگز مانعی همچون سیر بودن ، بیمار بودن ، در دسترس نبودن و . . . برای تناول میوه وجود ندارد .

و فکهه . .. و لاممنوعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۴ – ۱،۲

۱ – وجود فرش های عالی و گران ب ها در بهشت اصحاب الیمین

و فرش مرفوعه

<فُرُش> جمع <فراش> است و <فراش> به چیزی گفته می شود که پهن باشد و انسان بتواند روی آن استقرار پیدا کند. ازاین رو در قرآن بر <زمین>، <مرکب>، <فرش>، <تشک> و <تخت>، <فراش>

اطلاق شده است. بنابراین <و فرش مرفوعه> می تواند به معنای فرش های نفیس و گران بها باشد.

۲ - استفاده اصحاب الیمین در بهشت ، از تخت های بلند و با شکوه

و فرش مرفوعه

برداشت یاد شده بر این احتمال است که <فرش> به معنای تخت ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۸ - ۱

۱ - بهشت ، جلوه گاه امتنان و لطف عظیم الهی به اصحاب الیمین

إنّا أنشأنهنّ إنشاءً . .. لأصحب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۲ - ۱

۱ - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، در بهشت برین جای خواهند داشت .

إنّی ظننت أنّی ملق حسابیه . .. فی جنّه عالیه

<عالیه> هم می تواند بیانگر علوّ قدر و منزلت باشد و هم به علوّ مکانی اشاره داشته باشد. در این صورت مقصود از آن، مسرّت آفرین بودن بوستان های بهشتی است؛ زیرا صاحبان آنها به خوبی بر همه مناظر آن اشراف داشته و از این رهگذر لذت برده و مسرور خواهند شد. برداشت بالا براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۰ - ۱،۲

۱ - اصحاب الیمین (خوبان و نیکان) ، در بوستان های پرعظمت و وصف ناپذیر جای خواهند گرفت .

أصحب الیمین . فی جنّت

<جنّات> جمع <جنّت> (بوستان) است و تنوین آن بر تعظیم دلالت دارد.

۲ - اصحاب الیمین در بهشت ، به گفتوگو و پرسوجو از یک دیگر خواهند پرداخت .

يتساءلون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین در بهشت ، از وضعیت مجرمان در قیامت

عن المجرمین

اقامت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۱

۱ - بهشت ، جایگاهی سرشار از امن و آسایش و از هر جهت آماده برای ماندن و استقرار بهشتیان است .

جنّت عدن

در باره این که مراد از <عدن> چیست، نظریاتی از سوی مفسران ابراز گردیده است. برخی آن را نام یکی از بهشت های هشت گانه دانسته اند، و برخی دیگر معنای لغوی آن را لحاظ نموده و آن را به <اقامت کردن> معنا کرده اند. در این صورت <عدن> قیدی توضیحی برای <جنّات> خواهد بود نه قید احترازی. گروهی دیگر <عدن> را اسم خاص برای زمین بهشت می دانند و می گویند جایگاه اقامت بودن بهشت، باعث این نام گذاری است. گفتنی است که <محل اقامت> در مقام تمجید به جایی گفته می شود که همه شرایط آسایش در آن فراهم باشد.

امکانات مادی بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۵

۱۵ - بهشتی که آدم و حوا (ع) در آن می زیستند ، بوستانی مادی و دارای آثار و خواص ماده بود .

یخصفان علیهما من ورق الجنّه

امنیت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۷ – ۲۸

۲ بهشت، خانه ای دارای امنیت و آرامش کامل است.

لهم دارالسلم

چنانکه مفسران گفته اند

مراد از دارالسلام می تواند بهشت باشد که از ویژگیهای آن سلامت و امنیت است.

۸ دارالسلام (بهشت و جایگاه امن الهی) پاداش کردار مستمر هدایت یافتگان است.

لهم دارالسلم . .. بما کانوا یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۶ – ۸

۸ اصحاب اعراف با فریادی رسا سلامت و امنیت کامل را به مؤمنان راهی بهشت مژده می دهند .

و نادوا اصحب الجنه أن سلم علیکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <سلم علیکم> جمله ای اخباری باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۹ – ۵،۶

۵ اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنه لا خوف علیکم و لا أنتم تحزنون

۶ بهشت ، جایگاهی أمن ، بی خطر و به دور از حوادث حزن آور

لا خوف علیکم و لا أنتم تحزنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۵ – ۱

۱ بهشت ، سرایی است سراسر سلامت ، امنیت و آرامش .

و اللّه یدعوا إلی دارالسلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۱ – ۲

۲- بهشت ، جایگاه ماندن و استقرار و سرشار از امنیت و آسایش

جنّت عدن

برخی <عدن> را مصدر و به معنای اقامت کردن می دانند و برخی دیگر آن را علَم برای زمین بهشت دانسته و گفته اند: این نام بدان جهت بر بهشت نهاده شده که جایگاه اقامت و استقرار است

(کشاف، ج ۳). در هر صورت این کلمه بر این که بهشت محل استقرار است، دلالت دارد. لازم به ذکر است محل استقرار در مقام تمجید به جایی گفته می شود که همه شرایط اقامت را دارا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۶ – ۱

۱ – بهشت ، جایگاهی سرشار از امن و آسایش و از هر جهت آماده برای ماندن و استقرار بهشتیان است .

جنّت عدن

در باره این که مراد از <عدن> چیست، نظریاتی از سوی مفسران ابراز گردیده است. برخی آن را نام یکی از بهشت های هشت گانه دانسته اند، و برخی دیگر معنای لغوی آن را لحاظ نموده و آن را به <اقامت کردن> معنا کرده اند. در این صورت <عدن> قیدی توضیحی برای <جنّات> خواهد بود نه قید احترازی. گروهی دیگر <عدن> را اسم خاص برای زمین بهشت می دانند و می گویند جایگاه اقامت بودن بهشت، باعث این نام گذاری است. گفتنی است که <محل اقامت> در مقام تمجید به جایی گفته می شود که همه شرایط آسایش در آن فراهم باشد.

امنیت در بهشت آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۳ – ۹

۹ – بهشت آدم ، محیط صفا و صلح و تأمین کامل نیاز ها و عاری از بروز دشمنی در میان ساکنان آن بود .

إنّ لک ألّاتجوع . .. اهبطا ... بعضکم لبعض عدوّ

چون موضوع دشمن به عنوان مجازات و اقتضای هبوط مطرح گردیده. چنین برمی آید که در مسکن قبلی آدم(ع) (بهشت) چنین عارضه

ای در کار نبوده و به خاطر فراهم بودن نیازمندی ها، زمینه های عداوت منتفی بوده است.

امنیت متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۶ - ۱

۱- دعوت از تقواپیشگان برای ورود به بهشت ، همراه با سلامت و امنیت کامل و به دور از هرگونه رنج ، درد ، ناخوشی و ناامنی است .

إن المتقین فی جنّت و عیون

<باء> در <بسلام> در معنای <مصاحبت> به کار رفته است.

امیدواری به نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۸ - ۳

۳ - بهشتیان ، به دور از ملال و دلسردی نسبت به نعمت های اخروی

جنّتان . .. ذواتا أفنان

در صورتی که <أفنان> به معنای انواع باشد، در حقیقت تذکر به آن، برای افاده مطلب یاد شده است.

انار بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۱،۲

۱ - وجود انواع میوه ها خصوصاً خرما و انار در بهشت ، نعمتی انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهما فکهه و نخل و رمّان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ - میوه های متنوع به ویژه خرما و انار در بهشت ، نمود ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما فکهه و نخل و رمّان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

اندازه جامهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۶ – ۳

۳ – ظرف ها و جام های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در هندسه و اندازه های

بسیار دقیق است .

قدّروها تقدیرًا

نصب <تقدیراً>به جهت مفعول مطلق بودن آن برای فعل <قدّروا> است و این در حقیقت تأکیدی برای مفاد آن فعل است.

اندازه ظروف بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۵

۵ - اندازه گیری و هندسه ظرف ها و جام های بهشتی و مقدار محتوای آنها ، به سفارش و خواسته خود بهشتیان است .

قدّروها تقدیرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که فاعل <قدّروا> خود ابرار باشد.

اندوه در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۵،۶

۵ اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنه لا خوف علیکم و لا أنتم تحزنون

۶ بهشت ، جایگاهی أمن ، بی خطر و به دور از حوادث حزن آور

لا خوف علیکم و لا أنتم تحزنون

اهل تسلیم در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۶

۶- خردمندان روی آورده به خدا ، با روحیه شکر ، توبه و تسلیم ، در زمره بهشتیان

و بلغ أربعين سنه قال ربّ أوزعنى . .. إنّى تبت ... نتجاوز عن سيّئاتهم فى أصحب ال

مرجع ضـمير <سـيّئاتهم> كسـانى است كه به سن رشـد و كمـال رسـيده و به نيايش پرداخته و بر توبه و تسـليم خويش تأكيد ميورزند.

اهل كتاب و بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱

۱ - اهل كتاب (

يهود و نصارا) ، تنها خويشتن را سزاوار بهشت دانسته و ديگران را از آن ، محروم مى پندارند .

و قالوا لن يدخل الجنه إلا من كان هوداً أو نصرى

ضمير در <قالوا> به <اهل الكتاب> (در آيه ۱۰۹) باز مى گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۲ – ۱

۱ – ادعاى اهل كتاب مبنى بر اختصاص بهشت به آنان ، ادعايى بى اساس است .

و قالوا لن يدخل الجنه إلا من كان هوداً أو نصرى . .. بلى

كلمه <بلى> براى ابطال ادعاى مطرح شده به كار مى رود. بنابراين، <بلى> در آيه شريفه دلالت بر بطلان سخن يهود (لن يدخل الجنه ...) دارد.

اهميت بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۹ – ۱۱

۱۱ بهره مندى از بهشت جاويدان ، جلب خشنودى خدا ، و دلشاد بودن از وى ، رستگارى و موفقيتى بس بزرگ

لهم جنت . .. رضى اللّه عنهم و رضوا عنه ذلك الفوز العظيم

در برداشت فوق <ذلك> اشاره به تمامى پاداشهاى مذكور در آيه گرفته شده است. و <ال> در <الفوز> براى استغراق مجازى است يعنى پاداشهاى مذكور كمال رستگارى است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۳ – ۵

۵ نيل به بهشت ، تنها دستاورد شايسته و بدون زيان در برابر سرمايه عمر و جان آدمى است .

أُولئك الذين خسروا أنفسهم . .. إن الذين ءامنوا ... أُولئك أصحب الجنه

عنوان كردن بهشت ، به عنوان پاداش مؤمنان در مقابل زيانكارشمردن كفرپيشگان ، اشاره به

برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰ - ۲

۲ - سعادت و رستگاری اخروی ، در سایه دستیابی به بهشت

قد أفلح المؤمنون . .. أُولئک هم الورثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱۶،۱۷

۱۶ - ره یابی به بهشت جاودان و زدوده شدن گناهان ، رستگاری بزرگ و حقیقی در بینش الهی

و کان ذلک عند اللّه فوزًا عظیمًا

۱۷ - ورود به بهشت جاودان ، کامیابی واقعی است و نه سرخوشی ها و پیروزی های مقطعی زندگی دنیوی .

و کان ذلک عند اللّه فوزًا عظیمًا

تصریح به <کان ذلک. ..>، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که اگر صلح حدیبیه، در نظر شما یک پیروزی و مایه خشنودی است; توجه داشته باشید که این امور زودگذر است و رستگاری واقعی در بهشت می باشد.

اهمیت جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۱ - ۱،۲

۱ - نجات از عذاب الهی و دستیابی به زندگی جاودانه بهشتی و رستگاری بزرگ ، سزاوار هرگونه عمل و تلاش است .

و ما نحن بمعذّبین . إنّ هذا لهو الفوز العظیم . لمثل هذا فلیعمل العملون

<لام> در <لمثل> برای تعلیل و <هذا> اشاره به مضامین آیات گذشته است که درباره رهایی از عذاب الهی و نیل به بهشت جاودان بود.

۲ - رهایی از عذاب الهی و دستیابی به حیات جاودانه بهشتی (رستگاری بزرگ) ، تنها هدف شایسته برای هرگونه سعی و

تلاش در زندگی آدمی

لمثل هذا فلیعمل العملون

از تقدم

جار و مجرور (لمثل) بر عامل خود (فليعمل) که مفيد حصر است برداشت ياد شده به دست مى آيد.

اهميت گوشت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۲ - ۳

۳ - ميوه و گوشت ، دو غذاى مهم در بهشت

و أمددنهم بفكهه و لحم

اهميت لذايذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۳

۳-ارزش ها و لذت هاى بهشتى ، فراتر از تصوّر و انديشه بشر

مثل الجنّه الّتى وعد المتّقون

در صورتى که واژه <مثل> به معناى تمثيل و تشبيه باشد; مى رساند که بيان نعمت هاى اخروى بدون استفاده از تمثيل و تشبيه، براى بشر قابل فهم نيست.

اهميت ميوه هاى بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۲ - ۳

۳ - ميوه و گوشت ، دو غذاى مهم در بهشت

و أمددنهم بفكهه و لحم

اهميت نعمتهاى بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۲ – ۱۰

۱۰ – دستیابی به غفران الهی و نعمت های جاودان بهشت ، رستگاری بزرگی است .

یغفر لکم ذنوبکم . .. ذلک الفوز العظیم

اهمیت نهرهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۷ – ۸

۸ – اهمیت نقش نهر های بهشت ، در زیبایی و جذابیت آن

جنّت تجری من تحتها الأنهر

از این که خداوند، تنها وصفی را که برای باغ های بهشت یاد کرده وصف <تجری. ..> است; مطلب یاد شده استفاده می شود.

ایمان به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ هابیل ، معتقد به معاد و معارف دین و دارای یقین به بهشت و دوزخ و آگاه به کیفر و پاداش اعمال

انی اخاف اللّه رب العلمین . .. تبوأ باثمی و اثمک فتکون من اصحب النار

باغهای انگور بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۲ - ۱

۱ - تقواپیشگان در آخرت ، برخوردار از چندین باغ و تاکستان بزرگ ، با انگوری فراوان

حدائق و أعنبًا

<حدیقه> (مفرد <حدائق>) به باغی گفته می شود که اطراف آن را برجستگی های طبیعی یا دست ساز احاطه کرده باشد (لسان العرب). کلمه <حدائق> بدل برای <مفازاً> و بیانگر این است که بوستان های متعدد، گوشه ای از جایگاه سعادت و خوشبختی متقین است. نکره آوردن <حدائق> و <أعناب>، برای بیان عظمت آنها است.

باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۵

۵ - بهشت دارای بوستان های فراوان است .

أن لهم جنّت

برداشت فوق با توجه به جمع بودن کلمه <جنات>، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ وجود باغ های متعدّد در آخرت ، برای متّقین

للّذین اتّقوا عند ربّهم جنّات تجری من تحتها الانهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۸،۹

۸ بهشت ، دارای نهر ها و باغ های متعدد

لهم جنّات تجری

من تحتها الانهار

۹ جریان نهر های متعدد ، در زیر باغ های بهشت

جنّات تجری من تحتها الانهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۶

۶ بهشت ، دارای باغ های متعدد ، نهر های جاری و جاودانه است .

جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۷

۲۷ بهشت ، دارای نهر های جاری و باغ های متعدد

جنت تجری من تحتها الانهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ بهشت ، دارای بوستان های متعدد و سرشار از نعمت

لادخلنهم جنت النعیم

<نعیم> به معنای فراوان است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۶

۶ کثرت باغ های بهشت و فراوانی نهر های جاری در آن

جنت تجری من تحتها الانهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۶

۶ بهشت دارای باغ ها و بوستان های بسیار با نهرهایی جاری از زیر درختان انبوه آن

لهم جنت تجری من تحت الانهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۱ - ۸

۸ نعمتِ سرشارِ باغ ها و بوستان های بهشت ، جاودان و زوال ناپذیر است .

جنت لهم فیها نعیم مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۲،۱۵

۲ باغ های

پوشیده از درختان

جنت تجری

<جنه> (مفرد جنات) به بوستانی گفته می شود که زمین آن پوشیده از درخت باشد.

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت . .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون اللّه و رسوله ... وعد الل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۹ – ۳

۳ باغ های بهشت ، متعدد و دارای نهر های فراوان

لهم جنت تجری من تحتها الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹ – ۱۰

۱۰ باغ های بهشت ، سرشار از نعمت های الهی است .

فی جنت النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۵ – ۱

۱– جایگاه تقواپیشگان ، باغ ها و چشمه سار های بهشت است .

إن المتقین فی جنّت و عیون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۱ – ۱

۱- استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. أُولئک لهم جنّت عدن

جمله <أُولئک. ..> یا خبر یکم برای <إنّ> در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارِالیه <أُولئک> <الذین امنوا...> در آیه قبل

است. <عَدنْ> به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۷ – ۱،۲

۱- بوستان های فردوس ، منزل گاهی تضمین شده برای نیک کردارانِ مؤمنِ به آیات الهی و قیامت است .

إنّ الذین ءامنوا . .. نزلاً

متعلق ایمـان در <آمنوا> به قرینه آیـات قبـل که دربـاره کفر به آیـات و لقـای پروردگـار بود ایمـان به آیـات و قیامت است. <فردوس> یعنی <وادی سرسبز>. برخی از زبان شناسان، آن را کلمه ای رومی می دانند که به زبان عرب وارد شده است (تـاج العروس) کلمه <نزل> در معـانی <منزل> و <وسایـل پـذیرایی> و... اسـتعمال می شود. برداشت یـاد شـده، براساس معنای نخست است. فعل ماضی (کانت) درباره حوادث آینده، بر وقوع حتمی و تضمین شده آن حوادث دلالت دارد.

۲- باغ های سرسبز آخرت ، وسیله پذیرایی از مؤمنان نیک کردار است .

کانت لهم جنّت الفردوس نزلاً

یکی از معانی <نزل>، <غذا> و یا <امکانات دیگری است که برای پذیرایی از میهمان آماده می شود. >.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۴ – ۴

۴ – بوستان های بهشت ، دارای چشمه سار های روان از زیر درختان

جنّت تجری من تحتها الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۳ – ۵

۵ – بوستان های بهشت ، دارای چشمه سارهایی روان از زیر درختان

جنّت تجری من تحتها الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۵ – ۱

۱ – بوستان

عظیم بهشتی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فهم فی روضه

نکره آورده شدن <روضه> دلالت بر عظمت آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۱،۳،۴،۵

۱ - باغ های بهشتی مهیّا برای پذیرایی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

أمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم جنّت المأوی نزلاً

۳ - منزل گاه واقعی مؤمنان ، باغ های بهشت است .

فلهم جنّت المأوی

<مأوی> اسم مکانی از ریشه <أوی> به معنای <پناه گاه> است. اضافه شدن <جنّات> به <الماوی> حکایت از جایگاه حقیقی بودن آن برای مؤمنان می کند.

۴ - باغ های بهشت ، تنها به عنوان پیش پذیرایی از مؤمنان نیک کردار است و نه پاداش کامل آنان .

فلهم جنّت المأوی نزلاً

<نزل> در لغت به چیزی گفته می شود که برای مهمان تهیه و آماده می شود (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <نزلاً> حال برای <جنّات> و مفید معنای یاد شده است.

۵ - پیشکش باغ های بهشت به مؤمنان نیک کردار ، پاداشی فوق تصور و روشنی بخش دیده آنان است .

فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین . .. فلهم جنّت المأوی نزلاً

جمله <فلهم جنّات المأوی. ..> می تواند تأکیدی بر <ما أُخفی لهم...> و نیز نمادی از آنچه در خفا، برای مؤمنان در نظر گرفته شده، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۳ - ۱

۱ – بندگان مخلَص خدا ، در بوستان های پرنعمت متنعم اند .

إلاّ عباد اللّه المخلصين . أُولئك ... مكرمون .

فی جنّت النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۴ – ۲

۲ – بندگان مخلَص خدا ، بهره مند از بزم خوش و مجلس انس در بوستان های بهشتی

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین

رویاروی هم قرار داشتن بندگان خالص خدا، اشاره به انس و محبت متقابل و بزم خوش آنان دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۲ – ۳

۳ – انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلَص خدا

إلاّ عباد اللّه المخلصین . .. فی جنّت النعیم ... و عندهم قصرت الطرف ... أذلک خ

<نزل> به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۰ – ۳،۵

۳ – باغ های جاویدان بهشت ، فرجامی نیک برای انسان ها

لحسن مئاب . جنّت عدن

۵ – درب های باغ های جاویدان بهشت ، به روی تقواپیشگان باز و گشوده است .

مفتّحه لهم الأبوب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۱ – ۱،۲

۱ - تقواپیشگان ، در باغ های بهشتی بر تخت ها تکیه می زنند .

متّکئین فیها

مقصود از تکیه کردن بهشتیـان به قرینه آیـات مشابه (علی الأرائک متّکئین) [سوره یس (۳۶) آیه ۵۶]تکیه زدن آنان بر تخت های بهشتی است.

۲ - آرامش کامل تقواپیشگان در باغ های بهشتی

متّکئین فیها

برداشت یاد شده

بر این فرض استوار است که تعبیر <متّکئین فیها> کنایه از آرامش کامل باشد; زیرا این حالت مربوط به کسانی است که در آرامش به سر می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۹،۱۰

۹ - مؤمنان نیک کردار ، ایمن در قیامت و برخوردار از بوستان های بهشت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی روضات الجنّات

از تقابل <تری الظالمین> با <و الذین ءامنوا> مطلب یاد شده استفاده می شود.

۱۰ - بهشت ، دارای باغ هایی خرم و سرسبز با درختانی انبوه

فی روضات الجنّات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۲ - ۱

۱- بوستان ها و چشمه ساران بهشت ، جایگاه امن تقواپیشگان

إنّ المتّقین فی مقام أمین . فی جنّت و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۲

۲ - بهشت ، دارای باغ های پوشیده از درختان و چشمه ساران متعدد

فی جنّت و عیون

<جنّت> (مفرد <جنّات>) به باغ پوشیده از درختان گفته می شود و <عیون> (جمع <عین>) به معنای چشمه ساران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۲

۲ - باغ های بهشت ، پوشیده از درختان

إنّ المتّقین فی جنّت

<جنّه> (مفرد <جنّات>) به باغ پوشیده از درختان گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۴ - ۱،۳

۱ - استقرار حتمی تقواپیشگان ، در باغ های پر درخت و کنار نهر های بهشت

إنّ المتّقین فی جنّت

و نهر

<جنّه> (مفرد <جنّات>) به باغ پوشیده شده از درختان گفته می شود.

۳ - باغ ها و نهر های بهشتی ، پاداش عملکرد خود متقین

و كلّ شیء فعلوه . .. إنّ المتّقین فی جنّت و نهر

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که در زمینه نقش مؤثر عمل در پاداش و کیفر انسان بود، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۳

۳ - باغ های بهشت ، مزین به حوریان خمارچشم مصون مانده از دست هر بیگانه

فیهنّ قصرت الطرف لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

برداشت بالا بـدین احتمال است که <قاصـرات الطرف> کنایه از چشم خمار باشـد که در نتیجه خماری پلک ها بهم نزدیک شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ - وجود نهر های همیشه روان در باغ های بهشت

جنّت تجری من تحتها الأنهر

به کارگیری فعل مضارع <تجری>، بیانگر همیشگی بودن جریان نهرها در بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ - بوستان های بهشت ، پوشیده از درختان است .

و یدخلهم جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۳

۳ - آمرزش گناه و حیات جاودان در بوستان های بهشت ، تضمین شده از سوی خداوند ، برای مؤمنان راستین و مجاهدان راه او

تؤمنون باللّه . .. یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّت... و مسکن طیّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۵ – ۱

۱ – مؤمنان و مسلمانان راستین ، بهره مند از بوستان های بهشتی

إلاّ المصلّین . .. أُولئک فی جنّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۸ – ۳

۳ – بهشت ، بوستانی پرنعمت

جنّه نعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۲ – ۱

۱ – بوستانی بزرگ و پرنعمت و لباسی فاخر از حریر ، پاداش ابرار در قیامت

إنّ الأبرار . .. و جزیهم بما صبروا جنّه و حریرًا

<جنّه> به معنای بوستان است و تنکیر آن بر تعظیم و تفخیم دلالت می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۸ – ۱

۱ – استقرار در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکوکردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. جزاؤهم عند ربّهم جنّت عدن تجری من تحتها الأن

باغهای بهشت عدن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۳ – ۴

۴ بهشت عدن دربردارنده باغ ها و بوستان های متعدد

جنّت عدن

بالش های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۵ – ۲

۲ – بزم عیش و نوش بهشتیان ، همواره مزیّن به پیاله ها ، تخت ها و بالش های آماده است .

و نمارق مصفوفه

مراد از <ردیف بودن> بالش ها، فراهم بودن آنها در نقطه ای است که بهشتیان برای استراحت خود، لازم داشته باشند.

بدن در بهشت

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷ - ۴

۴- حضور انسان ها در بهشت ، جسمانی است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ إخونًا علی سرر متقبلین

برات بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۳ - ۸

۸- < عن أبی بصیر قال : سمعت أباعبدالله (ع) یقول : إن المؤمن یعطی یوم القیامه کتاباً یلقاه منشوراً مکتوب فیه : کتاب الله العزیز الحکیم ، ادخلوا فلاناً الجنه ;

ابی بصیر گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: همانا در روز قیامت نامه ای به مؤمن داده می شود که او را گشوده می بیند و در آن نوشته شده که این نامه خداوند عزیز و حکیم است; فلانی را داخل بهشت کنید>.

برگ درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۸

۸ تلاش آدم و همسرش در پوشاندن شرمگاهشان با برگ درختهای بهشت

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنه

کلمه <طفق> از افعال مقاربه، و به معنای <شروع کرد> است. قرار دادن قسمتی از دو یا چند چیز را بر یکدیگر و به هم دوختن آنها را خصف می گویند و چون <یخصفان> به <علی> متعدی شده، معنای نهادن نیز در آن تضمین شده است. یعنی آدم و حوا برگها را به یکدیگر متصل کردند و آنها را بر شرمگاه خویش نهادند.

بشارت به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ بشارت خداوند به مهاجران و

انصار و تابعان نیک کردار ، به مهیّا بودن بهشت برای آنان

أعد لهم جنت تجری تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۳

۲۳ مژده خداوند به مجاهدان و معامله گران جان و مال خویش در قبال بهشت

فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به

بشارت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۱

۱ - بشارت اهل ایمان به بهشت با توصیف و بیان نعمت های آن از وظایف تبلیغی پیامبر (ص)

و بشر الذین ءامنوا . .. و هم فیها خلدون

<أنّ لهم . ..> به تقدیر حرف <باء>، متعلق به <بشّر> است; یعنی: <بشّر الذین آمنوا بأنّ لهم ...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - بشارت به عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار ، مبنی بر تجارتی از بین نرفتنی (بهشت برین) از ناحیه خداوند

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه و أقاموا الصل

<بوار> (ریشه <لن تبور>) به معنای شدت کسادی است و از آن جا که کسادی شدید موجب فساد و نابودی می شود، این واژه در معنای <هلاک> به کار می رود (برگرفته از مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ – فرشتگان ، بشارت دهنده موحدان پایدار بر حق ، به بهشت موعود

و أبشروا بالجنّه الّتی کنتم توعدون

<الإبشار> (مصدر <أبشروا>) به

معنای مسرور بودن است. بنابراین <أبشروا بالجنّه>; یعنی، به بهشت مسرور و خوشنود باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱

۱ - فضل و بخشش بی کران الهی در بهشت ، بشارت خداوند به مؤمنان نیک کردار

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. ذلک الذی یبشّر اللّه عباده الذین ءامنوا و ع

<ذلک> اشاره به بهشت و تفضل الهی دارد که در آیه قبل ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱

۱- نوید الهی به ورود مؤمنان نیک کردار ، به باغ های بهشت با تکریم و اجلال

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

واژه <یدخل> و اسناد فعل به خداوند، می رساند که مؤمنان با تکریم و اجلال و در سایه لطف و اراده الهی، گام در بهشت می نهند.

بشارت بهشت به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱۹

۱۹ بهشت ، مژدگانی مؤمنان راستین

إن اللّه اشتری من المؤمنین . .. بأن لهم الجنه ... و بشّر المؤمنین

بشارت بهشت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۹

۹ – قیامت ، روز دریافت بشارت بهشت برای مردان و زنان مؤمن

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . .. بشریکم الیوم جنّت

بشارتهای نگهبانان بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۳ – ۱۰

۱۰ – بشارت دربانان بهشت به تقواپیشگان ، مبنی بر

در امنیت و سلامت بودن آنان در بهشت جاویدان

و قال لهم خزنتها سلم علیکم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که عبارت <قال لهم خزنتها سلام>، جمله اخباری باشد; یعنی، درصدد اخبار از آینده تقواپیشگان در بهشت و در واقع بشارت به ایشان باشد.

بُعد زمانی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - بهشت دارای بعد مکانی و زمانی *

أن لهم جنت تجری من تحتها الأنهر کلما رزقوا منها

<کلما> به معنای هرگاه، بر وجود بعد زمانی دلالت دارد و کلمه <تحتها> از بعد مکانی حکایت می کند.

بعد مکانی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - بهشت دارای بعد مکانی و زمانی *

أن لهم جنت تجری من تحتها الأنهر کلما رزقوا منها

<کلما> به معنای هرگاه، بر وجود بعد زمانی دلالت دارد و کلمه <تحتها> از بعد مکانی حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۷

۷ - بهشت ، دارای ابعاد مکانی است .

تحتها

بکارت همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۹ - ۳

۳ - تمیزی و دوشیزگی ، از اوصاف زنان بهشتی

کأنّهنّ بیض مکنون

تشبیه به پوشیده بودن تخم ها زیر پر شترمرغ، کنایه از تمیز بودن زنان بهشتی است و مصون بودن آنان که مفاد عبارت <مکنون> می باشد کنایه از محفوظ ماندن آنان از دستبرد دیگران و دوشیزگی ایشان است.

بلندی باغهای بهشت

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۲ - ۳

۳ - بوستان های مؤمنان در بهشت ، مسرت آفرین و در جایی بلند قرار دارد .

فی جنّه عالیه

بلندی تختهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۳ - ۱

۱ - بهشت برین ، دارای تخت هایی بر افراشته و با عظمت

فیها سرر مرفوعه

<سریر> (مفرد <سرر>)، به معنای مکان دراز کشیدن است (قاموس). این کلمه به معنای جایگاه جلوس نیز آمده و با سرور (شادمانی)، از یک ریشه است. تناسب آن این است که <سریر> ویژه رفاه مندان است (مفردات راغب). نکره آوردن <سریر>، برای بیان عظمت است و توصیف آن به <مرفوعه> با آن که <سریر> همواره از زمین برجسته است تأکیدی بر کمال برجستگی آن است.

بلندی غرفه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۳

۳ - غرفه ها و قصر های بهشت ، بلند و با شکوه است .

من الجنّه غرفًا

<غرفه> مفرد <غرف> به <بنای بلند> گفته می شود (مفردات راغب). نکره آوردن آن دلالت بر شکوه و عظمت می کند.

بندگان خدا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱،۳،۱۰

۱ بنا های برافراشته و درجات عالی در بهشت ، پاداش بندگان خدا (عباد الرحمان) است .

و عباد الرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: ۱ <أُولئک> اشاره به <عبادالرحمان> است. ۲ <غرفه> به معنای بنای مرتفع

و برافراشته است. در آیه شریفه نیز می تواند هم در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و هم می تواند منزلت و مقام رفیع مقصود باشد.

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

۱۰ بندگان خالص خدا ، در بهشت با درود و سلام روبه رو خواهند شد .

و یلقّون فیها تحیّه و سلمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۱

۱ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش بندگان خالص خدا

و عبادالرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه ... خلدین فیها حسنت مستقرًّا و مقامًا

<مستقرّاً> تمیز برای ضمیر در <حسنت> و به معنای محل استقرار است و <مقام> اسم مکان و به معنای اقامت گاه می باشد.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۳ – ۱

۱ – بندگان مخلَص خدا ، در بوستان های پرنعمت متنعم اند .

إلاّ عباد اللّه المخلصین . أُولئک ... مکرمون . فی جنّت النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۴ – ۱،۲،۴

۱ – بندگان مخلَص خدا ، بر تخت های بهشتی رویاروی هم تکیه خواهند زد .

علی سرر متقبلین

<سرر> (جمع <سریر>) به معنای تخت ها است.

۲ – بندگان مخلَص خدا ، بهره مند از بزم خوش و مجلس انس در بوستان های بهشتی

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین

رویاروی هم قرار داشتن بندگان خالص خدا، اشاره به انس و محبت متقابل و بزم خوش آنان دارد.

۴ – اُنس و محبت متقابل و بزم خوش ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان انواع نعمت های الهی برای بندگان خالص خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۵ – ۱،۳،۴

۱ – گردش ظرف هایی از شراب ناب ، گرداگرد بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس

<کأس> به معنای ظرفی است که در آن شراب باشد. گفتنی است گاهی این واژه استعمال می شود، ولی مقصود از آن خود شراب است**;** نه ظرفی که در آن شراب باشد.

۳ - در دسترس بودن شراب و فراوانی و مستمر بودن آن ، برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

تعبیر دور

دادن شراب بر سر بهشتیان، بیانگر در دسترس بودن آن است و آمدن <یطاف> به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار این عمل دارد.

۴ – شراب ناب ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۸ – ۳

۳ – بندگان مخلَص خدا در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <طرف> می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد; یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

بوی شراب بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۵ – ۲

۲ – مِی بهشت ، معطّر و پیراسته از بوی آزاردهنده

إنّ الأبرار یشربون من کأس کان مزاجها کافورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۷ – ۲

۲ – می بهشت ، معطّر و پیراسته از بوی آزاردهنده

و یسقون فیها کأسًا کان مزاجها زنجبیلاً

بهترین آشامیدنی بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۲۷ - ۳

۳ - < عن أبى جعفر (ع) . . . عن النبىّ (ص) قال : قوله تعالى < و مزاجه من تسنيم > قال : هو أشرف شراب فى الجنّه يشربه محمّد (ص) و آل محمّد (ص) ، . . . تَسْنَمْ عليهم من اعالى دُورِهم ;

امام باقر(ع) از پيامبر(ص) روايت كرده كه فرمود: [درباره] قول خداى تعالى

<و مزاجه من تسنیم>. تسنیم بهترین نوشابه ای است که در بهشت هست و آن را محمد و آل محمد(ص) می نوشند ... و از[منطقه]بالای منزل هایشان بر آنان جریان پیدا می کند>.

بهترین لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است : < ان اطیب شیء فی الجنه و ألذّه حب اللّه و الحب فی اللّه و الحمد للّه قال اللّه عزوجل : < و آخر دعواهم ان الحمدللّه رب العالمین > . . . ;

دلپذیرترین و لذت بخش ترین چیز در بهشت، دوستی خدا و دوستی در راه خدا و <حمد> برای خداست. خدای عزوجل فرمود: آخرین دعا [و گفتار]مؤمنان در بهشت <الحمدللّه رب العالمین> است> ... .

بهشت اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) قال : . . .و أمّا قوله < و من دونهما جنّتان > یقول من دونهما فی الفضل و لیس من دونهما فی القرب و هما لأصحاب الیمین و هی جنّه النعیم و جنّه المأوی . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده: . ..اما این قول خداوند <و من دونهما جنّتان> می فرماید: پایین تر از آن دو در فضیلت نه پایین تر در نزدیکی (مکانی) و آن دو بهشت برای اصحاب الیمین است و آن [معروف] به <جنّه النعیم> و <جنّه المأوی> می باشد>.

بهشت برزخی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۲۶ – ۶،۷

۶ – بهشتِ برزخی پاداش و جایگاه مؤمن انطاکیه

قیل ادخل الجنّه

۷ – وجود زندگی بهشتی در عالم برزخ

قیل ادخل الجنّه

بهشت جاودان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۱ – ۹

۹ برخورداری از رحمت و رضوان الهی و بهشت سرشار از نعمتِ زوال ناپذیر ، نمودی از رستگاری انسان است .

و أولئك هم الفائزون. یبشرهم ربهم برحمه منه و رضون و جنت لهم فیها نعیم مقیم

بهشت حوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۴ – ۵

۵ بهشت نخستین آدم و حوا، مکانی غیر از زمین و بالاتر و برتر از آن بود.

و یأدم اسکن أنت و زوجك الجنه . .. قال اهبطوا

جمله <و لکم فی الأرض مستقر> دلالت می کند که بهشتی که آدم و حوا در آن سکونت داشتند در زمین نبوده است و کلمه <اهبطوا> حکایت از آن دارد که آن مکان برتر و بالاتر از زمین بوده است.

بهشت خداترسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۱

۱ - خائفان مقام پروردگار ، علاوه بر دو بوستان بهشت ، از دو بوستان دیگر نیز برخوردارند .

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. و من دونهما جنّتان

واژه <دون> در <من دونهما> در صورتی که به معنای <غیر> باشد بیانگر برداشت بالا خواهد بود.

بهشت در آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰

۸،۹ -

۸ بهشت، حقیقتی موجود در آسمان

لاتفتح لهم أبوب السماء و لایدخلون الجنه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <السماء> در جمله <لاتفتح . ..> حقیقتی مقابل زمین باشد. در این صورت مراد از نگشودن درهای آسمان، به قرینه فراز بعد، باز نبودن آنها برای ورود کافران به بهشت خواهد بود.

۹ آسمان حاوی بهشت، دارای درهایی متعدد و راههایی گوناگون برای ورود به آن جایگاه برین

لاتفتح لهم أبوب السماء و لایدخلون الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۲ - ۵

۵ - بهشت موعود الهی ، در آسمان قرار دارد . *

و فی السّماء . .. و ما توعدون

با توجه به این که عمده ترین وعده خداوند به آدمیان بهشت است، بسیاری از مفسران <ما توعدون> را به معنای بهشت گرفته اند.

بهشت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۱

۱ - بهشت در قیامت ، به جایگاهی نزدیک مردم آورده خواهد شد .

و إذا الجنّه أُزلفت

<ازلاف> (مصدر <اُزلفت>)؛ یعنی، نزدیک آوردن.

بهشت صاحبان نفس راضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۳۰ – ۱

۱ – خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنّتی

اضافه <جنّه> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

بهشت صاحبان

نفس مرضیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۳۰ – ۱

۱ – خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنّتی

اضافه <جنّه> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

بهشت صاحبان نفس مطمئنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۳۰ – ۱

۱ – خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنّتی

اضافه <جنّه> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

بهشت عدن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۶

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در < جنات عدن >

و مسکن طیبه فی جنت عدن

<جنات عدن> می تواند نامی خاص باشد و غیر از <جنات تجری . .. > به شمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۶

۶ وارد شدگان به بهشت عدن متشکل از طایفه ای که بالأصاله مستحق آن جایگاهند و طایفه

ای که به تبع آنان به آن جایگاه برین برده خواهند شد .

جنّت عدن یدخلونها و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

عطف شدن <من صلح . ..> بر ضمیر <یدخلون> حاکی است که طوایف مذکور (اباءهم و ...) از کسانی نیستند که دارای همه اوصاف یاد شده در آیات قبل باشند و در نتیجه بالأصاله مستحق جنات عدن باشند و گرنه لازم به عطف نبود زیرا جمله <یدخلونها> شامل آنان نیز می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۱

۱ - بهشت پاینده ، فضل بزرگ الهی

ذلک هو الفضل الکبیر . جنّت عدن یدخلونها

<جنّات> بدل از <الفضل الکبیر> و <عدن> به معنای اسقرار و پایندگی است.

بهشت قبل از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۳

۳ - جایگاه بهشت پیش از برپایی قیامت ، در فاصله ای دور نسبت به جایگاه مردم است .

و إذا الجنّه أُزلفت

از آنجا که ظاهر آیه شریفه نزدیک آوردن بهشت است؛ نه نزدیک ساختن مردم به آن، می توان گفت: جایگاه بهشت در آغاز برپایی قیامت به عرصه محشر نزدیک نیست.

بهشت مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶ - ۴

۴ - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی مادی و بهشتی معنوی *

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

تثنیه آمدن <جنّتان> ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد; چه این که برخی از مفسران نیز بدان اشاره کرده اند.

بهشت متقین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۱۷،۱۶،۱۵،۱۴،۱۲،۹،۸،۶،۵

۵ آمرزش الهی و بهشت تقواپیشگان ، مقصود بایسته ای برای اهل ایمان

و سارعوا الی مغفره من ربّکم . .. اعدّت للمتّقین

۶ نیل به آمرزش الهی و بهشت تقواپیشگان ، برانگیزنده اهل ایمان به اطاعت از خدا و رسول (ص)

یا ایّها الّذین امنوا . .. و اطیعوا اللّه و الرّسول ... سارعوا الی مغفره من ربّک

جمله <سارعوا الی . .. >، بعد از امر به اطاعت از خدا و رسول(ص)، برای ایجاد انگیزه و نیز تشویق مؤمنان به پیروی از خدا و پیامبرش است.

۸ ورود به بهشتِ تقواپیشگان ، در گرو آمرزش گناهان

و سارعوا الی مغفره من ربّکم و جنّه عرضها السّموات و الارض اعدّت للمتّقین

تقدیم ذکری آمرزش الهی بر بهشت پهناور، بیانگر تقدّم خارجی آن است; یعنی نخست باید آمرزش حاصل شود، و آنگاه ورود به بهشت متّقین.

۹ بهشتِ تقواپیشگان ، منزلگاه پاکان

و سارعوا الی مغفره من ربّکم و جنّه عرضها السّموات و الارض اعدّت للمتّقین

چون درآمدن به بهشتِ مهیّا شده برای تقواپیشگان در گرو آمرزش گناهان است، آن بهشت، جایگاه پاکان از گناه خواهد بود.

۱۲ بهشت موعود اهل تقوا ، دارای وسعتی به پهنه آسمان ها و زمین

و جنّه عرضها السّموات و الأرض اعدّت للمتّقین

بنابر اینکه مراد از <عرض>، وسعت باشد، نه عرض مقابلِ طول.

۱۴ بهشت ، در انتظار تقواپیشگان است و برای آنان مهیا شده .

و جنّه عرضها السّموات و الارض اعدّت للمتّقین

۱۵ اطاعت خدا و رسول (ص) ، جلب رحمت الهی و آمرزش گناهان ، مراحلی در طول

هم برای ورود به بهشت متّقین

و اطیعوا اللّه و الرّسول لعلّکم ترحمون. و سارعوا الی مغفره من ربّکم و جنّه عرضها

۱۶ بهشتِ تقواپیشگان ، اکنون حاضر و آماده است .

اعدّت للمتّقین

کلمه <اعدّت> (مهیّا شده)، به صیغه ماضی، دلالت بر وجود بالفعل بهشت دارد.

۱۷ بهشت ، در اصل ، برای تقواپیشگان آفریده و مهیّا شده است .

و جنّه . .. اعدّت للمتّقین

بنابر اینکه توصیف <جنّه> به صفت <اعدّت للمتّقین>، وصف توضیحی باشد و نه احترازی; یعنی بهشت، جایگاهی برای تقواپیشگان است و اگر دیگران وارد شوند، به تَبَع خواهد بود، نه بالاصاله.

بهشت معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶ - ۴

۴ - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی مادی و بهشتی معنوی *

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

تثنیه آمدن <جنّتان> ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد; چه این که برخی از مفسران نیز بدان اشاره کرده اند.

بهشت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۷

۷ امید نیل به آمرزش الهی و بهشت ، برانگیزنده اهل ایمان برای شرکت در نبرد با دشمنان

یا ایّها الّذین امنوا . .. و اطیعوا اللّه و الرّسول ... سارعوا الی مغفره من ربّک

چون آیات پیشین درباره نبرد و رویارویی با کافران بود، گویا آیات مورد بحث به منظور دستورالعملی است برای اینکه جامعه ایمانی را به گونه ای تربیت کند که دیگر همچون نبرد اُحُد، دلبسته به دنیا نباشد و دچار دلهره و ترس نگردد تا همیشه بر دشمنان دین غالب شود.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۷ – ۵

۵ بهشت مؤمنانِ دارای اعمال صالح ، جاودانه ، دارای نهر های جاری و سایه های پیوسته (هوای مطبوع و ملایم)

انّ الّذین امنوا و عملوا الصّالحات . .. و ندخلهم ظلا ظلیلا

<ظلّ> به معنای سایه و <ظلیلا> تأکید آن و ظاهراً کنایه از مطبوعیت هوای بهشت است.

بهشت و اندوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۴ – ۸

۸- بهشت ، دور از هرگونه حزن و اندوه

فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون . أُولئک أصحب الجنّه

بهشتیان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۹ – ۷

۷ بهشتیان برای همیشه بهره مند از بهشت جاویدان و نعمت های آن

خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۹

۹ بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده مواهب آن ، خداوند را به خاطر هدایت شدن و نیلشان به بهشت ، سپاس می گویند .

و قالوا الحمد للّه الذی هدینا لهذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۱

۱ بهشتیان پس از ورود به بهشت با فریادی رسا دوزخیان را مخاطب قرار داده و با آنان سخن می گویند .

و نادی اصحب الجنه اصحب النار

<نداء> به معنای فریاد زدن و کسی را با صدایی بلند خواندن است.

بی زیانی خوردنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۵ – ۳

۳- بهرهوری بی ضرر و زیان بهشتیان ، از انواع خوراکی های مورد تمایل خویش

یدعون فیها بکلّ فکهه ءامنین

بی زیانی نعمتهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۵ – ۴

۴- بهشت در تمامی امکانات و نعمت هایش ، ایمن از هرگونه ناگواری و زیان برای بهشتیان

یدعون فیها بکلّ فکهه ءامنین

با توجه به این که <فاکهه>، در میان سایر بهرهوری های بهشتیان خصوصیتی ندارد; وصف <آمنین> می تواند بیانگر تمامی نعمت ها و امکانات بهشت باشد.

بی ضرری شراب بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۷ – ۱

۱ – شراب بهشتیان ، از هرگونه ضرر و زیان و پی آمد ناگوار ، به دور و خالص است .

لا فیها غول

<غول> به معنای فساد و آسیبی مخفی است که دیده و حس نشود. مقصود از آن در آیه شریفه، پی آمدهای ناگوار و ضرر و زیانی است که در همه شراب های دنیایی وجود دارد.

بیماری در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۳ – ۲

۲ - در بهشت اصحاب الیمین ، هرگز مانعی همچون سیر بودن ، بیمار بودن ، در دسترس نبودن و . . . برای تناول میوه وجود ندارد .

و فکهه . .. و لاممنوعه

پاداش بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۳۴،۳۵

۳۴ ضایع نشدن اعمال مؤمنان و ثمردهی آن ، به بهره مندی

از پاداش های الهی (مغفرت و بهشت) است .

انّی لا اضیع عمل عامل . .. ثواباً من عند اللّه

۳۵ بهشت و آمرزش گناهان ، پاداش نیک خداوند

لاکفّرنّ . .. و لادخلنّهم ... ثواباً من عند اللّه و اللّه عنده حسن الثّواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۵

۵ بهشت پاداش راستگویان و راست کرداران است .

هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱،۲۴

۱ خداوند ، خریدار جان و مال مؤمنان به بهای بهشت

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم بأن لهم الجنه

۲۴ ایثار جان و مال در راه خدا و دریافت پاداش بهشت ، شایسته سرور و شادمانی ، در بینش الهی

إن اللّه اشتری من المؤمنین . .. فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجر کبیر> بهشت و موهبتهای اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۰ – ۱۰

۱۰– بهشت ، پاداش کامل مؤمنانی که کردار نیک داشته و از کار های بد توبه کنند .

فأُولئک یدخلون الجنّه و لایظلمون شیئًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۳ – ۴

۴– بهشت

، پاداشی فراتر از اجر کردار متقیان ، است ; نه هم پایه آن .

نورث من عبادنا من کان تقیًّا

به مالی که بدون رنج و سختی به کسی برسد <ارث> اطلاق می گردد (مفردات راغب). این تعبیر برای بهشت در کنار تخصیص آن به <من کان تقیّاً> اشاره به این دارد که تا تقوا نباشد، ورود به بهشت ممکن نیست. از طرفی بهشت را سرمایه ای که بدون تلاش به دست آمده معرفی کرده است تا بفهماند که این پاداش، با آن کردار، قابل قیاس نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۱

۱ - بهشت ، پاداش خدا به مؤمنان نیک کردار

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۲

۲ - بهشت ، پاداش خداوند به مؤمنان نیک کردار

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۴

۴ - بهشت ، پاداشت مؤمنان نیک کردار

فالذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۳،۶

۳ - بهشت ، پاداش و جایگاه مؤمن انطاکیه

قیل ادخل الجنّه

در این که مقصود از <الجنّه> چیست؟ میان مفسران دو نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را بهشت اخروی دانسته اند; ۲ برخی دیگر آن را بهشت برزخی گرفته اند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۶ - بهشتِ برزخی پاداش و جایگاه مؤمن

انطاکیه

قیل ادخل الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۲

۲ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش تقواپیشگان است .

جنّت . .. هذا ما توعدون لیوم الحساب

<لیوم الحساب> به تقدیر <لأجل جزاء یوم الحساب> است; یعنی، این نعمت ها همان چیزی است که به خاطر روز حساب به شما وعده داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۲

۲ - بناهای مرتفع و چند طبقه (کاخ ها) در بهشت، پاداش اختصاصی تقواپیشگان

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف من فوقها غرف مبتیّه

"غرفه" (مفرد "غرف") به معنای بناهای مرتفع و خانه ای بالای خانه ای دیگر (چند طبقه چون کاخ) است. گفتنی است لام در "لهم" برای اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، پاداش و بهای عمل و تلاش تقواپیشگان است که آن را به بهانه نمی دهند .

نتبوّأ من الجنّه حیث نشاء فنعم أجر العملین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۲ - ۱

۱ - بهشت با نعمت های فراوان و پایان ناپذیر آن ، پاداش عملکرد پرهیزگاران

و تلک الجنّه الّتی أَورثتموها بما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۴ – ۴

۴- بهشت جاودان ، پاداش اعمال نیک و مستمر موحدان

أُولئک أصحب الجنّه . .. جزاء بما کانوا یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح

۴ - ۱۷ - ۴۸ -

۴ - باغ های بهشت ، با نهر های همیشه جاری ، پاداش الهی به شرکت کنندگان در جهاد و نبرد با دشمنان دین

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّت تجری

با توجه به این که سیاق آیات، در رابطه با جنگ و جهاد می باشد; مراد از <من یطع. ..> کسی است که فرمان جهاد را اطاعت کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۱۰

۱۰ - تکامل و تعالی و داشتن دستاوردی بهتر ، فلسفه و هدف آغازین خلقت بشر و برخوردار شدن از جزا و پاداش اخروی (بهشت برین) ، فلسفه و هدف نهایی آفرینش او است .

لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً

به مقتضای جمله <لیبلوکم أیّکم أحسن عملاًـ>، هدف از خلقت انسان و تقدیر مرگ و حیات برای وی، تکامل و داشتن دستاوردی بهتر در دنیا است; ولی چون پاداش و جایزه اصلی آن را در جهان آخرت دریافت می کند، بنابراین می توان گفت: تکامل، هدف مرحله اولی خلقت بشر و بهشت برین، هدف مرحله نهایی آفرینش او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إنّ الأبرار یشربون من کأس . .. و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا . إنّ هذا کان لکم جز

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این

که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰; الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش و مزد تقواپیشگی است .

إنّ للمتّقین . .. جزاء

<جزاء> مفعول مطلق و تأکید کننده مفاد <إنّ للمتّقین مفازاً> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - < قال الرضا (ع) و لقد حدثنی أبی عن أبیه أبی عبداللّه الصادق (ع) . . . قال : إنّ اللّه عزّوجلّ لایسئل عباده عمّا تفضّل علیهم و لایمنّ بذلک علیهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقین فکیف یضاف إلی الخالق عزّوجلّ ما لایرضی المخلوق به و لکنّ النعیم حبّنا أهل البیت و موالاتنا یسئل اللّه عباده عنه بعد التوحید و النبّوه لأنّ العبد إذا وفی بذلک ادّاه إلی نعیم الجنّه الذی لایزول ;

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزّوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منّت نمی گذارد. منّت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است; پس چگونه به خالق عزّوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش]ولایت ما است که خداوند

همه بندگان را بعد از توحید و نبوت، از آن بازخواست خواهد کرد; زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند>.

پاکان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ خداوند ، آمرزنده گناهان و جای دهنده پاکان در بهشت

نکفر عنکم . .. و ندخلکم مدخلا کریماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱۴

۱۴ - بهشت ، سرای پاکان و طهارت یافتگان از بدی ها

جنّت . .. و یکفّر عنهم سیّئاتهم

تعبیر <یکفّر> می رساند که بهشت، جایی نیست که انسان ها با آلودگی گناه و تیرگی لغزش ها بدان گام نهند; بلکه باید پس از تطهیر در آن استقرار یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۲

۲ - بهشت ، جایگاه انسان های پاک و تطهیرشدگان از گناه

یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّت

ذکر جمله <یغفر لکم. ..> پیش از <یدخلکم جنّات>، بیانگر مطالب بالا است.

پاکی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - بهشتیان در بهشت ، همسرانی پاک و مطهر خواهند داشت .

و لهم فیها ازوج مطهره

پاکیزگی شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۶،۷

۶ - ابرار در بهشت ، برخوردار از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هرگونه آثار ناگوار (بیهوشی

، غفلت و عقل زدایی)

و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا

<طهور>، صیعه مبالغه و صفت برای <شراباً> است; یعنی، شراب ابرار در نهایت پاگیزگی و خالص از هر گونه آثار ناگوار شراب های دنیا (همچون بیهوشی، غفلت و کم شدن عقل) است.

۷ - بهشتیان ، از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هر گونه آثار ناگوار ، خواهند نوشید .

و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا

پاکیزگی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۹ - ۳

۳ - تمیزی و دوشیزگی ، از اوصاف زنان بهشتی

کأنّهنّ بیض مکنون

تشبیه به پوشیده بودن تخم ها زیر پر شترمرغ، کنایه از تمیز بودن زنان بهشتی است و مصون بودن آنان که مفاد عبارت <مکنون> می باشد کنایه از محفوظ ماندن آنان از دستبرد دیگران و دوشیزگی ایشان است.

پدران مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۴،۸،۱۴

۴ - بهره مندی پدران ، همسران و فرزندان صالح از بوستان های ماندنی بهشت ، در سایه لطف الهی به مؤمنان تائب و پیرو دین

و أدخلهم جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند تنها به مؤمنان تائب و اهل عمل، وعده بهشت داده; ولی در عین حال فرموده است: پدران، همسران و فرزندان ایشان نیز در صورت صالح بودنشان وارد بهشت خواهند شد. یادآوری اینان در ردیف مؤمنان تائب که وعده بهشت تنها به آنان اختصاص دارد می تواند نوعی

پاداش به ایشان و لطف الهی در حق آنان باشد.

۸ – بودن پدران ، همسران و فرزندان در بهشت ، از الطاف الهی در حق مؤمنان تائب و پیروان دین

و أدخلهم جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

یـاد کردن مسأله بودن پـدران و. .. در بهشت در کنار مؤمنان تائب، در عین آن که آنان از نظر مقام و کمال در حـدی نیسـتند که مانند مؤمنان باشـند (هرچند صـلاحیت عمومی ورود به آن جا را دارند)، می تواند بیانگر اظهار لطف الهی به مؤمنان تائب باشد; زیرا وجود این افراد در کنار انسان، خود نعمتی بزرگ است.

۱۴ – عزت و حکمت بیماننـد خداوند ، مقتضـی دل بسـتن و امید داشـتن به ورود مؤمنان تائب و پدران ، همسـران و فرزندان صالح آنان به بهشت جاویدان

ربّنا و أدخلهم جنّت . .. إنّک أنت العزیز الحکیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّک أنت العزیز الحکیم> تعلیل برای جمله های پیشین است.

پذیرایی با شراب بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۷ – ۱

۱ – ابرار در بهشت ، از مِی آمیخته با زنجبیل پذیرایی خواهند شد .

و یسقون فیها کأسًا کان مزاجها زنجبیلاً

<کأس> در معنای می و نیز جام به کار می رود. (لسان العرب)

پذیرایی خدمتکاران بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۱

۱ – پذیرایی خادمان بهشتی از پرهیزگاران ، با نوشیدنی هایی در جام های زرین

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

<صِحاف> (از ماده

<صحف>) به معنای گستردن و در این جا به معنای ظرف های بزرگ و وسیع است. <أکواب> نیز به معنای ظرف های آب است که دسته ندارند (منظور همان <جام> یا <قدح> است). گفتنی است که در آیه شریفه حذفی صورت گرفته است; بدین صورت: <یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب من ذهب...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۹ - ۱،۵

۱ - گردش پروانهوار جوانکان بهشتی ، پیرامون ابرار برای خدمت گزاری

و یطوف علیهم ولدن

۵ - ابرار در بهشت ، می آمیخته با زنجبیل را از دست جوانکان همیشه شاداب خواهند نوشید .

و یطاف علیهم بانیه . .. و یسقون فیها ... مزاجها زنجبیلاً ... و یطوف علیهم ولدن

آیات گذشته، قرینه بر این است که یکی از مصادیق اصلی خدمت گزاری جوانکان به ابرار، نوشاندن می بهشتی به آنان است، چنان که در آیه ۱۷ و ۱۸ سوره <واقعه> بدان تصریح شده است: <یطوف علیهم ولدان مخلّدون . بأکواب و أبارق و کأس من معین>.

پذیرایی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۴،۵

۴ - باغ های بهشت ، تنها به عنوان پیش پذیرایی از مؤمنان نیک کردار است و نه پاداش کامل آنان .

فلهم جنّت المأوی نزلاً

<نزل> در لغت به چیزی گفته می شود که برای مهمان تهیه و آماده می شود (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <نزلاً> حال برای <جنّات> و مفید معنای یاد شده است.

۵ - پیشکش باغ های بهشت به مؤمنان نیک کردار ، پاداشی فوق تصور و

روشنی بخش دیده آنان است .

فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین . .. فلهم جنّت المأوی نزلاً

جمله <فلهم جنّات المأوی. ..> می تواند تأکیدی بر <ما أُخفی لهم...> و نیز نمادی از آنچه در خفا، برای مؤمنان در نظر گرفته شده، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۷ - ۱

۱ - گردش پروانهوار جوانکان بهشتی پیرامون پیشتازان راه خدا (سابقون) ، جهت خدمت گذاری به آنان در مجالس انس آنها

متّکین علیها متقبلین . یطوف علیهم ولدن مخلّدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۰ - ۲

۲ - جوانان خدمت گذار ، آماده پذیرایی از پیشتازان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

و فکهه ممّا یتخیّرون

واژه <فاکهه> عطف بر <أکواب> (در دو آیه پیش) است؛ یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلّدون بفاکهه ممّا یتخیّرون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۵ - ۲

۲ - جام های سیمین و کوزه ها و قدح های بلورین ، از ظرف های بهشتی برای پذیرایی بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۴ - ۱

۱ - تقواپیشگان در بهشت ، با جام لبریز از شراب پذیرایی خواهند شد .

و کاسًا دهاقًا

<کأس> به جامی گفته می شود که در آن <خمر> باشد. گاهی بر خود <خمر> نیز <کأس> اطلاق می شود.
<دهاق> که در دو معنای متضاد

(بـا فشـار پر کردن ظرف و یـا خـالی کردن آن) کـاربرد دارد، در این آیه به معنـای پرکردن به صورت فشـرده و متراکم اسـت (لسان العرب). این کلمه گرچه مصدر است; ولی چون وصف <کأساً> می باشد، به معنای اسم مفعول آن (لبالب و پر شده) است.

پرسش از کیفیت ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۵ - ۲

۲ - پرسش بهشتیان از یکدیگر ، درباره چگونگی راهیابی شان به بهشت

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

از آنچه در آیه بعد آمده است، محتوای سؤال به گونه ای که یاد شد استفاده می شود.

پشتی ابریشمی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۱

۱ - بهشتیان ، تکیه زده بر پشتی ها با آسترهایی از ابریشم

متّکین علی فرش بطائنها من إستبرق

<بطائن> (جمع <بطانه>) به معنای آسترها است. <إستبرق> به ابریشم درشت باف گفته می شود.

پوشاک در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۱

۱ - آدم (ع) در بهشت خویش از نظر غذا و پوشاک تأمین بود .

إنّ لک ألاّتجوع فیها و لاتعری

تعبیر <إنّ لـک. ..> وعـده ای از جـانب خداونـد به آدم(ع) است و بیـان خاصـیت بهشت نمی باشـد; زیرا خوردن از درخت

ممنوع سبب شد که آدم(ع) در همین بهشت عریان شود و وعده <لاتعری> در حق او عملی نگردد.

پیشگامان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ -

۵ - ۴

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < فالسابقات سبقاً > یعنی أرواح المؤمنین تسبق أرواحهم إلی الجنّه . . . و أرواح الکافرین إلی النار ;

از امـام بـاقر(ع) درباره سـخن خداونـد <فالسابقات سـبقاً> روایت شـده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر یکدیگر]سبقت می گیرند. .. و [نیز]ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند]>.

پیشگامان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۲ - ۱

۱ - بهشت ، سرای اخروی سابقون (پیشتازان)

و السبقون . .. فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - محل سکونت پیشتازان راه خدا در بهشت ، آراسته به تخت های جواهرنشان

علی سرر موضونه

یکی از معانی <موضونه>، بافته شده به همراه جواهر است.

۲ - زندگی پیشتازان راه خدا (سابقون) در بهشت ، در اوج شکوه و جلال

علی سرر موضونه

وجود تخت های جواهرنشان در قصرهای پیشتازان، نشان از زندگی بسیار با شکوه آنان در سرای بهشت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - پیشتازان راه خدا (سابقون) ، دارای مجلس انس با یکدیگر در بهشت

علی سرر موضونه . متّکین علیها متقبلین

از قید <متقابلین> (روبه روی هم)، انس و الفت بهشتیان با همدیگر استفاده می شود.

۲ - تکیه زدن پیشتازان راه خدا (سابقون) ، بر تخت های جواهرنشان در مجلس های انس خویش

علی سرر موضونه . متّکین

علیها متقبلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۸ – ۱

۱ – باده نوشی پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در مجالس انس شان در بهشت

متّکین علیها متقبلین . .. بأکواب و أباریق و کأس من معین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۰ – ۱،۲

۱ – وجود میوه های متنوع و گوناگون در بهشت پیشتازان (سابقون)

و فکهه ممّا یتخیّرون

۲ – جوانان خدمت گذار ، آماده پذیرایی از پیشتازان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

و فکهه ممّا یتخیّرون

واژه <فاکهه> عطف بر <أکواب> (در دو آیه پیش) است; یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلّدون بفاکهه ممّا یتخیّرون>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۱ – ۱،۲

۱ – وجود گوشت انواع پرندگان در بهشت پیشتازان (سابقون)

و لحم طیر ممّا یشتهون

<طیر> (پرنده) جنس است و شامل انواع پرندگان می شود. <ممّایشتهون> (آنچه دلشان می خواهد) تأکید بر هیمن معنا است.

۲ – جوانان خدمت گذار ، پذیرایی کننده پیشتازان (سابقون) در بهشت باگوشت انواع پرندگان دلخواه

و لحم طیر ممّا یشتهون

<لحم طیر> عطف بر <أکواب> است; یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلدون بلحم طیر>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۱

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، هرگز کسی از دیگری سخن لغو و بیهوده و یا نسبت ناروا نخواهد شنید .

لایسمعون فیها لغوًا و لاتأثیمًا

<لغو> به سخنی

گفته می شود که هیچ فایده ای بر آن مترتب نباشد و <تأثیم> به معنای نسبت دادن گناه به کسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۶ - ۱،۲

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، جز سخنان سالم و پیراسته از لغو و نسبت های ناروا مبادله نمی شود .

لایسمعون فیها لغوًا . .. إلّا قیلاً سلمًا سلمًا

<قیل> معادل <قول> و موصوف <سلاماً> است; یعنی، <لایسمعون فیها إلّا قولاً هو سالم من اللغو و التأثیم>.

۲ - مکالمات در بهشت پیشتازان ، همراه با درود و تحیت پی درپی است ; نه آمیخته با لغو و نسبت های ناروا .

لایسمعون فیها لغوًا . .. إلّا قیلاً سلمًا سلمًا

کلمه <سلاماً> می تواند بدل برای <قلیلاً> باشد. گفتنی است که تکرار <سلاماً>، برای بیان تعاقب و پی درپی بودن است; یعنی، <سلاماًاثر سلام> (درود پی درپی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۹ - ۵

۵ - ره یافتگان به مقام قرب در آخرت (پیشتازان) ، برخوردار از بهشتی سرشار از نعمت

فأمّا إن کان من المقرّبین . .. و جنّت نعیم

واژه <نعیم>، به معنای نعمت فراوان آمده است (مفردات راغب).

تأمین خواسته ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۴

۴- بهشت ، سرایی جاودان و دل خواه و نعمت های آن ارضا کننده تمامی امیال و خواسته های آدمی است .

و هم فی ماشتهت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۲

فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۳،۶

۳ تأمین تمامی خواسته های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربّک وعدًا مسئولاً

۶ بهشت جاویدان ، تنها جایی است که تمامی خواسته ها و تمایلات بشر در آن تأمین و ارضا خواهد شد .

لهم فیها ما یشاءون خلدین

این که خداوند وعده داد که: <تمامی خواسته های متقین در بهشت تأمین می شود (نه در دنیا)> می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۸

۸ - آدمی ، در بهشت به تمامی آنچه می خواهد و طلب می کند ، خواهد رسید .

و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم و لکم فیها ما تدّعون

تقدیم <فیها> بر <تشتهی> گویای حصر است; یعنی، آنچه می خواهید و آرزو می کنید تنها در بهشت بدان دست می یابید و در غیر بهشت این گونه نیست که آدمی هر آنچه بخواهد، بتواند آن را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۹

۹ - تنها بهشت ، محل تأمین تمامی خواسته ها و لذت های انسان

و فیها ما تشتهیه الأنفس

تقدیم <فیها> اشعار به این نکته دارد که تمایلات وجودی انسان، به طور کامل تنها در بهشت تأمین می شود.

تأمین نیازها در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۹

۹ - بهشت آدم ، محیط صفا و صلح و تأمین کامل

نیاز ها و عاری از بروز دشمنی در میان ساکنان آن بود .

إنّ لک ألاّتجوع . .. اهبطا ... بعضکم لبعض عدوّ

چون موضوع دشـمن به عنوان مجازات و اقتضای هبوط مطرح گردیـده. چنین برمی آیـد که در مسـکن قبلی آدم(ع) (بهشت) چنین عارضه ای در کار نبوده و به خاطر فراهم بودن نیازمندی ها، زمینه های عداوت منتفی بوده است.

تائبان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۶ – ۶

۶- خردمندان روی آورده به خدا ، با روحیه شکر ، توبه و تسلیم ، در زمره بهشتیان

و بلغ أربعین سنه قال ربّ أوزعنی . .. إنّی تبت ... نتجاوز عن سیّئاتهم فی أصحب ال

مرجع ضـمیر <سیّئاتهم> کسـانی است که به سن رشـد و کمـال رسـیده و به نیایش پرداخته و بر توبه و تسـلیم خویش تأکید میورزند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۲ – ۲

۲ – بهشت ، از آن همه تائبان خداجوی و پاسدار ارزش ها و وظایف دینی

هذا ما توعدون لکلّ أوّاب حفیظ

تائبان در بهشت عدن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۱ – ۳

۳- بهشت های عدن ، جایگاه توبه کنندگان مؤمن و دارای عمل صالح

فأُولئک یدخلون الجنّه . .. جنّت عدن

تحریم نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۶،۷

۶ خداوند آب و دیگر مواهب بهشت را بر دوزخیان تحریم کرده است .

إن اللّه حرمهما على الكفرين

۷ تحریم روزی های

بهشت بر اهل دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

أن أفیضوا علینا . .. قالوا إن اللّه حرمهما علی الکفرین

تحول در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۸ - ۲

۲- بهشتیان ، از جایگاه خود ، رضایت کامل داشته و هیچ تمایلی به جابه جایی از آن و یا تغییری در وضع موجود ندارند .

لایبغون عنها حولاً

<بغی> به معنای <طلب> است. <بغی عنه> حاوی تضمین است; یعنی، از چیزی اعراض کرد و چیز دیگر به جای آن طلبید. <حول> مصدر و به معنای <تحوّل> (جابه جایی) است. بنابراین، <لایبغون عنها حولاً> یعنی: <بهشتیان، طالب هیچ دگرگونی و تحوّلی در وضع خود نیستند.>.

تختهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷ - ۶

۶- متقین ، در بهشت در حالی که روبه روی یکدیگر قرار دارند ، بر تخت ها می آرامند .

إن المتقین فی جنّت . .. علی سرر متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۱

۱ - مردان بهشتی با همسرانشان در حالی که به شوخی و گفت وگوی لذت بخش مشغولند زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزیّن و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متّکئون

جمله <هم و أزواجهم. ..> استئناف بیانی برای آیه پیشین (إنّ أصحاب الجّنه...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل

بهشت را که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند بیان می کند. <أریکه> (مفرد <أرائک>) نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۴ - ۱

۱ - بندگان مخلَص خدا ، بر تخت های بهشتی رویاروی هم تکیه خواهند زد .

علی سرر متقبلین

<سرر> (جمع <سریر>) به معنای تخت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۱،۳

۱ - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلک خیر نزلاً أم شجره الزقّوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

۳ - انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلَص خدا

إلاّ عباد اللّه المخلصین . .. فی جنّت النعیم ... و عندهم قصرت الطرف ... أذلک خ

<نزل> به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۳ - ۲

۲ - استراحت بهشتیان بر تختخواب ها و تماشای صحنه های بهشت ، از نعمت های الهی در

آخرت

ناعمه . .. فيها سرر مرفوعه

ارتفاع تخت های بهشتیان، نشانگر اشراف آنان بر صحنه های دل انگیز بهشت است.

تختهای جواهرنشان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۶ - ۲

۲ - تکیه زدن پیشتازان راه خدا (سابقون) ، بر تخت های جواهرنشان در مجلس های انس خویش

على سرر موضونه . متّكين عليها متقبلين

تختهای مزین بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۳ - ۱

۱ - ابرار در بهشت ، بر تخت های مزین تکیه می زنند .

متّكئين فيها على الأرائك

<أريكه> (مفرد <أرائك>) به معنای تخت مزین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۲

۲ - تخت های مزیّن در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متّكئين فيها على الأرائك . .. و ذلّلت قطوفها... يسقون فيها كأسًا ... يطوف عليهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در <لکم>، می تواند برای اختصاص باشد.

تداوم پذیرایی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۹ - ۳

۳ - خدمت گزاری جوانکان بهشتی به ابرار ، دائمی و پیوسته است .

و یطوف علیهم ولدن مخلّدون

تداوم جوانی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۹ - ۲

۲ - جوانان خدمت گزار بهشتی ، در

جوانیشان جاودان بوده و گرد پیری هرگز بر رخسار آنان نمی نشیند .

و یطوف علیهم ولدن مخلّدون

مقصود از جاودانگی در <مخلدون> (جاودانگان)، هم می تواند جاودانگی جوانی باشد و هم می تواند اشاره به ملازمت دائمی جوانکان، با ابرار و خدمت گزارای پیوسته به آنان باشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

تداوم نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۴ - ۶

۶- بهره مندی هماره و سهل موحدان نیکوکار ، از نعمت های الهی در بهشت

أُولئک أصحب الجنّه

تعبیر به <أصحاب> اشاره به همنشینی دائم و همیشگی یکتاپرستان استوار بر طریق ایمان، با نعمت های بهشتی دارد.

تداوم وفور میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۳ - ۱

۱ - وجود میوه های فراوان در بهشت اصحاب الیمین ، همیشگی است ; نه فصلی و مقطعی

و فکهه کثیره . لامقطوعه

تذکر اجابت خواسته ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۸ - ۶

۶- یادآوری برآورده شدن خواسته های انسان در بهشت ، از روش های هدایت و جذب انسان ها به دین *

إن المتقین فی جنّت و عیون . ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

تزکیه قبل از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۵

۵ وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

و نزعنا

ما فی صدورهم من غل

تزیین بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۶ – ۳

۳ – رنگ سبز ، از رنگ های زینت بخش امکانات تجملی بهشت

متّکین علی رفرف خضر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۶ – ۲

۲ – مکان های فراوانی از بهشت ، برای بزم بهشتیان ، همواره مفروش و آماده است .

و زرابیّ مبثوثه

<بثّ>; یعنی، متفرق ساختن و آشکار کردن و <مبثوثه>; یعنی، فراوان و متفرق. (مقاییس اللغه)، مراد از متفرق بودن فرش ها در بهشت، مفروش بودن نقاط مختلفی از آن است.

تزیین تختهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۵ – ۱

۱ – محل سکونت پیشتازان راه خدا در بهشت ، آراسته به تخت های جواهرنشان

علی سرر موضونه

یکی از معانی <موضونه>، بافته شده به همراه جواهر است.

تزیین فرشهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۶ - ۱

۱ - بهشت برین ، تزیین یافته با فرش های مخمل باف و گران قدر که همواره گسترده است .

و زرابیّ مبثوثه

<زرابیّ> جمع <زُرْب> (بر وزن قُفْل) یا <زربیّه> (به فتح، ضم یا کسر حرف اول) است و به فرش هایی گفته می شود که دارای، پرزهای لطیف باشد (نهایه ابن اثیر). اصل معنای آن، لباس هایی با خطوط زیبا است که به یکی از مناطق انتساب دارد (مفردات راغب) برخی از مفسران، <زربیّه> را تخفیف یافته <آذربیّه> می دانند که در انتساب به آذربایجان گفته

می شود. (التحریروالتنویر)

تشبیه خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۴ - ۳

۳ - خدمت کاران بهشتی ، چونان مروارید های نهفته در صدف

غلمان لهم کأنّهم لؤلؤ مکنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۹ - ۶

۶ - جوانکان خدمت گزار ابرار در بهشت ، چون مروارید پراکنده اند .

و یطوف علیهم ولدن مخلّدون$ إذا رأیتهم حسبتهم لؤلؤًا منثورًا

إذا رأیتهم حسبتهم لؤلؤًا منثورًا

تشنگی در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۹ - ۱

۱ - آدم (ع) در بهشت خویش ، از تشنگی و تحمل تابش آفتاب در امان و مصون بود .

و إنّک لاتظمؤا فیها و لاتضحی

<لاتضحی>; یعنی، روبه روی خورشید قرار نمی گیری و حرارت آن به تو نمی رسد (لسان العرب). این وصف با توجه به معنای لغوی <جنّه> که بستان پوشیده از درخت است به وجود سایه فراوان در سرای آدم(ع) اشاره دارد.

تضمین بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۱

۱ - خداوند ، بهشت را ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، تضمین کرده است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه غرفًا

لام تأکید و نون ثقیله در <لنبوّئنّ> دلالت بر ضمانت می کند.

تعدد باغ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۳

۱۳ باغ های بهشت ، متعدد و دارای نهر های فراوان

أعد

لهم جنت تجری تحتها الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹ – ۹

۹ بهشت ، دارای باغ های متعدد

فی جنت

تعدد باغهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۳ – ۴

۴- بهشت ، مجموعه ای از باغ های متعدد است . *

جنّت تجری من تحتها الأنهر

جمع آورده شدن <جنات> می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۱ – ۳

۳- بهشت ، باغ ها و بوستان های متعددی دارد .

جنّت عدن

<جنه> به معنای باغ دارای درختانی که به هم تنیدگی درختانش زمین را می پوشاند است. جمع آوردن آن دلالت بر نکته فوق دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۷ – ۳

۳- بهشت ، دارای بوستان های متعدّد است .

جنّت الفردوس

مراد از <فردوس> (وادی سرسبز) همان بهشت موعود است و <جنّات> دلالت بر تعدّد بوستان های آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱

۱- بهشت ، از بوستان هایی متعدد تشکیل شده است .

یدخلون الجنّه . .. جنّت عدن

<جنّات عـدن> بـدل از <الجنّه> در آیه قبل است. آمـدن <جنّات> به صورت جمع و بدل بودن آن از <الجنّه>، نشانگر آن است که بهشت از باغ های متعددی تشکیل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۲

۲ - بهشت ، از بوستان

هایی متعدد تشکیل یافته است .

جنّت عدن

ذکر <جنّات> به صورت جمع، حکایت از آن دارد که باغ هایی متعدد و ممتاز از یکدیگر بهشت را تشکیل می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۳

۳ - بهشت ، دارای بوستان های متعدد ، سرسبز و پوشیده از درختان

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۴

۴ - بهشت ، دارای بوستان هایی است متعدد ، سر سبز و پوشیده از درختان .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنات> جمع جنّه است و <جنّت> به بوستانی گفته می شود که پوشیده از درختان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۷

۷ - بهشت ، دارای بوستان های متعدد و سرشار از نعمت

فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۸ - ۵

۵ - بهشت ، باغ های متعدد دارد .

جنّت النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۰ – ۲

۲ – بهشت ، دارای باغ های متعدد

جنّت عدن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸ – ۱۱

۱۱ – بهشت ، دارای بوستان های متفاوت و متعدد

جنّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۳ – ۱،۴

۱ – تعدد و تنوع باغ های بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر الهی

و غیر قابل تکذیب

و من دونهما جنّتان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

۴ - بهشت های متنوع و متعدد ، جلوه ای از ربوبیت الهی به جن و انس

و من دونهما جنّتان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۰

۱۰ - بهشت ، دارای بوستان های متعدد با نهر های جاری در زیر آنها

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنّات> (جمع <جنّه>) به معنای بوستان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱۵

۱۵ - بهشت ، دارای بوستان های متعدد با نهر های جاری در زیر آنها

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنّه> (مفرد <جنّات>) به معنای بوستان است و جمع آن، نشان دهنده تعدد آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۸

۸ - بهشت ، دارای بوستان های متعدد با نهر های روان در قسمت زیرین آنها

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنّه> (مفرد <جنّات>) به معنای بوستان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۴ – ۴

۴ – بهشت ، دارای بوستان های متعدد و گوناگون

إنّ للمتّقین . .. جنّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۲ – ۱

۱ – تقواپیشگان در آخرت ، برخوردار از چندین باغ و تاکستان بزرگ ، با انگوری فراوان

حدائق و أعنبًا

<حدیقه> (مفرد <حدائق>) به باغی گفته می شود که اطراف آن را برجستگی های طبیعی یا دست ساز احاطه کرده باشد (لسان

العرب). کلمه <حدائق> بدل برای <مفازاً> و بیانگر این است که بوستان های متعدد، گوشه ای از جایگاه سعادت و خوشبختی متقین است. نکره آوردن <حدائق> و <أعناب>، برای بیان عظمت آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۱،۳

۱ - مؤمنان دارای عمل صالح ، برخوردار از بوستان هایی متعدد ، در آخرت

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت

۳ - بهشت ، دارای بوستان های متعدد است .

لهم جنّت

تعدد بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۳ - ۶

۶ تعدّد و جاودانگی بهشت

یدخله جنّات . .. خالدین فیها

لازمه خلود بهشتیان در بهشت، جاودانگی خود بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶ - ۲

۲ - بیم دارندگان از گناه و مخالفت پروردگار ، بهره مند از دو بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

خوف از مقام پروردگار، می تواند کنایه از ترک گناه و پرهیز از مخالفت با فرمان پروردگار باشد. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۰ - ۲

۲ - دو بهشت خائفان از خدا ، دارای تفاوت های بسیار و تنوع فراوان *

و لمن خاف . .. جنّتان ... ذواتا أفنان ... فيهما عينان تجريان

از این که پس از عبارت <و لمن خاف . .. جنّتان> اوصاف به گونه تثنیه آمده است، چنین استفاده می شود که تفاوت آن دو <جنّت> اعتباری نیست; بلکه آن چشمه ای دارد

و این چشمه ای دیگر; به خصوص اگر <أفنان> به معنای <انواع> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۴

۴ - تعدد و تنوع بهشت ها در قیامت

جنّتی

تعدد تختهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۴ - ۳

۳ - وجود تخت های متعدد برای بهشتیان

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین

تعدد دربهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۰ - ۷

۷ - بهشت ، دارای درب های متعدد

مفتّحه لهم الأبوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۶

۶ - بهشت ، دارای درب های متعدد

فتحت أبوبها

تعدد درهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰ - ۹

۹ آسمان حاوی بهشت، دارای درهایی متعدد و راههایی گوناگون برای ورود به آن جایگاه برین

لاتفتح لهم أبوب السماء و لایدخلون الجنه

تعدد نگهبانان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۸

۸ - بهشت ، دارای دربانان متعدد

و قال لهم خزنتها

تعدد نهرهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۶

۶ بهشت دارای نهرهایی متعدد ، لبریز و همواره جاری

تجری من تحتهم الأنهر

اِسناد جریان به خود نهرها، همانند <جری المیزاب>، حکایت از پر بودن و لبریز بودن نهرهای بهشتی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷

- توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۳

۱۳ باغ های بهشت ، متعدد و دارای نهر های فراوان

أعد لهم جنت تجری تحتها الأنهر

تفاوت باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۲

۲ - باغ های بهشت ، دارای مراتب و ارزش متفاوت

و من دونهما جنّتان

برداشت بالا بر این اساس است که <دون> در <من دونهما> بیانگر مرتبه پایین تر باشد.

تفریح در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۸ - ۲

۲ - تفرج و تفریح اصحاب الیمین ، در میان درختان سدر در بهشت

فی سدر مخضود

<فی سدر> خبر برای مبتدای محذوف است; یعنی، <هم فی سدر مخضود>. این جمله به دو گونه معنا می شود: الف) آنان در میان درختان سدر به سر می برند; ب) آنان در سایه درختان سدر به سر می برند. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۹ - ۳

۳ - گردش و تفریح اصحاب الیمین ، در میان درختان پر از میوه موز در بهشت

و طلح منضود

<و طلح منضود> به تقدیر <هم فی طلح منضود> است; یعنی، آنان در میان درختان میوه موز به سر می برند.

تکامل در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۳

۳ - بهشت برین ، جایگاه رشد و کمال در پرتو ربوبیت خداوند

ارجعی إلی ربّک . .. و ادخلی جنّتی

این آیه، عطف بر آیه قبل و

هر دو تفصیل رجوع به خداوند است. بر گزیدن واژه <ربّک> در آیات پیشین، بیانگر مواجه شدن بهشتیان با ربوبیت خداوند است.

تکامل مؤمنان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰ – ۵

۵ بهره مندی مؤمنان از کمال معرفت و شناخت خداوند در بهشت

جنت النعیم. دعویهم فیها سبحنک اللّهم

تکذیب بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶ – ۷

۷ – از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند : < الکفر فی کتاب اللّه علی خمسه أوجه . . . فمن ها کفر الجحود و الجحود علی وجهین . . . فأما کفر الجحود فهو الجحود بالربوبیه و هو قول من یقول لا رب و لا جنه و لا نار . . . قال اللّه عز و جل : . . . إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون . . . ;

کفر در کتاب خدابه پنج معنا آمده است . .. یکی از آنها کفر جحود است که دو وجه دارد: یک وجه آن، انکار ربوبیت است و آن قول کسی است که می گوید: نه خدایی هست نه بهشتی و نه جهنمی ... خداوند فرمود: إن الذین کفروا سواء علیهم ...>.

تکلیف آدم(ع) در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۵ – ۵،۸،۱۲

۵ – استفاده از تمام خوراکی های بهشت ، برای آدم (ع) و همسرش مباح بود .

و کلا منها رغداً حیث شئتما

۸ – خداوند تناول و خوردن از درختی

مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لاتقربا هذه الشجره

به قرینه <و کلا> (بخورید) می توان گفت: مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهیه بوده است.

۱۲ هر گونه بهره برداری از شجره منهیه بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لاتقربا هذه الشجره

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله <و لاتقربا . ..> کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لاتاکلا من هذه الشجره.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۹

۹ - آدم (ع) و حوا ، در بهشت مسکونی خود نیز به انجام تکالیف ، ملزم بوده اند .

فلایخرجنّکما

گرچه نهی در <فلایخرجنّ> متوجه ابلیس است; ولی خطاب آن به آدم(ع) و حوا، به معنای نهی آن دو از تأثیرپذیری از القائات او است.

تکلیف حوا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۵،۸،۱۲

۵ - استفاده از تمام خوراکی های بهشت ، برای آدم (ع) و همسرش مباح بود .

و کلا منها رغداً حیث شئتما

۸ - خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لاتقربا هذه الشجره

به قرینه <و کلا> (بخورید) می توان گفت: مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهیه بوده است.

۱۲ هر گونه بهره برداری از شجره منهیه

بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لاتقربا هذه الشجره

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله <و لاتقربا . ..> کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لاتاکلا من هذه الشجره.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۹

۹ - آدم (ع) و حوا ، در بهشت مسکونی خود نیز به انجام تکالیف ، ملزم بوده اند .

فلایخرجنّکما

گرچه نهی در <فلایخرجنّ> متوجه ابلیس است; ولی خطاب آن به آدم(ع) و حوا، به معنای نهی آن دو از تأثیرپذیری از القائات او است.

تکیه بر پشتی های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۶ - ۱

۱ - بهشتیان ، در بزم با شکوه خویش ، تکیه زده بر پشتی های سبز و فرش های بی نظیر در جنس و زیبایی

متّکین علی رفرف خضر و عبقریّ حسان

تکیه بر تختهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۰ - ۱

۱ - بهشتیان ، دارای مجالس انس و تکیه زده بر تخت های چیده شده در کنار هم

متّکین علی سرر مصفوفه

<اتکاء> (مصدر <متکین>) به معنای تکیه زدن و <سُرُر> (جمع <سریر>) به معنای تخت ها است. <مصفوفه> (صفت <سُرُر>; یعنی، چیده شده در کنار هم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۶ - ۲

۲ -

تکیه زدن پیشتازان راه خدا (سابقون) ، بر تخت های جواهرنشان در مجلس های انس خویش

علی سرر موضونه . متّکین علیها متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۳ - ۱

۱ - ابرار در بهشت ، بر تخت های مزین تکیه می زنند .

متّکئین فیها علی الأرائک

<أریکه> (مفرد <أرائک>) به معنای تخت مزین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۳ - ۱،۲

۱ - نیکوکاران در قیامت ، بر تخت های تزیین شده آرمیده و به تماشای منظره ها خواهند پرداخت .

علی الأرائک ینظرون

<أریکه> (مفرد <أرائک>) به تختی گفته می شود که تزیین یافته و در خیمه یا خانه ای نهاده شود. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب اطلاق می شود. (قاموس)

۲ - چشم نیکوکاران در آخرت ، بی نیاز از خواب است و حتی به هنگام آرمیدن بر تختخواب ، نظاره گر زیبایی نعمت ها است . *

علی الأرائک ینظرون

<أرائک> (تخت خواب ها)، به معنای محل خوابیدن است که در آیه شریفه محل نظاره گری معرفی شده است. شاید این تعبیر، به نبود خواب در بهشت اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۵ - ۳

۳ - صحنه قیامت ، در چشم انداز مؤمنان آرمیده برتخت های بهشتی است .

فالیوم . .. علی الأرائک ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۶

۶ -

مؤمنان ، با آرمیدن بر تخت های بهشتی ، مراحل کیفر دادن کافران را نظاره می کنند .

ینظرون . هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

در برداشت یاد شده، آیه مورد بحث مفعول برای <ینظرون> (در آیه قبل) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۴ - ۲

۲ - نوشیدن از چشمه بهشت با پیاله های آماده ، در حال آرمیدن بر تختخواب خویش ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فیها عین جاریه . فیها سرر مرفوعه . و أکواب موضوعه

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

تلاش برای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۳،۴

۳ - تلاش هرچه بیشتر انسان ها ، برای رسیدن به غفران الهی و بهشت جاودان ، توصیه خداوند به آنان

سابقوا إلی مغفره من ربّکم و جنّه

۴ - دنیا ، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است ; نه میدان بازی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی .

سابقوا إلی مغفره من ربّکم و جنّه

تلاش برای جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۱ - ۱

۱ - نجات از عذاب الهی و دستیابی به زندگی جاودانه بهشتی و رستگاری بزرگ ، سزاوار هرگونه عمل و تلاش است .

و ما نحن بمعذّبين . إنّ هذا لهو الفوز العظيم . لمثل هذا فليعمل العملون

<لام> در <لمثل> برای تعليل و <هذا> اشاره به مضامين آيات گذشته است كه درباره رهايى از عذاب

الهی و نیل به بهشت جاودان بود.

تنوع آشامیدنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۱ - ۴

۴ - باغ های بهشتی ، دارای انواع میوه ها و نوشیدنی های عالی و نفیس

بفکهه کثیره و شراب

تنوع باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۵ - ۳

۳- بهشت متقین ، دارای باغ های مختلف و چشمه های گوناگون

إن المتقین فی جنّت و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۳ - ۲

۲ - بهشت ، دارای بوستان های گوناگون و متنوع

فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱۱

۱۱ - بهشت ، دارای بوستان های متفاوت و متعدد

جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۱،۴

۱ - تعدد و تنوع باغ های بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر الهی و غیر قابل تکذیب

و من دونهما جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۴ - بهشت های متنوع و متعدد ، جلوه ای از ربوبیت الهی به جن و انس

و من دونهما جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۴ - ۴

۴ - بهشت ، دارای بوستان های متعدد و گوناگون

إنّ للمتّقین . .. جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵ - ۲

۲ - بهشت ، دارای بوستان های گوناگون

جنّت

<جنّه>

(مفرد <جنّات>) به معنای بوستان است.

تنوع بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۰ - ۲

۲ - دو بهشت خائفان از خدا ، دارای تفاوت های بسیار و تنوع فراوان *

و لمن خاف . .. جنّتان ... ذواتا أفنان ... فیهما عینان تجریان

از این که پس از عبارت <و لمن خاف . .. جنّتان> اوصاف به گونه تثنیه آمده است، چنین استفاده می شود که تفاوت آن دو <جنّت> اعتباری نیست؛ بلکه آن چشمه ای دارد و این چشمه ای دیگر؛ به خصوص اگر <أفنان> به معنای <انواع> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۴

۴ - تعدد و تنوع بهشت ها در قیامت

جنّتی

تنوع چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۵ - ۳

۳- بهشت متقین ، دارای باغ های مختلف و چشمه های گوناگون

إن المتقین فی جنّت و عیون

تنوع گوشت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۱ - ۱،۲

۱ – وجود گوشت انواع پرندگان در بهشت پیشتازان (سابقون)

و لحم طیر ممّا یشتهون

<طیر> (پرنـده) جنس است و شامل انواع پرنـدگان می شود. <ممّایشـتهون> (آنچه دلشان می خواهـد) تأکید بر هیمن معنا است.

۲ – جوانان خدمت گذار ، پذیرایی کننده پیشتازان (سابقون) در بهشت باگوشت انواع پرندگان دلخواه

و لحم طیر ممّا یشتهون

<لحم طیر> عطف بر <أکواب> است; یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلدون بلحم طیر>.

تنوع میوه های بهشت

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۲ - ۱

۱ - انواع میوه ها ، رزق و روزی مخصوص و ممتاز بندگان مخلَص خدا در بهشت

أُولئک لهم رزق معلوم . فوکه

<فواکه> (جمع <فاکهه>) بدل کل از <رزق معلوم> و یا خبر برای مبتدای محذوف است و تقدیر آن <ذلک الرزق فواکه> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۱ - ۴

۴ - باغ های بهشتی ، دارای انواع میوه ها و نوشیدنی های عالی و نفیس

بفکهه کثیره و شراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۲ - ۱،۲،۳

۱ - دو بوستان عطا شده به خداترسان ، دارای دو گونه متمایز از هر نوع میوه

فیهما من کلّ فکهه زوجان

۲ - دو بوستان خائفان از خدا ، هر یک دارای میوه هایی مخصوص به خود و متمایز از دیگری *

فیهما من کلّ فکهه زوجان

برداشت یاد شده بدین احتمال است که <زوجان> به معنای وجود دو نوع در دو بهشت باشد که در هر بهشت یک نوع از هر میوه وجود داشته باشد.

۳ - بهشت ، دارای همه گونه میوه ها

فیهما من کلّ فکهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۱،۲

۱ - وجود انواع مختلف از هر میوه در بهشت ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهما من کلّ فکهه زوجان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ - میوه های متنوع بهشت ، نمود ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما من کلّ فکهه زوجان . فبأیّ ءالآء

ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۱،۲

۱ - وجود انواع میوه ها خصوصاً خرما و انار در بهشت ، نعمتی انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهما فکهه و نخل و رمّان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ - میوه های متنوع به ویژه خرما و انار در بهشت ، نمود ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما فکهه و نخل و رمّان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - وجود میوه های متنوع و گوناگون در بهشت پیشتازان (سابقون)

و فکهه ممّا یتخیّرون

۲ - جوانان خدمت گذار ، آماده پذیرایی از پیشتازان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

و فکهه ممّا یتخیّرون

واژه <فاکهه> عطف بر <أکواب> (در دو آیه پیش) است; یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلّدون بفاکهه ممّا یتخیّرون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۲ - ۲

۲ - تنوع و فراوانی میوه ها در بهشت اصحاب الیمین

و فکهه کثیره

<کثرت> در آیه شریفه هم شامل کثرت در مقدار و هم شامل کثرت در نوع میوه می شود، برداشت یاد شده ناظر به معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۲ - ۲

۲ - وجود انواع میوه های دلخواه در بهشت

و فوکه ممّا یشتهون

تنوع نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ -

۷ - ۱۷

۷ - بهشت ، متشکل از باغ های بسیار با درختانی انبوه و نعمت های گسترده و گوناگون

إنّ المتّقين فى جنّت و نعيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۸ - ۲

۲ - نعمت های بهشت ، دارای تنوع و گوناگونی فراوان

ذواتا أفنان

<أفنان> می تواند جمع <فانّ> به معنای انواع باشد. در این صورت <أفنان>، اشاره به گوناگونی نعمت های بهشت و تنوع آن خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۱،۴

۱ - درختان پرطراوت و نعمت های متنوع بهشت ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

ذواتا أفنان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

۴ - نعمت های متنوع بهشت ، جلوه ربوبیت الهی به جن و انس

ذواتا أفنان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

به کار گرفتن وصف <ربّ> بیانگر مطلب بالا است. تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس و یا مرد و زن از انسان ها باشد.

تنوع نهرهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۶

۶-نهر های مختلف ، زلال ، گوارا و لذّت آفرین ، نمودی از نعمت های والای بهشت

فیها أنهر من ماء غیر ءاسن . .. و أنهر من خمر لذّه

توصیف بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲

۲- خداوند ، توصیف کننده بهشت برای متقین ، در قبال جلوه دنیا در چشم کافران

و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون . .. زیّن

له سوء عمله ... مثل الجنّه الّتی وعد ا

در صورتی که <مثل> به معنای توصیف باشد، از ارتباط این آیه با آیات پیشین مطلب بالا استفاده می شود.

توقع بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۰ – ۶

۶ – انتظار بهشتی بودن با داشتن عملی چون دوزخیان ، پنداری ناروا است .

و لاتکونوا کالذین نسوا اللّه . .. لایستوی أصحب النار و أصحب الجنّه

بـا توجه به این که مخـاطب <لاـتکونوا> در آیه قبل، مؤمنان می باشـند. روی سـخن این آیه با مؤمنان است که نپندارنـد، در صورت همگون بودن با غافلان از خدا و دوزخیان، می توانند در زمره بهشتیان باشند.

جابجایی در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۸ – ۲،۵

۲– بهشتیان ، از جایگاه خود ، رضایت کامل داشته و هیچ تمایلی به جابه جایی از آن و یا تغییری در وضع موجود ندارند .

لایبغون عنها حولاً

<بغی> بـه معنـای <طلـب> است. <بغی عنه> حـاوی تضـمین است; یعنی، از چیزی اعراض کرد و چیز دیگر به جـای آن طلبیـد. <حول> مصـدر و به معنـای <تحوّل> (جـابه جـایی) است. بنابراین، <لایبغون عنها حولاً> یعنی: <بهشتیان، طالب هیچ دگرگونی و تحوّلی در وضع خود نیستند.>.

۵– < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله < . . .لایبغون عنها حولاً > قال : < لایریدون بها بدلاً > ;

از امام صادق(ع) درباره این سـخن خـدا <. .. لایبغون عنها حولاً> روایت شـده که فرمود: (ساکنان فردوس) مکان دیگری را بدل از فردوس، درخواست نمی کنند>.

جام شراب بهشتی

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۵ - ۱

۱ - گردش ظرف هایی از شراب ناب ، گرداگرد بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس

<کأس> به معنای ظرفی است که در آن شراب باشد. گفتنی است گاهی این واژه استعمال می شود، ولی مقصود از آن خود شراب است; نه ظرفی که در آن شراب باشد.

جامهای بلورین بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - گردش پیوسته جام های نقره ای و کوزه ها و قدح های بلورین ، جهت پذیرایی از ابرار در بهشت

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرَا

<اناء> (مفرد <ءانیه>) به معنای ظرف است و <کوب> (مفرد <أکواب>) در معنای کوزه بی دسته و قدح بی دسته استعمال می شود. <قاروره> (مفرد <قواریر>) نیز به معنای ظرف شیشه ای و بلورین است.

۲ - جام های سیمین و کوزه ها و قدح های بلورین ، از ظرف های بهشتی برای پذیرایی بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۱

۱ - ابرار در بهشت ، از کوزه ها و قدح های بلورینی استفاده می کنند که از جنس نقره است .

قواریرَا من فضّه

جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۸ – ۲،۳

۲ – جوانکان خدمت گذار ، باده گردانان مجالس انس پیشتازان (سابقون) در بهشت

یطوف علیهم ولدن . .. بأکواب

و أباريق و كأس من معين

۳ - جام ، آبریز و پیاله ، ظروف باده بهشت

بأكواب و أباريق و كأس

<کوب> (مفرد <أکواب>) به ظرفی که نه خرطوم دارد و نه دسته گفته می شود. بهترین معادل فارسی آن ظاهراً جام است. <أبريق> (مفرد <أباريق> و به معنای آبریز) ظرفی است که هم دسته و هم خرطوم دارد و <کأس> پیاله ای است که از شراب پر شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۵ - ۳

۳ - در آخرت ، ساقی شراب ، در خدمت نیکوکاران و عهده دار باده نوشاندن به آنان خواهد بود .

يسقون

فعل مجهول <يُسْقَون> بیانگر این است که در آخرت فرد یا افرادی، باده ریز و شرابدار محفل می گساری نیکوکاران خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - بهشت ، دارای جام های آماده برای پذیرایی از بهشتیان

و أكواب موضوعه

<کوب> (مفرد <اکواب>)؛ یعنی، تنگ آب که سر آن حلقه مانند است و دستگیره ندارد. برخی آن را پیاله بی دسته می دانند. (مصباح)

۲ - نوشیدن از چشمه بهشت با پیاله های آماده ، در حال آرمیدن بر تختخواب خویش ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فيها عين جاريه . فيها سرر مرفوعه . و أكواب موضوعه

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۵ – ۲

۲ – بزم عیش و نوش بهشتیان ، همواره مزیّن به پیاله ها ، تخت ها و

بالش های آماده است .

و نمارق مصفوفه

مراد از <ردیف بودن> بالش ها، فراهم بودن آنها در نقطه ای است که بهشتیان برای استراحت خود، لازم داشته باشند.

جامهای شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۴ - ۱،۳

۱ - تقواپیشگان در بهشت ، با جام لبریز از شراب پذیرایی خواهند شد .

و کاسًا دهاقًا

<کـأس> بـه جـامی گفتـه می شـود کـه در آن <خمر> باشــد. گـاهی بر خـود <خمر> نیز <کـأس> اطلاـق می شـود. <دهـاق> که در دو معنای متضاد (با فشار پر کردن ظرف و یا خالی کردن آن) کاربرد دارد، در این آیه به معنای پرکردن به صورت فشـرده و متراکم است (لسـان العرب). این کلمه گرچه مصـدر است; ولی چون وصف <کأسـاً> می باشـد، به معنای اسم مفعول آن (لبالب و پر شده) است.

۳ - جام هایی پیاپی از شراب ناب ، وسیله پذیرایی از تقواپیشگان در بهشت

و کأسًا دهاقًا

برخی گفته اند: <دهاقاً>; از ریشه <دهق> (گره زدن پیاپی) به معنای رساندن پیاپی به نوشـندگان است. برخی دیگر آن را به معنای خالص و صاف دانسته اند. (لسان العرب)

جامهای طلایی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱،۲

۱ - پذیرایی خادمان بهشتی از پرهیزگاران ، با نوشیدنی هایی در جام های زرین

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

<صِحاف> (از ماده <صحف>) به معنای گستردن و در این جا به معنای ظرف های بزرگ و وسیع است. <أکواب> نیز به معنای ظرف های آب است که دسته ندارند (منظور همان <جام> یا <قدح>

است). گفتنی است که در آیه شریفه حذفی صورت گرفته است; بدین صورت: <یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب من ذهب...>.

۲ – ظرف ها و جام های بهشتیان ، از جنس طلا است .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

جامهای نقره ای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۵ – ۱،۲

۱ – گردش پیوسته جام های نقره ای و کوزه ها و قدح های بلورین ، جهت پذیرایی از ابرار در بهشت

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرَا

<اناء> (مفرد <ءانیه>) به معنای ظرف است و <کوب> (مفرد <أکواب>) در معنای کوزه بی دسته و قدح بی دسته استعمال می شود. <قاروره> (مفرد <قواریر>) نیز به معنای ظرف شیشه ای و بلورین است.

۲ – جام های سیمین و کوزه ها و قدح های بلورین ، از ظرف های بهشتی برای پذیرایی بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرَا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۶ – ۱

۱ – ابرار در بهشت ، از کوزه ها و قدح های بلورینی استفاده می کنند که از جنس نقره است .

قواریرَا من فضّه

جاودانان بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸ – ۳

۳ – بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین و نیز به پدران ، همسران و فرزندان ایشان

جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است

که <مَن> در <و من صلح . ..> عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم...> باشد; یعنی، همان گونه که به مؤمنان وعده بهشت داده شده، این وعده به پدران، همسران و فرزندان صالح نیز داده شده است.

جاودانان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۱

۱ بهشت ، جایگاه ابدی مؤمنان نیک کردار

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. فی جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۷

۷ نیکوکاران ، در بهشت جاودانه خواهند ماند .

للذین أحسنوا . .. أولئک أصحب الجنه هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۱،۷

۱- مؤمنان دارای عمل صالح قطعاً وارد بهشت می شوند و در آن جاودانه خواهند بود .

و أُدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . .. خلدین فیها

۷- مؤمنان دارای عمل صالح ، مورد عنایت پروردگار خویش بوده و ورود و جاودان ماندنشان در بهشت برخاسته از ربوبیت اوست .

أُدخل الذین ءامنوا . .. جنّت ... خلدین فیها بإذن ربّهم

اضافه شدن <ربّ> به ضمیر <هم>، که مرجع آن <الذین آمنوا> است، مشعر به معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۸ - ۲

۲- متقین ، از بهشت اخراج نمی شوند و در آن جاوید خواهند ماند .

و ما هم منها بمخرجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۱،۷

۱-

جایگاه تقواپیشگان در آخرت ، بهشت جاودانه است .

و لنعم دار المتّقین. جنّت عدن

<عدن> در لغت به معنای استقرار و ثبات است و این معنا دلالت بر جاودانگی می کند.

۷- ورود به بهشت جاودان و رسیدن به تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقواپیشگان است .

دار المتّقین . جنّت عدن ... لهم فیها ما یشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳ - ۱

۱- مؤمنانِ نیک کردار ، در بهشت و نعمت های آن جاودانه اند .

أنّ لهم أجرًا حسنًا . مکثین فیه أبدًا

مرجع ضمیر <فیه> واژه <أجر> است و مراد از <أجر> به قرینه <ماکثین> (ماندگاران)، بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۸ - ۱

۱- مؤمنان نیک کردار ، در باغ های بهشت برین ، جاودانه اند .

جنّت الفردوس نزلاً . خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۳

۳ بهشت ، جاودانه است و متقین در آن جاویدان اند .

أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

جاودانگی تقواپیشگان، از وعده ای که خداوند به آنان برای دخول در بهشت جاوید داده است، قابل استفاده می باشد و در واقع این سخن، کنایه از جاوید بودن خود متقین در بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۱،۵

۱ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش بندگان خالص خدا

و عبادالرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه ... خلدین فیها

حسنت مستقرًّا و مقامًا

<مستقرّاً> تمیز برای ضمیر در <حسنت> و به معنای محل استقرار است و <مقام> اسم مکان و به معنای اقامت گاه می باشد.

۵ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش صابران است .

یجزون الغرفه بما صبروا . .. خلدین فیها حسنت مستقرًّا و مقامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۶

۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، در بهشت ، جاودانه خواهند بود .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه. ..خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۱،۴

۱ - جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. جنّت النعیم خلدین فیها

۴ - وعده ورود مؤمنان دارای عمل صالح به بهشت و خلود در آن ، وعده ای تخلف ناپذیر است .

لهم جنّت النعیم خلدین فیها وعد اللّه حقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۲،۳

۲ - بهشت پاینده ، فرجام تمامی مسلمین (تفریط کننده ، میانه رو و پیشتاز)

جنّت عدن یدخلونها

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که فاعل <یدخلون> سه دسته یاد شده در آیه پیش باشد; یعنی، تمامی مسلمانان که امت برگزیده خدایند سرانجام وارد بهشت خواهند شد; هرچند برخی از آنان در اثر بعضی از گناهان، بر خود ستم کرده

باشند، ولی در نهایت بر اثر شفاعت و عفو عمومی خداوند از بهشت بهره مند

خواهنـد شـد. گفتنی است آیه بعـد که سـخن از غفران الهی است و دو آیه بعد که از کافران سـخن گفته و در مقابل <الذین اصطفینا> قرار داده شده است تأکید کننده همین مطلب است.

۳ - پیشگامان در انجام کار های خیر و وارثان قرآن کریم ، بهره مند از بهشت پاینده

جنّت عدن یدخلونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱۴

۱۴ - تقواپیشگان ، در بهشت ، جاودانه خواهند ماند .

فادخلوها خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - مؤمنان متقی ، در بهشت جاویدان اند .

و أنتم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۶ - ۱

۱- تقواپیشگان ، دارای حیاتی جاودان در بهشت برین

لایذوقون فیها الموت إلاّ الموته الأُولی

عبارت <الموته الاُولی>، نـاظر به مرگ دنیوی است و اسـتثنا <إلاّـ الموته الاُولی> تأکیـدی بر جاودانگی تقواپیشـگان در آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۴ - ۱

۱- یکتاپرستانِ پایدار بر طریق ایمان ، برخوردار از زندگی جاودان در بهشت

إنّ الذين قالوا . .. أَولئك أصحب الجنّه خلدين فيها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۵ – ۷

۷ – زنان و مردان مؤمن ، برخوردار از حيات جاودان و پرنشاط در باغ هاى بهشت

ليدخل المؤمنين و المؤمنت جنّت تجرى من تحتها الأنهر خلدين فيها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ –

مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۱

۲۱ - مؤمنان راستین ، در بوستان های بهشت جاودان خواهند ماند .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۳

۳ - آمرزش گناه و حیات جاودان در بوستان های بهشت ، تضمین شده از سوی خداوند ، برای مؤمنان راستین و مجاهدان راه او

تؤمنون باللّه . .. یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّت... و مسکن طیّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۱

۱۱ - مؤمنانِ دارای عمل صالح ، در بهشت جاودانه اند .

و من یؤمن باللّه و یعمل صلحًا . .. یدخله جنّت... خلدین فیها أبدًا

جاودانان در بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۵

۵ - خلود در بهشت عدن ، تبلور درجات عالی مؤمنان دارای عمل صالح در آخرت

لهم الدرجت العلی . جنّت عدن ... خلدین

<جنّات عدن> بدل برای <الدرجات العلی> است; یعنی، آن درجات بلند، همان باغ های بهشت عدن است.

جاودانگی باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۰ – ۱

۱ – باغ های جاویدان بهشت ، فرجام تقواپیشگان

و إنّ للمتّقین لحسن مئاب . جنّت عدن

<جنّات> (جمع <جنّه>) به معنای باغ ها و <عدن> به معنای خلود و استقرار است و جمله <جنّات عدن> عطف بیان برای <لحسن مئاب> می باشد.

جاودانگی بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۵ – ۱۴

۱۴ – بهشت جایگاهی

است زوال ناپذیر و بهشتیان در آن جاودان خواهند بود .

و هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۲ - ۳

۳ - بهشت جایگاهی است ابدی و همیشگی .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۴،۸

۴ بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی ، پاداش تضمین شده از جانب خداوند ، برای تقواپیشگان

للّذین اتقوا . .. جنات ... خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من اللّه

۸ پرهیز از شیفتگی به تمایلات نفسانی ، عامل دستیابی به بهشت جاودان و رضوان الهی

للّذین اتقوا عند ربّهم

به قرینه آیه قبل می توان مفعول <اتّقوا> را موارد ذکر شده در آن آیه دانست. موارد یاد شده عبارت است از حب و شیفتگی به شهوات و ... . گفتنی است معنای لغوی <اتقوا>، پرهیز و دوری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۱،۲،۷،۸،۹،۱۰

۱ آمرزش الهی و جاودانگی در بهشت ، پاداش تقواپیشگان

اعدّت للمتّقین . .. اولئك جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات ... خالدین فیها

<اولئك>، اشاره به تقواپیشگان است; یعنی آنان که به ویژگیهای یاد شده، ستوده شدند.

۲ آنان که پشیمان از کرده های ناشایست و ستم بر خویش هستند و اصراری بر گناهان ندارند ، بهره مند از آمرزش الهی و بهشت جاودانه خواهند بود .

و الّذین اذا فعلوا . .. اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات ... خالدین فیها

۷ ورود بندگان به بهشتی جاودانه ،

در گرو آمرزش گناه آنان

اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات تجری . .. خالدين فيها

تقـدّم ذكرى مغفرت و آمرزش بر بهشت (جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات)، حكايت از تقـدّم واقعى و خارجى آن بر بهشـت دارد; يعنى نخست بايد آمرزش صورت گيرد، آنگاه اجازه ورود به بهشت داده شود.

۸ آمرزش الهى و بهشت جاودان ، پاداش انفاق در توانگرى و تنگدستى و فرو خوردن خشم و گذشت از خطاى ديگران

الّذين ينفقون فى السّرّاء و الضّرّاء . .. اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات

۹ آمرزش الهى و بهشت جاودان ، پاداش احسان و نيكوكارى

و اللّه يحب المحسنين . .. اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم

۱۰ بهشت ها ، جايگاهى جاودانه و داراى نهرهايى جارى

و جنّات تجرى من تحتها الانهار خالدين فيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱،۷،۱۱

۱ بى ارزشى بهره ها و قدرت محدود كافران در دنيا ، نسبت به نعمت جاودانه بهشت

متاع قليل ثمّ ماويهم جهنّم . .. لكن الّذين اتّقوا ربّهم لهم جنّات ... خالدين فيه

۷ توجّه به بهشت جاودانه ، موجب گرايش به تقوا و فريفته نشدن در برابر بهره هاى اندک دنيا

متاع قليل . .. لكن الّذين اتّقوا ربّهم لهم جنّات ... خالدين فيها

۱۱ بهشت جاودان با نهر هاى روان ، مهيّا براى پذيرايى از پرهيزكاران

لهم جنّات تجرى من تحتها الانهار . .. نزلا من عند اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۱۳ - ۶،۸

۶ تعدّد و جاودانگی بهشت

یدخله جنّات . ..

خالدین فیها

لازمه خلود بهشتیان در بهشت، جاودانگی خود بهشت است.

۸ دخول در بهشت جاودان ، رستگاری بزرگ است .

یدخله جنّات . .. و ذلک الفوز العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۱۵

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱،۲،۵،۸،۹

۱ ایمان مسیحیان به خدا و اعترافشان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) موجب برخورداری آنان از بهشت جاودان

فاثبهم اللّه بما قالوا جنت

۲ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن عامل ورود به بهشت جاویدان

فاثبهم اللّه بما قالوا جنت

۵ بهشت ، جاودانه و دارای درختانی انبوه و نهرهایی روان

جنت تجری من تحتها الانهر خلدین فیها

۸ صالحان بهره مند از بهشت جاویدان

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین. فاثبهم اللّه بما قالوا جنت

۹ بهشت جاودانه ، پاداش محسنان

جنت تجری من تحتها الانهر خلدین فیها و ذلک جزاء المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲۰ - ۷

۷ مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت . .. و ما فیهن و هو علی کل شیء قدیر

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف

- ۷ - ۴۲ - ۱،۶

۱ بهشت جاودان ، جایگاه کسانی که به آیات الهی ایمان آورند و اعمال نیک انجام دهند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. اولئک اصحب الجنه هم فیها خلدون

متعلق <ءامنوا> به دلیل آیه ۴۰، آیات الهی است.

۶ بهشت جایگاه ابدی و بهشتیان در آن جاویدان هستند .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ رهیابی به بهشت جاودان ، جز در پرتو هدایت الهی میسر نیست .

و ما کنا لنهتدی لو لا أن هدینا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت . .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون اللّه و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۷

۷ بهشت ، جایگاهی همیشگی و زوال ناپذیر

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۸ – ۱۰

۱۰ بهشت و موهبت های آن ، از میان نخواهد رفت و از بهشتیان باز پس گرفته نخواهد شد .

عطاءً غیر مجذوذ

<عطاء> حال برای <الجنه> است و <مجذوذ> به معنای مقطوع می باشد. بنابراین <عطاءً غیر مجذوذ>; یعنی

، [وارد بهشت می شوند]در حالی که آن بهشت ، عطایی تمام نشدنی و مداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۴

۴- بهشت ، سرایی جاودان و دل خواه و نعمت های آن ارضا کننده تمامی امیال و خواسته های آدمی است .

و هم فی مااشتهت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۳،۴،۵

۳ بهشت ، جاودانه است و متقین در آن جاویدان اند .

أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

جاودانگی تقواپیشگان، از وعده ای که خداوند به آنان برای دخول در بهشت جاوید داده است، قابل استفاده می باشد و در واقع این سخن، کنایه از جاوید بودن خود متقین در بهشت است.

۴ زندگی در بهشت جاویدان ، وعده خداوند به تقواپیشگان

جنّه الخلد التی وعد المتّقون

۵ بهشت جاودان ، پاداش و سر انجام تقواپیشگان

جنّه الخلد التی وعد المتّقون کانت لهم جزاء و مصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۳

۳ بهشت ، سرایی جاودانه است و بهشتیان در آن جاویدان اند .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۷،۱۰

۷ - بهشت ، جاودانه و ابدی است .

من الجنّه . .. خلدین فیها

۱۰ - بهشت جاودان ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، پاداشی نیکو است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه . .. خلدین فیها نعم أجر ال

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۹ – ۲

۲ – بهشت ، مکانی جاودان است .

جنّت النعیم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۵ – ۲

۲ – بهشت ، سرای همیشگی

دارالمقامه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۸ – ۵

۵ – بهشت و جریان نهر های آن ، جاودانه است .

جنّت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبدًا

جاودانگی چشمه های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۲ – ۱

۱ – بهشت برین ، دارای چشمه ای با عظمت و همیشه جاری

فیها عین جاریه

<عین> نکره است و دلالت بر آن دارد که عظمت چشمه بهشت، فراتر از آن است که بتوان شناخت. توصیف آن با کلمه <جاریه> یا <تجری>، دلالت دارد که جریان آن، مداوم است.

جاودانگی خوردنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۶

۶ میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُكلها دائم و ظلّها

<ظلّها> مبتداست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ حیات جاودانه متقین در بهشت

للّذین اتّقوا عند ربّهم جنّات . .. خالدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱۲

۱۲ بهشت و بشارت خلود در آن ،

تنها بخشی از ضیافت الهی برای تقواپیشگان است .

نزلا من عند اللّه

کلمه <نزل>، به چیزهایی گفته می شود که در آغاز ورود میهمان برای پذیرایی از وی فراهم می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۳ - ۲

۲ اطاعت از خدا و رسولش ، عامل دخول و جاودانگی در بهشت

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّات . .. خالدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۷

۷ جاودانگی مؤمنانِ دارای اعمال صالح در بهشت

و الذین امنوا . .. خالدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۵

۵ مؤمنان دارای اعمال صالح ، در بهشت ، جاودان و پاینده اند .

و الذین ءامنوا . .. سندخلهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها ابداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۱،۲

۱ باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیّا شده از جانب خدا برای پیامبر (ص) و مؤمنان مجاهد

أعد اللّه لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

۲ بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد اللّه لهم جنت تجرى من تحتها الأنهر خلدين فيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدين فيها أبداً

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۳ – ۸

۸ بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

أُولئک أصحب الجنه هم فیها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۸ – ۲،۶،۸

۲ بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

و أما الذین سعدوا ففی الجنه خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

۶ خلود بهشتیان در بهشت ، بسته به مشیّت خداوند است .

و أما الذین سعدوا ففی الجنه خلدین . .. إلاّ ما شاء ربک

۸ وعده خداوند بر مخلّد ساختن بهشتیان در بهشت ، مشیّت او را محدود نخواهد ساخت و مانع او در موقت قرار دادن آن نخواهد شد .

خلدین فیها . .. إلاّ ما شاء ربک عطاءً غیر مجذوذ

<عطاءً غیر مجذوذ> حاکی از دوام بهشت و نعمتهای آن و تأکیدی بر <خالدین فیها> است. استثنای <ما شاء ربک> در ضمن بیان خلود و دوام نعمتهای بهشت گویای این نکته است که وعده های خداوند، موجب آن نمی شود که مشیت او مقیّد شود و وی را از این که برخلاف آن عمل کند، ناتوان سازد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۸ – ۳

۳– خلود در بهشت ، هیچ ملالت و خستگی برای اهل بهشت فراهم نمی آورد .

خلدین فیها لایبغون عنها حولاً

جمله <لایبغون> مانند <خالدین> حال است برای <هم> در آیه قبل; یعنی، آنان، در عین خلود در بهشت، چیزی غیر آن

نمی طلبند، گرچه، نوعاً، ماندن در یک مکان، قدری ملالت همراه دارد، ولی بهشت، به گونه ای است

که چنین ملالتی در پی ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۹ – ۱۴

۱۴– < عن رسول اللّه (ص) : إذا دخـل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار . . . یقال : یا أهل الجنّه خلود فلاموت و یا أهل النار خلود فلاـموت ثمّ قرأ رسول اللّه (ص) : < و أنـذرهم یوم الحسـره إذ قضـی الأـمر و هم فی غفله > و أشار بیـده و قال : أهل الدنیا فی غفله ;

از رسول خـدا(ص) روایت شـده: آن گاه که بهشتیان به بهشت و جهنمیان به جهنم درآینـد . .. گفته می شود: ای اهل بهشت! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست و ای اهل آتش! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست، سپس رسول خدا(ص) این آیه را خواند <و أنذرهم یوم الحسـره إذ قضی الأمر و هم فی غفله> (آن گاه حضرت) با دست خود اشاره کرد و فرمود: اهل دنیا در غفلت اند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۱ – ۲

۲– بهشت ، جایگاه ماندن و استقرار و سرشار از امنیت و آسایش

جنّت عدن

برخی <عدن> را مصدر و به معنای اقامت کردن می دانند و برخی دیگر آن را علَم برای زمین بهشت دانسـته و گفته اند: این نام بدان جهت بر بهشت نهاده شده که جایگاه اقامت و استقرار است (کشاف، ج ۳). در هر صورت این کلمه بر این که بهشت محل استقرار است، دلالت دارد. لازم به ذکر است محل استقرار در مقام

تمجید به جایی گفته می شود که همه شرایط اقامت را دارا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۶ – ۲

۲ متقین ، در بهشت موعود خویش همواره جاودان خواهند بود .

لهم فیها ما یشاءون خلدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۹ – ۱۲

۱۲ – بشارت به عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار ، مبنی بر تجارتی از بین نرفتنی (بهشت برین) از ناحیه خداوند

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه و أقاموا الصل

<بوار> (ریشه <لن تبور>) به معنای شدت کسادی است و از آن جا که کسادی شدید موجب فساد و نابودی می شود، این واژه در معنای <هلاک> به کار می رود (برگرفته از مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۵ – ۱

۱ – سپاس گزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر وارد

کردن آنان به سرای همیشگی

الحمد للّه . .. الذی أحلّنا دار المقامه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۹ – ۴

۴ – < عن أبی جعفر (ع) قـال : إذا دخل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار . . . یقال : خلود فلا موت أبـداً . فیقول أهل الجنّه : < أفما نحن بمیّتین . إلاّ موتتنا الأُولی . . . > ;

از امام باقر(ع) روایت شـده که فرمود: هنگامی که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند. .. گفته می شود: این جا جاودانگی است و هرگز مرگی نیست پس اهل بهشت می گویند: <أفما نحن بمیّتین...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۰ – ۱

۱ – رهایی از عذاب الهی و دستیابی به حیات جاودانه بهشتی ، فوز عظیم و رستگاری بزرگ برای انسان ها است .

فی جنّت النعیم . .. و ما نحن بمعذّبین . إنّ هذا لهو الفوز العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۴ – ۲

۲ – بهشت جاودانه ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۴ – ۴،۵

۴– بهشت جاودان ، پاداش اعمال نیک و مستمر موحدان

أُولئک أصحب الجنّه . .. جزاء بما کانوا یعملون

۵– آمیخته ساختن ایمان با عمل صالح ، شرط بهرهوری مؤمنان از بهشت جاودان

إنّ الذين قالوا ربّنا اللّه . .. أَولئک أصحب الجنّه ... جزاء بما كانوا يعملون

در آيه قبل،

دو عنصر ایمان و استقامت، زمینه ورود به بهشت جاودان معرفی شده است و در این آیه عمل، به عنوان اساس و ملاک ره یافتن به بهشت جاودان مطرح گشته است. از این نکته می توان استفاده کرد که تجلی عقیده در عمل، برای یکتاپرستان کارساز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۶

۶ - جاودانگی در بهشت و لذت های آن ، مهم ترین نوید به بهشتیان ، در آغاز ورود

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، جایگاه ابدی مؤمنان

جنّت . .. خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱،۶

۱ - استقرار در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکوکردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. جزاؤهم عند ربّهم جنّت عدن تجری من تحتها الأن

۶ - وجود تمامی امکانات ، برای اقامت دائمی انسان در بهشت

جنّت عدن . .. خلدین فیها أبدًا

<عدن>، معرفه است; خواه علم برای مصدر <العدن> (اقامت گزیدن) باشد و خواه علم برای زمین بهشت. در صورت دوم نیز، تناسب معنای لغوی آن مورد نظر بوده است; یعنی، بهشت دارای تمام امکاناتی است که لازمه اقامت دائمی انسان در آن است.

جاودانگی در بهشت آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۰ – ۹

۹ – آدم (ع) به سکونت جاودانه خویش در بهشت اطمینان

نداشت .

إنّ لک ألّاتجوع . .. هل أدّلک علی شجره الخلد

خداونـد، تأمین بودن آدم(ع) از نظر غـذا، پوشاک، آب، و مسـکن را به او خبر داد; ولی گویا آدم در عین تضـمین این نعمت ها، نسبت به جاوید بودن خود در آن بهشت اطمینان نداشت. از همین رو وسوسه شیطان در او اثر کرد.

جاودانگی در بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۴

۴ - بهشتیان در بهشت های عدن ، جاودانه و مخلداند .

جنّت عدن . .. خلدین فیها

جاودانگی سایه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۰ - ۱

۱ - بهشت اصحاب الیمین ، دارای سایه ای پایدار و زایل نشدنی

و ظلّ ممدود

<ممدود>; یعنی، کشیده شده. مفسران عبارت <ظلّ ممدود> را به سایه دائم و همیشگی تفسیر کرده اند.

جاودانگی لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۶

۶ - جاودانگی در بهشت و لذت های آن ، مهم ترین نوید به بهشتیان ، در آغاز ورود

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

جاودانگی متقین در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۵ – ۷

۷ – تجلی فرمانروایی و اقتدار یگانه خداوند برای متقین ، در جایگاه جاودانه بهشت

فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر

جاودانگی مؤمنان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های

روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد اللّه المؤمنین . .. تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدین فیها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۱

۱ بهشت ، جایگاه ابدی مؤمنان نیک کردار

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. فی جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۷

۷ - زنان و مردان مؤمن ، برخوردار از حیات جاودان و پرنشاط در باغ های بهشت

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جاودانگی میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۶

۶ میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُکلها دائم و ظلّها

<ظلّها> مبتداست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

جاودانگی نعمتهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۱ – ۸

۸ نعمتِ سرشارِ باغ ها و بوستان های بهشت ، جاودان و زوال ناپذیر است .

جنت لهم فیها نعیم مقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۰ – ۱۶

۱۶ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدین فیها أبداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸

- هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۱۰

۱۰ بهشت و موهبت های آن ، از میان نخواهد رفت و از بهشتیان باز پس گرفته نخواهد شد .

عطاءً غیر مجذوذ

<عطاء> حال برای <الجنه> است و <مجذوذ> به معنای مقطوع می باشد. بنابراین <عطاءً غیر مجذوذ>; یعنی ، [وارد بهشت می شوند]در حالی که آن بهشت ، عطایی تمام نشدنی و مداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۶

۶ میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُکلها دائم و ظلّها

<ظلّها> مبتداست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۴ - ۲

۲ - نعمت های بهشت ، جاویدان و پایان ناپذیر است .

ما له من نفاد

<نفاد>، به معنای زوال و انقطاع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱۵

۱۵ - نعمت های بهشتی ، تمام ناشدنی و پایان ناپذیر

و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین و أنتم فیها خلدون

از جاودانگی تقواپیشگان در بهشت (أنتم فیها خالدون) و فراهم بودن تمامی خواسته ها و لذت های آنان (و فیها ما تشتهیه الأنفس)، استفاده می شود که نعمت های پایان ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۲ - ۱

۱ - بهشت با نعمت های فراوان و پایان ناپذیر آن ، پاداش عملکرد پرهیزگاران

و تلك الجنّه الّتی أُورثتموها بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۵ - ۳

۳ - لذت ها و نعمت های بهشتی ، پایدار و جاودان است ; نه چون نعمت های دنیا زوال پذیر .

فی جنّت و نهر . فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر

در صورتی که عبارت <فی مقعد صدق>، در بیان اوصاف همان استقرار در باغ ها و نهرها باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - دستیابی به غفران الهی و نعمت های جاودان بهشت ، رستگاری بزرگی است .

یغفر لکم ذنوبکم . .. ذلک الفوز العظیم

جاودانگی نهرهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۵

۵ - بهشت و جریان نهر های آن ، جاودانه است .

جنّت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبدًا

جاودانگی هوای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۶

۶ میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُکلها دائم و ظلّها

<ظلّها> مبتداست و خبر آن (دائم) در تقدير است.

جايگاه بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۵

۵ بهشت نخستين آدم و حوا، مكانى غير از زمين و بالاتر و برتر از آن بود.

و يأدم اسكن أنت و زوجك الجنه . .. قال اهبطوا

جمله <و لكم فى الأرض مستقر> دلالت مى كند كه بهشتى كه آدم و حوا در آن

سکونت داشتند در زمین نبوده است و کلمه <اهبطوا> حکایت از آن دارد که آن مکان برتر و بالاتر از زمین بوده است.

جذابیت همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۳،۴،۵

۳ - بندگان مخلَص خدا در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <طرف> می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد; یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

۴ - زنان بهشتی ، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

و عندهم قصرت الطرف

۵ - زنان بهشتی ، برخوردار از چشمانی درشت و جذاب

قصرت الطرف عین

<عیناء> (مفرد <عِین>) به معنای چشم درشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۳

۳ - تقواپیشگان در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <طرف> مربوط به غیر زنان بهشتی باشد; یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را، به خود مشغول می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۴

۴- همسران بهشتی تقواپیشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء>); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملًا نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>); یعنی، زنان فراخ چشم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵

- ۵۶ - ۴

۴ - بهشتیان و خداترسان ، مجذوب همسران بهشتی خود

فیهنّ قصرت الطرف

مقصود از <طرف> می توانـد نگاه همسـران زنان بهشتی باشـد; یعنی، زنان بهشتی چنان جـذاب انـد که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

جریان نهرهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۶

۶ بهشت دارای نهرهایی متعدد ، لبریز و همواره جاری

تجری من تحتهم الأنهر

اِسناد جریان به خود نهرها، همانند <جری المیزاب>، حکایت از پر بودن و لبریز بودن نهرهای بهشتی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱۵

۱۵ - بهشت ، دارای بوستان های متعدد با نهر های جاری در زیر آنها

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنّه> (مفرد <جنّات>) به معنای بوستان است و جمع آن، نشان دهنده تعدد آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۶

۶ - بوستان های بهشت ، دارای نهرهایی فراوان که از زیر آن بیرون زده و جریان می یابد .

لهم جنّت تجری من تحتها الأنهر

حرف <من> برای ابتـدای غایت است و دلالت دارد که آب نهرها، از منابع زیر زمینی بوسـتان ها تأمین می شود. این احتمال نیز وجود دارد که با تقدیر گرفتن کلمه <اشجار>، مراد از <من تحتها>، <من تحت اشجارها> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۴،۵

۴ - جاری بودن نهر های فراوان ، از زیر درختان بهشت

عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

أبدًا

دربـاره مفاد <تجری من تحتها الأنهار>، سه تصور وجود دارد; ۱. با تقدیر کلمه <أشجار>، مراد جریان آب از زیر درختان و کنـار سـاقه های آن است; ۲. مراد جریـان آب، زیر کـاخ هـا و تخت هـای بهشتیان است; ۳. مراد بیـان آب خیز بـودن زمین بهشت است; به گونه ای که آب نهرها، از زیر زمین بهشت سرچشمه می گیرد.

۵ - بهشت و جریان نهر های آن ، جاودانه است .

جنّت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبدًا

جنه المأوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) قـال : . . .و أمّـا قوله < و من دونهمـا جنّتـان > یقول من دونهمـا فی الفضـل و لیس من دونهما فی القرب و هما لأصحاب الیمین و هی جنّه النعیم و جنّه المأوی . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شـده: . ..اما این قول خداونـد <و من دونهما جنّتان> می فرماید: پایین تر از آن دو در فضـیلت نه پایین تر در نزدیکی (مکـانی) و آن دو بهشـت برای اصـحاب الیمیـن است و آن [معروف] به <جنّه النعیم> و <جنّه المـأوی> می باشد>.

جنه النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) قـال : . . .و أمّـا قوله < و من دونهمـا جنّتـان > یقول من دونهمـا فی الفضـل و لیس من دونهما فی القرب و هما لأصحاب الیمین و هی جنّه النعیم و جنّه المأوی

. . . ;

از امام باقر(ع) روایت شـده: . ..اما این قول خداونـد <و من دونهما جنّتان> می فرماید: پایین تر از آن دو در فضـیلت نه پایین تر در نزدیکی (مکـانی) و آن دو بهشـت برای اصـحاب الیمیـن است و آن [معروف] به <جنّه النعیم> و <جنّه المـأوی> می باشد>.

جنس جامهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۲

۲ – ظرف ها و جام های بهشتیان ، از جنس طلا است .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

جنس فرشهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۴ – ۴

۴ – < عن رسول اللّه (ص) < . . .فیها فرش مرفوعه > بعضها فوق بعض من الحریر و الدیباج بألوان مختلفه . . . و ذلک قول اللّه عزّوجلّ < و فرش مرفوعه > . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است: در غرفه های بهشت فرش هایی است که بعضی از آنها بر روی بعض دیگر گسترده شده و از جنس حریر و دیبا با رنگ های مختلف است. .. و این گفتار خداوند است که می فرماید: و فرش مرفوعه>... .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۶ – ۱

۱ – بهشت برین ، تزیین یافته با فرش های مخمل باف و گران قدر که همواره گسترده است .

و زرابیّ مبثوثه

<زرابیّ> جمع <زُرْب> (بر وزن قُفْل) یا <زربیّه> (به فتح، ضم یا کسر حرف اول) است و به فرش هایی

گفته می شود که دارای، پرزهـای لطیف باشـد (نهـایه ابن اثیر). اصل معنای آن، لباس هایی با خطوط زیبا است که به یکی از منـاطق انتسـاب دارد (مفردات راغـب) برخی از مفسـران، <زربیّ ه> را تخفیـف یـافته <آذربیّه> می داننـد که در انتسـاب به آذربایجان گفته می شود. (التحریروالتنویر)

جوانی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۷ - ۲

۲ - جوانان خدمت گذار بهشتی ، همواره جوان بوده و هرگز گرد پیری بر رخسار آنان نمی نشیند .

یطوف علیهم ولدن مخلّدون

جواهرات تختهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - محل سکونت پیشتازان راه خدا در بهشت ، آراسته به تخت های جواهرنشان

علی سرر موضونه

یکی از معانی <موضونه>، بافته شده به همراه جواهر است.

۳ - < عن جـابر عن أبی جعفر (ع) قـال : إنّ أسـرّتها من درّ و یـاقوت و ذلک قول اللّه < علی سـرر موضونه > یعنی اوساط السرر من قضبان الدرّ و الیاقوت ;

جابر از امام باقر(ع) روایت نموده که تخت های بهشتیان مقرّب، از درّ و یاقوت است و این سـخن خداوند است که می فرماید: <علی سرر موضونه>; یعنی، بر تخت های بافته شده که در میانه آن تخت ها، شاخه های درّ و یاقوت هست>.

جوشش چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۶ - ۱

۱ - وجود چشمه های همیشه جوشان در باغ های بهشت

فیهما عینان نضّاختان

<نضّاختان> وصف برای <عینان> است; یعنی، دو چشمه

ای که دارای جوشش و فوران است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۷ – ۲

۲ – وجود چشمه های جوشان در باغ های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما عینان نضّاختان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جهنمیان و نعمتهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۰ – ۶،۷

۶ خداوند آب و دیگر مواهب بهشت را بر دوزخیان تحریم کرده است .

إن اللّه حرمهما علی الکفرین

۷ تحریم روزی های بهشت بر اهل دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

أن أفیضوا علینا . .. قالوا إن اللّه حرمهما علی الکفرین

چشمه بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۴ – ۲

۲ – نوشیدن از چشمه بهشت با پیاله های آماده ، در حال آرمیدن بر تختخواب خویش ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فیها عین جاریه . فیها سرر مرفوعه . و أکواب موضوعه

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

چشمه های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹ – ۸

۸ بهشت ، دارای چشمه سار های روان در زیر پای بهشتیان

تجری من تحتهم الأنهر فی جنت النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۵ – ۱

۱– جایگاه تقواپیشگان ، باغ ها و چشمه سار های بهشت است .

إن المتقین فی جنّت و عیون

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۴ – ۴

۴ – بوستان های بهشت ، دارای چشمه سار های روان از زیر درختان

جنّت تجری من تحتها الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۳ – ۵

۵ – بوستان های بهشت ، دارای چشمه سارهایی روان از زیر درختان

جنّت تجری من تحتها الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۲ – ۱

۱– بوستان ها و چشمه ساران بهشت ، جایگاه امن تقواپیشگان

إنّ المتّقین فی مقام أمین . فی جنّت و عیون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۵ – ۲

۲ – بهشت ، دارای باغ های پوشیده از درختان و چشمه ساران متعدد

فی جنّت و عیون

<جنّت> (مفرد <جنّات>) به باغ پوشیده از درختان گفته می شود و <عیون> (جمع <عین>) به معنای چشمه ساران است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۰ – ۱،۳

۱ – دو بوستان عطا شده به خداترسان ، دارای دو چشمه همیشه جاری

و لمن خاف . .. جنّتان ... فیهما عینان تجریان

۳ – چشمه های همیشه جاری ، از نعمت های لذت آفرین و دلخواه بهشت

فیهما عینان تجریان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۱ – ۱،۴

۱ – چشمه های جاری در بهشت خائفان ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهما عینان تجریان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۴ – وجود چشمه های همیشه جاری در

بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما عینان تجریان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۱

۱ - چشمه های جوشان و فوران کننده بهشت ، نعمتی انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهما عینان نضّاختان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۱ - ۳

۳ - اصحاب الیمین ، شاد و سرخوش در کنار چشمه های همواره ریزان بهشت

و ماء مسکوب

عبارت <و ماء مسکوب> به تقدیر <هم فی ماء مسکوب> است; یعنی، ایشان در کنار آب های همیشه ریزان به سر می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۶ - ۱

۱ - وجود چشمه کافور در بهشت ابرار

کافورًا . عینًا یشرب بها عباد اللّه

<عیناً>، بدل برای <کافوراً> در آیه پیش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۸ - ۱

۱ - وجود چشمه سلسبیل در بهشت ابرار

زنجبیلاً . عینًا فیها تسمّی سلسبیلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۱ – ۱۰

۱۰ – < عن أبی عبـداللّه (ع) قال : قال رسول اللّه (ص) : . . . إذا انتهی إلی باب الجنّه . . . فیـدخل فإذا هو بشـجره ذات ظلّ ممـدود . . . یخرج من ساقها عینان تجریان فینطلق إلی إحدیها فیغتسل منها . . . ثمّ یشـرب من الاُخری فلایکن فی بطنه مغص و لامرض و

لاداء أبداً و ذلک قوله تعالی < و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً > . . . ;

امام صادق(ع) از رسول خدا(ص) روایت کرده که فرمود: هرگاه [بنده خدا] به در بهشت برسد. .. وارد آن می شود، آن گاه با درختی روبه رو می شود که دارای سایه ای گسترده است ... از ساق آن دو چشمه جاری می شود آن گاه به سوی یکی از آن دو می رود و از آن غسل می کند ... سپس از چشمه دیگر می نوشد، پس از آن برای همیشه در شکم او هیچ درد، مرض و بیماری نمی باشد و این است سخن خدای تعالی: <و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۱ - ۱،۲

۱ - جایگاه تقواپیشگان ، در سایه ها و چشمه سار های بهشت است .

إنّ المتّقین فی ظلل و عیون

۲ - بهشت ، داری سایه هایی از درختان انبوه و چشمه سارها

فی ظلل و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۱

۱ - محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون . .. کلوا و اشربوا هنیًا ... إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۲ - ۲،۳

۲ - نوشیدنی بهشتیان ، از چشمه ای همیشه جاری تأمین می گردد .

تسقی من عین ءانیه . .. فیها عین

جاریه

این آیه، در مقابل آیه ای است که از نوشاندن مایعات چشمه سوزان به جهنمیان، سخن گفته بود. بنابراین در این آیه نیز، ذکر چشمه جاری تنها به منظور بیان زیبایی آن نبوده; بلکه توصیف نوشیدنی بهشتیان نیز مراد است.

۳ - چشمه های جاری در بهشت ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

ناعمه . .. فیها عین جاریه

کلمه <عین> اسم جنس نکره و قابل تطبیق بر یک یا چند چشـمه می باشد. آیاتی که بهشت را به داشـتن چشمه هایی متعدد توصـیف کرده است، می توانـد قرینه بر اراده تعـدد در این آیه نیز باشـد. ارتبـاط این آیه با <ناعمه> در آیات پیشـین، بیانگر برداشت یاد شده است.

چشمهای همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۲،۵

۲ - بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مراد از <قاصـرات الطرف> کوتاه کردن از نگاه و فروهشـتن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوعِ نگاه کردن و فروهشتن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

۵ - زنان بهشتی ، برخوردار از چشمانی درشت و جذاب

قصرت الطرف عین

<عیناء> (مفرد <عِین>) به معنای چشم درشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۲

۲ - تقواپیشگان در بهشت ، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که مراد از <قاصرات الطرف>، کوتاه کردن از نگاه و فروهشتن اندک چشم از نظر ظاهری

باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهشتن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۴ – ۴

۴– همسران بهشتی تقواپیشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء>)؛ یعنی، زنـانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بـدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>)؛ یعنی، زنان فراخ چشم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۰ – ۲

۲ – بهشتیان ، دارای همسرانی نیکو ، با چشمانی سیاه و زیبا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء<) به معنای سیاه چشمان و <عین> جمع <عیناء>) و به معنای زیبا چشمان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۲ – ۲

۲ – پیشتازان در بهشت ، دارای همسرانی با چشم های سیاه و زیبا

و حور عین

<حور> جمع <حوراء> است و <حوراء> به چشمی گفته می شود که سیاهی آن بسیار سیاه و سفیدی آن بسیار سفید باشد. <عین> جمع <عیناء> است و <عیناء> در وصف چشم زیبا آورده می شود.

حبیب نجار در بهشت برزخی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۲۶ – ۹

۹ – مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، پس از به شهادت رسیدنش ، از آگاه نبودن مردم از جایگاه بهشتی خود ، اظهار تأسف کرده و آرزو نمود که ای کاش آنان آگاه می شدند .

یلیت

قومی یعلمون

جمله <یـا لیت قومی. ..> برای استئنـاف بیانی است; یعنی، بیانگر امری است که پس از ورود به بهشت [برزخی] اتفاق افتاده است.

حقانیت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- ترسیم های قرآن از بهشت و دوزخ ، نمودی از حقایق سهولت یافته وحی برای بیداری خلق

فإنّما یسّرنه بلسانک لعلّهم یتذکّرون

تعبیر <فإنّمـا یسّرناه. ..> پس از مجموعه آیـاتی آمـده است که ترسـیم کننـده تفصـیلی بهشت و دوزخ و فرجـام بهشتیـان و دوزخیان است، بنابراین آن آیات نمونه ای بارز برای اثبات آسان بودن قرآن است.

حقیقت آشامیدنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۴

۱۴- شراب ها و نوشیدنی های بهشت ، متفاوت با شراب های دنیا و دارای ماهیت و اثری دیگر

و أنهر من خمر لذّه للشربین

صفاتی که خداوند برای نوشـیدنی های بهشت (آب، شـیر و شراب) بیان داشته، صفاتی است که در دنیا برای آنها موجود نمی باشد. آنها در اسم شبیه اند، ولی در ماهیت و اثر متفاوت.

حقیقت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۶

۱۶ - بهشت ، مقام قرب الهی است . *

فی روضات الجنّات . .. عند ربّهم

بنابراین احتمال که <عند ربّهم> خبر دیگری برای <الذین. ..> باشد، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۱

۱۱- حقیقت بهشت و دوزخ ، فراتر از سطح درک بشر

فإنّما یسّرنه بلسانک لعلّهم یتذکّرون

با توجه

به ارتباط این آیه با آیات پیشین که در ترسیم دوزخ و بهشت بود استفاده می شود که آنچه در آن آیات آمده، شکل آسان شده و تنزل یافته مطلب است; نه ماهیت عالی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۵

۵ - بهشت ، سر منزل قرب و جوار الهی

ابن لی عندك بیتًا فی الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۸ - ۳

۳ - بهشت ، بوستانی پرنعمت

جنّه نعیم

حقیقت بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱۶

۱۶ - < حسین بن میسر قال : سألت أباعبداللّه (ع) عن جنّه آدم فقال : جنّه من جنّات الدنیا تطلع فیها الشمس والقمر و لو کانت من جنان الأخره ما خرج منها أبداً ;

حسین بن میسر گوید از امام صادق(ع) در مورد بهشت آدم(ع) سؤال کردم فرمود: آن باغی از باغ های دنیا بود که خورشید و ماه در آن جا طلوع می کرد و اگر از باغ های آخرت بود هرگز از آن جا خارج نمی شد>.

حقیقت بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ < قال رسول الله (ص) : . . . جنات عدن قضیب غرسه الله بیده ثم قال له : کن فکان . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: <جنات عدن> شاخه ای است که خداوند با دست خود

کاشته سپس فرموده: [بهشت] باش ، پس آن شد . ..>.

حقیقت شراب بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۵ – ۱۴

۱۴– شراب ها و نوشیدنی های بهشت ، متفاوت با شراب های دنیا و دارای ماهیت و اثری دیگر

و أنهر من خمر لذّه للشربین

صفاتی که خداوند برای نوشیدنی های بهشت (آب، شیر و شراب) بیان داشته، صفاتی است که در دنیا برای آنها موجود نمی باشد. آنها در اسم شبیه اند، ولی در ماهیت و اثر متفاوت.

حوا در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۹ – ۱

۱ خداوند به آدم(ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت گزینند.

و یأدم أسکن أنت و زوجک الجنه

حوریان بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۸ – ۱۵

۱۵ حوران بهشتی ، از آنِ مؤمنان مجاهد و ایثارگر است .

و أولئک لهم الخیرت

منظور از <الخیرات> به قرینه آیه ۷۰ سوره الرحمن (فیهن خیرات حسان) می تواند حوران بهشت باشد.

خانواده مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۷

۷ - الحاق اعضای مؤمن خانواده بهشتیان به ایشان ، تبلور لطف و فضل الهی در حق آنان

و الذین ءامنوا و اتّبعتهم ذرّیّتهم بإیمن ألحقنا بهم ذرّیّتهم

خانه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۶

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در

< جنات عدن >

و مسکن طیبه فی جنت عدن

<جنات عـدن> می تواند نامی خاص باشد و غیر از <جنات تجری . .. > به شـمار آید. برداشت فوق بر گرفته از این احتمال است.

خداترسان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۱،۴

۱ - بهشت ، از آن بیم دارندگان از خداوند در نهان

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . .. من خشی الرحمن بالغیب

بنابراین که <بالغیب> متعلق به <خشی> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۴ - بهشت پاداش آنان که با وجود محسوس نبودن خداوند ، همه جا وی را در نظر داشته و از او بیم دارند .

من خشی الرحمن بالغیب

بنابر این که <بالغیب> وصف برای <رحمان> باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶ - ۲،۴،۵

۲ - بیم دارندگان از گناه و مخالفت پروردگار ، بهره مند از دو بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

خوف از مقـام پروردگـار، می توانـد کنـایه از ترک گناه و پرهیز از مخالفت با فرمان پروردگار باشـد. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

۴ - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی مادی و بهشتی معنوی *

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

تثنیه آمدن <جنّتان> ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد; چه این که برخی از مفسران نیز بدان اشاره کرده اند.

۵ - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی در قبال عمل و بهشتی دیگر از فضل الهی *

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

طبق نظر برخی از مفسران، تثنیه آمدن <جنّتان>

نظر به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۰ - ۲

۲ - دو بهشت خائفان از خدا ، دارای تفاوت های بسیار و تنوع فراوان *

و لمن خاف . .. جنّتان ... ذواتا أفنان ... فيهما عينان تجريان

از این که پس از عبارت <و لمن خاف . .. جنّتان> اوصاف به گونه تثنیه آمده است، چنین استفاده می شود که تفاوت آن دو <جنّت> اعتباری نیست; بلکه آن چشمه ای دارد و این چشمه ای دیگر; به خصوص اگر <أفنان> به معنای <انواع> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۱

۱ - چشمه های جاری در بهشت خائفان ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فيهما عينان تجريان . فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۴،۵

۴ - شکوه ، جلال ، آسایش و تنعم ، جملگی جمع در بهشت خائفان از مقام پروردگار

و لمن خاف مقام . .. متّكين على فرش ... و جنى الجنّتين دان

۵ - بی قراران از خوف مقام پروردگار ، دارای آرامش و آسایش در نعمت های بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. متّكين على فرش ... و جنى الجنّتين دان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۲

۲ - آسایش ، تنعم و بهرهوری های خائفان مقام پروردگار در بهشت ، جلوه ای از ربوبیت عالی خداوند و نعمتی غیر قابل

انکار و تکذیب

متّکین

. .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۱ – ۱

۱ – بهشت ، تنها جايگاه نهايى براى خداترسان رهيده از هواى نفس

فإنّ الجنّه هى المأوى

جمله <فإنّ الجنّه. ..> به دليل وجود <ال> جنس در خبر، دلالت بر حصر دارد.

خداشناسى مؤمنان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۱۰ – ۵

۵ بهره مندى مؤمنان از كمال معرفت و شناخت خداوند در بهشت

جنت النعيم. دعويهم فيها سبحنك اللّهم

خدمتكاران بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۶

۶ – مأموران الهى ، خدمت گذاران اهل تقوا و همسران آنان در بهشت

ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجكم . .. يطاف عليهم بصحاف من ذهب و أكواب

برداشت ياد شده با توجه به دو نكته است: الف) به قرينه آيه قبلى مى توان استفاده كرد كه مرجع ضمير <عليهم> پرهيزگاران و همسران آنانند. ب) از صيغه مجهول <يُطاف> مى توان استفاده كرد كه خدمت گذاران بهشتيان، مأموران الهى اند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۷ – ۴

۴ - < [عن مجمع] إنّهم أولاد أهل الدنيا لم یکن لهم حسنات فیثابوا علیها و لا سیئات فیعاقبوا فأنزلوا هذه المنزله . عن علی (ع) ;

از امام علی(ع) درباره <ولدان مخلّدون> روایت شده که آنان فرزندان اهل دنیا هستند که حسناتی نداشتند تا به آنان ثواب داده شود و گناهی نداشتند که مورد عقاب قرار گیرند. پس آنان

در این منزلت (خادمان اهل بهشت) قرار گرفته اند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۰ – ۴

۴ – < عن الحسن البصری أنّ رسول اللّه (ص) قال : إنّ أدنی أهل الجنّه منزله الذی یَرْکَبُ فی ألف ألف من خدمه من الولدان المخلدین علی خیل من یاقوت أحمر لها أجنحه من ذهب < إذا رأیت ثَمّ رأیت نعمیاً و ملکاً کبیراً > ;

از حسن بصری روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: کمترین اهل بهشت از نظر مقام، کسی است که در میان یک میلیون خدمت کار نوجوان، همیشه جوان بر اسبی از یاقوت سرخ که بال های طلایی دارد سوار می شود [سپس این آیه را تلاوت فرمود:] <إذا رأیت ثَمّ رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۲ – ۲

۲ – تخت های مزیّن در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متّکئین فیها علی الأرائک . .. و ذلّلت قطوفها... یسقون فیها کأسًا ... یطوف علیهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در <لکم>، می تواند برای اختصاص باشد.

خدمتکاران متقین در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۴ – ۲

۲ – خدمت کاران زیباروی تقواپیشگان ، موجوداتی بهشتی

غلمان لهم

نکره آمدن <غلمان> می رساند که این خدمتکاران، مخلوقاتی بهشتی اند و نه از نوع

خدمت کاران دنیوی متقین; و گرنه باید <غلمانهم> گفته می شد.

خرمای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۱،۲

۱ - وجود انواع میوه ها خصوصاً خرما و انار در بهشت ، نعمتی انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهما فکهه و نخل و رمّان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ - میوه های متنوع به ویژه خرما و انار در بهشت ، نمود ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما فکهه و نخل و رمّان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خستگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۸ - ۳

۳- خلود در بهشت ، هیچ ملالت و خستگی برای اهل بهشت فراهم نمی آورد .

خلدین فیها لایبغون عنها حولاً

جمله <لایبغون> مانند <خالدین> حال است برای <هم> در آیه قبل; یعنی، آنان، در عین خلود در بهشت، چیزی غیر آن نمی طلبند، گرچه، نوعاً، ماندن در یک مکان، قدری ملالت همراه دارد، ولی بهشت، به گونه ای است که چنین ملالتی در پی ندارد.

خلقت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۳

۳- بهشت اصحاب الیمین و حوریان آن ، از پیش آفریده شده است .

إنّا أنشأنهنّ إنشاءً

به کار گیری فعل ماضی <أنشأناهنّ>، بیانگر مطلب یاد شده است.

خوردنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۲

۲ خداوند تمام خوردنیهای بهشت را برای آدم و همسرش مباح کرد.

فکلا من حیث شئتما

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۵

۵ بهشت دربردارنده میوه و خوراکی و دارای هوایی مطبوع است .

أُكلها دائم و ظلّها

<أُكل> به معنای میوه و ثمره است و گاهی به مطلق خوراکی نیز اطلاق می شود. <ظلّ> به معنای سایه و در آیه شریفه کنایه از خوش آب و هوا بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۴

۴ - دسترسی بهشتیان به طعام و نوشیدنی بدون هیچ گونه رنج و تلاش

يطاف عليهم بصحاف من ذهب و أكواب

از مجهول آمدن <يُطاف> استفاده می شود که ظرف های غذا و جام های نوشیدنی، بدون تلاش بهشتیان در اختیار آنان قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۴ - ۱

۱ - مؤمنان بهشتی ، برخوردار از خوردنی ها و نوشیدنی ها

كلوا و اشربوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۳ - ۱

۱ - پذیرایی شدن تقواپیشگان در بهشت ، از خوردنی ها و نوشیدنی ها

كلوا و اشربوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۴ – ۱

۱ – محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون . .. کلوا و اشربوا هنیًا ... إنّا کذلک نجزی المحسنین

خوردنیهای بهشت آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۵ – ۵

۵

- استفاده از تمام خوراکی های بهشت ، برای آدم (ع) و همسرش مباح بود .

و کلا منها رغداً حیث شئتما

خوش اخلاقی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۶

۶ - < قال الصادق (ع) الخیرات الحسان من نساء أهل الدنیا و هنّ أجمل من الحورالعین ;

امـام صـادق(ع) فرمود: <خیرات حسـان> (زنـان نیـك خـو و زیبـاصورت بهشـت) از زنـان اهـل دنیـا هسـتند و آنـان از <حورالعین> زیباترند>.

خوشبویی شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۶ - ۲

۲ - صُراح باده بهشتی نیکوکاران ، با مشک لاک و مهر شده است .

ختمه مسک

برخی از اهل لغت، <ختام> را به معنای وسیله ختم و علامت گذاشـتن می داننـد و می گویند: تنگ شـراب را در آخرت، با مشک ممهور می کنند; نه این که مانند صُراح (تنگ شراب) دنیا، آن را با گل و امثال آن سربسته سازند. راغب این معنا را با آیه شریفه مناسب نمی داند.

خیریت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۴

۴ خیر و رستگاری واقعی ، دستیابی به بهشت و زندگی جاودان بهشتی است .

أولئک لهم الخیرت و أولئک هم المفلحون. أعد اللّه لهم جنت

خیمه های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۲ – ۲

۲ – حوریان بهشتی ، مستور در خیمه ها و پنهان از دید مردان بیگانه

حور مقصورت فی الخیام

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۳ – ۱،۲

۱ – حوریان مستور در خیمه های بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر پروردگار و غیرقابل تکذیب

حور مقصورت . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ – حوریان جذاب و مستور در خیمه های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

حور مقصورت فی الخیام . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

دربهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۰ – ۵

۵ – درب های باغ های جاویدان بهشت ، به روی تقواپیشگان باز و گشوده است .

مفتّحه لهم الأبوب

درجات بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۷ – ۶،۷

۶- < عن النبی (ص) : الفردوس أعلی درجه فی الجنّه و فیها یکون عرش الرحمن و منها تفجر أنهار الجنّه الأربعه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده: فردوس، بالاترین درجه بهشت است و عرش رحمان در آن جا است و نهرهای چهارگانه بهشت، از آن جا سرچشمه می گیرد>.

۷- < عن النبی (ص) : الفردوس من ربوه الجنّه هی أوسطها و أحسنها ;

از پیامبر(ص) روایت شده: فردوس، از مکان های مرتفع بهشت است و آن جا وسط و بهترین مکان بهشت است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱ – ۶،۳،۲

۲ – بهشت ، دارای مراتب و درجات مختلف

الذین یرثون الفردوس

برخی از مفسران، <فردوس> را به <أعلی الجنان> (بالاترین درجه بهشت) معنا کرده انـد. برداشت فوق بر پایه این احتمال استوار است.

۳ –

فردوس ، نام بالاترین درجات بهشت

الذین یرثون الفردوس هم فیها خلدون

۶ - < عن رسول اللّه (ص) . . . والفردوس ربوه الجنه و أوسطها و أفضلها ;

رسول خدا(ص) فرمود: فردوس، جایگاه بلند، و بهتر و برتر بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱،۲،۵

۱ بنا های برافراشته و درجات عالی در بهشت ، پاداش بندگان خدا (عباد الرحمان) است .

و عباد الرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: ۱ <أُولئک> اشاره به <عبادالرحمان> است. ۲ <غرفه> به معنای بنای مرتفع و برافراشته است. در آیه شریفه نیز می تواند هم در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و هم می تواند منزلت و مقام رفیع مقصود باشد.

۲ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، عامل برخوردار شدن آنان از بنا ها و درجات عالی بهشت است .

أُولئک یجزون الغرفه بما صبروا

گفتنی است <با> در <بما> برای سببیت است.

۵ صبر و شکیبایی در انجام تکالیف و ترک محرمات الهی ، عامل بهره مندی از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا ... و الذین لایشهدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۳

۳ - وجود فاصله میان موقف تقواپیشگان در محشر و بهشت

و سیق الذین اتّقوا ربّهم إلی الجنّه زمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۲ – ۳،۵

۳ – مؤمنان به تناسب

عملکرد خویش ، برخوردار از بهشت های متفاوت *

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. و من دونهما جنّتان

در صورتی که <دونهما> به معنای مرتبه پایین تر باشد، احتمال می رود که دو بهشت قبل مخصوص خائفان و این دو بهشت فروتر، از آنِ کسانی باشد که در مرتبه پایین تر قرار دارند.

۵ - < عن أبی جعفر (ع) قال : . . .و أمّا قوله < و من دونهما جنّتان > یقول من دونهما فی الفضل و لیس من دونهما فی القرب و هما لأصحاب الیمین و هی جنّه النعیم و جنّه المأوی . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده: . ..اما این قول خداوند <و من دونهما جنّتان> می فرماید: پایین تر از آن دو در فضیلت نه پایین تر در نزدیکی (مکانی) و آن دو بهشت برای اصحاب الیمین است و آن [معروف] به <جنّه النعیم> و <جنّه المأوی> می باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۹

۹ - بهشت ، دارای درجات و مراتب است .

جنّت تجری . .. فی جنّت عدن

از تمایز <جنّات تجری> و <جنّات عدن>، می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

درخت اقاقیای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۹ - ۴

۴ - بهشت اصحاب الیمین ، معطر با عطر گل های درختان اقاقیا

و طلح منضود

برخی از مفسران <طلح> را به <ام غیلان> (درخت اقاقیا) تفسیر کرده اند. درخت اقاقیا دارای گلی بسیار خوشبو است.

درخت موز بهشت

آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۹ – ۱،۲،۶

۱ – وجود درختان موز ، در بهشت اصحاب الیمین

و طلح منضود

درباره واژه <طلح> چند معنا ذکر کرده اند که یکی از آنها <موز> است.

۲ – درختان موز در بهشتِ اصحاب الیمین ، پربار و میوه های آن چیده شده بر روی هم

و طلح منضود

<نضد> به معنای چیدن بر روی هم است <طلح منضود> ;یعنی، درختان موز که میوه های آن بر روی هم چیده شده است.

۶ – < عن علی بن أبی طالب (ع) فی قوله < و طلح منضود > قال : هو الموز ;

از امام علی(ع) درباره سخن خداوند <و طلح منضود> روایت شده که مراد درخت موز است>.

درختان انار بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۸ – ۱

۱ – باغ های بهشت ، آکنده از میوه ها و درختان نخل و انار

فیهما فکهه و نخل و رمّان

درختان بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۵ – ۷

۷ – بهشت دارای درختانی انبوه و میوه دار

أن لهم جنّت . .. كلما رزقوا منها من ثمره

<ثمره> به میوه درختان گفته می شود. بهشت و بستان را از آن جهت جنت می گویند که پوشیده از درختان انبوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۳۱

۳۱ جریان نهر های متعدد ، زیر درختان بهشت

جنّات تجری من تحتها الانهار

به نظر می رسد مراد از <من تحتها الانهار>، <من تحت اشجارها> باشد، یعنی

نهرها از زیر درختان آن جاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۵

۵ بهشت ، جاودانه و دارای درختانی انبوه و نهرهایی روان

جنت تجری من تحتها الانهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۶

۶ بهشت دارای باغ ها و بوستان های بسیار با نهرهایی جاری از زیر درختان انبوه آن

لهم جنت تجری من تحت الانهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۲،۱۵

۲ باغ های پوشیده از درختان

جنت تجری

<جنه> (مفرد جنات) به بوستانی گفته می شود که زمین آن پوشیده از درخت باشد.

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت . .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون اللّه و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۵

۱۵ جاری شدن نهر ها در زیر درختان انبوه بهشتی ، جلوه ای از نعمت های جذاب و لذت آفرین اخروی

لهم جنت تجری تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۳

۳- بهشت جایگاه مؤمنان و پوشیده از درختان انبوه است .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنات> به

جایی گفته می شود که مملو از درخت باشد، به گونه ای که زمین را با درختان خود بپوشاند. جمع آورده شدن <جنات> هم می تواند مؤید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۴،۵

۴ - بهشت ، دارای بوستان هایی است متعدد ، سر سبز و پوشیده از درختان .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنات> جمع جنّه است و <جنّت> به بوستانی گفته می شود که پوشیده از درختان است.

۵ - بوستان های بهشت ، دارای چشمه سارهایی روان از زیر درختان

جنّت تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۴

۴ - از زیر درختان بهشت ، نهر های آب ، مدام ، جاری است .

من الجنّه غرفًا تجری من تحتها الأنهر

جمله <تجری من تحتها الأنهار> می تواند حال برای <الجنه> باشد و ضمیر <تحتها> به <الجنه> برگردد. در این صورت، این برداشت، قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۴

۴- جریان نهر ها در زیر قصر ها و درخت های بهشت ، از جاذبه های مهم آن است .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

از آن جا که خداوند از میان همه اوصاف بهشت، تنها به جریان نهرها اشاره کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۷ – ۲،۷

۲ – باغ های بهشت ، پوشیده از درختان

إنّ المتّقین فی جنّت

<جنّه> (مفرد <جنّات>) به باغ پوشیده از

درختان گفته می شود.

۷ - بهشت ، متشکل از باغ های بسیار با درختانی انبوه و نعمت های گسترده و گوناگون

إنّ المتّقین فی جنّت و نعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۴ - ۵

۵ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله < مدهامّتان > قال : یتصل ما بین مکّه و المدینه نخلاً ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند: <مدهامّتان> فرمود: [مثل این است که] ما بین مکه تا مدینه نخل های خرما به یکدیگر متصل باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۸ - ۱

۱ - عالی ترین نوع درختان سدر ، موجود در بهشت اصحاب الیمین

و أصحب الیمین . .. فی سدر مخضود

توصیف درخت سدر به <مخضود> (بدون تیغ)، ظاهراً اشاره به نوع عالی آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۹ - ۱

۱ - وجود درختان موز ، در بهشت اصحاب الیمین

و طلح منضود

درباره واژه <طلح> چند معنا ذکر کرده اند که یکی از آنها <موز> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ – باغ های بهشت ، پوشیده از درختان است .

بشریکم الیوم جنّت

<جنّه> (مفرد <جنّات>)، به باغ پوشیده از درختان گفته می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۲۲ – ۱۹

۱۹ – وجود نهر های همیشه روان ، از زیر درخت های بوستان های بهشت

تجری من تحتها الأنهر

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۱ - ۲

۲ - بهشت ، داری سایه هایی از درختان انبوه و چشمه سارها

فی ظلل و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۴

۴ - جاری بودن نهر های فراوان ، از زیر درختان بهشت

عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبدًا

درباره مفاد <تجری من تحتها الأنهار>، سه تصور وجود دارد; ۱. با تقدیر کلمه <أشجار>، مراد جریان آب از زیر درختان و کنار ساقه های آن است; ۲. مراد جریان آب، زیر کاخ ها و تخت های بهشتیان است; ۳. مراد بیان آب خیز بودن زمین بهشت است; به گونه ای که آب نهرها، از زیر زمین بهشت سرچشمه می گیرد.

درخواست آشامیدنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۱ - ۳

۳ - تقواپیشگان در باغ های بهشتی ، خواستار میوه ها و نوشیدنی های بسیار عالی ، متنوع و گوناگون

یدعون فیها بفکهه کثیره و شراب

مقصود از کثرت میوه ها و نوشیدنی ها، تنوع آنها است و تنکیر <فاکهه> و <شراب> برای تفخیم می باشد; یعنی، میوه های عالی و نفیس.

درخواست بهشت برای تائبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱

۱ – وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسـران و فرزندان صالح آنان به بوسـتان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربّنا و أدخلهم جنّت. .. و من صلح من ءابائهم و

أزوجهم و ذرّيّتهم

<مَن> در <و من صلح. ..> می تواند عطف بر ضمیر <هم> در <أدخلهم...> و یا عطف بر ضمیر<هم> در <وعدتهم> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

درخواست بهشت برای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱

۱ - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربّنا و أدخلهم جنّت. .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّيّتهم

<مَن> در <و من صلح. ..> می تواند عطف بر ضمیر <هم> در <أدخلهم...> و یا عطف بر ضمیر<هم> در <وعدتهم> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

درخواست بهشت برای فرزندان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱

۱ - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربّنا و أدخلهم جنّت. .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّيّتهم

<مَن> در <و من صلح. ..> می تواند عطف بر ضمیر <هم> در <أدخلهم...> و یا عطف بر ضمیر<هم> در <وعدتهم> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

درخواست بهشت برای مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱

۱ – وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز

پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربّنا و أدخلهم جنّت. .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

<مَن> در <و من صلح. ..> می تواند عطف بر ضمیر <هم> در <أدخلهم...> و یا عطف بر ضمیر<هم> در <وعدتهم> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

درخواست بهشت برای والدین مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱

۱ - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربّنا و أدخلهم جنّت. .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

<مَن> در <و من صلح. ..> می تواند عطف بر ضمیر <هم> در <أدخلهم...> و یا عطف بر ضمیر<هم> در <وعدتهم> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

درخواست بهشت برای همسران مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱

۱ - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربّنا و أدخلهم جنّت. .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

<مَن> در <و من صلح. ..> می تواند عطف بر ضمیر <هم> در <أدخلهم...> و یا عطف بر ضمیر<هم> در <وعدتهم> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

درخواست خانه بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۳

۳ - درخواست همسر فرعون از خداوند ، مبنی بر زیستن در جوار رحمت او و بنا کردن خانه ای در بهشت برای وی

إذ قالت ربّ ابن لی عندک بیتًا فی الجنّه

درخواست میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۱ - ۳

۳ - تقواپیشگان در باغ های بهشتی ، خواستار میوه ها و نوشیدنی های بسیار عالی ، متنوع و گوناگون

یدعون فیها بفکهه کثیره و شراب

مقصود از کثرت میوه ها و نوشیدنی ها، تنوع آنها است و تنکیر <فاکهه> و <شراب> برای تفخیم می باشد; یعنی، میوه های عالی و نفیس.

درخواست نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۵ - ۲

۲ - چشمداشت به پاداش الهی ، آرزوی بهشت و درخواست نعمت های آن از خداوند ، امری شایسته و بایسته برای اهل ایمان

و اجعلنی من ورثه جنّه النعیم

درخواست وراثت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۵ - ۱

۱ - دعای ابراهیم (ع) به درگاه خدا ، برای قرار گرفتنش در زمره وارثان بهشت

و اجعلنی من ورثه جنّه النعیم

<من> در این آیه تبعیضیه و <ورثه> جمع وارث است; یعنی، مرا یکی از وارثان بهشت قرار بده.

درهای بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۹

۹ بهشت عدن دارای درب های بسیار

والملئکه یدخلون

علیهم من کل باب

دشنام در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۱

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، هرگز کسی از دیگری سخن لغو و بیهوده و یا نسبت ناروا نخواهد شنید .

لایسمعون فیها لغوًا و لاتأثیمًا

<لغو> به سخنی گفته می شود که هیچ فایده ای بر آن مترتب نباشد و <تأثیم> به معنای نسبت دادن گناه به کسی است.

دعوت به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۲۱

۲۱ خداوند ، دعوت کننده انسان ها به بهشت و آمرزش خویش است .

و اللّه یدعوا الی الجنّه و المغفره باذنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۵ - ۲

۲ خدا ، مردم را از فریفته شدن به زندگی ناپایدار دنیا بر حذر داشته و به سرایی سراسر امن و سلامت (بهشت) فرامی خواند .

إنما مثل الحیوه الدنیا . .. و اللّه یدعوا إلی دارالسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۶ - ۱

۱- دعوت از تقواپیشگان برای ورود به بهشت ، همراه با سلامت و امنیت کامل و به دور از هرگونه رنج ، درد ، ناخوشی و ناامنی است .

إن المتقین فی جنّت و عیون

<باء> در <بسلام> در معنای <مصاحبت> به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۱۳

۱۳- دعوت فرشتگان از تقواپیشگان به هنگام قبض روح آنان

، برای ورود به بهشت

المتّقین . الذین تتوفّهم الملئکه طیّبین یقولون ... ادخلوا الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ تلاش برای سوق دادن انسان ها به بهشت و نجات آنان از ابتلای به آتش جهنم ، از هدف های پیامبران الهی

قل أذلک خیر أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۳

۳ - دعوت خداوند از تقواپیشگان ، برای ورود آنان همراه با همسرانشان به بهشت

ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنّتی

اضافه <جنّه> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

دعوت کنندگان به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۲

۲ - پیشوایان و رهبران جوامع در بینش الهی دو دسته اند : دعوت کنندگان به آتش دوزخ و فراخوانان به نعمت های بهشت .

و جعلنهم أئمه يدعون إلى النار

دعوتهای نگهبانان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱۳

۱۳ - دعوت دربانان بهشت از تقواپیشگان برای ورود به آن

قال لهم خزنتها

. .. فادخلوها خلدين

دلایل حقانیت بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱۲ – ۱۴

۱۴ – آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ اللّه لهم عذابًا شدیدًا . .. جنّت تجری من تحتها الأنهر ... اللّه الذی خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

دوری بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۳ – ۳

۳ – جایگاه بهشت پیش از برپایی قیامت ، در فاصله ای دور نسبت به جایگاه مردم است .

و إذا الجنّه أُزلفت

از آنجا که ظاهر آیه شریفه نزدیک آوردن بهشت است; نه نزدیک ساختن مردم به آن، می توان گفت: جایگاه بهشت در آغاز برپایی قیامت به عرصه محشر نزدیک نیست.

دوستی متقین در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۷ – ۲

۲– متقین در بهشت ، دارای روابط صمیمانه و به دور از هرگونه ناخالصی اند .

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

<غلّ> در لغت به معنای غش و ناخالصی آمده است.

ذکر نعمت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۵

۵ - یاد نعمت ها و تعظیم عطایای خداوند ، نقل مجلس انس متقین ، در

بهشت *

فکهین بما ءاتیهم ربّهم

در معنای <فاکهین> گفت و گوهای دوستانه در مجالس انس آورده شده است.

ربوبیت خدا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۳

۳ - بهشت برین ، جایگاه رشد و کمال در پرتو ربوبیت خداوند

ارجعی إلی ربّک . .. و ادخلی جنّتی

این آیه، عطف بر آیه قبل و هر دو تفصیل رجوع به خداوند است. برگزیدن واژه <ربّک> در آیات پیشین، بیانگر مواجه شدن بهشتیان با ربوبیت خداوند است.

رحمت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۶

۶- بهشت های عدن ، جلوه ای از رحمت بی کران الهی است .

جنّت عدن التی وعد الرحمن

کلمه <الرحمن> بیانگر نکته فوق است.

رضایت بخشی زندگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۱ - ۲

۲ - زندگی در بهشت ، زندگی کاملاً رضایت بخش و دل پسند

فی عیشه راضیه

به قرینه آیه بعد (فی جنّه عالیه) زندگی رضایت بخش، در بهشت خواهد بود.

رفاه در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۶

۶ - بهشتی که آدم (ع) و حوا در آن سکنی گزیدند ، جایگاهی مرفه و دارای نعمت های فراوان و نیکو بود .

و کلا منها رغداً حیث شئتما

<رغـد> به معنای: پر خیر و برکت، پاک و دارای رفاه می باشـد. کلمه <رغـداً> حال برای ضـمیر <منها> است; یعنی، از بهشت استفاده برید، در حالی که این بهشت پر

خیر و برکت و ... است.

رفع اندوه در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۵ - ۳،۴

۳ - بهشت ، سرای آسودگی و به دور از رنج و افسردگی

لایمسّنا فیها نصب و لایمسّنا فیها لغوب

<نصب> به معنای تعب و رنج و <لغوب> به معنای عجز و ناتوانی است که غالباً به سبب تعب و مشقت به وجود می آید. گفتنی است که در برداشت یاد شده از آن به افسردگی تعبیر شده است.

۴ - اعطای بهشت و سرای پایدار و بی رنج و افسردگی ، فضل و لطف خداوند به بندگان

لایمسّنا فیها نصب و لایمسّنا فیها لغوب

رفع سختی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۵ - ۳

۳ - بهشت ، سرای آسودگی و به دور از رنج و افسردگی

لایمسّنا فیها نصب و لایمسّنا فیها لغوب

<نصب> به معنای تعب و رنج و <لغوب> به معنای عجز و ناتوانی است که غالباً به سبب تعب و مشقت به وجود می آید. گفتنی است که در برداشت یاد شده از آن به افسردگی تعبیر شده است.

رفع کینه در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷ - ۱

۱- خداوند ، هرگونه دشمنی و کینه ای را از دل متقین در بهشت بیرون می کند .

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

<غلّ> در لغت به معنای دشمنی و کینه است.

رفعت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸

۳ - ۱۰ -

۳ - بهشت ، در مکانی بلند و رفیع

فی جنّه عالیه

وصف <عالیه> در برداشت یاد شده، وصفی توضیحی لحاظ شده است.

رنگ پشتی های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۶ - ۱

۱ - بهشتیان ، در بزم با شکوه خویش ، تکیه زده بر پشتی های سبز و فرش های بی نظیر در جنس و زیبایی

متّکین علی رفرف خضر و عبقریّ حسان

رنگ سبز در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۶ - ۳

۳ - رنگ سبز ، از رنگ های زینت بخش امکانات تجملی بهشت

متّکین علی رفرف خضر

رنگ شراب بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۶ - ۱

۱ - سپید و درخشان بودن شراب ، برای بندگان مخلص خدا در بهشت

بیضاء

<بیضاء> به اعتبار مظروف (شراب) صفت برای <کأس> (ظرف شراب) است; نه به اعتبار ظرف. توصیف دیگر آن در آیه

بعد به این که مایه دردسر و مستی نمی شود، مؤید همین مطلب است.

رنگ همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۹ - ۱،۲

۱ - زنان و حوران بهشتی ، از شدت سفیدی و درخشندگی همچون تخم شترمرغ زیر پر هستند .

کأنّهنّ بیض

<بیض> اسم جنس و مفرد آن <بیضه> و به معنای تخم شترمرغ است که رنگ آن سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است و این حیوان آن را زیر پر خود می پوشاند تا از غبار و آلودگی

و دستبرد محفوظ ماند. عرب ها، زنان زیبا را به <بیض> تشبیه می کنند.

۲ – رنگ زنان بهشتی ، سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است .

کأنّهنّ بیض

روابط عاطفی در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۱ – ۴

۴ – پیوند های عاطفی ، باقی میان مؤمنان و نسل ایشان در بهشت

ألحقنا بهم ذرّیّتهم

نوید به ملحق شدن ذریه مؤمنان به آنان در بهشت، می رساند که مؤمنان در بهشت نیز به نسل خود دلبسته اند و از قرار گرفتن آنان در کنار خویش احساس لذت می کنند.

روابط متقین در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۷ – ۲

۲– متقین در بهشت ، دارای روابط صمیمانه و به دور از هرگونه ناخالصی اند .

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

<غلّ> در لغت به معنای غش و ناخالصی آمده است.

رؤیت بهشت در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۱ – ۲

۲ < متقین > ، قادر به مشاهده بهشت در صحنه قیامت *

الجنّه . .. غير بعيد

برداشت بالاـ بدان احتمال است كه تعبير <غير بعيد> از پى <أزلفت> بيانگر اين معنا باشد كه بهشت آن قدر به متقين نزديك خواهد شد، كه در مرئى و منظر آنان قرار خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكوير - ۸۱ - ۱۳ - ۵

۵ - بهشت و جهنم ، براى مردم در قيامت قابل مشاهده

است . *

و إذا الجحيم سعّرت . و إذا الجنّه أُزلفت

هدف از شعلهور کردن جهنم و نزدیک نمودن بهشت ممکن است این باشد که همگان آنها را مشاهده کرده و به فرجام نیکان و بدان آگاه شوند.

زمین بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۱۴

۱۴ - < عن أبی جعفر (ع) < الحمد للّه الذی صدقنا وعده و أورثنا الأرض . . . > یعنی : أرض الجنّه ;

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره <. ..و أورثنا الأرض...> فرمود: مقصود زمین بهشت است>.

زمینه اخراج از بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۴

۴ - شیطان با وسوسه و اغواگری خود ، زمینه ساز اخراج آدم و حوا از بهشت و هبوط آنان به زمین گردید .

فوسوس إلیه الشیطن . .. قال اهبطا منها

زمینه بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۸

۸- تقوا ، زمینه ساز ورود به بهشت و رسیدن به مواهب بی کران الهی

دار المتّقین . جنّت عدن ... لهم فیها ما یشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱

۱ - نزول آرامش از سوی خداوند بر مؤمنان ، مایه افزایش ایمان و زمینه ساز ورود آنان به بهشت

أنزل السکینه . .. لیزدادوا إیمنًا ... لیدخل المؤمنین و ... جنّت

<لیدخل. ..> نتیجه اطمینان عطا شده از ناحیه خداوند و فزونی ایمان مؤمنان است که در آیات پیشین

طرح شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۸ – ۱

۱ – دعا و نیایش به درگاه خداوند ، زمینه ساز راهیابی انسان به بهشت و رهایی از دوزخ

فمنّ اللّه علینا و وقینا عذاب السموم . إنّا کنّا من قبل ندعوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۰ – ۱

۱ – نعمت های شگرف بهشت ، پاداش و احسان خداوند به اعمال نیک و شایسته خلق

کأنّهنّ الیاقوت . .. هل جزاء الإحسن إلّاالإحسن

واژه <إحسان> در لغت عرب بر دو معنا اطلاق می شود: الف) کار نیک، ب) نیکی به غیر. در آیه شریفه <احسان> اول به معنای اول و احسان دوم به معنای دوم به کار رفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۱ – ۲

۲ – انسان ها ، باید دنیا را میدان مسابقه جهت دست یافتن به بهشت و آمرزش الهی قرار دهند .

و ما الحیوه الدنیا إلّا متع الغرور . سابقوا إلی مغفره من ربّکم و جنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۳۰ – ۵

۵ – اندیشه صحیح نسبت به فقر و غنا ، برخورد شایسته با یتیمان و مسکینان ، قطع حرام خواری و دل نبستن به ثروت ، زمینه ساز ورود به بهشت برین

فأمّا الإنسن إذا ما ابتلیه . .. و ادخلی جنّتی

زمینه بهشت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۶ - ۴

۴ - پیشینه درخشان

تقواپیشگان و پایبندی آنان بر نیکی و احسان ، مایه دستیابی آنان به بهشت و هدایای پروردگار

ءاخذین ما ءاتیهم . .. إنّهم کانوا قبل ذلک محسنین

زمینه جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۷

۷ هجرت در راه خدا و یاری دین ، سبب جلب رضایت الهی و دستیابی به حیات جاودان در بهشت

من المهجرین و الأنصار . .. رضی اللّه عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۲

۲ - اطمینان و آرامش معنوی ، درپی دارنده کمال ایمان در دنیا و بهشت جاودان در آخرت

أنزل السکینه . .. لیزدادوا إیمنًا ... لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱۷

۱۷ - ضرورت توأم بودن ایمان و عمل صالح ، در به دست آوردن سعادت اخروی و بهشت جاودانه

و من یؤمن باللّه و یعمل صلحًا یدخله جنّت. .. خلدین فیها أبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۹

۹ - ایمان و عمل ، مکمل یکدیگر در رساندن انسان به بهشت جاویدان

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. جزاؤهم عند ربّهم جنّت عدن ... خلدین فیه

زمینه نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۳

۳ - دستابی به بهشت و نعمت های فراوان آن ، منوط به عبودیت و بندگی انسان به درگاه خداوند است .

یبشّر اللّه عباده

الذين ءامنوا

ذکر کلمه <عباد>، می تواند اشعار به این داشته باشد که عبودیت بندگان صالح، موجب برخورداری آنان از بهشت و نعمت های آن شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۳

۳- پیوستگی ایمان و عمل صالح در زندگی مؤمنان ، شرط بهره مندی آنان از نعمت بهشت

یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۰ – ۳

۳ – دستیابی به بهشت و نعمت های آن ، منوط به عملکرد نیک خود انسان

هل جزاء الإحسن إلّاالإحسن

از این که احسان، در مقابل احسان مطرح شده به دلالت التزام دانسته می شود که آدمی، آن گاه به احسان و پاداش حق دست می یابد که خود، اهل احسان و عملکرد نیک باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۴ – ۵

۵ – بهشت برین و نعمت های آن ، محصول تلاش ها و دستاورد های انسان ها در دنیا است .

بما أسلفتم فی الأیّام الخالیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۲ – ۲،۳،۶

۲ – صبر و شکیبایی ابرار در راه خدا ، سبب بهره مندی آنان از بهشت و موهبت های آن است .

و جزیهم بما صبروا جنّه و حریرًا

۳ – وفـای به نـذر ، ایثـار و انفاق به نیازمنـدان جامعه بـدون چشـمداشتی و خوف از قیامت ، از موجبات ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن است .

یوفون بالنذر و

يخافون يومًا . .. إنّما نطعمكم لوجه اللّه ... و جزيهم بما صبروا ج

از مصاديق مورد نظر صبر در اين آيه، موارد ياد شده است كه در آيات پيش در وصف ابرار آمده است.

۶ - صبر در راه خدا ، از موجبات ورود به بهشت و بهره مندى از موهبت هاى آن است .

و جزيهم بما صبروا جنّه و حريرًا

زمينه هاى ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۱۰

۱۰ آمرزش گناهان و درآمدن به بهشت ، در گرو اطاعت از خدا و رسول (ص)

و اطيعوا اللّه و الرّسول . .. سارعوا الى مغفره من ربّكم و جنّه

آمرزش گناهان، فعل خدا و در اختيار اوست. بنابراين مراد از شتاب به سوى مغفرت، انجام اعمالى است كه موجبات آمرزش الهى را فراهم مى سازد، كه به قرينه عطف شدن <سارعوا> بر <اطيعوا اللّه و الرسول>، همان پيروى از خدا و پيامبرش است.

زنان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۲۰

۲۰ زنان بهشتى از حيض و حدث پاك هستند .

و ازواج مطهّره

امام صادق (ع) در تفسير آيه فوق فرمود: لا يحضن و لا يحدثن.

تفسير عياشى، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۱۱ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۵۷، ۵۸.

زنجبيل بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۷ – ۱

۱ – ابرار در بهشت ، از میِ آمیخته با زنجبیل پذیرایی خواهند شد .

و یسقون فیها کأسًا کان مزاجها

زنجبیلاً

<کأس> در معنای می و نیز جام به کار می رود. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۹ - ۵

۵ - ابرار در بهشت ، می آمیخته با زنجبیل را از دست جوانکان همیشه شاداب خواهند نوشید .

و یطاف علیهم بانیه . .. و یسقون فیها ... مزاجها زنجبیلاً ... و یطوف علیهم ولدن

آیات گذشته، قرینه بر این است که یکی از مصادیق اصلی خدمت گزاری جوانکان به ابرار، نوشاندن می بهشتی به آنان است، چنان که در آیه ۱۷ و ۱۸ سوره <واقعه> بدان تصریح شده است: <یطوف علیهم ولدان مخلّدون . بأکواب و أبارق و کأس من معین>.

زندگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۵

۵ اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنه لا خوف علیکم و لا أنتم تحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۷

۷ زندگی در بهشت جاودان ، بهترین و برترین زندگی و سرانجام برای انسان

قل أذلک خیر أم جنّه الخلد . .. جزاء و مصیرًا

زیبایی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۸

۸ - اهمیت نقش نهر های بهشت ، در زیبایی و جذابیت آن

جنّت تجری من تحتها الأنهر

از این که خداوند، تنها وصفی را که برای باغ های بهشت یاد کرده وصف <تجری. ..> است; مطلب یاد شده استفاده

می شود.

زیبایی پشتی های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۶ - ۱

۱ - بهشتیان ، در بزم با شکوه خویش ، تکیه زده بر پشتی های سبز و فرش های بی نظیر در جنس و زیبایی

متّکین علی رفرف خضر و عبقریّ حسان

زیبایی جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۲

۲ - قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در صفا و شفافیت ، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی ، همچون نقره است .

کانت قواریرَا . قواریرَا من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه بلیغ دانسته اند; نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و در عین حال نقره است.

زیبایی جوشش چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۶ - ۲

۲ - زیبایی فزاینده مناظر بهشت ، با فوران آب چشمه ها

فیهما عینان نضّاختان

زیبایی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۴ - ۱،۴

۱ - خدمت کاران جوان و زیبارو ، در طواف متقین بهشتی برای پذیرایی از آنان

و یطوف علیهم غلمان لهم

<غلام> (مفرد <غلمان>) به نوجوانی گفته می شود که تازه پشت لبش سبز شده باشد.

۴ - خدمت نوجوانان زیباروی بهشتی ، برای تقواپیشگان از سرشوق و پروانهوار

و یطوف علیهم غلمان لهم

تعبیر <یطوف>، حرکت پروانهوار و مشتقانه را افاده می کند.

زیبایی

درختان انار بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۸ – ۳

۳ – زیبایی ویژه منظره درختان نخل و انار در میان دیگر درختان بهشت

فیهما فکهه و نخل و رمّان

اختصاص به ذکر یافتن نخل و انار، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

زیبایی فرشهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۶ – ۱

۱ – بهشتیان ، در بزم با شکوه خویش ، تکیه زده بر پشتی های سبز و فرش های بی نظیر در جنس و زیبایی

متّکین علی رفرف خضر و عبقریّ حسان

زیبایی نخلستانهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۸ – ۳

۳ – زیبایی ویژه منظره درختان نخل و انار در میان دیگر درختان بهشت

فیهما فکهه و نخل و رمّان

اختصاص به ذکر یافتن نخل و انار، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

زیبایی همسران بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۸ – ۲،۴

۲ - بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مراد از <قاصرات الطرف> کوتاه کردن از نگاه و فروهشتن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهشتن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

۴ - زنان بهشتی ، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

و عندهم قصرت الطرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص -

۳۸ - ۵۲ - ۲،۴

۲ - تقواپیشگان در بهشت ، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که مراد از <قاصرات الطرف>، کوتاه کردن از نگاه و فروهشتن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهشتن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

۴ - زنان بهشتی ، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

و عندهم قصرت الطرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۰ - ۲،۳

۲ - بهشتیان ، دارای همسرانی نیکو ، با چشمانی سیاه و زیبا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء<) به معنای سیاه چشمان و <عین> جمع <عیناء>) و به معنای زیبا چشمان است.

۳ - همسران زیبا ، نمود لطف الهی به بهشتیان

و زوّجنهم بحور عین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۶

۶ - < قال الصادق (ع) الخیرات الحسان من نساء أهل الدنیا و هنّ أجمل من الحورالعین ;

امام صادق(ع) فرمود: <خیرات حسان> (زنان نیک خو و زیباصورت بهشت) از زنان اهل دنیا هستند و آنان از <حورالعین> زیباتراند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۲ - ۲

۲ - پیشتازان در بهشت ، دارای همسرانی با چشم های سیاه و زیبا

و حور عین

<حور> جمع <حوراء> است و <حوراء> به چشمی گفته می شود که سیاهی آن بسیار سیاه و سفیدی آن بسیار سفید باشد. <عین> جمع <عیناء> است و <عیناء> در وصف چشم زیبا آورده می

شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۴ – ۳

۳ – همخوابگان اصحاب الیمین در بهشت ، زنانی در اوج شکوه و جلال مادی و معنوی (عقل ، کمال و جمال)

و فرش مرفوعه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <فرش> در آیه شریفه به قرینه آیه بعد (إنّا أنشأناهنّ إنشاء) همسران و همخوابگان می باشد. بر این اساس وصف <مرفوعه> اشاره به مطلبی دارد که در برداشت بالا آمده است.

زیباییهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۸

۸ – تمامی زیبایی ها و لذت های مورد تمایل اهل تقوا ، آماده برای آنان در بهشت

و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۲ – ۲

۲– امنیت و آسایش ، مهم ترین نعمت در کنار زیبایی ها و طراوت های بهشت

فی مقام أمین . فی جنّت و عیون

برداشت بالاـ با توجه به این نکته است که قرآن، در مقام ذکر نعمت های اخروی متقین، از امنیت به عنوان نعمتی مهم و حتی مقدم بر دیگر نعمت ها نام برده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۷ – ۱

۱ – لذت ها ، زیبایی ها و آسایش بهشت ، نعمت های انکارناپذیر خدا و غیرقابل تکذیب

متّكين على رفرف خضر . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

زينت خدمتكاران بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – واقعه –

۳ - ۱۷ - ۵۶

۳ - خدمت گذاران پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در بهشت جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

یطوف علیهم ولدن مخلّدون

برخی احتمال داده اند که <مخلّدون> مشتق از <خُلْد> به معنای گوشواره باشد. بنابراین عبارت <ولدان مخلّدون>; یعنی، جوانانی که بر گوش آنها، گوشواره آویخته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۹ - ۴

۴ - خدمت گزاران ابرار در بهشت ، جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

و یطوف علیهم ولدن مخلّدون

برخی احتمال داده اند که <مخلّدون>، مشتق از <خُلُد> به معنای گوشواره باشد. بنابراین <ولدان مخلّدون>; یعنی، جوانانی که گوشواره، بر گوششان آویخته شده است.

زینتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۳

۳ - باغ های بهشت ، مزین به حوریان خمارچشم مصون مانده از دست هر بیگانه

فیهنّ قصرت الطرف لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

برداشت بالا بدین احتمال است که <قاصرات الطرف> کنایه از چشم خمار باشد که در نتیجه خماری پلک ها بهم نزدیک شده است.

ساختار بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۶

۶ بهشت دارای باغ ها و بوستان های بسیار با نهرهایی جاری از زیر درختان انبوه آن

لهم جنت تجری من تحت الانهر خلدین فیها

ساقی شراب بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۲۵ – ۳

۳ – در آخرت ، ساقی شراب ، در خدمت نیکوکاران و عهده دار باده نوشاندن به آنان خواهد

بود .

یسقون

فعل مجهول <یُسْقَون> بیانگر این است که در آخرت فرد یا افرادی، باده ریز و شرابدار محفل می گساری نیکوکاران خواهند بود.

سایه در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۶ – ۳

۳ – وجود نوعی سایه دلپذیر و نور خورشیدمانند در بهشت

هم و أزوجهم فی ظلل

وجود سایه ها (ظلال) در بهشت، دلیل وجود نوعی نور است.

سایه های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۷ – ۵،۸

۵ بهشت مؤمنانِ دارای اعمال صالح ، جاودانه ، دارای نهر های جاری و سایه های پیوسته (هوای مطبوع و ملایم)

انّ الّذین امنوا و عملوا الصّالحات . .. و ندخلهم ظلا ظلیلا

<ظلّ> به معنای سایه و <ظلیلا> تأکید آن و ظاهراً کنایه از مطبوعیت هوای بهشت است.

۸ سایه آرام و دلپذیر ، جایگاهی ویژه در بهشت

و ندخلهم ظلا ظلیلا

تکرار <ندخلهم> حکایت از ویژگی ظلّ (سایه) در بهشت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - ابرار در بهشت ، از سایه های دل انگیز و دامن کشیده بر فراز آنان برخوردار بوده و در کمال آسایش به سر می برند .

و دانیه علیهم ظللها

۲ - بهشت ، دارای درختان پرسایه و نزدیک بر سر بهشتیان

و دانیه علیهم ظللها

<دانیه> از ریشه <دُنُوّ> (قرب و نزدیکی) است و <دانیه علیهم ظلالها>; یعنی، سایه های درختان بهشت، مانند چتر بر سر بهشتیان سایه افکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات -

۷۷ - ۴۱ - ۱،۲

۱ - جایگاه تقواپیشگان ، در سایه ها و چشمه سار های بهشت است .

إنّ المتّقین فی ظلل و عیون

۲ - بهشت ، داری سایه هایی از درختان انبوه و چشمه سارها

فی ظلل و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۱

۱ - محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون . .. کلوا و اشربوا هنیًا ... إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۴ - ۴

۴ - آرمیدن متقین در سایه بوستان ها و می گساری آنان ، در برابر محرومیت جهنمیان از خنکی و نوشیدنی ، انعکاسی از تقابل آثار طغیان گری و تقوا است .

لایذوقون فیها بردًا و لا شرابًا . .. حدائق و أعنبًا ... و کأسًا دهاقًا

سخن پسندیده در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۶ - ۱

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، جز سخنان سالم و پیراسته از لغو و نسبت های ناروا مبادله نمی شود .

لایسمعون فیها لغوًا . .. إلّا قیلًا سلمًا سلمًا

<قیل> معادل <قول> و موصوف <سلاماً> است; یعنی، <لایسمعون فیها إلّا قولاً هو سالم من اللغو و التأثیم>.

سرسبزی باغهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۴ – ۱

۱ – باغ های بهشت ، در نهایت

سبزی و طراوت ، بدون کمترین زردی و پژمردگی

مدهامّتان

<مدهامّتان> وصف برای <جنّتان> است و <ادهیمام>; یعنی، رنگ سبز که از شدت سبزی سیاه گون می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - باغ های سبز و پرطراوت بهشت ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

و من دونهما جنّتان . .. مدهامّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ - برگ های سبز و پرطراوت باغ های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

مدهامّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

سرسبزی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۳

۳ - بهشت ، دارای بوستان های متعدد ، سرسبز و پوشیده از درختان

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۴

۴ - بهشت ، دارای بوستان هایی است متعدد ، سر سبز و پوشیده از درختان .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنات> جمع جنّه است و <جنّت> به بوستانی گفته می شود که پوشیده از درختان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۷

۷ - ایمان به خداوند و اعتقاد به عزّت ، ستودگی ، حاکمیت ، مالکیت و گواه بودن او و انجام دادن تمامی اعمال صالح ، مایه بهره بردن از مناظر سبز و پر درخت و زمین آب خیز بهشت است .

إلاّ أن یؤمنوا باللّه العزیز . .. إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم

جنّت تج

برداشت یاد شده، از ارتباط این آیه با آیه هشتم و نهم استفاده می شود. <الصالحات>، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. عموم در این موارد، عرفی است; یعنی، تمام آن چه میسّر است. <جنّه>; یعنی، بوستانی که با درختان خود زمین را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

سرسبزی درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - بهشت ، دارای باغ هایی خرم و سرسبز با درختانی انبوه

فی روضات الجنّات

سرور در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۵ - ۲

۲ - مؤمنان نیک کردار ، در بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحبرون

<حِبر> درلغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و <فی روضه یحبرون> یعنی در باغی شادمانند.

سرور مردان بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۱

۱ - مردان بهشتی با همسرانشان در حالی که به شوخی و گفت وگوی لذت بخش مشغولند زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزیّن و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متّکئون

جمله <هم و أزواجهم. ..> استئناف بیانی برای آیه پیشـین (إنّ أصحاب الجّنه...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند بیان می کند. <أریکه> (مفرد <أرائک>) نیز به معنای تخت

مزین در حجله عروس است.

سرور همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۱

۱ - مردان بهشتی با همسرانشان در حالی که به شوخی و گفت وگوی لذت بخش مشغولند زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزیّن و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متّکئون

جمله <هم و أزواجهم. ..> استئناف بیانی برای آیه پیشین (إنّ أصحاب الجّنه...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند بیان می کند. <أریکه> (مفرد <أرائک>) نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

سروربخشی باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۲ - ۳

۳ - بوستان های مؤمنان در بهشت ، مسرت آفرین و در جایی بلند قرار دارد .

فی جنّه عالیه

سعادت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۱ - ۳

۳ - بهشت ، جایگاه خوشبختی و به دور از آزار و نوشیدنی های ناگوار و رنج گرما و تشنگی است .

لایذوقون فیها بردًا و لاشرابًا . إلاّ حمیمًا و غسّاقًا ... إنّ للمتّقین مفازًا

رهایی از شرّ که جزئی از معنای <مفاز> است ناظر به شروری است که دامنگیر دوزخیان است و آیات پیشین، گوشه هایی از

آن را بیان کرده است.

سعادتمندان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۵ – ۱۲،۱۳

۱۲ سعادتمندی رهایی یافتگان از آتش و ره یافتگان به بهشت

فمن زحزح عن النّار و ادخل الجنّه فقد فاز

<زحزح>، از مصدر <زحزحه>، به معنی دور شدن و کنایه از نجات یافتن است.

۱۳ بهشت ، جایگاه سعادتمندان

فمن زحزح . .. و ادخل الجنّه فقد فاز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۸ – ۱

۱ بهشت ، جایگاه سعادتمندان صحنه قیامت است .

و أما الذین سعدوا ففی الجنه خلدین فیها

سفیدی بدن همسران بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۴ – ۴

۴– همسران بهشتی تقواپیشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء>)؛ یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>)؛ یعنی، زنان فراخ چشم.

سفیدی همسران بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۹ – ۱،۲

۱ – زنان و حوران بهشتی ، از شدت سفیدی و درخشندگی همچون تخم شترمرغ زیر پر هستند .

کأنّهنّ بیض

<بیض> اسم جنس و مفرد آن <بیضه> و به معنای تخم شترمرغ است که رنگ آن سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است و این حیوان آن را زیر پر خود می پوشاند تا از غبار و آلودگی و دستبرد محفوظ ماند. عرب ها، زنان زیبا را به <بیض> تشبیه می کنند.

۲ – رنگ زنان بهشتی ، سفید و درخشنده

و کمی متمایل به زردی است .

كأنّهنّ بیض

سکونت آدم(ع) در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - خداوند ، به آدم (ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت کنند .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

۲ - سکونت آدم (ع) و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم . .. و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۵،۱۹

۵ - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه . .. فأزلّهما الشیطن عنها

عطف جمله <أزلهما . ..> بر آیه قبل به وسیله حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۱۹ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : < انما کان لبث آدم و حوا فی الجنه حتی خرجا من ها سبع ساعات من أیام الدنیا . . . ;

توقف آدم و حوا تا زمان خروجشان از بهشت هفت ساعت از روزهای دنیا بود . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۱

۱ ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشيطن

هنگامی که پس از کلمه <وسوسه>

حرف <لام> آورده شود، به معنای نقشه کشیدن و توطئه کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱

۱ - آدم (ع) و همسرش حوا ، در بهشت سکونت داشتند .

فقلنا . .. فلایخرجنّکما من الجنّه

<جنّه> به معنای باغ است و <الجنّه> در قرآن نوعاً به معنای بهشت به کار رفته است. گفتنی است که خروج آدم و حوا(ع) از بهشت خویش، نشانه آن است که آن بهشت، غیر از بهشت موعود بوده است.

سکونت حوا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - خداوند ، به آدم (ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت کنند .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

۲ - سکونت آدم (ع) و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم . .. و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۵،۱۹

۵ - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه . .. فأزلّهما الشیطن عنها

عطف جمله <أزلهما . ..> بر آیه قبل به وسیله حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۱۹ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : < انما

كان لبث آدم و حوا فى الجنه حتى خرجا من ها سبع ساعات من أيام الدنيا . . . ;

توقف آدم و حوا تا زمان خروجشان از بهشت هفت ساعت از روزهای دنیا بود . ..>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۰ – ۱

۱ ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشیطن

هنگامی که پس از کلمه <وسوسه> حرف <لام> آورده شود، به معنای نقشه کشیدن و توطئه کردن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۷ – ۱

۱ – آدم (ع) و همسرش حوا ، در بهشت سکونت داشتند .

فقلنا . .. فلایخرجنّکما من الجنّه

<جنّه> به معنای باغ است و <الجنّه> در قرآن نوعاً به معنای بهشت به کار رفته است. گفتنی است که خروج آدم و حوا(ع) از بهشت خویش، نشانه آن است که آن بهشت، غیر از بهشت موعود بوده است.

سلام به متقین در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۶ – ۳

۳– متقین با سلام و خوشامدگویی ، وارد بهشت می شوند .

ادخلوها بسلم ءامنین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <سلام> همان سلام و درود گفتن متعارف باشد که جزء فرهنگ مسلمانان است.

سلام نگهبانان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۹

۹ - سلام و خوش آمدگویی دربانان بهشت به تقواپیشگان ، هنگام ورود آنان

و قال لهم

خزنتها سلم علیکم

سلامت متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۶ - ۱

۱- دعوت از تقواپیشگان برای ورود به بهشت ، همراه با سلامت و امنیت کامل و به دور از هرگونه رنج ، درد ، ناخوشی و ناامنی است .

إن المتقین فی جنّت و عیون

<باء> در <بسلام> در معنای <مصاحبت> به کار رفته است.

سلامتی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۸

۸ اصحاب اعراف با فریادی رسا سلامت و امنیت کامل را به مؤمنان راهی بهشت مژده می دهند .

و نادوا اصحب الجنه أن سلم علیکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <سلم علیکم> جمله ای اخباری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۵ - ۱

۱ بهشت ، سرایی است سراسر سلامت ، امنیت و آرامش .

و اللّه یدعوا إلی دارالسلم

سنگ های نازله از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۲۳

۲۳ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود : < نزلت ثلاثه احجار من الجنه . . . و حجر بنی اسرائیل . . . ;

سه سنگ از بهشت نازل گشته . .. یکی از آنها سنگی بود که در میان بنی اسرائیل بود]و به هنگام نیاز از آن آب بر می گرفتند[...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۷

- ۲۷

از امام باقر (ع) روایت شده : < نزلت ثلاثه أحجار من الجنه . . . و مقام إبراهیم . . . ;

سه سنگ از بهشت فرود آمده . .. و از جمله آنها مقام ابراهیم است ... >.

سهولت ورود متقین در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۴ – ۲

۲ – نبودن کم ترین سختی و ملالت برای تقواپیشگان ، در انتقال از صحنه قیامت به باغ های بهشت

ادخلوها بسلم

سیری در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۳ – ۲

۲ – در بهشت اصحاب الیمین ، هرگز مانعی همچون سیر بودن ، بیمار بودن ، در دسترس نبودن و . . . برای تناول میوه وجود ندارد .

و فکهه . .. و لاممنوعه

شاخه های درختان بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۸ – ۱

۱ – بهشت ، دارای درختانی با شاخ و برگ هایی شاداب و پرطراوت

ذواتا أفنان

<أفنان> (جمع <فنن>) است و آن به شاخه تر و تازه درخت گفته می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۹ – ۵

۵ – درختان روییده در بهشت اصحاب الیمین ، دارای شاخه های چیده شده بر روی هم

و طلح منضود

در صورتی که <طلح> به معنای درخت اقاقیا باشد، <منضود> وصف شاخه های آن خواهد بود.

شادابی خدمتکاران بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۹ – ۵

۵

- ابرار در بهشت ، می آمیخته با زنجبیل را از دست جوانکان همیشه شاداب خواهند نوشید .

و یطاف علیهم بانیه . .. و یسقون فیها ... مزاجها زنجبیلاً ... و یطوف علیهم ولدن

آیات گذشته، قرینه بر این است که یکی از مصادیق اصلی خدمت گزاری جوانکان به ابرار، نوشاندن می بهشتی به آنان است، چنان که در آیه ۱۷ و ۱۸ سوره <واقعه> بدان تصریح شده است: <یطوف علیهم ولدان مخلّدون . بأکواب و أبارق و کأس من معین>.

شادابی درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۸ - ۱

۱ - بهشت ، دارای درختانی با شاخ و برگ هایی شاداب و پرطراوت

ذواتا أفنان

<أفنان> (جمع <فنن>) است و آن به شاخه تر و تازه درخت گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۱

۱ - درختان پرطراوت و نعمت های متنوع بهشت ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

ذواتا أفنان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

شب در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۷

۷- در زندگی بهشتیان ، تنوع زمان (بامداد و پسین) وجود دارد .

لهم رزقهم فیها بکره و عشیًّا

شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۸ - ۱،۲

۱ - باده نوشی پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در مجالس انس شان در بهشت

متّکین علیها متقبلین . .. بأکواب و أباریق و کأس من معین

۲ - جوانکان خدمت گذار

، باده گردانان مجالس انس پیشتازان (سابقون) در بهشت

یطوف علیهم ولدن . .. بأکواب و أباریق و کأس من معین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۹ – ۵

۵ – ابرار در بهشت ، می آمیخته با زنجبیل را از دست جوانکان همیشه شاداب خواهند نوشید .

و یطاف علیهم بانیه . .. و یسقون فیها ... مزاجها زنجبیلاً ... و یطوف علیهم ولدن

آیات گذشته، قرینه بر این است که یکی از مصادیق اصلی خدمت گزاری جوانکان به ابرار، نوشاندن می بهشتی به آنان است، چنان که در آیه ۱۷ و ۱۸ سوره <واقعه> بدان تصریح شده است: <یطوف علیهم ولدان مخلّدون . بأکواب و أبارق و کأس من معین>.

شراب بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۵ – ۲،۴

۲ – جاری بودن چشمه هایی از شراب ناب در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

<معین> به آبی زلال گفته می شود که بر روی زمین جاری باشد (چون نهر). این واژه به منزله صفت برای <کأس> است; بنابراین بهشت بندگان خالص خدا دارای نهرهایی از شراب ناب است که جام هایی از آنها به بهشتیان عرضه می شود.

۴ – شراب ناب ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۲ – ۱،۳

۱ – زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با

زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلک خیر نزلاً أم شجره الزّقّوم

خوب بودن زنـدگی بهشتیـان و بـدی زنـدگی دوزخیان امری روشن و آشـکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زنـدگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

۳ - انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلَص خدا

إلّا عباد اللّه المخلصین . .. فی جنّت النعیم ... و عندهم قصرت الطرف ... أذلک خ

<نزل> به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

شراب بهشتی و مستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۷ - ۲

۲ - شراب بهشتیان ، مستی آور و عقل و هوش برنده نیست .

و لا هم عنها ینزفون

کلمه <ینزفون>، به معنای <یسکرون> است.

شرایط بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۳

۳ - ایمان به همراه عمل صالح ، شرط ورود به بهشت

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

شرایط جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۶

۶- ورود به بهشت و جاودان ماندن مؤمنان صالح در آن به اذن خداوند است .

و أُدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . .. بإذن ربّهم

شرایط نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷

- ۱۵ - ۴

۴- تقوا و خویشتن داری از مخالفت با خدا ، شرط بهرهوری از نعمت های عالی بهشت

الجنّه الّتی وعد المتّقون

وصف <متّقین>، مشعر به علّیت است.

شرایط ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۶

۶- ورود به بهشت و جاودان ماندن مؤمنان صالح در آن به اذن خداوند است .

و أُدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . .. بإذن ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۶،۷،۱۰

۶ - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّت . .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

۷ - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود به بهشت

و أدخلهم جنّت . .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

۱۰ - ایمان ، توبه و پیروی از دین ، از شرایط ورود به بهشت

و یستغفرون للذین ءامنوا . .. فاغفر للذین تابوا و اتّبعوا سبیلک ... و أدخلهم جنّ

برداشت یاد شده از آن جا است که فرشتگان پیش از درخواست بهشت برای مؤمنان، آنان را به وصف ایمان، توبه و پیروی از راه دین توصیف کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۷ – ۴

۴ – تقوا ، اصلی ترین شرط ورود به بهشت و بارزترین ویژگی بهشتیان

إنّ المتّقین فی جنّت و نعیم

شفافیت جامهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۶ – ۲

– ۲

قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در صفا و شفافیت ، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی ، همچون نقره است .

کانت قواریرَا . قواریرَا من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه بلیغ دانسته اند; نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و در عین حال نقره است.

شکر نعمت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۹

۹ بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده مواهب آن ، خداوند را به خاطر هدایت شدن و نیلشان به بهشت ، سپاس می گویند .

و قالوا الحمد للّه الذی هدینا لهذا

شکل جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۳

۳ - ظرف ها و جام های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در هندسه و اندازه های بسیار دقیق است .

قدّروها تقدیرًا

نصب <تقدیراً>به جهت مفعول مطلق بودن آن برای فعل <قدّروا> است و این در حقیقت تأکیدی برای مفاد آن فعل است.

شکل ظروف بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۵

۵ - اندازه گیری و هندسه ظرف ها و جام های بهشتی و مقدار محتوای آنها ، به سفارش و خواسته خود بهشتیان است .

قدّروها تقديرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که فاعل <قدّروا> خود ابرار باشد.

شهیدان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷

- محمد - ۴۷ - ۶ - ۱

۱- بهشت موعود ، پاداش شهیدان راه خدا

و یدخلهم الجنّه عرّفها لهم

شیطان در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۴

۴ - شیطان در بهشت آدم (ع) ، حضور یافته بود .

قال یَادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۷

۷ - شیطان در بهشتِ آدم (ع) و حوا ، حضور داشت .

فأزلهما الشیطن عنها

صابران در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۵

۵ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش صابران است .

یجزون الغرفه بما صبروا . .. خلدین فیها حسنت مستقرًّا و مقامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۲ - ۱

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، میهمانان خداوند در بهشت

إنّ الذين قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا . .. نزلاً من غفور رحيم

<نُزُل> به چیزی گفته می شود که برای پذیرایی از میهمان آماده می کنند.

صادقان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲۰ - ۷

۷ مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت . .. و ما فیهن و هو علی کل شیء قدیر

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به

صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

صالحان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۴

۴ مسیحیان مؤمن به قرآن و پیامبر (ص) آرزومند همراهی با صالحان در بهشت

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول حذف شده از <یدخلنا> به قرینه مقام و نیز آیه بعد <الجنه> باشد یعنی <نطمع ان یدخلنا الجنه مع القوم الصالحین>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۸

۸ صالحان بهره مند از بهشت جاویدان

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین. فاثبهم اللّه بما قالوا جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۷

۷ بهشت جایگاه صالحان است .

و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۱

۱- استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. أُولئک لهم جنّت عدن

جمله <أَولئك. ..> يا خبر يكم براى <إنّ> در صـدر آيه قبل است و يا خبر دوم و احتمال سوم آن است كه جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارِاليه <أُولئك> <الذين امنوا...> در آيه قبل است. <عَدنْ> به معناى اقامت گزيدن و مستقر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- ١٠

کهف – ۱۸ – ۱۰۸ – ۱

۱– مؤمنان نیک کردار ، در باغ های بهشت برین ، جاودانه اند .

جنّت الفردوس نزلاً . خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۸ – ۶

۶ – مؤمنان دارای عمل صالح ، در بهشت ، جاودانه خواهند بود .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه. ..خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۵ – ۲

۲ – مؤمنان نیک کردار ، در بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحبرون

<حِبر> درلغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و <فی روضه یحبرون> یعنی در باغی شادمانند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۸ – ۱

۱ – بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنانِ دارای اعمال صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. لهم جنّت النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۹ – ۴

۴ – وعده ورود مؤمنان دارای عمل صالح به بهشت و خلود در آن ، وعده ای تخلف ناپذیر است .

لهم جنّت النعیم خلدین فیها وعد اللّه حقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۳

۳ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذکر أو أُنثی و هو مؤمن فأُولئک یدخلون الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲

- ۲۲ - ۹،۱۳

۹ - مؤمنان نیک کردار ، ایمن در قیامت و برخوردار از بوستان های بهشت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی روضات الجنّات

از تقابل <تری الظالمین> با <و الذین ءامنوا> مطلب یاد شده استفاده می شود.

۱۳ - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۴ - ۶

۶- بهره مندی هماره و سهل موحدان نیکوکار ، از نعمت های الهی در بهشت

أُولئک أصحب الجنّه

تعبیر به <أصحاب> اشاره به همنشینی دائم و همیشگی یکتاپرستان استوار بر طریق ایمان، با نعمت های بهشتی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۲

۲- ره یافتن مؤمنان نیک کردار به بهشت ، نمودی از ولایت الهی بر آنان

ذلک بأنّ اللّه مولی الذین ءامنوا . .. إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلح

صالحان در بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۳

۳- بهشت های عدن ، جایگاه توبه کنند گان مؤمن و دارای عمل صالح

فأُولئک یدخلون الجنّه . .. جنّت عدن

صبح در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۷

۷- در زندگی بهشتیان ، تنوع زمان (بامداد و پسین) وجود دارد .

لهم رزقهم فیها بکره و عشیًّا

صداقت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۵ - ۴

۴ -

بهشت ، سرزمین صداقت و راستی بدون کمترین دغل و نادرستی *

فی جنّت و نهر . فی مقعد صدق

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <صدق> در مقابل کذب باشد. در این صورت جایگاه صدق; یعنی، جایگاهی که در آن صداقت و راستی حاکم است و از هرگونه دغل و نادرستی مبرا می باشد.

صفات بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۴

۴ بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی ، پاداش تضمین شده از جانب خداوند ، برای تقواپیشگان

للّذین اتقوا . .. جنات ... خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۲،۱۲

۲ ضرورت شتاب برای نیل به بهشتی که به پهنای آسمان ها و زمین است .

و سارعوا . .. و جنّه عرضها السّموات و الارض

۱۲ بهشت موعود اهل تقوا ، دارای وسعتی به پهنه آسمان ها و زمین

و جنّه عرضها السّموات و الأرض اعدّت للمتّقین

بنابر اینکه مراد از <عرض>، وسعت باشد، نه عرض مقابلِ طول.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۱۰،۱۲

۱۰ بهشت ها ، جایگاهی جاودانه و دارای نهرهایی جاری

و جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها

۱۲ آمرزش گناهان و بهشت های دارای نهر های جاری ، پاداش خوبی برای عمل کنندگان به دستورات الهی

اولئك جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و نعم اجر

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ بهشت ، دارای بوستان های متعدد و سرشار از نعمت

لادخلنهم جنت النعیم

<نعیم> به معنای فراوان است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۳،۴،۵

۳- بهشت جایگاه مؤمنان و پوشیده از درختان انبوه است .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنات> به جایی گفته می شود که مملو از درخت باشد، به گونه ای که زمین را با درختان خود بپوشاند. جمع آورده شدن <جنات> هم می تواند مؤید این مطلب باشد.

۴- بهشت ، مجموعه ای از باغ های متعدد است . *

جنّت تجری من تحتها الأنهر

جمع آورده شدن <جنات> می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

۵- نهر های فراوانی همواره در بهشت جاری است .

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۵

۵- بهشت ، واجد تمامی موهبت ها و خوبی های قابل تصور برای انسان

جنّت عدن . .. لهم فیها ما یشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - < عن أبی عبداللّه (ع) . . . قال : إنّ اللّه خلق الجنّه . . . و لم ترها عین و لم یطلع علیها مخلوق . . . و هو قول اللّه تعالی : < فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: خداوند، بهشت را آفرید و هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ مخلوقی از آن

آگاه نگشته است . .. و آن، این سخن خداوند است که می فرماید: فلاتعلم نفس ما أَخفی لهم من قرُّه أعین>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۱ – ۷

۷ – اطلاع فرشتگان از بهشت برین و خصوصیات آن

تتنزّل علیهم الملئکه . .. و أبشروا بالجنّه ... و لکم فیها ما تدّعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۴

۴– جریان نهر ها در زیر قصر ها و درخت های بهشت ، از جاذبه های مهم آن است .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

از آن جا که خداوند از میان همه اوصاف بهشت، تنها به جریان نهرها اشاره کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۵ – ۱

۱ – بهشت ، در بردارنده همه آرزو ها و برآورنده همه خواسته های بهشتیان

لهم ما یشاءون فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۷ – ۷

۷ – بهشت ، متشکل از باغ های بسیار با درختانی انبوه و نعمت های گسترده و گوناگون

إنّ المتّقین فی جنّت و نعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۴ – ۲

۲ – بهشت ، دارای درختان پرسایه و نزدیک بر سر بهشتیان

و دانیه علیهم ظللها

<دانیه> از ریشه <دُنُوّ> (قرب و نزدیکی) است و <دانیه علیهم ظلالها>; یعنی، سایه های درختان بهشت، مانند چتر بر سر بهشتیان سایه افکنده است.

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۶

۶ - بوستان های بهشت ، دارای نهرهایی فراوان که از زیر آن بیرون زده و جریان می یابد .

لهم جنّت تجری من تحتها الأنهر

حرف <من> برای ابتدای غایت است و دلالت دارد که آب نهرها، از منابع زیر زمینی بوستان ها تأمین می شود. این احتمال نیز وجود دارد که با تقدیر گرفتن کلمه <اشجار>، مراد از <من تحتها>، <من تحت اشجارها> باشد.

صفات بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۸

۸ حسین بن میسرقال: سألت أبا عبدالله(ع) عن جنه آدم(ع) فقال: جنه من جنان الدنیا تطلع فیها الشمس و القمر و لو کانت من جنان الآخره ما خرج منها أبدا.

حسین بن میسر گوید از امام صادق(ع) درباره بهشت آدم سؤال کردم، فرمود: باغی از باغهای دنیا بود که خورشید و ماه در آن طلوع می کرد و اگر از باغهای بهشتی بود، هرگز آدم(ع) از آن خارج نمی شد.

صفات جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۳

۳ - ظرف ها و جام های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در هندسه و اندازه های بسیار دقیق است .

قدّروها تقدیرًا

نصب <تقدیراً>به جهت مفعول مطلق بودن آن برای فعل <قدّروا> است و این در حقیقت تأکیدی برای مفاد آن فعل است.

صفات درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ عبدالسلام بن صالح الهروى قال:

قلت للرضـا(ع): یابن رسول الله أخبرنی عن الشـجره التی اکل منها آدم و حوا ما کانت؟ فقـد اختلف الناس فیها فمنهم من یروی انها الجنیه و منهم من یروی انها العنب و منهم من یروی انها شجره الحسد، فقال(ع): کل ذلک حق. قلت: فما معنی هذه الوجوه علی اختلافها؟ فقال: یا أباالصلت ان شجره الجنه تحمل انواعا فکانت شجره الحنطه و فیها عنب و لیست کشجره الدنیا ... .

عبدالسـلام بن صالـح هروی گویـد: به امـام رضـا(ع) گفتم: یـابن رسول الله(ص) مرا آگاه کنیـد، درختی که آدم و حوا از آن خوردنـد چه بوده؟ مردم درباره آن اختلاف دارند ; عده ای می گویند: آن، درخت گندم بوده، عده ای گویند: درخت انگور بوده و بعضـی دیگر می گویند: آن، درخت حسد بوده، آن حضرت فرمود: تمامی اینها درست است. گفتم: این وجوه مختلفی که گفته شده چه معنایی دارد؟ فرمود: ای اباصلت، درخت بهشتی چند نوع ثمره دارد ; یعنی درخت گندم انگور هم می دهد و مانند درختان دنیا نیست ... .

صفات نهرهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۶

۶ بهشت دارای نهرهایی متعدد ، لبریز و همواره جاری

تجری من تحتهم الأنهر

اِسناد جریان به خود نهرها، همانند <جری المیزاب>، حکایت از پر بودن و لبریز بودن نهرهای بهشتی دارد.

صفات همسران بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۸ – ۲،۴،۵

۲ – بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مراد

از <قاصرات الطرف> کوتاه کردن از نگاه و فروهشتن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهشتن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

۴ – زنان بهشتی ، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

و عندهم قصرت الطرف

۵ – زنان بهشتی ، برخوردار از چشمانی درشت و جذاب

قصرت الطرف عین

<عیناء> (مفرد <عِین>) به معنای چشم درشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۹ – ۱،۲،۳

۱ – زنان و حوران بهشتی ، از شدت سفیدی و درخشندگی همچون تخم شترمرغ زیر پر هستند .

کأنّهنّ بیض

<بیض> اسم جنس و مفرد آن <بیضه> و به معنای تخم شترمرغ است که رنگ آن سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است و این حیوان آن را زیر پر خود می پوشاند تا از غبار و آلودگی و دستبرد محفوظ ماند. عرب ها، زنان زیبا را به <بیض> تشبیه می کنند.

۲ – رنگ زنان بهشتی ، سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است .

کأنّهنّ بیض

۳ – تمیزی و دوشیزگی ، از اوصاف زنان بهشتی

کأنّهنّ بیض مکنون

تشبیه به پوشیده بودن تخم ها زیر پر شترمرغ، کنایه از تمیز بودن زنان بهشتی است و مصون بودن آنان که مفاد عبارت <مکنون> می باشد کنایه از محفوظ ماندن آنان از دستبرد دیگران و دوشیزگی ایشان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۲ – ۴

۴ – زنان بهشتی ، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

و عندهم قصرت الطرف

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۴

۴- همسران بهشتی تقواپیشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء>)؛ یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاًـ مشکی و سفیدی آن کاملًا نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>)؛ یعنی، زنان فراخ چشم.

ضامن بهشت شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۶

۱۶ تضمین قطعی بهشت از سوی خداوند ، برای مجاهدان رزمنده ای که سرانجام به شهادت می رسند . *

فیقتلون و یقتلون

برداشت فوق بدین احتمال است که <و یقتلون> قید باشد ؛ یعنی، صرفاً کشتن دشمنان خدا تضمین کننده بهشت نیست و به حساب معامله با خدا گذاشته نمی شود ؛ بلکه کشتن و نهایتا کشته شدن، معامله با خداست.

طبقات بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۰ - ۲

۲ - بخش های متعدد بهشت ، در ارزش و موقعیت جغرافیایی ، باهم برابر نیستند .

فی جنّه عالیه

<عالیه> مطلق بوده و ممکن است به علوّ مکانی، یا رتبه ای و یا هر دو نظر داشته باشد.

طعام در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۸ – ۱

۱ – آدم (ع) در بهشت خویش از نظر غذا و پوشاک تأمین بود .

إنّ لک ألّاتجوع فیها و لاتعری

تعبیر <إنّ لک. ..> وعده ای از جانب خداوند به آدم(ع) است و بیان خاصیت بهشت نمی باشد; زیرا

خوردن از درخت ممنوع سبب شد که آدم(ع) در همین بهشت عریان شود و وعده <لاتعری> در حق او عملی نگردد.

طهارت همسران بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۵ – ۱۳،۱۷

۱۳ – بهشتیان در بهشت ، همسرانی پاک و مطهر خواهند داشت .

و لهم فیها ازوج مطهره

۱۷ – < سئل الصادق (ع) عن قول اللّه عز و جل < لهم فیها أزواج مطهره > قال : الأزواج المطهره اللاتی لایحضن و لایحدثن ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عز و جل که می فرماید: <برای مؤمنان در بهشت همسران پاکیزه هست> سؤال شد فرمود: یعنی همسران بهشتی آلوده به حیض و حدث نمی شوند>.

ظروف بلورین بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۵ – ۳

۳ – لذت بخش بودن استفاده از ظرف های سیمین و بلورین ، برای بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرَا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان نعمت ها و لذت های بهشتی است.

ظروف بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۸ – ۳

۳ – جام ، آبریز و پیاله ، ظروف باده بهشت

بأکواب و أباریق و کأس

<کوب> (مفرد <أکواب>) به ظرفی که نه خرطوم دارد و نه دسته گفته می شود. بهترین معادل فارسی آن ظاهراً جام است.
<أبریق> (مفرد <أباریق> و به معنای آبریز) ظرفی است که هم دسته و هم خرطوم دارد و <کأس> پیاله ای

است که از شراب پر شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۵ – ۲

۲ – جام های سیمین و کوزه ها و قدح های بلورین ، از ظرف های بهشتی برای پذیرایی بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۶ – ۴

۴ – پذیرایی از بهشتیان (ابرار و . . .) ، با ظرف ها و جام های متناسب با نیاز و میل آنان خواهد بود .

قدّروها تقدیرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که اندازه گیری ظرف ها و جام ها، ممکن است به لحاظ مقدار نیازها و میل های بهشتیان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۴ – ۳

۳ – جام هایی پیاپی از شراب ناب ، وسیله پذیرایی از تقواپیشگان در بهشت

و کأسًا دهاقًا

برخی گفته اند: <دهاقاً>; از ریشه <دهق> (گره زدن پیاپی) به معنای رساندن پیاپی به نوشندگان است. برخی دیگر آن را به معنای خالص و صاف دانسته اند. (لسان العرب)

ظروف طلایی بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۲،۳

۲ – ظرف ها و جام های بهشتیان ، از جنس طلا است .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

۳ – در بهشت ، خوردن و آشامیدن از ظرف های طلا ممنوعیتی ندارد .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

ظروف نقره ای بهشت

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۵ – ۳

۳ – لذت بخش بودن استفاده از ظرف های سیمین و بلورین ، برای بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرَا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان نعمت ها و لذت های بهشتی است.

ظهور حقایق در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۱۴

۱۴ بهشتیان حقانیت رسالت و وعده های پیامبران را درمی یابند و با سوگند آن را بازگو می کنند .

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

عاقلان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۶ – ۶

۶– خردمندان روی آورده به خدا ، با روحیه شکر ، توبه و تسلیم ، در زمره بهشتیان

و بلغ أربعین سنه قال ربّ أوزعنی . .. إنّی تبت ... نتجاوز عن سیّئاتهم فی أصحب ال

مرجع ضمیر <سیّئاتهم> کسانی است که به سن رشد و کمال رسیده و به نیایش پرداخته و بر توبه و تسلیم خویش تأکید میورزند.

عبادت برای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۴ – ۱۰

۱۰ - پرستش خدا با انگیزه برخوردار شدن از موهبت ها و نعمت های بهشت ، امری جایز و بلامانع است .

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

عجز از ادراک بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۷

۷ آدمیان در حیات دنیا از تصور و درک

صحیح بهشت و ویژگی های آن ، ناتوانند .

مثل الجنه التی وعد المتقون

برخی برآنند که کلمه <مثل> در آیه شریفه به معنای شبیه و مانند می باشد و به این نکته اشاره دارد که آنچه در بیان بهشت ذکر می شود به عنوان مشابه است و گرنه واقعیت و حقیقت آن چیزدیگری است که نمی توان آن را توصیف کرد; زیرا بشر در تنگنای حیات دنیا از ادراک آن ناتوان است.

عجله در ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۵،۶

۵ - شوق دیدار بهشت ، باعث حرکت شتابان مؤمنان در قیامت و دویدن آنان در مسیر منتهی به آن

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین أیدیهم

حرکت سریع و دوان دوان مؤمنان به سوی بهشت، حکایت از اشتیاق شدید آنان به دیدار آن و رساندن هر چه زودتر خود به آن جایگاه همیشگی دارد.

۶ - منظره حرکت شتابان زنان و مردان مؤمن در قیامت ، به سوی بهشت با چهره هایی چونان چراغ فروزان ، بس زیبا و چشم نواز برای بینندگان

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین أیدیهم و بأیمنهم

در صورتی که مراد <تری> هر فرد بیننده باشد، به نظر می رسد آیه شریفه در مقام تصویر صحنه ای است که نظر هر بیننده ای را در آن روز به خود جلب می کند.

عطر بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۷ - ۲

۲ - می بهشت ، معطّر و پیراسته از بوی آزاردهنده

و یسقون فیها کأسًا کان مزاجها زنجبیلاً

عطر

شراب بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۵ – ۲

۲ – مىِ بهشت ، معطّر و پیراسته از بوى آزاردهنده

إنّ الأبرار یشربون من كأس كان مزاجها كافورًا

عظمت باغهاى بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۲ – ۴

۴ – بوستان هاى دنیوى در مقایسه با بوستان هاى بهشتى ، بى مقدار و ناچیز است .

فى جنّه عالیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴۰ – ۱

۱ – اصحاب الیمین (خوبان و نیكان) ، در بوستان هاى پرعظمت و وصف ناپذیر جاى خواهند گرفت .

أصحب الیمین . فى جنّت

<جنّات> جمع <جنّت> (بوستان) است و تنوین آن بر تعظیم دلالت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۱ – ۹

۹ – برخوردارى از بوستان هاى آب خیز بهشت ، دستاوردى عظیم و آزادى بزرگ است .

ذلك الفوز الكبیر

<فاز به>; یعنى، به آن دست یافت و <فاز منه>; یعنى، از آن نجات پیدا كرد (قاموس). در این موارد كه حرف ربط آن

ذکر نشده است هر دو معنا می تواند، مراد باشد.

عظمت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ بهشت ، مکانی گرانمایه و با شرافت

و ندخلکم مدخلا کریماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۱

۱۱- حقیقت بهشت و دوزخ ، فراتر از سطح درک بشر

فإنّما یسّرنه

بلسانك لعلّهم يتذكّرون

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که در ترسیم دوزخ و بهشت بود استفاده می شود که آنچه در آن آیات آمده، شکل آسان شده و تنزل یافته مطلب است; نه ماهیت عالی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۷

۷ - بهشت ، تجلی رحمت الهی در قیامت

فیدخلهم ربّهم فی رحمته

بنابراین که مراد از <رحمت> بهشت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

عظمت تختهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۴ - ۲

۲ - استفاده اصحاب الیمین در بهشت ، از تخت های بلند و با شکوه

و فرش مرفوعه

برداشت یاد شده بر این احتمال است که <فرش> به معنای تخت ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۳ - ۱

۱ - بهشت برین ، دارای تخت هایی بر افراشته و با عظمت

فیها سرر مرفوعه

<سریر> (مفرد <سرر>)، به معنای مکان دراز کشیدن است (قاموس). این کلمه به معنای جایگاه جلوس نیز آمده و با سرور (شادمانی)، از یک ریشه است. تناسب آن این است که <سریر> ویژه رفاه مندان است (مفردات راغب). نکره آوردن <سریر>، برای بیان عظمت است و توصیف آن به <مرفوعه> با آن که <سریر> همواره از زمین برجسته است تأکیدی بر

کمال برجستگی آن است.

عظمت چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۲ - ۱

۱ - بهشت برین ، دارای چشمه ای

با عظمت و همیشه جاری

فیها عین جاریه

<عین> نکره است و دلالت بر آن دارد که عظمت چشمه بهشت، فراتر از آن است که بتوان شناخت. توصیف آن با کلمه <جاریه> یا <تجری>، دلالت دارد که جریان آن، مداوم است.

عفت همسران بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۶ – ۱

۱ – زنان بهشت ، تنها شیفته و فریفته شوهران خویش و چشم بسته بر هر اجنبی

فیهنّ قصرت الطرف

<قاصرات الطرف> (زنان فرو هشته نگاه)، ظاهراً کنایه از چشم دریده نبودن است.

عفت همسران بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۸ – ۱

۱ – بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهران خود ، چشم ندوخته و نظر نمی افکنند .

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <قاصرات الطرف> (چشم فروهشتگان)، زنانی اند که چشم از دیگران برگرفته و تنها به همسران خود می نگرند. گفتنی است که این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسران خود باشد.

عقل همسران بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۴ – ۳

۳ – همخوابگان اصحاب الیمین در بهشت ، زنانی در اوج شکوه و جلال مادی و معنوی (عقل ، کمال و جمال)

و فرش مرفوعه

برخی از مفسـران بر آننـد که مراد از <فرش> در آیه شـریفه به قرینه آیه بعد (إنّا أنشأناهنّ إنشاء) همسـران و همخوابگان می باشد. بر این اساس وصف <مرفوعه> اشاره به مطلبی دارد که در برداشت بالا

آمده است.

علایق همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۱

۱ - زنان بهشت ، تنها شیفته و فریفته شوهران خویش و چشم بسته بر هر اجنبی

فیهنّ قصرت الطرف

<قاصرات الطرف> (زنان فرو هشته نگاه)، ظاهراً کنایه از چشم دریده نبودن است.

علایق همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۱

۱ - بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهران خود ، چشم ندوخته و نظر نمی افکنند .

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <قاصرات الطرف> (چشم فروهشتگان)، زنانی اند که چشم از دیگران برگرفته و تنها به همسران خود می نگرند. گفتنی است که این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسران خود باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۱

۱ - تقواپیشگان در بهشت ، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهرانشان چشم ندوخته و نظر نمی افکنند .

إنّ للمتّقين لحسن مئاب . .. و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <قاصرات الطرف> (چشم فروهشتگان) زنانی اند که چشم از دیگران برمی گیرند و تنها به همسران خود می نگرند. این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسرانشان باشد.

عوامل آسایش در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۴ - ۴

۴ - آرمیدن متقین در سایه بوستان ها و می گساری آنان ، در برابر محرومیت جهنمیان از خنکی

و نوشیدنی ، انعکاسی از تقابل آثار طغیان گری و تقوا است .

لايذوقون فيها بردًا و لا شرابًا . .. حدائق و أعنبًا ... و كأسًا دهاقًا

عوامل اخراج آدم(ع) از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۲

۲ - ابلیس ، برای بیرون راندن آدم و حوا (ع) از بهشت ، در کمین آنان بود .

إنّ هذا عدوّ لك و لزوجك فلايخرجنّكما

عوامل جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۲ - ۱،۲

۱ - مؤمنان به پیامبر (ص) ، که دارای اعمال صالح باشند ، اهل بهشت بوده و در آن جاودان خواهند بود .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت أولئك أصحب الجنه هم فيها خلدون

مراد از ایمان در آیه مورد بحث - به قرینه آیه ۷۵ (أفتطمعون أن يؤمنوا لكم) - ایمان به پیامبر(ص) و اسلام است.

۲ - ایمان بدون عمل صالح و عمل صالح بدون ایمان ، در پی دارنده پاداش (خلود در بهشت) نخواهد بود .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت . .. هم فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۷

۷- مؤمنان دارای عمل صالح ، مورد عنایت پروردگار خویش بوده و ورود و جاودان ماندنشان در بهشت برخاسته از ربوبیت اوست .

أُدخل الذين ءامنوا . .. جنّت ... خلدين فيها بإذن ربّهم

اضافه شدن <ربّ> به ضمیر <هم>، که مرجع آن <الذین آمنوا> است، مشعر به معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳ - ۳

۳- درنگِ جاودانه مؤمنان در بهشت ، نتیجه مداومت آنان بر اَعمال نیک است .

یعملون الصلحت . .. مکثین فیه أبدًا

ذکر <ماکثین فیه أبداً> پس از جمله <یعملون الصالحات> که بر استمرار دلالت دارد می تواند نشاندهنده این مطلب باشد که جاودانگی آنان در بهشت، نتیجه مداومت شان بر اَعمال نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱۵

۱۵ - تقوا ، عامل جاودانگی در بهشت

الذین اتّقوا ربّهم إلی الجنّه زمرًا . .. فادخلوها خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۴

۱۴ - ضرورت توأم بودن ایمان و عمل صالح ، در به دست آوردن کامیابی اخروی و بهشت جاویدان

و من یؤمن باللّه و یعمل صلحًا یکفّر عنه سیّئاته . .. ذلک الفوز العظیم

عوامل جذابیت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۸

۸ - اهمیت نقش نهر های بهشت ، در زیبایی و جذابیت آن

جنّت تجری من تحتها الأنهر

از این که خداوند، تنها وصفی را که برای باغ های بهشت یاد کرده وصف <تجری. ..> است; مطلب یاد شده استفاده می شود.

عوامل محرومیت از بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱

۱ - آدم (ع) و حوا ، در پی تناول از درخت منع شده ، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند .

فأكلا

منها . .. قال اهبطا منها

<إهبطا> ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم(ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

عوامل محرومیت از نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۵

۵ - جرم پیشگی ، عامل محرومیت از نعمت ها و موهبت های بهشت

إنّکم مجرمون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إنّکم مجرمون> در مقام تعلیل برای مطالب پیشین است.

غرفه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۵

۵ - از زیر غرفه های بهشت ، نهر های آب ، مدام ، جاری است .

من الجنّه غرفًا تجری من تحتها الأنهر

بنابر بازگشت ضمیر <تحتها> به <غرف>، نکته بالا، قابل استفاده است.

غفلت از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس به خاطر نیندیشیدن به نعمت بهشت ، بیم نداشتن از مقام پروردگار و تکذیب نعمت های او

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

لحن توبیخی آیه شریفه و تقابل تکذیب گران با بیم دارندگان از مقام پروردگار، بیانگر مطلب یاد شده است.

فاصله بهشت و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰

۲ بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ و با فاصله ای زیاد از آن

و نادی اصحب النار اصحب الجنه أن أفیضوا علینا

کلمه <افاضه> که به معنای ریزش است، حکایت از این دارد که بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ قرار گرفته است. به کارگیری ندا (خواندن با صدای بلند)، اشاره به دوری بهشت و دوزخ از یکدیگر دارد.

فردوس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۷ - ۶،۷

۶- < عن النبی (ص) : الفردوس أعلی درجه فی الجنّه و فیها یکون عرش الرحمن و منها تفجر أنهار الجنّه الأربعه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده: فردوس، بالاترین درجه بهشت است و عرش رحمان در آن جا است و نهرهای چهارگانه بهشت، از آن جا سرچشمه می گیرد>.

۷- < عن النبی (ص) : الفردوس من ربوه الجنّه هی أوسطها و أحسنها ;

از پیامبر(ص) روایت شده: فردوس، از مکان های مرتفع بهشت است و آن جا وسط و بهترین مکان بهشت است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱ - ۳

۳ - فردوس ، نام بالاترین درجات بهشت

الذین یرثون الفردوس هم فیها خلدون

فرزندان متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۱

۱ - نوید الهی به ملحق گشتن نسل مؤمن تقواپیشگان ، به ایشان در بهشت

و الذين ءامنوا و اتّبعتهم ذرّيّتهم بإيمن ألحقنا بهم ذرّيّتهم

فرزندان مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸

۴ - بهره منـدی پـدران ، همسـران و فرزنـدان صالح از بوسـتان های ماندنی بهشت ، در سایه لطف الهی به مؤمنان تائب و پیرو دین

و أدخلهم جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

برداشت یاد شـده با توجه به این نکته است که خداونـد تنها به مؤمنان تائب و اهل عمل، وعـده بهشت داده; ولی در عین حال فرموده است: پـدران، همسـران و فرزنـدان ایشـان نیز در صورت صالـح بودنشـان وارد بهشت خواهنـد شـد. یـادآوری اینان در ردیف مؤمنـان تـائب که وعـده بهشت تنهـا به آنـان اختصاص دارد می توانـد نوعی پاداش به ایشان و لطف الهی در حق آنان باشد.

۸ - بودن پدران ، همسران و فرزندان در بهشت ، از الطاف الهی در حق مؤمنان تائب و پیروان دین

و أدخلهم جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

یـاد کردن مسأله بودن پـدران و. .. در بهشت در کنار مؤمنان تائب، در عین آن که آنان از نظر مقام و کمال در حـدی نیسـتند که مانند مؤمنان باشـند (هرچند صـلاحیت عمومی ورود به آن جا را دارند)، می تواند بیانگر اظهار لطف الهی به مؤمنان تائب باشد; زیرا وجود این افراد در کنار انسان، خود نعمتی بزرگ است.

۱۴ - عزت و حکمت بی ماننـد خداوند ، مقتضـی دل بسـتن و امید داشـتن به ورود مؤمنان تائب و پدران ، همسـران و فرزندان صالح آنان به بهشت جاویدان

ربّنا و أدخلهم جنّت . .. إنّک أنت العزیز الحکیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّک أنت العزیز

الحکیم> تعلیل برای جمله های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۱۲،۱۳

۱۲ - < عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله عزّوجلّ : < و الذین آمنوا و اتّبعتهم ذرّیّتهم بإیمان ألحقنابهم ذرّیّتهم > قال : قصرت الأبناء عن عمل الأباء فألحقوا الأبناء بالأباء لتقر بذلک أعینهم ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ <والذین آمنوا و اتّبعتهم ذرّیّتهم بإیمان ألحقنابهم ذرّیّتهم> روایت شده که فرمود: فرزندان از نظر عمل از پدرانشان کمترند; ولی برای چشم روشنی پدران مؤمن، فرزندانشان را به پدرانشان ملحق می کنند>.

۱۳ - < عن أبی عبدالله (ع) قال : إنّ الله تبارک و تعالی کفّل إبراهیم (ع) و ساره أطفال المؤمنین یغذونهم بشجره من الجنّه . . . فإذا کان یوم القیامه ألبسوا و طیّبوا و اهدوا إلی آبائهم و هو قول الله عزّوجلّ < و الذین آمنوا و اتّبعتهم ذریّتهم بإیمان ألحقنا بهم ذرّیّتهم ;

از امام صادق(ع) روایت شده که خداوند تبارک و تعالی اطفال مؤمنان را تحت تکفل ابراهیم(ع) و ساره قرار داده که آنان را به وسیله درختی از بهشت غذا می دهند. .. هرگاه قیامت فرارسد به آنان لباس پوشانده و آنها را معطر می کنند و به عنوان هدیه برای پدرانشان می برند... و این گفتار خدای عزّوجلّ است <والذین آمنوا و اتّبعتهم ذرّیّتهم بإیمان ألحقنابهم ذرّیّتهم>.

فضایل بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱۸

۱۸ بهشتی که آدم (ع) و

حوا در آن سکونت داشتند ، مکانی غیر از زمین و بالاتر و برتر از آن بود .

قلنا اهبطوا . .. و لکم فی الأرض مستقر

جمله <و لکم فی الأرض مستقر> دلالت می کند بر اینکه: بهشتی که آدم(ع) و حوا در آن سکونت داشتند در زمین نبوده و کلمه <اهبطوا> می رساند که آن جایگاه، برتر و بالاتر از زمین بوده است.

فضیلت بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۴ – ۳

۳ بهشت ، برترین جایگاه و نیکوترین آسایشگاه

أصحب الجنّه یومئذ خیر مستقرًّا و أحسن مقیلًا

فضیلت بهشت عدن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۱۶

۱۶ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : < عدن ، داراللّه التی لم تر ها عین و لم تخطر علی قلب بشر لا یسکن ها غیر ثلاثه النبیین و الصدیقین و الشهدا . . . ;

<عدن> خانه [ویژه] خداست که هیچ چشمی آن را ندیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است. در آن خانه ساکن نمی شود مگر سه دسته: پیامبران، صدیقان و شهیدان ... >.

فعلیت بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۳ – ۲

۲ – وجود بهشت ، پیش از حسابرسی کردار ها در قیامت

و إذا الجنّه أُزلفت

قیاس بهشت و جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۲ – ۱

۱ – زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون

نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلک خیر نزلاً أم شجره الزّقّوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

کاخهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱،۲

۱ بنا های برافراشته و درجات عالی در بهشت ، پاداش بندگان خدا (عباد الرحمان) است .

و عباد الرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: ۱ <أُولئک> اشاره به <عبادالرحمان> است. ۲ <غرفه> به معنای بنای مرتفع و برافراشته است. در آیه شریفه نیز می تواند هم در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و هم می تواند منزلت و مقام رفیع مقصود باشد.

۲ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، عامل برخوردار شدن آنان از بنا ها و درجات عالی بهشت است .

أُولئک یجزون الغرفه بما صبروا

گفتنی است <با> در <بما> برای سببیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۷ - ۶،۷

۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، همواره در غرفه های بهشت ، در امنیت خواهند بود .

إلّا من ءامن و عمل صلحًا . .. و هم فی الغرفت ءامنون

۷ - در بهشت ، غرفه های گوناگون و متعددی برای یک مؤمن دارای عمل صالح هست .

و هم فی

الغرفت ءامنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۲،۱۰

۲ - بناهای مرتفع و چند طبقه (کاخ ها) در بهشت، پاداش اختصاصی تقواپیشگان

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف من فوقها غرف مبنیّه

"غرفه" (مفرد "غرف") به معنـای بناهـای مرتفع و خانه ای بالای خانه ای دیگر (چنـد طبقه چون کاخ) است. گفتنی است لام در "لهم" برای اختصاص است.

۱۰ - اعطای کاخ ها و بنا های رفیع به همراه نهر های جاری ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به تقواپیشگان

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف . .. وعد اللّه لایخلف اللّه المیعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۴

۴- جریان نهر ها در زیر قصر ها و درخت های بهشت ، از جاذبه های مهم آن است .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

از آن جا که خداوند از میان همه اوصاف بهشت، تنها به جریان نهرها اشاره کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

کاخهای بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۲

۲- در بهشت عدن ، نهر ها ، از زیر پای (کاخ ها و بنا های رفیع) بهشتیان جریان دارد .

تجری من تحتهم الأنهر

مرجع ضـمیر <تحتهم> عبارت <الـذین امنوا> در آیه قبل است؛ یعنی، از زیر پای بهشتیان، نهرها جاری است. روشن اسـت که جریان آب از زیر پای بهشتیان، تعبیری برای ترسـیم محل اقامت آنان در بهشت و جریان یافتن آب از زیر بناها و یا تکیگاه

های آنان است.

کاسه های بهشت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۸ - ۳

۳ - جام ، آبریز و پیاله ، ظروف باده بهشت

بأکواب و أباریق و کأس

<کوب> (مفرد <أکواب>) به ظرفی که نه خرطوم دارد و نه دسته گفته می شود. بهترین معادل فارسی آن ظاهراً جام است. <أبریق> (مفرد <أباریق> و به معنای آبریز) ظرفی است که هم دسته و هم خرطوم دارد و <کأس> پیاله ای است که از شراب پر شده باشد.

کام دهی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۳

۳ - زنان بهشتی ، همواره در اوج کام دادن به همسران خویش

فجعلنهنّ أبکارًا

از این که زنان بهشتی همواره دوشیزه می مانند، گویای آن است که آنان برخلاف زنان دنیایی همواره مانند شب زفاف به همسران خود کام می دهند.

کمال همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۴ - ۳

۳ - همخوابگان اصحاب الیمین در بهشت ، زنانی در اوج شکوه و جلال مادی و معنوی (عقل ، کمال و جمال)

و فرش مرفوعه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <فرش> در آیه شریفه به قرینه آیه بعد (إنّا أنشأناهنّ إنشاء) همسران و همخوابگان می باشد. بر این اساس وصف <مرفوعه> اشاره به مطلبی دارد که در برداشت بالا آمده است.

کوزه های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۵ – ۲

۲ – جام های سیمین و کوزه ها و قدح

های بلورین ، از ظرف های بهشتی برای پذیرایی بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۱

۱ - ابرار در بهشت ، از کوزه ها و قدح های بلورینی استفاده می کنند که از جنس نقره است .

قواریرَا من فضّه

کیفیت ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱

۱ - تقواپیشگان ، پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به سوی بهشت هدایت خواهند شد .

و وضع الکتب . .. و قضی بینهم بالحقّ ... و سیق الذین اتّقوا ربّهم إلی الجنّه

کیفیت ورود متقین به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۶ - ۳،۶

۳- متقین با سلام و خوشامدگویی ، وارد بهشت می شوند .

ادخلوها بسلم ءامنین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <سلام> همان سلام و درود گفتن متعارف باشد که جزء فرهنگ مسلمانان است.

۶- < عن أبی عبدالله (ع) : إن أمیرالمؤمنین (ع) لمّـا بویع . . . صعد المنبر فقال : . . . أیّها الناس . . . ألا و إن التقوی مطایا ذلل حمل علیها أهلها و اعطوا أزمتّها فأوردتهم الجنه و فتحت لهم أبوابها و وجدوا ریحها و طیبها و قیل لهم : < ادخلوها بسلام آمنین > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: پس از آنکه با امیرالمؤمنین(ع) بیعت شد . .. بالای منبر رفت

و فرمود:... ای مردم! آگـاه باشـید تقوا[هماننـد] مرکبهـای رامی است که اهل آن بر آنها سوار شـده و زمام آنها به دست آنان است و آن مرکبهـا اهـل خود را وارد بهشت می کننـد و درهـای آن جا برای آنان باز می شود و نسـیم و بوی خوش آن را می یابند و به آنان گفته می شود: ادخلوها بسلام آمنین ...>.

کیفیت ورود متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۸

۸ - پرهیزگاران با چهره ای سرشار از شادی و سرور ، وارد بهشت می شوند .

ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجکم تحبرون

<حبر> (مصدر <تحبرون>) به معنای شادمان شدن و سروری است که اثر آن در چهره نمایان گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۱

۱ - رهنمون شدن متقین در قیامت ، به سوی بهشت همراه با تکریم و درود و شادمانی

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . .. ادخلوها بسلم

گردش جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۵ - ۱

۱ - گردش ظرف هایی از شراب ناب ، گرداگرد بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس

<کأس> به معنای ظرفی است که در آن شراب باشد. گفتنی است گاهی این واژه استعمال می شود، ولی مقصود از آن خود شراب است; نه ظرفی که در آن شراب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۵ – ۱

۱ – گردش پیوسته جام های نقره ای و

کوزه ها و قدح های بلورین ، جهت پذیرایی از ابرار در بهشت

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرَا

<اناء> (مفرد <ءانیه>) به معنای ظرف است و <کوب> (مفرد <أکواب>) در معنای کوزه بی دسته و قدح بی دسته استعمال می شود. <قاروره> (مفرد <قواریر>) نیز به معنای ظرف شیشه ای و بلورین است.

گردش جامهای شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۳ - ۱،۲

۱ - دست به دست شدن جام های شراب ، میان متقین در بهشت

یتنزعون فیها کأسًا

<تنازع> (مصدر <یتنازعون>) به معنای گرفتن است و <کأس> به جامی که حاوی شراب باشد گفته می شود. احتمال دارد مراد، گرفتن جام شراب از دست خدمتکاران (غلمان) باشد و نیز می تواند گرفتن آن از دست یکدیگر باشد.

۲ - سرخوشی بهشتیان در مجالس انس ، با ربودن جام های شراب از دست یکدیگر

یتنزعون فیها کأسًا

گرما در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۹ - ۱

۱ - آدم (ع) در بهشت خویش ، از تشنگی و تحمل تابش آفتاب در امان و مصون بود .

و إنّک لاتظمؤا فیها و لاتضحی

<لاتضحی>; یعنی، روبه روی خورشید قرار نمی گیری و حرارت آن به تو نمی رسد (لسان العرب). این وصف با توجه به معنای لغوی <جنّه> که بستان پوشیده از درخت است به وجود سایه فراوان در سرای آدم(ع) اشاره دارد.

گشودن دربهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۴،۵

۴

- باز شدن درب های بهشت ، به هنگام نزدیک شدن تقواپیشگان

حتّی إذا جاءوها و فتحت أبوبها

۵ - باز بودن درب های بهشت ، پیش از رسیدن تقواپیشگان

حتّی إذا جاءوها و فتحت أبوبها

برداشت یاد شده بر این اساس است که واو در<و فتحت> حالیه باشد نه زاید. بنابراین معنای آیه چنین می شود: به بهشت خواهند رسید در حالی که قبلاً درب های آن گشوده شده است.

گوارایی آشامیدنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۴ - ۲،۴

۲ - خوردنی ها و نوشیدنی های بهشت ، گوارا است .

کلوا و اشربوا هنیًا

۴ - خوردنی ها و نوشیدنی های گوارای بهشت ، پاداش اعمال گذشته اهل بهشت است .

بما أسلفتم فی الأیّام الخالیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۲

۲ - تخت های مزیّن در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متّکئین فیها علی الأرائک . .. و ذلّلت قطوفها... یسقون فیها کأسًا ... یطوف علیهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در <لکم>، می تواند برای اختصاص باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۳ - ۲

۲ - خوراکی ها و نوشیدنی های بهشت ، گوارا و بدون عوارض نامطلوب است .

کلوا و اشربوا هنیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۱

۱

- محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون . .. کلوا و اشربوا هنیًا ... إنّا کذلک نجزی المحسنین

گوارایی خوردنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۴ - ۲،۴

۲ - خوردنی ها و نوشیدنی های بهشت ، گوارا است .

کلوا و اشربوا هنیًا

۴ - خوردنی ها و نوشیدنی های گوارای بهشت ، پاداش اعمال گذشته اهل بهشت است .

بما أسلفتم فی الأیّام الخالیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۳ - ۲

۲ - خوراکی ها و نوشیدنی های بهشت ، گوارا و بدون عوارض نامطلوب است .

کلوا و اشربوا هنیًا

گوارایی شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۵ - ۱

۱ - نیکوکاران در آخرت ، با گواراترین باده و شرابی ناب ، پذیرایی خواهند شد .

یسقون من رحیق مختوم

<رحیق>، به باده خالص یا گواراترین نوع آن گفته می شود. (قاموس)

گوارایی شراب بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۶ - ۲

۲ - لذت بخش و گوارا بودن شراب بهشتی برای نوشندگان آن

لذّه للشربین

گوارایی نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۹ - ۳

۳ - نعمت های بهشت ، گوارا و بی هیچ ناخالصی و رنج و زیان

کلوا و اشربوا هنیًا

<هنییء> (معادل گوارا) به امری گفته می

شود که رنج و تعب در پی نداشته باشد. <هینئاً> در آیه شریفه، صفت برای مصدر محذوف است; یعنی، <کلوا و اشربوا أکلًا و شرباً هینئاً>.

گوشت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۲ - ۱

۱ - بهره مندی تقواپیشگان ، از میوه ها و گوشت های مورد تمایل خویش در بهشت ، علاوه بر نعمت های سرشار دیگر

فی جنّت و نعیم . .. و أمددنهم بفکهه و لحم ممّا یشتهون

گوشواره خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۷ - ۳

۳ - خدمت گذاران پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در بهشت جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

یطوف علیهم ولدن مخلّدون

برخی احتمال داده اند که <مخلّدون> مشتق از <خُلْد> به معنای گوشواره باشد. بنابراین عبارت <ولدان مخلّدون>; یعنی، جوانانی که بر گوش آنها، گوشواره آویخته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۹ - ۴

۴ - خدمت گزاران ابرار در بهشت ، جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

و یطوف علیهم ولدن مخلّدون

برخی احتمال داده اند که <مخلّدون>، مشتق از <خُلُد> به معنای گوشواره باشد. بنابراین <ولدان مخلّدون>; یعنی، جوانانی که گوشواره، بر گوششان آویخته شده است.

لباسهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۲ – ۲

۲ – تخت های مزیّن در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار

در بهشت

متّکئین فیها علی الأرائک . .. و ذلّلت قطوفها... یسقون فیها کأسًا ... یطوف علیهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در <لکم>، می تواند برای اختصاص باشد.

لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۱

۱ - لذت ها ، زیبایی ها و آسایش بهشت ، نعمت های انکارناپذیر خدا و غیرقابل تکذیب

متّکین علی رفرف خضر . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

لذایذ جنسی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۴،۵

۴ - وجود لذت های جنسی در بهشت

و کواعب أترابًا

۵ - لذت های جنسی تقواپیشگان در بهشت ، گوشه ای از سعادتمندی آنها است .

مفازًا . .. و کواعب أترابًا

لذایذ مادی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۰

۱۰ وجود نعمت ها و لذایذ مادی و معنوی در بهشت

جنت . .. مسکن ... و رضون من اللّه أکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۹ – ۴

۴ – انسان در بهشت ، دارای ویژگی های موجود مادی است و از خوردنی ها و آشامیدنی ها لذت می برد .

کلوا و اشربوا هنیًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۵ – ۲

۲ – پیشتازان (سابقون) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فی جنّت النعیم . .. لایسمعون

فیها لغوًا و لاتأثیمًا

شنیـدن سـخنان لغو و یـا نسـبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. ازاین رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پیشـتازان پس از بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی بیانگر مطلب بالا است.

لذایذ مادی در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۵

۵ – انسان ، در بهشت به خوردن و آشامیدن نیاز دارد و از آن لذت می برد .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

لذایذ معنوی بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۱۰،۱۴

۱۰ وجود نعمت ها و لذایذ مادی و معنوی در بهشت

جنت . .. مسکن ... و رضون من اللّه أکبر

۱۴ برترین لذت ها برای اهل بهشت ، لذت معنوی و روحانی است .

و رضون من اللّه أکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۵ – ۲

۲ – پیشتازان (سابقون) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فی جنّت النعیم . .. لایسمعون فیها لغوًا و لاتأثیمًا

شنیـدن سـخنان لغو و یـا نسـبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. ازاین رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پیشـتازان پس از بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی بیانگر مطلب بالا است.

لذت بخشی شراب بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۶ – ۲

۲ – لذت بخش و گوارا

بودن شراب بهشتی برای نوشندگان آن

لذّه للشربین

لذت بخشی نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۹

۹- نعمت های بهشتی ، خالی از نقص و بهرهوری از آن به دور از هر گونه رنج و ملال

ماء غیر ءاسن . .. لبن لم یتغیّر طعمه ... خمر لذّه للشربین و أنهر من عسل مصفًّی

تعابیر <غیر آسن>، <لم یتغیّر طعمه>، <لـذّه للشاربین> و <مصـفّی> بیانگر بدبو و بدطعم نشدن، رنج آور نبودن و ملال نیاوردن است.

لغو در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۱

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، هرگز کسی از دیگری سخن لغو و بیهوده و یا نسبت ناروا نخواهد شنید .

لایسمعون فیها لغوًا و لاتأثیمًا

<لغو> به سخنی گفته می شود که هیچ فایده ای بر آن مترتب نباشد و <تأثیم> به معنای نسبت دادن گناه به کسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۶ - ۱

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، جز سخنان سالم و پیراسته از لغو و نسبت های ناروا مبادله نمی شود .

لایسمعون فیها لغوًا . .. إلاّ قیلًا سلمًا سلمًا

<قیل> معادل <قول> و موصوف <سلاماً> است؛ یعنی، <لایسمعون فیها إلاّ قولاً هو سالم من اللغو و التأثیم>.

مالک باغهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۱ – ۴

۴ – مؤمنانی که زیر شکنجه کافران جان دادند و در آتش آنان سوختند ، مالک

بوستان های بهشت خواهند شد .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر برداشت یاد شده است.

متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۲،۱۶،۱۷

۱۲ حیات جاودانه متقین در بهشت

للّذین اتّقوا عند ربّهم جنّات . .. خالدین فیها

۱۶ خرسندی و رضایتمندی تقواپیشگان در بهشت ، موهبت الهی به ایشان

للّذین اتّقوا . .. و رضوان من اللّه

۱۷ خرسندی و رضایت خداوند از تقواپیشگان در بهشت ، نعمتی بزرگ برای آنان

للّذین اتّقوا . .. و رضوان من اللّه

بنابراینکه <من>، ابتدائیه باشد; یعنی رضایتی از جانب خداوند نسبت به تقواپیشگان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۲،۱۱،۱۲

۲ پرهیزکاران ، جاودان در بهشت و برخوردار از نعمت های آن

لکن الّذین اتّقوا ربّهم لهم جنّات . .. خالدین فیها

۱۱ بهشت جاودان با نهر های روان ، مهیّا برای پذیرایی از پرهیزکاران

لهم جنّات تجری من تحتها الانهار . .. نزلا من عند اللّه

۱۲ بهشت و بشارت خلود در آن ، تنها بخشی از ضیافت الهی برای تقواپیشگان است .

نزلا من عند اللّه

کلمه <نزل>، به چیزهایی گفته می شود که در آغاز ورود میهمان برای پذیرایی از وی فراهم می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۵ - ۱

۱- جایگاه تقواپیشگان ، باغ ها و چشمه سار های بهشت است .

إن المتقین فی جنّت و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر

- ۱۵ - ۴۷ - ۱،۶،۷

۱- خداوند ، هرگونه دشمنی و کینه ای را از دل متقین در بهشت بیرون می کند .

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

<غلّ> در لغت به معنای دشمنی و کینه است.

۶- متقین ، در بهشت در حالی که روبه روی یکدیگر قرار دارند ، بر تخت ها می آرامند .

إن المتقین فی جنّت . .. علی سرر متقبلین

۷- متقین ، در بهشت بزم باصفایی دارند .

إن المتقین فی جنّت . .. و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ إخونًا علی سرر متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۸ - ۱،۲،۵

۱- متقین در بهشت ، دچار هیچ گونه سختی و رنجی نخواهند شد .

لایمسّهم فیها نصب

<نصب> در لغت به معنای سختی و رنج است.

۲- متقین ، از بهشت اخراج نمی شوند و در آن جاوید خواهند ماند .

و ما هم منها بمخرجین

۵- متقین در بهشت ، در رفاه مادی و آسایش فکری کامل هستند .

إن المتقین فی جنّت و عیون . ادخلوها بسلم ءامنین ... علی سرر متقبلین . لایمسّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۱،۴،۷،۹

۱- جایگاه تقواپیشگان در آخرت ، بهشت جاودانه است .

و لنعم دار المتّقین. جنّت عدن

<عدن> در لغت به معنای استقرار و ثبات است و این معنا دلالت بر جاودانگی می کند.

۴- تمامی خواسته های تقواپیشگان در بهشت ، برآورده می شود .

دار المتّقین . جنّت عدن یدخلونها ... لهم فیها ما یشاءون

۷- ورود به بهشت جاودان و رسیدن به تمامی خواسته

ها در آن ، پاداش خداوند به تقواپیشگان است .

دار المتّقین . جنّت عدن ... لهم فیها ما یشاءون

۹- نیل به سعادت اخروی ، جای گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقواپیشگان

و لنعم دار المتّقین . جنّت عدن ... لهم فیها ما یشاءون کذلک یجزی الله المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۱۵

۱۵- اعمال تقواپیشگان ، عامل ورود آنان به بهشت

المتّقین . .. ادخلوا الجنّه بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۳،۴،۵

۳ بهشت ، جاودانه است و متقین در آن جاویدان اند .

أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

جاودانگی تقواپیشگان، از وعده ای که خداوند به آنان برای دخول در بهشت جاوید داده است، قابل استفاده می باشد و در واقع این سخن، کنایه از جاوید بودن خود متقین در بهشت است.

۴ زندگی در بهشت جاویدان ، وعده خداوند به تقواپیشگان

جنّه الخلد التی وعد المتّقون

۵ بهشت جاودان ، پاداش و سر انجام تقواپیشگان

جنّه الخلد التی وعد المتّقون کانت لهم جزاء و مصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۱،۲،۷

۱ متقین ، در جایگاه ابدی خویش در بهشت ، هر آنچه را که بخواهند آماده است .

لهم فیها ما یشاءون خلدین

۲ متقین ، در بهشت موعود خویش همواره جاودان خواهند بود .

لهم فیها ما یشاءون خلدین

۷ تحقق وعده الهی بر تأمین تمامی خواسته ها در بهشت جاویدان ،

انتظار و توقع متقین از خداوند

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربّک وعدًا مسئولاً

<مسؤول>; یعنی، کسی که مورد سؤال و مطالبه مستحقان و حق داران است و در آیه شریفه به قرینه مقام مقصود این است که متقین، می توانند توقع و انتظار داشته باشند که خداوند به وعده خود عمل کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۴ - ۲

۲ متقین ، برخوردار از برترین جایگاه و نیکوترین آسایشگاه در بهشت

أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون . .. أصحب الجنّه یومئذ خیر مستقرًّا أحسن مقیلاً

آیه شریفه جایگاه اهل بهشت و برخورداری های آنان را، در برابر مجرمان مشخص کرده است; اما این که بهشتیان چه کسانی اند، در این آیه از آنان یاد نشده است; ولی در آیه ۱۵ اهل بهشت به <متقین> توصیف شده است. ارتباط میان این دو دسته از آیات، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۰ - ۶

۶ - تقواپیشگان هنگام ورود به باغ های بهشتی ، با استقبال گرم و احترام و تکریم رو به رو خواهند شد .

مفتّحه لهم الأبوب

برداشت یاد شده بر این فرض استوار است که مقصود از گشوده بودن درب های باغ های بهشتی بر روی تقواپیشگان و بهشتیان، استقبال گرم و با احترام و تکریم از ایشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۱ - ۱،۲،۳

۱ - تقواپیشگان ، در باغ های بهشتی بر تخت ها تکیه می

زنند .

متّکئین فیها

مقصود از تکیه کردن بهشتیان به قرینه آیات مشابه (علی الأرائک متّکئین) [سوره یس (۳۶) آیه ۵۶]تکیه زدن آنان بر تخت های بهشتی است.

۲ - آرامش کامل تقواپیشگان در باغ های بهشتی

متّکئین فیها

برداشت یاد شده بر این فرض استوار است که تعبیر <متّکئین فیها> کنایه از آرامش کامل باشد; زیرا این حالت مربوط به کسانی است که در آرامش به سر می برند.

۳ - تقواپیشگان در باغ های بهشتی ، خواستار میوه ها و نوشیدنی های بسیار عالی ، متنوع و گوناگون

یدعون فیها بفکهه کثیره و شراب

مقصود از کثرت میوه ها و نوشیدنی ها، تنوع آنها است و تنکیر <فاکهه> و <شراب> برای تفخیم می باشد; یعنی، میوه های عالی و نفیس.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۳

۳ - تقواپیشگان در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <طرف> مربوط به غیر زنان بهشتی باشد; یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را، به خود مشغول می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۴۸

۴ - تقواپیشگان ، از منظره های چشم نواز و لذت بخش بهشت بهره مند خواهند شد .

لهم غرف من فوقها غرف مبنّیه

مرتفع و چند طبقه بودن بناهای بهشت به همراه جریان نهرها در پایین آنها، می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

۸ - کاخ ها و بنا های تقواپیشگان در بهشت ، دارای نهرهایی است جاری در پایین

آنها .

غرف مبنّیه تجری من تحتها الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۳ – ۱،۳،۷،۹،۱۴

۱ – تقواپیشگان ، پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به سوی بهشت هدایت خواهند شد .

و وضع الکتب . .. و قضی بینهم بالحقّ ... و سیق الذین اتّقوا ربّهم إلی الجنّه

۳ – وجود فاصله میان موقف تقواپیشگان در محشر و بهشت

و سیق الذین اتّقوا ربّهم إلی الجنّه زمرًا

۷ – تقوا ، دارای مراتب مختلف و تقواپیشگان برخوردار از جایگاه های گوناگون در بهشت

و سیق . .. إلی الجنّه زمرًا حتّی إذا جاءوها و فتحت أبوبها

تقسیم شدن تقواپیشگان به چند دسته و گروه (زمراً) و نیز ورود آنان از درب های گوناگون بهشت، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

۹ – سلام و خوش آمدگویی دربانان بهشت به تقواپیشگان ، هنگام ورود آنان

و قال لهم خزنتها سلم علیکم

۱۴ – تقواپیشگان ، در بهشت ، جاودانه خواهند ماند .

فادخلوها خلدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۴ – ۴،۶،۸

۴ – بهشت جاویدان ، میراث تقواپیشگان

و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

۶ - بهشت جاویدان ، فراتر از استحقاق تقواپیشگان و جلوه ای از لطف و بخشش الهی به آنان

و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

برداشت یاد شده از تعبیر ارث درباره بهشت به دست می آید; زیرا میراث چیزی است که انسان برای آن معمولاً ـ زحمتی نکشیده و تلاشی نکرده تا مستحق آن باشد.

۸ - بهشت تقواپیشگان ، بسیار گسترده و پهناور است .

نتبوّأ من الجنّه حیث نشاء

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۴،۵

۴ - همراهی اهل تقوا در بهشت با همسران دنیوی خویش ، پاداش الهی برای آنان

ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجکم

۵ - وجود رابطه و دلبستگی میان همسران متقی ، در جهان آخرت و در بهشت

ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - مؤمنان متقی ، در بهشت جاویدان اند .

و أنتم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۳ - ۱،۲

۱ - بهرهوری متقین در بهشت ، از میوه های فراوان آماده شده برای ایشان

لکم فیها فکهه

۲ - میوه های بهشت ، چندان فراوان اند که تقواپیشگان تنها از بخشی از آن بهره می برند .

لکم فیها فکهه کثیره منها تأکلون

از <منها> که برای تبعیض است استفاده می شود که مؤمنان تنها از گوشه ای از نعمت های بهشت استفاده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۲ - ۳

۳- فراهم آمدن نعمت های روحی و جسمی ، برای متقین در بهشت (مادی و معنوی)

فی مقام أمین . فی جنّت و عیون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۳ – ۱،۴

۱– دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقواپیشگان در بهشت

یلبسون من سندس و إستبرق

<سندس> به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. <استبرق> نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

۴– تقواپیشگان در بهشت ، دارای دیدار ها

و نشست های دوستانه و محافل انس

متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۵ - ۱

۱- تقواپیشگان بهشتی ، برخوردار از هرگونه میوه مورد تمایل خویش

یدعون فیها بکلّ فکهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۶ - ۱

۱- تقواپیشگان ، دارای حیاتی جاودان در بهشت برین

لایذوقون فیها الموت إلاّ الموته الأُولی

عبارت <الموته الاُولی>، ناظر به مرگ دنیوی است و استثنا <إلاّـ الموته الاُولی> تأکیدی بر جاودانگی تقواپیشگان در آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۷ - ۱

۱- بهرهوری متقین از نعمت های گسترده بهشت ، ناشی از فضل پروردگار است ; نه صرفاً استحقاق خود ایشان .

فضلاً من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۰،۱۵،۱۶

۱۰- متّقین در بهشت ، بهره مند از همه میوه ها

و لهم فیها من کلّ الثمرت

۱۵- راه یافتن تقواپیشگان به بهشت ، پس از غفران لغزش های دنیوی آنان از سوی پروردگار

الجنّه الّتی وعد المتّقون فیها . .. و مغفره من ربّهم

بـا توجه به این که در بهشت، زمینه لغزش و گنـاه نیست; تعبیر <مغفره> نظر به خطاهای دنیوی دارد که به هر حال حتی همه اهل تقوا از آن مصون نیستند.

۱۶- بهره مندی متقین از نعمت های عالی بهشت ، همراه با زدایش خاطره تلخ لغزش ها از یاد آنان *

و لهم فیها من کلّ الثمرت و مغفره من ربّهم

مراد از <مغفره> می تواند، چشم پوشی از لغزش ها پس از

ورود به بهشت باشد. در این صورت <مغفره> به معنای صرف بخشش گناه نیست; زیرا اگر بخشیده نشده بودند، وارد بهشت نمی شدند. بنابراین مراد از غفران، ممکن است پوشاندن لغزش ها باشد; به گونه ای که دیگر بهشتیان، خود به یاد گذشته نیفتاده و خاطرشان ملول نگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۵ - ۳

۳ - بازدارندگان خویش از هوس ها ، برخوردار از هر آرزو در بهشت

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . .. أوّاب حفیظ ... لهم ما یشاءون فیها

با توجه به این که <تقوا> و خودداری از گناه و هوای نفس، به عنوان بارزترین صفت اهل بهشت یاد شده است، نوید <لهم ما یشاءون فیها> می تواند بیانگر معنای بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۱،۳

۱ - بهشت ، جایگاه حتمی تقواپیشگان

إنّ المتّقین فی جنّت و نعیم

۳ - بهشت تقواپیشگان ، سرشار از نعمت است .

إنّ المتّقین فی جنّت و نعیم

واژه <نعیم> به معنای نعمت بسیار و فراوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۱،۴،۵

۱ - شادمانی تقواپیشگان در بهشت ، از عطایای پروردگار به آنان

فکهین بما ءاتیهم ربّهم

<فاکه> (از مصدر <فکاهه>) به معنای شادمان است.

۴ – بهشت ، جلوه ربوبیت خداوند ، در حق تقواپیشگان

إنّ المتّقین فی جنّت . .. ءاتیهم ربّهم

مطرح ساختن ربوبیت خداوند، در مقام اعطای بهشت به پرهیزکاران و نیز اضافه <رب> به <هم>، مطلب بالا را افاده می کند.

۵ – یاد نعمت ها و تعظیم عطایای

خداوند ، نقل مجلس انس متقين ، در بهشت *

فكهين بما ءاتيهم ربّهم

در معناى <فاكهين> گفت و گوهاى دوستانه در مجالس انس آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۲ - ۱

۱ - بهره مندى تقواپيشگان ، از ميوه ها و گوشت هاى مورد تمايل خويش در بهشت ، علاوه بر نعمت هاى سرشار ديگر

فى جنّت و نعيم . .. و أمددنهم بفكهه و لحم ممّا يشتهون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۳ - ۱

۱ - دست به دست شدن جام هاى شراب ، ميان متقين در بهشت

يتنزعون فيها كأسًا

<تنازع> (مصدر <يتنازعون>) به معناى گرفتن است و <كأس> به جامى كه حاوى شراب باشد گفته مى شود. احتمال دارد مراد، گرفتن جام شراب از دست خدمتكاران (غلمان) باشد و نيز مى تواند گرفتن آن از دست يكديگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۴ - ۱

۱ - خدمت كاران جوان و زيبارو ، در طواف متقين بهشتى براى پذيرايى از آنان

و يطوف عليهم غلمان لهم

<غلام> (مفرد <غلمان>) به نوجوانى گفته مى شود كه تازه پشت لبش سبز شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۸ - ۵،۸

۵ - ستایش تقواپیشگان از نیکی های خداوند ، در مجالس انس خویش در بهشت

یتساءلون . .. إنّه هو البرّ الرحيم

۸ - راهیابی متقین به بهشت ، جلوه ای از نیکی و رحمت گسترده خداوند

فمنّ اللّه علینا و وقینا عذاب السموم .

.. إنّه هو البرّ الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۴ - ۱،۳

۱ - استقرار حتمی تقواپیشگان ، در باغ های پر درخت و کنار نهر های بهشت

إنّ المتّقین فی جنّت و نهر

<جنّه> (مفرد <جنّات>) به باغ پوشیده شده از درختان گفته می شود.

۳ - باغ ها و نهر های بهشتی ، پاداش عملکرد خود متقین

و کلّ شیء فعلوه . .. إنّ المتّقین فی جنّت و نهر

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که در زمینه نقش مؤثر عمل در پاداش و کیفر انسان بود، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۵ - ۲

۲ - متقین در بهشت ، برخوردار از مقامات معنوی ، علاوه بر نعمت های مادی

إنّ المتّقین فی جنّت و نهر . فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که عبارت <فی مقعد صدق. ..> نعمتی متفاوت و حقیقتی ممتاز از نعمت باغ ها و نهرها باشد و به تعبیر دیگر، نظر به ارزش های معنوی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۱ - ۱،۳

۱ - جایگاه تقواپیشگان ، در سایه ها و چشمه سار های بهشت است .

إنّ المتّقین فی ظلل و عیون

۳ - زندگی تقواپیشگان در بهشت ، در اوج آسودگی و شادابی است .

إنّ المتّقين فی ظلل و عیون

زندگی در زیر سایه ها و در کنار چشمه سارها، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۳ – ۱،۳

۱ – پذیرایی شدن تقواپیشگان در بهشت ، از خوردنی ها و نوشیدنی ها

کلوا و اشربوا

۳ – تقواپیشگان در بهشت ، مورد ضیافت و تکریم و تجلیل الهی اند .

کلوا و اشربوا هنیئًا

<هنیئاً> واژه ای است که به در وقت اطعام به میهمانان و برای تکریم به آنان گفته می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۱ – ۱

۱ – تقواپیشگان در آخرت ، اهل بهشت ، سعادتمند و رهیده از عذاب اند .

إنّ للمتّقین مفازًا

<مفاز> (مانند <فوز> و <مفازه>) مصدر و به معنای دستیابی به خیر و رهایی از شرّ است (لسان العرب). هم چنین ممکن است اسم مکان و کنایه از بهشت نیز باشد که مکان رستگاری و سعادت است. آیات بعد که بیان <مفازاً> است و از بوستان ها و دیگر لذت های بهشتی سخن می گوید – این احتمال را تقویت می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۲ – ۱

۱ – تقواپیشگان در آخرت ، برخوردار از چندین باغ و تاکستان بزرگ ، با انگوری فراوان

حدائق و أعنبًا

<حدیقه> (مفرد <حدائق>) به باغی گفته می شود که اطراف آن را برجستگی های طبیعی یا دست ساز احاطه کرده باشد (لسان العرب). کلمه <حدائق> بدل برای <مفازاً> و بیانگر این است که بوستان های متعدد، گوشه ای از جایگاه سعادت و خوشبختی متقین است. نکره آوردن <حدائق> و <أعناب>، برای بیان عظمت آنها است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ

- ۷۸ - ۳۳ - ۱،۳

۱ - تقواپیشگان در بهشت ، بهره مند از حوریانی نورس و نار پستان

کواعب

<کاعب> (مفرد <کواعب>) به زنی گفته می شود که پستان هایش برجسته شده باشد. (لسان العرب)

۳ - تقواپیشگان ، برخوردار از هم نشینی صمیمانه حوریان جوان در بهشت

أترابًا

در <معجم مقاییس اللغه>، <تِرْب> با <خِدْن> (دوست و همراه) به یک معنا گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۱

۱ - تقواپیشگان در بهشت ، هیچ سخن یاوه ، زشت و بی فایده ای نخواهند شنید .

لایسمعون فیها لغوًا

<لغو>; یعنی، بی فایده و آنچه قابل اعتنا نباشد (قاموس) و گاه سخنان زشت نیز <لغو> نامیده می شود. (مفردات راغب). نشنیدن سخنان لغو، کنایه از نبود آن سخنان در بهشت است. ضمیر <فیها> به <مفازاً> برمی گردد; به این اعتبار که مراد از آن <جنّه> (بهشت) باشد.

متقین هنگام ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱۱،۵،۴

۴ - باز شدن درب های بهشت ، به هنگام نزدیک شدن تقواپیشگان

حتّی إذا جاءوها و فتحت أبوبها

۵ - باز بودن درب های بهشت ، پیش از رسیدن تقواپیشگان

حتّی إذا جاءوها و فتحت أبوبها

برداشت یاد شده بر این اساس است که واو در<و فتحت> حالیه باشد نه زاید. بنابراین معنای آیه چنین می شود: به بهشت خواهند رسید در حالی که قبلاً درب های آن گشوده شده است.

۱۱ - تمجید دربانان بهشت از خوبی ها و پاکدامنی تقواپیشگان ، در آستانه ورودآنان به بهشت

و قال لهم خزنتها. .. طبتم

مجاهدان

در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۹ – ۱

۱ باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیّا شده از جانب خدا برای پیامبر (ص) و مؤمنان مجاهد

أعد اللّه لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۷ – ۱۰

۱۰ – افراد ناتوان از جهاد ، همانند مجاهدان ، برخوردار از بهشت در صورت داشتن روح اطاعت در برابر خدا و رسول او

لیس علی الأعمی حرج . .. و من یطع اللّه و رسوله جنّت

برداشت بالاـ بنا بر این نکته است که <من یطع. ..> جواب سؤال مقدر باشد، زیرا پس از رفع حکم جهاد از افراد ناتوان، ممکن است سؤال شود که: چرا این گروه از فیض جهاد محروم اند؟ خداوند در جواب می فرماید: آنان نیز اگر مطیع باشند، همانند مجاهدان، از پاداش الهی برخوردار خواهند بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۲ – ۳

۳ – آمرزش گناه و حیات جاودان در بوستان های بهشت ، تضمین شده از سوی خداوند ، برای مؤمنان راستین و مجاهدان راه او

تؤمنون باللّه . .. یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّت... و مسکن طیّبه

مجاهدان در بهشت عدن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۲ – ۸

۸ – وجود خانه های عالی و دلپذیر برای مؤمنان مجاهد در < جنّات عدن >

و مسکن طیّبه فی جنّت عدن

<جنّات عدن>، می توان

اسم خاص باشد و غیر از <جنّات تجری> به شمار آید، براشت یاد شده بر گفته از این احتمال است.

محدودیت در بهشت آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۰ – ۱۴

۱۴ – آدم (ع) ، دارای محدودیت در استفاده از برخی میوه های درختان بهشت بود .

هل أدّلک علی شجره الخلد و ملک لایبلی

محرمات در بهشت آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۵ – ۸

۸ – خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لاتقربا هذه الشجره

به قرینه <و کلا> (بخورید) می توان گفت: مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهیه بوده است.

محرومان از بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۱ – ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۱۰

۱ – اهل کتاب (یهود و نصارا) ، تنها خویشتن را سزاوار بهشت دانسته و دیگران را از آن ، محروم می پندارند .

و قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری

ضمیر در <قالوا> به <اهل الکتاب> (در آیه ۱۰۹) باز می گردد.

۲ – یهودیان ، بهشت را مخصوص یهود و دیگران را از آن محروم می دانند .

و قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً

آیه ۱۱۳، بیانگر آن است که هر یک از یهود و نصارا دیگری را اهل نجات نمی داننـد. بنابراین به اصـطلاح اهل ادب، در آیه مورد بحث <لفّ اجمالی> وجود دارد و حرف <أو> نیز برای تفصیل است; یعنی،

جمله <قالوا لن ...> حاکی از دو جمله است: ۱ قالت الیهود: < لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً>. ۲ و قالت النصاری: < لن یدخل الجنه إلا من کان نصری>.

۳ - نصارا ، بهشت را از آن خویش دانسته و دیگران را از آن بی نصیب می پندارند .

قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری

نصارا جمع نصرانی است و به پیروان حضرت مسیح گفته می شود، و <هود> جمع هائد است و به پیروان حضرت موسی اطلاق می گردد.

۴ - اتفاق نظر یهود و نصارا ، بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری

هدف از اینکه قرآن، پندار نصارا و یهود را به صورت <لفّ اجمالی> بیان کرده، رساندن این معناست که: مقصود اصلی یهود و نصارا در طرح آن ادعا، بیان محرومیت مسلمانان از بهشت است.

۵ - یهود و نصارا ، درتلاش برای تضعیف روحیه مسلمانان و بازداری مردم از گرایش به اسلام

قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری

۶ - محرومیت مسلمانان از بهشت از خیالات واهی و نادرست یهود و نصارا

تلک أمانیّهم

<أمانی> جمع امنیه و به معنای آرزوها، خیالات واهی و دروغهای یافته شده است.

۱۰ - پیامبر (ص) ، موظف به مطالبه برهان از یهود و نصارا بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰ - ۵،۶

۵ تکذیب کنندگان آیات الهی و مستکبران، محروم از ورود به بهشت

إن الذین کذبوا بأیتنا و استکبروا عنها . .. لایدخلون

الجنه

۶ ورود تکذیب کنندگان آیات الهی و مستکبران به بهشت، امری ناممکن، همچون عبور شتر از روزنه سوزن

و لایدخلون الجنه حتی یلج الجمل فی سم الخیاط

<جمل> به معنای شتر است و <سم> به معنای روزنه ای است که در انتهای سوزن برای عبور نخ تعبیه شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۲ – ۷

۷ ملائکه هنگام روبه رو شدن با منکران معاد در قیامت ، به آنان خواهند گفت که شما از غفران الهی و بهشت محرومید .

یوم یرون الملئکه لابشری یومئذ للمجرمین و یقولون حجرًا محجورًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که فاعل <یقولون> ملائکه باشد و <حجراً محجوراً> نیز مقول قول ایشان باشد. گفتنی است که در این صورت، مقصود از این کلام، اعلام محرومیت و ممنوعیت منکران معاد از غفران الهی و بهشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۰ – ۷

۷ – مشرکان و کافران ، محروم از بهشت و موهبت های آن

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف

لام اختصاص در <لهم> بیانگر این حقیقت است: کافران و مشرکان که در قطب مقابل مؤمنان قرار دارند از نعمت های بهشتی محروم اند.

محرومان از نعمتهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۰ – ۷

۷ – مشرکان و کافران ، محروم از بهشت و موهبت های آن

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف

لام اختصاص در <لهم> بیانگر این حقیقت است: کافران و مشرکان که در قطب مقابل مؤمنان قرار دارند

از نعمت های بهشتی محروم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۵

۵ - مشرکان از بهشت و موهبت های آن ، بهره ای نخواهند داشت .

و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم و لکم فیها ما تدّعون

از تقابل این آیات با آیات پیشین که در مورد مشرکان بود و نیز از تقدیم <لکم> و تکرار آن، مطلب بالا استفاده می شود.

محرومیت از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۷

۷ کافران ، محروم از ورود به بهشت ، هر چند دارای اعمال صالح باشند .

و من یعمل من الصلحت . .. و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنه

قید <و هو مؤمن> می رساند که ایمان، شرط ثمربخشی اعمال نیک است; بنابراین اعمال نیک، بدون ایمان و در حال کفر، پاداش بهشت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۹،۲۱

۱۹ خداوند بهشت را بر مشرکان حرام کرده است .

انه من یشرک باللّه فقد حرم اللّه علیه الجنه

۲۱ معتقدان به الوهیت مسیح (ع) محروم از بهشت و گرفتار به آتش دوزخ

قالوا إنّ اللّه هو المسیح . .. فقد حرم اللّه علیه الجنه مأویه النار

محرومیت از بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱۳

۱۳ تناول آدم (ع) و حوا از شجره ممنوعه ، مایه سلب شایستگی نسل آنان برای سکونت در بهشت نخستین شد .

*

قلنا اهبطوا

خداوند در بیان اخراج آدم(ع) و حوا از بهشت و استقرار آن دو در زمین، خطاب خویش را - بر خلاف مقتضای طبیعی کلام - متوجه نسل آنان نیز کرد; تا به این نکته اشاره کند که: تناول آدم(ع) و حوا از شجره منهیه در نسل ایشان نیز اثری به جای گذاشت که باعث شد آنان نیز، حیات خویش را در زمین سپری کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۲

۲ - نسل آدم (ع) و حوا نیز بر اثر تناول آن دو از شجره منهیه ، از بهشت نخستین محروم شدند .

قلنا اهبطوا منها جمیعاً

<اهبطوا> به صیغه جمع اقتضا می کند که: غیر از آدم (ع) و حوا فرد یا افراد دیگری نیز مورد خطاب باشند. در این باره چند نظر ابراز شده است. از جمله اینکه دیگر مخاطبان، نسل آدم(ع) و حوا می باشند. برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است.

محرومیت از لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۰

۱۰ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت کفر به اسلام ، از لذّت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود .

من أهل الکتب و المشرکین فی نار جهنّم . .. الذین ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

محرومیت از نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ خداوند ، منکران قیامت را از بهشت و مواهب آن محروم خواهد کرد .

إن اللّه

حرمهما علی الکفرین . .. فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا

از مصادیق کلمه <الکفرین> به دلیل <کما نسوا لقاء یومهم هذا>، منکران قیامت هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۶ – ۳

۳ – تهدید تکذیب گران روز جزا ، به محرومیت از موهبت های بهشتی

کلوا و تمتّعوا قلیلاً

امر در <کلوا و تمتّعوا> در معنای تهدید و انذار به کار رفته است. در آیات گذشته، از مواهب بهشت و تأمین خواسته های تقواپیشگان در آن، سخن به میان آمده است. از این مطلب استفاده می شود که این تهدید، ناظر به محرومیت از موهبت های بهشتی است.

محسنان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۶ – ۶،۷،۹

۶ نیکوکاران ، اهل بهشتند .

للذین أحسنوا . .. أولئک أصحب الجنه

۷ نیکوکاران ، در بهشت جاودانه خواهند ماند .

للذین أحسنوا . .. أولئک أصحب الجنه هم فیها خلدون

۹ < عن ابی جعفر (ع) فی قوله < للذین احسنوا الحسنی و زیاده > فاما الحسنی ، الجنه و اما الزیاده فالدنیا ، ما اعطاهم اللّه فی الدنیا لم یحاسبهم به فی الأخره . . . ;

از امام باقر (ع) روایت شده که درباره سخن خدا که می فرماید: <برای کسانی که نیکی کرده اند، پاداشی نیکوتر و خیری زیاده بر آن هست> فرمود: اما پاداش نیکوتر، بهشت است و اما زیاده بر آن، عطای خدا در دنیاست. آنچه خدا در دنیا به آنان داده، در آخرت حساب آن را از ایشان نمی خواهد ... >.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۴ – ۱

۱ – محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون . .. کلوا و اشربوا هنیًٔا ... إنّا کذلک نجزی المحسنین

محمد(ص) در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۹ – ۱

۱ باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیّا شده از جانب خدا برای پیامبر (ص) و مؤمنان مجاهد

أعد اللّه لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۵ – ۱۶

۱۶ – < عن علیّ رضی اللّه عنه عن النبی (ص) لرادّک إلی معاد قال : الجنّه ;

علی(ع) از نبی اکرم(ص) روایت نموده که مقصود از <معاد> در آیه <لرادّک إلی معاد> بهشت است>.

مخلصان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۳۰ – ۲

۲ – بندگان خالص خداوند و هم نشینان آنان ، در بهشت برین جای داده خواهند شد .

فی عبدی . و ادخلی جنّتی

مخلصین در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۳ – ۱

۱ – بندگان مخلَص خدا ، در بوستان های پرنعمت متنعم اند .

إلاّ عباد اللّه المخلصين . أُولئك ... مكرمون . فى جنّت النعيم

جلد – نام سوره – سوره – آيه

– فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۴ – ۱،۲،۴

۱ – بندگان مخلَص خدا ، بر تخت های بهشتی رویاروی هم تکیه خواهند زد .

علی سرر متقبلین

<سرر> (جمع <سریر>) به معنای تخت ها است.

۲ – بندگان مخلَص خدا ، بهره مند از بزم خوش و مجلس انس در بوستان های بهشتی

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین

رویاروی هم قرار داشتن بندگان خالص خدا، اشاره به انس و محبت متقابل و بزم خوش آنان دارد.

۴ – اُنس و محبت متقابل و بزم خوش ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان انواع نعمت های الهی برای بندگان خالص خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۵ – ۱،۳،۴

۱ – گردش ظرف هایی از شراب ناب ، گرداگرد بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس

<کأس> به معنای ظرفی است که در آن شراب باشد. گفتنی است گاهی این واژه استعمال می شود، ولی مقصود از آن خود شراب است; نه ظرفی که در آن شراب باشد.

۳ – در دسترس بودن شراب و فراوانی و مستمر بودن آن ، برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

تعبیر دور دادن شراب بر سر بهشتیان، بیانگر در دسترس بودن آن است و آمدن <یطاف> به صورت فعل مضارع، دلالت بر

استمرار این عمل دارد.

۴ - شراب ناب ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۸ – ۳

۳ – بندگان مخلَص خدا در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <طرف> می توانـد نگاه همسـران زنان بهشتی باشـد; یعنی، زنان بهشتی چنان جـذاب انـد که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

مدحهای نگهبانان بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۳ – ۱۱

۱۱ – تمجید دربانان بهشت از خوبی ها و پاکدامنی تقواپیشگان ، در آستانه ورودآنان به بهشت

و قال لهم خزنتها. .. طبتم

مراتب بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۷

۷ بهشت دارای مراتب ، و پاداش های اخروی ، دارای گونه های متکامل

جنت تجری . .. جنت عدن و رضون من اللّه أکبر

در برداشـت فـوق، از تمـایز <جنـات تجری> و <جنـات عـدن> از یکـدیگر مراتـب بهشت، و از <رضـوان من اللّه أکـبر> تفاوت کمالی نعمتهای آن استفاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۱ – ۵

۵– هر یک از بندگان خاص خداوند ، دارای بهشتی مخصوص به خود است . *

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده

جمع آمدن <جنّات> و <عباد> ممکن است حاکی از این باشد که برای هر بنده ای بهشتی مخصوص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۶

۶ - بهشت ، دارای گونه ها و مراتب مختلف است .

فلهم جنّت المأوی نزلاً

احتمال دارد که آمدن لفظ <المأوی>

به دنبال <جنّات> برای جداسازی و تمییز این بهشت ها از بهشت های دیگر باشد و نشان می دهد که بهشت های دیگری نیز وجود دارد.

مراد از بهشت عدن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۱۶

۱۶ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : < عدن ، داراللّه التی لم تر ها عین و لم تخطر علی قلب بشر لا یسکن ها غیر ثلاثه النبیین و الصدیقین و الشهدا . . . ;

<عدن> خانه [ویژه] خداست که هیچ چشمی آن را ندیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است. در آن خانه ساکن نمی شود مگر سه دسته: پیامبران، صدیقان و شهیدان ... >.

مراد از بهشت فردوس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱ – ۶

۶ – < عن رسول اللّه (ص) . . . والفردوس ربوه الجنه و أوسطها و أفضلها ;

رسول خدا(ص) فرمود: فردوس، جایگاه بلند، و بهتر و برتر بهشت است.

مراد از نهرهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۴ – ۵

۵ – < عن ابن عباس قال : قال : رسول اللّه (ص) النهر الفضاء و السعه لیس بنهر جار ;

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: مراد از نهر [در این آیه] فضا و وسعت است [و] نهر جاری مراد نیست>.

مرغوبیت فرشهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ -

۱ - وجود فرش های عالی و گران ب ها در بهشت اصحاب الیمین

و فرش مرفوعه

<فُرُش> جمع <فراش> است و <فراش> به چیزی گفته می شود که پهن باشد و انسان بتواند روی آن استقرار پیدا کند. ازاین رو در قرآن بر <زمین>، <مرکب>، <فرش>، <تشک> و <تخت>، <فراش> اطلاق شده است. بنابراین <و فرش مرفوعه> می تواند به معنای فرش های نفیس و گران بها باشد.

مزاح مردان بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۱

۱ - مردان بهشتی با همسرانشان در حالی که به شوخی و گفت وگوی لذت بخش مشغولند زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزیّن و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متّکئون

جمله <هم و أزواجهم. ..> استئناف بیانی برای آیه پیشین (إنّ أصحاب الجّنه...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند بیان می کند. <أریکه> (مفرد <أرائک>) نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

مزاح همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۱

۱ - مردان بهشتی با همسرانشان در حالی که به شوخی و گفت وگوی لذت بخش مشغولند زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزیّن و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون . هم و أزوجهم

فی ظلل علی الأرائک متّکئون

جمله <هم و أزواجهم. ..> استئناف بیانی برای آیه پیشین (إنّ أصحاب الجّنه...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند بیان می کند. <أریکه> (مفرد <أرائک>) نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

مزه شیر بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۷

۷- وجود نهرهایی از آب های زلال ، شیر های گوارا ، شراب های مسرت آفرین و عسل خالص در بهشت

فیها أنهر من ماء غیر ءاسن و أنهر من لبن لم یتغیّر طعمه و أنهرمن خمر لذّه للش

مسابقه برای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۲

۲ - انسان ها ، باید دنیا را میدان مسابقه جهت دست یافتن به بهشت و آمرزش الهی قرار دهند .

و ما الحیوه الدنیا إلاّ متع الغرور . سابقوا إلی مغفره من ربّکم و جنّه

مستحقان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۱۳

۱۳ - بهشت و تأمین تمامی خواسته ها ، پاداش استحقاقی و حق محسنان است .

ذلک جزاء المحسنین

تعبیر <جزاء> می رساند که محسنان در برابر احسان های خود، حقی بر خدا پیدامی کنند؛ هر چند این حق را خود او مقرر فرموده است.

مسلمانان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۰ - ۳

۳ - < عن عبداللّه ابن مسعود قال : قال رسول اللّه (

ص) إنّى لأرجوا أن يكون من اتّبعنى من أُمّتى ربع أهل الجنّه . . . ثمّ قال : إنّى لأرجوا أن يكون من أُمّتى الشطر ، ثمّ قرأ < ثلّه من الأوّلين . و ثلّه من الأخرين > ;

از عبدالله بن مسعود نقل شده که رسول خدا(ص) فرمود: من امیدوارم از امت من کسانی که از من تبعیت می کنند، یک چهارم اهل بهشت باشند. .. سپس فرمود: من امیدوارم پیروان من نیمی از اهل بهشت باشند و این آیه را قرائت فرمود: ثلّه من الأوّلین و ثلّه من الأخرین>.

مسلمانان و بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۶

۶ - محرومیت مسلمانان از بهشت از خیالات واهی و نادرست یهود و نصارا

تلک أمانیّهم

<أمانی> جمع امنیه و به معنای آرزوها، خیالات واهی و دروغهای یافته شده است.

مسیحیان و بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱،۴،۸،۱۰

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) ، تنها خویشتن را سزاوار بهشت دانسته و دیگران را از آن ، محروم می پندارند .

و قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری

ضمیر در <قالوا> به <اهل الکتاب> (در آیه ۱۰۹) باز می گردد.

۴ - اتفاق نظر یهود و نصارا ، بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری

هدف از اینکه قرآن، پندار نصارا و یهود را به صورت <لفّ اجمالی> بیان کرده، رساندن این معناست که: مقصود اصلی یهود و نصارا در طرح آن ادعا، بیان محرومیت

مسلمانان از بهشت است.

۸ - یهود و نصارا هیچ برهانی بر ادعای خویش (اختصاص بهشت به خویشتن و محرومیت مسلمان از آن) ندارند .

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

<هات> (مفرد هاتوا) اسم فعل و به معنای عطا کن است. بنابراین <هاتوا برهانکم> یعنی، برهانتان را ارائه کنید.

۱۰ - پیامبر (ص) ، موظف به مطالبه برهان از یهود و نصارا بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

مشرکان و بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۸

۸- مشرکان مدعی بودند بهشت ، از آنِ آنان است .

و تصف ألسنتهم الکذب أن لهم الحسنی

احتمال دارد مراد از <أن لهم الحسنی>، به قرینه فراز بعدی (أن لهم النار) بهشت باشد.

معذوران از جهاد در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - افراد ناتوان از جهاد ، همانند مجاهدان ، برخوردار از بهشت در صورت داشتن روح اطاعت در برابر خدا و رسول او

لیس علی الأعمی حرج . .. و من یطع اللّه و رسوله جنّت

برداشت بالاـ بنـا بر این نکته است که <من یطع. ..> جـواب سؤال مقـدر باشـد، زیرا پس از رفع حکـم جهـاد از افراد نـاتوان، ممکن است سؤال شود که: چرا این گروه از فیض جهاد محروم انـد؟ خداونـد در جواب می فرماید: آنان نیز اگر مطیع باشـند، همانند مجاهدان، از پاداش الهی برخوردار خواهند بود.

مفروش بودن بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۶ -

۲

۲ – مکان های فراوانی از بهشت ، برای بزم بهشتیان ، همواره مفروش و آماده است .

و زرابیّ مبثوثه

<بثّ>; یعنی، متفرق ساختن و آشکار کردن و <مبثوثه>; یعنی، فراوان و متفرق. (مقاییس اللغه)، مراد از متفرق بودن فرش ها در بهشت، مفروش بودن نقاط مختلفی از آن است.

مقربان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۸۹ – ۵

۵ – ره یافتگان به مقام قرب در آخرت (پیشتازان) ، برخوردار از بهشتی سرشار از نعمت

فأمّا إن کان من المقرّبین . .. و جنّت نعیم

واژه <نعیم>، به معنای نعمت فراوان آمده است (مفردات راغب).

مکان باغهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۲ – ۳

۳ – بوستان های مؤمنان در بهشت ، مسرت آفرین و در جایی بلند قرار دارد .

فی جنّه عالیه

مکان بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۴۰ – ۸،۹

۸ بهشت، حقیقتی موجود در آسمان

لاتفتح لهم أبوب السماء و لايدخلون الجنه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <السماء> در جمله <لاتفتح . ..> حقیقتی مقابل زمین باشد. در این صورت مراد از نگشودن درهای آسمان، به قرینه فراز بعد، باز نبودن آنها برای ورود کافران به بهشت خواهد بود.

۹ آسمان حاوی بهشت، دارای درهایی متعدد و راههایی گوناگون برای ورود به آن جایگاه برین

لاتفتح لهم أبوب السماء و لايدخلون الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۲

۲ بهشت در مکانی

بالاتر از دوزخ و با فاصله ای زیاد از آن

و نادی اصحب النار اصحب الجنه أن أفیضوا علینا

کلمه <افاضه> که به معنای ریزش است، حکایت از این دارد که بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ قرار گرفته است. به کارگیری ندا (خواندن با صدای بلند)، اشاره به دوری بهشت و دوزخ از یکدیگر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۲ - ۵

۵ - بهشت موعود الهی ، در آسمان قرار دارد . *

و فی السّماء . .. و ما توعدون

با توجه به این که عمده ترین وعده خداوند به آدمیان بهشت است، بسیاری از مفسران <ما توعدون> را به معنای بهشت گرفته اند.

مکان بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۲۱

۲۱ حسین بن میسّر گوید : < سألت أبا عبداللّه عن جنه آدم . فقال : جنه من جنان الدنیا تطلع فی ها الشمس و القمر و لو کانت من جنان الآخره ما خرج من ها ابداً ;

از امام صادق (ع) از بهشت آدم(ع) سؤال کردم، فرمود: باغی از باغهای دنیا بود که ماه و خورشید در آن طلوع می کرد و اگر از بهشتهای آخرت بود، هرگز از آن خارج نمی گشت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱۸

۱۸ بهشتی که آدم (ع) و حوا در آن سکونت داشتند ، مکانی غیر از زمین و بالاتر و برتر از آن بود .

قلنا اهبطوا . .. و لکم فی الأرض

مستقر

جمله <و لکم فی الأرض مستقر> دلالت می کند بر اینکه: بهشتی که آدم(ع) و حوا در آن سکونت داشتند در زمین نبوده و کلمه <اهبطوا> می رساند که آن جایگاه، برتر و بالاتر از زمین بوده است.

مکان بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ < رسول الله (ص) قال : جنه عدن و هی فی وسط الجنان . . . فسورها یاقوت أحمر و حصاها اللؤلؤ . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: بهشت عدن در وسط بهشت هاست . .. پس دیوار آن یاقوت سرخ و سنگریزه های آن لؤلؤ می باشد ...>.

مکان جنه المأوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۵ - ۱

۱ - < جنه المأوی > ، در مجاورت < سدره المنتهی > قرار دارد .

عند سدره المنتهی . عندها جنّه المأوی

ضمیر <عندها> به <سدره المنتهی> بازمی گردد.

منشأ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۱۶

۱۶ - آمرزش گناه بندگان و اعطای بهشت پهناور به آنان ، جلوه فضل و فزون بخشی خداوند به آنان است ; نه استحقاق ایشان .

سابقوا إلی مغفره من ربّکم و جنّه . .. ذلک فضل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۱ – ۲

۲ – بهشت و پاداش های اخروی ، برخاسته از مقام ربوبیت خداوند است .

من خاف مقام ربّه . .. فإنّ الجنّه هی

المأوی

منشأ جاودانگی در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۸ – ۱۴

۱۴ – بهشت جاودان و نعمت های آن ، کسب رضایت خداوند و راضی شدن از او ، ویژه کسانی است که به عظمت خداوند ، پی برده و از او هراس دارند .

جنّت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبدًا رضی اللّه عنهم و رضوا عنه ذلک

<خشیت>، به معنای ترس آمیخته با احساس عظمت است. (مفردات)

منشأ جاودانگی در نعمتهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۸ – ۱۴

۱۴ – بهشت جاودان و نعمت های آن ، کسب رضایت خداوند و راضی شدن از او ، ویژه کسانی است که به عظمت خداوند ، پی برده و از او هراس دارند .

جنّت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبدًا رضی اللّه عنهم و رضوا عنه ذلک

<خشیت>، به معنای ترس آمیخته با احساس عظمت است. (مفردات)

منشأ شراب بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۱ – ۱۰

۱۰ – < عن أبی عبداللّه (ع) قال : قال رسول اللّه (ص) : . . . إذا انتهی إلی باب الجنّه . . . فیدخل فإذا هو بشجره ذات ظلّ ممدود . . . یخرج من ساقها عینان تجریان فینطلق إلی إحدیها فیغتسل منها . . . ثمّ یشرب من الاُخری فلایکن فی بطنه مغص و لامرض و لاداء أبداً و ذلک قوله تعالی < و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً > . .

; .

امام صادق(ع) از رسول خدا(ص) روایت کرده که فرمود: هرگاه [بنده خدا] به در بهشت برسد. .. وارد آن می شود، آن گاه با درختی روبه رو می شود که دارای سایه ای گسترده است ... از ساق آن دو چشمه جاری می شود آن گاه به سوی یکی از آن دو می رود و از آن غسل می کند ... سپس از چشمه دیگر می نوشد، پس از آن برای همیشه در شکم او هیچ درد، مرض و بیماری نمی باشد و این است سخن خدای تعالی: <و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً>...>.

منشأ نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۷ - ۱

۱- بهرهوری متقین از نعمت های گسترده بهشت ، ناشی از فضل پروردگار است ; نه صرفاً استحقاق خود ایشان .

فضلاً من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۶

۶ - بهره مندی از نعمت های سرشار بهشتی ، جلوه تقدیر و سپاس گزاری خداوند از ابرار

و جزیهم بما صبروا جنّه و حریرًا . إنّ هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکورًا

منظره های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۴

۴ - تقواپیشگان ، از منظره های چشم نواز و لذت بخش بهشت بهره مند خواهند شد .

لهم غرف من فوقها غرف مبنیّه

مرتفع و چند طبقه بودن بناهای بهشت به همراه جریان نهرها در پایین آنها، می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۱۱

۱۱ – منظره های زیبا و دلنشین بهشت ، مسحورکننده چشم نظاره گران

و تلذّ الأعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۴

۴– جریان نهر ها در زیر قصر ها و درخت های بهشت ، از جاذبه های مهم آن است .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

از آن جا که خداوند از میان همه اوصاف بهشت، تنها به جریان نهرها اشاره کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۶ – ۲

۲ – زیبایی فزاینده مناظر بهشت ، با فوران آب چشمه ها

فیهما عینان نضّاختان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۱ – ۷

۷ – ایمان به خداوند و اعتقاد به عزّت ، ستودگی ، حاکمیت ، مالکیت و گواه بودن او و انجام دادن تمامی اعمال صالح ، مایه بهره بردن از مناظر سبز و پر درخت و زمین آب خیز بهشت است .

إلاّ أن یؤمنوا باللّه العزیز . .. إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت تج

برداشت یاد شده، از ارتباط این آیه با آیه هشتم و نهم استفاده می شود. <الصالحات>، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. عموم در این موارد، عرفی است; یعنی، تمام آن چه میسّر است. <جنّه>; یعنی، بوستانی که با درختان خود زمین را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۰

۱۰ -

اهل کتاب و مشرکان ، در صورت کفر به اسلام ، از لذّت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود .

من أهل الکتب و المشرکین فی نار جهنّم . .. الذین ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

موانع بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۵،۱۰،۱۱

۵ سرگرمی و بازیچه گرفتن دین و فریفته شدن به زندگانی دنیا ، موجب محرومیت از بهشت و مواهب آن

إن اللّه. حرمهما علی الکفرین. الذین اتخذوا ... و غرتهم الحیوه الدنیا

توصیف کافران دوزخی به <الذین اتخذوا . .. > بیانگر علت گرفتاری آنان به آتش جهنم است.

۱۰ خداوند ، منکران قیامت را از بهشت و مواهب آن محروم خواهد کرد .

إن اللّه حرمهما علی الکفرین . .. فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا

از مصادیق کلمه <الکفرین> به دلیل <کما نسوا لقاء یومهم هذا>، منکران قیامت هستند.

۱۱ انکار مستمر آیات الهی ، موجب محروم شدن از بهشت و مواهب آن

فالیوم ننسیهم کما نسوا . .. و ما کانوا بایتنا یجحدون

آیه مورد بحث تبیین کننده حال کافرانی است که در روز قیامت از مواهب بهشتی محروم خواهند شد و این فراز آیه (و ما کانوا . ..) بیانگر این است که منکران آیات الهی از آن کافران خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۷

۱۷ - ظلم و ستم پیشگی ، انسان را از رحمت الهی و ورود به بهشت ، محروم می سازد .

فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر . ..

و لکن یدخل من یشاء فی رحمته و الظلمون ما

از مقابله دو گروه (فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر) استفاده می شود که ستم پیشگان محروم از بهشت و رحمت الهی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۱ - ۳

۳ - بی پروایی در برابر خداوند و پیروی از هوای نفس ، مانع ورود به بهشت است .

و نهی النفس عن الهوی . فإنّ الجنّه هی المأوی

موانع ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰ - ۷،۱۰

۷ ورود تکذیب کنندگان و مستکبران به بهشت، مخالف سنتهای خداوند در نظام آفرینش

و لایدخلون الجنه حتی یلج الجمل فی سم الخیاط

ورود شتر به روزنه سوزن گرچه عقلاـ محال نیست، ولی بر خلاف نظام جاری در طبیعت است. بنابراین به کارگیری ضرب المثل مذکور می تواند بیانگر این باشد که ورود تکذیب کنندگان به بهشت اگر چه امتناع عقلی ندارد، ولی با سنن الهی ناسازگار است.

۱۰ تکذیب آیات الهی و تکبر در مقابل معارف دین، موجب مسدود شدن تمامی راههای ورود به بهشت

لاتفتح لهم أبوب السماء و لایدخلون الجنه

در برداشت فوق جمله <و لایدخلون . ..> تفسیر جمله <لاتفتح لهم ...> گرفته شده است.

موجبات بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۳،۴

۳ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (ص) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذين ءامنوا . .. أن لهم

جنت تجری من تحت الأنهر

متعلق <آمنوا> به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر(ص) است.

۴ - ایمان بدون عمل صالح و عمل صالح بدون ایمان ، آدمی را به بهشت رهنمون نخواهد شد .

و بشر الذین ءامنوا . .. و عملوا الصلحت أن لهم جنت

عطف <عملوا . ..> بر <آمنوا> - بدون تکرار <الذین> - ظهور در این دارد که: دستیابی به بهشت در گرو جمع شدن هر دو وصف (ایمان و عمل) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۲،۴،۵

۲ - پاداش های الهی (بهشت) از آن کسانی است که با تمام وجود تسلیم خدا شده و از سر اخلاص کار های نیک انجام دهند .

من أسلم وجهه للّه و هو محسن فله أجره عند ربه

از مصادیق <أجر> - به دلیل آیه قبل - <بهشت> است. <وجه> به معنای صورت است و مراد از آن در آیه شریفه، وجود و ذات آدمی است. <محسن> به کسی گفته می شود که کار نیک انجام دهد.

۴ - مجرد انتساب به ادیان الهی (یهودیت ، نصرانیت و یا هر آیینی دیگر) ، آدمی را به بهشت نخواهد رسانید .

قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری . .. بلی من أسلم ... فله أجره

آیه شریفه پس از نفی ادعای یهود و نصارا - که معیار ورود به بهشت را یهودی یا نصرانی بودن می دانستند - انتساب به دینی خاص حتی اسلام را شرط برخوردار شدن از پاداشهای الهی نشمرد تا به این نکته اشاره کند که: منتسب بودن به ادیان الهی

کار ساز نیست; بلکه معیار <تسلیم خدا بودن> است. البته پس از بعثت پیامبر و نزول قرآن انسان نمی تواند مدعی تسلیم خدا بودن باشد و دین اسلام را نپذیرد.

۵ – یهود و نصارا ، در صورتی که تسلیم خدا شوند (اسلام را بپذیرند) و کار های نیک انجام دهند ، اهل بهشت خواهند بود .

قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً . .. بلی من أسلم ... فله أجره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۴ – ۲،۳

۲ ورود به بهشت ، بدون تحمّل سختی ها و مصائب ، پنداری بیش نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه

۳ ایمان ، بدون تحمل مصائب ، برای ورود به بهشت کافی نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه

با توجّه به اینکه خطاب به مؤمنان است ; ورود آنان را به بهشت، مشروط به تحمّل مصائب کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۱ – ۲۲

۲۲ دستیابی به بهشت و مغفرت الهی ، به توفیق اوست .

و اللّه یدعوا الی الجنّه و المغفره باذنه

باء در <باذنه> به معنای مصاحبت و متعلّق به <یدعوا> است و کلمه <اذن> به معنای توفیق است; یعنی دعوت الهی به بهشت، همراه با توفیق او برای دستیابی مؤمنان به بهشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۶ – ۷،۱۱

۷ ورود بندگان به بهشتی جاودانه ، در گرو آمرزش گناه آنان

اولئك جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات تجری . .. خالدين

فيها

تقدّم ذكرى مغفرت و آمرزش بر بهشت (جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات)، حكايت از تقدّم واقعى و خارجى آن بر بهشت دارد; يعنى نخست بايد آمرزش صورت گيرد، آنگاه اجازه ورود به بهشت داده شود.

۱۱ آمرزش الهى و بهشت را به بهاى عمل به اوامر خداوند دهند ، نه به صرف شعار و ادّعا

اولئك جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات . .. و نعم اجر العاملين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۱،۲،۵

۱ گمان دستيابى به سعادت اخروى و بهشت ، به صرف داشتن ايمان ، پندارى باطل است .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا يعلم اللّه الّذين جاهدوا منكم و يعلم الصّابرين

۲ پندار غلط ورود به بهشت بدون جهاد و صبر ، در ميان مسلمانان صدر اسلام

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا يعلم اللّه الّذين جاهدوا منكم و يعلم الصّابرين

۵ بدون مجاهده و صبر ، نمى توان به بهشت دست يافت .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا يعلم اللّه الّذين جاهدوا منكم و يعلم الصّابرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۹،۲۰،۲۳،۲۹

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهى ، براى هجرت ، آوارگى ، آزار ديدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فالّذين هاجروا و اخرجوا من ديارهم و اوذوا فى سبيلى و قاتلوا و قتلوا لاكفّرنّ عنه

۲۰ آمرزش گناهان و بهشت ، پاداش خداوند به هجرت كنندگان از شرك و كفر *

فالّذين هاجروا و اخرجوا من ديارهم

. .. لاكفّرنّ عنهم سيّاتهم و لادخلنّهم جنّات

می توان گفت مراد از هجرت به قرینه ادامه آیه (اخرجوا من دیارهم)، هجرتی است که رانـده شدن از خانه و کاشانه را در پی داشته باشد. و این هجرت همان ترک شرک و کفر است.

۲۳ تنها خداوند آمرزنده گناهان و واردکننده بندگان به بهشت .

لاكفّرنّ عنهم سيّئاتهم و لادخلنّهم جنّات

۲۹ پاکی از گناه ، شرط ورود به بهشت *

لاكفّرنّ عنهم سيّئاتهم و لادخلنّهم جنّات

تقـدّم جمله <لاكفّرنّ . .. > بر جمله <لادخلنّهم>، می توانـد اشاره به این حقیقت باشد که پاک شدن از گناه، مقدمه ورود به بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱۰

۱۰ تقوا ، زمینه برخورداری از موهبت بهشت و نعمت های آن

لكن الّذين اتّقوا ربّهم لهم جنّات تجرى من تحتها الانهار خالدين فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۳ - ۲،۴

۲ اطاعت از خدا و رسولش ، عامل دخول و جاودانگی در بهشت

و من يطع اللّه و رسوله يدخله جنّات . .. خالدين فيها

۴ عمل به احکام ارث ، اطاعت از خدا و رسول و عامل دخول در بهشت است .

يوصيكم اللّه فى اولادكم . .. و من يطع اللّه و رسوله يدخله جنّات

از موارد مورد نظر برای <من یطع . .. >، رعایت احکام و قوانین ارث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۱ – ۱۰،۱۳،۱۴

۱۰ بهشت ، پاداش اجتناب کنندگان از گناهان کبیره

و ندخلکم مدخلا کریماً

۱۳

پاکی از گناهان صغیره و کبیره ، شرط ورود به بهشت

ان تجتنبوا کبائر . .. نکفر عنکم سیّئاتکم و ندخلکم و مدخلا کریماً

۱۴ بهشت ، پیامد پاکی و پیراستگی از گناهان صغیره و کبیره

ان تجتنبوا . .. و ندخلکم مدخلا کریماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۷ – ۲

۲ ایمان و اعمال صالح ، دو شرط لازم برای ورود به بهشت

و الّذین امنوا و عملوا الصّالحات سندخلهم جنّات تجری من تحتها الانهار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۲ – ۲

۲ ایمان و عمل ، مکمّل یکدیگر در رهنمون ساختن آدمی به سوی بهشت

و الّذین ءامنوا و عملوا الصلحت سندخلهم جنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۴ – ۱،۲،۵،۶

۱ ایمان و عمل صالح ، تضمین کننده ورود به بهشت

و من یعمل من الصلحت . .. و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنه

۲ راهیابی مؤمنان به بهشت ، منوط به انجام بخشی از اعمال صالح ; و نه مشروط به انجام تمامی کار های نیک

و من یعمل من الصلحت . .. و هو مؤمن

بنابر اینکه <من> برای تبعیض باشد.

۵ بهره مندی مردم از پاداش های الهی و ورودشان به بهشت ، در گرو ایمان و عمل صالح است ، نه جنسیت و انتساب به

مذهب یا فرقه ای خاص .

و من یعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنه

۶ ایمان ، شرط باروری اعمال صالح آدمی و ورود

وی به بهشت

و من یعمل من الصلحت . .. و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۵ – ۳

۳ نیل به مقام قرب الهی ، بهره منـدی کامل از بهشت و نعمت های آن و برخورداری از فضل الهی ، پاداش مؤمنان متمسک به خداوند

فاما الذین ءامنوا . .. فسیدخلهم فی رحمه منه و فضل و یهدیهم إلیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۲۸،۲۵،۲۱،۲۰

۲۰ اقـامه نمـاز ، پرداخت زکـات ، ایمـان به پیـامبران و یاری آنان و انفاق در راه خـدا ، موجب تکفیر (نادیـده گرفتن) قطعی گناهان و دخول حتمی در بهشت

لئن اقمتم . .. لاکفرن عنکم سیاتکم و لادخلنکم جنت

۲۱ تکفیر (نادیده گرفتن) گناهان بنی اسرائیل و دخول آنان به بهشت در گرو اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و یاری آنان و انفاق در راه خدا

لئن اقمتم الصلوه . .. و لادخلنکم جنت

۲۵ ورود به بهشت در گرو پاک بودن از گناهان است .

لاکفرن عنکم سیاتکم و لادخلنکم جنت

۲۸ عمل کنندگان به میثاق و فرمان های الهی ; هر یک بهره مند از بهشتی خاص هستند .

لقد اخذ اللّه میثق . .. لئن اقمتم الصلوه ... لادخلنکم جنت

بهره گیری عمل کننـدگان به فرمانهای الهی از بهشـتهای متعـدد (جنت)، می توانـد به این صورت باشد که هر کس به بهشـت مخصوص خویش راه می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۵ - ۶۵ - ۷،۹،۱۰

۷ تأکید خداوند بر وارد ساختن اهل کتاب به بهشت پر نعمت در صورت ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و تمامی کتب آسمانی و رعایت تقوا

و لو ان أهل الکتب . .. لادخلنهم جنت النعیم

۹ آمرزش گناهان ، شرط ورود به بهشت

لکفّرنا عنهم سیئاتهم و لادخلنهم جنت النعیم

تقدم آمرزش بر ورود به بهشت می تواند اشاره به این باشد که تا گناهان آدمی آمرزیده نشود، به بهشت وارد نخواهد شد.

۱۰ پرهیز از رشوه گیری ، حرام خواری ، تجاوزگری و گفتار کفرآمیز شرط آمرزش گناهان اهل کتاب و ورود آنان به بهشت

و لو ان أهل الکتب ءامنوا و اتقوا

متعلق <واتقوا> چنانچه گذشت، گناهان است، از مصادیق مورد نظر آن با توجه به آیات گذشته ، گناهانی است که در برداشت به آنها اشاره شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱،۲

۱ ایمان مسیحیان به خدا و اعترافشان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) موجب برخورداری آنان از بهشت جاودان

فاثبهم اللّه بما قالوا جنت

۲ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن عامل ورود به بهشت جاویدان

فاثبهم اللّه بما قالوا جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲۰ - ۷

۷ مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت . .. و ما فیهن و هو علی کل شیء قدیر

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی

مطلق او پس از وعـده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشـیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۹

۹ بهای بهشت و برخورداری از ولایت الهی، عمل در پرتو ایمان است.

لهم دارالسلم . .. بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۰،۱۱،۱۳،۱۶

۱۰ رهیابی به بهشت جاودان ، جز در پرتو هدایت الهی میسر نیست .

و ما کنا لنهتدی لو لا أن هدینا اللّه

۱۱ خداوند هدایت کننده مردم به ایمان و انجام اعمال صالح برای رساندن آنان به بهشت و مواهب آن

و قالوا الحمد للّه الذی هدینا لهذا

برداشت فوق بر این اساس است که متعلّق <هـدینا>، به قرینه آیه پیشـین، ایمان و عمل صالـح و <لام> در <لهـذا> بیانگر هدف و غایت هدایت باشد. یعنی: هدانا إلی الایمان لنکون من أصحاب الجنه.

۱۳ عدم اتکای بهشتیان به اعمال خویش ، در رسیدن به نعمت های بهشت

و قالوا الحمد للّه الذی هدینا لهذا و ما کنا لنهتدی

۱۶ بهشت تفضلی است از جانب خداوند به مؤمنان نیک کردار ، نه پاداشی همپایه عملکرد آنان

تلکم الجنه اورثتموها بما کنتم تعملون

خداونـد از یـک سو بهشت را پـاداش عملکرد اهـل ایمان دانسـته (بما کنتم تعملون) و از سوی دیگر آن را میراث (دستیابی به چیزی بدون عوض) خوانده است تا به این حقیقت اشاره کند که اعطای بهشت همپایه اعمال مؤمنان نیست، بلکه تفضلی است از جانب خداوند به

ایشان.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۱ – ۵

۵ برخورداری از باغ ها و بوستان های متعدد بهشت ، از ثمرات ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّه . .. یبشرهم ربهم ... و جنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۱۱،۱۵

۱۱ ایمان همراه با عمل نیک ، شرط دستیابی انسان به نعمت های جاوادن بهشت و رستگاری عظیم

وعد اللّه المؤمنین و المؤمنت . .. الفوز العظیم

مراد از <المؤمنین و المؤمنت>، با توجه به آیه پیش، زنان و مردان مؤمنی هستند که اهل عمل صالحند.

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت . .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون اللّه و رسوله ... وعد الل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۹ – ۲

۲ بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد اللّه لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۰ – ۱۸

۱۸ رضایت خدا از انسان و رضایت انسان از خدا ، عامل دستیابی انسان به بهشت جاودان و رستگاری حقیقی

رضی اللّٰہ عنہم

و رضوا عنه و أعد لهم جنت . .. ذلك الفوز العظيم

ممكن است مقدم شدن <رضی اللّه عنهم . .. > بر <أعد لهم جنات> مشعر به سببیت و علیت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲،۴،۲۵

۲ نقش و کاربرد جهاد مالی همانند جهاد با جان ، در دستیابی به بهشت

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم بأن لهم الجنه

۴ ایمان ، شرط تأثیر ایثار های مالی و جانی انسان در دستیابی به بهشت

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم بأن لهم الجنه

قید <من المؤمنین> اشعار دارد به اینکه تنها انسانهای مؤمن در این معامله شرکت دارند.

۲۵ دستیابی به بهشت در پرتو جهاد و شهادت ، تنها رستگاری و پیروزی بزرگ

إن اللّه اشتری . .. بأن لهم الجنه ... ذلک هو الفوز العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ دستیابی به پاداش بزرگ الهی (بهشت) در گرو بخشوده شدن گناهان است .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

تقدیم ذکری <مغفرت> بر <أجر کبیر> می تواند اشاره به این باشد که: رسیدن به پاداش بزرگ الهی و ورود به بهشت ، در گرو آمرزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۱،۲

۱ بهشت از آنِ مؤمنانی است که اعمال صالح انجام دهند و در برابر خدا خاضع و فروتن باشند .

إن الذين ءامنوا . .. أَولئك أصحب الجنه

إخبات (مصدر أخبتوا) به معناى خضوع و خشوع و نيز

به معنـای اطمینـان است. برداشت فوق ، براسـاس معنـای اول می باشـد. گفتنی است که در این صورت <إلی> به معنـای لام است; یعنی: <أخبتوا لربهم; در برابر خدا خاضع هستند>.

۲ اطمینان به ربوبیت خدا و زدودن دل از تردید درباره آن ، از شرایط ورود به بهشت است .

إن الذین . .. أخبتوا إلی ربهم أُولئک أصحب الجنه

برداشت فوق ، بر این مبنـاست که <إخبـات> به معنـای اطمینـان باشـد. بنابراین <أخبتوا إلی ربهم>; یعنی ، به ربوبیت خـدا اطمینان دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۲،۳

۲ بهشت عـدن ، پاداش وفا کردن به پیمان های الهی ، نشکسـتن عهـد ها و برقرار کردن پیونـدهایی که خدا به برقراری آن امر کرده است .

الذین یوفون بعهد الله . .. أُولئک لهم عقبی الدار. جنّت عدن

۳ بهشت عدن ، پاداش صبر و استقامت بر فرمان های الهی ، برپا داشتن نماز و انفاق کردن

والذین صبروا . .. أُولئک لهم عقبی الدار. جنّت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۴

۴ صبر و استقامت بر پیروی از فرمان های خدا درپی دارنده ورود به بهشت

سلم علیکم بما صبرتم

حرف <بـاء> در <بمـا صبرتم> سـببیه و <ما> در آن مصـدریه است. متعلق <صبرتم> اموری است که در آیات گذشـته (<الـذین یوفون> تـا <یـدرءون بالحسـنه السیئه>) مطرح شـد که می توان از آنهـا به <طاعه الله> تعـبیر کرد. بنـابراین بما صبرتم ; یعنی: <بسبب صبرکم علی طاعه الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد

- ۱۳ - ۳۵ - ۲

۲ آنان که از شرک بپرهیزند و از استهزای پیامبران و از کفر به ایشان حذر کنند ، به بهشت خواهند رفت .

مثل الجنه التی وعد المتقون . .. تلک عقبی الذین اتقوا

مقصود اولی از <متقون> و <الذین اتقوا> به قرینه آیات گذشته کسانی اند که از شرک ، استهزای پیامبران و کفر به آنان حذر کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۵ - ۲

۲- تقوا ، عامل برخورداری از موهبت های بهشت

إن المتقین فی جنّت و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۱۵،۱۶

۱۵- اعمال تقواپیشگان ، عامل ورود آنان به بهشت

المتّقین . .. ادخلوا الجنّه بما کنتم تعملون

۱۶- بهشت ، پاداش کردار و اعمال متقین

ادخلوا الجنّه بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۲

۲- توبه کنندگان مؤمن و دارای عمل صالح ، به بهشت وارد می شوند .

إلاّ من تاب و ءامن و عمل صلحًا فأُولئک یدخلون الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۲،۸

۸- بندگی خداوند ، مرتبتی والا و موجب ورود به بهشت

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده

۱۲- ورود مؤمنان به بهشت عدن ، به خاطر ایمان آنان به غیب و تصدیق آن است .

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده بالغیب

<باء> در <بالغیب> می تواند سببیه و متعلق به <وعد> باشد; یعنی، وعده خداوند به مؤمنان، به جهت ایمان آنان به غیب بوده

است. روشن است که بنابراین وجه، تقدیر کلام <بتصدیق الغیب> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۳

۳- عبادت و تقوا ، موجب دستیابی به بهشت است .

تلک الجنّه . .. من عبادنا من کان تقیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۲

۲ - همراهی ایمان و عمل صالح ، شرط ورود به بهشت

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۵

۵ - ایمان به خدای یگانه (توحید و نفی شرک) ، مایه برخورداری از غفران الهی و عمل صالح ، مایه بهره مندی از نعمت های بهشت

فالذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و رزق کریم

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که <مغفرت> مربوط به ایمان و <رزق کریم> مرتبط با عمل صالح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰ - ۳

۳ خشوع در نماز ، اجتناب از لغو (گفتاربیهوده و کردار عبث) ، پرداخت زکات ، عفت و پاک دامنی ، امانت داری ، پایبندی به عهد و پیمان و اهمیت دادن به نماز و انجام به موقع آن ، تضمین کننده رستگاری اخروی و دستیابی مؤمنان به بهشت

قد أفلح المؤمنون . الذین هم ... أُولئک هم الورثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۵ – ۶

۶ تقواپیشگی ، عامل

دستیابی به بهشت جاودان و سرانجامی خوش و برتر

جنّه الخلد . .. و مصیرًا

از پاداش قرارگرفتن بهشت برای متقین، استفاده می شود که بهشت را به بهای تلاش می دهند نه به بهانه و این تلاش به قرینه وصف <متّقین> تقواپیشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳،۴،۵

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

۴ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترک محرمات الهی چون اسراف و یا تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا . .. و لایزنون ... و الذین لایشهدون الزور ... أُول

۵ صبر و

شکیبایی در انجام تکالیف و ترک محرمات الهی ، عامل بهره مندی از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا ... و الذین لایشهدو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹۰ – ۴

۴ – تقواپیشگی و دوری کردن انسان از انجام گناه در دنیا ، سبب نزدیک شدن بهشت به وی در رستاخیز

و أُزلفت الجنّه للمتّقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۸ – ۲

۲ – توأم بودن ایمان و عمل صالح ، شرط دستیابی به غرفه های بهشت است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه غرفًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۲۶ – ۴

۴ – بهشت ، پاداش جهاد و دفاع از دین تا مرز شهادت

قال یقوم اتّبعوا المرسلین . .. إنّی ءامنت بربّکم فاسمعون . قیل ادخل الجنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – ۵۵

۳ – بهشت و نعمت ها و خوشی های آن ، نتیجه و پاداش کردار انسان ها در دنیا است .

و لاتجزون إلاّ ما کنتم تعملون . إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون

از ارتباط میان این آیه که سخن از بهشت و نعمت های آن است و آیه پیش که درباره پاداش مطابق رفتار و کردار بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۱ – ۴

۴ – منافات نداشتن عمل برای نیل به بهشت جاودانه ، با اخلاص و رسیدن به مقام شامخ عبودیت

إلاّ عباد اللّه المخلصین . .. و ما نحن بمعذّبین . إنّ هذا لهو الفوز العظیم . لم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۰ – ۵

۵ – تقوا ، عامل اصلی ورود به بهشت و برخورداری از مواهب آن است .

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف من فوقها غرف مبنیّه $اختصاص یافتن بهشت به کسانی

اختصاص یافتن بهشت به کسانی که دارای صفت تقوا هستند در حالی که بهشتیان باید از اوصاف دیگری نیز برخوردار باشند می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۳ – ۱۶

۱۶ – پادکدامنی و طهارت از گناه ، عامل ورود تقواپیشگان به بهشت

طبتم فادخلوها خلدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۴ – ۱۲،۱۰،۹

۹ – بهشت ، اجری نیکو و پسندیده برای اهل عمل

و تلاش

نتبوّأ من الجنّه حيث نشاء فنعم أجر العملين

۱۰ – بهشت ، پاداشی نیکو و شایسته برای تقواپیشگان

و سيق الذين اتّقوا ربّهم إلى الجنّه زمرًا . .. فنعم أجر العملين

۱۲ – بهشت ، پاداش و بهای عمل و تلاش تقواپیشگان است که آن را به بهانه نمی دهند .

نتبوّأ من الجنّه حيث نشاء فنعم أجر العملين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۰ – ۷

۷ – توأم بودن ایمان و عمل صالح ، موجب ورود به بهشت می شود (نه یکی از آنها به تنهایی)

و من عمل صلحًا من ذكر أو أُنثى و هو مؤمن فأُولئك يدخلون الجنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۰ – ۱۳

۱۳ – ثبات و پایداری در راه توحید ، شرط ایمنی از هر حزن و هراس و برخورداری از بهشت

إنّ الذين قالوا . .. كنتم توعدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۱ – ۶

۶ – توحید و استقامت در راه ایمان ، در پی دارنده بهشت و نعمت های گسترده برای مؤمنان

إنّ الذين قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا . .. و لكم فيها ما تشتهى أنفسكم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۸ – ۵

۵ – تقسیم انسان ها به بهشتی و دوزخی ، نتیجه برخورداری آنان از اختیار و حق انتخاب

فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر . و لو شاء اللّه لجعلهم أُمّه وحده

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۳ – ۳

۳ – دستابی به بهشت و نعمت های فراوان آن ، منوط به عبودیت و بندگی انسان به درگاه خداوند است .

یبشّر اللّه عباده الذین ءامنوا

ذکر کلمه <عباد>، می تواند اشعار به این داشته باشد که عبودیت بندگان صالح، موجب برخورداری آنان از بهشت و نعمت های آن شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۰ – ۱،۷

۱ – راه یابی به بهشت ، فرجام نیک ایمان به آیات الهی و تسلیم بودن در برابر حق

الذین ءامنوا بایتنا و کانوا مسلمین . ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجکم

۷ – ورود به بهشت ، تنها در پرتو عبودیت و بندگی خداوند میسر است .

یعباد . .. ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۲ – ۲

۲ – پایداری و مداومت در اعمال نیک ، مایه راه یابی به بهشت

و تلک الجنّه . .. بما کنتم تعملون

با توجه به واژه <کنتم> که دلالت بر استمرار دارد استفاده می شود برای دستیابی به نعمت بهشتی، باید در انجام اعمال نیک مداومت داشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۴ – ۵

۵– آمیخته ساختن ایمان با عمل صالح ، شرط بهرهوری مؤمنان از بهشت جاودان

إنّ الذين قالوا ربّنا اللّه . .. أَولئك أصحب الجنّه ... جزاء بما كانوا يعملون

در آيه قبل، دو عنصر ايمان و استقامت، زمينه ورود به بهشت جاودان معرفى شده است و در اين آيه عمل، به عنوان

اساس و ملاک ره یافتن به بهشت جاودان مطرح گشته است. از این نکته می توان استفاده کرد که تجلی عقیده در عمل، برای یکتاپرستان کارساز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲

۲- احسان به پدر و مادر ، همواره مورد توجه موحّدان و مایه دست یابی آنان به بهشت

جزاء بما کانوا یعملون . و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

بیان <وصّینا الإنسان. ..> در پی <جزاء بماکانوا یعملون> بیانگر این ارتباط است که یکی از وظایف مورد عمل یکتاپرستان، احسان به پدر و مادر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۰

۱۰- راه یابی انسان به بهشت ، تنها پس از آمرزش گناهان وی از سوی خداوند است .

و نتجاوز عن سیّئاتهم فی أصحب الجنّه

از تعبیر<نتجاوز. ..>، استفاده می شود که تا عفو و گذشت الهی شامل بنده گنه کار نشود، او قادر به ورود به بهشت و قرار گرفتن در زمره بهشتیان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۷

۷ - روح تسلیم و اطاعت از خدا و رسول او ، ملاک اصلی ورود به بهشت

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّت تجری من تحتها الأنهر

موضوع قرار گرفتن اطاعت به جای هر عنوان دیگری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۱ - ۳

۳ – تقوا ، مهم ترین سرمایه مؤمنان برای ورود به بهشت

و أُزلفت الجنّه

للمتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۷

۷ - حفظ روحیه توبه و خداجویی تا پایان عمر ، شرط ره جویی به بهشت *

و أُزلفت الجنّه . .. و جاء بقلب منیب

تعبیر <جاء> می تواند اشاره به این نکته باشد که اگر کسی، برهه ای از عمر را با قلب منیب بگذراند; ولی آن را در نهایت از دست داده و نتواند آن را در صحنه قیامت به همراه آورد، برخوردار از بهشت نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۳

۳ - تقوا ، شرط دستیابی به بهشت

إنّ المتقین فی جنّت و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۷ - ۲

۲ - تأثیر مهم عبادت شبانه ، در دستیابی به بهشت و نعمت های اخروی

إنّ المتقین فی جنّت و عیون . .. کانوا قلیلاً من الّیل ما یهجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۸ - ۴

۴ - استغفار در سحرگاهان ، از عوامل رهیابی به بهشت

إنّ المتقین فی جنّت . .. و بالأسحار هم یستغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۹ – ۶

۶ – انفاق به سائلان و محرومان ، از عوامل دستیابی به بهشت و نعمت های آن

إنّ المتقین فی جنّت و عیون . .. و فی أمولهم حقّ للسّائل و المحروم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ –

۱۱ - اعتراف متقین به نقش اصلی ربوبیت خداوند ، در هدایت آنان به بهشت و نجات از دروخ

فکهین بما ءاتیهم ربّهم و وقیهم ربّهم عذاب الجحیم

قید <بماآتاهم. ..> می رساند که پارسایان بهشتی، در عین برخورداری از نعمت ها، گرفتار غفلت نشده و مغرور به تقوای خود نمی باشند; بلکه توجه دارند که به هر نعمتی رسیده اند و از هر بلایی که رهیده اند جز در پرتو امداد و رهنمودهای رشد آفرین خداوند و الطاف او نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۹ - ۵

۵ - بهرهوری متقین از نعمت های گوارای بهشت ، پاداش عملکرد نیک و مداوم خود آنان

کلوا و اشربوا هنیًا بما کنتم تعملون

تعبیر <کنتم تعلون>، ماضی استمراری و دلالت بر مداومت پارسایان بر اعمال نیک دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۶

۶ - اصل ایمان ، شرط بهرهوری فرزندان ، از مزیت پیوستن نسل ها به پدارن بهشتی خود

و اتّبعتهم ذرّیّتهم بإیمن ألحقنا بهم ذرّیّتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۳

۳ - توجه به خداوند و دغدغه آخرت ، در تمامی لحظات زندگی ، عامل اصلی راهیابی متقین به بهشت

یتساءلون . قالوا إنّا کنّا ... مشفقین

در صورتی که <یتساءلون> سؤال از علت رهیابی به بهشت باشد، <إنّا کنّا. ..> بیانگر علت آن خواهد بود. از این که پارسایان در محیط پرشور خانواده از یاد آخرت غافل نشده اند، استفاده می شود که در سایر شرایط

به طریق اولی غافل نبوده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۸ – ۲

۲ – متقین ، دستیابی خود به بهشت را مرهون دعا ها و نیایش های خود به درگاه خداوند می دانند .

فمنّ اللّه علینا . .. إنّا کنّا من قبل ندعوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۰ – ۳۸

۳ – دستیابی به بهشت و نعمت های آن ، منوط به عملکرد نیک خود انسان

هل جزاء الإحسن إلّاالإحسن

از این که احسان، در مقابل احسان مطرح شده به دلالت التزام دانسته می شود که آدمی، آن گاه به احسان و پاداش حق دست می یابد که خود، اهل احسان و عملکرد نیک باشد.

۸ – < عن علی بن أبیطالب (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ < هل جزاء الإحسان إلّا الإحسان > فقال رسول اللّه (ص) هل جزاء من أنعمت علیه بالتوحید إلّا الجنّه ؟

از امام علی بن ابی طالب(ع) درباره سخن خداوند <هل جزاء الإحسان إلّا الإحسان> روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: [خداوند می فرماید] آیا پاداش کسی که به او نعمت توحید داده ام، غیر از بهشت است؟>

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۴ – ۳

۳ – تداوم بر انجام عمل صالح و پایدار ماندن بر آن تا آخر عمر و نه انجام دادن مقطعی آن شرط لازم برای دستیابی به مقام قرب الهی در آخرت و بهشت سرشار از نعمت

أُولئک المقرّبون . فی جنّت النعیم ...

جزاء بما كانوا يعملون

از تعبير <كانوا يعملون> (ماضى استمرارى) برداشت بالا استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۹ - ۶

۶ - تقرب به خداوند ، عامل بهره مندى از رحمت بى كران الهى و بهشت سرشار از نعمت

فأمّا إن كان من المقرّبين . فروح و ريحان و جنّت نعيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۲۱ - ۶

۶ - دستيابى به بهشت ، در گرو جلب غفران و آمرزش الهى است .

سابقوا إلى مغفره من ربّكم و جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۳

۲۳ - رضايت خداوند از مؤمنان راستين ، باعث دستيابى آنان به بوستان هاى بهشت

و يدخلهم جنّت . .. رضى اللّه عنهم

جمله <رضى اللّه عنهم> تعليل براى <يدخلهم جنّات> است؛ يعنى، خداوند بدان جهت مؤمنان راستين را وارد بوستان هاى بهشت مى كند كه از آنان راضى و خرسند است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۱

۱ - دستيابى به مغفرت الهى و بوستان هاى بهشت ، ره آورد پايدارى بر ايمان به خدا و رسول و جهاد با مال و جان در راه خدا است .

تؤمنون باللّه . .. و تجهدون ... يغفر لكم ذنوبكم و يدخلكم جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۹،۱۲

۹ - ایمان و عمل صالح ، موجب ورود انسان به بهشت

و من یؤمن باللّه و یعمل

صلحًا . .. يدخله جنّت

۱۲ – آمرزش گناهان و دستیابی به بهشت ، کامیابی بزرگ است .

یکفّر عنه سیّئاته و یدخله جنّت . .. ذلک الفوز العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱۱ – ۱۳،۱۴

۱۳ – خداوند ، مؤمنان دارای عمل صالح را به بهشت وارد می سازد .

و من یؤمن باللّه و یعمل صلحًا یدخله جنّت

۱۴ – ایمان و عمل صالح ، عامل ورود به بهشت

و من یؤمن باللّه و یعمل صلحًا یدخله جنّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۸ – ۵

۵ – توبه خالصانه ، عامل ورود به بهشت

توبوا إلی اللّه توبه نصوحًا . .. و یدخلکم جنّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۴ – ۵

۵ – بهشت برین و نعمت های آن ، محصول تلاش ها و دستاورد های انسان ها در دنیا است .

بما أسلفتم فی الأیّام الخالیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۵ – ۴،۵

۴ – انجام دادن دائم نماز ، ادای حق سائلان و محرومان جامعه ، تصدیق روز جزا و هراس از عذاب الهی ، از موجبات ورود به

بهشت

إلّا المصلّین . .. و الذین فی أمولهم حقّ ... و الذین یصدّقون بیوم الدین ... أُول

۵ – پاکدامنی ، رعایت امانت ، وفای به عهد ، ادای شهادت و مراقبت از نماز ، از موجبات ورود به بهشت

و الذین هم لفروجهم حفظون . .. و الذین هم لأمنتهم و عهدهم رعون .

و الذين هم بش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۷ – ۵

۵ – وفای به نذر و خوف از قیامت ، از عوامل ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن

إنّ الأبرار يشربون من كأس . .. يوفون بالنذر و يخافون يومًا كان شرّه مستطيرًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <یوفون بالنذر. ..> جمله ای است بیانیه که علت بهره مندی ابرار از مواهب بهشتی را بیان می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۲ – ۲،۳،۶

۲ – صبر و شکیبایی ابرار در راه خدا ، سبب بهره مندی آنان از بهشت و موهبت های آن است .

و جزيهم بما صبروا جنّه و حريرًا

۳ – وفای به نذر ، ایثار و انفاق به نیازمندان جامعه بدون چشمداشتی و خوف از قیامت ، از موجبات ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن است .

يوفون بالنذر و يخافون يومًا . .. إنّما نطعمكم لوجه اللّه ... و جزيهم بما صبروا ج

از مصادیق مورد نظر صبر در این آیه، موارد یاد شده است که در آیات پیش در وصف ابرار آمده است.

۶ – صبر در راه خدا ، از موجبات ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن است .

و جزيهم بما صبروا جنّه و حريرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۶ – ۱

۱ – بهشت و نعمت های آن ، پاداش و مزد تقواپیشگی است .

إنّ للمتّقين .

.. جزاء

<جزاء> مفعول مطلق و تأكيد كننده مفاد <إنّ للمتّقين مفازاً> است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – تكوير – ۸۱ – ۱۴ – ۶

۶ – ورود هر انسان به بهشت يا جهنم ، سزاى كردار او است .

و إذا الجحيم سعّرت . و إذا الجنّه أُزلفت . علمت نفس ما أحضرت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۱ – ۱،۷

۱ – مؤمنان داراى عمل صالح ، برخوردار از بوستان هايى متعدد ، در آخرت

إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت

۷ – ايمان به خداوند و اعتقاد به عزّت ، ستودگى ، حاكميت ، مالكيت و گواه بودن او و انجام دادن تمامى اعمال صالح ، مايه بهره بردن از مناظر سبز و پر درخت و زمين آب خيز بهشت است .

إلاّ أن يؤمنوا باللّه العزيز . .. إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت تج

برداشت ياد شده، از ارتباط اين آيه با آيه هشتم و نهم استفاده مى شود. <الصالحات>، جمع محلى به <ال> و مفيد عموم است. عموم در اين موارد، عرفى است؛ يعنى، تمام آن چه ميسّر است. <جنّه>; يعنى، بوستانى كه با درختان خود زمين را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۳ – ۸

۸ – < إنّ أعرابيّاً قال لرسول اللّه (ص) علّمنى عملاً يدخلنى الجنّه ؟ قال : أعتق النَسَمَه و فُكّ الرقبه . قال : أوَ ليستا بواحده ؟ قال له : إنّ عتق الرقبه أن تفرّد بعتقها و فكّ

الرقبه أن تُعین فی عتقها . . . ;

مردی بادیه نشین به رسول خدا(ص) عرض کرد: عملی را به من تعلیم ده که مرا به بهشت ببرد. رسول خدا(ص) فرمود: <أعَتِقِ النَّسمَهَ و فُكَّ الرقبَهَ> آن مرد گفت: آیا <عتق نسمه و فکّ رقبه> هر دو، به یک معنا (آزاد کردن برده) نیست؟ فرمود: نه; <عتق رقبه> آن است که به تنهایی برده را آزاد کنی و <فکّ رقبه> آن است که در آزادیِ برده ای کمک کنی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱

۱ - استقرار در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکوکردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. جزاؤهم عند ربّهم جنّت عدن تجری من تحتها الأن

موجبات بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۶

۶ - خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جنّت عدن . .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکّی

موجبات نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۵ - ۳

۳ - احسان و نیکوکاری ، موجب بهره مندی از نعمت های بهشتی ، همچون نوشیدنی های گوارا و معطر

إنّ الأبرار یشربون من كأس كان مزاجها كافورًا

توصیف بهشتیان به ابرار، نشانگر این حقیقت است که آنچه موجب بهشتی شدن آنان می شود، برّ و نیکوکاری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – انسان

- ۷۶ - ۷ - ۵

۵ – وفای به نذر و خوف از قیامت ، از عوامل ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن

إنّ الأبرار یشربون من کأس . .. یوفون بالنذر و یخافون یومًا کان شرّه مستطیرًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <یوفون بالنذر. ..> جمله ای است بیانیه که علت بهره مندی ابرار از مواهب بهشتی را بیان می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۳ – ۵

۵ – برخورداری تقواپیشگان از موهبت های بهشت ، نتیجه عملکرد خود آنان است .

کلوا و اشربوا هنیئًا بما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۴ – ۲،۳

۲ – بهره مندی از موهبت های بهشت ، جزا و پاداش الهی به نیکوکاران

فی ظلل و عیون . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

۳ – احسان و نیکوکاری ، عامل بهره مندی از موهبت های بهشت

فی ظلل و عیون . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۶ – ۱

۱ – بهشت و نعمت های آن ، پاداش و مزد تقواپیشگی است .

إنّ للمتّقین . .. جزاء

<جزاء> مفعول مطلق و تأکید کننده مفاد <إنّ للمتّقین مفازاً> است.

موحدان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۲ - ۱

۱ - يكتاپرستان پايدار بر توحيد ، ميهمانان خداوند در بهشت

إنّ الذين قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا . .. نزلاً من غفور رحيم

<نُزُل> به

چیزی گفته می شود که برای پذیرایی از میهمان آماده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۴ - ۱،۶

۱- یکتاپرستانِ پایدار بر طریق ایمان ، برخوردار از زندگی جاودان در بهشت

إنّ الذین قالوا . .. أُولئک أصحب الجنّه خلدین فیها

۶- بهره مندی هماره و سهل موحدان نیکوکار ، از نعمت های الهی در بهشت

أُولئک أصحب الجنّه

تعبیر به <أصحاب> اشاره به همنشینی دائم و همیشگی یکتاپرستان استوار بر طریق ایمان، با نعمت های بهشتی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲

۲- احسان به پدر و مادر ، همواره مورد توجه موحّدان و مایه دست یابی آنان به بهشت

جزاء بما کانوا یعملون . و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

بیان <وصّینا الإنسان. ..> در پی <جزاء بماکانوا یعملون> بیانگر این ارتباط است که یکی از وظایف مورد عمل یکتاپرستان، احسان به پدر و مادر است.

موقعیت جغرافیایی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۰ - ۲

۲ - بخش های متعدد بهشت ، در ارزش و موقعیت جغرافیایی ، باهم برابر نیستند .

فی جنّه عالیه

<عالیه> مطلق بوده و ممکن است به علوّ مکانی، یا رتبه ای و یا هر دو نظر داشته باشد.

مؤمنان به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۰

۱۰- اشخاص مؤمن ، وعده الهی در مورد بهشت را علی رغم پنهان بودن آن از دیده ها در دنیا پذیرفته و باور دارند

.

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده بالغیب

در این برداشت یاد شده <بالغیب . ..>، حال برای ضمیر محذوف گرفته شده است که به <التی> برمی گردد. در این صورت حرف <با> به معنای ملابست است; یعنی، وعده خدا به بندگان، در مورد بهشت هایی است که از دیده ها پنهان است و آنان گرچه بهشت های عدن را ندیده اند; ولی به آن ایمان دارند. این نحوه بیان، حاوی نوعی تمجید از مؤمنان به وعده الهی می باشد. هم چنین اگر <بالغیب> حال برای <عباده> گرفته شود و مراد غایب بودن بندگان از بهشت های عدن باشد، همین معنا استفاده می شود.

مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۱،۴

۱ بهشت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح

و الّذین امنوا و عملوا الصّالحات سندخلهم جنّات تجری من تحتها الانهار

۴ خداوند ، واردکننده مؤمنان به بهشت

سندخلهم جنّات . .. و ندخلهم ظلا ظلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۱،۳،۵،۷

۱ بهشت ، پاداش مؤمنان دارای اعمالِ صالح

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سندخلهم جنت

۳ خداوند ، وارد کننده مؤمنان دارای اعمال صالح به بهشت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سندخلهم جنت

۵ مؤمنان دارای اعمال صالح ، در بهشت ، جاودان و پاینده اند .

و الذين ءامنوا . .. سندخلهم جنت تجرى من تحتها الأنهر خلدين فيها ابداً

۷ بهشت ، وعده حتمی و تخلّف ناپذیر خداوند به مؤمنانِ دارای اعمال شایسته

سندخلهم جنت . .. وعد اللّه حقّاً

<وَعْدَ اللّه> و <حقّاً>،

مفعول مطلق برای فعل محذوف است. یعنی <وعد اللّه وعداً حَقَه حقاً> و حق بودن وعده به این است که تخلّف نشود و در موعد مقرر انجام پذیرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۵ – ۸

۸ ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (ص) و قرآن

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا . .. یهدیهم إلیه صرطاً مستقیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۵ – ۷

۷ سکونت مؤمنان در بهشت همیشگی و دایمی است .

خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۵،۱۸

۵ وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

۱۸ برخورداری مؤمنان از نعمت های الهی در بهشت ، نتیجه کردار نیک و مستمر آنان است .

و نودوا أن . .. بما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۴ – ۲

۲ اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادی . .. أن قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ،

بوستان هـای پوشـیده از درخت ، خانه های دلپـذیر و خشـنودی خـدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت . .. يأمرون بالمعروف ... و يطيعون اللّه و رسوله ... وعد الل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۹ – ۱

۱ باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیّا شده از جانب خدا برای پیامبر (ص) و مؤمنان مجاهد

أعد اللّه لهم جنت تجرى من تحتها الأنهر خلدين فيها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹ – ۱۱

۱۱ از امـام صـادق (ع) روایت شـده است : < . . . ان اللّه تبـارك و تعـالى . . . يوم القيـامه . . . يهـدى اهـل الإيمـان و العمل الصالـح إلى جنته . . . قال عزّ و جل : < إن الـذين آمنوا و عملوا الصالحات يهديهم ربهم بإيمانهم تجرى من تحتهم الأنهار فى جنات النعيم > . . . ;

. .. خـدای تبـارك و تعـالی ... روز قیـامت ... اهـل ایمـان و عمـل صالـح را به سوی بهشت خود راهنمایی می کنـد ... خـدای عزوجـل فرمود: به تحقیق کسـانی که ایمـان آورده انـد و دارای اعمـال صالـح هسـتند، پروردگارشان آنان را در پرتو ایمانشان هدایت می کند. از زیر [قصرهای] آنان در باغهای پر نعمت، نهرها جاری است ... >.

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰ – ۱۴

۱۴ از امام باقر (ع) روایت شده است : < . . . و إذا اراد المؤمن شیئاً او اشتهی انما دعواه فی ها إذا أراد ، أن یقول : < سبحانک اللّهم > فاذا قال ها تبادرت إلیه الخدم بما اشتهی من غیر ان یکون طلبه منهم أو أمر به و ذلک قول اللّه عز و جل : < دعواهم فی ها سبحانک اللّهم و تحیتهم فی ها سلام > یعنی الخدام قال : < و آخر دعواهم أن الحمد للّه رب العالمین > یعنی بذالک عند ما یقضون من لذاتهم من الجماع و الطعام و الشراب یحمدون اللّه عز و جل عند فراغتهم . . . ;

. .. هر گاه مؤمن [در بهشت] چیزی را اراده کرد یا بدان میل پیدا کرد، دعا [و گفتار] او در آن جا این است که می گوید: <سبحانک اللّهم>. پس وقتی این ذکر را گفت، خادمان آنچه را او خواسته برایش حاضر می کنند بدون اینکه آن را طلبیده یا دستور داده باشد و این است معنای قول خدا <دعواهم فیها سبحانک اللهم>. [و اینکه خدا می فرماید] <تحیتهم فیها سلام>; یعنی، تحیت مؤمنان در بهشت، سلام خادمان بهشتی است. امام فرمود: <و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمین>; یعنی، مؤمنان هنگامی که از لذت آمیزش و خوردنیها و آشامیدنیها، بهره مند شدند، با گفتن <الحمدللّه رب العالمین> خدای عزوجل را حمد می گویند ... .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۳

۳- بهشت جایگاه مؤمنان و پوشیده از درختان انبوه است .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنات> به جایی گفته می شود که مملو از درخت باشد، به گونه ای که زمین را با درختان خود بپوشاند. جمع آورده شدن <جنات> هم می تواند مؤید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳ - ۳

۳- درنگِ جاودانه مؤمنان در بهشت ، نتیجه مداومت آنان بر اَعمال نیک است .

یعملون الصلحت . .. مکثین فیه أبدًا

ذکر <ماکثین فیه أبداً> پس از جمله <یعملون الصالحات> که بر استمرار دلالت دارد می تواند نشاندهنده این مطلب باشد که جاودانگی آنان در بهشت، نتیجه مداومت شان بر اَعمال نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۱

۱- استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. أُولئک لهم جنّت عدن

جمله <أُولئک. ..> یا خبر یکم برای <إنّ> در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارالیه <أُولئک> <الذین امنوا...> در آیه قبل است. <عَدنْ> به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۸ - ۱

۱- مؤمنان نیک کردار ، در باغ های بهشت برین ، جاودانه اند .

جنّت الفردوس نزلاً . خلدين فيها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۳

۱ - تضمین بهشت برای اهل ایمان از سوی خداوند

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

تأکید جمله <اللّه یدخل. ..> به <إنّ> بیانگر مطلب فوق است.

۶ - مؤمنان در بهشت ، با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می شوند .

یحلّون فیها من أساور من ذهب و لؤلؤًا

<لؤلؤ> به معنای مروارید و <أساور> (جمع <أسوره>) معرّب دستواره و معادل دستبند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۶

۶ - ورود اهل ایمان به بهشت پس از پایان داوری خدا میان آنان و کافران

یحکم بینهم فالذین ءامنوا . .. فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۶

۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، در بهشت ، جاودانه خواهند بود .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه. ..خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۵ - ۲

۲ - مؤمنان نیک کردار ، در بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحبرون

<حِبر> درلغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و <فی روضه یحبرون> یعنی در باغی شادمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۸ - ۱

۱ - بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنانِ دارای اعمال صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. لهم جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۴

۴ - وعده

ورود مؤمنان دارای عمل صالح به بهشت و خلود در آن ، وعده ای تخلف ناپذیر است .

لهم جنّت النعیم خلدین فیها وعد اللّه حقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۳۸

۳ - منزل گاه واقعی مؤمنان ، باغ های بهشت است .

فلهم جنّت المأوی

<مأوی> اسم مکانی از ریشه <أوی> به معنای <پناه گاه> است. اضافه شدن <جنّات> به <الماوی> حکایت از جایگاه حقیقی بودن آن برای مؤمنان می کند.

۸ - جایگاه خوب مؤمنان در بهشت ، نمودی از عدم تساوی آنان با فاسقان است .

أفمن کان مؤمنًا کمن کان فاسقًا . .. أمّا الذین ءامنوا ... فلهم جنّت المأوی

<أمّا الذین آمنوا. ..> تشریح تفصیلی عدم تساوی دو گروهی است که در آیه پیش، از آن سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۳

۳ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذکر أو أُنثی و هو مؤمن فأُولئک یدخلون الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۴

۴ - تمامی تمایلات و خواسته های مؤمنان قابل دستیابی برای آنان در بهشت

و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم و لکم فیها ما تدّعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۲ - ۲

۲ - تأمین نیاز ها و ارضای همه تمنیات اهل ایمان ، پیش پذیرایی خداوند از آنان هنگام ورود به بهشت

نزلاً من غفور رحیم

با توجه به معنای <نُزُل>

(غذای هنگام نزول و پیش درآمد پذیرایی از میهمان) مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۹،۱۳

۹ - مؤمنان نیک کردار ، ایمن در قیامت و برخوردار از بوستان های بهشت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی روضات الجنّات

از تقابل <تری الظالمین> با <و الذین ءامنوا> مطلب یاد شده استفاده می شود.

۱۳ - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۲

۲- ره یافتن مؤمنان نیک کردار به بهشت ، نمودی از ولایت الهی بر آنان

ذلک بأنّ اللّه مولی الذین ءامنوا . .. إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱۲،۱۳

۱۲ - لغزش های مؤمنان ، مانع ورود آنان به بهشت نخواهد بود .

و یکفّر عنهم سیّئاتهم

۱۳ - ورود مؤمنان به بهشت ، در پرتو تفضّل الهی و گذشت او از لغزش های آنان

لیدخل المؤمنین . .. جنّت ... و یکفّر عنهم سیّئاتهم

نفس تکفیر سیّئات، خود بیانگر تفضّل است و در عین حال تعبیر <یدخل> ممکن است بیانگر همین حقیقت باشد که همه مؤمنان، در آن حدی نیستند که به اقتضای اعمالشان، بهشتی باشند; بلکه باید فضل الهی، کاستی های آنان را جبران کند و آنان را وارد بهشت گرداند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۲ – ۱۲،۱۳

- بهشت ، جایگاه ابدی مؤمنان

جنّت . .. خلدين فيها

۱۳ - دستابی به بهشت ، کامیابیی بس بزرگ برای مؤمنان

ذلك هو الفوز العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - بهشت ، برای کسانی آماده شده است که به خداوند و پیامبران او ایمان دارند .

أُعدّت للذين ءامنوا باللّه و رسله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۱،۲۳،۲۴،۲۵

۲۱ - مؤمنان راستین ، در بوستان های بهشت جاودان خواهند ماند .

خلدين فيها

۲۳ - رضایت خداوند از مؤمنان راستین ، باعث دستیابی آنان به بوستان های بهشت

و يدخلهم جنّت . .. رضى اللّه عنهم

جمله <رضى اللّه عنهم> تعليل برای <يدخلهم جنّات> است; یعنی، خداوند بدان جهت مؤمنان راستین را وارد بوستان های بهشت می کند که از آنان راضی و خرسند است.

۲۴ - مؤمنان راستین ، در بهشت از خداوند راضی و خرسنداند .

و رضوا عنه

۲۵ - دستیابی به بهشت ، مایه خرسند شدن مؤمنان راستین از خداوند

يدخلهم جنّت . .. و رضوا عنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۲ – ۳

۳ – آمرزش گناه و حیات جاودان در بوستان های بهشت ، تضمین شده از سوی خداوند ، برای مؤمنان راستین و مجاهدان راه او

تؤمنون باللّه . .. یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّت... و مسکن طیّبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۹ – ۱۱

۱۱ – مؤمنانِ دارای عمل صالح ، در بهشت جاودانه اند .

و من

يؤمن باللّه و يعمل صلحًا . .. يدخله جنّت... خلدين فيها أبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ - مؤمنان داراى عمل صالح ، به صورت جاودانه در بهشت خواهند ماند .

خلدين فيها أبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۲ - ۳

۳ - بوستان هاى مؤمنان در بهشت ، مسرت آفرين و در جايى بلند قرار دارد .

فى جنّه عاليه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۴ - ۱

۱ - مؤمنان بهشتى ، برخوردار از خوردنى ها و نوشيدنى ها

كلوا و اشربوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵ - ۱

۱ - مؤمنان و مسلمانان راستين ، بهره مند از بوستان هاى بهشتى

إلّا المصلّين . .. أُولئك فى جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - < عن أبى جعفر (ع) فى قوله < فالسابقات سبقاً > يعنى أرواح المؤمنين تسبق أرواحهم إلى الجنّه . . . و أرواح الكافرين

إلی النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر یکدیگر]سبقت می گیرند. .. و [نیز]ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند]>.

مؤمنان در بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۳

۳- بهشت های عدن ، جایگاه توبه کنندگان

مؤمن و دارای عمل صالح

فأُولئک یدخلون الجنّه . .. جنّت عدن

مؤمنان صالح در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۶

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در < جنات عدن >

و مسکن طیبه فی جنت عدن

<جنات عدن> می تواند نامی خاص باشد و غیر از <جنات تجری . .. > به شمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۱،۶،۹

۱- مؤمنان دارای عمل صالح قطعاً وارد بهشت می شوند و در آن جاودانه خواهند بود .

و أُدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . .. خلدین فیها

۶- ورود به بهشت و جاودان ماندن مؤمنان صالح در آن به اذن خداوند است .

و أُدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . .. بإذن ربّهم

۹- بر مؤمنان دارای عمل صالح در بهشت ، درود و سلام فرستاده می شود .

تحیّتهم فیها سلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که اضافه <تحیت> به <هم> اضافه مصدر به مفعول باشد. طبق این احتمال معنای عبارت چنین می شود: تحیت گفتن به آنان در بهشت با <سلام> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳ - ۱

۱- مؤمنانِ نیک کردار ، در بهشت و نعمت های آن جاودانه اند .

أنّ لهم أجرًا حسنًا . مكثين فيه أبدًا

مرجع ضمیر <فیه> واژه <أجر> است و مراد از <أجر> به قرینه <ماكثين> (ماندگاران)، بهشت است.

مهاجران صدراسلام در بهشت

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۴

۴ - تضمین بهشت از سوی خدا ، برای آن دسته از مهاجران صدراسلام که تا آن زمان (زمان نزول آیه فوق) با مرگ طبیعی از دنیا رفته و یا به دست دشمن کشته شده بودند .

و الذین هاجروا فی سبیل اللّه ثمّ . .. لیرزقنّهم اللّه رزقًا حسنًا

مهتدین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۸

۸ دارالسلام (بهشت و جایگاه امن الهی) پاداش کردار مستمر هدایت یافتگان است.

لهم دارالسلم . .. بما کانوا یعملون

مهمانی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۲ - ۱

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، میهمانان خداوند در بهشت

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا . .. نزلاً من غفور رحیم

<نُزُل> به چیزی گفته می شود که برای پذیرایی از میهمان آماده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۳ - ۳

۳ - تقواپیشگان در بهشت ، مورد ضیافت و تکریم و تجلیل الهی اند .

کلوا و اشربوا هنیئًا

<هنیئاً> واژه ای است که به در وقت اطعام به میهمانان و برای تکریم به آنان گفته می شود.

مهمترین غذاهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۲ – ۳

۳ – میوه و گوشت ، دو غذای مهم در بهشت

و أمددنهم بفکهه و لحم

میوه های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۷،۸

۷ - بهشت دارای درختانی انبوه و میوه دار

أن لهم جنّت . .. کلما رزقوا منها من ثمره

<ثمره> به میوه درختان گفته می شود. بهشت و بستان را از آن جهت جنت می گویند که پوشیده از درختان انبوه است.

۸ - میوه درختان بهشت از روزی های بهشتیان

کلما رزقوا منها من ثمره رزقاً

<رزقاً> به معنای روزی است و مفعول دوم برای <رزقوا> می باشد. ضمیر در <منها> به <جنات> بر می گردد و <من ثمره> به منزله بیان برای <منها> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۵

۵ بهشت دربردارنده میوه و خوراکی و دارای هوایی مطبوع است .

أُکلها دائم و ظلّها

<أُکل> به معنای میوه و ثمره است و گاهی به مطلق خوراکی نیز اطلاق می شود. <ظلّ> به معنای سایه و در آیه شریفه کنایه از خوش آب و هوا بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - بهشتیان ، از میوه های بسیار عالی و مطلوب برخوردارند .

لهم فیها فکهه

در برداشت یاد شده عالی و مطلوب بودن میوه ها، از تنکیر <فاکهه> که برای تفخیم است استفاده می شود.

۲ - میوه ها ، از غذا های اصلی بهشتیان است .

لهم فيها فكهه

از اختصاص به ذکر یافتن میوه ها از میان دیگر غذاها و خوراکی ها، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۳

۳

– انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پـذیرایی خداونـد از بهشتیان و بندگان مخلَص خدا

إلاّ عباد اللّه المخلصین . .. فی جنّت النعیم ... و عندهم قصرت الطرف ... أذلک خ

<نزل> به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۱ – ۵

۵ – میوه ها ، از غذا های اصلی بهشتیان است .

یدعون فیها بفکهه کثیره

از اختصـاص به ذکر یـافتن میوه هـا، از میـان دیگر غـذاها و خوراکی هـای درخواستی بهشتیان، برداشت یاد شـده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۵ – ۱

۱– تقواپیشگان بهشتی ، برخوردار از هرگونه میوه مورد تمایل خویش

یدعون فیها بکلّ فکهه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۵ – ۱۰

۱۰– متّقین در بهشت ، بهره مند از همه میوه ها

و لهم فیها من کلّ الثمرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۲ – ۱

۱ – بهره مندی تقواپیشگان ، از میوه ها و گوشت های مورد تمایل خویش در بهشت ، علاوه بر نعمت های سرشار دیگر

فی جنّت و نعیم . .. و أمددنهم بفکهه و لحم ممّا یشتهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۸ – ۲

۲ – خرما و انار ، دارای ویژگی و امتیاز در میان میوه

های بهشت

فیهما فکهه و نخل و رمّان

<فاکهه> به مطلق میوه گفته می شود و شامل خرما و انار نیز می گردد. بنابراین ذکر <نخل و رمان> پس از آن، از باب ذکر خاص بعد از عام و نشانگر ویژگی خاص آن دو میوه در میان میوه های بهشتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۲

۲ - تخت های مزیّن در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متّکئین فیها علی الأرائک . .. و ذلّلت قطوفها... یسقون فیها کأسًا ... یطوف علیهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در <لکم>، می تواند برای اختصاص باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۲ - ۱

۱ - تقواپیشگان ، برخوردار از انواع میوه های دلخواه در بهشت

و فوکه ممّا یشتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۱

۱ - محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون . .. کلوا و اشربوا هنیًا ... إنّا کذلک نجزی المحسنین

ناظران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۳ - ۲

۲ - استراحت بهشتیان بر تختخواب ها و تماشای صحنه های بهشت ، از نعمت های الهی

در آخرت

ناعمه . .. فیها سرر مرفوعه

ارتفاع تخت های بهشتیان، نشانگر اشراف آنان بر صحنه های دل انگیز بهشت است.

نخلستانهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۸ - ۱

۱ - باغ های بهشت ، آکنده از میوه ها و درختان نخل و انار

فیهما فکهه و نخل و رمّان

نزدیکی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۱

۱ - بهشت در قیامت ، به جایگاهی نزدیک مردم آورده خواهد شد .

و إذا الجنّه أُزلفت

<ازلاف> (مصدر <اُزلفت>)؛ یعنی، نزدیک آوردن.

نزدیکی بهشت به متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۱ - ۱

۱ - نزدیک شدن بهشت در قیامت ، به اهل تقوا و قرار گرفتن آن در فاصله ای بسیار نزدیک به ایشان

و أُزلفت الجنّه للمتّقین

نزدیکی میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۳

۳ - میوه های رسیده برشاخساران باغ های بهشت ، در دسترس بهشتیان تکیه زده بر مسندها

متّکین . .. و جنی الجنّتین دان

<جنی> به میوه رسیده گفته می شود و <دان> (از ریشه <دُنوّ>) به معنای نزدیک و در دسترس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۳ - ۱

۱ - میوه های بوستان های بهشتی ، نزدیک و در دسترس بهشتیان است .

قطوفها دانیه

<قِطْف> (مفرد <قطوف>) در معنای میوه چیده شده و نیز میوه آماده چیدن به کار می رود. (لسان العرب)

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۴ – ۳

۳ – میوه های بهشتی ، نزدیک و در دست رس بهشتیان ، بی هیچ زحمت و رنجی

و ذلّلت قطوفها تذلیلاً

<قِطْف> (مفرد <قطوف>) به معنای خوشه های میوه است و <تذلیل> مصدر مجهول <ذلّلت> و به معنای رام شده است. مقصود این است که چیدن خوشه های میوه، برای بهشتیان آسان است.

نعمت بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۸ – ۹

۹ بهشت و موهبت های آن ، عطایی الهی است .

عطاءً غیر مجذوذ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۷ – ۱

۱ – پاداش بهشت به بیمناکان مقام پروردگار ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

و لمن . .. جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۰ – ۳

۳ – بهشت ، نعمت چشم گیر و سلطنت بزرگ و گسترده است .

نعمیًا و ملکًا کبیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۰ – ۴

۴ – بهشت برین ، از نعمت های الهی برای انسان های کوشا و آخرت طلب

ناعمه . .. فی جنّه عالیه

نعمت روزی بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۴ – ۱

۱ – بهشت و نعمت های آن ، روزی و عطای الهی است .

جنّت عدن . .. إنّ هذا لرزقنا

نعمتهای اخروی بهشت

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۲ – ۲

۲ – تخت های مزیّن در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متّکئین فیها علی الأرائک . .. و ذلّلت قطوفها... یسقون فیها کأسًا ... یطوف علیهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در <لکم>، می تواند برای اختصاص باشد.

نعمتهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۵ – ۱،۳،۵،۶،۷،۱۳

۱ – بشارت اهل ایمان به بهشت با توصیف و بیان نعمت های آن از وظایف تبلیغی پیامبر (ص)

و بشر الذین ءامنوا . .. و هم فیها خلدون

<أنّ لهم . ..> به تقدیر حرف <باء>، متعلق به <بشّر> است؛ یعنی: <بشّر الذین آمنوا بأنّ لهم ...>

۳ – بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (ص) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذین ءامنوا . .. أن لهم جنت تجری من تحت الأنهر

متعلق <آمنوا> به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر(ص) است.

۵ – بهشت دارای بوستان های فراوان است .

أن لهم جنّت

برداشت فوق با توجه به جمع بودن کلمه <جنات>، استفاده شده است.

۶ – بهشت دارای نهر های متعدد و همواره جاری

تجری من تحتها الأنهر

تعـدد نهرهـا از جمع بودن کلمه <الأنهـار> اسـتفاده می شود و فعل مضارع (تجری) حکایت از جریان مـداوم و مسـتمر نهرها دارد. گفتنی است که ضمیر در <تحتها> به <جنات> بر می گردد

و مراد از آن می تواند، درختان و ساختمانهای بهشت باشد.

۷ - بهشت دارای درختانی انبوه و میوه دار

أن لهم جنّت . .. كلما رزقوا منها من ثمره

<ثمره> به میوه درختان گفته می شود. بهشت و بستان را از آن جهت جنت می گویند که پوشیده از درختان انبوه است.

۱۳ - بهشتیان در بهشت ، همسرانی پاک و مطهر خواهند داشت .

و لهم فيها ازوج مطهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۳،۹،۱۱،۱۷

۳ لذّت های اُخروی (باغ های بهشتی و رضایت خدا و زنان پاکیزه) ، برتر از خوشی ها و امکانات دنیا

بخير من ذلكم . .. جنات ... و ازواج مطهره و رضوان من اللّه

۹ جریان دائمی نهر ها در زیر درختان بهشت

جنات تجرى من تحتها الانهار

در برداشت فوق ضمیر در <تحتها> به درختان بهشت، برگردانده شده که در اصطلاح از آن به استخدام در ضمیر تعبیر می کنند.

۱۱ وجود باغ های متعدّد در آخرت ، برای متّقین

للّذين اتّقوا عند ربّهم جنّات تجرى من تحتها الانهار

۱۷ خرسندی و رضایت خداوند از تقواپیشگان در بهشت ، نعمتی بزرگ برای آنان

للّذين اتّقوا . .. و رضوان من اللّه

بنابراینکه <من>، ابتدائیه باشد; یعنی رضایتی از جانب خداوند نسبت به تقواپیشگان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۶ – ۱۰

۱۰ بهشت ها ، جایگاهی جاودانه و دارای نهرهایی جاری

و جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ –

۱۹۸ - ۱،۲،۱۰

۱ بی ارزشی بهره ها و قدرت محدود کافران در دنیا ، نسبت به نعمت جاودانه بهشت

متاع قلیل ثمّ ماویهم جهنّم . .. لکن الّذین اتّقوا ربّهم لهم جنّات ... خالدین فیه

۲ پرهیزکاران ، جاودان در بهشت و برخوردار از نعمت های آن

لکن الّذین اتّقوا ربّهم لهم جنّات . .. خالدین فیها

۱۰ تقوا ، زمینه برخورداری از موهبت بهشت و نعمت های آن

لکن الّذین اتّقوا ربّهم لهم جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۳ - ۵

۵ بهشت ، دارای نهر های جاری

جنّات تجری من تحتها الانهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۵،۸،۱۱

۵ بهشت مؤمنانِ دارای اعمال صالح ، جاودانه ، دارای نهر های جاری و سایه های پیوسته (هوای مطبوع و ملایم)

انّ الّذین امنوا و عملوا الصّالحات . .. و ندخلهم ظلا ظلیلا

<ظلّ> به معنای سایه و <ظلیلا> تأکید آن و ظاهراً کنایه از مطبوعیت هوای بهشت است.

۸ سایه آرام و دلپذیر ، جایگاهی ویژه در بهشت

و ندخلهم ظلا ظلیلا

تکرار <ندخلهم> حکایت از ویژگی ظلّ (سایه) در بهشت دارد.

۱۱ همسران بهشتیان ، پاکیزه از آلودگی به حیض و حدث

لهم فيها ازواج مطهّره

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: الازواج المطهّره اللّاتی لا یحضن و لا یحدثن.

من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۰، ح ۴، باب ۲۰، مسلسل ۱۹۵ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۹

۹ همنشینی و مصاحبت با پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، از نعمت های الهی در بهشت

فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم

از اینکه همنشینی با پیامبران و . .. پاداشی برای پیروان خدا و رسول (ص) شمرده شده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۶

۶ بهشت ، دارای باغ های متعدد ، نهر های جاری و جاودانه است .

جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۹

۱۹ مؤمنان دارای عمل صالح ، بهره مند از نعمت بهشت و دارای حق شفاعت برای کسانی که در دنیا به ایشان نیکی کرده اند .

فیوفیهم أجورهم و یزیدهم من فضله

رسول خدا(ص) درباره <اجورهم> در آیه فوق فرمود: یدخلهم الجنه و درباره <یزیدهم من فضله> فرمود: الشفاعه فیمن وجبت لهم النار ممن صنع الیهم المعروف فی الدنیا.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۷۵۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۳،۹

۳ نیل به مقام قرب الهی ، بهره مندی کامل از بهشت و نعمت های آن و برخورداری از فضل الهی ، پاداش مؤمنان متمسک به

خداوند

فاما الذین ءامنوا . .. فسیدخلهم فی رحمه منه و فضل و یهدیهم إلیه

۹ هدایت و رسیدن به خداوند ، پاداشی برتر از بهشت و نعمت های آن

فاما الذین ءامنوا باللّه . .. و یهدیهم إلیه صرطاً

مستقیماً

غالباً در مقام بیان پاداش، اول ادنی و آنگاه اعلی را ذکر می کننـد ; بنابراین رسـیدن به خـدا و قرب به او <یهدیهم الیه> می تواند بهترین پاداش مؤمنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۷

۲۷ بهشت ، دارای نهر های جاری و باغ های متعدد

جنت تجری من تحتها الانهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۷،۸،۱۱

۷ تأکیـد خداوند بر وارد ساختن اهل کتاب به بهشت پر نعمت در صورت ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و تمامی کتب آسـمانی و رعایت تقوا

و لو ان أهل الکتب . .. لادخلنهم جنت النعیم

۸ بهره مند شدن از نعمت های بهشتی در گرو ایمان و تقوا

و لو ان أهل الکتب ءامنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم و لادخلنهم جنت النعیم

۱۱ بهشت ، دارای بوستان های متعدد و سرشار از نعمت

لادخلنهم جنت النعیم

<نعیم> به معنای فراوان است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۵

۵ بهشت ، جاودانه و دارای درختانی انبوه و نهرهایی روان

جنت تجری من تحتها الانهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۷

۷ بهشتیان برای همیشه بهره مند از بهشت جاویدان و نعمت های آن

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۹،۱۱،۱۳،۱۸

۹ بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده

مواهب آن ، خداوند را به خاطر هدایت شدن و نیلشان به بهشت ، سپاس می گویند .

و قالوا الحمد للّه الذی هدینا لهذا

۱۱ خداوند هدایت کننده مردم به ایمان و انجام اعمال صالح برای رساندن آنان به بهشت و مواهب آن

و قالوا الحمد للّه الذی هدینا لهذا

برداشت فوق بر این اساس است که متعلّق <هـدینا>، به قرینه آیه پیشـین، ایمان و عمل صالـح و <لام> در <لهـذا> بیانگر هدف و غایت هدایت باشد. یعنی: هدانا إلی الایمان لنکون من أصحاب الجنه.

۱۳ عدم اتکای بهشتیان به اعمال خویش ، در رسیدن به نعمت های بهشت

و قالوا الحمد للّه الذی هدینا لهذا و ما کنا لنهتدی

۱۸ برخورداری مؤمنان از نعمت های الهی در بهشت ، نتیجه کردار نیک و مستمر آنان است .

و نودوا أن . .. بما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۴ – ۲

۲ اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادی . .. أن قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۹ – ۸

۸ بهشت و مواهب آن از برترین جلوه های رحمت خداوند

لاینالهم اللّه برحمه ادخلوا الجنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۱ – ۵

۵ سرگرمی و بازیچه گرفتن دین و فریفته شدن به زندگانی دنیا ، موجب محرومیت از بهشت و مواهب آن

إن اللّه. حرمهما

على الكفرين. الذين اتخذوا ... و غرتهم الحيوه الدنيا

توصيف كافران دوزخی به <الذین اتخذوا . .. > بیانگر علت گرفتاری آنان به آتش جهنم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۱ – ۷

۷ باغ ها و بوستان های بهشت ، سرشار از نعمت های الهی

جنت لهم فيها نعيم

<نعيم> به معنای نعمت فراوان و بسیار است. (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۸ – ۱۵

۱۵ حوران بهشتی ، از آنِ مؤمنان مجاهد و ایثارگر است .

و أولئك لهم الخيرت

منظور از <الخيرات> به قرینه آیه ۷۰ سوره الرحمن (فیهن خیرات حسان) می تواند حوران بهشت باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۹ – ۱،۳،۷

۱ باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیّا شده از جانب خدا برای پیامبر (ص) و مؤمنان مجاهد

أعد اللّه لهم جنت تجرى من تحتها الأنهر خلدين فيها

۳ باغ های بهشت ، متعدد و دارای نهر های فراوان

لهم جنت تجرى من تحتها الأنهر

۷ دستیابی به بهشت جاودان و نعمت های آن ، رستگاری بزرگ است .

ذلك الفوز العظيم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۰ – ۱۳،۱۵

۱۳ باغ های بهشت ، متعدد و دارای نهر های فراوان

أعد لهم جنت تجری تحتها الأنهر

۱۵ جاری شدن نهر ها در زیر درختان انبوه بهشتی ، جلوه ای از نعمت های جذاب و لذت آفرین اخروی

لهم جنت تجری تحتها الأنهر

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹ – ۸،۹،۱۰

۸ بهشت ، دارای چشمه سار های روان در زیر پای بهشتیان

تجری من تحتهم الأنهر فی جنت النعیم

۹ بهشت ، دارای باغ های متعدد

فی جنت

۱۰ باغ های بهشت ، سرشار از نعمت های الهی است .

فی جنت النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۵ – ۳،۵

۳ بهشت دارای نهر های بسیار است .

مثل الجنه . .. تجری من تحتها الأنهر

برداشت فوق از جمع بودن کلمه <أنهار> استفاده شده است. قابل ذکر است که از معانی <مَثَل> صفت و ویژگی است.

۵ بهشت دربردارنده میوه و خوراکی و دارای هوایی مطبوع است .

أُکلها دائم و ظلّها

<أُکل> به معنای میوه و ثمره است و گاهی به مطلق خوراکی نیز اطلاق می شود. <ظلّ> به معنای سایه و در آیه شریفه کنایه از خوش آب و هوا بودن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۵ – ۲،۳

۲- تقوا ، عامل برخورداری از موهبت های بهشت

إن المتقين فی جنّت و عیون

۳- بهشت متقین ، دارای باغ های مختلف و چشمه های گوناگون

إن المتقین فی جنّت و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۵

۵- بهشت ، واجد تمامی موهبت ها و خوبی های قابل تصور برای انسان

جنّت عدن . .. لهم فیها ما یشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالی ترین

نعمت ها و آرمانی ترین ارزش و آسایش برای مؤمنان در بهشت برین ، وجود دارد .

لایبغون عنها حولاً

درخواست تغییر، نوعاً، در پی تصوّر چیزی بهتر و بالاتر پدید می آید. این که بهشتیان، خواهان تغییری در وضع خود نیستند، می تواند بدین جهت باشد که چیزی فوق آنچه آنان در بهشت برخوردارند، به ذهن شان نمی رسد تا آن را آرزو کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۲،۳

۲ - بهشت ، از بوستان هایی متعدد تشکیل یافته است .

جنّت عدن

ذکر <جنّات> به صورت جمع، حکایت از آن دارد که باغ هایی متعدد و ممتاز از یکدیگر بهشت را تشکیل می دهند.

۳ - بهشت ، دارای نهرهایی متعدد است که از فرو دست آن جاری می گردد .

جنّت عدن تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۳،۴

۳ - بهشت ، دارای بوستان های متعدد ، سرسبز و پوشیده از درختان

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

۴ - بوستان های بهشت ، دارای چشمه سار های روان از زیر درختان

جنّت تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۴،۵

۴ - بهشت ، دارای بوستان هایی است متعدد ، سر سبز و پوشیده از درختان .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنات> جمع جنّه است و <جنّت> به بوستانی گفته می شود که پوشیده از درختان است.

۵ - بوستان های بهشت ، دارای چشمه سارهایی روان از زیر درختان

جنّت تجری من

تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۵،۷

۵ - دستیابی به نعمت های بهشتی در گرو همراهی ایمان و عمل صالح

فالذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی جنّت النعیم

۷ - بهشت ، دارای بوستان های متعدد و سرشار از نعمت

فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۲

۲ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، عامل برخوردار شدن آنان از بنا ها و درجات عالی بهشت است .

أُولئک یجزون الغرفه بما صبروا

گفتنی است <با> در <بما> برای سببیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۵ - ۳،۴

۳ - بهشت ، سرشار از نعمت های الهی است .

جنّه النعیم

<نعیم> به معنای نعمت فراوان است.

۴ - بهشت پر از نعمت ، فضل و ارزانی خدا به انسان است ; نه مزدی هم پای عمل وی .

و اجعلنی من ورثه جنّه النعیم

راغب در <مفردات> آورده است: <و یقال لکلّ من حصل له شیء من غیر تعب قد ورث کذا; هر کس مالی را به رایگان

به دست آورد، گفته می شود به ارث برد>. بنـابراین، اعمال ما هرگز نمی توانـد بهای واقعی بهشت باشـد; بلکه بهشت فضـل ارزانی خدا به مؤمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۶

۶ - آتش دوزخ و نعمت های بهشت ، تجسم عینی اعمال آدمیان است .

و جعلنهم أئمه یدعون إلی النار

آنچه مسلّم است این که پیشوایان کفر، مردم را به

اعمال بد و ناشایست که اسباب ورود انسان به آتش است فرا می خوانند; نه به خود آتش. بنابراین تعبیر <یدعون إلی النار> به جای <یدعون إلی الضلال> می تواند اشاره به این باشد که اعمال بد در واقع خود آتش دوزخ است که در آخرت صورت حقیقت آن آشکار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۸ - ۱

۱ - بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنانِ دارای اعمال صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. لهم جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۱

۱ - جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. جنّت النعیم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۷ - ۱

۱ - بهشتیان ، از میوه های بسیار عالی و مطلوب برخوردارند .

لهم فیها فکهه

در برداشت یاد شده عالی و مطلوب بودن میوه ها، از تنکیر <فاکهه> که برای تفخیم است استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۳ - ۲

۲ - بهشت ، دارای بوستان های گوناگون و متنوع

فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۴ – ۴

۴ – اُنس و محبت متقابل و بزم خوش ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین

برداشت یاد شده

با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان انواع نعمت های الهی برای بندگان خالص خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۵ - ۱،۲،۴

۱ - گردش ظرف هایی از شراب ناب ، گرداگرد بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس

<کأس> به معنای ظرفی است که در آن شراب باشد. گفتنی است گاهی این واژه استعمال می شود، ولی مقصود از آن خود شراب است; نه ظرفی که در آن شراب باشد.

۲ - جاری بودن چشمه هایی از شراب ناب در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

<معین> به آبی زلال گفته می شود که بر روی زمین جاری باشد (چون نهر). این واژه به منزله صفت برای <کأس> است; بنابراین بهشت بندگان خالص خدا دارای نهرهایی از شراب ناب است که جام هایی از آنها به بهشتیان عرضه می شود.

۴ - شراب ناب ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلَص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۰ - ۲

۲ - مجلس اُنس و به پرس و جو نشستن ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فأقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۱

۱ - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلک خیر نزلاً أم شجره الزقّوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و

بـدی زنـدگی دوزخیـان امری روشن و آشـکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زنـدگی بهشتیان نسـبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۰ - ۴

۴ - جاودانگی بهشتیان ، در ناز و نعمت بهشتی

جنّت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۵

۵ - تقوا ، عامل اصلی ورود به بهشت و برخورداری از مواهب آن است .

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف من فوقها غرف مبنیّه $اختصاص یافتن بهشت به کسانی

اختصاص یافتن بهشت به کسانی که دارای صـفت تقوا هستند در حالی که بهشتیان باید از اوصاف دیگری نیز برخوردار باشند می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۶

۶ - توحید و استقامت در راه ایمان ، در پی دارنده بهشت و نعمت های گسترده برای مؤمنان

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا . .. و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۲ - ۴

۴ - نعمت های بی کران و توصیف ناپذیر بهشتی ، جلوه ای از غفران و رحمت گسترده الهی است .

نزلاً من غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۲ – ۱۰،۱۴

۱۰ – بهشت ، دارای باغ هایی خرم و سرسبز با درختانی انبوه

فی

۱۴ – اراده و خواست مؤمنان بهشتی ، مؤثر در پدید آمدن نعمت ها و خواسته های آنان

لهم ما یشاءون عند ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۲ – ۳

۳ – نعمت های بهشتی ، تفضل الهی و افزون بر استحقاق آدمی است . *

تلک الجنّه الّتی أُورثتموها

واژه <اُورثتموه> از ماده <ارث>) به معنای رسیدن مال بدون عوض و زحمت است. عبارت <بما کنتم تعملون> نیز نقش عمل را در رسیدن به بهشت بیان می کند. این مطلب نشانگر آن است که عمل تنها زمینه ای برای دستیابی به بهشت است و نعمت های بی کران الهی در آن، تفضل الهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۷ – ۳

۳– راه یابی به بهشت جاودان و نعمت های بی پایان آن ، رستگاری بزرگ و راستین

ذلک هو الفوز العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۵ – ۵،۶،۷،۱۶،۲۷

۵– مؤمنان نیک کردار ، همان < متّقین > بهره مند از نعمت های بهشتی اند .

یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . .. مثل الجنّه الّتی وعد المتّقون

در آیات پیشین، سخن از مؤمنان صلاح پیشه بود و اکنون در این آیه بر آنان عنوان <المتّقون> اطلاق شده است. آنچه به اجمال در آیات پیشین به ایشان وعده داده اند، خداوند در این آیه به تفصیل، بیان فرموده است.

۶–نهر های مختلف ، زلال ، گوارا و لذّت آفرین ، نمودی از نعمت های والای بهشت

فيها أنهر من ماء غير ءاسن

. .. و أنهر من خمر لذّه

۷- وجود نهرهایی از آب های زلال ، شیر های گوارا ، شراب های مسرت آفرین و عسل خالص در بهشت

فیها أنهر من ماء غیر ءاسن و أنهر من لبن لم یتغیّر طعمه و أنهرمن خمر لذّه للش

۱۶- بهره مندی متقین از نعمت های عالی بهشت ، همراه با زدایش خاطره تلخ لغزش ها از یاد آنان *

و لهم فیها من کلّ الثمرت و مغفره من ربّهم

مراد از <مغفره> می تواند، چشم پوشی از لغزش ها پس از ورود به بهشت باشد. در این صورت <مغفره> به معنای صرف بخشش گناه نیست; زیرا اگر بخشیده نشده بودند، وارد بهشت نمی شدند. بنابراین مراد از غفران، ممکن است پوشاندن لغزش ها باشد; به گونه ای که دیگر بهشتیان، خود به یاد گذشته نیفتاده و خاطرشان ملول نگردد.

۲۷- < عن معاویه بن حیده : سمعت رسول اللّه (ص) یقول فی الجنّه بحر اللبن و بحر الماء و بحر العسل و بحر الخمر ثمّ تشقق الأنهار منها بعد ;

معاویه بن حیده می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود: در بهشت دریای شیر، دریای آب، دریای عسل و دریای شراب است که نهرهای بهشتی از آنها منشعب گشته است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۵ - ۱

۱ - بهشت ، در بردارنده همه آرزو ها و برآورنده همه خواسته های بهشتیان

لهم ما یشاءون فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۲،۳

۲ - باغ های بهشت ، پوشیده از درختان

إنّ المتّقین

فی جنّت

<جنّه> (مفرد <جنّات>) به باغ پوشیده از درختان گفته می شود.

۳ - بهشت تقواپیشگان ، سرشار از نعمت است .

إنّ المتّقین فی جنّت و نعیم

واژه <نعیم> به معنای نعمت بسیار و فراوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۹ - ۵

۵ - بهرهوری متقین از نعمت های گوارای بهشت ، پاداش عملکرد نیک و مداوم خود آنان

کلوا و اشربوا هنیًا بما کنتم تعملون

تعبیر <کنتم تعلون>، ماضی استمراری و دلالت بر مداومت پارسایان بر اعمال نیک دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۲ - ۱

۱ - بهره مندی تقواپیشگان ، از میوه ها و گوشت های مورد تمایل خویش در بهشت ، علاوه بر نعمت های سرشار دیگر

فی جنّت و نعیم . .. و أمددنهم بفکهه و لحم ممّا یشتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۸ - ۱

۱ - بهشت ، دارای درختانی با شاخ و برگ هایی شاداب و پرطراوت

ذواتا أفنان

<أفنان> (جمع <فنن>) است و آن به شاخه تر و تازه درخت گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۰ - ۳

۳ - چشمه های همیشه جاری ، از نعمت های لذت آفرین و دلخواه بهشت

فیهما عینان تجریان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۱،۴

۱ - چشمه های جاری در بهشت خائفان ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهما عینان تجریان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۴

- وجود چشمه های همیشه جاری در بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما عینان تجریان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۲ - ۳

۳ - بهشت ، دارای همه گونه میوه ها

فیهما من کلّ فکهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۲،۳

۲ - ارزشمندترین پارچه های دنیا ، به کار رفته در لایه های زیرین پشتی های اهل بهشت

متّکین علی فرش بطائنها من إستبرق

واژه <بطائن> ممکن است نظر به این داشته باشد که آنچه در دنیا بهترین به حساب می آید، آن جا کمترین جلوه را دارد; تا حدی که به عنوان آستر و یا مواد درونی پشتی ها مورد استفاده قرار می گیرد.

۳ - میوه های رسیده برشاخساران باغ های بهشت ، در دسترس بهشتیان تکیه زده بر مسندها

متّکین . .. و جنی الجنّتین دان

<جنی> به میوه رسیده گفته می شود و <دان> (از ریشه <دُنوّ>) به معنای نزدیک و در دسترس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۱

۱ - امتنان خداوند بر خلق ، به خاطر قرار دادن پاداش هایی چون نعمت های بهشت برای ایشان

متّکین علی فرش . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۷ – ۱

۱ – حوریان زیبا ، جذاب و پاکدامن بهشت ، نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهنّ قصرت الطرف . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۱

۱ - تعدد و تنوع باغ های بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر الهی و غیر قابل تکذیب

و من دونهما جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۱

۱ - باغ های سبز و پرطراوت بهشت ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

و من دونهما جنّتان . .. مدهامّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۶ - ۱

۱ - وجود چشمه های همیشه جوشان در باغ های بهشت

فیهما عینان نضّاختان

<نضّاختان> وصف برای <عینان> است; یعنی، دو چشمه ای که دارای جوشش و فوران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۱

۱ - چشمه های جوشان و فوران کننده بهشت ، نعمتی انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهما عینان نضّاختان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۱

۱ - وجود انواع میوه ها خصوصاً خرما و انار در بهشت ، نعمتی انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهما فکهه و نخل و رمّان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۱ – ۱

۱ – حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۳ – ۱

۱ – حوریان مستور در خیمه های بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر پروردگار و غیرقابل تکذیب

حور مقصورت . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۵ – ۱

۱ – حوریان عفیف و پاکدامن بهشتی ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب الهی

لم یطمثهنّ إنس قبلهم . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۷ – ۱،۵

۱ – لذت ها ، زیبایی ها و آسایش بهشت ، نعمت های انکارناپذیر خدا و غیرقابل تکذیب

متّکین علی رفرف خضر . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۵ – اشتیاق به نعمت های موعود خداوند و ارزش های بهشت ، مستلزم پرهیز از هرگونه کفر و تکذیب

متّکین علی رفرف خضر . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند با برشمردن نعمت های بهشت، شوق دستیابی به آن را در خلق فزونی می بخشد و در پی آن هشدار می دهد که کفر و تکذیب، مانع ره یابی به آن نعمت ها است; زیرا تکذیب کنندگان، منفور خدا و شایسته توبیخ اند; نه احسان.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۲ – ۳

۳ – بهشت سابقون (پیشتازان) ، سرشار از نعمت است .

فی جنّت النعیم

واژه <نعیم>، در نعمت بسیار به کار می رود (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۰ - ۱

۱ - وجود میوه های متنوع و

گوناگون در بهشت پیشتازان (سابقون)

و فکهه ممّا یتخیّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۰ - ۲

۲ - اصحاب الیمین ، همواره در هوای مطبوع بهشت قرار داشته و از گزند گرمای خورشید در امان خواهند بود .

و ظلّ ممدود

<ظلّ> عطف بر <سدر> و خبر برای مبتدای محذوف است. تقدیر آن <و هم فی ظلّ ممدود> می باشد. گفتنی است که تعبیر بالا، کنایه از مطبوع بودن هوای بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۹ - ۵

۵ - ره یافتگان به مقام قرب در آخرت (پیشتازان) ، برخوردار از بهشتی سرشار از نعمت

فأمّا إن کان من المقرّبین . .. و جنّت نعیم

واژه <نعیم>، به معنای نعمت فراوان آمده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱۰،۱۱

۱۰ - باغ های بهشت ، پوشیده از درختان است .

بشریکم الیوم جنّت

<جنّه> (مفرد <جنّات>)، به باغ پوشیده از درختان گفته می شود.

۱۱ - وجود نهر های همیشه روان در باغ های بهشت

جنّت تجری من تحتها الأنهر

به کار گیری فعل مضارع <تجری>، بیانگر همیشگی بودن جریان نهرها در بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۱۸،۱۹

۱۸ - بوستان های بهشت ، پوشیده از درختان است .

و یدخلهم جنّت

۱۹ - وجود نهر های همیشه روان ، از زیر درخت های بوستان های بهشت

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان

- ۷۶ - ۱۵ - ۲

۲ - جام های سیمین و کوزه ها و قدح های بلورین ، از ظرف های بهشتی برای پذیرایی بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۰ - ۴

۴ - < عن الحسن البصری أنّ رسول اللّه (ص) قال : إنّ أدنی أهل الجنّه منزله الذی یَرْکَبُ فی ألف ألف من خدمه من الولدان المخلدین علی خیل من یاقوت أحمر لها أجنحه من ذهب < إذا رأیت ثَمّ رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً > ;

از حسن بصری روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: کمترین اهل بهشت از نظر مقام، کسی است که در میان یک میلیون خدمت کار نوجوان، همیشه جوان بر اسبی از یاقوت سرخ که بال های طلایی دارد سوار می شود [سپس این آیه را تلاوت فرمود:] <إذا رأیت ثَمّ رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۱،۲،۸

۱ - نعمت های الهی در بهشت ، پاداش فراهم آمده برای ابرار

إنّ هذا کان لکم جزاء

<هذا> به مجموع نعمت هایی اشاره دارد که در آیات گذشته یاد شده است.

۲ - تخت های مزیّن در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متّکئین فیها علی الأرائک . .. و ذلّلت قطوفها... یسقون فیها کأسًا ... یطوف علیهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن

آن که لام در <لکم>، می تواند برای اختصاص باشد.

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إنّ الأبرار یشربون من کأس . .. و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا . إنّ هذا کان لکم جز

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰; الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۱ - ۱،۲

۱ - جایگاه تقواپیشگان ، در سایه ها و چشمه سار های بهشت است .

إنّ المتّقین فی ظلل و عیون

۲ - بهشت ، داری سایه هایی از درختان انبوه و چشمه سارها

فی ظلل و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - تقواپیشگان ، برخوردار از انواع میوه های دلخواه در بهشت

و فوکه ممّا یشتهون

۲ - وجود انواع میوه های دلخواه در بهشت

و فوکه ممّا یشتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۱

۱ - محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فى ظلل و عيون . .. كلوا و اشربوا هنيًا ... إنّا كذلك نجزى المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- ٢٠

نبأ - ۷۸ - ۳۲ - ۲

۲ - بهشت ، سرای ناز و نعمت ، همراه با تأمین تمام نیازمندی ها برای تقواپیشگان

حدائق و أعنبًا

تأمین انگور و باغ میوه با آن که از نیازهای ضروری انسان نیستند نشانگر آن است که بهشتیان در مرحله نیازهای اولیه، کمبودی ندارند و باید از امور دیگری که به تجمّلات و تشریفات زندگی مربوط می شود سخن گفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۷ - ۸

۸ - نعمت های بهشت و پاداش تقواپیشگان در آن ، جلوه رحمت گسترده خداوند است .

جزاء من ربّک . .. الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۶

۶ - وجود تمامی امکانات ، برای اقامت دائمی انسان در بهشت

جنّت عدن . .. خلدین فیها أبدًا

<عدن>، معرفه است; خواه علم برای مصدر <العدن> (اقامت گزیدن) باشد و خواه علم برای زمین بهشت. در صورت دوم نیز، تناسب معنای لغوی آن مورد نظر بوده است; یعنی، بهشت دارای تمام امکاناتی است که لازمه اقامت دائمی انسان در آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - < قال الرضا (ع) و لقد حدثنی أبی عن أبیه أبی عبدالله الصادق (ع) . . . قال : إنّ الله عزّوجلّ لایسئل عباده عمّا تفضّل علیهم و لایمنّ بذلک علیهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقین فکیف یضاف إلی الخالق عزّوجلّ ما لایرضی المخلوق به و لکنّ النعیم حبّنا أهل

البیت و موالاتنا یسئل اللّه عباده عنه بعد التوحید و النّبوه لأنّ العبد إذا وفی بذلک ادّاه إلی نعیم الجنّه الذی لایزول ;

امام رضا(ع) فرمود: پـدرم از پـدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزّوجلّ درباره آنچه به بنـدگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منّت نمی گذارد. منّت نهادن به جهت نعمت بخشـیدن، از جـانب مخلوق ها کار زشتی است; پس چگونه به خالق عزّوجلّ چیزی نسـبت داده می شود که مخلوق از نسـبت دادن آن ناخشـنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش]ولایت ما است که خداونـد همه بنـدگان را بعد از توحید و نبّوت، از آن بازخواست خواهد کرد; زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند>.

نعمتهای بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۶

۶ - بهشتی که آدم (ع) و حوا در آن سکنی گزیدند ، جایگاهی مرفه و دارای نعمت های فراوان و نیکو بود .

و کلا منها رغداً حیث شئتما

<رغـد> به معنای: پر خیر و برکت، پاک و دارای رفاه می باشـد. کلمه <رغـداً> حال برای ضـمیر <منها> است; یعنی، از بهشت استفاده برید، در حالی که این بهشت پر خیر و برکت و ... است.

نعمتهای بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۴

۴ بهشت عدن

دربردارنده باغ ها و بوستان های متعدد

جنّت عدن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۱ – ۲

۲– در بهشت عدن ، نهر ها ، از زیر پای (کاخ ها و بنا های رفیع) بهشتیان جریان دارد .

تجری من تحتهم الأنهر

مرجع ضمیر <تحتهم> عبارت <الذین امنوا> در آیه قبل است; یعنی، از زیر پای بهشتیان، نهرها جاری است. روشن است که جریان آب از زیر پای بهشتیان، تعبیری برای ترسیم محل اقامت آنان در بهشت و جریان یافتن آب از زیر بناها و یا تکیگاه های آنان است.

نعمتهای مادی بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۶،۱۰،۱۳

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در < جنات عدن >

و مسکن طیبه فی جنت عدن

<جنات عدن> می تواند نامی خاص باشد و غیر از <جنات تجری . .. > به شمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

۱۰ وجود نعمت ها و لذایذ مادی و معنوی در بهشت

جنت . .. مسکن ... و رضون من اللّه أکبر

۱۳ برخورداری انسان از نعمت های مادی و معنوی بهشت جاودان ، همان رستگاری و سعادت عظیم و بی بدیل است .

جنت . .. مسکن طیبه ... و رضون من اللّه ... ذلک هو الفوز العظیم

با توجه به اینکه <ذلک> می تواند اشاره به تمام فرازهای پیشین باشد (جنات تجری . .. خالدین فیها ... مساکن طیبه ...

جنات عدن و رضوان من اللّه)، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۸ - ۳

۳- بهشت متقین ، دارای نعمت های مادی و معنوی

إن المتقین فی جنّت و عیون . ادخلوها بسلم ءامنین ... علی سرر متقبلین . لایمسّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۲ - ۳

۳- فراهم آمدن نعمت های روحی و جسمی ، برای متقین در بهشت (مادی و معنوی)

فی مقام أمین . فی جنّت و عیون

نعمتهای معنوی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۰،۱۳

۱۰ وجود نعمت ها و لذایذ مادی و معنوی در بهشت

جنت . .. مسکن ... و رضون من اللّه أکبر

۱۳ برخورداری انسان از نعمت های مادی و معنوی بهشت جاودان ، همان رستگاری و سعادت عظیم و بی بدیل است .

جنت . .. مسکن طیبه ... و رضون من اللّه ... ذلک هو الفوز العظیم

با توجه به اینکه <ذلک> می تواند اشاره به تمام فرازهای پیشین باشد (جنات تجری . .. خالدین فیها ... مساکن طیبه ... جنات عدن و رضوان من اللّه)، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۸ - ۳

۳- بهشت متقین ، دارای نعمت های مادی و معنوی

إن المتقين فی جنّت و عيون . ادخلوها بسلم ءامنين ... علی سرر متقبلين . لا يمسّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۲ - ۳

۳- فراهم آمدن نعمت های روحی و جسمی ،

برای متقین در بهشت (مادی و معنوی)

فی مقام أمین . فی جنّت و عیون

نفی سخن لغو در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۱

۱ - تقواپیشگان در بهشت ، هیچ سخن یاوه ، زشت و بی فایده ای نخواهند شنید .

لایسمعون فیها لغوًا

<لغو>; یعنی، بی فایـده و آنچه قابل اعتنا نباشد (قاموس) و گاه سـخنان زشت نیز <لغو> نامیده می شود. (مفردات راغب). نشنیدن سخنان لغو، کنایه از نبود آن سخنان در بهشت است. ضمیر <فیها> به <مفازاً> برمی گردد; به این اعتبار که مراد از آن <جنّه> (بهشت) باشد.

نقش بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۹

۹ - بهشت ، تجلی و نمود والای رحمت الهی است .

فریق فی الجنّه . .. لکن یدخل من یشاء فی رحمته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۶

۱۶- بهشت ، پایان رنج و تلاش مؤمنان و دوزخ فرجام لذّت جویی و فساد کافران

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . .. و الذین کفروا... النارمثوًی لهم

در این آیات، میان زندگی، اهداف و فرجام مؤمنان و کافران، مقایسه صورت گرفته است. مؤمنان اهل جهاد و عمل صالح اند و در پی دشواری های آن، از بهشت برخوردار خواهنـد شـد. اما کافران اهل رفاه و لـذت جویی انـد و در پی آن گرفتار آتش

خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۸ - ۱

۱ - بهشت

، جلوه گاه امتنان و لطف عظیم الهی به اصحاب الیمین

إنّا أنشأنهنّ إنشاءً . .. لأصحب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۱ - ۳

۳ - بهشت ، مظهر رحمت الهی به انسان ها است .

یدخل من یشاء فی رحمته

نقش خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۴ - ۱

۱ - خدمت کاران جوان و زیبارو ، در طواف متقین بهشتی برای پذیرایی از آنان

و یطوف علیهم غلمان لهم

<غلام> (مفرد <غلمان>) به نوجوانی گفته می شود که تازه پشت لبش سبز شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۷ - ۱

۱ - گردش پروانهوار جوانکان بهشتی پیرامون پیشتازان راه خدا (سابقون) ، جهت خدمت گذاری به آنان در مجالس انس آنها

متّکین علیها متقبلین . یطوف علیهم ولدن مخلّدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۸ - ۲

۲ - جوانکان خدمت گذار ، باده گردانان مجالس انس پیشتازان (سابقون) در بهشت

یطوف علیهم ولدن . .. بأکواب و أباریق و کأس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۰ - ۲

۲ - جوانان خدمت گذار ، آماده پذیرایی از پیشتازان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

و فکهه ممّا یتخیّرون

واژه <فاکهه> عطف بر <أکواب> (در دو آیه پیش) است; یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلّدون بفاکهه ممّا یتخیّرون>.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۱ – ۲

۲ – جوانان خدمت گذار ، پذیرایی کننده پیشتازان (سابقون) در بهشت باگوشت انواع پرندگان دلخواه

و لحم طیر ممّا یشتهون

<لحم طیر> عطف بر <أکواب> است; یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلدون بلحم طیر>.

نوجوانی خدمتکاران بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۴ – ۱،۴

۱ – خدمت کاران جوان و زیبارو ، در طواف متقین بهشتی برای پذیرایی از آنان

و یطوف علیهم غلمان لهم

<غلام> (مفرد <غلمان>) به نوجوانی گفته می شود که تازه پشت لبش سبز شده باشد.

۴ – خدمت نوجوانان زیباروی بهشتی ، برای تقواپیشگان از سرشوق و پروانهوار

و یطوف علیهم غلمان لهم

تعبیر <یطوف>، حرکت پروانهوار و مشتقانه را افاده می کند.

نهرهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۵ – ۶

۶ – بهشت دارای نهر های متعدد و همواره جاری

تجری من تحتها الأنهر

تعدد نهرها از جمع بودن کلمه <الأنهار> استفاده می شود و فعل مضارع (تجری) حکایت از جریان مداوم و مستمر نهرها

دارد. گفتنی است که ضـمیر در <تحتهـا> به <جنات> بر می گردد و مراد از آن می توانـد، درختان و ساختمانهای بهشـت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۹

۹ جریان دائمی نهر ها در زیر درختان بهشت

جنات تجری من تحتها الانهار

در برداشت فوق ضـمیر در <تحتها> به درختان بهشت، برگردانده شده که در اصـطلاح از آن به استخدام در ضمیر تعبیر می کنند.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۵ – ۳۰،۳۱

۳۰ بهشت دارای نهر های متعدد

لادخلنّهم جنّات تجری من تحتها الانهار

۳۱ جریان نهر های متعدد ، زیر درختان بهشت

جنّات تجری من تحتها الانهار

به نظر می رسد مراد از <من تحتها الانهار>، <من تحت اشجارها> باشد، یعنی نهرها از زیر درختان آن جاری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۸ – ۸،۹،۱۱

۸ بهشت ، دارای نهر ها و باغ های متعدد

لهم جنّات تجری من تحتها الانهار

۹ جریان نهر های متعدد ، در زیر باغ های بهشت

جنّات تجری من تحتها الانهار

۱۱ بهشت جاودان با نهر های روان ، مهیّا برای پذیرایی از پرهیزکاران

لهم جنّات تجری من تحتها الانهار . .. نزلا من عند اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۳ – ۵

۵ بهشت ، دارای نهر های جاری

جنّات تجری من تحتها الانهار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۷ – ۵

۵ بهشت مؤمنانِ دارای اعمال صالح ، جاودانه ، دارای نهر های جاری و سایه های پیوسته (هوای مطبوع و ملایم)

انّ الّذین امنوا و عملوا الصّالحات . .. و ندخلهم ظلا ظلیلا

<ظلّ> به معنای سایه و <ظلیلا> تأکید آن و ظاهراً کنایه از مطبوعیت هوای بهشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۲ – ۶

۶ بهشت ، دارای باغ های متعدد ، نهر های جاری

و جاودانه است .

جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۷

۲۷ بهشت ، دارای نهر های جاری و باغ های متعدد

جنت تجری من تحتها الانهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۵،۶

۵ بهشت ، جاودانه و دارای درختانی انبوه و نهرهایی روان

جنت تجری من تحتها الانهر خلدین فیها

۶ کثرت باغ های بهشت و فراوانی نهر های جاری در آن

جنت تجری من تحتها الانهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۶

۶ بهشت دارای باغ ها و بوستان های بسیار با نهرهایی جاری از زیر درختان انبوه آن

لهم جنت تجری من تحت الانهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۷،۸

۷ جایگاه رفیع بهشتیان ، مشرف بر نهرهایی جاری

تجری من تحتهم الأنهر

۸ نهر های جاری بهشت ، پاداش مؤمنان نیک کردار

تجری من تحتهم الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۱،۳

۱ باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیّا شده از جانب خدا برای پیامبر (ص) و مؤمنان مجاهد

أعد اللّه لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

۳ باغ های بهشت ، متعدد و دارای نهر های فراوان

لهم جنت تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۱۵ جاری شدن نهر ها در زیر درختان انبوه بهشتی ، جلوه ای از نعمت های جذاب و لذت آفرین اخروی

لهم جنت تجری تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۳،۴

۳ بهشت دارای نهر های بسیار است .

مثل الجنه . .. تجری من تحتها الأنهر

برداشت فوق از جمع بودن کلمه <أنهار> استفاده شده است. قابل ذکر است که از معانی <مَثَل> صفت و ویژگی است.

۴ نهر های بهشت از زیر درختان آن جاری است .

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۵

۵- نهر های فراوانی همواره در بهشت جاری است .

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۲

۲- بهشت متقین ، دارای نهر های روان

جنّت عدن یدخلونها تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۳

۳ – بهشت ، دارای نهرهایی متعدد است که از فرو دست آن جاری می گردد .

جنّت عدن تجری من تحتها الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۴ – ۴

۴ – بوستان های بهشت ، دارای چشمه سار های روان از زیر درختان

جنّت تجری من تحتها الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۸ – ۴،۵

۴ – از زیر درختان بهشت ، نهر های آب ، مدام ، جاری است .

من

الجنّه غرفًا تجری من تحتها الأنهر

جمله <تجری من تحتها الأنهار> می تواند حال برای <الجنه> باشد و ضمیر <تحتها> به <الجنه> برگردد. در این صورت، این برداشت، قابل استفاده است.

۵ - از زیر غرفه های بهشت ، نهر های آب ، مدام ، جاری است .

من الجنّه غرفًا تجری من تحتها الأنهر

بنابر بازگشت ضمیر <تحتها> به <غرف>، نکته بالا، قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۱

۱ - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلک خیر نزلاً أم شجره الزقّوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۴

۴- جریان نهر ها در زیر قصر ها و درخت های بهشت ، از جاذبه های مهم آن است .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

از آن جا که خداوند از میان همه اوصاف بهشت، تنها به جریان نهرها اشاره کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۴

۴ - باغ های بهشت ، با نهر های همیشه جاری ، پاداش الهی به شرکت کنندگان در جهاد و نبرد با

دشمنان دین

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّت تجری

بـا توجه به این که سیاق آیـات، در رابطه بـا جنـگ و جهاد می باشـد; مراد از <من یطع. ..> کسـی است که فرمان جهاد را اطاعت کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۴ - ۱،۳

۱ - استقرار حتمی تقواپیشگان ، در باغ های پر درخت و کنار نهر های بهشت

إنّ المتّقین فی جنّت و نهر

<جنّه> (مفرد <جنّات>) به باغ پوشیده شده از درختان گفته می شود.

۳ - باغ ها و نهر های بهشتی ، پاداش عملکرد خود متقین

و کلّ شیء فعلوه . .. إنّ المتّقین فی جنّت و نهر

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که در زمینه نقش مؤثر عمل در پاداش و کیفر انسان بود، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ - وجود نهر های همیشه روان در باغ های بهشت

جنّت تجری من تحتها الأنهر

به کارگیری فعل مضارع <تجری>، بیانگر همیشگی بودن جریان نهرها در بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۱۹

۱۹ - وجود نهر های همیشه روان ، از زیر درخت های بوستان های بهشت

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۵

۵ - وجود نهر های همواره جاری در بوستان های بهشت

تجری من تحتها الأنهر

به کارگیری فعل مضارع (تجری)، بیانگر تداوم جریان نهرهای بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۰

۱۰ - بهشت ، دارای بوستان های متعدد با نهر های جاری در زیر آنها

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنّات> (جمع <جنّه>) به معنای بوستان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۸

۸ - بهشت ، دارای بوستان های متعدد با نهر های روان در قسمت زیرین آنها

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنّه> (مفرد <جنّات>) به معنای بوستان است.

نهرهای بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۲

۲- در بهشت عدن ، نهر ها ، از زیر پای (کاخ ها و بنا های رفیع) بهشتیان جریان دارد .

تجری من تحتهم الأنهر

مرجع ضمیر <تحتهم> عبارت <الذین امنوا> در آیه قبل است؛ یعنی، از زیر پای بهشتیان، نهرها جاری است. روشن است که جریان آب از زیر پای بهشتیان، تعبیری برای ترسیم محل اقامت آنان در بهشت و جریان یافتن آب از زیر بناها و یا تکیگاه های آنان است.

نهرهای زلال بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۷

۷- وجود نهرهایی از آب های زلال ، شیر های گوارا ، شراب های مسرت آفرین و عسل خالص در بهشت

فیها أنهر من ماء غیر ءاسن و أنهر من لبن لم یتغیّر طعمه و أنهرمن خمر لذّه للش

نهرهای شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۷،۲۷

۷- وجود نهرهایی از آب های زلال ،

شیر های گوارا ، شراب های مسرت آفرین و عسل خالص در بهشت

فیها أنهر من ماء غیر ءاسن و أنهر من لبن لم یتغیّر طعمه و أنهرمن خمر لذّه للش

۲۷- < عن معاویه بن حیده : سمعت رسول اللّه (ص) یقول فی الجنّه بحر اللبن و بحر الماء و بحر العسل و بحر الخمر ثمّ تشقق الأنهار منها بعد ;

معاویه بن حیده می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود: در بهشت دریای شیر، دریای آب، دریای عسل و دریای شراب است که نهرهای بهشتی از آنها منشعب گشته است>.

نهرهای شیر بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۷،۲۷

۷- وجود نهرهایی از آب های زلال ، شیر های گوارا ، شراب های مسرت آفرین و عسل خالص در بهشت

فیها أنهر من ماء غیر ءاسن و أنهر من لبن لم یتغیّر طعمه و أنهرمن خمر لذّه للش

۲۷- < عن معاویه بن حیده : سمعت رسول اللّه (ص) یقول فی الجنّه بحر اللبن و بحر الماء و بحر العسل و بحر الخمر ثمّ تشقق الأنهار منها بعد ;

معاویه بن حیده می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود: در بهشت دریای شیر، دریای آب، دریای عسل و دریای شراب است که نهرهای بهشتی از آنها منشعب گشته است>.

نهرهای عسل بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۷،۲۷

۷- وجود نهرهایی از آب های زلال ، شیر های گوارا ، شراب های مسرت آفرین و عسل خالص در بهشت

فیها أنهر من

ماء غیر ءاسن و أنهر من لبن لم یتغیّر طعمه و أنهرمن خمر لذّه للش

۲۷- < عن معاویه بن حیده : سمعت رسول اللّه (ص) یقول فی الجنّه بحر اللبن و بحر الماء و بحر العسل و بحر الخمر ثمّ تشقق الأنهار منها بعد ;

معاویه بن حیده می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود: در بهشت دریای شیر، دریای آب، دریای عسل و دریای شراب است که نهرهای بهشتی از آنها منشعب گشته است>.

وارثان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۱

۱- بندگان تقواپیشه خداوند ، وارثان بهشت اند .

تلک الجنّه التی نورث من عبادنا من کان تقیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۷

۷- بشارت خداوند به وراثت بهشت برای بندگان صالح خویش

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <الأرض> بهشت باشد، چنان که در برخی از آیات به صراحت چنین آمده است: <و أورثنا الأرض نتبؤأ من الجنّه حیث نشاء فنعم أجر العاملین> (سوره زمر (۳۹) آیه ۷۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰ - ۱

۱ - مؤمنان راستین ، تنها وارثان بهشت

قد أفلح المؤمنون . .. أُولئک هم الورثون

<أُولئک> مبتدا و اشاره به مؤمنانی است که دارای صفات یاد شده در آیات پیشین (آیات ۲ تا ۹) هستند. <الوارثون> خبر

مبتدا و <ال> در آن برای تعریف عهد ذهنی یا اسم موصول و به تقدیر <الذین یرثون> می باشد. به هر

حال <الوارثون> بیانگر این معنا است که کسانی که به عنوان میراث بر بهشت خوانده می شوند، این دسته از مؤمنان اند. گفتنی است که ضمیر <هم> می تواند ضمیر فصل و مفید حصر باشد (رساننده این معنا که مسند (الوارثون)، تنها برای مسندالیه ثابت است) و نیز می تواند مبتدا و <الوارثون> خبر آن و جمله <هم الوارثون> خبر <أُولئك> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان راستین ، وارثان بهشت اند .

الذین یرثون الفردوس

<الذین> در محل رفع و صفت توضیحی (عطف بیان) است و یا بدل برای <الوارثون> می باشد. <فردوس> واژه ای معرّب و به معنای بوستان است که در این جا به جای <الجنه> به کار رفته است؛ چون با این که مذکّر می باشد، به آن ضمیر مؤنث (فیها) ارجاع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۴،۵

۴ - بهشت جاویدان ، میراث تقواپیشگان

و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

۵ - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۱

۱ پندار باطل گروهی از اهل کتاب و برخی از مسلمانان در مورد نجات از جهنم و ورود به بهشت ، به صرف انتساب به ادیان الهی

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب

مراد از اسم <لیس> با توجه به آیات گذشته، رهایی از جهنم و ورود به بهشت است یعنی لیس

الجنه و المحیص عن النار . .. .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۵ – ۸

۸ ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (ص) و قرآن

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا . .. یهدیهم إلیه صرطاً مستقیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۲۳

۲۳ تکفیر (نادیده گرفتن) گناهان و دخول در بهشت ، پرتویی از نصرت الهی به بندگان خویش

و قال اللّه انی معکم لئن اقمتم الصلوه . .. لاکفرن عنکم سیاتکم و لادخلنکم جنت

بنابر اینکه <لاکفرن> تفسیر <انی معکم> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۹ – ۴

۴ مؤمنان راهی بهشت با فرمان اصحاب اعراف به آن جایگاه رفیع وارد خواهند شد .

ادخلوا الجنه

ظاهر این است که جمله <اهؤلاء الذین . .. > دنباله سخنان اصحاب اعراف با کافران مستکبر باشد. یعنی: قالوا ... اهؤلاء الذین ... بر این تقدیر جمله <ادخلوا ... > نیز سخن اعرافیان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۳ – ۵

۵ نیل به بهشت ، تنها دستاورد شایسته و بدون زیان در برابر سرمایه عمر و جان آدمی است .

أُولئک الذین خسروا أنفسهم . .. إن الذین ءامنوا ... أُولئک أصحب الجنه

عنوان کردن بهشت ، به عنوان پاداش مؤمنان در مقابل زیانکارشمردن کفرپیشگان ، اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۷ – ۳

۳– راه یابی به بهشت جاودان و نعمت های بی پایان آن ، رستگاری بزرگ و راستین

ذلک هو الفوز العظیم

ورود تائبان به بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸ – ۱۳

۱۳ – آمرزش مؤمنان تائب و پیرو دین و وارد شدن آنان به بهشت از سوی خداوند ، حکیمانه و از موضع اقتدار است .

فاغفر للذین تابوا . .. إنّک أنت العزیز الحکیم

یاد شدن دو صفت عزت و حکمت در پایان آیه شریفه، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

ورود شهیدان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۶ – ۳

۳– خداوند ، هدایتگر شهیدان به منزل آشنای بهشت

سیهدیهم . .. و یدخلهم الجنّه عرّفها لهم

ورود متقین به بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۲ – ۱۴

۱۴– تقواپیشگان ، با میل و رغبت وارد بهشت می شوند .

المتّقین. جنّت عدن یدخلونها ... یقولون سلم علیکم ادخلوا الجنّه

استعمال فعل <یدخلون> و نیز امر <ادخلوا> همراه با <سلام علیکم> برای ورود متقین به بهشت، در برابر (ادخلوا جهنم) که فرمانی است به کافران برای ورود به جهنم با یادآوری بد بودن آن، مفید نکته فوق است.

ورود متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۹

۹ - راه یابی تقواپیشگان به بهشت ، همراه با همسران دنیایی خود ، مایه شادمانی

عمیق آنان

ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجکم تحبرون

بنابراین که شادمانی بهشتیان به واسطه آن باشد که در بهشت نیز با همسرشان همدم خواهند بود; برداشت بالا به دست می آید.

ورود مؤمنان به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱۳

۱۳ - آمرزش مؤمنان تائب و پیرو دین و وارد شدن آنان به بهشت از سوی خداوند ، حکیمانه و از موضع اقتدار است .

فاغفر للذین تابوا . .. إنّک أنت العزیز الحکیم

یاد شدن دو صفت عزت و حکمت در پایان آیه شریفه، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۳

۳ - فروغ چهره مؤمنان ، روشنگر راه آنان در قیامت به سوی بهشت

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم

<سعی> به معنای دویدن است. دویدن نور مؤمنان در پیش روی آنان، بیانگر آن است که آنان دوان دوان به سویی در حرکت اند. برخی از مفسران برآنند که در این حال، آنان به سوی بهشت می روند.

ورود مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۹

۹ - پیوستن مؤمنان ، به درجه عالی پدران بهشتی خود ، تفضل الهی و نه مایه کم شدن از مقام پدر آنان و کاسته شدن از عمل آنان

ألحقنا بهم ذرّيّتهم و ما ألتنهم من عملهم من شيء

جمله <ما ألتناهم. ..> معادل <ما نقصناهم> است و ضمیرهای <هم> به <الذین آمنوا> بازمی گردد. مقصود این است که خداوند، در ملحق کردن ذریه بهشتیان

به آنان، از منزلت و درجه پدران چیزی نمی کاهد; بلکه بر درجه ذریه می افزاید.

وسعت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۸

۸ - بهشت تقواپیشگان ، بسیار گسترده و پهناور است .

نتبوّأ من الجنّه حیث نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۹

۹ - وسعت بهشت ، به اندازه وسعت همه آسمان ها و زمین است .

و جنّه عرضها کعرض السّماء و الأرض

واژه <عرض> در آیه شریفه معادل <سعه> است نه مقابل طول و <ال> در <السماء> جنسیه می باشد. بنابراین <السماء>; یعنی، همه آسمان ها.

وسعت نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۷ - ۱

۱- بهرهوری متقین از نعمت های گسترده بهشت ، ناشی از فضل پروردگار است ; نه صرفاً استحقاق خود ایشان .

فضلاً من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۵ - ۲،۴

۲ - نبود کم ترین محدودیت در نعمت های بهشت

لهم ما یشاءون فیها

۴ – وجود نعمت هایی فراتر از تصور و آرزوی بهشتیان در نزد خداوند

لهم ما یشاءون فیها و لدینا مزید

وعده آشامیدنیهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۳ – ۱

۱ – بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقواپیشگان

جنّت . .. یدعون فیها بفکهه کثیره و شراب . و عندهم قصرت الطرف

أتراب . هذا ما

وعده به بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۵ – ۳۲

۳۲ ترغیب الهی به تحمّل رنج ها و سختی های راه ایمان ، با وعده بهشت و آمرزش گناه مؤمنان آزاردیده و رنج کشیده

فالّذین هاجروا . .. لاکفّرنّ عنهم سیّئاتهم و لادخلنّهم جنّات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۴ – ۲

۲ اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادی . .. أن قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

وعده بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۳۰

۳۰ کفر (شکستن پیمان خدا ، ترک نماز و . . .) پس از دریافت وعده بهشت و آمرزش گناهان ، ضلالت و انحراف است .

لاکفرن عنکم سیاتکم . .. فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک>، جمله <لاکفرن . .. و لادخلنکم> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد اللّه المؤمنین . .. تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و

قرآن

وعداً عليه حقاً فى التوريه و الإنجيل و القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۴

۱۴- بهشت ، وعده تخلف ناپذير خداوند به مؤمنان

يدخلون الجنّه . .. وعد الرحمن ... إنّه كان وعده مأتيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۶۶ - ۴

۴- عكس العمل نوع انسان ها در برابر وعده بهشت و نعمت هاى آن از جانب خداوند ، انكار و استبعاد معاد است .

جنّت عدن التى وعد الرحمن . .. و يقول الإنسن أءذا ما متّ

چنانچه دو آيه قبل)< و ما نتنزّل. .. سميًّا>) جملاتى معترضه و بريده از آيات قبل و بعد باشد، آيه مورد بحث در ادامه آيات قبل از اين دو آيه خواهد بود كه در مورد بهشت و نعمت هاى آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۶

۶- قيامت (بهشت) ، وعده پيشين خداوند به مؤمنان راستين

هذا يومكم الذى كنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۱

۱ - بهشت و نعمت هاى آن مانند انواع ميوه ها و نوشيدنى ها و زنان زيبا ، وعده الهى به تقواپيشگان

جنّت . .. يدعون فيها بفكهه كثيره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - اعطای کاخ ها و بنا های رفیع به همراه نهر های جاری ،

وعده تخلف ناپذیر خداوند به تقواپیشگان

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف . .. وعد اللّه لایخلف اللّه المیعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۲،۵

۲ - بهشت جاودانه ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده

۵ - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۲،۳

۲ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جنّت عدن الّتی وعدتّهم

۳ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین و نیز به پدران ، همسران و فرزندان ایشان

جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <مَن> در <و من صلح . ..> عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم...> باشد؛ یعنی، همان گونه که به مؤمنان وعده بهشت داده شده، این وعده به پدران، همسران و فرزندان صالح نیز داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، وعده مکرر خداوند به یکتاپرستان پایدار بر توحید

و أبشروا بالجنّه الّتی کنتم توعدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۶ – ۱۱

۱۱– قبولی اعمال نیك و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۵ – ۱

۱- بهشت و نعمت های آن ، پاداش موعود الهی برای تقواپیشگان

الجنّه الّتی وعد المتّقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۲ – ۱

۱ – وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنّم . .. و أُزلفت الجنّه للمتّقین ... هذا ما توعدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۵ – ۱

۱ – بهشت وعده أکید خداوند به اهل تقوا

إنّ المتقین فی جنّت و عیون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۲۲ – ۱۷

۱۷ – وعده بهشت از سوی خداوند به مؤمنان راستین

أُولئک . .. یدخلهم جنّت

وعده بهشت به متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۵ – ۱

۱ بهشت ، وعده و نوید خداوند به تقواپیشگان

مثل الجنه التی وعد المتقون

وعده بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۴

۴- خداوند به بندگان خویش ، وعده ورود به بهشت های عدن داده است .

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده

وعده میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقواپیشگان

جنّت . .. یدعون فیها بفکهه کثیره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب .

هذا ما

وعده همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقواپیشگان

جنّت . .. یدعون فیها بفکهه کثیره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

وفور باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۳

۳ - بهشت ، دارای بستان های فراوان و درختانی انبوه

جنّت

<جنّه>، بستانی است که با درختانش زمین را بپوشاند (مفردات). جمع بودن <جنّات> به قرینه آیاتی که وجود یک بهشت را مطرح کرده است به اعتبار تعدّد بستان های آن است.

وفور بالش های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۵ - ۱

۱ - در بهشت برین ، بالش هایی فراوان برای استراحت بهشتیان ، به ردیف چیده شده است .

و نمارق مصفوفه

<نمْرقه> (مفرد <نَمارِق>) که <نون> و <راء> در آن به سه حرکت خوانده می شود به معنای <بالش کوچک> است و نیز در معانی <روپوش>، <چیزی مانند بالش یا فرش که روی زین نهاده می شود> و <زین ابریشمی> استعمال می گردد(قاموس). کلمه <مصفوفه>، قرینه بر اراده معنای اول است.

وفور درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۳،۱۰

۳ - بهشت ، دارای بستان های فراوان و درختانی انبوه

جنّت

<جنّه>، بستانی است که با درختانش زمین را بپوشاند (مفردات). جمع بودن

<جنّات> به قرينه آياتى كه وجود يک بهشت را مطرح كرده است به اعتبار تعدّد بستان هاى آن است.

۱۰ - اهل كتاب و مشركان ، در صورت كفر به اسلام ، از لذّت مناظر پردرخت و زمين آب خيز بهشت محروم خواهند بود .

من أهل الكتب و المشركين فى نار جهنّم . .. الذين ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

وفور شراب بهشتى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۵ - ۳

۳ - در دسترس بودن شراب و فراوانى و مستمر بودن آن ، براى بندگان مخلَص خدا در بهشت

يطاف عليهم بكأس من معين

تعبير دور دادن شراب بر سر بهشتيان، بيانگر در دسترس بودن آن است و آمدن <يطاف> به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار اين عمل دارد.

وفور ميوه هاى بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۳ - ۱،۲

۱ - بهرهورى متقين در بهشت ، از ميوه هاى فراوان آماده شده براى ايشان

لكم فيها فكهه

۲ - ميوه هاى بهشت ، چندان فراوان اند كه تقواپيشگان تنها از بخشى از آن بهره مى برند .

لكم فيها فكهه كثيره منها تأكلون

از <منها> كه براى تبعيض است استفاده مى شود كه مؤمنان تنها از گوشه اى از نعمت هاى بهشت استفاده مى كنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۱

۱۱- وفور و فراوانی نعمت ها و میوه ها در بهشت

و لهم فیها من کلّ الثمرت

تعبیر <من کلّ الثمرات>، می فهماند که اولاً میوه های بهشت

گوناگون و بسیار متنوع است. ثانیاً هر نوع میوه آن به وفور و فراوانی وجود دارد; نه به صورت نمونه و اندک. مطلب نخست از واژه <کل> و مطلب دوم از جمع آمدن <الثمرات>، برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۲ - ۱

۱ - بهشت اصحاب الیمین ، دارای میوه های فراوان

و فکهه کثیره

وفور نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۳ - ۳

۳ - بهشت ، سرشار از نعمت ها و به دور از هرگونه ناخوشی

فی جنّت النعیم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که اضافه <جنات> به <نعیم> اضافه لامیه و متضمن معنای اختصاصی باشد; یعنی، بهشتی که جز انواع نعمت ها، چیز دیگری در آن وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ - نعمت ها و روزی های بهشت ، فراوان و بی شمار است .

یدخلون الجنّه یرزقون فیها بغیر حساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۲۰

۲۰ - برخورداری ها و نعمت های بی پایان بهشت ، نشانگر فضل و رحمت خدا است و نه رفاه و خوشی محدود کافران در دنیا .

یرزق من یشاء . .. و من کان یرید حرث الدنیا نؤته منها ... لهم ما یشاءون ... ذلک ه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۲ – ۱

۱ – بهشت با نعمت های فراوان و پایان

ناپذیر آن ، پاداش عملکرد پرهیزگاران

و تلك الجنّه الّتی أُورثتموها بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۱

۱۱- وفور و فراوانی نعمت ها و میوه ها در بهشت

و لهم فیها من كلّ الثمرت

تعبیر <من كلّ الثمرات>، می فهمانـد كه اولاً میوه های بهشت گوناگون و بسیار متنوع است. ثانیاً هر نوع میوه آن به وفور و فراوانی وجود دارد; نه به صورت نمونه و انـدک. مطلب نخست از واژه <كـل> و مطلب دوم از جمع آمـدن <الثمرات>، برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۸ - ۳

۳ - بهشت ، بوستانی پرنعمت

جنّه نعیم

ویژگی آشامیدنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۳ - ۲

۲ - خوراكی ها و نوشیدنی های بهشت ، گوارا و بدون عوارض نامطلوب است .

كلوا و اشربوا هنیئًا

ویژگی باغهای بهشت آخرت طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۰ - ۱

۱ - انسان های کوشا و آخرت طلب ، از بین مناطق گوناگون بهشت ، بوستانی ارجمند و عالی رتبه ، در اختیار خواهند داشت .

لسعیها راضیه . فی جنّه عالیه

<عالیه>، ممکن است وصف توضیحی بوده و بهشت موعود را به علوّ رتبه توصیف کرده باشد. هم چنین می تواند وصف احترازی باشد; حاکی از این که برخی از بوستان های بهشت، در مقایسه با دیگر بوستان های آن، رتبه برتری دارند. برداشت یاد شده، نظر به احتمال دوم دارد.

ویژگی

تختهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۰ – ۱

۱ – بهشتیان ، دارای مجالس انس و تکیه زده بر تخت های چیده شده در کنار هم

متّکین علی سرر مصفوفه

<اتکاء> (مصدر <متکین>) به معنای تکیه زدن و <سُرُر> (جمع <سریر>) به معنای تخت ها است. <مصفوفه> (صفت <سُرُر>; یعنی، چیده شده در کنار هم.

ویژگی چشمه های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۲ – ۱

۱ – بهشت برین ، دارای چشمه ای با عظمت و همیشه جاری

فیها عین جاریه

<عین> نکره است و دلالت بر آن دارد که عظمت چشمه بهشت، فراتر از آن است که بتوان شناخت. توصیف آن با کلمه <جاریه> یا <تجری>، دلالت دارد که جریان آن، مداوم است.

ویژگی خوردنیهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۵ – ۳

۳– بهرهوری بی ضرر و زیان بهشتیان ، از انواع خوراکی های مورد تمایل خویش

یدعون فیها بکلّ فکهه ءامنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۳ – ۲

۲ – خوراکی ها و نوشیدنی های بهشت ، گوارا و بدون عوارض نامطلوب است .

کلوا و اشربوا هنیئًا

ویژگی نعمتهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۲ – ۴

۴– بهشت ، سرایی جاودان و دل خواه و نعمت های آن ارضا کننده تمامی امیال و خواسته های آدمی است .

و هم فی مااشتهت أنفسهم خلدون

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۱۵

۱۵ – نعمت های بهشتی ، تمام ناشدنی و پایان ناپذیر

و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین و أنتم فیها خلدون

از جاودانگی تقواپیشگان در بهشت (أنتم فیها خالدون) و فراهم بودن تمامی خواسته ها و لذت های آنان (و فیها ما تشتهیه الأنفس)، استفاده می شود که نعمت های پایان ناپذیر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۵ – ۴

۴- بهشت در تمامی امکانات و نعمت هایش ، ایمن از هرگونه ناگواری و زیان برای بهشتیان

یدعون فیها بکلّ فکهه ءامنین

با توجه به این که <فاکهه>، در میان سایر بهرهوری های بهشتیان خصوصیتی ندارد; وصف <آمنین> می تواند بیانگر تمامی نعمت ها و امکانات بهشت باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۸ – ۲

۲ – بهشت و نعمت های گسترده آن ، مایه بهرهوری و لذت کامل بهشتیان و نه مانند امکانات محدود و ناقص دنیوی *

فکهین بما ءاتیهم ربّهم

ممکن است که <فاکهین>، تعریض به امکانات دنیا داشته باشد که معمولاً بشر قادر به بهرهوری کامل از آنها نیست و لذت آن، آمیخته با محرومیت ها است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۹ – ۳

۳ – نعمت های بهشت ، گوارا و بی هیچ ناخالصی و رنج و زیان

کلوا و اشربوا هنیًا

<هنییء> (معادل گوارا) به امری گفته می شود که رنج و تعب در پی نداشته باشد. <هینئاً> در آیه شریفه، صفت برای مصدر محذوف است;

یعنی، <کلوا و اشربوا أکلاً و شرباً هینئاً>.

ویژگی نهرهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۵ – ۶

۶-نهر های مختلف ، زلال ، گوارا و لذّت آفرین ، نمودی از نعمت های والای بهشت

فیها أنهر من ماء غیر ءاسن . .. و أنهر من خمر لذّه

ویژگی همسران بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۸ – ۱

۱ – بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهران خود ، چشم ندوخته و نظر نمی افکنند .

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <قاصرات الطرف> (چشم فروهشتگان)، زنانی اند که چشم از دیگران برگرفته و تنها به همسران خود می نگرند. گفتنی است که این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسران خود باشد.

ویژگیهای انار بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۸ – ۲

۲ – خرما و انار ، دارای ویژگی و امتیاز در میان میوه های بهشت

فیهما فکهه و نخل و رمّان

<فاکهه> به مطلق میوه گفته می شود و شامل خرما و انار نیز می گردد. بنابراین ذکر <نخل و رمان> پس از آن، از باب ذکر خاص بعد از عام و نشانگر ویژگی خاص آن دو میوه در میان میوه های بهشتی است.

ویژگیهای باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۱ - ۷

۷ باغ ها و بوستان های بهشت ، سرشار از نعمت های الهی

جنت لهم فیها

نعیم

<نعیم> به معنای نعمت فراوان و بسیار است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۰ - ۱

۱ - باغ های جاویدان بهشت ، فرجام تقواپیشگان

و إنّ للمتّقین لحسن مئاب . جنّت عدن

<جنّات> (جمع <جنّه>) به معنای باغ ها و <عدن> به معنای خلود و استقرار است و جمله <جنّات عدن> عطف بیان برای <لحسن مئاب> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۱ - ۴

۴ - باغ های بهشتی ، دارای انواع میوه ها و نوشیدنی های عالی و نفیس

بفکهه کثیره و شراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۴،۹

۴ - باغ های بهشت ، با نهر های همیشه جاری ، پاداش الهی به شرکت کنندگان در جهاد و نبرد با دشمنان دین

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّت تجری

با توجه به این که سیاق آیات، در رابطه با جنگ و جهاد می باشد; مراد از <من یطع. ..> کسی است که فرمان جهاد را اطاعت کرده است.

۹ - باغ های بهشت ، دارای ویژگی های مادی *

جنّت تجری من تحتها الأنهر

آنچه از ظاهر آیه شریفه استفاده می شود، این است که وعده های الهی به وجود باغ های بهشتی، بیانی نمادین و کنایی

نیست; بلکه بیانگر عینیتی ملموس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۴ - ۱

۱ - باغ های بهشت ، در نهایت سبزی و طراوت ، بدون کمترین زردی و پژمردگی

مدهامّتان

<مدهامّتان> وصف برای

<جنّتان> است و <ادهیمام>; یعنی، رنگ سبز که از شدت سبزی سیاه گون می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۶ - ۱

۱ - وجود چشمه های همیشه جوشان در باغ های بهشت

فیهما عینان نضّاختان

<نضّاختان> وصف برای <عینان> است; یعنی، دو چشمه ای که دارای جوشش و فوران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۲

۲ - وجود چشمه های جوشان در باغ های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما عینان نضّاختان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۸ - ۱

۱ - باغ های بهشت ، آکنده از میوه ها و درختان نخل و انار

فیهما فکهه و نخل و رمّان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - باغ های بهشت ، پوشیده از درختان است .

بشریکم الیوم جنّت

<جنّه> (مفرد <جنّات>)، به باغ پوشیده از درختان گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۲ – ۴،۵

۴ – باغ های بهشت ، پوشیده از درختان

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنّه>; یعنی، باغ پوشیده از درخت.

۵ – وجود نهر های همواره جاری در بوستان های بهشت

تجری من تحتها الأنهر

به کارگیری فعل مضارع (تجری)، بیانگر تداوم جریان نهرهای بهشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۹ – ۱۰

۱۰ – بهشت ، دارای بوستان های

متعدد با نهر های جاری در زیر آنها

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنّات> (جمع <جنّه>) به معنای بوستان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۲ - ۳

۳ - بوستان های مؤمنان در بهشت ، مسرت آفرین و در جایی بلند قرار دارد .

فی جنّه عالیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۶

۶ - بوستان های بهشت ، دارای نهرهایی فراوان که از زیر آن بیرون زده و جریان می یابد .

لهم جنّت تجری من تحتها الأنهر

حرف <من> برای ابتدای غایت است و دلالت دارد که آب نهرها، از منابع زیر زمینی بوستان ها تأمین می شود. این احتمال نیز وجود دارد که با تقدیر گرفتن کلمه <اشجار>، مراد از <من تحتها>، <من تحت اشجارها> باشد.

ویژگیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۵ - ۱

۱ بهشت ، سرایی است سراسر سلامت ، امنیت و آرامش .

و اللّه یدعوا إلی دارالسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۱۰

۱۰ بهشت و موهبت های آن ، از میان نخواهد رفت و از بهشتیان باز پس گرفته نخواهد شد .

عطاءً غیر مجذوذ

<عطـاء> حـال برای <الجنه> است و <مجـذوذ> به معنای مقطوع می باشـد. بنابراین <عطاءً غیر مجـذوذ>; یعنی ، [وارد بهشت می شوند]در حالی که آن بهشت ، عطایی تمام نشدنی و مداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵

- ۳،۴،۵،۶

۳ بهشت دارای نهر های بسیار است .

مثل الجنه . .. تجری من تحتها الأنهر

برداشت فوق از جمع بودن کلمه <أنهار> استفاده شده است. قابل ذکر است که از معانی <مَثَل> صفت و ویژگی است.

۴ نهر های بهشت از زیر درختان آن جاری است .

تجری من تحتها الأنهر

۵ بهشت دربردارنده میوه و خوراکی و دارای هوایی مطبوع است .

أُکلها دائم و ظلّها

<أُکل> به معنای میوه و ثمره است و گاهی به مطلق خوراکی نیز اطلاق می شود. <ظلّ> به معنای سایه و در آیه شریفه کنایه از خوش آب و هوا بودن است.

۶ میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُکلها دائم و ظلّها

<ظلّها> مبتداست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۹

۹- بهشت ، مکانی بس آسایش آفرین ، و نعمت های آن ، پاداشی بس نیک برای مؤمنان است .

نعم الثّواب و حسنت مرتفقًا

<مرتفق> اسم مکان به معنای <متکا> (تکیگاه) است و چون هنگام استراحت، نوعاً، مرفق خود را روی زمین می گذارند، به محل استراحت و لمیدن <مرتفق> گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱،۲

۱- بهشت ، از بوستان هایی متعدد تشکیل شده است .

یدخلون الجنّه . .. جنّت عدن

<جنّات عـدن> بـدل از <الجنّه> در آیه قبل است. آمـدن <جنّات> به صورت جمع و بدل بودن آن از <الجنّه>، نشانگر آن است که بهشت از باغ های متعددی تشکیل شده است.

۲- بهشت ،

جایگاه ماندن و استقرار و سرشار از امنیت و آسایش

جنّت عدن

برخی <عدن> را مصدر و به معنای اقامت کردن می دانند و برخی دیگر آن را علَم برای زمین بهشت دانسته و گفته اند: این نام بدان جهت بر بهشت نهاده شده که جایگاه اقامت و استقرار است (کشاف، ج ۳). در هر صورت این کلمه بر این که بهشت محل استقرار است، دلالت دارد. لازم به ذکر است محل استقرار در مقام تمجید به جایی گفته می شود که همه شرایط اقامت را دارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۶

۶ بهشت جاویدان ، تنها جایی است که تمامی خواسته ها و تمایلات بشر در آن تأمین و ارضا خواهد شد .

لهم فیها ما یشاءون خلدین

این که خداوند وعده داد که: <تمامی خواسته های متقین در بهشت تأمین می شود (نه در دنیا)> می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۴

۴ بهشت ، قرارگاه و اقامت گاهی نیکو و شایسته برای آدمی

حسنت مستقرًّا و مقامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۵ - ۳

۳ - بهشت ، سرشار از نعمت های الهی است .

جنّه النعیم

<نعیم> به معنای نعمت فراوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۵ - ۳

۳ - بهشت ، سرای آسودگی و به دور از رنج و افسردگی

لایمسّنا فیها نصب و لایمسّنا فیها

لغوب

<نصب> به معنای تعب و رنج و <لغوب> به معنای عجز و ناتوانی است که غالباً به سبب تعب و مشقت به وجود می آید. گفتنی است که در برداشت یاد شده از آن به افسردگی تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۳ - ۳

۳ - بهشت ، سرشار از نعمت ها و به دور از هرگونه ناخوشی

فی جنّت النعیم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که اضافه <جنات> به <نعیم> اضافه لامیه و متضمن معنای اختصاصی باشد; یعنی، بهشتی که جز انواع نعمت ها، چیز دیگری در آن وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۴،۵،۶،۸،۹

۴ - باز شدن درب های بهشت ، به هنگام نزدیک شدن تقواپیشگان

حتّی إذا جاءوها و فتحت أبوبها

۵ - باز بودن درب های بهشت ، پیش از رسیدن تقواپیشگان

حتّی إذا جاءوها و فتحت أبوبها

برداشت یاد شده بر این اساس است که واو در<و فتحت> حالیه باشد نه زاید. بنابراین معنای آیه چنین می شود: به بهشت خواهند رسید در حالی که قبلاً درب های آن گشوده شده است.

۶ - بهشت ، دارای درب های متعدد

فتحت أبوبها

۸ - بهشت ، دارای دربانان متعدد

و قال لهم خزنتها

۹ - سلام و خوش آمدگویی دربانان بهشت به تقواپیشگان ، هنگام ورود آنان

و قال لهم خزنتها سلم علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۶۸

۶ - بهشت جاویدان ، فراتر از استحقاق تقواپیشگان و جلوه ای از لطف و بخشش الهی

به آنان

و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

برداشت یاد شده از تعبیر ارث درباره بهشت به دست می آید; زیرا میراث چیزی است که انسان برای آن معمولاً ـ زحمتی نکشیده و تلاشی نکرده تا مستحق آن باشد.

۸ - بهشت تقواپیشگان ، بسیار گسترده و پهناور است .

نتبوّأ من الجنّه حیث نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ - نعمت ها و روزی های بهشت ، فراوان و بی شمار است .

یدخلون الجنّه یرزقون فیها بغیر حساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۳،۴،۹،۱۱

۳ - در بهشت ، خوردن و آشامیدن از ظرف های طلا ممنوعیتی ندارد .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

۴ - دسترسی بهشتیان به طعام و نوشیدنی بدون هیچ گونه رنج و تلاش

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

از مجهول آمدن <یُطاف> استفاده می شود که ظرف های غذا و جام های نوشیدنی، بدون تلاش بهشتیان در اختیار آنان قرار می گیرد.

۹ - تنها بهشت ، محل تأمین تمامی خواسته ها و لذت های انسان

و فیها ما تشتهیه الأنفس

تقدیم <فیها> اشعار به این نکته دارد که تمایلات وجودی انسان، به طور کامل تنها در بهشت تأمین می شود.

۱۱ – منظره های زیبا و دلنشین بهشت ، مسحورکننده چشم نظاره گران

و تلذّ الأعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۴ – ۸

۸- بهشت ، دور از هرگونه حزن و اندوه

فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون . أُولئك أصحب الجنّه

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۵ – ۱

۱ – بهشت ، در بردارنده همه آرزو ها و برآورنده همه خواسته های بهشتیان

لهم ما یشاءون فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۵ – ۲

۲ – بهشت ، دارای باغ های پوشیده از درختان و چشمه ساران متعدد

فی جنّت و عیون

<جنّت> (مفرد <جنّات>) به باغ پوشیده از درختان گفته می شود و <عیون> (جمع <عین>) به معنای چشمه ساران است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۸ – ۲

۲ – بهشت و نعمت های گسترده آن ، مایه بهرهوری و لذت کامل بهشتیان و نه مانند امکانات محدود و ناقص دنیوی *

فکهین بما ءاتیهم ربّهم

ممکن است که <فاکهین>، تعریض به امکانات دنیا داشته باشد که معمولاً بشر قادر به بهرهوری کامل از آنها نیست و لذت آن، آمیخته با محرومیت ها است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۱ – ۴

۴ – پیوند های عاطفی ، باقی میان مؤمنان و نسل ایشان در بهشت

ألحقنا بهم ذرّیّتهم

نوید به ملحق شدن ذریه مؤمنان به آنان در بهشت، می رساند که مؤمنان در بهشت نیز به نسل خود دلبسته اند و از قرار گرفتن

آنان در کنار خویش احساس لذت می کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۲ – ۴

۴ – نبود محدودیت برای بهشتیان ، در رسیدن به مشتهیات و خواسته های خویش

و أمددنهم بفکهه و لحم ممّا یشتهون

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۱۵ – ۲

۲ – بهشت ، اقامتگاه نهایی و محلی راحت و آرام برای اهل آن است .

عندها جنّه المأوی

<مأوی> در لغت به جایی گفته می شود که حیوان، شبانگاه به آن بازمی گردد و استراحت می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۵ – ۴

۴ – بهشت ، سرزمین صداقت و راستی بدون کمترین دغل و نادرستی *

فی جنّت و نهر . فی مقعد صدق

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <صدق> در مقابل کذب باشد. در این صورت جایگاه صدق; یعنی، جایگاهی که در آن صداقت و راستی حاکم است و از هرگونه دغل و نادرستی مبرا می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۲ – ۳

۳ – بهشت سابقون (پیشتازان) ، سرشار از نعمت است .

فی جنّت النعیم

واژه <نعیم>، در نعمت بسیار به کار می رود (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۵ – ۱

۱ – در بهشت پیشتازان (سابقون) ، هرگز کسی از دیگری سخن لغو و بیهوده و یا نسبت ناروا نخواهد شنید .

لایسمعون فیها لغوًا و لاتأثیمًا

<لغو> به سخنی گفته می شود که هیچ فایده ای بر آن مترتب نباشد و <تأثیم> به معنای نسبت دادن گناه به کسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۶ - ۱

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون)

، جز سخنان سالم و پیراسته از لغو و نسبت های ناروا مبادله نمی شود .

لایسمعون فیها لغوًا . .. إلاّ قیلاً سلمًا سلمًا

<قیل> معادل <قول> و موصوف <سلاماً> است; یعنی، <لایسمعون فیها إلاّ قولاً هو سالم من اللغو و التأثیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۹ - ۴

۴ - بهشت اصحاب الیمین ، معطر با عطر گل های درختان اقاقیا

و طلح منضود

برخی از مفسران <طلح> را به <ام غیلان> (درخت اقاقیا) تفسیر کرده اند. درخت اقاقیا دارای گلی بسیار خوشبو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۳ - ۲

۲ - در بهشت اصحاب الیمین ، هرگز مانعی همچون سیر بودن ، بیمار بودن ، در دسترس نبودن و . . . برای تناول میوه وجود ندارد .

و فکهه . .. و لاممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۳ - ۴

۴ - بهشت ، دارای هوایی لطیف ، مطبوع و معتدل

جنّه . .. لایرون فیها شمسًا و لازمهریرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۰ - ۳

۳ - بهشت ، نعمت چشم گیر و سلطنت بزرگ و گسترده است .

نعمیًا و ملکًا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۲

۲ - تخت های مزیّن در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای

ابرار در بهشت

متّکئین فیها علی الأرائک . .. و ذلّلت قطوفها... یسقون فیها کأسًا ... یطوف علیهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در <لکم>، می تواند برای اختصاص باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۲ – ۴

۴ – بهشت ، محل ارضای تمامی تمایلات و خواسته های بشر

و فوکه ممّا یشتهون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <من> در <ممّا یشتهون>برای تبعیض باشد، بر این اساس معنای آیه چنین می شود: بهشتیان از میوه هایی که بخشی از خواسته ها و تمایلات آنان را تشکیل می دهد، بهره مند خواهند شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۱ – ۳

۳ – بهشت ، جایگاه خوشبختی و به دور از آزار و نوشیدنی های ناگوار و رنج گرما و تشنگی است .

لایذوقون فیها بردًا و لاشرابًا . إلاّ حمیمًا و غسّاقًا ... إنّ للمتّقین مفازًا

رهایی از شرّ که جزئی از معنای <مفاز> است ناظر به شروری است که دامنگیر دوزخیان است و آیات پیشین، گوشه هایی از آن را بیان کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۲ – ۲

۲ – بهشت ، سرای ناز و نعمت ، همراه با تأمین تمام نیازمندی ها برای تقواپیشگان

حدائق و أعنبًا

تأمین انگور و باغ میوه با آن که از نیازهای ضروری انسان نیستند نشانگر آن است که بهشتیان در مرحله نیازهای اولیه، کمبودی ندارند و باید از امور دیگری که

به تجمّلات و تشریفات زندگی مربوط می شود سخن گفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۱

۱ - تقواپیشگان در بهشت ، هیچ سخن یاوه ، زشت و بی فایده ای نخواهند شنید .

لایسمعون فیها لغوًا

<لغو>; یعنی، بی فایده و آنچه قابل اعتنا نباشد (قاموس) و گاه سخنان زشت نیز <لغو> نامیده می شود. (مفردات راغب). نشنیدن سخنان لغو، کنایه از نبود آن سخنان در بهشت است. ضمیر <فیها> به <مفازاً> برمی گردد; به این اعتبار که مراد از آن <جنّه> (بهشت) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۰ - ۳

۳ - بهشت ، در مکانی بلند و رفیع

فی جنّه عالیه

وصف <عالیه> در برداشت یاد شده، وصفی توضیحی لحاظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۱ - ۱

۱ - بهشتیان ، هیچ گونه صدا و سخن بیهوده ای در بهشت برین نمی شنوند .

لاتسمع فیها لغیه

<کلام لغو>; یعنی، آنچه قابل اعتنا نیست و بدون تأمل و اندیشه گفته شده است (مفردات راغب) و کلمه <لاغیه>; یعنی، سخن زشت (قاموس) گفتنی است که <لاغیه> اسم فاعل و وصفی مناسب با گوینده سخن است. توصیف سخن به وصفی که مخصوص گوینده آن است، بر مبالغه دلالت دارد; یعنی، سخنی که حتی اندکی از <لغو> را پدید آورد، به گوش بهشتیان نخواهد خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۲ – ۱

۱ – بهشت برین ، دارای چشمه ای با

عظمت و همیشه جاری

فیها عین جاریه

<عین> نکره است و دلالت بر آن دارد که عظمت چشمه بهشت، فراتر از آن است که بتوان شناخت. توصیف آن با کلمه <جاریه> یا <تجری>، دلالت دارد که جریان آن، مداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - بهشت برین ، دارای تخت هایی بر افراشته و با عظمت

فیها سرر مرفوعه

<سریر> (مفرد <سرر>)، به معنای مکان دراز کشیدن است (قاموس). این کلمه به معنای جایگاه جلوس نیز آمده و با سرور (شادمانی)، از یک ریشه است. تناسب آن این است که <سریر> ویژه رفاه مندان است (مفردات راغب). نکره آوردن <سریر>، برای بیان عظمت است و توصیف آن به <مرفوعه> با آن که <سریر> همواره از زمین برجسته است تأکیدی بر کمال برجستگی آن است.

۲ - استراحت بهشتیان بر تختخواب ها و تماشای صحنه های بهشت ، از نعمت های الهی در آخرت

ناعمه . .. فیها سرر مرفوعه

ارتفاع تخت های بهشتیان، نشانگر اشراف آنان بر صحنه های دل انگیز بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - بهشت ، دارای جام های آماده برای پذیرایی از بهشتیان

و أکواب موضوعه

<کوب> (مفرد <اکواب>)؛ یعنی، تنگ آب که سر آن حلقه مانند است و دستگیره ندارد. برخی آن را پیاله بی دسته می دانند. (مصباح)

۲ - نوشیدن از چشمه بهشت با پیاله های آماده ، در حال آرمیدن بر تختخواب خویش ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فيها عين جاريه . فيها سرر مرفوعه . و

أکواب موضوعه

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - در بهشت برین ، بالش هایی فراوان برای استراحت بهشتیان ، به ردیف چیده شده است .

و نمارق مصفوفه

<نمْرقه> (مفرد <نَمارِق>) که <نون> و <راء> در آن به سه حرکت خوانده می شود به معنای <بالش کوچک> است و نیز در معانی <روپوش>، <چیزی مانند بالش یا فرش که روی زین نهاده می شود> و <زین ابریشمی> استعمال می گردد(قاموس). کلمه <مصفوفه>، قرینه بر اراده معنای اول است.

۲ - بزم عیش و نوش بهشتیان ، همواره مزیّن به پیاله ها ، تخت ها و بالش های آماده است .

و نمارق مصفوفه

مراد از <ردیف بودن> بالش ها، فراهم بودن آنها در نقطه ای است که بهشتیان برای استراحت خود، لازم داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - بهشت برین ، تزیین یافته با فرش های مخمل باف و گران قدر که همواره گسترده است .

و زرابیّ مبثوثه

<زرابیّ> جمع <زُرْب> (بر وزن قُفْل) یا <زربیّه> (به فتح، ضم یا کسر حرف اول) است و به فرش هایی گفته می شود که دارای، پرزهای لطیف باشد (نهایه ابن اثیر). اصل معنای آن، لباس هایی با خطوط زیبا است که به یکی از مناطق انتساب دارد (مفردات راغب) برخی از مفسران، <زربیّه> را تخفیف یافته <آذربیّه> می دانند که در انتساب به آذربایجان گفته می شود. (التحریروالتنویر)

۲ - مکان های فراوانی از بهشت

، برای بزم بهشتیان ، همواره مفروش و آماده است .

و زرابیّ مبثوثه

<بثّ>; یعنی، متفرق ساختن و آشکار کردن و <مبثوثه>; یعنی، فراوان و متفرق. (مقاییس اللغه)، مراد از متفرق بودن فرش ها در بهشت، مفروش بودن نقاط مختلفی از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۳،۴،۵،۶،۷،۱۰

۳ - بهشت ، دارای بستان های فراوان و درختانی انبوه

جنّت

<جنّه>، بستانی است که با درختانش زمین را بپوشاند (مفردات). جمع بودن <جنّات> به قرینه آیاتی که وجود یک بهشت را مطرح کرده است به اعتبار تعدّد بستان های آن است.

۴ - جاری بودن نهر های فراوان ، از زیر درختان بهشت

عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبدًا

درباره مفاد <تجری من تحتها الأنهار>، سه تصور وجود دارد; ۱. با تقدیر کلمه <أشجار>، مراد جریان آب از زیر درختان و کنار ساقه های آن است; ۲. مراد جریان آب، زیر کاخ ها و تخت های بهشتیان است; ۳. مراد بیان آب خیز بودن زمین بهشت است; به گونه ای که آب نهرها، از زیر زمین بهشت سرچشمه می گیرد.

۵ - بهشت و جریان نهر های آن ، جاودانه است .

جنّت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبدًا

۶ - وجود تمامی امکانات ، برای اقامت دائمی انسان در بهشت

جنّت عدن . .. خلدین فیها أبدًا

<عدن>، معرفه است; خواه علم برای مصدر <العدن> (اقامت گزیدن) باشد و خواه علم برای زمین بهشت. در صورت دوم نیز، تناسب معنای لغوی آن مورد نظر بوده است; یعنی، بهشت دارای تمام امکاناتی است که لازمه اقامت دائمی انسان در

آن است.

۷ - بهشت ، دارای ابعاد مکانی است .

تحتها

۱۰ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت کفر به اسلام ، از لذّت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود .

من أهل الکتب و المشرکین فی نار جهنّم . .. الذین ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

ویژگیهای بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۶،۷،۱۴

۶ - بهشتی که آدم (ع) و حوا در آن سکنی گزیدند ، جایگاهی مرفه و دارای نعمت های فراوان و نیکو بود .

و کلا منها رغداً حیث شئتما

<رغد> به معنای: پر خیر و برکت، پاک و دارای رفاه می باشد. کلمه <رغداً> حال برای ضمیر <منها> است; یعنی، از بهشت استفاده برید، در حالی که این بهشت پر خیر و برکت و ... است.

۷ - رفت و آمد به هر کجای بهشت برای آدم (ع) و حوا آزاد بود .

حیث شئتما

۱۴ بهشتی که آدم (ع) و حوا در آن سکونت گزیدند ، دارِ تکلیف بود .

اسکن أنت و زوجک الجنه . .. و لاتقربا هذه الشجره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۵،۹،۱۰

۵ - بهشت مسکونی آدم و حوا ، جایگاهی آماده برای آسایش و راحتی و به دور از هرگونه مشقت و سختی

فلایخرجنّکما من الجنّه فتشقی

۹ - آدم (ع) و حوا ، در بهشت مسکونی خود نیز به انجام تکالیف ، ملزم بوده اند .

فلایخرجنّکما

گرچه نهی در <فلایخرجنّ> متوجه ابلیس است; ولی خطاب آن

به آدم(ع) و حوا، به معنای نهی آن دو از تأثیرپذیری از القائات او است.

۱۰ - حوا در بهشت مسکونی خویش ، همسر آدم (ع) و تحت سرپرستی وی بود .

عدوّ لکَ و لزوجکَ فلایخرجنّکما

خداونـد، رهنمودهای مربوط به حوا را، با آدم(ع) در میان گذاشـته و او را به پرهیز هر دو از زمینه های خروج از بهشت فرمان داده است. این گونه خطاب را می توان نشانِ سرپرستی آدم(ع) قلمداد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۱،۲

۱ - آدم (ع) در بهشت خویش از نظر غذا و پوشاک تأمین بود .

إنّ لک ألّاتجوع فیها و لاتعری

تعبیر <إنّ لـک. ..> وعـده ای از جـانب خداونـد به آدم(ع) است و بیـان خاصـیت بهشت نمی باشـد; زیرا خوردن از درخت ممنوع سبب شد که آدم(ع) در همین بهشت عریان شود و وعده <لاتعری> در حق او عملی نگردد.

۲ - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إنّ لک ألّاتجوع فیها و لاتعری

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سـخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تثنیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۹ - ۱

۱ - آدم (ع) در بهشت خویش ، از تشنگی و تحمل تابش آفتاب در امان و مصون بود .

و

إنّک لاتظمؤا فیها و لاتضحی

<لاتضحی>; یعنی، روبه روی خورشید قرار نمی گیری و حرارت آن به تو نمی رسد (لسان العرب). این وصف با توجه به معنای لغوی <جنّه> که بستان پوشیده از درخت است به وجود سایه فراوان در سرای آدم(ع) اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۵

۱۵ - بهشتی که آدم و حوا (ع) در آن می زیستند ، بوستانی مادی و دارای آثار و خواص ماده بود .

یخصفان علیهما من ورق الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۹

۹ - بهشت آدم ، محیط صفا و صلح و تأمین کامل نیاز ها و عاری از بروز دشمنی در میان ساکنان آن بود .

إنّ لک ألاّتجوع . .. اهبطا ... بعضکم لبعض عدوّ

چون موضوع دشمن به عنوان مجازات و اقتضای هبوط مطرح گردیده. چنین برمی آید که در مسکن قبلی آدم(ع) (بهشت) چنین عارضه ای در کار نبوده و به خاطر فراهم بودن نیازمندی ها، زمینه های عداوت منتفی بوده است.

ویژگیهای بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۵،۱۱،۱۲

۵ پدران ، همسران و فرزندان واردشدگان به بهشت عدن در صورتی که صالح باشند به ایشان ملحق خواهند شد .

جنّت عدن یدخلونها و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

۱۱ < رسول الله (ص) قال : جنه عدن و هی فی وسط الجنان . . . فسورها یاقوت أحمر و حصاها اللؤلؤ .

; . .

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: بهشت عدن در وسط بهشت هاست . .. پس دیوار آن یاقوت سرخ و سنگریزه های آن لؤلؤ می باشد ...>.

۱۲ < عن أبی جعفر (ع) قال : سأل علی (ع) رسول الله (ص) : . . . فقال : لماذا بنیت هذه الغرف (فی الجنه) یارسول الله ؟ فقال : یا علی تلک غرف بناها الله لأولیائه . . . فإذا دخل المؤمن إلی منازله فی الجنه . . . فإذا استقرت لولیّ الله منازله فی الجنه . . . یبعث الله ألف ملک یهنّونه بالجنه . . . فینتهون إلی أوّل باب من جنانه فیقولون للملک الموکل . . . إستأذن لنا علی ولیّ الله . . . فیأذن لهم فیدخلون علی ولیّ الله و هو فی الغرفه و ل ها ألف باب . . . فیدخل کل ملک من باب من أبواب الغرفه فیبلّغونه رساله الجبّار و ذلک قول الله : < و الملئکه یدخلون علیهم من کلّ باب > ; یعنی : من أبواب الغرفه < سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: حضرت علی علیه السلام از رسول الله(ص) پرسید: ای رسول خدا! چرا این غرفه ها [دربهشت] ساخته شده است؟ فرمود: ای علی! اینها غرفه هایی اند که خداوند آنها را برای دوستانش بنا کرده است، هنگامی که مؤمن وارد منزلهای خود در بهشت شود و برای ولیّ خدا منزلهای او در بهشت تثبیت گردد، خداوند هزار

فرشته می فرستد که بهشت را به او تهنیت گویند. آنها به اولین درب از بهشتهای او می رسند و به فرشته ای که گماشته آن جاست می گویند: برای ما اذن ورود بر ولیّ خدا بگیر. آن گاه [او] به ایشان اذن می دهد و بر ولیّ خدا وارد می شوند، در حالی که او در غرفه خویش است و برای آن غرفه هزار درب است. آن گاه هر فرشته ای از یکی از دربهای غرفه وارد می شود و پیام خدای غالب را می رساند و این است گفته خداوند: و الملائکه یدخلون علیهم من کلّ باب مقصود این است که از دربهای غرفه وارد می شوند [و می گویند:] سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۱

۱- در بهشت عدن ، هیچ سخن لغو و بیهوده ای به گوش بهشتیان نمی خورد .

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده . .. لایسمعون فیها لغوًا

<لغو>; یعنی، کلام و یا هر چیزی که قابل اعتنا نبوده و فایده ای بر آن مترتب نباشد. در آیه مورد بحث به قرینه <استماع> مراد از <لغو> کلام باطل و یاوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۱

۱ - بهشت ، جایگاهی سرشار از امن و آسایش و از هر جهت آماده برای ماندن و استقرار بهشتیان است .

جنّت عدن

در باره این که مراد از <عدن> چیست، نظریاتی از سوی مفسران ابراز گردیده است. برخی آن را نام یکی از

بهشت های هشت گانه دانسته اند، و برخی دیگر معنای لغوی آن را لحاظ نموده و آن را به <اقامت کردن> معنا کرده اند. در این صورت <عدن> قیدی توضیحی برای <جنّات> خواهد بود نه قید احترازی. گروهی دیگر <عدن> را اسم خاص برای زمین بهشت می دانند و می گویند جایگاه اقامت بودن بهشت، باعث این نام گذاری است. گفتنی است که <محل اقامت> در مقام تمجید به جایی گفته می شود که همه شرایط آسایش در آن فراهم باشد.

ویژگیهای بهشت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۵ - ۳

۳- بهشت متقین ، دارای باغ های مختلف و چشمه های گوناگون

إن المتقین فی جنّت و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۸ - ۳

۳- بهشت متقین ، دارای نعمت های مادی و معنوی

إن المتقین فی جنّت و عیون . ادخلوها بسلم ءامنین ... علی سرر متقبلین . لایمسّه

ویژگیهای پادشاهی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۰ - ۵،۶

۵ - < عن الصادق (ع) : < و ملکاً کبیراً > لایزول و لایفنی ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که [مراد از] <ملکاً کبیراً> ملکی است که از بین نمی رود و فانی نمی شود>.

۶ - < عباس بن یزید قال : قلت لأبی عبداللّه (ع) . . . أخبرنی عن قول اللّه عزّوجلّ < و إذا رأیت ثَمّ رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً > ما هذا الملک الذی کبره اللّه

حتّی سمّاه کبیراً ؟ قال : فقال لی : إذا أدخل اللّه أهل الجنّه ، الجنّه أرسل رسولاً إلی ولیّ من أولیائه فیجد الحجبه علی بابه ، فیقول له : قف حتّی نستأذن لک فما یصل إلیه رسول ربّه إلاّ بإذن ، فهو قوله عزّوجلّ < و إذا رأیت ثَمّ رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً > ;

عباس بن یزید گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: . .. مراد از سخن خداوند عزّوجلّ <و إذا رأیت ثَمّ رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً> آگاه کن که این کدام ملک است که خداوند آن را بزرگ قرار داده است تا جائی که خود آن را <ملک کبیر> (بزرگ) نامیده است؟ حضرت به من فرمود: زمانی که خداوند اهل بهشت را وارد بهشت می کند پیکی را به سوی دوستی از اولیاء خود می فرستد، آن پیک نگهبانانی را بر در خانه او (ولی خدا) مشاهده می کند; نگهبان به پیک خدا می گوید: بایست تا برای تو اذن ورود بخواهم. پیک پروردگار آن بهشتی به وی دسترسی پیدا نمی کند مگر با اجازه و اذن [او] و این سخن خدای عزّوجلّ است <و إذا رأیت ثَمّ رأیت نعمیاً و ملکاً کبیراً>.

ویژگیهای پذیرایی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۵ - ۱

۱ - گردش پیوسته جام های نقره ای و کوزه ها و قدح های بلورین ، جهت پذیرایی از ابرار در بهشت

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرَا

<اناء> (مفرد <ءانیه>) به معنای ظرف است و <کوب> (مفرد <أکواب>) در معنای کوزه بی دسته و

قدح بی دسته استعمال می شود. <قاروره> (مفرد <قواریر>) نیز به معنای ظرف شیشه ای و بلورین است.

ویژگیهای پشتی های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۱،۲

۱ - بهشتیان ، تکیه زده بر پشتی ها با آسترهایی از ابریشم

متّکین علی فرش بطائنها من إستبرق

<بطائن> (جمع <بطانه>) به معنای آسترها است. <إستبرق> به ابریشم درشت باف گفته می شود.

۲ - ارزشمندترین پارچه های دنیا ، به کار رفته در لایه های زیرین پشتی های اهل بهشت

متّکین علی فرش بطائنها من إستبرق

واژه <بطائن> ممکن است نظر به این داشته باشد که آنچه در دنیا بهترین به حساب می آید، آن جا کمترین جلوه را دارد; تا حدی که به عنوان آستر و یا مواد درونی پشتی ها مورد استفاده قرار می گیرد.

ویژگیهای جام شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۵ - ۲

۲ - جام می نیکوکاران در آخرت ، سربسته و مهرخورده و محفوظ از هرگونه دخل و تصرف است .

رحیق مختوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۶ - ۱

۱ - معطّر بودن آخرین جرعه ها و مشک انگیز بودن آن ، از ویژگی های باده بهشتی است .

ختمه مسک

<ختـام> به معنـای نهایت و پایان است (مفردات راغب). جمله <ختامه مسک> بیانگر صـفای شـراب بهشتی است; به گونه ای که حتی آخرین قطرات آن نیز نوشـیده می شود وماننـد ته نشـین شـراب دنیایی دور ریخته نخواهد شد; زیرا به خوشـبویی مشک است.

ویژگیهای خرمای

بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۸ – ۲

۲ – خرما و انار ، دارای ویژگی و امتیاز در میان میوه های بهشت

فیهما فکهه و نخل و رمّان

<فاکهه> به مطلق میوه گفته می شود و شامل خرما و انار نیز می گردد. بنابراین ذکر <نخل و رمان> پس از آن، از باب ذکر خاص بعد از عام و نشانگر ویژگی خاص آن دو میوه در میان میوه های بهشتی است.

ویژگیهای خیمه های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۲ – ۵

۵ – < عن الحلبی قال : سألت أباعبداللّه عن قول اللّه عزّوجلّ < . . .حور مقصورات فی الخیام > قال الحور هنّ البیض المضمومات [المضمرات] [المصونات] المخدّرات فی خیام الدرّ و الیاقوت و المرجان . . . ;

حلبی می گوید از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزّوجلّ <. ..حور مقصورات فی الخیام> سؤال نمودم، فرمود: [آن]حوریان همان سفیداندامانی هستند که پرده نشین در خیمه هایی از دُرّ، یاقوت و مرجان می باشند...>.

ویژگیهای درختان بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۸ – ۱

۱ – بهشت ، دارای درختانی با شاخ و برگ هایی شاداب و پرطراوت

ذواتا أفنان

<أفنان> (جمع <فنن>) است و آن به شاخه تر و تازه درخت گفته می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۹ – ۲،۵

۲ – درختان موز در بهشتِ اصحاب الیمین ، پربار و میوه های

آن چیده شده بر روی هم

و طلح منضود

<نضد> به معنای چیدن بر روی هم است <طلح منضود> ;یعنی، درختان موز که میوه های آن بر روی هم چیده شده است.

۵ - درختان روییده در بهشت اصحاب الیمین ، دارای شاخه های چیده شده بر روی هم

و طلح منضود

در صورتی که <طلح> به معنای درخت اقاقیا باشد، <منضود> وصف شاخه های آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۴ - ۲

۲ - بهشت ، دارای درختان پرسایه و نزدیک بر سر بهشتیان

و دانیه علیهم ظللها

<دانیه> از ریشه <دُنُوّ> (قرب و نزدیکی) است و <دانیه علیهم ظلالها>; یعنی، سایه های درختان بهشت، مانند چتر بر سر بهشتیان سایه افکنده است.

ویژگیهای زندگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۱ - ۲

۲ - زندگی در بهشت ، زندگی کاملاً رضایت بخش و دل پسند

فی عیشه راضیه

به قرینه آیه بعد (فی جنّه عالیه) زندگی رضایت بخش، در بهشت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۲ - ۲

۲ - زندگی در بهشت ، برترین زندگی است .

فی عیشه راضیه . فی جنّه عالیه

ویژگیهای شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۳ - ۳

۳ - شراب های بهشت ، مبرا از کمترین پیامد بیهوده گویی و دستیازی به گناه

لا لغو فیها و لاتأثیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۸ - ۴

۴ -

شراب بهشت ، شرابی روان (ناب و خالص)

و کأس من معین

<معین> به معنای جاری است. احتمال می رود توصیف شراب به روان بودن، برای بیان ناب و خالص بودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۹ - ۱

۱ - شراب بهشت ، نه سر درد ایجاد می کند و نه عقل را می رباید .

لایصدّعون عنها و لاینزفون

<یصدّعون> از <صداع> (به معنای سردرد) و <ینزفون> از <نزف> (به معنای از دست دادن عقل) مشتق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۵ - ۱،۲

۱ - مِی آمیخته با کافور ، نوشیدنی ابرار در بهشت

إنّ الأبرار یشربون من کأس کان مزاجها کافورًا

<برّ> و <بارّ> (مفرد <أبرار>)، به کسی گفته می شود که احسان و خیر او، بسیار است (قاموس المحیط) و <کأس> در معنای می و نیز جام می به کار می رود (لسان العرب). <کافور> به گیاه و ماده عطری و خوشبو گفته می شود. (قاموس المحیط)

۲ - مِی بهشت ، معطّر و پیراسته از بوی آزاردهنده

إنّ الأبرار یشربون من کأس کان مزاجها کافورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۶ - ۴

۴ - شراب ابرار در بهشت ، آمیخته با آب چشمه کافور

عینًا یشرب بها عباد اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - ابرار در بهشت ، از میِ آمیخته با زنجبیل پذیرایی خواهند شد .

و یسقون فیها کأسًا کان مزاجها زنجبیلاً

<كأس> در

معنای می و نیز جام به کار می رود. (لسان العرب)

۲ - می بهشت ، معطّر و پیراسته از بوی آزاردهنده

و یسقون فیها کأسًا کان مزاجها زنجبیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۸ - ۲

۲ - شراب ابرار در بهشت ، آمیخته با آب چشمه سلسبیل

زنجبیلًا . عینًا فیها تسمّی سلسبیلًا

<عیناً> بدل برای <زنجبیلًا> در آیه پیش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۶،۷،۹،۱۰

۶ - ابرار در بهشت ، برخوردار از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هرگونه آثار ناگوار (بیهوشی ، غفلت و عقل زدایی)

و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا

<طهور>، صیعه مبالغه و صفت برای <شراباً> است; یعنی، شراب ابرار در نهایت پاگیزگی و خالص از هر گونه آثار ناگوار شراب های دنیا (همچون بیهوشی، غفلت و کم شدن عقل) است.

۷ - بهشتیان ، از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هر گونه آثار ناگوار ، خواهند نوشید .

و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا

۹ - < روی عن الصادق (ع) أنّه قال : فی معناه تعلوهم الثیاب فیلبسونها . . . < و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً > یطهرهم عن کلّ شیء سوی اللّه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره معنای <عالیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق> فرمود: لباس به طرف آنان بالا می رود و آن را می پوشند. .. و درباره <و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً> فرمود: [آن نوشیدنی پاک کننده] آنان را از هر چه غیر خدا است، پاک می کند...>.

عن أبی عبداللّه (ع) قال : قال رسول اللّه (ص) : . . . إذا انتهی إلی باب الجنّه . . . فیدخل فإذا هو بشجره ذات ظلّ ممدود . . . یخرج من ساقها عینان تجریان فینطلق إلی إحدیها فیغتسل منها . . . ثمّ یشرب من الاُخری فلایکن فی بطنه مغص و لامرض و لاداء أبداً و ذلک قوله تعالی < و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً > . . . ;

امام صادق(ع) از رسول خدا(ص) روایت کرده که فرمود: هرگاه [بنده خدا] به در بهشت برسد. .. وارد آن می شود، آن گاه با درختی روبه رو می شود که دارای سایه ای گسترده است ... از ساق آن دو چشمه جاری می شود آن گاه به سوی یکی از آن دو می رود و از آن غسل می کند ... سپس از چشمه دیگر می نوشد، پس از آن برای همیشه در شکم او هیچ درد، مرض و بیماری نمی باشد و این است سخن خدای تعالی: <و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۷

۷ - نوشندگان شراب بهشتی ، منزّه از زبان گشودن به هذیان و دروغ

و کأسًا دهاقًا . لایسمعون فیها لغوًا و لا کذّابًا

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر این نکته است که شراب بهشتی، از نوع شراب های دنیا نیست که بر عقل انسان تأثیر منفی گذاشته، مایه هذیان گویی و لاف زدن گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۵

۱ - نیکوکاران در آخرت ، با گواراترین باده و شرابی ناب ، پذیرایی خواهند شد .

یسقون من رحیق مختوم

<رحیق>، به باده خالص یا گواراترین نوع آن گفته می شود. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۶ - ۲

۲ - صُراح باده بهشتی نیکوکاران ، با مشک لاک و مهر شده است .

ختمه مسک

برخی از اهل لغت، <ختام> را به معنای وسیله ختم و علامت گذاشتن می دانند و می گویند: تنگ شراب را در آخرت، با مشک ممهور می کنند; نه این که مانند صُراح (تنگ شراب) دنیا، آن را با گل و امثال آن سربسته سازند. راغب این معنا را با آیه شریفه مناسب نمی داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۷ - ۱

۱ - باده های بهشتی نیکوکاران ، با شربتی از چشمه < تسنیم > آمیخته است .

و مزاجه من تسنیم

به هر یک از عناصر مخلوط شده با چیز دیگر، <مزاج> گفته می شود. <تسنیم> نام چشمه ای است که مقرّبان در بهشت از آن می نوشند. ممکن است این نام، از ماده <سنم> که به معنای علوّ و ارتفاع است مشتق باشد و بر ارزش والای آن چشمه دلالت کند.

ویژگیهای شراب بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - سپید و درخشان بودن شراب ، برای بندگان مخلص خدا در بهشت

بیضاء

<بیضاء> به اعتبار مظروف (شراب) صفت برای <کأس> (ظرف شراب) است; نه به اعتبار ظرف. توصیف دیگر

آن در آیه بعد به این که مایه دردسر و مستی نمی شود، مؤید همین مطلب است.

۲ - لذت بخش و گوارا بودن شراب بهشتی برای نوشندگان آن

لذّه للشربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۷ - ۱،۲

۱ - شراب بهشتیان ، از هرگونه ضرر و زیان و پی آمد ناگوار ، به دور و خالص است .

لا فیها غول

<غول> به معنای فساد و آسیبی مخفی است که دیده و حس نشود. مقصود از آن در آیه شریفه، پی آمدهای ناگوار و ضرر و زیانی است که در همه شراب های دنیایی وجود دارد.

۲ - شراب بهشتیان ، مستی آور و عقل و هوش برنده نیست .

و لا هم عنها ینزفون

کلمه <ینزفون>، به معنای <یسکرون> است.

ویژگیهای ظروف بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۳

۳ - ظرف ها و جام های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در هندسه و اندازه های بسیار دقیق است .

قدّروها تقدیرًا

نصب <تقدیراً>به جهت مفعول مطلق بودن آن برای فعل <قدّروا> است و این در حقیقت تأکیدی برای مفاد آن فعل است.

ویژگیهای غذاهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۲ – ۲

۲ – کاستی نیافتن میوه ها و غذا های بهشتی ، با بهرهوری اهل بهشت

و أمددنهم بفکهه و لحم ممّا یشتهون

<مدّ> (ریشه <أمددنا>) به معنای جریان داشتن است. بنابراین در معنای <امداد> پیوستگی و استمرار نهفته است.

ویژگیهای کاخهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۸

۸ - کاخ ها و بنا های تقواپیشگان در بهشت ، دارای نهرهایی است جاری در پایین آنها .

غرف مبنّیه تجری من تحتها الأنهر

ویژگیهای میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۱۰،۱۱

۱۰ - میوه ها و روزی های بهشت به نوعی ، همسان و مشابه یکدیگرند .

کلما رزقوا منها من ثمره رزقاً . .. وأتوا به متشبها

ضمیر در <به> به <رزقاً> بر می گردد و <متشابهاً> به معنای همسان است و حال برای این ضمیر می باشد; یعنی، و روزیهای بهشتی را به حضور مؤمنان می آورند در حالی که همسان یکدیگرند. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <أتوا به ...> مستأنفه بیانیه باشد.

۱۱ - هرگاه میوه ای از درختان بهشت چیده شود ، میوه ای همانند آن بر آن درختان نمایان می شود .

کلما رزقوا منها من ثمره رزقاً قالوا هذا . .. وأتوا به متشبها

برداشت فوق مبتنی بر این است که: جمله <أتوا به . ..> عطف بر <قالوا ...> باشد که در نتیجه <أتوا به ....> جواب شرط (کلما رزقوا ...) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۲ - ۲

۲ - کاستی نیافتن میوه ها و غذا های بهشتی ، با بهرهوری اهل بهشت

و أمددنهم بفکهه و لحم ممّا یشتهون

<مدّ> (ریشه <أمددنا>) به معنای جریان داشتن است. بنابراین در معنای <امداد> پیوستگی و استمرار نهفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸

- واقعه - ۵۶ - ۳۳ - ۱

۱ - وجود میوه های فراوان در بهشت اصحاب الیمین ، همیشگی است ; نه فصلی و مقطعی

و فکهه کثیره . لامقطوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۳ - ۱

۱ - میوه های بوستان های بهشتی ، نزدیک و در دسترس بهشتیان است .

قطوفها دانیه

<قِطْف> (مفرد <قطوف>) در معنای میوه چیده شده و نیز میوه آماده چیدن به کار می رود. (لسان العرب)

ویژگیهای نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - میوه ها و روزی های بهشت به نوعی ، همسان و مشابه یکدیگرند .

کلما رزقوا منها من ثمره رزقاً . .. وأتوا به متشبها

ضمیر در <به> به <رزقاً> بر می گردد و <متشابهاً> به معنای همسان است و حال برای این ضمیر می باشد; یعنی، و روزیهای بهشتی را به حضور مؤمنان می آورند در حالی که همسان یکدیگرند. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <أتوا به ...> مستأنفه بیانیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۱ - ۸

۸ نعمتِ سرشارِ باغ ها و بوستان های بهشت ، جاودان و زوال ناپذیر است .

جنت لهم فیها نعیم مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۷

۷ بهشت دارای مراتب ، و پاداش های اخروی ، دارای گونه های متکامل

جنت تجری . .. جنت عدن و رضون من اللّه أکبر

در برداشت

فوق، از تمایز <جنات تجری> و <جنات عدن> از یکدیگر مراتب بهشت، و از <رضوان من اللّه أکبر> تفاوت کمالی نعمتهای آن استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۹

۹- بهشت ، مکانی بس آسایش آفرین ، و نعمت های آن ، پاداشی بس نیک برای مؤمنان است .

نعم الثّواب و حسنت مرتفقًا

<مرتفق> اسم مکان به معنای <متکا> (تکیگاه) است و چون هنگام استراحت، نوعاً، مرفق خود را روی زمین می گذارند، به محل استراحت و لمیدن <مرتفق> گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۹

۹- نعمت های بهشتی ، خالی از نقص و بهرهوری از آن به دور از هر گونه رنج و ملال

ماء غیر ءاسن . .. لبن لم یتغیّر طعمه ... خمر لذّه للشربین و أنهر من عسل مصفًّی

تعابیر <غیر آسن>، <لم یتغیّر طعمه>، <لذّه للشاربین> و <مصفّی> بیانگر بدبو و بدطعم نشدن، رنج آور نبودن و ملال نیاوردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۵ - ۳

۳ - لذت ها و نعمت های بهشتی ، پایدار و جاودان است ; نه چون نعمت های دنیا زوال پذیر .

فی جنّت و نهر . فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر

در صورتی که عبارت <فی مقعد صدق>، در بیان اوصاف همان استقرار در باغ ها و نهرها باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۸ – ۲

– ۲

نعمت های بهشت ، دارای تنوع و گوناگونی فراوان

ذواتا أفنان

<أفنـان> می توانـد جمع <فـانّ> به معنـای انواع باشـد. در این صورت <أفنـان>، اشاره به گوناگونی نعمت های بهشت و تنوع آن خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۴ - ۲

۲ - زیبایی ها و ارزش های بهشت ، در عالی ترین حد ، بدون کمترین نقص و کاستی

مدهامّتان

بـا الغـای خصوصـیت از مـورد، اسـتفاده می شـود که نعمت هـای بهشت به صـورت نـاب وجـود دارد;ماننـد برگ هـای سـبز درختانش که در آن زردی و خزان زدگی مشهود نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۷

۷ - نعمت های اعطایی خداوند به بهشتیان ، تأمین کننده تمام خواسته های ایشان است .

حسابًا

<حساباً> اسم مصـدر برای <إحسـاب> است و <أحسب>; یعنی، عطـا را افزایش داد تا حـدی که دریافت کننـده گفت: <حسـبی> ;یعنی، مرا کـافی است (تـاج العروس) و ممکن است <حسابـاً> مصـدر و به معنـای محاسـبه کردن باشـد. در هر صورت به دلیل صـفت بودن آن برای <عطاء>، معنای مصدری ندارد; بلکه به معنای <مُحْسَب> (کافی) و یا <محسوب> (شمرده شده) است. در برداشت یاد شده، معنای اول مورد نظر است.

ویژگیهای ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۲

۲ - نبودن کم ترین سختی و ملالت برای تقواپیشگان ، در انتقال از صحنه قیامت به باغ های بهشت

ادخلوها بسلم

ویژگیهای ورود مؤمنان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷

- فتح - ۴۸ - ۵ - ۹

۹ - ورود مؤمنان به بهشت جاودان ، همراه با تکریم و اجلال از سوی خداوند *

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت

فعل متعدّی <یدخل> و اسناد آن به خداوند، می تواند دربردارنده احتمال بالا باشد.

ویژگیهای همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۱،۲،۳،۶،۷

۱ - تقواپیشگان در بهشت ، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهرانشان چشم ندوخته و نظر نمی افکنند .

إنّ للمتّقین لحسن مئاب . .. و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <قاصرات الطرف> (چشم فروهشتگان) زنانی اند که چشم از دیگران برمی گیرند و تنها به همسران خود می نگرند. این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسرانشان باشد.

۲ - تقواپیشگان در بهشت ، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که مراد از <قاصرات الطرف>، کوتاه کردن از نگاه و فروهشتن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهشتن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

۳ - تقواپیشگان در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <طرف> مربوط به غیر زنان بهشتی باشد; یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را، به خود مشغول می دارند.

۶ - هم سن و سال بودن زنان اهل بهشت

و عندهم . .. أتراب

<تِرْب> (مفرد <أتراب>) اسم برای کسی است که عمر و سن و سالش در مقایسه با دیگری مساوی

و برابر باشد.

۷ - زنان بهشتی ، با همسرانشان هم سن و سال اند .

و عندهم . .. أتراب

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که هم سن و سال بودن زنان بهشتی، ممکن است در مقایسه با همسران آنان سنجیده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۴

۴- همسران بهشتی تقواپیشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء>)؛ یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>)؛ یعنی، زنان فراخ چشم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۲ - ۲

۲ - پیشتازان در بهشت ، دارای همسرانی با چشم های سیاه و زیبا

و حور عین

<حور> جمع <حوراء> است و <حوراء> به چشمی گفته می شود که سیاهی آن بسیار سیاه و سفیدی آن بسیار سفید باشد. <عین> جمع <عیناء> است و <عیناء> در وصف چشم زیبا آورده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۳

۳ - زنان بهشتی ، همواره در اوج کام دادن به همسران خویش

فجعلنهنّ أبکارًا

از این که زنـان بهشتی همواره دوشـیزه میماننـد، گویـای آن است که آنان برخلاف زنان دنیایی هموارهماننـد شب زفاف به همسران خود کام می دهند.

همانند نعمتهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۵ – ۱۰

۱۰ – میوه ها

و روزی های بهشت به نوعی ، همسان و مشابه یکدیگرند .

کلما رزقوا منها من ثمره رزقاً . .. وأتوا به متشبها

ضمیر در <بـه> به <رزقـاً> بر می گردد و <متشابهـاً> به معنـای همسـان است و حـال برای این ضـمیر می باشـد; یعنی، و روزیهـای بهشتی را به حضور مؤمنـان می آورنـد در حـالی که همسان یکدیگرنـد. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <أتوا به ...> مستأنفه بیانیه باشد.

همانندی میوه های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۵ – ۱۰،۱۱

۱۰ – میوه ها و روزی های بهشت به نوعی ، همسان و مشابه یکدیگرند .

کلما رزقوا منها من ثمره رزقاً . .. وأتوا به متشبها

ضمیر در <بـه> به <رزقـاً> بر می گردد و <متشابهـاً> به معنـای همسـان است و حـال برای این ضـمیر می باشـد; یعنی، و روزیهـای بهشتی را به حضور مؤمنـان می آورنـد در حـالی که همسان یکدیگرنـد. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <أتوا به ...> مستأنفه بیانیه باشد.

۱۱ – هرگاه میوه ای از درختان بهشت چیده شود ، میوه ای همانند آن بر آن درختان نمایان می شود .

کلما رزقوا منها من ثمره رزقاً قالوا هذا . .. وأتوا به متشبها

برداشت فوق مبتنی بر این است که: جمله <أتوا به . ..> عطف بر <قالوا ...> باشد که در نتیجه <أتوا به ....> جواب شـرط (کلما رزقوا ...) خواهد بود.

همسران بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۵ – ۳،۴،۱۴

لذّت های اُخروی (باغ های بهشتی و رضایت خدا و زنان پاکیزه) ، برتر از خوشی ها و امکانات دنیا

بخیر من ذلکم . .. جنات ... و ازواج مطهره و رضوان من اللّه

۴ بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی ، پاداش تضمین شده از جانب خداوند ، برای تقواپیشگان

للّذین اتقوا . .. جنات ... خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من اللّه

۱۴ پاکیزگی و پاکدامنی همسران بهشتی

و ازواج مطهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۶،۱۱

۶ همسران اهل بهشت ، همواره پاکیزه و منزه از هر گونه آلودگی

و الذین امنوا . .. لهم فیها ازواج مطهّره

<مطهّر> به کسی گفته می شود که از نظر جسمی و روحی پاک و منزه باشد.

۱۱ همسران بهشتیان ، پاکیزه از آلودگی به حیض و حدث

لهم فیها ازواج مطهّره

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: الازواج المطهّره اللاّتی لا یحضن و لا یحدثن.

من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۰، ح ۴، باب ۲۰، مسلسل ۱۹۵ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۱،۳

۱ - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلك خیر نزلاً أم شجره الزقّوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن

زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

۳ - انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلَص خدا

إلّا عباد اللّه المخلصین . .. فی جنّت النعیم ... و عندهم قصرت الطرف ... أذلک خ

<نزل> به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۴

۴ - < فی جوامع الجامع ، < إنّا أنشأناهنّ إنشاءً > و عن النبی (ص) قال لاُمّ سلمه هنّ اللّواتی قبضن فی دار الدنیا عجایز شمطاء جعلهنّ اللّه بعد الکبر أتراباً علی میلاد واحد . . . ;

در جوامع الجامع [بعد از آیه] <إنّا أنشأناهنّ إنشاءً> از نبیّ اکرم(ص) روایت شده که به ام سلمه فرمود: آنان زنانی اند که در حال پیری با موهای سفید از دنیا رفتند و خداوند آنان را بعد از پیری [جوان و تازه] و همانند و هم سن و سال قرار می دهد>.

همسران مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۴۸،۱۴

۴ - بهره مندی پدران ، همسران و فرزندان صالح از بوستان های ماندنی بهشت ، در سایه لطف الهی به مؤمنان تائب و پیرو دین

و أدخلهم جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته

است که خداوند تنها به مؤمنان تائب و اهل عمل، وعده بهشت داده; ولی در عین حال فرموده است: پدران، همسران و فرزندان ایشان نیز در صورت صالح بودنشان وارد بهشت خواهند شد. یادآوری اینان در ردیف مؤمنان تائب که وعده بهشت تنها به آنان اختصاص دارد می تواند نوعی پاداش به ایشان و لطف الهی در حق آنان باشد.

۸ - بودن پدران ، همسران و فرزندان در بهشت ، از الطاف الهی در حق مؤمنان تائب و پیروان دین

و أدخلهم جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

یاد کردن مسأله بودن پدران و. .. در بهشت در کنار مؤمنان تائب، در عین آن که آنان از نظر مقام و کمال در حدی نیستند که مانند مؤمنان باشند (هرچند صلاحیت عمومی ورود به آن جا را دارند)، می تواند بیانگر اظهار لطف الهی به مؤمنان تائب باشد; زیرا وجود این افراد در کنار انسان، خود نعمتی بزرگ است.

۱۴ - عزت و حکمت بی مانند خداوند ، مقتضی دل بستن و امید داشتن به ورود مؤمنان تائب و پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بهشت جاویدان

ربّنا و أدخلهم جنّت . .. إنّک أنت العزیز الحکیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّک أنت العزیز الحکیم> تعلیل برای جمله های پیشین است.

همسنی همسران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۶،۷

۶ - هم سن و سال بودن زنان اهل بهشت

و عندهم . .. أتراب

<تِرْب> (مفرد <أتراب>) اسم برای کسی است که عمر

و سن و سالش در مقایسه با دیگری مساوی و برابر باشد.

۷ – زنان بهشتی ، با همسرانشان هم سن و سال اند .

و عندهم . .. أتراب

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که هم سن و سال بودن زنان بهشتی، ممکن است در مقایسه با همسران آنان سنجیده شده باشد.

همنشینان بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۷ – ۳

۳ – < عن نعمان بن بشیر سمعت رسول اللّه (ص) یقول : < و إذا النفوس زوّجت > قال : هما الرجلان یعملان العمل ، یدخلان الجنّه و النار ;

از نعمان بن بشیر روایت شده که گفت: از رسول خدا(ص) شنیدم که این آیه را قرائت می فرمود: <و إذا النفوس زوّجت> و فرمود: آنان دو مردی هستند که هر دو یک عمل را انجام می دهند و همراه هم داخل بهشت یا جهنم می شوند>.

همنشینان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۹ – ۶،۹

۶ پیروان خدا و رسول (ص) ، از همنشینان بهشتی پیامبران ، صدّیقان ، شاهدان و صالحان خواهند بود .

و من یطع اللّه . .. فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم من النبیّین ... و الصّالحین

چون مصاحبت و همنشینی با پیامبران برای همه پیروان آنان در دنیا تحقق نمی یابد، بنابراین زمان آن، آخرت و مکانش بهشت است.

۹ همنشینی و مصاحبت با پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، از نعمت های الهی در بهشت

فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم

از

اینکه همنشینی با پیامبران و . .. پاداشی برای پیروان خدا و رسول (ص) شمرده شده است، برداشت فوق به دست می آید.

همنشینان مخلصان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۳۰ – ۲

۲ – بندگان خالص خداوند و هم نشینان آنان ، در بهشت برین جای داده خواهند شد .

فی عبدی . و ادخلی جنّتی

هوای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۷ – ۵

۵ بهشت مؤمنانِ دارای اعمال صالح ، جاودانه ، دارای نهر های جاری و سایه های پیوسته (هوای مطبوع و ملایم)

انّ الّذین امنوا و عملوا الصّالحات . .. و ندخلهم ظلا ظلیلا

<ظلّ> به معنای سایه و <ظلیلا> تأکید آن و ظاهراً کنایه از مطبوعیت هوای بهشت است.

هوای مطبوع بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۵ – ۵،۶

۵ بهشت دربردارنده میوه و خوراکی و دارای هوایی مطبوع است .

أُکلها دائم و ظلّها

<أُکل> به معنای میوه و ثمره است و گاهی به مطلق خوراکی نیز اطلاق می شود. <ظلّ> به معنای سایه و در آیه شریفه کنایه از خوش آب و هوا بودن است.

۶ میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أَكلها دائم و ظلّها

<ظلّها> مبتداست و خبر آن (دائم) در تقدير است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۰ - ۲

۲ - اصحاب اليمين ، همواره در هواى مطبوع بهشت قرار داشته

و از گزند گرمای خورشید در امان خواهند بود .

و ظلّ ممدود

<ظلّ> عطف بر <سدر> و خبر برای مبتدای محذوف است. تقدیر آن <و هم فی ظلّ ممدود> می باشد. گفتنی است که تعبیر بالا، کنایه از مطبوع بودن هوای بهشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۳ – ۳،۴

۳ – ابرار در بهشت ، آسوده از گرما و سرمای آزاردهنده و برخوردار از هوای مطبوع و معتدل در بهشت

لایرون فیها شمسًا و لازمهریرًا

<زمهریر>به معنای سرمای شدید است. مقصود از ندیدن خورشید و سرما، روبه رو نشدن با گرما و سرمای آزاردهنده و برخورداری از هوای مطبوع و معتدل است.

۴ – بهشت ، دارای هوایی لطیف ، مطبوع و معتدل

جنّه . .. لایرون فیها شمسًا و لازمهریرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۲ – ۲

۲ – تخت های مزیّن در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متّکئین فیها علی الأرائک . .. و ذلّلت قطوفها... یسقون فیها کأسًا ... یطوف علیهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در <لکم>، می تواند برای اختصاص باشد.

یهود و بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۴ – ۴،۷،۱۲

۴ - یهودیان ، اختصاص یافتن بهشت را به قوم یهود ، حکم و تقدیری الهی می شمرند .

إن کانت لکم الدار الأخره عند اللّه

<عند اللّه> متعلق به

<کانت> است و مفادش این است که ثبوت آخرت برای یهود در نزد خداست; یعنی، او این معنا را پذیرفته، تحقق بخشیده و مقرر ساخته است.

۷ - ادعای یهودیان (یقین به بهشتی بودن) آن گاه صادقانه و برخاسته از باور آنان است که تمنای مرگ کرده و از آن استقبال کنند .

قل إن کانت لکم الدار الأخره . .. فتمنوا الموت

۱۲ - یهود ، بر خلاف ادعایشان ، به بهشتی بودن خویش اطمینان نداشتند .

فتمنوا الموت إن کنتم صدقین

جمله <إن کنتم صادقین> اشاره به دروغ گویی یهود دارد; یعنی، آنان خود می دانند که ادعایشان واقعیت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۷

۷ - یهودیان خود نیز بر بی پایه بودن ادعایشان (تقدیر بهشت برای آنان) واقفند .

إن کانت لکم الدار الأخره . .. و لتجدنهم أحرص الناس

جمله های <لتجدنهم . ..> و <یود أحدهم ...> را می توان ناظر به ادعای یهود (إن کانت ... در آیه ۹۴) دانست; یعنی، شما یهودیان از یکسو مدعی هستید که سرای آخرت از آن شماست و از سوی دیگر آرزوی ماندگار شدن در حیات دنیا را دارید، این نشان می دهد که خود شما نیز آن ادعا را باور ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱،۲،۴،۸،۱۰

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) ، تنها خویشتن را سزاوار بهشت دانسته و دیگران را از آن ، محروم می پندارند .

و قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری

ضمیر

در <قالوا> به <اهل الکتاب> (در آیه ۱۰۹) باز می گردد.

۲ - یهودیان ، بهشت را مخصوص یهود و دیگران را از آن محروم می دانند .

و قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً

آیه ۱۱۳، بیانگر آن است که هر یک از یهود و نصارا دیگری را اهل نجات نمی دانند. بنابراین به اصطلاح اهل ادب، در آیه مورد بحث <لفّ اجمالی> وجود دارد و حرف <أو> نیز برای تفصیل است; یعنی، جمله <قالوا لن ...> حاکی از دو جمله است: ۱ قالت الیهود: < لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً>. ۲ و قالت النصاری: < لن یدخل الجنه إلا من کان نصری>.

۴ - اتفاق نظر یهود و نصارا ، بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری

هدف از اینکه قرآن، پندار نصارا و یهود را به صورت <لفّ اجمالی> بیان کرده، رساندن این معناست که: مقصود اصلی یهود و نصارا در طرح آن ادعا، بیان محرومیت مسلمانان از بهشت است.

۸ - یهود و نصارا هیچ برهانی بر ادعای خویش (اختصاص بهشت به خویشتن و محرومیت مسلمان از آن) ندارند .

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

<هات> (مفرد هاتوا) اسم فعل و به معنای عطا کن است. بنابراین <هاتوا برهانکم) یعنی، برهانتان را ارائه کنید.

۱۰ - پیامبر (ص) ، موظف به مطالبه برهان از یهود و نصارا بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

بهشتیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۳،۱۶

۳ - بهشت و نعمت های آن

، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (ص) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذین ءامنوا . .. أن لهم جنت تجری من تحت الأنهر

متعلق <آمنوا> به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر(ص) است.

۱۶ - سلیم گوید : < قلت] لعلیّ بن ابی طالب (ع) [: . . . فمن لقی اللّه عارفاً بامامه مطیعاً له من اهل الجنه هو ؟ قال : نعم إذا لقی اللّه و هو مؤمن من الذین قال اللّه عز و جل : < الذین آمنوا و عملوا الصالحات > . . . ;

به علی (ع) عرض کردم آیا کسی که خدا را ملاقات بکند در حالی که امام خود را شناخته و او را اطاعت کرده باشد، اهل بهشت است؟ فرمود: آری، هر کس خدا را ملاقات کند در حالی که مؤمن باشد جزو کسانی است که خداوند فرموده: <ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۲

۲ - پاداش های الهی (بهشت) از آن کسانی است که با تمام وجود تسلیم خدا شده و از سر اخلاص کار های نیک انجام دهند .

من أسلم وجهه للّه و هو محسن فله أجره عند ربه

از مصادیق <أجر> - به دلیل آیه قبل - <بهشت> است. <وجه> به معنای صورت است و مراد از آن در آیه شریفه، وجود و ذات آدمی است. <محسن> به کسی گفته می شود که کار نیک انجام دهد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۴ – ۱

۱ بهشت ، از آنِ کسانی است که در مقابل آزمایش های الهی شکیبا باشند .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۲ – ۳،۵

۳ خداوند ، وارد کننده مؤمنان دارای اعمال صالح به بهشت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سندخلهم جنت

۵ مؤمنان دارای اعمال صالح ، در بهشت ، جاودان و پاینده اند .

و الذین ءامنوا . .. سندخلهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها ابداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۹ – ۱۰

۱۰ حضرت مسیح (ع) ، همواره خشنود از خداوند و از زمره جلب کنندگان رضایت الهی و اهل بهشت است .

قال اللّه هذا یوم ینفع الصدقین . .. رضی اللّه عنهم و رضوا عنه

از مصادیق مورد نظر برای این آیه به قرینه آیات گذشته حضرت مسیح(ع) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۲ – ۲،۶

۲ مؤمنان هجرت کننده و مجاهد ، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت ، در سرای بهشت

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. و جنت لهم فیها نعیم مقیم. خلدین فیها أبداً

۶ مؤمنـان مهـاجر و مجاهـد ، علاوه بر بهره منـدی از رحمـت و رضـوان الهی و بهشـت ، از پاداشـی ویژه و بزرگ در پیشـگاه

خداوند برخوردارند .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. و جنت ... إن اللّه

عنده أجر عظيم

قرار گرفتن جمله <إن اللّه عنده أجر عظيم> كه داراى معنانى عام و كلى است پس از ذكر پاداشهاى گوناگون مؤمنانِ مهاجر و مجاهد، مى تواند گوياى برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۱

۱ باغ ها و نهر هاى روان و زندگى جاودان ، مهيّا شده از جانب خدا براى پيامبر (ص) و مؤمنان مجاهد

أعد اللّه لهم جنت تجرى من تحتها الأنهر خلدين فيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ بشارت خداوند به مهاجران و انصار و تابعان نيك كردار ، به مهيّا بودن بهشت براى آنان

أعد لهم جنت تجرى تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۶،۱۸

۱۶ تضمين قطعى بهشت از سوى خداوند ، براى مجاهدان رزمنده اى كه سرانجام به شهادت مى رسند . *

فيقتلون و يقتلون

برداشت فوق بدين احتمال است كه <و يقتلون> قيد باشد ; يعنى، صرفاً كشتن دشمنان خدا تضمين كننده بهشت نيست و به حساب معامله با خدا گذاشته نمى شود ; بلكه كشتن و نهايتا كشته شدن، معامله با خداست.

۱۸ پاداش بهشت براى مجاهدان و شهيدان ، وعده حتمى خداوند در تورات ، انجيل و قرآن

وعداً عليه حقاً فى التوريه و الإنجيل و القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱۹

۱۹ بهشت ، مژدگانی مؤمنان راستین

إن اللّه اشترى من المؤمنين . ..

بأن لهم الجنه ... و بشّر المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹ – ۱

۱ بهشت ، جایگاه ابدی مؤمنان نیک کردار

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. فی جنت النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۶ – ۶

۶ نیکوکاران ، اهل بهشتند .

للذین أحسنوا . .. أولئک أصحب الجنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجرکبیر> بهشت و موهبتهای اخروی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۸ – ۱

۱ بهشت ، جایگاه سعادتمندان صحنه قیامت است .

و أما الذین سعدوا ففی الجنه خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۸ – ۵

۵ بهشت ، جایگاه اجابت کنندگان دعوت خداوند است .

للذین استجابوا لربهم الحسنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۳ – ۲،۷

۲ بهشت عـدن ، پاداش وفا کردن به پیمان های الهی ، نشکسـتن عهـد ها و برقرار کردن پیونـدهایی که خدا به برقراری آن امر کرده است .

الذین یوفون بعهد الله . .. أُولئك لهم عقبی الدار. جنّت عدن

۷ بهشت جایگاه صالحان است .

و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۶

۶ عاقبت و فرجام حیات دنیا (بهشت) برای صبرپیشگان بر طاعت خدا عاقبتی خوش و نیکوست .

فنعم عقبی الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۱،۲،۸

۱ بهشت ، وعده و نوید خداوند به تقواپیشگان

مثل الجنه التی وعد المتقون

۲ آنان که از شرک بپرهیزند و از استهزای پیامبران و از کفر به ایشان حذر کنند ، به بهشت خواهند رفت .

مثل الجنه التی وعد المتقون . .. تلک عقبی الذین اتقوا

مقصود اولی از <متقون> و <الذین اتقوا> به قرینه آیات گذشته کسانی اند که از شرک ، استهزای پیامبران و کفر به آنان حذر کنند.

۸ بهشت فرجام تقواپیشگان است .

تلک عقبی الذین اتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۱،۳

۱- مؤمنان دارای عمل صالح قطعاً وارد بهشت می شوند و در آن جاودانه خواهند بود .

و أُدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . .. خلدین فیها

۳- بهشت جایگاه مؤمنان و پوشیده از درختان انبوه است .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنات> به جایی گفته می شود که مملو از درخت باشد، به گونه ای که زمین را با درختان خود بپوشاند. جمع آورده شدن <جنات> هم می تواند مؤید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۵ - ۱

۱- جایگاه تقواپیشگان ، باغ ها و چشمه سار های بهشت است .

إن المتقین فی جنّت و عیون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۶ - ۱

۱- دعوت از تقواپیشگان برای ورود به بهشت ، همراه با سلامت و امنیت کامل و به دور از هرگونه رنج ، درد ، ناخوشی و ناامنی است .

إن المتقین فی جنّت و عیون

<باء> در <بسلام> در معنای <مصاحبت> به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۱۴

۱۴- تقواپیشگان ، با میل و رغبت وارد بهشت می شوند .

المتّقین. جنّت عدن یدخلونها ... یقولون سلم علیکم ادخلوا الجنّه

استعمال فعل <یدخلون> و نیز امر <ادخلوا> همراه با <سلام علیکم> برای ورود متقین به بهشت، در برابر (ادخلوا جهنم) که فرمانی است به کافران برای ورود به جهنم با یادآوری بد بودن آن، مفید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۷ - ۱

۱- بوستان های فردوس ، منزل گاهی تضمین شده برای نیک کردارانِ مؤمنِ به آیات الهی و قیامت است .

إنّ الذین ءامنوا . .. نزلاً

متعلق ایمان در <آمنوا> به قرینه آیات قبل که درباره کفر به آیات و لقای پروردگار بود ایمان به آیات و قیامت است. <فردوس> یعنی <وادی سرسبز>. برخی از زبان شناسان، آن را کلمه ای رومی می دانند که به زبان عرب وارد شده است (تاج العروس) کلمه <نزل> در معانی <منزل> و <وسایل پذیرایی> و... استعمال می شود. برداشت یاد شده، براساس معنای نخست است. فعل ماضی (کانت) درباره حوادث آینده، بر وقوع حتمی و تضمین شده آن حوادث دلالت دارد.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۱ – ۳

۳- بهشت های عدن ، جایگاه توبه کنندگان مؤمن و دارای عمل صالح

فأُولئک یدخلون الجنّه . .. جنّت عدن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۸ – ۴

۴ – تضمین بهشت از سوی خدا ، برای آن دسته از مهاجران صدراسلام که تا آن زمان (زمان نزول آیه فوق) با مرگ طبیعی از دنیا رفته و یا به دست دشمن کشته شده بودند .

و الذین هاجروا فی سبیل اللّه ثمّ . .. لیرزقنّهم اللّه رزقًا حسنًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۸ – ۱،۲

۱ – بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنانِ دارای اعمال صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. لهم جنّت النعیم

۲ – مؤمنان به آیات خدا و انجام دهندگان عمل صالح ، جایگاه شان بهشت است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت النعیم

به قرینه مقابله با آیه قبل، متعلق <آمنوا> در این آیه کسانی اند که به آیات الهی ایمان آورده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۰ – ۱

۱ – باغ های جاویدان بهشت ، فرجام تقواپیشگان

و إنّ للمتّقین لحسن مئاب . جنّت عدن

<جنّات> (جمع <جنّه>) به معنـای باغ ها و <عـدن> به معنای خلود و اسـتقرار است و جمله <جنّات عـدن> عطف بیان برای <لحسن مئاب> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ -

۱ – تقواپیشگان ، پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به سوی بهشت هدایت خواهند شد .

و وضع الکتب . .. و قضی بینهم بالحقّ ... و سیق الذین اتّقوا ربّهم إلی الجنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۰ – ۳

۳ – زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذکر أو أُنثی و هو مؤمن فأُولئک یدخلون الجنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۷ – ۲۲،۲۳

۲۲ – تقسیم انسان ها در قیامت ، به دو گروه بهشتی و دوزخی

فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر

۲۳ – در قیامت جز ورود به جهنم و یا بهشت ، سرنوشت دیگری در انتظار انسان نخواهد بود .

فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۶ – ۶

۶– خردمندان روی آورده به خدا ، با روحیه شکر ، توبه و تسلیم ، در زمره بهشتیان

و بلغ أربعین سنه قال ربّ أوزعنی . .. إنّی تبت ... نتجاوز عن سیّئاتهم فی أصحب ال

مرجع ضمیر <سیّئاتهم> کسانی است که به سن رشد و کمال رسیده و به نیایش پرداخته و بر توبه و تسلیم خویش تأکید میورزند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۲ – ۲

۲ – بهشت ، از آن همه تائبان خداجوی و پاسدار ارزش ها و وظایف دینی

هذا ما توعدون لکلّ أوّاب حفیظ

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۱،۴

۱ - بهشت ، از آن بیم دارندگان از خداوند در نهان

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . .. من خشی الرحمن بالغیب

بنابراین که <بالغیب> متعلق به <خشی> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۴ - بهشت پاداش آنان که با وجود محسوس نبودن خداوند ، همه جا وی را در نظر داشته و از او بیم دارند .

من خشی الرحمن بالغیب

بنابر این که <بالغیب> وصف برای <رحمان> باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۴

۴ - < عن الزهری قال : سمعت علی بن الحسین (ع) یقول : . . . < إذا وقعت الواقعه > یعنی القیامه لیس لوقعتها کاذبه . < خافضه > خفضت و اللّه بأعداء اللّه إلی النار < رافعه > رفعت و اللّه أولیاء اللّه إلی الجنّه . . . ;

زهری گوید: از امام سجاد(ع) شنیدم که با استناد به آیه <إذا وقعت الواقعه> می فرمود: . ..یعنی، هرگاه قیامت واقع شود، که در وقوع آن دروغ راه ندارد. [قیامت] <خافضه> است; به خداوند سوگند! دشمنان خدا را به زیر می کشد و به سوی جهنم [روانه می کند] و <رافعه> است; به خدا سوگند اولیای خدا را بالا می برد و به سوی بهشت [هدایت می کند]...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - بهشت ، سرای اخروی سابقون (پیشتازان)

و السبقون . .. فی جنّت النعیم

۲ - هر یک

از سابقون (پیشتازان) برخوردار از بهشت های متعدد

و السبقون . .. فی جنّت النعیم

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <فی جنّات النعیم> به تقدیر <کل واحد منهم فی جنّات النعیم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - بهشت ، برای کسانی آماده شده است که به خداوند و پیامبران او ایمان دارند .

أُعدّت للذین ءامنوا باللّه و رسله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۰ - ۳،۴

۳ - تقواپیشگان مراقبِ اعمال خویش ، اهل بهشت اند .

اتّقوا اللّه و لتنظر نفس ما قدّمت لغد . .. لایستوی أصحب النار و أصحب الجنّه

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر برداشت یاد شده است.

۴ - بهشتیان ، همان رستگاران راستین اند .

أصحب الجنّه هم الفائزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۲

۲ - بهشت ، جایگاه انسان های پاک و تطهیرشدگان از گناه

یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّت

ذکر جمله <یغفر لکم. ..> پیش از <یدخلکم جنّات>، بیانگر مطالب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵ - ۱

۱ - مؤمنان و مسلمانان راستین ، بهره مند از بوستان های بهشتی

إلّا المصلّین . .. أُولئک فی جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۰ - ۲

۲ - اصحاب الیمین در بهشت ، به گفتوگو و پرسوجو از یک دیگر خواهند پرداخت .

یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۱ – ۱

۱ – جایگاه تقواپیشگان ، در سایه ها و چشمه سار های بهشت است .

إنّ المتّقین فی ظلل و عیون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۱ – ۱

۱ – تقواپیشگان در آخرت ، اهل بهشت ، سعادتمند و رهیده از عذاب اند .

إنّ للمتّقین مفازًا

<مفاز> (مانند <فوز> و <مفازه>) مصدر و به معنای دستیابی به خیر و رهایی از شرّ است (لسان العرب). هم چنین ممکن است اسم مکان و کنایه از بهشت نیز باشد که مکان رستگاری و سعادت است. آیات بعد که بیان <مفازاً> است و از بوستان ها و دیگر لذت های بهشتی سخن می گوید – این احتمال را تقویت می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۱ – ۴

۴ – مؤمنانی که زیر شکنجه کافران جان دادند و در آتش آنان سوختند ، مالک بوستان های بهشت خواهند شد .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۳۰ – ۱،۲

۱ – خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنّتی

اضافه <جنّه> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر

اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد

خواهند شد.

۲ - بندگان خالص خداوند و هم نشینان آنان ، در بهشت برین جای داده خواهند شد .

فی عبدی . و ادخلی جنّتی

آثار اراده بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ - اراده و خواست مؤمنان بهشتی ، مؤثر در پدید آمدن نعمت ها و خواسته های آنان

لهم ما یشاءون عند ربّهم

آثار تبیین مکان بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۶ - ۴

۴- نمایاندن جایگاه بهشتیان به آنان ، زداینده نگرانی ها از خاطر ایشان *

و یصلح بالهم . .. عرّفها لهم

ارتباط <یصلح بالهم> با <عرّفها لهم> ممکن است این گونه باشد که خداوند، با شناساندن جایگاه بهشتیان به آنان پس از شهادتشان، به همه نگرانی های آنان پایان داده و قلبشان را آرامش بخشیده و امورشان را اصلاح کرده باشد.

آرامش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۶ - ۲

۲- بهشتیان ، فارغ از دغدغه مرگ و از دست دادن نعمت ها

لایذوقون فیها الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۵ - ۲

۲ - بهشت ، اقامتگاه نهایی و محلی راحت و آرام برای اهل آن است .

عندها جنّه المأوی

<مأوی> در لغت به جایی گفته می شود که حیوان، شبانگاه به آن بازمی گردد و استراحت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۶ - ۲

۲ - بهشتیان ، برخوردار از آرامش و آسودگی بسیار

متّکین

علی رفرف خضر و عبقریّ حسان

تکیه زدن بهشتیان بر پشتی های زیبا و بی مانند، می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

آرزوی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۴

۴- گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از یاوه و بیهودگی و سرشار از سلامت خواهی و آرزوی امنیت خواهد بود .

لایسمعون فیها لغوًا إلاّ سلمًا

استثنا در <إلاّ سلاماً> منقطع است; یعنی، <لکن یسمعون سلاماً> و یا <کلاماً سالماً>. برخی از مفسران آن را استثنای متصل دانسته و گفته اند: <سلام> که دعای به سلامتی از آفات است برای بهشتیان جز اکرام و گرامی داشت مفهومی ندارد; زیرا در بهشت آفتی نیست تا دعا به سلامتی از آن لغو نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۸ - ۲

۲ - دریافت سلام و تحیت از جانب پروردگار ، آرزو و خواسته بهشتیان است .

و لهم ما یدّعون . سلم قولاً من ربّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <سلام> بدل از <ما یدّعون> باشد.

آزادی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۲ - ۴

۴ - نبود محدودیت برای بهشتیان ، در رسیدن به مشتهیات و خواسته های خویش

و أمددنهم بفکهه و لحم ممّا یشتهون

آسایش اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۶

۶ - راه نداشتن کمترین ملال و زحمت ، در زندگی اخروی بهشتیان

متّکین . .. و جنی الجنّتین دان

از این

که خداوند با تعابیر <متّکئین علی فرش> و <دان>، نهایت آسایش بهشتیان را ترسیم کرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

آسایش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷ - ۶

۶- متقین ، در بهشت در حالی که روبه روی یکدیگر قرار دارند ، بر تخت ها می آرامند .

إن المتقین فی جنّت . .. علی سرر متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۸ - ۱،۵

۱- متقین در بهشت ، دچار هیچ گونه سختی و رنجی نخواهند شد .

لایمسّهم فیها نصب

<نصب> در لغت به معنای سختی و رنج است.

۵- متقین در بهشت ، در رفاه مادی و آسایش فکری کامل هستند .

إن المتقین فی جنّت و عیون . ادخلوها بسلم ءامنین ... علی سرر متقبلین . لایمسّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالی ترین نعمت ها و آرمانی ترین ارزش و آسایش برای مؤمنان در بهشت برین ، وجود دارد .

لایبغون عنها حولاً

درخواست تغییر، نوعاً، در پی تصوّر چیزی بهتر و بالاتر پدید می آید. این که بهشتیان، خواهان تغییری در وضع خود نیستند، می تواند بدین جهت باشد که چیزی فوق آنچه آنان در بهشت برخوردارند، به ذهن شان نمی رسد تا آن را آرزو کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۴ – ۲

۲ – بهشتیان ، در کمال آسودگی و به دور از هرگونه حزن و اندوه

و قالوا الحمد للّه الذی أذهب عنّا الحزن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۵ - ۴

۴ - اعطای بهشت و سرای پایدار و بی رنج و افسردگی ، فضل و لطف خداوند به بندگان

لایمسّنا فیها نصب و لایمسّنا فیها لغوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۴

۴ - دسترسی بهشتیان به طعام و نوشیدنی بدون هیچ گونه رنج و تلاش

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

از مجهول آمدن <یُطاف> استفاده می شود که ظرف های غذا و جام های نوشیدنی، بدون تلاش بهشتیان در اختیار آنان قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۴

۴ - شکوه ، جلال ، آسایش و تنعم ، جملگی جمع در بهشت خائفان از مقام پروردگار

و لمن خاف مقام . .. متّکین علی فرش ... و جنی الجنّتین دان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۳ - ۲

۲ - بهشتیان ، در اوج رفاه و راحتی به سر می برند .

قطوفها دانیه

وجود میوه های آماده و در دسترس برای بهشتیان، حاکی از برخورداری آنان از رفاه و راحتی بسیار است.

آشامیدنیهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۲ - ۲

۲ - نوشیدنی بهشتیان ، از چشمه ای همیشه جاری تأمین می گردد .

تسقی من عین ءانیه . .. فیها عین جاریه

این آیه، در مقابل آیه ای است که از نوشاندن مایعات چشمه سوزان به جهنمیان، سخن گفته بود. بنابراین در

اين آيه نيز، ذكر چشمه جارى تنها به منظور بيان زيبايى آن نبوده; بلكه توصيف نوشيدنى بهشتيان نيز مراد است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - غاشيه - ۸۸ - ۱۴ - ۲

۲ - نوشيدن از چشمه بهشت با پياله هاى آماده ، در حال آرميدن بر تختخواب خويش ، از نعمت هاى الهى براى بهشتيان

فيها عين جاريه . فيها سرر مرفوعه . و أكواب موضوعه

ارتباط اين آيه با آيات پيشين، بيانگر برداشت ياد شده است.

آغاز دعاى بهشتيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۰ - ۲،۳

۲ بهشتيان ، نيايش خود را با تسبيح و تنزيه خدا آغاز مى كنند .

فى جنت النعيم. دعويهم فيها سبحنك اللّهم

جمله <آخر دعواهم . .. > قرينه است بر اينكه مراد از <دعواهم فيها سبحانك> <أول دعواهم ... > مى باشد ; يعنى، آغاز نيايش اهل بهشت تسبيح خدا و پايان بخش آن، حمد و ستايش اوست.

۳ ذكر < سبحانك اللّهم > سر فصل نيايش مؤمنان با خدا در بهشت

جنت النعيم. دعويهم فيها سبحنك اللّهم

آمرزش بهشتيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۴ - ۹

۹ - سپاس گزارى بهشتيان از خداوند ، به خاطر آمرزش خطا هاى آنان و قدردانى از كار هاى نيكشان

و قالوا الحمد للّه . .. إنّ ربّنا لغفور شكور

جمله <إنّ ربّنا لغفور شکور> بیان دیگری از فلسفه سپاس گزاری از خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۷

۷ - >

عن أبی جعفر (ع) فی قوله < . . .و من یعمل مثقال ذرّه شرّاً یره > یقول : إذا کان من أهل الجنّه رأی ذلک الشرّ یوم القیامه ثمّ غفر اللّه تعالی له ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و من یعمل مثقال ذرّه شرّاً یره> روایت شده که [خداوند] می فرماید: اگر [شخص]از اهل بهشت باشد [و در دنیا عمل بدی انجام داده باشد] آن عمل بد را در قیامت می بیند؛ آن گاه خداوند متعال او را می آمرزد>.

اجابت آرزوی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۸ - ۳

۳ - بهشتیان ، آنچه بخواهند و آرزویش کنند ، به طور سالم و خالص دریافت خواهند کرد .

سلم قولاً من ربّ رحیم

برداشت یاد شده بر این مبنا استوار است که <سلام> خبر برای <ما یدّعون> باشد. ازاین رو <سلام> به معنای سالم و خالص خواهد بود.

اجابت خواسته های بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۴

۴- تمامی خواسته های تقواپیشگان در بهشت ، برآورده می شود .

دار المتّقین . جنّت عدن یدخلونها ... لهم فیها ما یشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۵ - ۱،۳،۵

۱ - بهشت ، در بردارنده همه آرزو ها و برآورنده همه خواسته های بهشتیان

لهم ما یشاءون فیها

۳ – بازدارندگان خویش از هوس ها ، برخوردار از هر آرزو در بهشت

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . .. أوّاب حفیظ ... لهم ما یشاءون فیها

با توجه به این

که <تقوا> و خودداری از گناه و هوای نفس، به عنوان بـارزترین صـفت اهـل بهشت یاد شـده است، نویـد <لهم ما یشاءون فیها> می تواند بیانگر معنای بالا باشد.

۵ - اعطای خواسته های بهشتیان به ایشان ، فراتر از حد انتظارشان *

لهم ما یشاءون فیها و لدینا مزید

برداشت یاد شـده بـدان احتمال است که <مزیـد> در مقایسه با خواسـته بهشتیان (ما یشاءون) مطرح شـده باشـد; یعنی، آنچه آنان بخواهند، فزون ترش را داریم و در اختیار آنان قرار می دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۲ - ۴

۴ - نبود محدودیت برای بهشتیان ، در رسیدن به مشتهیات و خواسته های خویش

و أمددنهم بفکهه و لحم ممّا یشتهون

احترام بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۹ - ۲

۲ - خوردن و آشامیدن بهشتیان ، همراه با پیام < گوارا باد > به ایشان

کلوا و اشربوا هنیًا

جمله <کلوا و اشربوا> مقول قول محذوف است; یعنی، <یقال لهم کلوا. .. هنیئاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵ - ۳

۳ - مؤمنان بهشتی ، در اوج عزت و احترام به سر می برند .

أُولئک فی جنّت مکرمون

احوال پرسی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۵ - ۱

۱ - گفت و گوی بهشتیان و پرسش آنان از احوال یکدیگر

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

اذکار بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۲،۳،۹،۱۴،۱۵

۲

بهشتیان ، نیایش خود را با تسبیح و تنزیه خدا آغاز می کنند .

فی جنت النعیم. دعویهم فیها سبحنک اللّهم

جمله <آخر دعواهم . .. > قرینه است بر اینکه مراد از <دعواهم فیها سبحانک> <أول دعواهم ... > می باشد ; یعنی، آغاز نیایش اهل بهشت تسبیح خدا و پایان بخش آن، حمد و ستایش اوست.

۳ ذکر < سبحانک اللّهم > سر فصل نیایش مؤمنان با خدا در بهشت

جنت النعیم. دعویهم فیها سبحنک اللّهم

۹ ذکر < الحمد للّه رب العالمین > حسن ختام نیایش اهل بهشت است .

و ءاخر دعویهم أن الحمد للّه رب العلمین

۱۴ از امام باقر (ع) روایت شده است : < . . . و إذا اراد المؤمن شیئاً او اشتهی انما دعواه فی ها إذا أراد ، أن یقول : < سبحانک اللّهم > فاذا قال ها تبادرت إلیه الخدم بما اشتهی من غیر ان یکون طلبه منهم أو أمر به و ذلک قول اللّه عز و جل : < دعواهم فی ها سبحانک اللّهم و تحیتهم فی ها سلام > یعنی الخدام قال : < و آخر دعواهم أن الحمد للّه رب العالمین > یعنی بذالک عند ما یقضون من لذاتهم من الجماع و الطعام و الشراب یحمدون اللّه عز و جل عند فراغتهم . . . ;

. .. هر گاه مؤمن [در بهشت] چیزی را اراده کرد یا بدان میل پیدا کرد، دعا [و گفتار] او در آن جا این است که می گوید: <سبحانک اللّهم>. پس وقتی این ذکر را گفت، خادمان آنچه را او خواسته برایش حاضر می کنند بدون اینکه

آن را طلبیده یا دستور داده باشد و این است معنای قول خدا <دعواهم فیها سبحانک اللهم>. [و اینکه خدا می فرماید] <تحیتهم فیها سلام>; یعنی، تحیت مؤمنان در بهشت، سلام خادمان بهشتی است. امام فرمود: <و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمین>; یعنی، مؤمنان هنگامی که از لذت آمیزش و خوردنیها و آشامیدنیها، بهره مند شدند، با گفتن <الحمدللّه رب العالمین> خدای عزوجل را حمد می گویند ... .

۱۵ از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است : < ان اطیب شیء فی الجنه و ألذّه حب اللّه و الحب فی اللّه و الحمد للّه قال اللّه عزوجل : < و آخر دعواهم ان الحمدللّه رب العالمین > . . . ;

دلپذیرترین و لذت بخش ترین چیز در بهشت، دوستی خدا و دوستی در راه خدا و <حمد> برای خداست. خدای عزوجل فرمود: آخرین دعا [و گفتار]مؤمنان در بهشت <الحمدللّه رب العالمین> است> ... .

ازدواج بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۴

۴ - وجود تمایلات جنسی و پیوند زناشویی ، میان مردان و زنان در بهشت

هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متّکئون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۷ - ۴

۴ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و إذا النفوس زوّجت > قال : أمّا أهل الجنّه فزوّجوا الخیرات و الحسان و أمّا أهل النار فمع کلّ إنسان منهم شیطان ;

از امام باقر(ع) در تفسیر قول خداوند <و إذا النفوس زوّجت> روایت شده که

فرمود: اهل بهشت با زنان زیبا و نیکو خلق ازدواج می کنند و اما اهل آتش، با هر انسانی از آنان شیطانی[قرین] است>.

استراحت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۳ - ۲

۲ - استراحت بهشتیان بر تختخواب ها و تماشای صحنه های بهشت ، از نعمت های الهی در آخرت

ناعمه . .. فیها سرر مرفوعه

ارتفاع تخت های بهشتیان، نشانگر اشراف آنان بر صحنه های دل انگیز بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۴ - ۲

۲ - نوشیدن از چشمه بهشت با پیاله های آماده ، در حال آرمیدن بر تختخواب خویش ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فیها عین جاریه . فیها سرر مرفوعه . و أکواب موضوعه

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۵ - ۱

۱ - در بهشت برین ، بالش هایی فراوان برای استراحت بهشتیان ، به ردیف چیده شده است .

و نمارق مصفوفه

<نمْرقه> (مفرد <نَمارِق>) که <نون> و <راء> در آن به سه حرکت خوانده می شود به معنای <بالش کوچک> است و نیز در معانی <روپوش>، <چیزی مانند بالش یا فرش که روی زین نهاده می شود> و <زین ابریشمی> استعمال می گردد(قاموس). کلمه <مصفوفه>، قرینه بر اراده معنای اول است.

استراحتگاه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۴ - ۱

۱ اهل بهشت در روز قیامت ، دارای برترین

جایگاه و نیکوترین بستر برای استراحت

أصحب الجنّه یومئذ خیر مستقرًّا و أحسن مقیلاً

<مقیلاًـ> اسم مکـان از مـاده <قیلـوله> است و <قیلـوله> به معنـای اسـتراحت میـان روز می باشـد و مقصود از آن در آیه شریفه، مطلق آسایشگاه و محل استراحت; یعنی، بهشت است.

استقبال از بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۳

۳- بهشتیان و مؤمنان راستین ، به هنگام برپایی قیامت مورد استقبال فرشتگان قرار خواهند گرفت .

و تتلقیهم الملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۴

۴ - استقبال فرشتگان از بهشتیان ، با تحیت و سلام

ادخلوها بسلم

بنابراین که قائل <ادخلوها> فرشتگان باشند، برداشت بالا قابل استفاده است.

اصحاب اعراف و بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۵

۵ اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنه لا خوف علیکم و لا أنتم تحزنون

اقرار بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۵ - ۵

۵ - اعتراف بهشتیان به لطف و تفضل خدا در وارد کردن آنان به بهشت و مستحق نبود آنها به این نعمت

الذی أحلّنا دارالمقامه من فضله

اقسام بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۶

۶ وارد شدگان به بهشت عدن متشکل از طایفه ای که بالأصاله مستحق آن جایگاهند و طایفه ای که به تبع آنان به آن جایگاه

برین برده خواهند شد .

جنّت عدن یدخلونها و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

عطف شدن <من صلح . ..> بر ضمیر <یدخلون> حاکی است که طوایف مذکور (اباءهم و ...) از کسانی نیستند که دارای همه اوصاف یاد شده در آیات قبل باشند و در نتیجه بالأصاله مستحق جنات عدن باشند و گرنه لازم به عطف نبود زیرا جمله <یدخلونها> شامل آنان نیز می شد.

امنیت اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۵ - ۳

۳- بهرهوری بی ضرر و زیان بهشتیان ، از انواع خوراکی های مورد تمایل خویش

یدعون فیها بکلّ فکهه ءامنین

امنیت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۴،۹

۴- گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از یاوه و بیهودگی و سرشار از سلامت خواهی و آرزوی امنیت خواهد بود .

لایسمعون فیها لغوًا إلّا سلمًا

استثنا در <إلّا سلاماً> منقطع است; یعنی، <لکن یسمعون سلاماً> و یا <کلاماً سالماً>. برخی از مفسران آن را استثنای متصل دانسته و گفته اند: <سلام> که دعای به سلامتی از آفات است برای بهشتیان جز اکرام و گرامی داشت مفهومی ندارد; زیرا در بهشت آفتی نیست تا دعا به سلامتی از آن لغو نباشد.

۹- امنیت و سلامت روح و جسم ، ره آورد ورود به بهشت

لایسمعون فیها لغوًا إلّا سلمًا و لهم رزقهم فیها

در این آیه، دو نوع تأمین برای بهشتیان مطرح شده است: ۱ امنیت روحی به جهت آن که سخن ها، همه سلام و ایمنی بخش است; ۲ امنیت جسمی که با

تأمین نیازهای جسمی حاصل است.

امیدواری بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۹

۹ بهشتیان در آستانه ورود به بهشت در عین امید به حضور در آن جایگاه رفیع ، نگران از تغییر سرنوشت خویشند .

لم یدخلوها و هم یطمعون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر فاعلی در <لم یدخلوها> و <یطمعون> به أصحاب الجنه، برگردانده شود. بر این مبنا جمله <لم یدخلوها> حال برای <أصحاب الجنه> است. گفتنی است <یطمعون> (امید دارند) اشاره به نگرانی آنان دارد که مبادا از ورود به بهشت منع گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۷

۷ راهیان بهشت در عین امیدواری برای ورود به بهشت ، نگران ملحق شدن به دوزخیان هستند .

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۸ - ۳

۳ - بهشتیان ، به دور از ملال و دلسردی نسبت به نعمت های اخروی

جنّتان . .. ذواتا أفنان

در صورتی که <أفنان> به معنای انواع باشد، در حقیقت تذکر به آن، برای افاده مطلب یاد شده است.

اندوه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۴ - ۳

۳ - اندوهگین بودن بهشتیان در عرصه قیامت پیش از ورود به بهشت

و قالوا الحمد للّه الذی أذهب عنّا الحزن

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که لازمه برطرف کردن حزن وجود آن از پیش است.

انس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۶ – ۱،۲

۱ – پیشتازان راه خدا (سابقون) ، دارای مجلس انس با یکدیگر در بهشت

علی سرر موضونه . متّکین علیها متقبلین

از قید <متقابلین> (روبه روی هم)، انس و الفت بهشتیان با همدیگر استفاده می شود.

۲ – تکیه زدن پیشتازان راه خدا (سابقون) ، بر تخت های جواهرنشان در مجلس های انس خویش

علی سرر موضونه . متّکین علیها متقبلین

ایمان بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۲ – ۲

۲ – تصدیق و باور داشتن قیامت و زنده شدن انسان ها ، از ویژگی های بهشتیان و بندگان مخلَص خدا در دنیا است .

یقول أءنّک لمن المصدّقین

برنامه ریزی بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۲ – ۵

۵- بهشتیان ، دارای روزی ویژه ، منظم و تضمین شده در هر صبح و عصر

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیًّا

از آن جایی که در بهشت هر آنچه که خواسته شود مهیا است، روشن می گردد که آنچه در این آیه در مورد رزق صبح و عصر آمده، تفضلی ویژه است. البته برخی این جمله را کنایه از دائمی بودن رزق بهشتی دانسته اند. درباره معنای <عشیّ> نظریات گوناگونی ابراز شده است; از جمله: <بین ظهر تا غروب> و <آخر روز> (مصباح).

بزم بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۷ – ۷

۷- متقین ، در بهشت بزم باصفایی دارند .

إن المتقین فی جنّت . .. و نزعنا ما فی صدورهم من

غلّ إخونًا على سرر متقبلين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۴ – ۲

۲ – بندگان مخلَص خدا ، بهره مند از بزم خوش و مجلس انس در بوستان های بهشتی

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین

رویاروی هم قرار داشتن بندگان خالص خدا، اشاره به انس و محبت متقابل و بزم خوش آنان دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۰ – ۱،۲

۱ – برخی از بهشتیان ، در بزم عیش خود رو به بعضی دیگر کرده و به پرسوجو خواهند پرداخت .

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرت الطرف عین ... فأقبل بعضهم عل

۲ – مجلس اُنس و به پرس و جو نشستن ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فأقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۱ – ۱،۲،۳

۱ – گفتوگوی بهشتیان با یکدیگر ، درباره هم نشینان خود در دنیا در بزم بهشتی

قال قائل منهم إنّی کان لی قرین

۲ – بهشتیان با یادآوری خاطرات دنیایی خویش ، در بزم بهشتی به گفتوگو خواهند پرداخت .

قال قائل منهم إنّی کان لی قرین

۳ – لذت بخش بودن یاد خاطرات دنیوی ، در بزم بهشتی برای بهشتیان

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرت الطرف... قال قائل منهم إنّی

یـادکرد خـاطرات خود در دنیـا، در آن بزم باشـکوه و پر از ناز و نعمت، گویای این حقیقت است که یاد چنین خاطراتی، خود لذت بخش و طراوت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۶ – ۱،۲

۱ – پیشتازان راه خدا (سابقون) ، دارای مجلس انس با یکدیگر در بهشت

علی سرر موضونه . متّکین علیها متقبلین

از قید <متقابلین> (روبه روی هم)، انس و الفت بهشتیان با همدیگر استفاده می شود.

۲ – تکیه زدن پیشتازان راه خدا (سابقون) ، بر تخت های جواهرنشان در مجلس های انس خویش

علی سرر موضونه . متّکین علیها متقبلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۸ – ۱،۲

۱ – باده نوشی پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در مجالس انس شان در بهشت

متّکین علیها متقبلین . .. بأکواب و أباریق و کأس من معین

۲ – جوانکان خدمت گذار ، باده گردانان مجالس انس پیشتازان (سابقون) در بهشت

یطوف علیهم ولدن . .. بأکواب و أباریق و کأس من معین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۵ – ۲

۲ – بزم عیش و نوش بهشتیان ، همواره مزیّن به پیاله ها ، تخت ها و بالش های آماده است .

و نمارق مصفوفه

مراد از <ردیف بودن> بالش ها، فراهم بودن آنها در نقطه ای است که بهشتیان برای استراحت خود، لازم داشته باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۶ – ۲

۲ – مکان های فراوانی از بهشت ، برای بزم بهشتیان ، همواره مفروش و آماده است .

و زرابیّ مبثوثه

<بثّ>; یعنی، متفرق ساختن و آشکار کردن و <مبثوثه>; یعنی، فراوان و متفرق. (مقاییس اللغه)، مراد از متفرق

بودن فرش ها در بهشت، مفروش بودن نقاط مختلفی از آن است.

بشارت امنیت به بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ - بشارت دربانان بهشت به تقواپیشگان ، مبنی بر در امنیت و سلامت بودن آنان در بهشت جاویدان

و قال لهم خزنتها سلم علیکم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که عبارت <قال لهم خزنتها سلام>، جمله اخباری باشد; یعنی، درصدد اخبار از آینده تقواپیشگان در بهشت و در واقع بشارت به ایشان باشد.

بشارت به بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۵

۵ اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنه لا خوف علیکم و لا أنتم تحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۳

۳ فرشتگان ، نوید دهنده سلامت به بهشتیان و دوری هر گزند از ایشان

سلم علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۵

۵- بشارت فرشتگان به مؤمنان راستین و بهشتیان در قیامت ، به فرا رسیدن روز موعود (قیامت)

هذا یومکم الذی کنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۶

۶ - جاودانگی در بهشت و لذت های آن ، مهم ترین نوید به بهشتیان ، در آغاز ورود

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

بهترین لذایذ بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷

- توبه - ۹ - ۷۲ - ۸،۹،۱۴

۸ پرتوی از خشنودی و رضوان الهی ، برتر از همه لذت های دیگر برای مؤمنان در بهشت *

و رضون من اللّه أکبر

نکره آمدن <رضوان> می تواند برای تقلیل باشد ; یعنی، حتی شمه ای و نسیمی از رضوان الهی، برتر از سایر لذتهاست.

۹ رضوان خداوند و خشنودی او از بهشتیان ، بالاترین لذت و نعمت برای آنان

و رضون من اللّه أکبر

۱۴ برترین لذت ها برای اهل بهشت ، لذت معنوی و روحانی است .

و رضون من اللّه أکبر

بهشتیان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۷

۷ بهشتیان برای همیشه بهره مند از بهشت جاویدان و نعمت های آن

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۹

۹ بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده مواهب آن ، خداوند را به خاطر هدایت شدن و نیلشان به بهشت ، سپاس می گویند .

و قالوا الحمد للّه الذی هدینا لهذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۱

۱ بهشتیان پس از ورود به بهشت با فریادی رسا دوزخیان را مخاطب قرار داده و با آنان سخن می گویند .

و نادی اصحب الجنه اصحب النار

<نداء> به معنای فریاد زدن و کسی را با صدایی بلند خواندن است.

بهشتیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۳،۵،۷

۳ راهیان بهشت در صحنه قیامت

منظره شوم و هول انگیز دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> به <اصحب الجنه> در آیه قبل برگردانده شود.

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

۷ راهیان بهشت در عین امیدواری برای ورود به بهشت ، نگران ملحق شدن به دوزخیان هستند .

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

بهشتیان و تسبیح خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۲

۲ بهشتیان ، نیایش خود را با تسبیح و تنزیه خدا آغاز می کنند .

فی جنت النعیم. دعویهم فیها سبحنک اللّهم

جمله <آخر دعواهم . .. > قرینه است بر اینکه مراد از <دعواهم فیها سبحانک> <أول دعواهم ... > می باشد ; یعنی، آغاز نیایش اهل بهشت تسبیح خدا و پایان بخش آن، حمد و ستایش اوست.

بهشتیان و تهمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۶

۶ - بهشتیان ، هرگز دروغ نمی گویند و یکدیگر را به دروغ گویی متهم نمی کنند .

و لا کذّابًا

<کذّاباً> یا به معنای <کَذِباً> (دروغ) و یا مصدر باب تفعیل و به معنای تکذیب است (لسان العرب). بنابراین مفاد <و لا کذّاباً> این است که در بهشت، دروغ وجود ندارد یا این که کسی تکذیب گفتار خویش را از دیگران نمی شنود; زیرا

همگان صداقت یکدیگر را باور دارند.

بهشتیان و جهنمیان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۱،۲،۳

۱ بهشتیان پس از ورود به بهشت با فریادی رسا دوزخیان را مخاطب قرار داده و با آنان سخن می گویند .

و نادی اصحب الجنه اصحب النار

<نداء> به معنای فریاد زدن و کسی را با صدایی بلند خواندن است.

۲ اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادی . .. أن قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

۳ بهشتیان برای ملامت و سرزنش دوزخیان ، از آنان جویای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادی . .. فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۳،۴،۵،۸

۳ راهیان بهشت در صحنه قیامت منظره شوم و هول انگیز دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> به <اصحب الجنه> در آیه قبل برگردانده شود.

۴ مشاهده دوزخیان از سوی بهشتیان ، مشاهده ای ناخواسته و بدون اختیار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار

مجهول آوردن فعل <صرفت> حکایت از برداشت فوق دارد.

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

۸ دوزخیان ستمگر ، انسانهایی منفور در دیدگاه بهشتیان

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

راهیان بهشت خواسته خویش مبنی بر گرفتار نشدن به

آتش دوزخ را با درخواست دوری از ستمکاران بیان داشتند و این می رساند که بهشتیان در روز قیامت از ستمکاران نیز متنفر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۷

۷ تحریم روزی های بهشت بر اهل دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

أن أفیضوا علینا . .. قالوا إن اللّه حرمهما علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۶

۱۶ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : . . .یوم التغابن ، یوم یَغبُن أهلُ الجنّه أهلَ النّار . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: . ..<یوم التغابن> روزی است که بهشتیان، جهنمیان را مغبون می سازند...>.

بهشتیان و دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۷

۷ - نوشندگان شراب بهشتی ، منزّه از زبان گشودن به هذیان و دروغ

و کأسًا دهاقًا . لایسمعون فیها لغوًا و لا کذّابًا

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر این نکته است که شراب بهشتی، از نوع شراب های دنیا نیست که بر عقل انسان تأثیر منفی گذاشته، مایه هذیان گویی و لاف زدن گردد.

بهشتیان و سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۱

۱- در بهشت عدن ، هیچ سخن لغو و بیهوده ای به گوش بهشتیان نمی خورد .

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده . .. لایسمعون فیها لغوًا

<لغو>; یعنی،

کلام و یا هر چیزی که قابل اعتنا نبوده و فایده ای بر آن مترتب نباشد. در آیه مورد بحث به قرینه <استماع> مراد از <لغو> کلام باطل و یاوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۵،۶،۷

۵ - گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از هرگونه سخن زشت و بیهوده است .

لایسمعون فیها لغوًا

۶ - بهشتیان ، هرگز دروغ نمی گویند و یکدیگر را به دروغ گویی متهم نمی کنند .

و لا کذّابًا

<کذّاباً> یا به معنای <کَذِباً> (دروغ) و یا مصدر باب تفعیل و به معنای تکذیب است (لسان العرب). بنابراین مفاد <و لا کذّاباً> این است که در بهشت، دروغ وجود ندارد یا این که کسی تکذیب گفتار خویش را از دیگران نمی شنود; زیرا همگان صداقت یکدیگر را باور دارند.

۷ - نوشندگان شراب بهشتی ، منزّه از زبان گشودن به هذیان و دروغ

و کأسًا دهاقًا . لایسمعون فیها لغوًا و لا کذّابًا

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر این نکته است که شراب بهشتی، از نوع شراب های دنیا نیست که بر عقل انسان تأثیر منفی گذاشته، مایه هذیان گویی و لاف زدن گردد.

بهشتیان و سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۶ - ۲

۲- بهشتیان ، فارغ از دغدغه مرگ و از دست دادن نعمت ها

لایذوقون فیها الموت

بهشتیان و کینه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۱

۱ خداوند دل ها و سینه های اهل بهشت را از

هر کینه و دشمنی پاک خواهد کرد .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

<غل> به معنای کینه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷ - ۱

۱- خداوند ، هرگونه دشمنی و کینه ای را از دل متقین در بهشت بیرون می کند .

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

<غلّ> در لغت به معنای دشمنی و کینه است.

بهشتیان و لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ - بهشتیان ، هیچ گونه صدا و سخن بیهوده ای در بهشت برین نمی شنوند .

لاتسمع فیها لغیه

<کلام لغو>; یعنی، آنچه قابل اعتنا نیست و بدون تأمل و اندیشه گفته شده است (مفردات راغب) و کلمه <لاغیه>; یعنی، سخن زشت (قاموس) گفتنی است که <لاغیه> اسم فاعل و وصفی مناسب با گوینده سخن است. توصیف سخن به وصفی که مخصوص گوینده آن است، بر مبالغه دلالت دارد; یعنی، سخنی که حتی اندکی از <لغو> را پدید آورد، به گوش بهشتیان نخواهد خورد.

۲ - اهل بهشت ، هیچ گونه سخن لغو و بیهوده ای در آن جا نمی گویند .

فی جنّه . .. لاتسمع فیها لغیه

شنیده نشدن <لغو>، نشانه نبودن آن است.

۳ - نشنیدن سخن لغو و بیهوده ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

ناعمه . .. لاتسمع فيها لغيه

بهشتيان و مرگ

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۹ – ۴

۴ – < عن أبى جعفر (ع) قال : إذا دخل أهل الجنّه الجنّه و

أهل النار النار . . . يقال : خلود فلا موت أبداً . فيقول أهل الجنّه : < أفما نحن بميّتين . إلاّ موتتنا الأولى . . . > ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند. .. گفته می شود: این جا جاودانگی است و هرگز مرگی نیست پس اهل بهشت می گویند: <أفما نحن بميّتين...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۶ - ۲

۲- بهشتیان ، فارغ از دغدغه مرگ و از دست دادن نعمت ها

لايذوقون فيها الموت

بهشتیان و وعده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ بهشتیان حقانیت رسالت و وعده های پیامبران را درمی یابند و با سوگند آن را بازگو می کنند .

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

بینش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۶

۶ - تأکید بهشتیان ، به نقش عملکرد دنیوی آنان در سعادت اخروی ایشان

قالوا إنّا كنّا قبل فى أهلنا مشفقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۴

۴ - بهشتیان ، قدردان لطف الهی اند ; نه مغرور به عمل خویش .

فمنّ اللّه علینا و وقینا عذاب السموم

توجه پارسایان به امتنان الهی و تکیه آنان بر لطف حق، می رساند که آنان تنها عمل خویش را مایه سعادت نمی دانند و مغرور به کردار خود نیستند.

پاداش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۸ – ۳

۳ – شادمانی و عیشِ بهشتیان ، فضل الهی در قبال تعهد و تقوای ایشان

إنّ المتّقین . .. فکهین بما ءاتیهم ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۴ – ۴

۴ – خوردنی ها و نوشیدنی های گوارای بهشت ، پاداش اعمال گذشته اهل بهشت است .

بما أسلفتم فی الأیّام الخالیه

پاکی قلب بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۱،۵

۱ خداوند دل ها و سینه های اهل بهشت را از هر کینه و دشمنی پاک خواهد کرد .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

<غل> به معنای کینه است.

۵ وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

پایان دعای بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰ – ۸،۹

۸ حمد و ستایش خدا ، پایان بخش نیایش مؤمنان در بهشت

و ءاخر دعويهم أن الحمد للّه رب العلمين

۹ ذکر < الحمد للّه رب العالمين > حسن ختام نيايش اهل بهشت است .

و ءاخر دعويهم أن الحمد للّه رب العلمين

پدران بهشتيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۵

۵ پدران ، همسران و فرزندان واردشدگان به بهشت عدن در صورتی که صالح باشند به ايشان ملحق خواهند شد .

جنّت عدن يدخلونها و من صلح من ءابائهم و أزوجهم

و ذريّتهم

پذيرايى از بهشتيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۲ - ۲

۲ - تأمين نياز ها و ارضاى همه تمنيات اهل ايمان ، پيش پذيرايى خداوند از آنان هنگام ورود به بهشت

نزلاً من غفور رحيم

با توجه به معناى <نُزُل> (غذاى هنگام نزول و پيش درآمد پذيرايى از ميهمان) مطلب بالا استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۴ - ۳

۳ - اهل بهشت ، همچون مهمانان گرامى ، مورد پذيرايى قرار خواهند گرفت .

كلوا و اشربوا هنيًا

جمله <كلوا و اشربوا هنيئاً> مقول قول محذوف است و تقدير آن چنين است: <يقال للذين يؤتون كتبهم بأيمانهم كلوا و اشربوا هنيئاً>. اين تعبير درباره مهمانان به كار مى رود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۴ - ۲

۲ - مى گسارى بهشتيان و استفاده آنان از جام هاى شراب آماده ، جلوه اى از خوشبختى آنان است .

إنّ للمتّقين مفازًا . .. و كأسًا دهاقًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - غاشيه - ۸۸ - ۱۴ - ۱

۱ - بهشت ، داراى جام هاى آماده براى پذيرايى از بهشتيان

و أکواب موضوعه

<کوب> (مفرد <اکواب>)؛ یعنی، تنگ آب که سر آن حلقه مانند است و دستگیره ندارد. برخی آن را پیاله بی دسته می دانند. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۵ - ۲

۲ - بزم عیش و نوش بهشتیان ، همواره مزیّن به پیاله ها ، تخت

ها و بالش های آماده است .

و نمارق مصفوفه

مراد از <ردیف بودن> بالش ها، فراهم بودن آنها در نقطه ای است که بهشتیان برای استراحت خود، لازم داشته باشند.

پرسش از بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۲ - ۴

۴ - < قال رسول اللّه (ص) إنّ اللّه إذا أدخل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار قال لأهل الجنه : < کم لبثتم فی الأرض عدد سنین ؟ قالوا : لبثنا یوماً أو بعض یوم قال لنعم ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم رحمتی و رضوانی و جنتی اُسکنوا فی ها خالدین مخلدین ثمّ یقول : یا أهل النار < کم لبثتم فی الأرض عدد سنین قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم > فیقول : بئس ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم ناری و سخطی اُمکثوا فیها خالدین ;

رسول خدا(ص) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می هند: <لبثنا یوماً أو بعض یوم>. خدا می فرماید: چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می هند: <لبثنا یوماً أو بعض یوم>. پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم

من است، در آن همیشه بمانید>.

پرسش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۳

۳ بهشتیان برای ملامت و سرزنش دوزخیان ، از آنان جویای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادی . .. فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً

پرسشهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۰ - ۱،۲

۱ - برخی از بهشتیان ، در بزم عیش خود رو به بعضی دیگر کرده و به پرسوجو خواهند پرداخت .

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرت الطرف عین ... فأقبل بعضهم عل

۲ - مجلس اُنس و به پرس و جو نشستن ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فأقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۴ - ۱

۱ - بهشتیان ، درباره سرنوشت هم نشینان کافر دنیایی خود ، از دیگر بهشتیان پرسش کرده و از وضعیت آنان کسب اطلاع خواهند کرد .

قال هل أنتم مطّلعون

استفهام <هل> برای عرض و یا امر است که مفاد آن تقاضا و درخواست می باشد.

تأمین خواسته های بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۴

۴ - تمامی تمایلات و خواسته های مؤمنان قابل دستیابی برای آنان در بهشت

و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم و لکم فیها ما تدّعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۳،۱۴،۱۹

۱۳ - تمامی خواسته های

مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربّهم

۱۴ - اراده و خواست مؤمنان بهشتی ، مؤثر در پدید آمدن نعمت ها و خواسته های آنان

لهم ما یشاءون عند ربّهم

۱۹ - تحقق همه خواسته های انسان در بهشت ، نمود فضل بزرگ خداوند است .

لهم ما یشاءون . .. ذلک هو الفضل الکبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۷

۷ - نعمت های اعطایی خداوند به بهشتیان ، تأمین کننده تمام خواسته های ایشان است .

حسابًا

<حساباً> اسم مصدر برای <إحساب> است و <أحسب>; یعنی، عطا را افزایش داد تا حدی که دریافت کننده گفت: <حسبی> ;یعنی، مرا کافی است (تاج العروس) و ممکن است <حساباً> مصدر و به معنای محاسبه کردن باشد. در هر صورت به دلیل صفت بودن آن برای <عطاء>، معنای مصدری ندارد; بلکه به معنای <مُحْسَب> (کافی) و یا <محسوب> (شمرده شده) است. در برداشت یاد شده، معنای اول مورد نظر است.

تأمین نیازهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۷ - ۴

۴ - تمامی خواسته ها و آرزو های اهل بهشت تأمین خواهد شد .

و لهم ما یدّعون

فعل <یدّعون> در آیه شریفه، هم می تواند از ماده <دعاء> (خواستن) باشد و هم می تواند به معنای <یتمنون> (آرزو می کنند) باشد; زیرا در زبان عرب عبارت <یدّعون> مانند <ادع علی ما شئت> (هر چه می خواهی از من بخواه و تمنا کن) در مورد تمنی به کار می رود (مجمع البیان و کشّاف).

تبریک به

بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۳ – ۸

۸ فرشتگان از هر سو برای تهنیت گویی به بهشتیان بر آنان وارد می شوند .

والملئکه یدخلون علیهم من کل باب

تحیت بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۳ – ۸

۸- درود و تحیت بهشتیان به یکدیگر در بهشت ، با لفظ < سلام > است .

تحیّتهم فیها سلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۶ – ۲

۲ – مکالمات در بهشت پیشتازان ، همراه با درود و تحیت پی درپی است ; نه آمیخته با لغو و نسبت های ناروا .

لایسمعون فیها لغوًا . .. إلّا قیلاً سلمًا سلمًا

کلمه <سلاماً> می تواند بدل برای <قیلاًـ> باشد. گفتنی است که تکرار <سلاماً>، برای بیان تعاقب و پی درپی بودن است; یعنی، <سلاماًاثر سلام> (درود پی درپی).

تختهای بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۱ – ۶،۷

۶- تخت های افراشته شده در حجله ها ، تکیگاه بهشتیان است .

متّكئين فيها على الأرائك

<أريكه> به تختی گفته می شود که در حجله قرار می دهند (قاموس) و به گفته راغب به حجله ای اطلاق می شود که بر روی تخت به پا می شود.

۷- بهشتیان ، به هنگام تکیه زدن بر تخت های خود ، لباس های فاخر دیبا بر تن دارند .

و یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس و إستبرق متّکئین فیها علی الأرائک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه

- ۸۸ - ۱۳ - ۲

۲ - استراحت بهشتیان بر تختخواب ها و تماشای صحنه های بهشت ، از نعمت های الهی در آخرت

ناعمه . .. فیها سرر مرفوعه

ارتفاع تخت های بهشتیان، نشانگر اشراف آنان بر صحنه های دل انگیز بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۵ - ۲

۲ - بزم عیش و نوش بهشتیان ، همواره مزیّن به پیاله ها ، تخت ها و بالش های آماده است .

و نمارق مصفوفه

مراد از <ردیف بودن> بالش ها، فراهم بودن آنها در نقطه ای است که بهشتیان برای استراحت خود، لازم داشته باشند.

تزیین تختهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۳ - ۱

۱ - نیکوکاران در قیامت ، بر تخت های تزیین شده آرمیده و به تماشای منظره ها خواهند پرداخت .

علی الأرائک ینظرون

<أریکه> (مفرد <أرائک>) به تختی گفته می شود که تزیین یافته و در خیمه یا خانه ای نهاده شود. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب اطلاق می شود. (قاموس)

تشبیه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۴ - ۳

۳ - اهل بهشت ، همچون مهمانان گرامی ، مورد پذیرایی قرار خواهند گرفت .

کلوا و اشربوا هنیئًا

جمله <کلوا و اشربوا هنیئاً> مقول قول محذوف است و تقدیر آن چنین است: <یقال للذین یؤتون کتبهم بأیمانهم کلوا و اشربوا هنیئاً>. این تعبیر درباره مهمانان به کار می رود.

تشبیه جامهای بهشتیان

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۶ – ۲

۲ – قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در صفا و شفافیت ، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی ، همچون نقره است .

کانت قواریرَا . قواریرَا من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه بلیغ دانسته اند; نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و در عین حال نقره است.

تشبیه کوزه های بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۶ – ۲

۲ – قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در صفا و شفافیت ، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی ، همچون نقره است .

کانت قواریرَا . قواریرَا من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه بلیغ دانسته اند; نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و در عین حال نقره است.

تشکر از بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۴ – ۹

۹ – سپاس گزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر آمرزش خطا های آنان و قدردانی از کار های نیکشان

و قالوا الحمد للّه . .. إنّ ربّنا لغفور شکور

جمله <إنّ ربّنا لغفور شکور> بیان دیگری از فلسفه سپاس گزاری از خداوند است.

تعجب بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۸ – ۱

۱ – شگفتی بهشتیان

، از جاودانه زیستن و نمردن خود در حیات اخروی

أفما نحن بميّتين

استفهام در <أفما. ..> از نوع استفهام تقریری و متضمن معنای تعجب است. گفتنی است که این تعجب از فرط سرور و خوشحالی می باشد.

تفضل به بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۵ - ۴،۵

۴ - اعطای بهشت و سرای پایدار و بی رنج و افسردگی ، فضل و لطف خداوند به بندگان

لایمسّنا فیها نصب و لایمسّنا فیها لغوب

۵ - اعتراف بهشتیان به لطف و تفضل خدا در وارد کردن آنان به بهشت و مستحق نبود آنها به این نعمت

الذی أحلّنا دارالمقامه من فضله

تقوای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۳

۳ - شادمانی و عیشِ بهشتیان ، فضل الهی در قبال تعهد و تقوای ایشان

إنّ المتّقین . .. فکهین بما ءاتیهم ربّهم

تکریم بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۸ - ۷

۷ - بهشتیان ، مورد تکریم و عنایت ویژه پروردگاراند .

سلم قولاً من ربّ رحیم

سخن گفتن خداوند با بهشتیان و دریافت سلام و تحیت بزرگ از جانب او، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۳ - ۴

۴ - سخن گفتن مستقیم و بیواسطه خداوند با بهشتیان در آخرت ، نشانه تکریم آنان از سوی خداوند

یعباد . .. ادخلوا الجنّه ... لکم فیها فکهه

تکلم ملائکه با بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد -

۱۳ - ۲۴ - ۱

۱ دیدار فرشتگان با اهل بهشت و سخن گفتن آنان با ایشان

والملئکه یدخلون علیهم . .. سلم علیکم

تکیه گاه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۶

۶- تخت های افراشته شده در حجله ها ، تکیگاه بهشتیان است .

متّکئین فیها علی الأرائک

<أریکه> به تختی گفته می شود که در حجله قرار می دهند (قاموس) و به گفته راغب به حجله ای اطلاق می شود که بر روی تخت به پا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۴ - ۱

۱ - بندگان مخلَص خدا ، بر تخت های بهشتی رویاروی هم تکیه خواهند زد .

علی سرر متقبلین

<سرر> (جمع <سریر>) به معنای تخت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۱

۱ - بهشتیان ، تکیه زده بر پشتی ها با آسترهایی از ابریشم

متّکین علی فرش بطائنها من إستبرق

<بطائن> (جمع <بطانه>) به معنای آسترها است. <إستبرق> به ابریشم درشت باف گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - در بهشت برین ، بالش هایی فراوان برای استراحت بهشتیان ، به ردیف چیده شده است .

و نمارق مصفوفه

<نمْرقه> (مفرد <نَمارِق>) که <نون> و <راء> در آن به سه حرکت خوانده می شود به معنای <بالش کوچک> است و نیز در معانی <روپوش>، <چیزی مانند بالش یا فرش که روی زین نهاده می شود> و <زین ابریشمی> استعمال می

گردد(قاموس). کلمه <مصفوفه>، قرینه بر اراده معنای اول است.

۲ – بزم عیش و نوش بهشتیان ، همواره مزیّن به پیاله ها ، تخت ها و بالش های آماده است .

و نمارق مصفوفه

مراد از <ردیف بودن> بالش ها، فراهم بودن آنها در نقطه ای است که بهشتیان برای استراحت خود، لازم داشته باشند.

تلاش بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۴ – ۲

۲ – بهشتیان ، برای یافتن هم نشینان کافر دنیایی خود و آگاه شدن از سرنوشت آنان در قیامت ، به جستوجو خواهند پرداخت .

قال هل أنتم مطّلعون

تلکم بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۴ – ۱،۲

۱ بهشتیان پس از ورود به بهشت با فریادی رسا دوزخیان را مخاطب قرار داده و با آنان سخن می گویند .

و نادی اصحب الجنه اصحب النار

<نداء> به معنای فریاد زدن و کسی را با صدایی بلند خواندن است.

۲ اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادی . .. أن قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

تمایلات بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۱۰

۱۰ – خواهش ها و کشش های درونی انسان ، همراه با او حتی در بهشت و جهان آخرت

و فیها ما تشتهیه الأنفس

از این که انسان حتی در بهشت دارای شهوات و خواهش ها است، مطلب بالا استفاده می شود.

تمایلات جنسی بهشتیان

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۴

۴ - وجود تمایلات جنسی و پیوند زناشویی ، میان مردان و زنان در بهشت

هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متّکئون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۰ - ۴

۴ - بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و نیاز های عاطفی در بهشت

و زوّجنهم بحور عین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۹

۹ - بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و حس لذت جویی

متّکین علی فرش . .. فیهنّ قصرت الطرف

از این که خداوند به وجود حوریان بشارت داده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۴ - ۴

۴ - بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و حس لذت جویی

لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۲ - ۱

۱ - وجود غریزه و تمایل جنسی در میان بهشتیان

و حور عين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۴

۴ - وجود غريزه و تمايل جنسى در ميان بهشتيان

إنّا أنشانهنّ إنشاءً . .. عربًا أترابًا

تنزيه بهشتيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۶

۶ - بهشتيان ، هرگز دروغ نمى گويند و يكديگر را به دروغ گويى متهم نمى كنند .

و لا كذّابًا

<كذّاباً> يا به معناى <كَذِباً> (دروغ) و يا مصدر باب تفعيل و

به معنای تکذیب است (لسان العرب). بنابراین مفاد <و لا کذّاباً> این است که در بهشت، دروغ وجود ندارد یا این که کسی تکذیب گفتار خویش را از دیگران نمی شنود; زیرا همگان صداقت یکدیگر را باور دارند.

تنوع لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۳

۳- لباس های بهشتیان ، دارای تنوع

سندس و إستبرق

جامهای شراب بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۴ - ۲

۲ - می گساری بهشتیان و استفاده آنان از جام های شراب آماده ، جلوه ای از خوشبختی آنان است .

إنّ للمتّقین مفازًا . .. و کأسًا دهاقًا

جاودانگی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - بهشت جایگاهی است زوال ناپذیر و بهشتیان در آن جاودان خواهند بود .

و هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۲

۲ پرهیزکاران ، جاودان در بهشت و برخوردار از نعمت های آن

لکن الّذین اتّقوا ربّهم لهم جنّات . .. خالدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۵ – ۷

۷ سکونت مؤمنان در بهشت همیشگی و دایمی است .

خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۹ – ۷

۷ بهشتیان برای همیشه بهره مند از بهشت جاویدان و نعمت های آن

خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۲ – ۴

۴ انسان ها در باورشان به معارف دین و انجام تکالیف الهی ، برخوردار از توانایی های متفاوت هستند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لانکلف نفساً إلا وسعها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۳ – ۸

۸ بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

أُولئک أصحب الجنه هم فیها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۸ – ۲،۶

۲ بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

و أما الذین سعدوا ففی الجنه خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

۶ خلود بهشتیان در بهشت ، بسته به مشیّت خداوند است .

و أما الذین سعدوا ففی الجنه خلدین . .. إلاّ ما شاء ربک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۶ – ۴

۴ – بهشتیان در بهشت های عدن ، جاودانه و مخلداند .

جنّت عدن . .. خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۲ – ۳

۳- بهشتیان ، غرق و جاودان در نعمت های دل خواه خویش خواهند بود .

و هم فی مااشتهت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱ - ۵

۵ - اهل بهشت در آن ، جاودان می مانند .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۳

۳ بهشت ، سرایی جاودانه است و بهشتیان در

آن جاویدان اند .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۸ - ۱،۲

۱ - شگفتی بهشتیان ، از جاودانه زیستن و نمردن خود در حیات اخروی

أفما نحن بميّتين

استفهام در <أفما. ..> از نوع استفهام تقریری و متضمن معنای تعجب است. گفتنی است که این تعجب از فرط سرور و خوشحالی می باشد.

۲ - بهشتیان ، در اوج سرور و شادمانی از نمردن و جاودانه بودن شان در حیات اخروی

أفما نحن بميّتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۰ - ۴

۴ - جاودانگی بهشتیان ، در ناز و نعمت بهشتی

جنّت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۶ - ۲

۲- بهشتیان ، فارغ از دغدغه مرگ و از دست دادن نعمت ها

لایذوقون فیها الموت

جاودانگی سرور بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۵

۵ - روزگار خوش بهشت ، روزگاری جاودان

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

جایگاه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۷

۷ جایگاه رفیع بهشتیان ، مشرف بر نهرهایی جاری

تجری من تحتهم الأنهر

جذابیت همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۴

۴ - بهشتیان و خداترسان ، مجذوب همسران بهشتی خود

فیهنّ قصرت الطرف

مقصود از <طرف> می توانـد نگاه همسـران زنان بهشتی باشـد; یعنی، زنان بهشتی چنان جـذاب انـد که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود

مشغول می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۳،۴،۵

۳ - بندگان مخلَص خدا در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از <طرف> می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد; یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

۴ - زنان بهشتی ، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

و عندهم قصرت الطرف

۵ - زنان بهشتی ، برخوردار از چشمانی درشت و جذاب

قصرت الطرف عین

<عیناء> (مفرد <عِین>) به معنای چشم درشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۳

۳ - تقواپیشگان در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <طرف> مربوط به غیر زنان بهشتی باشد; یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را، به خود مشغول می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۴

۴- همسران بهشتی تقواپیشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عين

<حور> (جمع <حوراء>); يعنى، زنـانى كه سـياهى چشم او كاملاًـ مشـكى و سـفيدى آن كاملاً نمايان بوده و بـدنى سـفيد داشته باشند. <عين> (جمع <عيناء>); يعنى، زنان فراخ چشم.

جنس لباس بهشتيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۷

۷ - پرنيان ، جنس لباس مؤمنان در بهشت

و لباسهم فيها حرير

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۳ – ۱

۱– دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقواپیشگان در بهشت

یلبسون من سندس و إستبرق

<سندس> به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. <استبرق> نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۱ – ۲

۲ – جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

جهنمیان و بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۴ – ۴

۴ اعتراف دوزخیان در برابر بهشتیان ، به تحقق تهدید های الهی درباره ایشان

فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً قالوا نعم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۰ – ۱،۵

۱ دوزخیان با فریادی بلند از بهشتیان تقاضا می کنند که از آب های بهشت یا دیگر مواهب آن بر ایشان فروریزند .

و نادی اصحب النار . .. أن أفیضوا علینا من الماء او مما زرقکم اللّه

۵ دوزخیان با خودداری بهشتیان از پذیرش درخواستشان ، از دستیابی به آب و دیگر مواهب بهشت ناکام خواهند شد .

أن أفیضوا علینا . .. قالوا إن اللّه حرمهما علی الکفرین

حالات بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۷ – ۲

۲ – قیامت و احوال خوبان و بدان و بهشتیان و دوزخیان ، خبری پرفایده و بزرگ

قل هو نبؤا عظیم

حجاب بهشتیان و جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۱،۲

۱ وجود حجاب و فاصله میان بهشتیان و دوزخیان

و بینهما حجاب

۲ مردانی بلند مرتبه (أصحاب اعراف) ، بر بلندای حجاب حایل بین دوزخیان و بهشتیان حضور خواهند داشت .

و بینهما حجاب و علی الاعراف رجال

<عرف> به قسمتهای بالا- و رویین هر چیز بلند و مرتفع گفته می شود و جمع آن <اعراف> است. (لسان العرب). ال در <الاعراف> جانشین مضاف إلیه است، یعنی: و علی اعراف الحجاب رجال.

حمد بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است : < ان اطیب شیء فی الجنه و ألذّه حب اللّه و الحب فی اللّه و الحمد للّه قال اللّه عزوجل : < و آخر دعواهم ان الحمدللّه رب العالمین > . . . ;

دلپذیرترین و لذت بخش ترین چیز در بهشت، دوستی خدا و دوستی در راه خدا و <حمد> برای خداست. خدای عزوجل فرمود: آخرین دعا [و گفتار]مؤمنان در بهشت <الحمدللّه رب العالمین> است> ... .

خاطره گویی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۱ - ۲،۳

۲ - بهشتیان با یادآوری خاطرات دنیایی خویش ، در بزم بهشتی به گفتوگو خواهند پرداخت .

قال قائل منهم إنّی کان لی قرین

۳ - لذت بخش بودن یاد خاطرات دنیوی ، در بزم بهشتی برای بهشتیان

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرت الطرف... قال قائل منهم إنّی

یادکرد خاطرات خود در دنیا، در

آن بزم باشکوه و پر از ناز و نعمت، گویای این حقیقت است که یاد چنین خاطراتی، خود لذت بخش و طراوت آفرین است.

خداجویی بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۳ – ۶

۶ – تقواپیشگان و ره جویان به بهشت ، دارای قلبی خداجو و تائب

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . .. و جاء بقلب منیب

خواسته های بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰ – ۱۴

۱۴ از امام باقر (ع) روایت شده است : < . . . و إذا اراد المؤمن شیئاً او اشتهی انما دعواه فی ها إذا أراد ، أن یقول : < سبحانک اللّهم > فاذا قال ها تبادرت إلیه الخدم بما اشتهی من غیر ان یکون طلبه منهم أو أمر به و ذلک قول اللّه عز و جل : < دعواهم فی ها سبحانک اللّهم و تحیتهم فی ها سلام > یعنی الخدام قال : < و آخر دعواهم أن الحمد للّه رب العالمین > یعنی بذالک عند ما یقضون من لذاتهم من الجماع و الطعام و الشراب یحمدون اللّه عز و جل عند فراغتهم . . . ;

. .. هر گاه مؤمن [در بهشت] چیزی را اراده کرد یا بدان میل پیدا کرد، دعا [و گفتار] او در آن جا این است که می گوید: <سبحانک اللّهم>. پس وقتی این ذکر را گفت، خادمان آنچه را او خواسته برایش حاضر می کنند بدون اینکه آن را طلبیده یا دستور داده باشد و این است معنای قول خدا

<دعواهم فیها سبحانک اللهم>. [و اینکه خدا می فرماید] <تحیتهم فیها سلام>; یعنی، تحیت مؤمنان در بهشت، سلام خادمان بهشتی است. امام فرمود: <و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمین>; یعنی، مؤمنان هنگامی که از لذت آمیزش و خوردنیها و آشامیدنیها، بهره مند شدند، با گفتن <الحمدللّه رب العالمین> خدای عزوجل را حمد می گویند ... .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۲ – ۳

۳- بهشتیان ، غرق و جاودان در نعمت های دل خواه خویش خواهند بود .

و هم فی مااشتهت أنفسهم خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۹ – ۴

۴ – مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول هآؤُم اقرءوا کتبیه

<هآؤُم> اسم فعل امر و به معنای <خذوا> (بیایید بگیرید) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۶ – ۵

۵ – اندازه گیری و هندسه ظرف ها و جام های بهشتی و مقدار محتوای آنها ، به سفارش و خواسته خود بهشتیان است .

قدّروها تقدیرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که فاعل <قدّروا> خود ابرار باشد.

درخواست از بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۲ – ۷

۷ – < عن أبی عبداللّه (ع) قال : . . . < یوم التناد > یوم ینادی أهل النار أهل الجنّه أن أفیضوا علینا من الماء أو ممّا رزقکم

اللّه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده فرمود: <یوم

التناد> روزی است که دوزخیان بهشتیان را صدامی زنند که از فیض آب ها یا آنچه را خدا به شما عطافرموده ما را مستفیض کنید. ..>.

دستبندهای طلایی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۳

۳- دست بند های زرین طلا ، از جمله زینت های بهشتیان در بهشت است .

یحلّون فیها من أساور من ذهب

<سوار> به معنای <دست بند> است. جمع آن <اسوره> و جمع الجمع آن <أساوره> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۶

۶ - مؤمنان در بهشت ، با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می شوند .

یحلّون فیها من أساور من ذهب و لؤلؤًا

<لؤلؤ> به معنای مروارید و <أساور> (جمع <أسوره>) معرّب دستواره و معادل دستبند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۴

۴ - بهشتیان ، با دستبند های طلا ، مروارید ، آراسته خواهند شد .

یحلّون فیها من أساور من ذهب و لؤلؤًا

دستبندهای مرواریدنشان بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۶

۶ – مؤمنان در بهشت ، با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می شوند .

یحلّون فیها من أساور من ذهب و لؤلؤًا

<لؤلؤ> به معنای مروارید و <أساور> (جمع <أسوره>) معرّب دستواره و معادل دستبند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۳ – ۴

۴ – بهشتیان ، با دستبند های طلا ، مروارید ، آراسته خواهند شد

.

يحلّون فيها من أساور من ذهب و لؤلؤًا

دستبندهای نقره ای بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۱ – ۵

۵ – دستواره های سیمین ، از زینت های بهشتیان

و حلّوا أساور من فضّه

دعای بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۷ – ۵،۶

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناك دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

۶ قرار نگرفتن در کنار دوزخیان ستمگر ، دعای رهروان بهشت به درگاه خداوند

و إذا صرفت . .. قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰ – ۱،۳،۸،۱۴

۱ نیایش مؤمنان با خدا در بهشت

فی جنت النعیم. دعویهم فیها سبحنک اللّهم

۳ ذکر < سبحانك اللّهم > سر فصل نیایش مؤمنان با خدا در بهشت

جنت النعیم. دعویهم فیها سبحنک اللّهم

۸ حمد و ستایش خدا ، پایان بخش نیایش مؤمنان در بهشت

و ءاخر دعویهم أن الحمد للّه رب العلمین

۱۴ از امام باقر (ع) روایت شده است : < . . . و إذا اراد المؤمن شیئاً او اشتهی انما دعواه فی ها إذا أراد ، أن یقول : < سبحانک اللّهم > فاذا قال ها تبادرت إلیه الخدم بما اشتهی من غیر ان یکون طلبه منهم أو أمر به و ذلک قول اللّه عز و جل : < دعواهم فی ها سبحانک اللّهم و تحیتهم فی ها سلام > یعنی الخدام قال

: < و آخر دعواهم أن الحمد للّه رب العالمين > يعنى بذالك عند ما يقضون من لذاتهم من الجماع و الطعام و الشراب يحمدون اللّه عز و جل عند فراغتهم . . . ;

. .. هر گاه مؤمن [در بهشت] چیزی را اراده کرد یا بدان میل پیدا کرد، دعا [و گفتار] او در آن جا این است که می گوید: <سبحانک اللّهم>. پس وقتی این ذکر را گفت، خادمان آنچه را او خواسته برایش حاضر می کنند بدون اینکه آن را طلبیده یا دستور داده باشد و این است معنای قول خدا <دعواهم فیها سبحانک اللهم>. [و اینکه خدا می فرماید] <تحیتهم فیها سلام>; یعنی، تحیت مؤمنان در بهشت، سلام خادمان بهشتی است. امام فرمود: <و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمین>; یعنی، مؤمنان هنگامی که از لذت آمیزش و خوردنیها و آشامیدنیها، بهره مند شدند، با گفتن <الحمدللّه رب العالمین> خدای عزوجل را حمد می گویند ... .

دلایل رضایت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۵

۵ - ایمان به قیامت و حساب رسی اعمال ، دلیل شادمانی و رضایت مندی مؤمنان بهشتی ، هنگام مشاهده نامه اعمال خویش است .

فیقول هآؤُم اقرءوا کتبیه . إنّی ظننت أنّی ملق حسابیه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إنّی ظننت. ..> در مقام تعلیل برای جمله <فیقول هآؤُم ...> باشد.

دوری بهشتیان از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۱

۱- بهشتیان ، در جایگاهی به دور از

شنیدن صدای آهسته برخاسته از آتش دوزخ خواهند بود .

لایسمعون حسیسها

<حسیس> به معنای صدای آهسته است و مقصود از آن در آیه شریفه، صدایی است که از حرکت آتش دوزخ برمی خیزد.

رضایت از بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۷

۱۷ از امام سجاد (ع) روایت شده که فرمود : < إذا صار اهل الجنه فی الجنه . . . فیقول لهم تبارك و تعالی : رضای عنکم و محبتی لکم خیر و اعظم مما انتم فیه . . . ثم قرء علی بن الحسین هذه الآیه < وعد اللّه المؤمنین و المؤمنات جنات تجری من تحت ها الانهار . . . و رضوان من اللّه اکبر . . . > ;

آن گاه که بهشتیان در بهشت قرار گیرند . .. خدای تبارک و تعالی به آنان می فرماید: رضایت و محبت من درباره شما بهتر و بزرگتر است از نعمتهای بهشتی که غرق در آن هستید. سپس امام (ع) این آیه را قراءت فرمود: خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرهایی از زیر درختانش جاری است ... و رضایت و خشنودی خدا [از همه اینها]بزرگ تر است >.

رضایت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۹

۹ خداوند همواره خشنود از اهل بهشت می باشد و بهشتیان نیز همواره از خدا دلشادند .

رضی اللّه عنهم و رضوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸

۲- بهشتیان ، از جایگاه خود ، رضایت کامل داشته و هیچ تمایلی به جابه جایی از آن و یا تغییری در وضع موجود ندارند .

لایبغون عنها حولاً

<بغی> به معنای <طلب> است. <بغی عنه> حاوی تضمین است; یعنی، از چیزی اعراض کرد و چیز دیگر به جای آن طلبید. <حول> مصدر و به معنای <تحوّل> (جابه جایی) است. بنابراین، <لایبغون عنها حولاً> یعنی: <بهشتیان، طالب هیچ دگرگونی و تحوّلی در وضع خود نیستند.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۶ - ۱

۱ - تقواپیشگان بهشتی ، دریافت کنندگان عطایای پروردگار با رغبت و رضا

ءاخذین ما ءاتیهم ربّهم

واژه <أخذ> در مورد بهشتیان است و به قرینه موضوع می رساند که آنان با اشتیاق هدایای الهی را می پذیرند; برخلاف کافران که در قیامت با ناراحتی و به قهر عذاب الهی را می چشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۵

۵ - شادمانی و رضایت مندی کامل مؤمنان بهشتی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول هآؤُم اقرءوا کتبیه

رفاه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۸ - ۵

۵- متقین در بهشت ، در رفاه مادی و آسایش فکری کامل هستند .

إن المتقین فی جنّت و عیون . ادخلوها بسلم ءامنین ... علی سرر متقبلین . لایمسّه

رفع اندوه بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۴ – ۱،۲

۱ – سپاسگزاری بهشتیان از خداوند ، به

خاطر برداشتن حزن و اندوه از ایشان

و قالوا الحمد للّه الذی أذهب عنّا الحزن

۲ - بهشتیان ، در کمال آسودگی و به دور از هرگونه حزن و اندوه

و قالوا الحمد للّه الذی أذهب عنّا الحزن

رنگ لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۴

۴- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس

<سندس> به <پارچه دیبای نازک> گفته می شود نکره بودن واژهای <ثیاباً> و <خضراً> و <سندس> دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید <کمال ظرافت و لطافت> آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۲

۲ - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

روابط بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۱۰

۱۰- بهشتیان در بهشت ، روابط حسنه و سرشار از محبت با یکدیگر خواهند داشت .

تحیّتهم فیها سلم

اینکه خداوند می فرماید <تحیت مؤمنان در بهشت سلام گفتن و یا درخواست سلامتی برای یکدیگر است> حکایت از روابط خوب آنان می کند.

روزی بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۵ – ۸،۹

۸

- میوه درختان بهشت از روزی های بهشتیان

کلما رزقوا منها من ثمره رزقاً

<رزقاً> به معنای روزی است و مفعول دوم برای <رزقوا> می باشد. ضمیر در <منها> به <جنات> بر می گردد و <من ثمره> به منزله بیان برای <منها> است.

۹ - روزی اهل بهشت ، نتیجه و تجسم عقاید صحیح و اعمال صالحشان است .

کلما رزقوا منها من ثمره رزقاً قالوا هذا الذی رزقنا من قبل

برداشت فوق بر این اساس است که: مراد از <من قبل> دنیا باشد. بر این مبنا، جمله <هذا الذی ...> دلالت می کند که روزیهای بهشت همان است که در دنیا به اهل ایمان داده شده بود. در توجیه این معنا (عینیت روزی بهشت با روزی دنیا) می توان گفت، مقصود آن است که: نعمتهای بهشت تجسم همان اعمال و عقاید اهل ایمان در دنیاست. روشن است که بر این مبنا، مراد از <الذی رزقنا> ایمان و عمل صالح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۵،۶

۵- بهشتیان ، دارای روزی ویژه ، منظم و تضمین شده در هر صبح و عصر

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیًا

از آن جایی که در بهشت هر آنچه که خواسته شود مهیا است، روشن می گردد که آنچه در این آیه در مورد رزق صبح و عصر آمده، تفضلی ویژه است. البته برخی این جمله را کنایه از دائمی بودن رزق بهشتی دانسته اند. درباره معنای <عشیّ> نظریات گوناگونی ابراز شده است; از جمله: <بین ظهر تا غروب> و <آخر روز> (مصباح).

۶- بهشتیان ، همواره از نعمت های بهشتی و ارزاق آن

بهره مند خواهند بود .

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیًّا

<صبح و عصر> می تواند کنایه از تمام وقت باشد.

روش برخورد بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۳ – ۱۰

۱۰– بهشتیان در بهشت ، روابط حسنه و سرشار از محبت با یکدیگر خواهند داشت .

تحیّتهم فیها سلم

اینکه خداوند می فرماید <تحیت مؤمنان در بهشت سلام گفتن و یا درخواست سلامتی برای یکدیگر است> حکایت از روابط خوب آنان می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۱۱

۱۱ درود و سلام ، سخن اهل بهشت به هنگام روبه رو شدن با یکدیگر

و یلقّون فیها تحیّه و سلمًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که گوینده درود و سلام به یکدیگر خود خود اهل بهشت باشند.

زمینه آرامش بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۴ – ۷

۷ – آسایش خاطر بهشتیان ، در پرتو اطمینان از زوال ناپذیری نعمت ها

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

برداشت بالا- بنابراين نكته است كه <ذلك يوم. ..> در مقام تعليل براى <ادخلوها بسلام> باشد; يعنى، چون در بهشت جاودانه ايد، ديگر مجال هيچ اندوه نداريد و خاطرتان آسوده باد.

زندگى بهشتيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۲

۲ زندگى بهشتيان آكنده از صلح و سلامت و به دور از كشمكشهايى مانند جدال دوزخيان است .

و نزعنا ما فى صدورهم من غل

هدف از بيان پاكيزگى دل هاى بهشتيان از كينه و عداوت

پس از گوشزد کردن نزاع دوزخیان، مقایسه دو جایگاه از جهت صفا و صمیمیت و عداوت و کینه توزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۸ - ۱،۲

۱ - شگفتی بهشتیان ، از جاودانه زیستن و نمردن خود در حیات اخروی

أفما نحن بميّتين

استفهام در <أفما. ..> از نوع استفهام تقریری و متضمن معنای تعجب است. گفتنی است که این تعجب از فرط سرور و خوشحالی می باشد.

۲ - بهشتیان ، در اوج سرور و شادمانی از نمردن و جاودانه بودن شان در حیات اخروی

أفما نحن بميّتين

زیبایی لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۷

۷- بهشتیان ، به هنگام تکیه زدن بر تخت های خود ، لباس های فاخر دیبا بر تن دارند .

و يلبسون ثيابًا خضرًا من سندس و إستبرق متّكئين فيها على الأرائك

زیبایی لباس حریر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۴

۴- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

يلبسون ثيابًا خضرًا من سندس

<سندس> به <پارچه دیبای نازک> گفته می شود نکره بودن واژهای <ثیاباً> و <خضراً> و <سندس> دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید <کمال ظرافت و لطافت> آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که

بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

زینتهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۳

۳- دست بند های زرین طلا ، از جمله زینت های بهشتیان در بهشت است .

یحلّون فیها من أساور من ذهب

<سوار> به معنای <دست بند> است. جمع آن <اسوره> و جمع الجمع آن <أساوره> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۶

۶ - مؤمنان در بهشت ، با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می شوند .

یحلّون فیها من أساور من ذهب و لؤلؤًا

<لؤلؤ> به معنای مروارید و <أساور> (جمع <أسوره>) معرّب دستواره و معادل دستبند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۴،۵

۴ - بهشتیان ، با دستبند های طلا ، مروارید ، آراسته خواهند شد .

یحلّون فیها من أساور من ذهب و لؤلؤًا

۵ - طلا ، مروارید ، بهترین وسایل زینت در بهشت

یحلّون فیها من أساور من ذهب و لؤلؤًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که آیه شریفه در مقام بر شمردن وسایل زینت بهشتیان می باشد. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن این وسایل، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۴،۵

۴ – دستواره های سیمین ، زینت ابرار در بهشت

و حلّوا$ أساور من فضّه

<سوار> (مفرد <أساور>) به معنای دستواره است.

۵ – دستواره های سیمین ، از زینت های بهشتیان

و حلّوا أساور من فضّه

سرزنشهای بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۴ – ۳

۳ بهشتیان برای

ملامت و سرزنش دوزخیان ، از آنان جویای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادی . .. فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً

سرگرمی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۱

۱ - مردان بهشتی با همسرانشان در حالی که به شوخی و گفت وگوی لذت بخش مشغولند زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزیّن و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متّکئون

جمله <هم و أزواجهم. ..> استئناف بیانی برای آیه پیشین (إنّ أصحاب الجّنه...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند بیان می کند. <أریکه> (مفرد <أرائک>) نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

سرور بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۵ - ۱،۲

۱ - بهشتیان ، در ناز و نعمت و خوشی و شادمانی وصف ناپذیر غوطهور خواهند بود .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل

<شغل> به معنای شأن و کار اصلی است که انسان را از دیگر کارها بازداشته و به خود مشغول کرده است. گفتنی است که تنکیر آن می تواند برای تعظیم باشد; یعنی، مشغله ای که کنه و عمق آن ناشناخته و وصف ناپذیر است.

۲ - بهشتیان ، در فضایی سرشار از سرور و شادمانی به سر برده و به شوخی و صحبت لذت بخش باهم خواهند پرداخت .

إنّ أصحب

الجنّه الیوم فی شغل فکهون

<فاکهون> از <فکاهه> گرفته شده که به معنای سخن با اهل انس و گفتوگوی مسرت آمیز است. گفتنی است در برداشت یاد شده، <فاکهون> خبر دوم برای <إنّ> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۰ - ۱

۱ - برخی از بهشتیان ، در بزم عیش خود رو به بعضی دیگر کرده و به پرسوجو خواهند پرداخت .

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرت الطرف عین ... فأقبل بعضهم عل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۳

۳ - شادمانی و عیشِ بهشتیان ، فضل الهی در قبال تعهد و تقوای ایشان

إنّ المتّقین . .. فکهین بما ءاتیهم ربّهم

سلام بر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ < عن أبی جعفر (ع) قال : سأل علی (ع) رسول الله (ص) : . . . فقال : لماذا بنیت هذه الغرف (فی الجنه) یارسول الله ؟ فقال : یا علی تلك غرف بناها الله لأولیائه . . . فإذا دخل المؤمن إلی منازله فی الجنه . . . فإذا استقرت لولیّ الله منازله فی الجنه . . . یبعث الله ألف ملك یهنّونه بالجنه . . . فینتهون إلی أوّل باب من جنانه فیقولون للملك الموکل . . . إستأذن لنا علی ولیّ الله . . . فیأذن لهم فیدخلون علی ولیّ الله و هو فی الغرفه و ل ها

ألف بـاب . . . فيـدخل كل ملک من باب من أبواب الغرفه فيبلّغونه رساله الجبّار و ذلک قول الله : < و الملئکه يـدخلون عليهم من کلّ باب > ; يعنى : من أبواب الغرفه < سلام عليکم بما صبرتم فنعم عقبى الدار > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: حضرت علی علیه السلام از رسول الله(ص) پرسید: ای رسول خدا! چرا این غرفه ها [دربهشت] ساخته شـده است؟ فرمود: ای علی! اینها غرفه هایی انـد که خداوند آنها را برای دوسـتانش بنا کرده است، هنگامی که مؤمن وارد منزلهای خود در بهشت شود و برای ولیّ خدا منزلهای او در بهشت تثبیت گردد، خداوند هزار فرشـته می فرستد که بهشت را به او تهنیت گویند. آنها به اولین درب از بهشـتهای او می رسند و به فرشته ای که گماشته آن جاست می گویند: برای ما اذن ورود بر ولیّ خـدا بگیر. آن گاه [او] به ایشان اذن می دهـد و بر ولیّ خـدا وارد می شوند، در حالی که او در غرفه خویش است و برای آن غرفه هزار درب است. آن گاه هر فرشـته ای از یکی از دربهای غرفه وارد می شود و پیام خدای غالب را می رسانـد و این است گفته خداونـد: و الملائکه یـدخلون علیهم من کلّ باب مقصود این است که از دربهای غرفه وارد می شوند [و می گویند:] سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۴ – ۲،۷

۲ فرشتگان از هر سو بر

بهشتیان وارد می شوند و بر آنان سلام می کنند .

والملئکه یدخلون علیهم من کل باب. سلم علیکم

۷ < قال [أبوعبدالله (ع)] : إن طائفه من الملائکه عابوا ولد آدم فی اللّذات و الشهوات . . . فإذا کان یوم القیامه و صار أهل الجنه فی الجنه ، إستأذن أُولئک الملائکه علی أهل الجنه فیؤذن لهم فیدخلون علیهم فیسلّمون علیهم و یقولون لهم : < سلام علیکم بما صبرتم > فی الدنیا عن اللّذات والشهوات الحلال ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همانا عده ای از فرشتگان، آدمیان را به خاطر گرایش به لذات و شهوات، عیب جویی می کردند . .. پس آن گاه که روز قیامت برپا شود و بهشتیان در بهشت قرار گیرند، آن فرشتگان برای ورود بر بهشتیان اجازه می خواهند، پس به آنان اذن داده می شود و آن گاه فرشتگان با سلام بر آنان وارد می شوند و به ایشان می گویند: سلام بر شما باد به خاطر اینکه شکیبایی ورزیدید و از لذتها و شهوتهای حلال چشم پوشی کردید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۸ - ۱،۵

۱ - بهشتیان ، سلام و تحیتی با عظمت از جانب پروردگار بزرگ دریافت خواهند کرد .

سلم قولاً من ربّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <سلام> مبتدا و خبرِ آن، فعل محذوف باشد. و <قولاً> مفعول مطلق و نایبِ آن خبرِ محذوف باشد. در این صورت، تقدیرِ آن چنین می شود: <سلام یقال لهم قولاًـ من ربّ...>. گفتنی است تنکیرِ <سلام> و <ربّ> برای

تعظیم است.

۵ – سلام و تحیت خداوند به بهشتیان ، برخاسته از ربوبیت و مهربانی او به خلق است .

سلم قولاً من ربّ رحیم

برداشت یاد شده، از بیان دو صفتِ <ربّ> و <رحیم> برای خداوند (در این آیه شریفه) به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۳ – ۹

۹ – سلام و خوش آمدگویی دربانان بهشت به تقواپیشگان ، هنگام ورود آنان

و قال لهم خزنتها سلم علیکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۴ – ۴

۴ – استقبال فرشتگان از بهشتیان ، با تحیت و سلام

ادخلوها بسلم

بنابراین که قائل <ادخلوها> فرشتگان باشند، برداشت بالا قابل استفاده است.

سلام به بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۳ – ۹

۹– بر مؤمنان دارای عمل صالح در بهشت ، درود و سلام فرستاده می شود .

تحیّتهم فیها سلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که اضافه <تحیت> به <هم> اضافه مصدر به مفعول باشد. طبق این احتمال معنای عبارت چنین می شود: تحیت گفتن به آنان در بهشت با <سلام> است.

سلام بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰ – ۶

۶ (سلام) کلمه تحیت و درود بهشتیان به هنگام دیدار یکدیگر است .

و تحیتهم فیها سلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۳ – ۸

۸– درود و تحیت بهشتیان به یکدیگر در بهشت ، با لفظ < سلام > است .

تحیّتهم

فیها سلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ درود و سلام ، سخن اهل بهشت به هنگام روبه رو شدن با یکدیگر

و یلقّون فیها تحیّه و سلمًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که گوینده درود و سلام به یکدیگر خود خود اهل بهشت باشند.

سلامتی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۷

۷ بهره مندی از سلامتی مطلق ، تحیت و عطیه خداوند به اهل بهشت

و تحیتهم فیها سلم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <هم> در <تحیتهم> مفعول و فاعل آن، ضمیر عاید به (اللّه) باشد ; یعنی، تحیت خدا به اهل بهشت، اعطای سلامتی مطلق به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۴،۹

۴- گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از یاوه و بیهودگی و سرشار از سلامت خواهی و آرزوی امنیت خواهد بود .

لایسمعون فیها لغوًا إلاّ سلمًا

استثنا در <إلاّ سلاماً> منقطع است; یعنی، <لکن یسمعون سلاماً> و یا <کلاماً سالماً>. برخی از مفسران آن را استثنای متصل دانسته و گفته اند: <سلام> که دعای به سلامتی از آفات است برای بهشتیان جز اکرام و گرامی داشت مفهومی ندارد; زیرا در بهشت آفتی نیست تا دعا به سلامتی از آن لغو نباشد.

۹- امنیت و سلامت روح و جسم ، ره آورد ورود به بهشت

لایسمعون فیها لغوًا إلاّ سلمًا و لهم رزقهم فیها

در این آیه، دو نوع تأمین برای بهشتیان مطرح شده است: ۱ امنیت

روحی به جهت آن که سخن ها، همه سلام و ایمنی بخش است; ۲ امنیت جسمی که با تأمین نیازهای جسمی حاصل است.

سوگند بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ بهشتیان حقانیت رسالت و وعده های پیامبران را درمی یابند و با سوگند آن را بازگو می کنند .

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۶ - ۳

۳ - سوگند مؤکد بهشتیان برای هم نشینان دوزخی خود ، مبنی بر تلاش آنان در جهت هلاکت مؤمنان و معتقدان به معاد در دنیا

قال تاللّه إن کدتّ لتردین

<ارداء> (مصدر <تردین>) به معنای نابودکردن است.

شام بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۵

۵- بهشتیان ، دارای روزی ویژه ، منظم و تضمین شده در هر صبح و عصر

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیًا

از آن جایی که در بهشت هر آنچه که خواسته شود مهیا است، روشن می گردد که آنچه در این آیه در مورد رزق صبح و عصر آمده، تفضلی ویژه است. البته برخی این جمله را کنایه از دائمی بودن رزق بهشتی دانسته اند. درباره معنای <عشیّ> نظریات گوناگونی ابراز شده است; از جمله: <بین ظهر تا غروب> و <آخر روز> (مصباح).

شکر بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۹

۹ بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده مواهب آن ، خداوند را به خاطر هدایت شدن

و نیلشان به بهشت ، سپاس می گویند .

و قالوا الحمد للّه الذی هدینا لهذا

شکرگزاری بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۴ - ۱،۹

۱ - سپاسگزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر برداشتن حزن و اندوه از ایشان

و قالوا الحمد للّه الذی أذهب عنّا الحزن

۹ - سپاس گزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر آمرزش خطا های آنان و قدردانی از کار های نیکشان

و قالوا الحمد للّه . .. إنّ ربّنا لغفور شکور

جمله <إنّ ربّنا لغفور شکور> بیان دیگری از فلسفه سپاس گزاری از خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۵ - ۱

۱ - سپاس گزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر وارد کردن آنان به سرای همیشگی

الحمد للّه . .. الذی أحلّنا دار المقامه

شکوه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۴

۴ - شکوه ، جلال ، آسایش و تنعم ، جملگی جمع در بهشت خائفان از مقام پروردگار

و لمن خاف مقام . .. متّکین علی فرش ... و جنی الجنّتین دان

صبحانه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۵

۵- بهشتیان ، دارای روزی ویژه ، منظم و تضمین شده در هر صبح و عصر

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیًّا

از آن جایی که در بهشت هر آنچه که خواسته شود مهیا است، روشن می گردد که آنچه در این آیه در مورد رزق صبح و عصر آمده، تفضلی ویژه است. البته

برخی این جمله را کنایه از دائمی بودن رزق بهشتی دانسته اند. درباره معنای <عشیّ> نظریات گوناگونی ابراز شده است; از جمله: <بین ظهر تا غروب> و <آخر روز> (مصباح).

صبر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۷

۷ < قال [أبوعبدالله (ع)] : إن طائفه من الملائکه عابوا ولد آدم فی اللّذات و الشهوات . . . فإذا کان یوم القیامه و صار أهل الجنه فی الجنه ، إستأذن أُولئك الملائکه علی أهل الجنه فیؤذن لهم فیدخلون علیهم فیسلّمون علیهم و یقولون لهم : < سلام علیکم بما صبرتم > فی الدنیا عن اللّذات والشهوات الحلال ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همانا عده ای از فرشتگان، آدمیان را به خاطر گرایش به لذات و شهوات، عیب جویی می کردند . .. پس آن گاه که روز قیامت برپا شود و بهشتیان در بهشت قرار گیرند، آن فرشتگان برای ورود بر بهشتیان اجازه می خواهند، پس به آنان اذن داده می شود و آن گاه فرشتگان با سلام بر آنان وارد می شوند و به ایشان می گویند: سلام بر شما باد به خاطر اینکه شکیبایی ورزیدید و از لذتها و شهوتهای حلال چشم پوشی کردید>.

صفات بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ عدم اتکای بهشتیان به اعمال خویش ، در رسیدن به نعمت های بهشت

و قالوا الحمد للّه الذی هدینا لهذا و ما کنا لنهتدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۵

۵- بهشتیان ، دارای روزی ویژه ، منظم و تضمین شده در هر صبح و عصر

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیًّا

از آن جایی که در بهشت هر آنچه که خواسته شود مهیا است، روشن می گردد که آنچه در این آیه در مورد رزق صبح و عصر آمده، تفضلی ویژه است. البته برخی این جمله را کنایه از دائمی بودن رزق بهشتی دانسته اند. درباره معنای <عشیّ> نظریات گوناگونی ابراز شده است; از جمله: <بین ظهر تا غروب> و <آخر روز> (مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۲ - ۱

۱ - وجود غریزه و تمایل جنسی در میان بهشتیان

و حور عین

صلح بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۲

۲ زندگی بهشتیان آکنده از صلح و سلامت و به دور از کشمکشهایی مانند جدال دوزخیان است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

هدف از بیان پاکیزگی دل های بهشتیان از کینه و عداوت پس از گوشزد کردن نزاع دوزخیان، مقایسه دو جایگاه از جهت صفا و صمیمیت و عداوت و کینه توزی است.

صمیمیت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۲

۲ زندگی بهشتیان آکنده از صلح و سلامت و به دور از کشمکشهایی مانند جدال دوزخیان است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

هدف از بیان پاکیزگی دل های بهشتیان از کینه و عداوت پس از گوشزد کردن نزاع دوزخیان، مقایسه دو جایگاه از جهت

صفا و صمیمیت و عداوت و کینه توزی است.

ضخامت لباس بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۱ – ۵

۵- تن پوش هایی فاخر و ضخیم ، فراهم آمده از حریر سبز ، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است .

و یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس و إستبرق

کلمه <إستبرق> معرب <إستبر> فارسی است. و به معنای <دیبای ضخیم> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۱ – ۲

۲ – جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

ظرافت لباس بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۱ – ۲

۲ – جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

عجز از رؤیت بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۲ – ۱،۲

۱ – طاغیان و دوزخیان ، در جهنم از دیدن بهشتیان ناتوان خواهند بود .

و قالوا ما لنا لانرى رجالاً كنّا نعدّهم من الأشرار

مقصود از <رجال> در آیه شریفه، مؤمنان و تقواپیشگان اند که در بهشت جای دارند.

۲ - اظهار تعجب و حسرت طاغیان و دوزخیان ، از ناتوانی شان در دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما لنا لانرى رجالاً كنّا نعدّهم من الأشرار

استفهام در <ما لنا. ..> برای تعجب و تحسر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵

- ص - ۳۸ - ۶۳ - ۲

۲ - طاغیان در دوزخ ، خود را از دیدن بهشتیان و مؤمنان ناتوان خواهند دید .

أم زاغت عنهم الأبصر

عدم تساوی جهنمیان با بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۰ - ۱

۱ - نابرابری ، فرجام اخروی دوزخیان و بهشتیان

لایستوی أصحب النار و أصحب الجنّه

عزت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵ - ۳

۳ - مؤمنان بهشتی ، در اوج عزت و احترام به سر می برند .

أُولئک فی جنّت مکرمون

عطایای خدا به بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۷

۷ بهره مندی از سلامتی مطلق ، تحیت و عطیه خداوند به اهل بهشت

و تحیتهم فیها سلم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <هم> در <تحیتهم> مفعول و فاعل آن، ضمیر عاید به (اللّه) باشد ; یعنی، تحیت خدا به اهل بهشت، اعطای سلامتی مطلق به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - تقواپیشگان بهشتی ، دریافت کنندگان عطایای پروردگار با رغبت و رضا

ءاخذین ما ءاتیهم ربّهم

واژه <أخذ> در مورد بهشتیان است و به قرینه موضوع می رساند که آنان با اشتیاق هدایای الهی را می پذیرند; برخلاف کافران که در قیامت با ناراحتی و به قهر عذاب الهی را می چشند.

۲ - عطایای خداوند به اهل بهشت ، جلوه ای از ربوبیت و پروردگاری او

ءاتیهم ربّهم

علاقه به رؤیت بهشتیان

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۲ – ۴

۴ – طاغیان و دوزخیان ، مشتاق دیدن مؤمنان و مطلع گشتن از سرنوشت آنان هستند .

و قالوا ما لنا لانری رجالاً

علم بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۵ – ۱

۱ – اطلاع یافتن بهشتیان ، از سرنوشت هم نشینان کافر دنیایی خویش در قیامت

إنّی کان لی قرین . .. قال هل أنتم مطّلعون . فاطّلع

<فا> در فاطّلع> فصیحه و عطف بر جمله مقدر است که تقدیر آن چنین می باشد: <هل أنتم مطّلعون حتّی اطّلع أنا أیضاً فاطّلعوا و اطّلع هو بعد ذلک; آیا شما اطلاع دارید تا من هم مطلع شوم؟ پس اطلاع یافتند و سپس او نیز اطلاع یافت>.

عمل بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۱

۱ خداوند دل ها و سینه های اهل بهشت را از هر کینه و دشمنی پاک خواهد کرد .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

<غل> به معنای کینه است.

عمل خیر بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۴ – ۹

۹ – سپاس گزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر آمرزش خطا های آنان و قدردانی از کار های نیکشان

و قالوا الحمد للّه . .. إنّ ربّنا لغفور شکور

جمله <إنّ ربّنا لغفور شکور> بیان دیگری از فلسفه سپاس گزاری از خداوند است.

عوامل آرامش بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۶ –

۴- نمایاندن جایگاه بهشتیان به آنان ، زداینده نگرانی ها از خاطر ایشان *

و یصلح بالهم . .. عرّفها لهم

ارتباط <یصلح بالهم> با <عرّفها لهم> ممکن است این گونه باشد که خداوند، با شناساندن جایگاه بهشتیان به آنان پس از شهادتشان، به همه نگرانی های آنان پایان داده و قلبشان را آرامش بخشیده و امورشان را اصلاح کرده باشد.

عوامل سرور بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۸ – ۲

۲ – بهشتیان ، در اوج سرور و شادمانی از نمردن و جاودانه بودن شان در حیات اخروی

أفما نحن بميّتين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۹ – ۲

۲ – سرور و شادمانی بهشتیان ، از نمردن و جاودانه زیستنن و نیز رهایی از عذاب الهی در آخرت

إلّا موتتنا الأُولی و ما نحن بمعذّبين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۸ – ۷

۷ – بهشتیان ، مسرور و شادمان از لطف پروردگار خویش ، به خاطر رهایی از دوزخ

فكهين بما ءاتيهم ربّهم و وقيهم ربّهم عذاب الجحيم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۳ – ۲

۲ - سرخوشی بهشتیان در مجالس انس ، با ربودن جام های شراب از دست یکدیگر

یتنزعون فیها کأسًا

عوامل لذایذ اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۲

۲ - بهشت و نعمت های گسترده آن ، مایه بهرهوری و لذت کامل بهشتیان و نه مانند امکانات

محدود و ناقص دنیوی *

فکهین بما ءاتیهم ربّهم

ممکن است که <فاکهین>، تعریض به امکانات دنیا داشته باشد که معمولاً بشر قادر به بهرهوری کامل از آنها نیست و لذت آن، آمیخته با محرومیت ها است.

غذای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۱ - ۵

۵ - میوه ها ، از غذا های اصلی بهشتیان است .

یدعون فیها بفکهه کثیره

از اختصاص به ذکر یافتن میوه ها، از میان دیگر غذاها و خوراکی های درخواستی بهشتیان، برداشت یاد شده به دست می آید.

فراموشی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱۵

۱۵ - امتنان الهی بر مؤمنان بهشتی ، با زدودن یاد تلخ لغزش های دنیوی از خاطره آنان *

و یکفّر عنهم سیّئاتهم

با توجّه به این که مسأله تکفیر سیّئات پس از ورود مؤمنان به بهشت مطرح شده است در حالی که رتبه تکفیر، قبل از مرحله ورود به بهشت است احتمال می رود که مراد از تکفیر در این جا، بخشش گناهان نباشد; بلکه پوشاندن گناهان مورد نظر باشد; به گونه ای که بهشتیان دیگر از آن پس، با به یاد آوردن لغزش های گذشته شرمنده و مکدّر نشوند.

فرجام اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۰ – ۱

۱ – نابرابری ، فرجام اخروی دوزخیان و بهشتیان

لایستوی أصحب النار و أصحب الجنّه

فرزندان بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۳ – ۵

۵ پدران ، همسران

و فرزندان واردشدگان به بهشت عدن در صورتی که صالح باشند به ایشان ملحق خواهند شد .

جنّت عدن یدخلونها و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

فضایل بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۴ – ۸

۸ همنشینی و مؤانست بهشتیان در بهشت و تنهایی جهنّمیان در جهنّم *

خالدین فیها . .. خالداً فیها

جمع آوردن <خالدین> برای بهشتیان و مفرد بودن <خالداً> برای جهنّمیان، می تواند گویای مطلب فوق باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۷ – ۶

۶ همسران اهل بهشت ، همواره پاکیزه و منزه از هر گونه آلودگی

و الذین امنوا . .. لهم فیها ازواج مطهّره

<مطهّر> به کسی گفته می شود که از نظر جسمی و روحی پاک و منزه باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۲ – ۶

۶- بهشتیان ، همواره از نعمت های بهشتی و ارزاق آن بهره مند خواهند بود .

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیًّا

<صبح و عصر> می تواند کنایه از تمام وقت باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۲ – ۳

۳- بهشتیان ، غرق و جاودان در نعمت های دل خواه خویش خواهند بود .

و هم فی مااشتهت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۱،۳

۱- بهشتیان و مؤمنان راستین ، از ناله و اندوه بزرگ قیامت در امان بوده و غمگین نخواهند شد .

إنّ الذین سبقت

لهم منّا الحسنی . .. لایحزنهم الفزغ الأکبر

<فزع> به معنای انقباض و گرفتگی ناشی از شیء ترسناک و از جنس <جزع> (ناله و افغان) است (مفردات راغب).

۳- بهشتیان و مؤمنان راستین ، به هنگام برپایی قیامت مورد استقبال فرشتگان قرار خواهند گرفت .

و تتلقیهم الملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۸ - ۱،۶،۷

۱ - بهشتیان ، سلام و تحیتی با عظمت از جانب پروردگار بزرگ دریافت خواهند کرد .

سلم قولاً من ربّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <سلام> مبتدا و خبرِ آن، فعل محذوف باشد. و <قولاً> مفعول مطلق و نایبِ آن خبرِ محذوف باشد. در این صورت، تقدیرِ آن چنین می شود: <سلام یقال لهم قولاً ـ من ربّ...>. گفتنی است تنکیرِ <سلام> و <ربّ> برای تعظیم است.

۶ - خداوند ، با بهشتیان سخن خواهد گفت .

سلم قولاً من ربّ رحیم

۷ - بهشتیان ، مورد تکریم و عنایت ویژه پروردگاراند .

سلم قولاً من ربّ رحیم

سخن گفتن خداوند با بهشتیان و دریافت سلام و تحیت بزرگ از جانب او، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۰ - ۱

۱ - برخی از بهشتیان ، در بزم عیش خود رو به بعضی دیگر کرده و به پرسوجو خواهند پرداخت .

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرت الطرف عین ... فأقبل بعضهم عل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۲ – ۴

۴ – بهشتیان ، مهمانان خدا در بهشت

أذلک خیر نزلاً

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ - پاداش الهی به بهشتیان ، فراوان و توصیف ناپذیر است .

و الذین ءامنوا . .. ذلک هو الفضل الکبیر

بنابراین که <ذلک> اشاره به مجموعه های نعمت های بهشتیان داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۹ - ۲

۲ - خوردن و آشامیدن بهشتیان ، همراه با پیام < گوارا باد > به ایشان

کلوا و اشربوا هنیًا

جمله <کلوا و اشربوا> مقول قول محذوف است; یعنی، <یقال لهم کلوا. .. هنیئاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۰ - ۳

۳ - همسران زیبا ، نمود لطف الهی به بهشتیان

و زوّجنهم بحور عین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - بهشتیان ، هیچ گونه صدا و سخن بیهوده ای در بهشت برین نمی شنوند .

لاتسمع فیها لغیه

<کلام لغو>; یعنی، آنچه قابل اعتنا نیست و بدون تأمل و اندیشه گفته شده است (مفردات راغب) و کلمه <لاغیه>; یعنی، سخن زشت (قاموس) گفتنی است که <لاغیه> اسم فاعل و وصفی مناسب با گوینده سخن است. توصیف سخن به وصفی که مخصوص گوینده آن است، بر مبالغه دلالت دارد; یعنی، سخنی که حتی اندکی از <لغو> را پدید آورد، به گوش

بهشتیان نخواهد خورد.

۲ – اهل بهشت ، هیچ گونه سخن لغو و بیهوده ای در آن جا نمی گویند .

فی جنّه . .. لاتسمع فیها لغیه

شنیده نشدن <لغو>، نشانه

نبودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۲ - ۳

۳ - چشمه های جاری در بهشت ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

ناعمه . .. فیها عین جاریه

کلمه <عین> اسم جنس نکره و قابل تطبیق بر یک یا چند چشمه می باشد. آیاتی که بهشت را به داشتن چشمه هایی متعدد توصیف کرده است، می تواند قرینه بر اراده تعدد در این آیه نیز باشد. ارتباط این آیه با <ناعمه> در آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۳ - ۲

۲ - استراحت بهشتیان بر تختخواب ها و تماشای صحنه های بهشت ، از نعمت های الهی در آخرت

ناعمه . .. فیها سرر مرفوعه

ارتفاع تخت های بهشتیان، نشانگر اشراف آنان بر صحنه های دل انگیز بهشت است.

فلسفه عجز از رؤیت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۳

۳ - طاغیان و دوزخیان ، در جستوجوی علل و چرایی ناتوانی شان از دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما لنا لانری رجالاً

لام در <لنا> متضمن معنای علت است و <ما لنا. ..>; یعنی، به چه علت ما نمی توانیم مؤمنان را ببینیم؟ به سخن دیگر مقصود آیه شریفه، این نکته است که دوزخیان از علل و چرایی ناتوانی شان از دید بهشتیان پرسش می کنند; نه از خود دیدن.

گفتگوی بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۶ – ۱

۱ – مردان بهشتی

با همسـرانشان در حالی که به شوخی و گفت وگوی لـذت بخش مشـغولند زیر سایه ها نشسـته و بر تخت های مزیّن و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متّکئون

جمله <هم و أزواجهم. ..> استئناف بیانی برای آیه پیشـین (إنّ أصحاب الجّنه...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند بیان می کند. <أریکه> (مفرد <أرائک>) نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۱ - ۱،۲

۱ - گفتوگوی بهشتیان با یکدیگر ، درباره هم نشینان خود در دنیا در بزم بهشتی

قال قائل منهم إنّی کان لی قرین

۲ - بهشتیان با یادآوری خاطرات دنیایی خویش ، در بزم بهشتی به گفتوگو خواهند پرداخت .

قال قائل منهم إنّی کان لی قرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۵ - ۱،۲

۱ - گفت وگوی بهشتیان و پرسش آنان از احوال یکدیگر

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

۲ - پرسش بهشتیان از یکدیگر ، درباره چگونگی راهیابی شان به بهشت

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

از آنچه در آیه بعد آمده است، محتوای سؤال به گونه ای که یاد شد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۶ - ۲

۲ – مکالمات در بهشت پیشتازان ، همراه با درود و تحیت پی درپی است

; نه آمیخته با لغو و نسبت های ناروا .

لایسمعون فیها لغوًا . .. إلاّ قیلاً سلمًا سلمًا

کلمه <سلاماً> می توانـد بـدل برای <قلیلاًـ> باشـد. گفتنی است که تکرار <سـلاماً>، برای بیـان تعاقب و پی درپی بودن است; یعنی، <سلاماًاثر سلام> (درود پی درپی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۵

۵ - گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از هرگونه سخن زشت و بیهوده است .

لایسمعون فیها لغوًا

گفتگوی بهشتیان با جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۴

۴ دوزخیان ، از داخل جهنم ، توانا بر گفتگو با بهشتیان و بهشتیان نیز قادر بر سخن گفتن با دوزخیان هستند .

و نادی اصحب النار اصحب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۶ - ۱،۲

۱ - سخن گفتن بهشتیان با هم نشینان کافر دنیایی خویش ، به وقت مشاهده آنان در دوزخ

فرءاه فی سواء الجحیم . قال تاللّه إن کدتّ

۲ - امکان برقراری ارتباط و سخن گفتن بهشتیان با دوزخیان ، به وقت مشاهده آنان در دوزخ

فرءاه فی سواء الجحیم . قال تاللّه إن کدتّ

گفتگوی جهنمیان با بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۴

۴ دوزخیان ، از داخل جهنم ، توانا بر گفتگو با بهشتیان و بهشتیان نیز قادر بر سخن گفتن با دوزخیان هستند .

و نادی اصحب النار اصحب الجنه

گفتگوی خدا با بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۸ – ۶

۶ – خداوند ، با بهشتیان سخن خواهد گفت .

سلم قولاً من ربّ رحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۳ – ۴

۴ – سخن گفتن مستقیم و بیواسطه خداوند با بهشتیان در آخرت ، نشانه تکریم آنان از سوی خداوند

یعباد . .. ادخلوا الجنّه ... لکم فیها فکهه

گوارا باد به بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۹ – ۲

۲ – خوردن و آشامیدن بهشتیان ، همراه با پیام < گوارا باد > به ایشان

کلوا و اشربوا هنیًا

جمله <کلوا و اشربوا> مقول قول محذوف است; یعنی، <یقال لهم کلوا. .. هنیئاً>.

لباس بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۳ – ۲

۲– انسان در بهشت ، دارای جامه و پوشش

یلبسون من سندس و إستبرق

لباس حریر بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۱ – ۵

۵- تن پوش هایی فاخر و ضخیم ، فراهم آمده از حریر سبز ، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است .

و یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس و إستبرق

کلمه <إستبرق> معرب <إستبر> فارسی است. و به معنای <دیبای ضخیم> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۳ – ۷

۷ – پرنیان ، جنس لباس مؤمنان در بهشت

و لباسهم فیها حریر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۳ – ۶

۶ – لباس

بهشتیان از حریر است .

و لباسهم فیها حریر

لباس رسمی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۴

۴- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس

<سندس> به <پارچه دیبای نازک> گفته می شود نکره بودن واژهای <ثیاباً> و <خضراً> و <سندس> دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید <کمال ظرافت و لطافت> آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۲

۲ - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

لذایذ اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۸

۸ - تمامی زیبایی ها و لذت های مورد تمایل اهل تقوا ، آماده برای آنان در بهشت

و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین

لذایذ بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۵ – ۲

۲ – بهشتیان ، در فضایی سرشار از سرور و شادمانی به سر برده و به شوخی و صحبت لذت بخش باهم خواهند پرداخت .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون

<فاکهون> از <فکاهه> گرفته شده که به معنای سخن با اهل انس و

گفتوگوی مسرت آمیز است. گفتنی است در برداشت یاد شده، <فاکهون> خبر دوم برای <إنّ> گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۶ – ۱

۱ – مردان بهشتی با همسرانشان در حالی که به شوخی و گفت وگوی لذت بخش مشغولند زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزیّن و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متّکئون

جمله <هم و أزواجهم. ..> استئناف بیانی برای آیه پیشین (إنّ أصحاب الجّنه...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند بیان می کند. <أریکه> (مفرد <أرائک>) نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۱ – ۳

۳ – لذت بخش بودن یاد خاطرات دنیوی ، در بزم بهشتی برای بهشتیان

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرت الطرف... قال قائل منهم إنّی

یادکرد خاطرات خود در دنیا، در آن بزم باشکوه و پر از ناز و نعمت، گویای این حقیقت است که یاد چنین خاطراتی، خود لذت بخش و طراوت آفرین است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۵ – ۳

۳ – لذت بخش بودن استفاده از ظرف های سیمین و بلورین ، برای بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرَا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است

که آیه شریفه در مقام بیان نعمت ها و لذت های بهشتی است.

لذت طلبی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۹

۹ - بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و حس لذت جویی

متّکین علی فرش . .. فیهنّ قصرت الطرف

از این که خداوند به وجود حوریان بشارت داده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۴ - ۴

۴ - بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و حس لذت جویی

لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

مجلس انس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۴

۴- تقواپیشگان در بهشت ، دارای دیدار ها و نشست های دوستانه و محافل انس

متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۵

۵ - یاد نعمت ها و تعظیم عطایای خداوند ، نقل مجلس انس متقین ، در بهشت *

فکهین بما ءاتیهم ربّهم

در معنای <فاکهین> گفت و گوهای دوستانه در مجالس انس آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۰ - ۱

۱ - بهشتیان ، دارای مجالس انس و تکیه زده بر تخت های چیده شده در کنار هم

متّکین علی سرر مصفوفه

<اتکاء> (مصدر <متکین>) به معنای تکیه زدن و <سُرُر> (جمع <سریر>) به معنای تخت ها است. <مصفوفه> (صفت <سُرُر>; یعنی، چیده شده در کنار هم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۳ -

۲ – سرخوشی بهشتیان در مجالس انس ، با ربودن جام های شراب از دست یکدیگر

یتنزعون فیها کأسًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۸ – ۵

۵ – ستایش تقواپیشگان از نیکی های خداوند ، در مجالس انس خویش در بهشت

یتساءلون . .. إنّه هو البرّ الرحیم

محبت بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۳ – ۱۰

۱۰– بهشتیان در بهشت ، روابط حسنه و سرشار از محبت با یکدیگر خواهند داشت .

تحیّتهم فیها سلم

اینکه خداوند می فرماید <تحیت مؤمنان در بهشت سلام گفتن و یا درخواست سلامتی برای یکدیگر است> حکایت از روابط خوب آنان می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۰ – ۲

۲ – مجلس اُنس و به پرس و جو نشستن ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فأقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

مدت زندگی دنیوی بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۲ – ۴

۴ – < قـال رسول اللّه (ص) إنّ اللّه إذا أدخل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار قال لأهل الجنه : < كم لبثتم فى الأرض عـدد سنين ؟ قالوا : لبثنا يوماً أو بعض يوم قال لنعم ما اتجرتم فى يوم أو بعض يوم رحمتى و رضوانى و جنتى اُسـكنوا فى ها خالـدين مخلدين ثمّ يقول : يا أهل النار < كم لبثتم فى الأرض عدد سنين قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم > فيقول : بئس ما اتجرتم فى

یوم أو بعض یوم ناری و سخطی اُمکثوا فیها خالدین ;

رسول خدا(ص) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می هند: <لبثنا یوماً أو بعض یوم>. خدا می فرماید: چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می هند: <لبثنا یوماً أو بعض یوم>. پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید>.

مراتب بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۵ - ۴

۴ - اهل بهشت از درجات و مراتبی مختلف ، برخوردارند .

لهم الدرجت العلی

ذکر <الدرجات> به صورت جمع، از کثرت و تعدد درجات و تفاوت آنها با یکدیگر حکایت دارد; زیرا اگر همه در یک رتبه بودند صیغه مفرد نیز برای افاده آن کافی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۲

۲- وجود تفاوت درجات ، در بهشت برای مؤمنان و در دوزخ برای کافران *

و لکلّ درجت ممّا عملوا

برداشت بالاـ بنابراین است که <لکلّ> به معنای هر یک از مؤمنان و هر یک از کافران باشد که در آیات پیشین به عنوان <مسلم> و <منکر معاد> از

آنان یاد شد.

مربی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۴

۴ - بهشت ، جلوه ربوبیت خداوند ، در حق تقواپیشگان

إنّ المتّقین فی جنّت . .. ءاتیهم ربّهم

مطرح ساختن ربوبیت خداوند، در مقام اعطای بهشت به پرهیزکاران و نیز اضافه <رب> به <هم>، مطلب بالا را افاده می کند.

مزاح بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۵ - ۲

۲ - بهشتیان ، در فضایی سرشار از سرور و شادمانی به سر برده و به شوخی و صحبت لذت بخش باهم خواهند پرداخت .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون

<فاکهون> از <فکاهه> گرفته شده که به معنای سخن با اهل انس و گفتوگوی مسرت آمیز است. گفتنی است در برداشت یاد شده، <فاکهون> خبر دوم برای <إنّ> گرفته شده است.

مصونیت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۱

۱- بهشتیان و مؤمنان راستین ، از ناله و اندوه بزرگ قیامت در امان بوده و غمگین نخواهند شد .

إنّ الذین سبقت لهم منّا الحسنی . .. لایحزنهم الفزغ الأکبر

<فزع> به معنای انقباض و گرفتگی ناشی از شیء ترسناک و از جنس <جزع> (ناله و افغان) است (مفردات راغب).

مقامات اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۴ - ۱

۱ اهل بهشت در روز قیامت ، دارای برترین جایگاه و نیکوترین بستر برای استراحت

أصحب الجنّه یومئذ خیر مستقرًّا و أحسن مقیلًا

<مقیلًا> اسم مکان از ماده <قیلوله> است و

<قیلوله> به معنای استراحت میان روز می باشد و مقصود از آن در آیه شریفه، مطلق آسایشگاه و محل استراحت; یعنی، بهشت است.

مقامات بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۷

۷ جایگاه رفیع بهشتیان ، مشرف بر نهرهایی جاری

تجری من تحتهم الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۹

۹ بهشتیان در آستانه ورود به بهشت در عین امید به حضور در آن جایگاه رفیع ، نگران از تغییر سرنوشت خویشند .

لم یدخلوها و هم یطمعون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر فاعلی در <لم یدخلوها> و <یطمعون> به أصحاب الجنه، برگردانده شود. بر این مبنا جمله <لم یدخلوها> حال برای <أصحاب الجنه> است. گفتنی است <یطمعون> (امید دارند) اشاره به نگرانی آنان دارد که مبادا از ورود به بهشت منع گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۵ - ۴

۴ - اهل بهشت از درجات و مراتبی مختلف ، برخوردارند .

لهم الدرجت العلی

ذکر <الدرجات> به صورت جمع، از کثرت و تعدد درجات و تفاوت آنها با یکدیگر حکایت دارد; زیرا اگر همه در یک رتبه بودند صیغه مفرد نیز برای افاده آن کافی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۳ – ۴

۴- بهشتیان و مؤمنان راستین ، برخوردار از مقام و منزلتی والا در روز رستاخیز

و تتلقّیهم الملئکه

استقبال فرشتگان از مؤمنان و بهشتیان، حاکی از منزلت و مقام والای آنان است.

ملاقات ملائکه با

بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۱

۱ دیدار فرشتگان با اهل بهشت و سخن گفتن آنان با ایشان

والملئکه یدخلون علیهم . .. سلم علیکم

منابع تغذیه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۷ - ۲

۲ - میوه ها ، از غذا های اصلی بهشتیان است .

لهم فیها فکهه

از اختصاص به ذکر یافتن میوه ها از میان دیگر غذاها و خوراکی ها، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

منت بر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱۵

۱۵ - امتنان الهی بر مؤمنان بهشتی ، با زدودن یاد تلخ لغزش های دنیوی از خاطره آنان *

و یکفّر عنهم سیّئاتهم

با توجّه به این که مسأله تکفیر سیّئات پس از ورود مؤمنان به بهشت مطرح شده است در حالی که رتبه تکفیر، قبل از مرحله ورود به بهشت است احتمال می رود که مراد از تکفیر در این جا، بخشش گناهان نباشد; بلکه پوشاندن گناهان مورد نظر باشد; به گونه ای که بهشتیان دیگر از آن پس، با به یاد آوردن لغزش های گذشته شرمنده و مکدّر نشوند.

منشأ پاداش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۶ – ۵

۵ – پاداش های بهشتیان ، عطا و تفضّل خداوند است .

عطاء

<عطاء> اسم مصدر و به معنای پرداختن و نیز به معنای چیزی است که به دیگری پرداخته می شود. راغب در <مفردات> می گوید: <این

کلمه به جایزه و بخشش اختصاص یافته است>.

منشأ جاودانگی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۹ - ۸

۸- جاودانگی بهشتیان و برخورداری ابدی آنان از نعمت ها ، متکی به مبدأ لایزال و پایان ناپذیر فیض الهی است .

خلدین فیها . .. قل لو کان البحر مدادًا لکلمت ربّی لنفد البحر

منشأ نجات بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۷ - ۱

۱ - بهشتیان ، رهایی خود از پیامد های هلاکت بار هم نشینی با کافران دوزخی را ، مدیون لطف خدا و به توفیق او می دانند .

و لولا نعمه ربّی لکنت من المحضرین

نامه عمل بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۲،۴

۲ - نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت ، در دست راست آنان قرار دارد .

فأمّا من أُوتی کتبه بیمینه

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه ۳۸ سوره <واقعه>، از آنان به <اصحاب الیمین> نام برده شده است.

۴ - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول هآؤُم اقرءوا کتبیه

<هآؤُم> اسم فعل امر و به معنای <خذوا> (بیایید بگیرید) است.

نشاط اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۶

۶ - راه نداشتن کمترین ملال و زحمت ، در زندگی اخروی بهشتیان

متّکین . .. و جنی الجنّتین دان

از

این که خداوند با تعابیر <متّکئین علی فرش> و <دان>، نهایت آسایش بهشتیان را ترسیم کرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

نشانه های بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۶ – ۵

۵ امت ها و گروه های موجود در صحنه قیامت ، چه بهشتی و چه دوزخی ، هر کدام دارای علایمی مخصوص به خویش

و علی الاعراف رجال یعرفون کلًا بسیمهم

کلمه <سیما> به معنای علامت و نشانه است.

نشانه های سعادت بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۴ – ۲

۲ – می گساری بهشتیان و استفاده آنان از جام های شراب آماده ، جلوه ای از خوشبختی آنان است .

إنّ للمتّقین مفازًا . .. و کأسًا دهاقًا

نعمتهای اخروی بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۱ – ۳

۳ – نشنیدن سخن لغو و بیهوده ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

ناعمه . .. لاتسمع فیها لغیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۲ – ۳

۳ - چشمه های جاری در بهشت ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

ناعمه . .. فیها عین جاریه

کلمه <عین> اسم جنس نکره و قابل تطبیق بر یک یا چند چشمه می باشد. آیاتی که بهشت را به داشتن چشمه هایی متعدد توصیف کرده است، می تواند قرینه بر اراده تعدد در این آیه نیز باشد. ارتباط این آیه با <ناعمه> در آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۳ - ۲

۲ - استراحت بهشتیان بر تختخواب ها و تماشای صحنه های بهشت ، از نعمت های الهی در آخرت

ناعمه . .. فیها سرر مرفوعه

ارتفاع تخت های بهشتیان، نشانگر اشراف آنان بر صحنه های دل انگیز بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۴ - ۲

۲ - نوشیدن از چشمه بهشت با پیاله های آماده ، در حال آرمیدن بر تختخواب خویش ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فیها عین جاریه . فیها سرر مرفوعه . و أکواب موضوعه

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

نعمتهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۹

۹ رضوان خداوند و خشنودی او از بهشتیان ، بالاترین لذت و نعمت برای آنان

و رضون من اللّه أکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۲

۲- در بهشت عدن ، نهر ها ، از زیر پای (کاخ ها و بنا های رفیع) بهشتیان جریان دارد .

تجری من تحتهم الأنهر

مرجع ضمیر <تحتهم> عبارت <الذین امنوا> در آیه قبل است; یعنی، از زیر پای بهشتیان، نهرها جاری است. روشن است

که جریان آب از زیر پای بهشتیان، تعبیری برای ترسیم محل اقامت آنان در بهشت و جریان یافتن آب از زیر بناها و یا تکیگاه های آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۳

۳- بهشتیان ، غرق

و جاودان در نعمت های دل خواه خویش خواهند بود .

و هم فی مااشتهت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۵ - ۱

۱ - بهشتیان ، در ناز و نعمت و خوشی و شادمانی وصف ناپذیر غوطهور خواهند بود .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل

<شغل> به معنای شأن و کار اصلی است که انسان را از دیگر کارها بازداشته و به خود مشغول کرده است. گفتنی است که تنکیر آن می تواند برای تعظیم باشد; یعنی، مشغله ای که کنه و عمق آن ناشناخته و وصف ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۷

۱۷- غفران و خوشنودی پروردگار از بهشتیان ، نعمتی عظیم برای ایشان

فیها . .. و مغفره من ربّهم

در این آیه مغفرت پروردگار، همانند سایر نعمت ها، تذکر داده شده است و تنوین <مغفره> دال بر تفخیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۶ - ۱

۱ - تقواپیشگان بهشتی ، دریافت کنندگان عطایای پروردگار با رغبت و رضا

ءاخذین ما ءاتیهم ربّهم

واژه <أخذ> در مورد بهشتیان است و به قرینه موضوع می رساند که آنان با اشتیاق هدایای الهی را می پذیرند; برخلاف کافران که در قیامت با ناراحتی و به قهر عذاب الهی را می چشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۱

۱ – شادمانی تقواپیشگان در بهشت ، از عطایای پروردگار به آنان

فکهین بما ءاتیهم ربّهم

<فاکه> (از مصدر <فکاهه>) به معنای شادمان

است.

نگرانی بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۶ – ۹

۹ بهشتیان در آستانه ورود به بهشت در عین امید به حضور در آن جایگاه رفیع ، نگران از تغییر سرنوشت خویشند .

لم یدخلوها و هم یطمعون

برداشت فوق بر این اساس است که ضـمیر فاعلی در <لم یدخلوها> و <یطمعون> به أصحاب الجنه، برگردانده شود. بر این مبنا جمله <لم یـدخلوها> حال برای <أصـحاب الجنه> است. گفتنی است <یطمعون> (امیـد دارنـد) اشاره به نگرانی آنان دارد که مبادا از ورود به بهشت منع گردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۷ – ۷

۷ راهیان بهشت در عین امیدواری برای ورود به بهشت ، نگران ملحق شدن به دوزخیان هستند .

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

نیازهای عاطفی بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۰ – ۴

۴ – بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و نیاز های عاطفی در بهشت

و زوّجنهم بحور عین

نیازهای مادی بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۵

۵ – انسان ، در بهشت به خوردن و آشامیدن نیاز دارد و از آن لذت می برد .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

وفور پاداش بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۲ – ۱۷

۱۷ – پاداش الهی به بهشتیان ، فراوان و توصیف ناپذیر است .

و الذین ءامنوا . .. ذلک هو الفضل الکبیر

بنابراین که <ذلک> اشاره

به مجموعه های نعمت های بهشتیان داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

ویژگیهای بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۲ – ۲

۲ – تصدیق و باور داشتن قیامت و زنده شدن انسان ها ، از ویژگی های بهشتیان و بندگان مخلَص خدا در دنیا است .

یقول أءنّک لمن المصدّقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۷ – ۴

۴ – تقوا ، اصلی ترین شرط ورود به بهشت و بارزترین ویژگی بهشتیان

إنّ المتّقین فی جنّت و نعیم

ویژگیهای پذیرایی از بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۶ – ۴

۴ – پذیرایی از بهشتیان (ابرار و . . .) ، با ظرف ها و جام های متناسب با نیاز و میل آنان خواهد بود .

قدّروها تقدیرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که اندازه گیری ظرف ها و جام ها، ممکن است به لحاظ مقدار نیازها و میل های بهشتیان باشد.

ویژگیهای زندگی بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۲ – ۷

۷- در زندگی بهشتیان ، تنوع زمان (بامداد و پسین) وجود دارد .

لهم رزقهم فیها بکره و عشیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۱

۱ - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و

رنج دوزخیان نیست .

أذلک خیر نزلاً أم شجره الزقّوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

ویژگیهای گفتگوی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۴

۴- گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از یاوه و بیهودگی و سرشار از سلامت خواهی و آرزوی امنیت خواهد بود .

لایسمعون فیها لغوًا إلّا سلمًا

استثنا در <إلّا سلاماً> منقطع است; یعنی، <لکن یسمعون سلاماً> و یا <کلاماً سالماً>. برخی از مفسران آن را استثنای متصل دانسته و گفته اند: <سلام> که دعای به سلامتی از آفات است برای بهشتیان جز اکرام و گرامی داشت مفهومی ندارد; زیرا در بهشت آفتی نیست تا دعا به سلامتی از آن لغو نباشد.

ویژگیهای لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۴،۵

۴- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس

<سندس> به <پارچه دیبای نازک> گفته می شود نکره بودن واژهای <ثیاباً> و <خضراً> و <سندس> دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید <کمال ظرافت و لطافت> آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

۵- تن پوش هایی

فاخر و ضخیم ، فراهم آمده از حریر سبز ، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است .

و یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس و إستبرق

کلمه <إستبرق> معرب <إستبر> فارسی است. و به معنای <دیبای ضخیم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۲،۹

۲ - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

۹ - < روی عن الصادق (ع) أنّه قال : فی معناه تعلوهم الثیاب فیلبسونها . . . < و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً > یطهرهم عن کلّ شیء سوی اللّه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره معنای <عالیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق> فرمود: لباس به طرف آنان بالا می رود و آن را می پوشند. .. و درباره <و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً> فرمود: [آن نوشیدنی پاک کننده] آنان را از هر چه غیر خدا است، پاک می کند...>.

همسران بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۵

۵ پدران ، همسران و فرزندان واردشدگان به بهشت عدن در صورتی که صالح باشند به ایشان ملحق خواهند شد .

جنّت عدن یدخلونها و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۰ - ۲

۲ - بهشتیان ، دارای همسرانی نیکو ، با چشمانی سیاه و زیبا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء<) به معنای سیاه چشمان و <عین> جمع <عیناء>)

و به معنای زیبا چشمان است.

همسران دنیوی بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۶ – ۶

۶ – حوریان بهشتی ، زنانی غیر از همسران دنیوی بهشتیان

لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

تعبیر <لم یطمثهنّ إنس. ..> می رساند که اصولاً حوریه های بهشت، سابقه ارتباط هیچ موجودی را نداشته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۴ – ۳

۳ – حوران بهشتی ، زنانی غیر از همسران دنیایی بهشتیان

لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

تعبیر <لم یطمثهنّ إنس قبلهم. ..> می رساند که اصولاً حوریان بهشتی، سابقه ارتباط با هیچ موجودی را نداشته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۳ – ۳

۳ – حوران بهشتی ، غیر از همسران دنیوی بهشتیان اند .

کأمثل اللؤلؤ المکنون

در صورتی که تشبیه به <لؤلؤ مکنون> کنایه از این باشد که هیچ بیگانه ای، حوران بهشتی را قبلاً لمس نکرده; معلوم می شود که آنها زنانی غیر از زنان دنیوی اند.

همنشینان بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۵

۵ پدران ، همسران و فرزندان واردشدگان به بهشت عدن در صورتی که صالح باشند به ایشان ملحق خواهند شد .

جنّت عدن یدخلونها و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

همنشینان دنیوی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۱ - ۱

۱ - گفتو گوی بهشتیان با یکدیگر ، درباره هم نشینان خود در دنیا در بزم

بهشتی

قال قائل منهم إنّی کان لی قرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۴ - ۱،۲

۱ - بهشتیان ، درباره سرنوشت هم نشینان کافر دنیایی خود ، از دیگر بهشتیان پرسش کرده و از وضعیت آنان کسب اطلاع خواهند کرد .

قال هل أنتم مطّلعون

استفهام <هل> برای عرض و یا امر است که مفاد آن تقاضا و درخواست می باشد.

۲ - بهشتیان ، برای یافتن هم نشینان کافر دنیایی خود و آگاه شدن از سرنوشت آنان در قیامت ، به جستوجو خواهند پرداخت .

قال هل أنتم مطّلعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۱

۱ - اطلاع یافتن بهشتیان ، از سرنوشت هم نشینان کافر دنیایی خویش در قیامت

إنّی کان لی قرین . .. قال هل أنتم مطّلعون . فاطّلع

<فا> در فاطّلع> فصیحه و عطف بر جمله مقدر است که تقدیر آن چنین می باشد: <هل أنتم مطّلعون حتّی اطّلع أنا أیضاً فاطّلعوا و اطّلع هو بعد ذلک; آیا شما اطلاع دارید تا من هم مطلع شوم؟ پس اطلاع یافتند و سپس او نیز اطلاع یافت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۶ - ۱،۳

۱ - سخن گفتن بهشتیان با هم نشینان کافر دنیایی خویش ، به وقت مشاهده آنان در دوزخ

فرءاه فی سواء الجحیم . قال تاللّه إن کدتّ

۳ - سوگند مؤکد بهشتیان برای هم نشینان دوزخی خود ، مبنی بر تلاش آنان در جهت هلاکت مؤمنان و معتقدان به معاد در

دنيا

قال تاللّه إن كدتّ لتردين

<ارداء> (مصدر <تردين>) به

معنای نابودکردن است.

بی پناهان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بی پناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۱۸

۱۸ کسانی که با اعمال ناروای خود، خویشتن را تباه و محروم از خیر نموده اند، هیچ دوست و یاور و شفیعی در بین مخلوقات نخواهند داشت.

أن تبسل نفس بما کسبت لیس لها من دون الله ولی و لا شفیع

بی پناهی

بی پناهی آخرت فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۹

۹ - کسانی که به انگیزه دستیابی به دنیا ، آخرت خویش را تباه می کنند ، برای رهایی از عذاب ، یاوری نخواهند داشت .

فلا یخفف عنهم العذاب و لاهم ینصرون

بی پناهی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۱ - ۵

۵ - بی پناهی و تنهایی شدید انسان ها در عرصه قیامت ، علی رغم حضور در جمع

فلاأنساب بینهم یومئذ و لایتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۸

۸ - قیامت ، صحنه بی پناهی و بی یاوری انسان ها است .

ما لکم من ملجإ یومئذ

بی پناهی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۵

۵ - کافران و منافقان ، در قیامت از یاور و پشتیبان محروم خواهند بود .

هی مولیکم

<مولی> به معنای ناصر و یاور است و قالب <هی مولاکم> قالب قصر است; یعنی، <لیس لکم ناصر إلاّ النار> (کافران و منافقان به جز آتش

یاوری ندارند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۵

۵ - هیچ پناهگاه و راه گریزی از سختی ها و اندوه های روز محشر برای کافران نیست .

فکیف تتّقون إن کفرتم یومًا یجعل الولدن شیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۱ - ۲

۲ - در عرصه قیامت ، هیچ ملجأ و پناهگاهی برای کافران نخواهد داشت .

لاوزر

<وزر> به معنای ملجأ و پناهنگاه است.

بی پناهی اخروی مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۵ - ۴

۴ - قیامت ، روز بی پناهی و درماندگی کامل مرفهان کفرپیشه

لاتجئروا الیوم إنّکم منّا لاتنصرون

بی پناهی اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۲ - ۲

۲ - دست مشرکان در قیامت ، کوتاه از معبود های خیالی خود

و قیل لهم أین ما کنتم تعبدون

بی پناهی اخروی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۵

۵ - کافران و منافقان ، در قیامت از یاور و پشتیبان محروم خواهند بود .

هی مولیکم

<مولی> به معنای ناصر و یاور است و قالب <هی مولاکم> قالب قصر است; یعنی، <لیس لکم ناصر إلّا النار> (کافران و منافقان به جز آتش یاوری ندارند).

بی پناهی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۲ - ۴،۵

۴ - هیچ پناهگاهی برای بشر در برابر عذاب خداوند ، جز خود خدا وجود

ندارد .

و لن أجد من دونه ملتحدًا

۵ – هیچ کس ، توانایی پناه دادن به انس و جن در برابر عذاب الهی را ندارد .

و لن أجد من دونه ملتحدًا

بی پناهی انسان ها در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۴ – ۱

۱ – مردم در قیامت ، مانند پروانه های ریز و پراکنده در هوا ، هراسان و بی سامان به هر طرف روی خواهند آورد .

یوم یکون الناس کالفراش المبثوث

<فَراشَه> (مفرد <فَراش>)؛ یعنی، آنچه بال زده و در حرارت چراغ سقوط کرده و خود را می سوزاند (تاج العروس) <فرّاء> آنها را ملخ هایی می داند که روی زمین گسترده و در هم می لولند (مجمع البیان). تشبیه مردم در قیامت به آن حشرات، نشانگر سردرگمی، ترس و اضطرابی است که انسان ها را به هر سو خواهد کشاند.

بی پناهی جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۲ – ۵

۵ – هیچ کس ، توانایی پناه دادن به انس و جن در برابر عذاب الهی را ندارد .

و لن أجد من دونه ملتحدًا

بی پناهی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۵ – ۴

۴ – قیامت ، روز بی پناهی و درماندگی کامل مرفهان کفرپیشه

لاتجئروا الیوم إنّکم منّا لاتنصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۸

۸ - قیامت ، صحنه بی پناهی و بی یاوری انسان ها است .

ما لکم من ملجإ یومئذ

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۰ – ۸

۸ – تنهایی و بی پناهی در قیامت ، هشداری به مال اندوزان و قدرت مداران

و لایغنی عنهم ما کسبوا شیًا و لا ما اتّخذوا من دون اللّه أولیاء

بی پناهی ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۲ – ۲۲

۲۲ ستمکاران هیچ یاوری برای نجات از آتش دوزخ ندارند .

و ما للظلمین من انصار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۴۵ – ۷

۷ قطع هر گونه امداد الهی به ظالمانِ تکذیب کننده آیات الهی*

فقطع دابر

<دابر> به معنی پشت و عقب است و از معانی محتمل کنایی در آیه قطع هر گونه امداد و فیض الهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۴ – ۱۰

۱۰ – هنگامه عذاب ، لحظه ظهور و بروز بی پناهی گمراهان ستم پیشه است .

فما له من ولیّ من بعده و تری الظلمین لمّا رأوا العذاب یقولون هل إلی مردّ من سبی

بی پناهی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۵

۵ کافران ، بی پناه و بی دفاع در برابر خواست خداوند

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم . .. من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۳ - ۵

۵- بی پناهی همه جانبه کافران دربرابر عذاب الهی و حتمی بودن هلاکت آنان

أم لهم ءالهه تمنعهم من

دوننا . .. و لا هم منّا یصحبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۹ – ۵

۵ – قطع امید کافران از همه عوامل مادی و احساس بی پناهی کامل در هنگام مرگ

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۶۷ – ۲

۲ – کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۴ – ۲

۲ – کافران لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

بی پناهی گمراهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۴ – ۱۰

۱۰ – هنگامه عذاب ، لحظه ظهور و بروز بی پناهی گمراهان ستم پیشه است .

فما له من ولیّ من بعده و تری الظلمین لمّا رأوا العذاب یقولون هل إلی مردّ من سبی

بی پناهی گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۸ –

۱۱- برای مجرمان ، پس از پایان مهلت آنان و فرا رسیدن موعد تحقُّق عذاب آنان ، کمترین پناهگاهی وجود ندارد .

بل لهم موعد لن یجدوا من دونه موئلاً

<موئل> اسم مکان به معنای <ملجأ و پناگاه> است. ضمیر در <من دونه> به <موعد> برمی گردد و مراد این است که کافران، جز حرکت به سوی زمان تعیین شده عذاب، راه نجاتی ندارند. نکره بودن <موئلاً> بر عموم نفی دلالت دارد; یعنی، برای مجرمان کمترین پناگاهی نیز پیدا نمی شود.

بی پناهی لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۵،۹،۱۰

۵ لعنت شدگان الهی ، هرگز یاوری نخواهند داشت .

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

۹ کارساز نبودن یاری هیچکس ، برای مشمولان لعن الهی

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

چون کافران و مشمولان لعن الهی احیاناً همدیگر را یاری می دهند، بنابراین جمله <فلن تجد . .. > ناظر به غایت و هدف یاری رسانی است. یعنی بر فرض اینکه همدیگر را یاری دهند، سودبخش نخواهد بود.

۱۰ کارساز نبودن یاری برای مشمولان لعن الهی ، از سنت های خداوند

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

کلمه <لن>، که دلالت بر نفی ابدی دارد، می رساند که این معنا از سنتهای الهی است.

بی پناهی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۹،۱۳

۹ بی پناهی مستکبران رویگردان از بندگی خدا در برابر کیفر الهی در قیامت

اما الذین استنکفوا و استکبروا فیعذبهم عذاباً أليماً و لايجدون لهم من دون اللّه و

۱۳

خداوند ، هرگز مستکبران رویگردان از عبادت را ، در قیامت یاری نخواهد کرد .

و لایجدون لهم من دون اللّه ولیاً و لانصیراً

بی پناهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۲

۲ بی پناهی مشرکان در قیامت و ناتوانی معبودهای آنان از کمک رساندن به آنها

أین شرکاؤکم . .. ثم لم تکن فتنتهم إلا أن قالوا و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

این آیه و آیه پیش ترسیمی از چهره مشرکان در قیامت است. در آیه پیش خطاب به مشرکان شده که: <أین شرکاؤکم> ؟ و در این آیه درماندگی و بیچارگی و عجز آنان از پاسخ و دفاع را بیان داشته است.

بی پناهی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

بی پناهی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۵ - ۴

۴ منافقان ، برای رهایی از عذاب اخروی ، هیچ یاور و شفیعی نخواهند داشت .

إنّ المنفقین فی الدرک الاسفل من النار و لن تجد لهم نصیراً

فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۴ – ۲۸

۲۸ هیچ کس توانایی ندارد که به منافقان ، هنگام گرفتار آمدنشان به عذاب دنیوی و اخروی ، یاری رساند .

یعذبهم اللّه . .. و ما لهم فی الأرض من ولیّ و لانصیر

بی پناهی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۳ – ۲

۲ کارساز نبودن یاری هیچکس برای یهودیان ، معلول نقش نداشتن آنان در نظام هستی است .

فلن تجد له نصیراً. ام لهم نصیب من الملک

در برداشت فوق، جمله <ام لهم>، علت برای جمله <فلن تجد . ..> گرفته شده است.

عوامل بی پناهی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۰ – ۱۸

۱۸ کسانی که با اعمال ناروای خود، خویشتن را تباه و محروم از خیر نموده اند، هیچ دوست و یاور و شفیعی در بین مخلوقات نخواهند داشت.

أن تبسل نفس بما کسبت لیس لها من دون الله ولی و لا شفیع

موجبات بی پناهی محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۳ – ۵

۵ – انجام دادن رسالت الهی ، موجب پناه داشتن پیامبر (ص) و کوتاهی ایشان ، سبب بی پناهی آن حضرت در برابر عذاب خداوند

و لن أجد من دونه ملتحدًا . إلاّ بلغًا من اللّه و رسلته

برداشت ياد شـده، مبتنى بر اين نكته است كه عبارت <إلاّ بلاغاًمن اللّه. ..> اسـتثنا از <ملتحـداً> باشـد; يعنى، من پناهگاهى در برابر عذاب الهى نمى يابم; جز آن كه با انجام رسالت الهى، پناهى

برای خود بیابم.

بی تقوایان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۱،۴،۵

۱ بی تقوایان ، برادران شیطان هستند .

و إخونهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <إخوانهم> به <الشیطان> در آیه قبل برگردد، که به قرینه مقابله مراد از <اخوان> بی تقوایان است. گفتنی است که چون <ال> در <الشیطان> برای جنس است، ضمیر جمع می تواند به آن ارجاع شود.

۴ مشرکان ، مصداق بارز بی تقوایان هستند .

و إخونهم

چنانچه گذشت مراد از <اخوان> بی تقوایان هستند و چون آیات پیشین درباره مشرکان بود، می توان گفت مصداق مورد نظر برای بی تقوایان، اهل شرک هستند.

۵ شیطان برادر انسان های مشرک و بی تقواست .

و إخونهم یمدونهم فی الغی

ضمیر در <إخوانهم> می تواند به مشرکان و بی تقوایان برگردد. بر این مبنا مراد از <اخوان>، به قرینه آیه قبل، شیطان است. قابل ذکر است که در این صورت ضمیر فاعلی در <یمدونهم> به <اخوان> و ضمیر مفعولی به مشرکان و بی تقوایان برمی گردد.

آثار اخروی دوستی با بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۴

۴ – آشکار شدن آثار زیانبار دوستی و مودّت بی تقوایان در روز قیامت

الأخلّاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلاّ المتّقین

دوستانی که دوستی خویش را بر غیر تقوا بنا نهاده انـد، در قیامت خواهند فهمید که چه اثرات شومی را به واسطه آن متحمل شده اند و در نتیجه با یکدیگر دشمن خواهند شد.

اندوه اخروی بی تقوایان

جلد – نام سوره – سوره –

آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۵ - ۸

۸ ترس و اندوه در قیامت بر ناصالحان و بی تقوایان سایه گستر خواهد شد.

فمن اتقی و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

بی تقوایان از مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۸ - ۱۴

۱۴ - وجود عناصری ناخالص ، در میان مهاجران صدراسلام *

المهجرین الذین . .. یبتغون فضلًا من اللّه و رضونًا و ینصرون اللّه و رسوله أُول

برداشت یادشده بدان احتمال است که فعل های <یبتغون. ..> و <ینصرون...> قیدهای احترازی باشد; نه توضیحی.

ترس اخروی بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۵ - ۸

۸ ترس و اندوه در قیامت بر ناصالحان و بی تقوایان سایه گستر خواهد شد.

فمن اتقی و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۸ - ۷

۷ - سیطره وحشت و هراس بر غیر متقین در قیامت

یعباد لا خوف علیکم الیوم و لا أنتم تحزنون

از این که خوف و حزن تنها از تقواپیشگان نفی شده است، به دست می آید که غیر آنان گرفتار بیم و اندوه خواهند بود.

تهدید بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۳ - ۶

۶ تهدید بی تقوایان کفرپیشه به هلاکت و نابودی ، از سوی خداوند

ان اتقوا اللّه و إن تکفروا . .. ان یشأ یذهبکم ایها الناس

زمینه عذاب بی تقوایان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۴

۴ - رهاکنندگان عبادت خدا ، تقوای الهی و اطاعت از پیامبران ، در معرض عذاب الهی و مرگ زودرس قرار دارند .

أن اعبدوا اللّه . .. و يؤخّركم إلى أجل مسمًّى

زیان اخروی دوستی با بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۴

۴ - آشکار شدن آثار زیانبار دوستی و مودّت بی تقوایان در روز قیامت

الأخلّاء يومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلاّ المتّقين

دوستانی که دوستی خویش را بر غیر تقوا بنا نهاده اند، در قیامت خواهند فهمید که چه اثرات شومی را به واسطه آن متحمل شده اند و در نتیجه با یکدیگر دشمن خواهند شد.

شیطان و بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۱،۲،۳،۵

۱ بی تقوایان ، برادران شیطان هستند .

و إخونهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <إخوانهم> به <الشیطان> در آیه قبل برگردد، که به قرینه مقابله مراد از <اخوان> بی تقوایان است. گفتنی است که چون <ال> در <الشیطان> برای جنس است، ضمیر جمع می تواند به آن ارجاع شود.

۲ شیاطین ، بی تقوایان را به گمراهی می کشانند و آنان را در ضلالت فرو می برند .

و إخونهم يمدونهم فى الغى

ضمیر فاعلی در <یمدونهم> به شیاطین برمی گردد و ضمیر مفعولی به <اخوان>، یعنی <و اخوان الشیاطین یمدهم الشیاطین فی الغی>. <مد> (مصدر یمدون) به معنای کشیدن است و آوردن <فی> به جای <إلی> برای رساندن این معناست که

شیطان بی تقوایان را به عمق گمراهی می برد.

۳ شیطان پس از گمراه ساختن بی تقوایان آنان را در ر ها نمی کند و همچنان در منجلاب گمراهی نگه می دارد .

ثم لایقصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <لایقصرون> به شیطان بازگردانده شود. <اقصار> (مصدر یقصرون) به معنای دست برداشتن است.

۵ شیطان برادر انسان های مشرک و بی تقواست .

و إخونهم یمدونهم فی الغی

ضمیر در <إخوانهم> می تواند به مشرکان و بی تقوایان برگردد. بر این مبنا مراد از <اخوان>، به قرینه آیه قبل، شیطان است. قابل ذکر است که در این صورت ضمیر فاعلی در <یمدونهم> به <اخوان> و ضمیر مفعولی به مشرکان و بی تقوایان برمی گردد.

فرجام بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۸ - ۴

۴ بیان فرجام کفرپیشگان بی تقوا ، از روش های قرآن در هدایت مردم به ایمان و تقواست .

و لکن کذبوا فأخذنهم . .. أو أمن أهل القری أن یأتیهم بأسنا

کیفر بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۱۷

۱۷ - بی تقوایان و مخالفت کنندگان با پیامبر (ص) ، دارای کیفری شدید

و ما ءاتیکم الرسول فخذوه . .. و اتّقوا اللّه إنّ اللّه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۴

۴ اضلال ، از کیفر های الهی برای بی تقوایان

ما کان اللّه لیضل . .. حتی یبین لهم ما یتقون

گمراهی بی تقوایان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۲،۳،۶

۲ شیاطین ، بی تقوایان را به گمراهی می کشانند و آنان را در ضلالت فرو می برند .

و إخونهم یمدونهم فی الغی

ضمیر فاعلی در <یمدونهم> به شیاطین برمی گردد و ضمیر مفعولی به <اخوان>، یعنی <و اخوان الشیاطین یمدهم الشیاطین فی الغی>. <مد> (مصدر یمدون) به معنای کشیدن است و آوردن <فی> به جای <إلی> برای رساندن این معناست که شیطان بی تقوایان را به عمق گمراهی می برد.

۳ شیطان پس از گمراه ساختن بی تقوایان آنان را در ر ها نمی کند و همچنان در منجلاب گمراهی نگه می دارد .

ثم لایقصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <لایقصرون> به شیطان بازگردانده شود. <اقصار> (مصدر یقصرون) به معنای دست برداشتن است.

۶ پافشاری مشرکان و بی تقوایان پیرو شیطان به گمراهی خویش

ثم لایقصرون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <لایقصرون> به مشرکان و بی تقوایان برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۴

۴ اضلال ، از کیفر های الهی برای بی تقوایان

ما کان اللّه لیضل . .. حتی یبین لهم ما یتقون

مرگ بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۴

۴ – رهاکنندگان عبادت خدا ، تقوای الهی و اطاعت از پیامبران ، در معرض عذاب الهی و مرگ زودرس قرار دارند .

أن اعبدوا اللّه . .. و یؤخّرکم إلی أجل مسمًّی

هشدار به بی تقوایان

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۲۰

۲۰ هشدار خداوند به مردمان بی تقوا و قاطع رحم

و اتّقوا اللّه . .. و الارحام انّ اللّه کان علیکم رقیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۹

۲۹ هشدار و تهدید خداوند نسبت به کسانی که تقوا را رعایت نکنند و پرهیزگار نباشند .

و اتقوا اللّه إنّ اللّه سریع الحساب

جمله <ان اللّه . ..> در مقام تهدید بی تقوایان است.

هلاکت بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۷ - ۴

۴ هلاکت امت های بی تقوا و تکذیب کننده پیامبران ، عبرتی برای امت های بعدی است .

و لکن کذبوا فأخذنهم . .. أفأمن أهل القری أن یأتیهم بأسنا

بی تقوایی

آثار بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۷

۷ بی تقوایی آدمی نسبت به حقوق ایتام دیگران ، زمینه ساز پایمال شدن حقوق یتیمان وی از سوی جامعه

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم فلیتّقوا اللّه

برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: یعنی لیخش ان اخلفه فی ذرّیته کما صنع بهؤلاء الیتامی.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۸، ح ۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۳۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۱،۱۲،۱۳،۱۵

۱۱ عدم رعایت تقوا ، نوعی کفر است .

ان اتقوا اللّه و إن تکفروا

خداوند، بی تقوایی را

کفر نامیده است. چون مراد از <ان تکفروا>، <ان لاتتقوا> می باشد.

۱۲ بی تقوایی ، زمینه گرایش آدمی به کفر

ان اتقوا اللّه و إن تکفروا

جمله <و ان تکفروا . ..> پس از امر به رعایت تقوا، می توانـد اشاره به این باشـد که بی تقوایی، آدمی را به کفر گرایش می دهد.

۱۳ بی تقوایی و کافر شدن مردم ، هیچ ضرری را متوجه خداوند نخواهد کرد .

و إن تکفروا فان للّه ما فی السموت و ما فی الأرض و کان اللّه غنیاً حمیداً

۱۵ بازگشت زیان کفر و بی تقوایی ، به خود انسان نه به خداوند

و إن تکفروا فان للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۳ - ۵

۵ کفر و بی تقوایی ، زمینه هلاکت و انقراض ملتها

و إن تکفروا . .. ان یشأ یذهبکم ایها الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۱۱

۱۱ رعایت نکردن تقوا و بی اعتنایی به دستورات خداوند ، فسق و مایه محرومیت از هدایت خاص الهی است .

و اسمعوا و اللّه لایهدی القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۳

۳ انسان های بی تقوا ، محروم از دستیابی به بصیرت ویژه الهی برای تمییز حق و باطل و شناخت حقایق

إن تتقوا اللّه يجعل لكم فرقانا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۵۶ – ۱۳

۱۳ بی تقوايی يهوديان

عصر بعثت عامل پیمان شکنی آنان

ینقضون عهدهم فی کل مره و هم لایتقون

جمله حالیه <و هم لا یتقون> بیانگر ریشه پیمان شکنی یهودیان و به اصطلاح حال معلّله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۷

۷ عدم رعایت تقوا در عمل ، نشانه عدم صداقت مدعی ایمان

اتقوا اللّه و کونوا مع الصدقین

از اینکه خداوند مؤمنان متقی را <صادق> شمرده است، برداشت می شود که: اظهارکنندگان ایمان، اگر عملا به احکام دین پایبند نباشند و تقوا پیشه نکنند، در اظهار ایمان صادق نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۸

۸- تعرّض و اهانت به مهمان دیگران ، عملی ناپسند و به دور از تقواپیشگی

قال إن هؤلاء ضیفی . .. و اتقوا الله و لاتخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۳

۳- عصیان و سرپیچی از فرمان های خدا (بی تقوایی) ، در پی دارنده فرجامی شوم و موجب گرفتار شدن به عذاب اخروی

اتّقوا ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۳ - ۲

۲ - بی تقوایی مردمان ، عامل برهم زدن وحدت رویه پیامبران و پیدایش تفرقه های دینی

و إنّ هذه أَمّتكم أَمّه وحده . .. فتقطّعوا أمرهم بينهم زبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۷ - ۳

۳ - ترديد در يگانگى خدا ، على رغم اعتراف به مالكيت مطلق او بر سراسر هستى ، ناشى

از بی پروایی و بیم نداشتن از عذاب او

سیقولون للّه قل أفلاتتّقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۶ – ۷

۷ – بی تقوایی و مخالفت با پیامبران ، ناسپاسی و تهدید کننده بقای نعمت های دنیایی

ألاتتّقون . .. فاتّقوا اللّه و أطیعون ... أتترکون فی ما ههنا ءامنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۲۵ – ۱۲

۱۲ – بی تقوایی ، زمینه ساز انحراف از مسیر حق و افتادن در دام آیین شرک و بت پرستی

إذ قال لقومه ألاتتّقون . أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که الیاس(ع)، پیش از سرزنش قوم خود به جهت گرویدن آنان به آیین شرک، آنان را به دلیل بی تقوایی سرزنش کرده است و این مطلب می رساند که بی تقوایی، زمینه ساز گرایش به آیین های باطل (همچون بت پرستی) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۵ – ۴

۴ – طغیان ، ناسازگار با تقواپیشگی است و بی تقوایی نوعی طغیان می باشد .

إنّ للمتّقین لحسن مئاب . .. هذا و إنّ للطغین لشرّ مئاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۶۷ – ۵

۵ – دوستی های بنا شده بر بی تقوایی ، دارای باطنی عداوت خیز و دشمنی پرور

الأخلّاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلاّ المتّقین

برداشت یاد شده بدین احتمال است که آیه شریفه اشاره به کشف باطن این گونه دوستی ها در قیامت داشته باشد.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۴۵ – ۲

۲ – گذراندن زندگی دنیا همراه با بی پروایی ، سرمست شدن به ثروت و مکنت و بی رحمی و آدم کشی ، درپی دارنده قطعی عذاب هولناك دوزخ

فی سموم و حمیم . .. إنّهم کانوا قبل ذلک مترفین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۰ – ۷

۷ – بی تقوایی و ترک انفاق ، سوق دهنده انسان به سوی فرجامی سخت

فأمّا من أعطی و اتّقی . .. و أمّا من ... فسنیسّره للعسری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۱ – ۳

۳ – ترک انفاق و تقوا ، ساقط کننده انسان و مایه هلاکت اخروی او است .

فأمّا من أعطی و اتّقی . .. و أمّا من ... إذا تردّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۵ – ۷

۷ – شقاوت ، برخاسته از بی تقوایی است .

الأشقی

به قرینه مقابله <أشقی> با <أتقی> (در آیات بعد)، مراد از <شقاوت> فاصله گرفتن از تقوا است.

آثار بی تقوایی قوم عاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۳۱ – ۵

۵ – ریشه تمام مفاسد اجتماعی و روحی قوم عاد ، در بی تقوایی و دوری آنان از ارزش های الهی بود .

أتبنون بكلّ ريع . .. بطشتم جبّارين . فاتّقوا اللّه و أطيعون

از این که هود(ع) پس از سرزنش عادیان به خاطر روحیه بیهوده کاری، کاخ نشینی و خشونت

با دیگران، آنان را به تقوای الهی فرا خوانده است، نشان می دهد که آن مفاسد، همگی ریشه در بی تقوایی آنان دارد.

بی تقوایی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۷ - ۲،۵

۲ - مردم سرزمین ایکه ، مردمی بی تقوا و گناه پیشه

إذ قال لهم شعیب ألاتتّقون

۵ - اصحاب ایکه مورد سرزنش شعیب (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم شعیب ألاتتّقون

استفهام در جمله <ألاتتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۱ - ۱

۱ - فساد اقتصادی و تجاری ، بارزترین جلوه بی تقوایی مردم < ایکه >

ألاتتّقون . .. أوفوا الکیل و لاتکونوا من المخسرین

<إیفاء> (مصدر <أوفوا>) مرادف <إتمام> و <کیل> به معنای پیمانه است. <إخسار> (مصدر <مخسرین>) نیز معادل <تنقیص> و به معنای کم فروشی است; یعنی، <پیمانه را کامل بدهید و از کم فروشان نباشید>.

بی تقوایی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۵ - ۱

۱ - اصحاب شمال ، مجموعه ای از انسان های بی پروا ، متنعمان سرمست و جباران (انسان های بی رحم و آدم کش)

إنّهم کانوا قبل ذلک مترفین

<مترف> (مفرد <مترفين>) در معانی زیر به کار می رود: الف) انسان یله و رهایی که بدون هیچ مانعی هرچه دلش بخواهد انجام می دهد (بی پروا)؛ ب) کسی که تنعم و رفاه او را سرمست کرده باشد؛

ج) جبار و ستمگر (قاموس المحیط).

بی تقوایی الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۴ - ۳

۳ - الیاس پیامبر ، قوم خود را به خاطر بی تقوایی شان سرزنش کرد .

إذ قال لقومه ألاتتّقون

همزه در <ألاتتّقون> برای استفهام انکاریِ توبیخی است.

بی تقوایی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۶

۱۶ کفرورزی انسان ها و بی تقوایی آنان ، خارج از خواست و اختیار خداوند نخواهد بود .

و إن تکفروا فان للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

بیان مالکیت خداوند نسبت به تمامی هستی پس از جمله <ان تکفروا>، می تواند اشاره به این معنا باشد که، کفرورزی انسانها چون خارج از هستی نیست، در اختیار خداوند است.

بی تقوایی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۵،۶

۵ اهل کتاب ، فاقد انگیزه کافی برای ایمان و تقوا

و لو ان أهل الکتب ءامنوا و اتقوا

بیان شرط با کلمه <لو> حکایت از آن دارد که ایمان و تقواپیشگی از اهل کتاب امری بعید است.

۶ اهل کتاب در عصر پیامبر (ص) مردمی بی ایمان و فاقد تقوا

و لو ان أهل الکتب ءامنوا و اتقوا

بی تقوایی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۱۶

۱۶ - خطر خروج از مرز عدالت و تقوا در جنگ و پاسخ به تعدیات دشمن (مقابله به مثل)

فاعتدوا علیه . .. و اتقوا

اللّه

تأکید به رعایت تقوا با جمله <واتقوا اللّه> و نیز <و اعلموا . ..> پس از تجویز مقابله به مثل، می رساند که: اجرای این قانون خطر عدم رعایت حد و مرز مقابله به مثل و خروج از عدالت را در پی دارد; لذا برای جلوگیری از ابتلا به این امر ناروا، بر رعایت تقوا تأکید شده است.

بی تقوایی قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۹،۲۳

۱۹ هابیل پذیرفته نشدن قربانی برادرش قابیل را معلول بی تقوایی او دانست .

و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنک قال انما یتقبل اللّه من المتقین

۲۳ قابیل ، انسانی ناآشنا به معارف الهی ، بی تقوا و حسود

قال لاقتلنک . .. قال انما یتقبل اللّه من المتقین

بی تقوایی قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۴ - ۲

۲ - قوم الیاس پیامبر ، مردمی بی تقوا بودند .

إذ قال لقومه ألاتتّقون

بی تقوایی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۴،۶

۴ - ثمودیان ، مردمی بی تقوا و گنه پیشه

إذ قال لهم . .. ألاتتّقون

۶ - ثمودیان ، مورد سرزنش صالح (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم صلح ألاتتّقون

استفهام در جمله <ألا تتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۶

۶ - بی تقوایی و گنه پیشگی ، بزرگ ترین مشکل ثمودیان

فاتّقوا

اللّه و أطيعون

در سفارش های حضرت صالح(ع)، توصيه به تقوا بيش از همه توصيه ها تكرار شده است و اين نشان می دهد كه مشكل عمده ثموديان، مسأله بی تقوايی آنان بوده است.

بی تقوايی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۴ - ۴،۶

۴ - قوم عاد ، مردمی بی تقوا و گنه پيشه

إذ قال لهم . .. ألاتتّقون

۶ - عاديان ، مورد سرزنش هود (ع) به خاطر بی تقوايی و گنه پيشگی

إذ قال لهم أخوهم هود ألاتتّقون

استفهام در جمله <ألا تتّقون> می تواند برای توبيخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۲ - ۴

۴ - بی تقوايی ، بزرگ ترين مشكل عاديان

إذ قال لهم أخوهم هود ألاتتّقون . .. فاتّقوا اللّه... و اتّقوا الذی أمدّكم بماتعل

در سفارش های حضرت هود(ع)، توصيه به تقوا بيش از همه توصيه ها تكرار شده است و اين نشان می دهد كه مشكل عمده عاديان، بی تقوايی آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۱

۱ - تأكيد هود (ع) بر بيمناك بودن درباره سرنوشت قومش ، به خاطر بی تقوايی و ناسپاسی آنان

فاتّقوا اللّه . .. الذی أمدّكم ... إنّی أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

بی تقوایی قوم لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۸ – ۲۰

۲۰ قوم لوط ، فاقد حتی یک انسان فهمیده ، غیور و خداترس

فاتقوا الله و لاتخزون فی

ضیفی ألیس منکم رجل رشید

<رشید> به معنای راه یافته است و به مناسبت جمله <اتقواالله> و <لاتخزون فی ضیفی> مصداق راه یافتگی، خداترسی و غیرت و حمیّت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۴،۶

۴ - قوم لوط ، مردمی بی تقوا و گناه پیشه بودند .

إذ قال لهم أخوهم لوط ألاتتّقون

۶ - قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم لوط ألاتتّقون

استفهام در جمله<ألا تتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

بی تقوایی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۴،۶

۴ - قوم نوح ، مردمی بی تقوا و گنه پیشه

إذ قال لهم أخوهم نوح ألاتتّقون

دعوت نوح(ع) از قوم خویش به رعایت تقوا و خداترسی، بیانگر مطلب یاد شده است.

۶ - قوم نوح ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم نوح ألاتتّقون

استفهام در جمله <ألاتتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

بی تقوایی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۴

۴ مشرکان ، مصداق بارز بی تقوایان هستند .

و إخونهم

چنانچه گذشت مراد از <اخوان> بی تقوایان هستند و چون آیات پیشین درباره مشرکان بود، می توان گفت مصداق مورد نظر برای بی تقوایان، اهل شرک هستند.

بی تقوایی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۵

۵ - بی تقوایی و هواپرستی ، بزرگ ترین

مشکل تکذیب کنندگان دین در قیامت

فویل یومئذ للمکذّبین . .. هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون ... إنّ المتّقین فی

در این آیات، <متّقین> جبهه مقابل <مکذّبین> قرار گرفته است. از این تقابل مطلب استفاده می شود.

بی تقوایی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۸

۸ - تکذیب گران روز جزا ، فاقد تقوا و روح احسان و نیکوکاری اند .

ویل یومئذ للمکذّبین . ..إنّ المتّقین ... إنّا کذلک نجزی المحسنین

از تقابل تکذیب گران با تقواپیشگان و محسنان در آیات مورد بحث، برداشت یاد شده استفاده می شود.

بی تقوایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ یهودیان عصر بعثت بی هیچ ترس و پروایی از پیامبر (ص) و مسلمانان ، پیمانهایشان را نقض می کردند .

و هم لایتقون

برای فعل <یتقون> چندین متعلق می توان لحاظ کرد ; از جمله ضمیر <ک> که خطاب به پیامبر(ص) باشد و یا کلمه ای همانند <المؤمنین>.

بی تقوایی یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۲،۱۳

۱۲ جامعه یهود در عصر پیامبر (ص) ، جامعه ای به دور از تقوا و پرهیزگاری *

و هم لايتقون

برداشت فوق بر اين اساس است كه متعلق <لا يتقون>، اللّه باشد ; يعنى يهوديان ترسى از خداوند ندارند و تقواى الهى را رعايت نمى كنند.

۱۳ بى تقوايى يهوديان عصر بعثت عامل پيمان شكنى آنان

ينقضون عهدهم فى كل مره و هم لايتقون

جمله حاليه <و هم

لا یتقون> بیانگر ریشه پیمان شکنی یهودیان و به اصطلاح حال معلّله است.

بی تقوایی یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ بی پروایی یهودیان کفرپیشه از پیمان شکنی های مکرر

و هم لایتقون

زمینه بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۹

۹ انفال و غنایم جنگی ، زمینه لغزش و ابتلای مردم به سوء استفاده و بی تقوایی است .

قل الأنفال للّه و الرسول فاتقوا اللّه

هشدار خداوند با امر به تقوا پس از بیان حکم انفال، حاکی از برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - احساس اقتدار و ایمنی از آسیب دشمن ، زمینه ساز غفلت و کم تقوایی است . *

یأیّها الذین ءامنوا اتّقوا اللّه و لتنظر . .. و اتّقوا اللّه

در آیات پیشین خداوند به مؤمنان اطمینان داد که کافران یهود از این پس، تاب رویارویی مستقیم نخواهند داشت و منافقان هم کاری از پیش نخواهند برد; ولی پس از آن اطمینان بخشی، اکنون توصیه به تقوا کرده است. گویی که احساس ایمنی، زمینه غفلت را فراهم می آورد.

زیان بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۱ – ۱۵

۱۵ بازگشت زیان کفر و بی تقوایی ، به خود انسان نه به خداوند

و إن تکفروا فان للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

علایم بی تقوایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۳۱

۳۱ تسلیم نبودن در برابر احکام الهی و هراس از رویارویی با دشمن ، نشانه بی تقوایی

و قالوا ربّنا لم کتبت علینا القتال لولا اخّرتنا الی اجل قریب و الاخره خیر لمن ات

مفعول <اتقی> می توانـد مسائلی باشد که در آیه به متخلفان از جهاد نسـبت داده شد ; همانند اعتراض به حکم خدا و ترس از جنگ.

فرجام بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۰

۲۰- بی تقوایی و هواپرستی ، منتهی به خلود در آتش دوزخ

زیّن له سوء عمله و اتّبعوا أهواءهم . .. هو خلد فی النار

موارد بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ صید حیوانات صحرایی و خوردن گوشت آنها در حال احرام بی تقوایی است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً و اتقوا اللّه

از مصادیق مورد نظر برای <تقوا> به قرینه <حرم علیکم . ..> پرهیز از صید در حال احرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۴

۴ رعایت نکردن احکام الهی در بهرهوری از غنایم جنگی بی تقوایی است .

فلکوا مما غنمتم حللا طیبا و اتقوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۲۰

۲۰ - به کارگیری روش های نادرست و غیرمنطقی برای انجام کار ها ، خلاف تقواست .

لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها . .. و أتوا

البیوت من أبوبها و اتقوا اللّه

فرمان به رعایت تقوا، پس از ارشاد به اتخاذ روش صحیح برای رسیدن به مقصود، بیانگر یکی از این دو نکته است: ۱ اتخاذ روش و وسیله صحیح و منطقی از مصداقهای تقواست. ۲ ضرورت رعایت تقوا در پیمودن راهها برای رسیدن به مقاصد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۱۲

۱۲ - بی عدالتی در مقابله به مثل ، خلاف تقواپیشگی است .

فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم و اتقوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۵،۱۸

۱۵ اطفای شهوت جنسی از غیر طریق ازدواج و انتخاب همسر ، خلاف تقوا و خداترسی است .

فاتقوا الله

۱۸ رسوا ساختن افراد در میان مردمان ، خلاف تقوا و خداترسی است .

فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۳ - ۲

۲ - کاستن از ارزش کالای مردم و کم ب ها جلوه دادن آن به هنگام خرید ، از مصادیق بی تقوایی است .

فاتّقوا اللّه . .. و لاتبخسوا الناس أشیاءهم

موانع بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۳

۱۳ ایمان ، ناسازگار با بی تقوایی ، ترک جهاد و بی اعتنایی به وسایل تقرب به خدا

یأیها الذین ءامنوا اتقوا اللّه و ابتغوا إلیه الوسیله و جهدوا فی سبیله

نشانه های بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲ – ۴۳

۴۳ تعدی و تجاوز حتی به دشمنان ، تعاون در گناه و تجاوز و ترک همکاری در کار های نیک ، حاکی از بی تقوایی است .

لایجرمنکم . .. و لاتعاونوا علی الاثم و العدون واتقوا اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱ – ۷

۷ یاد نکردن و به فراموشی سپردن نعمت های خداوند ، نشانه بی تقوایی است .

اذکروا . .. و اتقوا اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۸ – ۱۴

۱۴ عمل به احکام الهی نشانگر تقواپیشگی و تجاوز از حدود خداوندی نشانه بی تقوایی است .

و لاتعتدوا . .. و اتقوا اللّه الذی انتم به مؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۲ – ۱۵

۱۵ درخواست های نابجا از پیامبران الهی ، نشانه بی تقوایی

ان ینزل علینا مائده . .. اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۴ – ۸

۸ بازداشتن مؤمنان از ورود به مسجدالحرام ، حاکی از نداشتن تقواست .

یصدون عن المسجدالحرام . .. إن أولیاؤه إلا المتقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۰ – ۱۳

۱۳ – ترک وصیت های مالی نشانه بی تقوایی است .

کتب علیکم . .. الوصیه ... حقاً علی المتقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۱ –

۱۶ شرك پیشگی و انکار ربوبیت خدا علی رغم اعتقاد به رازقیت ، حاکمیت ، حیات بخشی و تدبیر بیوقفه خدا نسبت به امور جهان نشانه ای از وجود روحیه بی پروایی در انسان است .

قل من یرزقکم . .. فسیقولون اللّه فقل أفلاتتقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۸ – ۲۱

۲۱ همجنس بازی ، مخالف تقوا و خداترسی و ناسازگار با رشد و فهمیدگی است .

فاتقوا الله . .. ألیس منکم رجل رشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۲ – ۵

۵- ترك تقوا ، ظلم است و ظلم نشانه بی تقوایی .

ثمّ ننجّی الذین اتقوا و نذر الظلمین

در این آیه، مردم به دودسته تقسم شده اند: متقی یا ظالم. براین اساس شخص بی تقوا از ظالمان است و ظلم نیز نشانه بی تقوایی خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۰ – ۱۰

۱۰ – فروهشتن مسؤولیت های دینی و بی تفاوتی در برابر مشکلات جامعه ، بی تقوایی است .

فأصلحوا . .. و اتّقوا اللّه

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر به وظایف یاد شده در صدر آیه عمل نشود و مؤمنان خود را در قبال دیگر برادران ایمانی مسؤول ندانند، تقوا را رعایت نکرده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۲ – ۲۱

۲۱ – بدگمانی ، تجسّس و غیبت نسبت به مؤمنان ، بی تقوایی ، گناه و نیازمند توبه است .

اجتنبوا

كثيرًا من الظنّ . .. و لاتجسّسوا و لايغتب بعضكم بعضًا ... و اتّقوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۳ - ۳

۳ - خودداری از انفاق ، نمودی از دنیامداری و بی تقوایی

فأعرض عن من تولّی . .. لم یرد إلّا الحیوه الدنیا... فلاتزكّوا أنفسكم هو أعلم بمن

در صورتی كه مراد از <تولّی> اعراض از انفاق باشد، از تفریع <أفرأیت. ..> بر آیات پیشین، می توان استفاده كرد كه دریغورزان از انفاق، در زمره دنیامداران بی تقوا قرار دارند.

نشانه های بی تقوایی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۵ - ۵

۵ - هم جنس گرایی ، بارزترین نمود بی تقوایی قوم لوط

فاتّقوا اللّه . .. أتأتون الذكران من العلمین

بی عقلی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بی عقلی

آثار بی عقلی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ ارزش گذاری غلط و ترجیح دادن همنشینی با عاجزان بر شركت در جهاد ، معلول جهل و نابخردی

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع اللّه علی قلوبهم فهم لا یعلمون

برداشت فوق بر این مبنا است كه طبع قلب و عدم علم، عامل موضع گیریهای متخلفان از جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۶

۶ به کار نبستن عقل و خرد ، عامل آلودگی انسان به پلیدیهاست .

و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

آثار بی عقلی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴

- ۴۶ - ۸

۸ - نسبت جنون به پیامبر (ص) از سوی مردم مکه ، ناشی از بی اندیشگی بوده است .

ثمّ تتفکّروا ما بصاحبکم من جِنّه

بی عقلی بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۹ - ۵

۵ بت پرستان و مشرکان ، مردمی بی خرد و نادانند .

و أعرض عن الجهلین

از مصادیق مورد نظر برای <الجاهلین>، به قرینه آیات قبل، مشرکان و بت پرستان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۲

۲ مشرکان و بت پرستان ، مردمی ساده اندیش و بی خرد

و یعبدون من دون اللّه ما لاینفعهم و لایضرّهم

یادآوری ناتوانی معبودها از رسانیدن نفع و یا دفع ضرر، در مقام محکومیت شرک و بت پرستی، می تواند اشاره به این حقیقت عقلایی داشته باشد که عملی که هیچ سودآور نباشد و یا زیانی را دور نسازد، عملی به دور از خرد و سرزنش آمیز است و هیچ عاقلی دست به چنین کاری نخواهد زد.

بی عقلی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۷

۷ تعقل و اندیشه ، حق شنوی و درس آموزی ، از ویژگی های انسان و فارق میان او و حیوان است .

أنّ أکثرهم یسمعون أو یعقلون إن هم إلاّ کالأنعم

بی عقلی شفیعان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۳ - ۳

۳ - معبود ها و شفیعان مشرکان عصر پیامبر (ص) ،

فاقد هرگونه توانایی و تعقل

قل أوَلو کانوا لایملکون شیئًا و لایعقلون

بی عقلی عبرت ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۸ - ۱۲

۱۲ - کسانی که از سرنوشت اقوام پیشین عبرت نمی گیرند ، از خرد بی بهره اند .

إنّ فی ذلک لأیت لأُولی النهی

بی عقلی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۷ - ۵

۵- قوم بت پرست ابراهیم ، مردمی سطحی نگر و کم خرد بودند .

أفتعبدون من دون اللّه ما لاینفعکم شیئًا و لایضرّکم . أُفّ لکم ... أفلاتعقلون

برداشت یاد شده از عبادت بی حاصل قوم ابراهیم و سرزنش شدن آنان از سوی آن حضرت بر تعقل نکردن و اندیشه نورزیدن به دست می آید. گفتنی است به کسی که عقل خود را به کار نینـدازد و در حد قوّه نگه دارد، کم خرد اطلاق می شود; به عبارت دیگر بی خردی یا کم خردی نسبت به خرد بالفعل است نه بالقوّه.

بی عقلی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۲۰

۲۰ قوم لوط ، فاقد حتی یک انسان فهمیده ، غیور و خداترس

فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

<رشید> به معنای راه یافته است و به مناسبت جمله <اتقواالله> و <لاتخزون فی ضیفی> مصداق راه یافتگی، خداترسی و

غیرت و حمیّت است.

بی عقلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲۱

۲۱ - مؤمنان ، برخوردار از عقل

سلیم و خردناب و کافران فاقد آن هستند .

إنّما یتذکّر أُولوا الألبب

این که خداوند فرمود: تنها صاحبان خردناب پندپذیرانـد، اشاره به گروه مؤمنان و کافران دارد; زیرا آیات یاد شده درصدد توصیف این دو گروه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۲۰

۲۰ - مؤمنان ، برخورد از عقل و خرد و کافران فاقد آن

إنّ فی ذلک لذکری لأُولی الألبب

برداشت بالا- از ارتباط آیه شریفه با آیات گذشته به دست می آید; زیرا آیات پیش درباره اوصاف مؤمنان در مقابل کافران بود و در این آیه نیز یکی دیگر از اوصاف مؤمنان بیان شده است.

بی عقلی گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۵

۵ - گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مردمی جاهل و دور ازاندیشه و فکر

أفلایرون ألاّیرجع إلیهم قولاً

بی عقلی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۹ - ۵

۵ بت پرستان و مشرکان ، مردمی بی خرد و نادانند .

و أعرض عن الجهلین

از مصادیق مورد نظر برای <الجاهلین>، به قرینه آیات قبل، مشرکان و بت پرستان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۲

۲ مشرکان و بت پرستان ، مردمی ساده اندیش و بی خرد

و یعبدون من دون اللّه ما لاینفعهم و لایضرّهم

یادآوری ناتوانی معبودها از رسانیدن نفع و یا دفع ضرر، در مقام محکومیت شرک و بت پرستی، می تواند اشاره به این حقیقت عقلایی داشته باشد

که عملی که هیچ سودآور نباشد و یا زیانی را دور نسازد، عملی به دور از خرد و سرزنش آمیز است و هیچ عاقلی دست به چنین کاری نخواهد زد.

بی عقلی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۴

۴ بیشتر مشرکان مکّه ، مردمانی حق نشنو و نابخرد

إذا رأوک إن یتّخذونک . .. أم تحسب أنّ أکثرهم یسمعون أو یعقلون

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است; چرا که بیشتر مشرکان آن شهر در نیمه نخست بعثت دارای چنین خصلتی بودند.

بی عقلی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۳ - ۳

۳ - معبود ها و شفیعان مشرکان عصر پیامبر (ص) ، فاقد هرگونه توانایی و تعقل

قل أَوَلو کانوا لایملکون شیئًا و لایعقلون

بی عقلی معبودان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۲ - ۵

۵ - معبود های مشرکان ، فاقد شعور و درک

ما کانوا یعبدون

از آمدن <ما> که برای موجودات فاقد شعور به کار می رود درباره معبودهای مشرکان، برداشت یاد شده به دست می آید.

بی عقلی مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۳

۳ کسانی که پیامبران الهی را تکذیب کنند و به آیات و نشانه های خدا ایمان نیاورند ، مردمی بی خرد و نادان هستند .

و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

مراد از <الذین لایعقلون> به قرینه مقابله

بـا <مـا كان لنفس أن تؤمن . ..> تكـذيب كننـدگان و كافران هسـتند. گفتنى است ذكر <لايعقلون> به جاى <لايؤمنون> برداشت فوق را تأييد مى كند.

بى عقلى مكذبان انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۳

۳ كسانى كه پيامبران الهى را تكذيب كنند و به آيات و نشانه هاى خدا ايمان نياورند ، مردمى بى خرد و نادان هستند .

و يجعل الرجس على الذين لايعقلون

مراد از <الـذين لايعقلون> به قرينه مقابله با <ما كان لنفس أن تؤمن . ..> تكـذيب كنندگان و كافران هسـتند. گفتنى اسـت ذكر <لايعقلون> به جاى <لايؤمنون> برداشت فوق را تأييد مى كند.

بى عقلى مكذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۹

۹ ناباوران به حقانيّت قرآن و الهى بودن آن ، از خردمندى بى بهره اند .

أفمن يعلم . .. كمن هو أعمى إنما يتذكّر أُولُوا الألبب

بى عقلى مكذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۳

۳ - درخواست نامه هاى سرگشاده و جداگانه براى خود ، جلوه نابخردى و سبك مغزى كافران مخالف پيامبر (ص)

فما لهم عن التذكره معرضين . .. بل يريد كلّ امرىء منهم أن يوتى صحفًا منشّره

بى عقلى منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ – منافقون – ۶٣ – ۴ – ١۶

١۶ – < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < کأنّهم خشب مسنّده > یقول : لایسمعون و

لایعقلون ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <کأنّهم خشب مسنّده> روایت شده مقصود خداوند [از این تشبیه]این است که آنان نه گوش شنوا دارند و نه تعقل می کنند>.

بی عقلی هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۱،۶

۱ پندار حق شنوی و خرد ورزی بیشتر هواپرستان ، پنداری بس واهی و به دور از واقعیت

من اتّخذ إلهه هویه . .. أم تحسب أنّ أکثرهم یسمعون أو یعقلون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <أم> در آیه شریفه، از نوع منقطعه و برای اضراب (مانند <بل>) و متضمن معنای استفهام انکاری است. گفتنی است مقصود از <یسمعون> شنیدن ظاهری نیست; بلکه مراد شنیدن با گوش دل و حرف شنوی است.

۶ مردمان هواپرست را ، در حق نشنوی و بی خردی ، جز به چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) نمی توان تشبیه کرد .

إن هم إلّا کالأنعم

<أنعام> نامی است که شامل سه نوع حیوان می شود: شتر و گاو و گوسفند.

بی عقلی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۶

۱۶ - یهود ، مردمانی دور از اندیشه و خردورزی *

ذلک بأنّهم قوم لایعقلون

با توجه به بازگشت ضمیر <هم> به یهودیان، اسناد عدم تعقل به <قوم>; می تواند اشاره به خصوصیت این <قوم> داشته باشد.

تهمت بی عقلی به یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۴ – ۸

۸ سست شدن عقل و خرد بر اثر پیری و کهنسالی

، اتهام خانواده يعقوب به آن حضرت

لولا أن تفنّدون

<فَنَد> به معناى فساد عقل بر اثر پيرى است و <تفنيد> (مصدر تفنّدون) ; يعنى ، كسى را به خاطر پيرى و فرتوتى سست انديشه شمردن (كشاف).

نشانه هاى بى عقلى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ پذيرش ولايت معبودانى نيازمند و ناتوان از رفع نياز ديگران، نشانه بى خردى است.

قل أغير اللّه أتّخذ وليا فاطر السموت و الأرض و هو يطعم و لا يطعم

استفهام انكارى همراه با توبيخ و تعجب در <قل أغير اللّه> حكايت از آن دارد كه پذيرش ولايت غير خدا توجيه صحيحى ندارد و كارى ست دور از منطق و خرد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۵ - ۵

۵ پرستش چيزى ناتوانتر از پرستنده آن ، نابخرى و مايه شگفتى است .

ألهم أرجل يمشون بها . .. أم لهم ءاذان يسمعون بها

استفهام در جمله <ألهم . .. > به انگيزه تعجب ايراد شده و منشأ تعجب به مناسبت مورد، نابخردى پرستشگران بتهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۲ - ۲

۲ انكار وحى و رسالت انسان از جانب خدا ، نشانه بى خردى و كوته نظرى

أكان للناس عجباً أن أوحينا إلى رجل منهم

استفهام در <أكان للناس عجباً> استفهام انكارى و براى اظهار شگفتى از موضع گيرى انكارآميز مردم مكه در برابر پديده

وحی و رسالت انسان از جانب خداست. اظهار شگفتی خداوند، نشان دهنده این حقیقت است که: مسأله وحی و نبوت

مسأله ای بدیهی و ضروری و از مقتضیات ربوبیت خدا نسبت به انسان است و انکار آن به منزله انکار امور بدیهی و ضروری بوده و بیانگر بی خردی و کوته نظری منکران آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۹

۹ انکار آسمانی بودن قرآن و رسالت حضرت محمد (ص) علی رغم آگاهی به زندگی و شخصیت پیش از بعثت او ، نشانه بی خردی است .

قل لو شاء اللّه ما تلوته علیکم . .. فقد لبثت فیکم عمراً من قبله أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ پیروی از غیر خدا و سر برتافتن از هدایت های الهی ، نشانه ای است از کوته نظری و نابخردی .

أفمن یهدی إلی الحق أحق أن یتبع أمن لایهدّی . .. فما لکم کیف تحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۲۱

۲۱ شرک و کفر ، نشانه نادانی و بی خردی است .

و لکنی أریکم قومًا تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ شرکورزی و انکار رسالت پیامبران ، نشانه بی خردی است .

یقوم اعبدوا الله . .. أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۱۶

۱۶ تکذیب پیامبر (ص) به خاطر بشر بودنش ، نشانه بی خردی و دلیل بی اطلاعی از تاریخ بشر ، پیامبران پیشین

و سنّت الهی است .

و ما أرسلنا من قبلک إلاّ رجالاً نوحی إلیهم من أهل القری . .. أفلاتعقلون

لحن جمله <و ما أرسلنا . ..> گویای این است که آن جمله در پاسخ این توهّم ایراد شده که: فرستاده خدا نمی تواند فردی از افراد بشر باشد ; بلکه باید از فرشتگان و مانند آنها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۶

۶ اطلاع کافران از عاقبت شوم کفرپیشگان گذشته و عبرت نگرفتن از آنان ، مایه تعجب و شگفتی و نشانه بی خردی آنان است .

و یستعجلونک بالسیئه قبل الحسنه و قد خلت من قبلهم المثلت

آیه شریفه در مقام تعجّب و بیان سخافت رأی و خرد کفرپیشگان است و جمله حالیه (و قد خلت . ..) به منزله دلیل برای اثبات آن می باشد. از این رو باید آنان از گرفتار شدن امتهای کفرپیشه گذشته به عقوبتهای الهی مطلع باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۶ - ۱

۱ - برابر دانستن مسلمانان با مجرمان ، نشانه کوته فکری و بی خردی است .

ما لکم کیف تحکمون

آیه شریفه دارای دو استفهام است: ۱ <ما> که درصدد بیان منشأ و اساس قضاوت است; ۲ <کیف> که مربوط به کیفیت قضاوت است. این عبارت در جایی به کار می رود که فردی بدون داشتن دلیل و منطق صحیح، درباره چیزی قضاوت کند و این کار افراد جاهل و بی خرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۴

- احساس امنیت در برابر عذاب الهی به جهت برخورداری از امکانات مادی ، احساسی بی پایه و نشان نابخردی است .

لذی حجر . .. الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

خبر از هلاکت قوم عاد با وجود تمدن پیشرفته آنها پس از سوگندهایی که خردمندان را مخاطب ساخته بود نشانگر این است که اهل خرد، امکانات مادی را نجات بخش از عذاب الهی نمی دانند.

نشانه های بی عقلی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸ - ۷

۷ - کشتن پسران بنی اسرائیل از سویی و برگرفتن موسی (ع) از آب از سوی دیگر ، نمود خطاپیشگی و نابخردی فرعونیان

یذبّح أبناءهم . .. فالتقطه ءال فرعون

نشانه های بی عقلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۶

۶ اطلاع کافران از عاقبت شوم کفرپیشگان گذشته و عبرت نگرفتن از آنان ، مایه تعجب و شگفتی و نشانه بی خردی آنان است .

و یستعجلونک بالسیئه قبل الحسنه و قد خلت من قبلهم المثلت

آیه شریفه در مقام تعجّب و بیان سخافت رأی و خرد کفرپیشگان است و جمله حالیه (و قد خلت . ..) به منزله دلیل برای اثبات آن می باشد. از این رو باید آنان از گرفتار شدن امتهای کفرپیشه گذشته به عقوبتهای الهی مطلع باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۰ - ۴

۴ - روی گردانی کافران از کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، ناشی از نابخردی و کوته فکری آنان بود

.

فما لهم عن التذکره معرضین . کأنّهم حمر مستنفره

بی گناهان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بی گناهان

ابتلای بی گناهان به عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۲

۲ برخی از گناهان و ستمکاری ها در جامعه ایمانی مایه گرفتار شدن همگان (مرتکبان گناه و غیر آنها ، یعنی ظالم و غیر ظالم) به عذاب های الهی است .

و اتقوا فتنه لاتصیبن الذین ظلموا منکم خاصه

<لا> در <لاتصیبن> نافیه و <خاصه> حال برای <الذین> است. جمله <لاتصیبن الذین ... > تبیین و توضیحی است برای <فتنه>. و مراد از اتقاء فتنه، پرهیز از عامل آن می باشد که به قرینه <ظلموا>، ستمکاری است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ای اهل ایمان از گناهانی که موجب فتنه ای عظیم می شود بپرهیزید ; آن گونه فتنه ای که نه تنها دامنگیر گناهکار می شود، بلکه همگان را در شعله های خود خواهد سوزانید.

اجتناب از کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۴

۴ لزوم پرهیز حاکمان از مجازات بی گناهان به جای گنه کاران

قال معاذ الله أن نأخذ إلّا من وجدنا متعنا عنده

بی گناهان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۳

۱۳ وجود افرادی نیک کردار و پاکدامن از گناهان در میان قوم موسی

سنزید المحسنین

کلمه <المحسنین> می تواند در مقابل گروهی از بنی اسرائیل باشد که از جمله <نغفر لکم خطیئتکم> به دست می آید.
یعنی بنی اسرائیل دو گروه بودند: گروهی گنهکار

که جمله <نغفر لکم خیطئتکم> اشاره به آنان دارد و پاکدامنان از گناه که <المحسنین> عهده دار تبیین آن گروه است.

ظلم قتل بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۲

۲ - تهاجم بی دلیل به انسان ها و کشتار آنها ، ظلم است .

أُذن للذین یقتلون بأنّهم ظلموا

ظلم کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۲

۱۲ مجازات بی گناهان به جای مجرمان ، گناه و از مصادیق ظلم است .

قال معاذ الله . .. إنا إذًا لظلمون

کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ بی گناهان جامعه ، در خطر گرفتار آمدن به کیفر گناهکاران

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۲،۳

۲ داوطلب شدن بی گناهان برای مجازات شدن به جای مجرمان ، مجوز کیفر دادن آنان نیست .

فخذ أحدنا مکانه . .. معاذ الله أن نأخذ إلاّ من وجدنا متعنا عنده

۳ قوانین جزایی مصر در زمان یوسف ، کیفر بی گناهان را به جای مجرمان هر چند داوطلبانه باشد ، مجاز نمی شمرد . *

معاذ الله أن نأخذ إلاّ من وجدنا متعنا عنده

برداشت فوق را می توان از به کارگیری ضـمیرهای متکلم مع الغیر به جای ضمیر متکلم وحده استفاده کرد ; یعنی، یوسف(ع) با جمله <بازداشت نمی کنیم> به جای <بازداشت نمی کنم> اشاره به این معنا می کند

که قوانین مصر چنین اجازه ای به من نمی دهد که بی گناه را به جای گنهکار بازداشت کنم، هر چند او خود داوطلب باشد.

گناه کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۲

۱۲ مجازات بی گناهان به جای مجرمان ، گناه و از مصادیق ظلم است .

قال معاذ الله . .. إنا إذًا لظلمون

ناپسندی قتل بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۱۰

۱۰- کشتن فرد بی گناه ، کاری زشت و ناروا است .

لقد جئت شیئًا نکرًا

<نکر> صفت مشبه و به معنای <منکَر> است <یعنی کار قبیح و ناپسند و خلاف معروف>.

هلاکت بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۱۳

۱۳ هلاکت گروهی به سبب گناه گروهی دیگر ، خلاف سنن الهی در دیدگاه موسی (ع)

أتهلکنا بما فعل السفهاء منا

بی لیاقتی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بی لیاقتی

اعلان بی لیاقتی منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۳ – ۷

۷ اعلان عدم صلاحیت منافقان برای همراه شدن با پیامبر (ص) جهت مقابله با دشمنان دین

فقل لن تخرجوا معی أبداً و لن تقتلوا معی عدواً

بی لیاقتی بخیلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۸ – ۱۸

۱۸ شرافت پاسداری از دین ، شایسته ملت های مجاهد و انفاقگر و نه بخلورزان دنیاگرا

و إن تتولّوا یستبدل قومًا غیرکم ثمّ لایکونوا أمثلکم

با توجه به این

که آیات پیشین در زمینه جهاد و انفاق و نیز روی گردانان از جهاد و انفاق بود; این آیه می تواند خطاب به جامعه مسلمین عصر پیامبر(ص) باشد که اگر آنان از جهاد و انفاق روی گردانند، خداوند شرافت پاسداری از دین را از آنان سلب کرده و به امتی خواهد داد که این چنین نباشند.

بی لیاقتی تارکان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۵

۵ کافران ، مشرکان و مسلمانان بی مبالات و ناپایبند به نماز و زکات ، فاقد صلاحیت تعمیر و رسیدگی به امور مساجدند .

إنما یعمر مسجد اللّه من ءامن باللّه و الیوم الأخر و أقام الصلوه و ءاتی الزکوه

بی لیاقتی تارکان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۵

۵ کافران ، مشرکان و مسلمانان بی مبالات و ناپایبند به نماز و زکات ، فاقد صلاحیت تعمیر و رسیدگی به امور مساجدند .

إنما یعمر مسجد اللّه من ءامن باللّه و الیوم الأخر و أقام الصلوه و ءاتی الزکوه

بی لیاقتی خویشاوندان زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۲

۲- بستگان زکریا ، در نظر وی برای تسلط بر امور مادی و اجتماعی او صلاحیت نداشتند . *

و إنّی خفت المولی من وراءی

از معانی <موالی> خویشاوندانی از قبیل پسر عمو، پسر خواهر و نظایر آنان است (تاج العروس).

بی لیاقتی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۸ – ۱۸

۱۸

شرافت پاسداری از دین ، شایسته ملت های مجاهد و انفاقگر و نه بخلورزان دنیاگرا

و إن تتولّوا یستبدل قومًا غیرکم ثمّ لایکونوا أمثلکم

با توجه به این که آیات پیشین در زمینه جهاد و انفاق و نیز روی گردانان از جهاد و انفاق بود; این آیه می تواند خطاب به جامعه مسلمین عصر پیامبر(ص) باشد که اگر آنان از جهاد و انفاق روی گردانند، خداوند شرافت پاسداری از دین را از آنان سلب کرده و به امتی خواهد داد که این چنین نباشند.

بی لیاقتی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۱

۱ - شیاطین ، فاقد کمترین شایستگی برای نزول قرآن

و ما ینبغی لهم

ضمیر فاعل در <ینبغی> به <تنزّل> (مصدر <تنزّلت>) بازمی گردد <استطاعه> (مصدر <یستطیعون>) به معنای توانایی است; یعنی، <و ما ینبغی لهم أن یتنزّلوا به و لایقدرون علی التنزّل به; نه می سزد که شیاطین قران را نازل کنند و نه می توانند>.

بی لیاقتی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ ستمکاران ، شایسته ولایت و سرپرستی نیستند .

و لاترکنوا إلی الذین ظلموا . .. و ما لکم من دون الله من أولیاء

بی لیاقتی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۷

۷ نومیدی نوح (ع) از هدایت یابی قومش و آگاهی او از ناشایستگی آنان برای ایمان ، زمینه ساز رفع اندوه از او

لن یؤمن من قومك . .. فلاتبتئس بما كانوا یفعلون

برداشت فوق ، از

تفریع <لاتبتئس> بر اِخبار از ایمان نیاوردن کافران استفاده شده است; یعنی ، حال که از هدایت نیافتن کافران آگاه شدیو احساس مسؤولیت نمی کنی، زمینه ای برای اندوه وجود ندارد پس غمگین مباش.

بی لیاقتی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۵

۵ کافران ، مشرکان و مسلمانان بی مبالات و ناپایبند به نماز و زکات ، فاقد صلاحیت تعمیر و رسیدگی به امور مساجدند .

إنما یعمر مسجد اللّه من ءامن باللّه و الیوم الأخر و أقام الصلوه و ءاتی الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲۰

۲۰ مشرکان ، کافران به خدا و ناباوران به قیامت ، فاقد صلاحیت برای ارائه برنامه و مقررات برای انسانها

إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۸

۸ - برخی کافران ناتوان از درک دین پیامبر (ص) و ارزش آن و نالایق برای استفاده از آن

و لی دین

بی لیاقتی مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۲ - ۲

۲ - اسراف گران و فسادانگیزان ، فاقد صلاحیت رهبری و فرماندهی

و لاتطیعوا أمر المسرفین . الذین یفسدون فی الأرض

بی لیاقتی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۱،۲

۱ مشرکان ، صلاحیت تعمیر و رسیدگی به مساجد را ندارند .

ما کان للمشرکین أن یعمروا مسجد اللّه

۲

وانهادن امور مساجد به شرك پیشگان ، ممنوع است .

ما كان للمشركين أن يعمروا مسجد اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۵

۵ كافران ، مشركان و مسلمانان بی مبالات و ناپايبند به نماز و زكات ، فاقد صلاحيت تعمير و رسيدگی به امور مساجدند .

إنما يعمر مسجد اللّه من ءامن باللّه و اليوم الأخر و أقام الصلوه و ءاتى الزكوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲۰

۲۰ مشركان ، كافران به خدا و ناباوران به قيامت ، فاقد صلاحيت برای ارائه برنامه و مقررات برای انسانها

إنی تركت ملّه قوم لايؤمنون بالله و هم بالأخره هم كفرون

بی لياقتی معبودان مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۵،۶

۵ معبود های اهل شرك ، فاقد ويژگی های خدايی و شايستگی پرستش

قل سمّوهم

<تسميه> (مصدر سمّوا) به معنای نام نهادن و يا نام بردن است و مراد از نام بردن معبودهای پنداری به قرينه بيان صفت ويژه خداوند توصيف آنها و برشمردن ويژگيهای آنهاست نه مجرد نام بردن و گفتن اينكه فلان بت نامش لات يا عزّی و يا . .. است.

۶ توجه به صفات خدايان اهل شرك ، كافی در اطمينان آدمی به شريك نبودن آنها برای خدا و شايسته نبودنشان برای پرستش

قل سمّوهم

جمله <قل سمّوهم> (بگو: خدایان پنداری را توصیف کنید) در حقیقت استدلالی است برای بی اساس بودن پندار شرك ; یعنی، شما خود ویژگیهای بتها را برشمرید. همین امر کافی

است که دریابید آنها شایسته الوهیت و ربوبیت نیستند و نمی توانند شریک خدا شمرده شوند.

بی لیاقتی مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۲۲

۲۲ مفسدان شایسته حکومت بر مردم نیستند .

و لا تتبع سبیل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۲ - ۲

۲ - اسراف گران و فسادانگیزان ، فاقد صلاحیت رهبری و فرماندهی

و لاتطیعوا أمر المسرفین . الذین یفسدون فی الأرض

بی لیاقتی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲۰

۲۰ مشرکان ، کافران به خدا و ناباوران به قیامت ، فاقد صلاحیت برای ارائه برنامه و مقررات برای انسانها

إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

دلایل بی لیاقتی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۳

۳ - شرارت و پلیدی نهفته در نهاد شیاطین ، دلیل بیگانگی عمیق آنان بامفاهیم هدایتگر قرآن

و ما ینبغی لهم

مقصود از برداشت یـاد شـده این است که بـا توجه به محتوای هـدایتگر و تکامل بخش قرآن عرصه ای بر این اتهام که عناصـر پلیدی چون شیاطین در آن دخالت داشته باشند باقی نمی ماند.

دلایل بی لیاقتی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۷

۷ - کفر به حق و اصالت وحی ، دلیل عدم شایستگی کافران برای دوستی

تلقون إلیهم بالمودّه و قد کفروا بما جاءکم من الحقّ

عبارت <و

قد کفروا. ..> در حقیقت بیانگر علت نهی (لاتتّخذوا عدوّی) است.

نشانه بی لیاقتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۵ – ۶

۶- گرفتـاری به عـذاب الهی با توجه به رحمانیت خداونـد ، نشانه کمال بی لیاقتی و محرومیت از تمام زمینه های رحمت الهی است .

أن یمسّک عذاب من الرحمن

بی نیازی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بی نیازی

آثار احساس بی نیازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۷ – ۲

۲ – احساس بی نیازی حتی در صورت کاذب بودن آن زمینه گستاخی و تجاوزگری انسان

أن رءاه استغنی

فعل <رآه> دلالت دارد که عامل طغیان، این است که شـخص خود را بی نیاز ببینـد. بنابراین، درک یا توهّم بی نیازی، عامل طغیان است; نه وجود حقیقی آن.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۹ – ۵

۵ – خوی ثروت اندوزی و احساس بی نیازی ، زمینه ساز مخالفت با برگزاری نماز

أن رءاه استغنی . .. أرءیت الذی ینهی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۴ – ۷

۷ – حالت طغیان گری و ثروت اندوزی و احساس بی نیازی مطلق ، مایه بی پروا شدن انسان در برابر نظارت خداوند

لیطغی . أن رءاه استغنی ... ألم یعلم بأنّ اللّه یری

آثار بی نیازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۴ – ۱۵

۱۵ بی نیازی و رفاه ، زمینه ساز طغیان و ستیزه جویی با حق

و ما نقموا إلا أن

أغنيهم اللّه و رسوله من فضله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶۴ – ۶

۶ – بی نيازی و واجد بودن همه كمالات ، شرط شايستگی برای ربوبيت و تدبير امور عالم و آدم

و إنّ اللّه لهو الغنیّ الحميد

آثار بی نيازی از پاداشهای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – ليل – ۹۲ – ۸ – ۴

۴ – احساس بی نيازی از پاداش های موعود خداوند ، زمينه بخل ورزی و ترک انفاق

فأمّا من أعطی . .. و أمّا من بخل و استغنی

در برداشت ياد شده، عطف <استغنی> بر <بخل>، عطف سبب بر مسبب دانسته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – ليل – ۹۲ – ۹ – ۳

۳ – بخلورزی ، ترک انفاق و احساس بی نيازی از پاداش های الهی ، نشانه بی اعتمادی به وعده های خداوند است .

و أمّا من بخل و استغنی و كذّب بالحسنی

از عطف اين آيه بر آيه قبل چه عطف سبب بر مسبب باشد و چه عكس آن برداشت ياد شده استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – ليل – ۹۲ – ۱۰ – ۶

۶ – بخلورزی و احساس بی نيازی از پاداش های الهی و تكـذيب آن ، مايه محروميت از امداد های خداوند در دنيا و گرفتاری به فرجامی سخت در آخرت است .

و أمّا من بخل و استغنی . و کذّب بالحسنی . فسنیسّره للعسری

مراد از <عسری> به قرینه آیه بعد زمان سقوط و هلاکت است

و بر دنیا و آخرت تطبیق می کند. آیه <و إنّ لنا للآخره و الأُولی> نیز مؤید تعمیم به آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۱ - ۴

۴ - سقوط و هلاکت ثروتمندان بخیل در دنیا و آخرت ، گواه بی ثمر بودن ثروت و واهی بودن احساس بی نیازی آنان از پاداش های الهی است .

استغنی . .. و ما یغنی عنه ماله إذا تردّی

آثار بی نیازی از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۹

۹ - < عن أبی جعفر (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ < . . .فسنیسّره للعسری > قال : لایرید شیئاً من الشرّ إلاّ یسّره له ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ <فسنیسّره للعسری>، روایت شده که فرمود: [هرکه بخل ورزد و خود را از خدا بی نیاز بیند و نیکوترین پاداش الهی را تکذیب کند]، درباره انجام دادن هیچ شرّی تصمیم نمی گیرد; جز آن که خداوند آن را برای او آسان می سازد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۳

۳ - احساس بی نیازی از خداوند ، زمینه ساز سرکشی از خواسته های او است .

ربّک الأکرم . الذی علّم ... إنّ الإنسن لیطغی . أن رءاه استغنی

آیات آغازین سوره، قرینه بر متعلق <یطغی> و <استغنی> است و نشان می دهد که طغیان در برابر خداوند و استغنا از او، از مصادیق مورد نظر آن است.

آثار بی نیازی از دین

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۷ – ۶

۶ – بی نیاز دیدن خویش از تعالیم دین ، مصداق بارز ناپاکی و محرومیت از تزکیه است .

أمّا من استغنی . .. و ما علیک ألاّ یزّکّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۹ – ۵

۵ – احساس بی نیازی از تعالیم دین ، زمینه ساز غفلت از خداوند و بی باکی از آلودگی به پلیدی ها است .

أمّا من استغنی . .. ألاّ یزّکّی ... و هو یخشی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۴۰ – ۲

۲ – احساس بی نیازی از تعالیم دین ، مایه روسیاهی در قیامت

أمّا من استغنی . فأنت له تصدّی ... و وجوه یومئذ علیها غبره

ارائه دو ترسیم از حاضران صحنه قیامت در ذیل سوره، ممکن است اشاره به تقسیمی باشد که در آغاز سوره انجام گرفته بود که در یک طرف ابن ام مکتوم و در طرف دیگر اشراف قرار داشتند.

آثار بی نیازی خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۳ – ۱۱

۱۱ بی نیازی و رحمت خداوند موجب امهال به جوامع کفر و ستم پیشه و نابود ساختن آنان است.

و ربک الغنی ذو الرحمه إن یشأ یذهبکم و یستخلف من بعدکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۸ – ۷

۷- بی نیازی و ستودگی خداوند ، دلیل زیان ندیدن او از کفر مردم

إن تکفروا أنتم و من

فی الأرض جمیعًا فإن الله لغنی حمید

<فإن الله لغنی حمید> در مقام تعلیل جزای شرط محذوف است . در این صورت، معنا چنین می شود: چون خداوند بی نیاز است، کفران شما به او ضرری نمی رساند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۱۱ – ۶

۶– اختصاص همه ستایش ها به خداوند ، در پرتو بی نیازی او از داشتن فرزند ، شریک و حمایتگر است .

الحمد لله الذی لم یتخذ . .. و لم یکن له ولیّ

اگر خداوند نیاز به فرزند، شریک و حمایتگر می داشت هر کدام از اینها دلیل نقص و کاستی بود. در آن صورت همه ارزشهای ستایش برانگیز منحصر به خداوند نمی شد؛ پس انحصار ستایشها به خدا، در صورتی است که او را بی نیاز مطلق بشناسیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۵ – ۸

۸ – غنا و بی نیازی هیچ کس جز خداوند ، قابل ستایش و مدح نیست .

و اللّه هو الغنّی الحمید

برداشت یاد شده از آمدن صفت حمید، به دنبال صفت غنی به دست می آید.

احساس بی نیازی از خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۴ – ۸

۸ احساس بی نیازی از خداوند، زمینه غفلت از یاد او و گرایش به شرک است.

تدعونه تضرعاً و خفیه . .. قل الله ینجیکم منها و من کل کرب ثم أنتم تشرکون

احساس بی نیازی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱

۶ - طغیان گران ، بی اعتنا به هدایت یافته بودن نماز گزاران و گرفتار احساس بی نیازی از رهنمود های آنان

لیطغی . أن رءاه استغنی ... أرءیت إن کان علی الهدی

ارزش بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۳ - ۶

۶ ارجمندی عفّت نفس ، خویشتن داری و تظاهر به بی نیازی ، علی رغم نیازمندی شدید

یحسبهم الجاهل اغنیاء من التّعفّف . .. لا یسئلون النّاس الحافاً

چون آیه در مقام مدح چنین افرادی است، صفات شمرده شده به عنوان ارزش تلقی می شود. گفتنی است که <الحاف> به معنای اصرار است و جمله <لا یسئلون> به قرینه <یحسبهم الجاهل اغنیاء> و نیز به قرینه <تعفّف> باید به این معنا باشد که تقاضا نمی کنند تا به اصرار منجر شود; نه اینکه تقاضا می کنند ولی اصرار نمیورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۷

۱۷ الوهیت و خدایی ، تنها از آن کسی است که ازلی ، ابدی و منزه از هر گونه نیازمندی باشد .

ما المسیح ابن مریم الا رسول قد خلت من قبله الرسل . .. کانا یأکلان الطعام

امتحان با بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۴

۴ - آزمون دانستن فقر و غنا ، گرامی داشت یتیمان ، سیر کردن گرسنگان ، تصرف نکردن ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی ، زمینه ساز اعتماد به رهایی از صحنه های وحشت بار قیامت

فأمّا الإنسن إذا ما ابتلیه

. .. يأيّتها النّفس المطمئنّه

<نفس مطمئن> به قرينه آيات پيشين انسانى است كه از اوصاف ذكر شده در آن آيات، مبرّا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۸

۸ - آزمون ديدن فقر و غنا ، گرامى داشت يتيمان ، تغذيه فقيران ، ترك تصرف ارث ديگران و پرهيز از مال دوستى ، مايه احساس رضايت انسان از خداوند و زمينه ساز رضايت خداوند از او است .

فأمّا الإنسن إذا ما ابتليه . .. راضيه مرضيّه

نفس <راضى> و <مرضى> به قرينه آيات پيشين انسانى است كه از اوصاف ذكر شده در آن آيات، مبرّا باشد.

انفاق در بى نيازى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۳

۳ انفاق در حال تهيدستى ، داراى ارزشى برتر نسبت به انفاق در حال غنا و توانگرى

الذين يلمزون المطّوّعين . . و الذين لايجدون إلا جهدهم

عنوان <مطّوّع> هم شامل توانگران و هم شامل تهيدستان مى شود. بنابراين ذكر دوباره تهيدستان مى تواند به اهميت برتر انفاق آنان اشاره داشته باشد.

اهميت بى نيازى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۳

۳ - غم ، شادى ، مرگ ، حيات و نيازمندى و غنا ، هر يك ضرورت و نعمتى در نظام زندگى انسان *

فبأىّ ءالاء ربّك تتمارى

در صورتى كه تعبير <آلاء> در مورد مطالب آيات پيشين به كار رفته باشد، مطلب ياد شده را مى توان به دست آورد.

بی نیازی از پدر

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۵،۶

۵ - خداوند ، نیاز به فرزند و پدر و مادر ندارد .

اللّه الصمد . لم یلد و لم یولد

این آیه و آیه بعد، چنانچه تفسیر آیه قبل باشد; نداشتن فرزند و مبدأ پیدایش را، مصداق معنای <صمد> (بی نیازی) قرار داده است.

۶ - نیاز همه موجودات به خداوند ، دلیل بی نیازی او از فرزند و پدر و مادر است .

الصمد . لم یلد و لم یولد

این آیه، می تواند بیانگر لوازم <صمد> بودن خداوند باشد.

بی نیازی از غیرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۷

۷- خداوند ، برای همگان کارساز و حامی کافی است و جز او به کسی نیازی نیست .

و کفی بربّک وکیلاً

بی نیازی از فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۵،۶

۵ - خداوند ، نیاز به فرزند و پدر و مادر ندارد .

اللّه الصمد . لم یلد و لم یولد

این آیه و آیه بعد، چنانچه تفسیر آیه قبل باشد; نداشتن فرزند و مبدأ پیدایش را، مصداق معنای <صمد> (بی نیازی) قرار داده است.

۶ – نیاز همه موجودات به خداوند ، دلیل بی نیازی او از فرزند و پدر و مادر است .

الصمد . لم یلد و لم یولد

این آیه، می تواند بیانگر لوازم <صمد> بودن خداوند باشد.

بی نیازی از مادر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اخلاص – ۱۱۲ – ۳ – ۵،۶

۵ – خداوند ، نیاز به فرزند

و پدر و مادر ندارد .

اللّه الصمد . لم يلد و لم يولد

اين آيه و آيه بعد، چنانچه تفسير آيه قبل باشد; نداشتن فرزند و مبدأ پيدايش را، مصداق معناى <صمد> (بى نيازى) قرار داده است.

۶ - نياز همه موجودات به خداوند ، دليل بى نيازى او از فرزند و پدر و مادر است .

الصمد . لم يلد و لم يولد

اين آيه، مى تواند بيانگر لوازم <صمد> بودن خداوند باشد.

بى نيازى از مبلغان تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۲ - ۸

۸ - بى توجهى به مربيان تقوا و احساس بى نيازى از آنان ، نشان طغيان گرى است .

ليطغى . إن رءاه استغنى ... ينهى . عبدًا ... أمر بالتّقوى

بى نيازى از مردم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۶

۶ - استغنا از مردم ، در برابر تبليغ دين و هدايت آنان ، سيره اى پيامبرگونه است .

أم تسئلهم خرجًا

بى نيازى از موعظه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۵ - ۱

۱ - برخی از حاضـران مجلس پیامبر (ص) در ماجرای ابن ام مکتوم ، خود را از پند و اندرز های الهی بی نیاز می دیدند و از فرجام خود نگرانی نداشتند .

أمّا من استغنی

به قرینه <جاءک> و <یخشـی> در آیات بعد مراد از جمله <استغنی>، احساس بی نیازی نسبت به حضور در مجلس وعظ و ارشاد و نیز بی خطر دیدن عاقبت خویش است.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۶ – ۲

۲ – فرد خشمگین از حضور ابن ام مکتوم در مجلس پیامبر (ص) ، تمام توجّه خود را معطوف کسی ساخته بود که خود را از فراگیری آموزه های آن مجلس بی نیاز می دانست .

أمّا من استغنی . فأنت له تصدّی

بی نیازی انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۲ – ۴

۴ – استغنا از مردم ، شرط لازم نبوت و درخواست کمترین مزد از آنان ، نشانه عدم صداقت مدعی پیامبری است .

أم تسئلهم خرجًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۸ – ۴،۵

۴ داشتن ثروتی بی نیاز کننده از هرگونه داد و ستد با مردم ، و تأمین شدن نیاز های مادی از سوی خداوند و یا داشتن بوستانی پر ثمر ، نشانه درستی ادعا پیامبری در دیدگاه کافران

أو یلقی إلیه کنز أو تکون له جنّه یأکل منها

۵ خودکفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی ، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت ، در دیدگاه سران کفر و شرک

أو یلقی إلیه کنز أو تکون له جنّه یأکل منها

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود: <کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(ص) از نظر جسمی نباید نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد>; ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: <پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خودکفا باشد>.

بی

نیازی حاضران در مجلس محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۵ - ۱

۱ - برخی از حاضران مجلس پیامبر (ص) در ماجرای ابن ام مکتوم ، خود را از پند و اندرز های الهی بی نیاز می دیدند و از فرجام خود نگرانی نداشتند .

أمّا من استغنی

به قرینه <جاءك> و <یخشی> در آیات بعد مراد از جمله <استغنی>، احساس بی نیازی نسبت به حضور در مجلس وعظ و ارشاد و نیز بی خطر دیدن عاقبت خویش است.

بی نیازی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، بی نیاز از اعمال خیر بندگان (اقامه نماز ، پرداخت زکات و . . .)

و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عنداللّه

هدف از آوردن قید <لأنفسكم> (برای خودتان) توجه دادن انسانها به این حقیقت است که: آنچه انجام می دهید خود از آن بهره می گیرید. مبادا خیال کنید که خداوند به آنها نیازمند است و سودی عاید او می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۵،۹

۵ - آفرینش آسمان ها و زمین ، بدون مثال و الگویی از پیش ، دلیل منزه بودن خدا از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن

قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه بل . .. بديع السموت و الأرض

برداشت فوق بر این اساس است که <بدیع السماوات . ..> همانند جمله <له ما فی السماوات ...>، دلیل و برهانی برای تنزیه خداوند از

داشتن فرزند باشد.

۹ - خداوند ، در ایجاد اشیا بی نیاز از استخدام وسایط است .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۵ - ۶

۶ بی نیازی مطلق خداوند از غیر

هو الحیّ القیّوم

برخی در معنای کلمه <قیّوم> گفته اند: <هو القائم بذاته>. (روح المعانی) و لازمه قیام به ذات، بی نیازی از غیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۳ - ۹،۱۲

۹ بی نیازی خداوند از انفاق آدمیان و بردباری او در کیفر دادن به انفاق کنندگانِ آزاررسان

قول . .. و اللّه غنیّ حلیم

۱۲ غنای الهی ، کفایت کننده نیاز محرومان از انفاق های همراه با آزار و اذیّت

و اللّه غنیّ حلیم

بکارگیری صفت <غنی> بیانگر این است که نیازی به انفاق همراه با آزار محرومان نیست و خداوند با غنای خود روزی آنان را خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۱۱،۱۳

۱۱ خداوند ، ستایشگر انفاق کنندگان ، در عین بی نیازی از انفاق آنان

اَنّ اللّه غنیّ حمید

<حمید> در برداشت فوق به معنای حامد (ستایش کننده) گرفته شده است.

۱۳ توجه به غنای الهی و ستایش وی از انفاق کنندگان ، برانگیزنده آدمی به انفاق از اموال پاکیزه خویش

و اعلموا اَنّ اللّه غنیّ حمید

مقصود از توجه دادن مؤمنان به بی نیازی خداوند و نیز ستایش وی از انفاق کنندگان، ایجاد انگیزه انفاق صحیح در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲

آل عمران - ۳ - ۲ - ۷

۷ خداوند ، بی نیاز از دیگران

اللّه . .. الحیّ القیّوم

قیوم (قائم به ذات)، یعنی کفایت ذات در قوام خویش; و این معنا مستلزم بی نیازی از غیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۹

۹ خداوند ، غنی و بی نیاز از انفاق بندگان

انّ الّذین . .. انّ اللّه فقیر و نحن اغنیاء سنکتب ما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۶ - ۵

۵ خداوند ، بی نیاز از دوست گرفتن مردم حتی بر گزیدگان ایشان برای خویش

و اتخذ اللّه إبرهیم خلیلا. و للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۴،۱۸،۱۹

۱۴ مالکیت انحصاری خداوند بر تمامی هستی و غنای وی ، دلیل مصونیت او از هرگونه خسارت و آسیب از کفر کافران

و إن تکفروا فان للّه . .. و کان اللّه غنیاً حمیداً

۱۸ خداوندِ بی نیاز ، سزاوار ستایش است .

و کان اللّه غنیاً حمیداً

۱۹ خداوند ، بی نیاز از تقوا و ایمان مردم است .

ان اتقوا اللّه و إن تکفروا فان للّه . .. و کان اللّه غنیاً حمیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۱

۱ خداوند ، بندگان را از سر نیاز عذاب نمی کند .

ما یفعل اللّه بعذابکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ -

نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۹

۹ بازگشت سود و زیان ایمان به خود انسان نه خداوند

فامنوا خیراً لکم و إن تکفروا فان للّه ما فی السموت و الارض

جواب شرط <ان تکفروا> به قرینه <خیراً لکم> و نیز جمله <فان للّه . ..> می تواند به این گونه باشد <یکن شراً لکم و لایضر اللّه شیئاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۳۹

۳۹ توان و غنای نامحدود و علم گسترده خداوند ، تضمین کننده جریان خواست ها و مشیت های او

ذلک فضل اللّه یؤتیه من یشاء و اللّه واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱،۷،۱۲

۱ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر اللّه أتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

۷ تنها خداوند، روزی دهنده مخلوقات و خود بی نیاز از روزی است.

و هو یطعم و لا یطعم

۱۲ پذیرش ولایت خالق روزی دهنده بی نیاز، حکم فطرت و عقل است.

قل أغیر اللّه أتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۱،۲

۱ تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بدیع السموت . .. ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید و <ذلکم> در

این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

۲ الوهیت، مخصوص پروردگاری است که آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند است.

بدیع السموت و الأرض أنی یکون له ولد و لم تکن له صحبه . .. ذلکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ تنها پروردگار، بی نیاز مطلق و دارای رحمت گسترده است.

و ربک الغنی ذو الرحمه

معرفه بودن مبتدا و خبر و دارای <ال> بودن <الغنی> مفید حصر است.

۲ رحمت فراگیر خداوند به بندگان در اوج بی نیازی او از ایشان است.

و ربک الغنی ذو الرحمه

۴ فرستادن پیامبران و استقرار نظام عمل و جزا، در عین بی نیازی خداوند، جلوه ای از رحمت گسترده اوست.

لکل درجت ما عملوا . .. و ربک الغنی ذو الرحمه

۵ بود و نبود انسانها هیچ نفع و زیانی برای خداوند ندارد.

و ربک الغنی ذو الرحمه إن یشأ یذهبکم

جمله <و ربک الغنی . ..> به منزله تمهیدی برای جمله شرطیه <إن یشأ ...> است. یعنی خداوند به دلیل نیازمند نبودن، اگر بخواهد آدمیان را از صحنه زمین محو خواهد کرد.

۶ اگر جن و انس راه طاعت و یا عصیان پیشه کنند، هیچ سود و زیانی به خداوند نمی رساند.

و ربک الغنی ذو الرحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۷

۷ تأكيد خداوند بر جهاد با مال و جان (در عين بى نيازى او از جهاد و تلاش مردم) ، به خاطر تأمين مصالح خود

انسانهاست .

ما لکم إذا قیل لکم انفروا . .. إلا تنفروا یعذبکم ... انفروا خفافاً و ثقالا جهدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۵ - ۶

۶ خدا ، هادیِ بی نیاز از هدایت

قل اللّه یهدی للحق أفمن یهدی إلی الحق . . إلا أن یهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۸ - ۴،۵

۴ خداوند ، غنی مطلق است و ماسوای او همه به او نیازمندند .

هو الغنی

<الغنی> مسند محلّی به <الف و لام جنس> مفید حصر می باشد.

۵ اختیار فرزند ، معلول نیاز است و خداوند بی نیاز مطلق است .

قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه هو الغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۲ - ۱۳

۱۳- استقلال همه جانبه خداوند و کمال ذاتی او ، مستلزم اختصاص توکل بر او

و ما لنا ألاّ نتوکّل علی الله و قد هدینا سبلنا . .. و علی الله فلیتوکّل المتوکّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۹

۹- تمامی هستی در برابر خداوند غنی ، فقیر و نیازمند مطلق است .

ضرب الله مثلاً عبدًا مملوکًا لایقدر علی شیء و من . .. فهو ینفق منه سرًّا و جهرًا

برداشت فوق بر این اساس است که خداوند در مقام ردّ عقیده مشرکان و تبیین این حقیقت که خداوند قابل مقایسه با خلق نیست از مثالی استفاده کرده است که مجموعه هستی را به منزله برده ای ناتوان و جایگاه خداوندی را به

مثابه توانمندی انفاقگر دانسته است که هستی از نعمتهای او ارتزاق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۶

۶- خداوند ، بدون فرزند و بی نیاز از آن است .

ما کان للّه أن یتّخذ من ولد . .. إنّا نحن نرث الأرض و من علیها

در آیات قبل، سخن از پندار فرزندی عیسی(ع) برای خداوند به میان آمد. این آیه با بیان رجوع نهایی همه موجودات به خداوند و نفی نیاز از او، بر بطلان آن پندار تأکید میورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۵

۵ - بی نیازی مطلق خداوند از غیر خود

القیّوم

<قیّوم> به کسی گفته می شود که قائم به ذات بوده و در وجود، متکی به غیر نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۹

۹- خداوند در رسیدگی به اعمال بندگان ، حسابگری با کفایت و بی نیاز از کمک و یاری دیگران در روز قیامت است .

و کفی بنا حسبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۴ - ۴،۷

۴ - خدا ، تنها وجود غنی ، بی نیاز ، حمید و ستوده در سراسر هستی

و إنّ اللّه لهو الغنیّ الحمید

<هو> ضـمیر فصل و <الغنی> خبر اول <إنّ> و <الحمید> خبر دوم است و <ال> در آنها برای جنس و مفید حصر می باشد. گفتنی است که این قسمت، متضمن دلیل دیگری بر موهوم بودن اندیشه شرك است; زیرا با توجه به

این که سراسر هستی، ستایشگر خدا و تنها نیازمند به او است، دیگر جایی برای موجود دیگری که بی نیاز باشد و نیاز دیگران را بر آورده کند و بدین جهت مورد ستایش آنان واقع شود وجود ندارد.

۷ - مالکیت و بی نیازی مطلق خدا ، سرچسمه شایستگی او برای حمد و ستایش

له ما فی السموت . .. و إنّ اللّه لهو الغنیّ الحمید

ذکر <حمید> در پی <مالکیت و غنای مطلق>، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۴

۴ - خدا ، از نماز نمازگزاران بی نیاز است و فواید آن تنها به خود نمازگزاران بازمی گردد .

الذین هم فی صلاتهم خشعون

اضافه <صلاه> به ضمیر <هم>، اضافه لامیه و به تقدیر <صلاه لهم> می باشد; یعنی، نمازی که از آنِ مؤمنان است و نفع آن به خود آنان بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹ - ۴

۴ - خدا از نمازگزاران ، بی نیاز است و فایده های آن ، تنها به خود آنان بازمی گردد .

و الذین هم علی صلوتهم یحافظون

اضافه <صلوات> به ضمیر <هم>،اضافه لامیه و به تقدیر <صلوات لهم> می باشد; یعنی، نمازهایی که از آن مؤمنان است و سود آن، به خود آنان باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۱ - ۱

۱ - خدا ، بی نیاز از گزینش فرزند

ما اتخذ اللّه من ولد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل

- ۲۷ - ۴۰ - ۲۱

۲۱ - خداوند ، بی نیاز از شکرگزاری خلق به درگاه او

و من کفر فإنّ ربّی غنیّ کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶ - ۴،۵

۴ - خداوند ، قطعاً از همه جهانیان ، بی نیاز است .

إنّ اللّه لغنیّ عن العملین

۵ - بی نیازی مطلق خداوند از همه ، دلیل بازگشت دستاورد تلاش هرکسی به خود او است .

و من جهد فإنّما یجهد لنفسه إنّ اللّه لغنیّ عن العملین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۲،۱۶

۱۲ - خداوند ، از شکر بندگان بی نیاز است .

و من یشکر فإنّما یشکر لنفسه و من کفر فإنّ اللّه غنیّ حمید

۱۶ - بازگشتِ شکرِ به درگاه خداوند ، به خود انسان ، برخاسته از بی نیازی خداوند است .

و من یشکر فإنّما یشکر لنفسه . .. فإنّ اللّه غنیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۷،۸

۷ - تنها خداوند ، از هر چیز و از هرکس بی نیاز است .

إنّ اللّه هو الغنیّ الحمید

جمله اسمیه و حرف تأکید <إنّ> و ضمیر فصل <هو> همه، دلالت بر انحصاری بودن غنای ذاتی خداوند دارند.

۸ – توصیه خداوند به ادای حمد به درگاه او ، به خاطر انجام دادن وظیفه انسان ها است و نه نیاز خدا به حمد .

قل الحمد للّه . .. إنّ اللّه هو الغنیّ الحمید

اعلام بی نیازی مطلق خداوند در پی توصیه به حمد او، می تواند به حقیقت یاد شده، دلالت

داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۵ – ۲،۴،۵،۱۱

۲ – غنا و بی نیازی مطلق ، حقیقی و کامل ، تنها از آنِ خداوند است .

أنتم الفقراء إلی اللّه و اللّه هو الغنیّ

۴ – بی نیازی خداوند ، از عبادت ، ستایش و حاجت خواهی بندگان

إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم . .. أنتم الفقراء إلی اللّه و اللّه هو الغنیّ

۵ – نیاز همه جانبه انسان به خدا و بی نیازی مطلق خداوند ، نشانه قدرت و یکتایی او

أنتم الفقراء إلی اللّه و اللّه هو الغنیّ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه در سلسله آیاتی قرار دارد که در صدد اثبات قدرت و یکتایی خداوند می باشد. گفتنی است برخی از مفسران از این آیه، برای یکی از براهین اثبات وجود خدا (برهان امکان و وجوب و فقر و غنا) استفاده کرده اند.

۱۱ – غنا و بی نیازی مطلق و ستودنی خداوند ، دلیل شایستگی او برای عبادت و حاجت خواهی از او

إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم . .. و اللّه هو الغنیّ الحمید

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه در ردیف آیاتی قرار گرفته که درباره عبادت و حاجت خواهی مشرکان از معبودهای ادعایی خود، بحث می کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۲۸ – ۳

۳ – نابود کردن جوامع محکوم به فنا ، امری آسان برای خدا و او بی نیاز از لشکر آسمانی است .

جند من السماء و ما کنّا منزلین

تأکید خداوند بر نفرستادن هیچ لشکر

آسـمانی و نیز عـذاب و نـابود کردن انسـان های محکوم به فنا تنها با یک صـیحه که در آیه بعـد آمـده است می توانـد بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۲ - ۲

۲ - خداوند در آفرینش پدیده ها ، از هرگونه ابزار و وسایل و کمک و هم فکری ، بی نیاز است .

إنّما أمره إذا أراد شيئًا أن يقول له كن فيكون

قصـر در <إنّما أمره. ..> قصـر اضافی است. این عبارت در مقابل عقیـده منکران معاد ادا شـده است; زیرا آنان تجدیـد حیات انسـان هـا از اسـتخوان هـای پوسـیده و پراکنـده را، امری غیر ممکن می دانسـتند; چرا که بر این تصـور بودنـد که جمع کردن اسـتخوان هـای پوسـیده و پراکنـده و دمیـدن حیات در آن، نیاز به ابزار، وسایل، کمک و هم فکری دیگران داردو بایـدوقت و زمانِ بسیاری صرف شود و خداوند از انجام چنین کاری ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱،۲

۱ - خداوند ، بی نیاز از انسان ها است .

إن تكفروا فإنّ اللّه غنيّ عنكم

۲ - خداوند ، از ایمان مردم بی نیاز است و از آن بهره ای نخواهد برد .

إن تكفروا فإنّ اللّه غنيّ عنكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۵

۵ - خداوند ، در آفرینش پدیده ها از هرگونه ابزار و وسایل و کمک و هم فکری ، بی نیاز است .

فإذا قضى أمرًا فإنّما يقول له

کن فیکون

قصر در <فإنّما یقول له . ..> قصر اضافی است و در مقابل عقیده منکران معاد ادا شده است; زیرا آنان تجدید حیات انسان ها را، امری غیر ممکن می دانستند. آنها بر این تصور بودند که جمع کردن اجزای پوسیده و پراکنده بدن بشر و دمیدن حیات به آن، امری است که نیاز به ابزار و کمک و هم فکری دیگران و صرف وقت دارد و خداوند از چنین کاری ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۸ - ۲

۲ - بی نیازی مطلق خداوند ، از عبادت انسان ها

فإن استکبروا فالذین عند ربّک یسبّحون له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۱۱

۱۱- بی نیازی خداوند از طاعت و جهاد بندگان ، و بهره مندی خود انسان ها از نتایج آن *

فإذا عزم الأمر فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم

تأکید بر <لکان خیراً لهم>، می تواند دربردارنده معنای بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۷

۷- ایمان و کفر و طاعت و معصیتِ خلق ، بی تأثیر در ساحت خداوندی *

إنّ الذین کفروا و . .. لن یضرّوا اللّه شیئًا

جمله <لن یضرّوا اللّه شیئاً> می رساند که کفر و عصیان خلق در برابر خدا و رسول او، زیانی به خداوند نمی رساند. به قرینه مقابله می توان استفاده کرد که ایمان و طاعت آنان نیز، نفعی برای خداوند ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ -

۹- خداوند ، اعطا کننده پاداش و نه نیازمند به اموال و دارایی خلق

یؤتکم أجورکم و لا یسئلکم أمولکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۸،۹،۱۱

۸- خداوند ، بی نیاز مطلق و خلق ، سراپا نیاز به درگاه او

و اللّه الغنیّ و أنتم الفقراء

۹- انفاق های خلق در راه خدا ، سودمند به حال خود ایشان و بی تأثیر در ذات بی نیاز یگانه معبود هستی

تدعون لتنفقوا فی سبیل اللّه . .. و اللّه الغنیّ

۱۱- قوانین شریعت ، در جهت رفع نیاز های واقعی خود مردم و بی تأثیر در ذات بی نیاز خداوند

و اللّه الغنیّ و أنتم الفقراء

بـا تـوجه به این که <واللّه الغنیّ و أنتم الفقراء> در بیـان غنـای الهی و نیز فقر خلق مطلق است; این نکته اسـتفاده می شود که همه دستورات دین برای رفع نیازهای خلق است; و نفعی برای ذات خدا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۶ - ۳،۵

۳ - خداوند ، آگاه به ضمیر آدمیان و بی نیاز از اظهار و اعلام آنان

قل أتعلّمون اللّه بدینکم و اللّه یعلم ما فی السموت و ما فی الأرض

۵ - خداوند ، به دلیل آگاهی بر تمامی هستی ، بی نیاز از گزارش خلق برای اطلاع از ایمانشان

قل أتعلّمون اللّه بدینکم و اللّه یعلم ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۷ - ۸

۸ - انسان ، خود بهرهور از ثمرات ایمان ، و خداوند

بی نیاز از ایمان وی

یمنّون علیک . .. قل لاتمنّوا ... بل اللّه یمنّ علیکم أن هدیکم للإیمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵ – ۴

۴ – خداوند جهان آفرینِ حکیم و قادر ، بی نیاز از گزافه گویی و صادق در وعده های خویش

والذریت ذروًا . فالحملت وقرًا . فالجریت یسرًا . فالمقسّمت أمرًا . إنّما تو

با توجه به این که <إنّما. ..> جواب سوگندهای آیات پیشین است، از ارتباط نزدیک میان جواب قسم و مقسم به، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۴۷ – ۳

۳ – خداوند ، آفریدگاری بی نیاز و توانا

و السّماء بنینها. .. و إنّا لموسعون

<موسع> (مفرد <موسعون>) به معنای غنیِ قدرتمند است; یعنی، <إنّا لذو واسعه فی القدره و الغنی>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۷ – ۱،۲،۴

۱ – خداوند ، بی نیاز از رزق و عطایای بندگان خویش

ما أُرید منهم من رزق

۲ – عبادت و بندگی خلق به درگاه خداوند ، فاقد کمترین سود برای ذات بی نیاز او

و ما خلقت . .. إلاّ لیعبدون . ما أُرید منهم من رزق

تعبیر <ما أُرید. ..> در پی <إلاّ لیعبدون> می رساند که حتی عبادت خلق نیز به خاطر آن نیست که نیازی از خدا را برآورده می سازد.

۴ – خداوند ، بی نیاز مطلق

و ما أُرید منهم من رزق و ما أُرید أن یطعمون

تعبیر <رزق> با تنوین تنکیر، می رساند که خداوند به هیچ نوع از

روزی چه کم و چه زیاد، چه مادی و چه معنوی و چه. .. نیاز ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۲

۲ - بی نیازی خداوند به زمان ، برای خلق اشیاء

و ما أمرنا إلّا وحده کلمح بالبصر

عبارت <کلمح بالبصر> (مانند چشم به هم زدن) ظاهراً اشاره به سرعت تحقق <امر> دارد; یعنی، به گونه ای است که میان فرمان و تحقق شیء هیچ فاصله ای نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۴ - ۶

۶ - فرمان خداوند به انفاق ، بدان معنا نیست که او به انفاق آنان نیازمند است .

و من یتولّ فإنّ اللّه هو الغنیّ الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۲۳

۲۳ - تشریع جهاد از سوی خداوند ، به معنای نیاز داشتن او به یاری دیگران نیست .

و أنزلنا الحدید . .. إنّ اللّه قویّ عزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۹،۱۰،۱۵

۹ - خداوند ، حقیقتی بی نیاز

و استغنی اللّه

۱۰ - خداوند ، بی نیاز از ایمان انسان ها

و استغنی اللّه

متعلق و مورد استغنای خداوند در آیه شریفه، می تواند دو چیز باشد: ۱ استغنای خداوند از ایمان انسان ها به او; ۲ استغنای الهی از این که پس از ارائه معجزات و دلایل روشن از سوی پیامبران، باز هم معجزات و دلایل دیگری به بشر عرضه دارد; زیرا همین مقدار برای هدایت بشر کافی است. برداشت

یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

۱۵ - خداوند بی نیاز ، ستودنی و قابل ستایش است .

و اللّه غنیّ حمید

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <حمید>، صفت برای <غنی> باشد; نه صفت مستقل برای <اللّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۳ - ۴

۴ - خداوند ، بی نیاز از انفاق ، تقوا و ایمانِ مردم و مصون از آسیب بخلورزی و تکذیب گریِ ثروت اندوزان *

فأمّا من أعطی . .. و أمّا من بخل ... و إنّ لنا للأخره و الأُولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۳،۶

۳ - خداوند ، بی نیاز مطلق

اللّه الصمد

کسی که همه چیز، در تمامی حوائج به او توجّه می کنند، خود به آنها نیازی ندارد.

۶ - خداوند ، منزّه از کاستی های درونی و بی نیاز از غذا و آب است .

اللّه الصمد

<صمد>; یعنی، <مُصْمَت> و آن موجودی است که جوف (درون خالی) ندارد (تاج العروس). درون خالی نداشتن موجود زنده، بر بی نیازی او از غذا و آب دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۵

۵ - خداوند ، نیاز به فرزند و پدر و مادر ندارد .

اللّه الصمد . لم يلد و لم يولد

این آیه و آیه بعد، چنانچه تفسیر آیه قبل باشد; نداشتن فرزند و مبدأ پیدایش را، مصداق معنای <صمد> (بی نیازی) قرار داده است.

بی نیازی ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸

- ۹۵ - ۱

۱- ذوالقرنین ، از کمک های مادّی مردم در برابر ساختن سدّ در مقابل یأجوج و مأجوخ ، اظهار بی نیازی کرد .

فهل نجعل لک خرجًا . .. قال ما مکّنّی فیه ربّی خیر

بی نیازی مادی ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۸ – ۶

۶ – ملائکه ، بی نیاز از خوردن غذا ، حتی در صورت تجسم به شکل بشر

قال ألا تأکلون . .. قالوا لاتخف

از آیه شریفه استفاده می شود که ملائکه سرانجام از غذای ابراهیم(ع) نخوردند، هر چند شکل بشری یافته بودند.

بی نیازی معبود راستین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۸ – ۶

۶ – معبودی سزاوار پرستش است که بی نیاز از شریک بوده و علم او مطلق و محیط بر همه چیز باشد .

إنّما إلهکم اللّه . .. وسع کلّ شیء علمًا

جمله <وسع. ..> بدل برای <لا إله إلاّ هو> است و هر دو، تعلیل برای <إنّما إلهکم...> می باشند.

بی نیازی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۸ – ۱۶

۱۶ غنا و بی نیازی مؤمنان ، پرتوی از فضل الهی نسبت به آنان

فسوف یغنیکم اللّه من فضله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۰ – ۴

۴ – روشنگری های قرآن ، بی نیاز کننده مؤمنان از طرح ها و ایده های جاهلانه و هواپرستانه ظالمان

و لاتتّبع أهواء الذین لایعلمون . .. هذا بصائر للناس

تعقل در بی نیازی

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۳۰ – ۵

۵ – اندیشه صحیح نسبت به فقر و غنا ، برخورد شایسته با یتیمان و مسکینان ، قطع حرام خواری و دل نبستن به ثروت ، زمینه ساز ورود به بهشت برین

فأمّا الإنسن إذا ما ابتلیه . .. و ادخلی جنّتی

دلایل بی نیازی خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۱ – ۱۱

۱۱ انحصار آفرینش هستی به خدا، دلیل بی نیازی او از فرزند و شریک است.

أنی یکون له ولد . .. و خلق کل شیء و هو بکل شیء علیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۶۸ – ۷

۷ مالکیت مطلق خداوند بر تمامی موجودات ، دلیل بی نیازی او از برگزیدن فرزند

قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه هو الغنی له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۲ – ۲

۲ – احاطه علمی خدا بر سراسر هستی ، بی نیاز کننده او از داشتن شریک

سبحن اللّه عمّا یصفون . علم الغیب و الشهده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲ – ۸

۸ پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر جهان ، دلیل بی نیازی او از گزینش فرزند و داشتن شریک و همتا

الذی له ملک السموت و الأرض و لم یتّخذ ولدًا و لم یکن له شریک فی الملک

ذکر حاکمیت و پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی

در ابتدای آیه، می تواند مقدمه و زمینه چینی برای ابطال عقیده فرزندگزینی و شریک داشتن خدا باشد که از اصول اعتقادات مشرکان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۸ – ۱۷

۱۷ قدرت خداوند بر از میان بردن یک قوم و جایگزین ساختن قومی دیگر ، به جای ایشان دلیل بی نیازی مطلق او از خلق

و اللّه الغنیّ . .. و إن تتولّوا یستبدل قومًا غیرکم

از این که جمله <و إن تتولّوا . ..> به دنبال <واللّه الغنیّ و أنتم الفقراء> آمده است; محتوای آن <و إن تتولّوا> را دلیل و مؤید بی نیازی خداوند دانست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۴۷ – ۴

۴ – مطالعه بنای شگفت آسمان ، راهنمای انسان به عظمت قدرت و بی نیازی آفریدگار آن

و السّماء بنینها بأییْد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۸ – ۲

۲ – رازقیت یگانه خداوند در نظام وجود ، دلیل بی نیازی مطلق او از خلق

و ما أُرید منهم أن یطعمون . إنّ اللّه هو الرزّاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اخلاص – ۱۱۲ – ۳ – ۶

۶ – نیاز همه موجودات به خداوند ، دلیل بی نیازی او از فرزند و پدر و مادر است .

الصمد . لم یلد و لم یولد

این آیه، می تواند بیانگر لوازم <صمد> بودن خداوند باشد.

دلایل بی نیازی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۷ – ۱۳

-۱۳

خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لاتؤمنوا إن الذين أُوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرّون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو. ..>; یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

زمینه بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۳ - ۶

۶ - توکّل بر خداوند ، از موجبات جلب امداد های او و بی نیازی در زندگی

و من يتوكّل على اللّه فهو حسبه

زمینه بی نیازی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۴،۲۵

۲۴ - غنا (بی نیازی) و کرم (بخشندگی) لازمه پروردگاری خداوند

فإنّ ربّى غنىّ كريم

۲۵ - ربوبیت آمیخته به غنا و کرم خداوند ، مقتضی نعمت بخشی به خلق حتی با وجود ناسپاسی آنان

و من كفر فإنّ ربّى غنىّ كريم

ارتباط <فإنّ ربّى> با <من كفر> بیانگر این نکته است که گرچه ناسپاسان، مستحق دوری از رحمت و نعمت اند; اما چون خداوند در مقام ربوبیت است و غنی و کریم نیز می باشد، باز بر آنان نعمت هایش را ارزانی می دارد.

سرزنش بی نیازی از پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۸ - ۳

۳ - اعتماد به اموال خویش و احساس بی نیازی در برابر پاداش های

موعودِ خداوند ، خصلتی نکوهیده است .

و صدّق بالحسنی . .. فأمّا من ... استغنی

مراد از <استغنی> به قرینه جمله <صدّق بالحسنی> در آیات پیشین ممکن است استغنای از <حسنی> (پاداش های نیک خداوند) باشد. بیان فرجام دشوار (العسری) برای صاحبان این خصلت ها (در آیات بعد) بیانگر نکوهش آن خصلت ها است.

شکر در بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹ - ۷

۷ انسان ، باید همواره و در همه حال (فقر ، غنا و . . .) سپاسگزار خداوند باشد .

و لئن أذقنا الإنسن منا رحمه . .. إنّه لیئوس کفور

عبودیت در بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۲

۲ - پایبندی بر بندگی خدا در حال غنا ، تنگدستی ، کامیابی و ناکامی ، نشانه قوت ، ثبات و استحکام ایمان است .

و من الناس من یعبد اللّه علی حرف . .. انقلب علی وجهه

علم به فلسفه بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۵

۵ - آگاهی از فلسفه فقر و غنا و برخورد صحیح با یتیمان ، مسکینان و اموال مردم و دل نبستن به ثروت ، فرونشاننده اضطراب درونی و مایه اطمینان نفس انسان

فأمّا الإنسن إذا ما ابتلیه . .. یأیّتها النّفس المطمئنّه

توصیف <نفس> به <مطمئن> در قیامت ممکن است به اعتبار اطمینانی باشد که در دنیا، برای او حاصل شده بود.

عوامل بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۷ - ۲

۲ - مال و اولاد ، دو عنصر کارساز و مایه بی نیازی در زندگی دنیایی

لن تغنی عنهم أمولهم و لا أولدهم من اللّه شیئًا

عوامل بی نیازی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۲۱

۲۱- مهربانی و لطف خداوند به حضرت ابراهیم (ع) ، بی نیازکننده او از خانه و کاشانه آزر و محبت او

قال سلم علیک . .. إنّه کان بی حفیًّا

جمله <إنّه کان بی حفیّاً> پاسخ ابراهیم(ع) به برخورد ناشایست آزر نیز می باشد; یعنی اگر چه تو مرا از خانه طرد کرده و به رجم تهدید می کنی، ولی لطف و عنایت خداوند برای من کافی است.

فرجام بی نیازی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۱ - ۲

۲ - روسیاهی در قیامت ، فرجام بی نیاز دیدن خود از پند و اندرز قرآن

أمّا من استغنی . .. کلاّ إنّها تذکره ... ترهقها قتره

ارتباط این آیه با آیات آغاز سوره، گویای برداشت یاد شده است.

مدح بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۸ - ۳

۳ – فقر ، حالتی نامطلوب و تبدیل آن به توانگری ، امری ستوده است .

و وجدک عائلاً فأغنی

لحن آیه شریفه که در مقام امتنان بر پیامبر(ص) است بیانگر برداشت یاد شده است.

منشأ بی نیازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۵ –

۹ تنگدستی و فراخ روزی آدمیان ، به دست خداوند است .

و اللّه یقبض و یبصط

۱۰ حاکمیّت خداوند بر وُسعت ها و محدودیّت های امکانات مادی انسانها

و اللّه یقبض و یبصط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱۷

۱۷ خداوند ، یگانه منبع و منشأ فیض ، رحمت و غنا

أن أغنیهم اللّه و رسوله من فضله

گرچه خداوند نام پیامبر (ص) را در کنار نام خود آورده است، اما فضل را تنها به خود نسبت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۸ - ۶

۶ - < قال أمیرالمؤمنین (ع) فی قول اللّه < و أنّه هو أغنی و أقنی > قال أغنی کلّ انسان بمعیشته و أرضاه بکسب یده ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که درباره آیه <و أنّه هو أغنی و أقنی> فرمود: او است که هرکس را در معیشت بی نیاز می کند و وی را به کسب و درآمدش خشنود می سازد>.

منشأ بی نیازی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۲

۲ - خداوند ، به منظور جلوگیری از گرایش عمومی انسان ها به کفر ، زندگی تمامی کافران را سرشار از امکانات رفاهی و تجملی نساخت ; بلکه فقر و غنا را نیز در میان ایشان تقسیم کرد .

و لولا أن یکون الناس أمّه وحده لجعلنا . .. سقفًا من فضّه

منشأ بی نیازی متوکلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵

۴ - خداوند ، کفایت کننده امور متوکلان و بی نیازکننده آنان است .

و من یتوکّل علی اللّه فهو حسبه

منشأ بی نیازی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۸ - ۲

۲ - خداوند ، تنگدستی پیامبر (ص) را به ثروتمندی و بی نیازی از دیگران مبدّل ساخت .

فأغنی

<غِنی>، به معنای توانگر بودن (صحاح اللغه) و <غَناء> (بر وزن کلام) به معنای اکتفاکردن است (مصباح). فعل <أغنی> به دلیل حذف متعلقات آن، می تواند هر دو معنا را برساند.

موانع بی نیازی از هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۵

۵ - توجّه انسان به دوران نطفه بودن و ناتوانی های خویش در آغاز پیدایش ، از میان برنده احساس بی نیازی از رهنمود های خداوند است .

أمّا من استغنی . .. من أیّ شیء خلقه . من نطفه خلقه

نشانه های بی نیازی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۸

۸ قدرت نامحدود خداوند ، نشان بی نیازی او از جهاد مؤمنان و آسیب ناپذیری او ، از تخلف آنان

إلا تنفروا . .. و لا تضروه شیئاً و اللّه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱

۱ نصرت خداوند به پیامبر (ص) در سخت ترین شرایط هجرت ، نشان قدرت و بی نیازی خدا از نصرت دیگران برای تحقق اراده خویش است .

و

اللّه على كل شیء قدير. إلا تنصروه فقد نصره اللّه إذ أخرجه الذين كفروا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۶ – ۱۲

۱۲ – خالقيت خداوند و مالكيت انحصاری او بر عالم ، نشانه بی نيازی او است .

من خلق السموت . .. ليقولنّ اللّه ... للّه ما فی السموت و الأرض إنّ اللّه هو الغن

خلق شدن آسمان ها و زمين از سوی خداوند و نيز مملوك خدا بودن شان، عين احتياج آنها به خدا است. بنابراين، ذكر دو نكته ياد شده، قبل از <اللّه هو الغنیّ > به منزله تمهيدی برای بيانِ غنای مطلق الهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۶ – ۳

۳ – توانايی خداوند بر نابودی كامل ملّتی و جايگزين كردن مردمی جديد به جای آنان نشانه غنا و بی نيازی مطلق او از بندگان و عبادت آنان است .

و اللّه هو الغنّی الحميد . إن يشاء يذهبكم و يأت بخلق جديد

برداشت بالا با توجه به اين نكته است كه آيه شريفه، در جهت تبيين مطلب ياد شده در آيه قبل (قدرت مطلق خداوند و غنا و بی نيازی مطلق و ستودنی او) است.

نعمت بی نيازی

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۵۵ – ۳

۳ – غم ، شادی ، مرگ ، حيات و نيازمندی و غنا ، هر يک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فبأیّ ءالاء ربّک تتماری

در صورتی كه تعبير <آلاء> در مورد مطالب آيات پيشين به كار رفته باشد، مطلب

یاد شده را می توان به دست آورد.

ویژگیهای بی نیازی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۶ - ۱۰

۱۰ - غنا و بی نیازی خداوند ، مبرّا از هرگونه صفات ناستوده

فإنّ اللّه هو الغنیّ الحمید

وصف <الحمید> پس از <الغنیّ>، می تواند تعریض بدان داشته باشد که توانمندی و غنای خداوند، همچون دیگر توانمندان نیست که با بخل، آز و محدودیت در توانمندی و.. آمیخته باشد.

بی همسران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بی همسران

امداد به بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۶

۶ - مردان و زنان غیر متأهل عفیف ، از فضل و امداد خداوند در فراهم آمدن امکانات ازدواج ، برخوردارند .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّی یغنیهم اللّه من فضله

اهمیت عفت بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۱

۱ - لزوم عفت گزینی و پاکدامنی ، بر کسانی که به همسر مناسب و امکانات لازم برای ازدواج ، دستیابی ندارد .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا

تأمین نیاز بی همسران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۳ – ۸

۸ – وعده خداوند به برطرف ساختن نیاز های غیر متأهلان فاقد امکانات ازدواج ، در صورت رعایت عفت و پاکدامنی

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّی یغنیهم اللّه من فضله

تفضل به بی همسران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۳ – ۶

۶ – مردان و زنان غیر متأهل عفیف ،

از فضل و امداد خداوند در فراهم آمدن امکانات ازدواج ، برخوردارند .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّی یغنیهم اللّه من فضله

توصیه به بی همسران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۳ – ۴

۴ – ضرورت اقدام عملی برای فراهم آوردن تسهیلات ازدواج در جهت حل مشکلات جنسی غیر متأهلان ، قبل از توصیه آنان به عفت و پاکدامنی

و أنکحوا الأیمی منکم . .. و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا

توصیه به فراهم ساختن امکانات ازدواج مجردان، پیش از توصیه به عفت گزینی، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

عفت بی همسران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۳ – ۴

۴ – ضرورت اقدام عملی برای فراهم آوردن تسهیلات ازدواج در جهت حل مشکلات جنسی غیر متأهلان ، قبل از توصیه آنان به عفت و پاکدامنی

و أنکحوا الأیمی منکم . .. و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا

توصیه به فراهم ساختن امکانات ازدواج مجردان، پیش از توصیه به عفت گزینی، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

فضایل بی همسران عفیف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۳ – ۶

۶ – مردان و زنان غیر متأهل عفیف ، از فضل و امداد خداوند در فراهم آمدن امکانات ازدواج ، برخوردارند .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّی یغنیهم اللّه من فضله

لغزشگاههای بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۳،۱۰

۳ - زنان و مردان غیر متأهل ، بیش از دیگران در معرض فحشا

و آلودگی جنسی اند .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا

فرمان خداوند به عفت گزینی افراد غیر متأهل، می تواند گویای این نکته باشد که آنان بیش از افراد متأهل، در معرض فساد جنسی اند.

۱۰ - زنان و مردان غیر متأهل فقیر و فاقد امکانات ازدواج ، بیش از دیگران در معرض آلودگی به فساد جنسی اند .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّی یغنیهم اللّه من فضله

توصیه خداوند به افراد غیر متأهل فقیر و فاقد امکانات ازدواج مبنی بر عفت و پاکدامنی، می تواند بیانگر نکته یاد شده باشد.

مسؤولیت اولیای بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۱

۱ - فراهم آوردن تسهیلات لازم برای ازدواج زنان و مردان مؤمنِ غیر متأهل ، تکلیفی است بر عهده اولیای آنان .

و أنکحوا الأیمی منکم

<أیامی> (جمع <أیم>) به معنای زنان و مردان مجرد و بی همسر است; چه آنان از ابتدا بی همسر باشند و چه همسران خود را از دست داده باشند.

مسؤولیت بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۵

۵ - لزوم خودداری غیر متأهلان فاقد تسهیلات ازدواج ، از دستیازی به اموال و امکانات حرام برای ازدواج خود

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّی یغنیهم اللّه من فضله

مقصود از نیافتن نکاح، می تواند اسباب و امکانات مالی برای ازدواج باشد و عفت گزینی نیز، مربوط به همین امکانات باشد; یعنی، از اسباب و امکانات حرام نباید تسهیلات ازدواج را فراهم ساخت.

بی همسری

آثار بی همسری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۲

نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲،۱۰

۲ - نیافتن همسر مناسب و امکانات ازدواج ، مجوز آلودگی به فحشا و فساد جنسی نیست .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا

۱۰ - زنان و مردان غیر متأهل فقیر و فاقد امکانات ازدواج ، بیش از دیگران در معرض آلودگی به فساد جنسی اند .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّی یغنیهم اللّه من فضله

توصیه خداوند به افراد غیر متأهل فقیر و فاقد امکانات ازدواج مبنی بر عفت و پاکدامنی، می تواند بیانگر نکته یاد شده باشد.

بیابان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بیابان

بنی اسرائیل در بیابان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۳،۱۰

۳ - خداوند ، برای تغذیه قوم موسی - به هنگام عبورشان از صحرا - برای آنان < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) فرو فرستاد .

و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

کلمه <منّ> در لغت به ترنجبین و نیز به شربتی شیرین، همانند عسل معنا شده است و در معنای <سلوی> گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی نیز گفته اند <سلوی> همان بلدرچین است.

۱۰ - دسترسی قوم موسی به غذا های طیب و غیر طیب (حلال و حرام) در پی عبورشان از دریا و دوران صحراگردی

کلوا من طیبت ما رزقنکم

آوردن کلمه <طیبات> و اضافه کردن آن به <ما رزقناکم> بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۲

۲ – فرمان تصرف بیت المقدس به بنی اسرائیل ، پس از زندگانی بیابانی آنان بود .

و ظللنا علیکم

الغمام . .. و إذ قلنا ادخلوا هذه القریه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۰ – ۷

۷ – نزول < منّ و سلوی > بر بنی اسرائیل ، پس از نجات آنان از چنگال فرعون و استقرار آنها در بیابان بوده است .

قد أنجینکم . .. وعدنکم ... و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

نزول <منّ و سلوی>، نشان عاری بودن منطقه از مواد غذایی متداول و بیابانی بودن محیط استقرار آنها است.

تبدیل باغ ها به بیابان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۰ – ۶

۶– تبدیل شدن بوستان های زیبا و حاصل خیز ، به کویری خشک و بی حاصل ، با عذاب الهی ، در نتیجه کفر و فخر و مباهات به دیگران ، امری ممکن است .

فعسی ربّی . .. یرسل علیها حسبانًا من السماء فتصبح صعیدًا زلقًا

<صعید> یعنی، روی زمین و <زلق> یعنی، بدون گیاه.

تبدیل زمین به بیابان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸ – ۴

۴– زمین ، در نهایت ، به کویری بی حاصل و خالی از گیاه ، تبدیل خواهد شد .

و إنّا لجعلون ما علیها صعیدًا جرزًا

راهیابی در بیابان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۱

۱ خداوند ستارگان را برای راهیابی انسان در ظلمتهای دشت و دریا قرار داده است.

و هو الذی جعل لکم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمت البر و البحر

سرگردانی در بیابان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۹

۱۹ مرتـد به سـر گردانی در بیابان می ماند که شـیطانها او را به بی راهه می خوانند و گروهی نیز او را به راه هدایت دعوت می کنند.

کالذی استهوته الشیطین فی الأرض حیران له أصحب یدعونه إلی الهدی ائتنا

<فی الأرض> متعلق به <اسـتهوی> است، و <اسـتهوی فی الأرض> به معنی عقل او را در بیابان ربوده اند، می تواند باشد و مراد از <اصـحاب> در <له اصـحاب یدعونه> ممکن است مشـرکان و یا موحدان باشـند که در برداشت فوق احتمال دوم بر گزیده شده است.

نجات از گرفتاری در بیابان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۲

۲ - نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس (ع) ، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء

یونس(ع) در بیابان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۱

۱ - یونس (ع) با اراده الهی ، از شکم ماهی در زمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی بیرون افکنده شد .

فنبذنه بالعراء

<نبذ> (مصدر <نبذنا>) به معنای افکندن است و <عراء> به سرزمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی گفته می شود.

بیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بیان

آزادی بیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۸ – ۱۰

۱۰ آزادی بیان مسلمانان عصر پیامبر (ص) در عقاید و موضعگیری های خویش

لو اطاعونا ما قتلوا

آزادی

بیان انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۴ – ۹

۹ – پیامبران الهی ، مجاز به اظهار نظر در پیشگاه خدا درباره رسالت خویش

قال ربّ . .. و أخی هرون ... إنّی أخاف أن یکذّبون

آزادی بیان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۷ – ۱۳

۱۳– آزاد و بدون مانع بودن سخن گفتن برای برخی از افراد در قیامت

ثمّ یوم القیمه . .. قال الذین أُوتوا العلم

آزادی بیان متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۲ – ۵

۵ – کسی که فرمان به تقواپیشگی در گفتار او نمودار یا محتمل است ، هرگز نباید او را به سکوت وادار کرد .

أرءیت الذی ینهی . .. أرءیت إن ... أمر بالتّقوی

حرف <إن>، برای شرط و بیانگر کافی بودن احتمال در این موارد است.

آزادی بیان مهتدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۴ – ۶

۶ – کسانی که خداوند را ناظر خویش می دانند ، از تبلیغات هدایت پیشگان و دعوت کنندگان به تقوا جلوگیری نمی کنند .

أرءيت إن كان على الهدى . أو أمر بالتّقوى ... ألم يعلم بأنّ اللّه يرى

اهميت بيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴ - ۲

۲ - قدرت بيان ، از امتياز هاى مهم انسان و داراى نقش اساسى در زندگى او

خلق الإنسن . علّمه البيان

برداشت ياد شده با توجه به اين نكته است كه

از میان اوصاف و ویژگی های انسان، تنها به قدرت بیان تکیه شده است.

اهمیت بیان قصه ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۱ – ۱

۱– پیامبر (ص) وظیفه دار باخبر ساختن بندگان از ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان)

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم

اهمیت بیان مشکلات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۳ – ۸

۸ – بایـد به هنگـام پـذیرش مسؤولیت های محوله ، تمامی مشـکلات ، کاستی ها و پی آمـد های آنها را با مقام بالاتر در میان گذاشت .

و إذ نادی ربّک موسی أن ائت القوم الظلمین . . . قال ربّ إنّی أخاف أن یکذّبون . و یضیق صدری و لاینطلق لسانی

بیان حاجت در دعا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۸ – ۴

۴– حسن عرض حاجت کردن و بر زبان راندن نیاز ها و مشکلات به درگاه خداوند به هنگام دعا

ربّ اجعل هذا البلد ءامناً . .. ربّنا إنی ... بواد غیر ذی زرع ... ربّنا إنک تعلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۰ – ۴

۴– بر زبان آوردن خواسته ها در پیشگاه خدا ، از آداب دعا و نیایش

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق

بیان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۳،۲۵

۲۳ - خداوند ، هیچ گونه ملاحظه ای برای بیان حق ندارد .

و اللّه لایستحیی من الحقّ

۲۵ -

در بیان حق ، نباید شرم و حیا داشت .

و اللّه لایستحیی من الحقّ

بیان حقایق کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۵ – ۸

۸ – بیان حقایق کتاب های آسمانی ، موجب دستیابی به هدایت و مغفرت الهی است .

إن الذین یکتمون . .. أولئک الذین اشتروا الضلله بالهدی و العذاب بالمغفره

برداشت فوق از مفهوم آیه به دست می آید.

بیان راز عمل خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۰ – ۴،۵

۴– خضر موسی (ع) را از این که آنچه انجام خواهد داد ، بی دلیل و حکمت نیست ، آگاه ساخت .

حتّی أُحدث لک منه ذکرًا

۵– خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أُحدث لک منه ذکرًا

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

بیان عوامل عبرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۹ – ۱۱

۱۱ مبلغان دین باید از بازگویی تاریخ و فرجام گذشتگان ، سود جسته و با بیان علل سرنوشت آنان ، مردمان را به آیین

پیامبران گرایش دهند .

و یقوم لایجرمنّکم شقاقی أن یصیبکم مثل ما أصاب قوم نوح

بیان فرجام ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۵

۱۵- بیان سرگذشت ستم پیشگان کیفر شده و

نیز داستان های مثال زدنی و درس آموز ، در قلمرو موضوعات قرآن

و سکنتم فی مسکن الذین . .. و تبیّن لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثال

بیان فرجام عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۷ – ۱۲

۱۲ توجیه پیشنهاد ها و توصیه ها با بیان فرجام و نتیجه آنها ، امری شایسته و نیکوست .

لاتأْیئسوا من روح الله إنه لایأْیئس من روح الله إلاّ القوم الکفرون

جمله <إنه لایـأْیئس . ..> تعلیـل برای <لاتأْیئسوا ...> است. یعقوب(ع) توصـیه خویش (مأیوس نشـدن از رحمت الهی) را با بیـان فرجـام آن (سـقوط به ورطه کفر) تعلیـل و توجیه کرد و این درسـی است برای همگان که توصـیه و یا فرمان خویش را با دلیل و بیان فرجام آن قرین سازند.

بیان فرجام گمراهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۵ – ۵

۵- ذکر فرجام شوم گمراهان در کنار فرجام سعادتمندانه تقواپیشگان ، از روش های هدایتی قرآن *

الغاوین . و إن جهنّم لموعدهم أجمعین ...إن المتقین فی جنّت و عیون

بیان فرجام متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۵ – ۵

۵- ذکر فرجام شوم گمراهان در کنار فرجام سعادتمندانه تقواپیشگان ، از روش های هدایتی قرآن *

الغاوین . و إن جهنّم لموعدهم أجمعین ...إن المتقین فی جنّت و عیون

بیان قصه یوسف(ع) برای یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۰ – ۸

۸ یوسف (ع) پس از ورود خاندانش

به مصر ، خلاصه ای از سرگذشت خویش و احسان های خداوند را درباره خود برای پدرش یعقوب (ع) بازگو کرد .

یأبت . .. قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

بیان کنندگان حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۷

۱۷- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذین یکتمون . .. لایکلمهم اللّه

برداشت فوق از مفهوم جمله <إن الذین . .. لایکلمهم اللّه> استفاده شده است.

بیان نعمتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۶

۶- برشمردن و به زبان آوردن نعمت ها به هنگام حمد و ستایش خداوند ، امری پسندیده و از آداب دعاست .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۸

۸- بیان نعمت های الهی در ابعاد زندگی ، از مصادیق < بلاغ مبین > (بیان روشن دین) است .

و الله جعل لکم ممّا خلق ظللاً . .. کذلک یتمّ نعمته علیک لعلّکم تسلمون ... فإنما

در آیات گذشته نعمتهای مختلف خداوند بیان گردید و در پایان اشاره شد که هدف از بیان نعمتها، تسلیم شدن انسانها در برابر خداست و اگر مردم روی گرداندند، وظیفه ای جز همین بیان روشن (بیان نعمتها) نیست.

تاریخ آزادی بیان

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۹

۹ - آزادی ابراز عقیده و بیان اندیشه در جامعه دینی عصر موسی

أتتخذنا هزواً

تنوع بیان در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ مبلغان دین وظیفه دار تأمل و تحقیق در شیوه های بیان حقایق در قرآن و به کارگیری آن در تبلیغ هستند.

انظر کیف نصرف الأیت لعلهم یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۶

۶ - تنوع بیان و ارائه صورت های گوناگون آن ، از روش های قرآن در تبلیغ و تربیت

و صرّفنا فیه من الوعید لعلّهم یتّقون

تنوع در بیان تعلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۳

۱۳ بیان مطلب به شیوه های گوناگون و متنوع، روشی کارساز در تعلیم و تربیت است.

انظر کیف نصرف الأیت لعلهم یفقهون

<لعل> حرف ترجی و کاربرد آن در جایی است که امید به عملی شدن فعل وجود داشته باشد. در این بخش از آیه چون فعل <یفقهون> در پی حرف ترجی آمده، چنین بر می آید که <فهم> پس از بیان آیات به شیوه های مختلف متوقع است.

درخواست آزادی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۱ - ۱

۱- درخواست آزادی بیان ، پیشنهاد موسی (ع) به فرعونیان پس از یأس از ایمان آوردن آنان

و إن لم تؤمنوا لی فاعتزلون

<فاعتزلون>، کنایه از این است که اگر خود اهل

ایمان نیستید، لااقل متعرض من نباشید تا آزادانه پیامم را به مردم برسانم.

ذکر نعمت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۴

۴ - توجه به خدادادی بودن نعمت بیان و ابزار آن ، مایه یقین به آگاهی خداوند از نیت ها ، افکار و دانسته های انسان است .

أیحسب أن لم یره أحد . ألم نجعل له ... و لسانًا و شفتین

سرزنش غفلت از قدرت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۲

۲ - بی توجّهی به قدرت بیان و ابزار آن و غفلت از وابستگی آنها به خداوند ، شگفت آور و سرزنش بار است .

ألم نجعل له . .. و لسانًا و شفتین

شگفتی غفلت از قدرت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۲

۲ - بی توجّهی به قدرت بیان و ابزار آن و غفلت از وابستگی آنها به خداوند ، شگفت آور و سرزنش بار است .

ألم نجعل له . .. و لسانًا و شفتین

صراحت در بیان عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۶ - ۸

۸ - پیامبر (ص) و مسلمانان ، در مجادله با اهل کتاب ، موظف اند که به صراحت ، اعتقادات توحیدی خود را مطرح کنند .

قولوا ءامنّا بالذی أَنزل إلینا و أَنزل إلیکم و إلهنا و إلهکم وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ -

۵ - پیامبراسلام (ص) ، مأمور اعلام صریح مواضع عقیدتی خود به مردم

قل . .. ما من إله إلاّ اللّه الوحد القهّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بیان علنی مواضع اعتقادی خویش برای همگان

قل

ظلم کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۷

۱۷ کیفر انسان ها ، قبل از تبیین حق و باطل برای آنان ، ظلم و دور از ساحت قدس خداست .

أتتهم رسلهم بالبیّنت فما کان اللّه لیظلمهم

نفی ظلم از خـدا و متفرع شـدن آن بر وجود بینـات، بیانگر این نکته است که: درصورت ارائه نشـدن دلایل روشن، به هلاکت رساندن انسانها ظلم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۷

۷ - مؤاخذه بندگان ، قبل از بیان و اتمام حجت بر ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند است .

و ما أهلکنا من قریه . .. ذکری و ما کنّا ظلمین

مفاد مطلب یاد شده، همان <قبح عقاب بلابیان> است که از آیه مورد بحث استفاده می شود.

عذاب بدون بیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۵ – ۶

۶ خداوند ، بدون بیان ، کسی را عقاب نخواهد کرد .

و من یشاقق الرسول من بعد ما تبیّن له الهدی . .. نصله جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء –

۱۲ - ۱۴۴ - ۴

۱۲ خداوند بدون حجت و برهان ، کسی را عقاب نخواهد کرد .

أتریدون أن تجعلوا اللّه علیکم سلطناً مبیناً

عذاب بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۶

۶ - منکران دین بدون اتمام حجت با آنان ، به آتش دوزخ گرفتار نخواهند شد .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

جواب شرط <فان لم تفعلوا> محذوف است و جمله <فاتقوا . ..> جانشین آن شده است. جمله با تقدیر آن چنین است: فان لم تفعلوا تمت علیکم الحجه و ثبت لدیکم ان القرآن منزل من عنداللّه فاتقوا ...

فضایل بیان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۷

۱۷- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذین یکتمون . .. لایکلمهم اللّه

برداشت فوق از مفهوم جمله <إن الذین . .. لایکلمهم اللّه> استفاده شده است.

فلسفه بیان قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۴

۴ خداوند با بیان مکر برادران یوسف علیه وی ، تسلّی دهنده پیامبر (ص) بر مخالفت مردمان با وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم يمكرون. و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان <ما أكثر الناس . ..> با خصوص مكر برادران يوسف عليه وى (و هم يمكرون) است و به اين نكته اشاره دارد كه: اى

پیـامبر! آنـان که فرزنـدان یعقوب پیـامبر بودنـد بـا پـدر و برادرشـان آن گونه رفتـار کردنـد، پس مبـادا از ایمـان نیاوردن مردم اندوهگین باشی و خود را مقصر پنداری چرا که عموم مردم حق ناپذیرند.

قاعده عقاب بلا بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ خداوند بدون اتمام حجت، بندگان متخلف را توبیخ نخواهد کرد.

ألم أنهکما عن تلکما الشجره و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

قاعده قبح کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۴

۴ مؤاخذه کفار به جرم مبارزه با اسلام ، پیش از ارائه معارف الهی قرآن به آنان و تمام شدن حجت بر ایشان ، ممنوع است .

و خذوهم و احصروهم . .. و إن أحد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلم اللّه

قاعده کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۱۰

۱۰- عقاب و کیفر دادن بر هر عملی بدون بیان زشتی و خلاف بودن آن عمل ، زشت و ناپسند است .

و ما کنّا معذّبین حتی نبعث رسولاً

اینکه خداونـد فرمود: <مـا بـدون اینکه رسولی برای تبیین حقـایق برای مردم بفرستیم، عـذاب و کیفرشان نمی کنیم> احتمال دارد به جهت این داوری عقل باشد که: <عقاب بدون بیان زشت و قبیح است>.

قدرت بیان انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴ - ۸

۸- انسان موجودی توانمند برای بیان مقاصد و نظرات خویش

فإذا هو خصیم

مبین

کیفر بدون بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۲

۲ هلاک جوامع بشری، بدون فرستادن هدایت برای ایشان، کاری ظالمانه و به دور از ساحت قدس الهی است.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم

<بظلم> می تواند حال برای <ربک> باشد. در این صورت معنای جمله چنین می شود: خداوند از روی ظلم جامعه ناآگاه را هلاک نمی کند. بنابراین هلاکت در صورت عدم ابلاغ کاری ظالمانه است.

کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۵ - ۸

۸ خداوند کسی را بدون اتمام حجت عقاب نمی کند .

رسلا . .. لئلا یکون للناس علی اللّه حجه بعد الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۳

۳ سنت خداوند بر عقوبت نکردن انسان ها پیش از بیان دستورات خویش است .

لو لا کتب من اللّه سبق لمسکم فیما أخذتم

در اینکه مراد از <کتب . .. > چیست، چندین نظر ایراد شده است ; از جمله سنت الهی بر اینکه تا دستوری را به روشنی برای مردم بیان نکند، آنان را به عذاب گرفتار نمی سازد. و اسیر گرفتن در جنگ بدر هر چند کاری بسیار ناصواب بوده، ولی حکم آن به روشنی بیان نشده بود و لذا خداوند مرتکبان این عمل ناصواب را به عذاب گرفتار نساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۷ - ۹

۹ نزول عذاب استیصال ، همواره پس از تمام

شدن حجت خدا بر مردم است .

فإذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط

مراد از بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴ - ۴

۴ - < فی مجمع البیان قال الصادق (ع) : البیان الإسم الأعظم الذی به علم کلّ شیء ;

در مجمع البیان آمده است که امام صادق(ع) فرمود: <بیان> اسم اعظم الهی است که به وسیله آن آگاهی بر همه چیز حاصل می شود>.

ناپسندی کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۳

۳ - کیفردادن قبل از بیان و اتمام حجت ، کاری ناروا است .

و لو أنّا . .. لولا أرسلت إلینا رسولاً

گرچه <لولا أرسلت> در این آیه، اعتراضی است که از زبان کافران نقل شده; ولی از آن جهت که بر این اعتراض فرضی، ترتیب اثر داده شده است، برمی آید که این اعتراض، قابل قبول بوده و فرستادن رسولان برای اتمام حجت، ضرورت داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۳

۳ - مجازات خطاکاران پیش از تبیین راه صواب و خطا برای ایشان ، امری نادرست و نکوهیده در بینش الهی

و لولا أن تصیبهم مصیبه . .. و نکون من المؤمنین

نعمت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴ - ۱

۱ - تکلم و قدرت بیان مفاهیم ، از نعمت های مهم الهی برای انسان

الرحمن . .. علّمه البیان

نقش بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴ – ۲

۲ – قدرت بیان ، از امتیاز های مهم انسان و دارای نقش اساسی در زندگی او

خلق الإنسن . علّمه البیان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که از میان اوصاف و ویژگی های انسان، تنها به قدرت بیان تکیه شده است.

بیت المال از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بیت المال

تقسیم بیت المال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۹ – ۴

۴ حق تصمیم گیری در نحوه تقسیم و صرف بیت المال با پیامبر (ص) بود .

ما ءاتیهم اللّه و رسوله

خیانت به بیت المال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۱ – ۱۶

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

روش حفاظت از بیت المال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۲ – ۱۲

۱۲ سهمیه بندی کالا ها در شرایط بحرانی و دریافت بهای کالای اعطا شده ، مقتضای حراست از بیت المال و آگاهی به امور اقتصادی است .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم . .. اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

عملکرد یوسف(ع) (سهمیه بندی در شرایط کمبود و دریافت بهای کالاها) به عنوان مدیر و مسؤولی حفیظ و علیم ، گویای برداشت فوق است.

غصب بیت المال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره

- ۲ - ۱۸۸ - ۹

۹ - چنگ اندازی به اموال و دارایی های عمومی ، حرام است .

لتأكلوا فريقاً من أمول الناس بالأثم

مقصود از <أموال الناس> می توانـد اموال و داراییهـای شخصـی افراد باشـد، همچنین منظور از آن می توانـد اموال عمومی باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

محمد(ص) و بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۹ - ۴

۴ حق تصمیم گیری در نحوه تقسیم و صرف بیت المال با پیامبر (ص) بود .

ما ءاتيهم اللّه و رسوله

مصارف بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۲۸

۲ - مخارج و مهریه ای که مرد مؤمن برای همسر کافر خویش ، صرف کرده و اکنون به حکم اسلام از او جدا شده است ، باید از بیت المال و غنایم جنگی ، به مرد مؤمن پرداخت شود .

و إن فاتكم شيء من أزوجكم إلى الكفّار فعاقبتم

واژه <عاقبتم>، به معنای <اصبتم منهم غنیمه> دانسته شده است.

۸ - < عن يونس عن أصحابه عن أبى جعفر (ع) و أبى عبداللّه (ع) قال : قلت : . . . و قد قال اللّه عزّوجلّ فى كتابه < و إن فاتكم شيء من أزواجكم إلى الكفّار فعاقبتم . . . > ما معنى العقوبه هاهنا ؟ قال : إنّ الذى ذهبت إمرأه فعاقب على إمرأه اُخرى غيرها يعنى تزوّجها [بعقب] . . . فعلى الإمام أن يعطيه مهر إمرأه الذاهبه ;

از یونس از اصحابش از امام باقر(ع)

و امـام صـادق(ع) روايت شـده كه گفت: به امـام(ع) عرض كردم: . .. خداونـد عزّوجـلّ فرموده است: <و إن فاتكم شـيء من أزواجكم إلى الكفّـار فعـاقبتم> مراد از اين عقـوبت در اين جـا چيست؟ امـام فرمود: مردى كه همسـرش از دست او رفته [و به كفّـار ملحق شـده]و در پى آن همسـر ديگرى اختيـار كرده ... برعهـده امام است كه مهر زنى را كه رفته به آن مرد بپردازد [و معناى]<عاقبتم> يعنى پس از رفتن آن زن، همسر ديگرى گرفته باشد>.

منافقان و بيت المال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۵۹ - ۲

۲ نارضايتى برخى از مسلمانان (منافقان) نسبت به سهم خود از بيت المال

و لو أنهم رضوا ما ءاتيهم اللّه و رسوله

يوسف(ع) و بيت المال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ يوسف (ع) داراى اختياراتى ويژه در دخل و تصرف بيت المال و بذل و بخشش آذوقه هاى ذخيره شده

و جئنا ببضعه مزجيه فأوف لنا الكيل و تصدق علينا

بيت المعمور از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

بيت المعمور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۵

۵ - < بيت المعمور > نام ديگر كعبه

و البيت المعمور

تعبير <و البيت المعمور> به جـاى <و الكعبه> مى توانـد بـدان جهت باشـد كه در آن زمان، كعبه به اين نام نيز خوانـده مى شده است.

مکان بیت المعمور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴ – ۶،۷،۸

۶

- < فی مجمع البیان ، (فی قوله) < و البیت المعمور > هو بیت فی السماء الرابعه بحیال الکعبه تعمره الملائکه بما یکون منها فیه من العباده . . . و روی ایضاً عن أمیرالمؤمنین (ع) قال : و یدخله کلّ یوم سبعون ألف ملک . . . ;

در مجمع البیان آمده است: بیت المعمور خانه ای است در آسـمان چهارم موازی کعبه، که فرشتگان با عبادت خود آن را آباد نگه می دارنـد. .. و این مطلب از امـام علی(ع) نیز روایت شـده و فرمـوده است: در هر روزی هفتـاد هزار فرشـته [برای عبـادت]داخل آن بیت می شوند...>.

۷ - < عن النبی (ص) ، قـال : < البیت المعمور > فی السـماء السابعه یـدخله کلّ یوم سـبعون ألف ملک لایعودون إلیه حتّی تقوم الساعه ;

از رسول خـدا(ص) روایت شده که بیت المعمور در آسـمان هفتم قرار گرفته و هر روز، هفتاد هزار فرشـته [برای عبادت] وارد آن می شوند [و این فرشتگان پس از خروج]دیگر باز نمی گردند و این کار تا قیامت ادامه دارد>.

۸ - < عن ابی هریره عن النبی (ص) قال : البیت المعمور فی السماء الدنیا . . . ;

ابی هریره از رسول خدا(ص) روایت نموده که بیت المعمور در آسمان دنیا است>.

نزول قرآن به بیت المعمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۸

۸ - < قال الصادق (ع) نزل القرآن فی لیله القدر إلی البیت المعمور جمله ثمّ نزل من البیت المعمور علی رسول اللّه

(ص) فی طول عشرین سنه ;

امام صادق(ع) فرمود: قرآن در شب قدر به صورت کامل و یک جا، به بیت المعمور نازل گشت و سپس از بیت المعمور به رسول خدا(ص) در طول بیست سال [به صورت تدریجی] نازل شد>.

ویژگیهای بیت المعمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۶،۷

۶ - < فی مجمع البیـان ، (فی قوله) < و البیت المعمور > هو بیت فی السـماء الرابعه بحیـال الکعبه تعمره الملائکه بما یکون منها فیه من العباده . . . و روی ایضاً عن أمیرالمؤمنین (ع) قال : و یدخله کلّ یوم سبعون ألف ملک . . . ;

در مجمع البیان آمده است: بیت المعمور خانه ای است در آسـمان چهارم موازی کعبه، که فرشتگان با عبادت خود آن را آباد نگه می دارنـد. .. و این مطلب از امـام علی(ع) نیز روایت شـده و فرمـوده است: در هر روزی هفتـاد هزار فرشـته [برای عبـادت]داخل آن بیت می شوند...>.

۷ - < عن النبی (ص) ، قـال : < البیت المعمور > فی السـماء السابعه یـدخله کلّ یوم سـبعون ألف ملک لایعودون إلیه حتّی تقوم الساعه ;

از رسول خـدا(ص) روایت شده که بیت المعمور در آسـمان هفتم قرار گرفته و هر روز، هفتاد هزار فرشـته [برای عبادت] وارد آن می شوند [و این فرشتگان پس از خروج]دیگر باز نمی گردند و این کار تا قیامت ادامه دارد>.

بیت المقدس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ -

۷،۱۰ - ۷۲

۷ یهود ، آنچه را در اوّل روز بر پیامبر (ص) نازل شـده بود (قبله بودن بیت المقدّس) ، پذیرفتند و به آنچه در انت های روز نازل شده بود (قبله بودن کعبه) ، کفر ورزیدند تا مؤمنان را گمراه سازند .

و قالت طائفه . .. لعلّهم یرجعون

برخی از مفسـران برآننـد کـه <وجـه النهـار> و <آخره> متعلـق بـه <انزل> اسـت ; و سـیاق آیـه می رسانـد کـه مراد از <الـذی>، حکمی خـاص اسـت ; برخی روایـات دلالـت دارد کـه آن حکم خـاص، تغییر قبله بـوده است که پیـامبر (ص) در عصرگاهی مأمور شـد نماز را به سوی کعبه بخوانـد و قبله مسـلمانان را که تا صـبحگاه آن روز، بیت المقدس بوده است تغییر دهد.

۱۰ دستور علمای یهود به پیروان خود مبنی بر پذیرش بیت المقدس به عنوان قبله و مخالفت با کعبه

و قالت طائفه من اهل الکتاب امنوا بالّذی انزل . .. و اکفروا اخره

امام باقر (ع): . .. فقالوا صـلی محمـد الغـداه فاسـتقبل قبلتنا فامنوا بالّـذی انزل علی محمـد وجه النهار و اکفروا اخره یعنون القبله حین استقبل رسول اللّه (ص) المسجد الحرام.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۵ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۲، ح ۱۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۵،۶

۵ شرافت کعبه بر بیت المقدس ، علی رغم پندار یهودیان

انّ اوّل بیت وضع للناس

با توجه به شأن نزول که یهودیان می گفتند بیت المقدّس، برتر و باارزشتر از کعبه است.

۶ قدمت کعبه ، ملاک شرافت آن بر

بیت المقدس

انّ اوّل بیت وضع للناس

با توجه به شأن نزول ذکر شده در مجمع البیان.

آبادانی بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱،۴

۱ - خداوند ، به بنی اسرائیل فرمان داد تا به آبادی بیت المقدس وارد شوند .

و إذ قلنا ادخلوا هذه القریه

<قریه> در لغت به معنای روستا و نیز شهر آمده است و در قرآن نیز در هر دو معنا استعمال شده است; چون قرینه ای یافت نشد که کدامین معنا مراد است، در برداشت کلمه <آبادی> آورده شد. ال در <القریه> عهد حضوری است و اشاره به دیاری خاص دارد. بسیاری از مفسران برآنند که مراد از آن، بیت المقدس می باشد.

۴ - سرزمین بیت المقدس در عصر موسی (ع) ، سرزمینی آباد ، پرنعمت و دارای مناطقی سرشار از خوراکی ها بود .

فکلوا منها حیث شئتم رغداً

کلمه <رغداً> (پاک، مرفه و پر خیر و برکت) حال برای ضمیر <منها> می باشد که به دلیل <کلوا> مراد، فراوانی نعمتها و خوراکیهای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۴

۴ سرزمین بیت المقدس در عصر موسی ، سرزمینی آباد و پرنعمت و دارای مناطقی سرشار از خوراکیها

و کلوا منها حیث شئتم

آثار تداوم قبله بودن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۴

۴ - ادامه داشتن بيت المقدس به عنوان قبله ، موجب برخورداری مخالفان اسلام از دليل و حجت بر عليه پيامبر و مسلمانان

فول وجهك

. .. فولوا وجوهكم شطره لئلا يكون للناس عليكم حجه

آداب ورود به بيت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۶

۶ يهوديان عصر موسى ، مأمور ورود به بيت المقدس ، با حالتى خاضعانه

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

مراد از <الباب> بنابه گفته بسيارى از مفسران، دروازه شهر بيت المقدس است و <سجداً> جمع ساجد مى باشد و مراد از سجده مى تواند معناى لغوى آن (خضوع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۶،۷،۹

۶ استغفار از گناهان به هنگام تصرف بيت المقدس ، فرمان خدا به بنى اسرائيل

و قولوا حطه

<حطه> خبر براى مبتدايى محذوف مانند <مسألتنا> است. اين كلمه اسم مصدر و به معناى نهادن و فرود آوردن مى باشد و مراد از آن به قرينه جمله بعد (نغفر لكم) برداشتن وزر گناهان و آمرزش آنهاست. بنابراين <قولوا حطه> يعنى بگوييد خدايا درخواست ما آمرزش گناهان است.

۷ اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا به هنگام تصرف بيت المقدس از دستورات خدا به بنى اسرائيل

و ادخلوا الباب سجداً

كلمه <سجداً> جمع <ساجد> و حال براى فاعل <ادخلوا> است. از آن رو كه سجده در حال ورود با معناى اصطلاحى آن (پيشانى بر خاك ساييدن) سازگار نيست، مى توان گفت در اينجا معناى لغوى آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

۹ خداوند نويد بخش آمرزش گناهان بنى اسرائيل در صورت رعايت آداب تعيين شده براى ورود و سكونتشان در بيت المقدس

اسكنوا . .. و ادخلوا الباب سجداً نغفر لكم خطيئتكم

ظاهر این

است که <نغفر لکم> جواب برای همه اوامری است که در آیه مطرح شده. بنابراین تقدیر چنین است: <إن تسکنوا و تأکلوا و تقولوا و تدخلوا الباب سجداً نغفر لکم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۵

۵ عذاب نازل شده بر متمردان بنی اسرائیل ، سزای گناهان پیشین آنان و گناه رعایت نکردن آداب مقرر شده برای ورود به بیت المقدس

فبدل الذین ظلموا منهم . .. فأرسلنا علیهم رجزاً من السماء بما کانوا یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ظلم و گناه در <بما کانوا یظلمون> غیر از گناهی باشد که جمله <فبدل . .. > بیانگر آن است. بنابراین تفریع <فأرسلنا ... > بر <فبدل ... > می رساند که عذاب به خاطر تبدیل فرمان الهی بوده و <باء> سببیه در <بما کانوا... > می رساند که عذاب به سبب ظلم و گناه سابق بنی اسرائیل بوده است. یعنی گناهِ تبدیل، به ضمیمه گناهان سابق باعث ارسال عذاب بر آنان شد.

اسراء محمد(ص) به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱ - ۲۴،۲۶

۲۴- < عن ابی عبدالله جعفربن محمدالصادق (ع) قال : لما أسری برسول الله (ص) إلی بیت المقدس حمله جبرائیل علی البراق فاتیا بیت المقدس و عرض إلیه محاریب الأنبیاء و صلی بها و رده . . . ;

جبرئیل، آن حضرت را بر بُراق سوار کرد و هر دو به بیت المقدس آمدند و جبرئیل محرابهای انبیا را به او نشان داد و پیامبر(ص)

در آن جا نماز خواند و سپس آن حضرت را باز گرداند. ..>.

۲۶- < روی عن علی (ع) : انه لمّا کان بعد ثلاث سنین من مبعثه صلی الله علیه و آله و سلّم أسری به إلی بیت المقدس و عرج به منه إلی السّماء لیله المعراج . . . ;

از حضرت علی(ع) روایت شده است: پس از گذشت سه سال از بعثت رسول خدا(ص) آن حضرت در شب معراج به بیت المقدس و از آن جا به آسمان برده شد. ..>.

بنی اسرائیل در بیت المقدس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۱ – ۱۹،۱۰،۵،۲،۱

۱ بنی اسرائیل فرمان یافتند تا پس از زندگانی بیابانی ، در آبادی بیت المقدس سکونت گزینند .

و إذ قیل لهم اسکنوا هذه القریه

<قریه> در لغت به معنای روستا و نیز شهر آمده و در قرآن نیز در هر دو معنا استعمال شده است. و چون قرینه ای یافت نشد که کدامین معنا مراد است، در برداشت فوق کلمه <آبادی> آورده شد. <ال> در <القریه> عهد حضوری و اشاره به دیاری خاص دارد. بسیاری از مفسران برآنند که مراد از آن بیت المقدس است.

۲ فرمان به سکونت گزیدن در آبادی بیت المقدس ، فرمانی بود از جانب خدا به بنی اسرائیل

و إذ قیل لهم اسکنوا هذه القریه

کلمه <قیل> به صورت مجهول آمده و فرمان دهنده ذکر نشده است، ولی از جمله <نغفر لکم . .. > به دست می آید که فرمان دهنده خداوند است.

۵ خداوند تهیه خوراکی ها از هر ناحیه بیت المقدس را برای بنی

اسرائیل حلال و مباح کرد .

و کلوا منها حیث شئتم

۱۰ بنی اسرائیل پیش از ورود به بیت المقدس گناهان فراوانی داشتند .

نغفر لکم خطیئتکم

برداشت فوق با توجه به کلمه <خطیئات> که به صورت جمع آمده استفاده شده است.

۱۹ داستان ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس ، داستانی عبرت آموز و شایسته به یاد داشتن

و إذ قیل لهم اسکنوا . .. سنزید المحسنین

کلمه <إذ> متعلق به فعلی مانند <اذکروا> (به یاد داشته باشید)، است.

بنی اسرائیل و تصرف بیت المقدس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۸ – ۲،۳،۶،۷،۸،۱۰

۲ – فرمان تصرف بیت المقدس به بنی اسرائیل ، پس از زندگانی بیابانی آنان بود .

و ظللنا علیکم الغمام . .. و إذ قلنا ادخلوا هذه القریه

۳ – بنی اسرائیل به هنگام دریافت فرمان تصرف بیت المقدس ، در مکانی نزدیک به آن به سر می بردند .

و إذ قلنا ادخلوا هذه القریه

برداشت فوق با توجه به اسم اشاره <هذه> – که برای اشاره به نزدیک است – استفاده شده است.

۶ – دروازه بیت المقدس راه تعیین شده از جانب خداوند ، برای تصرف و نفوذ بنی اسرائیل به آن سرزمین

اخلوا هذه القریه . .. وادخلوا الباب

۷ – اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا – به هنگام تصرف بیت المقدس – از دستور های خداوند به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه <سجداً> جمع ساجد و حال برای فاعل <ادخلوا> می باشد. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک نهادن) سازگار نیست، می توان گفت: در اینجا

معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

۸ - استغفار از گناهان به هنگام تصرف بیت المقدس فرمانی از جانب خداوند به بنی اسرائیل

ادخلوا . .. و قولوا حطه

<حطه> خبر برای مبتدایی محذوف همانند <مسألتنا> است. این کلمه اسم مصدر و به معنای نهادن و فرو آوردن می باشد و مراد از آن به قرینه جمله بعد <نغفر لکم ...> برداشتن گناهان و آمرزش آنهاست. بنابراین <قولوا حطه> یعنی بگویید - خدایا - درخواست ما آمرزش گناهان است.

۱۰ - بنی اسرائیل ، پیش از ورودشان به بیت المقدس ، بر دوش دارنده گناهانی بسیار

نغفر لکم خطیکم

برداشت فوق با توجه به جمع آوردن کلمه <خطایاکم> استفاده شده است.

بیت المقدس در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۴

۴ - سرزمین بیت المقدس در عصر موسی (ع) ، سرزمینی آباد ، پرنعمت و دارای مناطقی سرشار از خوراکی ها بود .

فکلوا منها حیث شئتم رغداً

کلمه <رغداً> (پاک، مرفه و پر خیر و برکت) حال برای ضمیر <منها> می باشد که به دلیل <کلوا> مراد، فراوانی نعمتها و خوراکیهای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۴

۴ سرزمین بیت المقدس در عصر موسی ، سرزمینی آباد و پرنعمت و دارای مناطقی سرشار از خوراکیها

و کلوا منها حیث شئتم

پاداش نماز به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۵

۲۵ - نمازهایی که پیش از تغییر قبله به سمت بیت المقدس

خوانده شده بود ، مورد پذیرش خدا بوده و اجرش ضایع نخواهد شد .

و ما كان اللّه لیضیع إیمنكم

تغییر قبله یا نوید به تغییر آن، این پرسش را برای مسلمانان در پی داشت كه: نمازها و عبادتهای انجام شده به سوی بیت المقدس آیا محكوم به بطلان است. جمله <و ما كان ...> پاسخ به این پرسش می باشد.

تاریخ بیت المقدس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۸ – ۴،۶

۴ – سرزمین بیت المقدس در عصر موسی (ع) ، سرزمینی آباد ، پرنعمت و دارای مناطقی سرشار از خوراكی ها بود .

فكلوا منها حیث شئتم رغداً

كلمه <رغداً> (پاك، مرفه و پر خیر و بركت) حال برای ضمیر <منها> می باشد كه به دلیل <كلوا> مراد، فراوانی نعمتها و خوراكیهای آن است.

۶ – دروازه بیت المقدس راه تعیین شده از جانب خداوند ، برای تصرف و نفوذ بنی اسرائیل به آن سرزمین

اخلوا هذه القریه . .. وادخلوا الباب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۱ – ۴

۴ سرزمین بیت المقدس در عصر موسی ، سرزمینی آباد و پرنعمت و دارای مناطقی سرشار از خوراكیها

و كلوا منها حیث شئتم

تصرف بیت المقدس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۸ – ۳،۷،۸

۳ – بنی اسرائیل به هنگام دریافت فرمان تصرف بیت المقدس ، در مكانی نزدیك به آن به سر می برند .

و إذ قلنا ادخلوا هذه القريه

برداشت فوق با توجه به اسم اشاره <هذه> - که برای اشاره به

نزدیک است - استفاده شده است.

۷ - اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا - به هنگام تصرف بیت المقدس - از دستور های خداوند به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه <سجداً> جمع ساجد و حال برای فاعل <ادخلوا> می باشد. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک نهادن) سازگار نیست، می توان گفت: در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

۸ - استغفار از گناهان به هنگام تصرف بیت المقدس فرمانی از جانب خداوند به بنی اسرائیل

ادخلوا . .. و قولوا حطه

<حطه> خبر برای مبتدایی محذوف همانند <مسألتنا> است. این کلمه اسم مصدر و به معنای نهادن و فرو آوردن می باشد و مراد از آن به قرینه جمله بعد <نغفر لکم ...> برداشتن گناهان و آمرزش آنهاست. بنابراین <قولوا حطه> یعنی بگویید - خدایا - درخواست ما آمرزش گناهان است.

خوردنیهای بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۵

۵ - تهیه خوراکی ها از هر ناحیه بیت المقدس ، برای بنی اسرائیل حلال و مباح بود .

فکلوا منها حیث شئتم رغداً

<حیث شئتم> (هر کجا خواستید) دلالت بر آن دارد که محدوده مکانی برای بهره برداری از نعمتهای بیت المقدس تعیین نشده بود.

دروازه بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۶

۶ - دروازه بیت المقدس راه تعیین شده از جانب خداوند ، برای تصرف و نفوذ بنی اسرائیل به آن سرزمین

اخلوا هذه القريه . .. وادخلوا الباب

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۸

۸ دروازه بیت المقدس طریق تعیین شده از جانب خدا برای نفوذ به آن سرزمین و تصرف آن دیار

و ادخلوا الباب

راه تصرف بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۶

۶ - دروازه بیت المقدس راه تعیین شده از جانب خداوند ، برای تصرف و نفوذ بنی اسرائیل به آن سرزمین

اخلوا هذه القریه . .. وادخلوا الباب

سرزمین بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۴

۴ - سرزمین بیت المقدس در عصر موسی (ع) ، سرزمینی آباد ، پرنعمت و دارای مناطقی سرشار از خوراکی ها بود .

فکلوا منها حیث شئتم رغداً

کلمه <رغداً> (پاک، مرفه و پر خیر و برکت) حال برای ضمیر <منها> می باشد که به دلیل <کلوا> مراد، فراوانی نعمتها و خوراکیهای آن است.

سوگند به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۱ - ۳،۵

۳ - سوگند خداوند ، به سرزمین انجیر و زیتون *

و التين و الزيتون

از احتمالا-تی که درباره مفاد آیه گفته شـده، این است که مراد از <انجیر> و <زیتون> به قرینه دو آیه بعـد دو منطقه اسـت کـه یکی ماننـد <کـوفه> سـرزمین انجیرخیز و دیگری ماننـد <بیت المقـدس> سـرزمین زیتـون بـوده است. در این صـورت سوگندهای چهارگانه این سوره، سـرزمین های نزول وحی را دربرگرفته است; زیرا <نوح>(ع) در کوفه، ابراهیم و عیسی(ع) در بیت المقدس، موسی(ع) در

طور سینا و پیامبر اسلام(ص) در مکه به نشر آیین خویش پرداختند.

۵ - < عن أبی الحسن الاوّل قال : قال رسول اللّه (ص) : إنّ اللّه تبارک و تعالی . . . اختار من البلدان أربعه فقال عزّوجلّ : < و التین و الزیتون . و طور سینین . و هـذا البلـد الأمین > فالتین المـدینه ، و الزیتون بیت المقـدّس ، و طور سـینین الکوفه و هذا البلد الأمین مکّه ;

از امام موسی بن جعفر(ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا(ص) فرمود: خداونـد تبارک و تعالی . .. از بین شـهرها، چهار شـهر را انتخاب کرد. او که عزیز و جلیل است فرمود: < والتین و الزیتون . و طور سینین . و هـذا البلـد الأمین>. پس <تین> مدینه و <زیتون> بیت المقدس و <طور سینین> کوفه و <هذا البلد الأمین> مکه است.>

فضیلت بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۷

۷ اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا به هنگام تصرف بیت المقدس از دستورات خدا به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه <سجداً> جمع <ساجد> و حال برای فاعل <ادخلوا> است. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک ساییدن) سازگار نیست، می توان گفت در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

فلسفه قبله شدن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۹،۱۰،۱۷

۹ - هدف از تعیین بیت المقدس به عنوان قبله مسلمانان

، مشخص شدن پیروان واقعی پیامبر (ص) از غیر آنان بود

و ما جعلنا القبله التی کنت علیها إلا لنعلم من یتبع الرسول ممن ینقلب علی عقبیه

۱۰ - تعیین بیت المقدس به عنوان قبله ، آزمونی برای مسلمانان و تصفیه ایشان

و ما جعلنا القبله التی کنت علیها إلا لنعلم

۱۷ - مشخص شدن روحیه تعبد و تسلیم در برابر خدا ، فلسفه تعیین بیت المقدس به عنوان قبله مسلمانان

إلا لنعلم من یتبع الرسول . .. و إن کانت لکبیره إلا علی الذین هدی اللّه

قبله بودن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱،۲

۱ - بیت المقدس در برهه ای از عصر بعثت ، قبله مسلمانان بود .

ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها

اکثر مفسران برآنند که مراد از <قبلتهم . ..> بیت المقدس است.

۲ - قبله نخستین مسلمانان (بیت المقدس) ، به فرمان خداوند به جانب کعبه تغییر یافت .

ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها . .. یهدی من یشاء

جمله <یهدی من یشاء> قرینه بر این است که: تغییر قبله به فرمان خداوند بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۸،۱۹

۸ - بیت المقدس ، قبله مسلمانان در برهه ای از عصر بعثت

و ما جعلنا القبله التی کنت علیها

مراد از <القبله> بیت المقدس است. قابل ذکر است که <کان> در <التی کنت علیها> می تواند به معنای حال باشد;

یعنی، قبله ای که بر آن هستی. بر این مبنا نزول آیه مورد بحث قبل از تغییر قبله خواهد بود

و می تواند <کان> در جمله فوق به معنای گذشته باشد. در این صورت، زمان نزول آیه مورد بحث پس از تغییر قبله خواهد بود. از آن جا که فرمان تغییر قبله در آیه بعد مطرح شده، به نظر می رسد احتمال نخست پسندیده تر باشد.

۱۹ - تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی مسجد الحرام *

و ما جعلنا القبله التی کنت علیها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <کان> در <التی کنت علیها> دلالت بر زمان ماضی داشته باشد، در این صورت <التی کنت علیها> دلالت بر تغییر قبله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۳

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حق و پیراسته و از هرگونه بطلان و ناروایی

الحق من ربک

به دلیل آیات قبل مصداق مورد نظر برای <الحق>، تغییر قبله می باشد.

قداست بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۸

۸ حرمت و عظمت بیت المقدس ، نزد خداوند

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

امر به خضوع و سجده به هنگام ورود به بیت المقدس، حاکی از حرمت و عظمت آن نزد خداوند است.

مسلمانان و قبله شدن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۱۱

۱۱ - قبله بودن بیت المقدس برای اهل اسلام ، امری دشوار و ناپذیرفتنی برای گروهی از مسلمانان

و إن كانت لكبيره إلا على الذين هدى اللّه

مهتدين و قبله شدن بيت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آيه

– فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۳ – ۱۲

۱۲ – تنها هدایت یافتگان ، بیت المقدس را به عنوان قبله پذیرفته و آن را تکلیفی سنگین نمی شمردند .

و إن کانت لکبیره إلا علی الذین هدی اللّه

نسخ قبله بودن بیت المقدس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۴ – ۷

۷ – انتظار و اشتیاق پیامبر (ص) برای نسخ قبله سابق (بیت المقدس) دارای نقشی بسزا در نسخ آن بود .

قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبله ترضیها

تفریع جمله <فلنولینک . ..> بر <قد نری ...> به وسیله حرف <فاء> می رساند که انتظار و اشتیاق پیامبر(ص) به تغییر قبله در آن امر مؤثر بوده است.

نماز به بیت المقدس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۳ – ۳۰

۳۰ – از امام صادق (ع) روایت شده است : < . . . و لما ان اصرف نبیه إلی الکعبه عن بیت المقدس قال المسلمون للنبی (ص) أرأیت صلاتنا التی کنا نصلی إلی بیت المقدس ما حالنا فی ها و ما حال من مضی من أمواتنا و هم یصلون إلی بیت المقدس ؟ فأنزل اللّه < و ما کان اللّه لیضیع إیمانکم ان اللّه بالناس لرؤف رحیم > فسمّی الصلوه إیماناً . . . ;

چون خداوند، رسول اللّه را از بیت المقدس به کعبه برگرداند، مسلمانان به پیامبر عرضه داشتند: صحت نمازهایی که به طرف بیت المقدس خوانده ایم و نمازهای کسانی که به طرف بیت المقدس نماز خوانده و

از دنیا رفته اند، چطور می شود؟ خداوند آیه شریفه <و ما کان اللّه لیضیع إیمانکم ان اللّه بالناس لرءوف رحیم> را نازل فرمود و در آن نماز را ایمان نامید . ..>.

نماز محمد(ص) به بیت المقدس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۲ – ۱۷

۱۷ – امام صادق (ع) فرمود : < و صلّی رسول اللّه (ص) إلی بیت المقدس بعد النبوه ثلاث عشره سنه بمکه و تسعه عشر شهراً بالمدینه ثمّ عیّرته الیهود . . . ;

رسول خدا(ص) بعد از رسالت خویش، سیزده سال در مکه و نوزده ماه در مدینه به سوی بیت المقدس نماز می خواند، تا آنکه یهود او را سرزنش کردند . .. >.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۳ – ۳۱

۳۱ – < عن ابی بصیر عن أحدهما . . . فقلت له : اللّه أمره أن یصلی إلی بیت المقدس ، قال : نعم ، ألاتری ان اللّه تعالی یقول ، < و ما جعلنا القبله التی کنت علیها إلا لنعلم من یتبع الرسول ممن ینقلب علی عقبیه > . . . ;

ابی بصیر از امام باقر یا امام صادق(ع) سؤال کرد: . .. آیا خداوند رسول خود را مأمور کرد که به سوی بیت المقدس نماز گزارد؟ آن حضرت فرمود: بله آیا ندیدی که خداوند تعالی می فرماید: <ما آن قبله ای که قبلا بر آن بودی تنها برای این قرار دادیم تا افرادی که از پیامبر پیروی می کنند را از کسانی که

به جاهلیت باز می گردند، مشخص کنیم> ... >.

نماز محمد(ص) در بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱ - ۲۴

۲۴- < عن ابی عبدالله جعفربن محمدالصادق (ع) قال : لما أسری برسول الله (ص) إلی بیت المقدس حمله جبرائیل علی البراق فاتیا بیت المقدس و عرض إلیه محاریب الأنبیاء و صلی بها و رده . . . ;

جبرئیل، آن حضرت را بر بُراق سوار کرد و هر دو به بیت المقدس آمدند و جبرئیل محرابهای انبیا را به او نشان داد و پیامبر(ص) در آن جا نماز خواند و سپس آن حضرت را باز گرداند. ..>.

ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱،۹،۱۶،۱۸

۱ - خداوند ، به بنی اسرائیل فرمان داد تا به آبادی بیت المقدس وارد شوند .

و إذ قلنا ادخلوا هذه القریه

<قریه> در لغت به معنای روستا و نیز شهر آمده است و در قرآن نیز در هر دو معنا استعمال شده است; چون قرینه ای یافت نشد که کدامین معنا مراد است، در برداشت کلمه <آبادی> آورده شد. ال در <القریه> عهد حضوری است و اشاره به دیاری خاص دارد. بسیاری از مفسران برآنند که مراد از آن، بیت المقدس می باشد.

۹ - خداوند به قوم موسی - در صورت ورود به بیت المقدس با رعایت آداب آن - نوید آمرزش گناهانشان را داد .

ادخلوا هذه القریه . .. و قولوا حطه نغفر لکم خطیکم

ظاهر این است که <نغفر لکم> جواب

برای همه امرهایی است که در آیه شریفه مطرح شده بود. بنابراین تقدیر چنین است: <ان تدخلوا و تأکلوا و تدخلوا الباب سجداً و تقولوا حطه نغفر لکم>.

۱۶ - خداوند ، محسنان و پاکدامنان بنی اسرائیل را - در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس - به پاداشی افزونتر از دیگران نوید داد .

قولوا حطه نغفر لکم خطیکم و سنزید المحسنین

۱۸ - داستان ورود بنی اسرائیل عصر موسی به بیت المقدس ، داستانی آموزنده و شایسته به یاد داشتن

إذ قلنا ادخلوا . .. و سنزید المحسنین

جمله <إذ قلنا . ..> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <أذکروا إذ قلنا ...; به یاد داشته باشید آن زمانی را که فرمان دادیم ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۲

۲ - حرام خواران قوم موسی ، به جای طلب آمرزش از خدا و گفتن < حطه > - در هنگام ورود به بیت المقدس - کلامی دیگر بر زبان جاری می ساختند .

فبدل الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم

به نظر می رسد مراد از <الذین ظلموا> در جمله فوق، کسانی باشند که خداوند در آیه ۵۷ آنان را به سبب ناسپاسی و استفاده از خوراکیهای غیر طیب، ستمکار شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۳،۶،۷،۸،۱۴،۱۹

۳ بنی اسرائیل به هنگام دریافت فرمان تصرف بیت المقدس ، در مکانی نزدیک به آن آبادی بسر می برند .

و إذ قیل لهم اسکنوا هذه القریه

برداشت فوق با توجه به اسم اشاره (هذه)

استفاده شده است.

۶ استغفار از گناهان به هنگام تصرف بیت المقدس ، فرمان خدا به بنی اسرائیل

و قولوا حطه

<حطه> خبر برای مبتدایی محذوف مانند <مسألتنا> است. این کلمه اسم مصدر و به معنای نهادن و فرود آوردن می باشد و مراد از آن به قرینه جمله بعد (نغفر لکم) برداشتن وزر گناهان و آمرزش آنهاست. بنابراین <قولوا حطه> یعنی بگویید خدایا درخواست ما آمرزش گناهان است.

۷ اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا به هنگام تصرف بیت المقدس از دستورات خدا به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه <سجداً> جمع <ساجد> و حال برای فاعل <ادخلوا> است. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک ساییدن) سازگار نیست، می توان گفت در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

۸ دروازه بیت المقدس طریق تعیین شده از جانب خدا برای نفوذ به آن سرزمین و تصرف آن دیار

و ادخلوا الباب

۱۴ خداوند محسنان بنی اسرائیل را در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس ، به پاداشی افزونتر از احسانشان نوید داد .

سنزید المحسنین

۱۹ داستان ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس ، داستانی عبرت آموز و شایسته به یاد داشتن

و إذ قیل لهم اسکنوا . .. سنزید المحسنین

کلمه <إذ> متعلق به فعلی مانند <اذکروا> (به یاد داشته باشید)، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۲

۲ حرام خواران قوم موسی به جای طلب آمرزش از خدا به هنگام ورود به بیت المقدس کلامی دیگر بر زبان جاری ساختند .

فبدل

الذین ظلموا منهم قولا غیر الذی قیل لهم

می توان گفت مراد از <الذین ظلموا> به دلیل <و لکن کانوا أنفسهم یظلمون> در آیه ۱۶۰ کسانی هستند که با استفاده از خوراکیهای غیر پاکیزه به حرامخواری دست یازیدند.

ورود به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۷،۱۲

۷ ورود به بیت المقدس و سجده به درگاه الهی در آن هنگام ، فرمان خداوند به یهودیان عصر موسی (ع)

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

۱۲ ورود خاضعانه به بیت المقدس و رعایت قانون تعطیلی روز شنبه ، از جمله پیمان های خداوند با یهود

و قلنا لهم ادخلوا . .. و أخذنا منهم میثقاً غلیظاً

یهود در بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۶

۶ یهودیان عصر موسی ، مأمور ورود به بیت المقدس ، با حالتی خاضعانه

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

مراد از <الباب> بنابه گفته بسیاری از مفسران، دروازه شهر بیت المقدس است و <سجداً> جمع ساجد می باشد و مراد از سجده می تواند معنای لغوی آن (خضوع) باشد.

بیداری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بیداری

آثار بیداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۲ – ۱۱

۱۱ – بازگشت روح به بدن ، هنگام بیدار شدن از خواب

و یرسل الأُخری إلی أجل

بیداری از آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۲ – ۱۵

۱۵ – < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، در

بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها . .. فیمسک ... و یرسل الأُخری ... إنّ فی ذلک لأیت

جمع آمدن <آیات> می رساند که آیه و نشانه بودن <حیات و مرگ> و <خواب و بیداری>، از جهات مختلف و گوناگون است.

بیداری از خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۴،۶،۱۱

۴ خداوند بیدارکننده و برانگیزنده آدمی از خواب شبانگاه

هو الذی یتوفکم بالّیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

۶ خداوند در عین آگاهی به اعمال روز گذشته آدمیان (اعمال ناروا)، آنان را از خواب شب بیدار می کند و روح را به آنان بازمی گرداند.

هو الذی یتوفکم بالّیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

۱۱ تا زمانی که اجل آدمی فرا نرسیده باشد، خداوند وی را از خواب شبانگاهی برانگیخته و بیدار می کند.

ثم یبعثکم فیه لیقضی أجل مسمی

بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۱۵،۲۱

۱۵- اصحاب کهف ، پس از بیدار شدن از خواب طولانی خویش ، احساس گرسنگی کردند .

فابعثوا أحدکم بورقکم . .. أزکی طعامًا

۲۱- حافظه و قدرت تفکّر و تصمیم گیری اصحاب کهف و جهاز هاضمه آنان پس از خواب طولانی ایشان باز ، باقی و سالم مانده بود .

فابعثوا أحدكم بورقكم

بیداری فطرت توحیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ فرعون ، به هنگام غرق شدن ، نجات خویش را از

خداوند درخواست کرد .

قال ءامنت . .. و أنا من المسلمين

تشبیه به بیداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ مرگ و رستاخیز ، پدیده ای مانند خواب و بیداری است .

ليعلموا. .. أنّ الساعه لاريب فيها

به خواب رفتن اصحاب کهف و بیداری آنان پس از چند قرن و استشهاد قرآن به این واقعه برای بیان حقانیّت معاد، گواه این مدعا است که مرگ، مانند خواب، و رستاخیز قیامت، بسانِ بیداری از خواب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۹ - ۶

۶ - مرگ و معاد انسان ، شبیه خواب و بیداری است .

و جعلنا نومكم سباتًا

یاد کردن از خواب در میان آیاتی که به منظور رفع استبعاد از معاد مطرح شده; ممکن است به جهت تشابهی باشد که بین خواب و مرگ و نیز بیداری و معاد وجود دارد.

تعقل درباره بیداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۸

۸ دقت و تأمل در خوابیدن و بیدار شدن آدمی، راهی برای خداشناسی و توحید

هو الذى يتوفكم بالّيل و يعلم ما جرحتم بالنهار ثم يبعثكم فيه

حقیقت بیداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۴،۱۸

۱۴ - حقیقت خواب ، خروج روح از بدن و حقیقت بیداری باز گشت آن به بدن است .

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها و الّتی لم تمت فی منامها . .. و یرسل الأُخری إلی أ

برداشت یاد شده با توجه به این

نکته است که خداونـد می فرمایـد: جـان انسـان ها را در حال خواب دریافت می کنم و کسانی که مرگشان در آن حال مقـدر شـده باشد در همین حال می میرند و آن دسـته که برایشان مقدر نشده باشد آن جان رها و آزاد می گردد تا اجلشان فرا رسد. پس روح انسان در حال خواب قبض می شود و این همان حقیقت خواب است و وقتی در حال بیـداری به بـدن بازمی گردد تا اجل فرا رسد، این همان حقیقت بیداری می باشد.

۱۸ < عن أبی جعفر (ع) قال : ما من أحد ینام إلاّ عرجت نفسه إلی السـماء و بقیت روحه فی بدنه و صار بینهما سـبب کشعاع الشـمس فإن أذن اللّه فی قبض الأرواح اجابت روح النفس و إذا اذن اللّه فی رد الروح أجابت النفس الروح و هو قوله سـبحانه : < اللّه یتوفّی الأنفس حین موت ها و الّتی لم تمت فی منام ها > ;

امام باقر(ع) فرمود: هیـچ کس نیست که به خواب رود مگر این که نفس او به آسـمان می رود و روح او در بـدنش می ماند و ارتباطی مشابه خورشید و شعاعش بین نفس و روح باقی می ماند. پس اگر خداوند اجازه در قبض روح ها دهد، روح نفس را اجابت می کنـد [و مرگ حاصل می شود] و اگر خداونـد اجازه دهـد روح برگردد و (قبض نشود) نفس آن را پذیرفته و به او ملحق می شود و این سخن خداوند سبحان است که می فرماید: اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها>.

زمان بیداری اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۸،۲۱

۱۸- خداوند ، در روزگار اختلاف و نزاع مردم درباره معاد ، اصحاب کهف را از خواب بیدار کرد .

أعثرنا علیهم . .. إذ یتنزعون بینهم أمرهم

۲۱- بیداری اصحاب کهف با بروز مشاجره میان مردم ، درباره هویت و اهداف آنان ، هم زمان بود .

أعثرنا علیهم . .. إذ یتنزعون بینهم أمرهم

به قرینه <ربّهم أعلم بهم> می توان گفت که نزاع مردم، در باره اصحاب کهف بوده و به دلیل مضارع بودن <یتنازعون> این مشاجره دیرینه، حتی با مشاهده آنان نیز پایان نیافته بود، بلکه گروهی از مردم، شناخت حقیقی آنان را به خداوند، احاله کردند و از پی بردن به هویت واقعی آنان، اظهار عجز کردند. بر این اساس، ضمیر در <أمرهم> به اصحاب کهف مربوط می شود. حرف <فاء> در <فقالوا> این احتمال را تأیید می کند.

شگفتی اصحاب کهف هنگام بیداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۴

۴- فضای حاکم بر اصحاب کهف ، به هنگام بیداری آنان ، منظره ای بهت آور برای یکی از آنان و مایه کنجکاوی و تبادل نظر وی با همراهان خود ، در سنجش گذشت زمان بود .

قال قائل منهم کم لبثتم

شگفتی بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۱،۲

۱- بیداری اصحاب کهف از خواب ، رخدادی شگفت و تحت تدبیر و اراده خداوند بود .

و کذلک بعثنهم

اسناد <بعث> و بیدارسازی به خداوند، گویای نکته فوق است.

۲- بیداری اصحاب کهف ،

همچون خواب شگفت و سلامت جسم شان در آن مدّت طولانی ، آیت و نشانه ای الهی بود .

و کذلک بعثنهم

مشارالیه <ذلک> که بعث و بیدارسازی اصحاب کهف به آن تشبیه شده است خواب طولانی آنان و تدابیری است که در مدّت خواب برای سلامت آنان به کار برده شده بود. وجه شبه مورد نظر آنگونه که از جمله <ذلک من آیات اللّه من یهد اللّه فهو المهتد> در آیه هفده به دست می آید نشانه بودن و دلالت این حوادث بر امدادهای هدایت گرانه خداوند، به موحّدان است.

فلسفه بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۲ - ۲

۲- هدف از بیدار ساختن اصحاب کهف ، نمایاندن ارزیابی آنان درباره مدّت زمان خواب خویش بود .

ثمّ بعثنهم لنعلم أیّ الحزبین أحصی لما لبثوا أمدًا

با توجه به این که <لنعلم> (تا بدانیم) در مورد خداوند به معنای کسب علم نیست، بلکه محقّق ساختن معلوم است، در برداشت فوق از دانستن خدا به <نمایاندن> تعبیر شده. <أمد> به معنای <وقت ممتدّ> و نیز <پایان مدّت> است. در این آیه، به قرینه <أحصی>، معنای نخست مراد است. کلمه <أحصی> محتمل است که فعل ماضی باشد و <أمداً> مفعول آن، که در نتیجه، <لما لبثوا> به <أمداً> تعلّق خواهد داشت. و ممکن است که <أحصی> اسم تفضیل و <أمداً> تمییز آن باشد.

منشأ بیداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۱ - ۲

۲ خوابانیدن و بیدار کردن تا زمان اجل و سپس بازگشت

به خداوند و محاسبه اعمال، نشانه تسلط خداوند بر امور بندگان است.

هو الذی یتوفکم بالّیل . .. و هو القاهر فوق عباده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۲ – ۱۳

۱۳ – < زندگی و مرگ > و < خواب و بیداری > انسان ها ، تحت تدبیر خداوند قرار دارد .

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها و الّتی لم تمت فی منامها . .. و یرسل الأُخری إلی أ

منشأ بیداری اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۲ – ۱

۱– اصحاب کهف ، به اراده خداوند ، پس از خوابی چندین ساله ، بیدار شدند .

فضربنا علی ءاذانهم فی الکهف سنین عددًا . ثمّ بعثنهم

نقش بیداری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۲ – ۱۵

۱۵ – < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها . .. فیمسک ... و یرسل الأُخری ... إنّ فی ذلک لأیت

جمع آمدن <آیات> می رساند که آیه و نشانه بودن <حیات و مرگ> و <خواب و بیداری>، از جهات مختلف و گوناگون است.

وقت بیداری اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۹ – ۷

۷– بیداری اصحاب کهف ، هم زمان با یکدیگر و در هنگامی بود که پاسی از روز باقی مانده بود .

قالوا لبثنا یومًا أو بعض . .. فابعثوا أحدکم

از گفتوگوی اصحاب

کهف در باره مشخصات زمان خواب شان و نیز از تصمیم آنان به تهیه غذا از شهر، نکته فوق استفاده می شود.

بیع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بیع

آثار بیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۶

۶ - وجود خطر غافل شدن از یاد خدا ، در کسب و کار و خرید و فروش

و ابتغوا من فضل اللّه و اذکروا اللّه کثیرًا

آداب بیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۵

۵ - ذکر و یاد فراوان خدا ، به هنگام کسب و کار و خرید و فروش ، توصیه الهی به مؤمنان

و ابتغوا من فضل اللّه و اذکروا اللّه کثیرًا

احکام بیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۲

۲۲- وکالت از جانب خریدار ، جایز است .

فابعثوا أحدکم بورقکم

جمله <فابعثوا. ..> گرچه گفته اصحاب کهف است و گفتار و کردار غیر پیامبران برای استنباط حکم شرعی کارایی ندارد، ولی بیان آن در قرآن، به زبان مدح و تمجید، گویای جواز و صحّت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱۳

۱۳ - خرید و فروش و کسب و کار ، پیش از اعلام نماز جمعه جایز است .

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه و ذروا البیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۱

۱ - جواز خرید و فروش ، پس از تمام شدن نماز جمعه

فإذا قضیت الصلوه

فانتشروا فی الأرض و ابتغوا من فضل اللّه

بیع بعد از نماز جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۱۰ – ۱

۱ – جواز خرید و فروش ، پس از تمام شدن نماز جمعه

فإذا قضیت الصلوه فانتشروا فی الأرض و ابتغوا من فضل اللّه

بیع حرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۹ – ۱۶

۱۶ – < قال رسول اللّه (ص) حرمت التجاره یوم الجمعه ما بین الأذان الأوّل إلی الإقامه إلی انصراف الإمام لأنّ اللّه یقول : < یا أیّها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه و ذروا البیع ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: ما بین اذان اول تا اقامه و انصراف امام از آن، تجارت حرام است; زیرا خدای تعالی می فرماید: یا أیّها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه و ذروا البیع>.

بیع هنگام نماز جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۹ – ۱۳،۱۶

۱۳ – خرید و فروش و کسب و کار ، پیش از اعلام نماز جمعه جایز است .

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه و ذروا البیع

۱۶ – < قال رسول اللّه (ص) حرمت التجاره یوم الجمعه ما بین الأذان الأوّل إلی الإقامه إلی انصراف الإمام لأنّ اللّه یقول : < یا أیّها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه و ذروا البیع ;

از رسول خدا(ص) روایت شده

که فرمود: ما بین اذان اول تا اقامه و انصراف امام از آن، تجارت حرام است; زیرا خدای تعالی می فرماید: یا أیّها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه و ذروا البیع>.

ترک بیع هنگام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۷،۹

۷ - تعطیل کردن خرید و فروش و هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه می شود ، فرمان الهی به مؤمنان

یأیّها الذین ءامنوا . .. و ذروا البیع

مراد از <ذروا البیع> با توجه به دعوت مردم به شرکت در نماز جمعه تنها رها کردن خرید و فروش نیست; بلکه ذکر خرید و فروش، از باب ذکر بارزترین مصداقی است که مانع شرکت در نماز جمعه می شود. بر این اساس هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه شود، باید ترک گردد.

۹ - فریضه نماز جمعه و ر ها کردن داد و ستد به هنگام اقامه آن ، در جهت تأمین مصالح و منافع خود مؤمنان است .

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه. .. ذلکم خیر لکم

وکالت در بیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۲،۲۴

۲۲- وکالت از جانب خریدار ، جایز است .

فابعثوا أحدکم بورقکم

جمله <فابعثوا. ..> گرچه گفته اصحاب کهف است و گفتار و کردار غیر پیامبران برای استنباط حکم شرعی کارایی ندارد، ولی بیان آن در قرآن، به زبان مدح و تمجید، گویای جواز و صحّت است.

۲۴- نامشخص بودن جنس و مقدار کالا ،

مانع از صحّت وکالت نیست .

فابعثوا . .. فلیأتکم برزق منه

بیعت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بیعت

آثار بیعت با رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ - پیمان وفاداری با رهبری الهی ، درپی دارنده آسایش روحی و پیروزی عملی برای امت *

یبایعونک . .. فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحًا قریبًا

می توان از مورد آیه، الغای خصوصیت کرده و به موارد مشابه سرایت داد.

آثار بیعت با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (ص)

إذ یبایعونک تحت الشجره . .. فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحًا قریبًا

عبارت <فتحاً قریباً> ممکن است اشاره به <فتحاً مبیناً> (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد; چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۲

۲ - پیوستن به صف مؤمنان در صدراسلام ، مستلزم بیعت با پیامبر (ص)

یأیّها النبیّ إذا جاءک المؤمنت یبایعنک

آثار بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۳،۱۳،۱۴

۳ - < بیعت رضوان > ، حرکتی مؤثر و سرنوشت ساز ، در جریان حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تأکید خداوند در این آیات، بر مسأله بیعت مؤمنان و

اعلام رضایت از آنان، حکایت از اهمیت این رخداد در روند حرکت اسلام دارد.

۱۳ - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن ، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک . .. و أثبهم فتحًا قریبًا

بنابراین که مراد از <فتحاً قریباً> به قرینه سیاق آیات صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

۱۴ - آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (ص)

إذ یبایعونک تحت الشجره . .. فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحًا قریبًا

عبارت <فتحاً قریباً> ممکن است اشاره به <فتحاً مبیناً> (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد; چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

آثار بیعت زنان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۸

۱۸ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، در دعا برای زنان بیعت کننده با آن حضرت و آمرزش خواهی برای آنان

و استغفر لهنّ اللّه

اخلاص در بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۷

۷ - خداوند ، آگاه از خلوص و صداقت باطنی مؤمنان در بیعت رضوان

لقد رضی اللّه . .. فعلم ما فی قلوبهم

مراد از <ما> در <ما فی قلوبهم> به قرینه <رضی اللّه. ..> می تواند صداقت و خلوص مؤمنان باشد; زیرا این امور است که رضایت و خشنودی را

در پی دارد.

اهمیت بیعت با رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۴

۴ - ضرورت اقدام رهبری ، به اخذ پیمان از پیروان ، در مقاطع حساس و سرنوشت ساز *

إنّ الذین یبایعونک إنّمایبایعون اللّه

پیامبر(ص) در شرایط بحرانی قبل از انعقاد صلح حدیبیه، از مسلمانان بیعت مجدد بر دفاع از دین گرفت. از این نکته استفاده می شود که رهبری، نباید همیشه به نخستین اعلام وفاداری افراد، تکیه کند; بلکه باید در شرایط حساس و سرنوشت ساز با اخذ بیعت مجدد، پیمان گذشته را تحکیم بخشد.

اهمیت تجدید بیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۵

۵ - اهمیت اخذ بیعت مجدد رهبری از پیروان ، در شرایط حساس و سرنوشت ساز

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

پیامبر(ص)، در جریان پرمخاطره حدیبیه اقدام به اخذ بیعت کرد و خداوند نیز آن را تأیید نمود، بنابراین، اخذ بیعت در موارد مشابه آن، مطلوب است.

بشارت به بیعت کنندگان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۱

۱ - نوید الهی به بیعت کنندگان در حدیبیه ، در زمینه دستیابی آنان به غنایمی فراوان

یبایعونک . .. و مغانم کثیره یأخذونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱

۱ - بشارت خدا به مسلمانان حاضر در حدیبیه ، مبنی بر برخورداری آنان از غنایم فراوان در آینده

وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها

بیعت از مسلمانان

جلد - نام سوره

- سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۸ – ۲

۲ – پدید آمدن شرایطی حساس و نیازمند اخذ بیعتی ویژه از مسلمانان ، در جریان حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

ایمـان نخستین، خود بیعتی بـا پیامبر(ص) است. حال از این که دوباره از مؤمنان بیعت گرفته شـد، ویژه و حساس بودن شـرایط استفاده می شود.

بیعت با خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۰ – ۱

۱ – حقیقت بیعت و پیمان با پیامبر (ص) ، بیعت با خداوند است .

إنّ الذین یبایعونک إنّما یبایعون اللّه

بیعت با رهبری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۶ – ۱۲

۱۲ لزوم پیمان گرفتن رهبری جامعه از مردم ، برای پایبندی بر تبعیّت از وی در جنگ و غیر آن

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال اَلاّ تقاتلوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۴ – ۱۲

۱۲ پذیرش توبه نقض کنندگان حاکمیّت اسلامی ، در گرو بیعت مجدّد با رهبری است .

و لو انّهم اذ ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا اللّه و استغفر لهم الرّسول

بیعت با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۵

۵ - قدرت خداوند ، حاکم بر بیعت کنندگان با پیامبر (ص)

إنّ الذین یبایعونک . .. ید اللّه فوق أیدیهم

بنابراین که <ید> کنایه از قدرت باشد، جمله <یداللّه فوق أیدیهم> پیام هشداری است به این که: ای بیعت

کنندگان! از شکستن بیعت ها بپرهیزید که با قدرت خداوند، مواجه خواهید بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۴

۴ - بیعت ویژه مؤمنان با پیامبر (ص) ، در جریان حدیبیه ، باعث غفران لغزش های گذشته آنان نزد خداوند *

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تعبیر <رضی اللّه عن المؤمنین> به جای تعبیر <رضی عن بیعتکم> این برداشت را افاده می کند که خود مؤمنان علاوه بر عملشان مورد رضایت الهی قرار گرفتند.

بیعت زنان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱،۲۷

۱ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، در پذیرش بیعت زنان گرویده به ایمان و پایبند به لوازم آن

یأیّها النبیّ إذا جاءک . .. فبایعهنّ

۲۷ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : لمّا فتح رسول اللّه مکه بایع الرجال ثمّ جاء النساء یبایعنه فأنزل اللّه عزّوجلّ < یا أیّها النبیّ إذا جائک المؤمنات یبایعنک . . . فبایعهنّ > . . . فقالت اُمّ حکیم : . . . یا رسول اللّه کیف نبایعک ؟ قال : إنّی لا اُصافح النساء فدعا بقدح من ماء فأدخل یده ثمّ أخرج ها فقال اُدخلن أیدیکنّ فی هذه الماء فهی البیعه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که رسول خدا(ص) مکه را فتح کرد، مردان با آن حضرت بیعت کردند. سپس زنان آمدند تا بیعت کنند. خدای عزّوجلّ این آیه را نازل فرمود (یا أیّها النبیّ إذا جائک المؤمنات...

فبـایعهنّ) ... زنی به نام اُمّ حکیم گفت: ...ای رسول خـدا! چگونه بیعت کنیم؟ حضـرت فرمود: من با زنان مصافحه نمی کنم و قدحی از آب خواست و دست خود را در آب فرو برد و بیرون آورد و فرمود: دست های خود را در این آب فرو برید و همین بیعت است>.

بیعت مسلمانان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۳

۳ - بیعت مجدد مسلمانان با پیامبر (ص) ، در شرایط بحرانی قبل از صلح حدیبیه

إنّ الذین یبایعونک إنّما یبایعون اللّه

از قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که بیعت مورد نظر، بیعت خاصی بوده است و از تعبیر <فمن نکث. ..> بحرانی بودن آن شرایط استفاده می شود و شأن نزول نیز مؤید این دیدگاه است.

پاداش بیعت کنندگان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن ، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک . .. و أثبهم فتحًا قریبًا

بنابراین که مراد از <فتحاً قریباً> به قرینه سیاق آیات صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

تجدید بیعت با رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۵

۵ - اهمیت اخذ بیعت مجدد رهبری از پیروان ، در شرایط حساس و سرنوشت ساز

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

پیامبر(ص)، در جریان پرمخاطره حدیبیه

اقدام به اخذ بیعت کرد و خداوند نیز آن را تأیید نمود، بنابراین، اخذ بیعت در موارد مشابه آن، مطلوب است.

حامی بیعت کنندگان با رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۷

۷ - خداوند ، حامی و یاری دهنده بیعت کنندگان با پیامبر (ص) و رهبران الهی

إنّ الذین یبایعونک . .. ید اللّه فوق أیدیهم

برداشت بالاـ بر این اساس است که تعبیر <یـد اللّه. ..> در مقام تأییـد و تشویق و دلجویی باشـد; یعنی، ای بیعت کننـدگان با پیامبر! شما با خدا بیعت کرده اید و از حمایت او برخوردار خواهید بود.

حامی بیعت کنندگان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۷

۷ - خداوند ، حامی و یاری دهنده بیعت کنندگان با پیامبر (ص) و رهبران الهی

إنّ الذین یبایعونک . .. ید اللّه فوق أیدیهم

برداشت بالاـ بر این اساس است که تعبیر <یـد اللّه. ..> در مقام تأییـد و تشویق و دلجویی باشـد; یعنی، ای بیعت کننـدگان با پیامبر! شما با خدا بیعت کرده اید و از حمایت او برخوردار خواهید بود.

حقیقت بیعت با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۱

۱ - حقیقت بیعت و پیمان با پیامبر (ص) ، بیعت با خداوند است .

إنّ الذین یبایعونک إنّما یبایعون اللّه

رضایت از بیعت کنندگان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱

۱

- خشنودی و رضایت حتمی خداوند ، از مؤمنان بیعت کننده با پیامبر (ص) در سفر حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

شرایط بیعت با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ - پیامبر (ص) ، موظّف به پذیرش بیعت متعهدان به شرایط ایمان ، با وجود پیشینه ناشایست آنان

یأیّها النبیّ إذا جاءک . .. فبایعهنّ و استغفر لهنّ اللّه

از سیاق آیه و شرایط تاریخ نزول آن، استفاده می شود که برخی از زنان بیعت کننده، خطاهایی در گذشته داشته اند که چه بسا پذیرش بیعت آنان دشوار می نموده است; ولی خداوند به پیامبر(ص) فرمان داده تا بیعت ایشان را بپذیرد و برای آنان طلب آمرزش کند.

غنایم بیعت کنندگان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۵

۵ - تنها بیعت کنندگان با پیامبر (ص) در جریان حدیبیه ، برخوردار از غنایم خیبر *

إذ یبایعونک تحت الشجره . .. و مغانم کثیره یأخذونها

از این که <مغانم کثیره> به مؤمنان بیعت کننده نوید داده شده است ، مطلب بالا احتمال می رود.

فضایل بیعت کنندگان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱

۱ - خشنودی و رضایت حتمی خداوند ، از مؤمنان بیعت کننده با پیامبر (ص) در سفر حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

قصه بیعت رضوان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ –

فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۷،۸

۷ - خداوند ، آگاه از خلوص و صداقت باطنی مؤمنان در بیعت رضوان

لقد رضی اللّه . .. فعلم ما فی قلوبهم

مراد از <ما> در <ما فی قلوبهم> به قرینه <رضی اللّه. ..> می تواند صداقت و خلوص مؤمنان باشد؛ زیرا این امور است که رضایت و خشنودی را در پی دارد.

۸ - اقدام مؤمنان ، به بیعت رضوان ، علی رغم همه نگرانی ها و احساس خطر ها *

یبایعونک تحت الشجره فعلم ما فی قلوبهم

می توان گفت: مراد از <ما فی قلوبهم> به قرینه <فأنزل السکینه> نوعی اضطراب و نگرانی و احساس خطر نسبت به رخدادهای آینده آن سفر باشد.

مفاد بیعت زنان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۶،۸،۹،۱۳

۶ - پرهیز از کمترین شرک به خداوند ، نخستین موضوع بیعت زنان مؤمن با پیامبر (ص)

علی أن لایشرکن باللّه شیئًا

۸ - پرهیز از دزدی ، زنا و فرزندکشی (سقط جنین و . . .) ، از جمله مواد مورد بیعت زنان مؤمن با پیامبر (ص)

و لایسرقن و لایزنین و لایقتلن أولدهنّ

۹ - پرهیز از نسبت دادن فرزند زنا به همسر ، از جمله مواد مورد بیعت زنان مؤمن با پیامبر (ص)

و لایأتین ببهتن یفترینه بین أیدیهنّ و أرجلهنّ

۱۳ - عدم مخالفت با رهنمود های ارزشی پیامبر (ص) ، از جمله مواد بیعت زنان با آن حضرت

و لایعصینک فی معروف

مکان بیعت رضوان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح

- ۴۸ - ۱۸ - ۶

۶ - صورت گرفتن بیعت رضوان ، در سایه درخت < سمره >

یبایعونک تحت الشجره

<الف و لام> در <الشجره> برای عهد است و اشاره به درخت خاصی دارد که بیعت زیر آن صورت گرفت.

نعمتهای بیعت کنندگان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۲

۲ - غنایم سرشار خیبر ، موهبت الهی به پیروزمندان آزمون حدیبیه

یبایعونک . .. و مغانم کثیره یأخذونها

بیعت رضوان

آثار بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۳،۱۳،۱۴

۳ - < بیعت رضوان > ، حرکتی مؤثر و سرنوشت ساز ، در جریان حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تأکید خداوند در این آیات، بر مسأله بیعت مؤمنان و اعلام رضایت از آنان، حکایت از اهمیت این رخداد در روند حرکت اسلام دارد.

۱۳ - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن ، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک . .. و أثبهم فتحًا قریبًا

بنابراین که مراد از <فتحاً قریباً> به قرینه سیاق آیات صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

۱۴ – آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (ص)

إذ یبایعونک تحت الشجره . .. فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحًا قریبًا

عبارت <فتحاً قریباً> ممکن است اشاره به <فتحاً مبیناً> (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد; چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه

چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

اخلاص در بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۷

۷ - خداوند ، آگاه از خلوص و صداقت باطنی مؤمنان در بیعت رضوان

لقد رضی اللّه . .. فعلم ما فی قلوبهم

مراد از <ما> در <ما فی قلوبهم> به قرینه <رضی اللّه. ..> می تواند صداقت و خلوص مؤمنان باشد; زیرا این امور است که رضایت و خشنودی را در پی دارد.

قصه بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۷،۸

۷ - خداوند ، آگاه از خلوص و صداقت باطنی مؤمنان در بیعت رضوان

لقد رضی اللّه . .. فعلم ما فی قلوبهم

مراد از <ما> در <ما فی قلوبهم> به قرینه <رضی اللّه. ..> می تواند صداقت و خلوص مؤمنان باشد; زیرا این امور است که رضایت و خشنودی را در پی دارد.

۸ - اقدام مؤمنان ، به بیعت رضوان ، علی رغم همه نگرانی ها و احساس خطر ها *

یبایعونک تحت الشجره فعلم ما فی قلوبهم

می توان گفت: مراد از <ما فی قلوبهم> به قرینه <فأنزل السکینه> نوعی اضطراب و نگرانی و احساس خطر نسبت به رخدادهای آینده آن سفر باشد.

مکان بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۶

۶ - صورت گرفتن بیعت رضوان ، در سایه درخت < سمره >

یبایعونک تحت الشجره

<الف و لام> در <الشجره> برای عهد است و اشاره به درخت خاصی

دارد که بیعت زیر آن صورت گرفت.

بیگانگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۴،۱۳

۴ منزلت والای جامعه ایمانی ، در برابر بیگانگان و جوامع غیر ایمانی *

یا ایها الذین امنوا . .. من دونکم

استعمال کلمه <دون> به جای <غیر>، می تواند اشاره به حقارت جوامع غیر ایمانی باشد.

۱۳ کینه های نهانی و قلبی بیگانگان نسبت به مؤمنان ، شدیدتر و عمیقتر از آن چیزی است که از لابلای گفتارشان آشکار می گردد .

قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۵

۵ کینه و دشمنی کافران و بیگانگان نسبت به اهل ایمان ، علی رغم ابراز محبّت مؤمنان به آنان

ها انتم أولاء تحبونهم و لا یحبّونکم

اصول رابطه با بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۸،۹،۱۳

۸ جواز ایجاد روابط با اهل کتاب در صورتی که مقدسات اسلام و معارف الهی را محترم شمرده و قداست آن را محفوظ دارند . *

لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً

جمله <الذین اتخذوا> اشاره به علت تحریم ایجاد روابط با اهل کتاب دارد، بنابراین در صورتی که آنان دین اسلام را محترم بشمارند، ایجاد روابط با آنان جایز است.

۹ حفظ قداست و احترام اسلام ، اصلی ضروری در روابط با بیگانگان

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً . .. أولیاء

۱۳ پذیرش ولایت و دوستی کافران و تمسخر کنندگان

اسلام ، ناسازگار با ایمان و تقوا

و اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۴،۵

۴ حرمت ایجاد روابط دوستی با کسانی که نماز و اذان را بازیچه می پندارند و آن را به تمسخر می گیرند .

لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً . .. و إذا نادیتم إلی الصّلوه

۵ تمسخر برخی اهل کتاب نسبت به نماز و اذان ، دلیل تحریم روابط دوستی با آنان

لاتتخذوا الذین . .. و إذا نادیتم إلی الصّلوه اتخذوها هزواً و لعباً

افشای راز برای بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۶ - ۸،۹

۸ هشدار تهدیدآمیز خداوند به عناصر سست ایمان ، نسبت به همراز شدن با بیگانگان و در میان نهادن اسرار مسلمانان با آنان

أم حسبتم أن تترکوا و لما یعلم اللّه الذین . .. و لم یتخذوا من دون اللّه و لا رسو

۹ حرمت برقرار کردن روابط پنهانی با بیگانگان و در میان نهادن اسرار مسلمانان با آنان

أم حسبتم أن تترکوا و لما یعلم اللّه الذین . .. لم یتخذوا من دون اللّه و لا رسوله

اندوه بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۸

۸ رفاه ، آسایش و امنیّت جامعه ایمانی ، مایه غم و اندوه بیگانگان

ودّوا ما عنتّم

از مفهوم جمله <ودّوا ما عنتم>، استفاده شده است.

اهمیت شناسایی بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۵

۵

رهبران جامعه باید احراز کنند که بیگانگان وارد شده به قلمرو حکومتی آنان ، خرابکار و فسادگر نیستند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

بدخواهی بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۱۸

۱۸ دشمنی ، توطئه گری و بدخواهی بیگانگان (کافران) ، از دلایل ضرورت پرهیز جامعه اسلامی از ایجاد روابط صمیمانه با آنان

لا تتّخذوا . .. لا یألونکم خبالا ... و ما تخفی صدورهم اکبر

جمله <لا یألونکم . .. >، بیان علت برای <لا تتخذوا ...> است.

توطئه بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۶،۱۷،۲۴،۲۵

۶ توطئه و تلاش پیگیر بیگانگان و غیر مؤمنان ، برای ایجاد اخلال و فساد در میان اهل ایمان و جامعه ایمانی

یا ایها الذین امنوا . .. لا یألونکم خبالا

۱۷ ضرورت بررسی گفتار و منویّات درونی بیگانگان (کافران) ، برای شناسایی توطئه های آنان علیه جامعه اسلامی

لا تتخدوا بطانه من دونکم لا یألونکم خبالا ودّوا ما عنتّم قد بدت البغضاء من افواه

۲۴ - اتمام حجّت خداوند به مؤمنان ، درباره افشاگری چهره حقیقی بیگانگان و دشمنان دین و ارائه روش های مصونیت از توطئه های آنان

یا ایها الذین امنوا . .. قد بیّنا لکم الایات

۲۵ افشاگری دسیسه و توطئه بیگانگان و دشمنان دین ، از آیات الهی است .

قد بدت البغضاء من افواههم . .. قد بیّنّا لکم الایات

حرمت رابطه با بیگانگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ –

توبه - ۹ - ۱۶ - ۹

۹ حرمت برقرار کردن روابط پنهانی با بیگانگان و در میان نهادن اسرار مسلمانان با آنان

أم حسبتم أن تترکوا و لما یعلم اللّه الذین . .. لم یتخذوا من دون اللّه و لا رسوله

خواسته های بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۷

۷ بیگانگان ، خواهان گرفتاری جامعه ایمانی به رنج ، مشقّت و ضرر

ودّوا ما عنتّم

<ما> در <ما عنتّم>، مصدریّه است و <عنت> به معنای شدت گرفتاری و رنج است.

دشمنی بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۹،۱۲،۱۴،۱۸

۹ دشمنی بیگانگان با اسلام و جامعه ایمانی ، آشکار از لابلای گفتار ایشان

قد بدت البغضاء من افواههم

۱۲ لزوم هوشیاری مستمر جامعه ایمانی ، در برابر توطئه ها و نفوذ های دشمنان دین

یا ایها الذین امنوا . .. لا یألونکم خبالا ... ودّوا ما عنتّم ... قد بدت البغضاء

بیان دشمنی و کینه بیگانگان، دلالت بر لزوم هوشیاری جامعه ایمانی در قبال آنان دارد.

۱۴ افشاگری عداوت های قلبی بیگانگان (کفّار) با اسلام و اهل ایمان ، از سوی خداوند

و ما تخفی صدورهم اکبر

۱۸ دشمنی ، توطئه گری و بدخواهی بیگانگان (کافران) ، از دلایل ضرورت پرهیز جامعه اسلامی از ایجاد روابط صمیمانه با

آنان

لا تتّخذوا . .. لا يألونكم خبالا ... و ما تخفى صدورهم اكبر

جمله <لا يألونكم . .. >، بيان علت براى <لا تتخذوا ...> است.

رابطه با بيگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۰

۱۰ جواز معاشرت و مجالست با کافران ، آنگاه که آیات الهی را استهزا نکنند و سخنانشان کفر به آیات الهی نباشد .

فلاتقعدوا معهم حتّی یخوضوا فی حدیث غیره

مفهوم جمله <حتی یخوضوا . ..>، جواز معاشرت با شرط ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۵

۵ وابستگی به بیگانگان کافر ، خصیصه بیماردلان سست ایمان

اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۶ - ۷

۷ وجود برخی افراد سست ایمان و مرتبط با بیگانگان ، در میان مسلمانان صدر اسلام

و لم یتخذوا من دون اللّه و لا رسوله و لا المؤمنین ولیجه

روابط با بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۱،۲،۳،۱۵،۱۸،۱۹،۲۸

۱ لزوم پرهیز اهل ایمان ، از مَحْرم اسرار قرار دادن بیگانگان

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم

<بطانه> به معنی آستر لباس در مقابل <ظهاره>، که رویه لباس است; کنایه است از کسی که او را برای اطلاع از کار خود برگزینی (مفردات راغب).

۲ ضرورت حفاظت اطلاعات و اسرار جامعه اسلامی ، از بیگانگان (کافران ، منافقان و . . .)

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم

۳ ممنوعیّت روابط دوستانه و صمیمانه با غیر اهل ایمان (بیگانگان)

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم

لازمه نهی از محرم اسرار قرار دادن، نهی از روابط دوستانه و

خالصانه است.

۱۵ بدخواهی ، توطئه گری و عداوت قلبی اهل کتاب نسبت به مؤمنان ، و خطر ایجاد روابط صمیمانه جامعه ایمانی با آنان

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم . .. صدورهم اکبر

بنابر اینکه مراد از <من دونکم>، اهل کتاب باشند; به قرینه آیات قبل.

۱۸ دشـمنی ، توطئه گری و بدخواهی بیگانگان (کافران) ، از دلایل ضرورت پرهیز جامعه اسلامی از ایجاد روابط صمیمانه با آنان

لا تتّخذوا . .. لا یألونکم خبالا ... و ما تخفی صدورهم اکبر

جمله <لا یألونکم . .. >، بیان علت برای <لا تتخذوا ...> است.

۱۹ مناسبات صمیمانه جامعه اسلامی با بیگانگان ، هموارکننده نفوذ ایشان در آن جامعه و اخلال در آن

لا تتخذوا بطانه من دونکم لا یألونکم خبالا

جمله <لا یألونکم . .. >، بیان علت برای <لا تتخذوا ...> است.

۲۸ ایجاد روابط دوستانه با بیگانگان و مَحرم اسرار خویش گرفتن آنان ، نشانه بی عقلی آدمی

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم . .. ان کنتم تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۱،۳

۱ محبّت برخی از مؤمنان نسبت به بیگانگان و اهل کفر ، و دغلبازی اینان با مؤمنان

یا ایها الذین امنوا . ..ها انتم اولاء تحبونهم ... و اذا خلوا عضّوا علیکم الأَنام

۳ اندیشه در آیات الهی (افشای توطئه و دشمنی کافران) ، موجب رویگردانی اهل ایمان از محبّت بیگانگان

لا یألونکم خبالا ودّوا ما عنتّم . .. قد بیّنّا لکم الایات ان کنتم تعقلون. ها انت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۷

۷ قطع دوستی مسلمانان با دشمنان دین ، دربردارنده ناگواریها

لا تتخذوا بطانه من دونکم . .. و ان تصبروا

توصیه به صبر و تقوا پس از دستور به قطع رابطه با دشمنان دین، اشاره به این حقیقت دارد.

روش برخورد با بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۴

۴ لزوم هشیاری در برابر ادعا های صلحجویانه بیگانگان

ستجدون اخرین یریدون ان یَامنوکم و یَامنوا قومهم کلّما ردّوا الی الفتنه ارکسوا فی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۵

۵ رهبران جامعه باید احراز کنند که بیگانگان وارد شده به قلمرو حکومتی آنان ، خرابکار و فسادگر نیستند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

سلطه بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۱۶

۱۶ زنده ماندن حتّی به بهای پذیرش سلطه دشمنان و بیگانگان ، ارزشی در دیدگاه منافقان

و قیل لهم تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا . .. قالوا ... لو اطاعونا ما قتل

شیوه برخورد با بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۲۳،۲۴

۲۳ پاسداری جامعه ایمانی از خطر نفوذ بیگانگان و دشمنان دین ، وظیفه و مسؤولیت همه اهل ایمان

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم

به نظر می رسد هدف از دستور خداوند مبنی بر اینکه کافران را محرم اسرار

قرار ندهید، جلوگیری از نفوذ آنان در جامعه اسلامی باشد.

۲۴ – اتمـام حجّت خداونـد به مؤمنـان ، درباره افشاگری چهره حقیقی بیگانگان و دشـمنان دین و ارائه روش های مصونیت از توطئه های آنان

یا ایها الذین امنوا . .. قد بیّنا لکم الایات

عوامل وابستگی به بیگانگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۹ – ۱۳

۱۳ نفاق ، مایه وابستگی سیاسی به بیگانگان و عدم استقلال در عرصه های بین المللی است .

أیبتغون عندهم العزّه

مجازات بیگانگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۴ – ۴

۴ جواز کیفر مجرمان بیگانه مطابق موازین خودِ آنان

فما جزؤه إن کنتم کذبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۶ – ۱۶

۱۶ مجـازات مجرمـان بیگـانه بر اسـاس مقررات خودِ آنـان ، بـا قوانین و مقررات مصـر در زمـان وزارت یوسف (ع) مخالفتی نداشت .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک إلاّ أن یشاء الله

معاشرت با بیگانگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۲۶

۲۶ - اهل کتاب با جامعه مسلمانان صدر اسلام برخورد و حشر و نشر نداشتند .

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی اللّه بأمره إن اللّه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۶

۶ همنشینی با کافران و مشرکانی که به استهزا و مغالطه در قرآن و اسلام نپردازند، حرام نیست. *

و ما علی الذین یتقون من حسابهم

من شیء

در این آیه فاعل <یتقون> کافران، و مرجع ضمیر <حسابهم> خوض کنندگان فرض شده است; یعنی حساب کافرانی که از خوض پرهیز می کنند، از حساب خوض کنندگان جدا و همنشینی با آنان بی اشکال است.

ملاک مجازات بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۳

۳ جواز عقوبت مجرمان بیگانه بر اساس قوانین کیفری خود آنان ، از مقررات جزایی مصر در عصر یوسف

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبين

جمله <فما جزاؤه> که پرسش از تعیین کیفر سارق است، می تواند به این معنا باشد که متهمان خود کیفری را برای سارق مشخص کنند. همچنین می تواند به این معنا باشد که بیان کنند در شریعت و آیین آنان برای سارق چه کیفری مقرر شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

بیگانه

آثار سلطه بیگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۳

۳ - ویرانی شهر ها ، تباهی جامعه و ذلّت عزّتمندان ، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إنّ الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها و جعلوا أعزّه أهلها أذلّه

بیمار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بیمار

احکام بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲۲

۲۲ - محمد بن مسلم گوید : < سألت أباعبدالله (ع) عن الرجل و المرأه یذهب بصره فیأتیه الأطباء فیقولون : نداویک شهراً أو اربعین لیله مستلقیاً کذلک یصلی ؟ فرخص فی ذلک ، و قال : فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا اثم علیه ;

از امام صادق(ع) درباره زن یا مردی

که دیـد چشم آنان از دست رفته سؤال کردم که پزشـکان به او گفته انـد: تو را درمان می کنیم به شـرطی که یک ماه یا چهل روز به پشت بخوابی، آیا او همان طور که خوابیـده است نماز بخوانـد؟ امام اجازه داد همان طور نماز بخواند و فرمود: < فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا إثم علیه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۳،۴،۲۳،۲۵،۲۷،۲۸

۳ - روزه گرفتن بر مریض و مسافر در ماه رمضان مشروع نیست .

فمن کان منکم مریضاً أو علی سفر فعده من أیام أخر

کلمه <عـده> مبتـدا و خبر آن به قرینه <کتب علیکم> و جمله بعـد، <علیه> است; یعنی: فمن کان . .. فعلیه عـده من أیام أخر. این جمله بیـانگر آن است که: مکلف اگر در <أیـام معـدودات> (مـاه رمضـان) مریض و یا مسافر باشـد، وظیفه او روزه گرفتن در غیر ماه رمضان است و این بدان معناست که او نباید در ماه رمضان روزه بگیرد.

۴ - وجوب قضای روزه ماه رمضان ، بر کسی که در آن ماه مسافر و یا مریض بوده است .

فمن کان منکم مریضاً أو علی سفر فعده من أیام أخر

۲۳ - از امام سجاد (ع) روایت شده که فرمودند : < فأما صوم السفر و المرض . . . یفطر فی الحالین جمیعاً فان صام فی السفر أو فی حال المرض فعلیه القضاء فان اللّه عز و جل یقول < فمن کان منکم مریضاً أو علی سفر فعده من أیام أخر ;

مسافر و مریض . .. در حال مسافرت و بیماری

بایـد روزه خود را افطار کننـد; پس اگر در حال سـفر ویا بیماری روزه گرفتنـد بایستی قضای آن روز را به جا آورند. خداوند عز و جل می فرماید: هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را روزه بدارد>.

۲۵ - ابی بصـیر می گویـد : < سـألته عن رجـل مرض من رمضـان إلی رمضـان قابـل و لم یصـح بینهمـا و لم یطق الصوم قال : تصدق مکان کل یوم أفطر علی مسکین مدّاً من طعام و ان لم یکن حنطه فمن تمر و هو قول اللّه : < فدیه طعام مسکین > ;

از آن حضـرت (امـام بـاقر یا امام صادق(ع) از بیماری که از این رمضان تا رمضان سال آینـده بیماری اش طول کشـیده و توان روزه گرفتن نـدارد، سؤال کردم، امام فرمودنـد: در ازای هر روزی که روزه نگرفته، یک مـد طعام (از نوع گندم) به تهیدسـت صدقه دهد و اگر گندم نبود، از خرما صدقه دهد و این سخن خداست که می فرماید: فدیه طعام مسکین>.

۲۷ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : < حد المرض الذی یجب علی صاحبه فیه الأفطار . . . لقول اللّه عز و جل < فمن کان منکم مریضاً أو علی سـفر فعده من أیام أخر > ان یکون العلیل لایستطیع أن یصوم أو یکون ان استطاع الصوم زاد فی علته و خاف منه علی نفسه . . . فإن أحس ضعفاً فلیفطر و إن وجد قوه علی الصوم فلیصم کان المرض ما کان . . . ;

ملاک بیماریی که شخص بیمار باید روزه خود را افطار

کنـد آن طور که خداونـد فرموده: <فمن کان منکم مریضاً أو علی سـفر فعـده من أیام أخر> این است که بیمار توانایی روزه گرفتن را نداشـته باشد و یا روزه باعث افزایش بیماری او بشود و ازضرر بر جان خود بترسد (احتمال ضرر بدهد)؛ بنابراین اگر بیمار احساس ضعف کرد، باید روزه خود را افطار نماید و اگر در خود توان روزه گرفتن یافت روزه بگیرد، بیماری هر نوع که می خواهد باشد . .. >.

۲۸ – از امام صادق (ع) روایت شده است که : < یقضـی شهر رمضان من کان فیه علیلا أو مسافراً عده ما اعتل أو سافر فیه إن شاء متصلا و إن شاء مفترقاً قال اللّه عز و جل < فعده من أیام أخر > . . . ؛

مسافر و مریض باید تعداد روزهایی را که بیمار و یا در سـفر بوده قضا نماید، خواه پیوسـته و متصل و خواه متفرق به جا آورد، خدای عز و جل فرموده: <فعده من أیام أخر> . .. >.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۵ – ۱۵،۱۶،۱۷

۱۵ – روزه بر مریض و مسافر واجب نبوده و مشروع نیست .

و من کان مریضاً أو علی سفر فعده من أیام أخر

۱۶ – قضای روزه های ماه رمضان ، بر کسی که در این ماه مریض و یا مسافر بوده ، واجب است .

و من کان مریضاً أو علی سفر فعده من أیام أخر

۱۷ – تعداد روزه های قضا ، باید به تعداد روزهایی باشد که مکلف در آنها مریض و یا مسافر بوده است

.

فعده من أیام أخر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۶ – ۸،۲۷

۸ مُحرمی که بیمار باشد و یا از ناحیه سَر در اذیّت است ، می تواند قبل از قربانی کردن ، سرش را بتراشد .

و لا تحلقوا رءوسکم . .. فمن کان منکم مریضاً

مراد از <مریض> به قرینه قسیمش (او به اذیً من رأسه)، مرضی است که مداوای آن در گرو تراشیدن سر است. و مراد از <به اذیً>، آزاری است که از غیر ناحیه مرض، همانند وجود حشرات، در موهای مُحرم باشد.

۲۷ مریض ، مصداق محصور در حج

فان احصرتم

امام صادق (ع): . .. المحصور المریض.

کافی، ج ۴، ص ۳۶۹، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۶۵۴.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۳ – ۱۸

۱۸ وظیفه مریضی که آب برای او ضرر داشته باشد ، تیمم است .

و ان کنتم مرضی . .. فتیمّموا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۲ – ۲۱

۲۱ معافیت مسلمانان از حمل سلاح ، به هنگام نماز خوف در صورت بیماری و یا در آزار بودن به واسطه بارش باران

و لاجناح علیکم ان کان بکم اذیً من مطر او کنتم مرضی ان تضعوا اسلحتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۲

۱۲ وظیفه مریض ، که آب برای او ضرر داشته باشد ، تیمم است .

و إن کنتم مرضی . .. فلم تجدوا ماء فتیمموا

جمله <فلم تجدوا

ماء> نسبت به مریض به این معناست که آب برای او موجب ضرر شود.

انبیا و شفای بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۸

۸ امکان پدیدار شدن امور خارق العاده از ناحیه پیامبران و شفا یافتن بیماران با اشیای وابسته به آنان

اذهبوا بقمیصی هذا فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

اهمیت ملاقات بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - < روی عن أنس عن النبیّ (ص) قال : فی قوله : < فإذا قضیت الصلاه فانتشروا . . . > لیس لطلب دنیا و لکن عیاده مریض و حضور جنازه و زیاره أخ فی اللّه . . . ;

اَنس از رسول خدا(ص) روایت نموده که آن حضرت درباره سخن خداوند <فإذا قضیت الصلاه فانتشروا. ..> فرموده: [این انتشار و پراکنده شدن در زمین] برای به دست آوردن دنیا نیست; بلکه برای عیادت بیماری یا حضور بر جنازه ای و یا زیارت برادری برای خداوند است...>.

بیمار دلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۳

۳ - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

و ما أرسلنا من قبلک من رسول . .. للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم

توطئه قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۲ – ۲

۲ شتاب زدگی بیماردلان سست ایمان و محروم از هدایت الهی ،

در پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

در برداشت فوق <یسرعون فیهم> به قرینه آیه قبل به معنای <یسارعون فی تولیهم> گرفته شده است.

روزه بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۳،۴،۵،۲۳،۲۷،۲۸

۳ - روزه گرفتن بر مریض و مسافر در ماه رمضان مشروع نیست .

فمن کان منکم مریضاً أو علی سفر فعده من أیام أخر

کلمه <عده> مبتدا و خبر آن به قرینه <کتب علیکم> و جمله بعد، <علیه> است; یعنی: فمن کان . .. فعلیه عده من أیام أخر. این جمله بیانگر آن است که: مکلف اگر در <أیام معدودات> (ماه رمضان) مریض و یا مسافر باشد، وظیفه او روزه گرفتن در غیر ماه رمضان است و این بدان معناست که او نباید در ماه رمضان روزه بگیرد.

۴ - وجوب قضای روزه ماه رمضان ، بر کسی که در آن ماه مسافر و یا مریض بوده است .

فمن کان منکم مریضاً أو علی سفر فعده من أیام أخر

۵ - تعداد روزه های قضا ، باید به تعداد روزهایی باشد که مکلف در آنها مریض و یا مسافر بوده است .

فعده من أیام أخر

آوردن کلمه <عده> - که به معنای تعداد و شماره است - گویای این معناست که: باید روزه هایی که به عنوان قضا گرفته می شود، شمارش شود. هدف از ضرورت شمارش روزه های قضا تطابق تعداد آنها با تعداد روزه هایی است که از مکلف فوت شده است.

۲۳ - از امام سجاد (ع) روایت شده که فرمودند : < فأما صوم

السـفر و المرض . . . یفطر فی الحالین جمیعاً فان صام فی السفر أو فی حال المرض فعلیه القضاء فان اللّه عز و جل یقول < فمن کان منکم مریضاً أو علی سفر فعده من أیام أخر ;

مسـافر و مریض . .. در حـال مسافرت و بیماری بایـد روزه خود را افطار کننـد; پس اگر در حال سـفر ویا بیماری روزه گرفتند بایستی قضای آن روز را به جا آورنـد. خداونـد عز و جل می فرمایـد: هر کس از شـما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را روزه بدارد>.

۲۷ – از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : < حد المرض الذی یجب علی صاحبه فیه الأفطار . . . لقول اللّه عز و جل < فمن کان منکم مریضاً أو علی سـفر فعده من أیام أخر > ان یکون العلیل لایستطیع أن یصوم أو یکون ان استطاع الصوم زاد فی علته و خاف منه علی نفسه . . . فإن أحس ضعفاً فلیفطر و إن وجد قوه علی الصوم فلیصم کان المرض ما کان . . . ;

ملا‌ـک بیمـاریی که شـخص بیمار بایـد روزه خود را افطار کنـد آن طور که خداونـد فرموده: <فمن کان منکم مریضاً أو علی سفر فعـده من أیـام أخر> این است که بیمـار توانـایی روزه گرفتن را نداشـته باشـد و یـا روزه باعث افزایش بیماری او بشود و ازضـرر بر جان خود بترسد (احتمال ضـرر بدهد); بنابراین اگر بیمار احساس ضـعف کرد، باید روزه خود را افطار نماید و اگر در خود توان روزه گرفتن یافت روزه بگیرد، بیماری هر نوع که می

خواهد باشد . .. >.

۲۸ - از امام صادق (ع) روایت شده است که : < یقضی شهر رمضان من کان فیه علیلا أو مسافراً عده ما اعتل أو سافر فیه إن شاء متصلا و إن شاء مفترقاً قال اللّه عز و جل < فعده من أیام أخر > . . . ;

مسافر و مریض باید تعداد روزهایی را که بیمار و یا در سفر بوده قضا نماید، خواه پیوسته و متصل و خواه متفرق به جا آورد، خدای عز و جل فرموده: <فعده من أیام أخر> . .. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۱۵،۱۶،۱۷،۲۲

۱۵ - روزه بر مریض و مسافر واجب نبوده و مشروع نیست .

و من کان مریضاً أو علی سفر فعده من أیام أخر

۱۶ - قضای روزه های ماه رمضان ، بر کسی که در این ماه مریض و یا مسافر بوده ، واجب است .

و من کان مریضاً أو علی سفر فعده من أیام أخر

۱۷ - تعداد روزه های قضا ، باید به تعداد روزهایی باشد که مکلف در آنها مریض و یا مسافر بوده است .

فعده من أیام أخر

۲۲ - سختی و دشواری روزه بر مریض و مسافر ، دلیل و حکمت برداشتن روزه از آنان است .

و من کان مریضاً . .. یرید اللّه بکم الیسر و لایرید بکم العسر

جمله <یریداللّه . ..> را می توان ناظر به جمله <من کان ...> دانست و آن را دلیل و حکمت برداشتن روزه از مسافر و مریض شمرد و نیز می توان آن را ناظر به اصل

وجوب روزه و بیان حکمت آن دانست. برداشت فوق بر اساس نظر اول است.

سجده بیمار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۷ – ۱۵

۱۵– < علی بن محمـد . . . قال : سـئل أبوعبدالله (ع) عمّن بجبهته عله لایقدر علی السـجود علیها قال : یضع ذقنه علی الأرض ان الله عزّوجلّ یقول : < و یخرّون للأذقان سجداً > ;

علی بن محمد . .. گفت: از امام صادق(ع) درباره کسی که بر پیشانی او علتی است (زخم، یا دمل و یا...) که نمی تواند سجده کند سؤال شد، حضرت فرمود: چانه اش را روی زمین بگذارد; زیرا خداوند می فرماید: و یخرّون للأذقان سجّداً>.

سرزنش قلب بیمار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۲ – ۱۸

۱۸ تخطئه پندار بیماردلان سست ایمان درباره بی ثباتی و شکست اسلام از سوی خداوند

فعسی اللّه ان یأتی بالفتح او امر من عنده

شخصیت بیمار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۵

۵ – شخصیت افراد نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، برابر شخصیت دیگر انسان ها است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

از این که افراد نـاقص العضو (ماننـد نابینایـان و. ..) در اسـتفاده از خوراکی های منازل خویشان خود هماننـد دیگر افراد جامعه شمرده شدند، حاکی از حقیقت یاد شده است. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده که برخی از مردم از هم غذا

شـدن با نابینایان، مریضان و... خودداری می کردنـد تأیید کننده همین برداشت است; زیرا اسـلام خواسـته است با چنین سنّتِ نادرستی مبارزه کند.

شفای بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۴۱

۴۱ معجزه حضرت عیسی (ع) در شفای بیماران و زنده کردن مردگان متناسب با شیوع بیماری در آن زمان و نیاز شدید مردم به طب بود .

و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

امـام رضـا(ع): . .. <ان اللّه تبـارک و تعـالی بعث عیسـی فی وقت ظهرت فیه الزمانات و احتاج الناس الی الطب فاتاهم من عند اللّه تعالی بما لم یکن عندهم مثله، و بما احیی الهم الموتی و ابرء الاکمه و الابرص باذن اللّه ... .

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۸۰، ح ۱۲، ب ۳۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۱۴۵.

صفات قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۵

۵ وابستگی به بیگانگان کافر ، خصیصه بیماردلان سست ایمان

اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

عهد شکنی قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ نقض پیمان و شکستن سوگند ، خصیصه بیماردلان سست ایمان

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم

قرآن و قلبهای بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۸

۸ زراره بن اعین روایت کرد که امام باقر (ع) فرمود : < و اما الذین فی قلوبهم

مرض فزادتهم رجساً إلی رجسهم یقول : شکّاً إلی شکّهم ;

اینکه خداوند می فرماید: <اما کسانی که در قلبهای آنان مرض است [سوره نازل شده]رجسی را بر رجس آنان می افزاید> مراد این است که شکی رابر شک آنان می افزاید>.

قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱،۶،۸،۹،۱۴،۲۲

۱ پیامبر (ص) ، شاهد تلاش آشکار و شتابزده بیماردلان سست ایمان برای پیوستن به یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

کلمه <فیهم>، می رساند که بیمار دلان علاوه بر طرح دوستی با یهود و نصارا، اراده پیوستن به آنها را در سر می پروراندند.

۶ شتاب بیماردلان سست ایمان در دوستی و پذیرش ولایت یهود و نصارا ، پیامد محرومیت آنان از هدایت الهی

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

۸ بیماردلان سست ایمان ، از زمره ستمگران

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

۹ گرایش بی حد و مرز گروهی از مسلمانان بیمار دل به سوی یهود و نصارا ، دلیلی روشن برای محرومیت ستمگران از هدایت الهی

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

تفریع جمله <فتری> بر جمله <ان اللّه . ..>، می رساند که گرایش عمیق بیماردلان، بیان مصداقی برای جمله <ان اللّه لایهدی ...> است.

۱۴ مصلحت اندیشی و ترس از پیشامد های ناگوار ، بهانه بیماردلان برای دوستی با یهود و نصارا

یقولون نخشی ان تصیبنا دائره

<دائره> از مصدر <دوران> (چرخیدن) است ; که در برداشت فوق به معنای حادثه های

ناگوار گرفته شده ; چون چرخش روزگار احیاناً موجب کمبودهایی نظیر قحطی، خشکسالی و دیگر حوادث تلخ می شود.

۲۲ پیروزی مسلمانان ، مایه پشیمانی بیماردلان سست ایمان عصر بعثت از شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام

فعسی اللّه ان یأتی بالفتح او . .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <ما اسروا فی انفسهم>، تردید مسلمانان سست ایمان نسبت به حقانیت اسلام باشد. <فی قلوبهم مرض>، این احتمال را تأیید می کند.

قلب های بیمار و صدای طنّازانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۴

۴ - صدای نرم و طنّازانه زنان ، موجب طمع قلب های بیمار در آنان است .

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

محدوده اختیارات بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲،۳،۴

۲ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج . .. أن تأکلوا من بیو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و لا ـ علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم> عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از <بیوتکم> (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر

، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۴ – نابینایـان ، لنـگ هـا و مریضـان ، در اسـتفاده از خوراکی های منازلی که کلیـد های آنها را در دست دارنـد و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

محرومیت قلب بیمار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۴ – ۳۲

۳۲ بیماردلان سست ایمان و پذیرای ولایت و دوستی کافران ، محروم از فضل خاص خداوند

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی اللّه یقوم . .. ذلک فضل اللّه

معذوریت بیمار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۷ – ۱

۱ – افراد نابینا ، لنگ و مریض ، معاف از شرکت در جنگ

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

نگرانی بیمار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۷ – ۳

۳ – افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

توبیـخ شدیـد متخلّفان از سـفر حـدیبیه در آیات گذشـته و اسـتثنای معـذوران در این آیه; بیانگر آن است که مؤمنان معـذور، نگران

آن بوده اند که مشمول توبیخ خداوندباشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

نگرانی قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ مسلمانان سست ایمان و بیماردل عصر بعثت ، نگران از سرنوشت خویش به خاطر پندار بی ثباتی و شکست اسلام

یقولون نخشی ان تصیبنا دائره

مراد از <دائره> می تواند چرخش وضع موجود و برگشت به حالت سابق باشد. یعنی شکست اسلام و برگشت کفر و شرک.

نماز بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۷

۳۷ انسان سالم نماز را ایستاده و مریض آن را نشسته و ناتوانتر از او آن را به پهلو می خواند .

یذکرون اللّه قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. <قیاماً> الاصحاء و <قعوداً> یعنی المرضی <و علی جنوبهم> قال: اعلّ ممّن یصلّی جالساً و اوجع.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۱۷۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۷.

بیماران

معذوریت از بیماران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱

۱ افراد ضعیف و مریض و فاقد هزینه و امکانات جنگی ، از شرکت در جنگ معافند و گناهی بر آنان نیست .

لیس علی الضعفاء . .. حرج

مقدار تهجد بیماران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - رعایت حال مریضان ، مسافران تاجر و سوداگر و جنگ جویان خداجو ،

فلسفه تخفیف دادن تکلیف شب زنده داری و کاستن از آن ، به میزان میسور و ممکن

فاقرءوا ما تیسّر من القرءان علم أن سیکون منکم مرضی و. .. و ءاخرون یقتلون فی سبی

عبارت <ضرب فی الأرض> در معانی سفر برای تجارت و خارج شدن برای جنگ آمده است; ولی با آمدن <و آخرون یقاتلون فی سبیل اللّه> معنای اول مراد است.

همسفرگی با بیماران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۹،۳۸

۱۹ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز باخویشاوندان و دوستان خویش باهم (بر سر یک سفره) و یا جداگانه ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . ..و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

۳۸ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج > وذالک أن أهل المدینه قبل أن یسلّموا کانوا یعزلون الأعمی و الأعرج و المریض و کانوا لایأکلون معهم و کان الأعمی و المریض یقولون : لعلّنا نوذیهم إذا أکلنا معهم فاعتزلوا مواکلتهم فلمّا قدم النبی (ص) سألوه عن ذالک فأنزل اللّه < لیس علیکم جناح أن تأکلوا جمیعًا أو أشتاتاً ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <لیس علی الأعمی حرج. ..> فرمود: اهل مدینه قبل از آنکه مسلمان شوند، نابینایان، لنگان و بیماران را از خود جدا می کردند و با آنان هم غذا نمی شدند... و کوران و بیماران می گفتند: شاید

اگر ما با دیگران هم غذا شویم، موجب اذیت آنان باشیم. از این رو از هم غذا شدن با دیگران کناره می گرفتند. پس هنگامی که پیامبر(ص) وارد مدینه شد، از آن حضرت سؤال کردند. خداوند این آیه را نازل فرمود: لیس علیکم جناح أن تأکلوا جمیعاً أو أشتاتاً>.

بیماردلان

{بیماردلان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - دل و اندیشه منافقان ، مبتلا به مرضی سخت

فی قلوبهم مرض

سخت بودن بیماری از نکره آمدن <مرض> استفاده شده است.

۲ - خداوند ، افزایش دهنده بیماری در دل و جان منافقان

فزادهم اللّه مرضاً

آواره سازی بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۲

۲ - تداوم آزار و اذیت زنان مسلمان ، از سوی بیماردلان ، موجب سخت گیری پیامبر (ص) بر آنان ، در حد آواره سازی همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ینته . .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغرینّک بهم ثمّ لایجاورونک فیها إلاّ

آواره سازی بیماردلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۹

۱۹ – در صورتی که منافقـان و بیماردلاـن و شایعه پراکنان ، در مـدینه ، به کار های خلاف خود ادامه می دادنـد ، چنان مورد قهر پیامبر (ص) قرار می گرفتند که مجبور به ترک مدینه می شدند .

لنغرینّک بهم ثمّ لایجاورونک فیها إلّا قلیلاً

<لایجاورونک فیها إلّا قلیلاً> کنایه از آوارگی و در به دری است. لازم به ذکر است که

<قلیلاً> صفت مفعول مطلق محذوف (جوار) است.

اذیتهای بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۲

۲ - تداوم آزار و اذیت زنان مسلمان ، از سوی بیماردلان ، موجب سخت گیری پیامبر (ص) بر آنان ، در حد آواره سازی همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ینته . .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغرینّک بهم ثمّ لایجاورونک فیها إلاّ

اذیتهای بیماردلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۳

۳ - افرادی ضعیف الایمان و بیماردل ، در مدینه بودند که متعرض زنان مؤمن می شدند .

لئن لم ینته . .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغرینّک بهم

استهزاهای بیماردلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۵

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، با طرح پرسش هایی از امور غیبی ، مانند < زمان وقوع قیامت > ، در صدد استهزای پیامبر (ص) بودند .

لئن لم ینته المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. یسئلک الناس عن الساعه

بنابراین که <ال> در <الناس> عهد ذکری باشد و به منافقان و بیماردلان در آیه شصت برگردد، نکته بالا، قابل استفاده است.

اغواپذیری بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۱

۱ - حکمت آزاد گذاشته شدن شیطان از سوی خداوند ، برای القای شبهات پیرامون آیات الهی ، این بود که افراد بیمار دل و قسی القلب گمراه

شوند و گرفتار دام فتنه های شیطان گردند .

و ما أرسلنا من قبلک . .. ألقی الشیطن فی أُمنیّته ... لیجعل ... و القاسیه قلوبهم

<فتنه> برای بیان چند معنا به کار می رود: یکی از معانی آن که در آیه فوق به همان معنا به کار رفته است اضلال و گمراه کردن است. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: <تا خدا آنچه را که شیطان القا می کند، برای کسانی که در دل هایشان بیماری است و نیز برای کسانی که سنگدل اند، مایه گمراهی قرار دهد>. گفتنی است که از آیهء پیش دو مطلب استفاده می شود: ۱ خداوند اجازه می داد تا شیطان درآیات وحی که توسط پیامبران تلاوت می شد القای شبهه کند. ۲ خداوند شبه های شیطان را محو می کرد و از چهره آیاتش می زدود. آیه مورد، بحث تعلیل برای مطلب اول است; یعنی، خداوند بدان جهت اذن می داد که شیطان در تلاوت آیات شبهه آفرینی کند تا آنها را مایه ضلالت و گمراهی بیماردلان و سنگ دلان قرار دهد.

افساد بیماردلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۹

۱۹ - در صورتی که منافقان و بیماردلان و شایعه پراکنان ، در مدینه ، به کار های خلاف خود ادامه می دادند ، چنان مورد قهر پیامبر (ص) قرار می گرفتند که مجبور به ترک مدینه می شدند .

لنغرینّک بهم ثمّ لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً

<لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً> کنایه از آوارگی و در به دری است. لازم به ذکر است که

<قلیلاً> صفت مفعول مطلق محذوف (جوار) است.

بهانه جویی بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۸،۱۱

۸ - برخی از منافقان و بیماردلان مدینه ، از پیامبر (ص) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانه ناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرّانه اجازه می خواستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره

مراد از <عوره> در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود(مفردات راغب).

۱۱ - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیماردل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره إن یریدون إلّا فر

بیماردلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۳،۵،۹

۳ - غیر از چهره های منافق ، افراد بیماردل نیز در مدینه عصر پیامبر (ص) وجود داشتند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض

<و الذین فی قلوبهم مرض> می تواند عطف جمله ای مستقل بر اسم باشد. در نتیجه، افزون بر منافقان، گروه دیگری هم بودند که به دلیل داشتن نوعی بیماردلی و ضعف اعتقاد، در صف و جبهه منافقان عمل می کردند.

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا اللّه و رسوله إلّا غرورًا

۹ - ظن و گمان منافقان

و بیماردلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنّون باللّه الظنونا . .. و إذ یقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ

<و إذ یقول> می تواند تفسیر <الظنونا> باشد.

بیماردلان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۸،۱۱

۸ - برخی از منافقان و بیماردلان مدینه ، از پیامبر (ص) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانهناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرّانه اجازه می خواستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره

مراد از <عوره> در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود(مفردات راغب).

۱۱ - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیماردل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره إن یریدون إلاّ فر

بیماردلان مدینه و مکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۵،۹

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ غرورًا

۹ - ظن و گمان منافقان و بیماردلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنّون باللّه الظنونا . .. و

إذ یقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ

<و إذ یقول> می تواند تفسیر <الظنونا> باشد.

بیماردلان مدینه و وعده پیروزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۲ – ۵

۵ – منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ غرورًا

بیماردلان مدینه و وعده خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۲ – ۹

۹ – ظن و گمان منافقان و بیماردلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنّون باللّه الظنونا . .. و إذ یقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ

<و إذ یقول> می تواند تفسیر <الظنونا> باشد.

بیماردلان مدینه و وعده محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۲ – ۹

۹ – ظن و گمان منافقان و بیماردلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنّون باللّه الظنونا . .. و إذ یقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ

<و إذ یقول> می تواند تفسیر <الظنونا> باشد.

بیماردلان و اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۹ – ۴

۴ دین اسلام در بینش منافقان و بیماردلان ، دینی فریبنده و به دور از واقعنگری

یقول المنفقون . ..

غر هؤلاء دينهم

بینش بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۶

۶- جهاد ، در نگاه بیماردلانِ سست ایمان ، عامل فساد ، فتنه و برادرکشی *

الذین فی قلوبهم مرض . .. إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض

برداشت بالا بدان احتمال است که مجموع آیه، پاسخی به بهانه جویی ها و دستاویزهای منافقان و عناصر سست ایمان باشد; زیرا از این پاسخ، استفاده می شود که بیماردلان برای توجیه فرار خویش از جهاد، آن را مایه فساد و برادرکشی می شمردند; ولی خداوند به ایشان یادآور شده که مفسد و برادرکش واقعی شمایید که به دنیا چسبیده و برای حفظ دنیایتان هر کاری خواهید کرد.

پرسش بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - ذکر تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ در قرآن ، مورد پرسش انکارآمیز کافران و گروه بیماردل و مغرض قرار گرفت .

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض و الکفرون ماذا أراد اللّه بهذا مثلاً

ترس بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۸

۸- نگاه بیماردلان به پیامبر (ص) ، پس از نزول آیات جهاد ، نگاهی وحشت زده و محتضرگونه

ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت

تشبیه نگاه بیماردلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۰ – ۸

۸– نگاه بیماردلان به پیامبر (ص) ، پس از نزول آیات جهاد ، نگاهی وحشت زده و محتضر گونه

ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من

الموت

تلاش بیماردلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۶

۶ - فعالیت تبلیغاتی منافقان و بیماردلان مدینه ، برای ایجاد تزلزل در روحیه مسلمانان ، شایسته یادآوری است .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض

<و إذ> عطف به <إذ زاغت> است و <اُذکر> در تقدیر می باشد.

حق ناپذیری بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

زمینه گمراهی بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۱

۱ - حکمت آزاد گذاشته شدن شیطان از سوی خداوند ، برای القای شبهات پیرامون آیات الهی ، این بود که افراد بیمار دل و قسی القلب گمراه شوند و گرفتار دام فتنه های شیطان گردند .

و ما أرسلنا من قبلک . .. ألقی الشیطن فی أُمنیّته ... لیجعل ... و القاسیه قلوبهم

<فتنه> برای بیان چند معنا به کار می رود: یکی از معانی آن که در آیه فوق به همان معنا به کار رفته است اضلال و گمراه کردن است. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: <تا خدا آنچه را که شیطان القا می کند، برای کسانی که در دل هایشان بیماری است و نیز برای کسانی که سنگدل اند، مایه گمراهی قرار دهد>. گفتنی است که از آیهء پیش دو مطلب

استفاده می شود: ۱ خداوند

اجازه می داد تا شیطان درآیات وحی که توسط پیامبران تلاوت می شد القای شبهه کند. ۲ خداوند شبه های شیطان را محو می کرد و از چهره آیاتش می زدود. آیه مورد، بحث تعلیل برای مطلب اول است; یعنی، خداوند بدان جهت اذن می داد که شیطان در تلاوت آیات شبهه آفرینی کند تا آنها را مایه ضلالت و گمراهی بیماردلان و سنگ دلان قرار دهد.

سرزنش بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۱

۱- توبیخ بیماردلان حق گریز ، از سوی خداوند به خاطر نیندیشیدن در ژرفای مفاهیم قرآن

أفلایتدبّرون القرءان

صفات بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۶

۶- بیماردلان و منافقان گریزان از تکالیف دینی ، دارای زمینه گرایش به دشمنان اسلام

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض. .. قالوا للذین کرهوا ... سنطیعکم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، می توان نتیجه گرفت که میان بیماردلی و گریز از تکالیف دشوار و تمایل به دشمنان اسلام، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد.

ظلم بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۴

۴ - بیمار دلان و افراد سنگ دل ، مردمانی ظالم و بی دادگر

للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

مراد از <ستمگران> افراد بیمار دل و قسی القلب است و <شقاق> به معنای مخالفت و ستیزه جویی می باشد. <بعید>

صفت <شقاق> و به معنای دور و دراز است; یعنی، این

گروه ستمگر، در ستیزجویی دور و درازی با حق هستند; مقصود این که فاصله میان آنها و حق، چنان زیاد است که نباید هیچ گونه امیدی به دست برداشتن آنها از مخالفت و ستیزه جویی با آن داشت. در واقع، این توصیه ای است به پیامبر(ص) که از آنها قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد.

عجز بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۸

۸- بیماردلانِ منافق ، ناتوان از درک خیر واقعی خویش و پیمودن راه صدق و جهاد

فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم . .. أولئک ... فأصمّهم و أعمی أبصرهم

با توجه به ارتباط آیات، ممکن است به میان آوردن <أصمّ> و <أعمی> در پی <فلو صدقوا اللّه لکان خیراً لهم> بیانگر این معنا باشد که صداقت با خدا و دستورات او، تضمین گر منافع آدمی است; اما افسوس که بیماردلان در نتیجه کوری باطنی عاجز از درک مصالح آن اند.

قتل بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۶

۶ - بیماردلانی که اقدام به فساد و آزار زنان می کنند ، در صورت ادامه کار خود ، محکوم به قتل اند .

لئن لم ینته . .. و الذین فی قلوبهم مرض ... ملعونین أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا ت

قتل بیماردلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۲ - ۴

۴ - فرمان مهدورالدم بودن منافقان و بیماردلان و شایعه پراکنان در مدینه ، ادامه اجرای سنّت تغییر ناپذیر

الهی بوده است .

أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا . .. سنّه اللّه ... ولن تجد لسنّه اللّه تبدیلاً

قرآن و بیماردلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۲ – ۱

۱ – آموزه های قرآن ، بی تأثیر در بیماردلان و کافران

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض و الکفرون . .. و ما هی إلاّ ذکری للبشر . کلاّ

<کلاّ> در این آیه برای انکار است; انکار تذکار بودن قرآن برای بیماردلان و کافران حق ناپذیر.

کری بیماردلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۳ – ۶

۶– بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

کوری بیماردلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۳ – ۶

۶– بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

لعن بر بیماردلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱

۱- عناصر بیماردلِ روی گردان از جهاد و دستورات الهی ، مورد نفرین خداوند

رأیت الذین فی قلوبهم مرض . .. فهل عسیتم إن تولّیتم ... أولئک الذین لعنهم اللّه

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مشارالیه <أولئک>، کسانی باشند که <تولّیتم> خطاب به آنان است و <تولّی> به معنای روی گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

مبارزه محمد(ص) با بیماردلان

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۱ – ۲

۲ – تداوم آزار و اذیت زنان مسلمان ، از سوی بیماردلان ، موجب سخت گیری پیامبر (ص) بر آنان ، در حد آواره سازی همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ینته . .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغرینّک بهم ثمّ لایجاورونک فیها إلاّ

منشأ گمراهی بیماردلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۱ – ۱۶

۱۶ – ازدیاد شک و تردید نسبت به حقانیت قرآن ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از گمراه شدن کافران و بیماردلان از سوی خداوند

کذلک یضلّ اللّه من یشاء و یهدی من یشاء

نقش بیماردلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۰ – ۱۱

۱۱ – بیماردلان ، آسیب رسانان به هنجار های اجتماعی اند .

لئن لم ینته . .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغرینّک بهم

هشدار به بیماردلان مدینه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۰ – ۴

۴ – هشدار شدید خداوند ، به افراد بیماردل مدینه ، برای پایان دادن به کار های خلاف شان

لئن لم ینته . .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغرینّک

یأس از ایمان بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۷

۷ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از حق ستیزان بیماردل و قسی القلب

قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

بیماردلی

بیماردلی مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۵

۵ - مخالفان پیامبر (ص) در صدراسلام ، مردمانی بودند بیمار دل ، قسی القلب و ستم پیشه .

لیجعل ما یلقی الشیطن . .. و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

بیماردلی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۳

۳ - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

و ما أرسلنا من قبلک من رسول . .. للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم

بیماردلی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۰ - ۱،۳

۱ شک و تردید ، بیماری مزمن قلب منافقان

لا یزال بنینهم الذی بنوا ریبه فی قلوبهم

۳ مرگ ، تنها درمانِ قلبِ آکنده از شک و تردید منافقان

لا یزال . .. إلا أن تقطع قلوبهم

زمینه بیماردلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳ – ۳

۳- لهو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش ، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لاهیه قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

نشانه های بیماردلی منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۸ – ۹

۹ روی گردانی منافقان

از پیامبر خیرخواه ، دلسوز و مهربان ، نشانه پلیدی و بیماردلی آنان

الذین فی قلوبهم مرض . .. صرف اللّه قلوبهم ... لقد جاءکم رسول من أنفسکم ... بالمؤ

بیماری

آثار بیماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱،۲۰

۱ - نابینـایی ، لنگی و مرض ، سه عامـل معاف شـدن از تکالیفی است که در آنها ، بینایی ، حرکت و راه رفتن و سـلامت لازم است .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

برداشت یاد شـده مبتنی بر این است که جمله <و لا علی أنفسـکم أن تأکلوا. ..> استینافیه و جدا از جمله <لیس علی الأعمی حرج...> باشـد. بر این اساس جمله <لیس علی الأعمی...> درصدد بیان قانون و اصـلی کلی است و آمدن آن به تناسب بیان احکـام افرادی است که به شـکلی از برخی از تکـالیف معاف انـد;ماننـد زنان سالخورده که از حجاب معاف انـد و نیز معاف بودن فرزندان و برادر زادگان و... از اجازه خواستن جهت ورود به خانه دیگران که در دنبال همین آیه ذکر شده است.

۲۰ - نقص عضو مانند نابینایی ، لنگی و بیماری را ، نباید مانع از هم غذا شدن با افراد سالم دانست .

لیس علی الأعمی حرج . ..و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

توصیه خداوند به این که افراد ناقص العضو، نابینایان و. .. حق دارند با افراد سالم هم غذا شوند، می تواند به این دلیل باشد که کسی گمان نکند که نقص عضو، مانع از هم غذا شدن

است و بایـد از افراد ناقص العضو، اجتناب کرد. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده است که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان و... خودداری می کردند، مؤید همین برداشت است.

آثار بیماری روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۳

۳- مخالفت با پیام اصول وحی ، ریشه در انحرافات روحی و روانی فرد دارد ; نه پیچیدگی و ابهام مفاهیم آن .

بل هم فی شکّ یلعبون

<شک> و <لعب> آن هم شکی که دستمایه بازی و سرگرمی و بحث و لجاج قرار گیرد از موانع رسیدن به حق و اقرار به آن می باشد و ویژگی چنین شکی، بیماری روحی است.

آثار بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۳،۵

۳ - نفاق ، خدعه گری و دروغ پردازی ، رذایلی هستند برخاسته از بیماری دل

و من الناس من یقول ءامنا . .. یخدعون اللّه ... فی قلوبهم مرض

<فی قلوبهم مرض> بیانگر ریشه رذایلی است که در آیات قبل و فرازهای بعد، برای منافقان بیان شده است.

۵ - سرایت بیماری دل و اندیشه آدمی به تمامی وجود او

فی قلوبهم مرض فزادهم اللّه مرضاً

جمله نخست حـاکی است که دل و انـدیشه منافقان، بیمار است و جمله بعـد، دلالت می کنـد که بیماری وجود آنان را فرا می گیرد; زیرا نفرمود <فزادهـا اللّه مرضـاً>. این اختلافِ تعبیر یـا اشـاره به این معنـا دارد که تمـام حقیقت آدمی، دل و اندیشـه اوست; و یا حاکی از آن است که بیماری دل

به همه وجود سرایت کرده و همه حرکات و سکنات آدمی را متأثر می سازد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱ – ۷

۷ – فسادگری و نصیحت ناپذیری منافقان ، برخاسته از بیمار دلی آنان است .

فی قلوبهم مرض . .. و إذا قیل لهم لاتفسدوا فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲ – ۵

۵ – بیماردلی منافقان ، مانع از درک فسادگری خویش

فی قلوبهم مرض . .. ألا إنهم هم المفسدون و لکن لایشعرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳ – ۴

۴ – بیمار دلیِ اهل نفاق ، منشأ متهم ساختن اهل ایمان به بی خردی است .

فی قلوبهم مرض . .. قالوا أنؤمن کما ءامن السفهاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۲ – ۳،۵

۳ بیمار دلی و ضعف ایمان ، زمینه تخلف از فرامین خداوند

لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء . .. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

۵ بیماری دل و سستی ایمان ، زمینه محرومیت از هدایت الهی

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۷

۷ بیماردلی و پلیدی باطن ، زمینه ساز مردن بر حال کفر است .

و أما الذین فی قلوبهم مرض . .. و ماتوا و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج

- ۲۲ - ۵۳ - ۲

۲ - یمار دلی و قساوت ، زمینه ای مناسب برای قرار گرفتن در دام فتنه ها و اغواگری های شیطان

لیجعل ما یلقی الشیطن فتنه . .. و القاسیه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۲

۲ - بیمار دلی ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أفی قلوبهم مرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۲

۲ - بی اثر بودن قرآن در برخی از انسان ها ، معلول بیماری خود آنان است ، نه ابهام و نارسایی پیام الهی .

إنّک علی الحقّ المبین . إنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

پس از این که خداوند حقانیت پیامبر(ص) و قرآن را بیان فرمود، این سؤال مطرح می شود که پس چرا برخی این سخن حق را نمی پذیرند؟ قرآن پاسخ می دهد: که مشکل از ناحیه حق نیست; بلکه مشکل از ناحیه خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - بیمار دلی ، باعث طمع ورزی در زنان نامحرم است .

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - بیماردلی و نفاق ، از موانع شناخت و حق پذیری

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض . .. ماذا أراد اللّه بهذا مثلًا

آثار بیماری قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ -

۵ – منافقان بر اثر بیماریِ دل و اندیشه ، فسادگری های خویش را اصلاح طلبی قلمداد می کنند .

فی قلوبهم مرض . .. قالوا إنما نحن مصلحون

ازدیاد بیماری قلب منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰ – ۲

۲ – خداوند ، افزایش دهنده بیماری در دل و جان منافقان

فزادهم اللّه مرضاً

برادران یوسف و بیماری یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۵ – ۳

۳ فرزندان یعقوب ، نگران وضعیت رو به وخامت پدر خویش و ناراحت از قرار گرفتنش در معرض بیماری و هلاکت

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

بیماری ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۸ – ۴

۴ – < عن الکاظم (ع) . . .قد قال اللّه تعالی فی حق ابراهیم (ع) : . . . < فنظر نظره فی النجوم . فقال إنّی سقیم > فلو لم یکن عالماً بعلم النجوم ما نظر فیها و ما قال : < إنّی سقیم > . . . ;

از امام کاظم(ع) روایت شده . ..که خداوند متعال در حق ابراهیم(ع) فرموده: ...<فنظر نظره فی النجوم . فقال إنّی سقیم> اگر ابراهیم عالم به علم نجوم نبود در ستارگان نظر نمی افکند و نمی گفت: <إنّی سقیم>...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۹ – ۱،۲،۳،۴،۷،۸

۱ – ابراهیم (ع) ، پس از اندیشه عمیق ، مریض بودن

خود را به قومش اعلام کرد .

فنظر نظره فی النجوم . فقال إنّی سقیم

۲ - مریض بودن ابراهیم (ع) ، به هنگام دعوت شدن از جانب قوم خود برای خروج از شهر

فقال إنّی سقیم

۳ - مریض بودن ، عـذر و دلیـل ابراهیم (ع) برای نپـذیرفتن دعوت قوم خود برای خروج از شـهر و شـرکت در مراسم سالانه مشرکان

فقال إنّی سقیم

۴ - ابراهیم (ع) ، به مرضی موسمی و فصلی مبتلا بود .

فنظر نظره فی النجوم . فقال إنّی سقیم

اگر پذیرفته شود که نگاه ابراهیم(ع) به ستارگان نگاه با چشم و حقیقی بود، می توان گفت که اظهار بیماری پس از این نگاه، حاکی است که ایشان به مرضـی موسـمی و فصلی گرفتار بود که با نگاه به ستارگان، توانسته بود وقت رو به رو شدن با مرض موسمی خود را پیش بینی کند (هم زمان با روز مراسم ویژه).

۷ - < عن رجل من أصـحابنا عن أبی عبداللّه (ع) قال : سألته عن قول اللّه عزّوجل . . . < إنّی سقیم > قال : ما کان ابراهیم (ع) سقیماً و ما کذب إنّما عنی سقیماً فی دینه مرتاداً . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سـخن خداوند <. ..إنی سـقیم> روایت شده که ابراهیم(ع) بیمار [جسمی] نبود و در عین حال دروغ هم نگفت; بلکه مقصود او این بود که به علت دینی که دارم از کفر کافران دل آزرده ام و من در طلب حقیقت هستم>.

۸ - < قال أبوعبداللّه (ع) : التقیه من دین اللّه . . . و لقد

قال ابراهیم : < إنّی سقیم > واللّه ما کان سقیماً ؛

از امـام صـادق(ع) روایـت شـده کـه فرمـود: تقیه جزئی از دین خـدا است . .. و ابراهیم گفت: <إنی سـقیم> در حـالی که به خداوند سوگند او مریض نبود>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۹۰ – ۳

۳ – < عن حجر عن أبی عبـداللّه (ع) قـال : خالف ابراهیم (ع) قومه و عاب آلهتهم . . . قال أبوجعفر (ع) : عاب آلهتهم < فنظر نظره فی النجوم فقال إنّی سـقیم > . . . و اللّه ما کان سـقیماً و ما کـذب فلمّا تولّوا عنه مدبرین إلی عید لهم ، دخل ابراهیم إلی آلهتهم فکسر ها إلاّ کبیراً لهم . . . ؛

از حجر نقـل شـده که از امـام صـادق(ع) روایت شـده که فرمود: ابراهیم بـا قومش مخـالفت کرد و خـدایان آنها را مورد عیب جویی خود قرار داد . .. امام باقر(ع) فرمود: از معبودهای آنان خرده گرفت <فنظر نظره فی النجوم فقال إنی سـقیم> ...به خـدا سوگند ابراهیم مریض نبود و دروغ هم نگفت. پس چون قومش برای عیدی که داشـتند از پیش ابراهیم(ع) رفتند، او [با تبر] به سوی معبودهای آنان رفت و آنها را شکست مگر بزرگ ترین بت آنان را...>.

بیماری ایوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۳ – ۲

۲– ایوب (ع) به انواع ناگواری ها ، ناراحتی ها ، فقر و مرض مبتلا بود .

أنّی مسّنی الضرّ

<الضرّ> اسم مصدر و به

معنای سوء حال، فقر و ناراحتی بدنی می باشد و نیز هر آن چه که ضد نفع است (لسان العرب).

بیماری در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۳ – ۲

۲ – در بهشت اصحاب الیمین ، هرگز مانعی همچون سیر بودن ، بیمار بودن ، در دسترس نبودن و . . . برای تناول میوه وجود ندارد .

و فکهه . .. و لاممنوعه

بیماری روانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۶ – ۳

۳ – بیهوده گویی و دادن نسبت های ناروا ، دو بیماری روحی روانی برای انسان ها

إلّا قیلاً سلمًا سلمًا

از تعبیر <سلاماً> استفاده می شود که <لغو> و <تأثیم> که در آیه پیش آمده دو گونه از بیماری است.

بیماری قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۲ – ۸

۸ – امکان دارد که نوعی بیماری معنوی ، بر قلب انسان عارض شود .

و الذین فی قلوبهم مرض

مراد از <مرض> بیماری جسمی و فیزیکی نیست و به قرینه مقام، بیماردلی است که باعث می شود شخص بیماردل، اقدام به کارهایی خلاف اعتدال بکنند.

بیماری قلب مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۵ – ۴

۴ – شرك ، نوعی از بیماری های قلبی است .

إذ جاء ربّه بقلب سليم . إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

بیماری قلب منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰

- ۱،۴،۹

۱ - دل و اندیشه منافقان ، مبتلا به مرضی سخت

فی قلوبهم مرض

سخت بودن بیماری از نکره آمدن <مرض> استفاده شده است.

۴ - منافقان ، خود موجب پیدایش بیماریِ دل و اندیشه ، در خویشتن

فی قلوبهم مرض

برداشت فوق از مقایسه دو جمله <فی قلوبهم مرض> (در قلب منافقان بیماری است) و <فزادهم اللّه مرضاً> (پس خداوند بیماری آنان را افزون کرد) به دست می آید; زیرا در جمله دوم خداند را افزایش دهنده بیماری می داند، ولی در جمله نخست بیمار شدن قلب منافقان را به خداوند نسبت نمی دهد; یعنی اصل پیدایش مرض را از خود آنان می شمرد.

۹ دروغ گویی مداوم منافقان ، موجب افزایش بیماری در دل و جان آنان

فزادهم اللّه مرضاً . .. بما کانوا یکذبون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بما کانوا . ..> علاوه بر تعلقش به <لهم عذاب الیم>، متعلق به <فزادهم ...> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ - ۷،۱۰

۷ - فسادگری و نصیحت ناپذیری منافقان ، برخاسته از بیمار دلی آنان است .

فی قلوبهم مرض . .. و إذا قیل لهم لاتفسدوا فی الأرض

۱۰ - فسادگری منافقان ، زمینه ساز افزایش بیماریِ دل و اندیشه آنان

فزادهم اللّه مرضاً . .. بما کانوا یکذبون. و إذا قیل لهم لاتفسدوا

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: ۱ <إذا قیل . ..> عطف بر <یکذبون> باشد. ۲ <بما کانوا یکذبون> علاوه بر تعلقش به <و لهم عذاب ألیم> - متعلق به <فزادهم اللّه> نیز باشد. بر این مبنا جمله چنین می شود: <فزادهم اللّه مرضاً

... بما كانوا اذا قيل لهم ... لهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۵

۵ - بیماردلی منافقان ، مانع از درک فسادگری خویش

فی قلوبهم مرض . .. ألا إنهم هم المفسدون و لکن لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳ - ۴

۴ - بیمار دلیِ اهل نفاق ، منشأ متهم ساختن اهل ایمان به بی خردی است .

فی قلوبهم مرض . .. قالوا أنؤمن کما ءامن السفهاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۲

۲ منافقان ، دارای پلیدی باطن و بیماری دل

و أما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلی رجسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۲

۲ - بیمار دلی ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أفی قلوبهم مرض

بیماری قلب منافقان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۱

۱ - منافقان صدراسلام ، به بیمار دلی مبتلا بودند .

أفی قلوبهم مرض

همزه در <أفی> برای استفهام است; ولی متضمن معنای تقریر می باشد که برای سرزنش بیشتر منافقان آمده است.

بیماری قلب منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۲

۲ - منافقان مدینه ، شخصیت هایی با قلب های بیمار بودند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض

<و الذین فی قلوبهم مرض> می تواند عطف تفسیری از <المنافقون> باشد.

در این صورت، معنای یاد شده به دست می آید.

بیماری محرومان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۸

۸- اعراض از خدا در حال رفاه ، و به پوچی و یأس رسیدن در ناگواری ها ، بیماری محرومان از هدایت قرآن است .

و ننزّل . .. شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا . و إذا أنعمنا ع

بیماری معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۸

۸ - امکان دارد که نوعی بیماری معنوی ، بر قلب انسان عارض شود .

و الذین فی قلوبهم مرض

مراد از <مرض> بیماری جسمی و فیزیکی نیست و به قرینه مقام، بیماردلی است که باعث می شود شخص بیماردل، اقدام به کارهایی خلاف اعتدال بکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۷

۱۷ - رخنه بیماری معنوی در جان آدمی ، امری امکان پذیر است .

فی قلوبهم مرض

بیماری یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۲،۴

۲ – یونس (ع) ، به هنگام بیرون افتادن از شکم ماهی ، بیمار بود .

فنبذنه بالعراء و هو سقیم

۴ – "قال رسول اللّه(ص): "لما أراد اللّه حبس یونس علیه السلام فی بطن الحوت، أوحی اللّه إلی الحوت أن خذه، و لاتخدش له لحماً، و لاتکسر له عظماً، فأخذه ثمّ أهوی به إلی مسکنه فی البحر، فلمّا انتهی به إلی أسفل البحر سمع یونس حساً فقال فی

نفسه: مـا هـذا ....؟ فـأوحی اللّه إلیه و هـو فی بطن الحوت: إنّ هـذا تسبیـح دوابّ الأرض فسبّح و هو فی بطن الحوت فسـمعت الملائکه علیهم السـلام تسبیحه فقالوا: ربّنا إنّا نسـمع صوتاً ضـعیفاً بأرض غربه، قال: ذاک عبدی یونس، عصانی فحبسته فی بطن الحوت فی البحر، قالوا: العبد الصالح الذی کان یصـعد إلیک منه فی کلّ یوم عمل صالح؟ قال: نعم. فشفعوا له عند ذلک، فأمره فقذفه فی الساحل، کما قال اللّه: "و هو سقیم";

رسول خدا(ص) فرمود: خداوند اراده نمود که یونس را در شـکم ماهی زندانی کند به ماهی وحی (الهام) نمود: او را بگیر، اما خـدشه ای به گوشت او وارد نکن و اسـتخوانش را نشـکن. پس مـاهی یونس را گرفت و به سوی جایگـاهش در دریا حرکت کرد پس چون به قعر دریا رسـید، یونس صدای خفیفی شـنید و با خود گفت: این صدا چیست ...؟ سپس خدا به یونس که در شکم مـاهی بود وحی کرد که: این تسبیـح جنبنـدگان زمین است، پس یونس در حـالی که در شـکم مـاهی بود تسبیـح گفت: ملائکه تسبیح او را شـنیدند و گفتند: پروردگارا! ما صدای ضـعیفی را در زمینی ناآشنا می شنویم؟ خداوند فرمود: این بنده من یونس است. وی نافرمانی من نمود، پس او را در شـکم ماهی در دریا زنـدانی کردم. ملائکه گفتنـد: همان بنده صالحی که هر روز عمل صالحی از او به سوی تو بالا می آمد؟ خدا فرمود: آری . پس ملائکه در این هنگام یونس را شـفاعت کردند، سپس خدا به ماهی امر کرد و ماهی یونس را در ساحل انداخت، چنان

که خدا فرمود: و هو سقیم".

درمان بیماری روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۹

۹- راه یابی برخی بیماری های فکری ، روحی و اخلاقی در مؤمنان و نیاز آنان به درمان خویش با قرآن

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

درمان بیماری روانی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۹

۹- راه یابی برخی بیماری های فکری ، روحی و اخلاقی در مؤمنان و نیاز آنان به درمان خویش با قرآن

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

زمینه ازدیاد بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - فسادگری منافقان ، زمینه ساز افزایش بیماریِ دل و اندیشه آنان

فزادهم اللّه مرضاً . .. بما کانوا یکذبون. و إذا قیل لهم لاتفسدوا

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: ۱ <إذا قیل . ..> عطف بر <یکـذبون> باشد. ۲ <بما کانوا یکذبون> علاوه بر تعلقش به <و لهم عـذاب ألیم> - متعلق به <فزادهم اللّه> نیز باشد. بر این مبنا جمله چنین می شود: <فزادهم اللّه مرضاً ... بما کانوا اذا قیل لهم ... لهم>.

زمینه بیماری روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۲ – ۵

۵- انسان ، بدون هدایت وحی ، گرفتار نوعی بیماری فکری ، روحی و اخلاقی است .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه

از اینکه نزول قرآن برای شفابخشی معرفی شده است، حکایت

از آن دارد که بدون وحی، بشر گرفتار مرضهای علاج ناپذیر روحی است.

زمینه بیماری یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۵ – ۲

۲ یعقوب (ع) در اثر درد طاقت سوز فراق یوسف (ع) ، در معرض زمین گیر شدن و یا از دست دادن جان خویش بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

<حرض> به بیماری گفته می شود که بنیانش تباه شده و مشرف بر هلاکت باشد.

شفای بیماری ایوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۴ – ۲،۶

۲– خداوند ، مشکلات ایوب (ع) را گشود و غم و اندوه آن حضرت را از جسم و جان وی زدود .

و أیّوب . .. فکشفنا ما به من ضرّ

۶– رفع بیماری ، غم و گرفتاری ایوب (ع) و بازگشت خانواده اش به آن ، رحمتی از جانب خدا بر او بود .

فکشفنا ما به . .. رحمه من عندنا

شفای بیماری روانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۲ – ۸

۸– شفابخشی قرآن نسبت به بیماری های روحی ، فکری و اخلاقی توأم با رحمت ، شفقت و مهربانی است .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

ذکر دو صفت <شفاء> و <رحمت> برای قرآن، در کنار یکدیگر، می تواند مشعر به معنای یاد شده باشد.

عذاب با بیماری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۱

۱۳ - < عن أبی ادریس الخولانی (رض) قال : سألت عباده بن الصامت (رض) عن قول اللّه : < و لنذيقنّهم من العذاب الأدنی دون العذاب الأکبر > فقال : سألت رسول اللّه (ص) عنها ، فقال : هی المصائب و الأسقام و الأنصاب ، عذاب للمسرف فی الدنيا ، دون عذاب الأخره . . . ;

ابوادريس خولانی گويد: از عباده بن صامت(رض) از اين سخن خدا: <و لنذيقنّهم من العذاب الأدنی دون العذاب الأكبر> پرسيدم. گفت: از رسول خدا(ص) پرسيدم، فرمود: عذاب نزديک تر، مصيبت ها و بيماری ها و رنج ها است. [آن]، عذابی دنيايی است برای مسرف، نه اين كه عذاب آخرت باشد>.

عوامل ازدياد بيماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۹

۹ دروغ گويی مداوم منافقان ، موجب افزايش بيماری در دل و جان آنان

فزادهم اللّه مرضاً . .. بما كانوا يكذبون

برداشت فوق مبتنی بر اين است كه <بما كانوا . ..> علاوه بر تعلقش به <لهم عذاب اليم>، متعلق به <فزادهم ...> نيز باشد.

عوامل بيماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۴

۴ - منافقان ، خود موجب پيدايش بيماریِ دل و انديشه ، در خويشتن

فی قلوبهم مرض

برداشت فوق از مقايسه دو جمله <فی قلوبهم مرض> (در قلب منافقان بيماری است) و <فزادهم اللّه مرضاً> (پس خداوند بيماری آنان را افزون كرد) به دست می آيد; زيرا در جمله دوم خداند را افزايش دهنده بيماری می داند، ولی در

جمله نخست بیمار شدن قلب منافقان را به خداوند نسبت نمی دهد; یعنی اصل پیدایش مرض را از خود آنان می شمرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۰ – ۱۲

۱۲ – بروز برخی از حالت هـای روانی و روحی برای انسان ، ممکن است که فعالیت قلب را از سیستم عادی خارج کرده و او را غیر متعادل سازد .

إذ جاءوکم . .. و بلغت القلوب الحناجر

عوامل بیماری یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۵ – ۳

۳ – بلعیده شدن یونس (ع) به وسیله ماهی ، موجب بیماری او گردید .

فالتقمه الحوت . .. فنبذنه بالعراء و هو سقیم

عوامل درمان بیماری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۲ – ۳،۴،۹

۳– نقش نزول تدریجی آیه های قرآن ، در زدایش بیماری انسانها

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه

برخی اهـل لغت برآننـد که مـاده <نزل> در بـاب تفعیـل، به معنای نزول تـدریجی است. بنابراین، ذکر نزول قرآن به صورت تدریجی و یادآوری هدف آن که شفاست، گویای حقیقت فوق است.

۴– قرآن ، شفابخش هرگونه بیماری در انسانهاست .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء

۹– راه یابی برخی بیماری های فکری ، روحی و اخلاقی در مؤمنان و نیاز آنان به درمان خویش با قرآن

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنين

عوامل شفای بیماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۱۶

۱۶- خداوند ،

شفای امراض انسان را از راه علل و اسباب طبیعی ، مقدر کرده است .

شراب مختلف ألونه فیه شفاء للناس

برداشت فوق، به خاطر این است که خداوند بهبودی بیماری انسان را به وسیله عسل که از راههای طبیعی به دست می آید و خود از عوامل طبیعت است قرار داده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۷ – ۶

۶ – دعا در درمان بیماری ها و شفای آسیب دیدگی های انسان مؤثر است .

واحلل عقده من لسانی

گفته شده است لکنت زبان موسی(ع)، از صدمه دیدن براثر آتشی بوده که در دوران کودکی به دهان برده و بر زبان نهاده بود.

منشأ بیماری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۸ – ۱۶

۱۶ خداوند ، منشأ تمام نعمت ها (مانند سلامتی ، امنیت و گشایش روزی) و تمام بلا ها (از قبیل بیماری ، ترس و گرسنگی)

و ان تصبهم حسنهٌ یقولوا هذه من عند اللّه و ان تصبهم سیّئه یقولوا هذه من عندک قل

از ائمه معصومین (ع) در معنای حسنات و سیئات در آیه فوق روایت شده است: . .. الصحه و السلامه و الامن و السعه فی الرزق و قد سمّاها اللّه حسنات ... یعنی بالسیّئه هاهنا المرض و الخوف و الجوع ... .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۴۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۹، ح ۴۱۶.

منشأ رفع بیماری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۷ – ۵

۵ – خداوند ، قادر به

دفع امراض و رفع هرگونه نقص و عیب از موجودات است .

واحلل عقده من لسانی

منشأ شفای بیماری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۰ – ۱

۱ – شفای انسان ، پس از بیماری به دست خدا است .

و إذا مرضت فهو یشفین

موارد بیماری قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۲ – ۱۱

۱۱ – رفتار جنسی خارج از اعتدال ، مثل طمعورزی در زنان نامحرم ، نوعی بیماری است .

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

نشانه های بیماری قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱ – ۸

۸ – فسادگری و نصیحت ناپذیری ، از نشانه های بیماریِ دل و اندیشه است .

فی قلوبهم مرض . .. و إذا قیل لهم لاتفسدوا فی الأرض قالوا إنما نحن مصلحون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۲ – ۱۵

۱۵ گسستن سرنوشت خویش از سرنوشت اسلام و مسلمین ، علی رغم اظهار دیانت ، نشانه بیماری دل و سستی ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . .. یقولون نخشی ان تصیبنا دائره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۴ – ۱۶،۲۵

۱۶ تهی بودن دل از محبت خدا ، بی مهری نسبت به اهل ایمان ، احساس کوچکی در برابر کافران ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

ارتباط آیه مورد بحث

با آیات پیش گویای این است که بیماردلان (الذین فی قلوبهم مرض) از مصادیق مرتدان می باشند و چون صفات شمرده شده برای مؤمنـان واقعی نقطه مقابـل مرتـدان قرار گرفته ; است معلوم می شود نبود این صـفات در مـدعیان اسـلام، نشانه بیماردلی آنان است.

۲۵ گریز از جهاد و ترس از ملامت دشمنان دین ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . .. یجهدون فی سبیل اللّه و لایخافون لومه لائم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۹ – ۱۱

۱۱ ناباوری به حمایت خدا از متوکلان ، نشانه بیماردلی و ضعف ایمان است .

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. فإن اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۵ – ۳

۳ کفر و نفاق ، نشان بیماری دل و پلیدی باطن است .

الذین فی قلوبهم مرض . .. رجسهم ... و هم کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۲ – ۸

۸- حق ناپذیری ، نشانه بیماری قلب است . *

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

فعل <لایؤمنون> (ایمان نمی آورنـد) حکایت از حق ناپـذیری دارد و <منکره> به معنای زیر بار حق نرفتن است که بیماری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۰ – ۷

۷- ترس و هراس از جهاد در راه خدا ، نشان بیماردلی انسان

و ذکر

فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظرالمغشیّ علیه من الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۹ - ۸

۸- کینه و عداوت نسبت به پیامبر (ص) و مؤمنان ، نوعی بیماردلی است .

أم حسب الذین فی قلوبهم مرض أن لن یخرج اللّه أضغنهم

نشانه های بیماری قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - مخالفت برخی از کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، ناشی از بیماردلی و غرضورزی آنان بود .

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض . .. ماذا أراد اللّه بهذا مثلاً

بینایی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بینایی

آثار بینایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۸

۸- شنوایی و بینایی کافران در قیامت ، موجب نجات آنان نمی گردد .

أسمع بهم و أبصر یوم یأتوننا لکن الظلمون الیوم فی ضلل مبین

<ال> در <الیوم> چنانچه عهد ذکری باشد، مراد روز قیامت است که در <یوم یأتوننا> مطرح شده است و <لکن> استدراک از توهم نجات است که جمله <أسمع بهم و أبصر> آن را پدید آورده است.

آثار بینایی خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۶ – ۶

۶ – شنوایی و بینایی خداوند ، پشتوانه ای اطمینان بخش برای تضمین یاری موسی و هارون (ع) در برابر فرعون بود .

إنّنی معکما أسمع و أری

ابداع حس بینایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون

- ۲۳ - ۷۸ - ۲

۲ - دستگاه شنوایی ، بینایی و تعقل انسان ، دستگاهی بدیع و بی مانند در نظام خلقت

و هو الذی أنشأ لکم السمع و الأبصر و الأفئده

<إنشاء> (مصدر <أنشأ>) به ایجاد بدون طرح و الگوی قبلی، گفته می شود.

اهمیت بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۶،۷

۶ شنوایی و بینایی ، از مهمترین و کارآمدترین قوای موجود در انسان

أمن یملك السمع و الأبصر

گزینش دو قوه <شنوایی> و <بینایی>، از میان دیگر قوا، مفید برداشت فوق است.

۷ شنوایی و بینایی و دیگر حواس ، از جلوه های ربوبیت خدا بر انسانها

أمن یملك السمع و الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۴،۸

۴- شنوایی ، بینایی و قلب (مرکز ادراك) مهم ترین ابزار شناخت

و الله أخرجکم . .. لاتعلمون شیئًا و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

۸- توجه به اهمیت شنوایی ، بینایی و ادراک ، مستلزم سپاسگزاری انسان از خداوند

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده لعلّکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۷

۷- اهمیت ویژه بینایی ، شنوایی و نیروی ادراکی انسان ، در مقایسه با سایر نعمت های الهی

و لقد مکّنّهم . .. و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده

از اختصاص به ذکر یافتن چشم، گوش و قلب، مطلب بالا استفاده می شود.

بینایی اخروی کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ -

۱۰۱ - ۸

۸- چشم های نابینا در برابر حق ، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین عرضًا . الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را درخواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

بینایی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۵

۵ - حواس آدمی (شنوایی ، بینایی و . . .) از ابزار درک و شناخت اوست .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۴

۴ - انسان ، برخوردار از قدرت شنوایی ، بینایی و تعقّل

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

مقصود از<أفئده> - به قرینه <سمع> و <أبصار> عقول است و استعمال این واژه در معنای یاد شده، در قرآن بسیار شایع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۹

۹ - خداوند ، انسان را شنوا و بینا آفرید .

فجعلنه سمیعًا بصیرًا

بینایی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۵

۵ - خداوند ، شنوای هر گفتار ، بینای هر کردار و دانای هر چیز است .

أسمع و أری

ذکرنشدن مفعول خاص برای فعل های <أسمع> و <أری> افاده عموم می کند. و مراد از

آگاهی خداوند به تمام شنیدنی ها و دیدنی ها، علم مطلق او است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۸ – ۸

۸ – شنوایی و بینایی خداوند ، پشتوانه کیفر و پاداش آدمیان پس از رستاخیر است .

ما خلقکم و لابعثکم إلاّ کنفس وحده إنّ اللّه سمیع بصیر

احتمال دارد ذکر <إنّ اللّه سمیع بصیر> پس از بیان قدرت خداوند بر بازآفرینی انسان ها پس از مرگ، به این جهت باشد که بازآفرینی، برای حساب رسی اَعمال است و پشتوانه آن هم، آگاهی خداوند از اَعمال انسان ها است.

بینایی معبود راستین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۹۸ – ۷

۷ معبود راستین باید شنوا و بینا باشد .

إن تدعوهم . .. لایسمعوا ... و هم لایبصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۲ – ۷

۷– شنوایی ، بینایی (ادراک) و قدرت بر رفع نیاز ، از شروط بدیهی معبود حقیقی است .

لِمَ تعبد ما لایسمع و لایبصر و لایغنی عنک شیئًا

بینایی نوزاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۸ – ۳

۳– عدم برخورداری فرزند انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و حکمت الهی *

و الله أخرجکم من بطون أمّهتکم لاتعلمون شیئًا

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه

آنـان به مـوقعیت خـویش، در مراحـل تولـد و پس از آن، می توانـد اشـاره به حکمت الهی و اهمیت این موضـوع در زنـدگی انسانها داشته باشد.

بینایی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۲،۷

۲ یوسف (ع) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب (ع) بیفکنند تا بینا شود .

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

<یأت> در آیه شریفه به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله <فارتد بصیراً> در آیه ۹۶ مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآننـد که <یأت> به معنای <می آیـد> است و <بصیراً> حال می باشـد; یعنی، او به مصـر می آید در حالی که بیناست.

۷ بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهن یوسف (ع) ، کرامتی از یوسف

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

فعـل <یأت> جواب امر <فألقوه> است و لـذا با حرف شـرطی مقـدر مجزوم شـده است. تقـدیر کلام چنین می باشـد: <إن تلقوه علی وجه أبی یأت بصیراً>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف(ع) در بینا شدن چشم یعقوب(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۴،۵،۸

۴ چشمان یعقوب (ع) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف (ع) بر آن ، فروغ گرفت و بیناییش بازگشت .

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

<ارتـداد> (مصـدر ارتـد) به معنـای بازگشـتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد ...> حاکی از دو معناست:$۱ ترتّب و سببیّت

میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۵ پیشگویی یوسف (ع) مبنی بر بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهنش ، تحقق یافت .

اذهبوا بقمیصی هذا فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا . .. ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

ضمیر <ه> در <ألقاه> به قمیص باز می گردد و مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب(ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی <ألقی> دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به <بشیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب(ع) دانسته اند.

۸ ظهور کرامت و معجزه یوسف (ع) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب (ع) به وسیله پیراهن او

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

تصرف در بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۱،۴،۸

۱ خداوند به هنگام رویارویی و شروع جنگ بدر ، هر یک از دو سپاه ایمان و کفر را در نظر دیگری اندک نمایان ساخت .

و إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا

۴ وقوع جنگ بدر با فرجام پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، هدف از تصرف خداوند در دید هر یک از دو سپاه و کم نمایاندن هر یک در نظر دیگری

إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا . .. لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

۸ کم نمایاندن هر یک از دو سپاه در جنگ بدر در نظر یکدیگر ، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا و یقللکم فی أعینهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذا>

مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> باشد.

خطای بینایی ملکه سبأ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۴ – ۲،۴،۵

۲ – جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبگیری ژرف در نظر بلقیس

فلمّا رأته حسبته لجّه

<لجّه> معادل برکه، آبگیر و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبگیری است پر از آب.

۴ – بلقیس ، برای عبور از آبگینه های آب نما ، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد .

فلمّا رأته حسبته لجّه و کشفت عن ساقیها

۵ – سلیمان (ع) ، ناظر عکس العمل بلقیس ، در مواجهه با آبگینه های آب نما

و کشفت عن ساقیها قال إنّه صرح

مراد از ضمیر فاعل در <قال> سلیمان(ع) می باشد.

رفع خطای بینایی ملکه سبأ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۴ – ۶

۶ – اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجّه . .. قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

زمینه بینایی انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۷

۷ - بینایی انسان در پرتو وجود روز ، نشانه ای از تدبیر خدای جهان

و النهار مبصرًا إنّ فی ذلک لأیت

وصف <مبصراً> گرچه از نظر لفظ برای <نهار> آمده است; اما در حقیقت وصفی است برای انسان که در پرتو روشنی روز، قادر به دیدن اشیا می باشد.

سلب بینایی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۳،۵

۳ توانایی خداوند بر گرفتن قوه شنوایی و بینایی و از کار انداختن قوه درك انسان

إن أخذ اللّه سمعكم و أبصركم و ختم على قلوبكم

۵ اگر خداوند نعمت بینایی، شنوایی و ادراکی انسان را سلب کند، معبودهای باطل قدرت بازگرداندن آنها را ندارند.

إن أخذ اللّه سمعكم . .. من إله غير اللّه يأتيكم به

شگفتی بینایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۱

۱- کافران در قیامت و به هنگام حضور در پیشگاه خداوند ، شنوایی و بینایی اعجاب برانگیزی برخوردار خواهند بود .

أسمع بهم و أبصر يوم يأتوننا

<أسمع بهم> و <أبصر> صیغه های تعجب هستند، یعنی چقدر شنوا و بینا هستند!؟.

قدرت بینایی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ انسان در معرض دید شیاطین است و آنان از چشم آدمیان نهانند.

إنه يريكم هو و قبيله من حيث لا ترونهم

محدودیت بینایی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ انسان در معرض دید شیاطین است و آنان از چشم آدمیان نهانند.

إنه یریکم هو و قبیله من حیث لا ترونهم

محدودیت بینایی شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۷ – ۱۳

۱۳ انسان در معرض دید شیاطین است و آنان از چشم آدمیان نهانند.

إنه یریکم هو و قبیله من حیث لا ترونهم

مرکز

بینایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۶ – ۱۲

۱۲ – قلب ، مرکز آگاهی ، شنوایی و بینایی انسان

فانها لاتعمی الأبصر و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور

منشأ بینایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۸ – ۱

۱ – دستگاه شنوایی ، بینایی و قوه تعقل در انسان ، جلوه هایی از تدبیر و ربوبیت خداوند

و هو الذی أنشأ لکم السمع و الأبصر و الأفئده

<فواد> (جمع <أفئده>) به معنای دل (قوه ادراک و تعقل) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۹ – ۱۱

۱۱ – قدرت شنوایی و بینایی و درک انسان ، از روح او است .

نفخ فیه من روحه و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

التفات از غیبت به خطاب، در آیه می توانـد به این جهت باشد که پس از دمیده شدن روح، انسان، لایق خطاب می شود و این حکایت کننده آن است که روح، چنین توانی را برای انسان ایجاد می کند.

منشأ نعمت بینایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۴۶ – ۶

۶ تنها خداوند یکتا، قادر بر بازگرداندن و اعطای شنوایی، بینایی و ادراک به انسان است.

إن أخذ اللّه سمعکم . .. من إله غیر اللّه یأتیکم به

نعمت بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۴

۴ شنوایی، بینایی و عقل و درک آدمی، از مهمترین نعمتهای الهی در وجود

انسان

إن أخذ اللّه سمعكم و أبصركم و ختم على قلوبكم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۸ – ۵

۵- شنوايى ، بينايى و قلب (قدرت ادراك) ، از مهم ترين نعمت هاى خداوند به انسان

و الله أخرجكم . .. و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

برداشت فوق، از آن جاست كه آيه شريفه علاوه بر بيان آيات قدرت الهى، در صدد برشمردن نعمتهاى الهى و در مقام امتنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۶ – ۷

۷- بهره نگرفتن صحيح از نعمت شنوايى ، بينايى و قلب براى شناخت حق ، باعث مسؤوليت انسان نزد خداوند است .

و لاتقف . .. إن السمع ... كان عنه مسئولاً

خداوند، به منظور دور كردن انسانها از حركتهاى غير علمى، به آنان نعمت شنوايى، بينايى و قلب را يادآور شده است تا آنان، با بهره گيرى صحيح از آن، به يقين دست يافته و بر اساس آن، حكم كرده و عمل نمايند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۸ – ۴

۴ – نيروى شنوايى ، بينايى و ادراكى انسان ، نعمت هايى الهى و در خور شكر و سپاس گزارى

و هو الذى أنشأ لكم . .. قليلاً ما تشكرون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – ملك – ۶۷ – ۲۳ – ۳،۵،۷،۸،۹

۳ – پيدايش بشر و نعمت هاى نهفته در وجود او (قدرت شنوايى ، بينايى و تعقّل) ، نشانه و جلوه قدرت خداى رحمان

الرحمن

. .. هو الذی أنشاکم و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

۵ - قدرت شنوایی ، بینایی و تعقّل ، از نعمت های الهی و در خور شکر و سپاس

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرون

۷ - استفاده بهینه نکردن کافران تکذیب گر از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکر نکردن انسان ها در برابر نعمت ها، به معنای استفاده صحیح نکردن از آنها است.

۸ - ناسپاسی بسیار انسان ها ، در برابر نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

۹ - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۴

۴ - ایمان به آیات الهی ، سفارش یکدیگر به استقامت در تکالیف دشوار و اظهار محبت به بردگان ، یتیمان و تنگدستان ، قدردانی از نعمت های بینایی ، گویایی و هدایت است .

ألم نجعل له عینین . و لسانًا و شفتین . و هدینه النجدین ... ثمّ کان من الذین ءام

<الذین آمنوا> گرچه مطلق است; ولی مصداق بارز آنها به قرینه <و الذین کفروا بآیاتنا> در آیات بعد مؤمنان به آیات الهی است و آیات پیشین که بعضی از تکالیف را <عقبه> نامیده بود قرینه بر مراد از <صبر>

است و سیاق آیات نشان می دهد که مراد از <مرحمه>، ترّحم بر <رقبه>، <یتیم> و <مسکین> است. ارتباط این آیات با آیه های پیشین که نعمت های الهی را برشمرده گویای برداشت یاد شده است؛ زیرا <بینایی و بصیرت>، زمینه ساز <ایمان> و <داشتن زبان و لب>، زمینه ساز توصیه است.

نقش بینایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۱ – ۲۱

۲۱ قوای ادراکی بشر ، تحت تأثیر مشاهده اوج زیبایی و جلوه های جمال ، کارآیی خود را از دست می دهد .

و قطّعن أیدیهنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۸ – ۷

۷– حس و تجربه (شنیدن و دیدن) ، زمینه شکوفایی ادراک و دانش های بشر *

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

این برداشت بدان احتمال است که تقدم <السمع و الأبصار> بر <الأفئده> اشاره به مطلب مذکور داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۶ – ۵

۵– بینایی ، شنوایی و نیروی ادراک ، از پایه های مهم شناخت

و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده فما أغنی عنهم

در آیه شریفه <سمع>، <أبصار> و <أفئده> عواملی کافی برای رهیابی انسان به حقایق معرفی شده است و قوم عاد به خاطر بهره نگرفتن از آنها، مورد سرزنش قرار گرفته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲ – ۱۰

۱۰ - شنوایی و بینایی ، دو ابزار اصلی بشر برای معرفت حقایق

نبتلیه فجعلنه سمیعًا

بصیرًا

سمیع و بصیر قرار داده شدن بشر در آستانه آزمایش او، می تواند به این دلیل باشد که آزمایش، نیاز به شناخت مواد آزمون و راه های قبولی آن دارد. ازاین رو خداوند، به بشر دو ابزار شناخت (قدرت شنوایی و بینایی) عطا فرموده است تا به این معرفت دست یازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۶

۶ - قدرت شنوایی و بینایی ، دو ابزار لازم برای هدایت

فجعلنه سمیعًا بصیرًا . إنّا هدینه السبیل

بینش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

بینش

آثار اخروی بینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۴

۴-نزدیکی ها و جدایی ها در صحنه قیامت ، بر اساسا سنخیت های فکری و عملی خواهد بود .

لنحشرنّهم والشیطین ثمّ لنحضرنّهم

پیوستن منکران معاد به صف شیاطین در قیامت، به جهت سنخیتی است که در این از نظر فکری و عملی، در بین این دو طائفه به وجود آمده است. ذکر شیاطین در این آیه، برای بیان همین سنخیت و نتیجه ای است که از آن در صحنه قیامت بروز می کند.

آثار بینش باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۶ - ۵

۵ - نارسایی های معنوی و باور های نادرست ، مانع درس آموزی انسان از الگو های شایسته

أسوه حسنه لمن كان يرجوا اللّه و اليوم الأخر

تصریح به <لمن كان يرجوا. ..> در حقيقت می رساند كه هر چند ابراهيم(ع)، الگويى براى همگان است; اما تنها كسانى از اين الگو درس می گيرند كه از روح معنويت (اميد به رحمت

حق) و ایمان به قیامت برخوردار باشند و اشخاصی که چنین نباشند; بهره ای نخواهند برد.

آثار بینش صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ - ترک رفتار زشت و انجام عمل صالح ، نتیجه درک صحیح از زندگی دنیایی و حیات اخروی

إنّما هذه الحیوه الدنیا متع . .. من عمل سیّئه ... و من عمل صلحًا ... فأُولئک

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مؤمن آل فرعون، در آغاز حقیقت دنیا و آخرت را به مردم شناساند آن گاه از آنان خواست تا رفتار زشت را رها کرده و به عمل صالح روی آورند.

آثار بینش طبقاتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۵

۵ - اشرافیت و بینش غلط طبقاتی ، مانع از ایمان آوردن به پیامبران

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأرذلون

آثار بینش غلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۷ - ۸

۸- پایه های غرور ، بنا شده بر سراب پندار های بی اساس

و لاتمش فی الأرض مرحًا إنک لن تخرق الأرض و لن تبلغ الجبال طولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۵

۵ – اشرافیت و بینش غلط طبقاتی ، مانع از ایمان آوردن به پیامبران

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأرذلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۹ – ۸

۸ – تصویر نادرست از زندگی دنیایی و اخروی ، منشأ اصلی انحراف

ها ، خودکامگی ها و حق ستیزی ها است .

یقوم . .. و إنّ الأخره هی دار القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - پندار ها و نگرش های غلط ، تباه کننده شخصیت و ارج انسانی

و ظننتم ظنّ السوء و کنتم قومًا بورًا

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که ظن سوء، زمینه جمله بعد باشد; یعنی، از آن زمان که بدگمان شدید به فساد و تباهی کشیده شدید.

ارزش بینش الهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۲

۲ تقلید از سنتهای زشت پیشینیان، امری نکوهیده در بینش الهی

و إذا فعلوا فحشه قالوا وجدنا علیها ءاباءنا

بی ارزشی بینش هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۳۱

۳۱- آرا و پیشنهاد های هواپرستان ، بی ارزش ، و اطاعت از آن ناروا است .

و لاتطع من . .. اتبع هویه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۴

۴- تنها راه شناخت شیوه برخورد با مؤمنان تهیدست ، وحی الهی است نه آرای هواپرستان غافل از خداوند

و لاتطع من . .. و قل الحقّ من ربّکم

بینش آخرت طلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۹ – ۱۳

۱۳ – قدرت و ثروت در نگاه مؤمنان آخرت جو ، ملاک ارزش و معیار اصلی بهره مندی و خوشبختی نیست .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما

أَوتی قرون إنّه لذو حظّ عظیم

تعبیر <قال الذین یریدون الحیاه الدنیا> می رساند که این گفته، تنها مربوط به دنیاطلبان سست ایمان است; نه مؤمنان آخرت جو.

بینش آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۱۲

۱۲- آزر ، گرایش خویش به بت پرستی را گرایشی عالمانه می پنداشت .

إنّی قد جاءنی من العلم ما لم یأتک

از تعبیر <ما لم یأتک> معلوم می شود که ابراهیم(ع) در صدد بوده، آزر را به محرومیت از علم واقف سازد، این برخورد گویای مواجه شدن ابراهیم(ع) با کسی است که از جهل خویش بی خبر است و خود را آگاه می پندارد.

بینش آسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۸

۸ - از دیدگاه آسیه ، نگه داری موسی (ع) پرکننده خلأ بی فرزندی ، مایه روشنی دیدگان و ارمغان آور سرور و شادمانی برای وی و فرعون بود .

و قالت . .. قرّت عین لی و لک ... عسی أن ینفعنا أو نتّخذه ولدًا

بینش آل یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۱

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنک لفی ضللک القدیم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالک القدیم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف(ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست

که هر دو معنا نیز مراد باشد.

بینش ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۶ – ۴

۴ – ابراهیم (ع) ، کفرپیشگان مکه را شایسته بهره مند شدن از روزی های الهی نمی دانست .

و ارزق . .. من ءامن منهم باللّه و الیوم الأخر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۶ – ۱

۱– از دیدگاه حضرت ابراهیم (ع) ، بت ها و بت پرستان عامل گمراهی بسیاری از مردم در عصر او بودند .

اجنبنی و بنیّ أن نعبد الأصنام . ربّ إنّهنّ أضللن کثیرًا من الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۷ – ۲۰

۲۰– حضرت ابراهیم (ع) ، لطف و عنایت ویژه خداوند به خود را ، پشتوانه پذیرش استغفار خود می دانست .

سأستغفر لک ربّی إنّه کان بی حفیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۸ – ۱

۱– ابراهیم (ع) ، زندگی در میان هم کیشان آزر را هم سان زندگی در خانه او ، مانعی در راه خداپرستی خویش دیده و از همه آنها کناره گیری کرد .

و أعتزلکم و ما تدعون من دون اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۷۵ – ۳

۳ – لزوم استوار بودن باور های دینی بر دلایل عقلی و نه بر تقلید و سنّت ملّی ، در بینش ابراهیم (ع)

قال أفرءیتم ما کنتم تعبدون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۷ - ۱

۱ - بت و بت پرستی ، دشمن اندیشه ، سعادت و تکامل انسان در دیدگاه حضرت ابراهیم (ع)

فإنّهم عدوٌّ لی

ضمیر <هم> در <فإنّهم> به <أصنام> بازمی گردد.

بینش ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۳ - ۴،۵

۴- ابلیس ، با توجه به ماده اوّلیه خلقت انسان ، او را شایسته مسجود شدن موجودی چون خود نمی دید .

قال لم أکن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمإ مسنون

تعبیر <لم أکن لأسجد> به جای <لا أسجد> یا <لست أسجد>، می تواند بیانگر این نکته باشد که شیطان، مقام خود را برتر از آدم(ع) می دید.

۵- ابلیس ، ضمن تحقیر آدم (ع) خود را دارای مقامی برتر از او می دانست .

قال لم أکن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمإ مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۱،۴

۱- ابلیس ، گمراه شدن خود از سوی خداوند را ، عامل زیبا نمایاندن زشتی ها و به گمراهی کشاندن همه انسان ها معرفی کرد .

قال ربّ بما أغویتنی لأزیننّ لهم فی الأرض و لأغوینّهم أجمعین

<با> در <بما> بای سببیه است.

۴- ابلیس گمراه شدن خود را ، نتیجه فرمان خداوند به سجده بر آدم (ع) می دانست .

فسجد الملئکه کلّهم . .. إلاّ إبلیس أبی ... قال فاخرج منها فإنک رجیم ... قال ربّ

در اینکه مقصود ابلیس از اغوا شدنش توسط خداوند چیست؟ چند نظریه وجود دارد:

یکی از آنهـا این است که چون خداونـد، ابلیس را با فرمان سـجده بر آدم(ع) مورد آزمایش قرار داد، او در این امتحان مردود شد و این مردود شدن نیز موجب لعن و طرد وی شد; لذا همین طرد و لعن در نظر ابلیس نوعی گمراهی تلقی گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۷،۱۲

۷- ابلیس ، موجود خلق شده از گِل را از جنس خود پست تر و کم ارزش تر می دانست .

ءأسجد لمن خلقت طینًا

۱۲- ابلیس ، ملاک ارزش را در نژاد و عنصر مادی می داند .

ءأسجد لمن خلقت طینًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۶

۶- پنـدار ابلیس در بی توجهی خداوند به ضـعف ها و آسـیب پذیری های آدم و نسـلش ، عامل اعتراض وی به تکریم آدم از سوی خداوند *

أرءیتک الذی کرّمت علیّ لئن أخّرتن إلی یوم القیمه لأحتنکنّ ذریّته

ذکر <لئن أخّرتن . .. لأـحتنکنّ ...> پس از اعـتراض به تکریم انسـان، می توانـد به منظور برشـمردن آسـیب پـذیری، ضـعف آدمیان و عدم صلاحیت آنان برای تکریم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۰ - ۳

۳ - با پیروی مردم از ابلیس ، او گمان و حدسش را درباره اغوای مردم تحقق یافته دید .

و لقد صدّق علیهم إبلیس ظنّه فاتّبعوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۱۱،۱۲

۱۱ - ابلیس ، فرمان خداوند به سجده بر

آدم (ع) را ، فرمانی نابه جا و برخلاف منطق و حکمت دانست .

فقعوا له سجدين . .. إلاّ إبليس استكبر ... قال أنا خير منه خلقتنى من نار و خلقته

از این که ابلیس، بر به جا بودن سرپیچی اش از فرمان سجده بر آدم دلیل آورده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

۱۲ - ابلیس خود را از مهتران و از موجودات بلندمرتبه و برتر از آدم (ع) می دانست .

أستكبرت أم كنت من العالين . قال أنا خير منه خلقتنى من نار و خلقته من طين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ابلیس در پاسخ به سؤال خداوند که: <تو متکبری یا از مهتران و عالی رتبگانی؟> خود را از مهتران و برتر از آدم معرفی کرد.

بینش ابو لهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۲ - ۲

۲ - ابولهب ، ثروت و موقعیت های اکتسابی خویش را ، نجات بخش از تهدید های الهی می دانست .

ما أغنى عنه ماله و ما كسب

بینش اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۸،۱۱

۸ - حاضران صحنه قیامت ، خداوند را محشور کننده انسان ها و اختیاردار قوای درک و فهم آنان می دانند .

لم حشرتنى أعمى

۱۱ - در دیدگاه حاضران صحنه قیامت بدن انسان در آن جا ، باید با بدنی دنیایی او هماهنگ باشد .

لم حشرتنى أعمى و قد كنت بصيرًا

بینش اسماعیل(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵

- صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۸

۱۸ - اسماعیل (ع) صبر و شکیبایی خود را در قربانی شدن به دست پدر ، منوط به مشیت خدا دانست .

یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

بینش اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۱۰،۱۱

۱۰ - بشر بودن و خوردن و آشامیدن همانند انسان ها ، مانع از رسالت در نظر اشراف و عناصر مرفه

ما هذا إلّا بشر مثلکم یأکل ممّا تأکلون منه و یشرب ممّا تشربون

۱۱ - توجه اشراف به خوردن و آشامیدن و غفلت آنان از فضایل علمی و معنوی مردان الهی

ما هذا إلّا بشر . .. و یشرب ممّا تشربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۴ - ۲،۳

۲ - پیروی از پیامبر ، کاری زیانبار در بینش اشراف و عناصر رفاه زده

و لئن أطعتم . .. إنّکم إذًا لخسرون

۳ - اعتقاد اشراف به لزوم برتری پیامبر بر مردم و داشتن جنسیتی غیر بشری

و لئن أطعتم بشرًا مثلکم إنّکم إذًا لخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۵ - ۲

۲ - تبدیل دوباره خاک و استخوان به شکل انسان و دمیده شدن حیات در آن ، امری غیر قابل قبول برای اشراف کفر پیشه

أیعدکم . .. أنّکم مخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۷ - ۳

۳ - دنیا و صحنه آمد و شد نسل ها و آفرینش آنها ، فاقد کمترین هدف و

فرجام در بینش اشراف و مرفهان کفرپیشه

نموت و نحیا

مقصود از <نموت و نحیا> (می میریم و زنده می شویم) این است که نسلی می میرد و نسلی پدید می آید.

بینش اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۸

۸ فرعون و اطرافیانش ، قدرت و مکنت خود را ، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند .

قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۷ - ۱

۱ - فرعون و اشراف دربار او ، منکر صلاحیت بشر برای دستیابی به مقام رسالت الهی

فقالوا أنؤمن لبشرین مثلنا

همزه در <أنؤمن> برای استفهام انکاری است. <قوم> به معنای طایفه و <عباده> (مصدر <عابدون>) در این آیه، به معنای خدمت گذاری است.

بینش اشراف قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۷ - ۱

۱ - در دیدگاه اشراف و عناصر مرفه جامعه پس از نوح ، زندگی انسان محدود به زندگی دنیایی بود .

إن هی إلّا حیاتنا الدنیا . .. و ما نحن بمبعوثین

<بعث> (مصدر مجهول <مبعوثین>) به معنای بر انگیخته شدن است.

بینش اشراف قوم عاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۷ – ۱

۱ – در دیدگاه اشراف و عناصر مرفه جامعه پس از نوح ، زندگی انسان محدود به زندگی دنیایی بود .

إن هی إلاّ حیاتنا الدنیا . .. و ما نحن بمبعوثین

<بعث> (مصدر مجهول <مبعوثین>) به معنای

بر انگیخته شدن است.

بینش اشراف قوم فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۶

۶ موسی (ع) و قوم او در پندار اشرافیان و فرعونیان ، مردمی فسادگر بودند .

أتذر موسی و قومه لیفسدوا فی الأرض

بینش اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۰ - ۲،۳

۲ اشراف و سرشناسان قوم نوح وی را در احاطه گمراهی های آشکار می پنداشتند .

قال الملأ من قومه إنا لنریک فی ضلل مبین

۳ ایمان به یگانگی خداوند و لزوم پرستش او و باور به معاد ، پندارهایی باطل و واهی در دیدگاه اشراف قوم نوح

قال الملأ من قومه إنا لنریک فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۲،۶،۱۱،۱۲،۱۳

۲ سران کفرپیشه قوم نوح ، بشر را شایسته رسالت نمی پنداشتند .

فقال الملأ . .. ما نریک إلاّ بشرًا مثلنا

۶ توده های غیر مرّفه ، مردمی پست و حقیر در دیدگاه اشراف قوم نوح

ما نریک اتبعک إلاّ الذین هم أراذلنا

أرذل (مفرد أراذل) به معنای پست و حقیر می باشد.

۱۱ اشراف قوم نوح ، ایمان توده های مستضعف را ایمانی سطحی و برخاسته از خوش باوری و عدم تفکر می شمردند .

ما نریک اتبعک إلاّ الذین هم أراذلنا بادی الرّأی

<بـادی> از <بـدوّ> و به معنـای ظـاهر است. <ظاهر الرأی>; یعنی، دیـد سـطحی و انـدیشه خالی از تفکر و تأمل. <بادی الرأی> می تواند ظرف برای <اتبعک> باشد. براین اساس معنای جمله <مانریک ...> چنین

است: می بینیم که أراذل از تو پیروی کرده اند و پیروی آنان سطحی و بدون تأمل در درستی و نادرستی ادعای تو بوده است.

۱۲ حقارت و پستی مؤمنان به نوح (ع) ، امری آشکار و روشن در نظر اشراف و سران قوم نوح

ما نریک اتبعک إلّا الذین هم أراذلنا بادی الرّأی

برداشت فوق، براساس این احتمال است که <بادی الرأی>ظرف برای مضمون جمله <هم أراذلنا> باشد; یعنی ، در یک نگاه ظاهری می توان دریافت که پیروان تو، مردمی پست و حقیرند.

۱۳ اشراف و سران قوم نوح ، با این پندار که او و پیروانش هیچ مزیت و فضیلتی بر آنان ندارند ، ادعاهایشان را شایسته پذیرش نمی شمردند .

و ما نری لکم علینا من فضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ اشراف و سران قوم نوح ، به معارف الهی تمایلی نشان نمی دادند و از آن بیزار و متنفر بودند .

و أنتم لها کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۳

۳ دستیابی به مال و دارایی مردم به بهانه پیامبری ، تحلیل نابخردانه سران و اشراف قوم نوح از ادعای نبوت و رسالت آن حضرت

و یقوم لاأسئلکم علیه مالاً

از اینکه نوح(ع) در پاسخ به قوم خویش ، مطرح می سازد که کمترین مالی از آنان مطالبه نمی کند ، معلوم می شود که کفرپیشگان چنین اتهامی را متوجه او کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۲،۹،۱۰

سران قوم نوح ، او را به دلیل ملک نبودن و دسترسی نداشتن به گنجینه های هستی و نداشتن علم غیب ، لایق مقام پیامبری نمی دانستند .

و لا أقول لکم عندی خزائن الله . .. و لا أقول إنی ملک

به نظر می رسد جمله های <لا أقول لکم . ..> ناظر به <ما نری لکم علینا من فضل> باشد و لذا اشاره به انتظارات نابه جای قوم نوح ، از مدعیان نبوت دارد.

۹ تهی دستان و مستضعفان جامعه ، در نظر ظاهر بین اشراف قوم نوح ، مردمی پست و حقیر

و لاأقول للذین تزدری أعینکم لن یؤتیهم الله خیراً

إزدراء (مصدر تزدری) به معنای حقیر شمردن و ناقص و معیوب دانستن است (لسان العرب). مفعول <تزدری> ضمیر محذوفی است که به <الذین> برمی گردد و مراد از آن، پیروان حضرت نوح می باشد. یعنی <الذین تزدریهم أعینکم> (آنان که چشمان شما ایشان را حقیر و ناقص و معیوب می بیند.) اسناد <تزدری> به <أعینکم> اشاره به ظاهربینی اشراف و سران دارد.

۱۰ سران و اشراف قوم نوح ، محرومان و مستضعفان را ، ناتوان از رسیدن به خیر و نیکی می پنداشتند .

لاأقول للذین تزدری أعینکم لن یؤتیهم الله خیراً

جمله <لن یؤتیهم الله خیراً> بیان اندیشه سران و اشراف قوم نوح درباره محرومان و تهی دستان جامعه است. این جمله با توجه به کلمه <لن> حکایت از آن دارد که: اشراف دستیابی محرومان را به خیر و نیکی ، نامحتمل می دانستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۴ – ۷،۹،۱۴

۷ – اعتقاد اشراف قوم نوح ، به

عدم صلاحیت بشر برای رسالت الهی

فقال الملؤا . .. ما هذا إلاّ بشر مثلکم

۹ - تنها فرشتگان ، شایسته رسالت الهی در بینش اشراف کافر قوم نوح

و لوشاء اللّه لأنزل ملئکه

<مشیئه> (مصدر <شاء>) به معنای خواستن و اراده کردن و <إنزال> (مصدر <أنزل>) به معنای فرو فرستادن است. <ملائکه>، جمع <ملك> (فرشتگان) می باشد; یعنی: <اگر خدا می خواست، قطعاً فرشتگانی فرو می فرستاد>.

۱۴ - اشراف مرتجع قوم نوح ، مدافع وضع موجود و مخالف دگرگونی و تحول

فقال الملؤا . .. ما سمعنا بهذا فی ءابائنا الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۹

۹ - برخورداری از امکانات مالی و اعتبار اجتماعی ، معیار ارزش افراد در نگاه اشراف جامعه نوح

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأرذلون

بینش اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۴

۴ سردمداران مشرکان مکه خود را همشأن پیامبر(ص) در استحقاق نزول وحی و کتاب آسمانی می دانستند.

أکبر مجرمیها . .. لن نؤمن حتی نؤتی مثل ما أوتی رسل الله

بینش اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۳

۳ - در دیدگاه اصحاب اخدود ، ایمان مردم ، جرمی سنگین و موجب کیفر سوزاندن بود .

ما یفعلون بالمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۸ - ۱،۷

۱ - اصحاب اخدود ، جز ایمان به خداوند ، هیچ یک از ویژگی های مؤمنان را ناپسند نمی شمردند .

و ما نقموا منهم إلّا

أن يؤمنوا

فعل <نَقَم>; یعنی، چیزی را به شدت ناپسند شمرد. (لسان العرب)

۷ - در دیدگاه اصحاب اخدود ، ایمان به خداوند جرمی سنگین و غیر قابل گذشت بود .

و ما نقموا منهم إلاّ أن يؤمنوا باللّه

بینش اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۲

۲ - بشر بودن ، مانع رسالت و پیامبری در دید مردم اَیکه

و ما أنت إلاّ بشر مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۷ - ۳

۳ - فرو ریختن قطعات آسمانی ، امری خارج از قلمرو قدرت شعیب (ع) در پندار مردم اَیکه

فأسقط علينا كسفًا من السماء إن كنت من الصدقين

بینش اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۶

۶- اصحاب کهف ، گروهی یکتاپرست و دارای معرفت به ربوبیّت یگانه خدا

فقالوا ربّنا ءاتنا من لدنک رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۶ - ۸

۸- اطمینان اصحاب کهف به برخورداری از رحمت الهی در صورت هجرت کردن از حاکمیّت شرک و جامعه مشرک

فأوُواْ إلی الکهف ینشر لکم ربّکم من رحمته

فعل <ینشر> در جواب امر قرار گرفته و جزا برای شرط مقدر است; یعنی <إنْ تأووا إلی الکهف ینشر. ..> و مفاد آن، حتمی بودن نشرِ رحمت الهی در صورت هجرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۵،۹

۵- خواب اصحاب کهف ، در نظر گروهی از آنان ، درنگی

یک روزه ، یا کمتر از آن بود .

قالوا لبثنا یومًا أو بعض یوم

حرف <أو> برای تردید است و منشأ تردید در <یوماً أو بعض یوم> این بود که گویندگان این سخن، با نگاه به جایگاه خورشید، مردّد ماندند که: <آیا شبی بر آن ها گذشته و در نتیجه یک شبانه روز در خواب بودند، یا هنوز در همان روزی به سر می برند که در آن به خواب رفتند؟>. براساس این تقریب، کلمه <یوماً> به معنای یک شبانه روز خواهد بود و به جز ساعات نزدیک غروب، هر لحظه ای از روز را می توان لحظه آغاز خواب آنان تصوّر کرد.

۹- گروهی از اصحاب کهف ، با اعتراف به ناتوانی خود از تشخیص مدّت خواب اندک بودن آن را احتمالی ناصحیح دانسته و گفتوگو درباره خواب را بی ثمر خواندند و تنها خداوند را به زمان دقیق آن آگاه دانستند .

قالوا ربّکم أعلم بما لبثتم

کلمه <ربّکم> قرینه بر این است که گویندگان جمله <ربّکم أعلم> افرادی غیر آن دسته بودند که گفتند: <لبثا یوماً. ..> زیرا، در غیر این صورت، گفتن <ربّنا> مناسب می نمود. آن ها، با بیان آگاهی خداوند، در حقیقت، همراهان خود را در حدس شان (لبثنا یوماً أو بعض یوم) تخطئه کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱،۱۲

۱- اصحاب کهف ، خود را در صورت اسارت به دست کافران ، محکوم به سنگ سار و یا مجبور به پذیرش آیین شرک می دیدند .

إنّهم إن یظهروا علیکم یرجموکم أو یعیدوکم فی ملّتهم

<ملّه> به معنای دین و آیین است و

جمله <یعیدوکم فی ملّتهم> یعنی: شما را به دین و آیین خود، برمی گردانند.

۱۲- اصحاب کهف ، ارتداد و پذیرش دوباره شرک را ، گناهی بزرگ و مانع سعادت جاودان خود می دانستند .

أو یعیدوکم فی ملّتهم و لن تفلحوا إذًا أبدًا

بینش اعراب جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۹ – ۲

۲ – دختر بودن فرزند در دیدگاه برخی از اعراب جاهلی موجب استحقاق قتل بود .

بأیّ ذنب قتلت

بینش اعراب دوران بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۲۸ – ۱۸

۱۸ – بَردگان ، در دید اعراب عصر بعثت ، فاقد هرگونه هویت و ارزش بودند .

هل لکم . .. تخافونهم کخیفتکم أنفسکم

از این که مشرکان، از ناحیه بردگان خویش، یا احساس نگرانی نداشتند و یا چندان قابل توجه نبود، استفاده می شود که آنان را دارای قدر و منزلت نمی دانستند.

بینش اقوام پیشین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۰ – ۲۶،۲۲،۲۰

۲۰– اقوام کافر گذشته ، انبیا را فاقد ویژگی ای می دانستند که پیروی از آنان را ایجاب کند .

قالوا إن أنتم إلّا بشر مثلنا

کـافران در جـواب انبیـا، آنـان را انسانهـاییماننـد خـود می دانسـتند و بـا ایـن مطلـب، درصـدد بیـان این نکته بودنـد که انبیـا، موجوداتی برتر از آنها نبوده و در نتیجه ویژگی لازم را برای پیامبری ندارند.

۲۲- اقوام کافر گذشته ، دعوت انبیا را به خداپرستی تلاشی برای خارج کردن معبودهایشان از صحنه می دانستند و با آن به مخالفت

برمی خاستند .

تریدون أن تصدّونا عمّا کان یعبد ءاباؤنا

۲۶- تداول و تداوم عقیده ای در میان چند نسل ، دلیل قابل قبول بودن آن از دیدگاه کافران اقوام پیشین

تریدون أن تصدّونا عمّا کان یعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱

۱- انبیا در مقابل اقوام کافر که بشر بودن را با مقام پیامبری منافی می دانستند ، بر بشر بودن خود تأکید می کردند و عدم تنافی آن را با مقام نبوت اعلام می داشتند .

قالوا إن أنتم إلّا بشر مثلنا . .. قالت لهم رسلهم إن نحن إلّا بشر مثلکم و لکنّ ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۵

۵- اقوام کافر ، عقاید خود را آیین و شریعتی قابل پیروی می دانستند .

أو لتعودنّ فی ملّتنا

بینش انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۹

۹ - آموزش کتاب آسمانی ; یادگیری حکمت ، احکام و معارف الهی و زدودن آلودگی ها و ناپاکی ها از خویشتن ، دارای جایگاهی رفیع و ارجمند در دیدگاه پیامبران الهی

ربنا وابعث فیهم رسولا منهم یتلوا . .. یزکّیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۵،۱۱

۵- انبیای الهی ، برگزیدگی خویش را از سوی خداوند به مقام پیامبری ، نعمتی بزرگ از سوی او بر خود می دانستند .

و لکنّ الله یمنّ علی من یشاء من عباده

۱۱- انبیا در مقابل درخواست معجزه از سوی اقوام کفرپیشه ،

خود را جز به اذن خداوند ، فاقد توانایی لازم برای آن می دانستند .

و ما کان لنا أن نأتیکم بسلطن إلاّ بإذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۲ - ۳

۳- همه انبیا خود را مدیون هدایت خاص خداوند می دانستند .

و قد هدینا سبلنا

بینش انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۹ - ۱

۱ - پیامبران مردم انطاکیه ، بدبختی و زندگی شوم آنان را ناشی از عمل کرد خود مردم دانستند ، نه ناشی از تذکرات شان به آنان

قالوا طئرکم معکم أئن ذکّرتم

همزه در جمله <أئن ذکّرتم> برای استفهام است و فعل مجزوم <ذُکِّر> فعل شرطی است که خبر آن مقدر می باشد و تقدیر آن، یا <أتشأمون بالتذکر إن ذکرتم> و یا <أتتوعدون إن ذکرتم> است. برداشت یاد شده براساس تقدیر نخست می باشد.

بینش انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۵

۵ - بینش انسان ، رفتارساز و شکل دهنده کردار او است .

لیطغی . أن رءاه استغنی

بینش انسان کامل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۳ - ۵

۵- اولیای خداوند و افراد کامل ، خطای خود را در صورت فراموشی نیز مایه استحقاق مؤاخذه می دانند .

لاتؤاخذنی بما نسیت

در خواست موسی از خضر(ع) مبنی بر مؤاخذه نشدن، دال بر آن است که خطا، حتی در صورت نسیان نیز قابلیت مؤاخذه دارد.

بینش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - انسان ها ، آسودگی و برخورداری از نعمت ها را ، نتیجه دانش و تلاش خود می دانند .

ثمّ إذا خوّلنه نعمه منّا قال إنّما أُوتیته علی علم

بینش اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۳ - ۵

۵- اولیای خداوند و افراد کامل ، خطای خود را در صورت فراموشی نیز مایه استحقاق مؤاخذه می دانند .

لاتؤاخذنی بما نسیت

در خواست موسی از خضر(ع) مبنی بر مؤاخذه نشدن، دال بر آن است که خطا، حتی در صورت نسیان نیز قابلیت مؤاخذه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۵ - ۴

۴- مردان الهی ، در اوج قدرت و توانایی ، از خداوند و ولیّ نعمت خود غافل نیستند .

قال ما مکّنّی فیه ربّی خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۶

۶ - علم ، فضیلتی راستین در بینش مردان الهی

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا و قالا الحمد للّه الذی فضّلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۹ – ۲۳

۲۳ – شکوه و اقتدار مادی ، رنگ باخته و غیرقابل اتکا در مقایسه با مقام صالحان ، در نزد مردان الهی

و أدخلنی برحمتک فی عبادک الصلحین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که سلیمان(ع) با داشتن همه امکانات، باز آرزوی مقام صالحان را داشت.

بینش اهالی جزیره العرب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳

- قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۱۱

۱۱ - مکه ، مکانی مقدس و محترم برای مردم جزیره العرب

أوَلم نمکّن لهم حرمًا ءامنًا

مکه از آن جهت <حرم> نام گرفته که مورد حرمت و احترام مردم آن دیار بوده است.

بینش اهالی جزیره العرب و کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳ - حرمت و قداست کعبه در نزد مردم جزیره العرب مانع از تجاوز دیگران به مکه و برهم زدن امنیت و آرامش ساکنان آن

أوَلم نمکّن لهم حرمًا ءامنًا

بینش اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۵ - ۱،۲،۳،۵،۶،۹

۱ - مردم انطاکیه ، پیامبران الهی را انسان هایی همانند خود می دانستند و هیچ برتری و امتیازی برای آنان قائل نبودند .

قالوا ما أنتم إلّا بشر مثلنا

تصریح مردم انطاکیه به مثل و مانند خود بودنِ پیامبران، بیانگر نکته یاد شده است.

۲ - مردم انطاکیه ، مسؤولیت پیامبری را در شأن انسان نمی دانستند و او را شایسته تلقی وحی از جانب خداوند نمی انگاشتند .

قالوا ما أنتم إلّا بشر مثلنا

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام بیان علل و انگیزه های تکذیب رسولان الهی از جانب مردم است; همان طور که به این نکته در ذیل آیه تصریح شده است: <ما أنزل الرحمان من شیء إن أنتم إلّا تکذبون>.

۳ - انسان بودن ، دلیل رد رسالت رسولان و نادرستی ادعا های آنان ، در دیدگاه مردم انطاکیه

قالوا ما أنتم إلّا بشر مثلنا

۵ – مردم انطاکیه ، نزول چیزی را

از ناحیه خداوند رحمان برای عالم دنیا و پدیده های آن (انسان و . . .) ، ممکن نمی دانستند .

و ما أنزل الرحمن من شیء

۶ - مردم انطاکیه ، نزول وحی و آمدن پیامی از جانب خدای رحمان بر پیامبران فرستاده شده به سوی خویش را ، انکار می کردند .

و ما أنزل الرحمن من شیء

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که چون آیه شریفه در مقام بیان علتِ انکار وحی از سوی کافران است، مقصود از <شیء> همان وحی خواهد بود.

۹ - فرستادن پیامبران ، همراه با پیامِ تکلیف آفرین ، مخالف رحمانیت خداوند در دیدگاه مردم انطاکیه بود .

و ما أنزل الرحمن من شیء

برخی از مفسران برآنند که ذکر رحمانیت خداوند از سوی مردم انطاکیه، می تواند به این جهت باشد که آنان، فرستادن پیامبر را ناسازگار با رحمانیت خدا می پنداشتند؛ زیرا آمدن پیامبران نوعاً همراه با تکلیف بوده و آنان این کار را با رحمانیت خدا ناسازگار می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۸ - ۱،۳

۱ - مردم انطاکیه ، آمدن پیامبران را برای خود به فال بد گرفته و وجودشان را مایه شرّ و بدبختی می پنداشتند .

قالوا إنّا تطيّرنا بكم

مقصود از <بکم> می تواند وجود خود پیامبران و یا دعوت و پیام آنان باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

۳ - مردم انطاکیه ، دعوت و پیام پیامبران را به فال بد گرفته و آن را مایه شر و بدبختی خود می دانستند .

قالوا إنّا تطيّرنا بكم

بینش اهل کتاب

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۰،۱۱

۱۰ - تلاش تبلیغاتی اهل کتاب علیه اسلام و مسلمانان ، حتی دردیدگاه خودشان نیز ریشه مکتبی و دینی نداشت . *

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم . .. من عند أنفسهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <من عند أنفسهم> متعلق به <ودّ کثیراً> باشد; یعنی، اهل کتاب از پیش خود و نه از روی احساس مسؤولیت دینی، در صدد بازگرداندن مسلمانان از اسلام بودند.

۱۱ - ایمان به پیامبر (ص) حتی در دیدگاه اهل کتاب ارزشمند بوده و کمال محسوب می شده است .

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً حسداً

برانگیخته شدن حسد در انسان به هنگامی است که محسود را برخوردار از نعمتی مادی یا کمالات انسانی ببیند. بنابراین در نظر اهل کتاب - که بر ایمان مسلمانان به پیامبر(ص) رشک می بردند - باید ایمان، نعمت و کمالی ارجمند می بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۹ - ۲

۲ - اهل کتاب ، بر این باور بودند که آنان تنها قوم صاحب فضیلت و شایسته نبوت اند .

لئلّایعلم أهل الکتب ألّایقدرون علی شیء

بینش اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۸

۸ پایبندی جوامع به آرا و آداب باطل پیشینیان ، مانع بروز اندیشه های نو و برحق در میان آنان است .

أن نترک ما یعبد ءاباؤُنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۳،۴،۵،۶،۱۱ - ۹۱

۳ مردم مدین ، بسیاری از تعالیم شعیب (ع) را ، سخنانی سخیف و بی فایده می شمردند و شایسته اعتنا کردن نمی دانستند .

ما نفقه کثیرًا مما تقول

مراد از جمله <ما نفقه . ..> (بسیاری از سخنانت را نمی فهمیم) می تواند معنای حقیقی آن باشد; یعنی، واقعاً توان درک تعالیم تو را نداریم، مسأله توحید برای ما لاینحل است، محدود دانستن مالک در تصرف اموال خویش قابل هضم نیست و ... و می تواند کنایه از نامعقول بودن و نا به جا و بی ثمر بودن باشد; یعنی، پیامهای تو آن قدر سخیف است که شایسته تأمّل کردن و فهمیدن و عمل کردن نیست. برداشت فوق، ناظر به احتمال دوم است.

۴ شعیب (ع) در نظر مردم مدین ، به خاطر نداشتن پشتیبان و یاور ، ضعیف و ناتوان بود .

و إنا لنریک فینا ضعیفًا

کلمه <فینا> (در میان ما) گویای این است که مردم مدین حضرت شعیب(ع) را در قیاس با مخالفانش ناتوان می شمردند; نه اینکه او را شخصی ضعیف و ناتوان بدانند و لذا در برداشت <به خاطر نداشتن یاور> آورده شد.

۵ مردم مدین ، نفوذ پیام های شعیب (ع) در مردم و پیاده کردن رسالتهایش در جامعه را ، نامحتمل شمردند .

قالوا یشعیب ما نفقه کثیرًا مما تقول و إنا لنریک فینا ضعیفًا

جمله <ما نفقه . ..> به ضمیمه <و إنا لنراک ...> در حقیقت استدلالی است بر نامحتمل دانستن موفقیت شعیب(ع). مردم مدین با جمله های فوق، بیان می دارند که: آنان سخنان شعیب(ع) را درک نمی کنند و به آنها اعتنایی

ندارنـد تـا به او رایش پیـدا کننـد. و خود او نیز توان و قـدرتی نـدارد تـا بـا قوّه قهریه، افکار و آرایش را بر مردم تحمیل کنـد. بنابراین راهی برای موفقیت او نیست.

۶ شعیب (ع) ، در دیدگاه مردم مدین مستحق کیفر و مجازات و سنگسار شدن بود .

و لولا رهطک لرجمنک

۱۱ مردم مدین ، شـعیب (ع) را به خاطر مبارزه اش علیه شـرکورزی و بی عدالتی ، فاقد کرامت دانسـته و شایسـته احترام نمی شمردند .

و ما أنت علینا بعزیز

<عزیز> به معنای محترم و بزرگوار و نیز به معنای شکست ناپذیر می باشد. مراد از آن در آیه شریفه معنای اول است.

بینش اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۱۶

۱۶ - هشدار دادن به مردم از عذابی که در پیش رو دارند ، در نگاه مردم مکه سخن جنون آمیز تلقی می شد .

ثمّ تتفکّروا ما بصاحبکم من جِنّه إن هو إلاّ نذیر لکم بین یدی عذاب شدید

بینش بادیه نشینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۱

۱ گروهی از بدویان بی فرهنگ در عصر بعثت ، انفاق (زکات و صدقات) را غرامت و تاوان تلقی می کردند .

و من الأعراب من یتخذ ما ینفق مغرماً

بینش باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۶

۶ کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

و إذا

فعلوا فحشه قالوا . .. الله أمرنا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲ - ۱

۱ - آسوده داشتن خاطر ، از ناحیه خداوند ، به صِرف اظهار ایمان ، و پندار آزمون نشدن از سوی او ، خیالی باطل است .

أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا ءامنّا و هم لايفتنون

استفهام در <أحسب. ..> برای انکار اِبطالی است و منظور از آن، مردود دانستن پندار کسانی است که احساس می کنند، به صِرف اِظهار ایمان زبانی، رها خواهند شد و آزموده نخواهند گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۲

۲ - پندار بدکاران در سیطره و غلبه بر دین خدا ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذين يعملون السيّئات أن يسبقونا

بنابراین احتمال که مراد از <سبقت از خدا>، پشت سر نهادن دین خدا باشد که کنایه از مغلوب ساختن آن است، نکته بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۶

۶ - برتری پسران و مردان بر دختران و زنان ، اندیشه ای پوچ و فاقد دلیل و برهان قطعی و روشن

فليأت مستمعهم بسلطن مبين . أم له البنت و لكم البنون

یادآوری برتر دانستن پسر بر دختر از سوی مشرکان، پس از بیان پوچی و بی پایگی عقاید آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۱

۲۱ - برابر دانستن مؤمنان مجاهد و انفاق گر قبل

از فتح مکه ، با مجاهدان و انفاق گران بعد از آن ، از نظر مقام و منزلت در پیشگاه خداوند ، پنداری باطل است .

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۲۱

۲۱ - پندار تأمین بعضی منافع از طریق روابط سرّی با دشمنان دین ، پنداری باطل و بی فرجام *

و من یفعله منکم فقد ضلّ سواء السبیل

برداشت یاد شده با توجه به شأن نزول آیه شریفه است; یعنی، برقراری ارتباط برخی از مسلمانان با دشمن، به انگیزه حفظ منافع; نه خیانت به مسلمانان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - خودپسندی و احساس شرافت مندی بر اثر ثروت ، حالتی نکوهیده و ناشایست است .

فیقول ربّی أکرمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۱

۱ - ثروت و منزلت ، نشانه برتری نیست و برتر پنداشتن خویش بر دیگران به جهت آن ، پنداری ناروا است .

کلاّ

حرف <کلاّ>، مطالب قبل خود را منتفی می داند و مخاطب را از باور داشتن آن باز می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۱

۱ - مؤثر دانستن ثروت ، در جاودانگی و رهایی از نابودی و مرگ ، پنداری نادرست و ناروا است .

أخلده . كلّا

حرف <كلّا>، مخاطب را از پذيرش گفتارهاى بيان شده در جملات پيش، بازمى دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۲

۲ - گزاف و بی هدف شمردن آفرینش انسان ، پنداری غلط و ناروا

أفحسبتم أنّما خلقنکم عبثًا

بینش باطل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۳ - ۱

۱ - آراسته نبودن موسی (ع) به دستبند های زرین ، دلیل بطلان رسالت او از نظر فرعون

فلولا أُلقی علیه أسوره من ذهب

<أسوره> (جمع <سوار>) به معنای دستبندها است.

بینش باطل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۵ - ۸

۸ - پندار باطل مشرکان ، در امتیاز آنان بر دیگران و بی نیازی از هدایت و ارشاد *

أم خلقوا من غیر شیء

معنای <أم خلقوا من غیر شیء>، می تواند این باشد که آیا مشرکان مکه، خود را تافته جدابافته ای در آفرینش می بینند که دیگران نیاز به هدایت دارند و اینان بی نیازند؟! بر این مبنا تقدیر آیه شریفه چنین می شود: <أم خلقوا من غیر شیء خلق منه غیرهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۱۹،۲۰

۱۹ - خداوند هستی ، منزّه از پندار های ناروا و نادرست مشرکان درباره او

سبحن اللّه عمّا يشركون

۲۰ - مشركان ، داراى پندار هاى نادرست و غلط از خداوند و صفات او

سبحن اللّه عمّا يشركون

بينش باطل مكذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۱ - ۱

۱ - انسان در ديدگاه منكران معاد ; پس از مرگ نابود شده و از او چيزى

جز استخوان های پوسیده باقی نمی ماند .

أءذا کنّا عظمًا نخره

<نَخیر>; یعنی، صدای بینی و <نخره> به استخوان کهنه و پوسیده ای گفته می شود که با اندک تماسی از هم بپاشد و چنانچه قدری از آن باقی باشد به گونه ای که با وزش باد به صدا درآید به آن <ناخر> می گویند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۲ - ۲

۲ - منکران معاد ، حیات دوباره انسان ها را پس از مرگ ، حیاتی بی ثمر و سراسر زیان وانمود می کنند .

قالوا تلک إذًا کرّه خاسره

<کرّه>; یعنی، رجوع. نسبت دادن زیان کاری به رجوع نه رجوع کنندگان مبالغه در ترسیم زیان کاری است.

بینش باطل منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۸

۸ - منافقان می پندارند ، در قیامت نیز می توان از سوگند دروغ بهره جست و خود را از مهلکه نجات داد .

فیحلفون له . .. و یحسبون أنّهم علی شیء

کلمه <شیء> در <أنّهم علی شیء> موصوف صفت محذوف است و تقدیر آن <علی شیء نافع> می باشد; یعنی، منافقان می پندارند که چیز مفیدی در اختیار دارند (مقصود سوگند دروغ است).

بینش باطل ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۳

۳ - قرآن ، در دیدگاه غرض آلود ولیدبن مغیره ، سحری برگرفته شده از ساحران پیشین بود .

فقال إن هذا إلّا سحر یؤثر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است

که <یؤثر> از ماده <أثر> (روایت و مطلب نقل شده از پیشینیان) باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۵ – ۱

۱ – قرآن ، در نظر غرض آلود ولیدبن مغیره ، ساخته و پرداخته انسان است .

إن هذا إلاّ قول البشر

بینش باغدار متکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۵ – ۷

۷– ثروت مند مغرور ، باغ و بوستان و نعمت های خود را جاودانه و فناناپذیر می پنداشت .

قال ما أظنّ أن تبید هذه أبدًا

<تبید> از <بید> به معنای هلاك و نابود شدن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۶ – ۲،۹،۱۰

۲– به گمان مرد ثروت مند ، عاملی که می توانست باغ ها و کشت زار او را نابود ، کند قیامت بود .

ما أظنّ أن تبید هذه أبدًا . و ما أظنّ الساعه قائمه

تناسب پایان آیه قبل و شروع این آیه را می توان این گونه بیان کرد که مرد ثروت منـد، گمان نابودی اموال خود را نـداشت. سخن از قطعی نبودن قیـامت نیز، پاسـخی از جـانب او به این سؤال است که: <بـا قیامت چه خواهی کرد که همه چیز را درهم می ریزد؟> او برای پاسخ به این مشکل می گوید: <و ما أظنّ الساعه قائمه ...>.

۹– رفاه مند مغرور ، به برخورداری از عاقبتی نیکوتر و نعمت هایی برتر در صورت برپایی قیامت مطمئن بود .

ولئن رُددتُّ إلی ربّی لأجدنّ خیرًا منها منقلبًا

۱۰– مرد رفاه مند مغرور ، به محبوبیّت خود نزد

خدا ، اطمینان داشت .

ولئن رُددتُّ إلی ربّی لأجدنّ خیرًا منها منقلبًا

اضافه <ربّ> به ضمیر متکلم، نشانه آن است که گوینده، خود را به <ربّ>، بسیار نزدیک می داند; چرا که او را <ربِّ> خود می داند و فاصله ای بین خود و پروردگار خویش از نظر معنوی نمی بیند. این نکته و نیز اطمینان به آخرتی برتر، نشان می دهد که ثروت مند مغرور خود را محبوب خدا می دید.

بینش بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۳ - ۵

۵- بت ها ، فاقد قدرت نطق و کلام ، حتی در اعتقاد بت پرستان

فسلوهم إن کانوا ینطقون

بینش بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۲

۲ - پندار بدکاران در سیطره و غلبه بر دین خدا ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

بنابراین احتمال که مراد از <سبقت از خدا>، پشت سر نهادن دین خدا باشد که کنایه از مغلوب ساختن آن است، نکته بالا قابل استفاده است.

بینش برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۲،۱۳

۱۲ برادران یوسف به دلیل نیرومندی و کارآمد بودنشان ، خویش را به محبت پدرشان یعقوب سزاوارتر می دیدند .

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا منا و نحن عصبه

۱۳ محبت فراوان يعقوب (ع) به يوسف (ع) و بنيامين ، خطا و لغزشى روشن از ديدگاه ديگر فرزندان او

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب

. .. إن أبانا لفی ضلل مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹ – ۴،۵،۷،۸،۹،۱۰

۴ برادران یوسف ، نبود وی در میان خانواده را ، مایه توجه کامل یعقوب (ع) به آنان می پنداشتند .

اقتلوا یوسف . .. یخل لکم وجه أبیکم

<یخل لکم وجه أبیکم> (خالی شود صورت پدرتان برای شما) کنایه از آن است که توجه و اقبال او از یوسف(ع) منقطع می شود و تنها برای شما خواهد بود. فعل <یخل> جواب امر (اقتلوا) و (اطرحوه) است و با <إن> شرطیه مقدر مجزوم شده است ; یعنی: <إن تقتلوه أو تطرحوه یخل لکم ...>.

۵ برادران یوسف در صورت نبود او ، بنیامین را رقیب خویش در جلب محبت یعقوب (ع) نمی دیدند .

لیوسف و أخوه أحب . .. اقتلوا یوسف ... یخل لکم وجه أبیکم

برادران یوسف از محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) و نیز بنیامین در رنج بودند ; ولی با از میان بردن یوسف(ع) مشکل را حل شده می دانستند. بنابراین چنین می پنداشتند که بنیامین ، نمی تواند مانع توجه کامل یعقوب(ع) به آنان باشد.

۷ برادران یوسف حضور او در نزد یعقوب را ، مایه تلخ کامی و نابسامانی خویش می دانستند .

اقتلوا یوسف . .. تکونوا من بعده قومًا صلحین

۸ برادران یوسف ، صلاح امور خویش و بهبود وضعیت خود را در کشتن و یا تبعید او می پنداشتند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

مراد از صلاح در <قوماً صالحین> صلاح امور دنیوی است ; زیرا ظاهر آن است

که فعل مضارع <تکونوا> عطف بر <یخل> و جواب امر <اقتلوا> و <اطرحوه> می باشد. بر این اساس جمله <تکونوا ...> چنین معنا می شود: اگر یوسف را بکشید و یا تبعیدش کنید، امور شما اصلاح می شود و بدبختی از شما برطرف می گردد.

۹ برادران یوسف ، بر آن بودند که پس از کشتن یا تبعید او ، توبه کرده و درستکار شوند . *

اقتلوا یوسف . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

در برداشت فوق، صلاح در <قوماً صالحین> صلاح دینی و اخلاقی گرفته شده است. این احتمال مبتنی بر این است که <واو> در <و تکونوا> به معنای مع و <تکونوا> منصوب به <أن> مقدر باشد. بر این اساس <اقتلوا یوسف ... و تکونوا من بعده قوماً صالحین> چنین معنا می شود: یوسف را بکشید، ولی با این قید و شرط که پس از آن با توبه به درگاه خدا، مردمی صالح و درستکار باشید.

۱۰ برادران یوسف ، کشتن یا تبعید او را گناه می شمردند و به ناروا بودن آن معترف بودند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۴ - ۵

۵ برادران یوسف در حضور پدر نابودی یوسف (ع) را برای خود ، امری خسارت بار و تباه کننده قلمداد کردند .

إنا إذًا لخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۶

۶ یوسف (ع) در نزد برادرانش ، شخصی بی مقدار و کم ارزش بود . *

و

کانوا فیه من الزهدین

در برداشت فوق ، ضمیر در <کانوا> به برادران یوسف باز گردانده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱،۴

۱ فرزندان یعقوب ، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه . .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

۴ فرزندان یعقوب ، ضمن تعیین مجازات سارق تصریح کردند که خصوص سارق (کسی که جام شاهی در اثاثیه اش یافت شود) مسؤول شناخته می شود نه همه افراد کاروان

قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

فرزندان یعقوب در مقام پاسخ به این پرسش که <فما جزؤه> کافی بود که بگویند: <هو جزؤه> ; ولی از آن جا که همه کاروان به سرقت متهم شدند (أیّتها العیر إنکم لسرقون) لازم دانستند که با جواب تفصیلی (جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه) بیان کنند که همه کاروان مسؤول نیستند ; بلکه تنها آن کس که جام شاهی در اثاثیه اش یافت شود، مسؤول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۵،۷

۵ برادران یوسف بر$ این باور بودند که یوسف (ع) از میان رفته و نابود شده است .

فقد سرق أخ له من قبل

<من قبل> می تواند متعلق به <سرق> باشد. بر این اساس جمله <فقد سرق ...> چنین

معنا می شود: او برادری داشت که پیش از این دزدی کرده بود. همچنین می تواند متعلق به مضمون <أخ له> باشد. بر این مبنا جمله چنین معنا می شود: او پیشتر برادری داشت که دزدی کرده بود. بر این فرض قید <من قبل> حاکی است که برادران یوسف می پنداشتند که یوسف(ع) از میان رفته است.

۷ فرزندان یعقوب گرایش بنیامین به دزدی را از ناحیه مادر وی دانسته و او را منشأ پیدایش ناهنجاری فرزندانش شمردند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

جواب شرط (إن یسرق) جمله ای محذوف است و جمله <فقد سرق . ..> - از باب آمدن سبب به جای مسبب - جانشین جواب می باشد. بنابراین جمله <إن یسرق ...> چنین معنا می شود: اگر او دزدی کرد خلاف انتظار نیست; زیرا برادر مادری اش نیز دزدی کرده بود پس دزدی آنان ریشه مادری دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۸

۱۸ عزیز مصر (یوسف) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس ، خیرخواه و اهل جود و کرم بود .

فأوف لنا الکیل و تصدق علینا إن الله یجزی المتصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۶

۶ اعتقاد و باور برادران یوسف به خدادادی بودن مقام و منزلت برتر او

لقد ءاثرک الله علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۵

۵ فرزندان یعقوب به تقرّب وی در نزد خداوند باور داشته و بدان معترف بودند .

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

بینش برده داران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۱ - ۵،۶

۵- برده داران ، هیچ گاه برده های خود را در امکانات فراوان اقتصادی و معیشتی خویش ، شریک نمی سازند و خود را با آنان مساوی و برابر نمی دانند .

فما الذین فضّلوا برادّی رزقهم علی ما ملکت أیمنهم فهم فیه سواء

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که آیه در صدد بیان یک حکم اقتصادی درباره بردگان نباشد; بلکه برای بیان یک واقعیت خارجی و ارتباط آن با مسأله شرک باشد. بر این اساس پیام آیه چنین می شود: شما که بردگان را با خود برابر نمی دانید، پس چطور برخی از بندگان خدا را با خدا برابر می دانید و آنها را شریک او می پندارید؟

۶- برده داران ، خود را با برده ها برابر نمی دانند و هرگز از برده داری دست برنمی دارند .

فما الذین فضّلوا برادّی رزقهم علی ما ملکت أیمنهم فهم فیه سواء

بینش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۲

۲ - قوم موسی ، بر این باور بودند که گاو مورد نظر برای ذبح و حل معمای قتل ، باید ویژگی های منحصر به فرد داشته باشد .

إن البقر تشبه علینا

<تشابه> به معنای همانند بودن است و چون با <علی> متعدی شده، متضمن معنای التباس و اشتباه نیز هست. بنابراین <إن البقر ...>; یعنی، آن گاو توصیف شده به میانسالی و زرد رنگی، مصادیق زیادی دارد که همگی مشابه یکدیگرند و این موجب می شود که

نـدانیم کـدامین را انتخاب کنیم. این جمله از قوم موسـی، حکایت از آن دارد که: آنان گمان داشـتند گاو مورد نظر برای ذبح باید به گونه ای توصیف شود که تنها یک فرد داشته باشد تا همانندی از بین برود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۶

۶ - قوم موسی ، ویژگی های اولیه گاوی را که باید ذبح می شد ، نارسا پنداشـته و موسی (ع) را به کوتاهی در بیان حقیقت متهم کردند .

قالوا الئن جئت بالحق

مفهوم کلاـم قوم موسـی (الآـن . ..; هم اکنون حق را به تمامی بیان کردی) این است که: وی قبل از ذکر اوصاف یاد شـده در این آیه، حق را به طور کامل بیان نکرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۵

۵ - موسی (ع) ، شخصیتی برجسته تر از هارون (ع) در دیدگاه بنی اسرائیل

و لقد قال لهم هرون . .. قالوا لن نبرح علیه عکفین حتّی یرجع إلینا موسی

بی اعتنـایی به گفته های هارون و مؤثر خوانـدن رجوع موسـی(ع)، حاکی از تفاوت شخصـیت آن دو در دیـدگاه بنی اسـرائیل است.

بینش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۶

۶ - تأکید بهشتیان ، به نقش عملکرد دنیوی آنان در سعادت اخروی ایشان

قالوا إنّا کنّا قبل فی أهلنا مشفقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۴

۴ - بهشتیان ،

قدردان لطف الهی اند ; نه مغرور به عمل خویش .

فمنّ اللّه علینا و وقینا عذاب السموم

توجه پارسایان به امتنان الهی و تکیه آنان بر لطف حق، می رساند که آنان تنها عمل خویش را مایه سعادت نمی دانند و مغرور به کردار خود نیستند.

بینش بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۶

۶- جهاد ، در نگاه بیماردلانِ سست ایمان ، عامل فساد ، فتنه و برادرکشی *

الذین فی قلوبهم مرض . .. إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض

برداشت بالا بدان احتمال است که مجموع آیه، پاسخی به بهانه جویی ها و دستاویزهای منافقان و عناصر سست ایمان باشد; زیرا از این پاسخ، استفاده می شود که بیماردلان برای توجیه فرار خویش از جهاد، آن را مایه فساد و برادرکشی می شمردند; ولی خداوند به ایشان یادآور شده که مفسد و برادرکش واقعی شمایید که به دنیا چسبیده و برای حفظ دنیایتان هر کاری خواهید کرد.

بینش پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرایی بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

بینش پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۳ – ۲

۲ فرزند نوح ، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از

حادثه طوفان می پنداشت .

قال سأوی إلی جبل یعصمنی من الماء

<اُویّ> (مصـدر آوی) به معنای رجوع کردن و منضم شـدن و جای گرفتن است و <عصـمه> (مصـدر یعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین <سأوی ...>; یعنی ، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

بینش پوچی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۲

۲ - گزاف و بی هدف شمردن آفرینش انسان ، پنداری غلط و ناروا

أفحسبتم أنّما خلقنکم عبثًا

بینش پیروان سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ - موسی (ع) در دیدگاه و تبلغات سامریان ، رهبری فراموش کار حتی در اصولی ترین مسائل اعتقادی

فقالُوا هذا إلهکم و إله موسی فنسی

بینش پیروان شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ پذیرندگان ولایت شیاطین، بی خبر از گمراهی خویش و در پندار برخورداری از توفیق هدایت هستند.

و یحسبون أنهم مهتدون

بینش پیروان طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۰ – ۳

۳ – پیروان طاغیان ، آنان را عامل دوزخی شدن خود معرفی می کنند .

أنتم قدّمتموه لنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۱ – ۴

۴ – طاغیان ، به اعتقاد پیروانشان ، عامل دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

درخواست عذاب دوچندان

برای طاغیان از سوی پیروان آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

بینش توطئه گران علیه آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵ - ۷

۷ - تلاش گران بر ضد آیات خدا به زعم خود درصدد ناتوان جلوه دادن خدا هستند .

الذین سَعَوْ فی ءایتنا معجزین

از جمله معناهایی که برای <معاجزین> ذکر شده، این است که افراد یاد شده در این آیه، به گمان خود تلاش می کنند تا خدا را از ایجاد قیامت ناتوان جلوه دهند (مفردات راغب).

بینش ثروت اندوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۳ - ۱

۱ - شیفتگان ثروت ، بقای خود را در گرو انباشتن آن دانسته و آن را نشانه جاودانگی می نمایانند .

یحسب أنّ ماله أخلده

جمله <یحسب. ..> استعاره است; یعنی، زراندوزان مانند کسی عمل می کنند که خود را جاودان می دانند.

بینش ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ - ۹

۹- ثروت مندان و قدرت مندان ، در خطر پندار جاودانگی نعمت ها در دنیایند .

أنا أکثر منک مالاً . .. قال ما أظنّ أن تبید هذه أبدًا

داستان مذکور در آیه، چه واقعی باشد و چه سمبلیک، بیان خصلت های آدمی و واکنش های او در شرایط مختلف است. از جمله این خصلت ها آن است که وقتی در اوج رفاه قرار گیرد و اموال خود را در اطراف خود مشاهده کند، چنین می پندارد

که نعمت های اطراف او جاودانه هستند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۶ - ۶

۶ - توسعه اقتصادی برخورداران از مال و مکنت ، از ناحیه خداوند است و نباید آنان به خاطر برخورداری از آنها ، خود را برتر بدانند .

و قالوا نحن أكثر أمولاً و أولدًا . .. قل إنّ ربّى يبسط الرزق لمن يشاء و يقدر

بینش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۶

۶ - ساحران فرعون ، شکست موسی (ع) را در صورت اقدام او به سِحر ، حتمی دیده و نیازی به وارد عمل شدن خود احساس نمی کردند . *

إمّا أن تلقى و إمّا أن نكون أوّل من ألقى

ساحران دو شق تخییر را، به گونه ای بیان کردند که گویا اگر موسی(ع) ابزار سحر خود را بیفکند، کار او تمام است و ناتوانی او بر همگان روشن خواهد شد و تنها در صورتی که آنها دست به کار شوند، نوبت <اول> و <دوم> معنا پیدا می کند از این رو وصف <أوّل من ألقى> را در باره موسی(ع) به کار نبردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۳

۳ - ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فأُلقى السحره سجّدًا قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - تحقیر دنیا و حاکمیت موقت فرعون در آن ، از

سوی ساحران مؤمن

إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

فعل <تقضی> خطاب به فرعون و <هذه الحیاه> مفعول فیه آن است; یعنی، <إنّما تقضی مده هذه الحیاه الدنیا> (دایره حکم رانی تو، همین زندگی دنیایی است و فراتر از آن در دسترس تو نیست).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۵

۵ - فرعون ، دارای عزت و جلال در چشم و دل ساحران عصر خود .

فلمّا جاء السحره . .. و قالوا بعزّه فرعون

بینش جامعه دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۵ - ۵،۶

۵- جامعه اصحاب کهف ، فاقد هرگونه دلیل و برهان بر عقاید شرک آلود خویش بودند .

هؤلاء قومنا . .. لولا یأتون علیهم بسلطن بیّن

۶- بی منطقی در عقیده و سستی اندیشه ، بزرگ ترین مشکل جامعه اصحاب کهف از دیدگاه خود آنان

اتخذوا من دونه ءالهه لولا یأتون علیهم بسلطن بیّن

بینش جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۱

۱- برخی از ناآگاهان کفر به آیات الهی را ، موجب دستیابی خود به مال و فرزند فراوان می پندارند .

کفر بأیتنا و قال لأُتینّ مالاً و ولدًا

جمله <قال لأوتينّ. ..> بر <كفر بأياتنا> مترتب است; يعنى، گوينـده اين سـخن به گمان اين كه كفر او، موجب دستيابى به مال و فرزند مى گردد، كفر را برگزيده است.

بينش جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - اهل دوزخ در دنيا ، مى

پنداشتند زندگی شاداب آنان دگرگون نشده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إنّه ظنّ أن لن يحور

<حَور>، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمّه <حاء> به معنای هلاکت خواهد بود (لسان العرب). فعل <یحور> از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

۲ - دوزخیان ، در دنیا در این گمان به سر می برند که هرگز پس از مرگ ، حیات دوباره نخواهند یافت .

إنّه ظنّ أن لن یحور

<حَوْر>، تعبیری دیگر از <حشر> است و به هلاکت یا نقص و انحطاطی نظر دارد که در آخرت، نصیب منکران معاد خواهد شد.

بینش حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۱ - ۲،۳

۲ - اخلاص و مزد نخواستن در ابلاغ رسالت و ره یافته بودن ، دلیل لزوم پیروی از پیامبران در دیدگاه مؤمن انطاکیه (حبیب نجار)

اتّبعوا المرسلین . اتّبعوا من لایسئلکم أجراً و هم مهتدون

جمله <اتّبعوا من لایسئلکم أجراً ..> تأکید برای جمله <اتّبعوا المرسلین> در آیه پیش و نیز در مقام تعلیل برای آن جمله است.

۳ - اخلاص و مزد نخواستن در ابلاغ رسالت و ره یافته بودن ، دو ملاک و معیار برای سنجش درستی ادعای رسالت و پیامبری در دیدگاه مؤمن انطاکیه (حبیب نجار)

اتّبعوا المرسلین . اتّبعوا من لایسئلکم أجراً و هم مهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۲ - ۱

۱ - عبادت آفریدگار در نظر مؤمن انطاکیه (حبیب نجار

) ، امری لازم است و هیچ دلیلی بر ترک آن وجود ندارد .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی

<ما> در <مالی> از نوع استفهام انکاری است و جمله <لاأعبد> حال برای ضمیر در <لی> است و در حقیقت صدر آیه چنین است: <لا شیء یمنعنی من عباده الذی خلقنی>; یعنی، هیچ چیز نمی تواند مرا از عبادت آفریدگارم باز دارد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۴ - ۱

۱ - مؤمن انطاکیه به مردم اعلان کرد : شرک و پرستش غیرخدا ، گمراهی آشکاری است .

ءأتّخذ من دونه ءالهه . .. إنّی إذًا لفی ضلل مبین

<إذاً> در آیه شریفه برای جواب و جزای مقدر است و تقدیر آن چنین می باشد: <إن اتّخذت من دون اللّه ءالهه أکن فی ضلال مبین>; یعنی، اگر من به جز خدا معبود دیگری برگیرم، در گمراهی آشکاری به سر خواهم برد.

بینش حس گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۷

۷ - اعتراف برخی از مردم به حوادث بعد از مرگ ، تنها با مشاهده آن امکان پذیر است .

کلاّ سیعلمون

سؤال در <یتسائلون> چنانچه به معنای استفهام حقیقی باشد جمله <کلاّ سیعلمون> به منزله پاسخ خواهد بود; یعنی، پاسخ این گونه پرسش ها مشکل این گروه از مردم را حل نمی کند; بلکه باید آن را مشاهده کنند تا به حقانیت آن اعتراف نمایند.

بینش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۱

۱- حق ناباوران کافر ، آیات الهی

را سحر و جادوئی روشن قلمداد می کردند .

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر

بینش خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۱

۱- خضر ، موسی (ع) را از تحمّل همراهی با وی ، برای فراگیری علوم ویژه ، ناتوان دید .

هل أتّبعک . .. قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۸ - ۲

۲- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را ، دلیل ناتوانی موسی از تحمّل عملکرد وی دانست .

إنّک لن تستطیع . .. و کیف تصبر علی ما لم تحط به خبرًا

بینش داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۶،۱۹،۲۱

۱۶ - داوود (ع) ، ماجرای دادخواهی برادران دارای میش و داوری میان آنان را ، یک آزمایش الهی دانست .

قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک . .. و ظنّ داود أنّما فتنّه

۱۹ - داوود (ع) ، شیوه داوری خود درباره برادران متخاصم را خطا دانست .

قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک . .. و ظنّ داود أنّما فتنّه فاستغفر ربّه

در این که استغفار داوود(ع) درباره چه اشتباهی بود، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد; از جمله بهترین و موافق ترین آنها با آیه شریفه، مسأله نشنیدن دفاع برادر متهم و شتاب در داوری است. گفتنی است برخی از روایات مربوط به آیه، مؤید همین برداشت است (تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۵).

– به سجده افتادن داوود (ع) به درگاه خداوند پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و خرّ راکعًا

مقصود از <خرّ راکعاً> مطابق نظر بیشتر مفسران سجده است.

بینش دختر شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۶ – ۶،۷

۶ – موسی (ع) ، مردی نیرومند و شخصیتی امین در دیدگاه دختر شعیب

إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

۷ – موسی (ع) ، از دیدگاه دختر شعیب ، بهترین و شایسته ترین مرد برای نگه داری دام هایشان

قالت إحدیهما . .. إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

بینش دنیاپرستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۰ – ۵

۵ دنیاطلبان ، زیبایی ها را تنها در امکانات و بهره های دنیوی می پندارند .

فمن الناس من یقول ربنا اتنا فی الدنیا

از اینکه در هنگام خواسته هایشان قید <حَسَِنه> را ذکر نکرده اند، چنین برمی آید که هر چه را در دنیاست، زیبا می پنداشتند.

بینش دنیاطلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۴ – ۴

۴- کثرت مال و عزّت اجتماعی حاصل آمده از آن ، مهم ترین ارزش در نظر دنیاگرایان است .

فقال لصحبه . .. أنا أكثر منک مالاً و أعزّ نفرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۱۱

۱۱- در بینش دنیاگرایان ، ثروت مندی ، نشانه محبوبیّت بیشتر انسان نزد خداوند است .

ولئن رُددتُّ إلی ربّی لأجدنّ خیرًا منها منقلبًا

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۲ – ۱۲

۱۲– توجه دنیاگرایان به خدا ، برای منافع و مطامع مادّی آنان است . *

و أُحیط بثمره . .. و هی خاویه علی عروشها و یقول یلیتنی لم أُشرک بربّی أحدًا

احتمال دارد که تأسّف مرد مغرور سرمایه از دست داده، بر شرک خویش، نه از آن رو باشد که به قبح ذاتی شرک پی برده، بلکه از آن رو باشد که چرا شرک ورزیده تا منافع اش تهدید و سرمایه اش نابود شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۰ – ۱۱

۱۱ – دنیامداران ، مغرور به آخرت اند و سرنوشت خویش را در آن جا نیک می پندارند .

و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۰ – ۴

۴ – خرافات و موهومات ، اوج دید و نگرش مشرکان دنیاگرا

لیسمّون الملئکه تسمیه الأُنثی و ما لهم به من علم . .. ذلک مبلغهم من العلم

برداشت بالاـ بنابراین نکته است که <ذلک> اشاره به عقاید خرافی مشرکان در مورد دختر انگاشتن ملائکه برای خداوند، داشته باشد.

بینش دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۹ – ۹،۱۲

۹ – از دید دنیاطلبان ، قارون در اوج لذت و خوشبختی قرار داشت .

فخرج علی قومه . .. قال الذین یریدون الحیوه الدنیا ... إنّه لذو حظّ عظیم

<حظّ> به معنای بهره و نصیب است; یعنی، او از سعادت و

نیک بختی بهره بزرگی دارد.

۱۲ – قدرت و ثروت ، ملاک ارزش و معیار اصلی بهره مندی و خوشبختی در نگاه دنیاطلبان قوم قارون

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون إنّه لذو حظّ عظیم

بینش ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۷ – ۱۰

۱۰– ذوالقرنین عذاب اخروی ظالمان را ، از کیفر دنیوی آنان ، شدیدتر و سنگین تر دانست .

قال . ..ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه عذابًا نکرًا

<نکر> به معنای <منکَر> صفت مشبهه و توصیفِ عذاب جهنم است; یعنی، عذاب آخرت، بسیار ناگوار و میزان دشواری آن ناشناخته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۸ – ۴

۴– مردم بی ایمان و فاقد عمل صالح ، در بینش ذوالقرنین ، مردمی ظالم بودند .

قال أمّا من ظلم . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنی

مقابله بین دو گروه <من ظلم> و <من ءامن. ..> حکایت از آن دارد که ترک ایمان و عمل صالح ظلم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۵ – ۳

۳– ذوالقرنین ، خود را مملوک خداوند و عطیه های الهی را ، برخاسته از مقام ربوبیّت او می دانست .

ما مکّنّی فیه ربّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱،۳

۱- در بینش ذوالقرنین ، توانایی برساختن سدّ پولادین و نفوذناپذیر ، جلوه ای از رحمت پروردگار بود .

قال هذا رحمه من ربّی

مشارالیه <هذا>، <سد ساخته شده

به دست ذوالقرنین> است.

۳- در وجود ذی القرنین بینش توحیدی و الهی همراه ، با قدرت علمی و فنی ، تبلور داشت .

ما مکّنّی فیه ربّی خیر . .. هذا رحمه من ربّی

بینش رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۸ - ۴

۴ - ساختن آثار بی ثمر ، خارج از نیاز و صرفاً بازیگرانه ، مورد نکوهش در بینش دین و رهبران الهی

أتبنون بکلّ ریع ءایه تعبثون

بینش رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۵،۱۴

۵ خودکفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی ، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت ، در دیدگاه سران کفر و شرک

أو یلقی إلیه کنز أو تکون له جنّه یأکل منها

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود: <کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(ص) از نظر جسمی نباید نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد>; ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: <پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خودکفا باشد>.

۱۴ قرآن ، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر وشرک

و قالوا أسطیرالأوّلین . .. إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

اسطوره خواندن قرآن و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرک، گویای این نکته است که این کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳

٧ - تلاش اغواگرانه به اعتقاد پیشوایان شرک تنها دعوت و فراخوانی است ; نه اجبار و سلب کردن اختیار از دیگران

أغوینهم کما غوینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١۵ - صافات - ٣٧ - ٢٩ - ٢

٢ - پیشوایان شرک ، در گفت و گو با مشرکان فریب خورده در روز رستاخیز ، سوء اختیار خود آنان را عامل گمراهی شان معرفی خواهند کرد .

قالوا بل لم تکونوا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١۵ - صافات - ٣٧ - ٣٠ - ١،٢

١ - پیشوایان شرک در قیامت ، هرگونه اعمال زور و سلطه از ناحیه خود را برای به گمراهی کشاندن مشرکان ، مردود خواهند دانست .

و ما کان لنا علیکم من سلطن

٢ - پیشوایان شرک ، عامل اصلی گمراهی مشرکان را ، روح طغیان و حق ناپذیری خود آنان معرفی خواهند کرد .

بل کنتم قومًا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١۵ - صافات - ٣٧ - ٣١ - ١

١ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، موجب مستحق بودن آنان به عذاب الهی (دوزخ) در نظر سران شرک

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١۵ - صافات - ٣٧ - ٣٢ - ۵

۵ - پیشوایان شرک در عرصه قیامت ، گمراهی خود را ، عامل انحراف دیگران معرفی خواهند کرد .

فأغوینکم إنّا کنّا غوین

برداشت یاد شده به خاطر تعلیل بودنِ جمله <إنّا کنّا غاوین> برای جمله پیشین (فأغویناکم) است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۵،۶

۵ - سران کفر و شرک ، صبر و پایداری بر آیین شرک و بت پرستی را ، امری مطلوب و تکلیف دینی خود می دانستند .

و اصبروا علی ءالهتکم إنّ هذا لشیء یراد

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <هذا> به صبر اشاره داشته و مقصود از <یراد> (خواسته شده) اقتضای اعتقاد به آیین شرک باشد.

۶ - سران شرک و کفر ، هدف و انگیزه پیامبراسلام (ص) از دعوت به یکتاپرستی را ، دستیابی به ریاست و آقایی بر دینداران می دانستند .

أجعل الألهه إلهًا وحدًا . .. إنّ هذا لشیء یراد

برداشت یاد شده، براساس این دیدگاه است که <هذا> اشاره به یکتاپرستی و نفی آیین شرک (مضمون دعوت پیامبراسلام) باشد و مقصود از <شیء یراد> سیادت و آقایی بر مردم باشد که در نگاه سران کفر، هدف و آرزوی پیامبراسلام بود; زیرا با یکی شدن پرستش ها، قهراً آن حضرت رهبری امت یکتاپرست را به عهده می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۱

۱ - سران کفر و شرک ، پیام توحیدی پیامبراسلام را ، سخنی نو ظهور و بی سابقه می دانستند .

أجعل الألهه إلهًا وحدًا . .. ما سمعنا بهذا فی الملّه الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۲

۲ - پیامبراسلام (ص) ، در نظر سران کفر و شرک ، فاقد هرگونه ملاک برتری و شایستگی برای رسالت و دریافت وحی

الهى

أءنزل عليه الذكر من بيننا

همزه در <أءنزل> براى استفهام انكارى است و قيد <من بيننا> (از ميان ما) قرينه است بر اين كه نفى و انكار آنان، مربوط به شايستگى پيامبر(ص) براى رسالت بود.

بينش رهبران كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۵،۱۴

۵ خودكفايى مالى و بى نيازى از تلاش اقتصادى ، حداقل شرط پيامبرى و كمترين شايستگى لازم براى احراز مقام نبوت ، در ديدگاه سران كفر و شرك

أو يلقى إليه كنز أو تكون له جنّه يأكل منها

برداشت ياد شده، از آن جا است كه در آيه پيش آمده بود: <كافران اين نكته را القا كردند كه پيامبر(ص) از نظر جسمى نبايد نيازمند به تغذيه و داد و ستد اقتصادى باشد>; ولى در اين آيه از آن نكته صرف نظر كردند و گفتند: <پيامبر بايد از نظر معيشتى و مالى خودكفا باشد>.

۱۴ قرآن ، كتابى پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران كفر وشرك

و قالوا أسطيرالأوّلين . .. إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

اسطوره خواندن قرآن و سحر دانستن آن از سوى سران كفر و شرك، گوياى اين نكته است كه اين كتاب الهى، همانند اسطوره، سحر و جادو، براى آنان جاذبه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۵،۶

۵ - سران كفر و شرك ، صبر و پايدارى بر آيين شرك و بت پرستى را ، امرى مطلوب و تكليف دينى خود مى دانستند .

و اصبروا على ءالهتكم إنّ هذا لشىء يراد

برداشت ياد شده مبتنى بر اين ديدگاه است كه <هذا>

به صبر اشاره داشته و مقصود از <یراد> (خواسته شده) اقتضای اعتقاد به آیین شرک باشد.

۶ - سـران شـرک و کفر ، هـدف و انگیزه پیامبراسـلام (ص) از دعـوت بـه یکتـاپرستی را ، دستیـابی بـه ریـاست و آقـایی بر دینداران می دانستند .

أجعل الألهه إلهًا وحدًا . .. إنّ هذا لشیء یراد

برداشت یاد شده، براساس این دیدگاه است که <هذا> اشاره به یکتاپرستی و نفی آیین شـرک (مضـمون دعوت پیامبراسلام) باشد و مقصود از <شیء یراد> سیادت و آقایی بر مردم باشد که در نگاه سران کفر، هدف و آرزوی پیامبراسلام بود; زیرا با یکی شدن پرستش ها، قهراً آن حضرت رهبری امت یکتاپرست را به عهده می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۱

۱ - سران کفر و شرک ، پیام توحیدی پیامبراسلام را ، سخنی نو ظهور و بی سابقه می دانستند .

أجعل الألهه إلهًا وحدًا . .. ما سمعنا بهذا فی الملّه الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۲

۲ - پیامبراسـلام (ص) ، در نظر سـران کفر و شـرک ، فاقـد هرگونه ملاـک برتری و شایسـتگی برای رسالت و دریافت وحی الهی

أءنزل علیه الذکر من بیننا

همزه در <أءنزل> برای اسـتفهام انکاری است و قیـد <من بیننا> (از میان ما) قرینه است بر این که نفی و انکار آنان، مربوط به شایستگی پیامبر(ص) برای رسالت بود.

بینش زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۱۱

۱۱- زکریا ،

زندگی سعادت مندانه خود را مرهون راز و نیاز و دعا به پیشگاه خداوند می دانست .

و لم أکن بدعائک ربّ شقیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۲

۲- بستگان زکریا ، در نظر وی برای تسلط بر امور مادی و اجتماعی او صلاحیت نداشتند . *

و إنّی خفت المولی من وراءی

از معانی <موالی> خویشاوندانی از قبیل پسر عمو، پسر خواهر و نظایر آنان است (تاج العروس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۳،۱۱

۳- زکریا (ع) ، موهبت فرزند را از جلوه های ربوبیت خداوند برای خویش می دانست .

قال ربّ أنّی یکون لی غلم

۱۱- زکریا (ع) ، محرومیت از فرزند را در دوران جوانی خود و همسرش ، تنها ناشی از نازایی همسر خویش می دانست .

و کانت امرأتی عاقرًا و قد بلغت من الکبر عتیًّا

اختصاص وصف <نازایی> به همسر زکریا، گویای برداشت یاد شده است.

بینش زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۸

۱۸ زلیخا ، تسلیم نشدن یوسف (ع) در برابر خواسته اش را ، ناسپاسی و قدرناشناسی می شمرد .

رودته التی هو فی بیتها . .. إنه ربی أحسن مثوای

در برداشت فوق، <إنه ربی . ..> ناظر به مفهومی گرفته شده که از عبارت <التی هو فی بیتها> استفاده می شود ; یعنی،

زلیخا با اظهار اینکه مربی یوسف(ع) بوده و او را در خانه خویش سر و سامان بخشیده است، توقع داشت که یوسف(ع)

در برابر تقاضایش تسلیم شود ; ولی یوسف(ع) با جمله <إنه ربی ...> بیان می دارد که خداوند، مربی و مدبر امور او بوده و هست، و سزاوار آن است که وی مطیع او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزیز الئن حصحص الحق

<حصحصه> (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

بینش زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۸

۸ شیفته غلام زرخرید شدن و تقاضای کام روایی از او ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه زنان اشراف و همپالگی های زلیخا

قد شغفها حبًّا إنا لنریها فی ضلل مبین

هدف زنان اشراف از یاد کردن یوسف(ع) به عنوان <برده و جوانک زلیخا>، خرده گرفتن بر اوست که چرا به غلام زرخرید عشق میورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۳،۲۴

۲۳ زنان اشراف ، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند .

إن هذا إلّا ملک کریم

۲۴ زنان ملامت کننده زلیخا ، با مشاهده یوسف (ع) ، زلیخا را در عشقش محق دانستند .

فلما رأینه أکبرنه . .. إن هذا إلّا ملک کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲

۷ - ۵۱ -

۷ یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

بینش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۸

۸ ساقی ، احتمال می داد دربار مانع رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم شود .

لعلّی أرجع إلی الناس لعلّهم یعلمون

بینش سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ - موسی (ع) در دیدگاه و تبلغات سامریان ، رهبری فراموش کار حتی در اصولی ترین مسائل اعتقادی

فقالوا هذا إلهکم و إله موسی فنسی

بینش سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۹

۹- جهاد ، به معنای مرگ و نابودی ، در بینش منافقان و انسان های سست ایمان

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظرالمغشیّ علیه من الموت

تعبیر <المغشیّ علیه من الموت> و کاربرد این تشبیه، می تواند بر این اساس باشد که انسانِ سست ایمان با فرمان جهاد، مرگ خویش را به چشم می بیند; چنان که محتضر نیز چنین است; در حالی که جهاد زمینه شهادت است و نه نابودی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۶

۶- جهاد ، در نگاه بیماردلانِ سست ایمان ، عامل فساد ، فتنه و برادرکشی *

الذین فی قلوبهم مرض . .. إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض

برداشت بالا بدان اختمال است که

مجموع آیه، پاسخی به بهانه جویی ها و دستاویزهای منافقان و عناصر سست ایمان باشد; زیرا از این پاسخ، استفاده می شود که بیماردلان برای توجیه فرار خویش از جهاد، آن را مایه فساد و برادرکشی می شمردند; ولی خداوند به ایشان یادآور شده که مفسد و برادرکش واقعی شمایید که به دنیا چسبیده و برای حفظ دنیایتان هر کاری خواهید کرد.

بینش سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۶،۱۹

۶ - توجه سلیمان به خدایی بودن نعمت های عطا شده به او و پدر و مادرش

أن أشکر نعمتک التی أنعمت علیّ و علی ولدیّ

۱۹ - عبودیت و بندگی خدا ، شرف و مقامی والا در بینش سلیمان (ع)

و أدخلنی برحمتک فی عبادک الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۶

۶ - اهمیت سرزمین سبا و مسائل آن برای سلیمان (ع)

قال سننظر أصدقت أم کنت من الکذبین

تحقیق و بررسی درباره سبا و مسائل آن، نشانگر اهمیت این موضوع در نظر سلیمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۵ - ۵

۵ - هیأت نمایندگان سبا ، مأمور گزارش کردن نقطه نظر های جدید سلیمان (ع) به دربار

فناظره بِمَ یرجع المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۸،۹

۸ - ارجمندی عطایای الهی و بی ارزشی هر عطای غیر الهی در نظر سلیمان (ع)

أتمدّونن بمال فما ءاتین اللّه خیر ممّا ءاتیکم

۹

- افتخار سلیمان (ع) به مقام نبوت و رسالت الهی خود و نه مال و قدرت مادی

فما ءاتین اللّه خیر ممّا ءاتیکم

مراد از <ما آتان اللّه> حقیقتی متفاوت با امکانات مادی است; چرا که اولاً دربار سبا نیز از آن امکانات مادی برخوردار بود ثانیاً بجای <خیر> باید می فرمود <ما آتانی اللّه أکثر ممّا آتاکم>.

بینش شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۸

۸ شعیب (ع) با بیان سیطره خداوند بر رفتار کفرپیشگان مدین ، تهدید های آنان را به هیچ انگاشت .

لولا رهطک لرجمنک . .. إن ربی بما تعملون محیط

چنان چه مراد از احاطه خدا بر اعمال، سیطره و حاکمیت او بر اعمال باشد، هدف شعیب(ع) از آوردن <ربّی>، <إن ربی . ..> و نگفتن <إن الله ...> این است که چون اعمال شما در سیطره خداست و او رب و مدبر من است، اجازه نخواهد داد بر من غلبه کنید و اگر غلبه نیز کردید، آن را در راستای تدبیر و تربیت من قرار می دهد; پس در هر حال مرا از تهدیدهای شما باکی نیست.

بینش صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۹،۱۵

۹ صالح (ع) به مردم خویش اعلام کرد : در صورت پذیرش خواسته آنان (ترک دعوت به توحید) گنه کار و مستحق عذاب الهی خواهد بود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

۱۵ صالح (ع) ، توجه کردن به درخواست کافران قومش (ترک ابلاغ توحید) را

، مایه خسارت و تباهی خویش دانست .

فما تزیدوننی غیر تخسیر

<تخسیر> به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

بینش صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴ - ۵

۵ - مؤمنان به آخرت ، برخوردار از بینش درست نسبت به ارزش ها و ضد ارزش ها و به دور از تحیّر و سرگردانی در زندگی

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره . .. فهم یعمهون

با استفاده از مفهوم آیه و نیز از تقابل میان آن و آیه پیشین، می توان گفت که مؤمنان به آخرت (برخلاف کافران) نه گرفتار بینش غلط در ارزش گذاری اند و نه گرفتار حیرت و سرگردانی.

بینش طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۵

۵ - طغیان گران در دنیا ، مؤمنان را از اشرار به حساب می آوردند .

رجالاً کنّا نعدّهم من الأشرار

بینش ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۴ - ۹

۹- سوگند ستمگران در دنیا بر پایداری و زوال ناپذیری قدرت خویش

الذین ظلموا . .. أو لم تکونوا أقسمتم من قبل ما لکم من زوال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۶ - ۵

۵- مرفهان ستمگر ، جهان را بازیچه و بی هدف می پندارند .

قریه کانت ظالمه . .. وارجعوا إلی ما أُترفتم فیه ... و ما خلقنا السماء والأرض و م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۸ - ۴

۴

- ستمگران اعمال و رفتار های بد و زشت خود را در دنیا ، زیبا و خوب پنداشته و یا از بدی و زشتی آنها غافل اند .

و بدا لهم سیّئات ما کسبوا

ظاهر شدن اعمال زشت ستمگران در نظر آنان، ممکن است به خاطر این باشد که آنها را خوب و زیبا می دانستند و یا از بدی و زشتی چنین رفتاری، کاملاً غافل بودند.

بینش عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۰ - ۲

۲ - بی تفاوت بودن در برابر احسان دیگران ، امری نکوهیده در پیشگاه خداوند و عقل

هل جزاء الإحسن إلّاالإحسن

پرسش در آیه شریفه در حقیقت به داوری کشاندن عقل است و نیز مهر تأییدی از جانب خداوند بر داوری های عقل سلیم می باشد.

بینش علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۲

۱۲- برخورداران از علوم اعطایی خداوند ، بینشی پسندیده و مقامی والا دارند .

قال الذین أُوتوا العلم إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۶۸

۶- آیه های قرآن ، تبلور ربوبیت کامل و بی نقص خداوند نسبت به انسان ها ، در نظر آگاهان

إن الذین أُوتوا العلم . .. إذا یتلی علیهم ... یقولون سبحن ربّنا إن کان وعد ربّن

۸- معاد و حیات مجدد انسان ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند در بینش عالمان *

يقولون . .. إن كان وعد ربّنا لمفعولاً

احتمال دارد كه مراد از <وعد> به قرينه آيات ۹۷ و

۹۸ همین سوره مسأله حیات مجدّد انسانها و معاد باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۵ – ۱۲

۱۲– صاحبان نعمت و دانش حتی افراد برجسته و سرامد نیز باید خداوند را سرچشمه کمالات خود بدانند .

ءاتینه رحمه من عندنا و علّمنه من لدنّا علمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۰ – ۶

۶ – قدرت و ثروت (هر چند بسیار و افسانه ای باشد) در نگاه اهل معرفت و مؤمنان دین شناس ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی است .

و قال الذین أُوتوا العلم ویلکم ثواب اللّه خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۶ – ۱،۲،۵

۱ – عالمان (آشنایان به معارف آسمانی) ، آنچه را که از جانب خداوند به پیامبر (ص) نازل شده است ، حق می دانند .

و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیک من ربّک هو الحقّ

۲ – قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خدا و سراسر حق و حقیقت در دیدگاه عالمان

و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیک من ربّک هو الحقّ

مراد از <الذی أُنزل إلیک> قرآن کریم است و مصداق کامل و تمام عیار آن می باشد.

۵ – عالمان ، قرآن را کتابی می دانند که همواره هدایت گر مردمان به راه خدا است .

و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیک . .. و یهدی إلی صرط العزیز الحمید

بینش علمای بنی اسرائیل

– آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۰ – ۷

۷ – ثروت افسانه ای قارون ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی در دیدگاه فرزانگان بنی اسرائیل

و قال الذین أُوتوا العلم ویلکم ثواب اللّه خیر

بینش علمای دینی مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷ – ۹

۹- بشر بودن پیامبران ، امری مسلّم نزد عالمان دینی و آگاهان تاریخ انبیا در عصر بعثت

و ما أرسلنا . .. فسلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

مقصود از <أهل الذکر> عالمان دینی است; زیرا اولاً- عموم مردم از تاریخ پیامبران بی خبر بودند و این نوع اطلاعات در اختیار عالمان دینی بود و ثانیاً واژه <ذکر> در قرآن، بر کتاب های آسمانی و از جمله خودِ قرآن اطلاق گردیده است.

بینش علمای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۶ – ۶،۸،۱۱،۱۲

۶ – ناتوانی مسلمانان از احتجاج علیه یهود در پیشگاه خدا ، توجیه عالمان یهود برای بازداری مردم خویش از بازگویی و نشر صفات پیامبر موعود

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

۸ – پیشوایان یهود ، بازگویی صفات پیامبر موعود و اعتراف به حقانیت او را ، نشانه بی خردی بازگو کننده می شمردند .

أتحدثونهم . .. أفلا تعقلون

۱۱ – حفظ منافع قوم و جامعه یهود ، برتر از اعتراف به باور ها و عقاید دینی در دیدگاه عالمان و پیشوایان آنان

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم . .. أفلا تعقلون

۱۲ - پیشوایان و عالمان یهود ، اعتراف به حقایق دینی و معارف الهی را

، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد ، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند .

أتحدثونهم بما فتح اللّه عليكم . .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۵

۵ - گروهی از عالمان یهود ، افکار تحریر یافته خویش را حقایقی (معارف ، احکام و . . .) از جانب خدا قلمداد نموده ، به مردم ارائه می کردند .

فويل للذين يكتبون الكتب بأيديهم ثم يقولون هذا من عند اللّه

<بأيديهم> (با دستهای خود)، تأکید بر این است که عالمان یهود آنچه را به عنوان کتاب الهی می نوشتند، ساخته و پرداخته خود آنان بود، همانند جمله های <يقولون بأفواههم> و <نظرته بعينی . ..> و ... .

بینش عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۷

۷ - عوام یهود ، خریداران تحریف ها و بدعت های عالمانشان

ليشتروا به ثمناً قليلا

بینش عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۲

۲- بندگی خداوند ، اولین اعتراف عیسی (ع) و بالاترین مقام در دیدگاه آن حضرت

قال إنّی عبداللّه

تقدیم وصف بندگی، حتی بر نبوت و داشتن کتاب آسمانی، نشانه این است که در دیدگاه عیسی(ع)، این وصف برتر از سایر مقام های اوبود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۱ – ۲

۲– عیسی (ع) در کودکی ، فرخندگی و فزایندگی خیر و خوبی را از صفات خدادادی خویش

برشمرد .

و جعلنى مباركًا أين ما كنت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۳۲ - ۲

۲- عيسى (ع) در گهواره ، خود را فرزندى خوش رفتار و نيكوكار براى مادرش مريم (س) خواند و اين ويژگى را عطيه خداوند دانست .

و برًّا بولدتى

تقدير <و برّاً بوالدتى> به قرينه آيه قبل <و جعلنى برّاً بوالدتى> است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۳۶ - ۲

۲- عيسى (ع) ، خود را چون همه مردم ، موجودى نيازمند به ربوبيت خدا دانست و آن را به همگان اعلام كرد .

و إنّ اللّه ربّى و ربّكم

بينش غلط

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۹،۱۶

۹ تهى دستان و مستضعفان جامعه ، در نظر ظاهر بين اشراف قوم نوح ، مردمى پست و حقير

و لاأقول للذين تزدرى أعينكم لن يؤتيهم الله خيراً

إزدراء (مصدر تزدرى) به معناى حقير شمردن و ناقص و معيوب دانستن است (لسان العرب). مفعول <تزدرى> ضمير محذوفى است كه به <الذين> برمى گردد و مراد از آن، پيروان حضرت نوح مى باشد. يعنى <الذين تزدريهم أعينكم> (آنان كه چشمان شما ايشان را حقير و ناقص و معيوب مى بيند.) اسناد <تزدرى> به <أعينكم> اشاره به ظاهربينى اشراف و سران دارد.

۱۶ ناشایست شمردن تهی دستان ، برای کسب خیر و مقام های معنوی ، گناه و پنداری است به دور از واقعیت .

لا أقول للذین تزدری أعینکم . .. إنی إذًا لمن الظلمین

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۸

۸ نوح (ع) ، در پندار نارواى كفرپيشگان قومش ، فردى دروغگو و ارائه كننده مطالب نادرست

إن كنت من الصدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۱۲

۱۲ خارج پنداشتن تدبير امور هستى از اختيار خداوند ، نشانه جهل و كور فكرى است .

إن فى ذلك لأيت لقوم يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۲

۲- گمان دستيابى به مال و فرزند به مجرد كفرورزى ، پندارى بس ناروا و شگفت انگيز است .

أفرءيت الذى كفر بأيتنا و قال

همزه استفهام در <أفرأيت> مفيد تعجب و متضمن معناى امر است; يعنى، به قدرى شگفت آور است كه جا دارد حتماً چنين كسى را ببينى. حرف <فاء> در اين براى ترتيب معنوى است; يعنى، كافرانى كه گفته آنان در آيات پيشين آمد، در حال رفاه و تنعّم، چنان سخنانى را گفتند; ولى تعجب از كسى است كه ايمان را به هواى پيداكردن مال و فرزند رها مى كند و به كافران مى پيوندد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۶ - ۶

۶- بى هدف پنداشتن جهان ، به معناى بازيچه و بيهوده دانستن آفرينش است .

و ما خلقنا السماء والأرض و ما بينهما لعبين

از به كار بردن تعبير <لاعبين> به جاى <مبطلين>، استفاده مى شود كه باطل و بى هدف دانستن جهان، مساوى با لعب و

بازیچه پنداشتن آفرینش است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۴ - ۲

۲- مشرکان ، می پنداشتند پیامبران باید در دنیا عمر جاوید داشته باشند .

و ما جعلنا لبشر من قبلک الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱

۱ - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۳

۳ - برابر انگاشتن مؤمن و کافر در پیشگاه خداوند ، پنداری مغایر با هدفمندی و حقانیت نظام جهان

أم حسب الذین اجترحوا . .. و خلق اللّه السموت و الأرض بالحقّ

خداوند، هدفمندی و حقانیت نظام جهان را به دنبال طرح عدم تساوی صالح و ناصالح در پیشگاه داوری حق، یاد کرده و از یک مقوله و معنا دانسته است. بر این اساس آیه شریفه را می توان تفسیر و تعلیلی برای آنچه که در آیه قبل بیان شده، دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۶ - ۳

۳ - برتر دیدن زندگانی دنیا از آخرت ، دیدگاهی ناروا و مایه شقاوت و روی گردانی از تذکّرات قرآن و گرفتاری به آتش دوزخ است .

و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... بل تؤثرون الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۵

۵ – پندار مرفّهان به گرامی بودن نزد خداوند ، با وجود بی توجهی آنان به مساکین ،

پنداری بی پایه و نادرست است .

ربّی أکرمن . کلاّ ... و لاتحضّون علی طعام المسکین

بینش غلط بادیه نشینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۸

۱۸ - سفر حدیبیه ، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سیقول لک المخلّفون . .. فاستغفر لنا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی های آینده اعراب متخلف را یادآور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می شود که اعراب متخلف، انتظار چنین فرجام فرخنده ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

بینش غلط بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۲

۲- بنی اسرائیل می پنداشتند خداوند از ایمان و یا کفر آنان بهره مند می شود یا زیان می بیند .

و قال موسی إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعًا فإن الله لغنی حمید

بینش غلط خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۳

۳ - خطاکاران ، زندگانی اخروی خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های برباد رفته بسر می برند .

یلیتنی قدّمت لحیاتی

بینش غلط درباره خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳ – ۶

۶- قرار دادن هر گونه شریک برای خداوند ، نشانه تصور ناصحیح و غیر

واقعی از اوست .

تعلی عمّا یشرکون

بینش غلط طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۲ – ۶

۶ – پی بردن طغیان گران در دوزخ ، به نادرستی پندار خود نسبت به مؤمنان در دنیا

و قالوا ما لنا لانری رجالاً کنّا نعدّهم من الأشرار

بینش غلط غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۸ – ۲۴

۲۴– فکر اولویّت ثروت مندان بر تهیدستان در کسب هدایت ، اندیشه ای سخیف و بافته قلب غافلان از یاد خدا است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

بینش غلط فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۷ – ۴

۴ – تصور نادرست فرعون ، از حقیقت خداوند و اعتقاد باطل وی به وجود او در آسمان ها و انحصار راه خدا شناسی در محسوسات

أسبب السموت فأطّلع إلی إله موسی

از این که فرعون برای کسب اطلاع از خداوند، به کاوش در آسمان ها پرداخت، این مطلب به دست می آید که او خدا را موجودی می دانست که اولاً در آسمان ها جای دارد نه در زمین، ثانیاً از راه های محسوس آسمانی (أسباب السماوات) قابل شناخت است.

بینش غلط فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۷

۷ - دنیاطلبی فرعونیان و تصویر نادرست آنها از زندگی دنیایی و اخروی ، سبب انحراف و خودکامگی آنان شد .

یقوم . .. و إنّ الأخره هی دار القرار

با توجه به یادآوری حقیقت زندگی در دنیا و آخرت

از سوی مؤمن آل فرعون برای فرعونیان، برداشت بالا به دست می آید.

بینش غلط قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۲ – ۶

۶- اصحاب حجر با پناه گرفتن در خانه های سنگی مستحکم ، به گمان باطل خود را از عذاب الهی در امان می پنداشتند .

و کانوا ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین

ساختن خانه های سنگی مستحکم، ممکن است در مقابل تهدید شدن به عذاب الهی باشد. دو آیه بعد (فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون) مؤید این برداشت است.

بینش غلط کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۷ – ۶

۶- پندار و تصویر نادرست کافران ، از مسأله معاد و چگونگی آن

أن أُخرج و قد خلت القرون من قبلی

تعبیر <و قد خلت القرون من قبلی> که به عنوان علت برای انکار معاد از سوی کافر مطرح شده نشانگر آن است که معاد در پندار آنان، بازگشت به دنیا در زمانی است که هنوز نسل های بعد در زمین زندگی می کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲ – ۵

۵ – دلخوشی کافران به پندار غلط خود ، در زودگذری آثار معجزات پیامبر (ص) *

و إن یروا ءایه یعرضوا و یقولوا سحر مستمرّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <مستمر> از ماده <مرور> (زایل شدن و گذرا بودن)، مشتق شده باشد; چنان که برخی از مفسران بدان اشاره کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم -

۱ – ۱۵ – ۶۸

۱ – کافران تکذیب گر ، آیات قرآن و مطالب آن را بی اساس و از افسانه های کهن می پنداشتند .

إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

بینش غلط مال دوستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۰ – ۲

۲ – پندار عزّت در پیشگاه خداوند ، برای کسانی که گرفتار مال دوستی اند ، پنداری موهوم است .

ربّی أکرمن . .. کلّا ... و تحبّون المال حبًّا جمًّا

بینش غلط مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۰ – ۱۸

۱۸ نیندیشیدن، ریشه تلقی نادرست مشرکان از پیامبری و توقّعات نابجای آنان است.

قل لا أقول لکم عندی خزائن اللّه . .. أفلاتتفکرون

جمله توبیخی <أفلا تتفکرون> دعوتی است به تفکر در تمامی معارف عنوان شده در این دسته آیات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲۲ – ۷

۷– خداوند یگانه ، از توصیف ها و پندار های مشرکان منزّه و مبرّا است .

لو کان فیهما ءالهه . .. فسبحن اللّه ربّ العرش عمّا یصفون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۹ – ۵

۵ – تصور غلط مشرکان درباره خداوند متعال و کوچک شمردن منزلت او

فاستفتهم ألربّک البنات و لهم البنون

انتساب دختر به خداوند و برگزیدن پسر برای خود، با این عقیده باطل که پسر بر دختر ترجیح دارد، نشانگر این حقیقت است که مشرکان، تصور درستی از خدا و معارف الهی نداشتند و منزلت خدا را کمتر از

منزلت بشر می دانستند.

بینش غلط مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۰ - ۵

۵ - تصور جاهلانه و غلط مشرکانِ عرب جاهلی از < مشیت الهی >

و قالوا لو شاء الرحمن . .. ما لهم بذلک من علم

بینش غلط مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵ - ۲

۲ ناآگاهی خداوند به سخنان و کار های پنهانی ، از پندار های نادرست مشرکان عصر بعثت

ألا إنّهم يثنون صدورهم ليستخفوا منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۵ - ۲

۲ - نکوهش شرک پیشگان مرفه صدراسلام ، به خاطر پندار غلط آنان در ارزیابی موقعیت خویش در نزد خداوند

أيحسبون أنّما نمدّهم به من مال و بنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۲ - ۴

۴ - مشرکان ، گرفتار توهّم هماهنگی دین پیامبر (ص) با عقاید شرک آلود آنان

لا أعبد ما تعبدون

سوره <کافرون>، بیانگر اعلان مواضع قطعی پیامبر(ص) در برابر معبودهای مشرکان است. گویا آنان در آغاز رسالت، گمان

می کردنـد که دین پیامبر(ص) تباینی با آیین آنان ندارد و معبود آن حضرت از سـنخ معبودان ایشان است. پیامبر(ص) در این سوره، با صـراحت از تباین دو دین سـخن می گوید و خود را پرستشگر معبودی معرفی می کند که از سنخ معبودهای مشرکان نیست.

بینش غلط مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴ - ۳

۳ -

بینش غلط منکران آخرت در تشخیص زشتی کردار خویش ، کیفری الهی برای آنان

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره زیّنّا لهم أعملهم

تعبیر <زیّنّا> (ما آراستیم) اشاره به این حقیقت دارد که بینش نادرست کافران در عرصه ارزش گذاری، نتیجه ای است که خداوند در ازای حق ناپذیری آنان مقرر فرموده است.

بینش فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۷

۷ - پاکی و پارسایی ، جرم و مایه استهزا در جامعه فاسد

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم إنّهم أُناس یتطهّرون

در جامعه فاسدی چون جامعه قوم لوط، وی و خاندانش به جرم پاکی و پارسایی مورد ریشخند قرار گرفتند و محکوم به تبعید و اخراج شدند.

بینش فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۲

۲ فرعون ، مردم را در گزینش دین و آیین ، نیازمند رخصت دهی خویش می دانست و آن را حقی برای خود می شمرد .

قال فرعون ءامنتم به قبل أن ءاذن لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۴

۴ ایمان به رسالت موسی (ع) ، خیانتی بزرگ از دیدگاه فرعون و در پی دارنده مجازاتی سخت

لأقطعن . .. ثم لأصلبنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۵

۵ موسی (ع) در تعالیم خویش به بنی اسرائیل ، پندار مالکیت فرعون را بر زمین ، پنداری باطل و حاکمیت او را مقهور اراده خداوند خواند .

قال موسی لقومه

. .. إن الأرض للّه يورثها من يشاء من عباده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۸ – ۸

۸ فرعون و اطرافیانش ، قدرت و مکنت خود را ، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند .

قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۷ – ۴

۴ – فرعون آیات و معجزات الهی موسی (ع) را سِحر خواند و آن را وسیله ای برای بیرون راندن فرعونیان از مصر دانست .

لتخرجنا من أرضنا بسحرك یموسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۱ – ۲۰،۱۱،۱۰،۷،۳

۳ – فرعون ، انتخاب دین و تغییر مسلك مردم را ، مشروط به اجازه خویش می دانست .

ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم

۷ – فرعون ، موسی (ع) را برترین ساحر و معجزه او را سِحری فراتر از آنچه به دیگران آموخته بود ، قلمداد کرد .

إنّه لکبیرکم الذی علّمکم السحر

۱۰ – فرعون ، شکست ساحران از موسی (ع) را ، امری تصنّعی و براثر تبانی قبلی با موسی (ع) دانست و آنان را به سهل انگاری عمدی متهم ساخت .

إنّه لکبیرکم الذی علّمکم السحر

۱۱ – در دیدگاه فرعون ، ساحران پیش از حضور در میدان مبارزه ، به موسی (ع) ایمان داشتند و ایمان آنان در صحنه مبارزه ، ایمانی صوری و برنامه ریزی شده بود .

ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم إنّه لکبیرکم

الذی علّمکم السحر

۲۰ – فرعون ، درک سنگین تربودن شکنجه هایش از عذاب موعود موسی (ع) را ، تنها در صورت چشیدن آن امکان پذیر دانست .

و لتعلمنّ أیّنا أشدّ عذابًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۷ – ۱

۱ – فرعون و اشراف دربار او ، منکر صلاحیت بشر برای دستیابی به مقام رسالت الهی

فقالوا أنؤمن لبشرین مثلنا

همزه در <أنؤمن> برای استفهام انکاری است. <قوم> به معنای طایفه و <عباده> (مصدر <عابدون>) در این آیه، به معنای خدمت گذاری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۹ – ۳،۵

۳ – قتل مرد قبطی توسط موسی (ع) ، نشانه ناسپاسی و کفران نعمتی بزرگ در نظر فرعون

و فعلت فعلتک . .. و أنت من الکفرین

مراد فرعون از <و أنت من الکافرین> ناسپاسی موسی(ع) در قبال خدمات گذشته وی به او می باشد.

۵ – قتل نفس و ناسپاسی نعمت ، دو رفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

و فعلت فعلتک التی فعلت و أنت من الکفرین

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی(ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد که در آن حضرت موسی(ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد مؤید برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

١٣ - شعراء - ٢٦ - ٢٣ - ٣

- ٣

وجود ربّ و پروردگاری واحد برای جهانیان ، امری شگفت و باور نکردنی در نظر فرعون

قال فرعون و ما ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۱ - ۳

۳ - فرعون دلایل آفاقی و انفسی ارائه شده از سوی موسی را گویای صدق ادعای او ندانسته و تنها معجزه را شاهد صدق گفتارش می دانست .

قال ربّ السموت و الأرض . .. قال ... لأجعلنّک من المسجونین . قال أوَلوجئتک بشیء

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون دلایل آفاقی وانفسی حضرت موسی را نپذیرفت و ضمن تمسخر آنها، او را به زندان تهدید کرد; ولی آن گاه که آن حضرت مسأله معجزه (شیء مبین) را مطرح ساخت، فرعون به ظاهر به آن تن داد و پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۶ - ۳

۳ - فرعون ، طرفداران و کارگزاران حکومت خود را ، گروهی متحد ، نیرومند و آماده نبرد معرفی کرد .

و إنّا لجمیع حذرون

یکی از معانی <جمیع> ضدّ <متفرق>; یعنی، متحد است (لسان العرب). برداشت یاد شده بر اساس همین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۹

۹ - ضرورت قابل رؤیت بودن خدا در پندار فرعون

فاجعل لی صرحًا لعلّی أطّلع إلی إله موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۳،۵،۶،۱۴

۳ – اقدام بر قتل موسی (ع) ، کاری دشوار ، خطرآفرین و دارای بازتاب ناگوار در میان

افکار عمومی درنظر فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون، در کشتن فرزندان ایمان آورندگان به موسی(ع) با کسی به مشاوره نپرداخت (اقتلوا أبناء الذین آمنوا معه); ولی در کشتن موسی(ع) با مشاوران و درباریان خود به رایزنی پرداخت.

۵ - موسی (ع) ، کانون اصلی خطر در نگاه فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

تصمیم بر قتل موسی(ع)، پس از کشتار فرزندان پیروان او، گویای مطلب یاد شده است.

۶ - کشتن موسی (ع) ، راه اصلی مبارزه با رسالت وی و گسترش آیین او ، در نگاه فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

۱۴ - فرعون ، منافع و بقای اقتدار خود را در حفظ آیین گذشته مردم و نگه داری وضعیت اجتماعی موجود می دید .

إنّی أخاف أن یبدّل دینکم أو أن یظهر فی الأرض الفساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۵،۱۷

۱۵ - فرعون ، خود را فردی خیرخواه و پایبند به اندیشه ها و عقاید خویش و نیز به دور از دورویی معرفی کرد .

قال فرعون ما أریکم إلاّ ماأری

برداشت یاد شده از آن جاست که فرعون با گفتن <ما أریکم إلاّ ما أری> (من جز آنچه را که تشخیص می دهم به شما ارائه نمی دهم)، می خواست خویشتن را فردی صادق، خیرخواه و پایبند به اندیشه ها و نظرات خود، جلوه دهد.

۱۷ - فرعون کشتن موسی (ع) را ، سیاستی درست در حکومت و به صلاح جامعه دانست .

و ما أهدیکم إلاّ سبیل الرشاد

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۶

۶ - قدرت و ثروت ، تنها ملاك ارزش در دیدگاه فرعون و فرعونیان

قال یقوم ألیس لی ملك مصر . .. أم أنا خیر من هذا الذی

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: الف) فرعون پس از یادآوری فرمانروایی و ثروت خویش، موسی(ع) را غیر قابل قیاس با خود می داند و این نشان دهنده بینش فرعون در زمینه ملاك ارزش است. ب) سخنرانی فرعون و تکیه وی بر قدرت و ثروت، نشان می دهد که در جامعه قبطی چنین دیدگاهی وجود داشته است.

بینش فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۱ - ۱،۲

۱ فرعونیان خویشتن را مبارك می دانستند و موسی (ع) و مؤمنان به وی را مردمی بدشگون و نامبارك می پنداشتند .

فإذا جاءتهم الحسنه قالوا لنا هذه و إن تصبهم سیئه یطیروا بموسی و من معه

<لام> در <لنا> تعلیلیه است و تقدیم <لنا> دلالت بر حصر دارد. بنابراین <لنا هذه> یعنی این رفاه و آسایش (الحسنه) تنها به سبب خود ما و میمنت ماست. <تطیر بکذا> یعنی چیزی را نامبارك دانست و به سبب آن فال بد زد.

۲ فرعونیان ، رفاه ها و آسایش ها را ناشی از میمنت خویش ، و سختی ها و ناراحتی ها را برخاسته از بدشگونی موسی (ع) و پیروانش می دانستند .

قالوا لنا هذه . .. یطیروا بموسی و من معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۲

۳ فرعونیان ایمان به رسالت موسی را سحرزدگی می دانستند .

مهما تأتنا به من ءایه لتسحرنا بها فما نحن لک بمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۷،۸

۷ - فرعونیان ، خود را برخوردار از راه و آیینی نمونه و برتر می دانستند .

و یذهبا بطریقتکم المثلی

<طریقه> به معنای راه و روش است و <مثلی> (مؤنث <أمثل>)؛ یعنی، به حق شبیه تر و به خیر و خوبی نزدیک تر (مفردات راغب).

۸ - فرعونیان در تبلیغات خود علیه موسی و هارون (ع) ، آنان را درهم شکننده و نابود کننده راه و روش نمونه و برتر خویش معرفی کردند .

و یذهبا بطریقتکم المثلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۵،۶،۷

۵ - روز مقابله ساحران فرعون با موسی (ع) روزی سرنوشت ساز و تعیین کننده ، از دیدگاه فرعونیان

و قد أفلح الیوم من استعلی

<فلاح> به معنای موفقیت و پیروزی است. ابراز این سخن از ناحیه فرعونیان، گواه این مدعا است که آنان این مبارزه را، مبارزه مرگ و زندگی و نقطه عطفی در تاریخ خود تلقی می کردند.

۶ - فرعونیان نجات و بقای خود را در گرو غلبه ساحران بر موسی (ع) در صحنه مقابله می دانستند .

و قد أفلح الیوم من استعلی

۷ - فرعونیان ، در سخنان و تبلیغات خویش ، سِحر برتر و بی رقیب را ، نشانگر حقانیت مرام ساحر و عقاید او قلمداد می

کردند .

و قد أفلح اليوم من استعلى

بسيج ساحران براى ابطال ادعاهاى

موسی(ع)، حاکی از آن است که در نظر فرعونیان، قدرت ساحر میزان حق و باطل بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۷ – ۲

۲ – فرعونیان ، منکر هر گونه امتیاز برای موسی و هارون (ع)

فقالوا أنؤمن لبشرین مثلنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۱ – ۴

۴ – قتل مرد قبطی توسط موسی (ع) ، از نظر نظام فرعونی جرم و گناه بود ; ولی در پیشگاه پروردگار چنین نبود .

ففررت منکم . .. فوهب لی ربّی حکمًا و جعلنی من المرسلین

موسی(ع) در دستگاه فرعون مجرم شمرده می شود و می گریزد; اما در پیشگاه پروردگار مورد لطف قرار گرفته و به دریافت حکمت و رسالت مفتخر می گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۳۷ – ۳

۳ – عظمت معجزه موسی در نظر فرعونیان

یأتوک بکلّ سحّار علیم

جمع آوری تمامی ساحران ماهر، نشان دهنده آن است که فرعونیان مرعوب معجزه موسی شده و معتقد بودند که جز با گردآوری تمام توان خویش، قادر به مقابله با آن نیستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۹ – ۱۳

۱۳ – فرعونیان پس از گرفتاری به عذاب الهی ، اظهار ایمان کرده و خود را مردمی هدایت یافته قلمداد کردند . *

و قالوا . .. إنّنا لمهتدون

جمله <إنّنا لمهتدون> ممکن است خبر از تسـلیم شدن در برابر هدایت های الهی باشد. در این صورت مفاد آیه این است که فرعونیان

پس از نزول عذاب، ادعای ایمان کرده و از موسی(ع) خواستند که خداوند نیز به عهدش در رفع عذاب از آنان، وفا کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۵۲ – ۶

۶ – قدرت و ثروت ، تنها ملاک ارزش در دیدگاه فرعون و فرعونیان

قال یقوم ألیس لی ملک مصر . .. أم أنا خیر من هذا الذی

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: الف) فرعون پس از یادآوری فرمانروایی و ثروت خویش، موسی(ع) را غیر قابل قیاس با خود می داند و این نشان دهنده بینش فرعون در زمینه ملاک ارزش است. ب) سخنرانی فرعون و تکیه وی بر قدرت و ثروت، نشان می دهد که در جامعه قبطی چنین دیدگاهی وجود داشته است.

بینش فقرا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۶ – ۵

۵ – انسان ها ، تنگدستی و کاهش روزی را ، اهانتی از جانب خداوند قلمداد کرده ، اظهار شکوه می کنند .

و أما إذا . .. فقدر علیه رزقه فیقول ربّی أهنن

<اهانه> از ریشه <هَوان> (ذلّت و حقارت) به معنای استهزا و استخفاف است. (مصباح)

بینش قدرتمندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۵ – ۹

۹– ثروت مندان و قدرت مندان ، در خطر پندار جاودانگی نعمت ها در دنیایند .

أنا أکثر منک مالاً . .. قال ما أظنّ أن تبید هذه أبدًا

داستان مذکور در آیه، چه واقعی باشد و چه سمبلیک، بیان خصلت های آدمی و واکنش های او در شرایط

مختلف است. از جمله این خصلت ها آن است که وقتی در اوج رفاه قرار گیرد و اموال خود را در اطراف خود مشاهده کند، چنین می پندارد که نعمت های اطراف او جاودانه هستند.

بینش قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۳

۳ قوم ابراهیم ستارگان را <رب> و مؤثر در تدبیر هستی می پنداشتند.

رءا کوکبا قال هذا ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۲

۲ قوم ابراهیم او را به آسیب دیدن از جانب معبودهای خود تهدید می کردند.

و لأخاف ما تشرکون به . .. و کیف أخاف ما أشرکتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۱،۵

۱- قوم ابراهیم نسبت به حق بودن سخن ابراهیم (ع) و جدی بودن او در نفی شرک و بت پرستی ، تردید داشته و آن را بعید می دانستند .

قالوا أجئتنا بالحقّ أم أنت من اللّعبین

۵- مردم بت پرست ، حضرت ابراهیم (ع) را فردی بازیگر که عقیده آنان رابه شوخی و بازی گرفته است ، می پنداشتند .

أجئتنا بالحقّ أم أنت من اللّعبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۹ - ۷،۹

۷- حضرت ابراهیم (ع) به خاطر شکستن بت ها ، در پندار قومش ظالم و ستمگر بود .

قالوا من فعل هذا بالهتنا إنّه لمن الظلمين

۹- تعرض به بت ها ، ظلمی بزرگ و گناهی نابخشودنی در پندار قوم

بت پرست ابراهیم

قالوا من فعل هذا بالهتنا إنّه لمن الظلمین

ظالم و ستم پیشه به کسی گویند که بارها به ستم دست بزند. بنابراین توصیف ابراهیم به ستمکار بودن از جانب بت پرستان در حالی که او تنها یک بار به بت ها تعرض کرده بود گویای این نکته است که تعرض به بت ها در نظر بت پرستان ظلمی بزرگ محسوب می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۰ - ۴

۴- ابراهیم (ع) در دیدگاه قوم خود ، موقعیت اجتماعی ممتازی نداشت و مورد تحقیر آنان قرار می گرفت .

سمعنا فتًی یذکرهم یقال له إبرهیم

توصیف ابراهیم(ع) به جوان بودن از سوی بت پرستان، ممکن است تعریضی به ناپختگی و کم تجربگی حضرت ابراهیم(ع) باشد; نه این که او واقعاً از نظر سنی جوان باشد. این و تعبیر <یقال له إبراهیم> را نوعی تحقیر آن حضرت و ناشناخته بودن او به حساب آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۲ - ۱

۱- بت پرستان ، حضرت ابراهیم (ع) را شکننده بت ها می دانستند .

قالوا ءأنت فعلت هذا بالهتنا یإبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۵ - ۶

۶- بت پرستان ، استدلال های ابراهیم (ع) بر بطلان شرک را نادرست انگاشته و او را به خاطر شکستن بت ها مجرم دانستند .

فسلوهم إن کانوا ینطقون . .. ثمّ نکسوا علی رءوسهم لقد علمت ما هؤلاء ینطقون

جمله <لقد علمت ما هؤلاء ینطقون> پاسخ

مشـركان به کلام ابراهیم(ع) (فسئلوهم إن کانوا ینطقون) است; یعنی، تو می دانی که بت ها از سخن گفتن عاجزاند، پس چرا ما را به سؤال کردن از بت ها حواله می دهی. لابد سؤال تو برای فرار از اتهام بت شکنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۸ - ۵،۶

۵- معبود ها ، نیازمند یاری و نصرت از دید قوم بت پرست ابراهیم

و انصروا ءالهتکم

۶- سوزاندن کامل ابراهیم (ع) ، تنها راه دفاع از عقیده بت پرستان و معبود های ادعایی در دید قوم او بود .

قالوا حرّقوه و انصروا ءالهتکم إن کنتم فعلین

بینش قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۶ - ۴

۴ - عقاید و دیدگاه های نیاکان ، امری ارزشمند ، پذیرفته شده و غیر قابل تجدید نظر در نزد قوم الیاس

اللّه ربّکم و ربّ ءابائکم الأوّلین

از تصریح ربوبیت خداوند نسبت به نیاکان (آباء)، برداشت یاد شده به دست می آید.

بینش قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۳

۳ قوم ثمود ، صالح (ع) را به خاطر ویژگی ها و استعدادهایش ، مایه ترقی و تعالی آن قوم می دانستند .

قد کنت فینا مرجوًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۳

۳ - ویژگی های بشری صالح (ع)، مانع از رسالت وی در دیدگاه ثمودیان

قالوا . .. ما أنت إلّا بشر مثلنا

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۴ – ۱۱

۱۱ – فرشتگان در دید قوم عاد و ثمود موجوداتی برتر از آدمیان و شایسته تر برای رسالت از جانب خداوند

قالوا لو شاء ربّنا لأنزل ملئکه

از این که قوم عاد و ثمود، پیامبران خویش را به واسطه بشر بودن انکار می کردند و نبوت را فقط لایق فرشتگان می دانستند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۴ – ۲،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰

۲ – رسالت الهی ، مرتبتی غیر قابل دستیابی برای بشر در دیدگاه قوم ثمود

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا نتّبعه

برداشت یاد شده در صورتی است که گفتار قوم ثمود و انکار آنان، صرفاً جنبه بهانه جویی نداشته; بلکه ریشه در باورهای آنان داشته باشد.

۵ – صالح پیامبر (ع) ، فاقد پایگاه اجتماعی از نظر قوم ثمود

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <واحداً>، نظر به عدم برخورداری صالح(ع) از عِدّه و عُدّه و قدرت اجتماعی، داشته باشد.

۶ – مکانت و شوکت اجتماعی ، از بالاترین ملاک های ارزشی در نظر قوم ثمود

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا نتّبعه

در صورتی که تعبیر <واحداً> بیانگر عدم برخورداری صالح(ع) از قدرت، شوکت و اشرافیت باشد; می توان استفاده کرد که قوم ثمود، انتظار داشتند که پیامبر از میان اشراف جامعه، انتخاب شود.

۷ – پیروی از بشری معمولی و فاقد موقعیت اجتماعی ، گمراهی و جنون در نظر قوم ثمود

إنّا إذًا لفی ضلل و سعر

واژه <إذًا> ضلالت و جنون را مترتب بر تبعیت از <بشراً منّا واحداً> ساخته است.

گفتنی است در صورتی که <واحداً> اشاره به تنهایی و بی یاوری صالح(ع) داشته باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

۸ - پذیرش ادعای نبوت از یک انسان ، گمراهی و جنون در نظر قوم ثمود

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا نتّبعه إنّا إذًا لفی ضلل و سعر

در صورتی که <أبشراً منّا واحداً> در مقام نفی شایستگی بشر برای نبوت باشد، از ارتباط <إذًا لفی. ..> با جمله قبلی مطلب بالا استفاده می شود.

۹ - قبول پیامبری صالح (ع) ، مایه تیره بختی در نگاه قوم ثمود

إنّا إذًا لفی . .. سعر

در صورتی که <سعر> جمع <سعیر> (آتش افروخته) باشد، مراد از آن در آیه شریفه، گرفتار شدن در آتش حسرت و تیره بختی خواهد بود.

۱۰ - قوم ثمود ، مدعی ارزش خواهی و سعادت جویی ، در تکذیب پیامبری صالح (ع)

إنّا إذًا لفی ضلل و سعر

قوم ثمود با گفتن <إنّا إذًا. ..>، در حقیقت مدعی بودند که ما اکنون در گمراهی و شقاوت نیستیم و چنانچه از صالح(ع) پیروی کنیم، گمراه و تیره بخت خواهیم شد و ما گمراهی و تیره بختی را برای خویش نمی پسندیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۳

۳ - قوم ثمود ، براساس ملاک های مادی خود ، معتقد به وجود افرادی شایسته تر از صالح (ع) برای پیامبری

أءلقی الذکر علیه من بیننا

بینش قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۴ - ۳

۳ قوم عاد ، برخی از آلهه خویش را عامل جنون و اغتشاش

روانی هود (ع) می پنداشتند .

إن نقول إلّا اعتریک بعض ءالهتنا بسوء

<إعتراء> به معنای شامل شدن و اصابت کردن است (لسان العرب). و از آن جا که <إعتراء> در آیه شریفه، به وسیله حرف <باء> به مفعول دوم (بسوء) متعدی شده، به معنای رسانیدن و شامل کردن می باشد. بنابراین جمله <إن نقول ...; یعنی، ما سخنی جز این نمی گوییم که یکی از خدایان ما، مرض و آفتی بر تو افکنده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۱

۱ - بی تأثیر خوانده شدن موعظه ها و اندرز های هود از سوی قوم عاد

قالوا سواء علینا أَوَعظت أم لم تکن من الوعظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۷ - ۱،۴،۵

۱ - عادیان ، نصیحت های هود (ع) را تکرار شیوه مدعیان پیامبری در گذشته خوانده و آن را فاقد ارزش و اعتبار اعلام کردند .

إن هذا إلّا خلق الأوّلین

واژه <خُلُق> به معنای شیوه و رفتار است. بنابراین <خلق الأوّلین>; یعنی، رفتار پیشینیان. گفتنی است که برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه <هذا> اشاره به رفتار ناصحانه هود(ع) داشته باشد. بر این اساس مراد از<خلق الأوّلین> (شیوه پیشینیان)، شیوه پیامبران پیش از هود(ع) می باشد.

۴ - عادیان شیوه زندگی خویش (برج سازی ، کاخ نشینی و . . .) را ، سنتی برجای مانده از پیشنیان خود اعلام کردند .

إن هذا إلّا خلق الأوّلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه <هذا> اشاره به رفتار عادیان داشته باشد.

بر این اساس مراد از <خلق الأوّلین>، شیوه نیاکان خود آنان است.

۵ - تقدس و ارزش مندی سنت های کهن در نظر قوم عاد

سواء علینا أَوَعظت . .. إن هذا إلاّ خلق الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۸ - ۲

۲ - به دور بودن راه پیشینیان از هرگونه پیامد شوم (عذاب و کیفر الهی) ، در دیدگاه قوم عاد

إن هذا إلاّ خلق الأوّلین . و ما نحن بمعذّبین

با توجه به این که <هـذا> در آیه پیش، اشاره به روش و رفتار قوم عاد داشته باشد، استدلال آنها به صورت زیر خواهد بود: این شیوه ای که ما در پیش گرفته ایم، سلوک پیشینیان ما است. این رفتار برای پیشینیان، پیامد ناگواری نداشته است; پس برای ما نیز نتیجه بدی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - فرشتگان در دید قوم عاد و ثمود موجوداتی برتر از آدمیان و شایسته تر برای رسالت از جانب خداوند

قالوا لو شاء ربّنا لأنزل ملئکه

از این که قوم عاد و ثمود، پیامبران خویش را به واسطه بشر بودن انکار می کردند و نبوت را فقط لایق فرشتگان می دانستند، مطلب بالا استفاده می شود.

بینش قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۷ - ۳

۳- قوم لوط انحرافات جنسی (لواط و همجنس بازی) را ، کاری خوب می پنداشتند و به آن علاقه و تمایل شدیدی داشتند .

و جاء أهل المدینه یستبشرون

از

اظهار شادمانی و شادباش گویی قوم لوط به هنگام باخبر شدن از مهمانان حضرت لوط(ع)، استفاده می شود که آنان از تجاوز جنسی خوشحال و آن را امری پسندیده می انگاشتند. گفتنی است که طبق آیه ۷۸ <هود> و نیز اشاراتی که در آیات بعد (۶۸، ۶۹ و ۷۱) آمده است، آنان مردمانی آلوده به انحراف جنسی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۴

۴- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی ، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند .

فلاتفضحون . .. و لاتخزون. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم إنّهم أُناس یتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

بینش قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۸

۸ نوح (ع) ، در پندار ناروای کفرپیشگان قومش ، فردی دروغگو و ارائه کننده مطالب نادرست

إن کنت من الصدقین

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۴ – ۹

۹ کفرپیشگان قوم نوح ، او را خیرخواه نمی دانستند و تعالیمش را سودمند نمی پنداشتند .

ینوح قد جدلتنا . .. إن أردت أن أنصح لکم

اشراف قوم نوح ، تلاشهای مستمر نوح(ع) را جدل (جرّ و بحث) نامیدند; ولی او در مقابل ، تعبیر نصیحت را به کار برد تا پندار آنان را تخطئه کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۹ – ۴

۴ کفرپیشگان ، ساختن کشتی را آزار و عذابی بی جا و تحمیل شده بر نوح (ع) و پیروانش قلمداد کرده و آن را مایه شرمساری ایشان می شمردند .

یصنع الفلك . .. فسوف تعلمون من یأتیه عذاب یخزیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۴ – ۱۱

۱۱ – بعثت رسولی از میان نسل بشر ، پدیده ای نو و بی سابقه در نظر قوم نوح

ما سمعنا بهذا فی ءابائنا الأوّلین

کلمه <هذا> به قرینه <و لوشاء اللّه لأنزل ملائکه> اشاره دارد به موضوع بعثت رسولی از میان نسل بشر.

بینش کاروان یابنده یوسف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۹ – ۱۰

۱۰ کاروانیان بردن یوسف (ع) را به بردگی ، کاری نامشروع و غیرقانونی می دانستند .

و أسرّوه بضعه والله علیم بما یعملون

چنـان چه برده قرار دادن و فروش کودکی که پیـدا شـده امری مجـاز و قانونی بود ، مخفی ساختن یوسف(ع) (أسـرّوه بضاعه) وجهی نداشت.

بینش کاشفان اصحاب

کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۱ – ۲۸

۲۸- گروهی از بازدیدکنندگان از اصحاب کهف ، ماجرای آنان را مبهم و خود را از تحلیل آن ناتوان دیدند .

فقالوا ابنوا علیهم بنیًا ربّهم أعلم بهم

جمله <ربّهم أعلم بهم> گویای این است که گویندگان آن، به حقیقت ماجرای اصحاب کهف، پی نبردند و علم آن را به خداوند احاله کردند.

بینش کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۸ – ۳

۳- کافران مکه ، منکر قیامت و عذاب های اخروی بودند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۲ – ۱۱

۱۱ کافران، از آن رو که در ظلمت و گمراهی هستند، کردار زشت خویش را زیبا می پندارند.

کمن مثله فی الظلمت . .. کذلک زین للکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۸ – ۶

۶ کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

و إذا فعلوا فحشه قالوا . .. الله أمرنا بها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۸ – ۷

۷ کفرپیشگان مستکبر و زراندوز ، ثروت ها و قدرت خویش را موجب مصون ماندن از عذاب های الهی می پندارند .

ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۹ –

۱ کفرپیشگان مستکبر در دنیا سوگند یاد می کنند که خداوند مؤمنان را در آخرت مشمول هیچ رحمتی نخواهد کرد .

أهؤلاء الذین أقسمتم لاینالهم اللّه برحمه

کلمه <رحمه> نکره است و چون پس از نفی واقع شده، معنای عموم از آن استفاده می شود. قابل ذکر است که مراد کافران از <رحمت>، رحمتهای اخروی است. یعنی بر فرض اینکه آخرتی باشد، خداوند رحمتش را شامل حال مؤمنان نخواهد کرد. فعل مضارع <لا ینال> و نیز معقول نبودن نفی تمامی رحمتها در دنیا این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۹

۹ زیبا جلوه کردن کردار های زشت کافران ، در نظر ایشان

زین لهم سوء أعملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان ، قیامت را امری گزاف و طرح آن را از سوی پیامبر (ص) چون سحر ، نیرنگی روشن قلمداد می کردند .

إن هذا إلاّ سحر مبین

<هذا> به گفتار پیامبر(ص) مبنی بر زنده شدن مردگان و برپایی قیامت اشاره دارد. اطلاق <سحر> بر این گفتار و ادعا، از باب تشبیه است و وجه شبه آن بطلان و نیرنگ می باشد; یعنی، این سخن ظاهری فریبنده و باطنی پوچ و بی اساس دارد و در بطلان و نیرنگ بازی، همانند سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۴

۴ کفرپیشگان ، تأخیر عذاب را نشانه بی پایه بودن تهدید های پیامبر دانسته و آنها را به استهزا

می گیرند .

لئن أخّرنا . .. لیقولنّ ما یحبسه

استفهام در جمله <ما یحبسه> به قرینه <ماکانوا به یستهزءون> به داعی استهزا و تمسخر ایراد شده است. بنابراین <لیقولنّ ...;>; یعنی ، از سر استهزا و تمسخر می پرسند: چه چیز مانع نزول آن عذاب و تحقق تهدیدها شده است؟

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۱۰ – ۶

۶ تأخیر عذاب کفرپیشگان تکذیب گر ، موجب اطمینان آنان بر دروغ بودن آن می شد .

و ظنوا أنهم قد کذبوا

<کِذب> به معنای دروغ گفتن است و <کُذبوا>; یعنی، به آنان دروغ گفته شد. جمله <فنجّی من نشاء> و <لا یردّ بأسنا> می رساند که از مصادیق آنچه کافران دروغش می پنداشتند، نزول عذاب بوده است. قابل ذکر است که حرف <قد> در <قد کذبوا> که برای تأکید و تحقیق است می رساند که <ظنّوا> به معنای اطمینان پیدا کردند، است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳ – ۱

۱– کافران ، زندگی دنیوی را محبوب خود دانسته و آن را به جای حیات اخروی برمی گزینند .

ویل للکفرین من عذاب شدید . الذین یستحبّون الحیوه الدنیا علی الأخره

برداشت فوق بنابراین اساس است که <الذین یستحبّون الحیاه . ..> جمله وصفی برای <للکافرین> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۸ – ۳،۵

۳– کافران ، حیات دوباره انسان را پس از تبدیل شدن به خاک و استخوان پراکنده ، بعید می شمردند .

و قالوا أءذا کنّا عظمًا و رفتًا أءنّا لمبعوثون

۵– مرگ

در دیدگاه کافران ، پایان زندگی انسان است .

و قالوا أءذا کنّا عظمًا و رفتًا أءنًّا لمبعوثون خلقًا جدیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۲

۲- کافران ، اولیای برگزیده خود (معبود های باطل) را به حال خویش سودمند می پندارند .

أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

درباره معنای این آیه، توجیهات ادبی مختلفی ابراز شـده است. از جمله این که <أن یتّخذوا> مفعول یکم برای <حسب> و مفعول دوم آن <نافعاً> محذوف باشد. برداشت بالا بر این وجه ادبی مبتنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰- کسانی که غیر خدا را معبود و ولیّ خود ساخته اند ، به خطا ، خود را کام روا و نیک کردار می پندارند .

أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء . .. و هم یحسبون أنّهم یحسنون صنعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۴

۴- در دیدگاه کافران ، دین مانع پیشرفت اقتصادی و نظامی است .

کفر بأیتنا و قال لأُتینّ مالاً و ولدًا

تلاش برای فراوانی اولاد (در عصر نزول قرآن) برخاسته از نیازهای امنیتی و اقتصادی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۵ - ۲

۲ - تبدیل دوباره خاک و استخوان به شکل انسان و دمیده شدن حیات در آن ، امری غیر قابل قبول برای اشراف کفر پیشه

أيعدكم . .. أنّكم مخرجون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

١٢

- مؤمنون - ۲۳ - ۳۷ - ۳

۳ - دنیا و صحنه آمد و شد نسل ها و آفرینش آنها ، فاقد کمترین هدف و فرجام در بینش اشراف و مرفهان کفرپیشه

نموت و نحیا

مقصود از <نموت و نحیا> (می میریم و زنده می شویم) این است که نسلی می میرد و نسلی پدید می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۳ - ۱،۵

۱ - معاد ، وعده ای بی اساس و افسانه ای کهن ، در نظر کافران و مشرکان

بل قالوا مثل ما قال الأوّلون . .. لقد وعدنا ... إن هذا إلاّ أسطير الأوّلين

<اسطوره> (مفرد <أساطیر>) به معنای افسانه است. بنابراین <أساطیرالأوّلین>; یعنی، افسانه هایی که پیشینیان ساخته اند.

۵ - تحقق نیافتن وعده رستاخیز ، پس از گذشت زمانی دراز ، دلیل بی اساس بودن آن در پندار کافران

لقد وعدنا نحن . .. إن هذا إلاّ أسطير الأوّلين

مقصود کافران از عبارت <لقد وعدنا. .. من قبل> می تواند این باشد که اگر قیامتی هست تا کنون بایستی تحقق می یافت. بنابراین عدم تحقق آن تاکنون، دلیل بی اساس بودن و واقعیت نداشتن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۱

۱ - زمین و هر آنچه در آن هست ، از آن خدا و متعلق به او است .

قل لمن الأرض و من فيها إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷ - ۱،۴،۹

۱ تناول غذا ، رفت و آمد و داد و ستد

در بازار ، ناسازگار با شأن رسالت و پیامبری از دیدگاه مشرکان و کافران

و قال الذین کفروا . .. و قالوا مالِ هذا الرسول یأکل الطعام و یمشی فی الأسواق

۴ در پندار مشرکان ، بشر بودن و همچون مردم عادی زیستن ، ناسازگار با رسیدن به مقام نبوت و دریافت وحی از جانب خداوند

مالِ هذا الرسول یأکل الطعام و یمشی فی الأسواق

برداشت فوق، از اسم استفهام <ما> که در این جا برای اظهار تعجب است استفاده می شود.

۹ انجام رسالت الهی (انذار مردمان) در دیدگاه مشرکان ، تنها در خور شأن فرشتگان بود ، نه در توان انسان .

و قالوا مالِ هذا الرسول . .. لولا أُنزل إلیه ملک

برداشت فوق، از آن جا است که مشرکان به خاطر غذا خوردن و رفت و آمد پیامبر(ص) در بازار، او را شایسته پیامبری نمی دانستند و خواستار نزول فرشته ای برای همیاری با آن حضرت بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۸ – ۴

۴ داشتن ثروتی بی نیاز کننده از هرگونه داد و ستد با مردم ، و تأمین شدن نیاز های مادی از سوی خداوند و یا داشتن بوستانی پر ثمر ، نشانه درستی ادعا پیامبری در دیدگاه کافران

أو یلقی إلیه کنز أو تکون له جنّه یأکل منها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۳ – ۴

۴ علم به ارزش ها در نظام کفر ، مقهور عادات و رسوم اجتماعی

و صدّها ما کانت تعبد من دون اللّه

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۷ - ۳

۳ - زنده شدن دوباره نسل های گذشته تاریخ با همه قدمت آنها ، غیرقابل پذیرش در نظر کافران

أءذا کنّا تربًا و ءاباؤنا أئنّا لمخرجون

آمدن کلمه <آباؤنا> در ضمن استبعاد کافران، ممکن است بدین جهت باشد که به نظر آنان زنده شدن نیاکان به جهت قدمت زمانی، امری دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۴

۴ - در پندار کافران ، عقیده به معاد ، باوری ارتجاعی و افسانه ای ساخته و پرداخته پیشینیان است .

و قال الذین کفروا . .. إن هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

<أسطوره> (مفرد <أساطیر>) معادل افسانه است و آن عبارت از هر حکایت و قصه بی اصل و دروغ است که به قصد اخلاقی یا سرگرم کردن ساخته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ - کافران ، سخنان مؤمنان پیرو پیامبر (ص) را نیز عاری از حقیقت می دانستند .

و لئن جئتهم بأیه لیقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلاّ مبطلون

جمع آورده شدن مخاطب کافران (إن أنتم. ..) در خطاب به پیامبر(ص) احتمال دارد از این جهت باشد که آنان، می خواستند با این موضع گیری، مدافع فکری برای پیامبر(ص) باقی نگذارند و گفته های مؤمنان را نیز پیشاپیش، مخدوش اعلام کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۳

۳ - در نظر کافران ، حقیقت انسان ، در جسم و اجزای مادی ، خلاصه

شده است .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۸ – ۸

۸ – کافران ، درباره لحظه وقوع قیامت ، ناباور بودند و آن را محال می دانستند . *

و یقولون متی هذا الفتح إن کنتم صدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳ – ۲،۱۰

۲ – کافران ، وعده تحقق روز قیامت را وعده ای نادرست می دانستند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه

لازمه انکار قیامت از سوی کافران، این است که به آنان وعده ای مبنی بر وقوع قیامت داده شده باشد.

۱۰ – سخن گفتن همراه با ادای سوگند ، دارای تأثیری قابل توجه حتی در دیدگاه کافران

قل بلی و ربّی

این که خداوند به پیامبر(ص) دستور می دهد که آن حضرت سخن خود را همراه با سوگند به کافران بگوید، به خاطر تأثیر زیاد آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۷ – ۲،۳،۵

۲ – کافران ، به خاطر استبعاد معاد ، منکر آن بودند .

و قال الذین کفروا . .. إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید

از تعبیر <رجل ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق. ..> استفاده می شود که آنان از طرح مسأله معاد شگفت داشتند و چنین امری آنان را به انکار معاد واداشته بود.

۳ – بازآفرینی انسان ها پس از قطعه قطعه و پراکنده شدن اجزای بدنشان ، امری ناشدنی در دیدگاه کافران

و قال الذین کفروا . .. إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید

<مزق> در لغت به

معنای پاره پاره شدن و قطعه گردیدن است (العین).

۵ - کافران ، به دلیل امکان نداشتن بازآفرینی انسان ها ، وقوع قیامت را منکر بودند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه . .. و قال الذین کفروا ... إذا مزّقتم کلّ ممزّ

این آیه عطف به آیه <و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه. ..> است و به منزله اقامه دلیل برای آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۴،۶

۴ - کافران ، بازآفرینی انسان ها را پس از قطعه قطعه شدن از سوی خداوند ، امری ناشدنی می دانستند .

هل ندلّکم علی رجل ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم . ..أفتری علی اللّه

کافران مدعی بودند که امر بازآفرینی انسان ها در قیامت که پیامبر(ص) مطرح می کند افترا به خداوند است. احتمال دارد از این جهت باشد که آنان این امر را حتی برای خدا ناشدنی می دانستند. ازاین رو می گفتند اسناد چنین امری به خدا، دروغ بستن به او است.

۶ - کافران ، امکان بازآفرینی انسان ها را پس از قطعه قطعه و پراکنده شدن ، امری عقلانی نمی دانستند .

و قال الذین کفروا . .. إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید . أفتری علی اللّه

این که کافران به خاطر اظهار امکان تجدید حیات انسان ها پس از مرگ، به آن حضرت نسبت جنون دادند; به دست می آید که احتمالاً آنان چنین اظهاراتی را اصلاً عاقلانه نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۸

- قرآن کریم در نگاه کافران ، فراتر از کلام عادی است و تأثیری در حد سحر دارد .

و قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم إن هذا إلاّ سحر مبین

از سحر دانستن قرآن، استفاده می شود که مشرکان، قرآن را کلامی فراتر از کلام معمولی و دارای تأثیری فوق العاده می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۸ - ۳،۴،۵

۳ - زنده شدن انسان ها پس از تبدیل شدن به استخوان کهنه و پوسیده ، امری شگفت آور و ناممکن در دیدگاه کافران

قال من یحیِ العظم و هی رمیم

<من> در آیه شریفه برای استفهام انکاری و تعجبی است و <رمیم> به معنای کهنه و پوسیده است.

۴ - تبدیل شدن انسان ها به استخوان کهنه و پوسیده ، دلیل و شاهد مثالِ کافران برای دور شمردن برپایی قیامت و زنده شدن مجدد انسان ها

و ضرب لنا مثلاً . .. قال من یحیِ العظم و هی رمیم

برداشت یاد شده با توجه به این مطلب است که جمله <قال من یحیِ. ..> استئناف بیانی است; یعنی، بیان برای جمله <ضرب لنا مثلاً> است.

۵ - کافران ، خدا را از احیای مجدد انسان ها پس از مرگ ، ناتوان می دانستند .

و ضرب لنا مثلاً. .. قال من یحیِ العظم و هی رمیم

مقصود از <ضرب لنا مثلاً> (برای ما مثل آورد) می تواند این معنا باشد که: کافران، قدرت خدا را با قدرت دیگران یکی می دانستند; یعنی، همان گونه که همه از احیای استخوان کهنه ناتوان اند، او نیز مانند همه ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۳ – ۲

۲ – تبدیل خاك ها و استخوان های مردگان به انسانی کامل ، امری ناممکن در نظر کافران

یقول . .. أءذا متنا و کنّا ترابًا و عظمًا أءنّا لمدینون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴ – ۱،۲

۱ – برخاستن فردی از توده های مردم به پیامبری ، امری شگفت انگیز در نظر کافران

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <منهم> این است که پیامبر از میان توده های مردم و با ویژگی مردمی باشد. گفتنی است تعبیر <من بیننا> در آیه ۸ مؤید همین مطلب است.

۲ – انتخاب شدن انسان به پیامبری ، امری شگفت آور در نظر کافران

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که مقصود از <منهم> از جنس انسان بودن پیامبر باشد؛ زیرا کافران و مشرکان صدراسلام، انسان را شایسته رسیدن به مقام پیامبری و ارتباط با خداوند نمی دانستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸ – ۱

۱ – برگزیده شدن پیامبراسلام (ص) از میان توده های عرب برای پیامبری ، امری غیرمنطقی و ناممکن در نظر کافران و مشرکان

أءنزل علیه الذکر من بیننا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۷ – ۸

۸ - آفرینش جهان در نظر کافران ، باطل و بی هدف است .

و ما خلقنا السماء . .. بطلاً ذلک ظنّ الذین کفروا

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۴ – ۱

۱ – تردید و شک کافران مکه ، نسبت به برپایی قیامت

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۵ – ۷

۷ – افق دید کافران ، محدود به زندگی کوتاه دنیا است .

لجعلنا لمن یکفر بالرحمن . .. لمّا متع الحیوه الدنیا و الأخره عند ربّک للمتّقین

خداوند در این آیه، توانایی خویش را بر ایجاد یک زندگی آکنده از تجمل برای کافران، بیان کرده و سپس حضور در جوار ربوبی را مطرح نموده است. از این مطلب استفاده می شود که کافران تنها در محدوده تنگ زندگی دنیا می اندیشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۷ – ۱،۷

۱– حق ناباوران کافر ، آیات الهی را سحر و جادوئی روشن قلمداد می کردند .

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر

۷– اتهام سحر ، سپر دفاعی کافران در برابر آیات روشن وحی

إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۵ – ۱۳

۱۳– مجال زندگی دنیا و عالم برزخ ، درنگی کوتاه در نظر کافران حضور یافته در صحنه قیامت

کأنّهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا إلّا ساعه من نهار

با توجه به این که آنچه کافران در قیامت پشت سر خود می بینند زندگی دنیا و عالم برزخ است; <لم یلبثوا> می تواند ناظر به هر دو باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲

۲- خداوند ، توصیف کننده بهشت برای متقین ، در قبال جلوه دنیا در چشم کافران

و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون . .. زیّن له سوء عمله ... مثل الجنّه الّتی وعد ا

در صورتی که <مثل> به معنای توصیف باشد، از ارتباط این آیه با آیات پیشین مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳ - ۱،۲،۵

۱ زنده شدن دوباره انسان ، پس از مردن و خاک شدن ، امری بعید از نظر کافران

أءذا متنا و کنّا ترابًا ذلک رجع بعید

۲ انکار معاد از سوی کافران ، متکی بر استبعاد و نه دلیل قطعی

أءذا متنا و کنّا ترابًا ذلک رجع بعید

۵ متلاشی شدن اجزای بدن در خاک ، محور اشکال کافران در مسأله معاد

و کنّا ترابًا ذلک رجع بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۴

۴ - ناباوری بی جای کافران نسبت به نزدیک شدن لحظه به لحظه قیامت

أزفت الأزفه . .. أفمن هذا الحدیث

در صورتی که <هذا> اشاره باشد به آنچه در آیات پیشین درباره نزدیکی قیامت و وعده ها و عیدهای الهی بیان شده است، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۴۷ – ۳

۳ – کافران ، زنده شدن انسان را پس از تبدیل شدن وی به خاک و استخوان ، غیرقابل باور می پنداشتند .

و کانوا یقولون أئذا متنا و کنّا

ترابًا و عظمًا أءنّا لمبعوثون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۴۸ – ۱،۲

۱ – احیای مجدد گذشتگان تاریخ ، موضوعی انکارآمیزتر در پندار کافران

أو ءاباؤنا الأوّلون

آیه بالا- تأکیدی بر آیه پیش است; یعنی، بر فرض بپذیریم که ما پس از مرگ زنده می شویم; زنده شدن نیاکان ما که روزگاری دراز از مرگ آنان گذشته است به هیچ وجه باور کردنی نیست.

۲ – گذشت زمان بر مردگان ، تأثیرگذار در غیر ممکن شدن احیای مجدد آنان در پندار کافران منکر معاد

أءنّا لمبعوثون . أو ءاباؤنا الأوّلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۳ – ۸

۸ – مرگ ، پایان همه چیز در بینش کافران

کما یئس الکفّار من أصحب القبور

<من> در آیه شریفه می تواند برای ابتدای غایت و یا بیانیه باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۶ – ۵

۵ – در بینش کافران ، بشر شایسته مقام پیامبری ، واسطه ارتباط میان خدا و خلق و هادی برای انسان ها نیست .

فقالوا أبشر یهدوننا فکفروا و تولّوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۵۱ – ۸

۸ - کافران ، قرآن را نشانه جنون پیامبر (ص) می دانستند .

لمّا سمعوا الذکر و یقولون إنّه لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۶ - ۲

۲ - کافران ، هیچ دلیل قاطعی بر نفی

قیامت ندارند ، بلکه تنها به گمانه زنی درباره آن می پردازند .

إنّهم یرونه بعیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳ - ۱

۱ - انکار قیامت ، برخاسته از پندار کافران به ناتوان بودن خداوند بر گردآوری استخوان های مردگان و احیای مجدد آنها

أیحسب الإنسن ألّن نجمع عظامه

مقصود از انسان در این آیه برابر نظر مفسران و به قرینه مقام انسان کافر است؛ نه همه انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۴

۴ - قرآن ، حتی در دیدگاه کافران ، ظاهری زیبا و آراسته دارد .

أسطیر الأوّلین

در صورتی نوشته افسانه ای را <اسطوره> می گویند که زیبا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۳ - ۴

۴ - گنه پیشگان کافر ، در برخورد با مؤمنان ، چنان خود را در مقام قیّم و نگهبان می نشانند که گویا هدایت آنان را مأموریت خود می دانند .

و ما أُرسلوا علیهم حفظین

بینش کافران جاهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۷

۷ در بینش کافران زشتکردار عصر جاهلی، روش پدرانشان مهمتر از امر خداوند بود.

قالوا وجدنا علیها ءاباءنا و الله أمرنا بها

از اینکه زشتکاران در توجیه کردار خویش قبل از استناد به امر خدا به روش پدرانشان تمسک جستند، برداشت فوق استفاده می شود.

بینش کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ -

۸- کفرورزان عصر بعثت ، برتری وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را نشانه حقانیت عقاید خویش می دانستند .

أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

پاسخ کافران به دلایل روشن و آیات الهی، صرفاً تکیه بر مظاهر مادی و نظام اجتماعی خود بوده است و این نشان دهنده تفکر آنان و ارزش هایی است که در نظر آنها، معیار ارجحیت یک مکتب است.

۹- کافران عصر بعثت ، مشکلات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی مسلمانان را ، نشانه ناروابودن عقیده و تفکر آنان می دانستند .

أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۲

۲ - کفرپیشگان عصر بعثت ، وعده عذاب را دروغ پنداشته و آن را به ریشخند می گرفتند .

و یستعجلونک بالعذاب

از این که تکذیب گران، از پیامبر(ص) می خواستند وعده خود را عملی سازد و هر چه زودتر عذاب را بر آنان نازل کند، معلوم می شود که آنان تهدید پیامبر(ص) را تهدیدی تو خالی می انگاشتند و با درخواست تسریع عذاب، آن را به ریشخند می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۲

۲ دسته جمعی و به یکباره نازل نشدن آیات قرآن بر پیامبر (ص) ، دلیل وحی نبودن آن در دیدگاه کافران صدراسلام

و قال الذین کفروا لولا نزّل علیه القرءان جمله وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۷ - ۱

۱ - تبدیل ذرات خاک به بدن انسانی زنده ، امری شگفت و باور نکردنی

در نظر کافران عصر پیامبر

و قال الذین کفروا أءذا کنّا تربًا . .. أئنّا لمخرجون

کافران می دیدند که پیکر مرده انسان در خاک پوسیده و پس از روزگاری تبدیل به ذرات خاک می شود. پذیرش این مطلب (تبدیل دوباره ذرات و عناصر خاکی به بدن انسانی زنده) برای آنان غیر قابل باور بود و از آن اظهار شگفتی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۱،۲

۱ - کافران ، اظهارات پیامبر (ص) را درباره تجدید حیات انسان ها پس از مرگ ، افترای او بر خدا می دانستند .

و قال الذین کفروا هل ندلّکم علی رجل ینبّئکم . .. أفتری علی اللّه کذبًا

۲ - کافران ، در اظهار نظرشان درباره پیامبر (ص) و تبلیغ آن حضرت از معاد ، مردد بودند و نظری ثابت و قطعی نداشتند .

رجل ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید . أفتری علی اللّه کذبًا أم ب

<أم> حرف عطف و برای تردید است؛ یعنی، طبق نظر کافران پیامبر(ص) یا می داند که معاد، شدنی نیست و در عین حال از آن خبر می دهد که افترا به خدا است و یا از آن خبر ندارد و سخنی جنون آمیز بر زبان جاری می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۸

۸ - کافرانِ صدراسلام ، عقیده به روزی رسانی خدا برای انسان ها را باطل دانسته و مؤمنان را در گمراهی محض می پنداشتند .

قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم من

لو يشاء اللّه أطعمه إن أنتم إلاّ فی ضلل م

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <إن أنتم إلاّ فی ضلال مبین> دنباله گفتار کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۲

۲- از نگاه کافران عصر نزول ، مقام رسالت شایسته موجودی آسمانی و فرابشری است .

بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۱ - ۲

۲ - تکذیب و انکار معاد ، از سوی کافران صدراسلام

ثمّ إنّکم أیّها الضالّون المکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۴

۴ - مشرکان و کافران صدراسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و آن را دروغ می پنداشتند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۴

۴ - قرآن ، کلامی پرجاذبه و اثرگذار ، حتی در نظر کافران حق ناپذیر عصر نزول

فقال إن هذا إلاّ سحر یؤثر

اطلاق <سحر> به قرآن، می تواند به این جهت باشد که همان گونه که سحر بسیار تأثیرگذار است، قرآن نیز چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۵ – ۲

۲ – اصرار و تأکید فراوان کافران حق ناپذیر و مستکبر صدراسلام ، بر الهی نبودن قرآن و منشأ بشری داشتن آن

و استکبر . فقال إن هذا إلاّ سحر یؤثر . إن هذا إلاّ قول البشر

بینش کافران مستکبر

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۳

۳ مستکبران کفرپیشه مدعی برخورداری خویش از رحمت های الهی در آخرت

أهؤلاء الذین أقسمتم لاینالهم اللّه برحمه

زیرا سوگند مستکبران به محرومیت مؤمنان از رحمت الهی، از موضع کسی است که تنها خود را بهره مند از مواهب الهی می داند.

بینش کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۴،۵

۴- کافران مکه ، نزول وحی بر پیامبر (ص) را ، ادعایی بیش نمی دانستند .

قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل <نُزِّل> و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

۵- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر ، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بینش کافران مکه

قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۲،۴،۶

۲- کافران مکه ، دلیل صداقت پیامبر (ص) را در ادعای نزول وحی ، آمدن ملائکه برای تصدیق او می دانستند .

لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

۴- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصـدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشـر با

خداونـد را غیر ممکن می دانسـتند و برای قبول نبوت بشـر، خواسـتار آوردن شاهـد آسـمانی بودنـد و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

۶- کافران و مشرکان مکه ، ملائکه را موجوداتی قابل احساس برای همگان می دانستند .

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه

از تعبیر <لو ما تأتینابالملئکه> (چرا فرشته ای نمی آوری؟) استفاده می شود که آنان، فرشتگان را موجوداتی محسوس و قابل رؤیت می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۷،۸،۹

۷- کافران و مشرکان مکه ، نسبت به نام < رحمان > برای خداوند ، بسیار حساس و منکر رحمانیت او بودند .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

اختصـاص به ذکر یافتن نام <رحمان> از میان دیگر نام های مقـدس پروردگار و نیز تکرار <هم>، بیانگر برداشت یاد شـده است.

۸- کافران مکه ، منکر خدای رحمان بودند .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

گفتنی است که کافران منکر نام رحمان بودند; به اولویت استفاده می شود که منکر ذات خدای رحمان نیز بوده اند.

۹- آسمانی بودن قرآن ، مورد انکار کافران و مشرکان مکه بود .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

برداشت یـاد شـده مبتنی براین است که مقصود از <ذکر> قرآن کریم باشـد، چنان که در موارد متعـدد در قرآن از جمله آیه دوم همین سوره از قرآن به <ذکر> یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۴

۴ – کافران مکه ، برای عقیده خود ، هویتی مستقل ، قائل بودند .

اتّبعوا

سبیلنا

بینش کفرآمیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۲

۲- انکار معاد و تردید در آن و مغرور شدن به زندگی دنیا ، اندیشه و بینشی کفرآمیز است .

و ما أظنّ الساعه قائمه . .. قال له صاحبه وهو یحاوره أکفرت بالذی خلقک

بینش گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۵

۵ مشرکان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشتن را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۷

۷ - قیامت ، عرصه رنگ باختن پندار های دروغین گمراهان و فریب خوردگان

و یحسبون أنّهم مهتدون . حتّی إذا جاءنا

بینش لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۲

۲ لاوی برخلاف دیگر برادرانش ، با توطئه علیه یوسف (ع) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب (ع) موافق نبود .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. إن کنتم فعلین

جمله شرطی <إن کنتم فاعلین> (اگر بر توطئه علیه یوسف(ع) مصمم هستید) می رساند که لاوی با انجام توطئه موافق نبود. لازم به ذکر است که جواب جمله شرطی (إن کنتم...) معنایی است که از <ألقوه...> استفاده می شود ; یعنی، <إن کنتم فاعلین فألقوه فی غیبت الجب>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۸

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا من الله

لاوی با تفریع جمله <فلن أبرح . ..> بر <ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا> بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

۹ فرزند بزرگ یعقوب با یادآور شدن ظلم و ستم برادرانش به یوسف ، بازگشت به نزد پدر را بدون همراه داشتن بنیامین ناروا شمرد .

ألم تعلموا . .. من قبل ما فرّطتم فی یوسف

<ما> در <ما فرّطتم> مصدریه است و عبارت <من قبل ما فرّطتم . ..> عطف بر <أنّ أباکم ...> می باشد ; یعنی: <ألم تعلموا تفریطکم فی یوسف من قبل>. تفریط به معنای کوتاهی کردن و رها کردن چیزی تا نابود شدن آن است (لسان العرب).

۱۱ لاوی بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی أو یحکم الله لی

گویا مقصود لاوی از <حتی یأذن لی أبی> این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلاّـ أن یحاط بکم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی

کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از <یحکم الله> شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

بینش لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۷ – ۵

۵ – اقامه نماز ، از دید لقمان اهمیت ویژه ای دارد .

یبنیّ أقم الصلوه

از این که لقمان پس از توصیه پسرش به پرهیز از شرک (توحید) و یادآوری روز حساب به نماز می پردازد ، حکایت از اهمیت آن می کند.

بینش متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۲ – ۱

۱ – سفر پیامبر (ص) و مؤمنان در جریان حدیبیه ، سفری پرخطر و بی بازگشت در نظراعراب متخلف

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

بینش متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۸ – ۲

۲ – متقین ، دستیابی خود به بهشت را مرهون دعا ها و نیایش های خود به درگاه خداوند می دانند .

فمنّ اللّه علینا . .. إنّا کنّا من قبل ندعوه

بینش متولیان غار اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۱ – ۳۴

۳۴– متصدّیان جایگاه اصحاب کهف ، آنان را اهل عبادت خداوند و جایگاه شان را مکانی مقدّس می دانستند .

قال الذین غلبوا علی أمرهم لنتّخذنّ علیهم مسجدًا

تصمیم بر ساختن مسجد، نشانه آن است که سازندگان

آن، اهداف اصحاب کهف را با مسجد، هماهنگ دانسته و آن ها را اهل سجود و عبادت شناخته بودند. شایسته دیدن آرامگاه آنان برای بنای مسجد، گویای اعتقاد به تقدّس آن جا است.

بینش مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۲

۲ - فتح سنگر های دشمن و پیروزی برق آسا بر آنان ، نیازمند نصرت و امداد های الهی در نگاه مجاهدان راه خدا

و أُخرى تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

ذکر عبارت <نصر من اللّه> پیش از <فتح قریب>، می تواند برای بیان مطلب بالا باشد.

بینش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۵

۵ جهاد پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، نشأت یافته از درک صحیح و بینش عمیق آنان نسبت به ارزش جهاد

فهم لایفقهون. لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا

با توجه به فراز پیش (رضوا . .. فهم لایفقهون) مقصود این است که منافقان چون نمی فهمند، از جهاد می گریزند و لکن مؤمنان، به برکت درک عمیقی که دارند، به سوی عرصه های کارزار پیش می تازند.

بینش مخالفان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۳ - ۵

۵ - مال و قدرت ، تنها ملاک ارزش انسان ، از نگاه مخالفان پیامبران در طول تاریخ

و قالوا لولا نزّل هذا القرءان على رجل من القریتین عظیم . .. فلولا أُلقى علیه أس

بینش مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳

۳ - مشرکان و مخالفان پیامبر (ص) ، معتقد به اقتدار و متکی به نیرومندی خود

أن کنتم قومًا مسرفین . .. فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا

از یادآوری هلاکت اقوامی نیرومندتر از مردم مکه، استفاده می شود که مکیان، به قدرت خویش مغرور بوده و آن را غیر قابل زوال می پنداشتند.

بینش مخلصان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲،۳

۲ زندانی شدن و خوار گشتن ، محبوب تر از گناه و معصیت ، در پیش حضرت یوسف (ع) و بندگان مخلص خدا

قال رب السجن أحب إلیّ مما یدعوننی إلیه

۳ رنج و محنت در راستای اطاعت خداو حفظ حریم عفت ، امری محبوب و ارزشمند برای یوسف (ع) و بندگان خالص خداوند

رب السجن أحب إلیّ مما یدعوننی إلیه

بینش مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۶

۶ از دیدگاه برخی مردم در اختیار داشتن خزاین الهی و آگاهی به غیب و فرشته بودن، نشانه پیامبری است.

قل لا أقول لکم عندی خزائن اللّه و لاأعلم الغیب و لاأقول لکم إنی ملك

بینش مردم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۸

۸ - برخی از مردم پیش از اسلام ، فرزند داشتن و متولد شدن را مانع خدایی نمی دانستند .

لم یلد و لم یولد

ماضی آوردن فعل های <لم یلد> و <لم یولد> با آن که نفی ولادت همیشگی است به چنین پنداری در بین مردم آن

زمان، اشاره دارد.

بینش مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲ - ۴

۴ - در طلاق از نوع ظهار ، پندار مردم جزیره العرب این بود که زن ظهار شده ، برای شوهرش حکم مادر را پیدا کرده و حرام مؤبّد می شود .

الذین یظهرون منکم من نسائهم ما هنّ أُمّهتهم

بینش مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۷،۱۳

۷ مردم عصر بعثت ، پیامبریِ فردی از افراد بشر را امری بعید می شمردند .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلک و جعلنا لهم أزوجًا و ذریّه

۱۳ توانایی به ارائه هر گونه معجزه و در هر زمان ، از شرایط پیامبری در دیدگاه ناصواب مردم عصر بعثت

و لقد أرسلنا رسلاً . .. و ما کان لرسول أن یأتی بأیه إلاّ بإذن الله لکل أجل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶ - ۴

۴ - ارضای غرایز جنسی حتی از راه آمیزش با همسر و یا کنیز خود ، مورد ملامت در بینش برخی از مردم عصر بعثت

فإنّهم غیر ملومین

تعبیر <غیر ملومین> (نکوهیده نیستند)، می تواند تعریض به اندیشه رهبانانی باشد که هرگونه ارضای غرایز جنسی را، منافی با مقامات معنوی می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۰ – ۴

۴ – ارضای غرایز جنسی ، حتی از راه آمیزش با همسر و یا کنیز خود ، مورد ملامت در بینش برخی از مردم عصر بعثت

فإنّهم

غیر ملومین

تعبیر <غیرملومین> (نکوهیده نیستند)، می تواند تعریضی باشد به اندیشه رهبانان که هرگونه ارضای غرایز جنسی را، منافی با مقامات معنوی می پنداشتند.

بینش مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۵

۵- مردم عصر بعثت ، معتقد به توانایی علمی پیامبر (ص) در پاسخ گویی به مسائل اسرارآمیز و ناشناخته ای چون روح

یسئلونک عن الروح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۲،۳،۴

۲- نزول داستان اصحاب کهف در قرآن ، زمینه ساز اظهار نظرهایی گوناگون در میان مردم عصربعثت ، در باره تعداد آنان شد .

سیقولون . .. و یقولون ... و یقولون

حرف <سین> در <سیقولون> نشانه صدور آن گفته و گفته های بعدی در زمان آینده است و به قرینه <فلا تمار فیهم> این اقوال، در زمان حیات رسول اللّه(ص) پیدا شده بود.

۳- مردم عصربعثت ، با اظهار سه نظریه متفاوت ، اصحاب کهف را سه ، یا پنج و یا هفت نفر می پنداشتند .

سیقولون ثلثه رابعهم کلبهم و یقولون خمسه . .. و یقولون سبعه

۴- سگ اصحاب کهف ، چهارم یا ششم و یا هشتمین عضوگروه اصحاب کهف در نظر مردم بود .

سیقولون ثلثه رابعهم کلبهم و یقولون خمسه سادسهم کلبهم . .. و یقولون سبعه و ثامنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۵ - ۴

۴ – لزوم حفظ درختان بارور ، در باور مردمان عصر بعثت

ما قطعتم من لینه . .. فبإذن اللّه

از توضیح خداوند نسبت به مشروعیت

عمل مسلمانان در قطع درختان بنی نضیر، چنین استفاده می شود که عمل آنان، برای مردم مدینه چه بسا سؤال برانگیز بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۱

۱ - برخی از مردم عصر بعثت ، قرآن را کلامی القا شده از سوی شیطان می پنداشتند .

و ما هو بقول شیطن

بینش مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۶ - ۵

۵- مرفهان ستمگر ، جهان را بازیچه و بی هدف می پندارند .

قریه کانت ظالمه . .. وارجعوا إلی ما أُترفتم فیه ... و ما خلقنا السماء والأرض و م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ - بشر بودن و خوردن و آشامیدن همانند انسان ها ، مانع از رسالت در نظر اشراف و عناصر مرفه

ما هذا إلاّ بشر مثلکم یأکل ممّا تأکلون منه و یشرب ممّا تشربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۷ - ۳

۳ - دنیا و صحنه آمد و شد نسل ها و آفرینش آنها ، فاقد کمترین هدف و فرجام در بینش اشراف و مرفهان کفرپیشه

نموت و نحیا

مقصود از <نموت و نحیا> (می میریم و زنده می شویم) این است که نسلی می میرد و نسلی پدید می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۴ - ۵

۵ - مترفان ، هیچ تعلیمی از تعالیم آسمانی پیامبران را قبول نداشتند .

قال مترفوها إنّا

بما أَرسلتم به كفرون

برداشت یاد شده از آن جا است که موصول <ما اُرسلتم به> اطلاق دارد و شامل هر تعلیمی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۵ - ۱،۴،۶

۱ - مترفان ، دارایی بیشتر و اولاد زیادتر را ملاک برتری و ارزش می دانند .

قال مترفوها . .. و قالوا نحن أکثر أمولاً و أولدًا

۴ - برخورداران از امکانات رفاهی ، خود را مأمون از عذاب می دانند .

قال مترفوها . .. نحن أکثر أمولاً و أولدًا و ما نحن بمعذّبین

۶ - مترفان ، به خاطر کثرت مال و اولاد ، خود را از عذاب در امان می دانستند .

و قالوا نحن أکثر أمولاً و أولدًا و ما نحن بمعذّبین

این جمله به منزله نتیجه عبارت قبلی است و به خاطر روشنی مطلب برای ذهن مخاطب، از <فا>ی تفریع استفاده نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۱،۴

۱ - دادن نقش اصلی به دانش و تلاش بشری در برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها و نادیده گرفتن نقش خداوند در عرصه زندگی ، تفکر همه مرفهان و برخورداران در طول تاریخ

قال إنّما أُوتیته علی علم . .. قد قالها الذین من قبلهم

۴ - همسانی طرز تلقی مرفهان ناسپاس از دنیا و نعمت های آن ، و یگانگی موضع آنان در برابر اندیشه توحیدی پیامبران

قال إنّما أُوتیته علی علم . .. قد قالها الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۵

پندار مرفّهان به گرامی بودن نزد خداوند ، با وجود بی توجهی آنان به مساکین ، پنداری بی پایه و نادرست است .

ربّی أکرمن . کلاّ ... و لاتحضّون علی طعام المسکین

بینش مرفهان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۶ - ۱

۱ - مال و فرزند بسیار ، نشانه لطف و مهر خداوند در دیدگاه شرک پیشگان مرفه صدراسلام

أیحسبون . .. من مال و بنین . نسارع لهم فی الخیرت

بینش مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۸ - ۱۱

۱۱- < روی عن علی (ع) إنّه قال : علمت أنّ التقیّ ینهاه التقی عن المعصیه ;

از حضرت علی(ع) روایت شده که فرمود: مریم دانست که انسان پرهیزگار، تقوایش او را از معصیت باز می دارد>.

بینش مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ - مستکبران ، عاملی برای انحراف مردم از دین الهی و مانع ایمان آنان ، از دیدگاه مستضعفان

یقول الذین استضعفوا للذین استکبروا لولا أنتم لکنّا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱،۳،۵،۶

۱ - مستضعفان در قیامت ، بی گناه دانستن مستکبران را در گمراه کردن دیگران ، مردود شمرده و آنان را عامل اصلی آن

معرفی خواهند کرد .

بل کنتم مجرمین . و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل مکر الّیل و النهار إذ تأ

۳ – مستضعفان در قیامت ، تلاش مکّارانه و شبانه روزی مستکبران را ،

مانع ایمانشان معرفی خواهند کرد .

لولا أنتم لکنّا مؤمنین . قال الذین استکبروا ... بل کنتم مجرمین . و قال الذین است

۵ – مستضعان در قیامت ، مستکبران را عامل اصلی شریک گرفتن برای خدا معرفی خواهند کرد .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا . .. تأمروننا أن نکفر باللّه و نجعل له أنداد

۶ – مستضعفان در قیامت ، انتخاب کفر و بی دینی را تحمیلی از سوی مستکبران معرفی خواهند کرد .

إذ تأمروننا أن نکفر باللّه و نجعل له أنداداً

کاربرد فعل <تأمروننا> (از ماده <أمر> و به معنای فرمان و دستور) دلالت می کند که مستکبران به صورت دستور آمرانه، مستضعفان را وادار به پذیرش عقیده ای می کرده اند.

بینش مستکبران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۲ – ۳

۳ – مستکبران ، در قیامت ، خود را مانع حق پذیری مستضعفان در دنیا نخواهند دانست .

قال الذین استکبروا للذین استضعفوا أنحن صددنکم عن الهدی بعد إذ جاءکم

بینش مسلمانان صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۲ – ۲

۲ دورنمای مشقت آمیز و به دور از منافع مادی جنگ تبوک ، در نظر برخی از مسلمانان صدر اسلام ، عامل امتناع آنان از حضور در جنگ

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۲ – ۲

۲ گمان برخی از مسلمانان صدر اسلام به وجوب بسیج همه مردم برای شرکت در جنگ

ما کان المؤمنون لینفروا

کافه

آیه شریفه چنان که در برخی شأن نزولها آمده در مقام دفع ذهنیت اشخاصی است که می پنداشتند همه مسلمانان بی استثنا باید در جنگ شرکت کنند.

بینش مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ خیرخواهیهای مشرکان مبنی بر زیانبار بودن حضور مؤمنان ضعیف در کنار پیامبر(ص) نباید موجب طرد و محرومیت آنان از محضر پیامبر(ص) گردد.

ما علیک من حسابهم من شیء و ما من حسابک علیهم من شیء فتطردهم

<حسابهم> می تواند اضافه مصدر به فاعل خود (هم) باشد ; یعنی حسابگریهای مشرکان درباره مؤمنان و فقر و محرومیت آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۸

۱۸ مشرکان، مرتدان متحیر را به شرک دعوت می کنند و خود را هدایت یافته می پندارند.

له أصحب یدعونه إلی الهدی ائتنا

مراد از <اصحاب>، بنا بر یک احتمال، مشرکان و منحرفانی هستند که مرتدان را تشویق می کنند و به جانب خود سوق می دهند و راه خود را طریق هدایت می شمارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ مشرکان می پنداشتند امنیت آنان با پرستش بتها و دیگر معبودها تأمین می گردد.

فأی الفریقین أحق بالأمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۹

۹ دشنام به خدا برای دفاع از باورهای خویش، عملی شایسته و زیبا در نظر مشرکان است.

فیسبوا الله عدوا بغیر علم کذلک زینا لکل أمه عملهم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۳،۵،۸،۱۰

۳ قرار دادن سهم برای خداوند، از آنچه خود آفریده، از پندارهای پوچ مشرکان

و جعلو الله مما ذراً من الحرث و الأنعم نصیبا فقالوا هذا لله بزعمهم

۵ شرک، عقیده ای برخاسته از پندار و اوهام مشرکان است.

فقالوا هذا لله بزعمهم و هذا لشرکائنا فما کان لشرکائهم

منتسب کردن <شرکاء> به مشرکان و نه به خداوند، گویا اشاره بدین نکته باشد که آنچه را آنان شریک خدا می پندارند به ساخته های ذهنی آنان مربوط است.

۸ مشرکان، مصرف اموال سهم شریکان پنداری خداوند را در راه خدا غیر مجاز و ناروا می شمردند.

فما کان لشرکائهم فلایصل إلی الله و ما کان لله فهو یصل إلی شرکائهم

۱۰ داوری زشت و غلط مشرکان جاهلی در مقایسه خدا با بتها و ترجیج بتها بر او

فما کان لشرکائهم . .. ساء ما یحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۳،۱۲

۳ مشرکان از مفهوم <مشیت الهی> برداشتی نادرست داشتند.

سیقول الذین أشرکوا لو شاء الله ما أشرکنا

۱۲ پیامبر(ص) مأمور احتجاج با مشرکان و رد اندیشه های غلط آنان

قل هل عندکم من علم فتخرجوه لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ مشرکان به پندار فرمان خدا بر پرستش معبود های خویش ، آنها را عبادت می کنند . *

أمر ألّاتعبدوا إلّا إیاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۷

۷ مشرکان با وجود دلایل روشن

بر ولایت خداوند ، دیگران را ولیّ و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أفاتخذتم من دونه أولیاء

تفریع جمله <اتخذتم . ..> به وسیله حرف <فاء> بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد$ که مشرکان نیز آنها را باور دارند می رساند که ولایت بر انسانها تنها از آنِ خداست و پندار ولایت غیر او ، پنداری ناموجّه و بدون دلیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۱،۲

۱- مشرکان ، برای معبود های خویش سهمی در روزی دهی قائل بودند .

یشرکون . .. و یجعلون لما لایعلمون نصیبًا ممّا رزقنهم

آیه، ادامه بیان کارهای خلاف مشرکان است و برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که مراد از <ما> ی موصول، معبودهاست و مفعولٌ به فعل <لایعلمون> محذوف است.

۲- مشرکان ، برای اسباب و علل ظاهری در انجام امور ، نقش مستقل قائل بودند .

بربّهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... و یجعلون لما لایعلمون نصیبًا ممّا رزقن

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که <ما>ی موصول اسباب و عواملی باشد که مشرکان آنها را در نجات خود از ناگواریها دخیل می دانستند، در حالی که خبر از وضعیت آنها هم نداشتند و از اینکه خداوند مشرکان را به خاطر چنین تفکری مورد سرزنش قرار داده است، استفاده می شود که آنان برای چنین اسبابی نقش مستقل قائل بوده اند و گرنه جای سرزنش و توبیخ نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۱۰

۱۰- مشرکان ، در

برابر اسناد دختر به خدا ، فرزند دلخواهشان (پسر) را به خود اسناد می دادند .

و یجعلون لله البنت . .. و لهم ما یشتهون

<و> در <و لهم> می تواند حالیه و هم می تواند عاطفه باشد. در صورت عاطفه بودن جمله <ما...> در محل نصب خواهد بود برای عطف به <البنات>. در هر صورت برداشت فوق قابل استفاده است و اسناد دادن فرزند دختر برای خدا، قرینه ای است بر اینکه مراد از <ما> در <ما یشتهون> فرزند پسر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۶

۶- مشرکان ، علی رغم نفرت از دختردار شدن ، آن را به خداوند نسبت می دادند .

و یجعلون لله البنت . .. و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی ظلّ وجهه مسودًّا و هو کظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۷ - ۳

۳- دست نیافتن مشرکان در قیامت به بافته های دروغین خویش درباره شریک داشتن خداوند

و ضلّ عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۹ - ۳

۳- مشرکان ، مرگ را به منزله نیستی و نابودی پنداشته و حیات پس از آن را مستبعد می شمردند .

أءذا کنّا عظمًا و رفتًا أءنًّا لمبعوثون خلقًا جدیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۹

۹- اصل وجود خدا و نیاز به رسالت ، امری پذیرفته شده حتی در بینش مشرکان

أبعث الله بشرًا رسولاً

از اینکه مشرکان به جای انکار اصل

رسالت به استبعاد نبوت بشر پرداختند، می توان استفاده کرد که اصل رسالت و نبوت برای آنان، امری محرز بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۵ – ۴

۴- در نظر مشرکان تنها ملائکه ، شایسته رسالت و پیامبری بودند .

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً. قل لو کان فی الأرض ملئکه ... لنزّلنا علیهم من الس

از پاسخ خداوند در قبال اعجاب مشرکان و از گفته آنان (أبعث الله بشراً رسولاً) استفاده می شود که آنان، توقع داشتند که پیامبر(ص) از جنس ملائکه باشد نه از جنس بشر.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۸ – ۱۰

۱۰- غفلت از رستاخیز و تصوّر عدم برپایی قیامت ، آفت فراگیر مشرکان است .

بل زعمتم ألّن نجعل لکم موعدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۸۱ – ۵

۵- شرک پیشاگان ، عزّت و سعادت را در تحصیل مال و فرزند ، و فزونی آن می دیدند .

قال لأُتینّ . .. واتّخذوا ... لیکونوا لهم عزًّا

در آیات پیشین انگیزه روی آوردن به کفر، علاقه به مال و فرزند بیان شده و در این آیه طلب عزّت ذکر گردیده است. حاصل این دو تعبیر، این است که مشرکان مال و فرزند را مایه عزّت می دانستند و پرستش غیر خدا را، راه وصول به آن شناخته بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹۲ – ۲

۲- در پندار گروهی از مشرکان ، خداوند برخی از مخلوقات خویش را فرزند

خوانده خود قرار داده است .

أن يتّخذ ولدًا

از تعبیر <إتّخاذ> در این آیه و نیز در آیات پیشین، برمی آید که قائلانِ فرزند گزینی خداوند، تنها این بوده است که او از میان موجودات، کسی را به عنوان فرزندی خود برگزیده است; نه این که مدعی تولّد فرزندی برای او باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۳ - ۲

۲- قائلان به فرزندگزینی خداوند ، فرزند خوانده او را از بین موجودات شعورمند آسمان ها و زمین می دانستند .

من فی السموت والأرض

کلمه <من> موصولی است که برای عاقلان به کار می رود. به کار بردن آن، ممکن است ناظر به پندار فرزندخواندگی فرشتگان، عیسی و عزیر(ع) برای خدا باشد در نتیجه تعبیر <موجودات آسمان ها> کنایه از ملائکه و <موجودات زمین> کنایه از عیسی و عزیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱۰

۱۰- ناسازگاری بشر بودن با دستیابی به مقام نبوت ، از دیدگاه مشرکان

هل هذا إلّابشر مثلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۸ - ۷

۷- پندار مشرکان در مستقل بودن فرشتگان در شفاعت

لایشفعون إلّالمن ارتضی

از این که استقلال در شفاعت نفی شده، به دست می آید که مشرکان (مخاطبان این آیه) چنین پنداری داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۴ – ۲

۲– مشرکان ، می پنداشتند پیامبران باید در دنیا عمر جاوید داشته باشند .

و ما جعلنا لبشر من قبلك الخلد

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۴

۴ - در جهان بینی مشرکان ، تدبیر امور جهان و انسان ها ، در اختیار خدایان است نه خدای متعال .

یأیّها الناس . .. إنّ الذین تدعون من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۷

۷ - انسان ، موجودی جاودان در بینش ادیان الهی و پدیده ای فناپذیر در نگرش شرک پیشگان تاریخ

بل قالوا . .. قالوا أءذا متنا ... أءنّا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۳ - ۱

۱ - معاد ، وعده ای بی اساس و افسانه ای کهن ، در نظر کافران و مشرکان

بل قالوا مثل ما قال الأوّلون . .. لقد وعدنا ... إن هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

<اسطوره> (مفرد <أساطیر>) به معنای افسانه است. بنابراین <أساطیرالأوّلین>; یعنی، افسانه هایی که پیشینیان ساخته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۱

۱ - زمین و هر آنچه در آن هست ، از آن خدا و متعلق به او است .

قل لمن الأرض و من فیها إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۱ - ۴

۴ رسالت مداری انسان از سوی خداوند ، امری شگفت آور و غیر قابل قبول از دیدگاه مشرکان

أهذا الذی بعث اللّه رسولاً

استفهام در <أهذا> انکاری و برای اظهار تعجب و شگفتی آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۲

فرقان – ۲۵ – ۴۲ – ۶

۶ دست شستن از گرایش های شرک آلود و روی کردن به تعالیم پیامبران (همچون یگانه پرستی) و عقیده به قیامت ، در دیدگاه اهل شرك ، گمراهی و انحراف است .

إن كاد ليضلّنا عن ءالهتنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۷ – ۳،۹

۳ – رد دعوت پیامبر (ص) از سوی مشرکان ، علی رغم اعتقاد آنان به هدایت بخش بودن آیین آن حضرت

و قالوا إن نتّبع الهدی معک نتخطّف من أرضنا

۹ – در دیدگاه مشرکان ، گمراهی توأم با امنیت و آسایش ، برتر از هدایت همراه با ناامنی و اضطراب است .

و قالوا إن نتّبع الهدی معک نتخطّف من أرضنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۲۹ – ۳،۵

۳ – مشرکان ، وعده پیامبر (ص) را درباره وقوع قیامت و معاد درست نمی دانستند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

۵ – مشرکان ، پیروان مؤمن پیامبر (ص) را سهیم و هم رأی او در رسالت می دانستند .

متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جمع آورده شدن <صادقین>، به این خاطر است که مؤمنان نیز مخاطب مشرکان بوده اند. مخاطب قرار دادن مؤمنان و پرسش از زمان وقوع قیامت از آنان، بیانگر نکته یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۵ – ۵

۵ – مشرکان ، خود را مصون از عذاب الهی می دانند .

و قال الذين كفروا . .. و

ما نحن بمعذّبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۵،۱۳،۱۴

۵ - مشرکان ، پیامبراکرم (ص) را شخصی معمولی می دانستند که هدفش بازداشتن مردم از دین و آیین پدرانشان بود .

قالوا ما هذا إلاّ رجل یرید أن یصدّکم عمّا کان یعبد ءاباؤکم

تعبیر از پیامبر(ص) به <رجل> آن هم به صورت نکره حاکی از نکته یاد شده است.

۱۳ - مشرکان ، معتقد بودند قرآن ساخته و پرداخته است ; نه وحی .

و قالوا ما هذا إلاّ إفک مفترًی

مشارالیه <هـذا> به قرینه <تتلی علیهم آیاتنا> می تواند قرآن باشد. هم چنین می تواند حاصل تلاوت (قول به توحید) باشد. برداشت یاد شده بنابر احتمال اول است.

۱۴ - مشرکان ، پیامبر (ص) را افترازننده به خدا می دانستند .

إلاّ إفک مفترًی

<إفک> ; یعنی، بازداشته شدن چیزی از وضعیتی که شایسته است در آن وضعیت باشد. و در دروغ استعمال می شود (مفردات راغب). آوردن <مفترًی> به عنوان صفت <إفک>، می تواند به این منظور باشد که آنان قرآن را دروغی می دانستند که به خدا نسبت داده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۲

۲ - پندار مشرکان درباره گمراهی پیامبر (ص)

قل إن ضللت فإنّما أضلّ علی نفسی

سفارش خداوند به پیامبر(ص) مبنی بر اعلام موضع روشن درباره این که به فرض گمراهی او، ضررش عاید خود آن حضرت می شود; احتمال دارد برای رفع توهم و یا اتهامی (نکته یاد شده) باشد.

فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۵۳ – ۱،۳

۱ – مشرکان ، پیش از نزول عذاب بر آنان ، منکر آن بودند .

و لو تری إذ فزعوا . .. و قالوا ءامنّا به ... و قد کفروا به من قبل

۳ – مشرکان به حشر و معاد ، کفر ورزیده و منکر آن بودند .

و لو تری إذ فزعوا . .. و قالوا ءامنّا به ... و قد کفروا به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱ – ۵

۵ – مشرکان آفرینش مجدد انسان ها را در قیامت ، امری بعید و غیرممکن و بسیار سخت می دانستند .

فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۵ – ۲

۲ – قرآن ، سحری آشکار در دیدگاه مشرکان

و قالوا إن هذا إلّا سحر مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۶ – ۲،۳

۲ – برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها پس از مرگ و تبدیل شدن به خاک و استخوان ، مورد انکار مشرکان

أءذا متنا و کنّا ترابًا و عظمًا أءنّا لمبعوثون

دو همزه به کار رفته در آیه شریفه، برای استفهام انکاری است.

۳ – برپایی قیامت و حیات دوباره انسان ها پس از متلاشی شدن بدن ، امری غیرممکن و بس بعید در نظر مشرکان

أءذا متنا و كنّا ترابًا و عظمًا أءنّا لمبعوثون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷ – ۱،۲

۱ – مشرکان ، تجدید حیات نیاکانشان را

پس از مرگ و تبدیل شدن آنان را به خاک و استخوان ، امری بسیار بعید و غیر قابل قبول می دانستند .

أءنّا لمبعوثون . أوَ ءاباؤنا الأوّلون

<ءاباؤنا> مبتدا و خبر آن به قرینه خبر موجود در آیه قبل (لمبعوثون) حذف شده است. این جمله (مبتدا و خبر) عطف بر جمله قبل (ءإنا لمبعوثون) است.

۲ - مشرکان ، حیات مجدد نیاکان اولیه خود را در روز رستاخیز ، بعیدتر و غیرممکن تر از تجدید حیات خود می دانستند .

أءنّا لمبعوثون . أوَ ءاباؤنا الأوّلون

از عطف <أو ءاباؤنا. ..> بر <أءنا لمبعوثون> که برای ارتقای اظهارِ استحاله امرِ معاد است و نیز از اختصاص به ذکر یافتن <آباء>، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۸ - ۳،۴

۳ - پیشوایان شرک با تظاهر به خیرخواهی ، عامل اصلی فریب خوردن و دور شدن از مسیر خیر و حق در دیدگاه مشرکانِ گمراه شده

قالوا إنّكم كنتم تأتوننا عن اليمين

<یمین> می تواند مشتق از <یمن> (خیر و برکت) باشد. بر این اساس، معنای آیه چنین می شود: شما از سر خیرخواهی به سراغ ما می آمدید. اما متعدی شدن فعل <تأتوننا> به <عن> که برای مجاوزت است موجب می شود که این کلمه متضمن معنای <تصددننا> که متناسب با معنای مجاوزت است باشد. بر این اساس، پیام اصلی آیه چنین خواهد بود: شما بودید که در ظاهر از سر خیرخواهی به سراغ ما آمده و ما را از مسیر حق و خیر گمراه می کردید.

۴ -

مشرکان گمراه شده ، در قیامت اعمال قدرت سران شرک را عامل گمراهی و فریب خود معرّفی خواهند کرد .

قالوا إنّکم کنتم تأتوننا عن الیمین

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که <یمین> (جهت راست) کنایه از قدرت و قوت باشد; زیرا معمولاً سمت راست قوی تر است. ازاین رو بیشتر مردم کارهای مهم و سنگین را با دست راست انجام می دهند. گفتنی است که دو آیه بعد (و ما کان لنا علیکم من سلطان) و نیز آمدن واژه <یمین> به این معنا در آیه ۹۳ همین سوره (فراغ علیهم ضربا بالیمین) مؤید مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸۰ - ۴

۴ - ساحت خداوند ، از هرگونه نسبت ها و توصیف های مشرکان منزه است .

سبحن ربّک ربّ العزّه عمّا یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۱

۱ - برگزیده شدن پیامبراسلام (ص) از میان توده های عرب برای پیامبری ، امری غیرمنطقی و ناممکن در نظر کافران و مشرکان

أءنزل علیه الذکر من بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۳

۳ - مشرکان و مخالفان پیامبر (ص) ، معتقد به اقتدار و متکی به نیرومندی خود

أن کنتم قومًا مسرفین . .. فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا

از یادآوری هلاکت اقوامی نیرومندتر از مردم مکه، استفاده می شود که مکیان، به قدرت خویش مغرور بوده و آن را غیر قابل زوال می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۴ – ۷

۷ – زندگی و مرگ در نگاه مشرکان ، پدیده ای طبیعی و بی ارتباط با اراده الهی و وجود خداوند

و ما یهلکنا إلاّ الدهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲ – ۴

۴ – پیامبر (ص) ، از نگاه مشرکان ، فردی گنه کار و برهم زننده نظم اجتماعی شرک

لیغفر لک اللّه ما تقدّم من ذنبک و ما تأخّر

<ذنبک> به معنای اتهام ها و گناهانی است که مشرکان، برای پیامبر(ص) برمی شمردند; زیرا با بعثت آن حضرت، حرمت بت ها درهم ریخت، نظم جاهلی جامعه شرک با ایمان آوردن طبقات مختلف اجتماعی بر هم خورد و این همه اموری بود که از نظر مشرکان، جرم و گناه پیامبر(ص) تلقی می شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۰ – ۱،۴

۱ – افق دید و نگرش مشرکان خداگریز ، محصور در محدوده دنیا و مظاهر آن

و لم یرد إلاّ الحیوه الدنیا . ذلک مبلغهم من العلم

<ذلک> اشاره به دنیاگرایی مشرکان دارد; یعنی، دنیاگرایی منتهای دانش آنان است.

۴ – خرافات و موهومات ، اوج دید و نگرش مشرکان دنیاگرا

لیسمّون الملئکه تسمیه الأُنثی و ما لهم به من علم . .. ذلک مبلغهم من العلم

برداشت بالاـ بنابراین نکته است که <ذلک> اشاره به عقاید خرافی مشرکان در مورد دختر انگاشتن ملائکه برای خداوند، داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۰ - ۴

۴ - < عن أبی جعفر (

ع) فی قوله : < أءنّا لمردودون فی الحافره > یقول : فی الخلق الجدید ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <أءنّا لمردودون فی الحافره> روایت شده که فرمود: خدا می فرماید: [مشرکان می گویند: آیا ما] در آفرینش مجدد [بازمی گردیم؟]>

بینش مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۶۸

۶- مشرکان صاحب دختر در دوران جاهلیت ، نگهداری دختران را برای خود عار و ذلت می دانستند .

أیمسکه علی هون

برداشت فوق بر این اساس است که <علی هون> حال برای ضمیر فاعلی <یمسک> باشد.

۸- مشرکان صاحب دختر ، حیثیت اجتماعی خود را با داشتن دختر در مخاطره می دیدند .

یتوری من القوم من سوء ما بشّر به أیمسکه علی هون أم یدسّه فی التراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۴

۴- داشتن دختر در دیدگاه مشرکان جاهلی ، صفتی زشت محسوب می شد .

للذین لایؤمنون بالأخره مثل السوء

<مثل السوء>، مثلی است که مشرکان جاهلی برای صاحبان دختر به کار می بردند و مرادشان از آن، ضرب المثل بد حالی و بدی بود. اینکه خداوند پس از ذکر دیدگاه آنها درباره نوزادان دختر و محکومیتشان، <مثل السوء> را به خود آنان نسبت می دهد، می تواند قرینه ای باشد بر مطلب یاد شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۹

۹- مشرکان ، تداوم نسل خویش را از طریق داشتن پسر ، برای خود فرجامی نیک تلقی می کردند . *

و يجعلون لله ما

یکرهون و تصف ألسنتهم الکذب أن لهم الحسنی

احتمال دارد مراد از <الحسنی> به قرینه <و یجعلون لله البنات . .. و لهم ما یشتهون> و <یجعلون لله ما یکرهون> ادامه نسل مشرکان از طریق پسرانی باشد که آنان برای خویش مدعی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۲

۲ - پسر مایه سرور و مباهات و دختر موجب ننگ و عار ، در میان عرب جاهلی

و أصفیکم بالبنین . و إذا بشّر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً ظلّ وجهه مسودًّا و هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۴

۴ - لطافت طبیعی زن و فرودستی او در میدان جدال و درگیری ، دو عامل آسیب پذیری و دو نقیصه برای زن در فرهنگ خشن جاهلی

و هو فی الخصام غیر مبین

در آیه قبل (و إذا بشّر أحدهم. ..) ناراحتی عرب جاهلی از داشتن دختر بیان شده است. این آیه می تواند اشاره به علت آن ناراحتی داشته باشد؛ یعنی، این دو ویژگی از نظر عرب جاهلی، نقص زن به حساب می آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۴ - ۸

۸ - طبیعت گرایی و انکار حیات اخروی ، دارای ریشه در جاهلیت عرب

و قالوا ما هی إلّا حیاتنا الدنیا . .. و ما یهلکنا إلّا الدهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۳

۳ - اعتقاد عرب جاهلی ، به امتیاز و برتری مردان بر زنان

أم له البنت

و لکم البنون

از این که خداونـد، مشـرکان را مـدعی اختصـاص پسـران به خویش شـمرده است; اسـتفاده می شود که آنان، از داشـتن دختر احساس ننگ می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار باطل عرب های جاهلی

فکلوا منها

تجویز استفاده از گوشت قربانی، ناظر به پندار باطل عرب های جاهلی است که استفاده از آن را حرام می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۳

۳ - ممنوعیت استفاده از دام های قربانی ، در پندار مشرکان عصر بعثت

لکم فیها منفع إلی أجل مسمًّی

تصریح به جواز بهره برداری از دام های قربانی، نشان می دهد که اعتقاد عمومی پیش از نزول آیه، برخلاف آن بوده است.

بینش مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۱

۱ مشرکان صدر اسلام، شرک خویش و پدرانشان و بدعتهای دیگر را به مشیت خدا و رضایت او می پنداشتند.

سیقول الذین أشرکوا لو شاء الله ما أشرکنا و لا ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۸ - ۹

۹ شرک پیشگان عصر بعثت ، انسان را فاقد شایستگی برای دست یافتن به مقام قرب خدا و بار یافتن به پیشگاه او می انگاشتند .

و یعبدون من دون اللّه . .. و یقولون هؤلاء شفعؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ -

۱ مشرکان عصر بعثت ، قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر (ص) می پنداشتند .

أم يقولون افتريه

در اینکه مقصود از ضمیر در <یقولون> چه کسانی هستند، دو نظر ابراز شده است: برخی برآنند که مقصود، مشرکان عصر پیامبر(ص) هستند و گروهی دیگر از مفسران، مراد از آن را کفرپیشگان قوم نوح می دانند. برداشت فوق براساس نظر اول است. گفتنی است که براین اساس، مخاطب کلمه <قل> پیامبر(ص) و ضمیر مفعولی در <إفتراه> به قرآن و یا خصوص داستان نوح(ع) باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۱ - ۲

۲- مشرکان عصر بعثت ، عزت و اعتبار خود را در پرستش معبودان ساختگی خود می دانستند .

ليكونوا لهم عزًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱۶

۱۶- مشرکان صدراسلام ، پیروی از سحر را با عقل و خرد ناسازگار می دیدند .

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۸

۸- آگاهی مشرکان در عصر بعثت ، از ماهیت معجزه و فرق آن با سحر و خواب های پریشان و شعر

بل قالوا أضغث أحلم بل افتريه بل هو شاعر

مشرکان در مخالفت با پیامبر(ص) ابتدا سخن او را سحر، یا شعر و یا خواب های آشفته می دانستند. سپس برای اثبات رسالت پیامبر(ص) از ایشان خواستار معجزه شدند. این می رساند که آنان از معجزه و فرق آن با سحر و شعر و... آگاه بودند و به آن اعتراف داشتند.

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۹

۹- بازیچه انگاشتن نظام خلقت و بعثت پیامبران ، از سوی مشرکان عصر پیامبر

و ما خلقنا السماء. .. لعبین... و لکم الویل ممّا تصفون

مخاطب <لکم> و <تصفون> مشرکانند و به قرینه آیات پیشین، مقصود از توصیف عقیده نادرست مشرکان در باره آفرینش جهان و نسبت ناروای سرگرمی گرفتن آفرینش به خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۵ - ۳

۳ - ثروت و فرزندان ذکور ، دو ملاک برای ارزیابی موقعیت انسان در پیشگاه خدا در دیدگاه مشرکان عصر بعثت

أیحسبون أنّما نمدّهم به من مال و بنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۶ - ۱

۱ - مال و فرزند بسیار ، نشانه لطف و مهر خداوند در دیدگاه شرک پیشگان مرفه صدراسلام

أیحسبون . .. من مال و بنین . نسارع لهم فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۴

۴ مشرکان صدراسلام ، منکر نزول ملائکه بر پیامبر (ص) بودند .

و قال الذین لایرجون لقاءنا لولا أُنزل علینا الملئکه

از این که مشرکان، اعتراض می کردند که چرا فرشتگان وحی به طور مستقیم بر خود آنان فرود نمی آید؟ می توان به دست آورد که آنان، در صدد این بودند که اصل نزول فرشیه وحی بر پیامبر(ص) را زیر سؤال ببرند و آن را انکار کنند. گفتنی است: آیه ۷ سوره <حجر> مؤید همین برداشت است (لو ما تأتینا بالملائکه إن کنت

من الصادقين).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵ - ۱

۱ - مشرکان صدر اسلام ، معجزات الهی را سحری آشکار و بی تردید می دانستند .

و قالوا إن هذا إلّا سحر مبین

مشارالیهِ <هذا> هم می تواند معجزه باشد که در آیه قبل از آن به <آیه> یاد شده است و هم می تواند قرآن کریم باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۹ - ۳

۳ - برتری پسر بر دختر در دیدگاه مشرکان صدراسلام

ألربّک البنات و لهم البنون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته تاریخی است که مشرکان، فرزند پسر را بر دختر ترجیح می دادند; ولی در عین حال معتقد بودند که خداوند دختر را برگزیده است. از این رو خداوند چنین طرز تفکری را محکوم کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۶

۶ - مشرکان عصر بعثت ، فرشتگان را موجوداتی شبیه خداوند در رحمت می دانستند .

بما ضرب للرحمن مثلاً

با توجه به کلمه <رحمان> و <مثلاً>، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳ - ۴

۴ انسان در نگاه مشرکانِ عصر بعثت ، موجودی صرفاً مادی و جسمانی است .

أءذا متنا و كنّا ترابًا ذلک رجع بعید

تعبیر <کنّا تراباً> می رساند که توجه کافران، بیشتر به متلاشی شدن اجزای بدن در خاک بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۶ - ۳

۳ - احترام و موقعیت موسی (ع) ، نزد مشرکان صدراسلام

أم لم ینبّأ بما فی صحف موسی

توبیخ شدن مردم عصر نزول به خاطر توجه نکردن به پیام آسمانی موسی(ع)، نشانگر آن است که آن حضرت در میان آنان موقعیت ویژه ای داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۷ - ۵

۵ - احترام و موقعیت حضرت ابراهیم (ع) ، نزد مشرکان صدراسلام

أم لم ینبّأ. .. و إبرهیم الذی وفّی

توبیخ شدن مردم عصر نزول، به خاطر توجه نکردن به پیام آسمانی ابراهیم(ع)، نشانگر آن است که آن حضرت در میان آنان موقعیت ویژه ای داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۴

۴ - مشرکان و کافران صدراسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و آن را دروغ می پنداشتند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

بینش مشرکان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۱ - ۳

۳ - پندار مشرکان عصر بعثت ، خاموش شدن فروغ دین و آیین نبوی ، با رحلت پیامبر (ص)

فإمّا نذهبنّ بک فإنّا منهم منتقمون

آیه شریفه، گویا در پاسخ توهم مشرکان است که می پنداشتند با رحلت پیامبر(ص)، تمامی مسائل خاتمه خواهد یافت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۲ – ۱۲

۱۲– ارج و منزلت تورات نزد مشرکان عصر بعثت ، به رغم عدم پیروی از آن

و من قبله کتب

موسی إمامًا و رحمه و هذا کتب مصدّق

این احتمـال وجود دارد که تـذکّر به وجود مشـابهت قرآن و تورات، از آن جهت باشـد که مشـرکان مکه بـا این که عملاً پیرو تورات نبودند نوعی احترام و قداست برای آن قائل بوده و به تکذیب آن اقدام نمی کردند. بر این اساس خداوند فرموده است: شما چگونه قرآن را دروغ می پندارید، با این که شبیه تورات است که نزد شما قرب و منزلت دارد.

بینش مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۵

۵ مشـرکان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشـتن را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۳

۳ مشرکان مکه خویشتن را شایسته تر از دیگران برای دریافت حقایق می پنداشتند.

لو أنا أنزل علینا الکتب لکنا أهدی منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۲

۲ مشرکان مکه ، سرگذشت نوح و قوم او را ، داستانی ساختگی و بافته پیامبر (ص) می پنداشتند .

و لقد أرسلنا نوحًا . .. أم یقولون افتریه

برداشت فوق ، براین اسـاس است که ضـمیر مفعولی در <إفتراه> به داسـتان نوح(ع) و قوم او که در آیات پیشـین آمـده ، باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۵ - ۱،۲

۱- مشرکان

مکه ، بت پرستی خود و پدرانشان را برخاسته از مشیت خداوند می دانستند .

و قال الذین أشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء نحن و لا ءاباؤنا

با توجه به مکی بودن سورهء نحل و نیز قرینه <کذلک فعل الذین من قبلهم> مراد از <الذین أشرکوا> مشرکان مکه است.

۲- مشرکان مکه ، جبری مسلک بوده و عمل خود را بر اساس مشیت خداوند می دانستند .

و قال الذین أشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۷

۷- مشرکان مکه ، مبعوث شدن انسان زوال پذیر را برای نبوت ، قبول نداشتند . *

و أقسموا بالله جهد أیمنهم لایبعث الله من یموت

به قرینه آیات قبل که درباره بعثت انبیا و مورد انکار قرار گرفتن آن از سوی مشرکان بود احتمال دارد مراد آیه نکته یاد شده باشد; یعنی، منظور از <یبعث> برانگیختن برای نبوت باشد نه حشر اخروی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۵

۵- مشرکان مکه ، نزول وحی به انسان را قبول نداشتند .

و ما أرسلنا من قبلک إلّا رجالاً نوحی إلیهم

آیه درصدد تعریض به مشرکان و جواب گویی به آنان است که طبق قرینه ها و آیات دیگر قرآن کریم (سوره یونس ، آیه ۲) آنها مبعوث شدن انسان را از جانب خداوند برای پیامبری قبول نداشتند. فعل <نوحی> در آیه قرینه و نشانه ای است بر نکته فوق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

- ۱۷ - ۴۰ - ۷

۷- مشرکان مکه ، جنس مذکر را بسی ارزشمندتر و با اهمیت تر از زن می دانستند .

أفأصفکم ربّکم بالبنین و اتّخذ من الملئکه إنثًا

از اینکه از واژه <إنـاث> (زنـان) به جای هر واژه دیگری مثل <بنات> (دختران) برای بیان مقصود اسـتفاده شـده است، می تواند به منظور اشاره به این واقعیت داشـته باشد که مشـرکان با ادعای مؤنث بودن ملائکه در صدد عیب جویی از خدا بودند و چنین امری، حکایت می کند که آنان، ذهنیت منفی در باره زن داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۵

۵- مشرکان مکه ، قرآن را علی رغم بی مانندی اش ، معجزه نمی دانستند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. و قالوا لن نؤمن لک

از اینکه خداوند، پس از توصـیف قرآن به معجزه و بی مانند بودن، درخواست معجزه حسـی آنان را نقل می کند، می تواند به نکته فوق اِشعار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۱ - ۲

۲- توانایی مادی و امکانات سرشار دنیوی ، ملاک پیامبری و پیشوایی در دید مشرکان مکه

لن نؤمن لک حتی . .. تکون لک جنّه من نخیل و عنب

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که خواسته مشرکان مکه، داشتن مال، مکنت و باغ بوده است نه معجزه اقتراحی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۲ - ۹

۹- مشرکان مکه ، دارای تصوری مادی و جسمانی از خدا و ملائکه

تأتی بالله و

الملئکه قبیلًا

<قبیلًا> به معنای رو در رو شدن و مشاهده آمده است و از آن نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۱

۱- مشرکان مکه ، برگزیده شدن نوع بشر برای پیامبری را منکر بودند و آن را امری امکان ناپذیر و ناشدنی تلقی می کردند .

و ما منع الناس . .. إلّا أن قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

<ال> در <الناس> عهد است و با توجه به آیات سابق مراد از آن، مشرکان مکه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۵

۵- زیبایی و گیرایی قرآن ، پذیرفته شده و مسلّم در نظر مشرکان مکه

بل هو شاعر

از آن جایی که شعر از زیبایی و گیرایی خاصی برخودار است; بدین سبب مشرکان، پیامبر(ص) را شاعر می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۱۳

۱۳- عالمان دینی و آگاهان به کتاب های آسمانی ، دارای منزلت و جایگاه اجتماعی نزد مشرکان مکه

فسلوا أهل الذکر

ارجاع مشرکان به عالمان دینی و آگاهان به تاریخ انبیا، بیانگر این نکته است که این عالمان، از جایگاهی خاص در میان مشرکان برخوردار بودند و سخنان این قشر نزد آنان مورد پذیرش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۷،۹

۷- کافران و مشرکان مکه ، نسبت به نام < رحمان > برای خداوند ، بسیار حساس و منکر رحمانیت او بودند .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

اختصاص به ذکر

یافتن نام <رحمان> از میان دیگر نام های مقدس پروردگار و نیز تکرار <هم>، بیانگر برداشت یاد شده است.

۹- آسمانی بودن قرآن ، مورد انکار کافران و مشرکان مکه بود .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <ذکر> قرآن کریم باشد، چنان که در موارد متعدد در قرآن از جمله آیه دوم همین سوره از قرآن به <ذکر> یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۴

۴ - در دیدگاه مشرکان مکه فرشتگان ، دختران خدا و همانند او در صفات

و إذا بشّر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً

با توجه به این که <مَثَل> در آیه به معنای شبیه است، می توان گفت که مشرکان مکه معتقد به همسانی فرشتگان با خدا بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۳

۳ - ثروت و اشرافیت ، ملاک تمامی ارزش ها حتی ارزش های دینی در نگاه مشرکان مکه

لولا نزّل هذا القرءان . .. عظیم

مشرکان در مقام اعتراض به پیامبر(ص) اظهار می داشتند: اگر وحی اصالت داشت، می بایست بر اشراف نازل می شد. از این نکته استفاده می شود که ملاک ارزش برای آنان، مال و مقام بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۵ - ۱

۱- مرگ ، پایانی ابدی بر حیات انسان ، در بینش مشرکان مکه

إنّ هؤلاء لیقولون . إن هی إلاّ موتتنا الأُولی و ما نحن بمنشرین

سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۱۲

۱۲ - < قال الرضا (ع) : لم یکن أحد عند مشرکی أهل مکّه أعظم ذنباً من رسول اللّه (ص) لأنّهم کانوا یعبدون من دون اللّه ثلثمأه و ستّین صنماً ، فلمّا جاءهم (ص) بالدعوه إلی کلمه الإخلاص ، کبر ذلک علیهم و عظم . . . فلمّا فتح اللّه عزّوجلّ علی نبیّه (ص) مکه قال له یا محمّد : < إنّا فتحنا لک [مکه] فتحاً مبیناً لیغفر لک اللّه ما تقدّم من ذنبک و ما تأخّر > عند مشرکی أهل مکه ;

امام رضا(ع) فرمود: هیچ کس در نزد مشرکان عرب، گناهش از گناه رسول خدا(ص) بزرگ تر نبود; زیرا مشرکان ۳۶۰ بت را می پرستیدند و چون پیامبر(ص) آنان را به کلمه توحید و اخلاص دعوت کرد، در نظر آنان [گناه] بزرگ و عظیم بود . .. پس چون خدای عزّوجلّ، مکه را برای پیامبرش فتح کرد; به آن حضرت فرمود: ای محمد! ما مکه را با فتح آشکاری برای تو فتح کردیم، تا خدا گناهان گذشته و آینده تو در نزد مشرکان اهل مکه را بپوشاند>.

بینش مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱۲

۱۲- صاحبان نعمت و دانش حتی افراد برجسته و سرامد نیز باید خداوند را سرچشمه کمالات خود بدانند .

ءاتینه رحمه من عندنا و علّمنه من لدنّا علمًا

بینش مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۱۰ مصریان باستان ، رؤیا ها را دریچه ای برای اطلاع از وقایع می دانستند .

أفتونی فی رءیی

بینش معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۵

۵ - خداگریزان ، بر اثر نادانی و گمراهی ، خود را هدایت یافته و راه جسته می پندارند .

و یحسبون أنّهم مهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ - خداگریزان تا روز قیامت ، خود را اهل هدایت می پندارند .

و یحسبون أنّهم مهتدون . حتّی إذا جاءنا قال یلیت

از کلمه <حتّی> که برای غایت است استفاده می شود که گمراهان، تا روز قیامت، خود را بر هدایت می پندارند.

بینش مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۴

۴ - پایبندی عمیق به ارزش ها ، ساده لوحی و حماقت در نظر جامعه فاسد و منحرف

إذ قال لهم أخوهم صلح ألاتتّقون . .. قالواإنّما أنت من المسحّرین

نسبت دادن جنون به صالح پیامبر می تواند صرفًا به دلیل ادعای رسالت از سوی وی نباشد بلکه بخاطر نصایح و اصرار وی بر رعایت تقوا و پایبندی به ارزش های الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۵

۵ - پایبندی عمیق به ارزش ها ، در نظر جامعه فاسد و منحرف ، ساده لوحی و حماقت است .

إذ قال لهم شعیب ألاتتّقون . .. قالواإنّما أنت من المسحّرین

نسبت دادن جنون به شعیب(ع) می

تواند صرفًا به دلیل ادعای رسالت نباشد; بلکه به خاطر اندرزها و اصرار وی بر رعایت تقوا و پایبندی به ارزش های الهی باشد.

بینش مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۸

۸ گروهی از انسان ها به خاطر نپذیرفتن قیامت ، دین خدا را دینی منحرف می پندارند و از آن رویگردان می شوند .

الذین یصدون عن سبیل اللّه و یبغونها عوجاً و هم بالأخره کفرون

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و هم بالأخره کفرون> جمله حالیه و در مقام تعلیل باشد که در اصطلاح به آن حال معلّله گفته می شود. بر این مبنا آیه اشاره به این معنا دارد که: برخی انسانها به علت نپذیرفتن قیامت، می پندارند دینی که در آن زنده شدن مردگان مطرح باشد دینی بی اساس و دارای اعوجاج است و در نتیجه از آن رویگردان شده و دیگران را از آن بازمی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۳

۳ منکران قیامت ، زنده شدن مردگان خاک گشته را امری بس بعید می شمرند .

أءذا کنّا تربًا أءنا لفی خلق جدید

استفهام در جمله <أءذا . ..> استفهام انکاری است و تکرار آن دلالت بر شدت انکار و استبعاد دارد.

بینش مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۲

۲- منکران رسالت پیامبر (ص) ، با نادیده گرفتن معجزه قرآن ، آن حضرت را فاقد هرگونه معجزه معرفی می کردند .

و قالوا

لولا یأتینا بَایه من ربّه أوَلم تأتهم بیّنه

بینش مکذبان معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۹ – ۲

۲ منکران معاد دارای بینشی سطحی و مادی هستند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا و ما نحن بمبعوثین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۸ – ۶

۶– منکران معاد ، بر این پندار بودند که خداوند خود ، انسان های مرده را زنده نمی کند .

و أقسموا بالله . .. لایبعث الله من یموت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۵ – ۴

۴ – در نظر منکران معاد ، انسان موجودی صرفاً مادی و جسمانی است .

أیعدکم . .. و کنتم ترابًا و عظمًا أنّکم مخرجون

از این که اشراف، خاک و استخوان شدن را به خود انسان نسبت داده اند نه به جسم او (یعنی نگفتند <و کان جسمکم تراباً. ..>) استفاده می شود که آنان برای انسان، هویتی بیرون از کالبد و جسم او معتقد نبودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۷ – ۱۴

۱۴– وعده الهی به معاد ، اسطوره ای کهنه و بی اساس ، در نگاه نسل کافر عصیانگر

و الذی قال لولدیه أُفّ لکما أتعداننی أن أُخرج . .. فیقول ما هذا إلّا أسطیر الأ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۰ – ۲،۳

۲ – منکران معاد ، زنده شدن اهل قبور را شگفت آور خوانده و آن را بعید

می شمارند .

یقولون أءنّا لمردودون فی الحافره

یکی از معانی <حافره> قبر است (مفردات راغب). قید <فی الحافره> حال و مفاد جمله <أءنّا ...> این است که آیا ما در حالی که در قبر هستیم، به زندگی بازگردانده خواهیم شد؟!

۳ - استبعاد ، تنها واکنش منکران معاد

یقولون أءنّا لمردودون فی الحافره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۱ - ۲،۳

۲ - از هم پاشیده شدن اجزای بدن انسان پس از مرگ ، مایه استبعاد معاد در دیدگاه منکران آن

أءذا کنّا عظمًا نخره

۳ - استبعاد تنها واکنش منکران معاد ، در برابر هشدار های الهی نسبت به حوادث پس از مرگ

أءذا کنّا عظمًا نخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۴ - ۲

۲ - منکران معاد ، آیات مربوط به آن را ، عاری از حقیقت پنداشته و شوخی قلمداد می کردند .

و ما هو بالهزل

هدف از توصیف قرآن به دوری از مزخرفات و مهملات، بیان اوصاف قرآن نیست؛ زیرا در توصیف چیزی، به بیان حداقل کمال آن بسنده نمی شود. بنابراین مراد، نفی پندار مخالفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۶ - ۳

۳ - مصرف ثروت برای رفع نیازمندی های مردم ، در دیدگاه منکران معاد ، خسارتی سنگین و جبران ناپذیر است .

أهلكت مالاً لبدًا

انتخاب تعبیر <أهلكت> و پرهیز از گفتن <أنفقت> و نظایر آن، بیانگر این است که گوینده، مال های مصرف شده را <هلاك شده> می پندارد. این بینش ممکن است برخاسته از انکار پاداش انفاق، بر

اثر انکار معاد باشد.

بینش مکذبان مقدرات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۳ – ۷

۷ – باورنداران به تقدیر الهی ، برخورداری ها و امکانات را نشانه شایستگی های خود پنداشته و دچار خودپسندی و فخرفروشی می شوند .

لکیلا . .. و لاتفرحوا بما ءاتیکم و اللّه لایحبّ کلّ مختال فخور

بینش ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۰ – ۱۵

۱۵ فرشتگان با توجه به حضورشان در هستی و لیاقتشان برای خلافت ، فلسفه ای برای خلقت و خلافت انسان نمی دیدند .

قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها . .. و نحن نسبح بحمدک

جمله حالیه <و نحن نسبح . ..> گویای این مطلب است که: فرشتگان علاوه بر اینکه انسان رابه خاطر فسادگری اش شایسته خلافت نمی دانستند، وجود خویش را برای احراز این مقام لایق دانسته و زمین را از خلافت انسان بی نیاز می شمردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵ – ۷

۷ – نزول وحی ، مایه کمال آفرینش ، در نگاه فرشتگان

کذلک یوحی إلیک . .. و الملئکه یسبّحون بحمد ربّهم

با توجه به این که <تسبیح> به معنای تنزیه و نفی نقیصه و کاستی است، تسبیح فرشتگان، حکایت از مشاهده کمال آفرینش پس از نزول وحی دارد.

بینش ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۹ - ۲

۲ - جلوه عظمت و گران سنگی نامه سلیمان و پیام آن در نظر ملکه سبا

(بلقیس)

قالت یأیّها الملؤا إنّی أُلقی إلیّ کتب کریم

<کریم>، صفت <کتاب> و به معنای گران مایه است. <کتاب کریم>; یعنی، نامه ای عظیم و گران سنگ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۴،۷

۴ - تأکید بلقیس بر استمرار شیوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خویش

قالت إنّ الملوک . .. و کذلک یفعلون

۷ - برداشت ملکه سبا از شخصیت سلیمان (ع) ، به عنوان پادشاهی از پادشاهان

قالت إنّ الملوک . .. و کذلک یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - توجه بلقیس به هدف الهی و توحیدی سلیمان (ع) ، از نمایاندن امور شگفت به وی

قیل لها ادخلی الصرح . .. قال إنّه صرح... قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

بینش منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۹،۱۰

۹ بهانه جویی منافقان برای سرباز زدن از حضور در میدان احد ، با این ادّعا که در آن میدان ، پیکاری رخ نخواهد داد .

قاتلوا لو نعلم قتالا لاتّبعناکم

برخی از مفسّران گفته اند مراد از جمله <لو نعلم . .. > نفی برخورد نظامی است ; یعنی ما می دانیم که جنگی رخ نخواهد داد و لذا با شما نمی آییم.

۱۰ منافقان به انگیزه سرباز زدن از پیکار ، مدعی بودند که حضور در میدان احد نوعی انتحار و خودکشی است ، نه پیکار و جنگ .

قالوا لو نعلم قتالاً لاتّبعناکم

برخی برآنند که مراد منافقان از

جمله <لو نعلم . .. > این معنا بوده که بیرون شدن شما مسلمانان به سوی احد، پیکار و قتال نیست، بلکه خود را به مهلکه انداختن است ; چرا که نیروی شما در برابر نیروی دشمن هیچ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۱۸،۱۶،۱۳،۱۱،۳،۲

۲ ادعای باطل منافقان که اگر جنگاوران احد در آن کارزار شرکت نمی کردند ، به شهات نمی رسیدند .

لو اطاعونا ما قتلوا . .. ان کنتم صادقین

۳ مسرت و خشنودی منافقان از سلامت خویش به دلیل عدم حضورشان در پیکار احد

الّذین قالوا لاخوانهم وقعدوا لو اطاعونا ما قتلوا

اظهار تأسّف منافقان برای کشته های احد، دلالت بر مسرت و خشنودی از زنده ماندن خودشان دارد.

۱۱ ادعای منافقان به اینکه تدبیر و سیاست آنان ، جلوگیر مرگ آنان است .

لو اطاعونا ما قتلوا

۱۳ جهاد و شهادت در راه خدا ، حرکتی بی ارزش در دیدگاه منافقان

لو اطاعونا ما قتلوا

۱۶ زنده ماندن حتّی به بهای پذیرش سلطه دشمنان و بیگانگان ، ارزشی در دیدگاه منافقان

و قیل لهم تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا . .. قالوا ... لو اطاعونا ما قتل

۱۸ ناتوانی منافقان از جلوگیری مرگ مقدّر نشانگر باطل بودن پندار آنان در تحلیل عوامل به شهادت رسیدن پیکارگران احد

لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرؤا عن انفسکم الموت ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۵

۵ در بینش منافقان جهاد در راه خدا ، بلا و گرفتاری است .

ائذن لی و

لاتفتنی

یکی از معانی <فتنه> در لغت بلا و گرفتاری است; یعنی، مرا در ماندن اذن بده وگرفتار بلا و مصیبت جنگ نساز.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۶

۶ کنار کشیدن از مسؤولیت و مشکلات جامعه در بینش منافقان ، تیزهوشی و کیاست است .

و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فرحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۲

۲ ارزش ها و ملاک های ارزش گذاری در بینش مؤمنان و منافقان ، متفاوت است .

إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل . .. قل لن یصیبنا إلا ما کتب اللّه لن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۸ - ۱

۱ توبیخ منافقان پیمان شکن از سوی خداوند ، به خاطر بینش غلطشان درباره علم و آگاهی کامل خدا به نیات و عملکرد آدمیان

ألم یعلموا أن اللّه یعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۹

۹- جهاد ، به معنای مرگ و نابودی ، در بینش منافقان و انسان های سست ایمان

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظرالمغشیّ علیه من الموت

تعبیر <المغشیّ علیه من الموت> و کاربرد این تشبیه، می تواند بر این اساس باشد که انسانِ سست ایمان با فرمان جهاد، مرگ خویش را به چشم می بیند; چنان که محتضر نیز چنین است; در حالی که جهاد زمینه شهادت است

و نه نابودی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۱

۱ - منافقان ، بدان پندار که در دنیا با مؤمنان بوده اند و در انجام اعمال و تکالیف دینی (نماز ، روزه و . . .) با آنان همراهی داشته اند ، خود را همچون مؤمنان سزاوار رحمت الهی می دانند .

فضرب بینهم بسور له باب باطنه فیه الرحمه . .. ینادونهم ألم نکن معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۹

۹ - منافقان ، هر فریادی را علیه خود و هر حرکتی را به ضرر خویش می پندارند .

یحسبون کلّ صیحه علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۱۶

۱۶ - نگرش ظاهری و مادی منافقان در تحلیل مسائل

هم الذین یقولون . .. و لکنّ المنفقین لایفقهون

بینش منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ ترجیح داشتن ترک پیکار (همنشینی با افراد عاجز و ناتوان) بر عزت جهاد و همراهی با پیامبر (ص) در نظر منافقان توانگر و ثروتمند

و قالوا ذرنا نکن مع القعدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۵

۵ - سردمدار منافقین (عبداللّه بن أُبیّ) ، خود را عزیز و پیروزمند و پیامبر (ص) را ذلیل و شکست خورده می پنداشت .

لیخرجنّ الأعزّ منها الأذلّ

بینش منافقان مدینه

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۳ – ۳

۳ – منافقان مدینه ، به مسلمانان وانمود کردند که شکست شان در غزوه احزاب حتمی است .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۹ – ۵

۵ – منافقان مدینه ، حضور در جبهه جهاد را ، مساوی با کشته شدن و از بین رفتن تلقی می کردند .

فإذا جاء الخوف رأیتهم ینظرون إلیک تدور أعینهم کالذی یغشی علیه من الموت

این که آیه بیان می کند که آنان، با شنیدن خبر جنگ، به حال احتضار درمی آمدند، حکایت از این نکته می کند که منافقان مدینه وقوع جنگ و شرکت در جبهه جهاد را مساوی با کشته شدن تلقی می کردند.

بینش موحدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۸ – ۱۵

۱۵– موحّدان معتقد به معاد ، هیچ گاه به دستاورد های فنی و آثار تمدن بشری ، مغرور نشده و فرجام جهان را ویرانی و انهدام می بینند .

هذا رحمه ربّی فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵ – ۱۳

۱۳– اراده الهی ، در بینش موحدان راستین ، بر عوامل طبیعی ، حاکم است .

و کانت امرأتی عاقرًا فهب لی من لدنک ولیًّا

بینش مورخان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۹

۹- بشر بودن پیامبران ، امری مسلّم

نزد عالمان دینی و آگاهان تاریخ انبیا در عصر بعثت

و ما أرسلنا . .. فسلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

مقصود از <أهل الذکر> عالمان دینی است; زیرا اولاً ـ عموم مردم از تاریخ پیامبران بی خبر بودند و این نوع اطلاعات در اختیار عالمان دینی بود و ثانیاً واژه <ذکر> در قرآن، بر کتاب های آسمانی و از جمله خودِ قرآن اطلاق گردیده است.

بینش موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۱۳،۱۴،۱۷

۱۳ هلاکت گروهی به سبب گناه گروهی دیگر ، خلاف سنن الهی در دیدگاه موسی (ع)

أتهلکنا بما فعل السفهاء منا

۱۴ آزمون بنی اسرائیل از جانب خدا ، توجیه و برداشت موسی (ع) از مشیت الهی بر هلاک سازی همراهان او

إن هی إلا فتنتک

۱۷ موسی (ع) هلاکت همراهان خویش را زمینه ساز تحقق مشیت الهی در گمراه سازی گروهی از بنی اسرائیل و به هدایت رساندن گروهی دیگر از آنان دانست .

إن هی إلا فتنتک تضل بها من تشاء و تهدی من تشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۸

۸- حضرت موسی (ع) ملاقات با حضرت خضر (ع) را آن اندازه مهم و با ارزش می دانست که حتی جستوجو در زمانی طولانی را برای آن روا می دید .

لاأبرح حتّی . .. أو أمضی حقبًا

<حقب> به معنای <دهر و زمانی طولانی> است اهل لغت آن را هشتاد سال نیز دانسته اند و مراد از پیمودن آن نیز، همان رسیدن به مجمع

البحرین بوده است; یعنی، حتّی أبلغ مجمع البحرین بسیر قریب أو أسیر أزماناً طویله.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۶۸

۶- در دیدگاه موسی (ع) ، خضر (ع) ، فردی تعلیم دیده ، و علوم ویژه او ، دانشی اکتسابی بود .

ممّا علّمت

۸- دریافت آموخته های خضر ، در دیدگاه موسی ، وابسته به پیروی از آن حضرت بود .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۸،۱۱

۸- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی ، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جئت شیئًا إمرًا

<إمر> به معنای <منکَر عظیم> و نیز <منکَر عجیب> آمده است. (لسان العرب).

۱۱- موسی (ع) ، لغزش هایی نظیر غرق انسان ها بی گناه را ، از جانب خضر (ع) منتفی نمی دانست .

أخرقتها لتغرق أهلها لقد جئت شیئًا إمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۵

۵- موسی (ع) نوجوان مقتول را ، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی ، به شدّت مورد اعتراض قرار داد .

قال أقتلت نفسًا زکیه بغیر نفس لقد جئت شیئًا نکرًا

<زکاه> به معنای <طهارت> و <صلاح> و <نمو> و <برکت> و <مدح> آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از <زکیه>، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

- آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۶ - ۲

۲- موسی (ع) خود را در صورت سؤال مجدد (سومین تخلّف) سزاوار محروم شدن از مصاحبت با خضر (ع) دانست .

قال إن سألتک من شیء بعدها فلاتصحبنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۸ - ۳

۳ - موسی (ع) ، جهالت مردم را پایه طغیان فرعون دانست .

یفقهوا قولی

تأکید موسی(ع) بر آگاه سازی اطرافیان فرعون در جهت مبارزه با طغیان گری او گویای این است که موسی(ع)، ریشه موفقیت فرعون را در ناآگاهی اطرافیانش می دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۱ - ۲

۲ - موسی (ع) ، معاونت هارون را برای خود ، موجب توان مندی بیشتر در انجام مسؤولیت می دانست .

هرون أخی . أشدّد به أزری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۴ - ۳

۳ - موسی (ع) ، پیدایش شرح صدر و خوش بیانی را ، مایه فراهم آمدن زمینه یاد فراوان خداوند می دانست .

قال ربّ اشرح لی صدری . .. و نذکرک کثیرًا

تعلیل <و نذکرک> می تواند به تمامی خواسته های موسی(ع) از جمله درخواست شرح صدر و روان گویی مربوط باشد. موسی(ع) هدف خود را از آن خواسته ها، توفیق افزون تر برای یاد خدا در هر کوی و برزن و هنگام موعظه هر فرد و گروه، اعلام کرد.

- فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۵ – ۶

۶ – فرعون در دیدگاه موسی و هارون (ع) ، فردی خودکامه و سرکوبگر حقیقت بود .

نخاف أن یفرط علینا أو أن یطغی

احتمال فرصت ندادن فرعون به موسی و هارون(ع)، برای بیان حقیقت، ناشی از شناخت آنان از خودکامگی فرعون است و احتمال افزایش طغیان گری او، برخاسته از آگاهی آن دو به روحیه مقاومت و لجاجت او در برابر حق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۰ – ۱۳

۱۳ – موسی (ع) ، رسالت خویش را پرتویی از هدایت گسترده ربوبی دانست .

من ربّکما . .. ربّنا الذی أعطی کلّ شیء خلقه ثمّ هدی

مناسبت بحث موسی(ع) با فرعون، چنین اقتضا کرده است که آن حضرت، موضوع هدایت عام الهی را مطرح کند تاپاسخ سؤال مقدر فرعون را داده باشد; زیرا ممکن بود فرعون بگوید: بر فرض که خدای خالق ربّ تو است، چه دلیلی بر لزوم پذیرش سخن رسولان او وجود دارد؟ موسی(ع) با مطرح کردن هدایت عام الهی، علاوه بر پاسخ به سؤال احتمالی او، زمینه کلی اثبات رسالت خویش را نیز مطرح کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۴ – ۴

۴ – موسی (ع) ، حضور پیش از موعد خود و جلوتر از دیگران را در میقات موجب جلب رضایت خداوند می پنداشت .

و ما أعجلك . .. و عجلت إلیك ربّ لترضی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۲

۳ -

۳ - موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی ، مقصر دانست .

قال یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

<ما منعک. ..> استفهام انکاری است و گویای اعتراض موسی(ع) به هارون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۳،۱۹

۳ - هارون (ع) ، دارای مسؤولیت در قبال گمراه شدن بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنان ، از دیدگاه موسی (ع)

یهرون ما منعک . .. لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

۱۹ - موسی (ع) ، در دیدگاه هارون (ع) ، رهبری حساس در برابر تفرقه جامعه و قاطع در برخورد با عوامل اختلاف

إنّی خشیت أن تقول فرّقت بین بنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲ - ۵

۵ - امتنان فرعون بر موسی (ع) ، امری بی جا و مردود از نظر موسی (ع)

و تلک نعمه تمنّها علیّ أن عبّدتّ بنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - در دیدگاه موسی (ع) قتل ناخواسته مرد قبطی ، عملکرد شیطان بود .

قال هذا من عمل الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۷ - ۶

۶ – فرعون و دار و دسته وی ، مردمی تبه کار در دیدگاه موسای جوان

فلن أکون ظهیرًا للمجرمین

گرچه <المجرمین> شامل همه تبه کاران می شود; ولی مصداق بارز و مورد

نظر موسی(ع) فرعون و دار و دسته اش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۸ - ۹،۱۰

۹ - برخورد و درگیری با فرعونیان ، راهی نادرست و برخلاف مصالح اسرائیلیان در دیدگاه موسی (ع)

قال له موسی إنّک لغویّ مبین

<غوی> به کسی گفته می شود که از راه درست و صواب منحرف شده باشد.

۱۰ - مرد اسرائیلی ، عنصری ماجراجو و مصلحت نیندیش در نگاه موسی (ع)

قال له موسی إنّک لغویّ مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۴ - ۴

۴ - اعتقاد موسی (ع) به ضروری بودن وجود هارون در کنار وی ، در مصاف با فرعون

و أخی هرون هو أفصح منّی لسانًا . .. إنّی أخاف أن یکذّبون

بینش مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۳

۳ - مؤمن آل فرعون پیروی از خود را ، موجب دستیابی به راه صواب و درست می دانست .

اتّبعون أهدکم سبیل الرشاد

<رشاد> به معنای اهتدا و راه یافتن است.

بینش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۵

۵ جهاد پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، نشأت یافته از درک صحیح و بینش عمیق آنان نسبت به ارزش جهاد

فهم لایفقهون. لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا

با توجه به فراز پیش (رضوا . .. فهم لایفقهون) مقصود این است که منافقان چون نمی فهمند، از جهاد می گریزند و

لکن مؤمنان، به برکت درک عمیقی که دارند، به سوی عرصه های کارزار پیش می تازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۸

۸ - تحمل دشواری ها در راه دین در نظر مؤمنان راستین ، تنها زمینه ساز برخورداری از مغفرت الهی است و نه تضمینی حتمی .

قالوا لاضیر . .. إنّا نطمع أن یغفر لنا ربّنا

ساحران مؤمن، در عین اظهار آمادگی برای پذیرش هر دشواری، خود را در آن مرتبه ندیدند که حتماً مورد غفران قرار می گیرند; بلکه فقط اظهار امیدواری کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۳

۳ - مؤمنان واقعی ، پایبند به تکالیف فردی و اجتماعی و دارای بینشی ژرف در عقاید دینی

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم بالأخره هم یوقنون

<نماز> برقرار ساختن پیوند عبودیت و بندگی با خدا و <زکات> ایجاد ارتباط با مردم پیرامون خود و دستگیری از نیازمندان جامعه است. بنابراین آوردن <پرداخت زکات> پس از <اقامه صلاه> بیانگر این حقیقت است که مؤمنان واقعی تنها به فکر خود نیستند; بلکه با مردم جامعه خود نیز ارتباطی مسؤولانه دارند. گفتنی است که <یقین به آخرت> که عبارت از اعتقاد قطعی است بیانگر آن است که مؤمنان واقعی در مسائل اعتقادی دارای بینشی عمیق و تردیدناپذیراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴ - ۵

۵ - مؤمنان به آخرت ، برخوردار از بینش درست نسبت به ارزش ها و ضد ارزش ها و به دور از

تحیّر و سرگردانی در زندگی

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره . .. فهم یعمهون

با استفاده از مفهوم آیه و نیز از تقابل میان آن و آیه پیشین، می توان گفت که مؤمنان به آخرت (برخلاف کافران) نه گرفتار بینش غلط در ارزش گذاری اند و نه گرفتار حیرت و سرگردانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۶

۶ - قدرت و ثروت (هر چند بسیار و افسانه ای باشد) در نگاه اهل معرفت و مؤمنان دین شناس ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی است .

و قال الذین أُوتوا العلم ویلکم ثواب اللّه خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۷ - ۷

۷ - صاحبان ایمان ، قبض و بسط های اقتصادی را ، از آیات خداوند تلقی می کنند .

أنّ اللّه یبسط الرزق . .. إنّ فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۱

۱- مؤمنان ، متکی به برهان و عقل و کافران ، دلخوش به پندار و هوای نفس

أفمن کان علی بیّنه من ربّه . .. و اتّبعوا أهواءهم

در واژه <بیّنه> شناخت عقلی نهفته است. از مقابله آن با <أهواء>، مطلب بالا استفاده می شود.

بینش هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۶

۶ - فرعون در دیدگاه موسی و هارون (ع) ، فردی خودکامه و سرکوبگر حقیقت بود .

نخاف أن یفرط علینا أو أن یطغی

احتمال فرصت ندادن

فرعون به موسی و هارون(ع)، برای بیان حقیقت، ناشی از شناخت آنان از خودکامگی فرعون است و احتمال افزایش طغیان گری او، برخاسته از آگاهی آن دو به روحیه مقاومت و لجاجت او در برابر حق است.

بینش همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ هم بندان یوسف در زندان مصر ، به شخصیت والای یوسف (ع) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند .

إنا نریک من المحسنین

بینش هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۳

۳ هود (ع) ، پس از ابلاغ پیام های الهی و اتمام حجت بر مردم ، خویشتن را مسؤول اعراض آنان نمی دانست .

فإن تولّوا فقد أبلغتکم ما أُرسلت به إلیکم

روشن است که جمله <فقد أبلغتکم . ..> نمی تواند جواب شرط <فإن تولّوا ...> باشد; زیرا هود(ع) رسالت خویش را ابلاغ کرده بود چه مردم اعراض کنند و چه ایمان آورند بلکه آن جمله سببِ جواب و جانشین آن می باشد; یعنی، اگر اعراض کنید، من مسؤولیتی ندارم و مؤاخذه ای بر من نیست; زیرا آنچه را که به خاطر آن به سوی شما فرستاده شده بودم، به شما ابلاغ کردم.

بینش یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۹

۹ یعقوب (ع) فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی را ، وادار کننده فرزندانش بر توطئه علیه یوسف (ع) دانست .

بل سوّلت لکم

أنفسكم أمرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۵،۱۵،۲۵

۵ یعقوب (ع) ، ماجرای گرفتاری بنیامین را نتیجه توطئه ای برخاسته از جلوه پرداز های نفس فرزندان خویش دانست .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

جمله <سوّلت لکم . ..> ; یعنی ، نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت. این جمله حاکی از اطمینان یعقوب به توطئه فرزندانش است.

۱۵ یعقوب (ع) پیشه ساختن صبر و بردباری را زمینه ساز یاری خداوند در رفع مشکلات می دانست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

۲۵ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۶ – ۴،۶

۴ یعقوب (ع) تنها خداوند را بر زایل ساختن غم و اندوهش توانا می دانست .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

هدف یعقوب(ع) از شکایت کردن از حزن و اندوهش به خدا ، درخواست زایل کردن آنها از او بود.

۶ یعقوب (ع) با بیان اینکه از غم و اندوهش به اطرافیان و فرزندانش شکایت نمی کند ، خویشتن را سزاوار ملامت آنان نمی دید .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف . .. قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف –

۱ - ۸۷ - ۱۲

۱ یعقوب (ع) بر این باور بود که یوسف (ع) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن ، پیدا خواهند شد .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

بینش یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۲

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۸

۲۸ یوسف (ع) ، تسلیم شدن در برابر تمنای نامشروع زلیخا را ، مصداقی از ستم کاری می دانست .

إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲،۳،۱۰،۱۸،۱۹

۲ زندانی شدن و خوار گشتن ، محبوب تر از گناه و معصیت ، در پیش حضرت یوسف (ع) و بندگان مخلص خدا

قال رب السجن أحب إلیّ مما یدعوننی إلیه

۳ رنج و محنت در راستای اطاعت خداو حفظ حریم عفت ، امری محبوب و ارزشمند برای یوسف (ع) و بندگان خالص خداوند

مما يدعوننی إليه

۱۰ یوسف (ع) بدون امداد الهی ، خویشتن را از مقاومت در برابر خواست نامشروع زلیخا و همپالگی های او ناتوان می دید .

و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

۱۸ یوسف (ع) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را ، سقوط به ورطه سفاهت و بی خردی می دانست .

و إلّا تصرف . .. أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

جهل به معنای سفاهت در مقابل عقل ، و نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشد. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

۱۹ یوسف (ع) ، ارتکاب گناه و پذیرش تقاضای زلیخا و همپالگی های او را ، موجب از دست دادن علم و حکمت خدادادی خویش می دانست .

ءاتینه حکمًا و علمًا . .. و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از جهل نادانی باشد. بر این مبنا می توان گفت: مقصود یوسف(ع) از جاهل شدن ، سلب گشتن علم و حکمتی است که خداوند به او عطا کرده بود (ءاتیناه حکماً و علماً) <آیه ۲۲>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۰ – ۱۰

۱۰ ارزش اعاده حیثیت و شرف بیش از ارزش رهایی از زندان و نجات از دشواری ها و مشکلات ، در بینش یوسف (ع)

فلما جاءه الرسول قال ارجع إلی ربك فسئله ما بال النسوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۳ – ۲

۲ یوسف (ع) از این

اندیشه که امور خویش را خود بدون عنایت الهی تدبیر کند ، مبرّا و منزه بود .

و ما أُبرّءُ نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۵

۵ یوسف (ع) جهل و نادانی برادرانش را منشأ ستم آنان به وی و بنیامین دانست .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۴

۱۴ یوسف (ع) تحقق امور را به مشیت خداوند می دانست و در عین قدرت و مکنت ، به او اتکا داشت .

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

بینش یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۶

۶- خدمت کار موسی ، غفلت خود را از یادآوری ماجرای ماهی به موسی (ع) ، ناشی از نفوذ شیطان در خود دانست .

و ما أنسنیه إلّا الشیطن أن أذکره

بینش یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۸

۱۸- در دیدگاه یونس (ع) ، خروج از میان قوم خود بدون اذن الهی ، ظلمی به خویش بود .

إذ ذهب مغضبًا . .. إنّی کنت من الظلمین

بینش یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۳

۳ - یهودیان ، ناتوانی خویش را از پذیرش اسلام ، برخاسته از فطرت و خلقت خویش پنداشته ، خود را معذور می دانستند .

و قالوا قلوبنا غلف

جمله <لعنهم

اللّه یکفرهم> (خدا یهودیان را بسزای کفرشان لعنتشان کرده است) با جمله تفریع شده بر آن (فقلیلا ما یؤمنون; و لذا کمتر ایمان می آورند) به خوبی می رساند که: ادعای یهود مبنی بر ناتوانی از درک معارف اسلام ادعای صحیحی است. بنابراین کلمه <بل> رد معنای مطابقی <قلوبنا غلف> نیست; بلکه نفی معنایی است که می توان گفت مقصود اصلی یهودیان بوده و آن معذور بودن به خاطر درک نکردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۸

۴۸ - ترجیح منافع دنیوی بر منافع اخروی ، در دیدگاه یهودیان ساحر

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق و لبئس ماشروا به أنفسهم لو کانوا یعلم

کسی که بداند با دستیابی به منافعی نامشروع، آخرت خویش را از دست داده است (لقد علموا . ..) ولی در عین حال به زیانباری این داد و ستد اعتقاد نداشته باشد (لو کانوا یعلمون)، معلوم می شود وی منافع دنیوی را بر آخرت ترجیح می دهد.

تحلیل بینش منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ تحلیل نظریات و سخنان منافقان ، در گرو تبیین انگیزه های درونی و گرایش های روحی آنان

و منهم من یلمزک فی الصدقت . .. إذا هم یسخطون

از اینکه خداوند برای بیان نادرستی داوری منافقان به تبیین انگیزه های مادی آنان پرداخته است، برداشت فوق استفاده می شود.

حقیقت بینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۶

۶- بینش ، حقیقتی فراتر از

ادراکات حسی است .

أعینهم فی غطاء عن ذکری و کانوا لایستطیعون سمعًا

زیرا، کافران، از حواس ظاهری سالم برخوردارند و با این حال، از درک حقایق ناتوان اند.

زمینه بینش پوچی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۴

۴ - انکار معاد ، مستلزم بیهوده شمردن آفرینش انسان

أنّما خلقنکم عبثًا و أنّکم إلینا لاترجعون

زیان در بینش مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۶ - ۳

۳ - مصرف ثروت برای رفع نیازمندی های مردم ، در دیدگاه منکران معاد ، خسارتی سنگین و جبران ناپذیر است .

أهلکت مالاً لبدًا

انتخاب تعبیر <أهلکت> و پرهیز از گفتن <أنفقت> و نظایر آن، بیانگر این است که گوینده، مال های مصرف شده را <هلاک شده> می پندارد. این بینش ممکن است برخاسته از انکار پاداش انفاق، بر اثر انکار معاد باشد.

سلب بینش صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ سلب قدرت بینش و برداشت صحیح از آیات الهی، نمودی از گمراه ساختن خداوند است.

و الذین کذبوا بأیتنا صم و بکم فی الظلمت من یشإاللّه یضللّه

جمله <من یشإاللّه> بیانگر این معنی است که کری و لالی تکـذیب کننـدگان آیات الهی تحقق همان مشـیت الهی در مورد گمراه ساختن تکذیب کنندگان است.

شگفتی بینش مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۴ - ۱،۲

۱ - داوری و دیدگاه مشرکان درباره خداوند ، بی اساس و شگفت آور است .

أصطفی البنات

على البنين . ما لكم كيف تحكمون

استفهام در آيه شريفه، از نوع استفهام انكارى و تعجبى است.

۲ - انتساب برگزيدن دختر به خداوند به جاى پسر داورى ناشايست و شگفت آور

أصطفى البنات على البنين . ما لكم كيف تحكمون

عوامل بطلان بينش اهل كتاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۲۹ - ۱

۱ - بعثت پيامبراكرم (ص) و ظهور امت جديد و بالنده اسلام ، خط بطلانى بر پندار باطل اهل كتاب بود .

يأيها الذين ءامنوا . .. ءامنوا برسوله ... لئلّايعلم أهل الكتب ألّايقدرون على شى

كلمه <لا> در <لئلّايعلم> زايد است؛ يعنى، تا اهل كتاب بدانند كه هيچ بخشى از فضل خداوند در حوزه اختيار آنان قرار ندارد.

مبارزه با بينش غلط

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۹

۹ پيشوايان و مبلغان دين وظيفه دار مبارزه با پندارهاى غلوآميز مردم درباره آنان

قل لا أقول لكم . .. إنى ملك

الزام پيامبر(ص) به اعلام موارد مذكور در آيه الزامى است براى همه مبلغان و پيشوايان دين كه اين موارد را براى مردم بيان نمايند.

ملاک ارزش بينش

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۴ - ۸

۸ – فاصله دیدگاه ها با واقع ، معیاری در ارزش یابی و ارزش گذاری آنها است .

إذ یقول أمثلهم طریقه إن لبثتم إلاّیومًا

منشأ بینش ذلت یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۷ – ۱۱

۱۱ – پندار ذلّت برای یتیمان ،

مایه توهّم معیار بودن ثروت برای عزّت مندی است .

نعّمه فیقول ربّی أکرمن . .. کلاّ بل لاتکرمون الیتیم

کلمه کلاّ به قرینه تقابل <اکرمن> و <لاتکرمون> این نکته را گوشزد می کند که گوینده <ربّی اکرمن>، اگر یتیمان را محترم و گرامی می دانست، ثروت را مایه احترام نزد خداوند، قرار نمی داد; زیرا در آن صورت معترف بود که یتیم با وجود محرومیت از ثروت نیز گرامی است; ولی حال که یتیمان را گرامی نمی شمارد، این گمان برای او پدیدار شده است که فقط ثروتمندان نزد خداوند محترم اند.

منشأ بینش غلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۸

۱۸ نیندیشیدن، ریشه تلقی نادرست مشرکان از پیامبری و توقّعات نابجای آنان است.

قل لا أقول لکم عندی خزائن اللّه . .. أفلاتتفکرون

جمله توبیخی <أفلا تتفکرون> دعوتی است به تفکر در تمامی معارف عنوان شده در این دسته آیات

موانع بینش صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۷

۷- گرفتار آمدن به لعن الهی ، عامل محرومیت انسان از حق شنوی و بینش صحیح

لعنهم اللّه فأصمّهم و أعمی أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۲ - ۲

۲ - گناه ، مانع بینش صحیح و زمینه ساز باطل دیدن راه مؤمنان

إنّ الذین أجرموا . .. و إذا رأوهم قالوا إنّ هؤلاء لضالّون

موجبات بینش غلط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۵ – ۹

۹ رفاه و آسایش

فراوان ، زمینه ساز غفلت از یاد خدا و پیدایش بینش های غیر الهی است .

ثم بدلنا . .. حتی عفوا و قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

نشانه های بینش صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ - رهایی از وابستگی به دنیا ، آخرت خواهی ، ترک رفتار زشت و انجام عمل صالح ، از نشانه های دستیابی به راه درست در زندگی

اتّبعون أهدکم سبیل الرشاد . .. إنّما هذه الحیوه الدنیا متع ... من عمل سیّئه ..

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که یادشدن مسأله زندگانی دنیا و آخرت، ترک رفتار زشت و انجام عمل صالح پس از طرح مسأله هدایت به راه درست زندگی می تواند به عنوان مصداق و مظهر این هدایت باشد.

نشانه های بینش غلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۱۱

۱۱ - انکار قرآن ، نشانه خروج از بینش صحیح در شناخت وحی و رسالت است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

برداشت فوق با توجه به معنای فسق (خروج از حد اعتدال) استفاده شده است. خروج از اعتدال در مقوله ایمان - که یک مقوله معرفتی و شناختی است - به نداشتن اندیشه و بینش صحیح باز می گردد.

نقش بینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۰ - ۲

۲ - گرایش های مادی و معنوی انسان ، متأثر از محدوده دید و بینش او است .

و لم يرد إلّا الحيوه الدنيا

ذلك مبلغهم من العلم

عبارت <ذلك مبلغهم. ..>، می تواند جنبه تعلیلی برای دنیامداری مشرکان داشته باشد; یعنی، چون آنان از درک معارف معنوی عاجزاند، بنابراین تمامی همت خویش را در دنیا و مظاهر آن خلاصه کرده اند.

نقش بینش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۹ - ۵

۵ - وحی و داوری خداوند ، تابع داوری ها و دیدگاه های انسان ها نیست .

أم لكم أيمن . .. إنّ لكم لما تحكمون

بینش توحیدی

{بینش توحیدی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۱

۱۱ بینش توحیدیِ قرآن در تحلیل حوادث تاریخی

و تلك الايّام نداولها بين النّاس

مستفاد از انتساب گردش حوادث تاریخی به خداوند (نداولها).

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹